

مکاشفه 18: فریاد بلند - 2018-2030

او سقوط کرده است، او سقوط کرده است،

بابل بزرگ! «ای

...قوم من از میان او بیرون بیاید

ساموئل ارائه می دهد

دانیال و مکاشفه را برای من

توضیح دهید

دلایل نبوی که خداوند

آیات نهایی خود را برای برگزیدگانش وجود
دارد

در این اثر: پروژه او - قضاوت او

(7-7th-5994) نسخه: 2023-09-23

و صدای مردی را در میان اولای شنیدم»

او گریه کرد و گفت: جبرئیل، رؤیا را برای او توضیح بده.» دانیال 8:16

یادداشت توضیحی جلد

از بالا به پایین: پیام های سه فرشته مکاشفه 14

اینها سه حقیقت از کتاب دانیال است که پس از محاکمه بهار 1843 و پس از آن در 22 اکتبر 1844 به مقدسین نازل شد. ادونتیست های اولیه با نادیده گرفتن نقش سبت، نمی توانستند معنای واقعی این پیام ها را درک کنند. ادونتیست هایی که منتظر بازگشت مسیح بودند، تجربه خود را به « فریاد نیمه شب » یا « نیمه شب » که در تمثیل « ده باکره » از متی 25:1 تا 13 ذکر شده است، مرتبط کرده بودند، جایی که اعلان بازگشت از داماد « ذکر شده است

و موضوع پیام فرشته اول در مکاشفه 7:14 توسعه یافت: Dan.8:13-14 موضوع داوری در 1- " از خدا بترسید و او را جلال دهید زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است و او را که انجام داده است پرستش کنید. زمین و آسمان و چشمه های آب! : بازگشت به شنبه، تنها روز هفتم راستین امر الهی، سبت یهود و روز استراحت هفتگی، مورد نیاز خداوند در چهارمین فرمان از ده فرمان خود است.

2- تقبیح روم پاپ، " شاخ کوچک " و " شاه متفاوت " دانیال 7: 8-24 و 8: 10-23 تا 25، که نام " بابل بزرگ " را در پیام دومین فرشته آپو دریافت می کند. 8:14: « بابل بزرگ سقوط کرد، او سقوط کرد! " : عمدتاً به دلیل یکشنبه، " روز خورشید " سابق که از امپراتور کنستانتین اول به ارث رسیده است که آن را در 7 مارس 321 تأسیس کرد. اما این عبارت " سقوط " با آشکار شدن ماهیت نفرین شده آن توسط خداوند توجیه می شود. پس از 1843، در 1844، آن را با بازگرداندن سبت متروک به خدمتکاران ادونتیست خود معرفی کرد. « سقوط کرده است » یعنی: گرفته شده و شکست خورده است. خدای حقیقت بدین ترتیب پیروزی خود را در برابر اردوگاه دروغ دینی اعلام می کند.

3- موضوع آخرین داوری که در آن " آتش مرگ دوم " شورشیان مسیحی را می زند. این تصویر است، موضوع در مکاشفه 10:20-15 توسعه یافته است، و Dan.7:9-10 ارائه شده در موضوع پیام فرشته سوم در مکاشفه 9:14-10 است: " و فرشته ثالثی به دنبال آنها رفت و با صدای بلند گفت: اگر کسی وحش و تصویر او را پرستش کند و بر پیشانی یا دست خود اثری بیفتد، شراب خشم خدا را نیز که بدون آن ریخته شده است بنوشد. در جام خشم او مخلوط شود، و او با آتش و گوگرد، در برابر فرشتگان مقدس و در برابر بره عذاب خواهد شد: در اینجا یکشنبه با « نشان وحش » مشخص می شود.

به مطابقت یکسان اعداد آیات مورد نظر در دانیال 7: 9-10 و مکاشفه 14: 9-10 توجه کنید.

فرشته چهارم: او فقط در آپو ظاهر می شود. 18 جایی که اعلان نهایی سه پیام ادونتیست قبلی را به تصویر می کشد که از تمام نور الهی که از سال 1994 و تا پایان جهان آمده تا آنها را روشن کند، بهره می برد. بهار 2030 این نقشی است که این اثر باید ایفا کند. نوری که آمد تا آن را روشن کند، گناهان متوالی را آشکار می کند: مذهب کاتولیک، از سال 538؛ مذهب پروتستان، از سال 1843؛ و مؤسسه رسمی ادونتیست، از سال 1994. همه این سقوط های روحانی، در زمان خود علت داشتند: امتناع از نور پیشنهاد شده توسط روح القدس خدا در عیسی مسیح. " در زمان پایان " ذکر شده در کلیسای کاتولیک در نفرین خود، همه گروه های مذهبی، مسیحی یا غیر مسیحی را، Dan.11:40

که خدمت و اقتدار آن را به رسمیت می شناسند، گرد هم می آورد. این اتحاد تحت حمایت به اصطلاح اتحاد "کلی" خود که پس از پروتستانتیسم، ادونتیسیم رسمی در سال 1995 به آن پیوست

دوم قرن‌تیان 4-3:

اگر انجیل ما همچنان پوشیده است، برای کسانی که در حال هلاکت هستند پوشیده... «
است. برای کافران که خدای این عصر عقلشان را کور کرده است تا شکوه انجیل جلال
» . مسیح را که تصویر خداست نبینند

«و اگر کلام نبوی اشتباه فهمیده شود، فقط برای کسانی که باید گم شوند، باقی می‌ماند»

« همچنین در خلاصه آیات ارائه شده در این سند بدانید که برای « توجیه قدوسیت
از بهار سال 1843 که با حکم خالق و قانونگذار خدای دانیال 8:14، مطابق با « انجیل
ابدی » او، تأسیس شد

،در سرتاسر زمین، هر مرد و هر زن

باید با غوطه وری کامل به نام عیسی مسیح تعمید داده شود تا فیض الهی را به دست
آورد،

باید شنبه ، هفتمین روز سبت را که توسط خدا در پیدایش 2 تقدیس شده است، و چهارمین
فرمان^{ان} 10 فرمان او که در خروج 20 ذکر شده است، رعایت کنند. این برای حفظ فیض
او

باید به قوانین اخلاقی الهی و قوانین غذایی که در کتاب مقدس، در پیدایش 1:29 و لایوان
11، (قدوسیت بدن) تجویز شده است، احترام بگذارند

و نباید « کلام نبوی او را تحقیر کند » تا « روح خدا را خاموش نکند » (اول تسالونیکیان
5:20).

هرکسی که این معیارها را برآورده نکند، توسط خدا محکوم به " مرگ دوم " توصیف
شده در مکاشفه 20 می شود

ساموئل

توضیح دهید - من دنیل و آخرالزمان

صفحه بندی موضوعات تحت پوشش

بخش اول: یادداشت های مقدماتی

از جستجوی خودکار شماره صفحات نرم افزار مورد استفاده استفاده می کند

صفحه	عنوان
07	ارائه
12	خدا و مخلوقاتش
13	مبانی حقیقت کتاب مقدس
16	یادداشت اساسی : 7 مارس 321، روز نفرین شده گناه
26	شهادت خدا بر روی زمین
28	نکته : شهادت را با عقوبت اشتباه نگیرید
29	پیدایش: یک خلاصه نبوی حیاتی
30	ایمان و کفر
33	غذا برای آب و هوای مناسب
37	تاریخ نازل شده ایمان واقعی
39	یادداشت های مقدماتی برای کتاب دانیال
41	همه چیز در دانیل - کتاب دانیل آغاز می شود
42	دانیال 1 - ورود دانیال به بابل
45	دانیال 2 - مجسمه رویای پادشاه نبوکدنصر
56	دانیال 3 - سه همراه در کوره
62	دانیال 4 - پادشاه تحقیر و تبدیل شد
69	دانیال 5 - داوری پادشاه بلشصر
74	دانیال 6 - دانیال در لانه شیر
79	چهار حیوان و شاخ پاپ کوچک <i>The</i> - دانیال 7
90	Dan.8:14 دانیال 8 - هویت پاپی تأیید شد - حکم الهی
103	دانیال 9 - اعلام زمان خدمت زمینی عیسی مسیح
121	دانیال 10 - اعلام مصیبت بزرگ - رؤیاهای بلا
127	دانیال 11 - هفت جنگ سوریه
146	دانیل 12 - ماموریت جهانی ادونتیسست ها به تصویر کشیده شده و تاریخ گذاری شده است
155	مقدمه ای بر نمادگرایی نبوی
158	ادونتیسیم
163	اولین نگاه به آخر الزمان
167	نمادهای روم در نبوت
173	نور در روز سبت
176	حکم خدا از دانیال 8:14
179	آمدگی برای آخر الزمان
183	آخر الزمان در خلاصه
188	بخش دوم: بررسی دقیق آخر الزمان
188	Adventist مکاشفه 1 : مقدمه-بازگشت مسیح-مضمون
199	مکاشفه 2 : مجمع مسیح از آغاز تا 1843
199	- دوره دوم : اسمیرنا - دوره سوم : پرگامون اول : افسوس - دوره
	دوره چهارم : تیاتیرا
216	مکاشفه 3 : مجمع مسیح از سال 1843 - ایمان مسیحی رسولی احیا شد
216	- دوره ششم : فیلادلفیا دوره پنجم : ساردیس -
223	در اولین دید الن جی وایت آشکار شد Adventism سرنوشت
225	دوره هفتم : لائودیسه
229	مکاشفه 4 : داوری آسمانی
232	نکته : شریعت الهی پیشگویی می کند
239	مکاشفه 5 : پسر انسان
244	مکاشفه 6 : بازیگران، مجازات های الهی و نشانه های دوران مسیحیت - 6 مهر اول

- 251 « مکاشفه 7 : ادونتیسیم روز هفتم با « مهر خدا » مهر شد: سبت و راز « مهر هفتم
- 259 مکاشفه 8 : چهار " شیپور " اول
- 268 " مکاشفه 9 : 5 و 6 " شیپور
- 268 " پنجمین " ترومپت
- 276 " ششم " ترومپت
- 286 " مکاشفه 10 : " کتاب باز کوچک
- 291 پایان قسمت اول مکاشفه
بخش دوم: مضامین توسعه یافته
- 292 " مکاشفه 11 : سلطنت پاپ - الحاد ملی - هفتمین " ترومپت
- 305 مکاشفه 12 : طرح مرکزی بزرگ
- 313 مکاشفه 13 : برادران دروغین دین مسیحیت
- 322 مکاشفه 14 : زمان ادونتیسیم روز هفتم
- 333 مکاشفه 15 : پایان دوره آزمایشی
- 336 مکاشفه 16 : هفت آخرین بلای خشم خدا
- 345 مکاشفه 17 : فاحشه نقاب بردار و شناسایی می شود
- 356 مکاشفه 18 : فاحشه مجازات خود را دریافت می کند
- 368 مکاشفه 19 : نبرد آرمگدون عیسی مسیح
- 375 مکاشفه 20 : هزار سال هزاره هفتم و آخرین داوری
- 381 مکاشفه 21 : اورشلیم جدید جلال یافته نماد
- 392 مکاشفه 22 : روز بی پایان ابدیت
- 405 نامه می کشد اما روح زندگی می بخشد
- 408 زمان زمینی عیسی مسیح
- 410 تقدس و تقدیس
- 424 - جدایی های پیدایش - از پیدایش 1 تا 22
- 525 ..تحقق وعده های داده شده به ابراهیم: پیدایش 23 به
- 528 خروج و موسی وفادار - از کتاب مقدس به طور کلی - ساعت آخرین انتخاب - ظهورگرایی
تحریف - Z تا A روز هفتم: جدایی، یک نام، یک تاریخ - قضاوت های اصلی خدا - الهی از
متون کتاب مقدس - روح حقیقت را باز می گرداند
- 547 تقدیم نهایی
- 548 آخرین تماس

توجه: ترجمه به زبان های خارجی با استفاده از نرم افزار ترجمه خودکار انجام می شود، نویسنده فقط مسئول متون به زبان فرانسوی، زبان نسخه اصلی اسناد است.

دانیال و مکاشفه را برای من توضیح دهید

ارائه

من در این کشور بسیار نفرت انگیز به دنیا آمدم و زندگی می‌کنم، زیرا خدا به طور نمادین پایتخت آن را " سدوم و مصر " در مکاشفه 11:8 نامگذاری کرده است. الگوی جامعه آن، جمهوری خواه، حسادت‌آمیز، تقلید، گسترش یافت و توسط بسیاری از مردم در سراسر جهان پذیرفته شد. این کشور فرانسه است، یک کشور سلطنتی و انقلابی مسلط، آزمایش کننده پنج جمهوری با رژیم های باج خواهی محکوم شده توسط خداوند. با افتخار، جداول حقوق بشر خود را اعلام می‌کند و به نمایش می‌گذارد، برخلاف جداول وظایف انسانی که در قالب «ده فرمان» توسط خود خدای خالق نوشته شده است. از زمان پیدایش و اولین سلطنت خود، از دشمن خود دفاع کرده است، مذهب کاتولیک رومی که تعالیم آن هرگز از نامیدن «شر» آنچه که خدا «خوب» می‌نامد و «خوب» آنچه را که او «شر» می‌نامد متوقف نشده است. " انقلابش با ادامه سقوط بی‌وقفه‌اش، آن را به پذیرش بی‌خدایی سوق داد. بنابراین، فرانسه به عنوان یک مخلوق، کوزه ای از زمین، درگیر یک بن بست است که آن را با خدای قادر مطلق، یک دیگ آهنی اصیل، مخالفت می‌کند. نتیجه توسط او قابل پیش بینی و پیشگویی بود. او سر نوشت " سدوم " را تجربه خواهد کرد که گناهان مشابهی را قبل از او انجام داده است. تاریخ جهان در حدود 1700 سال اخیر تحت تأثیر نفوذ شیطانی آن، به ویژه حمایت آن از اقتدار رژیم پاپی کاتولیک رومی، از اولین پادشاه آن، کلویس اول، اولین پادشاه فرانک ها، شکل گرفته است. او در 25 دسامبر سال 498 در ریمز غسل تعمید داده شد. این تاریخ نشان از جشن کریسمس دارد که توسط روم، به طور ناعادلانه و ظالمانه، به تاریخ دروغین تولد عیسی مسیح، خدای متجسد، خالق جهان و جهان مرتبط است. هر چیزی که زندگی می‌کند یا وجود دارد؛ کسی که به درستی عنوان " خدای حقیقت " را مدعی است، زیرا از " دروغی که شیطان پدرش است " متنفر است، همانطور که عیسی اعلام کرد

آیا مدرک غیرقابل انکاری می‌خواهید که هیچ پاپ رومی در ادعای خادمی عیسی مسیح مشروع نیست؟ این دقیقاً و بر اساس کتاب مقدس است: عیسی در متی 23:9 گفت: « و هیچ‌کس را در « زمین پدر خود نخوانید. زیرا یکی پدر شماست که در بهشت است

پاپ روی زمین چه نامیده می‌شود؟ همه می‌توانند آن را ببینند، " پدر مقدس " یا حتی " پدر بسیار مقدس ". به کشیش های کاتولیک « پدر » نیز گفته می‌شود. این نگرش سرکش باعث می‌شود انبوهی از کشیشان خود را به عنوان واسطه های ظاهراً ضروری بین خدا و گناهکار قرار دهند، در حالی که کتاب مقدس دسترسی آزادانه به خدا را که توسط عیسی مسیح مشروعیت یافته است را برای او آموزش می‌دهد. به این ترتیب، ایمان کاتولیک، انسان ها را شیرخوار می‌کند تا ضروری و ضروری به Dan.8:11-12 نظر برسند. این انحراف از شفاعت مستقیم عیسی مسیح توسط خدا در یک پیشگویی در محکوم خواهد شد. پرسش-پاسخ: چه کسی می‌تواند باور کند که خداوند خالق قدرتمند می‌تواند انسان‌هایی و 8:25 از او نافرمانی می‌کنند، به عنوان Dan.7:8 را که با چنین « تکبر » وحشیانه‌ای که در است: Jer.17:5 خدمتگزار خود بپذیرد؟ پاسخ کتاب مقدس به این کودکانه شدن اذهان بشر در این آیه از « یهوه چنین می‌گوید: ملعون است کسی که بر انسان توکل کند، کسی که جسم را برای حمایت از او «! بپذیرد، و قلب خود را از خداوند دور کند

از آنجا که این فرانسه بود که تاریخ مذهبی بخش بزرگی از دوران مسیحیت را شکل داد، خداوند به یک فرانسوی این مأموریت را داد که نقش نفرین شده خود را آشکار کند. این، با روشن کردن معنای پنهان مکاشفات نبوی او که در یک رمز کاملاً کتاب مقدس رمزگذاری شده است

در سال 1975 اعلام رسالت نبوی خود را از طریق رؤیایی دریافت کردم که معنای واقعی آن را تنها در سال 1980 پس از غسل تعمید خود دریافتم. با تعمید در ایمان مسیحی ادونتیست روز هفتم، از سال 2018 می‌دانم که برای یک جشن (7 بار 7 سال) در خدمت خدمت قرار گرفته‌ام که در بهار 2030 با بازگشت با شکوه به پایان می‌رسد. خداوند متعال، عیسی مسیح

. شناخت وجود خدا یا عیسی مسیح برای به دست آوردن نجات ابدی کافی نیست

در اینجا به یاد می‌آورم که عیسی قبل از بازگشت به بهشت، این آیات را از متی 28:18 تا 20 خطاب به شاگردانش کرد: «عیسی پس از نزدیک شدن به آنها چنین گفت: تمام قدرت در آسمان به من داده شده است. روی زمین. پس بروید و همه امتها را شاگرد سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنها بیاموزید که همه آنچه را که به شما امر کرده ام رعایت کنند. و اینک، من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان جهان.» روح الاهی او این اعلامیه رسمی و رسمی دیگر اعمال رسولان 4:12 را در پطرس رسول الهام کرد: «در هیچ دیگری نجات نیست. زیرا هیچ نام دیگری در زیر آسمان به مردم داده نشده است تا ما به وسیله آن نجات پیدا کنیم»

در نتیجه، درک کنید، دینی که ما را با خدا آشتی می‌دهد، به دلیل سنت های بشری مبتنی بر میراث دینی نیست. ایمان به قربانی داوطلبانه کفار ا ارائه شده توسط خدا، از طریق مرگ انسانی او در عیسی مسیح، تنها راه برای به دست آوردن آشتی ما با عدالت کامل قدوسیت الاهی او است. همچنین، هر که باشید، هر منشأ، دین موروثی، قوم، نژاد، رنگ یا زبان یا حتی موقعیت شما در میان مردم، آشتی شما با خدا فقط از طریق عیسی مسیح و پایبندی به تعالیم او که او به آن می‌پردازد، حاصل می‌شود. به شاگردانش تا پایان جهان؛ همانطور که این سند نشان می‌دهد.

تعبیر «پدر، پسر و روح القدس» سه نقش متوالی را مشخص می‌کند که خدای یگانه در طرح نجات خود به انسان گناهکار که به «مرگ دوم» محکوم شده بود، ارائه کرد. این «تثلیث»، آن گونه که مسلمانان معتقدند، اجتماع سه خدا نیست، بنابراین رد این جزم مسیحی و دین آن را توجیه می‌کنند. به عنوان «پدر»، خدا خالق ما برای همه است. او به عنوان «پسر» بدنی از گوشت به خود داد تا گناهان برگزیدگان خود را به جای آنها کفاره دهد. در «روح القدس»، خدا، روح مسیح رستخیز شده، می‌آید تا برگزیدگان خود را کمک کند تا با به دست آوردن «تقدسی که بدون آن هیچ‌کس خداوند را نخواهد دید»، بر اساس آنچه پولس رسول در عبری تعلیم می‌دهد، در تبدیل شدنشان موفق شوند. 14: «تقدیس» یعنی جدا شدن برای خدا و توسط خدا. این امر پذیرش منتخب او را تأیید می‌کند و در آثار ایمان او، در عشق او به خدا و حقیقت الهام شده و مکشوف کتاب مقدس او ظاهر می‌شود.

سطح بسیار بالای نفرینی که بر مردمان زمین، نهادهای مذهبی آنها و کشورهای جهان مسیحیت غرب سنگینی می‌کند، به ویژه به دلیل منشأ مسیحی آنها، ضروری است. زیرا مسیری که عیسی مسیح ترسیم کرده است، مسیر نجات منحصر به فرد و منحصر به فرد پرورده خدا را تشکیل می‌دهد. در نتیجه، ایمان مسیحی هدف اصلی حملات شیطان و شیاطین باقی می‌ماند.

اساساً پروژه نجات طراحی شده توسط خدای خالق ساده و منطقی است. اما دین خصلت پیچیده‌ای پیدا می‌کند، زیرا کسانی که آن را آموزش می‌دهند، صرفاً به فکر توجیه دین خود هستند و با انجام گناه، اغلب از روی ناآگاهی، این تصور دیگر با احکام خداوند مطابقت ندارد. در نتیجه لعن و نفرین خود را به آنها می‌زند که آنها به نفع خود تعبیر می‌کنند و ملامت الاهی را نمی‌شنوند.

این اثر برای دریافت جایزه ادبی در نظر گرفته نشده است. برای خدای خالق، یگانه نقش او این است که برگزیدگان خود را در معرض آزمایش ایمان قرار دهد که به آنها امکان می‌دهد زندگی ابدی را که توسط عیسی مسیح بدست آمده است، بدست آورند. شما در آنجا تکرارها را خواهید یافت، اما این سبکی است که خداوند با چکش زدن همان آموزه هایی که از طریق تصاویر و نمادهای مختلف آشکار می‌کند، استفاده می‌کند. این تکرارهای متعدد بهترین دلیل بر صحت آنهاست و گواه اهمیتی است که او به حقایق مصور مربوطه قائل بود. تمثیل هایی که عیسی تعلیم داد این تأکید و تکرار را تأیید می‌کند.

شما در این اثر مکاشفه‌هایی را خواهید یافت که توسط خدای خالق بزرگ ارائه شده است که ما را تحت نام انسانی عیسی ناصری ملاقات کرده است، که تحت عنوان «مسح‌شده» یا «مسیح» بر اساس «ماشیا» عبری در دان آمده است. 9:25، یا «مسیح»، از «کریستوس» یونانی از نوشته‌های عهد جدید. در او، خدا آمد تا زندگی کاملاً پاک خود را به عنوان قربانی داوطلبانه تقدیم کند، تا آداب قربانی حیوانات را که از زمان گناه اصلی حوا و آدم قبل از آمدن او انجام شده است، تأیید کند. اصطلاح «مسح‌شده» به کسی اشاره می‌کند که مسح روح‌القدس را که نماد آن روغن درختان زیتون است، دریافت می‌کند. وحی نبوی که توسط خدا به نام یگانه عیسی مسیح و کار کفاره او داده شد، برگزیدگان او را در مسیری که به زندگی ابدی منتهی می‌شود، هدایت می‌کند. زیرا نجات از طریق فیض به تنهایی مانع از افتادن برگزیدگان در دام هایی نمی‌شود که او از آن بی‌خبر است. بنابراین برای تکمیل پیشنهاد فیض خود است که به نام عیسی مسیح، خدا می‌آید تا وجود تله های اصلی را آشکار کند که به آخرین بندگان او در زمان

آخر اجازه می دهد تا به تجزیه و تحلیل، قضاوت و درک واضح گنج کننده ها بپردازند. وضعیت دین جهانی مسیحی که در این آخرین دوره رستگاری زمینی حاکم است.

اما قبل از کاشت، توصیه می شود ریشه کن شود. زیرا ماهیت خدای خالق با تعلیم ادیان بزرگ توحیدی رایج در زمین تحریف شده است. وجه مشترک همه آنها در این است که خدای یگانه را با محدودیت تحمیل می کنند و به این ترتیب به جدایی خود و از هرگونه رابطه با او شهادت می دهند. آزادی ظاهری وابسته به ایمان مسیحی تنها به دلیل شرایط کنونی آن زمان است، اما به محض اینکه خداوند به شیاطین اجازه دهد آزادانه عمل کنند، این عدم تحمل نسبت به کسانی که از آنها پیروی نمی کنند دوباره ظاهر می شود. اگر خدا می خواست از طریق قیود عمل کند، کافی بود به سادگی خود را به چشم آنها نشان دهد و از مخلوقاتش به دست آورد که همه خواسته های او را اطاعت کنند. اگر او این گونه عمل نکرده است، به این دلیل است که انتخاب او از منتخبان، صرفاً بر این است که او را دوست داشته باشد یا او را طرد کند. انتخاب آزادانه ای که به همه مخلوقاتش می دهد. و اگر محدودیتی وجود داشته باشد، فقط شخصیت طبیعی برگزیدگان است که توسط طبیعت آزاد فردی خود تحت فشار و جذب خدای عشق قرار می گیرند. و این نام عشق به خوبی به آن می آید، زیرا آن را تعالی می بخشد، با ارائه نمایشی به موجوداتش که آن را غیرقابل اعتراض می سازد. این کار با تقدیم زندگی خود برای کفاره گناهانی که در شخص عیسی مسیح به ارث برده و توسط برگزیدگان او در زمان جهل و ضعف آنها به ارث رسیده و مرتکب شده اند. توجه! روی زمین این کلمه عشق فقط شکل احساس و ضعف آن را به خود می گیرد. خدا قوی و کاملاً عادل است. که تفاوت را ایجاد می کند زیرا به شکل یک اصل است که در آن احساس کاملاً کنترل می شود. بنابراین دین واقعی مورد تایید خداوند بر پابندی آزادانه به شخص، افکار و اصول او که در قوانین وضع شده است، استوار است. تمام زندگی زمینی بر اساس قوانین فیزیکی، شیمیایی، اخلاقی، روانی و معنوی آن بنا شده است. همانطور که ایده فرار از قانون جاذبه زمین و ناپدید کردن آن به ذهن انسان نمی رسد، روح او فقط در احترام و اطاعت از قوانین و اصول تعیین شده توسط خدای خالق می تواند به طور هماهنگ شکوفا شود. و این سخنان پولس رسول از اول قرن نهم 10:31 به این ترتیب کاملاً موجه است: "چه بخورید، چه بنوشید یا هر کار دیگری انجام دهید، همه چیز را برای جلال خدا انجام دهید." اعمال این دعوت رایگان به این دلیل امکان پذیر می شود که در کتاب مقدس، و تنها در آن، خداوند نظرات الهی خود را ابلاغ و آشکار کرده است. و مهم است که نظر او را در انجام کار «تقدیس سازی» در نظر بگیریم که طبق عبرانیان 12:14، «هیچ کس خداوند را نخواهد دید». گاهی نظر او به صورت یک نسخه می شود، اما قابل بحث تر از پزشک متخصصی نیست که انسان با این تصور که به نفع سلامتی خود عمل می کند (حتی جسمی یا روحی) به اطاعت از او عجله می کند. اگر او اشتباه می کند. خدای خالق، بیش از هر چیز، تنها پزشک واقعی ارواح است که او را در کوچکترین جزئیات می شناسد. درد دارد اما هر زمان که شرایط مساعد باشد بهبود می یابد. اما در نهایت، او تمام زندگی آسمانی و زمینی را که ثابت شده است قادر به عشق ورزیدن به او و در نتیجه اطاعت از او نیست، نابود و نابود خواهد کرد.

بنابراین عدم تحمل مذهبی ثمره آشکار دین توحیدی دروغین است. این یک عیب و گناه بسیار جدی است زیرا شخصیت خدا را مخدوش می کند و با حمله به او خطری برای کسب برکت، فیض و رستگاری او ندارد. با این حال، خداوند از آن مانند یک تازیانه برای مجازات و ضربه زدن به بشریت بی ایمان یا بی وفا استفاده می کند. من در اینجا بر شهادت کتاب مقدس و تاریخی تکیه می کنم. در واقع، نوشته های عهد قدیم به ما می آموزد که خداوند برای مجازات کفر قوم خود، ملتی به نام اسرائیل، از قوم «فلسطینی»، نزدیکترین همسایه اش، استفاده کرد. این قوم در زمان ما با نام «فلسطینی» به این عمل ادامه می دهند. بعداً، هنگامی که او خواست قضاوت خود و محکومیت نهایی خود را در مورد این اسرائیل بدنی زمینی آشکار کند، از خدمات پادشاه کلدانی نبوکدنصر استفاده کرد. این سه بار در سال سوم، در - 586، ملت ویران شد و بازماندگان به مدت "70 سال" به بابل تبعید شدند که در ارم. 25:11 پیشگویی شده بود. بعدها، به دلیل امتناع از به رسمیت شناختن عیسی مسیح به عنوان مسیح، ملت دوباره توسط سربازان رومی به رهبری تیتوس، وارث امپراتور و سپاسیان، نابود شد. در دوران مسیحیت، که در سال 321 رسماً به گناه باز گشت، ایمان مسیحی از سال 538 به عدم تحمل پاپ ها واگذار شد. و این مذهب غالب کاتولیک به دنبال نزاع با مردم خاورمیانه بود که در همان قرن ششم از نظر مذهبی مسلمان شده بودند. مسیحیت کافر در آنجا یک دشمن همیشگی هولناک پیدا کرده است. زیرا مخالفت مذهبی دو

اردوگاه مانند قطب است که تا آخر دنیا کاملاً مخالف است. کافر نیز مغرور است و شکوه انحصار را می‌طلبد؛ از خدا نگرفته، آن را به خود نسبت می‌دهد و نمی‌پذیرد که مورد اعتراض قرار گیرد. این توصیف از فرد، همچنین به طور جمعی، اعضای را مشخص می‌کند که به مجامع مختلف تعلق دارند و در ادیان دروغین مختلف با هم گروه می‌شوند. محکوم کردن نابردباری به معنای بردبار بودن خداوند نیست. عدم تحمل یک عمل انسانی است که از اردوگاه اهریمنی الهام گرفته شده است. لغت مدارا به معنی تفکر عدم تحمل و کلمه ایمان واقعی تایید یا عدم تایید بر اساس اصل کتاب مقدس "بله یا نه" است. خداوند به نوبه خود از وجود شر بدون تحمل آن حمایت می‌کند. او از آن برای زمان آزادی برنامه ریزی شده در پروژه خود برای انتخاب مقامات منتخب خود حمایت می‌کند. بنابراین کلمه مدارا فقط در مورد بشریت صدق می‌کند و این اصطلاح در فرمان نانت هنری چهارم در 13 آوریل 1598 ظاهر شد. اما پس از پایان زمان فیض، شر و کسانی که انجام می‌دهند نابود خواهند شد. تساهل و تسامح از ابتدا جایگزین آزادی مذهبی شده بود که خداوند به انسان داده بود.

منوی این اثر اعلام می‌شود؛ شواهد در سراسر صفحات ارائه و نشان داده خواهد شد.

خدا و مخلوقاتش

واژگان معنوی استفاده شده توسط مردان در اروپای لاتین پیام‌های ضروری ارائه شده توسط خدا را پنهان می‌کند. همین طور است، اول از همه، با کلمه آخرالزمان که از این جنبه، فاجعه بزرگی را که انسان‌ها از آن می‌ترسند، تداعی می‌کند. با این حال، در پس این اصطلاح ترسناک، ترجمه «مکاشفه» نهفته است که به بندگان در مسیح چیزهای ضروری برای نجات آنها را آشکار می‌کند. با توجه به این اصل که شادی برخی باعث بدبختی برخی دیگر می‌شود، کسانی که در اردوگاه مقابل

هستند، پیام های متضاد مطلق از نظر تعلیم بسیار غنی است و اغلب در «مکاشفه» بسیار مقدسی که به یوحنا رسول داده شده است، پیشنهاد می شود.

اصطلاح دیگر، کلمه "فرشته" درس های مهمی را پنهان می کند. این کلمه فرانسوی از کلمه به معنای پیام رسان گرفته شده است. این "aggelos" گرفته شده است که از یونانی "angelus" لاتین ترجمه ارزشی را که خداوند برای مخلوقاتش قائل است، یعنی همتایان خود که آزاد و نسبتاً مستقل آفریده است، برای ما آشکار می کند. زندگی که خدا داده است، این استقلال محدودیت های منطقی را حفظ می کند. اما این اصطلاح «پیام آور» به ما نشان می دهد که خداوند همتایان آزاد خود را پیام هایی زنده می بیند. بنابراین، هر موجودی نشان دهنده پیامی است متشکل از یک تجربه زندگی که با انتخاب ها و موقعیت های شخصی مشخص شده است که آنچه را که کتاب مقدس «روح» می نامد، تشکیل می دهد. هر موجودی به عنوان یک روح زنده منحصر به فرد است. زیرا آنچه را که اولین همتایان آسمانی خدا آفریده، کسانی که به طور سنتی آنها را «فرشتگان» می نامیم، نمی دانستند، این است که کسی که به آنها زندگی و حق حیات بخشیده است، می تواند آنها را پس بگیرد. آنها آفریده شده بودند تا همیشه زندگی کنند و حتی معنی کلمه مرگ را نمی دانستند. این است که برای آنها فاش شود که کلمه مرگ به چه معناست که خداوند بعد زمینی ما را آفرید که در آن نوع بشر یا آدم نقش فانی را پس از گناه باغ عدن ایفا می کرد. پیامی که ما نمایندگی می کنیم تنها در صورتی مورد رضایت خداوند است که با معیارهای او در مورد خیر و صلاح مطابقت داشته باشد. اگر این پیام با معیار شر و بدی خود مطابقت داشته باشد، کسی که آن را حمل می کند از نوع سرکشی است که او را به مرگ ابدی و نابودی نهایی و نابودی کل روح او محکوم می کند.

مبانی حقیقت کتاب مقدس

خداوند خوب و درست دید که اولاً منشأ منظومه زمینی ما را برای موسی آشکار کند تا هر انسانی از آن آگاه شود. او در آنجا به اولویت آموزش معنوی اشاره می کند. او در این عمل مبانی حقیقت خود را که با تنظیم نظم زمان آغاز می شود به ما ارائه می دهد. زیرا خداوند خدای نظم و قوام شریف است. ما در مقایسه با معیارهای آن، جنبه احمقانه و نامنسجم نظم کنونی خود را که توسط مرد گناه ایجاد شده است، کشف خواهیم کرد. زیرا در واقع گناه و گناه اصلی است که همه چیز را تغییر می دهد.

اما قبل از هر چیز درک این نکته ضروری است که «آغاز» مورد اشاره خداوند در کتاب مقدس، و اولین کلمه کتاب به نام «پیدایش»، «منشأ» است، به «آغاز» زندگی مربوط نمی شود، بلکه فقط به آن مربوط می شود. خلقت او از کل بعد زمینی ما که شامل ستارگان کیهان آسمانی است که همگی در روز چهارم پس از خود زمین ایجاد شده اند. با در نظر گرفتن این تفکر، می توان فهمید که این منظومه زمینی خاص که در آن شبها و روزها به دنبال یکدیگر می آیند، برای تبدیل شدن به محیطی

ایجاد شده است که خداوند و برگزیدگان وفادارش و اردوگاه دشمن شیطان با یکدیگر مقابله می‌کنند. این مبارزه خیر الهی در برابر شر شیطان، اولین گناهکار در تاریخ زندگی، دلیل وجود او و مبنای کل مکاشفه پروژه نجات جهانی و چندوجهی اوست. در طول این کار، معنای برخی از کلمات معمایی را که عیسی مسیح در طول خدمت زمینی خود گفته است، کشف خواهید کرد. بنابراین خواهید دید که آنها در پروژه بزرگی که توسط خدای یگانه، خالق همه اشکال حیات و ماده به حرکت در آمده است، چقدر معنا می‌یابند. در اینجا این پُرانتز مهم را می‌بندم و به موضوع نظم زمانی که توسط این حاکم اعلای هستی تعیین شده است باز می‌گردم.

قبل از گناه، آدم و حوا زندگی خود را در طول هفت روز متوالی تشکیل می‌دادند. مطابق با که آن را یادآوری می‌کند، روز هفتم روزی (Decalogue یا) الگوی چهارمین فرمان از ده فرمان است که توسط خدا و انسان برای استراحت تقدیس شده است، و امروز با دانستن آنچه این عمل پیشگویی می‌کند، می‌توان درک کرد که چرا خداوند به آن پایبند است. به این عمل احترام بگذارید در پروژه کلی خود که دلایل این آفرینش زمینی خاص را توضیح می‌دهد، هفته، واحد پیشنهادی زمان، هفت هزار سال را پیشگویی می‌کند که طی آن پروژه بزرگ نمایش جهانی (و چند وجهی) عشق و عدالت او انجام خواهد شد. در این برنامه به قیاس شش روز اول هفته، شش هزاره اول به نمایش عشق و صبر او قرار می‌گیرد. و مانند روز هفتم، هزاره هفتم به استقرار عدالت کامل او اختصاص خواهد یافت. من می‌توانم این برنامه را اینگونه خلاصه کنم: شش روز (هزار سال = شش هزار سال) برای نجات، و هفتم (= هزار سال) برای قضاوت و نابودی یاغیان زمینی و آسمانی. این پروژه نجات به طور کامل بر روی فداکاری داوطلبانه خدای خالق، در جنبه الهی زمینی شخصی که با اراده الهی او، عیسی مسیح در نسخه یونانی یا بر اساس عبری، عیسی مسیح نامیده می‌شود، استوار خواهد بود.

قبل از گناه، در نظم کامل الهی اولیه، تمام روز از دو قسمت مساوی متوالی تشکیل شده است. 12 ساعت از شب قمری با 12 ساعت نور خورشید دنبال می‌شود و این چرخه برای همیشه تکرار می‌شود. در شرایط فعلی ما، این وضعیت تنها دو روز در سال، در زمان اعتدال بهاری و پاییزی ظاهر می‌شود. ما می‌دانیم که فصول کنونی به دلیل کج شدن محور زمین است، و بنابراین می‌توانیم بفهمیم که این کج شدن در نتیجه گناه اصلی توسط زوج اول، آدم و حوا، ظاهر شده است. قبل از گناه، بدون این تمایل، نظم الهی کامل بود.

چرخش کامل زمین به دور خورشید واحد سال را نشان می‌دهد. موسی در شهادت خود داستان خروج عبرانیان را که توسط خدا از بردگی مصر رهایی یافت، بیان می‌کند. و در همان روز این خروج، خدا در خروجی 12:2 به موسی گفت: «این ماه اولین ماه سال برای شما خواهد بود. ماه اول برای شما خواهد بود.» چنین اصراری گواه اهمیتی است که خداوند به آن چیز می‌دهد. تقویم عبری دوازده ماه قمری با زمان در نوسان بود و پس از نظم شمسی، لازم بود سیزدهمین ماه دیگر اضافه شود تا پس از چندین سال انباشت این تأخیر، تطابق دوباره به دست آید. عبرانیان از مصر بیرون آمدند چهاردهمین روز از اولین ماه سال که به طور منطقی در اعتدال بهاری آغاز شد. نامی که دقیقاً به معنای "اولین بار" است.

این دستور خداوند که «این ماه برای شما اولین ماه سال خواهد بود»، پیش پا افتاده نیست، زیرا خطاب به همه افرادی است که تا پایان جهان ادعای نجات او خواهند کرد. اسرائیل عبری، دریافت کننده مکاشفه الهی، تنها پیشتاز پروژه بزرگ نجات جهانی برنامه الهی خود است. زمان قمری او با زمان شمسی مسیح دنبال خواهد شد که از طریق آن پروژه نجات خدا در تمام نور خود آشکار می‌شود.

احیای کامل این معیارهای الهی هرگز بر روی زمینی که توسط انسانهای سرکش و شریر پر از جمعیت است انجام نخواهد شد. با این حال، در رابطه فردی که با خدا داریم، این روح خلاق نامرئی قدرتمند که عشق را به اندازه عدالت بزرگ می‌کند، ممکن است. و هر رابطه‌ای با او باید با جستجوی ارزش‌های او و اولاً ارزش‌های زمان او آغاز شود. این یک عمل ایمانی است، کاملاً ساده و بدون شایستگی خاص. حداقلی برای ارائه از سمت انسانی ما. و نزدیک شدن ما به او خوشایند باشد، رابطه محبت آمیز مخلوق و خالقش ممکن می‌شود. بهشت با شاهکارها یا معجزات به دست نمی‌آید، بلکه با نشانه‌هایی از توجه متقابل، که بیانگر عشق واقعی است. این همان چیزی است که همه می‌توانند در کار

عیسی مسیح کشف کنند، که جان خود را داوطلبانه به نشانه فراخوانی برای نجات تنها معشوق برگزیده خود داد.

پس از این تصویر تحسین برانگیز از امر الهی، به جنبه رقت انگیز نظم انسانی خود نگاه کنیم. این مقایسه بیش از پیش ضروری است، زیرا به ما امکان می‌دهد تا ملامت‌هایی را که خداوند از طریق پیامبرش دانیال نبوت کرده بود، درک کنیم، زیرا عیسی در زمان خود او را تأیید کرد. از جمله این می‌خوانیم: «او برای تغییر زمانه و شریعت طراحی خواهد کرد.» خدا فقط Dan.7:25 سرزنش‌ها در یک معیار از این چیزها را می‌داند. آنچه را که خود او از زمان خلقت جهان بنا کرد و سپس به موسی نازل کرد. چه کسی جرات چنین ظلمی را داشت؟ رژیم مسلطی که به آن «استکبار» و «موفقیت نیرنگ‌هایش» نسبت می‌دهد. ترکیب این معیارها که به عنوان یک «پادشاه متفاوت» نیز توصیف می‌شود، نشان دهنده قدرت مذهبی است. علاوه بر این، متهم به «آزار و اذیت مقدسین»، امکانات تفسیر محدود می‌شود و رژیم پاپ روم را در بر می‌گیرد که تنها از سال 538 با فرمانی به دلیل امپراتور ژوستینیانوس اول تأسیس شد. اما مکاشفه ای به نام آخرالزمان این واقعیت را آشکار خواهد کرد که این تاریخ 538 تنها پیامد و گسترش شری است که از 7 مارس 321 توسط امپراتور روم کنستانتین اول علیه «زمان و قانون الهی» صورت گرفته است. جنایت او اغلب در این مطالعه یادآوری می‌شود، زیرا این تاریخ شیطانی لعنت را به ایمان پاک و کامل مسیحی که در زمان رسولان ایجاد شده بود، وارد می‌کند. این سهیم شدن در گناه، در انتقال، رم امپراتوری بت پرست و روم پاپ کاتولیک رومی، کلید اصلی وحی نبوی است که در شهادت‌های نوشته شده توسط دانیال ساخته شده است. زیرا امپراتور بت پرست استراحت روز اول را برقرار کرد، اما این رژیم پاپ مسیحی است که از نظر دینی آن را به شکل «تغییر یافته»، خاص و انسانی آن از ده فرمان خداوند تحمیل کردند.

یادداشت اساسی: 7 مارس 321، روز لعنتی گناه

و به شدت نفرین شد، زیرا در 7 مارس 321، بقیه روز هفتم مقدس سبت، به دستور یک فرمان سلطنتی مورخ، رسماً با روز اول جایگزین شد. در آن زمان، این روز اول توسط مشرکان به پرستش یعنی خورشید ظالمانه شکست ناپذیر، که SOL INVICTVS خدای خورشید اختصاص داده شد، یعنی قبلاً مورد ستایش مصریان در زمان خروج از پادشاهی بود. عبرانیان، اما همچنین، در آمریکا، توسط اینکاها و آزتک ها، و تا به امروز توسط ژاپنی ها (سرزمین "خورشید طلوع"). شیطان همیشه از همان دستور العمل ها استفاده می کند تا انسان ها را به سقوط و محکومیت خود از سوی خدا سوق دهد. از سطحی نگری و ذهن جسمانی آنها سوء استفاده می کند که آنها را به تحقیر زندگی معنوی و درس های گذشته تاریخی سوق می دهد. امروز، 8 مارس 2021، زمانی که من این یادداشت را می نویسم، اخبار گواه بر اهمیت این خشم، یک لیسه-معظمت واقعی الهی است، و بار دیگر، زمان الهی معنای کامل خود را می گیرد. برای خدا، زمان یک سال از بهار شروع می شود و در پایان زمستان، در تقویم رومی کنونی ما، از 20 مارس تا 20 مارس بعد به پایان می رسد. بنابراین به نظر می رسد که 7 مارس 321 برای خدا در 7 مارس 320 بوده است، یعنی 13 روز قبل از بهار 321. در نتیجه، برای خداوند، سال 320 بود که با عمل زشتی که علیه عادل و عادل او انجام شد، پایان آن مشخص شد. قانون مقدس الهی بر اساس زمان خدا، سال 2020، هفدهمین سالگرد (17: تعداد قضاوت) را در چند قرن از سال 320 تشکیل می دهد. بنابراین جای تعجب نیست که از آغاز سال 2020، لعنت الهی وارد مرحله تهاجمی شده است. در غرب جامعه مردانی که اعتماد و ایمانشان تماماً به علم و پیشرفت آن معطوف شده است، در قالب یک ویروس مسری که باعث وحشت شده است. هر اس نتیجه ناتوانی در ارائه یک درمان یا واکسن موثر علیرغم مهارت های فنی بالای دانشمندان فعلی است. با دادن ارزش نبوی به این 17 قرن، من چیزی اختراع نمی کنم، زیرا برای خدا اعداد معنای معنوی دارند که او آن را آشکار می کند و در ساختن پیشگویی های خود از آن استفاده می کند و دقیقاً در مکاشفه، فصل 17 به این موضوع اختصاص داده شده است. داوری فاحشه ای که بر آبهای بسیار نشسته است. «بابل بزرگ» نام آن است و «آبهای بزرگ» درگیر، «رود فرات» را نشان می دهد که خدا در پیام «ششمین شیپور» مکاشفه 9:13، نماد جنگ جهانی سوم آینده، هدف قرار داده است. در پس این نمادها، کاتولیکسیم پای و اروپای مسیحی خیانتکارانه، سرچشمه و هدف خشم او قرار دارد. مبارزه بین خدا و انسانها تازه شروع شده است. گلدان آهنی در برابر گلدان خاکی، نتیجه مبارزه قابل پیش بینی است. بهتر است، پیشگویی و برنامه ریزی شده باشد. چگونه خدا هفدهمین سالگرد 7 مارس 320 (320)، برای او و برگزیدگانش؛ 321 برای جهان دروغین مذهبی یا بی ادب) را جشن می گرفت؟ مدتهاست بر این باور بودم که از طریق ورود به جنگ جهانی خواهد بود، اما جنگ جهانی که به شکل اتمی پایان خواهد یافت، زیرا خداوند آن را سه بار در دان. 11:40 تا 45، حزقیال 38 و 39 و در نهایت پیشگویی کرده است. در مکاشفه 9:13 تا 21. مبارزه ای که خداوند علیه بشریت سرکش از بهار 2020 آغاز کرد، از همان نوع مبارزه ای است که او علیه فرعون مصر در زمان موسی انجام داد. و نتیجه نهایی یکسان خواهد بود. دشمن خدا در آنجا جان خود را از دست می دهد، مانند فرعون که در زمان خود دید که پسر اولش مرد و فرزند خود را از دست داد. در 8 مارس 2021، متذکر می شوم که این تعبیر محقق نشد، اما من حدود یک ماه بود که برای آن آماده شده بودم، زیرا با الهام الهی متوجه شدم که 321 برای خدای 320 است و در نتیجه، او قصد داشت لعن کند، نه فقط. روز 7 مارس 2020، اما کل سالی که این روز نفرین شده به آن تعلق دارد، بنابراین، برای این اعمال می شود: «همانطور که چهل روز را صرف کاوش در Nom.14:34 مجازات، اصل ذکر شده در " زمین کرده اید، شما چهل سال برای هر روز یک سال مجازات گناهان شما را متحمل خواهد شد اما به این مشاهده یک چیز اضافه می شود. تقویم غلط ما نه تنها در مورد آغاز سال اشتباه است، بلکه در مورد تاریخ تولد عیسی مسیح نیز اشتباه است. به اشتباه، در قرن پنجم، راهب دیونیسوس کوچک، آن را در مورد مرگ پادشاه هرود که واقعاً در - 4 از تقویم او رخ داد، قرار داد. به این 4 سال، باید»

دو سال « را که هیروودیس تخمین زده بود به عنوان سن مسیحایی که می‌خواست او را طبق متی 2:16 بکشد، اضافه کنیم: « پس هیروودیس، چون دید که فریب او را خورده بود. دانایان بسیار خشمگین شدند و او فرستاد تا همه کودکان دو ساله و کمتری را که در بیت لحم و در تمام قلمرو آن زندگی می‌کردند، به قتل برسانند، طبق تاریخی که به دقت از حکیمان جویا شده بود. پس وقتی او سالها را می‌شمارد، خداوند 6 سال به تاریخ دروغ و گمراه کننده معمول ما اضافه می‌کند و تولد عیسی در بهار همان سال اتفاق افتاد - 6. در نتیجه سال 320 برای او بود: 326 و هفدهم. سالگرد ^{مکولار} سال 2020 ما برای او سال 2026 از « Yod, Hé, Wav, Hé » به زبان عبری "YHWH" لحظه واقعی تولد عیسی مسیح بود. این عدد 26 عدد چهارگرم است که خداوند خود را با آن نامگذاری کرده است و به دنبال سوال موسی: "نام تو چیست؟" "Wav, Hé" است؛ این مطابق خروج 3:14 است. بنابراین، خالق بزرگ خدا یک دلیل دیگر داشت تا با مهر سلطنتی شخصی خود، این روز را که با نفرین خدایی قدرتمندش مشخص شده بود، مشخص کند. و این تا آخر دنیا بلای بیماری و آگیر که در این سال 2026 زمان الهی ظهور می‌کند، به تازگی بر تداوم این نفرین که در سال های آخر حیات در سیاره زمین به شکل های مختلف خواهد بود، صحنه گذاشت. جنگ جهانی هسته‌ای سوم « پایان » « زمان ملل » را نشان خواهد داد که عیسی مسیح در متی ۲۴:۱۴ اعلام کرد: « این بشارت پادشاهی در سراسر جهان موعظه خواهد شد، تا شهادتی برای همه باشد. ملل . سپس پایان فرا خواهد رسید. « این « پایان » با پایان دوره مهلت آغاز خواهد شد. پیشنهاد نجات پایان خواهد یافت آزمایش ایمان بر اساس احترام به سبت مقدس او، به طور قطع اردوگاه «گوسفندان» را از اردوگاه « بزها » متی جدا خواهد کرد. او یکی را از دیگری جدا خواهد کرد، همانطور که شبان گوسفندان را از بزها جدا می‌کند. و گوسفندها را در دست راست و بزها را در دست چپ خود خواهد گذاشت. « حکم قانونی که یکشنبه روم را اجباری می‌کند، در نهایت منجر به محکومیت قدیسین منتخب واقعی عیسی را برآورده خواهد کرد: « و شنیدیم که مردی Dan.12:7 مسیح به مرگ می‌شود. این وضعیت این سخنان که کتان پوشیده بود، بر فراز آبهای رودخانه ایستاده بود. او دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان بلند کرد و به کسی که تا ابد زنده است سوگند یاد کرد که در زمان و زمان و نیمی از زمان خواهد بود و همه این چیزها زمانی پایان خواهد یافت که قوت مردم قدیس کاملاً شکسته خواهد شد. « از منظر انسانی، وضعیت آنها ناامید و مرگ آنها قریب الوقوع خواهد بود. پس از آن است که این سخنان عیسی مسیح که در متی 24:22 ذکر شده آشکار می‌شود: « و اگر این ایام کوتاه نمی‌شد، هیچ کس نجات نمی‌یافت. اما به خاطر برگزیدگان، این روزها کوتاه خواهد شد. « سال 6000 قبل از 3 آوریل 2036 از زمان الهی به پایان می‌رسد، یعنی 3 آوریل 2030 تقویم غلط ما که 2000 سال پس از روز مصلوب شدن عیسی مسیح در چهاردهمین روز پس از آغاز بهار می‌باشد. 30. و این « ایام » باید « کوتاه » یا کم شود. یعنی تاریخ اجرای حکم فوت مقدم بر این تاریخ خواهد بود. زیرا این وضعیت اضطراری است که مسیح را ملزم می‌کند که مستقیماً برای نجات برگزیدگان خود مداخله کند. سپس ما باید اولویت خدا را در تجلیل از معیار " زمان " که به خلق زمینی خود داده است، در نظر بگیریم. اوست که شورشیان روزهای آخر را برمی‌انگیزد تا تاریخی را انتخاب کنند که چند روز از اولین روز بهار 2030 فراتر می‌رود و پس از آن 6000 سال تاریخ زمین بسته می‌شود. سپس دو احتمال خود را نشان می‌دهند: تاریخی که تا پایان ناشناخته خواهد ماند، یا 3 آوریل 2030 که حداکثر حد ممکن و معنادار معنوی را نشان می‌دهد. در نظر بگیرید که با وجود اهمیت فوق العاده ای که دارد، روز چهاردهم سال مصلوب شدن عیسی مسیح برای پایان 6000 سال تاریخ جهان مناسب نیست، چه رسد به آغاز هزاره هفتم. به همین دلیل است که ترجیح و ایمان خود را در تاریخ بهار 21 مارس 2030، تاریخ زمان نبوی « مختصر » 3 آوریل یا یک تاریخ میانی قرار می‌دهم. بهار که توسط طبیعت آفریده خدا مشخص شده است، زمانی تعیین کننده است که بخواهیم 6000 سال تاریخ بشر را بشماریم. که از همان لحظه ای که آدم و حوا گناه کردند امکان پذیر می‌شود. در روایت کتاب مقدس پیدایش، روزهای منتهی به این اولین بهار روزهای ابدی بودند. زمانی که خداوند برشمرد، زمان سرزمین گناه و 6000 سالی است که هفته پیشگویی با آغاز اولین بهار آغاز می‌شود و با پایان آخرین زمستان به پایان می‌رسد. یک بهار بود که شمارش معکوس برای 6000 سال شروع شد. به دلیل گناه، زمین تحت انحراف محور خود 23 درجه و 26 دقیقه قرار گرفت و متوالی فصول شروع شد. در تعطیلات یهودی عهد قدیم، دو تعطیلی غالب است: سبت هفتگی و عید فصح. این دو جشن در نماد اعداد «7، 14 و 21» روزهای «هفتم» چهاردهم بیست و یکم «قدردان می‌گیرند که نشان‌دهنده سه مرحله از طرح نجات الهی است: موضوع هفتگی سبت از کشیش 7 که

پیشگویی می‌کند. پاداش مقدسین برگزیده، برای "7"؛ کار رستگاری عیسی مسیح که وسیله ارائه این پاداش برای «14» است. توجه داشته باشید که در عید فصح که 7 روز طول می‌کشد، روز بیست و بیست و یکم، دو سبت بی تحرکی است. و "7" یا "21" سه گانه پایان 7000 سال اول و ورود به ابدیت خلقت جدید الهی بر روی زمین را نشان می‌دهد که مطابق با مکاشفه 21 تجدید می‌شود. این عدد 21 نمادی از کمال (3) پر بودن (7) پروژه زندگی است که هدف مورد نظر خداوند بود. در مکاشفه 3، آیات 7 و 14 روز هفتم را مشخص می‌کنند. در اینجا دوباره دو مرحله از یک Adventist به ترتیب آغاز و پایان نهاد موضوع مقدس است. به همین ترتیب، کشیش 7 به موضوع مهر و موم کردن برگزیدگان ادونتیست می‌پردازد و کشیش 14 پیام‌های سه فرشته را ارائه می‌دهد که رسالت جهانی آنها را خلاصه می‌کند. بدین ترتیب، در سال 30، پایان 4000 سال در بهار انجام شد و فقط به دلایل نمادین، عیسی 14 روز پس از 21 مارس این بهار سال 30، یعنی سال 36 برای خدا مصلوب شد. خداوند از طریق این مثال‌ها تأیید می‌کند که «7» روز سبت و «14» باز خرید گناهان برگزیدگان توسط عیسی مسیح جدایی ناپذیر هستند. بنابراین، هنگامی که در پایان، "7" روز شنبه مورد حمله قرار می‌گیرد، مسیح نجات دهنده "14" به کمک او پرواز می‌کند تا او را جلال دهد، حداکثر 14 "روز" که این دو تاریخ را از هم جدا می‌کند، "مخفف" می‌شود. یا سرکوب شد تا آخرین وفادار منتخب خود را نجات دهد.

با بازخوانی متی 24، به نظرم رسید که پیام مسیح، به ویژه، خطاب به شاگردانش در پایان جهان، به ما که در این سال‌های آخر زندگی می‌کنیم، است. آیات 1-14 زمان را تا زمان "پایان" پوشش می‌دهد. عیسی در مورد جنگ‌های متوالی، ظهور پیامبران دروغین و خنک شدن نهایی روحانی پیشگویی می‌کند. سپس، آیات 15 تا 20، با کاربرد مضاعف، هم به ویرانی اورشلیم که توسط رومیان در سال 70 پس از میلاد انجام شد و هم به تجاوز نهایی ملتها به یهودیت برگزیدگانی که سبت مقدس خدا را پاس می‌دارند، مربوط می‌شود. پس از این، آیه 21 آخرین "مصیبت بزرگ" آنها را پیشگویی می‌کند: "زیرا در آن زمان چنان پریشانی عظیمی خواهد بود که از آغاز جهان تاکنون نبوده است و هرگز نخواهد بود." توجه داشته باشید که این توضیح «و هرگز نباید وجود داشته باشد» کاربرد را برای زمان رسولان منع می‌کند، زیرا با تعالیم دان. 12:1 مغایرت دارد. این بدان معنی است که هر دو نقل این عبارت یکسان، Dan. 12:1 قول مربوط به یک دستاورد در آخرین آزمایش زمینی ایمان است. در است: «در آن زمان میکائیل، شاهزاده بزرگ، مدافع فرزندان قوم تو، برمی‌خیزد. و روزگار سختی خواهد بود که از زمان وجود اقوام تا آن زمان وجود نداشته است. در آن زمان، کسانی از قوم تو که در کتاب نوشته شده اند، نجات خواهند یافت.» «پریشانی» به قدری بزرگ خواهد بود که «روزها» باید طبق آیه 22 «کوتاه» شوند. گفت: اینک او در بیابان است، به آنجا نرو. بنگر، او در اتاق است، باور نکن.» در همان عصر پایانی، معنویت‌گرایی «عجوبه‌های» و مظاهر فریبنده و فریبنده‌اش از مسیح دروغین را چند برابر خواهد کرد، که روح‌های ضعیف‌آموخته را مطیع خود خواهد کرد: «زیرا مسیحیان دروغین و پیامبران دروغین ظهور خواهند کرد. شگفتی‌ها و معجزات بزرگی انجام می‌دهند، تا حدی که حتی برگزیدگان را فریب می‌دهند.» که توسط مکاشفه 13:14 تأیید شده است: «و او ساکنان زمین را به نشانه‌هایی که به او داده شد تا در حضور وحش کار کند، فریب داد و به ساکنان زمین گفت که برای وحش تصویری بسازند. که زخم شمشیر داشت و که زنده بود. آیه 27 ظاهر قدرتمند و پیروز مسیح الهی را تداعی می‌کند و آیه 28 "عید" را که پس از مداخله او به پرندگان شکاری تقدیم می‌شود، پیشگویی می‌کند. زیرا شورشیانی که تا آمدن او زنده می‌مانند، نابود خواهند شد و به چراگاه «به پرندگان آسمان» سپرده خواهند شد، همانطور که مکاشفه 17:18-19 و 21 تعلیم می‌دهد.

من در اینجا تمام این درک جدید از خلقت الهی را خلاصه می‌کنم. خداوند با برپایی هفته اول وحدت روز را که از یک شب تاریکی و یک روز نور تشکیل شده است را ثابت می‌کند و خورشید فقط از روز چهارم آن را روشن می‌کند. شب استقرار گناه در زمین را به دلیل نافرمانی آبنده حوا و آدم پیشگویی می‌کند. تا این عمل گناه، آفرینش زمینی ویژگی‌های ابدی را نشان می‌دهد. گناه انجام شده، همه چیز تغییر می‌کند و شمارش معکوس 6000 سال می‌تواند آغاز شود، زیرا زمین بر محور خود کج می‌شود و اصل فصول آغاز می‌شود. خلقت زمینی که خداوند لعنت کرده است، سپس ویژگی همیشگی خود را که ما می‌دانیم، به خود می‌گیرد. 6000 سالی که در اولین بهار آغاز شد که با گناه مشخص شد، در بهار 6001 با بازگشت در جلال الهی عیسی مسیح به پایان خواهد رسید. ظهور نهایی او در "اولین روز از ماه اول" از اولین سال هزاره هفتم انجام خواهد شد.

گفتنی است، 7 مارس 2021، از تقویم انسانی دروغین ما، به تازگی با دیدار پاپ فرانسیس از مسیحیان شرقی که در عراق توسط افراط‌گرایان مسلمان تحت آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، مشخص شده است. وی در این دیدار به مسلمانان یادآور شد که آنها خدای یکسانی دارند که همان خدای ابراهیم است و آنها را برادران خود می‌داند. این سخنان که کافران غربی را به وجد می‌آورد، خشم بزرگی برای عیسی مسیح نیست که جان خود را فدای بخشش گناهان برگزیدگانش کرد. و این نفوذ رهبر "مسیحیان" کاتولیک "صلیبیون سابق" به قلمرو آنها فقط می‌تواند خشم اسلام‌گرایان را تشدید کند. بنابراین، این اقدام پیش‌بینی شده بود، به همراه خواهد داشت، Dan.11:40 مسالمت‌آمیز پاپ پیامدهای شگرفی را که در یعنی تشدید «برخورد» «شاه جنوب» مسلمان علیه ایتالیای پاپ و متحدان اروپایی آن. و در این منظر، فروپاشی اقتصادی فرانسه و همه کشورهای غربی با منشاء مسیحی توسط رهبران آنها به دلیل ویروس کووید-19، توازن قوا را تغییر خواهد داد و در نهایت امکان انجام "جنگ جهانی سوم" را فراهم خواهد کرد. به پایان 9 سال گذشته که هنوز در پیش است. در پایان، به یاد داشته باشیم که با ایجاد اپیدمی ناشی از کووید-19 و تحولات آن، خداوند راه را برای نفرینی که قرار بود مشخصه ده سال آخر تاریخ بشر بر روی زمین باشد، باز کرد.

با این حال، 7 مارس 2021 با اعمال خشونت‌آمیز جوانان بین باندهای رقیب و علیه مقامات پلیس در چندین شهر فرانسه مشخص شد. این مسیر به سوی یک رویارویی عمومی را تأیید می‌کند. مواضع هر یک از آنها آشتی‌ناپذیر است زیرا ناسازگار هستند. این پیامد برخورد دو فرهنگ کاملاً متضاد است: آزادی سکولار غربی در برابر جامعه روسا و کاپیتان کشورهای جنوبی، به علاوه مسلمانان سنتی و ملی. تراژدی مانند کووید-19 در حال وقوع است، بدون درمان

برای تکمیل رعایت نظم شنیع مشروعیت یافته توسط بشر، باید توجه داشته باشیم: تغییر سال بعد از دوازدهمین ماه که نام دهمین ماه (دسامبر) را دارد، در آغاز زمستان؛ تغییر روز در نیمه شب (نیمه شب)؛ فقط شمارش دقیق و منظم ساعت‌ها مثبت است. بنابراین، نظم زیبای الهی به دلیل گناه ناپدید شده است، و نظمی گناه‌آلود جایگزین شده است که به نوبه خود با ظهور خالق شکوهمند خداوند، برای تسویه حساب، یعنی در پایان شش هزار سال اول، ناپدید می‌شود. در بهار 2030، برای انسان‌های فریب‌خورده، یا بهار 2036 تولد واقعی خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح، برای برگزیدگان او بی‌نظمی ایجاد شده و مشاهده شده گواهی بر نفرین الهی است که بر بشریت سنگینی می‌کند. زیرا از زمان کج شدن زمین، محاسبه زمان ثبات و نظم خود را از دست داده، ساعات شب و روز پیاپی پیوسته افزایش و کاهش می‌یابد.

ترتیبی که خدای خالق برنامه نجات خود را بر اساس آن سازماندهی می‌کند، اولویت‌های معنوی را که به انسان پیشنهاد می‌کند بیشتر برای ما آشکار می‌کند. او تصمیم گرفت تا پس از 4000 سال تجربه زمینی بشر، با دادن جان خود در عیسی مسیح به عنوان باج، عشق متعالی خود را آشکار کند. خداوند با این کار به ما می‌فرماید: «اول اطاعتت را به من نشان بده تا من محبت خود را به تو نشان دهم».

بر روی زمین، مردان جانشین یکدیگر می‌شوند و همان ثمرات شخصیت را بازتولید می‌کنند، با این حال نسل آخرین زمان که در سال 2020 وارد آن شدیم، ویژگی خاصی را ارائه می‌دهد. پس از 75 سال صلح در اروپا، و تکامل باورنکردنی اخیر علم ژنتیک، بسیار منطقی است، اروپایی‌ها و برآمده‌های آنها از ایالات متحده آمریکا، استرالیا و اسرائیل معتقد بودند که می‌توانند به همه مشکلات بهداشتی پاسخ دهند و جوامع آنها به طور فزاینده‌ای سالم می‌شود. این حمله یک ویروس مسری نیست که جدید است، این رفتار رهبران جوامع پیشرفته است که جدید است. علت این رفتار ترس، قرار گرفتن آنها در معرض مردم زمین از طریق بمباران رسانه‌ها است و در میان این رسانه‌ها، رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی جدیدی که در تار عنکبوت ظاهر می‌شوند که ارتباطات اینترنتی رایگان را تشکیل می‌دهند، که در آن ما دیفیوزرهای کم و بیش شفاف را پیدا کنید. بنابراین، بشریت در دام آزادی بیش از حد خود گرفتار شده است که به عنوان نفرین بر او فرو می‌ریزد. در ایالات متحده آمریکا و اروپا، خشونت جوامع قومی را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد. در آنجا، این نفرین تجربه «بابل» است که تجدید می‌شود. یکی دیگر از درس‌های الهی غیر قابل انکار که آموخته نشد، زیرا از نسل یک زوج مجرد است که لزوماً به یک زبان صحبت می‌کنند، تا زمانی که این تجربه گناهکارانه، امروز هم آن را می‌بینیم،

بشریت با زبان ها و گویش های متعددی که خدا آفریده و در سراسر جهان پراکنده است، جدا شده است. زمین. و بله، خداوند پس از هفت روز اول خلقت دست از خلقت برداشت. او هنوز چیزهای زیادی برای لعنت و گناه برکت دادن برگزیدگان خود آفرید، منایی که در صحرا برای بنی اسرائیل عرضه می‌شود، نمونه‌ای است.

با این حال، آزادی در هسته آن است، هدیه ای شگفت انگیز از سوی خالق ما. این است که تعهد آزاده ما به هدف آن استوار است. و در آنجا، باید پذیرفت، این آزادی یکپارچه دلالت بر وجود شانس دارد، زیرا خداوند به هیچ وجه دخالت نمی‌کند. سخنی که بسیاری از مؤمنان اصلاً آن را باور ندارند. و اشتباه می‌کنند، زیرا خداوند در خلقت خود بخش بزرگی را به شانس و پیش از هر چیز برانگیختن برگزیدگان، قدردانی از هنجارهای آسمانی وحی شده خود واگذار می‌کند. پس از شناسایی برگزیدگان خود، خالق مسئولیت آنها را بر عهده می‌گیرد تا آنها را رهبری کند و حقایق خود را که آنها را برای زندگی ابدی آسمانی آماده می‌کند، به آنها آموزش دهد. ناهنجاری ها و هیولاهای مشاهده شده در هنگام تولد موجودات انسانی، عمل تصادفی را ثابت می‌کند که باعث ایجاد خطاهای ژنتیکی در روند تولید مثل گونه ها با عواقب کم و بیش جدی می‌شود. تکثیر گونه‌ها بر اساس حرکت زنجیره‌های تولید مثلی است که هر از گاهی خطاهای انطباق ایجاد می‌کنند. این شامل اصل وراثت یا به طور مستقل به دلیل شانس زندگی است. به طور خلاصه، اگر ایمانم را مدیون شانس زندگی آزاد باشم، برعکس، پاداش و تغذیه این ایمان را مدیون عشق به خدا و ابتکاراتی هستم که قبلاً انجام شده است و او همچنان برای نجات من انجام می‌دهد.

در داستان آفرینش زمینی او، روزی که خداوند مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد، اول هفته است. سرنوشت او نوشته شده است: هدف او جدا کردن نور از تاریکی خواهد بود. این روز اول که توسط مسیحیان کاذب برای مخالفت با انتخاب خدا که روز هفتم را تقدیس می‌کند، انتخاب شده است، نقش خود را به عنوان " نشان " اردوگاه شورشیان نافرمان در مکاشفه 13:15 کاملاً ایفا خواهد کرد. به همان اندازه که اولین یکشنبه مورد لعنت خداوند است، روز هفتم روز سبت از جانب او مبارک و مقدس است. و برای درک این مخالفت، باید اندیشه خدا را که نشانه تقدیس توسط او و برای اوست در آغوش بگیریم. سبت مربوط به روز هفتم است و این عدد هفت، "7" نماد پر بودن است. تحت این اصطلاح پری، خدا فکر هدفی را که بعد زمینی ما را برای آن خلق کرده است، یعنی تنظیم گناه، محکومیت آن، مرگ و ناپدید شدن آن قرار می‌دهد. و در این طرح، این چیزها در طول هزاره هفتم که هفته نامه سبت پیشگویی می‌کند، به طور کامل محقق خواهد شد. به همین دلیل است که این هدف برای خدا مهمتر از وسیله رستگاری است که به وسیله آن زندگی برگزیدگان زمینی را فدی خواهد داد و شخصاً در عیسی مسیح به قیمت رنج وحشیانه به انجام خواهد رساند.

در اینجا دلیل دیگری وجود دارد که چرا خداوند در 7: 8 می‌فرماید: " پایان یک چیز بهتر از آغاز آن است. " در پیدایش، جانشینی ترتیب «شب-روز» یا « شب-صبح » مؤید این اندیشه الهی است. در عیسی 14:12، خدا در پوشش پادشاه بابل به شیطان گفت: « اینجا تو از آسمان سقوط کردی ای ستاره صبح، پسر سپیده دم! ای فاتح ملت ها، تو را به زمین انداخته اند! » تعبیری که خداوند به وسیله آن او را " ستاره صبح " می‌نامد، نشان می‌دهد که او او را با " خورشید " منظومه زمینی ما مقایسه می‌کند. او اولین مخلوق او و تحت پوشش پادشاه صور بود، حزئی 28:12 شکوه اولیه او را چنین نقل می‌کند: « ای پسر انسان، بر پادشاه صور ناله کن! تو به او خواهی گفت: خداوند یهوه چنین می‌گوید: تو مهر را به کمال زدی، تو سرشار از حکمت و در زیبایی کامل بودی. » این کمال باید ناپدید می‌شد و به جای آن رفتار سرکشی قرار می‌گرفت که او را به دشمن، شیطان و دشمن تبدیل می‌کرد. آفرید تا اینکه در میان شما ظلم پیدا شد. « بنابراین، کسی که " ستاره صبح " به حساب می‌آمد، مردان بی وفا را به عنوان یک الوهیت به " ستاره صبح " آفرینش الهی واداشت: " خورشید تسخیر نشده " از فرقه رومی که تقریباً تمام جهان مسیحیت غربی آن را بت پرست می‌پرستند، خدایی کرد. خداوند حتی قبل از خلقتش می‌دانست که اولین فرشته بر او قیام خواهد کرد و با وجود این او را آفرید. به همین ترتیب، یک روز قبل از مرگ، عیسی اعلام کرد که یکی از 12 حواری قرار است به او خیانت کند، و حتی مستقیماً به یهو داد گفت: " هر کاری که باید انجام دهی، سریع انجام بده! ". این به ما امکان می‌دهد بفهمیم که خدا به دنبال این نیست که مخلوقاتش را از بیان انتخاب‌های خود باز دارد، حتی اگر آنها مخالف انتخاب‌های او باشند. عیسی همچنین از حواریون خود دعوت کرد که در صورت تمایل او را ترک کنند. با آزادی کامل مخلوقاتش در

ابراز وجود و آشکار ساختن ماهیتشان است که می تواند برگزیدگان خود را برای وفاداری نشان داده شده انتخاب کند و در نهایت تمام دشمنان آسمانی و زمینی خود، نالایق و بی تفاوت را نابود کند.

گناه اصلی

باقی روز اول در عصر مسیحی ما اهمیت بسیار زیادی پیدا می کند زیرا « گناه » را تشکیل می دهد که از 7 مارس 321 ترمیم شده است و نشان اردوگاهی می شود که علیه اردوگاه مقدس خدا قیام کردند. اما این « گناه » نباید باعث شود که « گناه » اصلی را فراموش کنیم که بشریت را از زمان آدم و حوا به ارث به مرگ محکوم می کند. با روشن شدن روح، این موضوع مرا به کشف درس های مهمی که در کتاب پیدایش نهفته است، سوق داد. در سطح مشاهده، کتاب منشأ خلقت را در فصل های 1، 2، 3 برای ما آشکار می کند. معنای نمادین این اعداد هنوز کاملاً موجه است: 1 = واحد. 2 = نقص؛ 3 = مربوط به ایجاد 6 روز اول است. تعریف آنها از " صبح عصر Gen.1. کمال. این سزاوار توضیح است " تنها پس از گناه و نفرین زمین که به قلمروی تحت سلطه شیطان تبدیل می شود، معنا پیدا می کند، که خواهد بود که بدون آن عبارت "صبح عصر" معنایی نخواهد داشت. در سطح زمینی Gen.3 موضوع فصل 3 با ارائه توضیحات، مهر کمال را بر این وحی الهی می گذارد. به همین ترتیب، در ژانر دوم، موضوع سبت روز هفتم یا به طور دقیق تر، بقیه خدا و انسان در روز هفتم، تنها پس از «گناه اصلی» که که دلیل وجود آن را می دهد. بنابراین، به طور Gen.3 حوا و آدم مرتکب شدند، معنی می یابد. در متناقض، بدون توجه آن در ژن 3، سبت مقدس سزاوار نماد «2» نقص خود است. از همه اینها معلوم می شود که زمین را خدا آفریده است تا به شیطان و شیاطینش تقدیم شود تا ثمره های شیطانی روح آنها در چشم همگان اعم از خدا و فرشتگان و انسانها ظاهر شود و فرشتگان و مردها سمت خود را انتخاب می کنند

این تحلیل مرا به این نکته سوق می دهد که برپایی هفتمین روز مقدس در استراحت، نفرین « گناه » زمینی را که در نسل 3 ایجاد شده است، پیشگویی می کند، زیرا خود زمین توسط خدا نفرین شده است، و بنابراین تنها از لحظه مرگ است. و روند آن به آن ضربه می زند، زمان شش هزار ساله آن و هزار سال هزاره هفتم یک معنا، یک توضیح، یک توجه می گیرد. توجه به این نکته مناسب است: قبل از آفرینش زمینی، در بهشت، درگیری، اردوگاه شیطان را در مقابل اردوگاه خدا قرار می دهد، اما تنها مرگ عیسی مسیح، انتخاب های فردی را قطعی می کند. که با اخراج شورشیان از بهشت که از آن پس محکوم به مرگ در خلقت زمینی هستند، نمایان خواهد شد. اکنون، در بهشت، خداوند زندگی فرشتگان را در نوبت های « صبح شام » سامان نداده است، زیرا بهشت نمایانگر هنجار ابدی اوست. چیزی که برای برگزیدگانش پیروز خواهد شد و تا ابد ادامه خواهد داشت. در مواجهه با این داده ها: زمین قبل از گناه چطور؟ جدا از تناوب « شب-صبح »، هنجار آن نیز هنجار بهشتی است، ظاهراً زندگی در یک هنجار ابدی آشکار می شود. حیوانات و گان، انسان های گیاهخوار و بدون مرگ که مزد گناه خواهد بود، روزها به دنبال روزها می آیند و می تواند برای همیشه ادامه یابد.

خدا دستور زمان هفته خود را که در روز هفتم با استراحت برای خدا و انسان Gen.2 اما در به پایان می رسد، برای ما آشکار می کند. این کلمه استراحت از فعل «توقف کردن» گرفته شده است و در مورد کارهای انجام شده توسط خدا و همچنین به کارهای انجام شده توسط انسان ها اطلاق می شود. می توانید بفهمید، قبل از گناه، نه خدا و نه انسان ها احساس خستگی نمی کردند. بدن آدم هیچ گونه بیماری، خستگی یا دردی نداشت. اکنون، هفته های هفت روزه از پی یکدیگر می آمدند و خود را مانند یک چرخه ابدی بازتولید می کردند، با این تفاوت که توالی های « صبح عصر » تفاوت را با هنجار آسمانی ملکوت خدا نشان می داد. بنابراین، این تفاوت برای آشکار کردن برنامه ای که توسط خدای خالق بزرگ طراحی شده بود، به صورت نبوی بود. همانطور که جشن "یوم کیپور" یا "روز کفاره" هر سال در میان عبرانیان تجدید می شد و پایان گناه را از طریق کفاره آن که با مرگ عیسی مسیح انجام شد پیشگویی می کرد، سبت هفتگی نیز آمدن روز هفتم را پیشگویی می کند. هزاره، زمانی که خدا و برگزیدگانش به آرامش واقعی وارد خواهند شد، زیرا شورشیان خواهند مرد و شرارت شکست خواهد خورد. با این حال، برگزیدگان همچنان نگران « گناه » هستند، زیرا با مسیح باید « گناهان » و

گناهکاران را داوری کنند، که در آن زمان در خواب فانی به خواب خواهند رفت. به همین دلیل است که مانند شش روز قبل، روز هفتم زیر علامت « گناه » قرار می گیرد که هفت روز کل هفته را در بر می گیرد و مربوط می شود. و تنها در آغاز هزاره هشتم، پس از سوختن گناهکاران در " آتش مرگ دوم " است که ابدیت بدون " گناه " در زمین تازه آغاز می شود. اگر هفت روز با گناه مشخص شده باشد و آنها 7000 Gen.3 سال را پیشگویی کنند، شمارش این 7000 سال فقط می تواند با استقرار گناه نازل شده در آغاز شود. بنابراین، روزهای زمینی بدون گناه در هنجار و منطق توالی « صبح شام » یا « نور تاریکی » نیست و چون این زمان بدون « گناه » است، نمی تواند وارد 7000 سال برنامه ریزی شده و پیشگویی شده برای « گناه » شود. " در هفته هفت روزه

نسبت می دهد، برجسته می کند: Dan.7:25 این آموزه اهمیت این عمل را که خدا به پاپ روم در « او برنامه ای برای تغییر زمانه و قانون خواهد ساخت ». " تغییر زمان " تعیین شده توسط خداوند منجر به عدم امکان کشف خصلت نبوی سبت هفتگی " شریعت " خدا می شود. و این همان کاری است که روم از زمان کنستانتین اول ، از 7 مارس 321، با دستور دادن به استراحت هفتگی در روز اول به جای روز هفتم، انجام داده است. با پیروی از دستور رومی، گناهکار از « گناه » اصلی که از آدم و حوا به ارث رسیده است رهایی نمی یابد ، بلکه علاوه بر آن یک « گناه » اضافی، این بار اختیاری ، بر عهده می گیرد که گناه او را نسبت به خدا افزایش می دهد.

ترتیب زمانی « صبح عصر » یا « نور تاریکی » مفهومی است که خداوند برگزیده است و اطاعت از این انتخاب موجب لطف و اجازه دسترسی به راز نبوی کتاب مقدس می شود. هیچ چیز انسان را مجبور به این انتخاب نمی کند و گواه آن این است که بشریت تغییر روز خود را در نیمه شب، یعنی 6 ساعت پس از غروب بهار انتخاب کرده است. که اردوگاه کسانی را که برای بازگشت باشکوه مسیح، داماد در تمثیل ده باکره، دیر بیدار می شوند، پیشگویی می کند. بنابراین پیام های ظریفی که خداوند داده است فراتر از دسترس عقلانی اوست. اما برای برگزیدگان او، نظم زمان الهی همه پیشگویی های او و به ویژه پیشگویی وحی را روشن می کند که در آغاز آن عیسی خود را به عنوان «آلفا و امگا»، « آغاز یا آغاز و پایان » معرفی می کند. هر روزی که در زندگی ما می گذرد، نقشه خدا را پیشگویی می کند که او در پیدایش 1، 2 و 3 خلاصه می کند، زیرا " شب " یا " تاریکی " نشان دهنده شش روز ناپسند ارائه شده در پیدایش 1 است، در حالی که استراحت الهی که در ژنرال 2 برقرار شده است، اعلام می کند زمان دوران مسیحیت به دو بخش تقسیم ، Dan.8:14 زمان " نور ". بر اساس این اصل است که طبق می شود: زمان « تاریکی » روحانی بین سال 321، زمانی که « گناه » در برابر سبت برقرار شد، و 1843 که در آن زمان « نور » برای برگزیدگان از این تاریخ آغاز می شود تا زمانی که عیسی مسیح در بهار 2030 بازگشت. همانطور که او بین « مار، زن و آدم » قضاوت کرد. به همین ترتیب، در مکاشفه، مضامین « نامه ها به هفت کلیسا، هفت مهر، و هفت شیپور » پیشگویی « تاریکی » برای شش نفر اول و « نور الهی » برای درجه هفتم و آخر هر یک از این مضامین است. . . این بسیار درست است که در سال 1991، امتناع رسمی این آخرین "نور" توسط ادونتیسیم نهادی، نوری که عیسی از سال 1982 به من داده است، او را بر آن داشت که در نامه خطاب به "لائودیسه" در مکاشفه 3:17 بگوید. چون می گویی: ثروتمندم، غنی شده ام و به چیزی نیاز ندارم، و چون نمی دانی که بدبخت، بدبخت، فقیر، کور و برهنه ای ... ادونتیسیت های رسمی این نقل قول در اول پطرس 4:17 را فراموش کرده اند: " زیرا این زمانی است که داوری در مورد خانه خدا آغاز خواهد شد. حال اگر از ما شروع شود عاقبت کسانی که انجیل خدا را اطاعت نمی کنند چه خواهد بود؟ » این مؤسسه از سال 1863 تأسیس شده است و عیسی تأسیس آن را در عصر « فیلادلفیا » در سال 1873 برکت داد. طبق اصل الهی « صبح عصر » یا « تاریکی روشن »، دوره آخر و هفتم با نام « لائودیسه » نمادین شده است. قرار بود زمان « نور » بزرگ الهی باشد و اثر حاضر شاهی بر آن است، در واقع « نور » بزرگی آمده است تا اسرار پیشگویی شده را در این عصر نهایی به هزینه نهاد رسمی ادونتیسیت جهانی روشن کند. نام " لائودیسه " به خوبی قابل توجیه است زیرا به معنای "مردم قضاوت شده یا اهل قضاوت" است. کسانی که دیگر متعلق به خداوند نیستند یا دیگر متعلق به خداوند نیستند، محکوم به پیوستن به حامیان "روز لعنت شده توسط خدا" هستند. با نشان دادن ناتوانی خود در به اشتراک گذاشتن محکومیت عادلانه او در مورد «یکشنبه» روم، سبت دیگر برای آنها به اندازه زمان مبارک غسل تعمیدشان مهم نخواهد بود. پیامی که عیسی مسیح به

خدمتکارش الٰن جی وایت، در کتاب «نوشته‌های اولیه» و در اولین رویای خود، این وضعیت را چنین «ترجمه کرد: «آنها بینایی و هدف و عیسی را از دست دادند. دنیای شیطنانی و ما دیگر آنها را نمی بینیم پیدایش 2 زمان " نور " را پیشگویی می کند و این فصل از پیدایش با تقدیس " روز هفتم " آغاز می شود. با این آیه 25 خاتمه می یابد: « مرد و زنش هر دو برهنه بودند و خجالت نمی کشیدند ». پیوند بین این دو مضمون نشان می دهد که کشف برهنگی جسمانی آنها نتیجه انتساب "گناهی" خواهد بود که بازگو شده است، بنابراین به عنوان علت برهنگی معنوی فانی Gen.3 آنها مرتکب خواهند شد و در ظاهر می شود. با مقایسه این تعلیم با « لائودیسه »، متوجه می شویم که سبب با « گناه » مرتبط است که انسان را « برهنه » می کند. در این زمینه نهایی، عمل سبب دیگر برای حفظ فیض مسیح کافی نیست، زیرا با ارائه نور کامل نبوی آن به مقامات رسمی ادونتست بین سال های 1982 و 1991، نیاز عیسی مسیح افزایش یافته است و او می خواهد این کار را انجام دهد. دورانی که با تمرین سبب مقدس خود، برگزیدگان شایسته فیض او بهره، زمان، زندگی و تمام روح خود را برای مکاشفه های خود که در دانیال و مکاشفه پیشگویی شده است، می بخشند. بلکه در سراسر کتاب مقدس مکاشفه شده که طبق مکاشفه 11:3 « دو شاهد » آن را تشکیل می دهد

شهادت خدا بر روی زمین

به همان اندازه که مهم است، دیدار خداوند از بشریت در قالب عیسی مسیح نباید باعث شود که دیدار قبلی او در زمان موسی را فراموش کنیم. زیرا در همین زمینه دور است که خداوند منشأ بعد زمینی را بر او آشکار کرد. و به عنوان مکاشفه ای که خدا داده است، شرح پیدایش به همان اندازه مهم است که مکاشفه بر یوحنا ی رسول نازل شد. شکلی که خداوند برای سازماندهی زندگی زمینی انتخاب کرده است، برنامه عشق او به موجوداتی را که به آنها آزادی کامل می دهد، پیشگویی می کند، تا آنها بتوانند به عشق او پاسخ دهند و برای ابد با او زندگی کنند یا آن را رد کنند و در نیستی مرگ ناپدید شوند. شرایط پیشنهاد سودمندی او

اگر آدم به تنهایی آفریده شده است، اولاً به این دلیل است که او به عنوان « تصویر خدا (پیدایش 26:1-27) » در جستجوی عشق از همتای آزاد به تصویر خود معرفی شده است، زیرا تمام زمان ابدیت گذشته او خلوت مطلق بود این برای او غیر قابل تحمل شد تا جایی که آماده بود عواقب آزادی را که قرار بود به موجودات زنده اش بدهد را تحمل کند. خلقت حوا از یکی از دنده های آدم، در حالی که او در خوابی مرگبار غوطه ور است، خلقت کلیسای او را پیشگویی می کند، برگزیده ای که از برگزیدگان وفادارش تشکیل شده است، میوه ای که با کفاره مرگ او در عیسی مسیح برداشت شده است. این امر نقش « یاری » را که خداوند به زنی که از او برخاسته و نامش حوا به معنای « زندگی » است نسبت می دهد، توجیه می کند. برگزیده تا ابد « زندگی خواهد کرد » و بر روی زمین، او این وظیفه را دارد که « کمک » خود را به خدا ارائه دهد تا در انجام پروژه او که هدفش برقراری عشق مشترک و بدون مزاحمت کامل در جهان های ابدی آن است، به طور انسانی همکاری کند.

گناه نافرمانی از طریق حوا یا از طریق نماد « زن » برگزیدگان او که وارث این گناه اولیه خواهند بود، وارد بشریت می شود. همچنین، مانند آدم، به دلیل عشق به حوا، در عیسی مسیح، خدا انسان می شود تا به جای برگزیده خود، مجازات مرگباری را که گناهان او سزاوار آن است، سهیم و تحمل کند. بنابراین، داستان پیدایش، هم شهادتی تاریخی است که منشأ و شرایط ما را آشکار می کند، و هم شهادتی نبوی که اصل نجات بخش پروژه بزرگ عاشقانه خدای خالق قادر متعال را آشکار می کند.

پس از شش روز اول خلقت که در پیدایش 1 ذکر شده است، شش روزی که شش هزار سال را که خدا برای انتخاب برگزیدگان زمینی پیش بینی کرده بود، در سفر پیدایش 2، تحت تصویر یک سبت ابدی، روز هفتم نامحدود برای استقبال باز خواهد شد. برگزیدگان اثبات شده و منتخب

خداوند از ابتدا نتیجه پروژه خود را می داند، نام برگزیدگان خود را که در طول شش هزار سال ظاهر خواهند شد. او تمام قدرت و اختیار داشت تا فرشتگان سرکش را قضاوت و نابود کند، بدون اینکه بعد زمینی ما را ایجاد کند. اما دقیقاً به این دلیل است که به مخلوقاتش، که او را دوست دارند و دوستشان

دارد، احترام می‌گذارد، تظاهراتی جهانی بر روی زمینی که برای این منظور ایجاد شده است، ترتیب می‌دهد.

خداوند اصل حقیقت را بالاتر از همه قرار می‌دهد. همانطور که در مزمور 51:6 اعلام شد، عیسی برگزیدگان خود را اینگونه تعریف می‌کند که "از نو متولد شده اند" یا "از حقیقت متولد شده اند" تا بتوانند با معیار حقیقت الهی مطابقت داشته باشند. مطابق یوحنا 18:37، او خود آمد تا «به حقیقت شهادت دهد» و خود را در مکاشفه 3:14 تحت نام «راستگو» معرفی می‌کند. این تعالی و تسبیح اصل حق در تقابل مطلق با اصل دروغ است و این دو اصل به صورت های متعدد در می‌آیند. اصل دروغ‌گویی ساکنان زمین را در طول تاریخ خود همواره اغوا کرده است. در دوران مدرن، دروغ به هنجار وجود تبدیل شده است. این واژه تحت عنوان «بلافا» در ذهن معامله‌گر پذیرفته شده است، اما با این وجود بر اساس یوحنا 8:44، ثمره شیطان، «پدر دروغ» است. در سطح مذهبی، دروغ‌ها بسته به مردم و مکان‌های مورد نظر روی زمین به شکل چندین ثقلب مذهبی مختلف ظاهر می‌شوند. و ایمان مسیحی خود به تصویر کاملی از «گیج» (= بابل) تبدیل شده است، زیرا جعلیات تاریک آن بسیار زیاد است.

دروغ به صورت علمی آموزش داده می‌شود. زیرا برخلاف رویکرد اقتدارگرایانه خود، اندیشه علمی قادر به اثبات واقعی نظریه‌های تکاملی خود در مورد گونه‌ها، و میلیون‌ها و میلیاردها سالی است که دانشمندان آن را به وجود زمین نسبت می‌دهند. برخلاف این تفکر علمی، شهادت خداوند خالق شواهد بسیاری بر واقعیت او ارائه می‌دهد، زیرا تاریخ زمینی شاهد اعمال اوست که طغیان آب اولین نمونه آن است که حضور فسیل‌های دریایی در دشت‌ها و دشت‌ها گواه آن است. حتی در قله‌های بلندترین کوه‌های روی زمین. به این شهادت طبیعی افزوده شده است، شهادت به جا مانده از تاریخ بشر، زندگی نوح، زندگی ابراهیم، آزادی عبرانیان از بردگی مصر و تولد قوم یهود، شاهدان عینی زنده تاریخ آن تا زمان پایان. از جهان؛ همچنین شاهدان عینی حواریون عیسی مسیح هستند که شاهد معجزات او، مصلوب شدن و رستاخیز او بودند. تا آنجا که ترس از مرگ آنها را رها کرد و در راه شهادت مولای خود و عیسی ناصری‌الگوی خود رفتند.

با برانگیختن این کلمه "شهادت" باید در اینجا توضیحی را باز کنم.

نکته: شهادت را با مجازات اشتباه نگیرید

این دو چیز ظاهر خارجی یکسانی دارند و بنابراین به راحتی می‌توان آنها را با هم اشتباه گرفت. با این حال، این سردرگمی عواقب جدی دارد، زیرا عمل تنبیهی در معرض خطر منتسب شدن به منتخب واقعی خداوند است و برعکس، فرزند شیطان را می‌توان به شهادت برای خدای بسیار فریبنده نسبت داد. بنابراین، برای روشن شدن این موضوع، باید تحلیل زیر را که از این اصل شروع می‌شود، در نظر بگیریم. ابتدا این سوال را مطرح می‌کنیم که شهادت چیست؟ این کلمه از کلمه یونانی "مارتوس" گرفته شده است.

به معنای شاهد است. شاهد چیست؟ کسی است که آنچه را که در موضوعی دیده یا شنیده یا فهمیده صادقانه گزارش می دهد یا نه. موضوعی که در اینجا مورد توجه ماست، دینی است و در میان کسانی که برای خدا شهادت می دهند، شاهدان راست و دروغ هستند. آنچه مسلم است این است که خداوند بین این دو تفاوت قائل است. حق برای او شناخته شده است و برکت می دهد زیرا این شاهد واقعی به نوبه خود می کوشد تا با عمل به تمام حقیقت آشکارش در «اعمال» خود را وفادار نشان دهد و در این راه تا پذیرش حق استقامت می کند. و این مرگ شهادت واقعی است، زیرا زندگی تقدیم شده به مرگ مطابق با معیار قدوسیت خداوند برای زمان خود بود. اگر جانی با این انطباق نباشد، شهادت نیست، کیفری است که جانی را که برای هلاکتش به شیطان تحویل داده شده، می زند، زیرا از حمایت و نعمت خداوند بهره ای نمی برد. با توجه به انطباق با معیار حقیقت مورد نیاز خداوند برای هر عصر، شناسایی "شهادت" بر دانش ما از قضاوت الهی است که در پیشگویی های او نازل شده است که زمان پایان را هدف قرار می دهد. که هدف و موضوع این اثر است.

درک این نکته مهم است که حقیقت ظرفیت تبدیل ذهن سرکش را ندارد. تجربه اولین فرشته مخلوق، شیطان، از زمان طغیان او، آن را ثابت می کند. حقیقت اصلی است که برگزیدگان طبیعتاً جذب آن خواهند شد، کسانی که آن را دوست دارند و آماده جنگ در کنار خدا در عیسی مسیح هستند، دروغی که به او آسیب می رساند.

در نتیجه، وحی الهی به تدریج در طول شش هزار سال تجربه و شهادت در بهترین و بدترین شرایط زندگی می شود. یک زمان شش هزار ساله ممکن است کوتاه به نظر برسد، اما برای کسی که فقط به سال های زندگی خود علاقه واقعی می دهد، در واقع زمان کافی طولانی است که به خدا اجازه می دهد در طول قرن ها و به طور دقیق تر بیش از شش هزار سال طول بکشد. ، مراحل مختلف دستاوردهای پروژه جهانی او. به طور انحصاری در عیسی مسیح، خدا به برگزیدگان آخرالزمان خود، در مورد اسرار و کارهایش، درک روشنی را برای این زمان آخر اختصاص می دهد.

پیدایش: یک خلاصه نبوی حیاتی

در این درک، شرح پیدایش کلیدهای اساسی پیشگویی های کتاب مقدس دانیال و مکاشفه را ارائه می دهد. و بدون این کلیدها، این درک غیر ممکن است. این مطالب در مواقع لزوم در حین مطالعه نبوی یادآوری می شود، اما از این پس باید بدانیم که واژه «عمیق، دریا، زمین، زن» در مکاشفه «آخرالزمان» خود مفهوم خاصی از اندیشه الهی را به همراه خواهد داشت. آنها به سه مرحله متوالی خلقت زمینی مرتبط هستند. " پرتگاه " به سیاره زمین اطلاق می شود که کاملاً پوشیده از آب است و هیچ گونه حیاتی ندارد. سپس در روز دوم جدایی عناصر، « دریا » به عنوان مترادف و نماد مرگ، در روز پنجم فقط توسط حیوانات دریایی پر می شود. محیط آن برای انسان هایی که برای تنفس هوا خلق شده اند دشمن است. « زمین » از « دریا » بیرون می آید و در روز پنجم حیوانات نیز در آن ساکن می شوند و سرانجام در روز ششم، « مردی که به صورت خدا شکل گرفته » و « زنی » که شکل می گیرد در آن ساکن خواهند شد. روی دنده انسان زن و مرد با هم دو فرزند باردار خواهند شد. اولین « هابیل »، نوع برگزیده روحانی (هابیل = پدر خداست) از روی حسادت به دست پیرش « قابیل »، نوع انسان مادی و جسمانی (= کسب) کشته خواهد شد و بدین ترتیب سرنوشته افراد معمولی را پیشگویی می کند. برگزیده، عیسی مسیح و برگزیدگانش، که به خاطر «قابیلها»، یهودیان، کاتولیکها و پروتستانها، همه «تجار معبد» که حسادت های متوالی و پرخاشگرانه شان در طول تاریخ زمینی نشان داده و به انجام رسیده است، رنج خواهند برد و به شهادت خواهند رسید. . بنابراین، درسی که روح خدا داده است، این است: از

"پرتگاه"، به طور متوالی، نمادهای " دریا و زمین" از ادیان مسیحی دروغین پدید می آیند که منجر به هلاکت روح می شود. برای تعیین مجمع منتخب خود، او کلمه " زن" را به او می دهد که اگر به خدای خود وفادار باشد، " همسر" نماد تصویری "بره" خود مسیح است که با کلمه " مرد" پیشگویی شده است (آدم). اگر خیانت کند، « زن» می ماند، اما چهره « فاحشه» به خود می گیرد. همه این موارد در مطالعه دقیق ارائه شده در این اثر تأیید می شود و اهمیت حیاتی آنها آشکار می شود. شما به راحتی می توانید درک کنید، در سال 2020، وقایع پیشگویی شده در نبوت های دانیال و مکاشفه، در بیشتر موارد، قبلاً در تاریخ تحقق یافته است و برای مردان شناخته شده است. اما آنها برای نقش معنوی که خدا به آنها داده بود شناسایی نشدند. مورخان حقایق تاریخی را یادداشت می کنند، اما فقط پیامبران خدا می توانند آنها را تفسیر کنند.

ایمان و کفر

فطرتاً انسانها از اصل خود از نوع مؤمنان هستند. اما باور ایمان نیست. انسان همیشه به وجود خدا یا الوهیت ها اعتقاد داشته است، ارواح برتری که باید به آنها خدمت می کردند و باید آنها را راضی می کردند تا آسیب ناشی از خشم آنها متحمل نشوند. این باور طبیعی از قرن ها به قرن ها و هزاره ها به هزاره ها تا دوران مدرن گسترش یافت، جایی که اکتشافات علمی مغز انسان غربی را در اختیار گرفت که از آن زمان به بعد ناباور و بی باور شده است. توجه داشته باشید که این تغییر عمدتاً افراد با منشأ مسیحی را مشخص می کند. زیرا در همان زمان در شرق، شرق دور و آفریقا اعتقاد به ارواح نامرئی باقی ماند. این با تظاهرات ماوراء طبیعی که توسط افرادی که این مناسک مذهبی را انجام می دهند، توضیح داده می شود. در آفریقا، شواهد روشنی از وجود ارواح نامرئی، کفر را منع می کند. اما چیزی که این افراد نمی دانند این است که ارواحی که در میان آنها با قدرت ظاهر می شوند در واقع ارواح شیطانی هستند که توسط خدای خالق همه حیات طرد شده و به صورت آزمایشی به مرگ محکوم شده اند. این افراد مانند غربی ها نه بی ایمان هستند و نه کافر، اما نتیجه یکسان است، زیرا آنها در خدمت شیطانی هستند که آنها را اغوا می کنند و تحت سلطه ظالمانه خود نگه می دارند. دینداری آنها از نوع بت پرستی بت پرستی است که از بدو پیدایش بشریت را مشخص کرده است. حوا اولین قربانی او بود.

در غرب، بی ایمانی واقعاً نتیجه یک انتخاب است، زیرا تعداد کمی از مردم از ریشه مسیحی خود بی خبرند. و در میان مدافعان آزادی جمهوری، افرادی هستند که کلماتی را از کتاب مقدس نقل می کنند و بدین ترتیب شهادت می دهند که از وجود آن بی اطلاع نیستند. آنها از حقایق باشکوهی که برای خدا گواهی می دهد غافل نیستند و با این حال ترجیح می دهند که آنها را به حساب نیاورند. این نوع بی ایمانی است که روح آن را بی ایمانی می نامد و مخالفت سرکش مطلق با ایمان واقعی است. زیرا اگر به دلایلی که زندگی در سرتاسر زمین و به ویژه در مظاهر ماوراء الطبیعه اقوام آفریقایی می دهد، توجه کند، انسان امکان توجیه کفر خود را ندارد. بنابراین اعمال ماوراء طبیعی که توسط شیاطین انجام می شود، بی ایمانی غرب را محکوم می کند. خدای خالق نیز وجود خود را اثبات می کند و از طریق پدیده هایی که توسط طبیعت تحت سلطه او ایجاد می شود، با قدرت عمل می کند. زمین لرزه ها، فوران های آتشفشانی، امواج مخرب جزر و مدی، اپیدمی های مرگبار، اما همه این چیزها اکنون توضیحات علمی دریافت می کنند که منشأ الهی را پنهان می کند و از بین می برد. به چشم، این دشمن بزرگ ایمان،

توضیح علمی اضافه می شود که مغز انسان را متقاعد می کند و هم او را در انتخاب هایش تشویق می کند که او را به هلاکت می رساند.

خداوند از مخلوقاتش چه انتظاری دارد؟ او از میان آنها کسانی را انتخاب خواهد کرد که تصورات او از زندگی را تایید کنند، یعنی کسانی که افکار او را پذیرفته باشند. ایمان وسیله خواهد بود، اما هدف نیست. به همین دلیل است که «ایمان بدون اعمال» که باید حامل آن باشد، در یعقوب 2:17 «مردم» گفته می شود. زیرا اگر ایمان واقعی وجود داشته باشد، ایمان کاذب نیز وجود دارد. حق و باطل همه تفاوت را ایجاد می کنند و خداوند در تشخیص اطاعت مشکلی ندارد تا آن را از نافرمانی تشخیص دهد. در هر صورت، او تنها قاضی باقی می ماند که نظر او در مورد آینده ابدی هر یک از مخلوقاتش تصمیم می گیرد، زیرا هدف از انتخاب او منحصر به فرد است و پیشنهاد زندگی ابدی او منحصر از طریق عیسی مسیح به دست می آید. گذر بر روی زمین تنها برای ارائه امکان این انتخاب برگزیدگان ابدی موجه است. ایمان ثمره تلاش ها و فداکاری های عظیم نیست، بلکه ثمره یک حالت طبیعی است که مخلوق از بدو تولد به دست آورده یا نه. اما وقتی هست باید از خدا تغذیه شود وگرنه می میرد و از بین می رود.

ایمان واقعی چیز نادری است. زیرا بر خلاف جنبه فریبنده دین رسمی مسیحیت، گذاشتن صلیب بالای قبر موجودی کافی نیست تا درهای بهشت به روی او باز شود. و من به این اشاره می کنم زیرا به نظر می رسد نادیده گرفته شده است، عیسی در متی 13:7-14 گفت: «از دروازه باریک وارد شوید. زیرا که دروازه وسیع و راهی است که به هلاکت می رسد و بسیاری کسانی که از آن وارد می شوند. اما باریک است دروازه و باریک راهی است که به زندگی منتهی می شود و اندکی هستند که آن را می یابند.» این آموزه در کتاب مقدس در نمونه تبعید یهودیان به بابل بیشتر تأیید شده است، زیرا خداوند تنها دانیال و سه همراه و پنج پادشاه قدرتمندش را شایسته انتخاب خود می داند. و حزقیال که در این دوران زندگی می کند. سپس در حزقی 14:13-20 می خوانیم: «ای پسر انسان، اگر کشوری به من خیانت کند، دست خود را بر آن دراز کنم، اگر عصای نان را برایش بشکنم، اگر قحطی فرستادم. خداوند یهوه می گوید، اگر انسان و حیوان را از آن هلاک می کردم، و این سه مرد، نوح، دانیال و ایوب در میان آن ها بودند، جان خود را به عدالت خود نجات می دادند. اگر جانوران وحشی را در کشور پرسیه می زدیم که از جمعیت می گذرد، اگر بیابانی می شد که به خاطر این جانوران هیچ کس از آن عبور نمی کرد و این سه مرد در میان آن بودند، من زنده بودم! خداوند یهوه می گوید، آنها پسران یا دختران را نجات نخواهند داد، بلکه آنها به تنهایی نجات خواهند یافت و زمین به بیابان تبدیل خواهد شد. یا اگر شمشیر را بر این سرزمین آوردم، اگر گفتم: بگذار شمشیر در زمین بچرخد! اگر من انسانها و حیوانات را از بین می بردم و این سه مرد در میان آن بودند، من زنده بودم! خداوند یهوه می گوید، پسران و دختران را نجات نخواهند داد، بلکه فقط نجات خواهند یافت. یا اگر طاعونی را به این سرزمین فرستادم، اگر خشم خود را از طریق فنا بر آن ریختم، تا انسان ها و حیوانات را از آن نابود کنم، و در میان آن نوح، دانیال و ایوب بودند، من زنده هستم! خداوند یهوه می گوید، آنها پسران یا دختران را نجات نمی دهند، بلکه با عدالت خود جان خود را نجات می دهند. بنابراین می آموزیم که در زمان طوفان آب، تنها نوح در میان هشت نفری که توسط کشتی محافظت می شد، شایسته نجات یافت شد.

عیسی همچنین در متی 22:14 گفت: «زیرا بسیاری خوانده می شوند، اما تعداد کمی برگزیده می شوند.» دلیل آن به سادگی با استاندارد بالای تقدس مورد نیاز خدا توضیح داده می شود که می خواهد در قلب ما جایگاه اول را بگیرد یا هیچ. پیامد این الزام مخالف تفکر اومانستی درباره جهان است که انسان را بالاتر از همه چیز قرار می دهد. یعقوب رسول ما را از این مخالفت برحذر داشت و به ما گفت: «ای زناکاران! آیا نمی دانی که حب دنیا دشمنی با خداست؟ پس کسی که می خواهد دوست دنیا باشد خود را دشمن خدا می کند. عیسی دوباره در متی 10:37 به ما می گوید: «کسی که دوست دارد پدر یا مادرش بیشتر از من لایق من نیست و کسی که دوست دارد پسر یا دخترش بیشتر از من لایق من را ندارد.» همچنین اگر مانند من دوستی را دعوت می کنید تا به این معیار دینی مورد نیاز عیسی مسیح پاسخ دهد، اگر شما را متعصب خواند تعجب نکنید. این همان چیزی است که برای من اتفاق افتاد، و بعد فهمیدم که فقط عیسی را دوست واقعی خود دارم. او، "حقیقت" از مکاشفه 3:7. ما همچنین شما را یک بنیادگرا می نامیم، زیرا شما خود را صادقانه با خدا، یک قانون گرا نشان می دهید، زیرا مقدس ترین

قانون او را با اطاعت خود دوست دارید و به آن احترام می‌گذارید. این تا حدی بهای انسانی برای خشنود ساختن خداوند عیسی خواهد بود، چنانکه شایسته فداکاری و فداکاری کامل ما است که او می‌خواهد ایمان به ما این امکان را می‌دهد که افکار پنهانی او را از خدا دریافت کنیم تا زمانی که عظمت پروژه شگرف او را کشف کنیم. و برای درک پروژه کلی خود، فرد برگزیده باید زندگی آسمانی فرشتگان را که قبل از تجربه زمینی بوده است، در نظر بگیرد. زیرا در این جامعه آسمانی، تقسیم مخلوقات و انتخاب فرشتگان خوب وفادار به خدا بر اساس ایمان به مسیح مصلوب شده یا طرد او مانند روی زمین انجام نشد. این امر تأیید می‌کند که در سطح جهانی، مصلوب شدن مسیح که بی‌گناه ماند، برای خدا وسیله محکوم کردن شیطان و پیروانش است و بر روی زمین، ایمان به عیسی مسیح نشان‌دهنده وسیله‌ای است که خدا برای داشتن عشقی که نسبت به خود دارد انتخاب کرده است. برگزیدگانی که او را دوست دارند و از او قدردانی می‌کنند. هدف از این نمایش از خودگذشتگی کامل او این بود که بتواند موجودات آسمانی و زمینی سرکشی را که در حس وجودی او مشترک نیستند، به طور قانونی محکوم به مرگ کند. و از میان مخلوقات زمینی خود، کسانی را انتخاب می‌کند که افکار او را در آغوش می‌گیرند، اعمال و قضاوت‌های او را تأیید می‌کنند، زیرا آنها برای شریک ابدیت او مناسب هستند. در نهایت، او مشکلی را که به خاطر آزادی به همه موجودات آسمانی و زمینی خود ایجاد کرده بود، حل خواهد کرد، زیرا بدون این آزادی، عشق به مخلوقات منتخب او بی‌ارزش و حتی غیرممکن خواهد بود. در واقع، بدون آزادی، این موجود چیزی بیش از یک روبات با رفتار خودکار نیست. اما بهای آزادی در نهایت، نابودی موجودات سرکش آسمان و زمین خواهد بود.

از این رو، اثبات می‌شود که ایمان بر این ساده نیست: «به خداوند عیسی ایمان بیاورید و نجات خواهید یافت». این کلمات کتاب مقدس مبتنی بر آنچه فعل "باور" دلالت دارد، یعنی اطاعت از قوانین الهی است که ایمان واقعی را مشخص می‌کند. برای خداوند هدف یافتن موجوداتی است که از روی عشق از او اطاعت کنند. برخی را در میان فرشتگان آسمانی یافت و از میان موجودات زمینی خود، برخی را برگزید و تا پایان زمان فیض برگزید.

غذا برای آب و هوای مناسب

همانطور که بدن انسان برای طولانی شدن عمر خود نیاز به تغذیه دارد، ایمانی که در روح او ایجاد می‌شود نیز به تغذیه معنوی نیاز دارد. هر انسانی که نسبت به نشان دادن عشقی که خدا در عیسی مسیح داده است، حساس است، تمایل دارد که به نوبه خود کاری برای او انجام دهد. اما اگر ندانیم او از ما چه انتظاری دارد، چگونه می‌توانیم کاری انجام دهیم که او را خشنود کند؟ این پاسخ به این سؤال است که تغذیه ایمان ما را تشکیل می‌دهد. زیرا بر اساس عبرانیان 11:6، «بدون ایمان، رضایت خدا غیرممکن است». اما این ایمان همچنان باید با انطباق با انتظاراتش برای او زنده و دلپذیر شود. زیرا خداوند، خدای قادر مطلق، تمام‌کننده و داور آن است. بسیاری از مؤمنان مسیحی آرزو دارند که با خدای بهشت رابطه خوبی داشته باشند، اما این رابطه غیرممکن است زیرا ایمان آنها به درستی تغذیه نشده است. پاسخ این مشکل در متی 24 و 25 به ما داده شده است. عیسی تعلیم خود را بر روزهای آخر ما

متمرکز می‌کند که اندکی قبل از زمان ظهور دوم او، این بار، در جلال الوهیت اوست. او آن را با ضرب تصاویر در مثل‌ها توصیف می‌کند: مثل درخت انجیر، در متی 24:32 تا 34؛ مثل دزد شب، در متی 24:43 تا 51؛ مثل ده باکره، در متی 25:1 تا 12؛ مثل استعدادها، در متی 25:13 تا 30؛ مثل‌های گوسفند و بز، در متی 25:31 تا 46. در میان این تمثیل‌ها، ذکر «غذا» دو بار آمده است: در مثل دزد شب و در مثل گوسفند و بز، زیرا، با وجود ظاهر، وقتی عیسی می‌گوید: «گرسنه بودم و به من چیزی دادی تا بخورم»، او در مورد غذای روحانی با ما صحبت می‌کند که بدون آن ایمان انسان می‌میرد. زیرا انسان تنها با نان زندگی نخواهد کرد، بلکه با هر کلامی که از دهان خدا بیرون می‌آید. متی. 4:4. هدف غذای ایمان محافظت از او در برابر «مرگ دوم» کشیش 20 است، مرگی که باعث می‌شود فرد حق زندگی ابدی را از دست بدهد.

به عنوان بخشی از این تأمل، نگاه و توجه خود را به این تمثیل دزد شب معطوف کنید:

"پس مراقب باشید، زیرا نمی‌دانید پروردگار شما در چه روزی می‌آید." V.42

موضوع بازگشت عیسی مسیح تعریف شده است و «انتظار» آن بیداری معنوی را در ایالات متحده آمریکای شمالی بین سال‌های 1831 تا 1844 برانگیزد. توسط معاصران خود با اصطلاح به معنی ظهور گرفته شده است *adventus* "آدونتیست‌ها"؛ این کلمه از کلمه لاتین

بند 43: «این را خوب بدانید، اگر صاحب خانه می‌دانست دزد در چه ساعتی از شب باید بیاید، مراقب بود و اجازه نمی‌داد به خانه‌اش نفوذ کنند».

در این آیه «صاحب خانه» شاگردی است که منتظر بازگشت عیسی است و «دزد» به خود عیسی اشاره دارد. از طریق این مقایسه، عیسی مزیت دانستن تاریخ بازگشت خود را به ما نشان می‌دهد. بنابراین او ما را تشویق می‌کند که آن را کشف کنیم و گوش دادن به توصیه‌های او رابطه ما را با او مشروط می‌کند.

"پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی می‌آید که شما فکر نمی‌کنید." V.44

من در این آیه زمان آینده افعال را تصحیح کرده‌ام زیرا در یونانی اصلی این افعال در زمان حال هستند. در واقع، این سخنان توسط عیسی به شاگردان معاصر خود گفته می‌شود که از او در این مورد سؤال می‌کنند. خداوند، در زمان آخرالزمان، از این موضوع «آدونتیست» برای غربال کردن مسیحیان با آزمایش ایمان نبوی استفاده خواهد کرد. برای این منظور، او به مرور زمان، چهار انتظار «آدونتیست» را سازماندهی خواهد کرد. هر بار با نور جدیدی که توسط روح ارائه می‌شود، توجیه می‌شود، سه مورد اول در مورد متون نبوی دانیال و مکاشفه

پس آن بنده امین و عاقل که اربابش او را بر قوم خود گماشته است تا در وقت مناسب «V.45: «به آنها غذا بدهد، کیست؟»

مواظب باشید در قضاوت خود دچار اشتباه نشوید، زیرا «غذایی» که در این آیه از آن صحبت می‌شود در حال حاضر جلوی چشم شماست. بله، این سندی است که من به آن نام «دانیال و مکاشفه را توضیح دهید» دادم که این «غذای» روحانی ضروری برای تغذیه ایمان شما را تشکیل می‌دهد، زیرا از عیسی مسیح، تمام پاسخ‌هایی را به سؤالاتی که می‌توانید به طور قانونی بپرسید ارائه می‌کند. و فراتر از این پاسخ‌ها، مکاشفه‌های غیرمنتظره، مانند تاریخ واقعی بازگشت عیسی مسیح که ما را تا بهار 2030 در چهارمین و آخرین «آدونتیست» «انتظار» متعهد می‌کند.

من که شخصاً نگران این آیه هستم، این سند را ارائه می‌کنم، ثمره وفاداری خود به خدای حقیقت و احتیاط خود، زیرا نمی‌خواهم از بازگشت عیسی مسیح شگفت زده شوم. عیسی در اینجا نقشه آخرالزمان خود را آشکار می‌کند. او برای این زمان «غذایی» را در نظر گرفته است که برای تقویت ایمان برگزیدگانش که صادقانه منتظر بازگشت باشکوه او هستند، مناسب است. و این «غذا» نبوی است.

خوشا به حال آن بنده ای که وقتی اربابش می‌رسد، او را در حال انجام آن خواهد «V.46: «/یافت

زمینه بازگشت شکوهمند او در اینجا تأیید می‌شود، آن چهارمین انتظار «آدونتیست» است. بنده مربوطه واقعاً از دانستن اندیشه نازل شده خدا، و قضاوت او در مورد ایمان مردم، بسیار خوشحال است. اما این سعادت همه کسانی را که با دریافت این آخرین نور الهی، به نوبه خود آن را منتشر می‌کنند و با

برگزیدگان پراکنده در سراسر زمین تا زمان بازگشت مؤثر عیسی مسیح به اشتراک می گذارند، گسترش خواهد یافت.

« به شما راست می گویم، او آن را بر تمام دارایی های خود مستقر خواهد کرد »: V.47

کالاهای خداوند تا بازگشت او به ارزش های معنوی مربوط می شود. و خادم برای عیسی، نگهبان گنج روحانی او می شود. امانتدار انحصاری پیشوایان و نور آشکارش. پس از خواندن کل این سند، خواهید دید که من در دادن نام «گنج» به وحی نبوی کتاب مقدس آن اغراق نمی کنم. چه نام دیگری می توانم برای مکاشفه ای بگذارم که از «مرگ دوم» محافظت می کند و راه را به سوی زندگی ابدی باز می کند؟ زیرا احتمال شک را که برای ایمان و رستگاری کشنده است از بین می برد و از بین می برد.

اما اگر بنده بدی باشد که در درون خود بگوید: ارباب من در آمدن تأخیر دارد »: V.48

زندگی آفریده خدا از نوع دوتایی است. هر چیزی مخالف مطلق خود را دارد. و خداوند انسانها را دو راه، دو راه برای هدایت انتخابهایشان قرار داد: زندگی و خیر، مرگ و شر. گندم و کاه؛ گوسفند و بز، نور و تاریکی. در این آیه، روح، بنده شرور را هدف قرار می دهد، اما با این وجود، بنده ای را هدف قرار می دهد که نشان دهنده ایمان دروغین است که توسط خدا تغذیه نشده است و مهمتر از همه، ایمان کاذب مسیحی که در نهایت به خود ایمان ادونتیست در زمان آخر ما می رسد. این ادونتیسم که دیگر نوری از عیسی مسیح دریافت نکرد، زیرا او آنچه را که بین سالهای 1982 تا 1991 به او ارائه شد و آمدن او را در سال 1994 اعلام کرد، رد کرد، این ادونتیسم میوه ای از شرارت به بار آورد که حاصل تابش رسول خدا در نوامبر 1991 بود. توجه داشته باشید که عیسی افکار پنهان قلب را آشکار می کند: " کسی که در خود می گوید ". زیرا ظواهر رفتار دینی بیرونی به شدت فریبنده است؛ فرمالیسم دینی جایگزین ایمان زنده واقعی پر از غیرت برای حقیقت می شود.

« اگر شروع به کتک زدن اصحاب خود کرد، اگر با مستان بخورد و بیاشامد ... »: V.49

تصویر تا به امروز کمی مورد انتظار است، اما تشعشع، به وضوح، در زمان صلح، مخالفت و مبارزه را بیان می کند که بیانگر و مقدم بر آزار و اذیت واقعی است. این فقط به زمان بستگی دارد. از سال 1995، ادونتیسم نهادی « با مستان خوردن و آشامیدن » به حدی است که با ورود به اتحاد جهانی با پروتستانها و کاتولیکها ائتلاف کرده است. زیرا در مکاشفه 2:17، با هدف قرار دادن ایمان کاتولیک به نام " بابل کبیر "، و ایمان پروتستانی به نام " زمین "، روح می گوید: " با او است که پادشاهان زمین خود را به زنا داده اند. و از شراب زنای او است که ساکنان زمین مست شد ».

« ارباب این بنده در روزی که انتظارش را ندارد و در ساعتی که نمی داند، می آید ... »: V.50

پیامد رد نور در مورد سومین انتظار ادونتیست، و تاریخ 1994، سرانجام در قالب ناآگاهی از زمان بازگشت واقعی عیسی مسیح، یعنی چهارمین انتظار ادونتیست از پروژه الهی ظاهر می شود. این ناآگاهی نتیجه گسست رابطه با عیسی مسیح است، بنابراین می توان به این نتیجه رسید: ادونتیست هایی که در این وضعیت غم انگیز قرار گرفته اند، دیگر در نظر خدا یا به نظر او « ادونتیست ها » نیستند.

او را پاره پاره خواهد کرد و سهم خود را با منافقان به او خواهد داد: گریه و ... »: V.51

« بدندان قروچه خواهد بود »

تصویر بیانگر خشمی است که خداوند بر بندگان دروغینی که به او خیانت کرده اند وارد خواهد کرد. من در این آیه به اصطلاح « منافقین » اشاره می کنم که توسط آن روح مسیحیان دروغین را در تعیین می کند، اما برای درک زمینه زمان مورد هدف پیش گویی، که شامل آیات 33 و 35 Dan.11:34 می شود، خواندن وسیع تری لازم است: « و داناترین آنها بسیاری را تعلیم خواهد داد. عده ای هستند که برای مدتی تسلیم شمشیر و شعله و اسارت و غارت می شوند. در زمانی که تسلیم شوند، اندکی به آنها کمک می شود و بسیار از روی نفاق به آنها ملحق خواهد شد. برخی از خردمندان سقوط خواهند کرد تا زمان آخرت پاک و پاک و سفید شوند، زیرا تا زمان مقرر فرا نخواهد رسید. پس « بنده ستمکار » همان کسی است که در انتظارات خداوند، مولای او خیانت می کند و « تا آخرالزمان » به اردوگاه « منافقین » می پیوندد. او از آن به بعد با آنها در خشم خدا شریک است که آنها را تا آخرین داوری می زند، جایی که آنها نابود می شوند و در " دریاچه آتش " نابود می شوند که " مرگ دوم " را به طور قطعی می دهد، طبق مکاشفه 20: 15: « هر که در کتاب حیات مکتوب یافت نشد، در دریاچه آتش افکنده شد. »

تاریخ نازل شده ایمان واقعی

ایمان واقعی

در مورد ایمان واقعی چیزهای زیادی برای گفتن وجود دارد، اما من قبلاً این جنبه را پیشنهاد می‌کنم که به نظر من در اولویت است. هرکسی که می‌خواهد با خدا رابطه برقرار کند باید بداند که تصور او از زندگی در زمین و آسمان برعکس نظام ما بر روی زمین است که بر پایه افکار مغرور و شیطانی الهام گرفته از خداوند بنا شده است. دشمن او و برگزیدگان واقعی او. عیسی راه شناسایی ایمان واقعی را به ما داد: «از ثمرات آنها آنها را خواهید شناخت. آیا از خار انگور می‌چینیم یا از خار انجیر؟ (متی 16:7). بر اساس این گفته، مطمئن باشید که همه مدعیان نام او و کسانی که حاضر نمی‌شوند، نرمی او، یاری‌گری او، ایثار او، روحیه فداکاری او، عشق به حقیقت و غیرت او برای اطاعت از او امر اوست. خدایا هرگز بنده او نبوده و نخواهد بود. این چیزی است که 1 قرن‌تیزان 13 با تعریف کاریزمای تقدس واقعی به ما می‌آموزد. آنچه در قضاوت عادلانه خداوند لازم است: آیه 6: «از ظلم "خوشحال نمی‌شود، اما از راستی شادی می‌کند».

چگونه باور کنیم که آزار دیده و آزاردهنده از سوی خداوند یکسان قضاوت می‌شوند؟ چه شباهتی بین عیسی مسیح که داوطلبانه مصلوب شد و تفتیش عقاید پاپ رومی یا جان کالوین که مردان و زنان را تا زمان مرگ تحت شکنجه قرار می‌داد چیست؟ برای اینکه تفاوت را نبینیم، باید کلمات الهام گرفته از نوشته‌های کتاب مقدس را نادیده بگیریم. این مورد قبل از انتشار کتاب مقدس در سراسر جهان بود، اما از آنجایی که در همه جای زمین در دسترس بوده است. چه بهانه‌هایی می‌تواند خطای قضاوت انسان‌ها را توجیه کند؟ آنجا هیچی نیست. بنابراین غضب الهی که در راه است بسیار بزرگ و غیر قابل کنترل خواهد بود.

سه سال و نیمی که طی آن عیسی در خدمت زمینی خود کار کرد، در انجیل برای ما مکتشف شده است تا بتوانیم معیار ایمان واقعی را در نظر خدا بدانیم. تنها چیزی که مهم است زندگی او به عنوان الگو به ما پیشنهاد می‌شود. الگویی که ما باید از آن تقلید کنیم تا توسط او به عنوان شاگردانش شناخته شویم. این پذیرش نشان می‌دهد که ما با تصور او از زندگی ابدی که او پیشنهاد می‌کند، به اشتراک می‌گذاریم. خودخواهی و غرور ویرانگر و ویرانگر آنجا رانده شده است. در زندگی ابدی که فقط برای برگزیدگانی که توسط خود عیسی مسیح به رسمیت شناخته شده‌اند، جایی برای بی‌رحمی و شرارت وجود ندارد. رفتار او انقلابی مسالمت‌آمیز بود، زیرا او، استاد و پروردگار، خود را خادم همه قرار داد و تا حد شستن پاهای شاگردانش خم شد تا به محکومیت ارزش‌های غرورآفرینی که توسط او تجلی یافته است، معنای عینی بدهد. رهبران، شخصیت‌های مذهبی یهودی زمان خود. چیزهایی که امروزه هنوز مشخصه دینداران یهودی و مسیحی است. در تقابل مطلق، معیار نازل شده در عیسی مسیح معیار زندگی ابدی است.

عیسی مسیح با نشان دادن ابزاری برای شناسایی خود، دشمنانشان، بندگان دروغین خدا، برای نجات جان آنها اقدام کرد. و وعده او برای بودن، تا پایان جهان، «در میان» برگزیدگانش، حفظ می‌شود و شامل روشنگری و محافظت از آنها در سراسر زندگی زمینی آنهاست. معیار مطلق ایمان واقعی این است که خدا با برگزیدگان خود باقی می‌ماند. آنها هرگز از نور او و روح القدس او محروم نمی‌شوند. و اگر خدا کناره‌گیری کرد، برای این است که برگزیده دیگری نیست؛ وضعیت معنوی او در قضاوت عادلانه خدا تغییر کرد. زیرا قضاوت او با رفتار انسان تطبیق می‌یابد. در سطح فردی، تغییرات در هر دو جهت ممکن است. از خوبی به بدی یا از بدی به خوبی. اما در سطح جمعی گروه‌ها و مؤسسات مذهبی که تنها زمانی از خیر به شر تغییر می‌کنند که با تغییرات ایجاد شده توسط خداوند سازگار نشوند، چنین نیست. عیسی در تعلیم خود به ما می‌گوید: «درخت خوب نمی‌تواند میوه بد بدهد، همانطور که درخت بد نمی‌تواند میوه خوب بدهد (متی 18:7). او بدین ترتیب به ما فهماند که دین کاتولیک به دلیل میوه شنیع‌اش «درخت بد» است و از طریق آموزه‌های نادرست خود، حتی زمانی که از حمایت سلطنتی محروم باشد، از آزار و اذیت مردم دست بردارد. و دین انگلیکانی که توسط هنری هشتم برای توجیه زنا و جنایاتش ایجاد شد نیز همین‌گونه است. خداوند چه ارزشی می‌تواند به فرزندان و پادشاهان جانشین خود بدهد؟ این موضوع در مورد مذهب کالوینیست پروتستان نیز صدق می‌کند، زیرا این بنیانگذار، جان کالوین، به دلیل شهرت سخت‌شخصیتی و اعدام‌های متعددی که در شهر خود ژنو مشروعیت بخشیده بود، ترسیده بود. آداب و رسوم کاتولیک در زمان خود، تا جایی که فراتر از آنها رفت. این پروتستان‌تیسیم احتمالاً خداوند نازنین عیسی مسیح را خشنود نمی‌کرد و به هیچ وجه نمی‌توان آن را به عنوان الگوی ایمان واقعی در نظر گرفت. درست است که خداوند در مکاشفه‌ای که به دانیال داده است، اصلاحات

پروتستانی را نادیده می‌گیرد و تنها رژیم 1260 ساله پاپی و زمان استقرار پیام‌های ادونتیسیم روز هفتم، حامل حقایق الهی را از سال 1844 هدف قرار می‌دهد. تا پایان جهان، که فرا می‌رسد، در سال 2030.

جمل‌های مذهبی شیطنانی تاریخی همگی جنبه‌هایی از الگوی مورد تأیید خداوند دارند، اما هرگز با آن مطابقت ندارند. ایمان واقعی دائماً از روح مسیح تغذیه می‌شود، ایمان کاذب نه. ایمان واقعی می‌تواند اسرار پیشگویی‌های کتاب مقدس را توضیح دهد، ایمان کاذب نمی‌تواند. انبوهی از تفاسیر از پیشگویی‌ها در جهان می‌چرخد، که هر کدام خیالی‌تر از آخرین. بر خلاف آنها، تفاسیر من صرفاً از نقل قول‌هایی از کتاب مقدس به دست آمده است. بنابراین پیام دقیق، پایدار، منسجم و سازگار با اندیشه خداست که هرگز از آن دور نمی‌شود. و حق تعالی ناظر آن است.

یادداشت‌های مقدماتی برای کتاب دانیال

نام دانیال به معنای خدا قاضی من است. علم به قضاوت خداوند، مبنای اصلی ایمان است، زیرا مخلوق را به اطاعت از اراده آشکار و فهمیده خود سوق می‌دهد و تنها شرط آن است که در هر زمان مورد برکت قرار گیرد. خداوند محبت مخلوقاتش را می‌جوید که آن را عینی می‌سازند و با ایمان مطیع خود نشان می‌دهند. بنابراین قضاوت خدا از طریق پیشگویی‌های او آشکار می‌شود که از نمادهایی مانند تمثیل‌های عیسی مسیح استفاده می‌کنند. داوری خدا برای اولین بار توسط کتاب دانیال نازل شد، اما این تنها مبنای اصلی قضاوت او در مورد تاریخ دینی مسیحیت است که به طور مفصل در کتاب مکاشفه آشکار خواهد شد.

در دانیال، خدا کمی آشکار می‌کند، اما این اندک کمی اهمیت کیفی زیادی دارد، زیرا شالوده وحی نبوی کلی را تشکیل می‌دهد. معماران ساختمان می‌دانند که آماده سازی سایت ساختمان چقدر تعیین‌کننده و تعیین‌کننده است. در نبوت، این نقشی است که به مکاشفه‌های دریافت شده توسط دانیال نبی داده شده است. در واقع، هنگامی که معانی آنها به وضوح درک شود، خداوند به هدف دوگانه اثبات وجود خود و دادن کلیدهای درک پیام ارسال شده توسط روح به برگزیدگان خود دست می‌یابد. در این «چند چیز» همه یکسان می‌یابیم: اعلام جانشینی چهار امپراتوری مسلط جهانی از زمان دانیال (دانیال 2، (Dan.8) اعلام ارتداد مسیحی در 321; (Dan.9) 7 و 8). تاریخ رسمی خدمت زمینی عیسی مسیح و اتحاد "ادونتیسیت" (دان. 8 و 12) از (و 8 Dan.7) سلطنت پاپ در 1260 سال بین 538 و 1798 را اضافه می‌کنم که، همانطور که خواهیم دید، شکل و تکامل (Dan.11، 1843 (تا 2030). من به این جنگ جهانی هسته‌ای زمینی نهایی را نشان می‌دهد که هنوز باید قبل از بازگشت با شکوه خدای ناجی انجام شود.

عیسی مسیح خداوند نام دانیال را به طرز ماهرانه ای بر زبان آورد تا اهمیت آن را برای عهد جدید یادآوری کند. «بنابراین، وقتی می‌بینید که مکروه ویرانی که دانیال نبی درباره آن گفته است، در مکان مقدس مستقر است، هر که آن را می‌خواند، توجه داشته باشد. (مت 24:15)

اگر عیسی به نفع دانیال شهادت داد، به این دلیل است که دانیال آموزه‌های مربوط به اولین آمدن و بازگشت با شکوه خود را از او دریافت کرده بود، بیش از سایرین قبل از او. برای اینکه سخنان من به خوبی درک شود، باید بدانید که مسیحی که از بهشت آمد، قبلاً خود را با نام «مایکل» به دانیال معرفی و این نام توسط عیسی گرفته شده است. -مسیح در مکاشفه 12:7. این 12:3, Dan.10:13-21 کرد، در Mont Saint-Michel شناخته می‌شود، نامی که به Michel بیشتر به شکل لاتین کاتولیک " *Micaël* " نام معروف در برتون فرانسه داده شده است. کتاب دانیال جزئیات عددی را اضافه می‌کند که به ما امکان می‌دهد سال اولین آمدن او را بدانیم. این نکته را نیز متذکر می‌شوم که نام «میکائیل» به این معناست: کیست مثل خدا. و نام «عیسی» به این صورت ترجمه می‌شود: خداوند نجات می‌دهد. هر دو نام مربوط به خدای خالق بزرگ است، اولی با عنوان آسمانی، دومی با عنوان زمینی.

به عنوان یک بازی ساخت و ساز چند طبقه به ما ارائه می‌دهد *The Revelation of the Future* می‌شود. در آغاز سینما، فیلمسازان برای ایجاد جلوه‌های برجسته در کارتون‌ها از صفحات شیشه‌ای استفاده می‌کردند که نقش‌های مختلف رنگ‌آمیزی آن‌ها، زمانی که روی هم قرار می‌گرفتند، تصویری در چندین سطح می‌دادند. در مورد نبوت طراحی شده توسط خدا نیز چنین است.

همه چیز از دانیل شروع می شود

کتاب دانیل

شما که این اثر را می خوانید بدانید که خداوند متعال نامحدود زنده است هر چند پنهان است. این شهادت « دانیال نبی » برای متقاعد کردن شما در این مورد نوشته شده است. این مهر شهادت عهد قدیم و جدید را دارد زیرا عیسی آن را در کلام خطاب به شاگردانش برانگیخت. تجربه او عمل این خدای خوب و عادل را آشکار می کند. و این کتاب به ما اجازه می دهد تا قضاوتی را کشف کنیم که خداوند در تاریخ دینی یکتاپرستی خود، یهودی در اولین اتحاد، سپس مسیحی، در اتحاد جدید خود که بر روی خون ریخته شده توسط عیسی مسیح ساخته شده است، در 3 آوریل 30 از او انجام می دهد. عصر. چه کسی بهتر از « دانیال » می تواند داوری خدا را آشکار کند؟ نام او به معنای "خدا داور من است". این تجربیات زیسته افسانه نیست، بلکه گواهی بر نعمت الهی الگوی وفاداری اوست. خدا او را در میان سه نفری که در مصیبت نجات خواهد داد در حزقی 14:14-20 معرفی می کند. این سه نوع برگزیده عبارتند از: نوح، دانیال و ایوب. پیام خدا به وضوح به ما می گوید که حتی در عیسی مسیح، اگر شبیه این الگوها نباشیم، درهای نجات به روی ما بسته خواهد ماند. این پیام راه باریک، راه باریک یا دروازه باریکی را که برگزیدگان باید برای ورود به بهشت از آن عبور کنند، طبق تعالیم عیسی مسیح تأیید می کند. داستان « دانیال » و سه همراهش به عنوان الگوی وفاداری که خداوند در روزهای سختی نجات می دهد، به ما ارائه می شود.

اما در این داستان از زندگی دانیال، تغییر دین سه پادشاه قدرتمند وجود دارد که خداوند موفق شد آنها را از شیطانی که آنها در ناآگاهی کامل پرستش می کردند، ربهوده است. خداوند این امپراطوران را قدرتمندترین سخنگویان آرمان خود در تاریخ بشریت قرار داد، اولین و همچنین آخرین، زیرا این مردان الگو ناپدید خواهند شد و دین، ارزش ها، اخلاق بی وقفه افول خواهند کرد. برای خدا، ربودن روح یک مبارزه طولانی است و مورد پادشاه « نبوکدنصر » در نوع خود الگوی بسیار آشکار است. این تمثیل عیسی مسیح، این « شبان خوب » را تأیید می کند که گله خود را برای جستجوی گوسفند گمشده ترک می کند.

دانیال 1

دان 1:1 در سال سوم سلطنت یهوایقیم پادشاه یهودا، نبوکدنصر پادشاه بابل به اورشلیم لشکر کشید و آن را محاصره کرد.

الف- سال سوم سلطنت یهوایقیم، پادشاه یهودا
سلطنت یهوایقیم 11 سال از 608 تا 597. سال سوم در 605

ب-1 نبوکدنصر

این ترجمه بابلی از نام پادشاه نبوکدنصر است، "نابو از پسر بزرگ من محافظت می کند." نابو خدای دانش و نوشتن بین النهرین است. ما قبلاً می توانیم درک کنیم که خداوند قصد دارد این قدرت بر دانش و نوشتن را به او بازگرداند.

و خداوند یهوایقیم پادشاه یهودا و بخشی از ظروف خانه خدا را به دست او تسلیم **Dan 1:2** کرد. نبوکدنصر ظروف را به سرزمین شنار، به خانه خدای خود برد و در گنج خانه خدایش گذاشت.

خداوند یهوایقیم، پادشاه یهودا را به دست او تسلیم کرد الف-2

یهوایقیم بیست و پنج ساله بود: Ch.36:5 رها کردن پادشاه یهودا توسط خداوند موجه است. 2 که پادشاه شد و یازده سال در اورشلیم سلطنت کرد. او آنچه را که در نظر یهوه خدایش بد بود انجام داد.

نبوکدنصر ظروف را به سرزمین شنار به خانه خدایش برد و در گنج خانه خدایش گذاشت ب-2

این پادشاه بت پرست است، او خدای واقعی را که اسرائیل به او خدمت می کند نمی شناسد، اما مراقب خدای خود است: بل. پس از تبدیل شدن آینده خود، او با همان وفاداری به خدای واقعی دانیال خدمت خواهد کرد.

دان 1:3 پادشاه به اسپناز، رئیس خواجه های خود دستور داد که تعدادی از بنی اسرائیل را که از زادگاه سلطنتی یا از خاندان نجیب بودند، بیاورد.

دان 1:4 پسران جوانی بدون عیب و نقص بدنی، از نظر ظاهری زیبا، دارای حکمت، فهم و آموزش، قادر به خدمت در کاخ پادشاه، و به آنها حروف و زبان کلدانیان آموزش داده می شد.

پادشاه نبوکدنصر صمیمی و باهوش به نظر می رسد، او فقط به دنبال کمک به کودکان یهودی الف-4 است که با موفقیت در جامعه و ارزش های آن ادغام شوند.

دان 1:5 پادشاه برای هر روز سهمی از غذای سفره خود و شرابی که نوشیده بود برای آنها تعیین کرد و قصد داشت آنها را به مدت سه سال بزرگ کند و در پایان آن در خدمت مردم باشند. پادشاه احساسات خوب شاه آشکار است. او آنچه را که برای خودش عرضه می کند، از خدایانش گرفته الف-5

تا غذایش، با جوانان در میان می گذارد.

دانیال 1:6 در میان آنها دانیال، حناتیا، میثائیل و عزاریا از بنی یهودا بودند.

از مجموع یهودیان جوانی که به بابل برده شدند، فقط چهار نفر از آنها وفاداری نمونه نشان الف-6 دادند. حقایقی که در پی می آیند توسط خداوند سازماندهی شده اند تا تفاوت میوه هایی را که توسط کسانی که به او خدمت می کنند و به آنها برکت می دهد و آنها که به او خدمت نمی کنند و آنها را نادیده می گیرد نشان دهد.

دانیال 1:7 و رئیس خواجه ها نام هایشان را داد: دانیال بلتثصار، حناتیا شادراک، میثائیل میشاک، و عزاریا عبدنغو.

این جوان یهودی که با نام های بت پرستی تحمیل شده توسط برنده موافقت می کند، هوش الف-7 مشترک است. نامگذاری نشانه برتری و اصلی است که خدای واقعی آموزش داده است. پیدایش 2:19 و یهوه خدا که از زمین همه جانوران صحرا و همه پرندگان آسمان را آفرید، آنها را نزد انسان آورد تا ببیند که آنها را چه خواهد خواند و هر موجود زنده را چه انسان نامید. به او می داد.

دانیال «خدا داور من است» به بلتثزار تغییر نام داد: «بل محافظت خواهد کرد». بل شیطان را ب-7 مشخص می کند که در جهل کامل این مردمان بت پرست به قربانیان ارواح اهریمنی خدمت می کردند و به آنها احترام می گذاشتند.

هانانیا «فیض یا عطا شده از جانب یهوه» به «شادراک الهام گرفته از آکو» تبدیل می‌شود. آکو خدای ماه در بابل بود.

«میشائل» که انصاف الله» تبدیل به مسکاک می‌شود «که متعلق به آکو است»

آزاریا «یهوه است یاری» به «عبد نگو» «خدمت نگو» تبدیل می‌شود و در آنجا خدای خورشیدی کلدانیان است.

دانیال 1:8 دانیال مصمم شد که خود را با غذای پادشاه و شرابی که پادشاه نوشیده آلوده نکند، و از رئیس خواجه التماس کرد که او را مجبور نکند که خود را نجس کند.

داشتن نام بت پرست در هنگام شکست مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما ناپاک کردن خود تا حدی که الف-8 خدا را شرمسار کنید، درخواست بیش از حد است. وفاداری مردان جوان باعث شد که از شراب و گوشت های پادشاه خودداری کنند، زیرا این چیزها به طور سنتی به خدایان بت پرست که در بابل مورد احترام بودند ارائه می‌شد. جوانی آنها فاقد بلوغ است و آنها هنوز مانند پولس، شاهد وفادار مسیح که خدایان اما از ترس این که ضعیفان ایمان را (1 Co.8 روم.14؛ 1) دروغین را باد می‌داند، استدلال نمی‌کنند شوکه کند، مانند آنها عمل می‌کند. اگر برعکس عمل کرد، گناه نمی‌کند، زیرا استدلالش صحیح است. خداوند آلودگی هایی را که داوطلبانه با آگاهی و وجدان انجام می‌شود محکوم می‌کند. در این مثال، انتخاب عمدی برای احترام به خدایان بت پرست.

دانیال 1:9 خدا به دانیال لطف و فیض را در حضور خواجه اصلی عطا کرد.

ایمان جوانان با ترس از نارضایتی خدا آشکار می‌شود. او می‌تواند آنها را برکت دهد الف-9

رئیس خواجه‌ها به دانیال گفت: «من از سرورم پادشاه می‌ترسم که تو را برای خوردن و Dan 1:10 آشامیدن تعیین کرده است. چرا که او باید چهره تو را مضطربتر از جوانان هم سن تو ببیند؟ سرم را در معرض دید شاه قرار می‌دادی.

دانیال 1:11 سپس دانیال به مباحثی که خواجه ارشد سرپرستی دانیال، حنانیا، میشائیل و عزاریا را به او سپرده بود، گفت:

بندگان را ده روز آزمایش کن و به ما سبزی بخور و آب بنوش Dan 1:12

دان 1:13 آنگاه به صورت ما و جوانانی که غذای پادشاه می‌خورند نگاه کن و با بندگان مطابق آنچه دیده‌ای رفتار کن.

دان 1:14 و آنچه را که خواستند به آنها داد و ده روز آنها را آزمایش کرد.

در پایان ده روز، آنها از همه مردان جوانی که غذای پادشاه را می‌خوردند، خوش‌نظرتر و Dan 1:15 چاق‌تر بودند.

می‌توانیم مقایسه‌ای روحانی بین «ده روز» تجربه دانیال و سه یارانش با «ده روز» سال‌های الف-15 نبوی آزار و اذیت پیام عصر «اسمیرنا» آپو برقرار کنیم. 2:10. در واقع، در هر دو تجربه، خداوند ثمره پنهان کسانی را که ادعا می‌کنند از او هستند، آشکار می‌کند.

دان 1:16 مباشر غذا و شرابی را که برای آنها در نظر گرفته شده بود برداشت و به آنها سبزی داد.

این تجربه نشان می‌دهد که چگونه خداوند می‌تواند بر ذهن انسان‌ها عمل کند تا بندگان را بر الف-16 اساس اراده مقدس او مورد لطف قرار دهند. زیرا خطری که مباشر پادشاه متحمل شد بسیار بود و خدا باید مداخله می‌کرد تا او پیشنهادات دانیال را پذیرفت. تجربه ایمان یک موفقیت است.

دان 1:17 خدا به این چهار جوان دانش و فهم در تمام حروف و حکمت داد. و دانیال تمام رؤیاهای و رویاهای او را توضیح داد.

خداوند به این چهار جوان علم و هوش در تمام حروف و حکمت عطا فرمود الف-17

همه چیز هدیه ای از جانب خداوند است. کسانی که او را نمی‌شناسند، نمی‌دانند که چقدر به او بستگی دارد که باهوش و عاقل باشند یا نادان و نادان.

و دانیال همه رؤیاهای و همه رویاهای او را توضیح داد ب-7

دانیال برای اولین بار برای نشان دادن وفاداری خود، مورد احترام خداوند قرار می‌گیرد که به او عطای نبوت می‌دهد. این شهادتی بود که او در زمان خود به یوسف وفادار، اسیر مصریان، داد. سلیمان نیز از میان هدایای خداوند، حکمت را برگزید؛ و برای این انتخاب، خداوند همه چیز، جلال و ثروت را به او داد. دانیال به نوبه خود این ارتفاع ساخته شده توسط خدای وفادارش را تجربه خواهد کرد.

دان 1:18 در زمانی که پادشاه برای آوردن آنها به او تعیین کرده بود، رئیس خواجه‌ها آنها را به نبوکدنصر عرضه کرد.

پادشاه با آنها صحبت کرد. و در میان همه این مردان جوان مانند دانیال، حنانيا، ميشائيل و **Dan 1:19** عزاریا وجود نداشت. بنابراین آنها به خدمت شاه پذیرفته شدند.

دان 1:20 در مورد همه چیزهایی که نیاز به خرد و فهم داشت و پادشاه درباره آنها سؤال کرد، آنها را ده برابر برتر از همه جادوگران و منجمانی که در تمام پادشاهی او بودند یافت.

خداوند بدین ترتیب « تفاوت میان خدمتگزاران و کسانی که او را خدمت نمی‌کنند » را الف-20 نوشته شده است. نام دانیال و یارانش به شهادت کتاب مقدس وارد خواهد Mal.3:18 نشان می‌دهد، که در شد، زیرا تظاهرات وفاداری آنها به عنوان الگویی برای تشویق برگزیدگان تا پایان جهان خواهد بود.

دانیال 1:21 دانیال تا سال اول پادشاهی کوروش چنین بود.

دانیال 2

در سال دوم سلطنت نبوکدنصر، نبوکدنصر رویاهایی دید. ذهنش بی قرار بود و نمی توانست **Dan 2:1** بخوابد.

پس در - 604. خداوند در روح پادشاه تجلی می کند الف-1

دان 2:2 پادشاه جادوگران، اخترشناسان، جادوگران و کلدانیان را فراخواند تا رویاهای خود را به او بگویند. آمدند و خود را به حضور شاه رساندند.

آنگاه پادشاه بت پرست به افرادی که تا آن زمان به آنها اعتماد داشته و هر یک در کار خود الف-2 متخصص بوده اند روی می آورد.

دان 2:3 و پادشاه به آنها گفت: " خواب دیدم. ذهنم آشفته است و دوست دارم این خواب را بدانم.

پادشاه گفت: من می خواهم این خواب را بدانم. او در مورد معنای آن صحبت نمی کند الف-3

دان 2:4 کلدانیان به زبان آرامی به پادشاه پاسخ دادند، ای پادشاه تا ابد زنده باش! آن را به خدمتگزاران خود بگویند، ما توضیح خواهیم داد.

و پادشاه دوباره پاسخ داد و به کلدانیان گفت: «آن چیز از من فرار کرد. اگر مرا از خواب و **Dan 2:5** شرح آن آگاه نکنی، تکه تکه می شوی و خانه هایت به انبوهی از زباله تبدیل می شود.

ناسازگاری پادشاه و تدابیر شدید او استثنایی و الهام گرفته از خداوند است که وسیله ای ایجاد الف-5 می کند تا شارلاتانیزم بت پرستی را مخدوش کند و شکوه او را از طریق بندگان وفادارش آشکار کند.

دان 2:6 اما اگر خواب و توضیح آن را به من بگویند، هدایا و هدایا و افتخار بزرگی از من دریافت خواهید کرد. پس خواب و شرح آن را بگو.

این هدایا و افتخارات بزرگ را خداوند برای برگزیدگان مؤمن خود آماده می کند الف-6

دان 2:7 آنها برای بار دوم پاسخ دادند: «اجازه دهید پادشاه خواب را برای خادمان خود بگوید و ما آن را توضیح خواهیم داد.

دان 2:8 پادشاه پاسخ داد و گفت: «در واقع می‌دانم که در تلاش برای به دست آوردن زمان هستید، زیرا می‌بینید که این موضوع از من فرار کرده است.

پادشاه از حکیمان خود چیزی می خواهد که هرگز خواسته نشده و به آن نمی رسد الف-8

پس اگر خواب را به من شناسانید، همان جمله همه شما را فرا خواهد گرفت. شما می خواهید **Dan 2:9** آماده شوید تا به من دروغ و دروغ بگویید، در حالی که منتظر تغییر زمان هستید. بنابراین، خواب را به من بگویید، اگر می توانید توضیح دهید، می دانم.

می خواهید آماده شوید تا به من دروغ و دروغ بگویید، در حالی که منتظر تغییر زمان هستید الف-9
بر این اصل است که تا آخر دنیا همه پیشگویان و پیشگویان دروغین ثروتمند می شوند

پس خواب را بگو تا اگر قادر به توضیح آن هستی بدانم ب-9

برای اولین بار این استدلال منطقی خود را در اندیشه یک مرد نشان می دهد. شارلاتان ها از اینکه می توانند هر چیزی را به مشتریان ساده لوح و بیش از حد ساده لوح خود بگویند، اوقات خوبی دارند. درخواست پادشاه محدودیت آنها را آشکار می کند.

کلدانیان به پادشاه پاسخ دادند: «هیچ کس در زمین نیست که بتواند آنچه را که پادشاه **Dan 2:10** می پرسد بگوید. هیچ پادشاهی، هر چند بزرگ و قدرتمند، هرگز از هیچ جادوگر، منجم و کلدانی چنین چیزی را مطالبه نکرده است.

سخنان آنها درست است، زیرا تا آن زمان خداوند برای از بین بردن نقاب آنها مداخله نکرده بود الف-10
تا آنها بفهمند که او تنها خداست و خدایان بت پرست آنها چیزی نیست جز هیچ و بتهایی که با دست و ارواح انسان ساخته شده است. به ارواح شیطانی

آنچه پادشاه می پرسد دشوار است. هیچ کس نمی تواند به پادشاه بگوید، مگر خدایان که خانه **Dan 2:11** آنها در میان مردم نیست.

خرمندان در اینجا حقیقتی انکارناپذیر را بیان می کنند. اما با بیان این سخنان اعتراف می کنند الف-11
که هیچ رابطه ای با خدایان ندارند، در حالی که همیشه افراد فریب خورده با آنها مشورت می کنند که فکر می کنند از طریق آنها از خدایان پنهان پاسخ خواهند گرفت. چالشی که پادشاه به راه انداخت، نقاب آنها را از بین می برد. و برای دستیابی به این امر، نیاز به حکمت غیرقابل پیش بینی و بی پایان خدای حقیقی بود، که قبلاً به طور عالی در سلیمان، این استاد حکمت الهی، آشکار شده بود.

دان 2:12 در این هنگام پادشاه خشمگین شد و بسیار خشمگین شد. او دستور داد همه حکیمان بابل را به قتل برسانند.

دانیال 2:13 حکم منتشر شد، حکیمان به قتل رسیدند و به دنبال دانیال و یارانش بودند تا آنها را نابود کنند.

با قرار دادن بندگان خود در برابر مرگ است که خداوند آنها را با جلال با پادشاه نبوکدنصر الف-13
زنده خواهد کرد. این استراتژی آخرین تجربه ایمان ادونتیست را پیشگویی می کند که در آن برگزیدگان منتظر مرگ خواهند بود که توسط شورشیان در تاریخ تعیین شده صادر می شود. اما در اینجا دوباره وضعیت برعکس خواهد شد، زیرا مردگان آن شورشیان خواهند بود که وقتی مسیح قدرتمند و پیروز در آسمان ظاهر می شود تا آنها را قضاوت و محکوم کند، یکدیگر را خواهند کشت.

دانیال 2:14 آنگاه دانیال عاقلانه و عاقلانه با اربوخ، فرمانده نگهبان پادشاه، که برای کشتن حکیمان بابل بیرون رفته بود، سخن گفت.

و او پاسخ داد و به فرمانده پادشاه ارجوخ گفت: "چرا حکم پادشاه اینقدر شدید است؟" **Dan 2:15**
ارژوک موضوع را به دانیال توضیح داد.

دانیال 2:16 دانیال نزد پادشاه رفت و از او التماس کرد که به او مهلت دهد تا به پادشاه توضیح دهد.

دانیال به فطرت و تجربه دینی خود عمل می کند. او می داند که مواهب نبوی او از جانب الف-16
خداوند به او داده شده است که عادت دارد تمام توکلش را به او بسپارد. با آموختن آنچه پادشاه می پرسد، می داند که خدا پاسخها را دارد، اما آیا اراده اوست که آنها را به او بشناساند؟

دانیال 2:17 سپس دانیال به خانه خود رفت و این موضوع را به حنانیا، میشائیل و عزریا به همراهان خود گفت.

چهار جوان در خانه دانیال زندگی می کنند. « کسانی که مثل گله با هم هستند » و نماینده الف-17
جماعت خدا هستند. قبلاً قبل از عیسی مسیح، خداوند می گوید: " جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من در میان آنها هستم ". عشق برادرانه این جوانان را متحد می کند که روحیه زیبایی همبستگی را نشان می دهند.

دانیال 2:18 آنها را ترغیب می کند که از خدای آسمان طلب رحمت کنند تا دانیال و یارانش با بقیه حکیمان بابل نابود نشوند.

در مواجهه با چنین تهدید شدیدی علیه جانشان، نماز آتش و روزه خالصانه تنها سلاح برگزیدگان الف-18 است. آنها این را می دانند و منتظر پاسخ خدای خود خواهند بود که قبلاً آنقدر به آنها مدرک داده است که آنها را دوست دارد. در پایان جهان، آخرین برگزیدگانی که هدف حکم مرگ قرار گرفته اند، به همین ترتیب عمل خواهند کرد.

دان 2:19 آنگاه راز در شب در رؤیایی بر دانیال فاش شد. و دانیال خدای آسمان را برکت داد.

به درخواست برگزیدگانش، خدای امین آنجاست، زیرا برای شهادت دانیال و سه یارانش الف-19 آزمایشی را ترتیب داد تا به وفاداری خود شهادت دهد. تا آنها را به بالاترین مناصب در حکومت شاه برساند. او، تجربه پشت سر تجربه، آنها را برای این پادشاهی که او را رهبری خواهد کرد، ضروری خواهد کرد و در نهایت به ایمان خواهد آورد. این تبدیل ثمره رفتار وفادارانه و سرزنش ناپذیر چهار جوان یهودی خواهد بود که توسط خداوند برای یک مأموریت استثنایی تقدیس شده اند.

دانیال 2:20 دانیال پاسخ داد و گفت: «نام خدا از ازل تا ابد مبارک باد. عقل و قدرت از آن اوست.

تمجیدی موجه زیرا دلیل حکمت او در این تجربه غیر قابل انکار است. قدرت او الف-20 یهو یاقیم را به نبوکدنصر تحویل داد و او عقاید خود را در ذهن مردانی که قرار بود از پروژه او حمایت کنند، تحمیل کرد.

دان 2:21 اوست که زمانها و اوضاع را تغییر می دهد، پادشاهان را سرنگون می کند و استوار می سازد، به خردمندان حکمت و به خردمندان دانش می دهد.

این آیه همه دلایل اعتقاد به خدا و به خدا را به وضوح بیان می کند. نبوکدنصر در نهایت زمانی الف-21 که این چیزها را به طور کامل درک کند، تبدیل خواهد شد.

دان 2:22 آنچه ژرف و پنهان است را آشکار می کند، آنچه را در تاریکی است می داند و نور با او می ماند.

شیطان نیز می تواند آنچه را که عمیق و پنهان است آشکار کند، اما نور در او نیست. او این کار الف-22 را برای اغوا کردن و دور ساختن انسانها از خدای واقعی انجام می دهد، خدای واقعی که وقتی چنین می کند، برای نجات برگزیدگان خود عمل می کند و با آشکار ساختن تله های مرگبار شیاطین محکوم به تاریکی زمینی، از زمان پیروزی عیسی مسیح بر گناه، برای آنها اقدام می کند. و مرگ

دان 2:23 ای خدای پدرانم، تو را جلال و ستایش می کنم، که به من حکمت و قوت بخشیدی، و آنچه را که از تو خواسته ایم به من نشان دادی، و راز پادشاه را برای ما آشکار ساختی.

حکمت و قدرت در دعای دانیال در خدا بود و خداوند آنها را به او داد. ما در این تجربه می الف-23 بینیم که اصل تعلیم عیسی برآورده می شود: «بخواید تا به شما داده شود». اما به وضوح قابل درک است که برای به دست آوردن این نتیجه، وفاداری متقاضی باید در تمام آزمایشات مقاومت کند. نیروی دریافت شده توسط دانیال شکلی به خود می گیرد که بر اساس افکار پادشاه عمل می کند که در معرض یک دلیل آشکار غیرقابل انکار قرار می گیرد که او را مجبور می کند وجود خدای دانیال را که تا آن زمان برای او و قومش ناشناخته بود اعتراف کند.

دانیال 2:24 پس از آن دانیال نزد اریوخ رفت، که پادشاه به او دستور داده بود که حکیمان بابل را نابود کنند. و او رفت و به او چنین گفت: حکیمان بابل را نابود نکن! من را نزد شاه ببر و من به شاه توضیح خواهم داد.

محبت الهی در دانیال خوانده می شود که در فکر به دست آوردن زندگی برای مشرکان خردمند الف-24 است. این دوباره رفتاری است که در حالت فروتنی کامل به خداوند بر نیکی و مهربانی او گواهی می دهد. خدا راضی باشد، بنده او را با اعمال ایمانش تسبیح می دهد.

دانیال 2:25 اریوخ به سرعت دانیال را نزد پادشاه آورد و با او چنین گفت: در میان اسیران یهودا مردی یافتم که به پادشاه توضیح دهد.

خدا پادشاه را در اندوه شدیدی نگه می دارد و صرف چشم انداز به دست آوردن پاسخی که می الف-25 خواست، خشم او را فوراً فروکش می کند.

دانیال 2:26 و پادشاه پاسخ داد و به دانیال که بلطشصر نام داشت گفت: آیا می توانی خوابی را که دیده ام و شرح آن را به من نشان دهی؟

نام مشرکی که به او داده شده است چیزی را تغییر نمی دهد. این دانیال است و نه بلتشار که الف-26 پاسخ مورد انتظار را به او خواهد داد.

دانیال 2:27 دانیال در حضور پادشاه پاسخ داد و گفت: «آنچه پادشاه می پرسد رازی است که حکیمان، منجمان، جادوگران و پیشگویان نمی توانند آن را برای پادشاه آشکار کنند.

دانیال از جانب خردمندان شفاعت می کند. آنچه پادشاه از آنها خواسته بود از دسترس آنها خارج الف-27 بود.

دان 2:28 اما خدایی در آسمان است که اسرار را فاش می کند و آنچه را که در آخرالزمان اتفاق خواهد افتاد به نبوکدنصر پادشاه آگاه کرده است. این رویای شما و رویاهایی است که در رختخواب خود داشتید.

این آغاز توضیح نبوکدنصر را مورد توجه قرار می دهد، زیرا موضوع آینده همواره الف-28 مردان را عذاب و ناراحتی کرده است و چشم انداز به دست آوردن پاسخ در این مورد هیجان انگیز و آرامش بخش است. دانیال توجه پادشاه را به خدای زنده نامرئی معطوف می کند که برای پادشاهی که خدایان مادی شده را می پرستید شگفت انگیز است.

دان 2:29، ای پادشاه، بر بالین تو، افکاری در مورد آنچه بعد از این زمان خواهد بود به سراغت آمد. و کسی که اسرار را فاش می کند، آنچه را که پیش خواهد آمد، به تو گفته است.

اگر این راز برای من فاش شده است، به این دلیل نیست که در من حکمتی بزرگتر از همه Dan 2:30 موجودات وجود دارد. اما آن است که ممکن است توضیح به پادشاه داده شود، و شما می توانید افکار دل خود را

چنین نیست که در من حکمتی برتر از همه انسانهای زنده وجود داشته باشد. اما برای الف-30 این است که توضیح به شاه داده شود

تواضع کامل در عمل. دانیال کنار می رود و به پادشاه می گوید که این خدای نامرئی به او علاقه مند است. این خدا قدرتمندتر و مؤثرتر از کسانی است که تا آن زمان به آنها خدمت کرده است. تصور کنید که این کلمات چه تأثیری بر ذهن و قلب او دارد.

و افکار قلب خود را بشناسید -30b در دین بت پرستی، معیارهای خیر و شر خدای واقعی نادیده گرفته می شود. پادشاهان هرگز مورد سوال قرار نمی گیرند، زیرا از آنها می ترسند و می ترسند زیرا قدرت آنها بسیار زیاد است. کشف خدای واقعی به نبوکدنصر اجازه می دهد تا به تدریج نقص های شخصیتی خود را کشف کند. کاری که هیچکس جسارت انجام دادن آن را در میان قومش نداشت. این درس نیز خطاب به ما است: ما فقط در صورتی می توانیم افکار قلبی خود را بشناسیم که خدا در وجدان ما عمل کند.

ای پادشاه، تو نگاه کردی و تصویر بزرگی دیدی. این مجسمه بسیار بزرگ و با شکوه فوق Dan 2:31 العاده بود. او در مقابل شما ایستاده بود و ظاهرش وحشتناک بود.

مجسمه بزرگی دیدی. این مجسمه بسیار بزرگ و با شکوه فوق العاده بود الف-31 این مجسمه جانشینی امپراتوری های بزرگ زمینی را به تصویر می کشد که تا زمان بازگشت با شکوه عیسی مسیح جانشین یکدیگر خواهند شد و از این رو ظاهر عظیم آن به وجود آمده است. شکوه و جلال آن حاکمان متوالی است که با ثروت، شکوه و افتخارات مردانه پوشیده شده اند.

او در برابر شما ایستاد و ظاهرش وحشتناک بود -31b آینده ای که مجسمه پیشگویی می کند در مقابل شاه است نه پشت سر او. جنبه هولناک آن، تعداد زیادی از مرگ های بشری را پیش بینی می کند که باعث خواهد شد، جنگ ها و آزار و اذیت هایی که تاریخ بشر را تا پایان جهان مشخص می کند. حاکمان از روی اجساد عبور می کنند.

سر این تصویر طلای خالص بود. سینه و بازوانش نقره ای بود. شکم و ران هایش برنجی Dan 2:32 بود.

سر این مجسمه از طلای ناب بود الف-32 دانیال آن را در آیه 38 تأیید می کند، سر طلا خود نبوکدنصر پادشاه است. این نماد او را مشخص می کند زیرا اولاً او به خدای خالق واقعی ایمان آورده و با ایمان خدمت می کند. طلا نماد ایمان خالص در اول پطرس 1: 7 است. سلطنت طولانی او تاریخ دینی را مشخص می کند و ذکر او در کتاب مقدس را توجیه می کند. علاوه بر این، او رئیس ساخت جانشینی فرمانروایان زمینی است. این پیشگویی در سال اول سلطنت او در سال 605 آغاز می شود.

سینه و بازوانش نقره بود -ب-32
نقره ارزش کمتری نسبت به طلا دارد. تغییر می کند، طلا غیر قابل تغییر می ماند. ما شاهد
تنزل ارزش های انسانی هستیم که از بالا به پایین به دنبال توصیف مجسمه است. از - 539 امپراتوری
مادها و پارس ها جانشین امپراتوری کلدانی خواهد شد.

شکم و رانهایش برنجی بود -ج-32
برنج نیز ارزش کمتری نسبت به نقره دارد. این یک آلیاژ فلزی بر پایه مس است. به طرز
وحشتناکی خراب می شود و با گذشت زمان ظاهر آن تغییر می کند. همچنین از نقره سخت تر است، خود
سخت تر از طلا است که به تنهایی بسیار چکش خوار باقی می ماند. جنسیت در مرکز تصویری است که
خدا انتخاب کرده است، اما همچنین تصویر تولید مثل انسان است. امپراتوری یونان، از آنجا که واقعاً
همین است، در واقع بسیار پربار خواهد بود و به بشریت فرهنگ بت پرستی خود را خواهد داد که تا
پایان جهان ادامه خواهد داشت. مجسمه های یونانی در برنج مذاب و ریخته گری تا پایان مورد تحسین
مردم قرار خواهند گرفت. برهنگی بدن آشکار می شود و اخلاق ناپسند آن بی حد و حصر است. این
چیزها امپراتوری یونان را به نمادی از گناه تبدیل می کند که در طول قرن ها و هزاره ها تا بازگشت
تا 31، پادشاه یونانی آنتیوخوس 4 معروف به اپیفانس، جفاگر Dan.11:21 مسیح پایدار خواهد بود. در
قوم یهود به مدت «7 سال» بین - 175 و - 168، به عنوان نوعی از آزاردهنده پاپ معرفی خواهد شد که
او در دوره قبل از او پیشی گرفته است. گزارش نبوی این فصل این آیه 32 امپراتوری هایی را که به
امپراتوری روم منتهی می شدند، به طور متوالی گروه بندی و برانگیخت
دان 2:33 پاهایش آهنی است. پاهایش بخشی از آهن و قسمتی از گل

الف- پاهایش از آهن 33
به عنوان چهارمین امپراتوری پیشگویی شده، امپراتوری روم با حداکثر سختی مشخص شده
توسط آهن مشخص می شود. همچنین رایج ترین فلزی است که اکسید می شود، زنگ می زند و از بین
می رود. در اینجا دوباره وخامت تایید شده و در حال افزایش است. رومیان مشرک هستند. آنها خدایان
دشمنان مغلوب را پذیرفته اند. این گونه است که گناه یونانی، از طریق گسترش آنها، به همه مردمان
امپراتوری آن گسترش خواهد یافت.

پاهای او، قسمتی از آهن و قسمتی از خشت -ب-33
در این مرحله یک قسمت سفالی این تسلط سخت را تضعیف می کند. توضیح ساده و تاریخی
است. در سال 395، امپراتوری روم از هم پاشید و پس از آن ده انگشت پای مجسمه، تأسیس ده پادشاهی
مسیحی مستقل را انجام داد، اما همه تحت نظارت مذهبی اسقف رم قرار گرفتند که از سال 538 پاپ شد.
و 24 ذکر شده است Dan.7:7 این ده پادشاه قرار گرفتند. در

در حالی که شما تماشا می کردید، سنگی بدون دست افتاد و به پاهای آهنی و گلی مجسمه **Dan 2:34**
بر خورد کرد و آنها را تکه تکه کرد

تصویر سنگی که بر خورد می کند الهام گرفته از عمل مرگ با سنگسار است. این معیار برای الف-34
اعدام گناهکاران گناهکار در اسرائیل باستان بود. بنابراین این سنگ برای سنگسار گناهکاران زمینی می
آید. طبق مکاشفه ۱۶:۲۱ آخرین آفت خشم خدا تگرگ خواهد بود. این تصویر عمل مسیح علیه گناهکاران
روح به مسیح تصویر سنگی می، Zec.3:9 را در زمان بازگشت با شکوه الهی او پیشگویی می کند. در
دهد، سنگ اصلی گوشه، سنگی که خدا با آن ساختن ساختمان روحانی خود را آغاز می کند: زیرا اینک،
سنگی که در حضور یوشع قرار دادم. بر این سنگ هفت چشم است. خداوند صباوت می گوید، اینک،
من آنچه را که در آن حک خواهد شد، حکاکی خواهم کرد. و من گناه این سرزمین را در یک روز
می خوانیم: ای کوه بزرگ، پیش زرو بابل کیستی؟ شما صاف Zac.4:7 بر طرف خواهم کرد. سپس در
خواهید شد. او سنگ اصلی را در میان تحسین ها خواهد گذاشت: فضل، لطف برای او! در همین جا در
آیات 42 و 47 می خوانیم: به من گفت: چه می بینی؟ من پاسخ دادم، نگاه می کنم، و اینک یک شمعدان
تمام طلا، با یک گلدان در بالا، و دارای هفت چراغ، با هفت لوله برای چراغ هایی که در بالای شمعدان
هستند، وجود دارد. ... زیرا کسانی که روز آغاز ضعیف را تحقیر کردند، وقتی سطح را در دست
زرو بابل ببینند خوشحال خواهند شد. این هفت چشم خداوند هستند که در تمام زمین می چرخند. برای
تأیید این پیام، در مکاشفه 5: 6، این تصویر را خواهیم یافت که در آن هفت چشم سنگ و شمعدان به بره
خدا، یعنی عیسی مسیح نسبت داده شده است: و دیدم، در وسط تاج و تخت و چهار موجود زنده و در میان

بزرگان، بره ای که گویی در آنجا کشته شده بود. او هفت شاخ و هفت چشم داشت که همان هفت روح خداست که در سراسر زمین فرستاده شده اند. قضاوت مردم گناهکار توسط خدا شخصاً انجام می شود، هیچ دست بشری دخالت نمی کند.

سپس آهن و گل و برنج و نقره و طلا با هم شکستند و مانند کاهی شدند که از خرمن **Dan 2:35** تابستانی فرار می کند. باد آنها را با خود برد و اثری از آنها یافت نشد. اما سنگی که به تصویر برخورد کرد کوهی بزرگ شد و تمام زمین را پر کرد.

سپس آهن و خشت و برنج و نقره و طلا با هم شکستند و مانند کاهی شدند که در تابستان از الف-35 خرمن می گریزد. باد آنها را با خود برد و اثری از آنها یافت نشد.

در بازگشت مسیح، نوادگان مردمی که نماد طلا، نقره، برنج، آهن و گل بودند، همگی در گناهان خود باقی ماندند و شایسته نابودی توسط او بودند و این تصویر این نابودی را پیشگویی می کند.

اما سنگی که به تصویر برخورد کرد، کوهی بزرگ شد و تمام زمین را پر کرد ب-35 هزار سال داوری آسمانی، با استقرار برگزیدگان بر روی زمین تجدید شده، در مکاشفه 4، 20،

کامل محقق خواهد شد 21 و 22 به طور

Dan 2:36 این رویا است. توضیحات را نزد شاه خواهیم داد.

پادشاه سرانجام آنچه را که در خواب دیده بود می شنود. چنین پاسخی را نمی توان اختراع کرد، الف-36 زیرا فریب او غیرممکن بود. پس کسی که این چیزها را برای او توصیف می کند، خود نیز همین رؤیا را دریافت کرده است. و همچنین با نشان دادن توانایی خود در تفسیر تصاویر و بیان معنای آنها به درخواست پادشاه پاسخ می دهد.

ای پادشاه، تو پادشاه پادشاهان هستی، زیرا خدای آسمان به تو فرمانروایی، قدرت، قدرت و **Dan 2:37** جلال بخشیده است.

من واقعاً از این آیه قدردانی می کنم که در آن می بینیم دانیال به طور غیررسمی با پادشاه 37a- قدرتمند صحبت می کند، کاری که هیچ کس در روزهای منحرف و فاسد ما جرات انجام آن را ندارد. تنها شکل Tuinality. خطاب غیررسمی تو همین آمیز نیست، دانیال برای پادشاه کلدانی احترام قائل است دستوری است که توسط یک موضوع منزوی استفاده می شود که خود را به شخص ثالث واحدی بیان می کند. و همانطور که مولیر در زمان خود می توانست بگوید: «به همان اندازه که پادشاه بزرگ است، او کمتر از یک مرد نیست». و در زمان او با لوئیس 14، "پادشاه خورشید" مغرور، انحراف نذرهای ناروا متولد شد.

ای پادشاه، تو پادشاه پادشاهان هستی، زیرا خدای آسمان به تو امپراتوری داده است ب-37

دانیال بیش از احترام، شناختی آسمانی برای پادشاه به ارمغان می آورد که او از آن بی خبر بود. در واقع، پادشاه آسمانی پادشاهان گواهی می دهد که پادشاه زمینی پادشاهان را ساخته است. فرمانروایی بر پادشاهان عنوان امپراتوری را تشکیل می دهد. نماد امپراتوری "بال های عقاب" است که آن را به مشخص می کند **Dan.7** عنوان اولین امپراتوری در

37c- قدرت،

حق تسلط بر کثرت ها را مشخص می کند و از نظر کمیت، یعنی جرم سنجیده می شود. می تواند سر را بچرخاند و یک پادشاه قدرتمند را پر از غرور کند. پادشاه گاهی تسلیم غرور آشکار شده، شفا می دهد. او باید این ایده **Dan.4** می شود و خدا او را از طریق آزمایش شدید تحقیر که در را ببیند که قدرت خود را با نیروی خود به دست نیآورده است، بلکه به این دلیل است که خدای واقعی این قدرت تصویر نمادین خرس مادها و پارسیان را خواهد گرفت، **Dan.7** آن را به او داده است. در

قدرتی که گاهی اوقات با احساس پوچی در خود و زندگی خود به دست می آید، مردان دست به خودکشی می زنند. قدرت باعث می شود در مورد به دست آوردن یک خوشبختی بزرگ که به دست نمی آید خیال پردازی کنید. این ضرب المثل می گوید: «همه جدید، همه زیبا»، اما این احساس به سختی دوام می آورد. در زندگی مدرن، هنرمندان مشهور، تحسین شده و ثروتمند، علی رغم موفقیت ظاهری، خیره کننده و باشکوه، در نهایت دست به خودکشی می زنند.

37d- قدرت

و همانطور که پاهای و انگشتان پا را دیدی که بخشی از گل سفال و بخشی از آهن است، این **Dan 2:41** پادشاهی تقسیم خواهد شد. اما چیزی از استحکام آهن در آن خواهد بود، زیرا دیدی که آهن با گل مخلوط شده است.

دانیال آن را مشخص نمی‌کند اما تصویر صحبت می‌کند. پاهای و انگشتان پا نشان دهنده مرحله الف-41 غالبی است که جانشین امپراتوری روم بت پرست خواهد شد که با آهن تصویر شده است. این امپراتوری روم تقسیم شده، به میدان نبرد پادشاهی‌های کوچکی تبدیل خواهد شد که پس از فروپاشی آن شکل گرفته اند. اتحاد آهن و خشت نیرو ایجاد نمی‌کند، بلکه تفرقه و ضعف ایجاد می‌کند. خشت کوزه گری می‌آید من نمی‌توانم مانند این سفالگر با شما رفتار کنم، ای Jer.18:6 خوانیم. سفالگر خدا است بر اساس خاندان اسرائیل؟ خداوند می‌گوید. بنگرید، ای خاندان اسرائیل، همانطور که گل در دست سفالگر است، شما نیز در دست من هستید! این خشت جزء صلح آمیز بشریت است که خداوند برگزیدگان خود را از میان آن برمی‌گزیند و آنها را ظرف افتخار قرار می‌دهد.

و همانطور که انگشتان پاهای بخشی از آهن و قسمتی از گل بود، این پادشاهی نیز تا حدی **Dan 2:42** قوی و قسمتی شکننده خواهد بود.

خاطر نشان می‌کند که آهن روم تا پایان جهان ادامه داشت، اگرچه امپراتوری روم الف-42 وحدت و سلطه خود را در سال 395 از دست داد. توضیح در تسلط مجدد آن توسط اغواگری مذهبی ایمان کاتولیک رومی نهفته است. این به دلیل حمایت مسلحانه کلویس و امپراتوران بیزانس از اسقف رم در حدود سال 500 است. آنها اعتبار او و قدرت جدید پاپی او را ایجاد کردند که او را تنها از نظر مردم رهبر زمینی کلیسای مسیحی ساخت. از سال 538.

شما آهن را با خاک رس آمیخته دیده‌اید، زیرا آنها با اتحادهای انسانی مخلوط خواهند شد. **Dan 2:43** اما آنها به یکدیگر متصل نمی‌شوند، همانطور که آهن با گل ترکیب نمی‌شود.

انگشتان پا، ده عدد، در دان 7: 7 و 24 ده شاخ خواهند شد. پس از بدن و پاهای آنها الف-43 نماینده کشورهای مسیحی غربی اروپا در زمان آخر هستند، یعنی ما. عصر. خداوند 2600 سال پیش با تقییح اتحادهای ریاکارانه ملل اروپایی، شکنندگی قراردادهایی را آشکار ساخت که مردم اروپای امروزی را دقیقاً بر اساس «معاهدات روم» متحد می‌کند.

Dan 2:44 در ایام این پادشاهان، خدای آسمان پادشاهی را بر خواهد خیزد که هرگز نابود نخواهد شد و تحت سلطه قوم دیگری نخواهد بود. او تمام این پادشاهی‌ها را خواهد شکست و ویران خواهد کرد و خود تا ابد پایدار خواهد ماند.

در زمان این پادشاهان الف-44

این موضوع تأیید شده است، ده انگشت پا معاصر با بازگشت باشکوه مسیح است.

خدای آسمان پادشاهی را برمی‌خیزد که هرگز نابود نخواهد شد ب-44

انتخاب برگزیدگان تحت نام عیسی مسیح از زمان خدمت او، در اولین آمدنش به زمین، انجام می‌شود تا گناهان کسانی را که نجات می‌دهد، جبران کند. اما در طول دو هزار سال پس از این وزارت، این انتخاب در فروتنی و آزار و اذیت از اردوگاه شیطانی انجام شد. و از سال 1843، کسانی که عیسی آنها را نجات می‌دهد تعداد کمی هستند، همانطور که مطالعه دان.8 و 12 تأیید خواهد کرد.

سال از زمان انتخاب برگزیدگان که به پایان می‌رسد، هزاره هفتم، سبب ابدیت را تنها به 6000 روی برگزیدگانی می‌گشاید که از زمان آدم و حوا توسط خون عیسی مسیح نجات یافته‌اند. همه به دلیل وفاداریشان انتخاب خواهند شد، زیرا خداوند انسان‌های مومن و مطیع را با خود می‌برد و شیطان، فرشتگان سرکش و انسان‌های نافرمان او را به نابودی کامل روحشان می‌رساند.

و تحت سلطه قوم دیگری نخواهد بود ج-44

زیرا به سلطه‌ها و جانشینی‌های زمینی انسان‌ها پایان می‌دهد.

او همه این پادشاهی‌ها را خواهد شکست و ویران خواهد کرد و خود تا ابد پایدار خواهد ماند 44d-

روح معنایی را که به کلمه پایان می‌دهد را توضیح می‌دهد. معنی مطلق تمام بشریت از بین آنچه را که در طول هزاره هفتم اتفاق می‌افتد، برای ما آشکار خواهد کرد. بنابراین ما برنامه‌ای را که Rev.20 خواهد رفت. و

خداوند برنامه‌ریزی کرده است، کشف خواهیم کرد. در زمین متروک، شیطان اسیر خواهد شد، بدون هیچ شرکتی آسمانی یا زمینی. و در بهشت، برای 1000 سال، برگزیدگان مردگان شریب را قضاوت خواهند کرد. در پایان این 1000 سال، شریبان برای قضاوت نهایی زنده خواهند شد. آتشی که آنها را نابود می‌کند.

کند، زمین را پاک می کند که خدا با جلال آن را برای استقبال از تاج و تخت خود و برگزیدگان نجات یافته خود، تازه خواهد ساخت. بنابراین، تصویر رؤیا، اقدامات پیچیده تری را که آخرالزمان عیسی مسیح آشکار خواهد کرد، خلاصه می کند.

دان 2:45 این را سنگی که دیدید بدون کمک دست از کوه افتاد و آهن، برنج، گل، نقره و طلا را تکه تکه کرد، نشان می دهد. خدای بزرگ به پادشاه گفته است که بعد از این چه اتفاقی باید بیفتد. روپا حقیقت دارد و توضیح آن مسلم است.

سنگ نمادین شد، داوری آسمانی هزار سال و اجرای الف- سرانجام پس از آمدن او، مسیح که با 45 آخرین داوری او، در زمین جدید که توسط خدا بازسازی شده است، کوه بزرگی که در رؤیا اعلام شده است، شکل و جا خواهد گرفت. برای او ابدیت

دانیال 2:46 سپس نبوکدنصر پادشاه به روی خود افتاد و دانیال را پرستش کرد و دستور داد که قربانی و بخور برای او تقدیم کنند.

شاه هنوز بت پرست، مطابق ذات خود واکنش نشان می دهد. پس از دریافت هر آنچه از دانیال الف-46 خواسته بود، در برابر او سر تعظیم فرود آورد و به تعهدات خود عمل کرد. دانیال به اعمال بت پرستی که نسبت به خود می کند اعتراضی ندارد. هنوز برای مخالفت و زیر سوال بردن آن زود است. زمان که مال خداست کار خودش را می کند.

دانیال 2:47 پادشاه با دانیال صحبت کرده، گفت: «به راستی که خدای تو، خدای خدایان و خداوند پادشاهان است، و او اسرار را فاش می کند، زیرا تو توانسته ای این راز را کشف کنی

این اولین گام پادشاه نبوکدنصر به سوی تغییر دین بود. او هرگز نمی تواند این تجربه را الف-47 فراموش کند که او را مجبور می کند اعتراف کند که دانیال با خدای واقعی، در واقع، خدای خدایان و پروردگار پادشاهان در ارتباط است. اما اطرافیان بت پرست که به او کمک می کنند، تغییر دین او را به تاخیر می اندازند. سخنان او بر اثربخشی کار نبوی گواهی می دهد. قدرت خدا برای گفتن از قبل چه اتفاقی خواهد افتاد، انسان عادی را در برابر دیوار شواهد قانع کننده ای قرار می دهد که برگزیده تسلیم می شود و سقوط کرده مقاومت می کند.

سپس پادشاه دانیال را برانگیخت و هدایای غنی فراوان به او داد. او را بر تمام ایالت بابل Dan 2:48 فرمان داد و او را بر همه حکیمان بابل فرمانروایی کرد.

نبوکدنصر با دانیال همان گونه رفتار کرد که فرعون قیل از او نسبت به یوسف کرده بود. 48a- هنگامی که آنها باهوش هستند و سرسختانه بسته و مسدود نمی شوند، رهبران بزرگ می دانند چگونه از خدمات یک خدمتگزار با ویژگی های ارزشمند قدردانی کنند. آنها و قومشان از نعمت های الهی که بر برگزیدگان او است بهره مند هستند. از این رو حکمت خدای حقیقی به نفع همه است.

دانیال 2:49 دانیال از پادشاه خواست که سرپرستی استان بابل را به شدرک، میشاخ و عبدنغو بسپارد. و دانیال در دربار پادشاه بود.

این چهار جوان با نگرش وفادارانه خاص خود نسبت به خدا از سایر جوانان یهودی که الف- 49 با آنها به بابل آمده بودند متمایز بودند. پس از این مصیبت که می توانست برای همه دراماتیک شود، تایید خدای زنده ظاهر می شود. بنابراین ما تفاوتی را که خداوند بین کسانی که به او خدمت می کنند و کسانی که به او خدمت نمی کنند، می بینیم. او مقامات منتخب خود را که خود را شایسته نشان داده اند، به طور علنی در چشم همه مردم بالا می برد.

دانیال 3

دان 3:1 نبوکدنصر پادشاه تمثالی از طلا ساخت که شصت ذراع ارتفاع و شش ذراع عرض داشت. او آن را در دره دورا در استان بابل برپا کرد.

خدای زنده دانیال، پادشاه را متقاعد کرده بود، اما هنوز ایمان نیاورده بود. و ماگالومانیا هنوز او الف-3 را مشخص می کند. بزرگترهای اطراف او را در این مسیر تشویق می کنند، همانطور که روباه در افسانه با زاغ انجام می دهد، او را می پرستند و مانند یک خدا به او احترام می گذارند. همچنین، پادشاه در نهایت خود را با یک خدا مقایسه می کند. باید گفت که در بت پرستی، رانش آسان است، زیرا دیگر خدایان دروغین بی حرکت هستند و به شکل مجسمه منجمد می شوند، در حالی که او، پادشاه، که زنده است، از قبل از آنها برتری دارد. اما چقدر بد از این طلا در برافراشتن یک مجسمه استفاده می شود! بدیهی است که دیدگاه قبلی هنوز به ثمر نرسیده است. شاید حتی افتخاراتی که خدای خدایان به او نشان داد به حفظ و حتی رشد غرور او کمک کرد. طلا، نماد ایمان که طبق اول پطرس 1: 7 با آزمایش خالص شده است، در تجربه جدیدی که در این فصل شرح داده شده است، به آشکار شدن حضور این نوع ایمان متعالی در سه همراه دانیال کمک خواهد کرد. این درسی است که خدا به ویژه به برگزیدگان خود در آخرین محاکمه ادونتیست ها می پردازد، زمانی که حکم مرگ پیشگویی شده در مکاشفه 13:15 در شرف مرگ آنهاست.

دان 3:2 نبوکدنصر پادشاه ساتراپها، مباشران و فرمانداران، قاضی‌های اعظم، خزانه‌داران، وکلای دادگستری، قضات، و تمامی قاضیان ولایات را احضار کرد تا به تقدیم تصویری که نبوکدنصر پادشاه برافراشته است، بیابند.

این تجربه به دلیل توطئه های اطرافیان پادشاه نیست. در Dan.6 بر خلاف مصیبت دانیال در 2a- اینجا ثمره شخصیت او آشکار می شود.

دان 3:3 آنگاه ساتراپها، مباشران و فرمانداران، رؤسای قضات، خزانه داران، وکلا، قضات، و تمامی قاضیان استانها گرد آمدند تا تصویری را که نبوکدنصر پادشاه برپا کرده بود تقدیم کنند. آنها در برابر تصویری که نبوکدنصر برپا کرده بود، ایستادند.

دان 3:4 و یک منادی با صدای بلند فریاد زد: «این چیزی است که به شما دستور می‌دهند، ای مردم، ملت‌ها و مردمان هر زبانی!

دان 3:5 هنگامی که صدای شیبور، پیپ، گیتار، سامبوک، زهرا، نقاره و انواع آلات موسیقی را می شنوید، آنگاه به زمین خواهید افتاد و مجسمه طلایی را که نبوکدنصر پادشاه برپا کرده بود، پرستش خواهید کرد.

در لحظه ای که صدای شیبور را می شنوید الف-5

علامت محاکمه با صدای شیبور داده خواهد شد، همانطور که بازگشت عیسی مسیح در مکاشفه 11:15 با صدای شیبور هفتم نمایین شده است، و شش مجازات قبلی نیز با شیبور نمایین شده است.

ب-5 سجده می کنید

سجده شکل جسمانی عزت است. در مکاشفه 13:16، خدا آن را با دست مردانی که نشان وحش را دریافت می کنند، نماد می کند، که شامل تمرین و گرامیداشت روز خورشید بت پرستی است که جایگزین سبت مقدس الهی شد.

و شما آن را دوست خواهید داشت 5c-

عبادت شکل ذهنی افتخار است. در مکاشفه 13:16، خدا آن را از طریق پیشانی مردی که نشان وحش را دریافت می کند، تصویر می کند.

این آیه به ما اجازه می دهد تا کلیدهای این نمادهای ذکر شده در آخرالزمان عیسی مسیح را کشف کنیم. پیشانی و دست انسان افکار و آثار او را خلاصه می کند و در میان برگزیدگان، این نمادها مهر خدا را بر خلاف علامت وحش دریافت می کنند که با "یکشنبه" آیین کاتولیک رومی شناخته می شود و از آن زمان توسط پروتستان ها پذیرفته و حمایت می شود. ورود آنها به اتحاد جهانی

کل سازماندهی این اقدام که توسط پادشاه نبوکدنصر تحمیل شده است در پایان جهان در آزمون وفاداری برای سبت خدای خالق تجدید خواهد شد. هر روز شنبه، امتناع منتخبین از کار کردن، گواهی بر مقاومت آنها در برابر قانون مردان خواهد بود. و در روز یکشنبه، امتناع آنها از شرکت در عبادت مشترک تحمیلی، آنها را به عنوان شورشی معرفی می کند که باید از شر آنها خلاص شوند. سپس حکم اعدام صادر خواهد شد. بنابراین، این روند کاملاً با آنچه که سه همراه دانیال تجربه خواهند کرد، مطابقت خواهد داشت، و خود به دلیل وفاداری که قبلاً نشان داده اند، کاملاً مورد برکت خداوند قرار خواهند گرفت.

با این حال، قبل از پایان جهان، این درس ابتدا به یهودیان اتحاد قدیمی ارائه شد که در بین سالهای 175 و 168 مورد آزمایش مشابهی قرار گرفتند و توسط پادشاه یونان آنتیوخوس 4 معروف به شهادت خواهد داد که برخی از Dan.11 اپیفانس تا سرحد مرگ مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. و یهودیان وفادار کشته شدن را به انجام کارهای زشت در برابر خدای واقعی خود ترجیح می دهند. زیرا در آن روزها، خدا برای نجات معجزه آسا آنها مداخله نکرد، بیش از آنچه که بعداً برای مسیحیان کشته شده توسط روم انجام داد.

دان 3:6 هر که تعظیم نکند و عبادت نکند، فوراً در کوره آتشین افکنده خواهد شد.

برای یاران دانیال، تهدید کوره آتشین است. این تهدید به مرگ تصویر حکم اعدام نهایی است. الف-6 اما بین دو تجربه آغاز و پایان تفاوت وجود دارد، زیرا در پایان، کوره آتشین مجازات آخرین داوری متجاوزان جفاگران اولیای برگزیده خداوند خواهد بود.

دان 3:7 پس چون جمیع قوم صدای شیپور و پیپ و گیتار و سامبوک و مزبور و هر ساز موسیقی را شنیدند، تمامی قومها و قومهای هر زبانی. به زمین افتاد و تصویر طلایی را که نبوکدنصر پادشاه برپا کرده بود، پرستش کرد.

این رفتار تسلیم تقریباً کلی و یکپارچه توده ها در برابر قوانین و احکام بشری هنوز هم رفتار الف-7 آنها را در زمان آخرین امتحان ایمان زمینی پیشگویی می کند. آخرین حکومت جهانی زمین با همین ترس اطاعت خواهد شد.

دان 3:8 به همین مناسبت و در همان زمان، برخی از کلدانیان آمدند و یهودیان را متهم کردند

برگزیدگان خداوند آماج خشم شیطانی هستند که بر همه ارواح مسلط است که خداوند آنها را الف-8 برگزیدگان خود نمی شناسد. در روی زمین، این نفرت شیطانی به شکل حسادت و در عین حال نفرت بزرگ شکل می گیرد. سپس آنها را مسئول تمام بدی هایی می دانند که بشریت از آن رنج می برد، اگرچه برعکس این شرارت ها را توضیح می دهد که صرفاً پیامدهای عدم حمایت از آنها توسط خداوند است. کسانی که از مقامات منتخب متنفرند، نقشه هایی می کشند تا آنها را به اعدام مردمی تبدیل کنند که باید با کشتن آنها از شر آنها خلاص شد.

دان 3:9 آنها در جواب به نبوکدنصر پادشاه گفتند: ای پادشاه تا ابد زنده باش

. عوامل شیطان وارد صحنه می شوند، طرح روشن می شود الف-9

دان 3:10 دستور داده ای که هر که صدای شیپور، پیپ، گیتار، سامبوک، زهرا، نقاره و انواع آلات را می شنود، باید تعظیم کند و تصویر طلایی را بپرستد

. سخنان خود و دستور مقام سلطنتی را که اطاعت از آن لازم است به پادشاه یادآوری می کنند الف-10

دان 3:11 و هر که تعظیم نکند و عبادت نکند در کوره آتشین افکنده خواهد شد.

تهدید به مرگ نیز یادآوری می شود؛ تله بر روی مقدسین برگزیده بسته می شود الف-11

دان 3:12 اکنون یهودیانی هستند که سرپرستی استان بابل را به آنها سپرده ای، یعنی شدرک، میشاک و عبدنغو، مردانی که به تو توجهی ندارند، ای پادشاه. آنها خدایان شما را خدمت نمی کنند و مجسمه طلایی که شما برپا کرده اید را نمی پرستند

امر قابل پیش بینی بود، سپردن مناصب عالی به بیگانگان یهودی، حسادت مودیانه شعله ور شد الف-12 تا ثمره نفرت قاتل خود را آشکار کند. و بنابراین، برگزیدگان خدا با کینه تیزی عامیانه مشخص و محکوم می شوند.

دان 3:13 سپس نبوکدنصر خشمگین و عصبانی دستور داد شادراک، مشاک و عبدنغو را بیاورند. و این افراد را نزد پادشاه آوردند.

به یاد داشته باشید که این سه نفر از نبوکدنصر بالاترین مناصب را در پادشاهی او به دست الف-13 آوردند، زیرا در نظر او عاقل تر و باهوش تر از مردم قومش به نظر می رسیدند. به همین دلیل است که حالت «آزموده و خشمگین» او فراموشی لحظه‌ای او از ویژگی‌های استثنایی آنها را توضیح می‌دهد.

دان 3:14 نبوکدنصر در پاسخ به آنها گفت: «شادراک، میشاک و عبدنغو، آیا عمد است که خدایان من را عبادت نکنید، و شمایل طلایی را که من رفیع دارم، پرستش نکنید؟

حتی منتظر جواب سوالش نمی ماند که آیا عمداً از دستورات من سرپیچی می کنید؟ الف-14

دان 3:15 اکنون آماده باش، و چون صدای شیپور، پیپ، گیتار، سامبوک، سامبوک، نقاره و انواع سازها را بشنوی، تعظیم کرده و تصویری را که من ساخته ام؛ اگر او را نپرستید، فوراً در میان کوره آتشین افکنده خواهید شد. و خدایی که تو را از دست من نجات دهد کیست؟

پادشاه که ناگهان متوجه می شود این افراد چقدر برای او مفید هستند، آماده است تا با اطاعت از الف-15 دستور جهانی شاهنشاهی خود، فرصت جدیدی به آنها ارائه دهد.

سوال پرسیده شده پاسخی غیرمنتظره از سوی خدای واقعی دریافت می کند که به نظر می رسد نبوکدنصر او را فراموش کرده است، زیرا فعالیت های زندگی امپراتوری خود را گرفته است. علاوه بر این، چیزی برای تعیین تاریخ ماجرا وجود ندارد.

دان 3:16 شادراک، میشاک و عبدنگو به پادشاه نبوکدنصر پاسخ دادند، ما نیازی به پاسخگویی به شما در این مورد نداریم.

این سخنانی که به مقتدرترین پادشاه زمان خود گفته شد، ظالمانه و بی احترامی به نظر می آید الف-16 رسد، اما این مردانی که این سخنان را گفته اند، افراد سرکش نیستند. برعکس، آنها الگوهایی برای اطاعت از خدای زنده ای هستند که قاطعانه تصمیم گرفته اند به او وفادار بمانند.

دان 3:17 اینک خدای ما که او را خدمت می‌کنیم می‌تواند ما را از کوره آتش رهایی بخشد و ای پادشاه ما را از دست تو نجات خواهد داد.

بر خلاف پادشاه، برگزیدگان وفادار شواهدی را که خدا به آنها داد تا نشان دهد که در آزمایش الف-17 رویا با آنها بود، حفظ کردند. آنها با تداعی این تجربه شخصی با خاطرات باشکوه مردم خود که از مصریان و بردگی آنها رهایی یافته اند، توسط همین خدای وفادار، جسارت را تا سرحد مخالفت با پادشاه پیش می برند. عزم آنها تمام عیار است، حتی اگر به قیمت مرگشان تمام شود. اما روح آنها را وادار می کند که مداخله او را پیشگویی کنند: ای پادشاه، او ما را از دست تو نجات خواهد داد.

دان 3:18 در غیر این صورت، ای پادشاه، بدان که ما خدایان تو را خدمت نخواهیم کرد و تمثال طلایی را که تو برپا کرده ای را پرستش نخواهیم کرد.

و اگر نصرت خدا نیافت، بهتر است به عنوان برگزیدگان وفادار بمیرند تا خائن و ترسو زنده الف-18 بمانند. این وفاداری در آزمون تحمیل شده توسط آزاردهنده یونانی در - 168 یافت می شود. و پس از آن، در سراسر دوران مسیحیت در میان مسیحیان واقعی که تا پایان جهان شریعت خدا را با شریعت انسان های شیطانی اشتباه نخواهند گرفت.

دان 3:19 پس از آن نبوکدنصر پر از خشم شد، و چهره خود را تغییر داد و صورت خود را به سوی شادراک، میشاک و عبدنغو برگرداند. دوباره سخن گفت و دستور داد که کوره را هفت برابر بیشتر از آنچه که باید گرم کنند.

باید فهمید که این پادشاه در زمان حیات خود هیچ گاه مخالفت با تصمیمات خود را ندیده و نشنیده الف-19 است. که خشم و تغییر ظاهر چهره اش را توجیه می کند. شیطان وارد او می شود تا او را به کشتن برگزیدگان خدا هدایت کند.

دان 3:20 سپس به برخی از نیرومندترین سربازان لشکر خود دستور داد تا شادراک، میشاک و عبدنغو را ببندند و آنها را در کوره آتشین بیندازند.

دان 3:21 و این مردان را در شلوار خود و تنپوش خود و ردای خود و جامه های دیگر خود بستند و به وسط کوره آتش انداختند.

تمام این مواد ذکر شده و بدن آنها قابل احتراق هستند الف-21

دان 3:22 چون فرمان پادشاه شدید بود و کوره فوق العاده داغ بود، شعله مردانی را که شدرک، میشاک و عبدنگو را در آن انداخته بودند، کشت.

مرگ این مردان گواه بر اثر مرگبار آتش این کوره است الف-22

دان 3:23 و این سه مرد، شدرک، میشاک و عبدنگو، در وسط کوره آتشین در بند افتادند.

دستور پادشاه اجرا می شود، حتی خادمان خود را می کشد الف-23

دان 3:24 پس نبوکدنصر پادشاه ترسید و به سرعت برخاست. و او پاسخ داد و به مشاوران خود گفت: آیا ما سه مرد را در وسط آتش نینداختیم؟ آنها به پادشاه پاسخ دادند: قطعاً ای شاه

پادشاه پادشاهان زمان خود چشمان خود را باور نمی کند. آنچه او می بیند فراتر از تصور انسان الف-24 است. او احساس می کند که باید با پرسیدن از اطرافیان به خود اطمینان دهد که آیا عمل انداختن سه مرد به آتش کوره واقعیت دارد یا خیر. و اینها این مطلب را به او تأیید می کنند: مسلم است ای شاه

او پاسخ داد و گفت: «خب، من چهار مرد را بدون بنده می بینم که در میان آتش راه می روند **Dan 3:25** و هیچ آسیبی ندارند. و شکل چهارمی شبیه پسر خدایان است

به نظر می رسد که فقط شاه دید شخصیت چهارم را داشته که او را به وحشت انداخته است. الف-25 ایمان مثال زدن آن سه نفر مورد تکریم و پاسخ خداوند است. در این آتش، پادشاه می تواند مردان را تشخیص دهد و چهره ای از نور و آتش را در کنار آنها می بیند. این تجربه جدید از تجربه اول پیشی می گیرد. واقعیت خدای زنده هنوز برای او ثابت شده است.

و شکل چهارم شبیه پسر خدایان است -25b

ظاهر این شخصیت چهارم به قدری با مردان متفاوت است که پادشاه او را با پسر خدایان می شناسد. این بیان خوشحال کننده است زیرا در واقع مداخله مستقیم کسی است که برای مردم خواهد شد، پسر خدا و پسر انسان، عیسی مسیح.

دان 3:26 پس نبوکدنصر به ورودی کوره آتش نزدیک شد و گفت: «شدرک، میشاک و عبدنگو، بندگان خدای متعال، بیرون آمده و بیایید. و شدرک و میشاک و عبدنگو از میان آتش بیرون آمدند.

بار دیگر، نبوکدنصر خود را به بره ای در برابر شیر پادشاهی بسیار قوی تر از او تبدیل می الف-26

کند. این یادآوری شهادت تجربه دید قبلی را بیدار می کند. خدای بهشت در خواست دومی به او می کند.

ساتراپ ها، مباشران، فرمانداران و مشاوران پادشاه دور هم جمع شدند. دیدند که آتش بر **Dan 3:27** بدن این مردان قدرتی ندارد، موهای سرشان نسوخته است، زیرشلوارشان آسیبی ندیده است و بوی آتش بر آنها اثر نکرده است.

در این تجربه، خداوند به ما و نبوکدنصر مدرکی بر قدرت مطلق او می دهد. او قوانین زمینی الف-27 را ایجاد کرد که زندگی همه انسان ها و همه حیواناتی را که در خاک و در بعد او زندگی می کنند، شرط می کند. اما او به تازگی ثابت کرده است که نه او و نه فرشتگان تابع این قوانین زمینی نیستند. خالق قوانین جهانی، خدا بالاتر از آنهاست و می تواند به میل خود موارد معجزه آسایی را دستور دهد که در زمان او باعث جلال و شهرت عیسی مسیح شود.

دان 3:28 نبوکدنصر پاسخ داد و گفت: «متبارک باد خدای شدرک و میشاک و عبدنگو که فرشته خود را فرستاد و خادمان خود را که بر او اعتماد کرده بودند نجات داد و فرمان پادشاه را زیر پا گذاشتند و بدن خود را به جای خدمت و عبادت تسلیم کردند. هر خدایی غیر از خدای آنها

خشم شاه از بین رفت. هنگامی که به عنوان یک مرد روی پای خود ایستاد، از تجربه درس می الف-28 گیرد و دستوری صادر می کند که مانع از تکرار آن اتفاق می شود. چون تجربه تلخ است. خداوند به بابلیان نشان داد که زنده، فعال و سرشار از نیرو و قدرت است.

که فرشته خود را فرستاد و بندگان را که به او اعتماد داشتند، رهایی بخشید و فرمان پادشاه را ب-28 زیر پا گذاشتند و بدنهای خود را تسلیم کردند تا اینکه خدایی را غیر از خدای خود بندگان پرستش کنند

پادشاه در درجه بالایی از شفافیت متوجه می شود که وفاداری مردانی که غرور دیوانه اش می خواست آنها را بکشد چقدر تحسین برانگیز است. شکی نیست که او می داند که به دلیل قدرتش،

می‌توانست از این مصیبت احمقانه ناشی از غرورش که فقط باعث می‌شود او در معرض خطر افراد بی‌گناه مرتکب اشتباه شود، اجتناب کند.

دان 3:29 اکنون فرمان من این است: هر کس از هر قوم و قوم و زبانی که از خدای شدرک و میشاک و عیدنغو بد سخن بگوید، قطعه قطعه خواهد شد و خانه او به انبوهی از زباله، زیرا هیچ خدای دیگری وجود ندارد که بتواند مانند او رهایی بخشد.

با این اعلامیه، پادشاه نبوکدنصر از برگزیدگان خدا محافظت می‌کند -29a

در عین حال، هر کس را که از خدای شدرک، میشاک و عیدنغو بدگویی کند، تهدید می‌کند و تصریح می‌کند که او را تکه تکه می‌کنند و خانه اش را به زباله دانی تبدیل می‌کند، زیرا او وجود ندارد. هیچ خدای دیگری نمی‌تواند مانند او رهایی بخشد. در مواجهه با این تهدید، مسلم است که تا زمانی که پادشاه نبوکدنصر سلطنت می‌کند، برگزیدگان وفادار خدا به دلیل توطئه‌ها دچار مشکل نخواهند شد.

دان 3:30 پس از آن پادشاه شدرک، میشاک و عیدنغو را در استان بابل کامیاب کرد.

«همه خوب است که ختم به خیر شود» برای برگزیدگان وفادار خدای زنده، خالق هر چه زنده و هست. زیرا برگزیدگان او آخرین برخاسته خواهند بود و تا ابد بر خاک مردگان، دشمنان سابقشان، بر روی زمین بازسازی شده راه خواهند رفت.

در آخرین آزمون نیز این پایان خوش بدست خواهد آمد. بنابراین، اولین آزمایش و آخرین سود از مداخله مستقیم خدای زنده به نفع برگزیدگان خود که می‌آید تا آنها را در عیسی مسیح، نجات دهنده نجات دهد، زیرا نام او عیسی به معنای "یهوه نجات می‌دهد" است.

دانیال 4

دان 4:1 نبوکدنصر، پادشاه، به تمامی قوم‌ها، قوم‌ها و زبان‌ها که در تمام زمین ساکن هستند. باشد که صلح به فراوانی به شما داده شود!

لحن و شکل آن را ثابت می‌کند، پادشاهی که صحبت می‌کند کسی است که به خدای دانیال الف-1 روی آورده است. عبارات آن شبیه نوشته‌های رساله‌های عهد جدید است. او صلح را ارائه می‌دهد، زیرا او اکنون در قلب انسانی خود با خدای عشق و عدالت، واقعی، یگانه، بی‌همتا در آرامش است.

دان 4:2 به نظرم خوب آمد که نشانه‌ها و شگفتی‌هایی را که خدای متعال نسبت به من کرده است نشان دهم.

پادشاه اکنون همانطور عمل می‌کند که عیسی به نابینایان و معلولان شفا یافته توسط او گفت: « الف-2 بروید و خود را در معبد نشان دهید و آنچه را که خدا برای شما انجام داده است، اعلام کنید. » شاه با همان میل الهام گرفته از خدا متحرک است. زیرا تغییر دین هر روز امکان پذیر است، اما خداوند به همه آنها تأثیری را نمی‌دهد که یک پادشاه پادشاهان، یک امپراتور قدرتمند و قوی تجربه کرده است.

دان 4:3 نشانه‌های او چقدر بزرگ است! شگفتی‌های او چقدر قدرتمند است! سلطنت او سلطنتی ابدی است و سلطنت او نسل به نسل پایدار است.

درک و یقین به این چیزها به او آرامش و خوشبختی واقعی می‌دهد که در اینجا در زیر موجود الف-3 است. شاه همه چیز را آموخت و فهمید.

دان 4:4 من، نبوکدنصر، در خانه‌ام با آرامش زندگی می‌کردم و در قصر خود شاد بودم ساکت و شاد؟ بله، اما هنوز یک بت پرست برای خدای واقعی است الف-4

خوابی دیدم که مرا ترساند. افکاری که با آنها روی تخم تعقیب می‌شدم و رویاهای ذهنم من **Dan 4:5** را پر از وحشت می‌کرد

این پادشاه نبوکدنصر واقعاً به عنوان گوسفند گمشده ای به ما معرفی می‌شود که خدا در مسیح الف-5 به دنبال کمک و نجات آن از بدبختی می‌آید. زیرا پس از این زمان صلح آمیز و شاد زمینی، آینده پادشاه هلاکت و مرگ ابدی خواهد بود. برای نجات ابدی او، خداوند می‌آید تا او را اذیت و عذاب کند

دان 4:6 و دستور دادم که همه حکیمان بابل را پیش من بیاورند تا توضیح خواب را به من بدهند بدیهی است که نبوکدنصر مشکلات جدی حافظه دارد. چرا فوراً به دنبال زنگ نمی‌زند؟ الف-6

دان 4:7 سپس جادوگران، منجمان، کلدانیان و پیشگویان آمدند. خواب را به آنها گفتم و آنها توضیحی به من ندادند

اتفاقاتی رخ می‌دهد که در رؤیای اول، پیشگویان بت پرست ترجیح می‌دهند ناتوانی خود را الف-7 تشخیص دهند تا اینکه برای پادشاهی که قبلاً جان آنها را تهدید کرده است، افسانه بگویند

دانیال 4:8 سرانجام دانیال در حضور من ظاهر شد که به نام خدای من بلطشصر نام داشت و روح خدایان مقدس را در خود دارد. خواب را به او می‌گویم:

دلیل فراموشی آورده شده است. بل هنوز خدای پادشاه بود. در اینجا به یاد می‌آورم که داریوش الف-8 و 7، همه در زمان خود قدر دان 6، Esd.1، مادها، کوروش پارسی، داریوش پارسی، اردشیر اول، طبق یهودیان برگزیده و خدای یکتا خود خواهند بود. از جمله کوروش که خدا در عیسی 28:44 درباره او نبوت می‌کند و می‌گوید: من در مورد کوروش می‌گویم: او شبان من است و تمام اراده من را انجام خواهد داد. او درباره اورشلیم خواهد گفت: بگذارید دوباره ساخته شود! و از معبد: بگذار بنا شود! - شبان نبوت شده به وصیت نبوی خدا که اقرار به اطاعت از آن دارد، عمل خواهد کرد. این متن دیگر تبدیل پیشگویی او را تأیید می‌کند: عیسی 45:2: خداوند به مسح شده خود، به کوروش، و در بیت 13 چنین می‌گوید: این من هستم که کوروش را به عدالت خود برانگیختم و همه راههای او را درست خواهم کرد. ; یهوه صباپوت می‌گوید که شهر مرا بازسازی خواهد کرد و اسیران مرا بدون باج و رشوه آزاد تا 5 ظاهر می‌شود: در سال اول پادشاهی کوروش، پادشاه 3: Esd.6 خواهد کرد. و تحقق این نقشه در کوروش در مورد خانه خدا در اورشلیم این فرمان را صادر کرد: بگذارید خانه دوباره ساخته شود تا مکانی برای قربانی شود. ارائه می‌شود و پایه های محکمی دارد. ارتفاع آن شصت ذراع، عرض آن شصت ذراع، سه ردیف سنگ تراشیده و یک ردیف چوب نو خواهد بود. هزینه ها توسط خاندان پادشاه پرداخت خواهد شد. به علاوه، ظروف طلا و نقره خانه خدا را که نبوکدنصر از معبد اورشلیم گرفته و به بابل برده بود، بازگردانده، به معبد اورشلیم در مکانی که در آن بودند برده می‌شود و در خانه می‌گذارند. از خدا هزینه ها توسط خاندان پادشاه پرداخت خواهد شد. خداوند افتخاراتی را که به سلیمان پادشاه داده بود به او عطا می‌کند. با این حال، مراقب باشید! این فرمان اجازه نمی‌دهد که از محاسبه پیشنهادی در برای به دست آوردن تاریخ اولین آمدن مسیح استفاده شود. این پادشاه اردشیر پارسی خواهد **Dan.9:25** بود. کوروش معبد را بازسازی کرد، اما اردشیر اجازه بازسازی دیوارهای اورشلیم و بازگشت کل قوم یهود را به سرزمین ملی خود داد

دان 4:9 بلتشنصر، رئیس جادوگران، که می‌دانم روح خدایان مقدس را در شما دارد و هیچ رازی برای او دشوار نیست، رؤیایی را که در خواب دیدم به من توضیح دهید

باید بفهمیم شاه کجاست. در ذهنش، او یک بت پرست باقی ماند و فقط خدای دانیال را به عنوان الف-9 خدای دیگری شناخت، با این تفاوت که او قادر به توضیح رویاها بود. این ایده که باید خدایان را تغییر دهد به ذهنش خطور نکرد. خدای دانیال در مقایسه با دیگران فقط خدای دیگری بود

دان 4:10 اینها رویاهای ذهن من در حالی است که دراز کشیده ام. نگاه کردم و اینک درختی بلند در میان زمین بود

در تصاویری که عیسی از آنها برای ارائه درس های خود به افراد روحانی که می‌خواهد یاد 10a- دهد، استفاده خواهد کرد، درخت تصویر انسان خواهد بود، از نی که خم می‌شود و خم می‌شود تا سرو قدرتمند و با شکوه. و همانطور که انسان می‌تواند از میوه های خوش طعم درخت قدردانی کند، خداوند

از میوه های مخلوقاتش، از خوشایندترین تا ناپسندترین، حتی منفورترین و نفرت انگیزترین، قدرانی می کند یا نه.

دان 4:11 و این درخت بزرگ و نیرومند شد و نوک آن تا آسمان می رسید و از اقصای تمام زمین دیده می شد.

در رؤیای مجسمه، پادشاه کلدانی قبلاً مطابق تصویر قدرت، قدرت و امپراطوری که توسط الف-11 خدای حقیقی به او داده شده بود، به درختی تشبیه شده بود.

شاخ و برگ آن زیبا و میوه آن فراوان بود. او برای همه غذا می برد. جانوران صحرا در **Dan 4:12** زیر سایه آن پناه گرفتند و هر موجود زنده ای از آن غذا می کشید.

این پادشاه مقتدر ثروت و غذای تولید شده تحت دستور او را با همه امپراتوری خود تقسیم می الف-12 کرد.

پرندگان آسمان در میان شاخه های آن خانه ساختند ب-12

است. در معنای لغوی، این پرندگان آسمان نشان دهنده صلح و Dan.2:38 این عبارت تکرار آرامشی است که تحت حکومت او حاکم است. در معنای معنوی، منظور فرشتگان آسمانی خداوند است، این خود خداوند است که مورد بحث است، زیرا او به تنهایی، Ecc.10:20 اما در این اشاره واحد از افکار هر فرد را جستجو می کند: پادشاه را نفرین نکنید. حتی در ذهن خود، و ثروتمندان را در اتاقی که در آن می خوابید نفرین نکنید. چون پرنده آسمان صدايت را می برد، حیوان بالدار سخنان را منتشر می کرد. در اکثر نقل قول ها، پرندگان آسمان عقاب ها و پرندگان شکاری را تداعی می کنند که در میان گونه های بالدار غالب هستند. پرندگان در جایی ساکن می شوند که غذایشان فراوان باشد. بنابراین تصویر رفاه و سیری غذا را تأیید می کند.

دان 4:13 در رؤیاهای روح خود، که در حال دروغ گفتن دیدم، دیدم، و اینک، یکی از مراقبان و مقدسان از آسمان نازل شد.

همانا فرشتگان آسمانی نیازی به خواب ندارند، بنابراین در فعالیت دائمی هستند. کسانی که الف-13 مقدس هستند و خدا را خدمت می کنند از آسمان فرود می آیند تا پیام های او را به بندگان زمینی او برسانند.

و او با قدرت فریاد زد و چنین گفت: درخت را قطع کنید و شاخه های آن را ببرید. شاخ و **Dan 4:14** برگ ها را تکان دهید و میوه ها را پراکنده کنید. بگذار جانوران از زیر آن بگریزند و پرندگان از میان شاخه هایش!

رؤیا اعلام می کند که پادشاه سلطنت و سلطه خود را بر او از دست خواهد داد الف-14

اما ساقه را در جایی که ریشه در زمین است رها کنید و آن را با زنجیر آهنی و برنجی در **Dan 4:15** میان علف های مزرعه ببندید. در شبنم بهشت غرق شود و مانند جانوران علف زمین نصیبش شود.

اما تنه را در زمین که ریشه است رها کنید الف-15

پادشاه در پادشاهی خود خواهد ماند. او اخراج نخواهد شد

و او را با زنجیر آهنی و برنجی در میان علف های مزرعه ببندید ب-15

نیازی به زنجیر آهنی و برنجی نیست، زیرا خداوند به سادگی باعث می شود که مخلوق شکل پذیرش عقل و عقل خود را از همه جنبه های جسمی، روحی و اخلاقی از دست بدهد. پادشاه قدرتمند خود را به عنوان یک جانور میدان خواهد گرفت. بنابراین بزرگان پادشاهی او مجبور خواهند شد که سلطه پادشاهی را از او سلب کنند.

باشد که از شبنم آسمان غرق شود و مانند جانوران علف زمین را نصیب خود کند ج-15

می توانیم حیرت بزرگسالان او را تصور کنیم که او را در حال خوردن علف از روی زمین،

مانند گاو یا گوسفند، می بینند. او خانه های سرپوشیده را رد می کند و ترجیح می دهد در مزارع زندگی کند و بخوابد.

دان 4:16 قلب انسانی او از او گرفته خواهد شد و قلب حیوانی به او داده خواهد شد. و هفت بار بر او خواهد گذشت.

در این تجربه، خداوند بار دیگر بر قدرت مطلق خود اثبات می کند. چون آفریدگار جان همه مخلوقاتش، می تواند در هر زمانی برای جلال خود، کسی را باهوش کند یا برعکس، او را خنگ کند. از آنجا که برای چشمان آنها نامرئی می ماند، مردان این تهدید را که دائماً بر آنها سنگینی می کند نادیده می

گیرند. اما درست است که به ندرت مداخله می کند و زمانی که انجام می دهد به دلیل و هدف خاصی است.

مجازات سنجیده می شود. هفت بار ، فقط هفت سال، برای پادشاه نبوکدنصر اعمال خواهد شد . استفاده از این مدت در مورد دیگری غیر از خود پادشاه مشروعیت ندارد. در اینجا نیز، با انتخاب عدد «7»، خدای خالق با «مهر سلطنتی» خود اقدامی را که در شرف انجام است، حروف اول می نویسد دان 4:17 این جمله حکم مراقبان است، این حکم فرمان مقدسین است تا زندگان بدانند که خداوند متعال بر پادشاهی مردم حکومت می کند و به هر که بخواهد می دهد و او پست ترین انسان ها را در آنجا پرورش می دهد.

این جمله حکم تماشاگران است الف-17

روح بر ویژگی استثنایی این مداخله الهی تأکید می کند که او نقش «حکم» را به خاطر تماشاگران به آن می دهد . انسان باید بیاموزد که علیرغم ظواهر فریبنده، دائماً مورد توجه موجودات آسمانی است. خداوند می خواهد این مثال را تا آخر دنیا برای انسان عبرت قرار دهد. او با استناد به کسانی که تماشا می کنند ، وحدت جمعی کامل فرشتگان اردوگاه خدا را آشکار می کند که آنها را در پروژه ها و اقدامات خود شریک می کند.

ب- تا زندگان بدانند که حق تعالی بر پادشاهی مردم تسلط دارد و آن را به هر که بخواهد می دهد-17

خداوند همه چیز را هدایت می کند و همه چیز را کنترل می کند. انسان اغلب با فراموشی این واقعیت پنهان، خود را مسلط بر سرنوشت و تصمیمات خود می داند. او گمان می کند که رهبران خود را انتخاب می کند، اما این خداوند است که بر حسب اراده و قضاوتش در مورد اشیا و موجودات، آنها را بر سر کار می گذارد.

و اینکه او در آنجا پست ترین انسان ها را پرورش می دهد ج-17

این ضرب المثل درست است: "مردم رهبرانی دارند که شایسته آنها هستند". وقتی مردم سزاوار یک مرد پست به عنوان رهبر باشند، خداوند آن را بر آنها تحمیل می کند.

دان 4:18 این خوابی است که من، پادشاه نبوکدنصر، خواب دیدم. تو ای بلطشصر توضیح بده، زیرا همه حکمای پادشاهی من نمی توانند آن را به من بدهند. شما می توانید، زیرا روح خدایان مقدس را در درون خود دارید.

نبوکدنصر در حال پیشرفت است، اما هنوز تبدیل نشده است. او هنوز به یاد داشت که دانیال به الف-18 خدایان مقدس خدمت می کند . توحید هنوز برای او درک نشده است.

دانیال 4:19 پس دانیال که بلطشصر نام داشت، لحظه ای مات و مبهوت شد و افکارش او را آزار می داد. پادشاه پاسخ داد و گفت: «بلتثصر، مبدا این خواب و توضیح تو را اذیت کند. و بلتثصر پاسخ داد: پروردگارا، بگذار این خواب برای دشمنانت باشد و توضیح آن برای دشمنانت!

دانیال خواب را می فهمد و اتفاقی که قرار است بیفتد برای پادشاه آنقدر وحشتناک است که دانیال -19a ترجیح می دهد کار را بر سر دشمنانش انجام دهد.

درختی را که دیدی، بزرگ و قوی شد، که بالای آن به آسمان می رسید و در همه جای زمین Dan 4:20 دیده می شد.

دان 4:21 این درخت که شاخ و برگ هایش زیبا و میوه هایش فراوان بود و برای همه غذا می آورد و وحوش صحرا در زیر آن پناه می گرفتند و پرندگان آسمان در میان شاخه هایش خانه می کردند.

الف-21 شاخ و برگ زیبا بود

ظاهر بدنی و لباس

ب-21 و میوه های فراوان

فراوانی رفاه

ج-21 که برای همه غذا حمل می کرد

کسی که رزق و روزی همه قومش را تامین کرد

d-21 که در زیر آن جانوران صحرا پناه گرفتند

پادشاه محافظ بندگانش

-21 و در میان شاخه هایش پرندگان آسمان خانه نشین شدند

تحت حکومت او، مردمش در امنیت زیادی زندگی می کردند. پرندگان پرواز می کنند و با کوچترین خطری درخت را ترک می کنند.

دان 4:22 ای پادشاه، این تو هستی که بزرگ و نیرومند شده‌ای، عظمت او تا آسمان‌ها افزایش یافته و بلند شده، و سلطنتت تا اقصی نقاط زمین گسترده است.

و پادشاه یکی از نگهبانان مقدس را دید که از آسمان پایین آمد و گفت: «درخت را ببرید و **Dan 4:23** آن را نابود کنید. اما تنه را در زمینی که ریشه است رها کنید و با زنجیر آهنی و برنجی در میان علف‌های مزرعه ببندید. از شب‌بزم آسمان غرق شود و سهمش با حیوانات صحرا باشد تا هفت بار بر او بگذرد. **دان 4:24** این است توضیح، ای پادشاه، این حکم خداوند متعال است که بر آقای من پادشاه انجام خواهد شد.

آنها شما را از میان مردم بیرون خواهند انداخت و شما در کنار حیوانات صحرا ساکن **Dan 4:25** خواهید شد و آنها به شما علف خواهند داد تا مانند گاو بخورید. از شب‌بزم آسمان غرق خواهی شد و هفت بار بر تو خواهد گذشت تا بدانی که حق تعالی بر پادشاهی مردم حکومت می کند و آن را به هر که بخواهد می دهد.

تا بدانی که حق تعالی بر پادشاهی مردم حکومت می کند و به هر که بخواهد می دهد. الف- 25
دانیال از خدا به عنوان "اعلی" یاد می کند. بنابراین او افکار پادشاه را در مورد وجود خدای یگانه هدایت می کند. ایده ای که پادشاه در درک آن به دلیل این خاستگاه‌های شرک آمیز از پدر به پسر به ارث رسیده است.

دان 4:26 فرمان ترک تنه در جایی که ریشه درخت است به این معنی است که پادشاهی شما با شما باقی خواهد ماند وقتی که تشخیص دهید که او در بهشت است.

وقتی تشخیص داد که حاکم در بهشت است، تجربه ذلت از بین می‌رود زیرا پادشاه متقاعد الف-26 می‌شود و ایمان می‌آورد.

دان 4:27 پس ای پادشاه، باشد که نصیحت من تو را خشنود سازد. با عدالت به گناهان خود پایان دهید و با دلسوزی نسبت به بدبختان به گناهان خود پایان دهید تا شادی شما ادامه یابد.

هنگامی که پادشاه مواردی را که دانیال در این آیه ذکر کرده است به عمل آورد، به راستی الف-27 تبدیل خواهد شد. اما این شخصیت به غرور سپرده شده است، قدرت بی‌رقیب او، همانطور که تجربیات فاش شده قبلی به ما آموخته است، او را دمدمی مزاج و اغلب ناعادلانه کرده است.

دان 4:28 همه این چیزها در نبوکدنصر پادشاه انجام شد.

این اعلامیه دانیال هرگونه تفسیر دیگری از این پیشگویی را که مبانی نبوی تعلیم یافته الف-28 شاهان یهوه و هر گروه مذهبی دیگری را که با قاعده تعریف شده توسط دانیال مغایرت دارد، محکوم به ابطال می کند. علاوه بر این، محتوای کل فصل گواه این امر است. زیرا داستان به ما خواهد آموخت که چرا پادشاه در پیشگویی درخت مورد نفرین قرار می گیرد.

دان 4:29 در پایان دوازده ماه، هنگامی که در کاخ سلطنتی در بابل راه می‌رفت،

ماه، یا یک سال یا "زمان" بین چشم انداز و انجام آن می گذرد 12 - 29a

دان 4:30 پادشاه پاسخ داد و گفت: «آیا این بابل بزرگ نیست که به قدرت خود و برای جلال عظمت خود برای اقامتگاه سلطنتی ساخته‌ام؟»

این لحظه سرنوشت ساز است که پادشاه بهتر بود سکوت کند. اما ما می توانیم آن را الف-30 درک کنیم زیرا بابل او واقعاً یک شگفتی ناب بود که هنوز به عنوان یکی از "عجایب هفتگانه جهان"

ذکر شده است. باغ‌های معلق و سرسبز، حوض‌ها، میدان‌های وسیع و باروهایی در مربعی به طول 40 کیلومتر از هر طرف. باروهایی که در بالای آن دو تانک می توانستند در تمام طول باروها از یکدیگر عبور کنند. بزرگراه آن زمان یکی از دروازه‌های آن، که در برلین بازسازی شده است، در مرکز دو دیوار ساخته شده از سنگ‌های میناکاری شده آبی قرار دارد که نشان پادشاه روی آن حک شده است:

از آن یاد می‌کند. او چیزی برای افتخار داشت. اما خداوند در **Dan.7:4** شیری با بال‌های عقاب که سخنانش غرور نمی بیند، غرور را می بیند، اما بالاتر از همه فراموشی و تحقیر تجربیات قبلی خود را. یقیناً این پادشاه تنها موجود مغرور روی زمین نیست، بلکه خداوند او را در نظر گرفته است، او را در بهشت می خواهد و خواهد داشت. این جای توضیح دارد: خداوند مخلوقات خود را فراتر از ظاهر قضاوت می کند. او قلب و ذهن آنها را جستجو می کند و گوسفندانی را که شایسته رستگاری هستند،

بدون هیچ اشتباهی می شناسد. این امر او را به پافشاری و گاه معجزه می کشاند اما این روش با کیفیت نتیجه نهایی توجیه می شود.

دان 4:31 در حالی که هنوز کلمه در دهان پادشاه بود، صدایی از آسمان نازل شد: ای نبوکدنصر پادشاه بشنو که پادشاهی از تو سلب خواهد شد.

نبوکدنصر قربانی محبت خداست که دامی برای او گشود و در خواب نبوی خود به او هشدار الف-31 داد. جمله از بهشت شنیده می شود، اما بیابید خوشحال باشیم زیرا شری که خدا در حق او خواهد کرد، زندگی او را نجات می دهد و آن را ابدی می کند.

آنها شما را از میان مردم بیرون خواهند کرد، در کنار حیوانات صحرا ساکن خواهید شد، و **Dan 4:32** آنها به شما علف خواهند داد تا مانند گاو بخورید. و هفت بار بر تو خواهد گذشت تا بدانی که حق تعالی بر پادشاهی مردم حکومت می کند و آن را به هر که بخواهد می دهد.

هفت سال، هفت بار، شاه هوشیاری خود را از دست می دهد و عقلش او را متقاعد می کند که الف-32 فقط حیوان است.

دان 4:33 در همان زمان کلام در مورد نبوکدنصر تحقق یافت. او از میان مردم رانده شد، مانند گاو علف خورد، بدنش از شبنم بهشت خیس شد. تا اینکه موهایش مانند پرهای عقاب و ناخن هایش مانند پرهای پرندگان رشد کرد.

شاه گواهی می دهد که هر آنچه اعلام شده بود در چشم انداز به خوبی بر او انجام شد. پادشاه الف-33 مسلمان شده در نوشتن شهادت خود این تجربه تحقیرآمیز را تداعی می کند و از خود به صورت سوم شخص صحبت می کند. شرم هنوز او را وادار به عقب نشینی می کند. توضیح دیگری ممکن است، و آن این است که این شهادت توسط پادشاه و دانیال، برادر جدیدش در خدای حقیقی، با هم نوشته شده است.

دان 4:34 پس از زمان مقرر، من، نبوکدنصر، چشمان خود را به سوی آسمان بلند کردم و عقل به من بازگشت. من حق تعالی را برکت داده‌ام، او را ستایش کرده‌ام و او را ستایش کرده‌ام که تا ابد زنده است، سلطنت او سلطنتی ابدی است، و پادشاهی او نسل به نسل پایدار است.

خدای حکیم و قادر، محبت گوسفندان گمشده را به دست می آورد. او به گله او پیوسته است و الف-34 ستایش خود را برای جلال او زیاد می کند.

کسی که سلطنتش سلطنت ابدی است و سلطنتش نسل به نسل ادامه دارد ب-34

فرمول مربوط به پنجمین پادشاهی، این بار، ابدی، از رویای پسر انسان دان است. 7:14: به او فرمانروایی، جلال و پادشاهی داده شد. و همه اقوام و ملل و مردم از هر زبانی به او خدمت کردند. فرمانروایی او فرمانروایی جاودانی است که نمی‌گذرد و پادشاهی او هرگز نابود نخواهد شد. و همچنین در ایام این پادشاهان، خدای آسمان پادشاهی را برمی‌خیزد که هرگز Dan.2:44 در رؤیای تصویر در نابود نخواهد شد و از زیر سلطه قوم دیگری نخواهد گذشت. او همه این پادشاهی‌ها را خواهد شکست و نابود خواهد کرد و خود تا ابد پایدار خواهد ماند.

دان 4:35 همه ساکنان زمین در نظر او هیچ نیستند. او با لشکر آسمان و با ساکنان روی زمین هر چه بخواهد رفتار می کند و کسی نیست که بتواند دست او را تحمل کند. او: چیکار میکنی؟

جلال خدای زنده! زیرا این بار شاه همه چیز را فهمید و مسلمان شد -35a

در آن زمان عقل به من بازگشت. جلال پادشاهی، شکوه و جلال من به من بازگردانده شد. **Dan 4:36** مشاوران و بزرگانم دوباره از من پرسیدند. من به پادشاهی خود بازگردانده شدم و قدرتم فقط افزایش یافت.

مانند ایوب عادل و درستکار، که خداوند در پایان مصیبت خود به او پسران، دختران و فرزندان الف-36 داد، پادشاه نیز اعتماد بزرگان خود را به دست می‌آورد و حکمرانی خردمندانه خود را در میان حکیمان واقعی که توسط خدای زنده روشن شده است، از سر می‌گیرد. این تجربه ثابت می کند که خداوند پادشاهی را به هر که بخواهد می دهد. او بود که کلدانیان بزرگ را برانگیخت تا دوباره پادشاه خود را بخواهند.

دان 4:37 اکنون من، نبوکدنصر، پادشاه آسمان را می ستایم و تمجید می کنم و جلال می دهم، که همه اعمالش راست و راههای عادلانه است، و می تواند کسانی را که با غرور راه می روند، فروتن سازد.

می تواند بگوید، زیرا پول داده تا بتواند بگوید الف -37

برای جلوگیری از بدترین اتفاق، کشیدن دندان می تواند آسیب زیادی به شما وارد کند. اما خطرات می تواند رنج را توجیه کند. برای به دست آوردن ابدیت، ممکن است لازم باشد آزمایش های سخت یا بسیار سختی را پشت سر بگذاریم؛ ریشه کن کردن غرور در صورت امکان، آنها را توجیه می کند. عیسی مسیح با دانستن توانایی های خود، پولس را در راه دمشق نابینا کرد تا «جفاگر برادرانش» نابینای روحانی، پس از بازیابی بینایی چشمانش، و مهمتر از همه، بینایی او، شاهد وفادار و غیور او شود. روح

دانیال 5

دان 5:1 بلشصر پادشاه برای اشرافش هزار نفر عید بزرگی داد و در حضور آنها شراب نوشید پادشاه نبوکدنصر هنگامی که بسیار پیر بود در صلح خدا به خواب رفت و پسرش نبونیدوس الف-1 جانشین او شد و تمایلی به حکومت نداشت، بنابراین پسرش بلشعصر به جای او سلطنت کرد. این نام را که به معنای «بل از پادشاه محافظت می کند»، چالشی که خدا می خواهد انجام دهد، با نامی که نبوکدنصر به دانیال داد، اشتباه نگیرید: بلتسازار که به معنای «بل محافظت خواهد کرد». منشأ این نام ها پرستش بل یا بلایل است که تنها سازمان دهنده شرک در پشت اوست: شیطان، شیطان. چنانکه خواهیم دید، جانشینان پادشاه مسلمان شده در این راه از او پیروی نکردند.

دان 5:2 بلشعصر چون شراب را چشید، ظروف طلا و نقره را که پدرش نبوکدنصر از معبد اورشلیم گرفته بود، آورد تا پادشاه و اشراف و زنان و کنیزهایش از آنها استفاده کنند. نوشیدن برای این پادشاه بت پرست این ظروف طلا و نقره فقط غنایمی است که از یهودیان گرفته شده الف-2 است. او با انتخاب نادیده گرفتن خدای واقعی که نبوکدنصر به او گرویده بود، این واقعیت را نادیده می گیرد که این خدای زنده همه اعمال او را قضاوت می کند. با استفاده پست و ناپسند از این چیزهای مقدس و مقدس در خدمت خداوند خالق، آخرین خطای عمر کوتاه خود را مرتکب می شود. در زمان خود، نبوکدنصر می دانست که چگونه قدرت فعال خدای یهودیان را در نظر بگیرد، زیرا می دانست که خدایان ملی او در حقیقت وجود ندارند. تمام مردمان تابع پادشاه بابل شهادت قدرتمند او را در نفع پادشاه آسمان شنیده بودند، به ویژه خانواده نزدیک او. بنابراین خدا دلایل زیادی دارد که اکنون خود را عادل و بی رحم نشان دهد.

سپس ظروف طلائی را که از معبد، از خانه خدا در اورشلیم بیرون آورده بودند، آوردند. و **Dan 5:3** پادشاه و اشراف و زنان و کنیزانش از آن برای نوشیدن استفاده می کردند.

دانیال بر اصل این ظروف که برداشته شده اند اصرار دارد از معبد، از خانه خدا در اورشلیم. الف-3 از قبل، پادشاه جوان، با دیدن اینکه خدای یهود اجازه داد این چیزها از معبد او برداشته شود، باید می فهمید که خدای واقعی کسانی را که به او خدمت بدی می کنند مجازات می کند و شدیداً مجازات می کند. خدایان بت پرست چنین کارهایی را انجام نمی دهند و مأموران آنها فقط به دنبال جلب رضایت مردانی هستند که از زودباوری آنها سوء استفاده می کنند.

دان 5:4 آنها شراب نوشیدند و خدایان طلا، نقره، برنج، آهن، چوب و سنگ را ستایش کردند استعمال ناسزا کهنه شده است، استعمال بت پرستانه است، اوج مکروهی برای خداست. جزئیات الف-4 مهم، در یک نمایش بزرگ از بی احتیاطی، پادشاه با دوستان خود مهمانی می گیرد، در حالی که شهرش توسط مادها و پارس ها که آن را محاصره کرده اند تهدید می شود.

در آن لحظه انگشتان دست مردی ظاهر شد و در مقابل چراغدان روی سنگ آهک دیوار کاخ **Dan 5:5** سلطنتی نوشتند. شاه این انتهای دستی را که در حال نوشتن بود دید.

معجزات زمان نبوکدنصر تحقیر شده است، هدف این معجزه جدید تبدیل کردن نیست، بلکه نابود الف-5 کردن زندگی مجرمان است، همانطور که خواهیم دید. عیسی مسیح در مقابل متهمان بدی که خواهان مرگ یک گناهکار بودند، گناهی را که در خفا مرتکب می شوند با انگشت خود بر روی ماسه خواهد نوشت.

سپس پادشاه رنگ خود را تغییر داد و افکارش او را آزار می داد. مفاصل کمرش شل شد و **Dan 5:6** زانوهایش به هم خوردند.

معجزه فوراً آثار خود را ایجاد می کند. با وجود نشئه، ذهنش و اکتش نشان می دهد، وحشت می افکند.

و پادشاه برای منجمان، کلدانیان و پیشگویان با صدای بلند فریاد زد. و پادشاه پاسخ داد و به **Dan 5:7** حکیمان بابل گفت: هر که این کتاب مقدس را بخواند و توضیح آن را به من بدهد، لباس ارغوانی بپوشد و گردن بند طلا بر گردن خود ببندد و مقام سوم را در حکومت پادشاهی بار دیگر دانیال نادیده گرفته می شود؛ شهادت های او توسط جانشینان سلطنتی تحقیر شد. و الف-7 دوباره، در اندوه شدید، پادشاه جوان بالاترین افتخارات را به کسی که ثابت می کند قادر به رمزگشایی پیام نوشته شده بر روی دیوار به روشی ماوراء طبیعی است، وعده می دهد. هر کس این کار را انجام دهد مقام سوم پادشاهی را به دست خواهد آورد زیرا نبونیدوس و بلشصر مقام های اول و دوم را اشغال می کنند.

همه حکیمان پادشاه وارد شدند. اما نتوانستند نوشته را بخوانند و به شاه توضیح دهند. **Dan 5:8** مانند زمان نبوکدنصر، این امر برای خردمندان بت پرست غیرممکن است الف-8

از این رو، بلشصر پادشاه بسیار ترسید و رنگ خود را تغییر داد، و اشراف او هراسان شدند **Dan 5:9** دان 5:10 و ملکه به خاطر سخنان پادشاه و اشرافش وارد تالار ضیافت شد و چنین گفت: ای پادشاه تا ابد زنده باش. ممکن است افکارتان شما را آزار ندهند و رنگ صورتتان تغییر نکند

در پادشاهی شما مردی وجود دارد که روح خدایان مقدس را در خود دارد. و در ایام پدرت **Dan 5:11** در او نورها و فهم و حکمت مانند حکمت خدایان یافت شد. همچنین نبوکدنصر پادشاه، پدرت، پادشاه، پدرت، او را رهبر جادوگران، اخترشناسان، کلدانیان، و پیشگویان قرار داد دانیال 5:12 زیرا در او، دانیال، به نام بلطشصر پادشاه، روح، دانش و درک برتر، توانایی تعبیر خواب، توضیح معماها، و حل سوالات دشوار یافت شد. پس بگذارید دانیال خوانده شود و او توضیح خواهد داد

این شهادت ملکه گیج کننده است و کل خانواده سلطنتی را محکوم می کند: ما می دانستیم که ... الف-12 اما ترجیح دادیم آن را در نظر نگیریم. دانیال 5:13 سپس دانیال را به حضور پادشاه آوردند. پادشاه پاسخ داد و به دانیال گفت: آیا تو این دانیال، یکی از اسیران یهودا، که پدرم پادشاه او را از یهودا بیرون آورد؟ دان 5:14 از شما شنیده ام که روح خدایان را در درون خود دارید و در شما نور، فهم و حکمت خارق العاده وجود دارد

آنها حکیمان و منجمان را نزد من آوردند تا این نوشته را بخوانند و توضیح دهند. اما **Dan 5:15** نتوانستند توضیح کلمات را بدهند

دان 5:16 آموخته ام که شما می توانید توضیحاتی ارائه دهید و سوالات دشوار را حل کنید. حالا اگر بتوانی این صحیفه را بخوانی و شرحش را به من بدهی، لباس ارغوانی می پوشی، گردن بند طلا به گردنت می زنی و مقام سوم حکومت پادشاهی را خواهی داشت

مقام سوم پس از نبونیدوس پدرش و خودش الف-16

دانیال در حضور پادشاه پاسخ داد: «هدایای خود را نگاه دار و هدایای خود را به دیگری **Dan 5:17** بده. با این حال من این نوشته را برای پادشاه می خوانم و توضیحات را به او می دهم

دانیال پیر است و به افتخارات و اجناس و ارزشهای نقره و طلا اهمیت نمی دهد، اما فرصت الف-17 یادآوری عیوب به این پادشاه جوان، گناهان او که باید تاوان جانش را بدهد، نمی دهد. امتناع می ورزد و او بنده خدا برای این نوع عمل است

ای پادشاه، خدای متعال به پدرت نبوکدنصر سلطنت، عظمت، جلال و شکوه عطا کرد **Dan 5:18** سلطنت نبوکدنصر کار و هدیه خدای حقیقی بود، همچنان که عظمت او را که به اشتباه از سر الف-18 غرور به نیروی خود نسبت داده بود، پیش از آنکه هفت سال از جانب خدا حماقت کرد

دان 5:19 و به خاطر عظمتی که به او داده بود، همه قوم ها، قوم ها و مردمان هر زبان از حضور او ترسیدند و می لرزیدند. پادشاه کسانی را که می خواست کشت و به کسانی که می خواست اجازه داد زندگی کنند. او کسانی را که می خواست بالا برد و آنهایی را که می خواست پایین آورد

پادشاه کسانی را که می خواست به قتل رساند الف-19

به ویژه این قدرت خدادادی او را به مجازات قوم سرکش یهود سوق داد و بسیاری از نمایندگان آنها را به قتل رساند.

و جان کسانی را که می خواست رها کرد ب-19

دانیال و یهودیان اسیر سود بردند.

او کسانی را که می خواست بزرگ کرد ج-19

دانیال و سه یاران وفادارش توسط نبوکدنصر پادشاه بالتر از کلدانیان بزرگ شدند.

و او کسانی را که می خواست پایین آورد d-19

بزرگان پادشاهی او باید رضایت می دادند که توسط جوانان غریبه از اسارت یهودیان اداره شوند. با دست توانا او غرور ملی یهود تحقیر و نابود شد.

اما هنگامی که قلب او بلند شد و روحش سخت شد و به تکبر رسید، از تخت سلطنتی خود **Dan 5:20** رانده شد و از جلال خود خلع شد.

تجربه پادشاه نبوکدنصر به ما این امکان را می دهد که غرور نسبت داده شده به پادشاه پاپ دان 20a- را درک کنیم. 7:8. دانیال به پادشاه نشان می دهد که طبق برنامه او قدرت مطلق را خدا به هر کس که بخواهد داده است. اما، با یادآوری حقارت پادشاه نبوکدنصر، به او یادآوری می کند که هر چقدر هم که قدرتمند باشد، یک پادشاه زمینی به قدرت نامحدود پادشاه آسمانی بستگی دارد.

دان 5:21 او را از میان بنی آدم بیرون کردند و دلش مانند قلب حیوانات شد و مسکن او با الاغ های وحشی بود. به او علف داده شد تا مانند گاو بخورد، و بدنش از شبم بهشت غرق شد، تا اینکه فهمید که خدای متعال بر پادشاهی مردم حکومت می کند و آن را به هر که دوست دارد می دهد.

فقط در این آیه اشاره به «خرهای وحشی» شده است. الاغ یک نماد معمولی از سرسختی الف-21 است: "مثل الاغ سرسخت"، به خصوص اگر "وحشی" باشد و اهلی نباشد. این نمادی است که نشان دهنده روح انسانی است که از شنیدن درس هایی که خدا از طریق تجربیات زندگی خود و از طریق مکاشفات کتاب مقدس خود داده است، خودداری می کند.

دان 5:22 و تو ای پسرش بلشعصر، با اینکه همه اینها را می دانستی، دل خود را فروتن نکردی.

در واقع این بلشعصر بود که بدون در نظر گرفتن تجربه ای که «پدر» (پدر بزرگش) زندگی کرده الف-22 بود، مانند «خر وحشی» رفتار کرد.

شما خود را در برابر خداوند آسمان سربلند کردید. ظروف خانه او را نزد تو آورده اند و تو **Dan 5:23** و بزرگان و زنان و کنیزانت از آنها برای نوشیدن شراب استفاده کرده ای. خدایان نقره و طلا و برنج و آهن و چوب و سنگ را ستایش کرده ای که نمی بینند و نمی شنوند و چیزی نمی دانند و خدایی را که نفس شما و همه راه های شما را در دست دارد تمجید نکرده اید.

بلشعصر ظروف طلائی را که برای خدای خالق برای انجام خدمات مذهبی معبدش تقدیس شده الف-23 بود، هتک حرمت کرد. اما با استفاده از آنها برای ستایش خدایان بت پرست دروغین، او به اوج زشتی دست یافته است. این تصویر تصویر مکاشفه 17:4 را آماده می کند: این زن لباس ارغوانی و قرمز داشت و با طلا و سنگ های قیمتی و مروارید آراسته شده بود. او جامی طلائی در دست داشت که مملو از زشتی ها و ناخالصی های فحشایش بود. او در آیه 5 نام "بابل بزرگ" را دریافت کرد.

دان 5:24 بنابراین او این انتهای دست را که این نوشته را دنبال می کرد فرستاد.

بلشازار نیز به نوبه خود بسیار دیر متوجه وجود خدای زنده واقعی می شود که به ساعت 24 الف- شیوه ای معجزه آسا نسبت به رفتار انسان ها عمل می کند و واکنش نشان می دهد.

این نوشته ای است که نوشته شده است: مینو، مینو، تکل، اوفر سین **Dan 5:25**

ترجمه: شمرده، شمارش، وزن و تقسیم الف-25

و این توضیح این کلمات است. شماره: خداوند پادشاهی شما را شمرده و به آن پایان داده **Dan 5:26** است.

شماره «اول»، آغاز سلطنت را هدف قرار می دهد و «شمارش» دوم، پایان این الف-26 سلطنت.

دان 5:27 توزین: تو ترازو سنجیده شدی و فقیر شدی

ترازو در اینجا نماد قضای الهی است. مردان آن را برای تعیین خدمات عدالت پذیرفته اند. یک الف-27 عدالت بسیار ناقص اما خداوند کامل است و بر اساس تصویر یک ترازو، اعمال خیر و شر را که شخص

مورد قضاوت انجام داده است، می‌سنجد . اگر فلات خیر سبکتر از شر باشد، محکومیت الهی موجه است. و این مورد در مورد پادشاه بلشصر است.

دان 5:28 تقسیم شده: پادشاهی شما تقسیم خواهد شد و به مادها و پارسیان داده خواهد شد در حالی که او در کاخ سلطنتی خود به رهبری داریوش شاه به مشروب خواری های زشت می‌الف-28 پرداخت، مادها از بستر رودخانه وارد بابل شدند و موقتاً منحرف شدند و خشک شدند دانیال 5:29 و بلشصر فوراً دستور داد و دانیال را ارغوانی پوشاندند و گردن بند طلا را به گردن او انداختند و اعلام شد که او در حکومت پادشاهی سوم خواهد بود.

در همان شب بلشصر پادشاه کلدانیان کشته شد **Dan 5:30**

دان 5:31 و داریوش مادها در شصت و دو سالگی پادشاهی را تصرف کرد

این شهادت عینی دقیق دانیال توسط مورخانی که این اقدام را به کوروش 2 پادشاه ایران در سال الف-31 539 نسبت می‌دهند به رسمیت نمی‌شناسند.

دانیال 6

آموزش این فصل 6 با آموزش دانیال 3 یکسان است. این بار دانیال را در آزمون وفاداری نمونه به ما ارائه می دهد تا برای همه برگزیدگانی که خدا در عیسی مسیح فراخوانده است، تقلید و بازتولید کند. نظرات مفید هستند، اما فقط بخوانید و درس را یاد بگیرید. داریوش پادشاه در زمان خود مانند نیوکدنصر عمل می کند و به نوبه خود در سن 62 سالگی به جلال خدای زنده دانیال اعتراف خواهد کرد. تغییری که با شهادت دانیال مبنی بر وفاداری به دست آمد، زمانی که خدا از او در برابر شیرها محافظت کرد. از ابتدای رابطه آنها، او به دانیال علاقه و محبت دارد که صادقانه و صادقانه به او خدمت می کند و در مورد او تشخیص می دهد. ذهن برتر

دان 6:1 برای داریوش خوب بود که صد و بیست ساتراپ را که در تمام مملکت باشند، بر پادشاهی گماشت.

داریوش پادشاه با سپردن حکومت پادشاهی به 120 فرماندار که بیش از 120 استان تشکیل شده -1a بودند، حکمت خود را آشکار می کند.

دان 6:2 و او سه رؤسای را بر آنها منصوب کرد که در میان آنها دانیال بود تا این ساتراپها به آنها حساب بدهند و پادشاه آسیبی نبیند.

دانیال همچنان از رهبران اصلی است که بر ساتراپها نظارت می کنند الف-2

دانیال از امیران و ساتراپها برتری داشت، زیرا روح برتر در او وجود داشت. و پادشاه به **Dan 6:3** فکر استقرار آن در سراسر پادشاهی افتاد.

داریوش نیز به نوبه خود متوجه برتری دانیال از نظر ذهن باهوش و خردمند می شود. و نقشه الف-3 او برای تثبیت او بر همه چیز حسادت و نفرت را علیه دانیال برانگیخت.

دان 6:4 سپس حکام و ساتراپها به دنبال فرصتی بودند تا دانیال را در مورد امور ملکوت متهم کنند. اما نه فرصتی یافتند و نه چیزی برای سرزنش، زیرا او امین بود و نه عیب و نه چیز بدی در او دیده نشد.

دانیال در جایی که او را می گذارد خدا را خدمت می کند تا با همان فداکاری و وفاداری به پادشاه الف-4 خدمت کند. بنابراین غیر قابل سرزنش به نظر می رسد. معیاری که در میان قدیسان «آدونتیست روز آخر» مطابق با مکاشفه 14:5 یافت می شود.

دانیال 6:5 و این مردان گفتند: «ما هیچ موقعیتی بر علیه این دانیال نخواهیم یافت، مگر اینکه در شریعت خدایش یکی را پیدا کنیم.

این استدلالها تفکر اردوگاه اهریمنی آخرین امتحان زمینی ایمان را آشکار می کند که در آن، الف-5 استراحت روز هفتم شریعت خداوند، کشتن بندگان مؤمن خود را مجاز می داند، زیرا آنها رضایت نخواهند داد که به احترام به آن احترام بگذارند. بقیه روز اول، یکشنبه طبق قوانین مذهبی روم، اجباری شد.

دان 6:6 آنگاه این شاهزادگان و این ساتراپها با هیاهو نزد پادشاه آمدند و به او چنین گفتند: داریوش! پادشاه، تا ابد زنده باش!

این ورود پر فراز و نشیب با هدف یادآوری قدرت اعداد، ظرفیت ایجاد اغتشاش و در نتیجه الف-6 نیاز او به تقویت سلطه است.

دان 6:7 همه شاهزادگان پادشاهی، مباشران، ساتراپها، مشاوران و والیان بر این عقیده اند که باید حکم پادشاهی صادر شود، با ممنوعیت شدید، که هرکس در مدت سی روز برای کسی دعا کند. ای پادشاه، خدا یا به هر کسی، جز تو، به لانه شیرها انداخته خواهد شد.

تا آن زمان، داریوش پادشاه به دنبال وادار کردن مردان پادشاهی خود به خدمت به خدایی به الف-7 جای دیگری نبود. در شرک آزادی دین کامل است. و برای متقاعد کردن او، توطئه گران او را چاپلوسی

می کنند و او را داریوش شاه را به عنوان یک خدا گرامی می دارند. در اینجا نیز مانند همه فرمانروایان بزرگ، غرور بیدار می شود و او را به تأیید این دستور وا می دارد که اما از ذهن او بیرون نیامده است. دان 6:8 اکنون، ای پادشاه، ممنوعیت را تأیید کن و حکم را بنویس تا مطابق قانون مادها و پارسیان که تغییر ناپذیر است، فسخ ناپذیر باشد.

این فرمان به طرز تحسین برانگیزی نبوت می کند که یکشنبه روم را در آخر روز واجب کند. الف-8 اما توجه داشته باشیم که این خصلت تغییر ناپذیر قانون مادها و پارسها که توسط انسانهای خطاکار و گناهکار ایجاد شده است کاملاً غیر قابل توجیه است. تغییر ناپذیری متعلق به خدای واقعی و زنده، خالق است.

دان 6:9 پس از آن داریوش پادشاه فرمان و فرمان را نوشت.

این مرحله ضروری است، زیرا با نگارش فرمان و دفاع از سوی خود، باید به قانون الف-9 تغییر ناپذیر مادها و پارسها احترام گذاشت.

دانیال 6:10 چون دانیال متوجه شد که این فرمان نوشته شده است، به خانه خود رفت، جایی که پنجره های اتاق بالا به سوی اورشلیم باز بود. و روزی سه بار زانو می زد و دعا می کرد و خدای خود را ستایش می کرد، چنان که قبلاً می کرد.

دانیال رفتار خود را تغییر نمی دهد و به خود اجازه نمی دهد تحت تأثیر این معیار انسانی قرار الف-10 گیرد. او با بازکردن پنجره خود نشان می دهد که می خواهد وفاداری اش به خداوند متعال به اطلاع همه برسد. در این زمان، دانیال به سمت اورشلیم می چرخد، جایی که حتی ویران شده، معبد خدا واقع شده است. زیرا خدای روح برای مدتی طولانی در این معبد مقدس که خانه خود و مسکن زمینی خود ساخته بود، ظاهر شد.

دانیال 6:11 آنگاه این مردان با آشوب وارد شدند و دانیال را دیدند که دعا می کرد و خدای خود را می خواند.

توطئه گران در کمین نشستند و او را تماشا کردند تا او را در عمل نافرمانی از فرمان سلطنتی الف-11 "دستگیر کنند. در حال حاضر یک "غذا آشکار

دان 6:12 و آنها در برابر پادشاه ایستاده، در مورد دفاع سلطنتی به او گفتند: "آیا دفاعیه ای نوشته ای که هر کس در مدت سی روز با خدا یا کسی که بخواهد، جز تو، ای پادشاه، دعا کند. به لانه شیرها انداخته می شود؟ شاه پاسخ داد: امر مسلم است، طبق قانون مادها و پارسها که تغییر ناپذیر است.

شاه فقط می تواند فرمانی را که خودش نوشته و امضا کرده است تأیید کند الف-12.

دان 6:13 و آنها دوباره صحبت کرده، به پادشاه گفتند: «دانیال، یکی از اسیران یهودا، ای پادشاه، به تو توجهی نکرده است، و به دفاعی که نوشته ای، سه بار در روز دعا کن.

گرفتار در عمل، در عمل نمازش، دانیال تقبیح می شود. پادشاه از دانیال به خاطر رفتار الف-13 وفادارانه و صادقانه اش قدردانی می کند. او فوراً بین خود و این خدایی که با این همه غیرت و وفا به او خدمت می کند پیوند برقرار می کند زیرا روزی سه بار مرتباً با او دعا می کند. این توضیح دهنده درد و رنجی است که محکومیت دانیال برای او ایجاد می کند و آغاز تبدیل آینده او.

دان 6:14 پادشاه از شنیدن این سخن بسیار ناراحت شد. او به دل گرفتار تا دانیال را تحویل دهد و تا غروب آفتاب برای نجات او تلاش کرد.

پس از آن پادشاه متوجه می شود که او مورد دستکاری قرار گرفته است و برای نجات دانیال که الف-14 بسیار از او قدردانی می کند، تمام تلاش خود را می کند. اما تلاش او بیهوده خواهد بود و پادشاه متأسفانه قبل از همه چیز متوجه می شود: نامه می کشد، اما روح زندگی می بخشد. بعداً با دادن این تعبیر به مردم، خداوند حد احترام به قوانین را نشان می دهد. زندگی را نمی توان با حروف متون قانون تنظیم کرد. خداوند در قضاوت الهی خود جزییاتی را در نظر می گیرد که حرف مرده شریعت مکتوب او نادیده گرفته می شود و انسان های بدون خدا نیز حکمت انجام آن را ندارند.

دان 6:15 اما این مردان بر پادشاه اصرار کردند و به او گفتند: «ای پادشاه بدان که قانون مادها و پارسها ایجاب می کند که هر ممنوعیت یا فرمانی که توسط پادشاه تأیید می شود، غیر قابل لغو باشد.

توطئه گران ماهیت غیر قابل برگشت (غیر موجه) تصمیمات اتخاذ شده توسط پادشاه مادها و الف-15 پارس ها را یادآور می شوند. او خودش گرفتار فرهنگ موروثی اش است. اما او می فهمد که قربانی توطئه ای علیه دانیال شده است.

دان 6:16 سپس پادشاه دستور داد دانیال را بیاورند و به چاه شیر بیاندازند. پادشاه پاسخ داد و به دانیال گفت: خدای تو که با شکیبایی به او خدمت می کنی تو را نجات دهد.

پادشاه مجبور می شود که دانیال را به چاه شیرها بیندازد، اما با تمام وجود آرزو می کند که الف-16 خدایی که او صادقانه به او خدمت می کند برای نجات او مداخله کند.

Dan 6:17 سنگی آوردند و بر دهانه گودال گذاشتند. پادشاه آن را با انگشتر خود و با انگشتر اشراف خود مهر و موم کرد تا چیزی در مورد دانیال تغییر نکند.

در اینجا، تجربه زیسته دانیال شباهت هایی را با دفن مسیح نشان می دهد که در سنگی مدور آن الف-17 نیز برای جلوگیری از دخالت انسان مهر و موم شده است.

Dan 6:18 سپس پادشاه به قصر خود رفت. شب را روزه گذراند، صیغه ای نزد او نیاورد و خوابش نبرد.

این رفتار شاه گواه صداقت اوست. او با انجام این کارها نشان می دهد که می خواهد خدای الف-18 دانیال را خشنود کند و نجات خود را از او به دست آورد. این آغاز تبدیل او به خدای یگانه است.

پادشاه در سپیده دم برخاست و با عجله به چاه شیرها رفت **Dan 6:19**

تدارک پاکي و به دنبال آن یک شب بی خوابی به دلیل اذیت ذهنش از فکر مرگ دانیال و این الف-19 هجوم به سوی لانه شیر در سپیده دم اعمال یک پادشاه بت پرست نیست، بلکه اعمال برادری است که به خدا برادرش را دوست دارد. به خدا

هنگامی که به گودال نزدیک شد، دانیال را با صدایی غمگین صدا زد. پادشاه پاسخ داد و به **Dan 6:20** دانیال گفت: «آیا دانیال، بنده خدای زنده، خدای تو، که با شکیبایی به او خدمت می کنی، می تواند تو را از دست شیرها نجات دهد؟

چون به گودال نزدیک شد با صدایی غمگین دانیال را صدا زد الف-20

پادشاه امیدوار است اما از بدترین اتفاق برای دانیال می ترسد و می ترسد. با این حال، امید او را این واقعیت نشان می دهد که او با او تماس می گیرد و از او سوال می پرسد.

دانیال، بنده خدای زنده، خدای شما، که با شکیبایی به او خدمت می کنید، توانست شما ب-20 را از دست شیرها نجات دهد؟

با نامگذاری او به عنوان «خدای زنده» به آغاز تبدیل او شهادت می دهد. با این حال، سوال او "آیا او توانست شما را از دست شیرها نجات دهد؟" به ما نشان می دهد که هنوز او را نمی شناسد. «غیر این صورت می گفت: آیا می خواست تو را از دست شیرها نجات دهد؟»

و دانیال به پادشاه گفت: «پادشاه، تا ابد زنده باش **Dan 6:21**

در آیه 6 این تعبیر در آیه 6 توطئه کنندگان معنی چندانی نداشت، اما در زبان دانیال، دسترسی الف-21 به حیات ابدی را که برای برگزیدگان خدا محفوظ است، پیشگویی می کرد.

خدای من فرشته خود را فرستاد و دهان شیرانی را که هیچ آسیبی به من نرساندند مسدود **Dan 6:22** کرد، زیرا من در برابر او بی گناه یافتم. و ای پادشاه پیش از تو هیچ بدی نکرده ام.

در این تجربه، داریوش پادشاه متوجه می شود که تصور تغییر ناپذیر احکام سلطنتی بشر توسط الف-22 خدای زنده واقعی که دانیال بدون مخفی شدن به او خدمت می کند چقدر احمقانه، ناموجه و مورد تایید نیست.

پس پادشاه بسیار خوشحال شد و دستور داد دانیال را از گودال بیرون آورند. دانیال را از **Dan 6:23** گودال بیرون آوردند و زخمی بر او یافت نشد، زیرا به خدای خود اعتماد داشت.

آنگاه پادشاه بسیار خوشحال شد الف-23

این واکنش شادی طبیعی و خودانگیخته آینده ای را نشان می دهد که خدا انتخاب کرده است زیرا پادشاه اکنون از وجود و قدرت خود اطمینان دارد.

دانیال را از گودال بیرون آوردند و زخمی بر او یافت نشد ب-23

همانطور که لباس های سه همراه دانیال که در کوره فوق گرم انداخته شده بودند، نسوختند.

چون به خدای خود اعتماد کرده بود ج-23

این اطمینان در تصمیم او مبنی بر عدم اطاعت از فرمان سلطنتی که خدا را از دعای او محروم می کرد آشکار شد. انتخابی غیرممکن و غیرقابل تصور برای این مدل ایمانی صرفاً انسانی

پادشاه دستور داد که مردانی را که دانیال را متهم کرده بودند، آورده و آنها و فرزندان و Dan 6:24 زنانشان را به چاه شیر بیندازند. و قبل از اینکه به ته گودال برسند، شیرها آنها را گرفتند و تمام استخوانهایشان را شکستند.

خداوند اوضاع را بر ضد ستمکارانی که نقشه شیطانی می کشیدند، برگرداند. در زمان الف-24 پادشاهان ایرانی که خواهند آمد، این تجربه برای مردخای یهودی که رهبر هامن می خواهد او را با قوم خود در زمان ملکه استر بکشد، تجدید خواهد شد. در آنجا نیز این هامن است که به چوبه‌های دار که برای مردخای برپا شده بود به دار آویخته می‌شود.

Dan 6:25 و پس از این، داریوش پادشاه به همه قوم، و به تمام قوم ها، و به همه زبانهایی که در تمام زمین ساکن هستند، نوشت: درود فراوان بر شما باد.

این نوشته جدید پادشاه مربوط به مردی است که توسط خدای زنده تسخیر شده است. او الف-25 که اکنون در آرامش کامل در قلب خود قرار دارد، از موقعیت مسلط خود استفاده می کند تا با همه مردم پادشاهی خود صحبت کند، گواهی صلح خود را که از خدای حقیقی دریافت کرده است.

Dan 6:26 من دستور می‌دهم که در تمام پادشاهی من از خدای دانیال ترس و ترس وجود داشته باشد. زیرا او خدای زنده است و تا ابدالابد است. پادشاهی او هرگز نابود نخواهد شد و سلطنت او تا آخر ادامه خواهد داشت.

من در تمام وسعت پادشاهی خود به آن امر می کنم الف-26
شاه دستور می دهد اما کسی را مجبور نمی کند

ترس و ترس برای خدای دانیال ب-26
اما با این تجربه غنی شده، ترس و ترس از خدای دانیال را تحمیل می کند تا نویسندگان توطئه جدیدی را که علیه دانیال تحریک شده اند منصرف کند.

زیرا او خدای زنده است و تا ابد پایدار است ج-26
او امیدوار است که این شهادت در دل اهل پادشاهی پذیرفته شود و برای این کار آن را ستایش و تمجید می کند.

پادشاهی او هرگز نابود نخواهد شد و سلطنت او تا پایان ادامه خواهد داشت d-26
شخصیت ابدی پنجمین پادشاهی مجسمه بار دیگر اعلام می شود.

Dan 6:27 اوست که نجات می‌دهد و نجات می‌دهد، که نشانه‌ها و معجزات را در آسمان و زمین انجام می‌دهد. او بود که دانیال را از دست شیرها نجات داد.

نجات دهنده و نجات دهنده است الف-27
پادشاه به آنچه مشاهده کرده است شهادت می دهد، اما این رهایی و این رستگاری فقط مربوط به بدن فیزیکی، زندگی دانیال است. ما باید منتظر آمدن عیسی مسیح باشیم تا آرزوی خدا برای رهایی و نجات از گناه را درک کنیم. اما به این نکته اشاره کنیم که پادشاه طبیعتاً برای خشنود ساختن خدای زنده نیاز به تطهیر خود را احساس می کرد.

که در آسمانها و زمین آیات و معجزات می کند ب-27
کتاب دانیال به این نشانه‌ها و شگفتی‌ها گواهی می‌دهد، اعمال ماوراء طبیعی که خداوند انجام داد، اما مراقب باشید، شیطان و شیاطین او نیز می‌توانند معجزات خاص الهی را جعل کنند. برای شناسایی بین دو منبع احتمالی، کافی است بفهمیم چه کسی از پیام ارسال شده سود می برد. آیا منجر به اطاعت از خدای خالق می شود یا به نافرمانی او؟

Dan 6:28 دانیال در سلطنت داریوش و در سلطنت کوروش ایرانی کامیاب شد.

می‌دانیم، دانیال به سرزمین مادری خود باز خواهد گشت، اما درس‌هایی که خداوند در الف-28
دان به او آموخت.

دانیال 7

دانیال 7:1: دانیال در سال اول بلشصر پادشاه بابل خواب دید و رؤیاهایی دید در حالی که دراز می‌کشید. سپس خواب را یادداشت کرد و چیزهای اصلی را بیان کرد.

سال اول بلشصر پادشاه بابل الف-1

سال گذشته است. مرگ، پادشاه بزرگ نبوکدنصر به 50، Dan.2 یعنی در -605. از رؤیای جای نوه اش بلشعصر جایگزین شد.

دانیال 7:2 دانیال شروع کرد و گفت: در رؤیای شبانه خود نگرستم و اینک چهار باد آسمان بر دریای بزرگ می‌وزید.

2a- چهار باد بهشت وارد شد

اینها جنگهای جهانی است که سلطه گران را به گسترش قدرت خود در جهت چهار نقطه اصلی، به سمت شمال، جنوب، شرق و غرب سوق می‌دهد.

2b- روی دریای بزرگ

این تصویر برای بشریت تملق آمیز نیست، زیرا دریا، حتی بزرگ، نماد مرگ است. بر اساس طرح خدا، این محیطی نیست که برای انسان به شکل او ساخته شده باشد. محیط آن زمین است. اما بشریت از زمان گناه اولیه، با نافرمانی، تصویر الهی خود را از دست داده است و دیگر در چشمان پاک و مقدسش از حیوانات دریایی ناپاک و حریص نیست که به الهامات شیطان و شیاطین یکدیگر را می‌بلعند. در این چشم انداز دریا نماد توده گمنام انسان است.

علاوه بر این، منطقه تحت پوشش این پیشگویی مربوط به مردمانی است که از طریق جنبه های ساحلی آنها در مرز دریای مدیترانه به هم متصل شده اند. بنابراین دریا نقش بزرگی در اقدامات جنگی فتوحات سلطه گران ایفا می‌کند.

دان 7:3 و چهار حیوان بزرگ از دریا بیرون آمدند از یکدیگر

و چهار حیوان بزرگ از دریا بیرون آمدند الف-3

ما در یک دید جدید آموزش داده شده در دانیال 2 را می‌یابیم، اما در آنجا حیوانات جای اعضای بدن مجسمه را می‌گیرند.

3b- های مختلف از یکدیگر *les*

مانند مصالح مجسمه دان.2

اولی مانند شیر بود و بالهای عقاب داشت. تماشا کردم تا بال هایش پاره شد. او را از زمین Dan 7:4 بلند کردند و مانند یک انسان روی پاهایش ایستادند و قلب انسان به او داده شد.

4 الف- اولش مثل شیر بود و بالهای عقاب داشت

در اینجا سر طلایی پادشاه کلدانی دان.2 تبدیل به شیری با بال های عقاب می‌شود. نشان حک Dan.4. شده بر روی سنگ های آبی بابل، افتخار پادشاه نبوکدنصر در

4-ب نگاه کردم، تا بالهایش پاره شد

این نبوت به هفت سال یا هفت بار اشاره دارد که طی آن پادشاه نبوکدنصر توسط خدا احمق شد. پیشگویی شده بود، قلب انسانی او برداشته شد و Dan.4:16 در طی این 7 سال (هفت بار) تحقیر که در قلب یک حیوان جایگزین آن شد.

4c- او را از زمین بلند کردند و مانند یک انسان روی پاهایش ایستادند و قلب انسان به او داده شد.

تبدیل او به خدای خالق در اینجا تأیید می‌شود. تجربه او به ما این امکان را می‌دهد که بفهمیم، از نظر خدا، انسان تنها زمانی انسان است که قلبش تصویر خدا را داشته باشد. او آن را در تجسم خود در عیسی مسیح الگوی کامل الهی عشق و اطاعت آشکار خواهد کرد.

و اینک حیوان دومی مانند خرس بود و بر یک طرف ایستاده بود. سه دنده در دهانش بین **Dan 7:5** دندانهایش بود و به او گفتند: برخیز، گوشت زیاد بخور

و اینک حیوان دومی مانند خرس بود و در یک طرف ایستاده بود الف-5

پس از پادشاه کلدانی، سینه و بازوان نقره ای مادها و پارس ها خرس می شود. دقت « که در یک طرف ایستاده بود » نشان دهنده تسلط پارسیان است که بعد از تسلط مادها در مقام دوم ظاهر شد، اما فتوحات آن توسط کوروش دوم پادشاه پارسی به آن قدرت بسیار بیشتری نسبت به مادها داد.

سه دنده در دهانش بین دندانها بود و به او گفتند: برخیز، گوشت زیاد بخور ب-5

ایرانیان بر مادها تسلط خواهند یافت و سه کشور را فتح خواهند کرد: لیدیه پادشاه تروتمند کروزوس در سال ۵۴۶، بابل در سال ۵۳۹ و مصر در سال ۵۲۵.

پس از آن نگاه کردم و اینک دیگری مانند پلنگ بود و چهار بال مانند پرنده بر پشت داشت. **Dan 7:6** این حیوان چهار سر داشت و فرمانروایی به آن داده شد

بعد از این نگریم، اینک دیگری مانند پلنگ بود الف-6

ایدم، شکم و ران های گستاخ فرمانروایان یونانی به پلنگی با چهار بال پرنده تبدیل شد. لکه های پلنگ یونانی آن را به نماد گناه تبدیل می کند

و مانند پرنده چهار بال بر پشت داشت ب-6

چهار بال پرنده مرتبط با پلنگ، سرعت فوق العاده فتوحات پادشاه جوانش اسکندر مقدونی (بین 336- و 323-) را نشان می دهد و تأیید می کند

این حیوان چهار سر داشت و فرمانروایی به آن داده شد ج-6

در اینجا " چهار سر " اما در دان 8 " چهار شاخ بزرگ " خواهد بود که فرمانروایان یونانی، جانشینان اسکندر مقدونی را نشان می دهند: سلوکوس، بطلمیوس، لیسیمخوس و کاساندر

پس از آن در رؤیاهای شبانه خود نگریم، و اینک حیوان چهارمی بود، وحشتناک، هولناک **Dan 7:7** و بسیار نیرومند. او دندان های آهنی بزرگی داشت، می خورد، می شکست و آنچه را که باقی می ماند زیر پا می گذاشت. با تمام حیوانات قبلی فرق داشت و ده شاخ داشت

پس از این، در رؤیاهای شبانه خود نگریم و اینک حیوان چهارمی بود، وحشتناک، هولناک الف-7 و فوق العاده قوی

در اینجا دوباره پاهای آهنین امپراتوری روم به هیولایی با دندان های آهنی و ده شاخ تبدیل می شود. زیرا طبق مکاشفه 13:2، به تنهایی دارای معیارهای 3 امپراتوری قبلی است: قدرت شیر، که در این آیه تأیید شده است، جایی که مشخص شده است: فوق العاده قوی. قدرت خرس و سرعت پلنگ با وراثت گناه او که نمادی از لکه های اوست

دندان های آهنی درشت داشت، می خورد، می شکست و زیر پا می گذاشت ب-7

این جزئیات قتل عام و قتل عام هایی را به او نسبت می دهد که توسط نماد آهن روم انجام شده است که تا پایان جهان با سلطه پاپ او ادامه خواهد داشت

با همه حیوانات قبلی فرق داشت و ده شاخ داشت ج-7

ده شاخ نمایانگر فرانک ها، لومباردها، آلمانی ها، انگلوساکسون ها، ویزیگوت ها، بورگوندی ها، سوئی ها، هرولی ها، وندال ها و استروگوت ها هستند. طبق توضیحاتی که فرشته در آیه 24 به دانیال داده است، این ده پادشاهی مسیحی است که پس از فروپاشی امپراتوری روم از سال 395 تشکیل خواهد شد **دان 7:8** و شاخها را در نظر گرفتم و اینک شاخ کوچک دیگری از میان آنها بیرون آمد و سه شاخ از اولین شاخها در مقابل آن شاخ کنده شد. و اینک او چشمانی مانند چشمان مرد و دهانی داشت که متکبران را سخن می گفت

به شاخ ها نگاه کردم و اینک شاخ کوچک دیگری از میان آنها بیرون آمد الف-8

شاخ کوچک از یکی از ده شاخ بیرون می آید، که نشان دهنده ایتالیای استروگوت ها است که در آن شهر رم قرار دارد و به اصطلاح پاپی «مقام مقدس» در کاخ لاتران در کوه کالیوس. معنی نام لاتین: آسمان

و سه تا از شاخ های اول در جلوی این شاخ کنده شد ب-8

شاخ های کنده شده به ترتیب زمانی هستند: سه پادشاه از آیه 24، یعنی هرولی ها بین 493 و 510، سپس متوالی، وندال ها در سال 533 و استروگوت ها در سال 538 که به دستور ژنرال

بلیزار یوس از روم به دستور ژوستینیانوس اول تعقیب شدند و در سال 540 در رونا به طور قطعی شکست خوردند، باین آمد. زیرا ما باید پیامد بیان قبل از این بوق را توجه کنیم. این بدان معنی است که شاخ هیچ قدرت نظامی شخصی ندارد و از نیروی مسلح پادشاهانی که از آن و قدرت مذهبی آن می دان.8:24 ترسند و در نتیجه ترجیح می دهند از آن حمایت و اطاعت کنند بهره می برد. این استدلال در تأیید خواهد شد، جایی که می خوانیم: قدرت او افزایش می یابد، اما نه به نیروی خود و آیه 25 تصریح می کند: به دلیل سعادت و موفقیت در حیل‌های خود، او در جهان تکبر خواهد داشت. دل. بنابراین نشان داده می‌شود که حقیقت تنها با گروه‌بندی پیام‌های مشابهی که در فصل‌های مختلف کتاب دانیال و به‌طور گسترده‌تر در کل کتاب مقدس پراکنده شده‌اند، تأیید می‌شود. جدا از هم، فصل‌های کتاب، نبوت و پیام‌های آن را «مهر» می‌کنند، ظریف‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها غیرقابل دسترس باقی می‌مانند.

و اینک، او چشمانی شبیه چشمان مرد داشت ج-8

روح مقدم بر توصیفات خود با عبارتی مانند. به این ترتیب شباهت ظاهری را Rev.9، مطرح می‌کند که واقعیت ندارد. در اینجا نیز باید به شباهت با انسان متجسد در کمال خود در عیسی مسیح توجه کنیم، اما او فقط ادعای آن را دارد. اما چیزهای بیشتری وجود دارد، زیرا «چشم‌ها» نمادی از روشن بینی پیامبرانی است که عیسی نیز الگوی کامل آنهاست. و روح اشاره به ادعای نبوی پاپ دارد که در نهایت مقرر رسمی خود را در شهر واتیکان تأسیس خواهد کرد، کلمه ای که از کلمه لاتین به معنای پیشگویی است. وقتی روح این کلیسای کاتولیک رومی را با ایزابل که پیامبران "vaticinare" یهوه را کشته بودند، مقایسه می‌کند، این موضوع در مکاشفه 2:20 تأیید می‌شود. این مقایسه موجه است زیرا پاپری باعث می‌شود که پیامبران واقعی خدا در مسیح در خطر تفتیش عقاید بگیرند.

و دهانی که با تکبر سخن می‌گفت 8d-

در این فصل هفتم، فیلمساز و کارگردان الهی، دوران مسیحیت را که به طور خاص به او مربوط می‌شود، دوره بین پایان امپراتوری روم و بازگشت شکوهمند مسیح در میکائیل، نام آسمانی او با فرشتگان، را در «زوم» ارائه می‌کند. او آمدن یک پادشاه متکبر، جفاگر مقدسین را اعلام می‌کند حضرت حق تعالی، که به هنجارهای دینی الهی حمله می‌کند و سعی در تغییر زمانه و شریعت، ده فرمان و همچنین سایر احکام الهی دارد. روح مجازات نهایی خود را اعلام می‌کند. او در آتش سوخته خواهد شد به خاطر سخنان متکبرانه اش. «از این رو صحنه قضاوت آسمانی هزاره هفتم بلافاصله پس از ذکر سخنان متکبرانه وی ارائه می‌شود. قبل از او، پادشاه نبوکدنصر نیز تکبر نشان داده بود، اما او با فروتنی درس حقارتی را که خدا به او داده بود پذیرفت.

قضاوت آسمانی

دان 7:9 در حالی که تاج و تخت برپا می‌شد نگاه کردم. و باستانی روزگار نشست. جامه او مانند برف سفید بود و موهای سرش مانند پشم خالص بود. تخت او مانند شعله‌های آتش بود و چرخ‌ها مانند آتش فروزان.

نگاه کردم، در حالی که تاج و تخت گذاشته شده بود الف-9

نشسته بر تخت‌ها، در بهشت طبق مکاشفه 4، در طول هزار سال ذکر شده در مکاشفه 20 انجام خواهد شد. این حکم شرایط را برای قضاوت نهایی آماده می‌کند که اجرای آن در آیه 11 به تصویر کشیده شده است.

و قدیم الایام نشستند ب-9

این مسیح الوهیت شده، تنها خدای خالق است. عمل فعل نشستن نشان دهنده توقف فعالیت ایستاده است، تصویر استراحت است. آسمان در آرامش مطلق است. بر روی زمین، شریران در بازگشت مسیح نابود شدند.

جامه او مانند برف سفید و موهای سرش مانند پشم خالص بود ج-9

سفید نماد پاکی کامل خداوند است که به تمام ذات او در سطح لباس و نماد آثار او و موهای سر او که تاجی از حکمت پاک و کامل و عاری از هرگونه گناه است مربوط می‌شود.

این آیه پیشنهاد می‌کند که عیسی 1:18: بیا و اجازه بده تا دعا کنیم! یهوه می‌گه. اگر گناهان شما مانند قرمز باشد، مانند برف سفید می‌شود. اگر قرمز مانند ارغوانی باشند مانند پشم می‌شوند.

9d- تخت او مانند شعله های آتش بود ، تخت ، جایگاه قاضی بزرگ، داوری ذهن خدا را مشخص می کند. زیر تصویر شعله های آتش که چشمان مسیح عدالتخواه است در مکاشفه 1:14 قرار داده شده است، جایی که توصیفات این آیه را می یابیم. آتش نابود می کند، که این قضاوت را هدف از بین بردن دشمنان خدا و برگزیدگان او می کند. از آنجا که آنها قبلاً مرده اند، این قضاوت مربوط به مرگ دوم است که به طور قطعی محکومین را خواهد گرفت.

9- و چرخها مانند آتشی فروزان تاج و تخت در مقایسه با آتشی فروزان که بر روی زمین افروخته خواهد شد دارای چرخ هایی است: مکاشفه 14:20-15: مرگ دوم است. دریاچه آتش. بنابراین چرخ ها حرکت قضاوت از آسمان به زمین را برای اجرای احکام صادره پیشنهاد می کنند. خدای زنده، قاضی بزرگ، حرکت می کند و هنگامی که زمین تجدید و پاک شد، دوباره حرکت خواهد کرد تا تخت سلطنتی خود را طبق مکاشفه 2:21-3 در آنجا نصب کند.

دان 7:10 نهری از آتش جاری شد و از پیش روی او بیرون آمد. هزار هزار نفر به او خدمت کردند و ده هزار میلیون نفر در حضور او ایستادند. داوران نشستند و کتاب ها باز شد.

10- نهری از آتش روان شد و از پیش روی او بیرون آمد الف- آتش پاک کننده ای که از آسمان فرود خواهد آمد تا ارواح مردگان سقوط کرده را بلعد و سپس زنده شود، طبق مکاشفه 9:20: و آنها بر روی زمین رفتند، و اردوگاه مقدسین و قدیسان را احاطه کردند. شهر محبوب. اما آتش از آسمان نازل شد و آنها را بلعد.

ب- هزار هزار به او خدمت کردند یعنی یک میلیون نفر از برگزیدگان نجات یافته از زمین

10c- و ده هزار میلیون نفر در حضور او ایستادند ده میلیارد روح زمینی که توسط خدا خوانده شده است زنده می شوند و در حضور او و قضاوتش احضار می شوند تا حکم عادلانه الهی مرگ دوم را تحمل کنند ، چیزی که در لوقا 19:27 تأیید شده است: و بقیه، دشمنان من را که نمی خواستند من را به اینجا بیاورید. بر آنها سلطنت کن و آنها را در حضور من بکش. به این ترتیب، روح سخنانی را که از طریق عیسی در متی 14:22 گفت، تأیید می کند: زیرا بسیاری خوانده می شوند، اما تعداد کمی برگزیده می شوند. این به ویژه در روزهای آخر مطابق با لوقا 8:18 صادق خواهد بود: ... اما وقتی پسر انسان بیاید، آیا بر روی زمین ایمان خواهد یافت؟

د- داوران نشستند و کتابها باز شد دادگاه عالی بر اساس شهادت هایی که اجازه قضاوت را داده و کیفرخواست هایی که برای هر یک از محکومان به طور جداگانه تنظیم شده است، قضاوت خواهد کرد. کتاب های او شامل زندگی موجودی است که خداوند آن را به یادگار می گذارد، با فرشتگان وفادار به عنوان شاهد، که در حال حاضر برای زمینیان نامرئی است.

به دلیل سخنان متکبرانه ای که شاخ می گفت، نگاه کردم. و همانطور که نگاه کردم، حیوان **Dan 7:11** کشته شد.

آنگاه به خاطر سخنان متکبرانه ای که شاخ بر زبان آورد، نگاه کردم الف-11 مانند کلمات " به دلیل کلمات متکبرانه «نشان می دهد، این آیه می خواهد رابطه علت و معلولی را که قضاوت خداوند را مشخص می کند به ما نشان دهد. او بدون دلیل قضاوت نمی کند.

ب-11 و در حالی که من نگاه کردم، حیوان کشته شد اگر چهارمین حیوان به نمایندگی از جانشینی، روم امپراتوری - ده پادشاهی اروپایی - روم پاپ، با آتش نابود شد، به دلیل فعالیت دهانی متکبرانه روم پاپ است. فعالیتی که تا بازگشت مسیح ادامه خواهد داشت.

ج-11 و جسدش از بین رفت ، تحویل آتش شد تا بسوزد قضاوت در همان زمان به شاخ کوچک و ده شاخ مدنی که بر اساس مکاشفه 4:18 از آن حمایت می کردند و در گناهان آن شرکت داشتند، می زند. دریاچه آتش مرگ دوم آنها را می بلعد و نابود می کند.

دان 7:12 سایر حیوانات از قدرت خود محروم شدند، اما عمر آنها تا زمان معینی طولانی شد.

سایر حیوانات سلب قدرت شدند الف-12

در اینجا، مانند مکاشفه 19:20 و 21، روح نشان می دهد که سرنوشت متفاوتی برای گناهکاران عادی بت پرستی فراهم شده است، زیرا وارثان گناه اصلی هستند که در طول تاریخ زمینی از آدم به توده های بشری منتقل شده است.

اما تا زمان معینی به آنها تمدید شد ب-12

این دقت به معنای مزیت امپراتوری های قبلی در تجربه نکردن پایان تسلط خود در پایان جهان است، همانطور که در مورد چهارمین حیوان ^{رومی} تحت آخرین شکل حکومت جهانی مسیحی در زمان بازگشت عیسی مسیح صادق است. پایان چهارم با نابودی کامل آن مشخص می شود. پس از این، زمین در بی شکل و خالی خواهد ماند *Gen. 1:2* تصویر ورطه ی

عیسی مسیح، پسر انسان

در رؤیاهای شبانه نگرینستم و اینک در ابرهای آسمان یکی مانند پسر انسان آمد. او نزد قدیم *Dan 7:13* الایام آمد و او را به او نزدیک کردند

در رؤیاهای شبانه خود نگرینستم و اینک بر ابرهای آسمان یکی مانند پسر انسان آمد الف-13

این ظهور پسر انسان، معنایی را که به قضاوت ذکر شد روشن می کند. قضاوت متعلق به مسیح است. اما در زمان دانیال، عیسی هنوز نیامده بود، بنابراین خدا آنچه را که از طریق خدمت زمینی خود در اولین آمدنش به زمین انسان انجام خواهد داد، به تصویر می کشد.

به قدیم الایام آمد و او را به او نزدیک کردند ب-13

پس از مرگش، خود را زنده خواهد کرد تا عدالت کامل خود را که به عنوان پیشگویی برای خدای آزرده قربانی شده بود، عرضه کند تا بخشش برگزیدگان وفادار خود را که خودش مرتب و انتخاب کرده بود، به دست آورد. تصویر ارائه شده اصل رستگاری را که با ایمان به قربانی ارادی خدا در مسیح به دست می آید را آموزش می دهد. و اعتبار آن را نزد خداوند تأیید می کند.

و به او فرمانروایی و جلال و پادشاهی دادند. و همه اقوام و ملل و مردم از هر زبانی به او *Dan 7:14* خدمت کردند. فرمانروایی او فرمانروایی جاودانی است که از بین نخواهد رفت و پادشاهی او هرگز نابود نخواهد شد

به او فرمانروایی و جلال و پادشاهی داده شد الف-14

داده های این آیه در این آیات متی 28: 18 تا 20 خلاصه شده است که تأیید می کند که داوری واقعاً متعلق به عیسی مسیح است: عیسی پس از نزدیک شدن به آنها چنین گفت: تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است. پس بروید و همه امتها را شاگرد سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنها بیاموزید که همه آنچه را که به شما امر کرده ام رعایت کنند. و اینک، من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان جهان

و همه اقوام و ملل و مردم از هر زبانی به او خدمت کردند ب-14

به صورت مطلق، در زمین جدید خواهد بود، کهنه پس از هزاره هفتم تجدید و جلال یافته است. اما نجات یافتگان از میان تمام قوم ها، ملت ها و زبان ها توسط نجات واحدی که عیسی مسیح به دست آورد، انتخاب خواهند شد، زیرا در طول زندگی خود به او خدمت کردند. در مکاشفه 10:11 و 17:15 این عبارت به اروپای مسیحی شده و دنیای غرب اشاره دارد. در این گروه یک میلیون برگزیده نجات یافته را می یابیم که در آیه 10 به خدا خدمت می کنند.

و سلطنت او هرگز نابود نخواهد شد ج-14

در مورد او در اینجا تأیید می شود: سلطنت او هرگز نابود *Dan.2:44* جزئیات ذکر شده در نخواهد شد

دانیال 7:15 و اما من، دانیال، روحم در درونم مضطرب شد و رؤیاهای سرم مرا به وحشت انداخت

من، دانیال، روحی آشفته در درونم داشتم الف-15

مشکل دانیال موجه است، این رویا خطری را برای مقدسین خدا اعلام می کند

و رؤیاهای سرم مرا ترساند ب-15b

من تنها ماندم: Dan.10:8 به زودی دید او از میکائیل همان تأثیر را بر او خواهد گذاشت، طبق و این رؤیای بزرگ را دیدم. قدرتم از بین رفت، رنگ صورتم تغییر کرد و پوسیده شد و تمام قدرتم را از دست دادم. توضیح: پسر انسان و میکائیل یک شخص الهی هستند. ترس مشخصه سلطنت روم خواهد بود، زیرا در این دو تسلط متوالی، قوم فرمانروایان مقدسی مانند نبوکدنصر، داریوش مادها و کوروش 2 ایرانی را خواهد داد.

و به یکی از کسانی که آنجا ایستاده بودند نزدیک شدم و از او حقیقت را در مورد همه این **Dan 7:16** : چیزها پرسیدم. او به من گفت و توضیح داد در اینجا توضیحات تکمیلی فرشته آغاز می شود الف-16

این چهار حیوان بزرگ، این چهار پادشاه هستند که از زمین برمی خیزند **Dan 7:17** .

توسط Dan.2 توجه داشته باشید که این تعریف به همان اندازه برای جانشینی هایی که در 17a- توسط تصویر Dan.7، تصویر مجسمه آشکار شده است، اعمال می شود، همانطور که در اینجا در حیوانات .

دان 7:18 اما مقدسین حق تعالی پادشاهی را خواهند پذیرفت و پادشاهی را تا ابد ازل تا ابد در اختیار خواهند داشت.

همان نظر در مورد اربعه. باز هم، پنجمین مربوط به پادشاهی ابدی برگزیدگان است که مسیح الف-18 بر پیروزی خود بر گناه و مرگ بنا می کند.

سپس می خواستم حقیقت وحش چهارم را بدانم، که با همه چیزهای دیگر متفاوت بود، بسیار **Dan 7:19** وحشتناک، با دندان های آهنی و میخ های برنزی، که می خورد، می شکست و زیر پاهای باقی مانده را پابمال می کرد

که دندان آهنی داشت الف-19

ما در اینجا، در دندان ها، آهن را می یابیم که قبلاً نماد سختی امپراتوری روم است که توسط پاهای مجسمه دان مشخص شده است.

و میخ های برنجی -19b

در این اطلاعات اضافی، فرشته مشخص می کند: و میخ های برنجی . بنابراین، میراث گناه یونانی توسط این ماده ناخالص تأیید می شود، آلیاژی که نماد امپراتوری یونان در شکم و ران مجسمه دان بود .2

که آنچه را که باقی مانده بود خورد، شکست و زیر پا گذاشت ج-19

خوردن، یا بهره بردن از چیزهای تسخیر شده، چیزی که باعث رشد آنها می شود - شکستن، زور کردن و تخریب کردن - زیر پا گذاشتن، تحقیر و آزار - اینها اقداماتی است که دو "روم" متوالی و حامیان مدنی و مذهبی آنها تا زمان بازگشت انجام خواهند داد. از مسیح در مکاشفه 12:17: روح آخرین "آدونتیست ها" را با کلمه "باقیمانده" تعیین می کند.

دان 7:20 و از ده شاخ که بر سر او بود و از شاخ دیگری که بیرون می آمد و در جلوی آن سه شاخ افتاد، از آن شاخ که چشم داشت، دهانی که متکبرانه سخن می گفت. و ظاهری بزرگتر از بقیه

این آیه تفصیل متناقضی را در آیه 8 آورده است. « شاخ کوچولو » در اینجا چگونه است الف-20 ظاهری بزرگتر از بقیه؟ این همه تفاوت او با سایر پادشاهان ده شاخ است . او بسیار ضعیف و شکننده است و با این حال، از طریق زودبآوری و ترس از خدا که ادعا می کند در روی زمین نمایندگی می کند، بر آنها مسلط می شود و آن طور که می خواهد دستکاری می کند، مگر در موارد استثنایی نادر.

دان 7:21 و این شاخ را دیدم که با مقدسین می جنگد و بر آنها چیره می شود

پارادوکس ادامه دارد. او ادعا می کند که تجسم بالاترین تقدس است و خداوند او را به آزار الف-21 مقدسین خود متهم می کند. پس فقط یک توضیح: او دروغ می گوید که انگار نفس می کشد. موفقیت آن یک دروغ بسیار فریبنده و ویرانگر است که مسیری را که عیسی مسیح ترسیم کرده بسیار مخرب است.

دان 7:22 تا قدیم الایام آمد و به مقدسین حق تعالی بخشید و زمانی فرا رسید که مقدسین پادشاهی را تصاحب کردند

خوشبختانه خبر خوب تایید شد. پس از اقدامات تاریک رم پاپ و حامیان مدنی و مذهبی آن، الف-22 پیروزی نهایی نصیب مسیح و برگزیدگان او خواهد شد

آیات 23 و 24 ترتیب جانشینی را مشخص می کند

او به من گفت: چهارمین وحش پادشاهی چهارمی است که بر روی زمین وجود خواهد **Dan 7:23** داشت، متفاوت از همه پادشاهی‌ها، و تمام زمین را خواهد بلعید، آن را زیر پا می‌گذارد و تکه‌تکه می‌کند. امپراتوری روم بت پرست در شکل امپراتوری خود بین 27 تا 395 الف- 23 دان 7:24 ده شاخ ده پادشاه هستند که از این پادشاهی برخوانند خاست. بعد از آنها دیگری برخاسته، متفاوت از اولی، و سه پادشاه را به زمین خواهد آورد به لطف همین دقت است که می‌توانیم این ده شاخ را با ده پادشاهی مسیحی تشکیل شده در قلمرو الف-24 غربی امپراتوری روم فروپاشیده و متلاشی شده شناسایی کنیم. این قلمرو متعلق به اروپای فعلی ما است: اتحادیه اروپا (یا اتحادیه اروپا).

او سخنانی را بر ضد حق تعالی خواهد گفت و به مقدسین حضرت اعلی ظلم خواهد کرد و **Dan 7:25** امیدوار است که زمان و شریعت را تغییر دهد. و قدیسان برای مدتی و زمانها و نیمی از زمان به دست او تسلیم خواهند شد.

سخنانی علیه حق تعالی خواهد گفت الف-25

خداوند در این آیه نکوهش گناهانی را که به رژیم پاپ روم و اسقف‌های پیشین آن در روم نسبت می‌دهد، متمرکز می‌کند که به وسیله آنها شرارت مرتکب رایج، توجیه و به انبوه جاهل آموزش داده شد. روح اتهامات را با جدی‌ترین آنها فهرست می‌کند: سخنان علیه خود حضرت عالی. به طرز متناقضی، پاپ‌ها ادعا می‌کنند که به خدا خدمت می‌کنند و او را بر روی زمین نمایندگی می‌کنند. اما دقیقاً همین تظاهر است که عیب را تشکیل می‌دهد زیرا خدا به هیچ وجه این ادعای پاپی را تأیید نمی‌کند. و در نتیجه، هر چیزی که روم به دروغ درباره خدا تعلیم می‌دهد، شخصاً بر او تأثیر می‌گذارد.

به اولیای حق تعالی ظلم خواهد کرد ب-25

آزار و اذیت ناعادلانه اولیای الهی در آیه 21 در اینجا فراخوانی و تأیید شده است. احکام توسط دادگاه‌های مذهبی با نام «تفتیش عقاید مقدس» صادر می‌شود. از شکنجه برای وادار کردن افراد بی‌گناه به اعتراف به گناه استفاده می‌شود.

و او امیدوار است که زمان و قانون را تغییر دهد ج-25

این اتهام به خواننده این فرصت را می‌دهد تا حقایق اساسی عبادت را که به خدای واقعی، زنده و بیگانه داده شده است، دوباره احیا کند.

نظم زیبایی که خدا ایجاد کرده بود توسط راهبان رومی تغییر یافت. مطابق خروج 12:2، خداوند در هنگام خروج از مصر به عبرانیان گفت: این ماه اولین ماه برای شما خواهد بود. اولین ماه سال برای شما خواهد بود. این یک دستور است نه یک پیشنهاد ساده. و از آنجا که نجات از یهودیان بر اساس عیسی مسیح حاصل می‌شود، پس از خروج، هر موجودی که به نجات وارد می‌شود، به خانواده خدا نیز وارد می‌شود که در آن دستور او باید سلطنت کند و مورد احترام قرار گیرد. این آموزه واقعی نجات است و از زمان رسولان وجود داشته است. در مسیح، اسرائیل خدا جنبه روحانی به خود گرفت، این اسرائیل اوست که او نظم و آموزه‌های خود را برای آن پایه‌گذاری کرد. طبق روم. 11:24، نوکیش بت پرست به ریشه و تنه عبری ابراهیم پیوند زده می‌شود، نه برعکس. پولس او را در برابر بی‌ایمانی که برای یهودیان سرکش عهد قدیم کشنده بوده و برای مسیحیان سرکش جدید نیز به همان اندازه کشنده آن را **Dan.8** خواهد بود، هشدار داده است. که مستقیماً مربوط به ایمان کاتولیک رومی است، و مطالعه تأیید می‌کند، از سال 1843، مسیحیان پروتستان

ما تنها در آغاز یک وحی نبوی طولانی هستیم که در آن تهمت الهی در این آیه وجود دارد زیرا عواقب آن وحشتناک و چشمگیر است. زمان تغییر توسط کنسرت رم

استراحت تعطیلات چهارمین فرمان خداوند. روز هفتم از 7 مارس 321 با روز اول جایگزین - 1 شده است که به عنوان روز سکولار و شروع هفته توسط خداوند برگزار می‌شود. علاوه بر این، این روز اول توسط امپراتور روم کنستانتین اول تمیل شد، زمانی^{که} به پرستش «خورشید تسخیر نشده ارجمند» اختصاص یافت، خورشیدی که توسط مشرکان خدایی شده بود، که قبلاً در مصر، نماد کتاب مقدس گناه است. دانیال 5 به ما نشان داد که چگونه خدا ظلم‌هایی را که در حق او انجام می‌شود مجازات می‌کند، بنابراین به انسان هشدار داده می‌شود و او می‌داند که وقتی خدا او را قضاوت می‌کند همانطور که

پادشاه بلشصر را قضاوت کرد و او را کشت. روز سبت که خداوند از آغاز جهان تقدیس کرده است، دارای ویژگی های دوگانه زمان و قانون الهی است، همانطور که آیه ما اشاره می کند

آغاز سال که در اصل در بهار بوده است، کلمه ای که به معنی اولین بار است تغییر یافته و -2 در آغاز زمستان اتفاق می افتد

تغییر روز از نظر خداوند در غروب خورشید به ترتیب شب رخ می دهد نه در نیمه شب، -3 زیرا موزون و با ستارگانی است که به این قصد آفریده است

تغییر در قانون بسیار عمیق تر از موضوع سبت است. روم ظروف طلائی معبد را هتک حرمت نکرد، به خود اجازه داد متن اصلی کلماتی را که خداوند با انگشت خود بر روی میزهای سنگی که به موسی داده شده بود تغییر دهد. چیزهایی به قدری مقدس که دست زدن به کشتی که در آن یافت شد، توسط خدا با مرگ فوری برخورد کرد

و قدیسان برای مدتی، زمانی و نیمی به دست او تسلیم خواهند شد -ج 25

به ما پاسخ می دهد: آنها شما را از Dan.4:23 زمان یعنی چه؟ تجربه پادشاه نبوکدنصر در میان مردم بیرون خواهند کرد، در کنار حیوانات صحرا خواهید زیست، آنها به شما علف خواهند داد تا مانند گاو بخورید. و هفت بار بر تو خواهد گذشت تا بدانی که حق تعالی بر پادشاهی مردم حکومت می کند و آن را به هر که خواهد می دهد. پس از این تجربه سخت، پادشاه در آیه 34 گفت: پس از زمان مقرر، من، نبوکدنصر، چشمان خود را به آسمان بلند کردم و عقل به من بازگشت. من حق تعالی را برکت دادم، او را ستایش کرده ام و او را ستایش کرده ام که تا ابد زنده است، سلطنت او سلطنتی ابدی است، و پادشاهی او نسل به نسل پایدار است. ما می توانیم استنباط کنیم که این هفت زمان نشان دهنده هفت سال از زمان شروع و پایان دوره زندگی اوست. بنابراین آنچه خداوند زمان می نامد زمانی است که زمین طول می کشد تا یک دور کامل خورشید را کامل کند. از آنجا پیام های زیادی ظاهر می شود. نماد خدا با خورشید است و هنگامی که موجودی با غرور طلوع می کند تا او را در جای خود قرار دهد، خداوند به او می گوید: «به دور الوهیت من بچرخ و بیاموز که من کیستم». برای نبوکدنصر، هفت چرخش ضروری اما مؤثر است. درس دیگر مربوط به مدت زمان سلطنت پاپ است که در این آیه با اصطلاح «زمان» پیشگویی شده است. در مقایسه با تجربه نبوکدنصر، خداوند غرور مسیحی را با سپردن آن به حماقت برای یک زمان، زمان و نیمی از سالهای نبوی مجازات می کند. از 7 مارس 321، غرور و جهل در حماقت باعث شد که انسانها به احترام به دستوری که فرمان خدا را تغییر می دهد، بپذیرند. چیزی که غلام حقیر مسیح نمی تواند از آن اطاعت کند، در غیر این صورت از خدای ناجی خود جدا می شود

این آیه ما را به جست و جوی ارزش واقعی و تاریخ آغاز و پایان این مدت نبوی هدایت می کند. ما متوجه خواهیم شد که نشان دهنده 3 سال و شش ماه است. در واقع، این فرمول دوباره در ظاهر خواهد شد، جایی که با فرمول 1260 روزه از آیه 6 مشابیهت دارد. استفاده از کد Rev.12:14 یک روز برای یک سال، این امکان را فراهم می کند. بفهمند که این واقعاً 1260 سال Ezé.4:5-6، طولانی و وحشتناک رنج و مرگ است

دان 7:26 آنگاه داوری خواهد آمد و سلطنت او از او سلب خواهد شد و برای همیشه ویران و نابود خواهد شد

علاقه این دقت را برجسته می کند: قضاوت و پایان سلطه پاپ ها همزمان اتفاق می افتد. این الف-2 ثابت می کند که قضاوت ذکر شده قبل از بازگشت مسیح آغاز خواهد شد. در سال 2021، پاپ ها هنوز فعال هستند، بنابراین قضاوت ذکر شده در دانیل در سال 1844 آغاز نشد، برادران ادونتیست

دان 7:27 پادشاهی و فرمانروایی و عظمت همه پادشاهی های زیر آسمان به قوم مقدسین حق تعالی داده خواهد شد. سلطنت او سلطنتی ابدی است و همه حاکمان او را خدمت کرده و از او اطاعت خواهند کرد

بنابراین قضاوت پس از بازگشت در جلال مسیح و رستخیز برگزیدگان او به بهشت الف-27 به خوبی اجرا می شود

و همه حاکمان او را خدمت کرده و از او اطاعت خواهند کرد -27b

به عنوان نمونه، خداوند سه فرمانروای معرفی شده در این کتاب را به ما نشان می دهد:

نبوکدنصر، پادشاه کلدانی، داریوش پادشاه مادها، و کوروش پادشاه ایران، ۲

دان 7:28 این کلمات به پایان رسید. من، دانیال، به شدت از افکارم ناراحت شدم، رنگم عوض شد و این کلمات را در قلبم نگه داشتم.

مشکل دانیال هنوز موجه است، زیرا در این سطح شواهد هویت روم پاپی هنوز فاقد الف-28 قدرت است. هویت او همچنان یک "فرضیه" بسیار قانع کننده است، اما در عین حال، یک "فرضیه". اما دانیال 7 تنها دومین صفحه از هفت صفحه نبوی ارائه شده در این کتاب دانیال را تشکیل می دهد. و در یکسان و مکمل هستند. هر Dan.2 و Dan.7 حال حاضر، ما توانسته ایم ببینیم که پیام های ارائه شده در صفحه جدید عناصر اضافی را برای ما به ارمغان می آورد که بر مطالعاتی که قبلاً انجام شده قرار می گیرد، پیام خدا را تقویت و تقویت می کند که بدین ترتیب هر چه بیشتر واضح تر می شود.

این فرضیه که «شاخ کوچک» این فصل 7، روم پاپی است، باید تأیید شود. کار انجام خواهد شد. اما اجازه دهید این جانشینی تاریخی را که مربوط به رم است، "چهارمین حیوان هیولا با دندان های آهنی" به یاد بیاوریم. این امپراتوری روم را نشان می دهد و به دنبال آن «ده شاخ» از پادشاهی های آزاد و مستقل اروپایی که در سال 538 توسط «شاخ کوچک» پاپ فرض می شد، این «شاه متفاوت»، که قبل از آن «سه شاخ یا سه شاه» جانشین شدند. هرول ها، وندال ها و استروگوت ها بین سال های 493 و 538 در آیات 8 و 24 تحقیر شده اند.

دانیال 8

دانیال 8:1 در سال سوم سلطنت بلطشصر پادشاه، من دانیال رؤیایی دیدم، غیر از رؤیایی که قبلاً دیده بودم.

زمان گذشت: 3 سال. دانیل دید جدیدی دریافت می کند. در این یکی، تنها دو حیوان وجود دارد الف-1 که در آیات 20 و 21 به وضوح با مادها و ایرانیان و یونانیان که در رؤیاهای قبلی دوم سوم امپراتوری جانشینان نبوت شده بودند، شناسایی می شوند. با گذشت زمان، در رؤیاهای حیوانات به وضوح بیشتر و یک قوچ و یک بز را تقدیم می کند. حیواناتی که در Dan.8 بیشتر با آداب عبرانیان مطابقت می کنند قربانی روز کفاره از آیین یهودی تقدیم می شوند. بنابراین می توانیم به نماد گناه در برهنه امپراتوری یونان توجه کنیم: شکم و ران های بی حرم دان.2، پلنگ دان.7 و بز دان.8.

وقتی این رویا را دیدم، به نظرم رسید که در شوشان، پایتخت، در استان ایلام هستم. و در **Dan 8:2** حین دید نزدیک رودخانه اولای بودم.

دانیال در پارس در کنار رود کارون است که در زمان او اولایی بود. پایتخت ایران و نماد الف-2 رودخانه یک قوم نشانگر مکان جغرافیایی مرجع برای چشم اندازی است که خداوند به آنها خواهد داد. بنابراین پیام های نبوی داده های جغرافیایی ارزشمندی را در این فصل ارائه می دهند که در فصل های 2 و 7 وجود نداشت.

و چشمان خود را بلند کرده، دیدم، اینک قوچی در مقابل رودخانه ایستاده و شاخ داشت. این **Dan 8:3** شاخ ها بلند بودند، اما یکی از دیگری بالاتر بود و آخرش بلند شد.

این آیه خلاصه ای از تاریخ ایران است که توسط این قوچ که شاخش به تصویر کشیده شده الف-3 است. بالاترین نشان دهنده آن است زیرا که در ابتدا تحت تسلط متحدش ماد بود، با روی کار آمدن از آن بالاتر رفت. **Dan.10:1** کوروش 2 پادشاه ایرانی، در سال 539، آخرین معاصر دانیال بر اساس اما در اینجا، من به مشکل تاریخ واقعی اشاره می کنم، زیرا مورخان شهادت شاهد عینی دانیال را که در فتح بابل را به پادشاه مادها، داریوش، نسبت می دهد، کاملاً نادیده می گیرند. **1: 6** کوروش **Dan.5:31** پس از مرگ داریوش به قدرت رسید، بنابراین نه در سال 539 بلکه کمی دیرتر، یا برعکس، فتح داریوش ممکن است کمی قبل از تاریخ - 539 - اتفاق بیفتد.

لطایف الهی در این آیه ظاهر می شود به شکلی که برای تعیین شاخ کوچک و بزرگ به کار می - ب 3 رود. این تأیید می کند که عبارت "شاخ کوچک" که به دقت از آن اجتناب شده است، به طور خاص و منحصرأ به هویت رم متصل است.

قوچ را دیدم که با شاخ های خود به سمت غرب و شمال و جنوب می گوید. هیچ حیوانی **Dan 8:4** نتوانست در برابر او مقاومت کند و کسی نبود که قربانیانش را تحویل دهد. او آنچه را که می خواست انجام داد و قدرتمند شد.

تصویر این بیت مراحل متوالی فتوحات ایرانیان را به تصویر می کشد که آنها را به سمت الف-4 امپراتوری یعنی تسلط شاه شاهان سوق می دهد.

در غرب: کوروش 2 با کلدانیان و مصریان بین 549 و 539 ائتلاف کرد

در شمال: لیدیا پادشاه کرزوس در - 546 فتح شد

ظهر: کوروش با جانشینی داریوش پادشاه مادها پس از - 539 - بابل را فتح کرد و بعداً پادشاه

. ایران کمبوجیه 2 مصر را در - 525 فتح کرد

و قدرتمند شد ب-4

او به قدرت امپراتوری دست یافت که ایران را به اولین امپراتوری پیشگویی شده در این فصل بود. در این قدرت، امپراتوری ایران تا **Dan.7** و **Dan.2** 8 تبدیل کرد. این دومین امپراتوری در رؤیاهای دریای مدیترانه گسترش یافت و به یونان حمله کرد که آن را در ماراتون در - 490 متوقف کرد. جنگ ها از سر گرفته شد.

همانطور که از نزدیک نگریم، اینک یک بز از مغرب آمد و بدون اینکه به آن دست بزند، **Dan 8:5** بر روی تمام زمین دوید. این بز یک شاخ بزرگ بین چشمان خود داشت.

آیه 21 به وضوح بز را مشخص می کند: بز پادشاه جوان است، شاخ بزرگ بین چشمان او الف-5 اولین پادشاه است. جوان، است نام باستانی یونان روح با نادیده گرفتن پادشاهان ضعیف یونانی، مکاشفه خود را بر فاتح بزرگ یونانی اسکندر مقدونی بنا می کند.

اینک بزی از مغرب آمد ب-5

هنوز نشانه های جغرافیایی داده می شود. این بز از غرب در رابطه با امپراتوری ایران به

عنوان یک مکان مرجع جغرافیایی می آید.

و تمام زمین را روی سطح آن سفر کرد، بدون اینکه به آن دست بزند c-5

این پیام مشابه چهار بال پرنده پلنگ دان است. **7:6**. او بر سرعت فوق العاده فتوحات این پادشاه

جوان مقدونی تأکید می کند که تا ده سال دیگر سلطه خود را تا رود سند گسترش خواهد داد.

این بز یک شاخ بزرگ بین چشمان خود داشت d-5

هویت در بیت 21 آمده است: شاخ بزرگ بین چشمان او اولین پادشاه است. این پادشاه اسکندر

مقدونی است (- 543-523). روح به آن ظاهر اسب شادار، یک حیوان افسانه ای افسانه ای می دهد.

بنابراین او تخیل بارور پایان ناپذیر جامعه یونانی را محکوم می کند که افسانه هایی را برای دین اختراع کرد و روح آن قرن ها تا زمان ما در غرب مسیحی فریبنده را طی کرده است. این جنبه ای از گناه است که تصویر بز، حیوانی که نقش گناه را در مراسم مقدس سالانه «روز کفاره» ایفا می کرد، تأیید می شود. مصلوب شدن مسیح عیسی در کمال الهی او انجام شد، این مراسم باید پس از او متوقف می شد ... به زور، از طریق تخریب معبد و ملت یهود توسط رومیان در سال 70

دان 8:6 و به قوچ شاخ دار رسید که دیدم در مقابل رودخانه ایستاده بود و با تمام خشم خود بر او دوید اسکندر مقدونی حمله خود را به ایرانیان که پادشاه آنها داریوش 3 است آغاز می کند. **دومی در الف-6** ایسوس شکست می خورد، او با پشت سر گذاشتن کمان، سپر و خرقه خود و همچنین همسر و وارث خود در سال 333 فرار می کند. او بعداً توسط دو تن از بزرگانش کشته خواهد شد.

6b- و با تمام خشم به سوی او دوید
این خشم از نظر تاریخی موجه است. پیش از این مبادله بین داریوش و اسکندر انجام شد: "پیش از اینکه اسکندر با داریوش آشنا شود، پادشاه ایران هدایایی برای او فرستاد تا بر موقعیت آنها به عنوان پادشاه و فرزند تاکید کند - اسکندر در آن زمان هنوز مردی جوان بود. شاهزاده تازه کار در هنر جنگ (شعبه اول، افسار 89). داریوش یک گلوله، یک شلاق، یک ترمز اسب و یک جعبه نقره ای پر از طلا برای او می فرستد. نامه ای که گنج را همراهی می کند عناصر را می درخشد: توپ طوری است که او مانند کودکی که هست به بازی ادامه می دهد، ترمزی که به او یاد می دهد خود را کنترل کند، شلاق برای اصلاح او و طلا نشان دهنده ادای احترامی است که مقدونی ها باید به آن بپردازند. امپراتور پارس اسکندر با وجود ترس از پیام آوران هیچ نشانی از خشم نشان نمی دهد. برعکس از آنها می خواهد که به خاطر ظرافت داریوش به او تبریک بگویند. او می گوید داریوش آینده را می داند، زیرا او تویی به اسکندر داد که نشان دهنده فتح آینده او بر جهان است، ترمز به این معنی است که همه به او تسلیم خواهند شد، تازیانه مجازات کسانی خواهد بود که جرات می کنند در برابر او بایستند. طلا نشان دهنده ادای احترامی «Bucephalus» است که او از همه رعایا دریافت خواهد کرد.» اسکندر اسبی داشت که در نبوی آن را نامید که با پیشوندی تقویت کننده «سر» است. در تمام نبردهایش، او با سلاح در دست، در راس ارتش خود خواهد بود. و او برای "ده سال" حاکم "سر" جهان تحت پوشش نبوت خواهد شد. شهرت آن باعث ترویج فرهنگ یونانی و گناهی می شود که به آن انگ می زند.

او را دیدم که به قوچ نزدیک شده و بر او خشمگین است. او قوچ را زد و دو شاخ آن را **Dan 8:7** شکست، بدون اینکه قوچ قدرت مقاومت در برابر او را داشته باشد. او را به زمین انداخت و زیر پا گذاشت و کسی نبود که قوچ را نجات دهد.

جنگ آغاز شده توسط اسکندر مقدونی: در - 333 در ایسوس اردوگاه ایرانیان شکست خورد **الف-7** و بز بسیار قوی شد. اما وقتی قوی شد شاخ بزرگش شکست. **چهار شاخ بزرگ به جای آن Dan 8:8** برخاستند، به چهار باد بهشت

8-الف شاخ بزرگش شکست
در سال 323، پادشاه جوان (323-356) بدون وارث در سن 32 سالگی در بابل درگذشت.

8-ب چهار شاخ بزرگ به جای آن برخاستند، در چهار باد بهشت
جانشینان پادشاه مرده ژنرال های او بودند: دیادوچی ها. آنها ده نفر بودند که اسکندر درگذشت و به مدت 20 سال با یکدیگر جنگیدند تا جایی که در پایان 20 سال فقط چهار نفر زنده ماندند. هر یک از آنها یک سلسله سلطنتی در کشوری که بر آن تسلط داشت تأسیس کردند. بزرگترین آنها سلوکوس معروف به نیکاتور است، او سلسله "سلوکیان" را که بر پادشاهی سوریه سلطنت می کردند، تأسیس کرد. دومی بطلمیوس لاگوس است، او سلسله "لاگید" را تأسیس کرد که بر مصر سلطنت می کرد. سومی کاساندروس است که بر یونان سلطنت می کند و چهارمی لیسیماکوس (نام لاتین) است که بر تراکیه سلطنت می کند.

پیام نبوی مبتنی بر جغرافیا ادامه دارد. چهار نقطه اصلی چهار باد آسمان، هویت کشورهای رزمنده مربوطه را تأیید می کند.

بازگشت رم، شاخ کوچک

دان 8:9 از یکی از آنها شاخ کوچکی بیرون آمد که بسیار به سمت جنوب، به سمت شرق و به سوی زیباترین زمین رشد کرد.

وجه این آیه بیانگر گسترش یک پادشاهی است که به نوبه خود به یک امپراتوری مسلط تبدیل الف-9 می شود. با این حال، در درس های قبلی و در تاریخ جهان، پادشاهی جانشین یونان روم است. این شناسایی با عبارت «شاخ کوچک» بیشتر توجیه می شود که این بار برخلاف آنچه برای شاخ کوتاه تر ماد انجام شد، به وضوح ذکر شده است. این به ما امکان می دهد بگوییم که این «شاخ کوچک» نمادی از روم جمهوری خواه در حال رشد است. زیرا به عنوان پلیس جهان به سمت شرق مداخله می کند، اغلب به این دلیل که برای حل یک درگیری محلی بین مخالفان فراخوانده می شود. و این دلیل دقیقی است که تصویر زیر را توجیه می کند.

از یکی از آنها شاخ کوچکی بیرون آمد ب-9
مسلط قبلی یونان بود و از یونان است که روم در این منطقه شرقی که اسرائیل در آن قرار دارد تسلط پیدا می کند. یونان، یکی از چهار شاخ

که به شدت به سمت جنوب، به سمت شرق و به سمت زیباترین کشورها گسترش می یابد ج-9
رشد روم ابتدا از موقعیت جغرافیایی آن به سمت جنوب آغاز می شود. تاریخ این را تأیید می کند، ورود روم به جنگ های پونیک علیه کارتاژ، تونس امروزی، در حدود - 250
مرحله گسترش زیر به سمت شرق با مداخله در یکی از چهار شاخ انجام می شود: یونان، حدود - 200. لیگ یونان اتولی در آنجا نامیده شد تا از آن در برابر لیگ آخایی حمایت کند (اتولیا در برابر آخایا). با رسیدن به خاک یونان، ارتش روم هرگز آن را ترک نکرد و کل یونان از - 160 مستعمره روم شد.

از یونان، روم با پا گذاشتن به فلسطین و یهودیه که در سال 63 تبدیل به استانی از روم می شود که توسط ارتش ژنرال پومپئوس فتح شده است، به گسترش خود ادامه خواهد داد. این یهودیه است که در 42، و Dan.11:16 روح با این عبارت زیبا مشخص می کند: زیباترین کشورها، عبارتی که در Ezé.20:6 ذکر شده است.

این فرضیه تأیید می شود، " شاخ کوچک " روم است

این بار دیگر تردید مجاز نیست، رژیم پاپی دان.7 نقاب بردار است، بنابراین، با گذشتن از قرون غیرضروری، روح ما را به ساعت غم انگیزی می برد که در آن، رها شده توسط امپراتورها، رم تسلط خود را تحت یک شکل مذهبی از سر می گیرد. ظاهر مسیحی که او اعمال آشکار شده توسط است. Dan.7 " نمادهای آیه 10 را به آن نسبت می دهد. اینها اعمال پادشاه " متفاوت

روم امپراتوری و سپس روم پاپ قدیسان را آزار می دهد

دو قرائت متوالی برای این تک بیت

او به لشکر آسمان برخاست و بخشی از آن لشکر و تعدادی از ستارگان را به زمین فرود **Dan 8:10** آورد و آنها را زیر پا گذاشت

او به لشکر آسمان برخاست الف-10

با گفتن « او » هویت رم را در توالی زمانی بسط آن به عنوان هدف نگه می دارد، پس از اشکال مختلف حکومتی که در مکاشفه 17:10 به آن اشاره می کند، روم به امپراتوری تحت سلطنت رسید. امپراتور روم اکتاوین معروف به آگوستوس. و در زمان او بود که عیسی مسیح از روح در بدن باکره مریم، همسر جوان یوسف، متولد شد. هر دو تنها به دلیل تعلقشان به دودمان پادشاه داوود انتخاب شدند. عیسی پس از مرگش، هنگامی که توسط خودش زنده شد، همانطور که اعلام کرده بود، مأموریت اعلام مزده نجات (انجیل) را به حواریون و شاگردانش سپرد تا مردم را در سراسر جهان برگزیده کند. در این زمان روم با نرمی و صلح طلبی مسیحی مقابله کرد. او در نقش قصاب، شاگردان مسیح در نقش بره های ذبح شده. به بهای خون شهیدان فراوان ریخته شده، ایمان مسیحی در سراسر جهان و به ویژه در پایتخت امپراتوری، رم گسترش یافت. آزار و اذیت امپراتوری روم علیه مسیحیان قیام می کند. در این آیه 10، دو عمل روم با هم همپوشانی دارند. اولی مربوط به امپراتوری و دومی مربوط به پاپ است: در رژیم شاهنشاهی می توان اقداماتی را که به او اشاره شده است نسبت داد

او به لشکر آسمان برخاست: با مسیحیان مقابله کرد. در پشت این بیان نمادین، مسلح به بهشت، برگزیدگان مسیحی قرار دارند که بر اساس آن عیسی قبلاً مؤمنان خود را: شهروندان پادشاهی آسمان نامیده بود. علاوه بر این، دان. 3:12 قدیسان واقعی را با ستارگان مقایسه می‌کند که آنها نیز نسل ابراهیم از پیدایش 5:15 هستند. در قرائت اول، جرأت به شهادت رساندن پسران و دختران خدا برای روم بت پرست، عملی متکبرانه و اعتلای ناشایست و ناموجه است. در قرائت دوم، ادعای اسقف رم مبنی بر حکمرانی به عنوان پاپ برگزیده عیسی مسیح از سال 538 نیز اقدامی متکبرانه و حتی ارتقای ناشایست و غیر موجه تر است.

او بخشی از این لشکر و ستارگان را بر زمین انداخت و آنها را زیر پا گذاشت: آنها را مورد آزار و اذیت قرار داد و به قتل رساند تا جمعیت خود را در عرصه های خود منحرف کند. جفاگران عمدتاً نرون، دومیتیان و دیوکلتیان آخرین آزار دهنده رسمی بین سال‌های 303 و 313 هستند. در اولین خوانش، تحت نام‌های نمادین «افسوس» پوشش داده می‌شود، زمانی که یوحنا 2. Apo این دوره دراماتیک در مکاشفه الهی خود را دریافت کرد به نام «آخر الزمان» و «اسمیرنا». در قرائت دوم که به روم پاپ نسبت داده می‌شود، این اعمال در آیه 2 تحت دوره هایی به نام «پرگاموم» یعنی اتحاد شکسته یا زنا و «تیاتیرا» یعنی زشتکاری ها و مرگ ها قرار می‌گیرد. روح با گفتن، و او آنها را زیر پا گذاشت، به هر و بیان آن زیر پا پامال شده به *trampled* دو روم یک نوع اقدامات تشنه به خون نسبت می‌دهد. فعل نسبت داده شده است. اما عمل قدم زدن تا پایان شب 2300 بامداد آیه 14 Dan. 7:19 روم بت پرست در این باب 8 طبق بیان آیه 13 ادامه خواهد داشت: تا کی قداست و لشکر زیر پا گذاشته می‌شود؟ این اقدام در زمان مسیحیت انجام شد و بنابراین باید آن را به روم پاپی و حمایت های سلطنتی آن نسبت دهیم. که تاریخ آن را تایید می‌کند. با این حال اجازه دهید یک تفاوت مهم را متذکر شویم. روم بت پرست فقط به معنای واقعی کلمه باعث می‌شود که مقدسین عیسی مسیح به زمین بیفتند، در حالی که روم پاپی، از طریق دستورات مذهبی نادرست خود، آنها را از نظر معنوی به زمین می‌اندازد، قبل از اینکه آنها را به طور واقعی تحت آزار و اذیت قرار دهد.

آزارهای پراکنده با تناوب صلح ادامه یافت تا اینکه امپراتور کنستانتین اول آمد که با فرمان میلان، پایتخت روم خود، در سال 313 به آزار و اذیت مسیحیان پایان داد، که دوره "ده ساله" را تشکیل می‌دهد. آزار و شکنجه هایی که مشخصه دوران «اسمیرنا» از مکاشفه 2: 8 است. از طریق این صلح، ایمان مسیحی چیزی به دست نخواهد آورد و خدا چیزهای زیادی را از دست خواهد داد. زیرا بدون مانع آزار و شکنجه، تعهدات غیرقانونی به این ایمان جدید در سراسر امپراتوری و به ویژه در روم که خون شهدا بیشتر از همه در آنجا جاری شده، فراوان و چند برابر می‌شود.

بنابراین به این زمان است که می‌توان آغاز قرائت دوم این آیه را به هم متصل کرد. جایی که روم با اطاعت از دستورات امپراتور کنستانتین مسیحی می‌شود که در سال 321 فرمانی صادر کرده است که دستور تغییر روز استراحت هفتگی را صادر کرده است: روز هفتم سبت با اولین روز هفته جایگزین می‌شود. در آن زمان توسط مشرکان به پرستش خدای "خورشید تسخیر نشده ارجمند" تقدیم شد. این عمل به اندازه نوشیدن الکل جدی است ظروف طلائی معبد، اما این بار، خدا واکنشی نشان نمی‌دهد، ساعت قضاوت نهایی کافی است. با روز استراحت جدید خود، رم دکتترین مسیحی خود را در سراسر امپراتوری گسترش خواهد داد، و قدرت محلی خود، اسقف رم از اعتبار و حمایت برخوردار خواهد شد، تا زمانی که عنوان پاپ با فرمانی در سال 533، بیزانس به او مقام عالی دهد. امپراتور ژوستینیان اول¹ تنها پس از اخراج استروگوت‌های منخاصم، اولین پاپ حاکم، ویگیلیوس، در رم، در کاخ لاتران که بر روی کوه کالیوس ساخته شده بود، بر کرسی پاپ نشست. تاریخ 538 و ورود اولین پاپ نشان دهنده انجام اقداماتی است که در آیه 11 شرح داده شده است. اما همچنین آغاز 1260 روز-سال آشکار شده است. سلطنتی ادامه دار Dan. 7 سلطنت پاپ ها و هر آنچه که به آنها مربوط می‌شود و در که طی آن قدیسان بار دیگر زیر پا لگدمال می‌شوند، اما این بار توسط سلطه مذهبی پاپ روم و حامیان مدنی آن، پادشاهان، و اوج آن... به نام مسیح.

اقدامات خاص پاپری که در سال 538 تأسیس شد

دان 8:11 او نزد فرمانده لشکر برخاست و قربانی-ابدی را از او گرفت و پایه‌های-قدس او را ویران کرد.

به ریاست لشکر رسید الف-11

این رهبر لشکر از نظر منطقی و کتاب مقدسی عیسی مسیح است، طبق افس . نجات دهنده فعل " او برخاست " به خوبی انتخاب شده است، زیرا دقیقاً در سال 538 عیسی در بهشت است در حالی که پاپ بر روی زمین است. آسمان فراتر از دسترس او است، اما " او برخاست " با ایجاد این باور در مردان که او جایگزین او در زمین است. از بهشت، عیسی شانس کمی برای دوری از مردم از دامی که شیطان برایشان گذاشته است، دارد. علاوه بر این، چرا او این کار را انجام می دهد، در حالی که خودش به خوبی خوانده ایم، " قدیس‌ها برای Dan.7:25 آنها را به دام و همه نفرین های آن می رساند؟ زیرا در مدتی، بارها (2 بار) و نیموقت به دست او تسلیم خواهند شد . آنها عمداً توسط خدای مسیح تحویل داده می شوند، زیرا زمان ها و شریعت تغییر کرده است . قانون اصلاح شده در سال 321 توسط کنستانتین در مورد سبت، البته، اما مهمتر از همه، قانون توسط پاپی رومی تغییر کرد، پس از 538 که در آنجا، نه تنها سبت است که تحت تأثیر قرار می گیرد و مورد حمله قرار می گیرد، بلکه کل قانون است که رم دوباره کار می کند. نسخه

قربان-جاودان را از او گرفت ب-11

من به عدم وجود کلمه قربانی در متن اصلی عبری اشاره می کنم. با این حال، حضور آن نشان دهنده زمینه اتحاد قدیمی است، اما همانطور که من اخیراً نشان دادم اینطور نیست. تحت عهد جدید ، که این مراسم را بی ، Dan.9:27 قربانی و قربانی متوقف شد، مرگ مسیح، در میانه هفته ذکر شده در فایده کرد. با این حال، چیزی از عهد قدیم باقی ماند: خدمت کاهن اعظم و شفاعت کننده گناهان مردمی که همچنین خدمت آسمانی را که عیسی به نفع برگزیدگانش انجام داد که از زمان رستاخیز با خون او خریداری شده بودند، پیشگویی کرد. مسیح به بهشت بازگشت، چه چیزی برای گرفتن از او باقی مانده بود؟ وظیفه کشیشی او نقش انحصاری او به عنوان شفیع برای بخشش گناهان برگزیدگانش است. در واقع، از سال 538، استقرار رهبر کلیسای مسیح بر روی زمین، در روم، خدمت آسمانی عیسی را بیهوده و بیهوده کرد. دیگر دعا از او نمی گذرد و گناهکاران حامل گناهان و گناهان خود در برابر خداوند می مانند. عبرانیان 7:23 این تحلیل را تأیید می کند و می گوید: « اما او چون تا ابد می ماند، کشیشی دارد که قابل انتقال نیست .» تغییر حاکم بر روی زمین، ثمرات شنیع حاصل از مسیحیت بدون مسیح را توجیه می کند. میوه هایی که خدا برای دانیال پیشگویی کرده بود. چرا مسیحیان تحت تأثیر این نفرین وحشتناک قرار گرفتند؟ آیه 12 زیر پاسخ خواهد داد: به دلیل گناه

شناسایی دائمی که به تازگی انجام شده است به عنوان مبنایی برای محاسبات با استفاده از مدت و 12 پیشنهاد خواهد شد، عمل خواهد کرد. Dan.12:11 زمان سالهای روز 1290 و 1335 که در مبنای تثبیت شده تاریخ 538 است، زمانی که کشیشی ابدی توسط رهبر زمینی پاپ به سرقت رفت

و محل-قاعده حرم خود را واژگون کرد 11c-

که با "مکان" ترجمه "mecon" به دلیل بافت عهد جدید، بین دو معنای احتمالی کلمه عبری شده است، ترجمه "پایه" آن را به همان اندازه مشروع و بهتر با بافت عصر مسیحی که توسط پیشگویی . مورد هدف قرار گرفته بود، حفظ کردم

مکان مقدس صحبت می شود ، که گنج کننده است. با این حال، بسته به فعل مشخص کننده عملی که در . حرم انجام می شود، ممکن است فریب نخورید

اساس آن توسط پاپ سرنگون شده است: Dan.7:11 اینجا در

در - Epiphanes او توسط پادشاه یونانی آزار دهنده یهودیان آنتیوخوس 4 Dan.11:30 در 168 هتک حرمت شد

مقدس-نیست بلکه قداست است . کلمه عبری «قدش» به طور سیستماتیک در تمام ترجمه های رایج ترین نسخه ها به اشتباه ترجمه شده است. اما متن اصلی عبری برای شهادت به حقیقت اصلی بدون تغییر باقی مانده است

باید بدانید که اصطلاح « حرم » منحصرراً به مکانی اطلاق می شود که خداوند شخصاً در آنجا ایستاده است. از آنجایی که عیسی زنده شد و به آسمان بازگشت، دیگر هیچ مکان مقدسی بر روی زمین وجود ندارد . از این رو ، واژگونی اساس قدس او به معنای تضعیف پایه های اعتقادی مربوط به خدمت

آسمانی او است که همه شرایط رستگاری را نشان می دهد. در واقع، پس از غسل تعمید، شخص خوانده شده باید بتواند از تأیید عیسی مسیح که ایمان او را بر اساس اعمالش قضاوت می کند و به نام قربانی خود، گناهانش را ببخشد یا نبخشد، بهره مند شود. غسل تعمید آغاز تجربه ای است که تحت قضاوت عادلانه خدا زندگی می شود و نه پایان آن. به این معنی که وقتی رابطه مستقیم بین برگزیدگان زمینی و شفیع آسمانی او قطع شود، دیگر رستگاری ممکن نیست و عهد مقدس شکسته می شود. این یک درام معنوی وحشتناک است که توسط توده های انسانی فریب خورده و اغوا شده از 7 مارس 321 و سال 538 که در آن کشیشی ابدی عیسی مسیح توسط پاپ به نفع او حذف شد، نادیده گرفته شد. واژگونی اساس حرم او همچنین به معنای نسبت دادن به 12 حواری است که نمایانگر پایگاه یا بنیاد برگزیدگان، خانه روحانی هستند، یک آموزه مسیحی نادرست که گناه را علیه شریعت الهی توجیه و قانونی می کند. کاری که هیچ رسولی انجام نمی داد

و لشکر به خاطر گناه با قربانی ابدی تسلیم شدند. شاخ حقیقت را به زمین افکند و در **Dan 8:12** تعهداتش موفق شد

لشکر با فداکاری همیشگی تحویل شد الف-12

در زبان نمادین تر، این عبارت همان معنای دان را دارد. 7:25: ارتش تحویل داده شد ... اما

در اینجا روح با دائمی اضافه می کند

به دلیل گناه ب - 12

تغییر کرد. زیرا Dan.7:25 در هر صورت، طبق اول یوحنا 3:4، به دلیل تخطی از قانون در یوحنا گفت و نوشت: هر که گناه کند از شریعت تجاوز کرده است و گناه تخطی از شریعت است. این تخلف به 7 مارس 321 برمی گردد و اولاً مربوط به ترک سبت مقدس الهی است. سبت که توسط او از زمان خلقت جهان در «روز هفتم» منحصر به فرد و همیشگی مقدس شده است.

شاخ حقیقت را به زمین انداخت ج-12

حقیقت هنوز یک کلمه روحانی است که شریعت را مطابق با مزامع 119:142-151 تعیین می کند: شریعت شما حقیقت است ... همه احکام شما حقیقت است.

و در تلاش خود موفق می شود 12d-

اگر روح خدای خالق از قبل آن را اعلام کرد، پس از این که این فریب، بزرگترین فریب معنوی در تمام تاریخ بشر را نادیده گرفته اید، تعجب نکنید. بلکه جدی ترین عواقب آن از دست دادن روح انسان برای خداوند است. آیه 24 تأیید می کند که می گوید: قدرت او افزایش می یابد، اما نه با نیروی خود. او ویرانی باورنکردنی ایجاد خواهد کرد، او در تعهدات خود موفق خواهد شد، او قدرتمندان و مردم مقدسین را نابود خواهد کرد.

آمادگی برای تقدیس

در درسهایی که مناسب دینی عهد قدیم ارائه می دهد، این موضوع آمادگی برای تقدیس دائماً ظاهر می شود. اول، بین زمان برده داری و ورود به کنعان، جشن عید فصح برای تقدیس مردمی که خدا می خواست آنها را به خاک ملی خود، اسرائیل، سرزمین موعود هدایت کند، ضروری بود. در واقع، 40 سال آزمایش تطهیر و تقدیس طول کشید تا ورود به کنعان انجام شود.

به همین ترتیب، در مورد سبت که در روز هفتم از یک غروب آفتاب تا غروب دیگر مشخص می شود، یک زمان قبلی برای آمادگی لازم بود. شش روز فعالیت دنیوی مستلزم شستن بدن و تعویض لباس بود، این چیزها نیز بر کشیش تحمیل شد تا بتواند بدون خطر جانی وارد مکان مقدس معبد شود تا ... مراسم آیینی خود را در آنجا انجام دهد.

هفت روزه و 24 ساعته هفته خلقت از هفت هزار سال برنامه نجات خدا الگوبرداری شده است. به طوری که 6 روز اول نشان دهنده 6 هزاره اول است که در طی آن خداوند برگزیدگان خود را انتخاب می کند. و هزاره هفتم آخر، شنبه بزرگی را تشکیل می دهد که طی آن خدا و برگزیدگانش که در بهشت جمع شده اند از استراحت واقعی و کامل برخوردار می شوند. گناهکاران به طور موقت همه مرده اند. به جز شیطان، که در این دوره «هزار ساله» که در مکاشفه 20 نازل شد، بر روی زمین خالی از سکنه منزوی می ماند. قبل از ورود به بهشت، برگزیدگان باید تطهیر و تقدیس شوند. تطهیر مبتنی بر ایمان به قربانی داوطلبانه مسیح است، اما تقدیس با کمک او پس از غسل تعمید حاصل می شود، زیرا تطهیر به

نام یک اصل ایمان از قبل منتسب می شود یا از قبل به دست می آید، اما تقدیس میوه ای است که در واقعیت در کل او به دست می آید. روح توسط برگزیدگان از طریق همکاری واقعی او با خدای زنده عیسی مسیح، از طریق نبردی که او علیه خود، با طبیعت بد خود می کند، به دست می آید تا در برابر گناه مقاومت کند.

دانیال 9:25 به ما خواهد آموخت، عیسی مسیح آمد تا بر روی صلیب بمیرد تا برگزیدگان خود را دیگر گناه نکنند، زیرا او آمد تا به گناه پایان دهد. اکنون در آیه 12 دیدیم که برگزیده مسیحی به دلیل گناه به استبداد پاپ تسلیم شد. بنابراین تطهیر برای به دست آوردن تقدیس ضروری است که بدون آن هیچ کس خدا را نخواهد دید همانطور که در عبری نوشته شده است.

این زمان آماده سازی و تقدیس که برای 2000 سال از دوران مسیحیت از زمان مرگ عیسی مسیح تا بازگشت او در سال 2030 اعمال می شود، در آیات 13 و 14 که در ادامه می آید آشکار خواهد شد. برخلاف باور اولیه ادونتیست ها، این دوره نه دوره قضاوتی است که دانیال 7 توضیح می دهد، بلکه دوران تقدیس است که به دلیل میراث صدها ساله گناهان مشروعت بخش آموزه های شنیع روم پاپی ضروری شده است. من تصریح می کنم که کار اصلاح طلبی که از قرن سیزدهم آغاز شد، تطهیر و تقدیس را که خدای ناجی سهار مقدس و کاملاً خالص خواسته بود، به طور کامل انجام نداد.

دان 8:13 شنیدیم که یک قدیس صحبت می کند. و قدیس دیگری به او که سخن می گفت گفت: تا کی رویای قربانی دائمی و گناه ویرانگر برآورده می شود؟ تا کی حرم و لشکر زیر پا گذاشته می شود؟ شنیدیم که یک قدیس صحبت می کند. و قدیس دیگری به او که سخن می گفت گفت الف-13 قدیسان واقعی از گناهانی که از روم به ارث رسیده است آگاه می شوند. ما آنها را دوباره در خواهیم یافت Dan.12 صحنه دید ارائه شده در

رؤیا تا چه زمانی محقق می شود؟ ب-13

قدیسان خواستار تاریخی هستند که نشان دهنده پایان زشتکاری های رومی باشد.

ج-13 بر قربانی دائمی

قدیسان درخواست تاریخی می کنند که نشانگر از سرگیری کشیشی ابدی توسط مسیح باشد.

د-13 و در مورد گناه ویرانگر؟

قدیسان درخواست تاریخی می کنند که نشان دهنده بازگشت روز هفتم سبت باشد، که تخلف از

آن با ویرانی رومیان و جنگ ها مجازات می شود. و برای متخلفان این عذاب تا آخر دنیا ادامه خواهد داشت.

حرم و لشکر تا کی پایمال می شود؟ 13-

قدیسان خواستار تاریخی هستند که نشان دهنده پایان آزار و شکنجه پاپ علیه آنها، مقدسین

برگزیده خدا باشد.

و به من گفت: «دو هزار و سیصد شب و صبح. آنگاه حرم مطهر خواهد شد **Dan 8:14**

از سال 1991، خداوند مطالعه من را بر روی این آیه ضعیف هدایت کرده است. در اینجا الف-14 ترجمه واقعی او از متن عبری است.

و به من گفت: تا شام و صبح دو هزار و سیصد و عادل قداست خواهد بود.

می بینید که مدت شب 2300 بامداد با هدف تقدیس برگزیدگان منتخب خداوند از تاریخی است

که برای این دوره تعیین می شود. عدالت ابدی که با غسل تعمید تا آن زمان به دست آمده بود زیر سوال

رفته است. نیاز سه بار خدای مقدس، به عنوان پدر، پسر و روح القدس، با نیاز به این که برگزیدگان دیگر

در برابر سبت یا هر حکم دیگری که از دهان خدا می آید، گناه نکنند، تغییر کرده و تقویت شده است. بدین

ترتیب راه باریک نجات که توسط عیسی تعلیم داده شده بود بازسازی می شود. و الگوی برگزیدگان ارائه

شده در نوح، دانیال و ایوب، میلیون ها نفر را برای ده میلیارد سقوط کرده آخرین داور دان، توجیه

می کند. 7:10

در حالی که من، دانیال، این رؤیا را دیدم و در پی درک آن بودم، اینک، شخصی که ظاهر **Dan 8:15**

مردی داشت در برابر من ایستاد.

تأیید موجهی از **Dan.10:12** منطقی، دانیال مایل است معنای رؤیا را بفهمد و این امر او را در 15a-

جانب خدا به ارمغان می آورد، اما هرگز مانند پاسخ خدا در دان، در آرزوی خود به طور کامل برآورده

نخواهد شد. 12:9 آن را نشان می دهد: او پاسخ داد: برو ای دانیال، زیرا این سخنان تا زمان آخر مخفی و مهر خواهد شد.

و صدای مردی را در میان اولای شنیدم. فریاد زد و گفت: جبرئیل، رؤیا را برایش توضیح **Dan 8:16** بده

تصویر عیسی مسیح در وسط اولای درسی را که در رؤیای دان داده شده است پیش بینی می الف-16 کند. فرشته جبرئیل، خدمتکار نزدیک مسیح، مسئول توضیح معنای کل رؤیا از آغاز آن است. بنابراین بیابید اطلاعات اضافی را که در آیات بعدی نازل خواهد شد با دقت دنبال کنیم

سپس به محلی که من بودم نزدیک شد. و چون نزدیک شد من ترسیدم و با صورت افتادم. او **Dan 8:17** به من گفت: ای پسر انسان، توجه کن، زیرا رؤیا مربوط به زمانی است که پایان آن خواهد بود

رؤیت موجودات آسمانی همیشه این تأثیر را در انسان گوشتی ایجاد می کند. اما بیابید همانطور الف-17 که او ما را به این کار دعوت می کند مراقب باشیم. زمان پایان مربوطه در پایان کل چشم انداز آغاز خواهد شد

همانطور که او با من صحبت می کرد، من حیرت زده روی صورت خود ایستادم. او مرا **Dan 8:18** لمس کرد و مرا در همان جایی که بودم واداشت

در این تجربه، خداوند بر نفرین جسمانی تأکید می کند که با پاکی اجسام آسمانی فرشتگان وفادار الف-18 برابری نمی کند

دان 8:19 سپس به من گفت، من به تو خواهم آموخت که در پایان غضب چه خواهد شد، زیرا زمانی برای پایان تعیین شده است

پایان خشم خدا فرا خواهد رسید، اما این خشم با نافرمانی مسیحی، میراث آموزه پاپ روم، الف-19 توجیه می شود. بنابراین توقف این خشم الهی پیشگویی شده جزئی خواهد بود زیرا واقعاً پس از نابودی کامل بشریت در بازگشت در جلال مسیح متوقف خواهد شد

دان 8:20 فوجی که دیدی و شاخ داشت، پادشاهان ماد و پارسیان هستند

بحث این است که خداوند به برگزیدگان خود نکاتی را ارجاع دهد تا اصل توالی نمادهای ارائه الف-20 و 7 در Dan.2 شده را درک کنند. مادها و پارس ها زمینه تاریخی آغاز ظهور را مشخص می کنند. در جایگاه دوم قرار گرفتند

دان 8:21 بز پادشاه جوان است، شاخ بزرگ بین چشمان او اولین پادشاه است

و 7 Dan.2 به نوبه خود یونان دومین جانشین است. سوم در الف-21

شاخ بزرگ بین چشمان او اولین پادشاه است ب-21

همانطور که دیدیم، این مربوط به فاتح بزرگ یونان، اسکندر مقدونی است. شاخ بزرگ، تصویر شخصیت توهین آمیز و جنگجویانه اش که شاه داریوش 3 در تحقیر آن اشتباه کرد، زیرا به قیمت پادشاهی و جانش تمام شد. روح با قرار دادن این شاخ نه بر پیشانی، بلکه بین چشم ها، شهوت سیری ناپذیر خود را برای تسخیر نشان می دهد که فقط مرگ او متوقف می شود. اما چشم ها نیز بصیرت نبوی است و از بدو تولد سرنوشتی استثنایی از سوی روشن بینی به او اعلام شده و در تمام عمر به سرنوشت پیشگویی خود ایمان دارد

دان 8:22 چهار شاخ که به جای این شاخ شکسته برخاسته اند، چهار پادشاهی هستند که از این قوم برمی خیزند، اما آنها به این قوت نخواهند بود

چهار سلسله یونانی را می یابیم که توسط چهار ژنرال که جانشین اسکندر بودند، پس الف-22 از 20 سال جنگ بین ده سالی که در آغاز بودند، هنوز زنده هستند

دان 8:23 در پایان حکومت آنها، هنگامی که گناهکاران هلاک می شوند، پادشاهی گستاخ و حيله گر برمی خیزد

فرشته با گذشتن از زمان های میانی، دوران مسیحیت تسلط بر روم پاپی را تداعی می کند. با الف-23 انجام این کار، او هدف اصلی وحی ارائه شده را نشان می دهد. اما این توضیح تعلیم دیگری می آورد که در جمله اول این آیه آمده است: در پایان تسلط آنان، هنگامی که گناهکاران هلاک می شوند. این گناهکاران مصرّف شده که بر دوران حکومت پاپ مقدم هستند چه کسانی هستند؟ اینها یهودیان ملی سرکشی هستند که عیسی مسیح را به عنوان مسیح و نجات دهنده، رهایی بخش، بله، اما فقط از گناهانی که مرتکب شده اند و فقط به نفع کسانی هستند که او آنها را با کیفیت ایمانشان می شناسد، رد کردند. آنها

در واقع در سال 70 توسط سربازان روم، آنها و شهرشان اورشلیم هلاک شدند و این برای دومین بار پس از ویرانی که در زمان نبوکدنصر در - 586 رخ داد. مرگ عیسی مسیح، جایی که در اورشلیم پرده جدایی معبد از بالا به پایین به دو نیم شد و بدین ترتیب نشان داد که این عمل از جانب خود خدا آمده است.

پادشاهی گستاخ و متبحر برمی خیزد ب-23

این توصیف خدا از پاپری است که بر اساس دان.7:8 با تکبر و در اینجا با گستاخی آن مشخص می شود. می افزاید و هنرمند است. مصنوع عبارت است از پوشاندن حقیقت و به خود گرفتن ظاهر چیزی که نیستیم. تصنع برای فریب همسایه استفاده می شود، این همان کاری است که پاپ های متوالی انجام می دهند.

قدرت او افزایش خواهد یافت، اما نه به نیروی خود. او ویرانی باورنکردنی ایجاد خواهد Dan 8:24 کرد، او در تعهدات خود موفق خواهد شد، او قدرتمندان و مردم مقدسین را نابود خواهد کرد.

قدرتش زیاد می شود الف-24

به عنوان «شاخ کوچک» توصیف شده است، «ظاهر Dan.7:8 در واقع، آیه 20 که در بزرگتری نسبت به دیگران» به آن نسبت می دهد.

اما نه با قدرت خودش ب-24

در اینجا نیز تاریخ تأیید می کند که بدون حمایت مسلحانه پادشاهان، رژیم پاپ نمی توانست وجود داشته باشد. اولین تکیه گاه که کلویس پادشاه فرانک های سلسله مرووینگ و پس از او از سلسله کارولینژیان و در نهایت حمایت سلسله کاپتی ها بوده است، حمایت سلطنت فرانسه به ندرت وجود داشته است. و خواهیم دید که این حمایت هزینه ای دارد. این به عنوان نمونه با سر بریدن پادشاه فرانسه لویی 16، ملکه ماری آنتوانت، که درباریان سلطنت طلب و روحانیون کاتولیک رومی مسئول اصلی این امر بودند، توسط گیوتین نصب شده در فرانسه در پایتخت و شهرهای استان، توسط انقلابیون فرانسوی بین دو کشور انجام خواهد شد. 1793 و 1794؛ دو دوره "ترور" که با حروف خون در حافظه بشریت حک شده است. در مکاشفه 2:22 این عذاب الهی با این کلمات پیشگویی خواهد شد: اینک، او را بر بستری خواهم انداخت و مصیبت بزرگی خواهم فرستاد. دارد کسانی که با او زنا می کنند، مگر اینکه از اعمال خود توبه کنند. من فرزندان او را به قتل خواهم رساند. و جمیع کلیساها خواهند دانست که من او هستم که ذهن ها و دل ها را جستجو می کنم و به هر یک مطابق اعمال شما پادشاه خواهم داد.

او ویرانی باورنکردنی به بار خواهد آورد -24c

در زمین هیچ کس نمی تواند آنها را بشمارد، اما در بهشت تعداد آنها را خدا می داند و در ساعت عذاب قیامت، همه آنها از کوچکترین تا وحشتناک ترین آنها توسط نویسندگانشان کفاره می شوند.

در تعهداتش موفق خواهد شد د-24

چگونه می توانست موفق نشود، وقتی خدا این نقش را به او داد تا گناهی را که مردمش مرتکب شده اند، که ادعای نجات عیسی مسیح را دارند، مجازات کند؟

او قدرتمندان و قوم اولیا را نابود خواهد کرد -24

پاپ با نشان دادن خود به عنوان نماینده خدا در زمین و تهدید آنها به تکفیر که ورود آنها به بهشت را می بندد، تسلیم بزرگان و پادشاهان غرب زمین و حتی بیشتر از سوی کوچک، غنی یا فقیر را به دست می آورد. ، اما همه جاهلان به دلیل بی ایمانی و بی تفاوتی نسبت به حقایق الهی

از آغاز دوران اصلاحات که از پیتر والدو در سال 1170 آغاز شد، رژیم پاپ با تحریک علیه بندگان وفادار خدا، تنها قدیسان واقعی همیشه صلح آمیز و صلح آمیز، اتحادیه های کاتولیک قاتل تحت حمایت دادگاه های کشور، با خشم واکنش نشان داد. تفتیش عقاید قدوسیت دروغین او قضات سرپوشی که به این ترتیب دستور شکنجه های وحشتناک را برای مقدسین و دیگران صادر کردند، که همگی متهم به بدعت در برابر خدا و روم بودند، همگی باید در زمان قضاوت نهایی عادلانه پیشگویی شده، در برابر خدای واقعی حسابرسی بدهند. 9 و مکاشفه 20: 9 تا 15

دان 8:25 به خاطر سعادت و موفقیت او در دل خود تکبر خواهد داشت و بسیاری از کسانی را که در صلح زندگی می کردند هلاک خواهد کرد و خود را در برابر رؤسای امیران سربلند خواهد کرد. اما بدون تلاش هیچ دستی شکسته خواهد شد.

به خاطر سعادت و موفقیت در نیرنگ هایش الف-25

این سعادت حاکی از غنای اوست که آیه آن را به حیل‌های او پیوند می‌دهد. در واقع، وقتی کوچک و ضعیف هستیم، باید از حیل استفاده کنیم تا به ثروت، پول و ثروت از همه نوع که در مکاشفه 18:12 و 13 فهرست شده است، دست پیدا کنیم.

در دل خود تکبر خواهد داشت -ب-25

و تراژیک‌تر، نوه‌اش بلشصر در Dan.4 این، علی‌رغم درسی که تجربه پادشاه نبوکدنصر در داده شده است Dan.5

او بسیاری از مردانی را که در صلح زندگی می‌کردند نابود خواهد کرد -ج-25 شخصیت صلح‌آمیز ثمره مسیحیت واقعی است، اما فقط تا سال 1843. زیرا قبل از آن تاریخ، و ایمان نادرست پیشگویی، Dan.7:25 عمدتاً تا پایان انقلاب فرانسه، در پایان 1260 سال سلطنت پاپ، در شده است. با وحشیگری مشخص می‌شود که به وحشیگری حمله می‌کند یا به آن پاسخ می‌دهد. تنها در این مواقع است که ملایمت و آرامش تفاوت را ایجاد می‌کند. قوانین تعیین شده توسط عیسی از زمان رسولان تغییر نکرده است، برگزیده گوسفندی است که قربانی شدن را می‌پذیرد، هرگز قصاب نیست.

و او بر علیه رؤسای سران قیام خواهد کرد -د-25d

با این دقت، دیگر تردید جایز نیست. رهبر، که در آیات 11 و 12 ذکر شد، در واقع عیسی مسیح، پادشاه پادشاهان و خداوند ارباب است که در جلال بازگشت خود در مکاشفه 19:16 ظاهر می‌شود. و از او بود که کشیشی دائمی مشروع توسط پاپ‌ری رومی سلب شد.

و رؤیای شام و صبح که در مورد آن صحبت می‌شود صادق است. به نوبه خود، این دید را **Dan 8:26** مخفی نگه دارید، زیرا مربوط به زمان‌های دور است.

و رؤیت شامگاهان و بامدادان مورد نظر حق است الف-26

فرشته به منشأ الهی نبوت «2300 شب-صبح» آیه 14 گواهی می‌دهد. بنابراین او در نهایت توجه خود را به این معما جلب می‌کند که باید توسط قدیسیین برگزیده عیسی مسیح روشن و درک شود که زمان فرا رسد. برای انجام آن وارد شد.

به نوبه خود این رؤیا را مخفی نگه دارید، زیرا مربوط به زمانهای دور است -ب-26

در واقع، از زمان دانیال و زمان ما، تقریباً 26 قرن گذشته است. و بنابراین ما خود را در زمان که کلید Dan.9 پایان می‌یابیم که این راز باید روشن شود. این کار انجام خواهد شد، اما نه قبل از مطالعه اساسی برای انجام محاسبات پیشنهادی را فراهم می‌کند.

دانیال 8:27 من، دانیال، روزهای زیادی در حال کسالت و بیماری بودم. سپس برخاستم و به امور شاه پرداختم. من از این رؤیا شگفت زده شدم و هیچ کس از آن خبر نداشت.

این جزئیات که مربوط به سلامتی دانیال است شخصی نیست. این برای ما اهمیت فوق‌العاده -a-27 دریافت اطلاعات از خدا در مورد 2300 شب-صبح پیشگویی شده را برای ما بیان می‌کند. زیرا همانطور که بیماری می‌تواند منجر به مرگ شود، ناآگاهی از معما آخرین مسیحیان را که در زمان پایان زندگی خواهند کرد به مرگ روحانی ابدی محکوم خواهد کرد.

دانیال 9

دان 9:1 در سال اول داریوش پسر آهشورش از نژاد مادها که پادشاه پادشاهی کلدانیان شد

طبق شهادت شاهد عینی دانیال، بنابراین غیرقابل انکار، می‌آموزیم که داریوش پادشاه دان. 1a- 5:30 پسر آهشورش از نژاد مادها است. پادشاه ایرانی کوروش 2 بنابراین هنوز جایگزین او نشده است. سال اول سلطنت او سالی بود که بابل را فتح کرد و بدین ترتیب آن را از کلدانیان گرفت.

دان 9:2 در سال اول سلطنت او، من، دانیال، در کتابها دیدم که هفتاد سال برای خرابه‌های اورشلیم می‌گذرد، به تعداد سال‌هایی که خداوند به ارمیا پیامبر گفته بود. اشاره دانیال به نوشته‌های نبوی ارمیا نبی است. او نمونه‌ای زیبا از ایمان و توکل را به ما می‌آموزد. 2- دهد که بندگان خدا را در زیر نظر او متحد می‌کند. بنابراین او این سخنان اول قرن‌نیم 14: 32 را تأیید می‌کند: ارواح انبیا تابع انبیا هستند. دانیال بیشتر 70 سال را که درباره تبعید قوم عبری پیشگویی کرده بود، در بابل زندگی کرد. او همچنین به موضوع بازگشت خود به اسرائیل علاقه مند است که به گفته او باید کاملاً نزدیک باشد. برای دریافت پاسخ از خداوند دعای باشکوهی را مطرح می‌کند که ما قصد داریم آن را مطالعه کنیم.

دعای نمونه ایمان یک قدیس

اولین درس از این فصل 9 دانیال این است که بفهمیم چرا خدا خواسته است که در این قسمت از کتاب دانیال ظاهر شود.

از طریق اعلام نبوی گناهکاران از بین رفته، تأیید شد که یهودیان قوم اسرائیل Dan.8:23 در بار دیگر توسط رومیان در سال 70 محکوم و توسط آتش نابود شدند، به دلیل همه چیزهایی که دانیال می‌رود تا در کتاب خود اعتراف کند. دعا حال این اسرائیل در اولین اتحاد با خدای زنده از ابراهیم تا 12 حواری و شاگردان عیسی مسیح که خود یهودی بود چه کسی بود؟ فقط یک نمونه از کل بشریت، زیرا از زمان آدم، مردان غیر از رنگ پوستشان که از خیلی روشن تا خیلی تیره متغیر است، یکسان بوده‌اند. اما از هر نژاد، قومیت، چیزهایی که به طور ژنتیکی از پدر و مادر به پسران و دختران منتقل شده‌اند، رفتار ذهنی آنها یکسان است. بر اساس اصل کردن برگ‌های گل مروارید، "من تو را دوست دارم، کمی، بسیار، عاشقانه، دیوانه وار، اصلاً"، مردان این طیف از احساسات را نسبت به خدای زنده خالق همه چیز بازتولید می‌کنند، زمانی که او آن را کشف می‌کند. وجود داشتن. همچنین، قاضی بزرگ در میان کسانی که ادعا می‌کنند از او هستند، افراد مومنی را می‌بیند که او را دوست دارند و از او اطاعت می‌کنند، دیگرانی را می‌بیند که او را دوست دارند، اما از او سرپیچی می‌کنند، دیگرانی را می‌بیند که دین خود را بی‌تفاوت می‌گذرانند، و دیگرانی را می‌بیند که دین خود را با بی‌اعتنایی می‌گذرانند. دلی سخت و تیز که آنها را متعصب می‌کند و در نهایت تضاد و حتی کمتر سرزنش را تحمل نمی‌کنند و از کشتن حریف غیرقابل تحمل حمایت می‌کنند. این رفتارها در میان یهودیان دیده می‌شد، همانطور که هنوز هم در بین مردان در سراسر سیاره زمین و در همه ادیانی که با این حال برابر نیستند، دیده می‌شود.

دعای دانیال می‌آید که شما را زیر سوال ببرد، خودتان را در کدام یک از این رفتارها می‌شناسید؟ اگر کسی نیست که خدا را دوست دارد و از او اطاعت می‌کند تا گواهی بر وفاداری او باشد، تصور خود را از ایمان زیر سوال ببرید. توبه کنید و ثمره توبه خالصانه و واقعی را به خدا بدهید، همانطور که دانیال انجام خواهد داد.

دلیل دوم حضور این دعا در این باب 9 این است که علت آخرین نابودی اسرائیل در سال 70 توسط رومیان در آنجا درمان و توسعه یافته است: اولین آمدن مسیحا بر روی زمین انسانها. و رهبران دینی با رد این مسیحی که تنها ایراداتش کمال کارهایش بود که آنها را محکوم می‌کرد، مردم را بر ضد او برانگیختند، با اتهامات تهمت آمیز که همگی برچیده شده و با حقایق در تضاد بود. بنابراین آنها اتهام‌هایی خود را بر اساس یک حقیقت الهی قرار دادند و او را که مردی بود متهم کردند که ادعا می‌کند پسر خداست. روح این رهبران دینی مانند زغال آتش سوزی سیاه بود که در زمان خشم صالح آنها را می‌سوزاند. اما بزرگترین تقصیر یهودیان این نبود که او را کشتند، بلکه در نشناختن او پس از رستاخیز الهی بود. آنها در مواجهه با معجزات و اعمال نیکی که دوازده رسول او انجام دادند، خود را مانند فرعون در زمان او سخت کردند و با کشتن استفان شماس وفادار که این بار بدون توسل به رومیان، خود را سنگسار کردند، به این امر شهادت دادند.

دلیل سوم این دعا این است که در پایان یک تجربه طولانی در رابطه با خدا، نقش آخرین مشاهده غم انگیز را بر عهده می‌گیرد. یک شهادت، نوعی وصیت نامه که اتحاد یهودیان برای بقیه بشریت به جا گذاشته است. زیرا در این تبعید به بابل است که تظاهرات آماده شده توسط خدا متوقف می‌شود. درست است که یهودیان به خاک ملی خود باز خواهند گشت و برای مدتی خداوند مورد تکریم و

اطاعت قرار خواهد گرفت، اما وفاداری به سرعت ناپدید خواهد شد، تا جایی که بقای آنها تنها به عنوان آخرین آزمایش ایمان آنها بر اساس اول قابل توجیه است. آمدن مسیح، زیرا او باید پسر اسرائیل، یهودی در میان یهودیان باشد.

دلیل چهارم این دعا بر این است که عیوب بیان شده و اعتراف شده همگی توسط مسیحیان در عصر خود، از ترک سبت در 7 مارس 321 تا زمان ما، انجام و تجدید شده است. آخرین مؤسسه رسمی که از سال 1873 و به طور جداگانه از سال 1844 برکت یافته است، از لعنت زمان در امان نمانده است، زیرا عیسی آن را در سال 1994 استفرغ کرد. مطالعه آخرین فصل‌های دانیال و کتاب مکاشفه، این تاریخ‌ها و آخرین اسرار را توضیح می‌دهد. حالا بیایید با دقت به صحبت‌های دانیال با خدای متعال گوش کنیم.

دان 9:3 روی خود را به سوی خداوند یهوه معطوف کردم تا به دعا و نیایش و روزه و گرفتن گونی و خاکستر روی بیآورم.

دانیال اکنون پیر شده است، اما ایمانش ضعیف نمی‌شود و ارتباط او با خدا حفظ، تغذیه و حفظ الف-3 می‌شود. در مورد او، قلب او عمیقاً صادق است، روزه، گونی و خاکستر معنای واقعی دارد. این اعمال نشان دهنده قدرت میل فرد به شنیده شدن و اعطای خداوند است. روزه نشان دهنده برتری اجابت خداوند نسبت به لذت‌های غذا خوردن است. در این رویکرد این ایده وجود دارد که به خدا بگوییم من دیگر نمی‌خواهم بدون پاسخ تو زندگی کنم، بدون اینکه تا آنجا پیش بروم که خودکشی کنم.

دان 9:4 به خداوند، خدای خود دعا کردم و به او اعتراف کردم: خداوند، ای خدای بزرگ و مهیب، که عهد تو را نگاه می‌دارد و به کسانی که تو را دوست دارند و احکام تو را نگاه می‌دارند، رحم می‌کند.

پروردگارا، خدای بزرگ و مهیب الف-4

اسرائیل در تبعید در بابل است و برای آموختن اینکه خدا بزرگ و مهیب است، پول پرداخت کرده است.

ای که به عهد خود وفا می‌کنید و به کسانی که شما را دوست دارند و احکام شما را نگاه می‌ب-4 دارند رحم می‌کنید!

دانیال نشان می‌دهد که خدا را می‌شناسد زیرا استدلال‌های خود را از متن دوم از ده فرمان خدا استخراج می‌کند که کاتولیک‌های بدبخت در طول قرن‌های تاریکی آن را نمی‌دانند، زیرا به‌طور حاکمیتی، پاپ ابتکار عمل حذف آن را از او گرفت. نسخه ده فرمان، زیرا فرمانی با تمرکز بر جسم اضافه شد تا عدد ده باشد. یک نمونه خوب از گستاخی و فریب که در فصل قبل تقبیح شد.

دان 9:5 ما گناه کرده‌ایم، گناه کرده‌ایم، شریر و سرکش بوده‌ایم، از احکام و احکام تو رویگردان شده‌ایم ما نمی‌توانیم درست‌تر و واضح‌تر بگوییم، زیرا این عیوب است که اسرائیل را به تبعید سوق الف-5 داد، جز اینکه دانیال و سه تن از همراهانش در این نوع تقصیر مقصر نبودند. این مانع از آن نمی‌شود که از آرمان قوم خود دفاع کند و بار گناه خود را با خود حمل کند.

در آن زمان است که ما باید در سال 2021 متوجه شویم که ما نیز مسیحیان، به همان خدایی تغییر نمی‌کنیم: زیرا من خداوند هستم، من تغییر نمی‌کنم Mal.3:6 خدمت می‌کنیم که طبق اعلامیه او در کنم. و شما ای فرزندان یعقوب هلاک نشده اید. گفتن "هنوز مصرف نشده" مناسب است. زیرا از زمانی که ملاکی این کلمات را نوشت، مسیح ظاهر شد، فرزندان یعقوب او را رد کردند و او را به قتل رساندند، و مطابق با کلمه ای که در دان.8:23 پیشگویی شده بود، سرانجام در سال 70 توسط رومیان هلاک شدند. و اگر خدا تغییر نکند، این بدان معنی است که مسیحیان بی وفا که از احکام او، از جمله، اول از همه، سبت مقدس تخطی می‌کنند، حتی سخت‌تر از عبرانیان و یهودیان ملی در زمان خود ضربه خواهند خورد.

دان 9:6 ما به بندگان تو، انبیاء، که به نام تو با پادشاهان ما، به سروران ما، به پدران ما و به تمام مردم زمین سخن گفتند، گوش ندادیم.

درست است که عبرانیان در این کارها مقصرند، اما در مورد مسیحیانی که حتی در آخرین الف-6 مؤسسه ای که او تأسیس کرده است، مرتکب همان اعمال شده اند، چه می‌توان گفت؟

دان 9:7 ای خداوند عدالت از آن توست و در این روز از آن ما شرم است برای مردان یهودا و ساکنان اورشلیم و برای تمامی اسرائیل، اعم از نزدیکان و دور، در تمام کشورهای که آنها را به دلیل بی وفایی که آنها نسبت به شما گناهکار بودند تعقیب کردید.

مجازات اسرائیل وحشتناک بود، کشته‌های زیادی داشت و فقط بازماندگان این شانس را داشتند الف-7 که به بابل تبعید شوند و از آنجا در کشورهای امپراتوری کلدانی و امپراتوری پارسی که جانشین او شد پراکنده شوند. ملت یهود در سرزمین‌های بیگانه منحل شده است و با این حال، طبق وعده خود، خداوند به زودی یهودیان را در خاک ملی خود، سرزمین پدرانشان، متحد خواهد کرد. این خدای زنده چه قدرت و قدرتی دارد! دانیال در دعای خود تمام توبه‌ای را که این افراد باید قبل از بازگشت به سرزمین مقدس خود نشان دهند، بیان می‌کند، اما فقط زمانی که خدا در کنار آنها باشد.

دانیال اعتراف می‌کند که خیانت یهودیان توسط خدا مجازات شده است، اما پس چه مجازاتی برای مسیحیان که همین کار را می‌کنند؟ تبعید یا مرگ؟

دان 9:8 خداوند، شرم ما و پادشاهان ما و امیران و پدران ماست، زیرا به تو گناه کرده ایم کلمه هولناک، کلمه گناه استناد شده است. چه کسی می‌تواند به گناهی که باعث چنین رنج الف-8 بزرگی می‌شود پایان دهد؟ این فصل پاسخ را خواهد داد. درسی که ارزش آموختن و یادآوری را دارد: اسرائیل از پیامدهای انتخاب و رفتار پادشاهان، رهبران و پدران حاکم بر آن متحمل شد. بنابراین در اینجا مثالی است که در آن نافرمانی از رهبران فاسد می‌تواند تشویق شود تا در برکت خداوند باقی بماند. این انتخابی است که دانیال و سه همراهش انجام دادند و از این بابت مبارک هستند.

دان 9:9 با یهوه خدای ما رحمت و آمرزش باد، زیرا ما از او نافرمانی کرده‌ایم در شرایط گناه تنها یک امید باقی می‌ماند. به خدای مهربان و مهربان توکل کن تا او را ببخشد. الف-10 این روند همیشگی است، یهودیان اتحاد قدیم و مسیحیان جدید همان نیاز به بخشش دارند. در اینجا دوباره خداوند در حال آماده کردن پاسخی است که باید برای آن هزینه گزافی بپردازد.

دان 9:10 ما صدای یهوه خدای خود را اطاعت نکردیم تا از قوانین او پیروی کنیم که او توسط بندگان خود، انبیاء، پیش روی ما قرار داده است.

در سال 2021 مسیحیان نیز چنین است الف-10

دان 9:11 تمامی اسرائیل از شریعت تو تجاوز کرده و از شنیدن صدای تو رویگردان شده‌اند. سپس لعن‌ها و اهانت‌هایی که در شریعت موسی بنده خدا نوشته شده است بر ما ریخته شد، زیرا ما به خدا گناه کرده ایم.

در شریعت موسی، خداوند اسرائیل را از نافرمانی برحذر داشت. اما پس از او، حزقیال نبی الف-11 معاصر دانیال، 13 سال پس از دانیال تبعید شد، یعنی 5 سال پس از آن که یهوایکین پادشاه، برادر یهوایقیم، که جانشین او شد، خود را در رودخانه چبار که بین دجله و دجله قرار دارد، اسیر یافت. فرات در آنجا خدا به او الهام کرد و او را وادار کرد تا پیام‌هایی را بنویسد که امروزه در کتاب مقدس خود می‌است که ما مجموعه‌ای از مجازات‌ها را می‌یابیم که الگوی آن‌ها به لحاظ معنوی، اما Ezé.26 یابیم. و در نه تنها، در هفت شیپور آخرالزمان در مکاشفه 8 و 9 اعمال می‌شود. این شباهت شگفت‌انگیز تأیید می‌کند که خدا واقعاً تغییر نمی‌کند. گناهان در عهد جدید مانند گذشته مجازات می‌شوند.

دان 9:12 او سخنانی را که بر ضد ما و حاکمان ما که بر ما حکومت می‌کردند، به انجام رساند و مصیبت بزرگی را بر ما وارد کرد که هرگز در تمام آسمان اتفاق نیفتاده است، کسی که به اورشلیم رسید خداوند تضعیف نشده است، او اعلامیه‌های خود را مبنی بر برکت یا نفرین با همان مراقبت الف-12 انجام می‌دهد، و "مصیبت" که بر قوم دانیال آمد، برای هشدار دادن به ملت‌هایی است که این چیزها را می‌آموزند. اما ما چه می‌بینیم؟ با وجود شهادت نوشته شده در کتاب مقدس، این درس حتی توسط کسانی که آن را می‌خوانند نادیده گرفته می‌شود. این پیام را به خاطر بسپار: خداوند برای یهودیان و بعد از آنها برای مسیحیان دو مصیبت بزرگ دیگر را آماده می‌کند که در ادامه کتاب دانیال نازل خواهد شد.

همانطور که در شریعت موسی نوشته شده است، همه این مصیبت بر سر ما آمده است. و **Dan 9:13** خداوند، خدای خود را دعا نکرده‌ایم، و از گناهان خود روی گردانیده‌ایم، و به حقیقت تو اعتنا نکرده‌ایم.

تحقیر مطالبی که خداوند در انجیل نوشته است همیشگی است، در سال 2021 مسیحیان نیز الف-13 مقصر این تقصیر هستند و معتقدند که خداوند با آنها مخالفت نخواهد کرد. آنها از گناهان خود دور نمی‌

شوند و بیشتر به حقیقت کتاب مقدس توجه نمی کنند، اما برای زمان آخر ما بسیار مهم است، حقیقت نبوی آن به شدت و قابل درک آشکار شده است، زیرا کلیدهای درک در خود کتاب مقدس است.

Dan 9:14 خداوند از این مصیبت مراقبت کرده و آن را بر سر ما آورده است. زیرا بیهوشی ما در **Dan 9:14** هر کاری که انجام داده عادل است، اما ما صدای او را اطاعت نکردیم.

دیگر چه بگوییم؟ در حقیقت! اما خوب بدانید که مصیبتی بسیار بزرگتر از سوی خداوند برای الف-14 بشریت امروزی و به همین دلیل آماده شده است. بین سال‌های 2021 و 2030، به شکل یک جنگ است. Rev.9:15 هسته‌ای رخ خواهد داد که مأموریت الهی آن کشتن یک سوم انسان‌ها بر اساس

Dan 9:15 و اکنون، ای خداوند، خدای ما، که قوم خود را به دست نیرومند خود از سرزمین مصر بیرون آوردی، و نام تو را به این صورت امروزی ساختی، ما گناه کرده‌ایم، مرتکب گناه شده‌ایم

دانیال به ما یادآوری می کند که چرا بی ایمانی توسط خدا محکوم است. بر روی زمین، وجود الف-15 قوم یهود به دلیل یک قدرت ماوراء طبیعی، یعنی خروج قوم عبری از مصر، گواه این واقعیت خارق العاده است. کل داستان آنها بر اساس این واقعیت معجزه آسا است. ما فرصتی برای شاهد این مهاجرت نداریم، اما هیچکس نمی تواند انکار کند که فرزندان این تجربه هنوز در میان ما هستند. و برای بهره برداری بهتر از این وجود، خداوند این افراد را در طول جنگ جهانی دوم به نفع نازی ها تحویل داد. بنابراین توجه بشریت به بازماندگانی معطوف شد که در سال 1948 در خاک سرزمین باستانی خود که از سال 70 از دست داده بودند اسکان داده شدند. خدا فقط سخنان پدرانمان را که به فرماندار رومی پونتئوس پیلاطس در مورد عیسی گفته بودند بر سر آنها گذاشت. برای رسیدن به مرگش نقل می کنم که خوش بر ما و فرزندانمان فرود آید. خداوند به آنها پاسخ داد. اما مسیحیان از همه فرقه‌ها این درس الهی را با شرمندگی نادیده گرفته‌اند، و ما می‌توانیم دلیل آن را درک کنیم، زیرا همه آنها نفرین خود را با هم شریک هستند. یهودیان مسیح را رد کردند، اما مسیحیان قوانین او را تحقیر کردند. بنابراین محکومیت خدا هر دو کاملاً موجه است.

خداوند، بر حسب رحمت عظیمت، خشم و غضب تو را از شهر تو اورشلیم، از کوه مقدست **Dan 9:16** دور ساز. زیرا اورشلیم و قوم تو بخاطر گناهان ما و گناهان پدرانمان مایه سرزنش همه اطرافیان ما هستند.

دانیال در اینجا استدلالی را مطرح می کند که موسی به خداوند ارائه کرده بود: مردمی که شاهد الف-16 عذاب قوم او هستند چه خواهند گفت؟ خدا از این مشکل آگاه است زیرا خودش به زبان پولس در رومیان 2:24 درباره یهودیان اعلام می کند: زیرا نام خدا به خاطر شما در میان غیریهودیان کفر گفته می شود، همانطور که نوشته شده است. او به متن حزاء اشاره می کند. 16:27: و اینک، من دست خود را بر تو دراز کرده ام، سهمی را که تو را تعیین کرده ام کم کرده ام، تو را به اراده دشمنانت، یعنی دختران، تسلیم کرده ام. فلسطینیانی که از رفتار جنایتکارانه شما شرم داشتند. دانیال در شفقت خود هنوز چیزهای زیادی درباره دآوری خدا در مورد شهرش اورشلیم برای یادگیری دارد. اما وقتی می‌گوید: «اورشلیم و قوم تو مایه‌ی سرزنش همه اطرافیان ما هستند» اشتباه نمی‌کند، زیرا اگر مجازات اسرائیل در مشرکان ترسی نجات‌بخش و میل به خدمت به این خدای واقعی ایجاد می‌کرد، مجازات می‌شد. علاقه واقعی داشت اما این تجربه غم انگیز ثمره کمی داشت، نه ناچیز، زیرا ما آن را مدیون تغییر دین نبوکدنصر پادشاه و داریوش پادشاه ماد هستیم.

Dan 9:17 پس ای خدای ما دعا و نیایش بنده خود را بشنو و به خاطر خداوند چهره خود را بر عبادتگاه متروک خود بتابان.

آنچه دانیال درخواست می‌کند برآورده می‌شود، اما نه به این دلیل که خدا او را دوست دارد، 17a- بلکه صرفاً به این دلیل که بازگشت به اسرائیل و بازسازی معبد در پروژه اوست. با این حال، دانیال غافل است که معبد، که در واقع بازسازی خواهد شد، دوباره در سال 70 توسط رومیان ویران خواهد شد. به همین دلیل است که اطلاعاتی که او در این فصل 9 دریافت خواهد کرد، او را از اهمیت بسیار یهودی که هنوز به معبد سنگی ساخته شده در اورشلیم می دهد، درمان می کند. معبد جسم مسیح به زودی آن را بیهوده خواهد کرد و به همین دلیل دوباره در سال 70 توسط ارتش روم ویران خواهد شد.

Dan 9:18 خدای من، گوش کن و گوش کن! چشمانت را باز کن و به خرابه های ما بنگر، به شهری که نام تو بر آن خوانده شده است نگاه کن! زیرا به خاطر عدالت ما نیست که دعاهای خود را به شما تقدیم می کنیم، بلکه به خاطر رحمت عظیم شماست.

درست است که خداوند اورشلیم را انتخاب کرده بود تا با حضور باشکوه خود آن را به مکانی الف-18 تقدیس کند. اما این مکان تنها زمانی مقدس است که خدا در آنجا ایستاده باشد، و از سال 586، دیگر چنین نبود. و برعکس، ویرانه‌های اورشلیم و معبد آن گواهی بر بی‌طرفی عدالت او بود. این درس برای انسان ضروری بود که به خدای واقعی به عنوان موجود زنده ای نگاه کنند که می‌بیند، قضاوت می‌کند و واکنش نشان می‌دهد، بر خلاف خدایان بت پرست بت پرست که فقط با فرشتگان بد اردوگاه شیطان ارتباط دارند. انسان مؤمن خدا را بندگی می‌کند اما انسان بی وفا از خدا استفاده می‌کند تا به اطرافیانش مشروعت دینی بدهد. شفقت خدا که دانیال به آن متوسل می‌شود واقعی است و او به زودی زیباترین

دان 9:19 خداوندا، گوش کن! پروردگارا، ببخش! پروردگارا، توجه کن! به عشق تو عمل کن و معطل مکن، خدای من! زیرا نام تو بر شهر و قوم تو خوانده می‌شود.

سن بالای دانیال اصرار او را توجیه می‌کند، زیرا مانند موسی، عزیزترین آرزوی شخصی او الف-19 این است که بتواند این بازگشت به سرزمین «مقدس» خود را تجربه کند. او آرزو دارد که شاهد بازسازی معبد مقدس باشد که بار دیگر برای خدا و اسرائیل جلال به ارمغان خواهد آورد.

با این حال، من صحبت کردم و دعا کردم و به گناه خود و قوم خود اسرائیل اعتراف کردم و **Dan 9:20** برای کوه مقدس خدای خود به خداوند خدای خود تضرع کردم.

تعجبی ندارد که خداوند دانیال را دوست دارد، این الگوی فروتنی است که او را مسحور می‌کند الف-20 و ملاک قداست را که او می‌خواهد برآورده می‌کند. هر انسان تا زمانی که در بدنی از بدن زندگی می‌کند خطابپذیر است و دانیال نیز از این قاعده مستثنی نیست. او به گناهان خود اعتراف می‌کند، همانطور که همه ما باید از ضعف شدید خود آگاه باشیم. اما ویژگی معنوی شخصی او نمی‌تواند گناه مردم را بپوشاند، زیرا او فقط یک مرد است و خودش ناقص است. راه حل از جانب خدا در عیسی مسیح خواهد آمد.

دان 9:21 هنوز در حال دعا بودم که جبرئیل که قبلاً او را در رؤیا دیده بودم، در هنگام قربانی شام به سمت من پرواز کرد.

زمانی که خداوند برای دیدار جبرئیل انتخاب کرده است، زمان قربانی شام است، یعنی قربانی الف-21 دائمی بره ای که غروب و صبح، قربانی داوطلبانه آینده بدن کاملاً مقدس و بی گناه عیسی مسیح را پیشگویی می‌کند. او برای کفاره گناهان تنها برگزیدگانش که تنها قوم واقعی او را تشکیل می‌دهند. مصلوب خواهد مرد. بنابراین پیوند با مکاشفه ای که در زیر به دانیال داده خواهد شد، برقرار است.

پایان دعا: اجابت خداوند

دان 9:22 او به من تعلیم داد و با من صحبت کرد. او به من گفت: دانیال، من اکنون آمده‌ام تا درک تو را بیاز کنم.

تعبیر عقل خود را باز کن به این معناست که تا آن زمان هوش بسته بود. فرشته در مورد نقشه الف-22 نجات خدا صحبت می‌کند که تا زمان ملاقات او با پیامبر برگزیده خدا پنهان بود.

هنگامی که شما شروع به دعا کردید، سخن شنیده شد و من آمده‌ام تا به شما بگویم. زیرا **Dan 9:23** / شما محبوب هستید به کلمه توجه کنید و بینش را درک کنید!

چون شروع به دعا کردی، کلمه آمد الف-23

خدای آسمان همه چیز را سازماندهی کرده بود، لحظه ملاقات در ساعت جاودان و جبرئیل فرشته مسیح را با "کلمه" تعیین می‌کند همانطور که یوحنا در ابتدای انجیل خود انجام خواهد داد: کلمه جسم شد. فرشته می‌آید تا به او «کلمه» را بشارت دهد، به این معنی که او می‌آید تا آمدن مسیح را که از موسی بر اساس تثنیه 18: 15 تا 19 پیشگویی شده بود، به او اعلام کند: خداوند، خدای شما، شما را از میان شما برمی‌دارد. در میان برادران شما، پیامبری مانند من: به او گوش خواهید داد! او به درخواستی که در روز جماعت از یهوه خدایت در حوریب کردی پاسخ خواهد داد، زیرا گفتی: دیگر صدای یهوه خدای خود را نشنوم و دیگر این آتش بزرگ را نبینم. تا نمرود خداوند به من گفت: آنچه آنها گفته اند خوب است. من از میان برادرانشان برخواهم آورد پیامبری مانند تو سخنان خود را در دهان او خواهم گذاشت و هر چه به او امر کنم با آنها خواهد گفت. و اگر کسی به سخنان من که به نام من

می‌گوید گوش ندهد، او را بازخواست خواهیم کرد. اما پیامبری که جسارت داشته باشد به نام من سخنی را بگوید که من به او دستور نداده‌ام یا به نام خدایان دیگر بگوید، آن پیامبر مجازات می‌شود.

این متن برای درک گناه یهودیان در امتناع آنها از مسیح عیسی بنیادی است، زیرا او تمام معیارهای پیشگویی شده در مورد آمدن خود را برآورده کرد. عیسی که در میان مردم و ناقل کلام الهی گرفته شد، با این توصیف مطابقت داشت و معجزاتی که انجام داد گواهی بر عمل الهی بود.

زیرا شما یک معشوق هستید ب-23

چرا خدا دانیال را دوست دارد؟ خیلی ساده به این دلیل که دانیال او را دوست دارد. عشق به این دلیل است که خداوند زندگی را برای موجودات آزاد در مقابل خود آفرید. این نیاز او به عشق است که بهای بسیار بالایی را که برای به دست آوردن آن از برخی از موجودات زمینی انسانی خود باید پردازد، توجیه کرده است. و به بهای مرگش که باید پردازد، کسانی را که انتخاب خواهد کرد یاران ابدی او خواهند شد.

ب- کلمه توجه کن، و بینایی را درک کن ج-23

کدام کلمه است، کلمه فرشته یا "کلام" الهی که در مسیح پنهان شده است؟ آنچه مسلم است این است که هر دو ممکن و مکمل هستند، زیرا این رؤیا مربوط به «کلمه» خواهد بود که در عیسی مسیح در جسم خواهد آمد. بنابراین درک پیام از اهمیت بالایی برخوردار است.

پیشگویی 70 هفته

دان 9:24 هفتاد هفته برای قوم تو و شهر مقدس تو مقرر شده است تا جلوی گناهان را بگیرند و گناهان را پایان دهند، تا گناهان را کفاره بدهند و عدالت ابدی را بیاورند، روی رؤیا و نبی را مهر کنند و مسح کنند. مقدس مقدسات

هفتاد هفته از قوم تو و شهر مقدس تو قطع شده است الف-24

به معنای اول به معنای بریدن یا بریدن است. و فقط به صورت مجازی، «hatac» فعل عبری «تعیین یا اصلاح کردن». من معنای اول را حفظ می‌کنم، زیرا این عمل ابراهیم را که اتحاد خود را با خدا از طریق قربانی مشخص می‌کند، در پیدایش 15:10 معنی می‌دهد: ابرام همه این حیوانات را گرفت، آنها را از وسط برید و هر قطعه را یکی به سمت آن قرار داد. دیگری؛ اما او پرنندگان را تقسیم نکرد. این آیین نشان دهنده اتحاد خدا و بنده اش بود. به همین دلیل است که این فعل «قطع کردن» معنای کامل خود را در «اتحاد با بسیاری برای یک هفته» در آیه 27 به خود می‌گیرد. ابتدا ارائه شد. علاقه دوم قطع می‌دان.8:14 "این فعل قطع این است که 70 هفته از سال این فصل 9 در "2300 عصر-صبح شود. و از این گاهشماری درسی بیرون می‌آید که ایمان مسیحی را بر ایمان یهودی مقدم می‌دارد. به این ترتیب، خدا به ما می‌آموزد که در عیسی مسیح جان خود را می‌دهد تا آن را به عنوان رستگاری برای هر مؤمنی که شایسته نجات او در تمام بشریت است، تقدیم کند. زمانی که عیسی خون خود را برای شکستن عهد جدید خود با برگزیدگان کل زمین ریخت، عهد قدیمی ناپدید شد.

هدف کتاب دانیال آموزش این رستگاری جهانی با ارائه تغییر دین پادشاهان معاصر دانیال است. نبوکدنصر، داریوش مادها و کوروش پارسی

این پیام یک هشدار جدی است که قوم یهود و شهر مقدس آنها اورشلیم را تهدید می‌کند که به یک روز را برای یک سال نشان می‌دهد Ezé.4:5-6 آنها 70 هفته مهلت داده شده است. در اینجا دوباره کد دهد که مدت آن در تمام 490 سال است. دانیال باید در درک معنای تهدید علیه شهر خود که در حال حاضر ویران شده است مشکل داشته باشد.

جلوی تجاوزات و پایان دادن به گناهان ب-24

تصور کنید که دانیال با شنیدن این چیزها چه چیزی در ذهنش می‌گذرد، در حالی که او به تازگی خدا را برای بخشش گناهان خود و قومش دعا کرده بود. او به سرعت متوجه خواهد شد که چیست. اما ما خودمان به خوبی نیاز الهی بیان شده را درک می‌کنیم. خدا می‌خواهد از برگزیدگان خود نجات دهد، آنها دیگر گناه نکنند، و به تخلفات خود از قوانین او پایان دهند و بدین ترتیب به گناهان پایان دهند، مطابق آنچه که یوحنا رسول در اول یوحنا 3 نوشته است: 4: هر که گناه کند از شریعت تجاوز کرده است و گناه تخطی از شریعت است. این هدف برای مردانی است که باید با طبیعت شیطانی خود مبارزه کنند تا دیگر گناه نکنند.

کفاره گناه و آوردن عدالت ابدی ج-24

برای دانیال یهودی، این پیام مناسک «روز کفاره» را تداعی می‌کند، یک جشن سالانه که در Dan.8 آن حذف گناهان را از طریق قربانی یک بز جشن می‌گیریم. این نماد معمولی گناه، یونان را در نشان می‌داد. اما مرگ بز چگونه می‌تواند گناهان را از بین ببرد در صورتی که مرگ سایر حیواناتی که در طول سال قربانی شده اند موفق به از بین بردن آنها نشده است؟ پاسخ این معضل در عبرانیان 10: 3 تا 7 آمده است: اما یاد گناهان هر سال با این قربانی‌ها تجدید می‌شود. زیرا محال است که خون گاو و بز گناهان را بزدايد. بنابراین مسیح با ورود به جهان گفت: قربانی و قربانی نمی‌خواهی، بلکه بدنی برای من ساخته‌ای. شما قربانی‌های سوختنی یا قربانی‌های گناه را نپذیرفته‌اید. سپس گفتیم: اینک من آمده‌ام (در طومار کتاب از من سخن می‌گویند) تا انجام دهم. خدایا اراده‌ات توضیحات پولس رسول بسیار واضح و منطقی است. نتیجه این است که خداوند در عیسی مسیح، کار کفاره گناهانی را که فرشته جبرئیل به دانیال اعلام کرده بود، برای خود ذخیره کرده است. اما عیسی مسیح در این آیین «روز کفاره» کجا بود؟ بی‌گناهی کامل شخصی او که به طور نمادین او را بره عید فطر خدا می‌کند که گناهان جهان را می‌برد، از گناهان برگزیدگان خود مراقبت کرد که نماد آن بز آیین کفاره است. بره توسط بز پنهان شد تا بره برای بزی که از او مراقبت کرده بود بمیرد. با پذیرش مرگ او بر روی صلیب برای کفاره گناهان برگزیدگانش، گناهانی که او مسئول آن بود، در مسیح، خدا زیباترین دلیل عشق خود را به آنها داد.

و عدالت ابدی را بیاورید -24d

این عاقبت مبارک مرگ مسیح ناجی است. این عدالتی که انسان، از زمان آدم، قادر به ایجاد آن نبود، به برگزیدگان نسبت داده می‌شود تا از طریق ایمان آنها به این نمایش عشق الهی، با فیض خالص، عدالت کامل عیسی مسیح در ابتدا تا زمان جنگ به آنها نسبت داده شود. ایمان بر گناه غلبه می‌کند و هنگامی که این به طور کامل ناپدید می‌شود، گفته می‌شود که عدالت مسیح صادر می‌شود. شاگرد شبیه استادش می‌شود. بر این مبانی اعتقادی است که ایمان رسولان عیسی ساخته شد. قبل از اینکه زمان و قدرت‌های تاریک آنها را متحول کنند، بنابراین مسیر باریکی را که عیسی مسیح تعلیم داده است، گسترش دهند. این عدالت فقط برای برگزیدگان وفادار، کسانی که در اطاعت از خواسته‌های عادلانه خدا می‌شنوند و پاسخ می‌دهند، جاودانه خواهد بود.

مهر روی رؤیا و نبی -24

یا این که رؤیت با ظهور پیامبر اعلام شده محقق شود. فعل مُهر کنایه از مهر خداست که بدین ترتیب به نبوت و پیامبری که خود را حجت و مشروعیت کامل و مسلم الهی می‌دهد می‌دهد. کاری که در شرف انجام است با مهر ملکوتی آن مُهر شده است. عدد نمادین این مهر "هفت: 7" است. همچنین بیانگر کاملی است که ماهیت خدای خالق و روح او را مشخص می‌کند. اساس این انتخاب ساخت پروژه او در طول هفت هزار سال است و به همین دلیل زمان را مانند هفت هزار سال به هفته‌های هفت روزه تقسیم کرد. بنابراین، پیشگویی 70 هفته، به عدد (7)، مهر خدای زنده در مکاشفه 7، نقش می‌بخشد. آیات بعدی اهمیت این عدد «7» را تأیید می‌کند.

و مسح قدوس القدس -24f

این مسح روح القدس است که عیسی در زمان تعمید خود دریافت خواهد کرد. اما بیاید اشتباه نکنیم، کیوتوری که از بهشت بر او فرود آمد تنها یک هدف داشت، آن هم متقاعد کردن یوحنا که عیسی واقعاً مسیح اعلام شده است. بهشت بر او شهادت می‌دهد. در روی زمین، عیسی همیشه مسیح بود و در قالب سؤالات منتخب از کاهنان، تدریس او در کنیسه در سن 12 سالگی گواه این امر است. برای قومش که در میان آنها به دنیا آمد و بزرگ شد، مأموریت رسمی او این بود که از غسل تعمیدش در پاییز سال 26 آغاز شود و در بهار سال 30 جان خود را از دست بدهد. عنوان مقدس مقدس مشخص می‌کند. با وقار، زیرا او خدای زنده‌ای را که در زمان موسی عبرانیان را به وحشت انداخت، به شکل جسم تجسم می‌بخشد. اما قدس زنده نمادی مادی بر روی زمین داشت. مقدس‌ترین مکان یا مکان مقدس معبد اورشلیم. این نمادی از بهشت بود، این بعد برای بشریت در جایی که خدا و فرشتگانش ایستاده‌اند غیر قابل دسترس است. مقر داور الهی و محل تاج و تخت خود، خدا به عنوان قاضی منتظر خون مسیح بود تا بخشش گناهان برگزیدگانی را که در طول 6 هزاره تعیین شده برای این انتخاب انتخاب شده بودند، تأیید کند. مرگ عیسی بدین ترتیب، «عید کفاره» نهایی را به پایان رساند. بخشش حاصل شده و قربانی

های باستانی مورد تایید خداوند همگی تایید شده اند. مسح قدس در روز کفاره با پاشیدن خون بز کشته شده بر کرسی رحمت انجام شد، قربانگاهی که در بالای کشتی قرار داده شده بود که حاوی احکام نقض شده خدا بود. برای این اقدام، سالی یک بار، به کاهن اعظم اجازه داده شد تا از پرده جدایی، به مقدس ترین مکان نفوذ کند. بنابراین پس از رستاخیز، عیسی کفاره خون خود را به بهشت آورد تا سلطه را دریافت کند، مشروعیت نجات برگزیدگان خود را با انتساب عدالت خود و حق محکوم کردن گناهکاران پشیمان کننده، از جمله فرشتگان شیطانی و رهبر آنها شیطان، شیطان. مقدس اقدس، که بهشت را نیز مشخص می‌کند، خونی که عیسی بر روی زمین ریخته است، در میکائیل به او اجازه می‌دهد تا شیطان و شیاطینش را از بهشت بیرون کند، چیزی که در مکاشفه 12:9 نازل شده است. بنابراین، خطای دینداران یهودی درک نکردن شخصیت نبوی «روز کفاره» سالانه بود. آنها به اشتباه معتقد بودند که خون حیوانی که در این جشن ارائه می‌شود می‌تواند معنای حیوان دیگری را که در طول سال ریخته می‌شود تأیید کند. انسان ساخته شده به صورت خدا؛ حیوان تولید شده توسط حیات زمینی، چگونه می‌توانیم برابری عیسی مسیح از آنجایی که خدا بود، خود روغن مسح روح القدس بود و در صعود به آسمان، مسح مشروعیت خود را که بر روی زمین به دست آورد، با خود می‌آورد.

کلید محاسبات

دان 9:25 پس بدانید و درک کنید! از زمانی که این کلمه اعلام کرد که اورشلیم دوباره ساخته می‌شود برای مسح شدگان، برای رهبر، هفت هفته و شصت و دو هفته پیش، اماکن و خندق‌ها بازسازی می‌شود، اما در زمان‌های دشوار

/پس این را بدانید و بفهمید الف-25

فرشته حق دارد که دانیال را به توجه دعوت کند زیرا به داده‌هایی می‌پردازد که نیاز به تمرکز معنوی و فکری زیادی دارد. زیرا محاسبات باید انجام شود

از زمانی که این کلمه اعلام شد که اورشلیم بازسازی می‌شود به مسح شدگان، به رهبر ب-25

این قسمت از آیه به تنهایی از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا هدف رؤیت را خلاصه می‌کند. خداوند به قوم خود که منتظر مسیح خود هستند این وسیله را می‌دهد که بدانند در چه سالی خود را به آنها معرفی خواهد کرد. و این لحظه‌ای که اعلام شد اورشلیم بازسازی خواهد شد، باید بر اساس مدت 490 سال پیشگویی تعیین شود. برای این فرمان بازسازی، در کتاب عزرا، سه فرمان ممکن را می‌یابیم که به ترتیب توسط سه پادشاه ایرانی: کوروش، داریوش و اردشیر دستور داده شده‌اند. به نظر می‌رسد که فرمانی که توسط آخرین در - 458 ایجاد شد، اوج 490 سال را در سال 26 عصر ما مجاز می‌سازد. بنابراین، این فرمان اردشیر است که باید با در نظر گرفتن فصلی که در آن نوشته شده است حفظ شود: او بابل را در روز اول ماه اول ترک کرد و در اورشلیم رسید. روز اول ماه Esd.7:9 بهار مطابق پنجم، دست نیک خدایش بر او باد. سال فرمان پادشاه در عزرا آمده است. 7:7: بسیاری از بنی اسرائیل، کاهنان و لاویان، آواز خوانان، دربانان و نتنبنیان نیز در سال هفتم اردشیر شاه به اورشلیم آمدند

خروج فرمان بهار است، روح برای پیشگویی خود هدف قرار می‌دهد، عید پاک بهاری که عیسی مسیح به صلیب کشیده شده در آن مرد. محاسبات ما را به این هدف می‌رساند

هفت هفته و شصت و دو هفته پیش، اماکن و خندق‌ها بازسازی می‌شود، اما در روزهای ج-25 سخت

ما در ابتدا 70 هفته فرصت داریم. فرشته 69 هفته را تداعی می‌کند. 7 + 62. 7 هفته اول در زمان بازیابی اورشلیم و معبد به اوج خود می‌رسد، در مواقعی ناگوار زیرا یهودیان تحت ناملایمات دائمی اعراب کار می‌کنند که برای اسکان در منطقه‌ای که به دلیل تبعید آنها آزاد شده بود، کار می‌کنند. این آیه از ننه 4: 17 وضعیت را به خوبی توصیف می‌کند: کسانی که دیوار را می‌ساختند، و کسانی که بارها را حمل می‌کردند یا بارها را بار می‌کردند، با یک دست کار می‌کردند و در دست دیگر سلاح می‌گرفتند. این یک جزئیات است که مشخص شده است، اما اصلی‌ترین آن در 70 هفته شمارش یافت می‌شود.

دان 9:26 و پس از شصت و دو هفته، مسح‌شدگان منقطع خواهند شد و جانشینی برای او نخواهد داشت. قوم فرمانروایی که بیاید شهر و عبادتگاه مقدس را ویران خواهند کرد و عاقبتشان مانند سیل خواهد بود. تصمیم گرفته می‌شود که ویرانی‌ها تا پایان جنگ ادامه داشته باشد.

پس از شصت و دو هفته، یک مسح قطع می‌شود الف-26

قبل از این 62 هفته، 7 هفته وجود دارد، به این معنی که پیام واقعی این است که "بعد از 69 هفته" یک مسح شده قطع می‌شود، اما نه هر مسح شده، کسی که بدین ترتیب اعلام می‌شود، خود مسح الهی را تجسم می‌بخشد. با استفاده از فرمول «الف مسح شده، خداوند قوم یهود را برای رویارویی با مردی معمولی و به دور از محدودیت‌های الهی آماده می‌کند. پسر انسان، پسر ارباب تاکستان، مطابق با مثل خود از شراب کاران، پس از فرستادن رسولانش که پیش از او بودند و با آنها بدرقتاری کردند، خود را به شراب کاران می‌رساند. از منظر انسانی، عیسی فقط مسح شده‌ای است که خود را پس از سایر مسح‌شدگان معرفی می‌کند.

فرشته گفت: «بعد از» کل مدت 69 هفته و بدین ترتیب هفتادمین هفته را نشان می‌دهد. بنابراین، گام به گام، داده‌های فرشته ما را به سمت عید فصح بهاری سال 30 هدایت می‌کند که در میانه این هفتادمین هفته از روز سال‌ها قرار دارد.

و جانشینی برای او نخواهد داشت ب-26

در حاشیه تصریح می‌کند که L.Segond، این ترجمه نامشروع‌تر است زیرا نویسنده آن ترجمه تحت‌اللفظی این است: هیچ‌کس برای او. و برای من ترجمه تحت‌اللفظی برای من کاملاً مناسب است زیرا می‌گوید که واقعاً در ساعت مصلوب شدن او چه اتفاقی افتاده است. کتاب مقدس گواهی می‌دهد که خود حواریون دیگر باور نداشتند که عیسی مسیح مورد انتظار است، زیرا مانند بقیه قوم یهود، منتظر مسیحی‌های جنگجو بودند که رومیان را از کشور بیرون کند.

قوم رهبری که خواهد آمد شهر و قداست حرم را ویران خواهند کرد ج-26

این پاسخ خدا به ناباوری ملی یهودیان است: هیچ‌کس برای او نیست. خشم علیه خدا قطعاً با ویرانی اورشلیم و قداست کاذب آن جبران خواهد شد. زیرا از سال 30، دیگر تقدسی در خاک یهود وجود نداشته است. حرم دیگر یکی نیست برای این عمل، خداوند از رومیان استفاده کرد، کسانی که رهبران دینی یهودی مسیح را به صلیب کشیدند، جرأت نداشتند و خودشان قادر به انجام آن نبودند، در حالی که می‌دانستند بدون آنها، استیفان شماس را «سه سال و شش ماه» سنگسار کنند. "بعد

و پایان آن مانند سیل خواهد آمد 26d-

بنابراین در سال 70 بود که پس از چندین سال محاصره رومیان، اورشلیم به دست آنها افتاد، و پر از نفرت ویرانگر، برافروخته از شور الهی، دیوانه وار، همانطور که اعلام شد، شهر و مقدسی را که دیگر وجود نداشت، ویران کردند. آیا سنگی بر دیگری باقی نمانده بود همانطور که عیسی قبل از مرگش در متی اعلام کرده بود. 24:2: اما او به آنها گفت: آیا همه اینها را می‌بینید؟ به راستی به شما می‌گویم، اینجا سنگی بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند که فرو بریزد.

تصمیم گرفته می‌شود که ویرانی‌ها تا پایان جنگ ادامه داشته باشند 26 -

در متی 24:6، عیسی گفت: شما در مورد جنگ‌ها و شایعات جنگ خواهید شنید: مراقب باشید که مضطرب نشوید، زیرا این چیزها باید واقع شود. اما این هنوز پایان کار نخواهد بود. پس از رومیان، جنگ‌ها در طول دو هزار سال از دوران مسیحیت ادامه یافت و زمان طولانی صلحی که از پایان جنگ جهانی دوم برخوردار بوده‌ایم استثنایی است اما توسط خدا برنامه‌ریزی شده است. بنابراین، بشریت می‌تواند ثمره انحراف خود را تا پایان خیالات خود تولید کند، قبل از اینکه بهای فانی را بپردازد.

با این حال، هنگامی که از رومیان صحبت می‌کنیم، نباید فراموش کنیم که جانشینی پاپ آنها کار "ویرانگر یا ویرانگر" بت پرست را تا پایان جنگی که علیه برگزیدگان مسیح خدا به راه انداخته است، طولانی خواهد کرد.

او برای یک هفته با بسیاری عهد محکم خواهد بست و برای نیمی از هفته قربانی و هدایای Dan 9:27 غلات را متوقف خواهد کرد. و بر بال مکروهات ویرانی و حتی به نابودی (یا نابودی کامل) خواهد بود، و [بر اساس] آنچه مقرر شده، در [زمین] متروک شکسته خواهد شد.

به مدت یک هفته با خیلی‌ها ائتلاف محکم خواهد کرد الف-27

روح در مورد استقرار عهد جدید پیشگویی می کند . محکم است زیرا اساس نجاتی می شود که تا پایان جهان ارائه می شود. تحت اصطلاح بسیاری، خدا اتباع یهودی، حواریون و اولین شاگردان یهودی خود را هدف قرار می دهد که طی هفت سال آخر مهلتی که به ملت یهود داده شده است تا رسماً مسیح مصلوب شده را بپذیرند یا رد کنند، با او عهد خواهند کرد. این عهد است که در آیه 24 بین خدا و گناهکاران یهودی توبه کننده " قطع " شده است. در پاییز 33، پایان این هفته گذشته با این اقدام ناعادلانه و نفرت انگیز دیگر مشخص می شود که نشان دهنده سنگسار استفان شماس جدید است. تنها اشتباه او این بود که به یهودیان حقایقی را گفت که آنها تحمل شنیدن آنها را نداشتند، در حالی که عیسی سخنان خود را در دهان خود می گذاشت. عیسی با دیدن کشته شدن یکی از پیروان آرمان خود، امتناع رسمی ملی از شفاعت خود را ثبت کرد. از پاییز سال 33، شورشیان یهودی به خشم رومیان دامن زدند که در سال 70 از اورشلیم خالی شد.

و برای نیمی از هفته قربانی و قربانی را متوقف می کند ب- 27

این لحظه در وسط یا نیمه هفته بهار 30 هدف پیشگویی هفته 70 است. این لحظه ای است که تمام اعمال ذکر شده در آیه 24 انجام می شود: پایان گناه، کفاره آن، آمدن پیامبری که رؤیا را با برقراری عدالت ابدی خود برآورده می کند و مسح مسیح قیام یافته که پیروز و پیروز به آسمان عروج می کند. قادر متعال . در اینجا از مرگ کفاره ای مسیحا به عنوان نتیجه ای یاد می شود: توقف قطعی قربانی ها و هدایایی که عصر و صبح در معبد یهود و همچنین از صبح تا شام برای گناهان مردم انجام می شود. مرگ عیسی مسیح نمادهای حیوانی را که او را در عهد قدیم نشان می دادند منسوخ می کند، و این تغییر اساسی است که با قربانی کردن او ایجاد شد. پاره شدن پرده معبد که خداوند در لحظه انقضای عیسی انجام می دهد، قطع قطعی مناسک دینی زمینی را تأیید می کند و تخریب معبد در سال 70 این تأیید را تقویت می کند. به نوبه خود، اعیاد سالانه یهود، که همگی مربوط به آمدن او بود، ناپدید می شدند. اما در هیچ موردی، عمل سبت هفتگی که در این مرگ معنای واقعی خود را دریافت می کند: آن استراحت آسمانی هزاره هفتم را پیشگویی می کند که عیسی مسیح از طریق پیروزی خود، برای خدا و برگزیدگان واقعی اش به دست می آورد که کامل خود را به آنها نسبت می دهد. عدالت ابدی که در آیه 24 ذکر شده است.

آغاز این « هفته » روزها سالها در پاییز 26 با غسل تعمید عیسی که توسط یحیی تعمید دهنده تعمید داده شد اتفاق می افتد.

و بر بال مکروهات ویرانی [خواهد بود] ج- 27

بد ترجمه شده است زیرا تفسیر L.Segond با عرض پوشش، اما این قسمت از آیه در نسخه اشتباهی از آن شده است. با در نظر گرفتن مکاشفه های ارائه شده در آخر الزمان یوحنا، ترجمه خود را از متن عبری ارائه می کنم که ترجمه های دیگر آن را تأیید می کنند. عبارت « روی بال »، نماد شخصیت و فرمانروایی بهشتی، حاکی از یک مسئولیت مذهبی است که مستقیماً روم پاپی را هدف قرار برمی خیزد « و متحدان مذهبی آن در روزهای آخر. بال های عقاب » Dan.8:10-11 می دهد، که در نشان دهنده بالاترین عنوان امپراتوری است، برای مثال شیر با بال های عقاب که مربوط به پادشاه نبوکدنصر است، یا خود خدا، که قوم عبری خود را که او از بردگی مصر رهایی بخشید، بر بال های عقاب حمل می کرد. همه امپراتوری ها این نماد عقاب را پذیرفته اند ، از جمله، در سال 1806، ناپلئون A.Hitler تأیید شد، سپس امپراتورهای پروس و آلمان، آخرین آنها دیکتاتور Apo.8:13 ' که توسط بود. اما از آن زمان، ایالات متحده آمریکا نیز این عقاب امپراتوری را بر روی دلار پول ملی خود دارد: دلار.

با ترک موضوع قبلی، روح برمی گردد تا دشمن مورد علاقه خود: رم را هدف قرار دهد. پس از مأموریت زمینی عیسی مسیح ، عامل مورد هدف مکروهاتی که باعث ویرانی نهایی زمین می شود، در واقع روم است که مرحله امپراطوری بت پرستی آن به تازگی اورشلیم را در سال 70 در آیه 26 ویران کرده است . در زمان تا پایان جهان ادامه دهید. بنابراین، مکروهات ، در جمع، قبل از هر چیز به روم امپراتوری نسبت داده می شود که مؤمنان منتخب را با کشتن آنها در «مراحل» تماشایی برای سرگرمی مردم تشنه به خون رومی مورد آزار و اذیت قرار می دهد، چیزهایی که در سال 313 متوقف می شود. بعد از آن مکروهات به پایان می رسد و شامل پایان دادن به تمرین روز هفتم سبت، 7 مارس 321 می شود. این اقدام هنوز به امپراتوری روم و رهبر امپراتوری آن کنستانتین اول نسبت داده می شود. با او

امپراتوری روم تحت سلطه امپراتوران بیزانس قرار گرفت. در سال 538، امپراطور ژوستینیانوس اول با استقرار رژیم پاپی ویگیلیوس اول بر روی صندلی رومی خود مرتکب زشتی دیگری شد، این طولانی شدن مکروهات تا پایان جهان را باید به این مرحله از قانون پاپ نسبت داد که خدا دارد. محکوم از نشان می‌دهد. Dan.7 و Dan.8 به یاد داریم که نام «شاخ کوچک» دو مرحله غالب رم را در Dan.7 خداوند در این دو مرحله متوالی فقط تداوم همان کار زشت را می‌بیند. مطالعه فصول گذشته به ما این امکان را داده است که انواع مکروهاتی را که این آیه به او نسبت می‌دهد، بشناسیم.

و تا نابودی (یا نابودی کامل) و شکسته خواهد شد، [بر اساس] آنچه مقرر شده است، در 27d- [سرزمین] متروک.

Dan.8:25 و Dan.7:9-10 او شکسته خواهد شد [مطابق] آنچه مقرر شده است «و در» نازل شده است: به دلیل سعادت و موفقیت مکرهایش، او در دل خود تکبر خواهد داشت و کارهای بسیاری انجام خواهد داد. مردانی که در صلح زندگی می‌کردند هلاک خواهند شد و او بر علیه رئیسان قیام خواهد کرد. اما بدون تلاش هیچ دستی شکسته خواهد شد.

متن عبری این اندیشه الهی را متفاوت از ترجمه های فعلی ارائه می‌دهد.

این تفاوت جزئی بر اساس پروژه خداوند برای سرزنش انسانها بر سیاره زمین است که در آن به ما می‌آموزد. بیابید به این واقعیت توجه کنیم که ایمان نادرست مسیحی Rev.20 زندگی می‌کنند. آنچه این پروژه الهی را که شامل نابود کردن انسانها از روی زمین در بازگشت با شکوه مسیح است، نادیده می‌گیرد. آنها با نادیده گرفتن مکاشفه های داده شده در مکاشفه 20، بیهوده منتظر استقرار پادشاهی برنامه ریزی شده Rev.20 مسیح بر روی زمین هستند. با این حال، تخریب کامل سطح آن در اینجا و در است. بازگشت در شکوه مسیح پیروز در تمام الوهیتش، ظاهر آشفته آن را از آغاز تاریخ آن که در پیدایش 1 شرح داده شده است، به زمین باز می‌گرداند. زمین لرزه های عظیم آن را می‌لرزاند و تحت نام پرتگاه به حالت آشفته خود "بی شکل" باز خواهد گشت. و خالی، "توهو و بوهو"، اول. مرد زنده ای بر او باقی نخواهد ماند، اما او تا ساعت مرگش هزار سال زندان شیطان خواهد بود.

در این مرحله از مطالعه، ابتدا باید اطلاعات تکمیلی را در مورد "هفته هفتم" که به تازگی مطالعه شده است، ارائه دهم. تحقق آن در ایام و سالهای نبوی با تحقق تحت اللفظی همراه است. از آنجا که به لطف شهادت یک تقویم یهودی، پیکربندی هفته عید پاک سال 30 را می‌دانیم. مرکز آن یک شب چهارشنبه از سبت گاه به گاه بود که توسط عید فصح یهودیان توجیه می‌شد که در آن سال در روز پنجشنبه رخ داد. بنابراین ما می‌توانیم مسیر این فصح را که عیسی در آن مرد، کاملاً بازسازی کنیم. عیسی در شامگاه سه شنبه دستگیر شد، در طول شب قضاوت شد، عیسی صبح چهارشنبه در ساعت 9 به صلیب کشیده شد. ساعت 3 بعد از ظهر منقضی می‌شود. قبل از ساعت 6 بعد از ظهر، یوسف اهل آریماتیا جسد خود را در مقبره گذاشت و سنگی را که آن را بسته بود دور کرد. شنبه عید پاک پنجشنبه می‌گذرد. صبح روز جمعه، زنان پارسا ادویه هایی را می‌خرند که در طول روز برای مومیایی کردن بدن عیسی تهیه می‌کنند. در غروب روز جمعه ساعت 6 بعد از ظهر، سبت هفتگی آغاز می‌شود، یک شب، روزی در استراحت مقدس می‌گذرد. و شنبه عصر ساعت 6 بعد از ظهر اولین روز هفته سکولار آغاز می‌شود. شب می‌گذرد و با اولین روشنایی سحر، زنان به امید یافتن کسی که سنگ را دور کند به آرامگاه می‌روند. آنها می‌بینند که سنگ کنار رفته و قبر باز است. مریم مجدلیه و مریم مادر عیسی با ورود به مقبره، فرشته ای را می‌بینند که نشسته است و به آنها می‌گوید که عیسی زنده شده است، فرشته به آنها می‌گوید که بروید و به برادرانش، یعنی رسولانش هشدار دهید. مریم مجدلیه در حالی که در باغ به سر می‌برد، مردی را می‌بیند که لباس سفید پوشیده است و او را به باغبانی می‌برد؛ در عوض او عیسی را می‌شناسد. و در اینجا، یک جزئیات بسیار مهم که باور بسیار رایج را از بین می‌برد، عیسی به مریم می‌گوید: "من هنوز نزد پدرم بازنگشته ام." دزدی که روی صلیب بود و خود عیسی در همان روز مصلوب شدنشان وارد بهشت، پادشاهی خدا نشدند، زیرا 3 روز بعد، عیسی هنوز به بهشت بازنگشته است. پس می‌توانم به نام خداوند بگویم کسانی که از او حرفی برای گفتن ندارند ساکت باشند! تا روزی دچار تمسخر یا شرم نشوید.

دومین چیز این است که از تاریخ استفاده کنیم - سال 458 که ابتدا نشان دهنده آغاز 70 هفته از سالهای روز است که برای قوم یهود تعیین شده است و خداوند به آنها دو نشانه اصلی هویت داده است: سبت و ختنه بدن.

طبق روم 11، نوکیشان بت پرست که به عهد جدید منعقد شده اند به ریشه و تنه عبری و یهودی پیوند زده می شوند. اما پایه های اتحاد جدید کاملاً یهودی است و عیسی در یوحنا 4:22 این نکته را یادآوری کرد: شما چیزی را می پرستید که نمی دانید. ما آنچه را که می دانیم می پرستیم، زیرا نجات از یهودیان می آید. امروزه، این پیام اهمیتی زنده پیدا می کند، زیرا عیسی آن را خطاب به مشرکانی که در همه اعصار به دروغ ایمان آورده اند، می کند. برای نابودی بهتر آنها، شیطان آنها را به نفرت از یهودیان و اتحاد آنها سوق داد. که آنها را از احکام خدا و سبت مقدس او دور کرد. بنابراین ما باید این اشتباه را اصلاح کنیم و به عهد جدید با هویت یهودی نگاه کنیم. حواریون و شاگردان یهودی تازه مسلمان شده این « بسیار » هستند که در دان. 9:27 با عیسی اتحاد می بندند، اما پایگاه آنها یهودی است، آنها همچنین نگران آغاز دوره « 70 هفته » هستند. خدا به ملت یهود داده است تا معیار عهد جدید را بر اساس خون انسانی که داوطلبانه توسط عیسی مسیح ریخته شده است بپذیرند یا رد کنند. با استنباط از این استدلالها، تاریخ - است. Dan.8:14 "458 آغاز 2300" شب-صبح.

سه چیز باید متوقف می شد، Dan.8:13 در پایان این مدت طولانی نبوی، یعنی 2300 سال، بر اساس

- 1- کشیشی ابدی
- 2- گناه ویرانگر
- 3- آزار مقدسات و ارتش

سه چیز مشخص می شود:

- 1- کشیشی دائمی زمینی پاپ
- 2- بقیه روز اول تغییر نام داد: یکشنبه
- 3- آزار و شکنجه مقدسات و مقدسین مسیحی، شهروندان ملکوت آسمان

این تغییرات با هدف:

- 1- کاهنیت آسمانی ابدی او را به عیسی مسیح بازگردانید
- 2- کل شریعت الهی از جمله استراحت روز هفتم را بازگردانید
- 3- پایان آزار و شکنجه مقدسات و مقدسین مسیحی را ببینید

محاسبه پیشنهاد شده برای "2300 عصر-صبح" از تاریخ - 458 شروع می شود، پایان این مدت در بهار 1843 به پایان می رسد: $2300 - 458 = 1842 + 1$. در این محاسبه، ما 1842 سال کامل داریم که باید +1 را به آن اضافه کنیم تا بهار را در آغاز سال 1843 مشخص کنیم، جایی که پیشگویی شده « 2300 شب-صبح » به پایان می رسد. این تاریخ نشان دهنده آغاز بازگشت مداخله خداوند است که به این ترتیب می خواهد قدیسان واقعی خود را از دروغ های مذهبی که از کاتولیک کاتولیک رومی به ارث برده اند به مدت ۱۲۶۰ سال رها کند. بنابراین، با ابتکار عمل برای ایجاد یک بیداری معنوی در ایالات متحده، جایی که پروتستان ها در آنجا پناه گرفته اند، روح به ویلیام میلر علاقه ای به پیشگویی دانیال 8:14 برمی انگیزد و دو تاریخ پیشنهادی متوالی بازگشت عیسی مسیح را اعلام می کنند، اولین تاریخ برای بهار 1843، دومی برای پاییز 1844. برای او، تطهیر حرم به معنای بازگشت عیسی برای پاکسازی زمین است. پس از دو ناامیدی در تاریخ های تعیین شده، روح به پشتکارترین کسانی که در دو آزمون ایمان شرکت کردند، نشانه ای می دهد. رؤیایی آسمانی در صبح روز 23 اکتبر 1844 توسط یکی از مقدسین که در حال عبور از مزارع بود دریافت شد. بهشت به صحنه ای باز شد که عیسی مسیح را به عنوان کاهن اعظم نشان می داد که در عبادتگاه آسمانی انجام وظیفه می کند. در رؤیا از مکان مقدس به مقدس ترین مکان عبور کرد. بنابراین پس از 1260 سال تاریکی، عیسی مسیح با وفاداران خود که بر اساس دو آزمایش متوالی مرتب شده بودند، دوباره ارتباط برقرار کرد.

- 1- از سرگیری همیشگی. بنابراین از طریق این رؤیا است که خداوند در 23 اکتبر 1844 رسماً
- 2- بازگشت روز سبت. در همان ماه، یکی دیگر از مقدسین به دنبال ملاقات خانم راشل اوکس که جزوه ای از کلیسای خود به او داد: «بابتیست های روز هفتم»، سبت روز هفتم را برگزار کرد.

یکی یکی، با گذشت زمان، مقدسین انتخاب شده توسط دو آزمون، روز هفتم سبت را نیز پذیرفتند. اینگونه بود که خداوند به گناه ویرانگر که توسط روم بت پرست ایجاد شد، اما توسط روم پاپ تحت نام آن "یکشنبه" قانونی شد، پایان داد.

- توقف آزار و اذیت. موضوع سوم مربوط به قداست و مسیحیان مورد آزار و اذیت 1260 ساله 3- بود. و در آنجا دوباره، در سالهای 1843 و 1844، صلح مذهبی در همه جای جهان غرب که نگران این پیشگویی بود، حاکم شد. دلیلش این است که فرانسه انقلابی با گیوتین خود مسئولین تجاوزات مذهبی را ساکت کرد. بنابراین پس از آخرین سالهای خونین مجازات زناکاران مذهبی در پایان سالهای 1260 که در سال 538 آغاز می شود، تاریخی که به ، Apo.2:22-23 طبق حذف دائمی با استقرار رژیم پاپی مربوط می شود. یعنی در سال 1798 صلح مذهبی حاکم می شود. و آزادی وجدان ایجاد شده به اولیای الهی اجازه می دهد تا بر اساس انتخاب خود و معرفت خود به اینکه خداوند افزایش خواهد یافت، خدا را بندگی کنند. در سال 1843 ، قدوسیت و ارتش مقدسین ، این شهروندان پادشاهی آسمان که توسط عیسی مسیح انتخاب شده اند، دیگر مورد آزار و اذیت قرار نمی گیرند، همانطور که نبوت دانیال 14:8-13 اعلام کرد.

همه این تجربیات توسط خداوند متعال سازماندهی و هدایت شده است که در ناپیدای کامل ذهن انسان ها را هدایت می کند تا برنامه های او، کل برنامه او را تا پایان جهان که انتخاب برگزیدگان او به پایان می رسد، انجام دهند. از همه اینها معلوم می شود که انسان تصمیم نمی گیرد که سبت و نور آن را گرامی بدارد، این خداست که این چیزهایی را که متعلق به اوست به عنوان نشانه ای از تأیید او و عشق واقعی او به او، همانطور که از تعلیم می دهد، به او می دهد. 20:12:20: من نیز سبت های خود را به آنها دادم تا نشانه ای بین من و آنها باشد تا بدانند که من خداوند هستم که آنها را تقدیس می کنم... سبت های مرا تقدیس کنید تا بین من و شما نشانه ای باشد که به وسیله آن معلوم است که من یهوه خدای شما هستم. چون این اوست که به دنبال گوسفند گمشده خود می گردد، مطمئن باشیم که هیچ منتخبی این تماس را از دست نخواهد داد.

در پاسخ منحصر به فردی که خداوند در آیه 14 به سؤال آیه 13 می دهد، کلمه «قدوسیت» ، Dan.8 در کاملاً مطابقت دارد، زیرا قدوسیت عموماً به هر چیزی مربوط می شود که دارای خداست و به ویژه بر او تأثیر می گذارد. این مورد در مورد کهانت دائمی بهشتی او، در مورد سبت مقدس او از زمان تأسیس جهان، یک روز پس از خلقت آدم، و در مورد مقدسین او ، برگزیدگان وفادار او بود.

تجارب پیشگویی شده در دانیال 8: 13-14 بین سال 1843 با اجرایی شدن حکم الهی تا پاییز 1844 محقق شد، هر دو بر اساس انتظار بازگشت عیسی مسیح در آن تاریخ ها، بنابراین با تکیه بر ایده با ظهور عیسی مسیح، معاصران این تجربه به شرکت کنندگانی که پیرو این انتظارات بودند، نام که دقیقاً به معنای «ظهور» است، دادند. ما این تجربه «adventus» «آدونتیست» را از کلمه لاتین «آدونتیست» را در فصل 12 این کتاب دانیال خواهیم یافت، جایی که روح بر اهمیت این آخرین "پیمان رسمی" تأکید خواهد کرد.

دانیال 10

دانیال 10:1 در سال سوم پادشاهی کوروش، پادشاه ایران، کلامی به دانیال نازل شد که نامش بلطشصر بود. این کلمه که حقیقت دارد خبر از بلای بزرگ می دهد. او به این کلمه گوش داد و دید را درک کرد.

در سال سوم کوروش، پادشاه پارس، کلامی به دانیال نازل شد که نامش بلطشصر بود الف-1
کوروش 2 از سال - 539 سلطنت کرد. بنابراین تاریخ رؤیا - 536 است.

ب-1 این کلمه که حق است خبر از بلای بزرگ می دهد.
این اصطلاح، مصیبت بزرگ، قتل عام را در مقیاس بزرگ اعلام می کند.

ج-1 به این کلمه گوش داد و رؤیا را فهمید.
اگر دانیال معنی را فهمید، ما هم متوجه خواهیم شد.

Dan 10:2 در آن زمان من، دانیال، سه هفته ماتم گرفتم.

این سوگواری شخصی که بر دانیال تأثیر می گذارد، ماهیت جنازه قتل عام را تأیید می کند که در زمان وقوع فاجعه بزرگ انجام خواهد شد.

دان 10:3 من هیچ غذای لذیذ نخوردم، نه گوشت و نه شراب به دهانم وارد شد و نه خود را مسح کردم تا این سه هفته تمام شد.

این آمادگی دانیال که به دنبال تقدس بیشتر است، وضعیت دراماتیکی را که فرشته در پیشگویی خواهد کرد، پیشگویی می کند Dan.11:30

در روز بیست و چهارم ماه اول، در کنار رودخانه بزرگ هیدکل بودم **Dan 10:4**

به فرانسوی نام ببر دارد. این رودی است که بین النهرین را با فرات سیراب می کرد *Hiddékel*
و از شهر کلدانی بابل عبور می کرد و به دلیل غرور مجازات شده پادشاه نبوکدنصر، شهر کلدانی را

سیراب می‌کرد. دانیل نمی‌توانست آن را درک کند، اما این توضیح برای من در نظر گرفته شده بود. زیرا تنها در سال 1991 بود که من توضیحات واقعی دانیل 12 را که در آن رودخانه دجله نقش "ببر" را بازی می‌کند که جان انسان‌ها را می‌خورد، اعلام کردم. آزمون ایمان با عبور خطرناک آن نشان داده شده است. فقط برگزیدگان می‌توانند از آن عبور کنند و سفر خود را با عیسی مسیح ادامه دهند. این دوباره تصویری است که از عبور عبرانیان از دریای سرخ کپی شده است، عبور غیرممکن و مرگبار برای گناهکاران مصری. اما یکی که دانیال 12 تداعی می‌کند، آخرین «آدونتیست» منتخب را انتخاب می‌کند که مأموریت آنها تا بازگشت مسیح ادامه خواهد داشت. آخرین آنها آخرین مصیبت بزرگ را تجربه خواهند کرد، شکل شدید آن که مستلزم دخالت مسیح در یک بازگشت قدرتمند و باشکوه نجات دهنده و انتقام جویانه است.

ذکر شده است. این مربوط به یهودیان دوران باستان Dan.11:30 اولین مصیبت اعلام شده به دانیال در اعلام خواهد شد. این امر پس از جنگ Rev.1 است، اما مصیبت مشابه دیگری با تصویری مشابه در جهانی سوم که در آن یک سوم مردان کشته خواهند شد، محقق خواهد شد. و این تضاد در مکاشفه 9: 13 تا 21 توسط نمادها ارائه شده است، اما به زبان ساده در این کتاب دانیال در پایان فصل 11 در آیات 40 تا 45 توسعه یافته است. به طوری که ما در این فصل پی در پی خواهیم یافت. 11، مصیبت بزرگ مصیبت بزرگی که برگزیدگان مسیحیت و یهودیان وفادار آخرالزمان را، Dan.12:1، یهودیان، سپس در که به مسیح تبدیل خواهند شد هدف قرار خواهد داد. مشکل» و تمرکز اصلی، تمرین سبت مقدس خدا خواهد بود.

مقایسه دو رویت بلایای پیش بینی شده

1- Dan.10:5-6: به فرزندان قوم دانیال از عهد قدیم

2- به فرزندان قوم دانیال از عهد جدید: مکاشفه 13: 1-14

برای قدردانی کامل از علاقه ای که باید به این دو مصیبت بدهیم، باید درک کنیم که اگرچه آنها در زمان به دنبال یکدیگر می‌آیند، اما نوع اول نوعی است که دومی را پیشگویی می‌کند که بازگشت عیسی مسیح آخرین وفادار را هدف قرار می‌دهد. فرزندان خدا از نوع دانیال و سه یارانش. پس از چندین دهه صلح و به دنبال آن یک جنگ اتمی وحشتناک و وحشتناک ویرانگر، روز استراحت یکشنبه روم توسط دولت جهانی سازماندهی شده توسط بازماندگان فاجعه تحمیل خواهد شد. سپس مرگ برگزیدگان وفادار مانند روزگار دانیال، حنانیاس، میشائیل، و عزریا دوباره تهدید خواهد شد. و مانند زمان «مکابیان» در 168- که مصیبت در این فصل از دانیال اعلام شده است. و در پایان آخرین ادونتیست‌ها به سبت روز هفتم در سال 2029 وفادار ماندند.

اما قبل از این آخرین مصیبت، سلطنت طولانی 1260 سال پاپ باعث شده بود که بسیاری از موجودات به نام خدا بمیرند.

به طور خلاصه، درک پیامی که توسط این رویایی که به دانیال داده شد، به ما امکان می‌دهد تا معنای پیامی را که او در مکاشفه 13: 1 تا 16 به یوحنا می‌دهد، درک کنیم.

و چشمان خود را بلند کرده، دیدم، اینک مردی بود که کتانی پوشیده بود و کمر بند طلایی از **Dan 10:5** اوفاز بر کمر داشت.

مردی بود که کتانی پوشیده بود الف-5

کار عدالتی که نماد آن کتانی است، توسط خدا از طریق یک انسان انجام خواهد شد. در تصویر توصیف شده خداوند ظاهر پادشاه یونانی آنتیوخوس 4 معروف به اپیفان را می‌گیرد. او بین سالهای 175 تا 164، یعنی مدت سلطنت خود، آزار دهنده یهودیان خواهد بود.

داشتن کمر بند طلایی اوفاز بر کمر ب-5

کمر بند که روی کلیه‌ها قرار می‌گیرد، نشان دهنده حقیقت اجباری است. علاوه بر این، طلایی استفاده بت پرستانه بت پرستانه آن را هدف Jer.10:9 که از آن ساخته شده است از اوفاز می‌آید که در قرار می‌دهد.

دان 10:6 بدن او مانند سنگ کریزولیت بود، صورتش مانند برق می درخشید، چشمانش مانند شعله های آتش، بازوها و پاهایش مانند برنج صیقلی بود، و صدای صدایش مانند صدای سر و صدای گروهی بود

6-الف بدن او مانند کریزولیت بود

خداوند نویسنده رؤیا است، اما او آمدن یک خدای بت پرست را اعلام می کند، از این رو این جنبه ماوراء طبیعی با شکوه است

6-ب صورتش مثل برق می درخشید

هویت یونانی این خدا تایید شده است. این زئوس، خدای یونانی پادشاه آنتیوخوس 4 است. رعد و برق نماد زئوس خدای المپیک است. خدای خدایان المپی در اساطیر یونان

6-ج چشمانش مانند شعله های آتش بود

آنچه را که به آن می نگرند و نمی پسندند، نابود می کند. چشم او به یهودیان خواهد بود بر اساس او به کسانی که عهد مقدس را ترک کرده اند نگاه خواهد کرد. بلا بی دلیل نمی آید، ... Dan.11:30 ارتداد مردم را نجس می کند

6d- بازوها و پاهای او مانند برنج صیقلی به نظر می رسد

جلادی که از جانب خدا فرستاده خواهد شد به اندازه قربانیانش گناهکار خواهد بود. اقدامات است. Dan.2 ویرانگر او که نمادی از بازوها و پاهای برنجی اوست، نماد گناه یونانی در مجسمه

و صدای او مانند سر و صدای جمعی بود ششم-

پادشاه یونان به تنهایی عمل نخواهد کرد. او در پشت و در مقابل خود انبوهی از سربازان بت پرست مانند خودش خواهد داشت تا دستورات او را اطاعت کنند

اوج و اوج این اعلام نبوی در ساعت تحقق دان خواهد بود. 11:31: سپاهیان به فرمان او ظاهر می شوند. عبادتگاه و قلعه را هتک حرمت خواهند کرد و قربانی دائمی را پایان خواهند داد و زشتی ویرانگر را برپا خواهند کرد. برای صداقت کتاب مقدس، کلمه قربانی را خط زدم که در متن عبری نوشته نشده است، زیرا خداوند دو نقش متوالی متفاوت را در عهد قدیم و جدید برای «همیشگی» فراهم کرده است. در قدیم شامل تقدیم بره در عصر و صبح به عنوان قربانی سوختنی است. در داستان کوتاه، شفاعت آسمانی عیسی مسیح را نشان می دهد که قربانی او برای شفاعت برای دعاهای برگزیدگان را که مربوط به عهد قدیمی است، پادشاه یونان به هدایای، Dan.11:31 یادآور می شود. در این زمینه از همیشگی شریعت موسی پایان خواهد داد. بنابراین، تنها زمینه زمانی است که در آن برانگیخته می شود که تعبیر خدمت شفاعت همیشگی یک کاهن زمینی یا کاهن اعظم آسمانی را تعیین می کند: عیسی مسیح. بنابراین امر دائمی به یک خدمت انسانی یا در درجه دوم و به طور قطعی به خدمت آسمانی الهی عیسی مسیح مرتبط است

من، دانیال، رؤیا را به تنهایی دیدم، و مردانی که با من بودند آن را ندیدند، بلکه بسیار Dan 10:7 ترسیدند، فرار کردند و خود را پنهان کردند

این ترس جمعی تنها تصویر کم رنگی از تحقق چشم انداز است. زیرا در روز قتل عام پیش 7- بینی شده، نیکوکار بهتر است بگریزد و پنهان شود، حتی اگر در شکم زمین باشد

من تنها مانند و این رؤیای بزرگ را دیدم. قدرتم از بین رفت، رنگ صورتم تغییر کرد و Dan 10:8 پوسیده شد و تمام قدرتم را از دست دادم

8-الف دانیال از طریق احساسات خود به پیشگویی عواقب بدبختی که خواهد آمد ادامه می دهد

صدای سخنان او را شنیدم. و چون صدای سخنانش را شنیدم، مات و مبهوت با صورت Dan 10:9 روی زمین افتادم

9-الف در روز مصیبت، صدای شاه جفاگر همان آثار هولناک را به همراه خواهد داشت؛ زانوها با هم برخورد می کنند و پاها خم می شوند و نمی توانند اجسامی را که به زمین می افتند حمل کنند

و اینک دستی مرا لمس کرد و زانوها و دستانم را تکان داد Dan 10:10

خوشبختانه دانیال تنها پیامبری است که به قومش خبر از آمدن این مصیبت بزرگ را می دهد و 10-الف خود مورد غضب عادلانه خداوند قرار نمی گیرد

سپس به من گفت: ای دانیال، ای مرد محبوب، به سخنانی که به تو خواهم گفت توجه کن و **Dan 10:11** در جایی که هستی بایست. زیرا من اکنون نزد شما فرستاده شده‌ام. وقتی او با من چنین صحبت کرد، من لرزان ایستادم.

دانیال ای مرد محبوب، به سخنانی که با تو خواهم گفت توجه کن و در جایی که هستی بایست الف-11 محبوب خدا دلیلی ندارد که از مداخلات آسمانی خود بترسد. خشم خدا بر گناهکاران شرور و ظالم متجاوز و سرکش است. دانیال برعکس این افراد است، او باید ایستاده بماند زیرا این خود نشانه تفاوت در سرنوشت است که در نهایت به دست منتخبان خواهد افتاد. حتی در غبار مرگ زمینی دراز کشیده، بیدار می‌شوند و دوباره روی پاهای خود قرار می‌گیرند. شریر دراز خواهند کشید و شریر بیدار خواهند شد تا دآوری نهایی برای همیشه نابود شود. فرشته مشخص می‌کند "در جایی که شما هستید". و به فرانسوی، فرات، که اروپای مسیحی را از "Hiddekel" او کجاست؟ در طبیعت در سواحل رودخانه اتحاد جدید در مکاشفه تعیین می‌کند. اولین درس این است که انسان در هر جایی می‌تواند خدا را ملاقات کند و در آنجا مورد برکت قرار گیرد. این درس تعصبات بت پرستانه را که برای بسیاری از مردم، خدا را فقط در کلیساها، ساختمان‌های مقدس، معابد، محراب‌ها می‌توان دید، واژگون می‌کند، اما اینجا، هیچ کدام از اینها وجود ندارد. در زمان خود، عیسی این درس را تجدید خواهد کرد و در یوحنا 4:21 تا 24 می‌گوید: ای زن، عیسی به او گفت، مرا باور کن، ساعتی می‌آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم خواهد بود که پدر را پرستش کنی. شما چیزی را می‌پرستید که نمی‌دانید؛ ما آنچه را که می‌دانیم می‌پرستیم، زیرا نجات از یهودیان می‌آید. اما ساعتی فرا رسیده است که پرستندگان واقعی پدر را در روح و حقیقت پرستش خواهند کرد. زیرا اینها پرستندگانی هستند که پدر از آنها خواسته است. خدا روح است و کسانی که او را می‌پرستند باید او را در روح و حقیقت بپرستند.

درس دوم ظریف‌تر است، بر اساس رودخانه هیدکل است، زیرا روح برنامه ریزی کرده است که درک کتاب خود را فقط برای آخرین بندگان وفادار خود باز کند که تجربه و آزمایشی که انتخاب آنها در فرانسوی، ببر، مانند حیوانی به Hiddékel انجام می‌شود با تصویری از عبور خطرناک از رودخانه این نام، همچنین در آزمون ایمان، خوار روح مردان.

زیرا من اکنون نزد شما فرستاده شده‌ام. وقتی او با من چنین صحبت کرد، من لرزان ایستادم -11b ملاقات دیگر یک رؤیا نیست، به گفتگو تبدیل می‌شود، مبادله ای بین دو مخلوق خدا که یکی از آسمان می‌آید و دیگری هنوز از زمین است.

Dan 10:12 او به من گفت: دانیال، نترس. زیرا از روز اولی که قلب خود را برای درک و فروتنی در برابر خدای خود قرار دادی، سخنان تو شنیده شد و به خاطر سخنان تو است که من می‌آیم.

در کل این آیه فقط یک چیز برای گفتن داریم. اگر قرار بود حافظه خود را از دست بدهید، حداقل این آیه را به خاطر بسپارید که به ما می‌گوید چگونه خدای خالق خود را خشنود کنیم.

آیه نمونه ای از نوع خود است؛ توالی منطقی مبتنی بر این واقعیت که هر علتی تأثیر خود را نزد خداوند دارد: عطش درک همراه با فروتنی واقعی شنیده و برآورده می‌شود.

. در اینجا مکاشفه ای طولانی آغاز می‌شود که تا پایان کتاب دانیال، یعنی فصل 12 پایان خواهد یافت.

Dan 10:13 و حاکم پادشاهی پارس بیست و یک روز در مقابل من ایستادگی کرد. اما، اینک، میکائیل، یکی از رهبران ارشد، به کمک من آمد و من در آنجا با پادشاهان ایران ماندم.

و رهبر پادشاهی ایران بیست و یک روز در برابر من مقاومت کرد الف-13

فرشته جبرئیل به کوروش 2 پادشاه ایران کمک می‌کند و مأموریت او برای خدا شامل تأثیرگذاری بر تصمیمات او است تا اقدامات انجام شده مخالف پروژه بزرگ او نباشد. مثال این شکست فرشته ثابت می‌کند که مخلوقات خداوند واقعاً آزاد و مستقل رها شده‌اند و بنابراین مسئول همه انتخاب‌ها و کارهای خود هستند.

اما اینک، مایکل، یکی از رهبران ارشد، به کمک من آمد -13b

مثال فاش شده همچنین به ما می‌آموزد که در صورت لزوم واقعی «یکی از رهبران اصلی، مایکل» می‌تواند برای اجبار تصمیم دخالت کند. این کمک برتر، یاری الهی است، زیرا میکائیل به معنای: «کسی که شبیه خداست» است. این اوست که به زمین خواهد آمد تا در عیسی مسیح تجسم یابد.

در بهشت، او برای فرشتگان نماینده روح خدا با آنها بود. در این مورد، عبارت " یکی از رهبران اصلی " می تواند ما را شگفت زده کند. خوب، این تعجب آور نیست، زیرا فروتنی، ملایمت، مشارکت و محبتی که عیسی در زمین نشان خواهد داد، قبلاً در زندگی آسمانی او با فرشتگان وفادارش به کار گرفته شده است. قوانین آسمان آنهایی هستند که او در طول خدمت زمینی خود نشان داد. در زمین، نوکر بندگانش شد. و می آموزیم که در بهشت او خود را با دیگر فرشتگان اصلی برابر کرد.

و من در آنجا با پادشاهان ایران مانند ج-13

بنابر این سلطه سلسله شاهان ایرانی تا زمان تسلط یونانیان ادامه خواهد داشت.

اکنون می آیم تا به تو نشان دهم که در آینده برای قوم تو چه خواهد آمد. زیرا چشم انداز **Dan 10:14** هنوز به آن زمان ها مربوط می شود.

تا پایان جهان، قوم دانیال در عهد قدیم و جدید نگران خواهند بود، زیرا قوم او اسرائیل هستند که الف-14 خداوند آنها را از گناه مصر، از گناه آدم عیسی مسیح و گناه نجات می دهد. توسط روم در مسیحیت تطهیر شده توسط خون عیسی تاسیس شد.

هدف از مکاشفه ای که فرشته برای دانیال آورده است، هشدار دادن به مردمش از فجایع آینده است. دانیال قبلاً می تواند درک کند که آنچه بر او وحی می شود دیگر به شخص او مربوط نمی شود، اما او همچنین مطمئن است که این آموزه ها در آینده برای بندگان قومش و بنابراین برای همه کسانی که خداوند آنها را خطاب می کند و از طریق آنها مقدر کرده است سودمند خواهد بود. به او

در حالی که او این سخنان را به من می گفت، من به زمین نگاه کردم و سکوت کردم **Dan 10:15**

جان هنوز رویای وحشتناک مصیبت را در ذهن خود دارد و سعی می کند بر شنیدن آنچه می الف-15 شنود تمرکز کند، دیگر جرأت نمی کند سر خود را بلند کند تا به کسی که با او صحبت می کند نگاه کند

Dan 10:16 و اینک یکی شبیه پسران انسان لبهای مرا لمس کرد. دهانم را گشودم و سخن گفتم و به کسی که در برابر من ایستاده بود گفتم: ای پروردگار من، این رویا مرا پر از ترس کرد و تمام توانم را از دست دادم

و اینک یکی که ظاهر پسران انسان بود لبهایم را لمس کرد الف-1

در حالی که رویای وحشتناک یک تصویر تخیلی غیر واقعی بود که در ذهن دانیال ایجاد شد، برعکس، فرشته خود را به شکل انسانی مشابه انسان زمینی نشان می دهد. اولاً، او نیز به صورت خدا آفریده شد، اما در جسمی آسمانی عاری از قوانین زمینی. طبیعت آسمانی او با داشتن ظرفیت فعال در هر یک به او امکان دسترسی به هر دو بعد را می دهد. لب های دانیال را لمس می کند که این لمس را حس می کند.

چگونه غلام پروردگار من می تواند با آقای من صحبت کند؟ اکنون توانم در حال از بین **Dan 10:17** رفتن است و دیگر نفسی ندارم

برای انسان زمینی محض شرایط بسیار متفاوت است، قوانین زمینی تحمیل می شود و ترس او الف-17 را از قوت و نفس خود خارج کرده است

آنگاه کسی که ظاهر مردی داشت دوباره مرا لمس کرد و مرا تقویت کرد **Dan 10:18**

فرشته با اصرار ملایم موفق می شود با آرام کردن دانیال قدرت را به او بازگرداند الف-18

Dan 10:19 سپس به من گفت: ای مرد عزیز نترس، سلام بر تو باد! شجاعت شجاعت! و همانطور که او با من صحبت می کرد، من قوت گرفتم و گفتم: بگذار پروردگارم صحبت کند، زیرا تو مرا تقویت کردی پیام صلح! همان چیزی که عیسی خطاب به شاگردانش خواهد کرد! هیچ چیز مثل اطمینان دادن الف-19 به یک ذهن ترسیده نیست. کلمات شجاعت، شجاعت به او کمک می کند تا نفس خود را تازه کند و قدرت خود را بازیابد

او به من گفت، آیا می دانی چرا نزد تو آمده ام؟ اکنون باز می گردم تا با حاکم ایران بجنگم. **Dan 10:20** و هنگامی که من رفتم، اینک حاکم جوان خواهد آمد

اکنون برای جنگ با رهبر فارس برمی گردم الف-20

این رهبر ایران کوروش 2 بزرگ است که خداوند او را مسح شده خود می داند. که او را از مبارزه با او باز نمی دارد تا تصمیماتش را در جهت او هدایت کند

و چون بروم، اینک حاکم جوان خواهد آمد ب-20

هنگامی که فرشته کوروش 2 را ترک می کند، حمله رهبر یونانی آن زمان، دشمنی فزاینده بین دو سلطه ایرانی و یونانی را باز خواهد کرد. دان 10:21 اما آنچه را که در کتاب حقیقت نوشته شده است به شما اعلام خواهم کرد. هیچ کس در برابر اینها به من کمک نمی کند، جز مایکل، رهبر شما این مکاشفه ای که دانیال دریافت خواهد کرد، کتاب حقیقت نامیده می شود. امروز در سال الف-21 2021، من می توانم تحقق تمام آنچه در آن نازل شده است تأیید کنم، زیرا درک آن به طور کامل توسط روح جاودانه رهبر ما میکائیل، برای دانیال در عهد قدیم و برای من، در عهد جدید، از عیسی مسیح ارائه شده است. ادعا می کند که این نام را برای قضاوت در مورد شیاطینی که هنوز تا بازگشت شکوهمند خود فعال هستند.

دانیال 11

. توجه! با وجود تغییر فصل، بحث بین فرشته و دانیال در ادامه با آخرین آیه فصل 10 ادامه می یابد.

دان 11:1 و من در سال اول داریوش مادها با او بودم تا او را یاری و حمایت کنم فرشته ای که با دانیال صحبت می کند، آفریده شده توسط خدا برای زندگی جاودانه، به او می 1a- گوید که او به داریوش، پادشاه مادها، که بابل را در 62 سالگی تسخیر کرد و هنوز در دان سلطنت می کرد، کمک و حمایت کرد. این پادشاه دانیال و خدایش را دوست داشت، اما در حالی که به دام افتاده بود، با تحویل دادن او به شیرها جان خود را به خطر انداخت. پس این او بود که برای بستن دهان شیرها و نجات جان او مداخله کرد. از این رو این او بود که به داریوش پادشاه کمک کرد تا بفهمد که خدای دانیال تنها خدای حقیقی است، خالق همه موجودات، که زندگی می کند و دیگری مانند او وجود ندارد. **دان 11:2** اکنون به شما حقیقت را می دانم. ببین، هنوز سه پادشاه در ایران خواهند بود. چهارمی بیشتر از بقیه ثروت جمع خواهد کرد. و هنگامی که در ثروت خود قدرتمند شود، همه را بر ضد پادشاهی جوان خواهد کرد.

2- الف- اکنون حقیقت را به شما اطلاع خواهم داد. حقیقت را فقط خدای واقعی می داند و این نامی است که خدا در رابطه با آخرین برگزیدگانش در مسیح بر اساس مکاشفه 3:14 به خود می دهد. حقیقت فقط شریعت الهی، احکام و احکام آن نیست. همچنین شامل همه چیزهایی می شود که خدا با دقت برنامه ریزی می کند و باعث می شود در زمان او به انجام برسد. ما فقط هر روز از زندگی خود را کشف می کنیم، بخشی از این برنامه بزرگ که در آن تا پایان عمر و به طور جمعی پیشرفت می کنیم، تا پایان پروژه نجات نهایی که شاهد دسترسی برگزیدگان به ابدیت خواهیم بود.

2- ب- بنگرید که هنوز سه پادشاه در ایران خواهند بود اولین پادشاه پس از کوروش 2: کمبوجیه 2 (- 528 - 521) پسرش بردیا را که یونانیان به

اسمردیس ملقب بودند سلاخی کرد

دوم: اسمردیس دروغین، جادوگر گاوماتا غاصب نام اسمردیس تنها برای مدت کوتاهی سلطنت می کند.

• سومین پادشاه: داریوش اول ایرانی (- 521 - 486) پسر هیستاپه

ج-4 چهارمی بیشتر از بقیه ثروت جمع می کند

چهارم: خشایارشا اول (- 486 - 465). درست پس از او، اردشیر اول سلطنت خواهد کرد و همه آزاد خواهد کرد Esd.7:7-9 اسیران یهودی را در سال هفتم سلطنت خود، در بهار - 458 مطابق

و هنگامی که به وسیله ثروت خود قدرتمند شود، همه چیز را بر علیه پادشاهی جوان بلند خواهد کرد 2d-

خشایارشا یکم مصر شورش را سرکوب و آرام کرد، سپس با یونان جنگ کرد، به آتیکا حمله کرد و آتن را ویران کرد. اما او در سالامیس در - 480 شکست خورد. یونان تسلط خود را بر قلمرو خود حفظ خواهد کرد. و پادشاه ایران در آسیا ماند و با این وجود حملاتی را انجام داد که تمایل او را برای فتح یونان ثابت کرد.

دان 11:3 اما پادشاهی قدرتمند برمی‌خیزد که با قدرتی عظیم حکومت می‌کند و هر چه خواهد انجام می‌دهد.

پادشاه شکار شده ایرانی خشایارشا یکم که در قلمرو خود شکست خورده، در نهایت توسط دو 3a- تن از مردان بزرگ خود کشته خواهد شد. او توسط مرد جوانی که فریبکارانه او را مسخره کرده بود شکست خورد. یونان اسکندر مقدونی جوان 20 ساله را به عنوان پادشاه خود برگزید (متولد - 356، سلطنت - حیوان سوم، 336 Dan.2، - درگذشت - 323). پیشگویی از او به عنوان بنیانگذار سومین امپراتوری مجسمه یاد می‌کند 8.Dan و دومین حیوان 7.Dan.

دان 11:4 و هنگامی که او تعالی پیدا کند، پادشاهی او شکسته خواهد شد و به سوی چهار باد آسمان تقسیم خواهد شد. نه به فرزندان او تعلق خواهد گرفت و نه به همان قدرتی که بود، زیرا پاره می‌شود و به غیر از آنها به دیگران می‌رسد.

در آنجا به تعریف دقیقی که از شاخ شکسته بزرگ بز یونانی دان داده شده است می‌یابیم. 8: الف-4 و توضیح آن در آیه 22: چهار شاخ که به جای این شاخ شکسته بر خاسته اند، این چهار پادشاهی هستند که به وجود خواهند آمد. از این ملت، اما که آنقدر قدرت نخواهند داشت.

من به یاد می‌آورم که "چهار شاخ بزرگ" چه چیزی را نشان می‌دهد.

شاخ اول: سلسله سلوکیان یونانی که توسط سلوکوس اول نیکاتور در سوریه تأسیس شد.

دوم: سلسله لاگید یونانی که توسط بطلمیوس اول لاگوس در مصر تأسیس شد.

تأسیس شد Lysimachus توسط Trace سوم: سلسله یونانی که در

شاخ چهارم: سلسله یونانی که توسط کاساندر در مقدونیه تأسیس شد.

دان 11:5 پادشاه جنوب قوی خواهد شد. اما یکی از رهبران او قویتر از او خواهد بود و بر او مسلط خواهد شد. سلطه او قدرتمند خواهد بود.

پادشاه جنوب قوی خواهد شد الف-5

"بطلمیوس اول سوتر لاگوس - 383-285 پادشاه مصر یا "شاه جنوب

اما یکی از پیشوایانش از او قویتر است و مسلط می‌شود. سلطه او قدرتمند خواهد بود ب-5

«سلوکوس اول نیکاتور - 312-281 پادشاه سوریه یا «شاه شمال

دان 11:6 پس از چند سال آنها با هم متحد خواهند شد و دختر پادشاه جنوب نزد پادشاه شمال خواهد آمد تا هماهنگی را برقرار کند. اما او قدرت بازوی خود را حفظ نخواهد کرد و او نه او و نه بازوی او مقاومت نخواهد کرد. او با کسانی که او را آوردند، با پدرش و با کسی که در آن زمان پشتیبان او بود، تحویل داده خواهد شد.

این پیشگویی از سلطنت آنتیوخوس اول (261-281)، دومین «پادشاه شمال» که نخستین الف-6 «جنگ سوریه» (271-274) را علیه «پادشاه جنوب» بطلمیوس 2 فیلادفوس آغاز کرد، می‌گذرد. (-) 282-286). سپس دومین «جنگ سوریه» (- 260 - 253) می‌آید که با مصریان "پادشاه شمال" جدید آنتیوخوس 2 تنوس (- 261 - 246) مخالفت می‌کند.

بعد از چند سال با هم متحد می‌شوند و دختر پادشاه جنوب برای بازگرداندن هماهنگی نزد ب-6 پادشاه شمال می‌آید.

رفتار اسکابروز شروع می‌شود. آنتیوخوس 2 برای ازدواج با برنیس از همسر قانونی خود به نام لائودیس طلاق می‌گیرد. پدر دخترش را همراهی می‌کند و با او در خانه دامادش می‌ماند.

اما او قدرت بازوی خود را حفظ نخواهد کرد و او نه او و نه بازوی او مقاومت نخواهد کرد. او 6c- با کسانی که او را آوردند، با پدرش و با کسی که در آن زمان پشتیبان او بود، تحویل داده خواهد شد.

اما درست قبل از مرگش، آنتیوخوس 2 برنیس را از ارث می‌برد. لائودیس انتقام می‌گیرد و او را با پدر و دختر کوچکش (بازو = فرزند) می‌کشد. توجه: در مکاشفه 3:16، عیسی قصد دارد از

همسر رسمی ادونتیسست خود به نام لائودیسه طلاق بگیرد. بیشتر از این که آنتیوخوس 2 خود را «تئوس»، خدا می نامد. در انگلستان، پادشاه هنری 8 بهتر عمل کرد، او با جدا شدن از مرجعیت مذهبی رم طلاق گرفت، کلیسای انگلیکن خود را ایجاد کرد و باعث شد هفت همسرش یکی پس از دیگری بمیرند. سپس سومین " جنگ سوریه" (-246-241) فرا می رسد.

شاخه‌ای از ریشه‌های او به جای او برمی‌خیزد. او به لشکر می آید، به قلعه های پادشاه **Dan 11:7** شمال وارد می شود، آنها را هر طور که بخواهد خلاص می کند و خود را قدرتمند می کند.

7- الف- شاخه ای از ریشه به جای خود بلند می شود

بطلمیوس 3 اورگت -246-222 برادر برنیکس

7- ب- به لشکر می آید، وارد قلعه های پادشاه شمال می شود

Seleucus 2 Kallinicos -246-226

7- ج- هر طور که بخواهد آن را دفع می کند و خود را قدرتمند می سازد

سلطه متعلق به پادشاه جنوب است. این سلطه مصر بر خلاف یونانیان سلوکی برای یهودیان مطلوب است. ما باید فوراً درک کنیم که بین دو حاکم متضاد، سرزمین اسرائیل است که دو اردوگاه متخاصم باید در حملات خود یا در عقب نشینی از آن عبور کنند.

Dan 11:8 او حتی خدایان و تمثال‌های مذاب و اشیای گرانبهای نقره و طلای آنها را خواهد برد و به مصر خواهد برد. سپس چند سالی از پادشاه شمال دور خواهد ماند.

مصریان به نام او، بطلمیوس 3، نام اورگیت یا نیکوکار را اضافه می کنند الف- 8

Dan 11:9 و او علیه پادشاهی پادشاه جنوب خواهد رفت و به سرزمین خود باز خواهد گشت

پاسخ سلوکوس 2 تا آغاز چهارمین "جنگ سوریه" (219-217) شکست خورد که آنتیوخوس 3 الف- 9 را در مقابل بطلمیوس 4 فیلوپاتور قرار داد

پسرانش بیرون خواهند رفت و لشکر بسیار زیادی جمع خواهند کرد. یکی از آنها پیش **Dan 11:10** می آید، مانند جوی آب می‌ریزد، سرریز می‌کند، سپس باز می‌گردد. و آنها دشمنی را به سوی قلعه پادشاه جنوب پیش خواهند برد.

در برابر بطلمیوس 4 فیلوپاتور (-222-205). نام Antiochos 3 Megas (-223 -187) مستعار اضافه شده وضعیت تمسخر قوم لاگید را نشان می دهد، زیرا فیلوپاتور در یونانی به معنای عشق به پدر است. پدری که بطلمیوس او را کشته بود... بار دیگر، حملات سلوکیان شکست خورد. سلطه در اردوگاه زشت باقی خواهد ماند.

پادشاه جنوب خشمگین شده، بیرون خواهد رفت و به پادشاه شمال حمله خواهد کرد. او **Dan 11:11** گروه زیادی را برخواهد آورد و لشکریان پادشاه شمال به دست او تسلیم خواهند شد.

این شکست کوبنده سلوکی برای یهودیانی که مصریان را ترجیح می دهند، چیز خوبی است الف- 11 زیرا آنها با آنها خوب رفتار می کنند.

و این جماعت مغرور خواهند شد و قلب پادشاه بلند خواهد شد. او هزاران نفر را پایین **Dan 11:12** خواهد آورد، اما پیروز نخواهد شد.

وضعیت با پنجمین "جنگ سوریه" (200-202) تغییر خواهد کرد که آنتیوخوس 3 را در مقابل 12a- بطلمیوس 5 اپیفانس (-205-181) قرار می دهد

زیرا پادشاه شمال باز خواهد آمد و جماعتی بیشتر از اولی را جمع خواهد کرد. پس از **Dan 11:13** مدتی، چند سال، با لشکری انبوه و ثروت فراوان راهی می شود.

متأسفانه برای یهودیان، یونانیان سلوکی برای حمله به مصر به قلمرو خود بازگشتند الف- 13

Dan 11:14 در آن زمان بسیاری بر ضد پادشاه جنوب قیام خواهند کرد و مردان ظالم در میان قوم تو برای تحقق این رؤیا شورش خواهند کرد و سقوط خواهند کرد.

پادشاه جدید جنوب مصر بطلمیوس 5 اپیفان - یا نامدار (-205-181) پنج ساله در اثر حمله 14a- آنتیوخوس 3 که توسط مخالفان حمایت می شود با مشکل مواجه می شود. اما یهودیان با نبرد با سلوکیان از پادشاه مصر حمایت می کنند. آن ها هستند، نه تنها شکست خوردند و کشته شدند، بلکه یونانیان سلوکی سوریه را به دشمنان مادام العمر تبدیل کردند.

شورش یهودیان نازل شده در این آیه با ترجیح یهودیان برای اردوگاه مصر توجیه می شود. بنابراین، آنها با اردوگاه سلوکی که دوباره بر اوضاع تسلط پیدا می کند، دشمنی می کنند. اما آیا خدا قوم

خود را از اتحاد با مصریان بر حذر نداد؟ «مصر، آن نی که دست هر که بر آن تکیه می‌کند سوراخ می‌کند»، مطابق با عیسی. از هر کس که بر آن تکیه کند: این فرعون است، پادشاه مصر، برای همه کسانی که بر او اعتماد می‌کنند. «به نظر می‌رسد این هشدار توسط قوم یهود نادیده گرفته شده و رابطه آنها را Antiochus 3. آنها با خدا در بدترین حالت خود قرار دارد. مجازات نزدیک می‌شود و می‌زند مجبور می‌کند تا برای دشمنی خود هزینه گزافی بپردازند.

لطفاً توجه داشته باشید: این شورش یهودیان با هدف "تحقق چشم انداز" به این معنا است که نفرت مردم سوریه را علیه یهودیان آماده می‌کند و ایجاد می‌کند. بنابراین مصیبت بزرگ اعلام شده در Dan.10:1 به آنها خواهد رسید.

Dan 11:15 و پادشاه شمال بیرون خواهد آمد و تراسها خواهد ساخت و شهرهای مستحکم را تصرف خواهد کرد. سپاهیان جنوبی و نخبگان پادشاه مقاومت نخواهند کرد، آنها فاقد قدرت مقاومت خواهند بود. سلطه برای همیشه تغییر جهت داده، در اردوگاه سلوکیان است. در مقابل او، پادشاه مصر تنها الف-15 پنج سال دارد.

هر که بر ضد او برود، هر چه خواهد انجام خواهد داد و هیچ کس در برابر او مقاومت Dan 11:16 نخواهد کرد. او در زیباترین کشور توقف خواهد کرد و هر چیزی را که زیر دستش باشد نابود خواهد کرد.

آنتیوخوس 3 هنوز نتوانسته مصر را فتح کند و عطش او برای فتح او را عصبانی می‌کند، قوم الف-16 یهود به درد او تبدیل می‌شود. او مازاد خشم خود را بر ملت شهید شده یهود که با تعبیر «زیباترین» به آن اشاره شده خالی می‌کند Dan.8:9 سرزمین‌ها «در

او پیشنهاد خواهد کرد که با تمام نیروهای پادشاهی خود بیاید و با پادشاه جنوب صلح کند. Dan 11:17 او دخترش را به همسری می‌دهد تا او را تباه کند. اما این اتفاق نخواهد افتاد و موفق نخواهد شد.

از آنجایی که جنگ موفق نمی‌شود، آنتیوخوس 3 مسیر اتحاد با اردوگاه لاگید را امتحان می‌کند. این تغییر استراتژی دلیلی دارد: روم محافظ مصر شد. بنابراین او سعی می‌کند تا با ازدواج دخترش کلئوپاترا، اولین نام، با بطلمیوس 5، اختلافات را حل کند. ازدواج صورت می‌گیرد، اما زوج متاهل می‌خواهند استقلال خود را از اردوگاه سلوکی حفظ کنند. طرح آنتیوخوس 3 برای تصرف مصر دوباره شکست خورد.

او جزایر را خواهد دید و بسیاری از آنها را خواهد گرفت. اما یک رهبر به ظلمی که Dan 11:18 می‌خواست جلب کند پایان می‌دهد و آن را بر سر او فرو می‌برد.

او سرزمین‌هایی را در آسیا فتح خواهد کرد، اما در نهایت در مسیر خود ارتش روم را پیدا 18a با اصطلاح «رهبر» نام‌گذاری شده است. این به این دلیل است که Dan.9:26 می‌کند، که در اینجا در رم هنوز یک جمهوری است که ارتش‌های خود را در عملیات‌های آرام‌سازی عضلانی تحت هدایت نمایندگان که نماینده قدرت سناتورها و مردم، مردم هستند، می‌فرستد. گذار به حکومت امپراتوری این نوع سازمان نظامی را تغییر خواهد داد. این رهبر به نام لوسیوس سپیون معروف به آفریقای، پادشاه آنتیوخوس خطر رویارویی با او را پذیرفت و در نبرد مگنیزیا در سال 189 شکست خورد و محکوم شد به عنوان غرامت جنگی بدهی هنگفتی به مبلغ 15000 تالنت به روم بپردازد. علاوه بر این، کوچکترین پسر او، آنتیوخوس 4 اپیفانس آینده، آزاردهنده یهودیان که در آیه 31 "فاجعه" پیشگویی شده در Dan.10:1 را برآورده خواهد کرد، توسط رومیان گروگان گرفته می‌شود.

Dan 11:19 سپس به دژهای کشور خود خواهد رفت. و لغزش خواهد کرد و سقوط خواهد کرد و دیگر پیدا نخواهد شد.

رویاهای فتح با مرگ پادشاه به پایان رسید و پسر ارشد او سلوکوس 4 (-187-175) جایگزین الف-19 شد.

Dan 11:20 هر کس که جایگزین او شود، یک کشنده را به زیباترین قسمت پادشاهی خواهد آورد، اما در چند روز او شکسته خواهد شد، نه با خشم یا جنگ.

پادشاه برای تسویه بدهی به رومیان، وزیر خود هلیودوروس را به اورشلیم می‌فرستد تا الف-20 گنجینه‌های معبد را تصرف کند، اما قربانی رؤیایی وحشتناک در معبد، این پروژه ترسناک را رها می‌کند. این کاوشگر هلیودوروس است که سپس سلوکوس 4 را که او را مأمور ماموریتش به اورشلیم

کرده بود، ترور خواهد کرد. نیت ارزش عمل را دارد و خداوند او را با مرگ رهبرش که به قتل رسید، نه بر اثر خشم مرد و نه جنگ، تاوان این هتک حرمت به معبد مقدسش را داد.

مردی که در رؤیای مصیبت بزرگ تصویر شده است *Antiochos 4*

مرد تحقیر شده جای او را خواهد گرفت، بدون اینکه ملیس به کرامت سلطنتی باشد. او در *Dan 11:21* میان صلح ظاهر خواهد شد و پادشاهی را با دسیسه تصرف خواهد کرد. این آنتیوخوس، کوچکترین پسر آنتیوخوس 3 است. اسپر و گروگان رومیان، می توانیم تأثیرات الف-21 ایجاد شده در شخصیت او را تصور کنیم. پس از پادشاه شدن، او باید انتقام زندگی را بگیرد. علاوه بر این، اقامت او با رومیان باعث تفاهم خاصی با آنها شد. رسیدن او به تاج و تخت شام میتنی بر دسیسه است، زیرا پسر دیگری به نام دیمتریوس بزرگتر بر او اولویت داشت. وقتی دید که دمتریوس با پرسئوس، پادشاه مقدونیه، دشمن رومیان، پیمان بست، رومیان از دوستشان آنتیوخوس حمایت کرد و بر تخت نشست.

Dan 11:22 و لشکرهایی که مانند جویبار ریخته می شوند، در برابر او غرق خواهند شد و نابود خواهند شد، حتی به عنوان امیر عهد.

لشکریانی که چون سیلابی پراکنده می شوند در برابر او غوطه ور می شوند و نابود می شوند. الف-22

خصوصیت با ششمین "جنگ سوریه" (-170-168) از سر گرفته شد.

اجازه دادند که جنگ پدرش علیه اردوگاه زشت مصر را از *Antiochos 4* این بار رومیان به سر بگیرد. او هرگز سزاوار نماد گناه خود نبوده است، یونانی در این زمینه درست است. بلکه حقایق را قضاوت کنید، همانطور که خداوند در آن زمان انجام داد. در اردوگاه لاگید، بطلمیوس 6 به طور محارم با آنها *Physcon* با خواهرش کلئوپاترا 2 ازدواج کرده است. برادر کوچکتر آنها بطلمیوس 8 معروف به مرتبط است. سپس می توانیم بفهمیم که چرا خدا به آنتیوخوس اجازه می دهد ارتش آنها را در هم بکوبد. و همچنین رهبر اتحاد ب-22.

منلائوس، همکار سلوکیان، به مقام کاهن اعظم قانونی او نیاس طمع می ورزد، او را به دست آندرونیوکوس ترور می کند و جای او را می گیرد. آیا این هنوز اسرائیل خداست؟ در این درام، خدا شروع به یادآوری اعمالی می کند که روم در طول قرن ها انجام خواهد داد. در واقع، روم امپراتوری مسیحا را خواهد کشت و روم پاپ طمع خواهد کرد و کشیشی همیشگی او را خواهد گرفت، درست همانطور که منلائوس او نیاس را به جای او کشت.

و بعد از اینکه به او ملحق شد، فریب خواهد داد. او به راه خواهد افتاد و با افراد کمی *Dan 11:23* دست برتر را خواهد داشت.

آنتیوخوس با همه ائتلاف می کند و در صورتی که به نفع او باشد آماده است آنها را بشکند. این الف-23 شخصیت به تنهایی تصویری از تاریخ پادشاهان فرانسه و اروپاست. اتحادها ایجاد شد، اتحادها شکسته شد و جنگ های خونین با دوره های کوتاه صلح آمیخته شد.

اما این آیه نیز با قرائت مضاعف ادامه می دهد تا طرحی از رژیم پاپی که 120 سال مقدسین را مورد آزار و اذیت قرار می دهد به ما ارائه دهد. زیرا پادشاه یونان و پاپر بسیار شبیه هم هستند: فریب و نیرنگ در هر دو.

او با صلح به حاصلخیزترین مکانهای استان وارد خواهد شد. او کاری را انجام خواهد داد *Dan 11:24* که پدرانش و پدرانش انجام نداده اند. او غنائم و غنایم و ثروت را تقسیم خواهد کرد. او پروژه هایی را علیه قلعه ها خواهد ساخت، و این برای مدت معینی.

بدهی هنگفتی که به رومیان دارد باید پرداخت شود. به این منظور، آنتیوخوس 4 از استان های الف-24 خود و بنابراین مردم یهودی که بر آنها تسلط دارد مالیات می گیرد. او جایی را که کاشته نکرده است می گیرد و مردم برده ای را که تحت سلطه او قرار گرفته اند از ثروتشان خلع می کند. او هدف خود را که فتح مصر با قلاب یا کلاهبردار بود، رها نکرد. و برای اینکه توسط سربازانش قدردانی شود و حمایت آنها را جلب کند، غنائم را با سربازانش تقسیم می کند و خدایان یونانی خود را که یکی از اصلی ترین آنها: زئوس المپیا، خدای خدایان اساطیر یونانی است، با شکوه تجلیل می کند.

در قرائت مضاعف، رژیم پاپ روم نیز به همین ترتیب عمل خواهد کرد. از آنجا که او ذاتاً ضعیف است، باید بزرگان پادشاهی را اغوا و غنی کند تا توسط آنها و نیروهای مسلح آنها شناخته شود و مورد حمایت قرار گیرد.

دان 11:25 در رأس لشکر بزرگی از قدرت و آتش خود علیه پادشاه جنوب استفاده خواهد کرد. و پادشاه جنوب با لشکری متعدد و بسیار قدرتمند وارد جنگ خواهد شد. اما او مقاومت نخواهد کرد، زیرا نقشه های شیطانی علیه او طراحی خواهد شد.

در - 170، آنتیوخوس 4 پلوسیم را ربود و تمام مصر را به جز پایتخت آن اسکندریه الف- 25 تصرف کرد.

کسانی که از سفره او می خوردند او را هلاک خواهند کرد. لشکریان او مانند یک سیلاب **Dan 11:26** گسترده خواهند شد و مردگان به تعداد زیادی سقوط خواهند کرد.

بطلمیوس 6 سپس با عمویش آنتیوخوس 4 وارد مذاکره می شود. او به اردوگاه سلوکیان می - 26a پیوندد. اما با مخالفت مصریان، برادرش بطلمیوس 8 در اسکندریه جایگزین او شد، بنابراین خانواده اش که از سفره او غذا می خوردند، به او خیانت کردند. جنگ ادامه دارد و کشته ها به تعداد زیادی سقوط می کنند.

دان 11:27 هر دو پادشاه به دنبال بدی در دل خود خواهند بود و در یک سفره به دروغ سخن خواهند گفت. اما این موفق نخواهد شد، زیرا پایان آن تا زمان مقرر فرا نخواهد رسید.

شکست می خورد. رابطه او با برادرزاده اش بطلمیوس 4 6 Antiochos بار دیگر دسیسه های - 27a که به او پیوست بر اساس فریب است.

اما این کار به نتیجه نمی رسد، زیرا پایان فقط در وقت مقرر فرا می رسد ب- 27.

چه هدفی صحبت می کند؟ در حقیقت، چندین پایان و اولاً پایان جنگ بین آنتیوخوس 3 و برادرزاده ها و خواهرزاده مصری او را نشان می دهد. این پایان نزدیک است پایان های دیگر مربوط به مدت 1260 سال سلطنت پاپ در دان 6:12 و 7 و زمان پایان آیه 40 فصل جاری است که شاهد تحقق جنگ جهانی سوم است که زمینه را برای جنگ آماده می کند. آخرین فاجعه بزرگ جهانی زمان آخر « که در آیه 40 ذکر شده است، ندارد، همانطور که کشف و نشان خواهیم داد.

ساختار این فصل از نظر ظاهری هوشمندانه فریبنده است.

او با ثروت فراوان به سرزمین خود باز خواهد گشت. او در دل با اتحاد مقدس دشمنی می **Dan 11:28** کند، بر خلاف آن عمل می کند، سپس به کشورش باز می گردد.

با ثروت فراوان به کشور خود باز خواهد گشت الف- 28.

آنتیوخوس 4 که مسئول ثروتی که از مصریان گرفته شده بود به انطاکیه باز می گردد و بطلمیوس 6 را که نیمی از مصر فتح شده را به عنوان پادشاه قرار داده است، پشت سر می گذارد. اما این نیمه پیروزی شاه ناراضی را عصبانی می کند.

آزردگی پادشاه، یهودیان را هدف خشم او قرار داد. همچنین با مراجعه به منزل آنها مقداری از ب- 28. این عصبانیت را بر سر آنها خالی می کند اما آرام نمی گیرد.

در وقت معین او دوباره به سمت جنوب خواهد رفت. اما این بار آخر همه چیز مثل قبل **Dan 11:29** اتفاق نخواهد افتاد.

و.ارد سال مصیبت بزرگ می شویم الف- 29.

در - 168، آنتیوخوس متوجه شد که برادرزاده هایش دوباره علیه او آشتی کرده اند، بطلمیوس 6 با برادرش بطلمیوس 8 صلح کرد. سرزمین های فتح شده مصر به اردوگاه مصر بازگشتند. بنابراین او... بار دیگر به مبارزه علیه برادرزاده هایش می رود و مصمم به شکستن همه مقاومت ها است، اما

کشتی های کیتیم علیه او خواهند آمد. ناامید شده، به عقب برمی گردد. سپس، خشمگین از **Dan 11:30** اتحاد مقدس، بی عمل نخواهد ماند. پس از بازگشت به کسانی که عهد مقدس را ترک کرده اند می نگرند.

کشتی های کیتیم علیه او پیشروی خواهند کرد - 30a.

بنابراین روح ناوگان رومی را بر اساس جزیره فعلی قبرس تعیین می کند. از آنجا مردمان دریای مدیترانه و مردم ساحلی آسیا را کنترل می کنند. پس از اینکه پدرش آنتیوخوس 3 با وتوی رومی دایره Popilius Laenas مواجه شد. او دچار خواری می شود که او را به خشم می آورد. قاضی رومی ای بر روی زمین در اطراف پای خود می کشد و به او دستور می دهد که آن را ترک نکند مگر اینکه

تصمیم بگیرد با روم بجنگد یا از آن اطاعت کند. آنتیوخوس، گروگان سابق، درسی را که به پدرش داده شده آموخته است و باید از فتح مصر که به طور کامل تحت حمایت روم قرار گرفته بود صرف نظر کند. در این زمینه خشم انفجاری، او می‌آموزد که یهودیان، با ایمان به مرده‌ها، شادی می‌کنند و جشن می‌گیرند. آنها به طرز وحشتناکی یاد خواهند گرفت که او هنوز بسیار زنده است.

لشکریان به فرمان او خواهند آمد. حرم، دژ را هتک حرمت خواهند کرد، قربانی‌دائمی را **Dan 11:31** پایان خواهند داد، و زشتی‌های ویرانگر (یا ویرانگر) را برپا خواهند کرد.

این آیه حقایق مربوط به شرح آخرالزمان اول مکی را تأیید می‌کند: 1: 43-44-45: الف- 31 سپس پادشاه آنتیوخوس به تمام پادشاهی خود نوشت تا همه یک قوم شوند و هر یک از شریعت خاص خود دست بکشند. همه ملت‌ها به این فرمان پادشاه آنتیوخوس رضایت دادند، و بسیاری در اسرائیل به این اسارت رضایت دادند، برای بت‌ها قربانی کردند و سبت را شکستند (نجس کردند). ما در این توصیف آزمایش‌هایی را می‌یابیم که دانیال و سه همراهش در بابل تجربه کردند. و خدا در اول مکابیان، شرحی از آخرین مصیبت بزرگی که ما که در مسیح زنده هستیم، درست قبل از بازگشت در جلال عیسی مسیح، با آن روبرو خواهیم شد، به ما ارائه می‌کند. بین زمان ما و یهودیان مکابی، مصیبت بزرگ دیگری باعث شد که قدیسان عیسی مسیح به مدت 120 سال از دنیا بروند.

قربانی‌دائمی را پایان خواهند داد و زشتی‌های ب- محراب و دژ را هتک حرمت خواهند کرد، 31 ویرانگر (یا ویرانگر) را برپا خواهند کرد.

این اقدامات در این شهادت تاریخی که توسط مورخ یهودی و رومی ژوزفوس ثبت شده است تأیید خواهد شد. اهمیت موضوع آن را توجیه می‌کند، بنابراین اجازه دهید به این شهادت نگاه کنیم که در آن جزئیاتی مشابه قانون یکشنبه آخرین روزهای اعلام شده توسط رژیم جهانی تشکیل شده توسط یازماندگان جنگ جهانی سوم را می‌یابیم.

تا 64 آمده است Macc.1:41 در اینجا یک نسخه اولیه از 1

: سپس پادشاه دستور داد که همه در امپراتوری او یک قوم شوند *Ima 1:41*

همه باید آداب و رسوم خود را کنار می‌گذاشتند. همه مشرکان تسلیم دستور پادشاه شدند *Ima 1:42*

و حتی در اسرائیل بسیاری از مردم از پرستش او استقبال کردند: آنها برای بت‌ها قربانی می‌کردند *Ima 1:43*

پادشاه قاصدانی را به اورشلیم و شهرهای یهودا فرستاد تا دستورات خود را در آنجا انجام دهند *Ima 1:44*

تا از قربانی‌های سوختنی معبد، قربانی‌ها و هدایای نوشیدنی دست بردارید. سبت‌ها و اعیاد *Ima 1:45*، باید بی‌حرمتی می‌شدند،

مقدس و هر آنچه مقدس است نجس کنید *Ima 1:46*

مای 1:47 محرابها و عبادتگاهها و معابد را برای بت‌ها برافراشته و خوکها و حیوانات ناپاک را ذبح می‌کند

آنها باید پسران خود را ختنه نشده رها می‌کردند و به این ترتیب خود را با انواع ناخالصی‌ها *Ima 1:48* و اهانت‌ها منفور می‌کردند

در یک کلام، ما باید شریعت را فراموش می‌کردیم و تمام رعایت آن را نادیده می‌گرفتیم *Ima 1:49*

هرکسی که دستورات پادشاه را اطاعت نکرد باید اعدام شود *Ima 1:50*

نامه‌های پادشاه به این ترتیب در سراسر پادشاهی او ارسال شد. او ناظرانی را بر تمامی مردم گماشت و به تمامی شهرهای یهودا دستور داد که قربانی کنند *Ima 1:51*

بسیاری از مردم، همه کسانی که شریعت را ترک کردند، اطاعت کردند. در زمین بد کردند *Ima 1:52*، اسرائیل را مجبور به پناه بردن می‌کند *Ima 1:53*

در روز پانزدهم ماه کیسلئو، در سال 145، پادشاه جهل ویرانی را بر مذبج قربانیهای *Ima 1:54* سوختنی برپا کرد و در شهرهای مجاور یهودا مذبج برپا کردند

در درهای خانه‌ها و میدان‌ها بخور می‌سوزاندند *Ima 1:55*

کتابهای شریعت را پاره کردند و در آتش انداختند *Ima 1:56*

و اگر کتاب عهد در کسی یافت می‌شد، یا کسی از شریعت خدا اطاعت می‌کرد، طبق حکم *Ima 1:57* پادشاه او را می‌کشتند

آنها بنی اسرائیل را که ماه به ماه در شهرهای خود مورد تجاوز قرار گرفته بودند مجازات *Ima 1:58* کردند.

و در 25 هر ماه قربانی‌هایی بر مذبح بالا به جای مذبح قربانی‌های سوختنی تقدیم می‌شد *Ima 1:59*

طبق این قانون، زنانی را که فرزندان خود را ختنه می‌کردند، می‌کشتند *Ima 1:60*

در حالی که نوزادانشان به گردن آویزان است. بستگان آنها و کسانی که ختنه کرده بودند نیز *Ima 1:61* به قتل رسیدند

با وجود همه اینها، بسیاری در اسرائیل وفادار ماندند و آنقدر شجاع بودند که غذاهای ناپاک *Ima 1:62* نخوردند

آنها ترجیح می‌دهند بمیرند تا اینکه با غذاهایی که با عهد مقدس مغایرت دارد خود را نجس *Ima 1:63* کنند و در واقع به قتل رسیدند

این یک آزمایش بزرگ برای اسرائیل بود *Ima 1:64*

در این داستان به آیات 45 تا 47 که قطع نذورات شفاعت همیشگی را تأیید می‌کند و آیه 54 که بر هتک حرمت گواهی می‌دهد توجه کنیم: پادشاه در مذبح قربانی‌های سوختنی، جهل ویرانی را برپا کرد در آن زمان بود که نسلی از گمراهان *Ma 1:11* در منشأ این شرارت‌ها، این ارتداد اسرائیل است: **1** در اسرائیل برخاستند که بسیاری از مردم را پشت سر خود آوردند: «بیایید با امت‌های اطراف خود متحد شویم، زیرا از زمانی که خود را از آنها جدا کرده‌ایم، بدبختی‌های بسیاری رخ داده است. به ما، «بدبختی‌ها از قبل پیامد بی وفایی آنها نسبت به خدا بود و بدبختی‌های بیشتری را با رفتار سرکش خود بر سر خود می‌آوردند.

در این تراژدی خونین، تسلط یونان به خوبی نماد گناه همه جانبه خود را در برنز مجسمه دان و بز متعفن دان. 8. اما هنوز باید به یک جزئیات اشاره کرد. مسؤل Dan.7: توجیه کرد. پلنگ خالدار مأموریت تنبیهی فرستاده شده توسط آنتیوخوس 4 به اورشلیم در - 168 آپولونیوس نامیده می‌شود، و این Apo.9:11 نام یونانی که در زبان فرانسوی به معنای "نابودگر" است توسط روح برای تقبیح در استفاده مخرب انتخاب خواهد شد. کتاب مقدس توسط مسیحیت پروتستان کاذب روز آخر. یا همان کسانی که مصیبت بزرگ نهایی را سازماندهی خواهند کرد. آپولونیوس با 22000 سرباز به اورشلیم آمد و در یک روز سبت، طی یک قیام عمومی تماشایی، تمام تماشاگران یهودی را قتل عام کرد. آنها روز سبت را با این علاقه ناپسند آلوده کردند و خدا آنها را کشت. و خشم او فروکش نمی‌کند زیرا در پشت این واقعیت خونین دستور هلنی شدن یهودیان داده شده است. جرونتس آتنی، نماینده سلطنتی، یونانی کردن عبادت و اخلاق را در اورشلیم مانند سامره به همه مردم تحمیل کرد. معبد اورشلیم سپس به زئوس المپی و معبد کوه گریزیم به زئوس مهمان نواز تقدیم شد. بنابراین ما می‌بینیم که خدا حفاظت خود را از معبد خود، از اورشلیم و از کل ملت بازمی‌دارد. شهر مقدس مملو از خشم است که هر کدام از گذشته نفرت انگیزتر است. اما این فقط خواست خدا بود که اعمال شد، آرامش اخلاقی و مذهبی پس از هشدار تبعید به بابل بسیار عالی بود

دان 11:32 او خائنان به عهد را با چاپلوسی فریب خواهد داد. اما کسانی از مردم که خدای خود را می‌شناسند، استقامت خواهند کرد

خائنان ائتلاف را با چاپلوسی اغوا می‌کند الف-32

این تصریح مؤید آن است که عذاب الهی مستحق و موجه بوده است. در اماکن مقدس، هتک حرمت به یک امر عادی تبدیل شده بود.

اما کسانی از مردم که خدای خود را می‌شناسند با قاطعیت عمل می‌کنند ب-32

در این فاجعه، مؤمنان صمیمی و شایسته به وفاداری خود متمایز شدند و به جای چشم پوشی از تکریم خدای خالق و احکام مقدس او، شهادت را ترجیح دادند

بار دیگر، در قرائت دوم، این تجربه خونین 1090 روز واقعی شبیه شرایط سلطنت پاپ در پیشگویی شده 14-Rev.12:6 و 7:12، 25:7-Dan.7:1260 روز-سال است که به شکل‌های متوالی در است. 2:11-3; 5:13

نگاهی به رویدادهای جاری در زمینه دوران باستان

برای اینکه به وضوح بفهم چه اتفاقی دارد می‌افتد، تصویر فیلم‌برداری را می‌گیرم که با دوربینش صحنه‌ای را که از نزدیک دنبال می‌کرد فیلم می‌گیرد. در این مرحله او در حالی که ارتفاع می‌گیرد بزرگنمایی می‌کند و میدان مشاهده شده بیشتر و بیشتر گسترده می‌شود. به طوری که وقتی به تاریخ دینی اطلاق می‌شود، نگاه روح بر کل تاریخ دینی مسیحیت نظارت می‌کند، از آغاز کوچک آن، ساعات رنج آن، زمان شهدا تا پایان باشکوه آن که با بازگشت منجی مورد انتظار مشخص می‌شود. دان 11:33 و دانترین آنها بسیاری را تعلیم خواهد داد. عده ای هستند که برای مدتی تسلیم شمشیر و شعله و اسارت و غارت می‌شوند.

و دانترین آنها به مردم تعلیم خواهد داد الف-33

حواریون عیسی مسیح و همچنین پولس طرسوس که 14 رساله عهد جدید را مدیون او هستیم. این دستور دینی جدید نام «انجیل» یا بشارت نجاتی دارد که فیض الهی به برگزیدگان ارائه می‌کند. به این ترتیب، روح ما را در زمان به جلو می‌برد و هدف جدید مورد بررسی، ایمان مسیحی می‌شود.

عده ای هستند که برای مدتی تسلیم شمشیر و شعله و اسارت و غارت می‌شوند ب-33

برای مدتی روح از طریق فرشته گفت و این زمان 1260 سال طولانی خواهد بود، اما در زمان برخی از امپراطوران روم، کالیگولا، نرون، دومیتیان و دیوکلتیان، مسیحی بودن به این معنی بود که باید به عنوان یک شهید بمیرد. در مکاشفه 13:10، روح زمان شکنجه‌های رومی پاپ را به یاد می‌آورد و می‌گوید: اگر کسی اسیر شود، به اسارت خواهد رفت. اگر کسی با شمشیر بکشد، باید با شمشیر کشته شود. این استقامت و ایمان اولیای الهی است.

دان 11:34 در زمانی که شکست می‌خورند، اندکی به آنها کمک می‌شود و بسیاری با ریا به آنها خواهند پیوست.

به راستی در این دوران تسلط ظالمانه پاپ است که یاری منافقان این آیه ظاهر شد. شناسایی 34a- آنها بر اساس بی توجهی آنها به ارزش ها و دستورات آموزش داده شده توسط عیسی مسیح و در این مورد برای این دوره هدفمند، ممنوعیت کشتن با شمشیر است. با مرور مجدد تاریخ، می‌توانید بفهمید که جنبش گسترده پروتستان از قرن پانزدهم تا زمان ما توسط قاضی عادل عیسی مسیح ریاکارانه ارزیابی شد. بنابراین درک و پذیرش کامل آنها از سال 1843 آسان تر خواهد بود.

دان 11:35 برخی از حکیمان از بین خواهند رفت تا تا زمان آخر پاک، تطهیر و سفید شوند، زیرا تا زمان مقرر نخواهد آمد.

برخی از حکیمان سقوط می‌کنند تا پاک و پاکیزه و سفید شوند تا آخر الزمان الف-35

با قضاوت از این بیان، معیار زندگی مسیحی آزمایش و انتخاب است، به دلیل توانایی تحمل و تحمل آزار و اذیت تا پایان جهان. به این ترتیب انسان مدرن که به صلح و مدارا عادت کرده است دیگر چیزی نمی‌فهمد. او زندگی خود را در این پیام ها نمی‌شناسد. به همین دلیل است که توضیحاتی در مورد این موضوع در مکاشفه 7 و 9: 5-10 داده خواهد شد. یک دوره طولانی صلح مذهبی 150 سال واقعی یا "پنج ماه نبوی" از سوی خداوند برنامه ریزی شده بود، اما از سال 1995 این دوره به پایان رسید و جنگ های مذهبی دوباره شروع شد. اسلام در فرانسه و جاهای دیگر در سراسر جهان می‌کشد. و قرار است عمل آن تشدید شود تا اینکه تمام زمین را شعله ور سازد.

زیرا فقط در وقت مقرر می‌رسد ب-35

این پایان جهان خواهد بود و فرشته به ما می‌گوید که هیچ نشانه ای از صلح یا جنگ به کسی اجازه نمی‌دهد که آن را ببیند. این به یک عامل بستگی دارد: « زمان مشخص شده » توسط خدا، پایان 6000 سالی که او به انتخاب برگزیدگان زمینی اختصاص داده است. و به این دلیل است که ما کمتر از ده سال از این دوره فاصله داریم که خداوند به ما فیض داده است که تاریخ را بدانیم: 20 مارس بهار که قبل از 3 آوریل 2030 است، یعنی 2000 سال بعد از مرگ کفار مسیح. او برای نجات برگزیدگانش و نابودی شورشیان قاتل که قصد کشتن آنها را داشتند، قدرتمند و پیروز به نظر می‌رسد.

یرژیم پایی کاتولیک روم "مسیحی": آزار دهنده بزرگ تاریخ دینی جهان غرب

باید ما را هدایت کند. تیپ آنتی تایپ خود را آماده کرده است و Antiochos 4 به سمت اوست که مدل در مورد این مقایسه چه می‌توان گفت؟ مطمئناً در مقیاسی خارق‌العاده، آزار دهنده یونانی 1090 روز

واقعی عمل کرد، اما پاپری تقریباً برای 1260 سال واقعی خشم خواهد داشت، بنابراین از همه مدل‌های تاریخی پیشی می‌گیرد.

Dan 11:36 پادشاه هر چه بخواهد انجام خواهد داد. او خود را تجلیل خواهد کرد، از همه خدایان شکوه خواهد کرد، و سخنان باورنکردنی بر ضد خدای خدایان خواهد گفت. تا زمانی که غضب تمام شود رستگار می‌شود، زیرا آنچه مقدر شده است محقق می‌شود.

کلمات این آیه مبهم باقی مانده و همچنان می‌توان آن را با پادشاه یونان و پادشاه پاپ روم تطبیق الف-36 داد. ساختار آشکار نبوت باید به دقت از خوانندگان سطحی پنهان شود. با این وجود، یک جزئیات کوچک هدف پاپی را مشخص می‌کند. این دقت است: زیرا آنچه تصمیم گرفته می‌شود محقق خواهد شد. این نقل قول تکرار می‌شود. دان. 9:26: پس از شصت و دو هفته، یک مسح شده قطع خواهد شد و او چیزی برای خود نخواهد داشت. قوم فرمانروایی که بیاید شهر و عبادتگاه مقدس را ویران خواهند کرد و عاقبتشان مانند سیل خواهد بود. تصمیم گرفته می‌شود که ویرانی‌ها (یا ویرانی‌ها) تا پایان جنگ ادامه داشته باشد.

او به خدایان پدران خود احترام نخواهد گذاشت و نه خدایی را که از زنان لذت می‌برد. او **Dan 11:37** به هیچ خدایی توجهی نخواهد کرد، زیرا او خود را بیش از همه جلال خواهد داد.

به خدایان پدران احترام نمی‌گذارد الف-37

این همان جزئیات کوچکی است که هوش ما را روشن می‌کند. ما در اینجا مدرک رسمی داریم که پادشاهی که توسط سخنان او هدف قرار گرفته است نمی‌تواند آنتیوخوس 4 باشد که به خدایان پدران و از جمله بزرگترین آنها، زئوس، خدای خدایان المپ، که معبد یهودی در اورشلیم را به او تقدیم کرد، توجه داشت. بنابراین، ما به شواهد غیرقابل انکاری دست می‌یابیم که پادشاه مورد هدف در واقع رژیم پاپی روم در دوران مسیحیت است. بنابراین، از این پس، همه سخنان آشکار شده مربوط به این پادشاه متفاوت از دان. 7 و گستاخ و حيله گر از دان. 8 خواهد بود. اضافه می‌کنم، این پادشاه ویرانگر یا ویرانگر دان. 9:27. "مراحل موشک" همگی سر را پشتیبانی می‌کنند مردی پاپ، کوچک و متکبر که در راس سلطه قرار گرفته است.

آیا روم پاپ به خدایان پدران خود احترام می‌گذاشت؟ رسماً خیر، زیرا گرویدن او به مسیحیت باعث شد تا نام خدایان رومی بت پرست را کنار بگذارد. با این حال، او اشکال و سبک عبادت خود را حفظ کرد: تصاویر حکاکی شده، حجاری شده یا قالب‌گیری شده که در برابر آنها عبادت‌کنندگان برای دعا کردن خم می‌شوند و زانو می‌زنند. او برای حفظ این رفتاری که توسط خدا در تمام قوانینش محکوم شده بود، کتاب مقدس را برای انسان‌های معمولی غیرقابل دسترس کرد و دومین فرمان از ده فرمان خدای زنده را حذف کرد زیرا این عمل را ممنوع می‌کند و مجازات برنامه ریزی شده برای متخلفان را آشکار می‌کند. چه کسی می‌تواند بخواهد مجازاتی را که انجام داده است پنهان کند، اگر شیطان نباشد؟ بنابراین شخصیت رژیم پاپی در چارچوب تعریف ارائه شده در این آیه قرار می‌گیرد.

و نه به الوهیتی که زنان را شاد می‌کند ب-37

روح خدا با اندیشیدن به دین روم بت پرست که توسط پاپری رها شده است، این موضوع کثیف را تداعی می‌کند. زیرا او برای نشان دادن ارزش‌های قدوسیت به میراث جنسی خود پشت کرد. این خدای پیشنهادی پریاپوس است، فالوس نر که توسط پدران کلیسای بت پرست رم به عنوان الوهیت مورد احترام قرار می‌گیرد. این هنوز میراثی از گناه یونانی بود. و برای شکستن این میراث جنسی، بیش از حد از پاک‌سازی جسم و روح دفاع می‌کند.

اما او خدای دژها را بر روی پایه خود گرامی خواهد داشت. این خدایی را که پدران **Dan 11:38** نمی‌شناختند، با طلا و نقره و با سنگ‌های قیمتی و اشیای قیمتی ادای احترام خواهد کرد.

با این حال خدای دژها را بر پایه خود گرامی خواهد داشت الف-38

خدای بت پرست جدیدی متولد شد: خدای دژها. پایه آن در ذهن انسان است و ارتفاع آن به اندازه تصور ایجاد شده است.

روم بت پرست معابد بت پرستی را ساخته است که به روی همه بادهای باز است. سرپنجره‌های پشتیبان شده توسط ستون‌ها کافی بود. اما هدف رم با پیوستن به مسیحیت جایگزینی الگوی نابود شده یهودی است. یهودیان یک معبد بسته در ظاهر قدرتمند داشتند که به آنها شکوه و اعتبار می‌بخشید. بنابراین رم

از او تقلید می کند و به نوبه خود کلیساهای رومی را شبیه قلعه های مستحکم می سازد، زیرا نامنی حاکم است و ثروتمندترین اربابان خانه های خود را مستحکم می کنند. رم هم همین کار را می کند. کلیساهای خود را تا زمان کلیساها به سبکی سخت می ساخت و در آنجا همه چیز تغییر کرد. سقف های گرد تبدیل به فلش هایی می شوند که رو به آسمان هستند و این بالاتر و بالاتر می رود. نماهای بیرونی ظاهر توری به خود می گیرند، آنها با شیشه های رنگی از همه رنگ ها غنی شده اند که نوری رنگین کمائی را به داخل می آورند که جشن ها، پیروان و بازدیدکنندگان را تحت تاثیر قرار می دهد. این خدایی را که پدرانش نمی شناختند، با طلا و نقره و با سنگ های قیمتی و اشیای قیمتی ادای ب-38 احترام خواهد کرد.

برای جذابتر کردن آن ها، دیوارهای داخلی با طلا، نقره، مرواریدهای گرانبها، اشیاء می داند چگونه خود را برای جذب و جذب Rev.17:5 گران قیمت تزئین شده اند: بابل فاحشه بزرگ مشتریانش به نمایش بگذارد.

خدای واقعی به خود اجازه نمی دهد که اغوا شود زیرا این عظمت برای او سودی ندارد. او در پیشگویی خود این روم پاپی را که هرگز کوچکترین رابطه ای با آن نداشته است، تقبیح می کند. برای او، کلیساهای رومی یا گوتیک و فقط الوهیت های بت پرستی هستند که فقط برای اغوای افراد روحانی که از او دور می شوند خدمت می کنند: خدای جدیدی متولد می شود: خدای دژها و او بسیاری را اغوا می کند که معتقدند خدا را در حال ورود به دیوارهای آن یافته اند. زیر سقف های نامتناسب بلند

دان 11:39 با خدای بیگانه است که بر ضد اماکن مستحکم عمل می کند و با خدای بیگانه بر استحکامات قلعه ها کار می کند و کسانی را که او را می شناسند پر افتخار می کند، آنها را بر بسیاری مسلط می کند، زمین ها را تقسیم می کند. به آنها برای پاداش و با خدای بیگانه بر استحکامات دژها کار کرد الف-39

برای خدا، تنها یک خدای فعال در برابر او قرار دارد، یعنی چه کسی برای او بیگانه است: این شیطان است، شیطان که عیسی مسیح به رسولان و شاگردانش هشدار داد. در متن عبری، مسئله «عمل علیه» نیست، بلکه «انجام دادن» مطرح است. همین پیام در مکاشفه 13:3 به این صورت خوانده می شود: Rev.12:9 ... از دها قدرت و تاج و تخت خود و اقتدار بزرگ را به او داد. از دهایی که شیطان در است Rev.12:3 اما در عین حال امپراتوری روم مطابق

بعلاوه، با گرویدن به دین مسیحی، قدرت رومی، خدای واقعی را پذیرفت که با آن بیگانه بود، زیرا در اصل خدای یهودیان، عبرانیان از فرزندان ابراهیم بود و کسانی را که او را می شناسند پر از افتخار خواهد کرد b-39

این افتخارات دینی است. پاپی برای پادشاهانی که او را به عنوان نماینده خدا بر روی زمین می شناسند، مهر قدرت الهی را برای اقتدار خود به ارمغان می آورد. پادشاهان تنها زمانی واقعاً پادشاه می شوند که کلیسا آنها را در یکی از قلعه های خدایی خود در فرانسه، سنت دنیس و ریمز تقدیس کند.

آنها را بر بسیاری مسلط خواهد کرد ج-39 پوپری عنوان امپراتوری را اعطا می کند که نشان می دهد پادشاهی زمامدار بر دیگر پادشاهان رعیت تسلط دارد. معروف ترین ها: شارلمانی، چارلز پنجم، ناپلئون اول، هیتلر

زمین را به عنوان پاداش بین آنها تقسیم می کند د-39 این ابرقدرت زمانی زمینی و آسمانی، به ادعای او، به خوبی برای پادشاهان زمین مناسب بود.

زیرا او اختلافات آنها را به ویژه در مورد سرزمین های فتح شده یا کشف شده حل کرد. اینگونه بود که در سال 1494، الکساندر 6 بوریجا، بدترین پاپ، یک قاتل در مقام، هدایت شد تا خط نصف النهار را تعیین کند تا بین اسپانیا و پرتغال انتساب و مالکیت قلمرو آمریکای جنوبی را که از دوران باستان دوباره کشف شده بود، تقسیم کند.

Rev.9 جنگ جهانی سوم یا شیپور ششم

بشریت را یک سوم از جمعیت خود کاهش می دهد و با پایان دادن به استقلال ملی، رژیم جهانی را آماده را ایجاد خواهد کرد. از جمله بازیگران متجاوز، Apo.1 می کند که فاجعه بزرگ نهایی اعلام شده در اسلام در کشورهای مسلمان است، بنابراین من دیدگاه کتاب مقدس را در مورد این موضوع به شما پیشنهاد می کنم.

نقش اسلام

اسلام وجود دارد زیرا خداوند به آن نیاز دارد. نه برای نجات، این نقش منحصرأ بر فیض عیسی مسیح استوار است، بلکه برای ضربه زدن، کشتن، قتل عام دشمنانش است. قبلاً، در عهد قدیمی، برای مجازات کفر اسرائیل، خدا به مردم «فلسطینی» متوسل شده بود. او در داستان برای مجازات کفر مسیحی به مسلمانان متوسل می شود. در اصل مسلمانان و اعراب اسماعیل پسر ابراهیم و هاجر خادم مصری ساره همسرش است. و در آن زمان اسماعیل با اسحاق پسر مشروع اختلاف داشت. این امر به حدی است که با موافقت خداوند به درخواست ساره، هاجر و اسماعیل توسط ابراهیم از اردوگاه بیرون رانده شدند. و خداوند از مردم رانده شده مراقبت کرد که فرزندانانشان، برادران ناتنی، رفتاری خصمانه نسبت به نسل ابراهیم داشتند. اول، یهودی؛ دوم، در عیسی مسیح، مسیحی. این است که چگونه خدا در مورد اسماعیل و فرزندان عرب او در پیدایش 16:12 پیشگویی کرد: « او مانند الاغ وحشی خواهد بود. دست او بر همه خواهد بود و دست همه بر او خواهد بود. و در مقابل تمامی برادران خود ساکن خواهد شد. » خدا می خواهد افکار و قضاوت خود را در مورد چیزها آشکار سازد. برگزیدگان مسیح باید این طرح خدا را بشناسند و در میان بگذارند که از مردم و قدرت های زمین بر اساس اراده عالی خود استفاده می کند. لازم به ذکر است که محمد پیامبر، بنیانگذار اسلام، در پایان قرن ششم^{بی} از تأسیس پاپری کاتولیک رومی در سال 538 به دنیا آمد. به نظر می رسد که اسلام به کاتولیک بت پرست و عموماً مسیحیان در زمانی که لعنت خدا بر آنها ضربه می زند حمله می کند. . و این مورد از 7 مارس 321 بوده است، زیرا امپراتور کنستانتین اول باعث شد تا استراحت روز هفتم سبت به نفع اولین روز اختصاص داده شده به یکشنبه فعلی ما، رها شود. کنستانتین مانند بسیاری از (Sol Invictvs) "خورشید تسخیر نشده مسیحیان امروزی به اشتباه می خواست بین مسیحیان و یهودیان گسست ایجاد کند. او مسیحیان زمان خود را به خاطر یهودیت با احترام به سبت مقدس خدا مورد انتقاد قرار داد. این قضاوت ناروا که از سوی یک پادشاه بت پرست صادر شده بود، تا پایان با مجازات « هفت شیپور » نازل شده در مکاشفه 8 و 9، یعنی توالی بی وقفه بدبختی ها و تراژدی ها پرداخت شد. زمانی که عیسی مسیح برگزیدگان خود را از روی زمین حذف می کند، مجازات نهایی به شکل سرخوردگی و حشتناک خواهد بود. اما موضوعی که اخیراً به آن پرداخته شد، موضوع «جنگ جهانی سوم»، خود ششمین مجازات الهی است که اسلام در آن نقش مهمی دارد. زیرا خدا در مورد اسماعیل نیز نبوت کرده است و در پیدایش 17:20 می گوید: « درباره اسماعیل، من تو را شنیده ام. اینک من او را برکت خواهم داد و بارور خواهم کرد و او را بسیار زیاد خواهم کرد. او دوازده شاهزاده خواهد آورد و من او را قومی بزرگ خواهم ساخت. » من این پرانتز را از سر بگیرم Dan. 11:40 می بندم تا مطالعه را در

در زمان پایان، پادشاه جنوب او را خواهد زد. و پادشاه شمال با ارابه ها و سواران و **Dan 11:40** کشتی های بسیار بر او مانند طوفان خواهد چرخید. به داخل زمین می رود و چون سیلابی گسترش می یابد و طغیان می کند

الف- 40 در وقت ختم

این بار در واقع پایان تاریخ بشریت است. پایان زمان ملل کنونی زمین. عیسی این بار را اعلام کرد و در متی 24:24 گفت: این بشارت پادشاهی در سراسر جهان موعظه خواهد شد تا شهادتی برای همه ملل باشد. سپس پایان فرا خواهد رسید

ب- 40 پادشاه جنوب به او حمله خواهد کرد

در اینجا ما باید ظرافت عظیم الهی را تحسین کنیم که به بندگان اجازه می دهد آنچه را که از سایر انسان ها پنهان می ماند درک کنند. ظاهراً، اما فقط در ظاهر، درگیری بین شاهان سلوکی و شاهان لاگید از سر گرفته شده و در این بیت ادامه می یابد که گمراه کننده تر از این نمی تواند باشد. زیرا در حقیقت از آیات 34 تا 36 این زمینه را رها کردیم و زمان پایان این تقابل جدید مربوط به دوران مسیحیت رژیم کاتولیک پاپی و پروتستانیسیم جهانی است که وارد اتحاد جهانی خود شد. این تغییر در زمینه ما را ملزم به توزیع مجدد نقش ها می کند

در نقش " او ": اروپای کاتولیک پاپی و ادیان مسیحی متحد آن

در نقش " پادشاه جنوب ": اسلام فاتح که باید انسانها را به زور یا به بردگی درآورد، طبق اقداماتی که بنیانگذار آن محمد رهبری می کند

در زبان عبری «ناگه» به معنای *to collide*; اجازه دهید در اینجا به انتخاب فعل توجه کنیم ضربه زدن با شاخ است. به عنوان یک صفت، یک مهاجم خشمگین را مشخص می کند که معمولاً ضربه می زند. این فعل کاملاً با اسلام عربی که از پایان جنگ جهانی دوم بدون وقفه علیه جهان غرب تجاوز کرده است، مطابقت دارد. افعال ممکن « جنگ کردن، مبارزه کردن، برخورد کردن » نشان دهنده نزدیکی بسیار نزدیک است، از این رو ایده محله ملی یا محله شهرها و خیابان ها به وجود می آید. هر دو احتمال، اسلام را تأیید می کند که به دلیل بی علاقه‌گی مذهبی اروپایی ها در اروپا به خوبی تثبیت شده است. مبارزات پس از بازگشت یهودیان به فلسطین در سال 1948 تشدید شده است. وضعیت اسفبار فلسطینیان، مردم مسلمان را در مقابل استعمارگران مسیحی غربی قرار داده است. و در سال 2021، حملات اسلامگرایان در حال افزایش است و باعث ایجاد ناامنی در بین مردم اروپا، در درجه اول فرانسه، استعمارگر سابق مردم شمال آفریقا و آفریقا می شود. آیا درگیری ملی بزرگتری رخ خواهد داد؟ شاید، اما نه قبل از اینکه اوضاع داخلی به حدی بدتر شود که درگیری های گروه به گروهی وحشیانه در خاک خود کلان شهر ایجاد شود. در آن روز فرانسه در وضعیت جنگ داخلی قرار خواهد گرفت. در واقع، یک جنگ مذهبی واقعی: اسلام علیه مسیحیت یا کافران بدون خدا

. و پادشاه شمال با ارابه‌ها و سواران و کشتی‌های بسیار بر او مانند طوفان می‌چرخد -ج-40 در حزق.1:38، این پادشاه شمال، ماجوج، شاهزاده روش (روسیه) مشک (مسکو) و توبان (توبولسک) نامیده می شود و در آیه 9 می خوانیم: و شما بالا خواهید رفت، مانند یک خواهید آمد. طوفان، تو مانند ابری خواهی بود که زمین را می پوشاند، تو و همه گروهانت و بسیاری از مردم با تو توزیع مجدد نقش ها: در نقش " پادشاه شمال " روسیه ارتدکس و مردمان مسلمان متحد آن. در اینجا او یک حمله غافلگیرکننده ناگهانی از هوا را پیشنهاد می کند. مسکو، *tourera sur* " دوباره انتخاب فعل پایتخت روسیه، در واقع فاصله خوبی با بروکسل، پایتخت اروپا، و پاریس، سر نیزه نظامی آن دارد. شکوفایی اروپا رهبران آن را کور کرده است تا جایی که پتانسیل نظامی روسیه قدرتمند را دست کم گرفته اند. در تجاوزات خود هواپیماها و هزاران تانک را در مسیرهای زمینی و انبوهی از کشتی های جنگی دریایی و زیردریایی پرتاب خواهد کرد. و برای اینکه مجازات قاطعانه بیان شود، این رهبران اروپایی دست از تحقیر روسیه و رهبران آن از ولادیمیر ژیرینوفسکی آتشین گرفته تا «تزار» جدید فعلی اش، ولادیمیر پوتین (ولادیمیر: شاهزاده جهان به روسی) برداشته اند

پس از شناسایی بازیگران، سه «پادشاه» مربوطه با یکدیگر روبرو خواهند شد که به شکل هفتمین «جنگ سوریه» است که در آن اسرائیل ملی جدید درگیر خواهد شد. که آیه زیر آن را تأیید می کند. اما در حال حاضر، «پادشاه» (او) مورد حمله روسیه، اروپای معاهده رم است

برتری به داخل زمین ها پیشروی می کند، مانند سیلاب گسترده می شود و طغیان می کند. -40d نظامی قاطع این کشور به روسیه اجازه می دهد تا به اروپا حمله کند و کل محدوده ارضی آن را اشغال کند. در مقابل آن، نیروهای فرانسوی همتا نیستند. خرد و نابود می شوند

او به زیباترین سرزمین وارد خواهد شد و بسیاری سقوط خواهند کرد. اما ادوم و موآب و Dan 11:41 رؤسای بنی عمون از دست او نجات خواهند یافت

وارد زیباترین کشور خواهد شد و بسیاری تسلیم خواهند شد الف-41 گسترش روسیه به سمت جنوب آن که اسرائیل در آن قرار دارد، متحد کشورهای غربی است

.که به نوبه خود توسط نیروهای روسی مورد تهاجم قرار می گیرد. یهودیان همچنان خواهند مرد اما ادوم و موآب و رئیس بنی عمون از دست او رهایی خواهند یافت -41b

این نتیجه ائتلاف های نظامی است که این نام ها را که نشان دهنده اردن مدرن در سمت روسیه هستند، قرار می دهد. در سال 2021، روسیه متحد رسمی سوریه است که از آن تسلیح و محافظت می کند

و او دست خود را بر کشورهای مختلف دراز خواهد کرد و سرزمین مصر فرار نخواهد Dan 11:42 کرد

تنها از سال 1979 است که این پیکر بندی سیاسی برای تأیید نبوت آمده است. زیرا در الف-42 آن سال، انور السادات، رئیس جمهور مصر، در کمپ دیوید در ایالات متحده، رسماً با مناخیم بگین،

نخست وزیر اسرائیل، متحد شد. انتخاب راهبردی و سیاسی که در آن زمان انجام شد، پذیرفتن آرمان قوی‌ترین‌های روز بود، زیرا اسرائیل به‌شدت مورد حمایت آمریکا بود. به این معناست که روح خدا ابتکار تلاش برای «فرار» از خرابی و فاجعه را به او نسبت می‌دهد. اما با گذشت زمان، بازی دست به دست می‌شود و اسرائیل و مصر از سال 2021 تقریباً توسط ایالات متحده رها شده‌اند. روسیه قوانین خود را بر منطقه سوریه تحمیل می‌کند.

او گنجینه‌های طلا و نقره و همه چیزهای گرانبهای مصر را خواهد داشت. لیبیایی‌ها و **Dan 11:43** اتیوپیایی‌ها از او پیروی خواهند کرد.

او صاحب گنجینه‌های طلا و نقره و همه چیزهای گرانبهای مصر خواهد شد الف-43.

به لطف درآمد حاصل از عوارض پرداختی برای استفاده از کانال سوئز، مصر بسیار غنی شد. اما این ثروت فقط در زمان صلح خوب است زیرا در زمان جنگ راه‌های تجاری متروک می‌شود. مصر از طریق گردشگری ثروتمند شد. از چهار گوشه زمین، مردم می‌آیند تا اهرام آن را بررسی کنند، موزه‌های آن که با اکتشافات مداوم مقبره‌های مصری که از دوران باستان در زیر زمین پنهان شده‌اند، غنی شده است. در این مقبره‌ها، پادشاه جوان توتانخ آمون اشیایی از طلای جامد با ارزش نامعلوم را نشان داد. بنابراین روسیه در مصر چیزی برای ارضای تمایل خود به غنایم جنگی خواهد یافت.

در پایان روز سبت 22 ژانویه 2022، روح برای من استدلالی آورد که بدون اختلاف احتمالی، تفسیری را که من به دانیال 11 می‌دهم، تأیید می‌کند. اجازه دهید در دو آیه 42 و 43 به اهمیت ذکر واضح توجه کنیم. رمزگذاری نشده، از نام "مصر" که در این زمینه کشوری متفاوت از کشوری است که "پادشاه جنوب" نامیده می‌شود. با این حال، در آیات 5 تا 32، «مصر» سست بطلمیوس نقابدار بود، اما به‌عنوان «پادشاه جنوب» معرفی شد. بنابراین تغییر در بافت تاریخی به طور انکارناپذیر تأیید و اثبات می‌شود. داستان دانیال 11 که با بافت دوران باستان آغاز می‌شود، با «زمان پایان» جهان به پایان می‌رسد که در آن «مصر» متحد اردوگاه مسیحی و آگوستیک غربی از سال 1979، هدف دوره جدید است. «پادشاه جنوب» یعنی اسلام جنگجو و به ویژه «شاه شمال» جدید، ارتدکس روسی

لیبیایی‌ها و اتیوپیایی‌ها از او پیروی خواهند کرد ب-43

مترجم کلمات «پوٹ و کوش» پیشگویی را به درستی ترجمه کرده است که برای «لیبی» کشورهای مسلمان واقع در شمال صحرا، کشورهای ساحلی سواحل آفریقا و برای اتیوپی، آفریقای سیاه، همه کشورهای واقع در جنوب آفریقا را به درستی ترجمه کرده است. صحرا تعداد زیادی از آنان نیز اسلام را پذیرفتند و پذیرفتند؛ در مورد ساحل عاج، با همدستی نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، که ما نیز هرج و مرج لیبی را مدیون او هستیم.

از این رو، مصر که از روسیه ضربه خورده، طعمه همه شکارچیان می‌شود و کرکس‌های مسلمان، برادرانش، بر آن فرود می‌آیند تا جسد او را تمیز کنند و سهم خود را از غنایمی که پس از سوراخ روس‌ها باقی مانده است، ببرند.

روح با استناد صریح «لیبی و اتیوپی» متحدان مذهبی آفریقای «پادشاه جنوب» را تعیین می‌کند که باید با عربستان، جایی که حضرت محمد در سال 632 در آنجا ظهور کرد، برای گسترش دین جدید خود به نام اسلام، از مکه شناخته شوند. ترکیه از سوی ترکیه قدرتمند حمایت می‌شود که پس از تحقیر تسلیم لحظه‌ای خود در برابر ارزش‌های سکولار غربی، در این چارچوب نهایی، به تعهد مذهبی بنیادگرا، فاتح و انتقام‌جویانه مسلمانان بازگشته است. اما سایر کشورهای مسلمان که در «جنوب» قرار ندارند، مانند ایران، پاکستان، اندونزی، می‌توانند به «پادشاه جنوب» بپیوندند تا با ارزش‌های اخلاقی مورد نفرت همه مسلمانان با مردم غربی مبارزه کنند. این نفرت در حقیقت فقط از خدای واقعی عیسی مسیح است که توسط مسیحیان غربی تحقیر شده است. بنابراین، از طریق اسلام و ارتدکس، خیانت یهودیان، کاتولیک‌ها، ارتدوکس‌ها، پروتستان‌ها و حتی ادونتیست‌ها را در جهان غرب مجازات می‌کند. تمام ایمان توحیدی نسبت به او مجرم است.

Dan 11:44 اخباری از شرق و شمال خواهد آمد و او را به وحشت خواهد انداخت و او با خشم شدید بیرون خواهد رفت تا جماعت را نابود و هلاک کند.

اخباری از مشرق و شمال می‌رسد تا او را بترساند الف-44

این دو نکته اساسی "شرق و شمال" به تنهایی مربوط به کشور روسیه است، بسته به اینکه از اروپای پاپ یا اسرائیل ذکر شده باشد، زیرا پیشگویی آنها را به عنوان مورد حمله متوالی روسیه در آیات

40 و 41 معرفی می کند. این بدان معنی است که ترس نقل شده از قلمرو روسیه آمده است، اما چه چیزی می تواند چنین فاتحی را بترساند؟ چه اتفاقی برای کشورش افتاده که اینقدر او را بترساند؟ پاسخ در کتاب دانیال نیست، بلکه در مکاشفه 9 آمده است که مذهب پروتستانی را که پایگاه جهانی آن در ایالات متحده آمریکا است، آشکار و هدف قرار می دهد. با در نظر گرفتن وجود ایالات متحده، راز روشن تر خواهد شد. از سال 1917 که روسیه شورشی رژیم سوسیالیستی و کمونیستی خود را پذیرفت، شکافی دائماً آن را از سرمایه‌داری امپریالیستی ایالات متحده جدا کرد. اگر فرد کمونیست باشد، نمی تواند خود را به قیمت همسایه خود غنی کند. به همین دلیل است که این دو گزینه با هم سازگار نیستند. در زیر خاکستر صلح، آتش نفرت می‌سوزد و التماس می‌کند که بیان شود. فقط رقابت و تهدید هسته ای توانسته از بدترین ها جلوگیری کند. این موازنه ترور هسته ای بود. فقط، بدون استفاده از سلاح هسته ای، روسیه اروپا، اسرائیل و مصر را تصاحب خواهد کرد. با به هم خوردن تعادل، ایالات متحده آمریکا احساس فریب و تهدید خواهد کرد، بنابراین، برای کاهش تعداد کشته های خود، ابتدا وارد جنگ می شود. نابودی اتمی روسیه باعث ایجاد ترس در میان ارتش های روسیه پراکنده در سرزمین های اشغالی خواهد شد.

و او با خشم فراوان بیرون خواهد رفت تا بسیاری را نابود و نابود کند - 44b

تا آن لحظه، روسیه در روحیه فتح و غنایم خواهد بود، اما ناگهان وضعیت روحی آن تغییر خواهد کرد، ارتش روسیه دیگر سرزمینی برای بازگشت نخواهد داشت و ناامیدی آن به میل به "ویران کردن و نابودی و نابودی و نابودی و نابودی" تبدیل خواهد شد. انبوهی را از بین ببرید؛ که خواهد بود. بنابراین، همه کشورهایی که به سلاح های Rev. 9 "سوم از مردان کشته شده" از شیپور ششم هسته ای مجهز هستند، بر اساس واقعیت ها مجبور خواهند شد از آنها علیه دشمنان بالقوه شخصی خود استفاده کنند.

Dan 11:45 خیمه های قصر خود را در میان دریاها به سوی کوه با شکوه و مقدس برپا خواهد کرد. سپس او به پایان خواهد رسید، بدون اینکه کسی به او کمک کند

خیمه های قصر خود را در میان دریاها به سوی کوه باشکوه و مقدس خواهد زد الف - 45

خیمه های بین دریاها، چون کاخ هایش دیگر روی زمین نیست. وضعیت ناامید کننده نیروهای روسی به وضوح توسط روح توصیف شده است که آنها را به این سرنوشت محکوم کرد. آنها در زیر آتش دشمنان خود به سرزمین اسرائیل رانده می شوند. آنها که مورد نفرت همه بودند، از هیچ حمایت و ترحمی بهره مند نشدند و در سرزمین یهودیان نابود شدند. بنابراین، روسیه به دلیل حمایت از دشمنان معنوی اسرائیل در اتحاد قدیمی، در زمان تبعید به بابل، اختلاف سنگینی را پرداخت خواهد کرد که خداوند به آن نسبت می دهد. او اسبها را به مردم صور، شهری با شهوت های مشرکانه فروخت. حزقی 13: 27-14 تأیید می کند، خداوند به صور گفت: جوان، توبال (توبولسک) و مشک (مسکو) با تو معامله کردند. غلامان و ظروف برنجی را در ازای کالای تو دادند. اهل خانه توگارما (ارمنستان) بازارهای شما را با اسب و سوار و قاطر عرضه می کردند. همچنین برای یهودیانی که با آن تجارت می کردند، این یک مانع تجاری بود. گندم مینیث و شیرینی و عسل و روغن و بلسان را در ازای کالای تو دادند. بنابراین تایر با هزینه آنها خود را غنی کرد. بعداً، در حزق. 12: 28، تحت عنوان "پادشاه صور"، خدا مستقیماً با شیطان صحبت می کند. ما می دانیم که او بود که از تجملات و ثروت انباشته شده در شهرهای بزرگ بت پرست که تحت پوشش خدایان مشرکانه متعدد به او خدمت می کردند، به طور ناخودآگاه، اما همیشه و در همه جا در قالب های فرقه ای که خداوند منفور می داند، استفاده کرد. او سنگینی سرخوردگی انباشته شده در طول قرن ها و هزاره های تاریخ بشر را بر قلب خود حمل می کند. این ناامیدی خشم او را توجیه می کند که تا حدی در قالب این آخرین درگیری بین المللی وحشتناک ویرانگر تخلیه می شود.

اما این خشم الهی علیه تجارت تجاری دوران باستان ما را دعوت می کند تا درک کنیم که خداوند ممکن است در مورد ترافیک بین المللی معاصر در یک زمینه بین المللی که کاملاً بر اساس اقتصاد بازار بنا شده است، چه فکری کند. من فکر می کنم تخریب برج های مرکز تجارت جهانی در نیویورک در 11 سپتامبر 2001 یک پاسخ است. بیش از این که، در مکاشفه 18، نبوت بر نقش مضر غنی سازی به دلیل تجارت و مبادلات بین المللی تأکید می کند که در برابر آن، هر قاعده یا حق دینی الهی سقوط می کند، بی تقوای بزرگی است.

دشمن ارثی ایالات متحده، روسیه، نابود می شود. بنابراین این امر به آنها قدرت، Dan.11 در پایان مطلق بر تمام بازماندگان درگیری بین المللی می دهد. وای بر مغلوب! او باید سر تعظیم فرود آورد و تسلیم قانون پیروز در هر کجای زمین باشد، زنده بماند.

دانیال 12

در آن زمان میکائیل، شاهزاده بزرگ، مدافع فرزندان قوم تو، قیام خواهد کرد. و روزگار **Dan 12:1** سختی خواهد بود که از زمان وجود ملل تا آن زمان وجود نداشته است. در آن زمان، کسانی از قوم تو که در کتاب نوشته شده اند، نجات خواهند یافت.

در آن زمان مایکل برمی خیزد الف-1

این زمان در پایان جهان است که عیسی مسیح با جلال و قدرت الوهیت خود که مدتها توسط ادیان رقیب به رقابت می رفت، برمی گردد. در مکاشفه 1: 7 می خوانیم: اینک او با ابرها می آید. و هر چشمی آن را خواهد دید، حتی کسانی که آن را سوراخ کردند. و همه اقوام زمین برای او ماتم خواهند گرفت. آره. آمین! ما باید به این ایده عادت کنیم، زیرا خدا برای هر یک از نقش هایش نام متفاوتی برای خود گذاشته است، به همین دلیل است که در دانیال و مکاشفه 12: 7 او خود را به عنوان میکائیل، سر عالی زندگی آسمانی فرشته ای معرفی می کند. که به او می دهد. قدرت بر شیطان و شیاطین نام او، عیسی مسیح، تنها معرف آن برگزیدگان زمینی است که برای نجات آنها تحت این نام آمده است.

رهبر بزرگ ب-1

این رهبر بزرگ، یهوه میکائیل عیسی مسیح است و رژیم پاپ با وقاحت مشخص خود، مأموریت او را به عنوان شفیع همیشگی آسمانی تا سال 1843، از سال 538، از آغاز قرن بیستم، سلب کرد. رژیم پاپ و استقرار آن در شهر رم، در کاخ لاتران در کوه کالیوس. این موضوع در دانیال 8 پوشش داده شد.

مدافع فرزندان قوم تو ج-1

یک مدافع در هنگام حمله مداخله می کند. و این برای آخرین ساعات زندگی زمینی برگزیدگانی خواهد بود که وفادار ماندند، حتی توسط آخرین شورشیان به مرگ محکوم شدند. در اینجا ما می توانیم تمام مدل های پیشنهادی در داستان های دانیال را پیدا کنیم، زیرا در یک موقعیت غم انگیز نهایی تحقق کوره و چهار، Dan.3 می یابند. در این آخرین مصیبت بزرگ، مداخلات معجزه آسای را که در شیرهایی که بی ضرر، Dan.6 تصرف بابل بزرگ توسط خدا، در Dan.5 شخصیت زنده آن، در شدند، اما همچنین پایان مصیبت بزرگی که در سال 168 به یهودیان رسید، در 15 کیسلو، یعنی 18 دسامبر، در روز سبت، پیش بینی شد.

و زمان پریشانی خواهد بود، مانند آن که از زمان وجود ملل تا آن زمان وجود نداشته است. 1d-

با قضاوت از این بیانیه، آخرین مصیبت بزرگ از یهودیان که توسط یونانیان سازماندهی شده بود، پیشی خواهد گرفت. در واقع، یونانی ها فقط یهودیانی را که در خیابان ها یا خانه هایشان پیدا می کردند، می زدند. در پایان جهان، همه چیز بسیار متفاوت است، و تکنولوژی مدرن اجازه می دهد تا کنترل مطلق بر مردمی که روی زمین زندگی می کنند. بنابراین، با استفاده از تکنیک های تشخیص انسان، می توانیم هر کسی را در هر مکانی، در هر مکانی که پنهان شده است، پیدا کنیم. بنابراین فهرست افرادی که در برابر دستورات فرمان مقاومت می کنند را می توان دقیقاً تعیین کرد. در این زمینه نهایی، ریشه کن کردن منتخبان به صورت انسانی امکان پذیر خواهد شد. برگزیدگان اگرچه سرشار از ایمان و امید به رهایی خود هستند، ساعات دردناکی را تجربه خواهند کرد. برای کسانی که هنوز آزاد خواهند بود، از همه چیز محروم هستند، دیگران در زندان های شورشی منتظر اعدام خود هستند. پریشانی بر دل مقامات منتخب حاکم خواهد شد که اگر کشته نشوند با آنها بدرفتاری می شود.

در آن هنگام از قوم تو که در کتاب نوشته شده اند نجات می یابند ه-1

این کتاب زندگی است، زیرا بدون کامپیوتر، خداوند همچنین فهرستی از تمام موجوداتی که آدم و حوا و فرزندان آنها ایجاد کرده اند تهیه کرده است. در پایان زندگی هر فرد، سرنوشت نهایی توسط خدا رقم می خورد که دو فهرست را حفظ کرد: فهرست برگزیدگان و فهرست افراد افتاده، مطابق با دو راهی که در تثنیه به بشریت ارائه شده است. 19: 30-20: آسمان و زمین که امروز بر علیه شما شهادت دهند: زندگی و مرگ و برکت و نفرین را در پیشگاه شما قرار داد. زندگی را انتخاب کن تا تو و نسلت زنده

خداوند مهمترین وقایع مکاشفه خود را به صورت مکتوب ثبت کرده است. در اینجا مسیر استدلال را باید دنبال کرد. ایمان توحیدی در تاریخ قوم عبری ظاهر شد. بنابراین شهادت و نوشته‌های او بر تمام نوشته‌های دیگر منسوب به همین خدای بی‌نظیر اولویت دارد. این که باید با خلق خدا جنگ کرد، یک احتمال عادی باقی می‌ماند، اما اینکه باید با کتب مقدس مبارزه کرد، تبدیل به یک کار شیطانی می‌شود. ایمانی که عیسی مسیح تأسیس کرد، منابع و ارجاعات خود را از متون مقدس عبری عهد قدیم می‌گیرد که به آن مشروعیت می‌بخشد. اما آموزه کاتولیک رومی به این اصل احترام نمی‌گذارد، به همین دلیل است که نه آن و نه قرآن اسلام نمی‌توانند ادعا کنند که خدای زنده، خالق همه موجودات و موجودات است. عیسی این اصل را با یادآوری در یوحنا 4:22 تأیید کرد که نجات از سوی یهودیان می‌آید: شما چیزی را می‌پرستید که نمی‌دانید. ما آنچه را که می‌دانیم می‌پرستیم، زیرا نجات از یهودیان می‌آید. در این گروه اول از برگزیدگان، خدا مردانی را که از زمان آدم و حوا به خطر افتاده بود، بدون دانش خاصی نجات دادند. و این تا سال 1843. آنها نجات می‌یابند زیرا آثارشان گواهی بر هوش آنها و دریافت آنها از قوانین الهی است که با اطاعت آنها آشکار می‌شود. در این گروه، مومن ترین و صلح طلب ترین پروتستان ها تا بهار 1843 از صبر خداوند بهره مند شدند که فقط انجام سبت مقدس خود را از آن تاریخ واجب کرد. مکاشفه 2: 24-25 این استثنا را تأیید می‌کند: به شما، به همه افراد دیگر در تیاتیرا، که این آموزه را دریافت نمی‌کنید، و اعماق شیطان را که آنها می‌گویند، نمی‌شناسید، به شما می‌گویم: بار دیگری بر دوش خود قرار ندهید. فقط چیزی که داری نگه دار تا من پیام

و کسانی که عدالت را به بسیاری تعلیم می‌دهند مانند ستارگان تا ابدالابد خواهند درخشید 3b-

این گروه دوم به دلیل سطح بالایی از تقدیس که از سال 1843 بر روی زمین نشان می‌دهد جدا شده است. با استفاده از آزمون ایمان انتخاب شده است، در ابتدا بر اساس امید به بازگشت عیسی مسیح، به طور متوالی برای بهار 1843 و پاییز 1844، تقدیس او توسط خدا با بازگرداندن روز سبت که او پس از قرن‌های طولانی تاریکی، فراموشی و تحقیر او دوباره انجام داد، رسمیت یافت.

در این تقسیم به دو دسته، آنچه آنها را از هم متمایز می‌کند، وضعیتشان نسبت به عدل خدا، جایگاهشان نسبت به فرمان‌های دهگانه او و سایر بهداشت و احکام دیگر اوست. در متن اصلی خود فرمان دوم حذف شده توسط روم، اهمیتی که خداوند به اطاعت از احکامش می‌دهد به Exo.20:5-6 وضوح آشکار می‌کند و او دو راه و دو سرنوشت نهایی متضاد را به یاد می‌آورد: ... من یک حسود هستم. خدایی که گناه پدران را بر فرزندان تا نسل سوم و چهارم بر کسانی که از من متفرند و از احکام من تجاوز می‌کنند مجازات کن و به کسانی که مرا دوست دارند و احکام مرا تا هزار نسل نگاه می‌دارند رحم کن.

در این آیه روح دلیل وجود ستارگان را در آفرینش زمینی ما آشکار می‌کند. آنها فقط دلیلی برای وجود داشتند تا به عنوان نمادی از برگزیدگان زمینی انتخاب شده توسط خدا عمل کنند. و این است که پیام آنها را آشکار می‌کند: خدا آنها را در وسعت آسمان قرار داد تا به زمین نور Gen.1:17 دهند. سپس خدا از آنها برای نشان دادن انبوه فرزندان به ابراهیم در پیدایش 15:5 استفاده می‌کند. فرزندان تو چنین خواهند بود.

با این حال، وضعیت این ستارگان روحانی بسته به کارهایی که مؤمن رستگار شده انجام می‌دهد، می‌تواند تغییر کند. با سقوط روحانی از طریق نافرمانی، ستاره سقوط می‌کند، از آسمان می‌افتد. این تصویر برای به تصویر کشیدن سقوط ایمان پروتستان در سال 1843، اعلام شده توسط یک علامت آسمانی واقعی در سال 1833،^{۳۳} مهر ششم مکاشفه 6:13 برانگیخته خواهد شد: و ستارگان آسمان به زمین افتادند، مانند زمانی که 'درخت انجیر تکان خورده توسط باد شدید انجیرهای سبز خود را دور می‌اندازد. و بار دیگر در مکاشفه 12:4: دم او یک سوم ستارگان آسمان را کشید و به زمین پرتاب کرد. این را تجدید می‌کند: او به لشکر آسمان برخاست و بخشی از آن ارتش و ستارگان را به Dan.8:10 پیام زمین آورد و آنها را زیر پا گذاشت. روح سقوط معنوی یک سوم از ایمانداران رستگار شده را به رژیم پاپ روم نسبت می‌دهد. مردم فریب خورده ای که بی‌پرده به نجات مسیح ایمان می‌آورند و عدالت او را ادعا می‌کنند.

دانیال 12:4، ای دانیال، این سخنان را مخفی نگه دار، و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. سپس بسیاری آن را خواهند خواند و دانش افزایش خواهد یافت.

این زمان پایانی چندین مرحله متوالی را می شناسد، اما به طور رسمی در بهار 1843، با الف-4 آغاز شد: تا شامگاه تا صبح 2300 و قدوسیت Dan.8:14 اعمال حکم الهی که از پیش نوشته شده در خواهد بود. توجه شده . در سال 1994، دوره دوم پایان با محکومیت نهاد جهانی ادونتیست مشخص شد. از سال 1843، کتاب دانیال خوانده شده است، اما قبل از این اثر که من هنوز در سال 2021 و از سال 2020 در حال آماده سازی آن هستم، هرگز به درستی تفسیر نشده است. بنابراین این تاریخ است که اوج دانش او را نشان می دهد و بنابراین در آنجا ، آخرین زمان واقعی پایان که با بازگشت واقعی عیسی مسیح، شناخته شده و مورد انتظار، برای بهار 2030 به پایان می رسد. ما می بینیم که امسال سال 2020 قبلاً توسط خدا مشخص شده است زیرا تمام بشریت تحت تأثیر مرگ و میر قرار گرفته است. وپروس کووید-19 که در سال 2019 در چین ظاهر شد، اما در اروپای کاتولیک پاپ، تنها از سال 2020 ظاهر شد. در سال 2021، وپروس ها جهش می یابند و همچنان به انسانیت گناهکار و سرکش حمله می کنند.

مصور Adventist آزمون ایمانی

و من، دانیال، نگاه کردم، و اینک، دو مرد دیگر ایستاده بودند، یکی در این سوی رودخانه و Dan 12:5 دیگری در آن سوی رودخانه.

ببر، این انسان خوار است. با این "Hiddekel" به خاطر بسیار! دانیل در سواحل رودخانه الف-5 حال، دو مرد در دو طرف رودخانه هستند، به این معنی که یکی توانسته است از آن عبور کند و دیگری بحثی بین دو قدیس صورت گرفت، Dan.8:13 برای انجام این کار آماده می شود. قبلاً در Dan 12:6 یکی از آنها به مرد کتان که بر فراز آب رودخانه ایستاده بود گفت: «پایان این شگفتی ها کی خواهد بود؟»

سوالات مقدسین از خداوند پاسخ 2300 شب-صبح را دریافت کرده بودند که Dan.8:14 در 6a- تاریخ 1843 را تعیین می کرد. رویکرد در اینجا تکرار می شود و سؤال این بار مربوط به پایان جهان است. لحظه ای که نبوت دیگر مفید نخواهد بود. این سؤال از مسیح پرسیده می شود که این مرد کتانی پوشیده است که بالای رودخانه ایستاده و عبور مردان را مشاهده می کند. خدا از تصویر عبور از دریای سرخ استفاده می کند که عبرانیان را نجات داد اما دشمنان مصری آنها را غرق کرد.

و شنیدم که مردی که کتانی پوشیده بود، بر فراز آبهای رودخانه ایستاده بود. او دست راست Dan 12:7 و دست چپ خود را به سوی آسمان بلند کرد و به کسی که تا ابد زنده است سوگند یاد کرد که در زمان و زمان و نیمی از زمان خواهد بود و همه این چیزها زمانی پایان خواهد یافت که قوت مردم قدیس کاملاً شکسته خواهد شد.

و شنیدم که مرد کتانی پوشیده بود که بر فراز آبهای رودخانه ایستاده بود. دست راست و دست الف-7 چپش را به سوی آسمان بلند کرد

در مقام داور، عیسی مسیح دست راست برکت و دست چپ تنبیه کننده خود را به سوی آسمان بدهد

و به کسی که تا ابد زنده است سوگند یاد کرد که در یک زمان و زمان و نیم زمان خواهد بود ب-7 مسیح با استناد به مدت زمان نبوی سلطنت پاپ، قضاوت خود را نشان می دهد و به یاد می آورد که در گذشته، کلیسای او را محکوم به تحمل فشارهای رژیم پاپ و نفرین های تهاجمات وحشیانه پیش از آن می کرد. این به دلیل رها شدن سبت از 7 مارس 321 است. بنابراین به مؤمنان در زمان آزمایش های ادونتیست هشدار داده می شود. اما دلیل دوم باعث می شود که خداوند این سلطنت پاپی را برانگیزد. این تاریخ شروع آن یعنی سال 538 میلادی است. انتخاب عاقلانه است زیرا این تاریخ 538 مبنای محاسباتی خواهد بود که نبوت با ارائه مدت زمان نبوی جدید در آیات 11 و 12 به ما پیشنهاد خواهد کرد.

و اینکه همه این چیزها زمانی پایان می یابد که قوت قوم مقدس کاملاً شکسته شود ج-7 این جمله کوتاه به خوبی این بار لحظه واقعی پایان را خلاصه می کند: لحظه ای که در پایان آخرین مصیبت بزرگ، برگزیدگان خود را در آستانه نابودی خواهند یافت و از روی زمین ریشه کن می شوند. دقت می کند: کاملاً شکسته است

شنیدم، اما نفهمیدم. و گفتم: مولای من، عاقبت این کارها چه می شود؟ Dan 12:8

بیچاره دانیال! اگر درک کتاب او هنوز برای کسانی که در سال 2021 زندگی می کنند یک راز الف-8 است، چقدر این درک برای نجات خودش دور از دسترس و بی فایده بود!

دانیال 12:9 او گفت: برو ای دانیال، زیرا این سخنان تا زمان آخر مخفی و مهر خواهد شد پاسخ فرشته دانیال را گرسنه می کند، اما موید تحقق دیر هنگام نبوت مربوط به زمان پایان دوره الف-9 مسیحیت است.

بسیاری پاک، سفید و تصفیه خواهند شد. شریران بد خواهند کرد و هیچ یک از شریران Dan 12:10 نخواهند فهمید، اما کسانی که عقل دارند خواهند فهمید

بسیاری پاک و سفید و پاک می شوند الف-10

در اینجا هویت پاپی پادشاه متکبر و مستبد را تأیید Dan.11:35 فرشته با تکرار نقل قول دقیق می کند که در آیه 36 خود را بر همه خدایان و حتی خدای یگانه برتر می داند

، شریران بد خواهند کرد و هیچ یک از شریران نمی فهمند ب-10 فرشته اصلی را برمی انگیزد که تا پایان جهان ادامه خواهد داشت، طولانی شدن شر در پیشگویی های دانیال با گسترش "برنج" گناه یونانی و " آهن " نیروی رومی تا بازگشت مسیح به تصویر کشیده شده است. . شریر دوچندان از درک باز می ماند: اولاً با بی علاقه شخصی شان، و ثانیاً، به وسیله قدرت توهم داده شده توسط خدا که آنها را قادر می سازد تا دروغی را مطابق با دوم تسالونیکیان 2:11-12 باور کنند: همچنین خدا برای آنها قدرتی می فرستد. از سردرگمی، تا دروغ را باور کنند، تا کسانی که حقیقت را باور نکردند، اما از ناراستی لذت بردند، محکوم شوند

اما کسانی که درک دارند می فهمند ج-10

این مثال ثابت می کند که هوش معنوی یک موهبت ویژه از جانب خداوند است، اما قبل از آن استفاده مناسب از هوش اولیه به همه افراد عادی داده شده است. زیرا حتی در این استاندارد نیز انسانها تحصیلات و مدرک تحصیلی آن را با هوش اشتباه می گیرند . بنابراین من این تفاوت را به یاد می آورم: آموزش اجازه می دهد داده ها به حافظه انسان وارد شوند، اما فقط هوش اجازه استفاده خوب و عاقلانه از آنها را می دهد.

دان 12:11 از زمانی که قربانی دائمی پایان می یابد و ویرانی ناپسند برقرار می شود، هزار و دویست و نود روز باقی خواهد ماند

از زمانی که ایثار دائمی منقضی شود الف-11

هنوز باید به شما یادآوری کنم، اما کلمه " قربانی " در متن اصلی عبری وجود ندارد. و این دقت بسیار مهم است زیرا این دائمی به کشیشی آسمانی عیسی مسیح مربوط می شود. پاپی با باز تولید شفاعت خود بر روی زمین، نقش او را به عنوان شفیع گناهان برگزیدگانش از عیسی مسیح سلب می کند این خدمت موازی زمینی غصب شده در سال 538 آغاز شد. تاریخی که ویگیلیوس اول ، اولین پاپ با عنوان، در رم، در کاخ لاتران، در کوه کالیوس (آسمان) مستقر شد

و جایی که ویرانی منفور ایجاد خواهد شد ب-11

روم پاپ ذکر شده در دان آغاز می شود. 9:27 : و در بال خواهد بود. مکروهات ویرانی، حتی تا نابودی، و [بر اساس] آنچه مقرر شده، در [زمین] متروک ناپود خواهد شد

در این آیه، با هدف قرار دادن تاریخ 538، روح فقط روم پاپی را مورد هدف قرار می دهد، که به تشریح نبود، جایی که هر دو مرحله رم، بت Dan.9:27 مفرد شدن کلمه "مکروه" می پردازد. این مورد در پرستی و سپس پاپی، درگیر بودند

بیباید به علاقه و اهمیت گروه بندی در این آیه از دو چیز توجه کنیم: « تسخیر دائمی » به مسیح در دان. 8:11 و «بال» پاپی که حامل « ویرانی شنیع » است که در دان ذکر شده است. 9:27. روح با پیوند دادن این دو عمل به یک تاریخ 538 و یک نهاد، تأیید و اثبات می کند که نویسنده این اعمال نادرست در واقع پاپی رومی است

عمل منتسب به پادشاه یونان، آنتیوخوس 4، الگوی معمولی را به ما ارائه داد، Dan. 11:31 در که خدا آن را " مکروه ویرانی " می نامد. پوپری آن را باز تولید می کند، اما برای 1260 سال خونین طولانی

هزار و دویست و نود روز خواهد بود ج-11

به منظور غیرقابل ابطال کردن مدت‌های نبوی ذکر شده که مربوط به آخر الزمان است، و احد قبل از عدد در همه پیشگویی‌های دانیال قرار می‌گیرد: روزهای 1290؛ ایام 1335 (بیت بعدی) هفته 70: Dan.9:24 عصر-صبح 2300؛ و قبلاً در: Dan.8:14.

ما فقط یک محاسبه بسیار ساده برای انجام داریم: $1828 = 1290 + 538$

یک ویژگی جهانی بدهد زیرا Adventist علاقه این تاریخ 1828 این است که به رویداد را هدف قرار می‌دهد که در پارک آلبری لندن در حضور Adventist سومین کنفرانس از پنج سال خانواده سلطنتی انگلستان برگزار شد.

دان 12:12 خوشا به حال کسی که صبر کند و تا هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد فقط همین آیه است که معنای این دو مدت نبوی را به ما می‌دهد. موضوع انتظار برای بازگشت الف-12 مسیح است، اما یک انتظار خاص بر اساس گزاره‌های عددی ارائه شده توسط کتاب مقدس. یک محاسبه جدید ضروری است: $1873 = 1335 + 538$. فرشته دو تاریخ را به ما ارائه می‌دهد که به ترتیب آغاز و پایان آزمایش ایمان ادونتیست بین سال‌های 1828 و 1873 انجام شده است. به این ترتیب توجه ما جلب می‌شود. کارگردانی در تاریخ‌های 1843 و 1844 که دقیقاً علت دو انتظار متوالی از بازگشت باشکوه عیسی مسیح به ایالات متحده، بنابراین به سرزمین‌های پروتستان بود.

در تصویر عبور از رودخانه «ببر»، ببری که جان انسان‌ها را می‌خورد، این تاریخ‌های 1843-1844 است که باعث می‌شود پروتستان مطرود از زندگی معنوی به مرگ معنوی بگذرد. از سوی دیگر، آن که امتحان را پس داده است، زنده و با برکت خداوند از این گذر پرخطر بیرون می‌آید. او از خداوند سعادت «! خاصی می‌گیرد: «خوشا به حال کسی که به سال 1873 می‌رسد

و شما به سوی انتهای خود بروید. آرام‌خواهی گرفت و در آخر الزمان برای میراث خود Dan 12:13 خواهی ایستاد.

دانیال پس از اولین رستاخیز که در آن زنده خواهد شد، معنای تمام چیزهایی را که به ما منتقل الف-13 کرده است، کشف خواهد کرد. اما برای ادونتیست که هنوز زنده است، آموزش او همچنان با مکاشفه‌های موجود در آخر الزمان یوحنا تکمیل خواهد شد.

کتاب دانیال ثروت عظیم خود را به خوبی پنهان می‌کند. ما در آنجا به درس‌های تشویقی اشاره کرده‌ایم که خداوند به برگزیدگان خود در روزهای آخر خطاب می‌کند، زیرا این روزهای آخر به هنجار ترس و ناامنی که در تمام تاریخ بشر بر روی زمین حاکم بوده است، باز خواهد گشت. بار دیگر، اما آخرین، مقامات منتخب مشخص می‌شوند و مسئول بدبختی‌هایی هستند که بر سر بازماندگان شورشی جنگ اعلام شد، خواهند آمد. حزقیال 14 الگوهای استاندارد Rev.9:13 و Dan.11:40-45 جهانی سوم که در ایمان را ارائه می‌دهد: نوح، دانیال و ایوب. مانند نوح، ما باید با ساختن کشتی وفاداری خود به خدا، فرار کرده و در برابر جریان فکری جهان مقاومت کنیم. مانند دانیل، ما نیز باید با رد استانداردهای ایجاد شده توسط دین نادرست، به انجام وظایف خود به عنوان مقامات منتخب کاملاً متعهد باشیم. و مانند ایوب، هر زمان که خدا اجازه دهد، باید رنج جسمی و روحی را بپذیریم و نسبت به ایوب برتری داشته باشیم: از طریق تجربه او متوجه شدیم که چرا خدا این آزمایش‌ها را مجاز می‌داند.

کتاب دانیال همچنین به ما اجازه داد تا زندگی آسمانی نامرئی را بهتر درک کنیم. این با کشف این شخصیت به نام جبرئیل، نامی به معنای «بیننده وجه خدا» است. او در تمام مأموریت‌های مهم برنامه نجات الهی حضور دارد. و باید بدانیم که در ملکوت آسمانی خدا، او و همه فرشتگان نیکو، در زمان تجسم زمینی او، یعنی 35 سال، از حضور میکائیل، مظهر فرشتگان خدا محروم شدند. میکائیل در یک تقسیم بزرگ عشق، اختیارات خود را نیز به اشتراک می‌گذارد و موافقت می‌کند که تنها «یکی از رهبران اصلی» باشد. اما جبرئیل نیز او را به عنوان «رهبر قوم تو» به دانیال، برگزیده در میان به وضوح همه چیزهایی را که عیسی برای نجات برگزیدگان وفادار Dan.9 برگزیدگان، عرضه کرد. و خود انجام می‌دهد، به ما آشکار می‌کند. بنابراین پروژه نجات الهی به وضوح اعلام می‌شود، سپس در 30 آوریل 30 با مصلوب شدن عیسی مسیح به انجام رسید.

کتاب دانیال به ما نشان داد که ایمان فقط توسط یک فرد بالغ قابل اثبات است. و اینکه بقول خدا کودک با ورود به سیزده سالگی بالغ می‌شود. بنابراین، ما فقط می‌توانیم میوه‌های تلخی را که حاصل غسل تعمید نوزاد و ارث تولد مذهبی است در همه ادیان دروغین ببینیم. عیسی در مرقس 16:16 گفت: هر که ایمان

بیاورد و تعمید یابد نجات خواهد یافت. هر که ایمان نیاورد محکوم می شود. بنابراین این بدان معناست که قبل از غسل تعمید، ایمان باید حضور داشته باشد و نشان داده شود. پس از غسل تعمید، خداوند او را آزمایش کرد. همچنین، مروارید دیگری که در دانیال نازل شد، این سخنان عیسی از متی 7:13 تأیید شده است: از دروازه باریک وارد شوید. زیرا دروازه وسیع است و راهی که به هلاکت می انجامد وسیع است و بسیاری هستند که از آن راه می گذرند؛ و همچنین در متی 22:14: زیرا بسیاری خوانده می ده میلیارد فقط برای یک میلیون به خدا حساب باز، Dan.7:9 شوند، اما اندکی برگزیده می شوند. طبق می شود از برگزیدگان رستگاری شده نجات یافتند، زیرا آنها واقعاً خدای خالق را به خوبی در مسیح در روح القدس خدمت کرده اند.

فصل 12 به تازگی پایه های ساختار کتاب آخرالزمان را با یادآوری تاریخ های 538، 1798، 1828، 1843-1844 پنهان و پیشنهاد شده اما اساسی برای تقسیم زمان در آخرالزمان، و 1873 گذاشته است. تاریخ دیگری، 1994، وجود خواهد داشت. برای بدبختی برخی و خوشبختی برخی دیگر ساخته شود.

مقدمه ای بر نمادگرایی نبوی

در تمام تمثیل های کتاب مقدس، روح از عناصر زمینی استفاده می کند که معیارهای خاص آنها می تواند نماد موجودات ناشناس باشد که معیارهای مشترکی را ارائه می دهند. بنابراین، هر نمادی که استفاده می شود باید در تمام جنبه های آن مورد بررسی قرار گیرد تا درس های پنهان خداوند از آن استخراج شود. به عنوان مثال کلمه " دریا " را در نظر بگیرید. بر اساس پیدایش 1:20، خداوند آن را با حیواناتی از انواع مختلف، بی شمار و بی نام زندگی کرد. محیط زیست آن برای انسانی که با تنفس خود در هوا زندگی می کند کشنده است. بنابراین برای انسان که به درستی می تواند از شوری آن که زمین را عقیم می کند نیز بترسد به نماد مرگ تبدیل می شود. بدیهی است که این نماد برای بشریت مطلوب نیست و به دلیل معنای مرگ، خداوند نام خود را به مخزن وضو عبری که مظهر آب غسل تعمید است می دهد. اکنون تعمید به معنای غوطه ور شدن است، غرق شدن مردن برای زندگی دوباره در عیسی مسیح. پیرمرد ناعادلانه با حمل عدالت مسیح دوباره برمی خیزد. ما در آنجا همه غنای یک عنصر خلقت الهی را می بینیم: دریا. تحت این آموزه، معنایی را که خداوند به این آیه از دانیال 7: 2-3 می دهد، بهتر درک خواهیم کرد: «... و اینک، چهار باد آسمان بر دریای بزرگ می وزید. و چهار حیوان بزرگ از دریا بیرون آمدند که از یکدیگر متفاوت بودند. بدانید که « چهار باد آسمان » نشانگر جنگ های جهانی است که مردمان پیروز را به قدرت مسلط می رسانند. در اینجا « دریای بزرگ » نماد توده های بشری مردمان بت پرست است که در نظر او، بدون احترام به خدا، با حیوانات « دریا » برابری می کنند. در عبارت " چهار باد آسمان "، " چهار " نشان دهنده 4 نقطه اصلی جهت شمال، جنوب، شرق و غرب است. « بادهای بهشتی » در ظاهر آسمان تغییراتی ایجاد می کند، ابرها می وزند، طوفان ایجاد می کنند و باران می آورند. ابرها را کنار می زنند و باعث افزایش نور خورشید می شوند. به همین ترتیب، جنگ ها باعث تحولات سیاسی اجتماعی بزرگ می شوند، تحولات عظیمی که به مردم پیروز جدید منتخب خدا سلطه می بخشد، اما بدون برکت او. از آنجا که او به عنوان یک « حیوان » تعیین شده است، مستحق برکاتی نیست که قرار است به مردان واقعی تقدیم شود. برگزیدگان وفادار او که از زمان آدم و حوا در نور الهی گام بر می دارند و این تا پایان جهان. و منتخبان آن چه کسانی هستند؟ کسانی که او تصویر خود را در آنها می شناسد، زیرا انسان به شکل خدا بر اساس پیدایش 1:26 ساخته شده است. به این تفاوت توجه کنید: انسان را خدا به شکل او ساخته یا آفریده است، در حالی که حیوان توسط محیط خود، دریایی، زمینی یا آسمانی به دستور خداوند ساخته شده است. انتخاب فعل تفاوت وضعیت را نشان می دهد

به عنوان مثال دوم، بیابید کلمه " زمین " را در نظر بگیریم. طبق پیدایش 1: 9-10، این نام « زمین » به زمین خشکی که از « دریا » بیرون آمده است، داده شده است. تصویری که خداوند در کشیش 13 از آن برای نماد ایمان پروتستانی که از ایمان کاتولیک بیرون آمده است بهره برداری خواهد کرد. اما بیابید به جنبه های دیگر " زمین " نگاه کنیم. زمانی که انسان را تغذیه کند برای او مطلوب است، اما زمانی که به شکل بیابان خشک درآید نامطلوب است. بنابراین این بستگی به آبیاری خوب از آسمان دارد که برای انسان موهبت باشد. این آبیاری همچنین می تواند از رودخانه هایی باشد که از آن عبور می کنند. به همین دلیل است که کلام خدا در کتاب مقدس به « چشمه آبهای زنده » تشبیه شده است. وجود یا نبود این « آب » است که ماهیت « زمین » را مشخص می کند و از نظر معنوی، کیفیت ایمان انسان از ۷۵ درصد آب تشکیل شده است.

به عنوان مثال سوم، بیابید ستاره های آسمان را در نظر بگیریم. اول، " خورشید "، از جنبه مثبت، آن را روشن می کند. مطابق با پیدایش 1:16، آن نور « روز » است، گیاهانی را که انسان از آنها غذا درست می کند، گرم می کند و باعث رشد آنها می شود. از جنبه منفی، به دلیل گرمای بیش از حد یا کمبود باران، محصولات را می سوزاند. گالیله درست می گفت، در مرکز جهان ما قرار دارد و تمام سیارات منظومه آن به دور آن می چرخند. و بالاتر از همه او بزرگترین است، کتاب مقدس از او به عنوان " بزرگترین " در پیدایش 1:16 یاد می کند، داغ ترین و مقرون به صرفه نیست. همه این معیارها او را به تصویر کامل خدا تبدیل می کند که همه این ویژگی ها در او یافت می شود. هیچ کس نمی تواند خدا را ببیند و زندگی کند، بیش از آنکه بتواند پایهای خود را روی « خورشید » بگذارد. تنها ستاره مذکر، بقیه همه سیارات یا ستاره های زنانه هستند. پس از او، « ماه »، « کمترین »: طبق پیدایش 1:16، آن

نور شب، تاریکی است که او بر آن مسلط است. بنابراین " ماه " فقط یک پیام منفی برای آن دارد. اگرچه این ستاره به ما نزدیک است، اما مدتهاست که رمز و راز سمت پنهان خود را حفظ کرده است. به خودی خود نمی درخشد، اما مانند تمام سیارات دیگر، در یک چرخه پیشرونده، نور ضعیفی را که از "خورشید" دریافت می کند، به ما باز می فرستد. با همه این معیارها، "ماه" نماد عالی برای نشان دادن، اولاً، دین یهود، و ثانیاً، دین مسیحی جعلی پاپی کاتولیک رومی، از سال 538 تا امروز، و پروتستانیسم لوتری، کالوینیست و انگلیکن است. از سال 1843. همچنین در آسمان " ستارگان " وجود دارد که طبق پیدایش 1:14-15-17 دو نقش دارند که با " خورشید و ماه " مشترک هستند. " و آن " روشن ساختن زمین ". اکثریت آنها فقط در زمان تاریکی، در شب می درخشند. این نماد ایده آل برای نشان دادن بندگان واقعی خدا است، تا زمانی که نبوت سقوط را به آنها نسبت دهد. که بیانگر تغییر وضعیت معنوی آنهاست. و Dan.8:10 این پیامی خواهد بود که خدا برای برانگیختن سقوط مسیحیت قربانی دروغ رومی در استفاده خواهد کرد. و سقوط پروتستانیسم جهانی در مکاشفه 6:13 و 8:12. منزوی، "ستاره Rev.12:4" نشان دهنده مقام پاپ کاتولیک در مکاشفه 8:10-11، ایمان پروتستان در مکاشفه 9:1 است. و در تاجی آنها را به عنوان نماد « Dan.12:3 » به تعداد 12 جمع کردند، مجلس برگزیده پیروز، در مکاشفه 12:1 کسانی که عدالت را به بسیاری تعلیم می دهند»، یعنی « کسانی که زمین را با نوری که خدا داده است روشن می کنند» معرفی می کند.

این پنج نماد نقش مهمی در پیشگویی آخرالزمان خواهند داشت. بنابراین می توانید کشف پیام های پنهانی که با معیارهای نمادهای ارائه شده منتقل می شوند را تمرین کنید. اما کشف برخی از آنها دشوار خواهد بود، بنابراین خدا خود کلید راز را در آیاتی از کتاب مقدس نشان می دهد، مانند کلمات "سر و دم " که تنها با معنایی که خدا به آنها در عیسی 9 می دهد قابل درک است: 14، جایی که می خوانیم: " قاضی یا بزرگ سر است، پیامبری که دروغ می آموزد دم است. " اما آیه 13 به طور موازی پیشنهاد می کند، بنابراین دارای همان معنایی، « شاخه خرما و نی » است. " یک نی " که در مکاشفه 11:1 نشان دهنده پاپ روم است.

همچنین معنای نمادین ارقام و اعداد وجود دارد. به عنوان یک قانون اساسی، به ترتیب صعودی

داریم:

برای عدد "1": منحصر به فرد (الهی یا دیجیتال)

برای عدد "2": نقص

برای عدد "3": کمال

برای عدد "4": جهانی بودن (4 امتیاز اصلی)

برای عدد "5": مرد (انسان مذکر یا مؤنث)

برای عدد "6": فرشته آسمانی (موجود آسمانی یا رسول)

برای عدد "7": پری. (همچنین: مهر خالق خدا)

در بالای این شکل، ترکیبی از اضافات هفت رقم اولیه را داریم. مثال: $8 = 2+6$; $9 = 3+6$; $10 = 3+7 = 5+6 = 11$; $12 = 5+7 = 6+6$; $13 = 6+7$. این انتخاب ها در رابطه با موضوعاتی که در این فصل های مکاشفه مورد بررسی قرار می گیرند، معنای معنوی دارند. در کتاب دانیال پیام های نبوی مربوط به دوران مسیحیت مسیحی را در فصل های 2، 7، 8، 9، 11 و 12 می یابیم.

در کتاب مکاشفه نازل شده به یوحنا رسول، رمز نمادین اعداد فصل بسیار آشکار است. دوران مسیحیت به دو بخش اصلی تاریخی تقسیم می شود.

اولین مورد، که به عدد "2" پیوست شده است، اکثریت زمان "نقص" اعتقادی ایمان مسیحی را پوشش می دهد که از سال 538 توسط پاپی کاتولیک رومی، وارث هنجار مذهبی که از 7 مارس 321 توسط امپراتور بت پرست روم، کنستانتین ایجاد شده بود، ارائه شده است. فصل 2 کل زمان بین 94 و 1843 را در بر می گیرد.

بخش دوم که با عدد «3» نشان داده می شود مربوط به سال 1843، زمان «آدونتیست» است، زمانی که خداوند «کمال» اعتقادی رسولی را می خواهد که مطابق با برنامه پیش بینی شده توسط حکم بازسازی شود. این کمال به تدریج تا زمان بازگشت مسیح در بهار 2030 Dan.8:14 الهی ذکر شده در حاصل خواهد شد.

بالای عدد 7 عدد 8 $6+2$ زمان نقص (2) آثار اهریمنی (6) را تداعی می کند. عدد 9، $6+3$ ، زمان کمال (3) و به همان اندازه کارهای شیطانی (6) را نشان می دهد. عدد 10، $7+3$ ، زمان کمال (3)، پری (7) کار الهی را پیشگویی می کند عدد «11» یا عمدتاً $6+5$ ، زمان آنتیسم فرانسوی را هدف قرار می دهد که در آن انسان (5) با شیطان پیوند خورده است (6) عدد «12»، یعنی $7+5$ ، ارتباط انسان (5) را با خدای خالق (7 = پری و مهر سلطنتی آن) آشکار می کند عدد "13" یا $6+7$ ، نشان دهنده پر بودن (7) دین مسیحی مرتبط با شیطان است (6). ابتدا پاپ (دریا) و پروتستان (سرزمین) در روزهای آخر عدد "14" یا $7+7$ ، مربوط به کار ادونتیست و پیام های جهانی آن (انجیل ابدی) است عدد «15» یعنی $5+5+5$ یا 5×3 ، زمان کمال انسان (3) (5) را تداعی می کند. این همان چیزی است که پایان زمان فیض را نشان می دهد. «گندم» روحانی برای برداشت و ذخیره در انبارهای آسمانی رسیده است. آماده سازی برگزیدگان به این دلیل کامل می شود که به مرتبه ای که خداوند خواسته است رسیده اند عدد "16" در مکاشفه مربوط به زمانی است که خداوند "هفت شیشه آخر خشم خود" را بر دشمنان مذهبی خود، مسیحیت بی وفا در فصل 13 می ریزد عدد "17" مانند شماره قبلی، معنای خود را از مضمونی می گیرد که خداوند در پیشگویی خود به آن می دهد: در مکاشفه 17، نماد "قضاوت فاحشه بزرگ" توسط خدا. در کتاب مقدس، اولین استفاده از این عدد نمادین مربوط به هفته عید پاک است که از دهمین روز از اولین ماه سال آغاز می شود و در روز هفدهم به پایان می رسد. عید فصح که در سطح روزهای مرگ «بره خدا» عیسی مسیح به پایان می رسد، در سال های روز در هفتادمین «هفته های هفتاد» سال های دان. $9:24$ تا 27 پیشگویی می شود. بنابراین، نبوت هفتادمین هفته آیه 27، زمان هفت سال بین تاریخ های 26 و 33 را در بر می گیرد. هدفی که در این پیشگویی نشان داده شده است، عید فصح است که در بهار، "در میانه" این هفت سال هفته عدد $Dan.9:27$ نبوی قرار دارد. نقل شده در

برای آخرین «ادونتیست های واقعی»، عدد 17 مربوط به 17 قرن تمرین یکشنبه رومی است، گناهی که در 7 مارس 321 ایجاد شد. تاریخ سالگرد پایان این 17 قرن، 7 مارس 2021، «زمان پیشگویی شده است. این «زمان» برای تحقق این آخرین $Dan.11:40$ روزگار» را باز کرد. پایان "در مجازات هشدار دهنده مساعد است، که با تعیین جنگ جهانی سوم، توسط «ششمین شیپور» نازل شده در مکاشفه $9:13$ تا 21 نیز توسط خدا پیشگویی شده است. ویرانی اقتصادی ناشی از کووید. وپروس -19 سال 2020 (20 مارس 2020 تا 20 مارس 2021) را به عنوان سال آغاز عذاب های الهی نشان می دهد.

موضوع فصل «هجدهم» مجازات «بابل بزرگ» است

فصل "19" زمینه بازگشت در جلال عیسی مسیح و رویارویی او با شورشیان انسانی را هدف قرار می دهد

فصل "20" هزاره هفتم را تداعی می کند، در زمین متروک جایی که شیطان در آن زندانی است و در بهشت، جایی که برگزیدگان به قضاوت درباره زندگی و کارهای شورشیان مرده شرور که توسط خدا طرد شده اند، می پردازند

فصل «21» نماد 7×3 را می یابد، یعنی کمال (3) تقدیس الهی (7) بازتولید شده در برگزیدگان که از روی زمین نجات یافته است

بنابراین ما می بینیم که نبوت موضوع خود را برگزیدگان ادونتیسم در مکاشفه 3، 7، 14 = می گیرد (رشد به سوی کمال تقدیس) $7 \times 7 = 21$ و $3 \times 7 = 21$

فصل «22» آغازگر زمانی است که بر روی زمین احیا شده و تجدید شده، خداوند تاج و تخت خود و برگزیدگان پادشاهی ابدی خود را نصب می کند

ادونتیسیم

پس این پسران و دختران خدا چه کسانی هستند؟ ما می‌توانیم بلافاصله بگوییم، زیرا این سند تمام شواهد مطلوب را ارائه می‌دهد، این مکاشفه الهی توسط خداوند خطاب به مسیحیان «آدونتیست» است. زیرا چه خواهیم چه خواهیم، اراده خدا حاکم است، و از بهار 1843، زمانی که حکمی که در دانیال 8:14 پیشگویی شده بود، اجرایی شد، استاندارد "آدونتیست روز هفتم" کانال انحصاری است که هنوز خدا را به هم متصل می‌کند. و بندگان انسانی اش اما مراقب باشید! این هنجار دائماً در حال تحول است و امتناع از این تکامل، به خواست خدا، باعث شده است که نمایندگی رسمی نهادی آن توسط عیسی مسیح به معنای ظهور گرفته adventus از سال 1994 استفرغ شود. ادونتیسیم چیست؟ این کلمه از کلمه لاتین شده است. انتظار عیسی مسیح برای بازگشت بزرگ نهایی او در جلال پدر، در بهار 1843، در پاییز 1844 و در پاییز 1994 بود. پیامدهای معنوی عواقب غم انگیزی برای کسانی که این اعلامیه های نبوی و انتظارات آنها را تحقیر کردند، زیرا آنها به طور مستقل توسط خداوند خالق بزرگ سازماندهی شده بودند. بنابراین، هرکسی که در این سند نورهای پیشنهاد شده توسط عیسی مسیح را بشناسد، در نتیجه مستقیم، به یک «آدونتیست»، «روز هفتم» تبدیل خواهد شد، اگر نه در میان مردم، این مورد برای خدا خواهد بود. این، به محض اینکه استراحت دینی روز اول را رها کرد، تا بقیه روز هفتم را که سبت نامیده می‌شود، انجام دهد، که از زمان خلقت جهان توسط خدا مقدس شده است. تعلق به خدا متضمن الزامات تکمیلی الهی است؛ با روز سبت، ادونتیسیت منتخب باید متوجه شود که بدن فیزیکی او نیز دارایی خداست، و به این ترتیب، باید از آن به عنوان یک دارایی گرانبهای الهی، یک پناهگاه جسمانی، تغذیه و مراقبت کند. زیرا خداوند در پیدایش 1:29، رژیم غذایی ایده آل او را برای انسان مقرر کرده است: «و خدا گفت: اینک، هر گیاهی را که بذر می‌آورد، که بر روی تمام زمین است، و هر درختی را که در ... اوست، به شما می‌دهم. میوه درخت و دانه‌آور: این غذای شما خواهد بود»

اندیشه ادونتیسیت از پروژه مسیحی نازل شده توسط خدا جدایی ناپذیر است. بازگشت عیسی مسیح در نقل قول های متعدد کتاب مقدس ذکر شده است: مزمو 3:50: " او می‌آید، خدای ما، او در سکوت نمی‌ماند. در برابر او آتشی است بلعنده و در اطراف او طوفانی سهمگین. مزمو 96:13: «... در پیشگاه خداوند! زیرا او می‌آید، زیرا می‌آید تا زمین را داوری کند. او جهان را به عدالت و مردم به کسانی که دلشان پریشان است، بگو: «Isa.35:4: «... را برحسب وفاداری خود داوری خواهد کرد شجاع باشید، نترسید. خدای تو اینجاست، انتقام، عذاب خدا خواهد آمد. او خودش خواهد آمد و شما را نجات خواهد داد. هوس.3:6: «... بگذاریم بدانیم، خواهیم خداوند را بشناسیم. آمدنش به اندازه سپیده دم قطعی است. او مانند باران برای ما خواهد آمد، مانند باران بهاری که زمین را سیراب می‌کند. در کتاب مقدس عهد جدید می‌خوانیم: متی 21:40: «... حالا وقتی خداوند تاکستان بیاید، با این اجاره داران چه خواهد کرد؟» 24:50: «... ارباب این بنده در روزی که انتظارش را ندارد و در ساعتی که نمی‌داند، خواهد آمد.» 25:31: «... وقتی پسر انسان در جلال خود بیاید، با همه فرشتگان، بر تخت جلال خود اما، ما می‌دانیم که این یکی از کجا آمده است. اما مسیح هنگامی که «Jea.7:27: «... خواهد نشست بیاید، هیچ کس نخواهد دانست که او اهل کجاست.» 7:31: «... بسیاری از جمعیت به او ایمان آوردند و گفتند: «ایا مسیح وقتی بیاید، کارهای بزرگتر از این خواهد کرد؟» عبرانیان 10:37: " مدتی دیگر، کسی که می‌آید خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. " آخرین شهادت عیسی: یوحنا 14:3: " و چون بروم و مکانی برای شما آماده کنم، باز خواهم آمد و شما را نزد خود خواهم برد تا جایی که من هستم، شما نیز آنجا باشید. " شهادت فرشتگان: عمل 1:11: «... و گفتند: ای مردان جلیلی، چرا به آسمان نگاه نمی‌کنید؟

این عیسی که از میان شما به آسمان برده شده است، به همان صورتی که او را دیدید که به آسمان رفت، ظاهر می شود: «روح خداوند، یهوه، بر من 2-1:61 Isa: مسیحا در Adventist خواهد آمد». پروژه است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا به فقرا بشارت دهم. او مرا فرستاد تا دل شکستگان را شفا دهم، اسیران را آزادی و اسیران را رهایی اعلام کنم. برای اعلام یک سال لطف خداوند، ... "در اینجا، عیسی با خواندن این متن در کنیسه ناصره، خواندن خود را متوقف کرد و کتاب را بست، زیرا بقیه مربوط به "روز" بود. انتقام «تنها 2003 سال بعد، برای بازگشت با شکوه الهی او انجام شد: «و روز مربوط به "روز" بود. انتقام از خدای ما. برای تسلی دادن همه گرفتاران؛

ادونتیسم امروز چهره‌های متعددی دارد و اولاً جنبه نهادی رسمی که در سال 1991 رد شد، آخرین نورهایی که عیسی آن را عرضه کرد، از طریق ابزار انسانی فروتنی که من هستم. جزئیات در صورت لزوم در این سند ظاهر می شود. گروه‌های ادونتیست مخالف متعددی در سراسر زمین پراکنده هستند. این نور به عنوان اولویت خطاب به آنهاست. او «نور بزرگ» است که خواهر روحانی بزرگ ما، الن وایت، می‌خواست مردم ادونتیست را به سوی آن هدایت کند. او کار خود را به عنوان "نور کوچک" ارائه کرد که به "یکی بزرگ" منتهی می شود. و در آخرین پیام عمومی خود، در حالی که انجیل مقدس را به دو دست می‌برد، اعلام کرد: «برادران، این کتاب را به شما توصیه می‌کنم.» اکنون آرزوی او برآورده شده است. دانیال و مکاشفه کاملاً با استفاده دقیق از کدهای کتاب مقدس رمزگشایی می شوند. هماهنگی کامل حکمت بزرگ خدا را آشکار می کند. خواننده، هر که هستی، از شما می خواهم که اشتباهات گذشته را مرتکب نشوید، این شما هستید که باید خود را با برنامه الهی تطبیق دهید، زیرا خداوند متعال با دیدگاه شما سازگار نخواهد شد. امتناع از نور یک گناه کبیره بدون هیچ چاره ای است. خون ریخته شده توسط عیسی مسیح آن را نمی پوشاند. من این پرانتز مهم را می بندم و به «فاجعه» اعلام شده برمی گردم.

قبل از پرداختن به ماجرای آخرالزمان، باید برای شما توضیح دهم که چرا به طور کلی، پیشگویی های الهام شده از جانب خداوند برای ما انسان ها تا حد زیادی حیاتی هستند، زیرا آگاهی یا تحقیر آنها منجر به زندگی ابدی یا مرگ دائمی می شود. دلیلش این است: انسان ثبات را دوست دارد و به همین دلیل از تغییر می ترسد. در نتیجه، او از این ثبات محافظت می‌کند و دین خود را به سنت تبدیل می‌کند و هر چیزی را که در جنبه‌ای از تازگی ظاهر می‌شود، کنار می‌گذارد. این گونه بود که ابتدا یهودیان اتحاد الهی قدیم که عیسی از محکوم کردن آنها به عنوان «کنیسه شیطان» در مکاشفه 2:8 و 3:9 دریغ نمی‌کند، برای نابودی خود عمل کردند. آنها با پایبندی به سنت پدران معتقد بودند که از این طریق می توانند رابطه خود را با خدا حفظ کنند. اما در این مورد چه اتفاقی می افتد؟ انسان وقتی با خدا صحبت می کند دیگر به حرف او گوش نمی دهد، بلکه از خدا می خواهد که به صحبت های او گوش دهد. در این شرایط، خدا دیگر حساب خود را پیدا نمی کند، بیش از آن که اگر درست باشد که خودش در شخصیت و قضاوتش که تا ابد ثابت می ماند تغییری نمی کند، این نیز درست است که پروژه او دائماً در حال رشد است و همواره در حال تغییر. یک آیه برای تأیید این نظر کافی است: «راه نیکوکاران مانند نور درخشانی است که روشنایی آن تا نیمه روز زیاد می شود. (نرم 4:18)». «مسیر» این آیه معادل «راهی» است که در عیسی مسیح تجسم یافته است. این ثابت می کند که حقیقت ایمان به مسیح نیز در طول زمان، بر اساس انتخاب خدا، مطابق با نقشه او تکامل می یابد. نامزدهای ابدیت باید به سخنان عیسی معنایی بدهند که سزاوارشان است، هنگامی که او به آنها گفت: "به کسی که اعمال من را تا آخر نگاه دارد، خواهم داد... (مکاشفه 2:26)". بسیاری از مردم فکر می کنند که کافی است آموخته های خود را از ابتدا تا انتها حفظ کنید. و این قبلاً خطای یهودیان ملی و درس عیسی در تمثیل استعدادها بود. اما این فراموشی است که ایمان واقعی یک رابطه دائمی با روح خدای زنده است که مراقبت می کند تا این غذایی را که همیشه و همیشه از دهان او خارج می شود به فرزندان بدهد. کلام خدا محدود به متون مقدس کتاب مقدس نیست، پس از آن، برای همیشه باقی می ماند، "لوگوس" زنده، کلمه ای که لحظه ای جسم می شود، مسیح در روح القدس عمل می کند تا گفتگوی خود را با کسانی که او را دارند ادامه دهد. او را با تمام وجود دوست دارند و جستجو می کنند. من می توانم به این چیزها شهادت دهم زیرا من

شخصاً از این سهم نور جدید که با کسانی که به اندازه من آن را دوست دارند به اشتراک می‌گذارم، بهره برده‌ام. تازگی دریافت شده از بهشت مدام درک ما را از پروژه آشکار شده خود بهبود می‌بخشد و ما باید بدانیم که چگونه تصمیم بگیریم و وقتی تفسیرهای قدیمی منسوخ شدند آنها را رها کنیم. کتاب مقدس ما را «(1th.5:21) به انجام این کار دعوت می‌کند: «همه چیز را بررسی کنید. به خوبی چنگ بزنید؛ قضاوت خدا پیوسته با این تکامل پیشرونده نور الهام شده و آشکار به امانت گذاران منتخب اوقام او سازگار می‌شود. بنابراین، احترام شدید به سنت باعث زیان می‌شود، زیرا انسان را از انطباق با تکامل برنامه نجات که به تدریج تا پایان جهان آشکار می‌شود، باز می‌دارد. تعبیری هست که در حوزه دینی ارزش کامل خود را به خود می‌گیرد، این است: حقیقت زمان حال یا حقیقت فعلی. برای درک بهتر این تفکر، باید به گذشته نگاه کنیم، جایی که در زمان رسولان یک آموزه ایمان کامل داشتیم. بعداً، در زمان‌های پیشگویی شده از تاریکی شدید، آموزه‌های رسولان با دو «روم» جایگزین شد. امپراتوری و پاپی، دو مرحله از یک پروژه الهی که برای شیطان آماده شده است. بنابراین، کار اصلاح نام خود را توجیه می‌کند، زیرا شامل ریشه کن کردن آموزه‌های دروغین و کاشت مجدد بذرهای خوب نابود شده دکتترین رسولی است. خداوند با صبر و حوصله فراوان، زمان و زمان زیادی را برای بازگرداندن نور او به کمال کامل داد. بر خلاف خدایان بت پرست که واکنش نشان نمی‌دهند، چون وجود ندارند، خدای خالق جاودانه زندگی می‌کند و با واکنش‌ها و اعمال تکرار نشدنی خود نشان می‌دهد که وجود دارد. متأسفانه برای انسان، تحت عنوان مجازات‌های سخت. کسی که به طبیعت فرمان می‌دهد، رعد و برق و رعد و برق را هدایت می‌کند، آتشفشان‌ها را بیدار می‌کند و آنها را به آتش می‌اندازد بر انسانیت گناهکار، که باعث زلزله می‌شود و امواج ویرانگر را ایجاد می‌کند، همان کسی است که در ذهن منتخبانش زمزمه می‌کند. پیشرفت پروژه خود را، آنچه که او آماده انجام آن است، همانطور که از قبل از مدتها قبل اعلام کرده بود. بر طبق عاموس 3: 7، « زیرا خداوند یهوه هیچ کاری نمی‌کند تا اینکه راز خود را برای «. بندگان‌ش انبیا آشکار کند

اولین نگاه به آخرالزمان

یوحنا، رسول خداوند عیسی مسیح، در ارائه خود، تصاویری را که خدا در رؤیا به او می‌دهد و پیام‌هایی را که می‌شنود برای ما توصیف می‌کند. در ظاهر، اما فقط در ظاهر، مکاشفه، ترجمه یونانی چیزی را آشکار نمی‌کند، زیرا جنبه مرموز خود را حفظ کرده است که برای انبوه "apocalupsis" مؤمنانی که آن را می‌خوانند غیرقابل درک است. رمز و راز آنها را دلسرد می‌کند و آنها به نادیده گرفتن اسرار فاش شده کاهش می‌یابند.

خداوند این کار را بدون دلیل انجام نمی‌دهد. او با این کار به ما می‌آموزد که مکاشفه او چقدر مقدس است و به این ترتیب، فقط برای برگزیدگانش در نظر گرفته شده است. و اینجاست که مناسب است موضوع روشن شود، برگزیدگان او کسانی نیستند که چنین ادعایی دارند، بلکه منحصرأ کسانی هستند که خودش آنها را بندگان خود می‌شناسد، زیرا آنها مؤمنان دروغین با وفاداری و اطاعت خود برجسته می‌شوند.

مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد تا به بندگانش چیزهایی را که باید به سرعت اتفاق بیفتد نشان دهد و با فرستادن فرشته خود به غلامش یوحنا که به کلام خدا و شهادت عیسی مسیح شهادت داد، آگاه ساخت. ، تمام آنچه او دید. (مکاشفه 1:1-2)

پس کسی که در یوحنا 14:6 اعلام کرد: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر نمی‌آید مگر از طریق من»، از طریق مکاشفه او، مکاشفه او می‌آید تا راه حقیقت را به بندگان خود نشان دهد که به آنها امکان می‌دهد زندگی ابدی را که به نام او ارائه و پیشنهاد شده است، بدست آورند. بنابراین، تنها کسانی آن را به دست خواهند آورد که او آنها را شایسته دریافت آن می‌داند. عیسی پس از اینکه به طور مشخص از طریق خدمت زمینی خود نشان داد که چه چیزی الگوی ایمان واقعی را تشکیل می‌دهد، کسانی را که شایسته او و فداکاری داوطلبانه کفاره او هستند، به رسمیت می‌شناسد، زیرا آنها واقعاً خود را متعهد به این راه نمونه کرده اند که در آن او پیش از آنها گام نهاده است. وقف کامل او به خدمت خدا معیار پیشنهادی است. اگر استاد به پیلطس گفت: «...من به دنیا آمده‌ام تا به حقیقت شهادت دهم...» (یوحنا 18:37)، در همین جهان، برگزیدگان او باید همین کار را انجام دهند.

هر رمز و رازی توضیحی دارد، اما برای به دست آوردن آن باید از کلیدهایی استفاده کنید که دسترسی به اسرار را باز و بسته می‌کند. اما افسوس برای کنجکاوهای سطحی، کلید اصلی خود خداست، شخصاً. او به فراغت و به قضاوت معصومانه و کاملاً عادلانه خود، هوش انسانی را باز یا بسته می‌کند. همین مانع اول، کتاب نازل شده را نامفهوم می‌کند و کتاب مقدس به طور کلی، هنگامی که در معرض قرائت مؤمنان دروغین قرار می‌گیرد، به مجموعه مقالاتی از حقایق دینی تبدیل می‌شود. و بسیاری از این ایمانداران دروغین وجود دارند، به همین دلیل است که بر روی زمین، عیسی بر طبق متی 24:5-11 و متی، هشدارهای خود را در مورد مسیحیان دروغین که تا پایان جهان ظاهر خواهند شد، چند

برابر کرده بود. 7:21 تا 23، جایی که او نسبت به ادعاهای نادرست کسانی که برای او فریاد می زنند هشدار می دهد.

بنابراین مکاشفه مکاشفه تاریخ ایمان واقعی است که توسط عیسی مسیح در پدر و در روح القدس که از پدر، تنها خدای خالق آمده، به رسمیت شناخته شده است. این ایمان واقعی، برگزیدگان خود را که در قرون تاریک دوران سردرگمی شدید مذهبی را پشت سر می گذارند، واجد شرایط می سازد. این وضعیت نماد ستارگانی را که خدا به برگزیدگانی که آنها را حتی به صورت لحظه ای می شناسد نسبت می دهد، توجیه می کند، زیرا آنها نیز مانند آنها، طبق پیدایش 1:15، در تاریکی می درخشند، « تا زمین را روشن کنند ».

کلید دوم مکاشفه در کتاب دانیال نبی، یکی از کتابهای عهد قدیم، پنهان است، که اولین مورد از « دو شاهد » خدا را تشکیل می دهد که در مکاشفه 11:3 ذکر شده است. دوم مکاشفه و کتابهای عهد جدید است. عیسی در طول خدمت زمینی خود توجه شاگردان خود را به این دانیال نبی جلب کرد که شهادت او در کتب تاریخی در تورات مقدس یهودیان طبقه بندی شده است.

وحی الهی به شکل دو ستون معنوی است. این بسیار درست است که کتابهای دانیال و کتاب آخرالزمان که به یوحنا داده شده است به هم وابسته و مکمل یکدیگر هستند تا مانند دو ستون، پایتخت یک مکاشفه آسمانی الهی را حمل کنند.

بنابراین، مکاشفه داستان ایمان واقعی است که خداوند در این آیه تعریف می کند: « خوشا به حال کسی که می خواند و سخنان نبوت را می شنود و آنچه را در آن نوشته است نگاه می دارد! زیرا زمان نزدیک است (مکاشفه 1: 3)

فعل «خواندن» برای خدا معنای دقیقی دارد که با حقیقت درک پیام خوانده شده ارتباط دارد. این فکر در عیسی 29: 11-12 بیان شده است: « تمام مکاشفه برای تو مانند کلمات طومار مهر و موم شده ای است که به مردی که خواندن بلد است داده می شود و می گوید: این را بخوان! و چه کسی پاسخ می دهد: من نمی توانم، زیرا مهر و موم شده است. یا مثل کتابی که به مردی که خواندن بلد نیست می دهد و می گوید: این را بخوان! و چه کسی پاسخ می دهد: من نمی دانم چگونه بخوانم. با این مقایسه ها، روح غیرممکن بودن درک پیام های الهی رمزگذاری شده برای کسانی را تأیید می کند که « او را با زبان و لب تکریم می کنند، اما دل هایشان از او دور است »، طبق آیه 13:29: « خداوند گفت: هنگامی که این مردم به من نزدیک می شوند، مرا با دهان و لبان خود گرامی می دارند. اما دل او از من دور است و ترسی که " از من دارد فقط یک دستور سنت بشری است.

کلید سوم به کلید اول می پیوندد. همچنین در خدا یافت می شود که از میان برگزیدگان خود، کسی را انتخاب می کند که قادر می سازد نبوت را «خواند» تا برادران و خواهرانش در عیسی مسیح را روشن کند. زیرا پولس آن را در اول قرن نهمین 28:12-29 یادآوری کرد: « و خدا در کلیسا اول رسولان، ثانیاً انبیا، ثالثاً معلمان، سپس کسانی را که دارای عطای معجزات هستند، سپس کسانی را که دارای عطایای شفا هستند، تعیین کرد. کمک کردن، حکومت کردن، صحبت کردن به زبان های مختلف. آیا همه رسولان شفا هستند؟ آیا همه پیامبر هستند؟ آیا همه آنها دکتر هستند؟

در نظمی که خداوند رهبری می کند، شخص به عنوان یک پیامبر با تصمیم شخصی انسان باده نمی گوید. همه چیز همانطور که عیسی در مثل تعلیم داد اتفاق می افتد، ما نباید برای گرفتن جایگاه اول در جلوی صحنه عجله کنیم، بلکه برعکس، باید در پشت اتاق بنشینیم و در صورت لزوم منتظر بمانیم. ، که خداوند ما را دعوت می کند که به خط مقدم بیاییم. من آرزوی نقش خاصی در کار او نداشتم و فقط اشتیاق زیادی برای درک معانی این پیام های عجیبی که در مکاشفه خواندم داشتم. و این خدا بود که قبل از اینکه معنی را بفهمم، در رؤیایی مرا صدا زد. بنابراین از شخصیت فوق العاده درخشان آثاری که ارائه می کنم تعجب نکنید. این ثمره یک رسالت اصیل رسولی است.

بنابراین ناتوانی لحظه ای در درک اسرار آن که در رمز آشکار شده است، طبیعی است و به تریبی که خداوند تعیین کرده است، قابل انتظار است. جهل تا زمانی که نتیجه امتناع نور داده شده نباشد، عیب محسوب نمی شود. در صورت امتناع از آنچه از طریق پیامبرانی که برای این کار مأمور می کند، حکم الهی آنی است: گسست رابطه و حفظ و امید. بنابراین، یک پیامبر مبلغ، یوحنا، یک رؤیای

رمزگذاری شده از جانب خداوند دریافت کرد، در زمان آخرالزمان، پیامبر مبلغ دیگری امروز رویاهای رمزگشایی شده دانیال و مکاشفه را به شما تقدیم می کند و همه تضمین های برکت الهی را از طریق وضوح عالی آنها به شما ارائه می دهد. برای این رمزگشایی فقط یک منبع وجود دارد: کتاب مقدس، چیزی جز کتاب مقدس، بلکه کل کتاب مقدس، زیر نور روح القدس. توجه و محبت خداوند معطوف به ساده ترین موجودات بشری است، مانند فرزندان مطیع، که در زمان آخرت کمیاب شده اند. شناخت اندیشه الهی تنها در همکاری تنگاتنگ و شدید خداوند و بنده اش حاصل می شود. حقیقت را نمی توان دزدید. او شایسته آن است. کسانی که آن را دوست دارند به عنوان یک تراوش الهی، یک میوه، یک جوهر پروردگار محبوب و پرستش پذیرفته می شود.

ساخت کامل مکاشفه بزرگ که به شیوه ای مکمل توسط کتاب های دانیال و مکاشفه آورده شده است، گول پیکر و به طرز فریبنده ای پیچیده است. زیرا در حقیقت، خداوند غالباً موضوعات مشابهی را در ابعاد و جزئیات متفاوت و مکمل ذکر می کند. در سطح تسلطی که من امروز بر موضوع دارم، خلاصه کردن تاریخ دینی آشکار در واقع بسیار ساده است.

هنوز یک کلید چهارم باقی مانده است: این خودمان هستیم. ما باید انتخاب شویم، زیرا روح ما و تمام شخصیت ما باید با خدا در تمام تصورات او از خیر و شر شریک باشد. اگر کسی به او تعلق نداشته باشد، مسلم است که در یک نقطه نظر او را به چالش خواهد کشید. مکاشفه با شکوه فقط در ذهن مقدس برگزیدگان به وضوح ظاهر می شود. حقیقت به گونه ای است که نمی توان برای آن چانه زنی کرد، نمی توان با آن مذاکره کرد، باید آن را همان طور که هست گرفت یا گذاشت. همانطور که عیسی تعلیم داد، همه چیز با "بله" یا "نه" تعیین می شود. و آنچه انسان اضافه می کند از آن شیطان است.

هنوز یک معیار اساسی وجود دارد که مورد نیاز خداوند است: فروتنی کامل. غرور در کار مشروع است، اما غرور هرگز مشروع نیست: «خداوند در برابر مغرور مقاومت می کند اما او به فروتنان فیض می بخشد (یعقوب 4: 6)». غرور از آنجا که ریشه شیطان است که باعث سقوط شیطان و عواقب وحشتناک آن برای خود و برای همه مخلوقات آسمانی و زمینی خدا شده است، برای یک موجود مغرور امکان انتخاب در مسیح وجود ندارد.

فروتنی، فروتنی واقعی، شامل شناخت ضعف انسانی ما و باور سخنان مسیح است که به ما می گوید: "بدون من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید (یوحنا 15: 5)". در این «هیچ»، در درجه اول، امکان درک معنای پیام های رمزگذاری شده نبوی آن یافت می شود. دلیلش را می گویم و توضیح می دهم. خداوند در حکمت خود، دانایی الهی خود، پیشگویی های خود را در عناصری که چندین دهه از هم جدا شده بودند، الهام کرد. قبل از اینکه او ایده ساختن یک ترکیب مقایسه ای از تمام این پیشگویی ها را به فصل هایی جدا کند، به من الهام کند، هیچ کس قبل از من این کار را انجام نداده بود. زیرا تنها از طریق این تکنیک است که اتهامات ارائه شده توسط خداوند دقت و وضوح پیدا می کند. راز نور مبتنی بر ترکیب تمام متون نبوی، مطالعه موازی داده ها از فصل های جداگانه آن، و بالاتر از همه جستجو در سراسر کتاب مقدس برای معنای معنوی نمادهایی است که با آنها مواجه می شویم. تا قبل از استفاده از این روش، کتاب دانیال، که بدون آن نبوت وحی کاملاً غیرقابل درک است، اتهامات الهی ذکر شده بیش از حد کسانی را که به آنها مربوط می شود نگران نمی کرد. به منظور تغییر این وضعیت است که روح القدس عیسی مسیح به من الهام کرد تا آنچه را که تا آن زمان مبهم مانده بود، روشن کنم. بنابراین شناختی چهار هدف اصلی غضب الهی به شیوه ای غیرقابل انکار آشکار می شود. خداوند هیچ مقام دیگری را جز قدرت کلام مکتوب خود نمی شناسد، و این است که گناهکاران زمینی و آسمانی را تحت عنوان "دو شاهد" خود طبق مکاشفه 11:3 متهم و متهم می کند. اکنون به طور خلاصه به این داستان نبوی نازل شده نگاه می کنیم.

بخش اول: تاریخ اسرائیل در تبعید از سال 605

Dan.1 دانیل به بابل می رسد (-605)

رؤیاهای دانیال از حاکمان متوالی

Dan.2:32-37-38; 7:4: امپراتوری کلدانی-1

Dan.2:32-39; 7:5; 8:20: امپراتوری مادها و پارس-2

3-21: 4-11; 21: 8; 6: 7; 39-32: Dan.2: امپراتوری یونان-3
 4-30: 18-11; 26: 9; 9: 8; 7: 7; 40-33: Dan.2: امپراتوری روم-4
 5-24: 20-7; 33: Dan.2: پادشاهی اروپایی-5
 6-36: 11; 27: 9; 10: 8; 8: Dan.7: رژیم پاپ-6

قسمت دوم: دانیل + مکاشفه

پیشگویی در مورد اولین آمدن مسیحا توسط یهودیان رد شد: دانیال 9
 آزار و شکنجه یهودیان توسط پادشاه یونان آنتیوخوس چهارم اپیفانس (-168): اعلام فاجعه
 Dan.9:26: آزار و شکنجه رومی (70). Dan.11:31: تحقق. Dan.10:1: بزرگ
 پس از کلدانیان، مادها و ایرانیان، یونانیان، تسلط بر روم، امپراتوری، سپس پاپی، از سال 538.
 در روم، ایمان مسیحی با دشمن فانی خود در دو مرحله امپراتوری و پاپی متوالی خود ملاقات می کند
 تا 3: 12; 2: 8; 11: 8; Rev.2; تا 43; 7: 7-8-19 تا 26; 9: 8-12; 7: 40-11; 36: 12-7; 40: 2-40: Dan.2:
 6-13 تا 16; 1: 10-13; 14: 8 تا 29; 1: 3 تا 3; Apo.2:19-20-24: از 1170 (پیر والدو)، کار اصلاحات تا بازگشت مسیح
 18 تا 13: 11; 12: 9: 1.
 Rev.2:22; 8: 12; 11: 7-13: بین 1789 و 1798، اقدام تنبیهی الحاد انقلابی فرانسه
 Apo.8:13: امپراتوری ناپلئون اول
 سقوط Rev.3: از 1843، آزمون ایمان ادونتیست و پیامدهای آن: دانیال 8: 14; 11: 12-12
 پروتستانتیسم سنتی: مکاشفه 3: 1 تا 3; مجازات او: مکاشفه 9: 1 تا 12 (پشم شیپور). پیشگامان مبارک
 ادونتیست: مکاشفه 4: 3-6
 از سال 1873، برکت رسمی نهاد جهانی ادونتیست روز هفتم: دانیال 12: 12; مکاشفه 3: 7; مهر
 مأموریت جهانی آن یا پیام های سه فرشته: مکاشفه 14: 7 تا 13; Rev.7: خدا
 به Rev.3:14: از سال 1994، تحت آزمایش ایمان نبوی، ایمان نهادی ادونتیست سقوط کرد
 : مجازات او. Rev.9:5-10: 19. نتیجه: به اردوگاه پروتستان که از سال 1844 رد شده بود پیوست
 (... او نیز خواهد نوشیدند) Rev.14:10
 بین 2021 و 2029، جنگ جهانی سوم: دانیل 11: 40 تا 45؛ مکاشفه 9: 13 تا 19 (ششم شیپور
 (.
 Apo.15: در سال 2029، پایان زمان فیض جمعی و فردی
 آزمون جهانی ایمان: قانون یکشنبه تحمیل شد: مکاشفه 12: 17; 11: 13-18; 12: 17-14; هفت
 Rev.16: بلای آخر
 در بهار 2030، " آرمادون " فرمان مرگ و بازگشت باشکوه مسیح: دانیال 2: 34-35-44-
 تا 19. هفتمین آفت 11: 19-15; 7: 1; Rev.1: 45; 12: 1; مکاشفه 15: 13; 16: 16. شیپور هفتم
 آخر: مکاشفه 16: 17. برداشت یا تسخیر برگزیدگان: مکاشفه 14: 14 تا 16. برداشت یا مجازات معلمان
 دینی دروغین: مکاشفه 14: 17 تا 20; 19: 16; 17; 18; 20-19: 21
 از بهار 2030، هزاره هفتم یا سبت بزرگ برای خدا و برگزیدگانش: شکست خورده، شیطان به
 مدت هزار سال بر روی زمین متروک زنجیر شده است: مکاشفه 1: 20 تا 3. در بهشت، برگزیدگان در
 6-4: 20; 11: 18; Rev.4: مورد افتادگان قضاوت می کنند: دانیال 7: 9
 مرگ دوم بر روی زمین: دانیال Apo.21: در حدود 3030، آخرین داوری: شکوه برگزیدگان
 Dan.2:35-44; 7: 22-27; Rev.22: 7; 11: 7; 20: 7 تا 15. در مورد زمین تجدید شده

نمادهای روم در نبوت

جنبه مبهم پیشگویی‌ها مبتنی بر استفاده از نمادهای مختلف است، حتی اگر آنها مربوط به یک موجود باشند. بنابراین، به جای اینکه یکدیگر را کنار بگذارند، مکمل یکدیگر می‌شوند. این به خدا اجازه می‌دهد تا جنبه اسرار آمیز متون را حفظ کند و جنبه‌های مختلف موضوع مورد نظر را در طرحی بسازد. هدف اصلی آن هم همینطور است: رم

در چشم انداز مجسمه، این چهارمین امپراتوری با نماد "پاهای آهنی" است. "Dan.2" در است که به این "DURA LEX SED LEX" آهن " منعکس کننده شخصیت خشن آن و شعار لاتین آن صورت ترجمه شده است: "قانون سخت است، اما قانون قانون است". علاوه بر این، «پاهای آهنی» ظاهر لژیونرهای رومی را به یاد می‌آورد که با سینه‌های آهنی روی تنه، روی سر، روی شانه‌ها، روی بازوها و روی پاها پوشیده شده‌اند و با پای پیاده در ستون‌های بلند، منظم و منظم پیش می‌رفتند.

رم، در دو مرحله بت پرستی خود، جمهوری و امپراتوری، هنوز چهارمین "Dan.7" در امپراتوری است که به عنوان "هیولا وحشتناک با دندان های آهنین" توصیف می‌شود. آهن دندان هایش او را به پاهای آهنی دن وصل می‌کند. 2. همچنین دارای "ده شاخ" است که نشان دهنده ده پادشاهی مستقل اروپایی است که پس از سقوط امپراتوری روم تشکیل خواهند شد. این تعلیم داده شده در است Dan.7:24.

ظهور یک "شاخ" یازدهم را توصیف می‌کند که در نبوت، هدف اصلی همه خشم Dan.7:8 به آن "ظاهر Dan.7:20، الهی خواهد شد. نام "شاخ کوچک" را دریافت می‌کند، اما به طور متناقض داده خواهد شد. او قدرتمندان و Dan.8:23-24 بزرگتری نسبت به دیگران "نسبت می‌دهد. توضیح در قوم مقدسین را نابود خواهد کرد. «این تنها بخشی از اعمالی است که خداوند به این سلطه دوم روم نسبت می‌دهد، که از سال 538، با استقرار رژیم پاپی که ایمان کاتولیک رومی را از طریق اقتدار امپراتوری ژوستینیانوس اول تحمیل کرد، انجام شد. ما باید تمام اتهاماتی را که خداوند به طور پراکنده در سراسر نبوت علیه این رژیم مستبد و مستبد، اما مذهبی که پاپی رومی نمایندگی می‌کند، بیان کنیم. اگر او را «مقاومت از اولی» می‌خواند، دقیقاً به این دلیل است که قدرت او مذهبی است و بر Dan.7:24 آن را به Dan.8:25 باورپذیری قدرتمندانی است که از او می‌ترسند و از تأثیر او نزد خدا می‌ترسند. که "موفقیت نیرنگ های خود" نسبت می‌دهد. برخی ممکن است غیر عادی بدانند که من پادشاه دانیال 7 را به پادشاه دانیال 8 مرتبط می‌کنم. بنابراین باید توجیه این پیوند را نشان دهم.

و 7 را نمی‌یابیم، بلکه تنها دو مورد از این Dan.2 دیگر چهار جانشین امپراتوری، Dan.8 در امپراتوری‌ها را می‌یابیم که به علاوه در متن به وضوح مشخص شده‌اند: امپراتوری مادها و ایران، که توسط یک «قوچ» تعیین شده است و امپراتوری یونان. تصویر شده توسط یک "بز" که قبل از امپراتوری روم است. در سال 323، اسکندر مقدونی فاتح بزرگ یونانی درگذشت، "شاخ بزرگ بز شکست". اما بدون وارث، امپراتوری او بین ژنرال هایش تقسیم می‌شود. پس از 20 سال جنگ بین آنها، تنها 4 پادشاهی باقی مانده است "چهار شاخ به چهار باد بهشت برخاست تا جایگزین آن شود". این

چهار شاخ عبارتند از مصر، سوریه، یونان و تراکیه. در این فصل 8، روح تولد این امپراتوری چهارم را به ما تقدیم می کند که در ابتدا فقط یک شهر غربی بود، ابتدا سلطنت طلب بود، سپس از سال 510 جمهوری خواه بود. در رژیم جمهوری خود بود که روم به تدریج با دگرگونی مردمان قدرت یافت. که برای کمک به مستعمرات روم درخواست کرد. اینگونه است که در آیه 9 تحت نام «شاخ کوچک» که قبلاً رژیم پاپی روم را در دان 7 مشخص می کند، ورود روم جمهوری خواه به تاریخ شرق جایی که اسرائیل وجود دارد، از طریق مداخله آن در یونان انجام شد. "یکی از چهار شاخ". همانطور که قبلاً گفتم، در سال 214 برای حل اختلاف بین دو لیگ یونانی، لیگ آخایی و لیگ اتولی فراخوانده شد و نتیجه آن برای یونان، از دست دادن استقلال و بردگی استعماری رومیان در - 146. آیه 9 فتوحات متوالی را تداعی می کند که این شهر کوچک ایتالیا را به چهارمین امپراتوری تبدیل می کند که توسط "آهن" در پیشگویی های قبلی تصویر شده است. موقعیت جغرافیایی استدلال، ایتالیا است که رم در آن قرار دارد. در لائین Louve تولد بنیانگذاران آن رومولوس و رموس دارای گرگی است که به آنها شیر می داد. کلمه است که به معنای گرگ و همچنین فاحشه است. از این رو، این شهر از زمان خلقتش به خاطر "lupa" سرنوشت مضاعف نبوی خود توسط خداوند مشخص شد. ما او را به عنوان یک گرگ در گله گوسفندان مقایسه خواهد کرد. سپس، گسترش آن به سمت "Rev.17 عیسی خواهیم یافت که او را با یک فاحشه در جنوب" آن، با فتح جنوب ایتالیا (496- تا 272) انجام شد، سپس از جنگ هایی که از سال 264 قبل از میلاد علیه کارتاژ، تونس کنونی، به راه افتاد، پیروز شد. مرحله بعدی به سمت «شرق» آن، مداخله آن در یونان است، همانطور که اخیراً دیدیم. در آنجا است که به عنوان "برخاسته از یکی از چهار شاخ" امپراتوری متلاشی شده یونان که از اسکندر مقدونی به ارث رسیده است توصیف می شود. رم که به طور فزاینده ای قدرتمند می شود، در سال 63، حضور و قدرت استعماری خود را بر یهودیه تحمیل می کند که روح آن را «زیباترین کشور» می نامد، زیرا این کار از زمان ایجاد آن پس از خروج مردمش از مصر بوده است. این عبارت در حزقی 6:20-15 تکرار شده است. دقت تاریخی: بار دیگر، روم توسط هیرکان به جنگ با برادرش اریستوبولوس فراخوانده شد. سه فتوحات رومی شرح داده شده، به همان شکل جغرافیایی که مربوط به «قوچ» ماد و پارس در همان فصل است، با شهادت تاریخی مطابقت و Dan.7:8 «دارد. بنابراین هدف تعیین شده توسط خدا محقق می شود: عبارت «شاخ کوچک در هر دو مرجع به هویت رومی مربوط می شود. چیزی که ثابت و غیر قابل بحث است. بر Dan.8:9 این یقین، روح الاهی قادر خواهد بود تعالیم خود و اتهامات خود را علیه این رژیم مذهبی پاپی که تمام صاعقه های بهشت را بر خود متمرکز می کند، تکمیل کند. جانشینی از روم پاپی به روم امپراتوری در روح از قرن هایی که آنها را از هم جدا می کند می، Dan.8 نشان داده شده است، در اینجا، در Dan.7 گذرد، و از آیه 10، او دوباره موجودیت پاپ، دشمن فانی مورد علاقه او را هدف قرار می دهد. و نه بی دلیل زیرا به دین مسیحی شهروندان ملکوت آسمان که توسط عیسی مسیح گردآوری شده است دسترسی دارد: «به لشکر آسمان برخاست». این امر در سال 538 با فرمان امپراتوری ژوستینیان یکم که به ویگیلیوس^{اول} اقتدار مذهبی و تاج و تخت پاپی و اتیکان را پیشنهاد کرد، انجام شد. اما مسلح به این قدرت، علیه اولیای خدا که به نام دین مسیحیت آنها را مورد آزار و اذیت قرار می دهد، عمل می کند، همانطور که جانشینان تاریخی او برای تقریباً 1260 سال (بین 538 و 1789-1793) چنین خواهند کرد. دقت تاریخی صحت این مدت را تأیید می کند، زیرا می دانست که این فرمان در سال 533 نوشته شده است. بنابراین، 1260 سال، در این محاسبه، در سال 1793 به پایان رسید، سالی که در انقلاب "ترور"، حکم لغو کلیسای روم صادر شد. او باعث شد برخی از ستاره ها به زمین بیفتند و آنها را زیر پا بگذارند. این تصویر در مکاشفه 12:4 گرفته خواهد شد: "دم او یک سوم ستارگان آسمان را کشید و به زمین پرتاب کرد." کلیدها در کتاب مقدس آمده است. در مورد ستارگان، آنها در پیدایش 1:15 آمده اند: «خدا آنها را در وسعت آسمان قرار داد تا به زمین نور دهند». در پیدایش 15:5 آنها را با نسل ابراهیم مقایسه می کنند: «به آسمان نگاه کن و ستارگان را بشمار، اگر بتوانی آنها را بشمار. آیندگان شما چنین خواهند کسانی که عدالت را به بسیاری تعلیم می دهند مانند ستارگان تا ابدالابد خواهند Dan.12:3 بود. در درخشید." کلمه "دم" در آخر الزمان عیسی مسیح اهمیت زیادی پیدا می کند، زیرا نماد و نشان دهنده "نبی که دروغ می آموزد" است، همانطور که اشعیا 9:14 به ما آشکار می کند، بنابراین درک ما را از پیام رمز شده الهی باز می کند. بنابراین، رژیم پاپی روم، در طول قرنهای تسلط خود و از زمان پیدایش، بر اساس قضاوت مقدس و عادلانه نازل شده از سوی خداوند، توسط پیامبران دروغین رهبری می شود.

خدا پاپ را متهم می کند که علیه عیسی مسیح، تنها " رئیس فرمانروایان " قیام، Dan.8:11 در کرده است، همانطور که در آیه 25 روشن خواهد شد، همچنین به عنوان " پادشاه پادشاهان و خداوند ارباب " در مکاشفه اشاره شده است. 17:14; 19:16. می خوانیم: « او نزد ناخدای لشکر برخاست و جاودان را از او گرفت و پایگاه حرمش را واژگون کرد. » این ترجمه با ترجمه های فعلی متفاوت است، اما این شایستگی را دارد که متن اصلی عبری را کاملاً رعایت کند. و به این شکل پیام خدا قوام و دقت به خود می گیرد. اصطلاح « همیشگی » در اینجا به « قربانی » مربوط نمی شود، زیرا این کلمه در متن عبری نوشته نشده است، حضور آن غیرقانونی است و موجه نیست. علاوه بر این، معنای نبوت را تحریف می کند. در واقع، این پیشگویی دوران مسیحیت را مورد هدف قرار می دهد که در آن، طبق قربانی ها و قربانی ها لغو شد. این اصطلاح « همیشگی » مربوط به یک دارایی انحصاری، Dan.9:26 عیسی مسیح است که کشیشی او، قدرت او به عنوان شفیع تنها به نفع برگزیدگانش است که او آنها را شناسایی و انتخاب می کند. با این حال، رژیم پاپ با تصرف در این ادعا، ملعونان را برکت می دهد و برکت دهندگان خداوند را که به دروغ آنها را به بدعت متهم می کند، نفرین می کند و خود را الگوی ایمان الهی قرار می دهد. ادعایی که خدا در مکاشفه نبوی خود کاملاً مورد اعتراض قرار داد و در او را متهم به " تشکیل طرح تغییر زمانه و قانون " می کند. بدعت در کل کار رژیم پاپ Dan.7:25 وجود دارد، بنابراین ارزش حمل یا اجرای هر گونه قضاوت مذهبی را ندارد. بنابراین جاودانگی مطابق با آموزه های عبرانیان 7:24، « کهنات انتقال ناپذیر » عیسی مسیح است. به همین دلیل است که پاپی نمی تواند مدعی انتقال قدرت و اقتدار خود از خدا در عیسی مسیح باشد. بنابراین او فقط می توانست آن را به طور غیرقانونی از او بدزدد، با تمام عواقبی که چنین سرقتی برای او و کسانی که او را اغوا می کند، آشکار شده است. در آخرین قضاوت، او دچار « مرگ دوم، Dan.7:11 خواهد داشت. این پیامدها در زنده زنده در دریاچه آتش و گوگرد پرتاب شده » خواهد شد، که مدتهاست خود، پادشاهان و همه مردم را با آن تهدید کرده است تا از او خدمت کنند و از او بترسند. « سپس نگاه کردم. به خاطر سخنان متکبرانانه ای که شاخ بر زبان می آورد، و چون نگاه کردم، جانور کشته شد و جسدش از بین رفت و به آتش سپرده شد تا بسوزد. » به نوبه خود، مکاشفه آخرالزمان این جمله قضاوت عادلانه خدای واقعی خشمگین و سرخورده را در مکاشفه 17:16 تأیید خواهد کرد. 18:8; 19:20. به دلیل ماهیت معنوی اتهامات علیه را " mecon " رژیم پاپی، ترجمه « و پایگاه حرم او را برانداختم » انتخاب کردم. در واقع، کلمه عبری می توان به عنوان: مکان یا پایه ترجمه کرد. و در صورتی که پیش می آید، به راستی اساس حرم معنوی است که واژگون می شود. این اصطلاح « پایه »، بر اساس افس. عیسی مسیح که توسط خدا بر روی او ساخته شده است. بنابراین، میراث ادعایی سنت پیتر توسط خود خدا در تضاد است. از نظر پوپری، تنها میراث پیتر، ادامه کار جلالانش است که او را پس از استاد الهی اش مصلوب کردند. رژیم تفتیش عقاید او مدل اولیه بت پرستی را صادقانه بازتولید کرد. پس از « تغییر زمان و قانونی » که خداوند برقرار کرد، این رژیم نابردبار و ظالم، که سران پاپ خاصی قاتلان آن بودند، جنایتکاران بدنامی مانند الکساندر ششم بورجیا و پسرش سزار، جلاد و کاردینال، به ماهیت شیطانی یکپارچه شهادت می دهد. نهاد پاپ کاتولیک رومی قتل عام های عظیمی بر مردم صلحجو توسط این مرجع دینی، با تغییر مذهب اجباری، به مجازات مرگ به راه افتاد و دستورات مذهبی جنگ های صلیبی علیه مسلمانانی که سرزمین اسرائیل را اشغال کرده بودند، انجام داد. سرزمینی که از سال 70 توسط خدا نفرین شده بود، اعلام شده، در نتیجه رد Dan.9:26 جایی که رومیان آمدند تا « شهر و قداست » را، مطابق آنچه در مسیحا توسط یهودیان، ویران کنند. « مبنای قدس او » مربوط به تمام حقایق اعتقادی است که رسولان دریافت کردند و آنها را از طریق کتاب مقدس عهد جدید به نسل های آینده منتقل کردند. بر اساس مکاشفه 11:3، دومین « دو شاهد » خدا. از این شاهد خاموش، پوپری فقط نام قهرمانان ایمان کتاب مقدس را حفظ کرده است که آنها را به وسیله انبوهی از پیروان خود می ستاید و به آنها خدمت می کند. حقیقت طبق روم، تا حدی در « میسل » (راهنمای توده) آن ثبت شده است که جایگزین « دو شاهد » خدا می شود. نوشته های میثاق های قدیم و جدید که مجموعاً کتاب مقدس را تشکیل می دهند که او با کشتن پیروان وفادار خود با آن مبارزه کرد.

به ما نشان خواهد داد که چرا خود خدا مجبور شد این دین نفرت انگیز و Dan.8 آیه 12 از نفرت انگیز را ایجاد کند. « لشکر به خاطر گناه به جاودانه واگذار شد ». بنابراین اعمال وحشتناک و نفرت انگیز این رژیم به خواست خدا برای مجازات « گناه » که طبق اول یوحنا 3: 4، تخطی از قانون

است، وجود داشت. و این عملی است که قبلاً به روم نسبت داده می شود، اما در مرحله امپراطوری بت پرستانه آن، زیرا گناه بسیار جدی که مستحق چنین مجازاتی است، خدا را در دو نقطه بسیار حساس لمس کرد: جلال او به عنوان خدای خالق و پیروز در مسیح. ما در مکاشفه 8: 7-8 خواهیم دید که استقرار رژیم پاپ در سال 538 دومین مجازاتی است که توسط خدا تحمیل شده است و توسط نماد هشدار دهنده "بوق دوم" پیشگویی شده است. مجازات دیگری پیش از آن است که با تهاجمات وحشیانه به اروپا که مسیحی غیر وفادار شده بودند، انجام شد. این اقدامات که بین سالهای 395 تا 476 امتداد دارند، علت مجازاتهای اعمال شده هنوز قبل از سال 395 یافت می شود. بنابراین، تاریخ 7 مارس 321 تأیید می شود که در آن، امپراتور بت پرست روم، کنستانتین اول، که توسط او صلح به او پیشنهاد شده بود. مسیحیان امپراتوری، با فرمانی دستور دادند که مراسم سبت را ترک کنند و او بقیه روز اول را جایگزین کرد. اکنون، این روز اول به پرستش بت پرستانه خورشید الهی تسخیر نشده اختصاص داشت. خداوند ناگهان دچار خشم مضاعف شد: از دست دادن سبت خود، یادبود کار او به عنوان خالق و پیروزی نهایی او بر همه دشمنانش، و همچنین، به جای آن، تمدید شرافت بت پرستانه در روز اول، در همان روز. درجات شاگردان عیسی مسیح کمتر کسی اهمیت عیب را درک می کند، زیرا باید بدانیم که خداوند نه تنها خالق زندگی است، بلکه خالق و سازمان دهنده زمان نیز هست و تنها برای این منظور است که ستارگان آسمان را خلق کرده است. خورشید در روز چهارم برای نشان دادن روزها، ماه برای نشان دادن شب، و خورشید دوباره و ستارگان برای نشان دادن سال ها ظاهر می شوند. اما هفته با ستاره ها مشخص نمی شود، بلکه صرفاً بر اساس تصمیم مستقل خدای خالق است. بنابراین نشان دهنده اقتدار او خواهد بود و خداوند به آن رسیدگی خواهد کرد.

نور در روز شنبه

تشکیلات درونی هفته نیز بیانگر اراده الهی اوست و خداوند به موقع در متن فرمان چهارم خود یادآوری می‌کند: «روز استراحت را به یاد آورید تا آن را مقدس نگه دارید. شما شش روز فرصت دارید تا تمام کارهای خود را انجام دهید، اما روز هفتم روز بیهوشی خدای شماست؛ در آن روز هیچ کاری انجام ندهید، نه شما، نه همسران، نه فرزندان، نه حیواناتان و نه غریبه‌ای که داخل دروازه‌های شماست، زیرا خداوند آسمان و زمین و دریا و هر آنچه در آنهاست را در شش روز آفرید. پس روز هفتم را برکت "داد و آن را تقدیس کرد

با دقت نگاه کنید، در این نقل قول فقط مربوط به اعداد "شش و هفت" است. کلمه سبت حتی ذکر نشده است. و شارع خالق در صورت «هفتم» آن، یک عدد ترتیبی، بر این موضع اصرار دارد که این هفتم روز شلوغ. چرا این اصرار؟ من دلیلی به شما خواهم داد تا در صورت لزوم دیدگاه خود را در مورد این فرمان تغییر دهید. خداوند می‌خواست نظم زمانی را که از ابتدای جهان برقرار کرده بود، تجدید کند. و اگر اینقدر اصرار می‌کند، به این دلیل است که هفته به شکل تمام وقت پروژه نجات او ساخته شده است: 7000 سال یا دقیق‌تر، 6000 + 1000 سال. موسی به دلیل تحریف نقشه نجات خود، با دو ضربه زدن به صخره حورب، از ورود به کنعان زمینی منع شد. این درسی بود که خدا می‌خواست در مورد نافرمانی او بدهد. از سال 1843-1844، استراحت روز اول همان عواقب را به همراه دارد، اما این بار از ورود به کنعان بهشتی جلوگیری می‌کند، پاداشی برای ایمان برگزیدگان که با مرگ کفار عیسی مسیح ارائه می‌شود. این قضاوت الهی بر سر شورشیان می‌افتد، زیرا مانند عمل موسی، بقیه روز اول مطابق برنامه‌ای نیست که خداوند برنامه‌ریزی کرده است. نام‌ها را می‌توان بدون نتیجه زیاد تغییر داد، اما ویژگی اعداد تغییر ناپذیری آنهاست. برای خدای خالق، که بر خلقت او نظارت دارد، پیشرفت پیشرونده زمان به صورت متوالی از هفت روز انجام می‌شود. بدون تغییر، روز اول، روز اول و «هفتم»، «هفتم» باقی خواهد ماند. هر روز ارزشی را که خدا از ابتدا به آن داده بود، برای همیشه حفظ خواهد کرد. و پیدایش در فصل 2 به ما می‌آموزد که روز هفتم هدف یک سرنوشت خاص است: "تقدس" است، یعنی جدا می‌شود. تاکنون بشریت علت واقعی این ارزش ویژه را نادیده گرفته است، اما امروز به نام آن توضیح خداوند را می‌دهم. در پرتو آن، انتخاب خداوند روشن و موجه می‌شود: روز هفتم، هزاره هفتم پروژه جهانی الهی 7000 سال شمسی را پیشگویی می‌کند، که در آخرین «هزار سال» ذکر شده در آیه 20، برگزیدگان عیسی مسیح را خواهیم دید. وارد شادی و حضور استاد عزیزشان شوند. و این پاداش به لطف پیروزی عیسی بر گناه و مرگ به دست خواهد آمد. سبت مقدس دیگر تنها یادبود خلقت جهان زمینی ما توسط خدا نیست، بلکه هر هفته نشان دهنده پیشروی به سوی ورود به ملکوت آسمان است، جایی که به گفته یوحنا 2: 14-3، عیسی «مکانی را آماده می‌کند». برای برگزیدگان محبوبش. در اینجا یک دلیل بسیار زیبا برای دوست داشتن او و احترام به او در این روز مقدس هفتم وجود دارد، هنگامی که به نظر می‌رسد پایان هفته‌های ما، در غروب خورشید، در پایان روز ششم است.

از این به بعد وقتی سخنان این چهارمین فرمان را می‌خوانید یا می‌شنوید، باید در پشت کلمات متن این جمله را بشنوید که خداوند به انسان‌ها می‌فرماید: شما 6000 سال فرصت دارید تا آثار ایمان برگزیدگان را تولید کنید، زیرا دارید از این زمان به پایان رسید، زمان هزار سال هزاره هفتم دیگر متعلق به شما نخواهد بود. این فقط برای برگزیدگان من که وارد ابدیت آسمانی من شده‌اند، به وسیله «ایمان واقعی که توسط عیسی مسیح به رسمیت شناخته شده است، ادامه خواهد داشت

بنابراین، سبب به عنوان یک نشانه نمادین و نبوی از زندگی ابدی به نظر می رسد که برای رستگاران زمین در نظر گرفته شده است. همچنین، عیسی آن را با « مروارید گرانبها » مثل خود که در متی 45:13-46 ذکر شده است، توضیح داد: « پادشاهی آسمان همچنان مانند تاجری است که به دنبال مرواریدهای زیبا است. او مروارید گرانبهای پیدا کرد. و رفت و هر چه داشت فروخت و او را خرید. « این آیه می تواند دو توضیح معکوس دریافت کند. عبارت « پادشاهی آسمان » نشان دهنده پروژه نجات خداست. در تصویر کردن پروژه خود، عیسی مسیح خود را با یک " مروارید " " تاجر " مقایسه می کند که به دنبال مروارید است، زیباترین، کامل ترین و در نتیجه، مرواریدی که بالاترین قیمت را داشته باشد. عیسی برای یافتن این مروارید کمیاب و در نتیجه گرانبها، بهشت و شکوه آن را ترک کرد و به بهای مرگ وحشتناک خود روی زمین، این مرواریدهای روحانی را پس گرفت تا برای ابد به ملک او تبدیل شوند. اما برعکس، بازرگان همان برگزیده ای است که تشنه مطلق است، کمال الهی که پاداش ایمان واقعی خواهد بود. در اینجا نیز برای کسب این جایزه مسلک آسمانی، ارزشهای بیبوده و ناعادلانه زمینی را رها می کند تا خود را وقف کند تا خدای خالق را عبادتی که مورد پسند اوست قرار دهد. در این نسخه، مروارید گرانبها زندگی ابدی است که عیسی مسیح در بهار سال 2030 به برگزیدگان خود تقدیم کرد.

باشد. کسی که آخرین Adventism این مروارید گرانبها تنها می تواند مربوط به آخرین دوره نمایندگانش تا بازگشت واقعی عیسی مسیح زنده خواهند ماند. به همین دلیل است که این مروارید گرانبها، سبب، بازگشت مسیح و تقدس آخرین برگزیدگان را گرد هم می آورد. کمال اعتقادی یافت شده در این دوره آخر به مقدسین تصویر مروارید می دهد. تجربه خاص آنها از ورود زنده به ابدیت این تصویر مروارید را تأیید می کند. و دلچسپی آنها به سبب روز هفتم که می دانند هزاره هفتم را پیشگویی می کنند به سبب و هزاره هفتم تصویر جواهری گرانبها منحصر به فرد می دهد که جز " مروارید گرانبها" با آن قابل مقایسه نیست. این ایده در مکاشفه 21:21 ظاهر خواهد شد: « دوازده دروازه دوازده مروارید بود. هر در از یک مهره بود. میدان شهر طلای خالص بود، مثل شیشه شفاف. « این آیه بر منحصر به فرد بودن معیار تقدیس مورد نیاز خداوند و در عین حال بر پاداش منحصر به فرد دستیابی به زندگی جاودانه با ورود آنها به سبب هزاره هفتم از طریق "دروازی" نمادین تأکید می کند که از مایش های ایمانی ادونتیست ها را به تصویر می کشد. آخرین رستگاری ها بهتر از کسانی نیستند که پیش از آنها بودند. این تنها حقیقت اعتقادی است که خدا به آنها معرفی کرده است که تصویر مروارید آنها را که پس از سنگهای قیمتی تراشیده شده را توجیه می کند. خداوند هرگز برای مردم استثنای قائل نمی شود، اما بسته به زمان مربوطه، او این حق را برای خود محفوظ نگه داشته است که در معیار قدوسیت مورد نیاز برای رسیدن به رستگاری استثنای قائل شود. دوران مسیحیت مورد بررسی عمده مربوط به زمان بازگشت گناه است که از نظر دینی از زمان استقرار رژیم پاپی روم، یعنی از سال 538، رسمیت یافته است. همچنین، آغاز اصلاحات با شفقت و رحمت آن و تجاوز پوشانده شده است. از بهار 1843، سبب قبل از اجرایی شدن فرمان دان 8:14 نسبت داده نشد. در کنایه ای ظریف، خرید مروارید توسط عیسی در مکاشفه 3:18 پیشنهاد شده است: "به شما توصیه می کنم که از من طلای آزموده شده در آتش بخر تا ثروتمند شوی، و جامه های سفید، تا ملبس شوی و شرم برهنگی تو ظاهر نشود، و مرهم برای مسح چشمانت تا ببینی. « این چیزهایی که عیسی به کسانی که فاقد آنها هستند ارائه می کند، عناصری را تشکیل می دهند که جنبه نمادین « مروارید » او را در نظر و داوری خداوند عیسی مسیح به فرد برگزیده می دهد. « مروارید » را باید از او « خرید » کرد، مجانی به دست نمی آید. بهای انکار نفس، اساس مبارزه برای ایمان است. در دستور مربوطه، عیسی پیشنهاد می کند که ایمانی را که با آزمایش آزمایش شده است، بفروشد که به منتخب ثروت معنوی او می دهد. عدالت پاک و بی عیب او که برهنگی روحانی گناهکار بخشش شده را می پوشاند. کمک روح القدس که چشم و هوش انسان گناهکار را به پروژه ای که خدا در کتاب مقدس او در کتاب مقدس آشکار کرده است باز می کند.

در زمان 6000 سال از دوران مسیحیت، خداوند تا پایان این چرخه زمینی منتظر ماند تا آخرین منتخب خود را به شکوه روز هفتم مقدس خود یا سبب مقدس خود برای استراحت خود بشناساند. مقامات منتخب که معنای آن را درک می کنند، اکنون دلایل زیادی برای دوست داشتن آن و ارج نهادن به آن به عنوان هدیه ای از جانب عیسی مسیح دارند. در مورد کسانی که آن را دوست ندارند و با آن مبارزه می

کنند، دلایلی برای نفرت از آن دارند و خواهند داشت، زیرا پایان زندگی زمینی حیوانی آنها را رقم خواهد زد.

فرمان دانیال 8:14

ادامه می‌دهد و می‌گوید: « شاخ حقیقت را افکند و در تعهدات خود موفق شد. » Dan.8:12 « حقیقت » مطابق با مزامع 119:142، « شریعت » است. اما این نیز مخالف مطلق « دروغ » است که طبق اشعاری 9:14، « پیامبر دروغین » پاپ را با اصطلاح « دم » توصیف می‌کند که مستقیماً او را در مکاشفه 12:4 متهم می‌کند. در واقع، او حقیقت را به زمین می‌اندازد تا « دروغ‌های » مذهبی‌اش را در جای خود قرار دهد. « تعهدات » او فقط می‌توانست « موفق » شود، زیرا خود خدا ظاهر او را برای مجازات خیانت مسیحی که از 7 مارس 321 انجام شده بود، کرد.

آیات 13 و 14 تا پایان جهان اهمیت حیاتی پیدا خواهند کرد. در آیه 13، قدیسان در تعجب هستند که اخاذی «گناه دائمی» و « گناه ویرانگر » تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. چیزهایی که ما به تازگی شناسایی کرده ایم. اما بیایید کمی به این " گناه ویرانگر " بپردازیم. ویرانی مورد بحث مربوط به روح یا جان انسان است. در نهایت، کل بشریت از بین رفته، در طی « هزار سال » هزاره هفتم، سیاره زمین را به شکل اصلی « بی شکل و خالی » ترک خواهد کرد که در مکاشفه 9: 2-11، 7: 11، 17 نتیجه خواهد شد. 8: 1 و 20:3، نام « عمیق » در پیدایش 1:2

قدیس‌ها « همچنین می‌پرسند تا کی « قدوسیت و میزبانی » « مسیحی » پایمال می‌شود؟ ". در « این صحنه، این « قدیس‌ها » به عنوان بندگان وفادار خدا رفتار می‌کنند، مانند دانیال که به عنوان مثال در از میل مشروع « به » آورده شده است. درک « پروژه الهی. آنها برای سه موضوع ذکر Dan.10:12 شده، یک پاسخ واحد در آیه 14 به دست می‌آورند

با توجه به اصلاحات و اصلاحاتی که خداوند به من دستور داد تا از متن اصلی عبری انجام هم، پاسخ داده شده این است: " تا غروب صبح دو هزار و سیصد و قدوسیت ثابت می شود. " دیگر نیست، متن مبهم سنت: « تا دو هزار و سیصد شام و صبح و حرم مطهر می شود ». دیگر بحث حرم نیست بلکه بحث قداست است. علاوه بر این، فعل " تطهیر " با " توجیه شده " جایگزین می شود، و تغییر سوم مربوط به عبارت " صبح عصر " است که در واقع در متن عبری مفرد است. به این ترتیب، خداوند همه توجیحات را از کسانی که سعی می کنند با تقسیم آن بر دو عدد کل را تغییر دهند و ادعا می کنند عصرها را از صبحگاهی جدا می کنند، برمی دارد. رویکرد او شامل ارائه واحد محاسبه " صبح تعریف می کند. تنها پس از آن روح شماره این واحد Gen.1 عصر " است که یک روز 24 ساعته را در را نشان می دهد: "2300". بنابراین، تعداد کل روزهای نبوی ذکر شده محافظت می شود. ریشه فعل « عدالانه » در زبان عبری کلمه « عدالت » « تسدک » است. بنابراین ترجمه ای که من پیشنهاد می کنم خود موجه است. سپس، اشتباه در کلمه عبری « فودش » این اصطلاح را به عنوان « مقدس » که در عبری « میقدش » است، تبدیل می کند. کلمه « مقدس » در آیه 11 دانیال 8 به خوبی ترجمه شده است، اما در آیات 13 و 14 جایی که روح از کلمه « قدش » استفاده می کند که باید به « قدوسیت » ترجمه شود، جایی ندارد.

وقتی می دانیم که « گناه ویرانگر » به طور خاص ترک روز سبت را هدف قرار می دهد که خود موضوع تقدیس خاص الهی است، این کلمه « قدوسیت » به طور قابل توجهی معنای پیام نبوی را روشن می کند. خداوند اعلام می کند که در پایان « 2300 شب و صبح » ذکر شده، احترام به بقیه « روز هفتم » واقعی او از سوی هر فردی که ادعای قدوسیت و « عدالت ابدی » به دست آمده توسط عیسی مسیح است، خواسته خواهد شد. پایان « گناه ویرانگر » شامل چشم پوشی از عبادت مذهبی یکشنبه، روز پیشین خورشید است که توسط کنستانتین اول، امپراتور بت پرست تأسیس شد. بدین ترتیب خداوند به نوبه خود هنجارهای اعتقادی نجات را که در زمان رسولان غالب بود، دوباره برقرار می کند. این اصطلاح « قدوسیت » به تنهایی تمام حقایق اعتقادی مبانی ایمان مسیحی را در بر می گیرد. ایمان مسیحی با داشتن الگو و منشأ تعالیمی که به یهودیان داده شده است، تنها با خونی که عیسی مسیح بر کرسی رحمتی که در غاری زیرزمینی در زیر پای او در گلگوتا ریخته شده است، چیز جدیدی به ارمغان می آورد، یعنی جایگزینی برای قربانی کردن حیوانات. ناجی ما را خوشحال کرد که در سال 1982 به خدمتگزارش ران و ابیت نشان دهد و نشان دهد. محدود است و امروز، در سال 2020، تنها 9 سال باقی مانده است تا تمام جنبه ها بازیابی شوند.

دانیال 8:14 حکمی جانسوز است، زیرا تغییر دآوری خدا منجر به از دست دادن پیشنهاد نجات مسیح برای همه مسیحیان یکشنبه کاتولیک رومی می شود. بنابراین روح سنت موروثی باعث مرگ ابدی بسیاری از مردم خواهد شد که اغلب از محکومیت آنها توسط خدا بی خبرند. اینجاست که نشان دادن عشق به حقیقت به خدا اجازه می دهد تا « تفاوت » را در مورد سرنوشتی که بر « خدمتکنندگان او و ...» (Mal.3:18) کسانی که به او خدمت نمی کنند» تأثیر می گذارد.

برخی از ارواح سرکش می خواهند ایده تغییر قابل انتساب به خدا را به چالش بکشند که خود در آن زمان است که ما باید متوجه شویم که تغییری Mal.3:6 اعلام می کند: « من تغییر نمی کنم»، در که در سالهای 1843-1844 انجام شد، تنها شامل برقراری مجدد یک هنجار اصلی است که مدت ها تحریف و دگرگون شده است. از این روست که برکت برگزیدگان اصلاح طلبی که با وجود آثار ناقص آنها نسبت داده می شود، ویژگی استثنایی دارد که جنبه اعتقادی آن را نمی توان به عنوان الگوی ایمان واقعی ارائه کرد. این قضاوت خاص برای اصلاح طلبان اولیه آنقدر استثنایی است که خدا آن را برمی دارد و در مکاشفه 2:24 آشکار می کند، جایی که به پروتستان ها، قبل از سال 1843 می گوید: «من ...» هیچ بار دیگری بر دوش شما نمی گذارم، فقط آنچه دارید آن را نگه دارید تا زمانی که من پیام

وای " پیوست به لازم الاجرا شدن این فرمان دان.8:14 آنقدر " بزرگ " است که خدا با اعلام " سه " مصیبت بزرگ " در مکاشفه 8:13 به آن اشاره می کند. و با چنین پیامدهای جدی، دانستن تاریخ لازم الاجرا شدن آن ضروری است. این دقیقاً مورد توجه « قدیس های » دان 8:13 بود. طبق رمزی که به حزقیال، پیامبر معاصر دانیال داده شده است، این مدت اکنون به عنوان " 2300 روز " نبوی، یا 2300 سال شمسی واقعی آشکار می شود (حزقیال 5:4-6). این فصل 8 که مضمون آن پایان دادن به « گناه » رومی است، عناصری را که فاقد آن است در دان پیدا خواهد کرد. به « گناه اولیه که باعث از

دست دادن زندگی ابدی شد، از زمان آدم و حوا. این عملیات بر اساس خدمت زمینی مسیح عیسی و بر اساس تقدیم داوطلبانه زندگی کامل او، برای رستگاری برای گناهان برگزیدگانش، و من مشخص می‌کنم، تنها از آنها خواهد بود. زمان ظهور او در میان مردم با نبوت در ایام نبوی تعیین شده است. پیام مربوط به قوم یهود در اولویت است زیرا آنها در اتحاد با خدا هستند. او به قوم یهود می‌دهد تا «به گناه پایان دهند»، یک دوره «هفتاد هفته» که بیانگر 490 روز واقعی است. اما همچنین نشان دهنده ابزار تاریخ گذاری نقطه شروع محاسبه است. «از آنجا که کلام اعلام کرد که اورشلیم ساخته خواهد شد، تا زمان مسیح‌شدگان، وجود دارد... (7 + 62 = 69 هفته)». سه پادشاه ایرانی این مجوز را دادند، اما تنها سومی، اردشیر اول، آن را به طور کامل مطابق عزرا 7: 7 انجام داد. فرمان سلطنتی او در بهار سال 458 قبل از میلاد صادر شد. دوره 69 هفته آغاز خدمت عیسی مسیح را در سال 26 قرار می‌دهد. به ویژه هدف قرار دادن "هفت سال" آخر که برای کار عیسی در نظر گرفته شده است، که از طریق مرگ کفار خود، پایه های عهد جدید، روح در آیه 27 دان. 9، این «هفته» از روز-سالها را ارائه می‌کند که «در وسط» آن، با مرگ داوطلبانه‌اش، «او باعث می‌شود که قربانی و قربانی متوقف شود». چیزهایی که تا عیسی مسیح برای کفار گناهان ارائه شده است. اما مرگ او بیش از هر چیز دیگری برای "پایان دادن به گناه" است. چگونه باید این پیام را بفهمیم؟ خداوند نمایشی از عشق خود ارائه می‌دهد که قلب برگزیدگانش را تسخیر می‌کند که با بازگشت عشق و شناخت، با کمک او علیه گناه مبارزه می‌کنند. اول یوحنا 3: 6 تأیید می‌کند و می‌گوید: «هر که در او بماند گناه نمی‌کند. هر که گناه کند او را ندیده و نشناخته است.» و او پیام خود را با بسیاری از نقل قول های دیگر تقویت می‌کند.

در سطح اعتقادی، اتحاد جدید ساخته شده توسط عیسی مسیح تنها جایگزین سابق می‌شود. بنابراین، هر نازل شده است. بنابراین، تاریخ - Dan.9:25 458 دو عهد بر مبنای نبوی یکسانی استوار است که در می‌تواند به عنوان مبنایی برای محاسبه 70 هفته تعیین شده برای قوم یهود، و همچنین برای 2300 روز واقعی دان. 8:14 که مربوط به ایمان مسیحی است، باشد. به لطف این دقت تاریخی، می‌توانیم برای سال را تعیین کنیم. هر دو پیام برای «پایان Dan.8:14 30 مرگ مسیح و برای سال 1843 اعمال فرمان دادن به گناه» با عواقب فانی ابدی برای کسانی که یکی مانند دیگری در نادیده گرفتن آنها اصرار می‌کنند تا زمانی که مرگ به آنها برسد، یا پس از پایان زمان فیض جمعی و فردی که پیش از آن خواهد بود، می‌آیند. بازگشت باشکوه عیسی مسیح تا این مرحله نهایی، زندگی اجازه تبدیل های صادقانه را می‌دهد که امکان دسترسی به وضعیت منتخبان را فراهم می‌کند.

آمادگی برای آخرالزمان

نگارش کتاب تماماً توسط خداوند انجام شده است. این اوست که کلمات را انتخاب می‌کند و در مکاشفه 22: 18-19، به مترجمان و کاتبان که مسئولیت انتقال یا رونویسی داستان اصلی را از نسلی به نسل دیگر بر عهده خواهند داشت، هشدار می‌دهد که کوچکترین تغییر در کلمات بر آنها تأثیر خواهد گذاشت. ارزش از دست دادن نجات را خواهد داشت. بنابراین در اینجا ما یک کار بسیار خاص با قداست بسیار بالا داریم. من می‌توانم آن را با یک "پازل" گول پیکر مقایسه کنم که اگر کوچکترین قطعه اصلی اصلاح شود، مونتاژ آن کامل نمی‌شود. بنابراین، این کار از نظر الهی عظیم است و طبق ماهیت آن، هر

آنچه خدا در آن می گوید صادق است، اما برای تکمیل پروژه نجات او صادق است. زیرا او این پیشگویی را خطاب به "بندگان" خود، به طور دقیق تر، "برندگان خود" در پایان جهان می کند. نبوت تنها زمانی قابل تفسیر خواهد بود که عناصر پیشگویی شده در شرف تحقق یا در بیشتر موارد محقق شوند.

مدت زمان کلی که قرار بود پروژه نجات الهی ادامه یابد، همیشه توسط مردان نادیده گرفته شده است. به این ترتیب، بنده خدا در هر زمان می توانست امیدوار باشد که پایان جهان را ببیند، و پولس با سخنان خود به این امر گواهی می دهد: «ای برادران، این را می گویم که زمان کوتاه است. تا از این پس آنهایی که همسر دارند طوری باشند که گویی ندارند، آنهایی که گریه می کنند چون گریه نمی کنند، آنهایی که خوشحال می شوند از اینکه خوشحال نمی شوند، کسانی که می خرنند به دلیل نداشتن مالکیت، و کسانی که از دنیا استفاده می کنند از آن استفاده نمی کنند. شکل این جهان از بین می رود (اول قرن نهم تا 7: 29 تا 31).

ما نسبت به پولس این مزیت را داریم که خود را در این زمانه می یابیم که خدا به انتخاب برگزیدگان ابدی خود پایان می دهد. و امروز نصایح الهام شده او باید توسط برگزیدگان واقعی عصر آخر ما اجرا شود. جهان از بین خواهد رفت و تنها زندگی ابدی برگزیدگان ادامه خواهد یافت. همچنین، سخنان خدا در مسیح، "من به سرعت می آیم"، در مکاشفه 1: 3، صادق است، کاملاً توجیه شده و برای این زمان نهایی که متعلق به ماست، تطبیق داده شده است. نه سال پس از بازگشت، در زمان نگارش این متن.

دیدیم که هدف روم «تغییر زمان و قانون الهی» بود. درک اسرار آخرالزمان Dan.7:25 ما در عیسی مسیح، که به یوحنا رسولی که در جزیره پاتموس بازداشت شده است، اساساً مبتنی بر دانش زمان واقعی است که توسط خدا تعیین شده است. بنابراین موضوع زمان برای درک آخرالزمان، که خدا بر اساس این مفهوم از زمان بنا می کند، اساسی است. بنابراین او با نادقیق بودن این داده ها بازی می کند تا کتاب شخصیت اسرار آمیز بی ضرر خود را حفظ کند که به آن اجازه می دهد تا از 20 قرن عصر ما عبور کند بدون اینکه توسط اشخاص متهم و محکوم شده نابود شود. زمان های تغییر یافته و به ویژه تقویمی که روم در تاریخ دروغین مربوط به تولد عیسی ایجاد کرده است، اجازه نداده است که برگزیدگان هنگام تفسیر پیشگویی های الهی فریب بخورند. زیرا خداوند در پیشگویی های خود مدت هایی را ارائه می دهد که آغاز و پایان آن بر اساس اقدامات تاریخی است که به راحتی توسط مورخان متخصص قابل شناسایی و تاریخ گذاری است.

اما در آخرالزمان، مفهوم زمان ضروری است، زیرا کل ساختار کتاب بر آن استوار است. بنابراین، درک آن به تفسیر صحیح سبب بستگی داشت که خداوند در سال 1844 آن را خواست و احیا کرد. خدمت من، که در سال 1980 آغاز شد، با هدف آشکار کردن اهمیت نقش نبوی سبت، که بقیه با توجه به آیه Rev.20. بزرگ هزاره هفتم را پیشگویی می کند، بود. از خدا و برگزیدگان او، موضوع یک روز مانند هزار سال است و هزار سال مانند یک روز"، پیوند بین تصویر هفت روز "، 2Pe.3:8، آفرینش که در پیدایش 1 و 2 آشکار شد و هفت روز ایجاد شد. هزار سال از زمان کلی پروژه الهی، به تنهایی درک من از مجموعه ساختار کتاب را ممکن کرد. با این علم، نبوت آشکارتر می شود و مروراید به مروراید تمام اسرار آن را آشکار می کند.

بنابراین، نبوت تنها در صورتی زنده می شود که بتوان پیام را به تاریخی در تاریخ دوران مسیحیت پیوند داد. این چیزی است که الهام روح القدس خدا در عیسی مسیح به من اجازه داد تا متوجه شوم. همچنین، ممکن است من این «کتاب کوچک، باز» را اعلام کنم که تأیید کننده انجام طرح الهی اعلام شده در مکاشفه 5:5 و 10:2 است.

از نظر معماری، چشم انداز آخرالزمان زمان دوران مسیحیت را در بین پایان زمان رسولی، حدود سال 94 تا پایان هزاره هفتم، که پس از بازگشت نهایی عیسی مسیح در سال 2030 خواهد بود، پوشش می دهد. بنابراین با دانیال شریک است. فصل 2، 7، 8، 9، 11 و 12 مروری بر دوران مسیحیت. برای مسیحیان، آموزه اصلی به دست آمده از مطالعه این کتاب، تاریخ محوری بهار 1843 تأسیس شد، اما همچنین پاییز 1844 که در آن آزمایش ایمان به پایان رسید. Dan.8:14 است که توسط دوباره از پاییز 1844 بود که خداوند پایه های ایمان ادونتیست روز هفتم را بنا نهاد. این دو تاریخ آنقدر مهم هستند که خداوند از آنها برای ساختار دیدگاه خود از وحی استفاده خواهد کرد. برای درک کامل

ارزش این دو تاریخ نزدیک، باید به سال 1843 مربوط شود که آغاز آزمایش ایمان برای کلام نبوی بود. اولین قربانیان معنوی در این تاریخ با رد تحقیرآمیز آنها از اولین اعلامیه ادونتیسیت ویلیام میلر سقوط کردند. اما زمان محاکمه با اعلام دوم بازگشت عیسی در 22 اکتبر 1844 به آنها فرصتی دوباره می دهد. در 23 اکتبر محاکمه به پایان می رسد و بنابراین می توان قضاوت خدا را فرموله و آشکار کرد. آزمون جمعی به پایان رسیده است، اما تبدیل فردی هنوز امکان پذیر است. علاوه بر این، در واقع، ادونتیسیت‌ها همگی تعطیلات یکشنبه رومی را مشاهده می‌کنند که هنوز به عنوان گناه شناخته نشده است. و سبب به تدریج توسط ادونتیسیت‌ها به صورت جداگانه پذیرفته می شود، بدون اینکه نقش اصلی آن توسط همه ادونتیسیت‌ها تحقق یابد. این استدلال باعث می شود که به پایان ایمان دروغین پروتستانی، تاریخ بهار 1843 و آغاز ادونتیسیم که خداوند برکت داده است، تاریخ پاییز 23 اکتبر 1844 را ترجیح دهد. پیش از این، در میان عبرانیان، بهار و پاییز به هم مرتبط بودند. با ایجاد جشنواره هایی که موضوعات مکمل کاملاً متضاد را جشن می گرفتند. عدالت ابدی «بره» کشته شده «بصحر» بهار، از یک سو، و پایان گناه «بز» کشته شده برای «روز کفاره» گناهان، پاییز، جای دیگر. دو عید مذهبی در عید فصیح سال 30 که در آن مسیح عیسی جان خود را فدا کرد، تحقق یافت. بهار 1843 و 22 اکتبر 1844 نیز از نظر است. چیزی Dan.7:24 معنی به هم مرتبط هستند، زیرا هدف آزمون ایمان "پایان دادن به گناه" طبق که تمرین نفرت انگیز استراحت هفتگی در روز اول را تشکیل می دهد، در حالی که خداوند آن را برای هفتمین روز مقرر کرده است که حتی برای این استفاده مقدس، از پایان اولین هفته آفرینش زمینی، مقدّر کرده است. در سال 2021، 5991 سال قبل از ما

ما همچنین می‌توانیم از تاریخ فرمان دانیال 8:14 که تاریخ بهار 1843 را مشخص می‌کند، حمایت کنیم. برای توجیه این انتخاب، باید در نظر بگیریم که این لحظه تمام روابط برقرار شده تا آن زمان بین خدا و مخلوقاتش را قطع می‌کند. خدایی که از این تاریخ، انتخاب نهایی را بر اساس دو اعلامیه متوالی ادونتیسیت انجام داده است. از بهار سال 1843، روز سبت بود، اما خداوند قرار نبود آن را تا پاییز 1844 به برندگان آزمون بدهد، به عنوان نشانه مبارک و مقدسی که آنها متعلق به او هستند، مطابق با آموزه های کتاب مقدس. حز. 20:12-20، همانطور که قبلاً دیدیم.

در این کتاب، فصل 5 قصد دارد به ما یادآوری کند که بدون پیروزی عیسی مسیح، "بره خدا" که بسیار گران تمام شد، تمام کمک های الهی، همه نور آشکار شده غیرممکن بود، و بنابراین، هیچ انسانی روحی نمی توانست وجود داشته باشد. ذخیره. نور نبوی او برگزیدگانش را به اندازه مصلوب به ما Dan.7:24 پذیرفته شده داوطلبانه نجات می دهد. ایمان به فداکاری او «عدالت ابدی» او را طبق نسبت می دهد، اما مکاشفه او مسیر ما را روشن می کند و تله های روحانی را که شیطان ایجاد کرده است به ما نشان می دهد تا ما را در سرنوشت وحشتناک خود شریک سازد. در این صورت رستگاری شکل عینی به خود می گیرد.

در اینجا نمونه ای از این تله های ظریف آورده شده است. کتاب مقدس به درستی دیده می شود و کلام مکتوب خدا در نظر گرفته می شود. با این حال، این کلمات توسط مردان غوطه ور در متن زمان خود نوشته شده است. اما اگر خدا تغییر نکند، دشمن او شیطان، به اقتضای زمان، استراتژی و رفتار خود را نسبت به برگزیدگان خدا تغییر می دهد. به همین دلیل است که شیطان در زمان خود به عنوان یک تصویر «اژدها» از جنگ آزاردهنده آشکار خود عمل می‌کند، اما فقط برای آن زمان، یوحنا می‌توانست در اول یوحنا 4:1 تا 3 اعلام کند: «ای عزیزان، به تمام روح ایمان نداشته باشید. اما ارواح را بیازمایید که آیا از خدا هستند، زیرا پیامبران دروغین بسیاری به دنیا رفته اند. روح خدا را در این امر بشناسید: هر روحی که اعتراف می کند عیسی مسیح در جسم آمده است از خداست. و هر روحی که عیسی را اعتراف نمی کند از خدا نیست، بلکه روح دجال است که آمدنش را شنیده اید و اکنون در جهان است.» در سخنان خود، یحیی تنها برای شناسایی مسیح از شهادت شاهد عینی، «در جسم بیا» را مشخص می کند. اما تصدیق او "هر روحی که اعتراف می کند عیسی مسیح در جسم آمده است از خداست" ارزش خود را از دست داده است، زیرا دین مسیحی از 7 مارس 321 به ارتداد و گناه سقوط کرد، با ترک عمل سبت واقعی در روز هفتم واقعی مقدس. بوسیله خداوند. عمل گناه، تا سال 1843، ارزش "اعتراف به عیسی مسیح به جسم آمدن" را کاهش داد و از همان تاریخ، ارزش آن را از بین برد. آخرین دشمنان عیسی مسیح ادعا می‌کنند که از «نام» او استفاده می‌کنند، همانطور که او در متی 7:21 تا 23 اعلام کرد: «نه هر که به من می‌گوید، خداوند، خداوند، وارد ملکوت آسمان می‌شود، بلکه

تنها کسی که این کار را انجام می‌دهد، وارد خواهد شد. اراده پدر من که در آسمان است. بسیاری در آن روز به من خواهند گفت: خداوندا، خداوند آیا به نام تو نبوت نکرده ایم؟ آیا ما دیوها را به نام تو بیرون نکردیم؟ و آیا معجزات زیادی به نام تو انجام نداده ایم؟ آنگاه آشکارا به آنها خواهم گفت: هرگز شما را نشناختم، ای کسانی که ظلم می‌کنید، از من دور شوید. " هرگز شناخته نشد! " بنابراین این « معجزات توسط شیطان و شیاطین او انجام شد

آخر الزمان به طور خلاصه

روح در مقدمه فصل 1، آغاز مکاشفه باشکوه خود، منوی جشن آماده شده را به ما ارائه می دهد. در آنجا مضمون اعلام بازگشت باشکوه عیسی مسیح را می یابیم که قبلاً در سال های 1843 و 1844 سازماندهی شده بود تا ایمان جهانی و عمدتاً پروتستان آمریکایی را آزمایش کند. این مضمون همه جا حاضر است: آیه 3، زیرا زمان نزدیک است. آیه 7، اینک او با ابرها می آید ... آیه 10، در روز خداوند توسط روح گرفتار شدم و از پشت سر خود صدای بلندی مانند صدای شیپور شنیدم. یوحنا که توسط روح منتقل می شود، خود را در روز بازگشت باشکوه عیسی، روز خداوند، «روز بزرگ و ترسناک» می بیند و گذشته تاریخی دوران مسیحیت را پشت سر دارد. با نماد هفت نام وام گرفته Mal.4:5 مطابق با شده از هفت شهر آسیا (ترکیه کنونی) ارائه شده است. سپس، مانند دانیال، سه مضمون نامه ها، مهرها و شیپورها به طور موازی کل دوران مسیحیت را پوشش خواهند داد، اما هر یک از آنها به دو فصل تقسیم می شود. مطالعه دقیق نشان می دهد که این تقسیم بندی در تاریخ محوری سال 1843 که در تأسیس شد، صورت می گیرد. در هر موضوع، پیام هایی که با استانداردهای معنوی تثبیت شده در دانیال برای دوره های هدف گذاری شده سازگار شده اند، 7 لحظه از زمان تحت پوشش را مشخص می کنند. 7، تعداد تقدیس الهی که به عنوان «مهر» آن عمل می کند و مضمون کتاب کشیش 7 خواهد بود.

توضیحی که می آید هرگز مؤثر واقع نشد زیرا مفهوم زمان تنها با معنای نام «هفت کلیسا» که در فصل اول ذکر شد آشکار می شود. در مضمون نامه ها، مکاشفه 2 و 3، هیچ دقتی در این شکل نمی یابیم: «فرشته اول، فرشته دوم ... و غیره.»؛ همانطور که در مورد «مهرها، شیپورها و هفت آفت آخر خشم خدا» صادق خواهد بود. به این ترتیب برخی می توانستند باور کنند که پیامها، واقعاً و به معنای واقعی کلمه، خطاب به مسیحیان ساکن در این شهرهای کاپادوکیه باستان، ترکیه کنونی است. ترتیبی که پیشگویی این نام های شهرها را ارائه می کند، از لحاظ زمانی از ترتیبی پیروی می کند که در آن حقایق تاریخی مذهبی در سراسر دوران مسیحیت تحقق یافتند. و طبق مکاشفه هایی است که قبلاً توسط کتاب دانیال به دست آمده است، که خداوند شخصیتی را که به هر دوره می دهد با معنای نام شهر خود تعریف می کند. متوالی، ترتیب آشکار شده به صورت زیر ترجمه می شود:

1- افسس: به معنی پرتاب (مجلس یا حرم خدا)

به معنی: مر (بوی مطبوع و مومیایی کردن مردگان برای خدا؛ آزار و شکنجه: Smyrna - 2)
رومیان بر منتخبان مؤمنان بین سالهای 303 تا 313

پرگامون: به معنی: زنا (از زمان ترک سبب در 7 مارس 321. در سال 538 رژیم پاپی - 3)
تأسیس شد بقیه روز اول را از نظر مذهبی به یکنشبه تغییر نام داد

تیاتیرا: به معنی: زشت و رنج فانی (معین کننده زمان اصلاحات پروتستانی است که آشکارا - 4)
ماهیت شیطنانی ایمان کاتولیک را محکوم می کرد؛ زمانی مربوط به قرن شانزدهم که به لطف چاپ مکانیکی
، پراکنندگی کتاب مقدس مورد علاقه قرار گرفت

سردیس: مضاعف و متضاد: سنگ تشنجی و قیمتی. (این قضاوت را نشان می دهد که خدا - 5)
در آزمایش ایمان 1843-1844 انجام می دهد: معنای تشنجی مربوط به ایمان رد شده پروتستان است:
"شما مرده اید" و سنگ گرانبها برندگان برگزیده آزمون را مشخص می کند: "آنها با آنها راه خواهند رفت. من لباس سفید پوشیده ام، زیرا آنها شایسته هستند.)

فیلا دلفیا: به معنی: عشق برادرانه (سنگ های قیمتی ساردیس از سال 1863 در مؤسسه - 6)
ادونتیست روز هفتم جمع آوری شده است؛ پیام برای سال 1873 تعریف شده توسط دان اهدا می شود.
12:12. در این زمان مبارک است. با این حال در مورد خطر "گرفتن" تاج خود هشدار داد

لائودیسه: یعنی: مردم قضاوت کردند: «نه سرد و نه گرم، بلکه ولرم» (این فیلا دلفیا است - 7)
که «تاج او را گرفته اند»: «تو بدبخت، بدبخت، فقیر، کور و برهنه هستی»، مؤسسه تصور نمی کرد
که بین سال های 1980 و 1994، با آزمایش ایمانی مشابه آنچه پیشگامانش در سال 1844 برکت
الهی شان را به همراه داشت، آزمایش و آزمایش می شد: در سال 1994، مؤسسه سقوط کرد، اما پیام

توسط ادونتیست‌های پراکنده که خدا آنها را شناسایی و انتخاب می‌کند ادامه یافت. عشق آنها به نور نبوی وحی شده او، و به واسطه ذات حلیم و مطیع که مشخصه شاگردان واقعی عیسی مسیح در همه اعصار (است).

با نماد "Apo.4 24"، در ادامه "زمان زمینی که با بازگشت با شکوه مسیح خدا به پایان رسید" تخت" تصویر خواهد شد، صحنه ای از داوری آسمانی (در بهشت) که در آن خدا برگزیدگان خود را گرد این فصل «هزار سال» Rev.20 هم می‌آورد تا آنها مردگان شریر را قضاوت می‌کنند. به موازات هزاره هفتم را پوشش می‌دهد. توضیح: چرا 24 و نه 12 تاج و تخت؟ به دلیل تقسیم دوران مسیحیت به دو بخش در تاریخ های 1843-1844 آغاز و پایان آزمایش ایمان آن زمان.

سپس، به عنوان یک نکته مهم، مکاشفه 5 اهمیت درک کتاب پیشگویی‌ها را برجسته خواهد کرد. که تنها با پیروزی خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح ممکن خواهد شد.

زمان عهد مسیحیت دوباره در مکاشفه 6 و 7 با نگاهی به موضوعی جدید بررسی خواهد شد. که از "هفت مهر" شش نفر اول بازیگران اصلی را روی صحنه و نشانه‌های زمانه‌ای که دو بخش و از 1844، Apo.6 تقسیم‌بندی دوران مسیحیت را مشخص می‌کنند ارائه می‌کنند: تا سال 1844، برای Apo.7.

سپس موضوع «شیپور» مطرح می‌شود که نمادی از مجازات‌های هشداردهنده برای شش مورد اول مکاشفه 8 و 9 و مجازات قطعی برای «هفتمین شیپور» است که همیشه جدا شده است، در مکاشفه 11:15 در ساعت 19.

زمان پایان جهان را هدف قرار می‌دهد، و وضعیت معنوی دو Apo.9، Apo.10 در پشت دشمن بزرگ عیسی مسیح را که ادعا می‌کنند او هستند، تداعی می‌کند: ایمان کاتولیک و ایمان پروتستان، که توسط ادونتیسم رسمی که از آن زمان سقوط کرده است، ملحق شده است. 1994. فصل 10 بخش اول مکاشفات کتاب را می‌بندد. اما موضوعات اصلی مهم در فصول بعدی مورد بررسی و توسعه قرار خواهند گرفت.

مرور کلی دوران مسیحیت را از سر خواهد گرفت و به طور عمده نقش مهم Apo.11 بنا بر این انقلاب فرانسه را توسعه می‌دهد، که خدا بی‌خدایی ملی تثبیت‌شده‌اش را تحت نام نمادین «جانوری که از اعماق برمی‌خیزد» استفاده می‌کند. قدرت رژیم کاتولیک "جانوری که از دریا برمی‌خیزد"، در ذکر شده است، به این ترتیب در سال Apo.7 را نابود کنید. صلح جهانی مذهبی، که در Rev.13:1 1844 به دست می‌آید و مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس، این رژیم انقلابی را به عنوان تصویری از جنگ در نظر می‌گیریم که حقیقت را تشکیل می‌دهد Apo.9:13 "جهانی سوم قریب الوقوع یا "ششمین شیپور دهد. «وای دوم» از طریق اعلام مکاشفه 8:13، موضوع پایانی «هفتمین شیپور»، که با بازگشت در جلال عیسی مسیح انجام می‌شود، ارائه می‌شود.

روح به ما نمای کلی دیگری از دوران مسیحیت را ارائه می‌دهد. او اطلاعات Rev.12، خود را کامل می‌کند، به ویژه در مورد وضعیت شیطان و حامیان فرشتگان او. او به ما می‌آموزد که ذکر شده است، نامی 12:1، Dan. 10:13، پس از پیروزی بر صلیب، در نام آسمانی میکائیل که قبلاً در که او در آسمان قبل از تجسم انسانی خود در عیسی داشت، خداوند ما آسمان را از وجود آنها پاک کرد. حضور شیطانی و اینکه آنها برای همیشه دسترسی به ابعاد آسمانی آفریده خداوند را از دست داده اند. در اینجا چند خبر خوب است! پیروزی عیسی برای برادران آسمانی ما که از وسوسه‌ها و افکار شیاطین رهایی یافته بودند، پیامدهای بهشتی خوشی داشت. آنها از این اخراج به بعد زمینی ما محدود شده‌اند، جایی که در سال 2030 در بازگشت با شکوه مسیح خدا با دشمنان زمینی خدا کشته خواهند شد. در این نمای کلی، روح جانشین‌های «اژدها» و «مار» را به تصویر می‌کشد که به ترتیب دو استراتژی نبرد شیطان را مشخص می‌کنند: جنگ آشکار، روم امپراتوری یا پاپی محکوم شده، و اغواي مذهبی فریبده رومی. پاپ واتیکان، بدون نقاب، تقریباً اومانیتست. در تصاویر ظریفی که از تجربیات عبرانیان به عاریت گرفته شده است، "زمین دهان خود را باز می‌کند" تا تجاوزات پاپی اتحادیه‌های کاتولیک را ببلعد. همانطور که دیدیم، این کار توسط انقلابیون ملحد فرانسوی انجام خواهد شد. اما همچنین توسط نیروهای پروتستان یک مسیحیت دروغین متجاوز و جنگجو آغاز خواهد شد. مرور کلی با ذکر «بقیه آیندگان زن» به پایان خواهد رسید. سپس روح تعریف خود را از قدیسان واقعی آخرالزمان ارائه می‌دهد: "این استقامت مقدسانی است که احکام خدا را نگاه می‌دارند و شهادت عیسی را حفظ می‌کنند."

روح به این عبارات کسانی را معرفی می کند که مانند من به وحی نبوی او می چسبند و نمی گذارند کسی آن را ربنوده و تا آخر مرواریدهایی را که بهشت داده است جمع آوری کنند.

فصل 13 دو دشمن مذهبی متجاوز حامل ایمان مسیحی را معرفی می کند. به این ترتیب، او آنها را با دو "جانور" به تصویر می کشد که دومی از اولی پدید آمده است، همانطور که با رابطه کلمات "دریا و زمین" از داستان پیدایش که آنها را در این فصل 13 تعریف می کند، پیشنهاد می شود. سال 1844 و دومی فقط در آخرین سال زمان زمینی ظاهر می شود، بنابراین پایان زمان فیض ارائه شده به انسان ها را نشان می دهد. این دو «جانور»، برای اولی، کاتولیک، کلیسای مادر، و برای دوم، کلیساهای اصلاح شده پروتستانی هستند که از آن سرچشمه می گیرند، دختران آن

کشیش 14 که تنها بخش دوم دوران مسیحیت را از سال 1844 پوشش می دهد، سه پیام از حقایق ادونتیست روز هفتم را به شرایط ابدی برمی انگیزد: جلال خدا که مستلزم احیای اعمال سبب مقدس او است، و محکومیت او کاتولیک رومی. و محکومیت پروتستانتیسم که یکشنبه آن را گرامی می دارد و او آن را "نشان" اقتدار انسانی و شیطنانی روم امپراتوری و پاپی می داند. هنگامی که زمان مأموریت تدارکاتی به پایان رسید، متوالی، با تسخیر قدیسان برگزیده که توسط «درو» به تصویر کشیده شد، و نابودی معلمان سرکش و همه کافران، اعمالی که توسط «وینتیج» به تصویر کشیده شده است، زمین دوباره تبدیل به سرزمین خواهد شد. "پرتگاه" اولین روز خلقت، محروم از هر گونه حیات زمینی. با این حال، برای "هزار سال" زنده خواهد ماند، یک ساکن منتخب، شیطان، خود شیطان، که در انتظار نابودی خود در آخرین دآوری و همچنین سایر مردان و فرشتگان شورشی است.

بر زمان پایان آزمایشی تمرکز دارد Rev.15

مکاشفه 16 "هفت آفت آخر خشم خدا" را آشکار می کند که پس از پایان دوره آزمایشی، آخرین شورشیان کافر را که روز به روز متجاوزتر می شوند، می زند تا جایی که حکم به مرگ ناظران می دهد. سبب الهی عادل، قبل از طاعون هفتم

به طور کامل به شناسایی "فاحشه بزرگ" به نام "بابل بزرگ" اختصاص دارد. در Rev.17 این شرایط است که روح «شهر بزرگ» امپراتوری و پاپی، رم را تعیین می کند. بنابراین، قضاوت خدا در مورد او به وضوح آشکار می شود. این فصل همچنین قضاوت و نابودی او توسط آتش را در آینده اعلام می کند، زیرا بره و برگزیدگان وفادارش بر او غلبه خواهند کرد.

مکاشفه 18 زمان "درو" یا مجازات "بابل بزرگ" را هدف قرار می دهد.

مکاشفه 19 بازگشت باشکوه عیسی مسیح و رویارویی او با نیروهای شورشی وحشت زده زمینی را به تصویر می کشد.

زمان هزار سال هزاره هفتم را به گونه ای متفاوت مورد هدف قرار می دهد، در بهشت Rev.20 توسط برگزیدگان، و در زمین متروک، در انزوای شیطان. در پایان هزار سال، خداوند آخرین قضاوت را سامان می دهد: نابودی همه انسان های زمینی و شورشیان فرشته آسمانی توسط آتش زمینی آسمانی و زیرزمینی.

شکوه مجمعی را به تصویر می کشد که با گردهمایی برگزیدگانی که با خون عیسی Apo.21 مسیح نجات یافته اند، شکل گرفته است. کمال برگزیدگان با مقایسه با آنچه که زمین برای انسان گرانبهاترین عرضه می کند نشان می دهد: طلا، نقره، مروارید و سنگ های قیمتی.

در تصویر بازگشت به عدن گمشده را تداعی می کند، یافت شده و برای ابدیت بر Apo.22 روی زمین گناه بازسازی شده و تبدیل شده است تا به تخت جهانی خدای یگانه و یگانه بزرگ، خالق، قانونگذار و نجات دهنده تبدیل شود که بر همه جهان هایش تسلط دارد. بار سنگاری های زمینی اش

در اینجا این مرور سریع بر کتاب مکاشفه به پایان می رسد که مطالعه دقیق آن آنچه را که گفته شد تأیید و تقویت می کند.

من این توضیح بسیار معنوی را اضافه می کنم که استدلال پنهان ذهن خدا را آشکار می کند. او از طریق کنایه های ظریف پیام های نامعلومی را ارائه می کند که کتاب مقدس ما را روشن خواهد کرد. خداوند با پیروی از همان فرآیندهایی که در ساخت آخرالزمان برای ساخت مکاشفاتش به دنبال داده شده است، تأیید می کند که او «تغییر نمی کند» و «تا ابد همان» خواهد بود. همچنین، من در آخرالزمان همان روش موازی سازی سه موضوع را یافتم که عبارتند از «نامه به مجامع»، «مهر» و «شیپور جایی که آخرالزمان با کتابی بسته شده توسط "هفت مهر" تصویر می شود، تنها باز Apo.5». طبق

شدن " مهر هفتم " اجازه دسترسی به شواهدی را می دهد که در فصل های 8 تا 22، تفسیرها و شباهات را تأیید می کند. با مطالعه فصل های 1 تا 6 مطرح شده است. بنابراین، فصل 7 کلید ورود به درک اسرار آشکار شده است. و تعجب نکنید، زیرا مضمون آن دقیقاً سبب است، که از سال 1843 تمام تفاوت حقیقت بزرگی را می یابیم که Apo.7 بین قدوسیت واقعی و کاذب را ایجاد کرده است. بنابراین ما در در بهار 1843 مذهب پروتستان را از بین برد. آخرالزمان فقط این آموزه اساسی را که به دانیل نازل شده است تأیید می کند. اما، برای ادونتیسیم، که در این تاریخ به عنوان یک پیروز ظاهر شد، آخرالزمان برای سال 1994 آشکار خواهد شد، آزمایشی که به نوبه خود آن را غربال خواهد کرد. این نور جدید، یک بار دیگر، « دوباره »، « تفاوت بین کسانی که خدا را خدمت می کنند و کسانی که او را خدمت نمی کنند » یا بیشتر ایجاد می کند.

بخش دوم: مطالعه دقیق آخرالزمان

مکاشفه 1: مقدمه - بازگشت مسیح

Adventist موضوع

ارائه

مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد تا چیزهایی را که باید به سرعت اتفاق بیفتد به « I : ... ، بندگانش نشان دهد و با فرستادن فرشته خود به بنده خود یوحنا

یوحنا، رسولی که عیسی او را دوست داشت، امانتدار این مکاشفه الهی است که او از پدر به نام عیسی مسیح دریافت می کند. یوحنا در زبان عبری یوهان به معنای: خدا داد. و همچنین نام کوچک من است. آیا عیسی نگفت: « به هر که دارد، داده خواهد شد »؟! این پیام توسط « خدا » پدر « داده شده » است، بنابراین با محتوای نامحدود. زیرا عیسی مسیح از زمان رستاخیز خود صفات الهی خود را از سر گرفته است و به عنوان یک پدر آسمانی است که می تواند از آسمان به نفع بندگان یا به عبارت دقیق تر «برندگان» خود عمل کند. همانطور که گفته می شود، "پیش اخطار، مسلح است." خداوند بر این عقیده است و آن را با بیان آیات آینده به بندگانش ثابت می کند. تعبیر « آنچه باید فوراً اتفاق بیفتد » ممکن است تعجب آور باشد وقتی بدانیم که این پیام در سال 94 پس از میلاد داده شده است و اکنون در 2020-2021 هستیم، زمانی که این سند نوشته شده است. اما با کشف پیام های او، ما به سرعت متوجه خواهیم شد که این " به سرعت " معنای تحت اللفظی به خود می گیرد، زیرا گیرندگان آنها با بازگشت باشکوه عیسی مسیح معاصر خواهند بود. این مضمون در مکاشفه فراگیر خواهد بود، زیرا مکاشفه خطاب به آخرین «آدونتیست های» است که توسط خدا انتخاب شده اند، با ایمانی که در آزمون نهایی بر اساس داده های مکاشفه 1: 9-12 نشان داده شده است، که به موضوع " پنجمین شیپور " در این فصل، آیات 5 و 10 به یک دوره نبوی « پنج ماهه » اشاره می کنند که تا زمانی که من به اشتباه تفسیر شده بود. در مطالعه من در مورد موضوع، این مدت زمان تاریخ جدیدی را تعیین کرد که قرار بود بازگشت عیسی را برای سال 1994 اعلام کند، سال واقعی 2000 تولد واقعی مسیح. این آزمایش ایمان، برای آخرین بار، آدونتیسم رسمی را آزمایش کرد، که ولرم و فرمالیستی شده است، و آماده می شد تا با کسانی که خدا در آخرالزمان دشمنان او را دشمنان خود می دانند، منعقد کند. از سال 2018، من تاریخ بازگشت واقعی عیسی مسیح را می دانم و بر اساس هیچ داده ای از پیش گویی های دانیال و مکاشفه نیست، که مدت های کمی آن همگی با انجام نقش غربالگری در زمان های تعیین شده انجام شد. بازگشت واقعی عیسی را می توان از روایت پیدایش فهمید، با این باور که هفت روز هفته های ما بر روی تصویر 7000 سال کل نقشه طراحی شده توسط خدا ساخته شده است تا گناه و گناهکاران را از بین ببرد و به ابدیت او بیاورد. برگزیدگان عزیزی که در طول 6000 سال اول انتخاب شدند. مانند نسبت عبادی مقدس یا خیمه، زمان 6000 سال از سه سوم 2000 سال تشکیل شده است. آغاز آخرین یک سوم، در 30 آوریل، با مرگ کفاره نجات دهنده ما عیسی مسیح مشخص شد. یک تقویم یهودی این تاریخ را تأیید می کند. بنابراین بازگشت آن برای بهار 2030، 2000 سال بعد تعیین شده است. دانستن اینکه بازگشت مسیح پیش روی ما است، کلمه " به سرعت " بسیار نزدیک است. « از سخنان عیسی کاملاً موجه است. بنابراین، اگرچه کتاب مکاشفه در طول قرن ها شناخته شده و خوانده شد، اما تا زمان آخر که مربوط به نسل ماست، بسته، منجمد، مهر و موم شده باقی ماند.

" آیه 2: "... که به کلام خدا و شهادت عیسی مسیح شهادت داد، همه آنچه را دید

یوحنا شهادت می دهد که رویای خود را از خدا دریافت کرده است. رویایی که شهادت عیسی مسیح را تشکیل می دهد که مکاشفه 10: 19 آن را به عنوان " روح نبوت " تعریف می کند. پیام بر اساس تصاویر " دیده شده " و کلمات شنیده شده است. روح خدا که مضامین بزرگ تاریخ دینی دوران مسیحیت را در تصاویر به او آشکار کرد، جان را از حوادث زمینی جدا کرد. با بازگشت باشکوه و مهیب او برای دشمنانش به پایان خواهد رسید.

آیه 3: « خوشا به حال کسی که سخنان نبوت را بخواند و بشنود و آنچه در آن نوشته شده نگاه دارد. زیرا زمان نزدیک است.»

من بخشی را که به من تعلق می‌گیرد، سعادت برای «کسی که می‌خواند» کلمات نبوت را برای خود می‌گیرم، زیرا خداوند به فعل خواندن معنای منطقی دقیقی می‌دهد. او در عیسی 29: 11-12 توضیح می‌دهد: «همه وحی برای تو مانند کلمات کتاب مهر و موم شده ای است که به مردی که خواندن بلد است داده می‌شود و می‌گوید: این را بخوان! و چه کسی پاسخ می‌دهد: من نمی‌توانم، زیرا مهر و موم شده است. یا مثل کتابی که به مردی که خواندن بلد نیست می‌دهد و می‌گوید: این را بخوان! و چه کسی پاسخ می‌دهد: من نمی‌دانم چگونه بخوانم. آیه 13 که در ادامه می‌آید علت این ناتوانی را آشکار می‌کند: «خداوند فرمود: چون این قوم به من نزدیک شوند، مرا با دهان و لبان خود گرامی می‌دارند. اما دل او از من دور است و ترسی که از من دارد فقط یک دستور سنت بشری است.» اصطلاح "مهر شده" یا مهر و موم شده جنبه آخرالزمان را توصیف می‌کند که ناخوانا است زیرا مهر و موم شده است. بنابراین برای باز کردن و باز کردن کامل آن است که من، یکی دیگر از یحیی‌های زمان آخر، توسط خدا فراخوانده شدم. به این ترتیب که همه برگزیدگان واقعی و حقایقی را که در کلمات و تصاویر نبوت نازل شده است، شنیده و نگاه دارند.» این افعال به معنای "فهمیدن و عملی کردن" است. در این آیه، خداوند به برگزیدگان خود هشدار می‌دهد که از یکی از برادران خود در مسیح، «کسی که می‌خواند»، نوری را دریافت خواهند کرد که اسرار نبوت را توضیح می‌دهد تا آنها نیز به نوبه خود شادی کنند و تعلیم او را به کار گیرند. در عمل. مانند زمان عیسی، ایمان، توکل و فروتنی لازم خواهد بود. با این روش، خداوند افرادی را که بیش از حد به آنها افتخار می‌کنند غریب می‌کند و حذف می‌کند. بنابراین، من به منتخبان می‌گویم: "مرد، این مترجم و فرستنده رسمی کوچک را فراموش کنید و به نویسنده واقعی نگاه کنید: خدای قادر متعال عیسی مسیح

آیه 4: «یوحنا به هفت کلیسا که در آسیا هستند: فیض و سلامتی از جانب آن که هست و بود و... خواهد آمد و از هفت روح که در پیشاپیش تخت او هستند

ذکر «هفت مجلس» مشکوک است، زیرا مجلس با الف بزرگ، یک، دائمی است. بنابراین «هفت مجلس» لزوماً مجمع متحد عیسی مسیح را در هفت دوره مشخص و متوالی تعیین می‌کند. موضوع تأیید خواهد شد و ما قبلاً می‌دانیم که خداوند دوران مسیحیت را به 7 زمان خاص تقسیم می‌کند. اشاره به آسیا مفید و موجه است، زیرا نام‌های ارائه شده در آیه 11 نام شهرهایی است که در آسیای صغیر، در آناتولی باستان واقع در غرب ترکیه کنونی وجود دارد. روح قبلاً حد اروپا و آغاز قاره آسیا را تأیید می‌کند. اما کلمه آسیا مانند کلمه آناتولی پیامی معنوی در خود پنهان می‌کند. منظور آنها این است: طلوع خورشید در زبان اکدی و یونانی، و بنابراین اردوگاه خدا را که عیسی مسیح از آن بازدید کرده است، "خورشید طلوع"، در لوقا 1: 78-79، نشان می‌دهد: "به لطف رحمت خدای ما، توسط فضیلتی که طلوع خورشید از بالا ما را زیارت کرده است تا به آنانی که در تاریکی و در سایه مرگ نشسته اند نور دهد و گام‌های ما را در راه آرامش هدایت کند. او همچنین «خورشید عدالت» مل. 2: 4 است. بیرون می‌روی و مثل گوساله‌ها از اصطبل می‌پری.» فرمول تیریک با نامه‌هایی که مسیحیان در زمان یوحنا رد و بدل می‌کردند مطابقت دارد. با این حال، خدا با عبارت جدیدی که تاکنون ناشناخته بود مشخص شده است: «از آن کسی که هست، که بود و خواهد آمد.» این عبارت فقط در زبان یونانی این فعل «بودن». «YahWéH»: اصلی و سایر ترجمه‌ها، معنای نام عبری خدا را منعکس می‌کند است که در زمان ناقص عبری به صورت سوم شخص مفرد جمع می‌شود. این زمان که ناقص نامیده می‌شود، انجام شده را بیان می‌کند که در زمان گسترش می‌یابد، زیرا زمان حال در صرف عبری وجود را بیشتر تأیید می‌کند. بدین Adventism، ندارد. "و چه کسی می‌آید"، مضمون بازگشت عیسی مسیح ترتیب گشایش ایمان مسیحی به روی مشرکان تأیید می‌شود. خدا نام او را برای آنها تطبیق می‌دهد. سپس، تازگی دیگری به نظر می‌رسد که روح القدس را مشخص می‌کند: "هفت روح که در برابر تخت ظاهر خواهد شد. عدد 7 نشان دهنده تقدیس است، در این مورد، Rev. 5: 6 او هستند." این نقل قول در روح الهی که در مخلوقات او ریخته شده است، بنابراین "در برابر تخت او". در مکاشفه 5: 6، "بره ذبح شده" به این نمادها متصل است، بنابراین نبوت قدرت مطلق الهی عیسی مسیح را تأیید می‌کند. نماد «هفت روح خدا» با «شمعدان هفت شاخه» خیمه عبری است که نقشه نجات خدا را پیشگویی می‌کند. بنابراین برنامه او به وضوح مشخص شد. از زمان 4000 سال آدم به بعد و با مرگش عیسی گناهان

برگزیدگان را در 30 آوریل کفاره می‌دهد، بنابراین پرده گناه را پاره می‌کند و دسترسی به بهشت را برای برگزیدگانی که در دو هزار سال از شش هزار سال برنامه‌ریزی شده گذشته نجات یافته‌اند، باز می‌کند. زیرا برگزیدگانی که تا پایان جهان در میان ملل سراسر زمین پراکنده شدند

آیه 5: «... و از عیسی مسیح، شاهد وفادار، نخست زاده مردگان، و امیر پادشاهان زمین! به کسی که ما را دوست دارد و با خون خود ما را از گناهانمان رهایی بخشید

نام «عیسی مسیح» با خدمت زمینی مرتبط است که خدا برای انجام آن بر روی زمین آمده است. این آیه ما را به یاد کارهای او می‌اندازد که برای به دست آوردن رستگاری از طریق فیضی که او فقط به برگزیدگان خود عرضه می‌کند، انجام شده است. عیسی در وفاداری کامل خود به خدا و ارزش‌های او، «شاهد وفادار» بود که به عنوان الگوی تقلید به حواریون و شاگردانش در همه زمان‌ها، از جمله حواریون ما، پیشنهاد شد. مرگ او با مرگ اولین حیوانی که برهنگی آدم و حوا را پس از گناه بر تن کرد کشته شد، پیشگویی شد. بنابراین، از طریق او، او در واقع «نخست زاده مردگان» بود. اما او همچنین به دلیل اهمیت الهی خود، مرگ او به تنهایی تأثیر و قدرت محکوم کردن شیطان، گناه و گناهکاران را داشت. او بیش از همه «نخست‌زاده‌ها» در تاریخ دینی «نخست‌زاده» باقی می‌ماند. در اندیشیدن به مرگ او بود که برای باز خرید گناه برگزیدگانش ضروری بود، که خدا تمام «نخست‌زاده‌ها» انسان‌ها و حیوانات مصر سرکش را به قتل رساند، تصویر گناه، تا قوم عبری خود را از بردگی «رهایی» داد. قبلاً نماد و تصویر «گناه» است. به عنوان «اول زاده»، حق اولاد معنوی متعلق به اوست. عیسی با معرفی خود به عنوان «شاهزاده پادشاهان زمین» خدمتگزار نجات‌یافته‌اش می‌شود. «پادشاهان زمین» کسانی هستند که با خون او نجات یافته به پادشاهی او وارد می‌شوند. آنها زمین تجدید شده را به ارث خواهند برد. کشف میزان فروتنی، شفقت، دوستی، برادری و محبت موجودات آسمانی که به معیارهای الهی زندگی آسمانی وفادار مانده اند، امری شگفت‌انگیز است. بر روی زمین، عیسی پاهای رسولان خود را شست و در عین حال تأیید کرد که او «استاد و خداوند» است. در بهشت، او برای همیشه «شاهزاده» «پادشاهان» آن خواهد بود. اما «پادشاهان» نیز خدمتگزار برادران خود خواهند بود. همچنین عیسی با لقب «شاهزاده» به خود، خود را در سطح شیطان، رقیب و رقیب شکست خورده خود قرار می‌دهد که او را «شاهزاده این جهان» می‌نامد. تجسم خدا در عیسی با انگیزه چهره به چهره دو «شاهزاده» صورت گرفت. سرنوشت جهان و مخلوقات آن به قدرت پیروز بزرگ عیسی مایکل یهوه بستگی دارد. اما عیسی فقط تا حدودی پیروزی خود را مدیون الوهیت خود است، زیرا او 4000 سال پس از نبردی که توسط آدم اول شکست خورد، در شرایط مساوی، در بدنی از گوشت مشابه بدن ما، با شیطان جنگید. وضعیت روحی او و عزم او برای پیروزی برای نجات برگزیدگانش به تنهایی پیروزی او را به ارمغان آورد. او راه را برای برگزیدگان خود باز کرد و نشان داد که یک «بره» مطیع می‌تواند «گرگ» را که گوشت و ارواح را می‌بلعد، با کمک خدای وفادار و واقعی شکست دهد.

آیه 6: «و کسی که ما را پادشاهی کرد، کاهنان برای خدا، پدرش، جلال و قدرت تا ابدالابد!»

این جان است که مجمع منتخبان را تعریف می‌کند. در عیسی مسیح، اسرائیل باستان در اشکال روحانی که در مناسک عهد قدیم پیشگویی شده بود، ادامه می‌یابد. برگزیدگان واقعی با خدمت به «پادشاه پادشاهان و پروردگار ارباب» در سلطنت او سهیم هستند و با او شهروندان ملکوت آسمان را تشکیل می‌دهند. آنها همچنین «کاهنان» روحانی هستند، زیرا در معبد بدن خود خدمت می‌کنند و در آن خدا را خدمت می‌کنند و خود را در تقدس برای خدمت او تقدیم می‌کنند. و از طریق دعاهای خود به خدا، عطرهای ارائه شده بر روی مذبح بخور معبد باستانی اورشلیم را پخش می‌کنند. جدایی بین عیسی و پدر گمراه کننده است، اما با تصویری که بسیاری از مسیحیان دروغین از این موضوع دارند مطابقت دارد. این تا حدی است که ادعا می‌کنیم پسر را به هزینه پدر «تکریم» می‌کنیم. این تقصیر یا گناه ایمان مسیحی از 7 مارس 321 بوده است. برای بسیاری، استراحت سبب حکمی است که فقط مربوط به یهودیان عهد قدیم، یعنی دوره انفاق پدر است. پدر و عیسی که تنها یک نفر هستند، از خشم عیسی که فکر می‌کردند به او احترام می‌گذارند، متحمل خواهند شد. عیسی در طبیعت الهی خود به عنوان پدر، و برای ابدیت، «جلال و قدرت را، تا ابدالابد! آمین!» «آمین» یعنی: درست است! در حقیقت

Adventist موضوع

آیه 7: « اینک او با ابرها می آید. و هر چشمی آن را خواهد دید، حتی کسانی که آن را سوراخ کردند. و همه اقوام زمین برای او ماتم خواهند گرفت. آره. آمین »

دقیقاً وقتی عیسی بازگردد، جلال و قدرت خود را نشان خواهد داد. طبق اعمال رسولان ۱:۱۱، او « به همان صورتی که به آسمان عروج کرد » باز خواهد گشت، اما بازگشت او در جلال آسمانی بسیار خواهد بود که دشمنانش را به وحشت خواهد انداخت. « کسانی که او را سوراخ کردند » با مخالفت با پروژه واقعی او. زیرا این تعبیر فقط مربوط به انسان های معاصر با آمدن اوست. هنگامی که خادمان او به مرگ تهدید می شوند یا به قتل می رسند، عیسی در سر نوشت آنها شریک می شود زیرا با آنها همذات پنداری می کند: « و پادشاه به آنها پاسخ خواهد داد: راستی به شما می گویم، هر چند وقت یکبار این کارها را با یکی از این کوچکترین ها انجام دهید. برادران من، شما آنها را برای من ساختید. (متی 25:40). یهودیان و سربازان رومی که او را مصلوب کردند در این پیام گنجانده نشده اند. روح خدا این عمل را به همه انسانهایی نسبت می دهد که مانع کار نجات او می شوند و پیشنهاد فیض و نجات ابدی او را برای خود و دیگران ناکام می کنند. عیسی با استناد به « قبایل زمین »، مسیحیان دروغینی را هدف قرار می دهد که قرار است از طریق آنها قبایل اسرائیل به عهد جدید بسط داده شوند. وقتی در بازگشت متوجه می شوند که برای کشتن منتخبان واقعی او آماده می شوند، تنها دلیلی برای سوگواری خواهند داشت و خود را دشمنان خدایی می دانند که قرار بود آنها را نجات دهد. جزئیات برنامه برای روزهای آخر به صورت پراکنده در سرتاسر فصل های کتاب مکاشفه آشکار خواهد شد. اما می توانم بگویم که مکاشفه 6: 15-16 صحنه را با این کلمات توصیف می کند: " پادشاهان زمین، بزرگان، فرماندهان نظامی، ثروتمندان، قدرتمندان، همه بردگان و آزادگان، خود را در آنجا پنهان کردند. غارها و در صخره های کوهستانی. و به کوهها و صخرهها گفتند: بر ما بیفتید و ما را از روی تخت نشسته و از خشم بره پنهان کنید. " .

« آیه 8: « من آلفا و امگا هستم، خداوند بهوه می گوید، کسی که هست و بود و قادر مطلق کسی که خود را این گونه بیان می کند، عیسی شیرین است که جلال الهی خود را در بهشت یافت، او « قادر مطلق » است. کافی است این آیه را با آیه های مکاشفه 22: 13-16 وصل کنیم تا دلیل داشته باشیم: « من آلفا و امگا، اول و آخر، آغاز و پایان هستم... /... من، عیسی، من دارم. فرشته ام را فرستاد تا این چیزها را در کلیساها برای شما تصدیق کند. من ریشه و بذر داوود، ستاره درخشان صبح هستم. » همانطور که در آیه 4، عیسی خود را تحت صفات خدای خالق، دوست موسی، که نام عبری او معرفی می کند. اما من مشخص می کنم که نام خدا بسته به Exo.3:14 است، مطابق با "YaHWéH" اینکه او باشد که خود را نام می برد یا نام های دیگران تغییر می کند: «من هستم» به صورت «بهوه» به «او هست» تبدیل می شود.

یادداشت اضافه شده در سال 2022: عبارت " آلفا و امگا " خلاصه ای از کل مکاشفه ارائه شده توسط خدا در کتاب مقدس خود، از پیدایش 1 تا مکاشفه 22 است. با این حال، از سال 2018، معنای نبوی "شش هزار" سال برای شش روز هفته بدون تردید ارزش آن به عنوان شش روز واقعی تأیید شد، که در طی آن خداوند زمین و زندگی را که قرار بود از آن پشتیبانی کند آفرید. اما با حفظ معنای نبوی خود، این شش روز یا «6000» سال این امکان را فراهم کرد که برای بهار سال 2030 بازگشت پیروزمندان نهایی عیسی مسیح و رستاخیز قدیسان وفادار او تعریف شود. از طریق عبارت « آلفا و امگا »، عیسی به قدیسان آخرالزمان خود کلیدی می دهد که به آنها امکان می دهد زمان واقعی آمدن دوم خود را کشف کنند. اما برای درک نحوه استفاده از این 6000 سال باید تا بهار 2018 صبر کنیم و در 28 ژانویه 2022 آنها را با این عبارات مرتبط کنیم: "آلفا و امگا"، "آغاز و پایان".

آیه 9: « من یوحنا، برادرت، که با تو در مصیبت و پادشاهی و استقامت در عیسی شریک هستم، به خاطر کلام خدا و شهادت عیسی در جزیره ای به نام پاتموس بودم »

برای یک برده واقعی عیسی مسیح، این سه چیز به هم مرتبط هستند: سهم در مصیبت، سهم در ملکوت، و سهم در استقامت در عیسی. یوحنا به زمینه ای که رؤیای الهی خود را دریافت کرد، شهادت می دهد. رومیان که او را ظاهراً نابود نشدنی می دانستند، سرانجام او را در تبعید در جزیره پاتموس منزوی کردند تا شهادت او را به مردان محدود کنند. او در طول زندگی خود هرگز از شهادت برای کلام

خدا دست بر نداشت تا عیسی مسیح را جلال دهد. اما همچنین می‌توانیم بفهمیم که یحیی به پاتموس برده شد تا در آرامش، شهادت عیسی را که مکاشفه است، دریافت کند، و او در آنجا از خدا دریافت کرد بیایید به طور گذرا توجه کنیم که دو نویسنده دو نبوت دانیال و مکاشفه به طور معجزه آسای توسط خدا محافظت شدند. نجات دانیال از دندان شیرها و نجات جان جان سالم از خمره ای پر از روغن در حال جوش. تجربه آنها به ما درسی می‌آموزد: خداوند با محافظت از کسانی که او را بیش از همه ستایش می‌کنند و جنبه‌ای از الگویی را ارائه می‌کنند که به‌ویژه می‌خواهد تشویق کند، بین بندگان تفاوت ایجاد می‌کند. بنابراین خدمت نبوی در اول قرن‌تین 12:31 به عنوان "راه عالی تر" تعیین شده است. اما انبیا و انبیا وجود دارند. همه انبیا برای دریافت رویاها یا پیشگویی‌ها از جانب خداوند دعوت نشده‌اند. اما همه برگزیدگان توصیه می‌شوند که نبوت کنند، یعنی به همسایگان خود به حقایق خداوند شهادت دهند تا آنها را به سوی نجات هدایت کنند.

دیدگاه جان درباره دوران ادونتیست ها

آیه 10: "در روز خداوند در روح بودم و صدای بلندی مانند صدای شیپور از پشت سر خود شنیدم."

درباری در ترجمه خود از JN. تعبیر "روز خداوند" تعبیر غم‌انگیز را به ارمغان خواهد آورد کتاب مقدس، از ترجمه آن با کلمه "یکشنبه" تردیدی ندارد، که خداوند آن را "نشان" پژمرده "جانور" به رهبری شیطان در مکاشفه 13:16 می‌داند. این به طور مستقیم با "مهر" سلطنتی او، هفتمین روز استراحت مقدس او مخالفت می‌کند. کلمه یکشنبه از نظر ریشه‌شناسی به معنای «روز پروردگار» است، اما مشکل از آنجا ناشی می‌شود که اولین روز هفته را به استراحت اختصاص می‌دهد که خداوند هرگز دستور نداده است و به نوبه‌ی خود به شیوه‌ای همیشگی برای آن تقدیس کرده است. این را در روز هفتم استفاده کنید. پس «یوم الله» که در این آیه ذکر شده واقعاً به چه معناست؟ اما پاسخ قبلاً در آیه 7 داده شده است که می‌گوید: "اینک او با ابرها می‌آید." «اینجا «روز خداوند» است که مورد هدف خدا قرار گرفته است: «اینک، من الیاس نبی را برای شما می‌فرستم، قبل از اینکه روز یهوه، آن روز کسی که ادونتیسم و سه "انتظار" آن از بازگشت عیسی را؛" (Mal.3:5). بزرگ و وحشتناک فرا رسد ایجاد کرد، که قبلاً با تمام عواقب خوب و بد ناشی از این سه آزمایش در سال‌های 1843، 1844 و 1994 به انجام رسیده است. بنابراین جان در سال 94 زندگی می‌کند. روح در همان آغاز هزاره هفتم، جایی که عیسی در جلال الهی خود بازگشت. پس او چه «پشت» دارد؟ کل گذشته تاریخی دوران مسیحیت؛ از زمان مرگ عیسی مسیح، 2000 سال دین مسیحی. 2000 سالی که در طی آن عیسی در میان برگزیدگان خود ایستاد و با روح القدس به آنها کمک کرد تا شر را شکست دهند، همانطور که خود شیطان، گناه و مرگ را شکست داده بود. صدای بلندی که از پشت سر او شنیده می‌شود صدای عیسی است که مانند یک شیپور مداخله می‌کند تا به برگزیدگان خود هشدار دهد و ماهیت تله‌های مذهبی شیطانی را که در زندگی‌شان در تمام دوران با آنها مواجه می‌شوند، آشکار کند. «هفت» دورانی که آیه بعد از آنها نام می‌برد.

آیه 11: «چه کسی گفت: آنچه می‌بینید، آن را در کتابی بنویس و به هفت کلیسا، به افسس، به اسمیرنا، به پرگاموس، به تیاتیرا، به ساردیس، به فیلادلفیا و به لائودیسه بفرست».

به نظر می‌رسد که شکل ظاهری متن، به معنای واقعی کلمه، شهرهای نام‌گذاری شده آسیای زمان یوحنا را به عنوان مخاطب نشان می‌دهد. هر کدام پیام خاص خود را دارد. اما این فقط ظاهر فریبنده‌ای بود که هدف آن پنهان کردن معنای واقعی عیسی به پیام‌های خود بود. در سرتاسر کتاب مقدس، اسامی خاص منسوب به مردان در ریشه خود معنایی پنهان دارند، از عبری، کلدانی یا یونانی. این اصل در مورد نام یونانی این هفت شهر نیز صدق می‌کند. هر نامی شخصیت دورانی را که نشان می‌دهد نشان می‌دهد. و ترتیب ارائه این اسامی مطابق با ترتیب پیشرفت در زمان برنامه ریزی شده توسط خداوند است. ما در مطالعه مکاشفه 2 و 3 خواهیم دید که ترتیب این نامها در آنجا رعایت شده و تأیید شده است، معنای این هفت نام، اما نامهای اول و آخر، «افسس و لائودیسه» تنها برای آنها آشکار می‌شود، استفاده‌ای که روح از آنها می‌کند. به ترتیب به معنای "راه اندازی" و "مردم قضاوت شده"، "آلفا و امگا، آغاز و پایان" دوران فیض مسیحی را می‌یابیم. جای تعجب نیست که عیسی خود را در

آیه 8 با این تعریف معرفی کرد: « من آلفا و امگا هستم ». بدین ترتیب او حضور خود را نزد غلامان وفادار خود در سراسر دوران مسیحیت ثبت می کند.

آیه 12: « من برگشتم تا بدانم چه صدایی با من صحبت می کند. و وقتی برگشتم، هفت شمعدان ، طلایی را دیدم

عمل " چرخش " باعث می شود که یوحنا به کل دوران مسیحیت نگاه کند، زیرا او خود به لحظه بازگشت عیسی با شکوه منتقل شد. پس از دقت " پشت "، در اینجا " من برگشتم " و دوباره، " و، پس از چرخش " داریم. روح به شدت بر این نگاه به گذشته پافشاری می کند تا در منطقتش از آن پیروی کنیم. و سپس ژان چه می بیند؟ " هفت شمعدان طلایی ". در اینجا دوباره چیزی مانند " هفت مجلس " مشکوک است. زیرا الگوی « شمعدان » در خیمه عبری یافت شد و هفت شاخه داشت که قبلاً با هم نماد تقدیس روح خدا و نور او بودند. این مشاهده به این معنی است که مانند « هفت مجالس »، « هفت شمعدان » نماد تقدیس نور خدا هستند، اما در هفت لحظه مشخص شده در تمام دوران مسیحیت. شمعدان نمایانگر برگزیدگان یک عصر است، روغن روح خدا را دریافت می کند که به آن بستگی دارد تا برگزیدگان را با نور خود روشن کند.

اعلام یک مصیبت بزرگ

آیه 13: « و در میان هفت چراغدان ، یکی مانند پسر انسان، جامه بلندی پوشیده و کمر بند » . طلایی بر سینه داشت

در اینجا توصیف نمادین خداوند عیسی مسیح آغاز می شود. این صحنه وعده های عیسی را نشان می دهد: لوقا 17:21: « هیچ کس نمی گوید: او اینجاست یا: او آنجاست. زیرا بنگر، پادشاهی خدا در میان شماست . » ; متی 28:20: « و به آنها بیاموز تا همه آنچه را که به تو امر کرده ام رعایت کنند. و اینک، من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان جهان. ". این رؤیا بسیار شبیه به دانیال 10 است که در آیه 1 آن را به عنوان اعلام یک " فاجعه بزرگ " برای قوم یهود معرفی می کند. بنابراین، مکاشفه 1 نیز یک " فاجعه بزرگ " را اعلام می کند، اما این بار، برای مجمع مسیحیان. مقایسه این دو دیدگاه بسیار آموزنده است، زیرا جزئیات با هر یک از دو زمینه تاریخی بسیار متفاوت تطبیق داده شده است. توصیفات نمادینی که ارائه خواهد شد مربوط به عیسی مسیح در زمینه بازگشت شکوهمند نهایی اوست. وجه مشترک این دو « مصیبت » این است که در پایان دو ائتلافی که خداوند پی در پی ایجاد کرده است، رخ می دهد. اکنون ببینید این دو رؤیا را با هم مقایسه کنیم: «... پسر انسان» در این آیه « مرد » در دانیال بود ، زیرا خدا هنوز در عیسی تجسم نشده بود. برعکس، در « پسر انسان »، « پسر انسان » را می یابیم که عیسی در اناجیل مدام از او نام می برد. اگر خداوند بر این تعبیر تا این حد اصرار داشته، به این دلیل است که توانایی او را در نجات انسانها مشروع می سازد. او اینجا « لباس بلند پوشیده »، « لباس کتان » در دانیال است. کلید معنای این لباس بلند در مکاشفه 7: 13-14 آمده است. کسانی که به عنوان شهادت ایمان از دنیا می روند حمل می شود: « و یکی از بزرگان پاسخ داد و به من گفت: کسانی که جامه سفید پوشیده اند، چه کسانی هستند و از کجا آمده اند؟ به او گفتم: مولای من، تو می دانی. و به من گفت: اینها کسانی هستند که از مصیبت بزرگ می آیند. جامه های خود را شسته اند و در خون بره سفید کرده اند. ". عیسی در دانیال « کمر بند طلایی بر سینه اش » یا بر روی قلب خود می بندد، اما « بر پشت خود » نماد قدرت است. و " کمر بند طلایی " مطابق افس. 6:14 نماد حقیقت است: " پس بایستید: حقیقت را کمر بند خود ببندید . سینه بند عدالت را بپوش ؛ ". مانند عیسی، حقیقت تنها توسط کسانی که آن را دوست دارند مورد احترام قرار می گیرد.

« آیه 14: « سر و موهایش مانند پشم سفید مانند برف سفید بود. چشمانش مانند شعله آتش بود

سفید، نماد خلوص کامل، خدای عیسی مسیح را مشخص می کند که در نتیجه، وحشتی از گناه دارد. با این حال، اعلام یک " فاجعه بزرگ " فقط می تواند هدفش مجازات گناهکاران باشد. این علت به هر دو مصیبت مربوط می شود، بنابراین، در اینجا و در دانیال، خدای قاضی بزرگ را می یابیم که «چشم هایش مانند شعله های آتش است». نگاه او گناه یا گناهکار را می بلعد، اما منتخب عیسی بر خلاف یهودی کاذب و شورشی مسیحی کاذب که دآوری عیسی مسیح در نهایت آنها را نابود می کند،

دست از گناه برمی دارد. و زمینه نهایی این « فاجعه » دشمنان تاریخی آن را مشخص می‌کند که همگی آنها را در قالب دو " جانور " به ما Apo.13. در فصل‌های این کتاب و در فصل دانیال مشخص شده‌اند معرفی می‌کند که با نام آنها " دریا و زمین " مشخص شده است که نشان دهنده ایمان کاتولیک و ایمان پیداست. Gen.1:9-10 پروتستانی است که از آن سرچشمه می‌گیرد، همانطور که از نام آنها بر اساس در بازگشت او، دو جانور متحد یکی می‌شوند و برای مبارزه با سبت و وفادارانش متحد می‌شوند. دشمنان او طبق مکاشفه 6:16 وحشت زده خواهند شد و نمی‌ایستند

آیه 15: « پاهای او مانند برنز سوزان بود که گویی در کوره می‌سوزد. و صدای او مانند صدای آبهای بسیار بود

پاهای عیسی مانند بقیه بدن او پاک است، اما در این تصویر با پا گذاشتن بر خون گناهکاران برنج "، یک فلز آلیاژی ناخالص، نماد گناه است. " Dan.2:32 سرکش آلوده می‌شوند. همانطور که در مکاشفه 10:2 می‌خوانیم: « او یک کتاب باز کوچک در دست داشت. پای راستش را بر دریا و پای چپش را بر زمین گذاشت. " مکاشفه 14:17 تا 20 به این عمل نام « برداشت انگور » داده است. موضوعی که در اشعیا 63 ایجاد شد. « آب‌های فراوان » در مکاشفه 17:15 نماد « مردم، انبوه، ملت‌ها و زبان‌ها » است که با « فاحشه بابل بزرگ » متحد می‌شوند. نامی که کلیسای کاتولیک رومی پاپ را مشخص می‌کند. این اتحاد ساعت یازدهم آنها را برای مخالفت با سبت که توسط خدا مقدس شده است متحد می‌کند. آنها تا آنجا پیش خواهند رفت که تصمیم به کشتن ناظران وفادار او خواهند گرفت. بنابراین ما نمادهای خشم عادلانه او را درک می‌کنیم. در این رؤیا، عیسی به برگزیدگان خود نشان می‌دهد که « صدای » شخصی الهی او قوی‌تر از صدای تمام مردمان روی زمین است.

آیه 16: « در دست راستش هفت ستاره داشت. از دهان او شمشیری تیز و دو لبه بیرون آمد. و صورتش مانند خورشید بود وقتی که با قدرت می‌درخشد

نماد « هفت ستاره » که « در دست راست او » نگه داشته شده است، تسلط دائمی او را به یاد می‌آورد که به تنهایی می‌تواند برکت خداوند را به همراه داشته باشد. دشمنان کافر اغلب و به طور گسترده به اشتباه ادعا می‌کنند. ستاره نماد پیام آور دینی است زیرا مانند ستاره پیدایش 1:15، نقش آن « روشن کردن زمین »، در مورد او، عدالت الهی است. در روز بازگشت، عیسی برگزیدگان خود را از تمام دوران‌ها که با نام‌های هفت مجلس نمادین است، زنده می‌کند (احیا می‌کند، یا پس از یک نابودی کامل لحظه‌ای به نام مرگ زنده می‌کند). در این زمینه با شکوه، برای او و برگزیدگان وفادارش، او خود را به عنوان « کلام خدا » معرفی می‌کند که نماد آن « شمشیری دو لبه تیز » در عبرانیان 4:12 ذکر شده است. این ساعتی است که این شمشیر بر اساس ایمانی که در این کلام الهی نوشته شده در کتاب مقدس که مکاشفه 11:3 به عنوان " دو شاهد " خدا نشان داده شده است، زندگی و مرگ خواهد داد. در انسان فقط ظاهر صورت است که آنها را شناسایی می‌کند و باعث تمایز آنها می‌شود؛ بنابراین عنصر شناسایی درجه اول است. در این بینش، خداوند نیز چهره خود را با زمینه مورد نظر تطبیق می‌دهد. در دانیال، در رؤیا، خداوند چهره خود را با " رعد و برق " نمادین می‌کند، نمادی معمولی از زئوس خدای یونانی، زیرا دشمن این پیشگویی، قوم سلوکی یونانی پادشاه آنتیوخوس چهارم خواهند بود، که پیشگویی را در سال 168 محقق ساخت. در رؤیای آخرالزمان، چهره عیسی نیز ظاهر دشمن او را به خود می‌گیرد که این بار « خورشید است که با قدرتش می‌تابد ». درست است که این آخرین تلاش، برای از بین بردن هر ناظر سبت مقدس الهی از روی زمین، اوج نبرد شورشیان به نفع احترام به "روز خورشید تسخیر نشده" این اردوگاه شورش در اولین ^{er} است که در 7 مارس 321 توسط امپراتور تأسیس شد. کنستانتین 1 روز بهار 2030 خورشید عدل الهی را با تمام قدرت الهی در مقابل خود خواهد یافت

آیه 17: « چون او را دیدم، مثل مرده به پای او افتادم. دست راستش را روی من گذاشت و گفت: « !نترس

جان با این واکنش تنها در حال پیش بینی سرنوشت کسانی است که در زمان بازگشت با او روبرو خواهند شد. دانیال نیز همین رفتار را داشت و در هر دو مورد، عیسی به غلام وفادار خود، غلام خود، اطمینان و تقویت می‌کند. « دست راست او » مؤید برکت اوست و در وفاداری او، بر خلاف شورشیان اردوگاه دیگر، برگزیده دلیلی برای ترس از خدایی که از روی عشق برای نجات او می‌آید، ندارد. عبارت « نترس » زمینه نهایی را تأیید می‌کند که از سال 1843 توسط این پیام ادونتیست از فرشته اول مکاشفه 14:7 مشخص شده است: « او با صدای بلند گفت: از خدا بترسید و او را جلال دهید

برای ساعت او. قضاوت آمده است؛ و در برابر کسی که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید تعظیم کن. « یعنی خدای خالق

آیه 18: « من اولین و آخرین و زنده هستم. من مرده بودم؛ و اینک من تا ابد زنده هستم. من کلید « مرگ و جهنم را در دست دارم

در واقع این عیسی، غلبه بر شیطان، گناه و مرگ است که خود را با این عبارات بیان می کند. سخنان او « اول و آخر » مویذ پیام آغاز و پایان زمان تحت پوشش نبوت است، اما در عین حال، عیسی الوهیت حیات بخش خود را از اولین تا آخرین مخلوقش، انسان، تأیید می کند. کسی که « کلیدهای مرگ را در دست دارد » این قدرت را دارد که تصمیم بگیرد چه کسی زنده بماند و چه کسی بمیرد. ساعت بازگشت او زمانی است که قدیسین او در « رستاخیز اول » که برای « مردگان متبرک در مسیح » بر اساس مکاشفه 20:6 در نظر گرفته شده است زنده خواهند شد. بیابید تمام افسانه های سنت های مسیحیت دروغین میراث یونانی و رومی را تخلیه کنیم و بفهمیم که « قبر مردگان » کاملاً خاک زمین است که مردگان را جمع آوری کرده و تبدیل به خاک می کند، همانطور که در ژنرال نوشته شده است. 3:19. « در عرق صورت خود نان خواهی خورد تا به زمینی که از آن گرفته شده ای بازگردی. زیرا تو خاکی و به خاک باز خواهی گشت. ». این بقایای دیگر هرگز فایده ای نخواهند داشت، زیرا خالق آنها آنها را با تمام شخصیتشان که در حافظه الهی او حک شده است، در یک جسم آسمانی فاسد ناپذیر زنده خواهد کرد که مشابه فرشتگانی است که در وفاداری به خدا باقی می ماندند: « زیرا در رستاخیز (Cor. 15:42 اول) مردان نه از دواج می کنند و نه از دواج می کنند، بلکه مانند فرشتگان خدا در آسمان خواهند بود Matt.22:30».

پیام نبوی در مورد آینده تأیید می شود

« آیه 19: « پس آنچه را که دیدی و آنچه هست و بعد از آنها خواهد آمد بنویس

در این تعریف، عیسی پوشش نبوی زمان جهانی عصر مسیحیت را تأیید می کند که با بازگشت او در جلال به پایان می رسد. زمان رسولی مربوط به تعبیر « آنچه دیده اید » است و خداوند یوحنا را به عنوان شاهد عینی موثق خدمت رسولان معرفی می کند. او شاهد « اولین عشق » یکی از برگزیدگان بود که در مکاشفه 2:4 ذکر شده است. « ... کسانی که هستند » مربوط به پایان این زمان رسولی است که در آن یوحنا زنده و فعال باقی می ماند. « ... و آنهایی که بعد از آن می آیند » بیانگر رویدادهای مذهبی است که تا زمان بازگشت عیسی مسیح و پس از آن، تا پایان هزاره هفتم روی خواهد داد.

آیه 20: « راز هفت ستاره ای که در دست راست من دیدی و هفت شمعدان طلایی. هفت ستاره فرشتگان هفت کلیسا هستند و هفت چراغدان هفت کلیسا هستند

فرشتگان هفت مجلس « برگزیدگان تمام این هفت دوره هستند. زیرا کلمه فرشته از یونانی « به معنای پیام آور است و تنها در صورتی به فرشتگان آسمانی اشاره می کند که کلمه آسمانی Aggelos آن را روشن کند. به همین ترتیب، « هفت شمعدان » و « هفت مجلس » مشکوک در تفسیر من در اینجا آورده شده است. بنابراین روح تفسیر من را تأیید می کند: " هفت شمعدان " نشان دهنده تقدیس نور خدا در هفت دوره است که با نام " هفت مجلس " تعیین شده است

مکاشفه 2: مجمع مسیح از زمان راه اندازی تا سال 1843

در مضمون نامه ها ، در مکاشفه 2، چهار پیام را می یابیم که زمان بین 94 و 1843 را هدف قرار می دهد، و در مکاشفه 3، سه پیام را از 1843-44 تا 2030 پوشش می دهد. اجازه دهید با علاقه به این دقت آشکار در مورد نام ها توجه کنیم. از حروف اول و آخر : « افسس و لائودیسه » که به ترتیب به در پایان Rev.2، معنای پرتاب کردن و قضاوت مردم است. آغاز و پایان دوران فیض مسیحی. در بازگشت مسیح" را نداعی می کند که تاریخ 1828 را که در Adventist فصل، روح آغاز "موضوع از پیش تعیین شده است، هدف قرار می دهد. همچنین، در پیایی زمان، آغاز فصل 3 Dan.12:11 مکاشفه را می توان به طور مشروع به تاریخ 1843 مرتبط کرد که نشانگر آغاز آزمون ایمان ادونتیست ها بود. یک پیام اقتباس شده برای تأیید ایمان اثبات شده پروتستان می آید: " شما مرده اید ". این توضیحات برای تایید ارتباط پیام ها با تاریخ های تعیین شده در دانیال ضروری بود. اما رؤیای مکاشفه مکاشفه هایی درباره آغاز دوران مسیحیت به ارمان می آورد که دانیال آن را توسعه نداد. نامه ها یا پیام هایی که عیسی برای خادمان خود در سراسر عصر ما می فرستد، سوء تفاهم دینی توهمات نادرست و گمراه کننده ای را که به انبوهی از ایمانداران مسیحی مربوط می شود، از بین می برد. در آنجا ما عیسی به طور Rev.2، واقعی را با خواسته های مشروع و سرزنش های همیشه موجه او می یابیم. چهار حرف متوالی، چهار دوره بین سال های 94 و 1843 را هدف قرار می دهند.

دوره اول : افسس

در سال 94 آخرین شاهد راه اندازی مجمع مسیحیان

آیه 1: « به فرشته جماعت افسس بنویس : کسی که هفت ستاره را در دست راست خود دارد، که در میان هفت چراغدان طلا راه می رود، چنین می گوید :

با نام افسس ، از اولین ترجمه یونانی "افسیس" به معنای پرتاب کردن، خداوند از زمان برپایی مجمع مسیح، در زمان امپراتور روم دومیتیان (81-96) با بندگان خود صحبت می کند. (بنابراین روح زمانی را هدف قرار می دهد که یوحنا مکاشفه ای را که او برای ما توصیف می کند از جانب خدا دریافت می کند. او آخرین رسولی است که به طور معجزه آسایی زنده می ماند و به تنهایی آخرین شاهد

عینی راه اندازی مجمع عیسی مسیح است. خداوند قدرت الهی خود را به یاد می آورد؛ تنها اوست که « در دست راست خود»، نماد برکت خود، زندگی برگزیدگانش، «ستارگان»، که او درباره آثارشان قضاوت می کند، ثمره ایمانشان است. بسته به مورد، برکت می دهد یا نفرین می کند. خداوند " راه می رود"، درک می کند که او در زمان پروژه خود با همراهی نسل به نسل، زندگی برگزیدگان خود و رویدادهای جهانی که او سازماندهی یا مبارزه می کند، پیشرفت می کند: "و به آنها بیاموز که هر آنچه را که من تجویز کرده ام رعایت کنند. برای تو. و اینک، من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان جهان. متی 28:20. تا پایان جهان، برگزیدگان او باید کارهایی را که از قبل برای آنها آماده کرده است، به انجام برسانند: « زیرا ما کار او هستیم که در مسیح عیسی برای کارهای نیک آفریده شده است، که خدا از پیش آماده کرده است، تا بتوانیم آنها را تمرین کنید افس. 2:10. و آنها باید با شرایط خاص مورد نیاز در هر یک از هفت دوره سازگار شوند. زیرا درس داده شده در « افسوس» برای هفت دوره معتبر است. « هفت ستاره ای که در دست راست او نگه داشته می شود» او می تواند اجازه دهد که بیفتد و به زمین بیفتد، آنهایی که مربوط به مسیحیان سرکش است. این ایده را به خاطر بسپارید که " شمعدان" فقط زمانی مفید است که روشن شود و برای روشن شدن باید با روغن پر شود که نماد روح الهی است.

آیه 2: « من کارهای تو، زحمت و استقامت تو را می دانم. من می دانم که شما نمی توانید افراد بد را تحمل کنید. که کسانی را که خود را رسول می خوانند و غیر رسولان می آزمای و می سنجید « دروغگویان یافت

توجه! زمان های صرف افعال بسیار مهم هستند، زیرا زمان مورد نظر دوران رسولی را تعیین می کنند. در این آیه، فعل صرف در زمان حال به سال 94 اشاره دارد، در حالی که فعل در زمان گذشته مربوط به زمان آزار و اذیت امپراتور روم، نرون، بین سال های 65 و 68 است.

در سال 94، مسیحیان حقیقی را که هنوز دست نخورده و تحریف نشده است، دوست دارند و از مشرکان " بد" و به ویژه در میان آنها، رومیان سلطه گر آن زمان متنفرند. دلیلی برای این وجود دارد و آن به این دلیل است که یوحنا رسول همچنان زنده است، همانطور که بسیاری از شاهدان باستانی دیگر به حقیقتی که توسط عیسی مسیح تعلیم داده شده است. بنابراین، « دروغگویان» به راحتی نقاب را از بین می برند. زیرا در هر عصری، گزهای تغییر نیافته سعی می کنند با گندم مخلوط شوند، زیرا ترس از خدا همچنان زیاد است و پیام نجات فریبنده و جذاب است. آنها ایده های نادرست را وارد دکتورین می کنند. اما در آزمون عشق به حقیقت، آنها شکست می خورند و توسط برگزیدگان واقعاً روشن بین نقاب می پوشند. به همین ترتیب، در رابطه با گذشته دوران رسولان، « آزموده اید»، روح به یاد می آورد که چگونه محاکمه مرگ، نقاب های فریبنده مسیحیان دروغین، « دروغگویان» واقعی را که در این آیه مورد هدف قرار گرفته اند، بین سال های 65 تا 68، زمانی که نرون برگزیدگان مسیح را در کولوسئوم خود به جانوران وحشی تحویل داد تا منظره ای خونین را به ساکنان روم تقدیم کند. اما اجازه دهید اشاره کنیم، عیسی این غیرت دوران گذشته را تداعی می کند.

« آیه 3: « که شکیبایی داشته باشی، به خاطر نام من رنج کشیده ای و خسته نشدی

!در اینجا باز هم به زمان های صرف فعل توجه کنید

اگر شهادت استقامت همچنان حفظ شود، دیگر شهادت نیست. و خداوند موظف است پذیرش رنجی را که حدود 30 سال قبل از آن، بین سالهای 65 تا 68، زمانی که روم تشنه به خون، نرون، مسیحیان را به قتل رساند، به عنوان یک نمایش، به قوم منحرف و فاسد خود، تجلی و بزرگداشت، به یاد آورد. تنها در این زمان بود که اردوگاه انتخابی به نام خود " زجر" کشید و " خسته" نشد.

« آیه 4: « اما آنچه من بر ضد تو دارم این است که عشق اول خود را رها کردی

تهدید پیشنهادی واضح تر و تایید می شود. در این زمان مسیحیان وفادار بودند، اما غیرت نشان داده شده در زمان نرون ضعیف شده بود یا دیگر وجود نداشت. چیزی که عیسی آن را " از دست دادن عشق اول خود" می نامد، بنابراین برای دوران 94، وجود عشق دوم را پیشنهاد می کند که بسیار پایین تر از عشق اول است.

آیه 5: « پس به خاطر بیاور که از کجا افتاده ای و توبه کن و کارهای قبلی خود را انجام بده. اگر

« نه، نزد تو می آیم و چراغانت را از جای خود بر می دارم، مگر اینکه توبه کنی

صرف احترام یا شناخت ساده حقیقت، رستگاری نمی آورد. خداوند از کسانی که نجات می دهد بیشتر می خواهد تا آنها را یاران ابدی خود قرار دهد. ایمان به زندگی ابدی مستلزم کاهش ارزش زندگی

اول است. پیام عیسی مطابق متی 16:24 تا 26 همیشه یکسان است: « سپس عیسی به شاگردان خود گفت: اگر کسی می‌خواهد به دنبال من بیاید، خود را انکار کند، مسئولیت صلیب خود را به عهده بگیرد و او را به او بسپارید. بیا دنبال من. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد، اما هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را خواهد یافت. و اگر انسان جان خود را از دست بدهد، کسب همه دنیا چه سودی دارد؟ یا اینکه انسان در ازای روحش چه می‌دهد؟ » تهدید به حذف روح او، که نماد آن « شمعدان » است، نشان می‌دهد که از نظر خدا، ایمان واقعی از برجسب ساده‌ای که بر روح چسبانده شده است، فاصله زیادی دارد. در عصر افسسیان، شمعدان نمادین روح خدا در شرق، در اورشلیم، جایی که ایمان مسیحی متولد شد و در کلیساهایی که توسط پولس در یونان و ترکیه کنونی ایجاد شد، قرار داشت. این مرکز مذهبی به زودی به غرب و عمدتاً به رم در ایتالیا منتقل خواهد شد.

آیه 6: « اما شما این را دارید که از کارهای نیکولایان متنفّر هستید، کارهایی که من نیز از آنها متنفّرم »

در این نامه، رومی‌ها به صورت نمادین به نام « شرور » نامگذاری شده‌اند: « نیکولایان » که به معنای مردم پیروز یا مردم پیروز، سلطه‌گران زمانه است. در زبان یونانی، اصطلاح "نایک" نام پیروزی است که شخصیت آن را نشان می‌دهد. پس چه چیزی مورد نفرت خدا و برگزیدگانش « اعمال نیکولایان » است؟ بت پرستی و تلفیق دینی. آنها میزبان خدایان بت پرست را گرامی می‌دارند که بزرگترین آنها یک روز از هفته را به آنها اختصاص داده است. تقویم فعلی ما که به هفت روز هفته نام هفت ستاره، سیاره یا ستاره منظومه شمسی را اختصاص می‌دهد، میراث مستقیم دین روم است. و آیین اولین روز اختصاص یافته به "خورشید تسخیر نشده" به مرور زمان، از سال 321، دلیل خاصی به خدای خالق برای نفرت از " آثار " مذهبی رومیان خواهد داد.

آیه 7: « هر که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید: هر که پیروز شود از درخت حیات که در بهشت خداست بخورد »

دو پیام در این آیه، زمان زمینی پیروزی را تداعی می‌کند، « کسی که پیروز می‌شود » و زمان ملکوتی پادشاه او.

این فرمول آخرین پیامی است که عیسی به بندگان خود در یکی از هفت دوره ای که هدف نبوت قرار گرفته است، می‌رساند. روح آن را با شرایط خاص هر دوره تطبیق می‌دهد. افسس آغاز زمان تحت پوشش نبوت است، بنابراین خدا نجات ابدی را در قالب آغاز تاریخ زمینی به آن ارائه می‌دهد. تصویر عیسی در آنجا در زیر درخت زندگی باغ زمینی که خدا خلق کرده بود تا انسان بی‌گناه و پاک را این بازسازی عدن تجدید شده را برای خوشبختی برگزیدگان Apo.22. در آنجا قرار دهد، تداعی شد پیروز در زمین جدید پیشگویی می‌کند. فرمولی که هر بار ارائه می‌شود مربوط به جنبه ای از زندگی ابدی است که عیسی مسیح تنها به برگزیدگان خود تقدیم کرده است.

دوره دوم: اسمیرنا

بین 303 و 313، آخرین آزار و شکنجه "امپراتوری" روم

. آیه 8: « به فرشته جماعت اسمیرنا بنویس: اولین و آخرین مرده و زنده همین است »

به معنی " مر "، " smurna " از حرف دوم، ترجمه شده از کلمه یونانی " Smyrna " با نام خداوند زمان آزار و اذیت وحشتناک به رهبری امپراتور روم دیوکلتیان را هدف قرار می‌دهد. « مر » عطری است که اندکی پیش از مرگ عیسی پاهای عیسی را مومیایی می‌کند و حکیمان مشرق زمین در بدو تولد برای او آورده‌اند. عیسی در این مصیبت، غیرت ایمان واقعی را می‌یابد که دیگر در سال 94 آن را پیدا نمی‌کرد. کسانی که می‌پذیرند به نام او بمیرند، باید بدانند که عیسی بر مرگ غلبه کرده است، و یک بار دیگر زنده است، او می‌تواند آنها را مانند خود زنده کند. برای خودش انجام داد. خطاب این نبوت فقط مسیحیانی است که عیسی خود « نخستین » نماینده آنهاست. با جذب شخص خود به زندگی بندگان، « آخرین » مسیحی نیز نماینده او خواهد بود.

آیه 9: « من مصیبت و فقر شما را می‌دانم (اگرچه ثروتمند هستید) و تهمت کسانی که خود را « یهودی می‌خوانند و نیستند، بلکه کنیسه شیطان هستند »

مسیحیان تحت آزار و اذیت رومیان از اموال خود محروم شدند و اغلب به قتل رسیدند. اما این فقرهای مادی و نفسانی آنها را از نظر معنوی غنی از معیارهای ایمان به قضای الهی می‌کند. از سوی

دیگر، او قضاوت خود را پنهان نمی‌کند و ارزشی را که به دین یهود که معیار الهی نجات را رد می‌کرد، با عدم شناخت عیسی مسیح، به‌عنوان مسیحی که در کتاب مقدس پیش‌گویی کرده بود، آشکار می‌سازد. یهودیان که توسط خدا رها شده‌اند، توسط شیطان و شیاطین او تسخیر می‌شوند و برای خدا و برگزیدگان واقعی او، «کنیسه شیطان» می‌شوند.

آیه 10: «از آنچه رنج خواهید برد نترسید. اینک شیطان برخی از شما را به زندان خواهد انداخت تا آزمایش شوید و ده روز مصیبت خواهید داشت. تا حد مرگ وفادار باش و من تاج حیات را به تو خواهم داد»

در این آیه، شیطان دیوکلتیان نامیده می‌شود، این امپراتور ظالم روم و «تترارک‌های» مرتبط با او نفرت شدیدی از مسیحیان داشتند که می‌خواستند آنها را نابود کنند. آزار و اذیت یا «مصیبت» اعلام شده برای «ده روز» یا «ده سال» در واقعیت بین سالهای 303 و 313 ادامه یافت. به برخی از آنها که «تاج مرگ وفادار» به‌عنوان شهدای بسیار مبارک بودند، عیسی «تاج زندگی» را خواهد داد؛ زندگی ابدی نشانه پیروزی آنهاست.

آیه 11: «کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید: کسی که پیروز می‌شود، «دچار مرگ دوم نخواهد شد»

موضوع پیام پایان دوره این است: مرگ. این بار، روح نجات را با یادآوری به ما یادآوری می‌کند که کسانی که اولین مرگ شهادت را برای خدا نمی‌پذیرند، بدون اینکه بتوانند از آن فرار کنند، باید از «مرگ دوم» «دریاچه آتش» آخرین دآوری رنج ببرند. «مرگ دوم» که برگزیدگان را لمس نخواهد کرد زیرا آنها برای همیشه وارد زندگی ابدی خواهند شد.

دوره سوم: پرگاموم

در سال 538، استقرار رژیم پاپی در رم

آیه 12: «به فرشته جماعت پرگام بنویس: کسی که شمشیر دو لبه تیز دارد چنین می‌گوید

، دو ریشه یونانی، Pergamum با نام پرگاموس زمان زنا‌ی معنوی را تداعی می‌کند. در نام به معنای «تختی از ازدواج» ترجمه می‌شود. این ساعت سرنوشت ساز آغاز "gamos و "pérao" بدبختی‌هایی است که تا پایان جهان بر مردم مسیحی ضربه خواهد زد. با هدف قرار دادن تاریخ 313، دوره قبلی دستیابی به قدرت و سلطنت بت پرستی امپراتور کنستانتین اول، پسر چهارسالار کنستانتیوس کلروس، و پیروز در برابر ماکسننتیوس را پیشنهاد کرد. با فرمان امپراتوری در 7 مارس 321، او استراحت هفتگی سبت مقدس هفتمین روز الهی، شنبه کنونی ما را رها کرد و اولین روزی را که در آن «Invictus». زمان اختصاص داده شده بود، به فرقه بت پرست خدای خورشیدی، «سل» ترجیح داد خورشید تسخیر نشده. با اطاعت از او، مسیحیان مرتکب «زنا‌ی معنوی» شدند، که از سال 538 به بعد هنجار رسمی پاپی رومی مرتبط با دوره پرگامون بود. مسیحیان خیانتکار از ویگیلیوس، رهبر مذهبی جدید که توسط امپراتور ژوستینیان اول تأسیس شد، پیروی می‌کنند. این دسیسه‌گر از رابطه‌اش با تئودورا، فاحشه‌ای که توسط امپراتور ازدواج کرده بود، استفاده کرد تا این مقام پاپی را به دست آورد که با قدرت دینی جهانی جدید او، یعنی کاتولیک، بیشتر شد. بنابراین، تحت نام پرگاموم، خداوند عمل «یکشنبه» را محکوم می‌کند، یک نام جدید و علت زنا‌ی معنوی، که تحت آن «روز خورشید» سابق که از کنستانتین به ارث رسیده است، همچنان توسط یک کلیسای مسیحی رومی مورد احترام قرار می‌گیرد. ادعا می‌کند که عیسی مسیح است و آن را با عنوان سر پاپ خود، «نایب پسر خدا» (جانشین یا جانشین پسر خدا)، در تعداد حروف می‌داند. که "666" است؛ عددی منطبق با آنچه که، "VICARIVS FILII DEI" لاتین مکاشفه 13:18 به عنصر مذهبی "جانور" نسبت می‌دهد. بنابراین، عصری که پرگاموس نامیده می‌شود، با سلطنت نابردبار و غاصب پاپ آغاز می‌شود که بر اساس دان. افس. 23:5: «زیرا شوهر سر زن است، همچنانکه مسیح سر کلیسا است که بدن اوست و او نجات دهنده آن است. اما مراقب باشید! این عمل الهام گرفته از خود خداوند است. در واقع، این او بود که عقب نشینی کرد و ایمان مسیحی را که تقبیح شده است، تا آنجا Dan.8:23 رسماً بی‌وفا شده بود، به رژیم پاپ سپرد. گستاخی این رژیم، که در ابتکار عمل را برای «تغییر زمان و قانونی» که توسط خدا تعیین، Dan.7:25 پیش می‌رود که طبق شده، شخصاً به دست می‌گیرد. و علاوه بر این، با بی‌اعتنایی به هشدار او مبنی بر اینکه هیچ انسانی را از نظر روحی «پدر» نخواند، خود را با لقب «پدر اکبر» مورد پرستش قرار می‌دهد و بدین ترتیب خود

را بر خدای خالق، شارح برتری می بخشد و روزی آن را سودمند خواهد یافت: «و هیچ کس را در این پادشاه انسانی (Met.23:9). زمین پدر خود نخوانید. زیرا یکی پدر شماس است که در آسمان است جانشینانی دارد که رژیم و افراط و تفریط آن تا روز قیامت که توسط بزرگترین، قوی ترین و عادل ترین، «پدر مقدس ترین آسمانی» برنامه ریزی شده است، ادامه خواهد داشت.

بنابراین، امپراتور ژوستینیان اول این رژیم مذهبی را تأسیس کرد که خداوند نسبت به او «زنا» می دانست. بنابراین اهمیت این خشم باید در تاریخ مشخص و حک شود. ما در سالهای 535 و 536، در دوران سلطنت او، دو فوران آتشفشانی گولپیکر را متذکر شدیم که جو را تاریک می کند و در سال 541 اپیدمی مرگبار طاعون را ایجاد می کند که تا سال 767 با اوج حمله حداکثری در سال 592 از بین نخواهد رفت. شکل وحشتناک تری به خود نگیرد و جزئیات این موضوع در آیه زیر ارائه خواهد شد.

آیه 13: «من می دانم کجا ساکن هستید، می دانم که تخت شیطان آنجاست. شما نام مرا به یاد دارید و ایمان مرا انکار نکردید، حتی در روزگار آنتیپاس، شاهد وفادار من، که در میان شما کشته شد، «جایی که شیطان در آن ساکن است»

این پیشگویی بر «تخت» و محل قرارگیری آن به دلیل شهرت و افتخاراتی که گناهکاران هنوز به آن می پردازند، تأکید می کند. این بار دیگر «رم» است که سلطه خود را، این بار، تحت این جنبه مذهبی کاذب مسیحی و کاملاً بت پرستانه از سر می گیرد. کسی که ادعا می کند «جایگزین» (یا جانشین او) است، یعنی پاپ، حتی از خدا نمی خواهد که شخصاً او را مورد خطاب قرار دهد. گیرنده نبوت یک برگزیده است، نه سقوط کرده، و نه غاصب که مناسک بت پرستی را تمجید می کند. این مکان رفیع مذهب کاتولیک رومی، تخت پاپی خود را در رم، در کاخ لاتران، دارد که کنستانتین اول سخاوتمندانه به اسقف رم تقدیم کرد. این کاخ لاتران در کوه کالیوس، یکی از «هفت تپه روم» که در جنوب شرقی شهر قرار به معنی: آسمان است. این تپه از نظر مساحت طولانی ترین و بزرگ Caelius دارد، قرار دارد. نام ترین تپه از این هفت تپه است. در نزدیکی کلیسای لاتران، که هنوز هم برای پاپ و روحانیون آن، مهمترین کلیسای کاتولیک جهان را نشان می دهد، بزرگترین ابلیسک موجود در رم قرار دارد که 13 عدد وجود دارد، زیرا ارتفاع آن به 47 متر می رسد. در زیر 7 متری زمین کشف شد و به سه قسمت تقسیم شد، در سال 1588 توسط پاپ سیکستوس پنجم که در همان زمان سلطه بر ایالت و اتیکان را در عصر نبوی بعدی به نام تیاتیرا سازماندهی کرد، راه اندازی شد. این نماد فرقه خورشیدی مصری دارای کتیبه بزرگی بر روی استوانه است که نشان دهنده پیشنهاد کنستانتین است. در واقع، این پسرش کنستانتیوس دوم بود که پس از مرگ پدرش، آن را از مصر به رم آورد تا بخشی از آرزوی پدرش را برآورده کند که می خواست آن را به قسطنطنیه بیاورد. این تقدیم به جلال کنستانتین اول بیشتر به خواست خداست تا پسر کنستانتین. زیرا کل ابلیسک با پایه بلندش پیوند پیشگویی شده را تأیید می کند، که کنستانتین اول را به مقام مدنی تبدیل می کند که بقیه «روز خورشید» را نصب می کند، و پاپ، اسقف ساده کلیسای مسیحی رم در آن زمان، مقام مذهبی، که از نظر دینی، این روز بت پرستی را تحت نام «یکشنبه» یا روز خداوند تحمیل خواهد کرد. در بالای این ابلیسک چهار نماد آشکار وجود دارد که به ترتیب صعودی به دنبال یکدیگر می آیند: 4 شیر در نوک آن نشسته اند و به سمت چهار نقطه اصلی قرار گرفته اند که در بالای آن چهار کوه قرار دارند که توسط پرتوهای خورشیدی بر روی آنها قرار گرفته است و بالای آن یک مسیحی با هم تسلط دارد. صلیب. نماد شیرها که به چهار نقطه اصلی هدایت می شود، سلطنت را در نیروی جهانی خود نشان می دهد. که تأیید می کند، توصیف آن در دان. 7 و 8 آشکار شده است. مکاشفه 17:18 این جمله را در مورد روم تأیید می کند: «و زنی که دیدی، آن شهر بزرگی است که بر پادشاهان زمین سلطنت می کند.» علاوه بر این، کارتوش مصری حک شده بر روی ابلیسک «آرزوی ناپاکی را که یک پادشاه به آمون» خدای خورشید خطاب می کند، تداعی می کند. همه این چیزها ماهیت واقعی ایمان مسیحی را که از زمان کنستانتین اول، از سال 313، یعنی تاریخ پیروزی او، در روم مسلط بوده است، آشکار می کند. این ابلیسک، و نمادهایی که در آن وجود دارد، گواهی بر «است، که از طریق کنستانتین اول، موفق شد به ایمان Dan.8:25 موفقت» بنده شیطان پیشگویی شده در مسیحی ظاهری شبیه گرایی مذهبی بدهد که توسط خدا به شدت محکوم شده بود. در عیسی مسیح من پیام این نمادها را خلاصه می کنم: "صلیب": ایمان مسیحی. «الشعاب»: عبادت خورشید؛ «کوهها»: قدرت زمینی. "چهار شیر": سلطنت و قدرت جهانی. «ابلیسک»: مصر باشد، گناه، از زمان شورش فرعون خروج، و برای گناهی که شامل پرستش بت پرستی خدای خورشیدی آمون است. خداوند این معیارها را

به ایمان کاتولیک رومی که توسط کنستانتین اول توسعه یافته است نسبت می‌دهد. و به این نمادها، از طریق کارتوش مصری، قضاوت خود را در مورد تعهد مذهبی اسقف‌های روم، که هر دو را نجس می‌داند، اضافه می‌کند. آنها قبلاً توسط برادران مذهبی شهر "پاپ" خوانده می‌شوند. ارتباط ایمان مسیحی با فرقه خورشیدی که قبلاً توسط خود کنستانتین انجام شده و مورد احترام قرار گرفته است، منشأ نفرین وحشتناکی است که بشریت، پیوسته، تا پایان جهان خواهد پرداخت. این تاج و تخت لاتران در رقابت با امپراتوران روم نیست، زیرا از زمان کنستانتین اول آنها دیگر در روم ساکن نیستند، بلکه در شرق امپراتوری، در قسطنطنیه اقامت دارند. بنابراین، با نادیده گرفتن وحی نبوی عیسی مسیح به یوحنا، انبوهی از انسان‌ها قربانی بزرگترین فریب دینی تمام دوران می‌شوند. اما نادانی آنها گناه است زیرا آنها حقیقت را دوست ندارند و به این ترتیب توسط خود خدا به هر نوع دروغ و دروغگو و اگذار شده اند. فقدان آموزش جمعیت‌های دوره پرگامون موفقیت رژیم پاپی را که توسط امپراتوران روم متوالی آن زمان تحمیل و حمایت می‌شد توضیح می‌دهد. که مانع از رد و رد این اقتدار نامشروع جدید، برخی از مقامات منتخب واقعی نمی‌شود. که باعث می‌شود عیسی آنها را به عنوان بندگان واقعی خود بشناسد. پس از تعیین مکان رومی برگزیدگان، توجه داشته باشید که روح در آنجا در 538 خدمتگزار یافت شد که در هنگام گرامیداشت یکشنبه به نام عیسی ایمان داشتند. با این حال، در این مکان از روم، آخرین شهدا یا "شاهدان وفادار" تنها در زمان نرون، در سال‌های 65-68 و دیوکلتیان بین سال‌های 303 تا 313 دیده شدند. روح با هدف قرار دادن شهر رم، وفاداری را به یاد می‌آورد. «آنتیپاس» «شاهد وفادار» او در دوران گذشته. این نام یونانی به معنای: در برابر همه است. به نظر می‌رسد که پولس رسول، اولین منادی انجیل عیسی مسیح را در این شهر تعیین می‌کند، جایی که او به عنوان شهید در سال 65 در زمان امپراتور نرون، سر بریده شد. از این رو، خداوند لقب نادرست و گمراه‌کننده «نایب پسر خدا» پاپ‌ها را به چالش می‌کشد. جانشین واقعی پولس وفادار بود و نه ویگیلیوس خیانتکار و نه هیچ‌یک از جانشینان او

خالق قادر متعال لحظات مهم تاریخ دینی دوران مسیحیت را در طبیعت حک کرده است. لحظاتی که نفرین شخصیت شدیدی به خود می‌گیرد و عواقب جدی برای مردم مسیحی دارد. عیسی مسیح پیش از این در طول خدمت زمینی خود، به دوازده حواریون شگفت‌زده و شگفت‌زده خود مدرکی مبنی بر کنترل طوفان در دریاچه جلیل ارائه کرد. طوفانی که در یک لحظه به فرمان او آرام کرد. در دوران ما، دوره بین 533 و 538 این ویژگی لعنتی به خود گرفت، زیرا با برقراری رژیم پاپی توسط امپراتور ژوستینیان اول، خداوند می‌خواست مسیحیان را مجازات کند که از فرمان صادر شده توسط امپراتور کنستانتین اول اطاعت می‌کردند که استراحت را واجب می‌کرد. در «روز خورشید تسخیر نشده» اولین روز هفته، از 7 مارس 321. در این دوره مورد نفرین او، خداوند باعث بیدار شدن دو آتشفشان شد که نیمکره شمالی سیاره را خفه کردند و آثاری از خود بر جای گذاشتند. نیمکره جنوبی نیز تا قطب جنوب. با فاصله چند ماه، که در پاد پادهای یکدیگر در ناحیه استوا قرار داشتند، گسترش تاریکی بسیار مؤثر و بسیار کشنده بود. میلیاردها تن گرد و غبار در جو پخش می‌شود و انسان‌ها را از نور و محصولات غذایی معمول خود محروم می‌کند. خورشید در اوج خود همان نور ماه کامل را ارائه می‌دهد که خود به طور کامل ناپدید شد. مورخان به این شهادت اشاره کرده‌اند که بر اساس آن ارتش‌های ژوستینیان به لطف طوفان برفی در اواسط ماه جولای، روم را از استروگوت‌ها پس گرفتند. اولین آتشفشان به نام "کراکاتوا" در اندونزی واقع شده است و در اکتبر 535 با قدری غیرقابل تصور از خواب بیدار شد و یک منطقه در "Ilopango" کوهستانی را به منطقه ای دریایی بیش از 50 کیلومتر تبدیل کرد. و دومی به نام آمریکای مرکزی قرار دارد و در فوریه 536 فوران کرد.

آیه 14: «اما من چیزی بر ضد شما دارم که در آنجا دارید که به آموزه بلعام پایبند هستید، که به بالاک تعلیم داد که سنگ لغزش را در برابر بنی اسرائیل بگذارد، به طوری که آنها چیزهایی را که برای «بتها قربانی شده می‌خورند و مرتکب فحشا می‌شوند»

روح وضعیت معنوی ایجاد شده در روم را توصیف می‌کند. از سال 538، منتخبان مؤمن وقت شاهد برپایی مرجعیت دینی بوده اند که خداوند آن را با پیامبر «بلعام» مقایسه می‌کند. این مرد به خدا خدمت کرد اما به خود اجازه داد که فریفته سود و کالاهای زمینی شود. همه چیزهایی که رژیم پاپ روم مشترک است. بلعام، «بلعام» با آشکار ساختن ابزاری که او می‌توانست اسرائیل را به واسطه آن سقوط کند، باعث سقوط اسرائیل شد. چیزهایی که خداوند به شدت آنها را محکوم کرد. خداوند با مقایسه او با «بلعام» طرحی از رژیم پاپ به ما می‌دهد. سپس برگزیده معنای اعمالی را که خود خداوند باعث می‌

شود شیطان و شرکای آسمانی و زمینی او انجام دهند را می فهمد. نفرین کلیسای مسیحی بر پذیرش "روز خورشید تسخیر شده" بت پرستان است که از سال 321 توسط مسیحیان بی وفا مشاهده می شود. و رژیم پاپ مانند « بلعام » در جهت سقوط آنها و تشدید نفرین الهی آنها تلاش خواهد کرد. " گوشت های قربانی شده برای بت ها " در مقایسه با " روز خورشید" بت پرستان تنها تصویر است. روم بت پرستی را به دین مسیحیت وارد می کند. اما آنچه شما باید درک کنید این است که آنها از یک ماهیت هستند و تحت قضاوت خداوند عواقب جدی یکسانی را متحمل می شوند. به ویژه از آنجایی که نفرین های ناشی از " بلعام " دوران مسیحیت تا پایان جهان ادامه خواهد داشت و با بازگشت جلال عیسی مسیح مشخص می شود. کافر مسیحیان نیز با عبرانیان مقایسه می شود که پس از اینکه خداوند ده فرمان خود را به آنها فهماند، خود را به « زنا » سپردند. بین سالهای 321 تا 538 مسیحیان خیانتکار مانند آنها عمل کردند. و این اقدام تا امروز ادامه دارد.

« آیه 15: « با این حال، شما نیز افرادی دارید که به آموزه نیکولایان پایبند هستند

در این پیام، نام « نیکولایان » ذکر شده در افسس در این نامه دوباره ظاهر می شود. اما « آثار » مربوط به آنها در افسس در اینجا به « آموزه » تبدیل می شود. برخی از رومیان در واقع، از زمان افسس ، مسیحی شده اند، سپس از سال 321 مسیحی خیانتکار شده اند، و این به شیوه ای رسمی مذهبی از سال 538، با احترام به « دکتترین » کاتولیک رومی

آیه 16: « پس توبه کنید. اگر نه، به سرعت نزد شما خواهیم آمد و با شمشیر دهان خود با آنها می جنگم »

روح با برانگیختن « مبارزه » به رهبری « کلام»، « شمشیر دهانش»، زمینه را برای پیام چهارمی که می آید آماده می کند. این ^{قرن شانزدهم خواهد بود}، جایی که کتاب مقدس، کلام مکتوب مقدس آن، « دو شاهد » آن مطابق با مکاشفه 11: 3، حقیقت الهی را تبلیغ خواهد کرد و نقاب ایمان نادرست کاتولیک رومی را می پوشاند.

آیه 17: « کسی که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می گوید: به هر که پیروز شود منای پنهان می دهم و به او سنگ سفید خواهم داد. و بر این سنگ نام جدیدی نوشته شده است که جز « کسی که آن را دریافت می کند، آن را نمی داند

مثل همیشه، روح جنبه ای از زندگی ابدی را تداعی می کند. در اینجا او آن را در تصویری که توسط مانا به عبرانیان گرسنه در صحرای خشک، بی ثمر و خشک نبوت شده بود، به ما ارائه می کند. سپس خداوند تعلیم داد که می تواند با نیروی خلاق خود از برگزیدگان خود محافظت کرده و عمر آنها را طولانی کند. که او با دادن زندگی ابدی به برگزیدگان نجات یافته خود انجام خواهد داد. این نقطه اوج کل پروژه نجات او خواهد بود.

برگزیده زمان به عنوان پاداش زندگی ابدی خواهد داشت که روح آن را در تصاویر توصیف می کند. تصویر « ماننا » از غذای بهشتی در ملکوت آسمان پنهان است و خود خدا سازنده آن است. در نماد شناسی باستانی، مانا در مقدس ترین مکان بود که قبلاً نماد بهشت بود، جایی که خدا به طور حاکم بر تخت او سلطنت می کرد. در شیوه های رومی، " ریگ سفید " نشان دهنده رای "بله" و سنگ سیاه نشان دهنده "نه" بود. " سنگ سفید " همچنین نشان دهنده خلوص زندگی فرد برگزیده ای است که ابدی شده است. زندگی ابدی او یک آری الهی است که منعکس کننده استقبال پرشور و عظیم خداوند است. از آنجا که فرد برگزیده در یک جرم آسمانی زنده می شود، وضعیت جدید او با " نام جدید " مقایسه می شود. و این طبیعت آسمانی برای برگزیدگانش همیشه اسرارآمیز و فردی است: « هیچ کس آن را نمی داند ». بنابراین ما باید این طبیعت را به ارث ببریم و وارد آن شویم تا آن را کشف کنیم.

^{نوره} چهارم: تیاتیرا

بین 1500 و 1800، جنگ های مذهبی

آیه 18: « به فرشته جماعت در تیاتیرا بنویس: پسر خدا چنین می گوید که چشمانش مانند شعله . آتش و پاهایش مانند برنز سوزان است

نامه چهارم تحت نام « تیاتیرا » زمانی را تداعی می کند که ایمان مسیحی اتحادیه های کاتولیک و پروتستان از طریق درگیری های خونین خود منظره ای نفرت انگیز را به نمایش گذاشتند. اما این پیام به معنای "thuao, téiro" دو ریشه یونانی، Thyatira شگفتی های بزرگی را به همراه دارد. در نام

"نفس و مرگ همراه با رنج" است. اصطلاح یونانی که این تفسیر از زشتی را توجیه می کند، در فرهنگ لغت یونانی بیلی، خوک یا گراز وحشی را هنگامی که در گرما هستند نشان می دهد. و در اینجا، توضیحات لازم است. قرن شانزدهم با بیداری پروتستان هایی که اقتدار رژیم پاپی روم را به چالش کشیدند، مشخص شد. همچنین، به منظور تقویت اقتدار موقت خود، پاپ به نمایندگی از پاپ سیکستوس پنجم، ایالت واتیکان خود را تأسیس کرد که به آن مشروعیت مدنی مرتبط با اقتدار مذهبی خود می بخشد. به همین دلیل است که از قرن شانزدهم ' رژیم پاپ مقرر خود را که قبلاً در کاخ لاتران قرار داشت، به ملک خود در واتیکان، که قبلاً یک کشور مستقل پاپی بود، منتقل کرد. اما این انتقال فقط فریب است، زیرا کسی که ادعا می کند از ایالت واتیکان است هنوز در کاخ لاتران نشسته است. زیرا در آنجا، در لاتران، است که پاپ ها از فرستادگان کشورهای خارجی که از آن بازدید می کنند استقبال می کنند. و به این ترتیب، در سال 1587، ایللیس تعمیر شده در نزدیکی کاخ لاتران از 3 اوت 1588 در زیر 7 متری زمین و در سه قطعه کشف شد. ایالت واتیکان در خارج از رم، بر روی تپه واتیکانوس، در ساحل غربی واقع شده است. تپه که از شمال به جنوب با شهر همسایه است. وقتی به نقشه این شهر واتیکان نگاه می کردیم، از کشف شکل سر خوک، گوش ها در شمال و پوزه در جنوب غربی شگفت زده شدم. بنابراین، توسط خداوند، سازمان دهنده این چیزها، دو چندان تایید و توجیه می شود. ایمان "thuo" پیام یونانی کاتولیک که از پرگاموم به ارث رسیده است به اوج زشتی های خود می رسد. او به شدت با نفرت و ظلم نسبت به کسانی واکنش نشان می دهد که با روشنگری کتاب مقدس، سرانجام به لطف چاپخانه انتشار یافتند، گناهان و سوء استفاده های آن را محکوم کردند. بهتر است که تا آن زمان، نگهبان کتاب مقدسی که توسط راهبان در صومعه ها و صومعه ها باز تولید می کرد، کتاب مقدس را مورد آزار و اذیت قرار داد که گناه او را محکوم می کرد. و او نگوشت کنندگان را با قدرت پادشاهان کور و از خود راضی می کشد. مجریان مطیع اراده او عباراتی که عیسی خود را با آن نقل می کند: « کسی که چشمانی مانند شعله آتش دارد و پاهایش مانند برنج آتشین است، عمل تنبیه او را نسبت به دشمنان دینی خود که در بازگشت به زمین نابودشان خواهد کرد، آشکار سازد. اینها دقیقاً همان دو ایدئولوژی مسیحی هستند که تا سرحد مرگ با یکدیگر «با شمشیر» و سلاح گرم در این زمینه تاریخی عصر تاثیرا جنگیدند. سپس " پاهای او " بر روی نماد " دریا و روی زمین " از ایمان کاتولیک و ایمان پروتستان در مکاشفه 10:5 و مکاشفه 13:1-11 قرار خواهد گرفت. کاتولیک و پروتستان، هر دو گناهکار (گناه = رنج)، پشیمان نشده، به عنوان " برنج سوزان " توصیف می شوند که خشم داوری خدای عیسی مسیح را به خود جلب می کند. خدا با گرفتن این تصویر که به وسیله آن " فاجعه " بزرگ را در مکاشفه 1:15 اعلام می کند، ساعتی را آشکار می کند که آخرین جفاگران متحد علیه فرزندان وفادار او تا سر حد مرگ مانند "جانوران" وحشی با یکدیگر جنگیدند که نماد آنها در کل پیشگویی از فرانسوا اول ^{تا} لویی چهاردهم، جنگ های مذهبی یکی پس از دیگری بوده است. و ما باید توجه داشته باشیم که چگونه خداوند نفرین مردم فرانسه را آشکار می کند، حمایت مسلحانه از پاپ از زمان کلوویس، اولین پادشاه فرانک. برای نشان دادن اوج این نفرین، خداوند لویی چهاردهم جوان «پنج» ساله را بر تاج و تخت فرانسه نشاناند. این آیه کتاب مقدس از پیام خود را بیان می کند: « وای بر تو ای سرزمینی که پادشاهش کودک است و Ecc.10:16 شاهزادگانش صبح می خورند! » لویی چهاردهم با هزینه های گزاف خود در کاخ ورسای و جنگ های پرهزینه خود فرانسه را ویران کرد. او فرانسه ای را که در فقر فرو رفته بود، پشت سر گذاشت و جانشینش لویی پانزدهم تنها به خاطر آزادی خواهی مشترک با همراه جدایی ناپذیرش در فسق، کاردینال دوبوا، زندگی کرد. یک شخصیت نفرت انگیز، لویی خداوند با هدف قرار دادن یک مرد ملایم و آرام به عنوان هدف این خشم، قصد خود را برای ضربه زدن به رژیم سلطنتی موروثی، به دلیل اعتماد کوری که از زمان کلوویس به ناحق در ادعاهای مذهبی پاپ قرار داده بود، آشکار کرد.

آیه 19: « من اعمال شما، محبت شما، ایمان شما، خدمت صادقانه شما، استواری شما، و اعمال شما را بیشتر از اولی می دانم »

خداوند این سخنان را خطاب به بندگان خود « وفادار تا سرحد مرگ » می کند و خود را برای قربانی کردن به شکل مولای خود تقدیم می کند. « آثار » آنها توسط خدا پذیرفته شده است، زیرا آنها به « عشق » واقعی آنها به نجات دهنده خود شهادت می دهند. « ایمان » آنها موجه خواهد بود زیرا با « خدمت صادقانه » همراه است. کلمه " ثبات " که در اینجا ذکر شد، اهمیت تاریخی قابل توجهی پیدا می کند. در «برج کنستانس» در شهر آپگ مورتس بود که ماری دوراند 40 سال در اسارت خود را به

عنوان الگوی ایمان زندگی کرد. بسیاری از مسیحیان دیگر نیز همین شهادت را دادند و اغلب برای تاریخ ناشناخته ماندند. به این دلیل که تعداد شهدا به مرور افزایش یافت. آخرین آثار مربوط به زمان سلطنت (1643 تا 1715) پادشاه لوئیس است به وضوح به نقش آشکار نام «اژدها» که نشان دهنده «شیطان» است و اقدام تهاجمی آشکار روم امپراتوری و روم پاپی در مکاشفه 9:12-13-4-16 توجه کنید. کسی که خود را "پادشاه خورشید" می نامید، مبارزه برای کاتولیک، مدافع "روز خورشید" را که از کنستانتین اول به ارث برده بود، به اوج خود رساند. با این حال، برای شهادت بر علیه او، خداوند تمام مدت سلطنت طولانی خود را در تاریکی فرو برد و از گرما و نور کامل خورشید واقعی که عواقب جدی برای رژیم غذایی مردم فرانسه داشت، محروم کرد.

آیه 20: «اما آنچه من بر شما دارم این است که اجازه دهید ایزابل زنی که خود را نبی می خواند، بندگان مرا تعلیم دهد و اغوا کند تا مرتکب فحشاء شوند و گوشت قربانی بپختن بخورند»

در سال 1170، خدا دستور داد کتاب مقدس توسط پیر وودس به زبان پروانسالی ترجمه شود. او اولین مسیحی بود که آموزه حقیقت یکپارچه رسولی، از جمله احترام به سبب واقعی و پذیرش است که در "Vaudois" گیاهخواری را دوباره کشف کرد. او که با نام پیر والدو شناخته می شود، منشأ آلپ ایتالیا ساکن شده اند. کار اصلاح طلبی که آنها نماینده آن بودند با مخالفت پاپری مواجه Piedmont شد و پیام ناپدید شد. تا آنجا که خداوند تمام اروپا را به تهاجم مهلک مغول سپرد و به دنبال آن یک اپیدمی وحشتناک طاعون ناشی از مغول ها ایجاد شد که از سال 1348 یک سوم و تقریباً نیمی از جمعیت آن را نابود کرد. پیام این آیه که «زن ایزابل را رها می کنی...»، توهینی است خطاب به اصلاح طلبان که به کار پیر والدو اهمیتی که شایسته آن بود ندادند، زیرا کامل بود. بین 1170 و 1517، آنها دکتترین کامل حقیقت نجات مسیحی را نادیده گرفتند و اصلاحات آنها در پایان این عصر جزئی و بسیار ناقص است.

نکته: کمال اعتقادی که پیر والدو درک کرده و به کار گرفته است نشان می دهد که خداوند در او برنامه کامل اصلاحات را ارائه کرده است که باید اجرا می شد. در واقع، کارها در دو مرحله انجام مشخص شده بود، شروع Dan.8:14 شد، الزام سبت تا سال 1843-1844، مطابق با زمانی که با فرمان نشد.

برای به تصویر کشیدن ایمان کاتولیک رومی پاپ، خداوند آن را با همسر خارجی شاه آخاب، «یزابل» و وحشتناک مقایسه می کند که پیامبران خدا را کشت و خون بیگانه ریخت. کپی مطابق با مدل است و همچنین این عیب را دارد که در هنگام کار بسیار طولانی تر دوام می آورد. خداوند با نامگذاری «پیامبر» او، نام مکان جدید «تخت» خود را هدف قرار می دهد: واتیکان، که در فرانسوی باستانی و لاتین است: پیشگویی کردن. جزئیات تاریخی در مورد این مکان بسیار آشکار است. «vaticinare» به معنای Aesculapius "در اصل، این مکان با وجود یک معبد رومی اختصاص داده شده به خدای "مار نشان دهنده شیطان و رژیم پاپ خواهد بود. امپراتور Rev.12:9-14-15 مشخص شده بود. این نماد در نرون مدارهای ارباب سوار خود را در آنجا قرار داد و «سیمون جادوگر» در قبرستانی در آنجا به خاک سپرده شد. به نظر می رسد که بقایای او است که به عنوان بقایای پیتر رسول در روم مصلوب شد. در اینجا دوباره، کلیسایی که توسط کنستانتین ارائه شده بود، شکوه مسیحیت را جشن گرفت. این منطقه در ابتدا باتلاقی بود. دروغی که به این ترتیب ساخته شده است، نام جدید این کلیسای واتیکان را توجیه می کند که در قرن پانزدهم بزرگ شده و زینت یافته نام گمراه کننده "بازبلیکای سنت پیتر رم" را به خود می گیرد. این افتخار که در واقع به یک جادوگر و به «مار» ایسکولاپیوس داده می شود، نام «جادو» را که روح به مناسک مذهبی کاتولیک رومی در مکاشفه 18:23 نسبت می دهد، توجیه می کند، جایی که نسخه کتاب مقدس داری به ما می گوید: «و نور. چراغ دیگر در تو نخواهد درخشید. و دیگر صدای داماد و زن در تو شنیده نخواهد شد. زیرا که بازرگانان تو بزرگان زمین بودند. زیرا با جادوی تو همه امت ها گمراه شده اند. «دقیقاً، تکمیل کار روی این کلیسای «سن پیر دو روم» که مستلزم میالغ هنگفتی بود، تنزل را به سمت فروش «هذیان» خود سوق خواهد داد. مارتین لوتر، معلم راهب، با دیدن بخشش گناهان که در ازای پول فروخته می شود، ماهیت واقعی کلیسای کاتولیک رومی خود را کشف کرد. بنابراین او ماهیت شیطانی و برخی از اشتباهات خود را با نمایش 95 پایان نامه معروف خود در سال 1517 بر درب کلیسای آلمانی در آگسبورگ محکوم کرد. بنابراین او کار اصلاحات را که خدا از سال 1170 به پیر والدو پیشنهاد کرد، رسمی کرد.

روح مستقیماً با بندگان اصلاح‌شده‌اش در آن زمان، قربانیان صلح‌جوی واقعی و مستعفی صحبت می‌کند، آنها را به خاطر اجازه دادن به ایزابل برای تعلیم و اغوای بندگان سرزنش می‌کند. ما در این سرزنش می‌توانیم تمام نقص اعتقادی این آغاز اصلاحات را بخوانیم. او "خادمان" خود را "می‌آموزد و اغوا می‌کند"، خادمان عیسی، که او را تبدیل به یک کلیسای مسیحی می‌کند. اما آموزه او مربوط به دوره پرگامون است که در آن اتهام "زنا" و تصویر "گوشت" وجود دارد. قربانی بت‌ها «قبلاً محکوم شده بودند. با وجود ظواهر فریبنده، در این آیه موجودیت مهم «زن ایزابل» نیست، بلکه خود مسیحی پروتستان است. روح از همان ابتدا با گفتن «زن ایزابل را رها می‌کنی...» خطاهایی را مطرح می‌کند که در اولین پروتستان‌ها مشترک بودند. سپس شخصیت این عیب را آشکار می‌کند: بت پرستی بت پرستی. با انجام این کار، او ماهیت «باری» را که هنوز در آن زمان بر دوش او تحمیل نکرده بود، اما از سال 1843 مطالبه خواهد کرد، آشکار می‌کند. و در این پیام، خدای خالق «یکشنبه» رومی را هدف قرار می‌دهد که عملش انجام می‌شود. در نظر او یک اثر بت پرستانه بت پرستان است که به خدایی دروغین خورشیدی از قدیمی‌ترین بت پرستی در تاریخ بشر احترام می‌گذارد. از سال 1843، او باید از "یکشنبه" یا رابطه خود با عیسی مسیح، تنها نجات‌دهنده گناهکاران زمینی چشم‌پوشی می‌کرد.

«آیه 21:» به او مهلت دادم تا توبه کند و از زناهای خود توبه نکند

آشکار شده است و در آخر الزمان در فصل‌های 11، 12 و 13 به Dan.7:25 این زمان از زمان سه شکل تأیید شده است. 1260 روز یا 42 ماه که همگی نشان‌دهنده سلطنت نابردبار پاپ در عمل بین سال‌های 538 و 1798 است. تبلیغ حقیقت از طریق کتاب مقدس و موعظه اصلاح‌گران واقعی، آخرین فرصت را برای ایمان کاتولیک برای توبه و رها کردن خود فراهم کرد. گناهان او هیچ کاری نکرد و به نام قدرت جستجوگر خود، رسولان صلح‌جوی خدای زنده را مورد آزار و شکنجه قرار داد. بنابراین، کارهای سرکش قوم یهود را بازتولید کرد که مثل عیسی را برای تحقق دوم بیان کرد: این مثل شراب کاران است که اولین فرستاده شده از سوی خدا را می‌کشند، و هنگامی که او خود را به آنها معرفی می‌کند، پسر عیسی را می‌کشند. ارباب تانگستان تا میراثش را بدزد

آیه 22: «اینک، او را بر بستری خواهم انداخت و بر آنانی که با او زنا می‌کنند، مصیبت بزرگ می‌فرستم، مگر اینکه از کارهای خود توبه کنند

خدا با او به‌عنوان یک «فاحشه» «روی تخت» رفتار خواهد کرد، که به ما امکان می‌دهد «زن ایزابل» این مضمون را با «فاحشه بابل بزرگ» از مکاشفه 17:1 مرتبط کنیم. «مصیبت بزرگ پیش بینی شده پس از شکست اعلامیه کتاب مقدس رخ خواهد داد. همین پیام، شناسایی این «مصیبت بزرگ» را با «جانوری که از اعماق بالا می‌رود» در مکاشفه 11:7 تأیید خواهد کرد. پس از کار «دو شاهد» خدا که نوشته‌های عهدنامه‌های الهی قدیم و جدید کتاب مقدس هستند، ظهور می‌کند. «زنا» معنوی تأیید و نامگذاری می‌شود و «کسانی که خداوند آنها را به ارتکاب آن با «یزابل» متهم می‌کند، پادشاهان و سلطنت‌طلبان فرانسوی هستند. همراه با کشیشان کاتولیک، سلطنت‌طلبان به هدف اصلی خشم بی‌خدایی ملی انقلابی تبدیل خواهند شد که تنها بیانگر خشم خدای متعال عیسی مسیح بود. آنها توبه نکردند، بنابراین خشم مضاعف آنها را در زمانی که خدا برای پایان سلطنت پاپ بین سال‌های 1793 و 1798 تعیین کرده بود، گرفت.

کلمه «مصیبت» پیامد نفرین الهی را مطابق روم 2:19 نشان می‌دهد: «مصیبت و اندوه بر هر انسانی که بدی می‌کند، ابتدا بر یهودی و سپس بر یونانی!» اما «مصیبت» که گناهان سلطنت کاتولیک و متحد آن کلیسای کاتولیک روم را مجازات می‌کند، در مکاشفه 17:5 با نام «بابل بزرگ»، منطقاً «مصیبت بزرگ» است.

آیه 23: «فرزندان او را با مرگ خواهم کشت. و جمیع کلیساها خواهند دانست که من او هستم» «که ذهن‌ها و دل‌ها را جستجو می‌کنم و به هر یک مطابق اعمال شما پاداش خواهم داد»

مرگ با مرگ «تعبیری است که روح برای برانگیختن دو «ترور» رژیم انقلابی 1793 و 1794 به کار می‌برد. او با این عبارت، هر گونه تصور از یک مرگ معنوی ساده را که مربوط به پروتستان‌ها می‌شود رد می‌کند. 1843 در پیامی که به فرشته زمان «ساردس» در مکاشفه 3:1 تحویل داده شد. بشریت هرگز چنین کارهای خونینی را که توسط ماشین‌های کشتار اختراع شده توسط دکتر لوئیس انجام شده است، ندیده است، اما دکتر گیوتین که نامش را به خود این ساز نسبت داده است، که از آن به بعد نامیده می‌شود: گیوتین، قردانی شده است. پس از آن، قضاوت‌های خلاصه، حکم‌های اعدام

متعددی را با اضافه شدن اصل ضربه زدن به قضاوت و متهمان روز قبل با مرگ صادر کردند. بر اساس این اصل، به نظر می‌رسید که بشریت باید ناپدید شود و به همین دلیل است که خداوند این رژیم انقلابی نابودگر را «پرتگاه» نامید. در نهایت، طبق پیدایش 1:2، او زمین را بدون هیچ‌گونه حیاتی از روز اول خلقت، «پرتگاه» می‌ساخت. اما تنها در بهشت، در خلال داوری آسمانی که توسط برگزیدگان گرد آمده انجام می‌شود، «همه کلیساها (یا مجامع)»، برگزیدگان هفت دوره، این حقایق تاریخی را با معنایی که خدا به آنها داده است، کشف خواهند کرد. عدالت خدا کامل است. کسانی که به نادرست داوری می‌کردند، «بر اساس اعمال» خود، از عدالت او ضربه خوردند. آنان مردم را به ناحق می‌میرانند و عدل کامل الهی به نوبه‌ی خود گرفتار مرگ می‌شوند: «و من به هر یک از شما برحسب اعمالتان پاداش دادم».

آیه 24: «به شما و بقیه اهل تیاتیرا که این آموزه را نمی‌پذیرند و اعماق شیطان را به قول خودشان نمی‌دانند، به شما می‌گویم: بار دیگری بر دوش شما نمی‌گذارم»

اعماق شیطان " می‌نامند فقط می‌توانند اصلاح طلبانی باشند که از حدود سال 1200 تا انقلاب فرانسه در سال 1789 ظهور کردند. روح به حواریون و شاگردان عیسی مسیح. ما فقط به سه چیز مثبت به نفع آنها توجه می‌کنیم: ایمان به قربانی عیسی تنها، اعتماد تنها به کتاب مقدس، و هدیه شخص و زندگی آنها. تمام نکات اعتقادی دیگر از مذهب کاتولیک به ارث رسیده بود و بنابراین در معرض سؤال قرار گرفت. بنابراین، اگرچه در سطح دکترین حقیقت ایمان مسیحی ناقص بود، اما اصلاح‌طلبان منتخب می‌دانستند که چگونه جان خود را که به خدا تقدیم کرده‌اند با قربانی‌های زنده و در انتظار سال ۱۸۴۴، تاریخ لازم‌الاجرا شدن فرمان دان 8:14، خدا خدمت آنها را به طور موقت تأیید کرده است. این را خیلی واضح بیان می‌کند وقتی می‌گوید: «من بار دیگری بر دوش شما نمی‌گذارم». وضعیت یک قضای استثنایی الهی در این کلمات به وضوح نمایان می‌شود.

«آیه 25: «فقط آنچه دارید، صبر کنید تا من بیایم»

دلایلی که به خدا اجازه می‌دهد تا ایمان ناقص پروتستان را برکت دهد، باید تا زمان بازگشت عیسی مسیح توسط برگزیدگان حفظ و اجرا شود.

آیه 26: «به کسی که پیروز شود و اعمال مرا تا آخر نگاه دارد، بر امت‌ها حکومت خواهد داد»

»

این آیه نشان می‌دهد که چه چیزی باعث از دست دادن نجات از این زمان اصلاح تا بازگشت مسیح می‌شود. برگزیدگان باید کارهایی را که عیسی مسیح آماده و مکشوف کرده است تا پایان جهان به طور پیوسته نگه دارند. سقوط فراخوانده شده با رد خواسته‌های جدید خدا. با این حال، او هرگز قصد خود برای افزایش تدریجی نور خود را تا زمان شکوه خود پنهان نکرد. «مسیر نیکوکاران مانند نور درخشانی است که روشنایی آن تا وسط روز افزایش می‌یابد (مثلاً 4:18)». این آیه کتاب مقدس آن را ثابت می‌کند. و بنابراین در چارچوب پروژه او است که از سال 1844، الزامات الهی در تاریخ‌هایی که توسط کلام نبوی منحصر به فرد کتاب مقدس او برنامه ریزی و پیشگویی شده است ظاهر می‌شود. تنها در مقام قضاوت آسمانی است که برگزیده از خداوند «اختیار بر امت‌ها» می‌گیرد.

آیه 27: " او با عصای آهنین بر آنها حکومت خواهد کرد، همانطور که ظروف گلی را می‌شکند، همانطور که من خودم از پدرم قدرت گرفته‌ام»

این عبارت حاکی از حق محکومیت به اعدام است. حق این است که برگزیدگان با عیسی مسیح در داوری شریانی که برای آخرین داوری تأسیس شده‌اند، در طی «هزار سال» سبب بزرگ هزاره هفتم شریک شوند.

آیه 28: «و من ستاره صبح را به او خواهم داد»

خداوند نور کامل الهی خود را که در زمین کنونی ما با نور خورشید نماد است به آن خواهد داد. اما عیسی گفت: من نور هستم. بنابراین او نور حیات آسمانی را اعلام می‌کند، جایی که خود خدا منبع نور است که دیگر به ستاره ای آسمانی مانند خورشید ما وابسته نیست.

آیه 29: «کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید»

بنای آخرالزمان مانند برجی است که از هفت طبقه تشکیل شده است، طبقه هفتم زمان ملاقات با خداوند خواهد بود. در این ساختار، فصل‌های 2 و 3 چارچوب اساسی کل دوران مسیحیت بین سال‌های 94 تا 2030 را تشکیل می‌دهند. تمام موضوعات ذکر شده در آخرالزمان جایگاه خود را در این چارچوب

اساسی پیدا می‌کنند. اما در این چارچوب طبقات اول فقط نقش پله‌هایی را ایفا می‌کنند که به طبقه بالا منتهی می‌شوند. اهمیت وحی در سطح 3 به نام پرگامون ظاهر می‌شود. این اهمیت در سطح 4 به نام بیشتر تقویت می‌شود. در این عصر است که ایمان مسیحی دچار آشفتگی و گمراهی می‌شود. *Thyatira* شود. قضاوت خداوند در مورد وضعیت معنوی این عصر عواقبی تا پایان جهان خواهد داشت. به همین دلیل است که برای تثبیت درک شما از این قضاوت، این پیام را که خداوند خطاب به پروتستان‌های منتخب خود در زمان سلطنت لویی چهاردهم خطاب کرده است، خلاصه می‌کنم.

خلاصه: در زمان اصلاحات، رفتارهای مسیحی چندگانه بود. ما قدیسان واقعی را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهیم، اما همیشه صلح‌جو، و افرادی که دین و سیاست را با هم اشتباه می‌گیرند، که خود را مسلح می‌کنند و ضربه در مقابل ضربه به ارتش کاتولیک سلطنتی پاسخ می‌دهند. در دانیال 11:34، روح آنها را به عنوان "منافق" معرفی می‌کند. تعداد کمی از مذهب‌یون فهمیده‌اند که مسیحی بودن به معنای تقلید از عیسی در همه چیز، اطاعت از دستورات او و تسلیم شدن در برابر ممنوعیت‌های اوست. استفاده از سلاح یکی از آنهاست و این آخرین درس او در زمان دستگیری بود. سرزنش عیسی با این واقعیت توجیه می‌شود که پروتستان‌ها، با ادامه دادن به میراث کاتولیک، با الگوی خود، تعلیم و اغواگری را که به ایزابل کاتولیک تعلق دارد، ترویج می‌کنند. اعمال مذهبی ناقص آنها آنها را در قضاوت خدا که در برابر دشمنانش بی‌احترامی می‌کنند، بی‌اعتبار می‌کند. این مرحله در آغاز اصلاحات، او را به قضاوت‌های استثنایی سوق داد. که تأکید می‌کند: «من بار دیگری بر دوش شما نمی‌گذارم، فقط آنچه دارید نگه دارید تا من بیایم». اما نقص اعتقادی در این آغاز مشروع است و خداوند خدمت‌کسانی را می‌پذیرد که آزار و اذیت و مرگ را به نام او می‌پذیرند. آنها نمی‌توانستند بیش از این بدهند و حداکثر را بدهند: زندگی خود را. خداوند بر این روحیه فداکاری تأکید می‌کند که آن را به عنوان "اعمال بیش از اولی" (آیه 19) معرفی می‌کند. بت پرستی کاتولیک رومی با گوشت‌هایی که برای بت‌ها قربانی می‌آغاز شد که (Vaudés) شوند مقایسه شده است. نکوهش فریب رومی با آثار کاملاً روشنگرانه پیر والدو از سال 1170 نسخه‌ای از کتاب مقدس را به زبانی غیر از لاتین، پرووانسالی نوشت. دانش و درک او از نیازهای الهی به طرز شگفت‌آوری کامل بود و پس از او ایمان پروتستانی رو به زوال نهاد. تحت الهام جان کالوین، ایمان پروتستان حتی سخت‌تر شد و چهره دشمن کاتولیک خود را به خود گرفت. و تعبیر «جنگ‌های دینی» گواه بر زشت بودن خداوند است، زیرا برگزیدگان عیسی مسیح، که برگزیدگان واقعی هستند، ضرباتی را که به آنها وارد شده است، پس نمی‌دهند. انتقام آنها از خود خداوند خواهد بود. کتاب مقدس به تنهایی «بود، نسبت»، «*sola scriptura*» با مسلح کردن خود، پروتستان‌ها که شعارشان به کتاب مقدس که خشونت آنها را ممنوع کرده بود، تحقیر کردند. عیسی در این زمینه بسیار دور رفت و به شاگردان خود آموخت که باید «گونه دیگر» را به سمت کسی که آنها را می‌زند بچرخانند.

این دوره که آزار و شکنجه کاتولیک باعث مرگ بندگان وفادار عیسی شد، در آخرالزمان، در اینجا در این دوره تیاتیرا، و همچنین در پنجمین دوره، سه برابر تأکید شده است. مهر فصل 6 و در 3 شیپور فصل 8. در اینجا، در آیه 22، عیسی بندگان شهید خود را تشویق می‌کند و به آنها اعلام می‌دارد که قصد دارد انتقام مرگ آنها یا رنجی که روم و خادمان سلطنتی آن را متحمل شده‌اند، بگیرد. کلمه کلیدی نهفته در نام به وضوح ظاهر می‌شود، دین کاتولیک در برابر خدا گناهکار است و کسانی که با آن *Pergamum* مرتکب آن می‌شوند، پادشاهان کاتولیک، اتحادیه‌های آنها و اشراف دروغین آنها، زیر گیوتین انقلابیون فرانسوی می‌پردازند. خون به ناحق ریخته شد مکاشفه 22:2-23: «اینک، من او را بر بستری خواهم انداخت و مصیبت بزرگی را بر آنانی که با او زنا می‌کنند، خواهم فرستاد، مگر اینکه از اعمال خود توبه کنند. من فرزندان او را به قتل خواهم رساند. و تمام کلیساها خواهند دانست که من کسی هستم که ذهن‌ها و دل‌ها را جستجو می‌کنم و به هر یک از شما بر اساس اعمالتان پاداش خواهم داد.» اما مراقب باشید! زیرا پس از 1843، "کسانی که با او زنا می‌کنند" نیز پروتستان خواهند بود، بنابراین خداوند با "جنگ جهانی سوم" هسته‌ای مجازات جدیدی برای زنا‌ی کاتولیک، ارتدوکس، آنگلیکان، پروتستان و سایر زنا‌آماده خواهد کرد. به موازات آن، روح در 5 می‌گوید: مُهر: مکاشفه 6: 9 تا 11: «وقتی او مهر پنجم را گشود، جان کسانی را که به خاطر کلام خدا و شهادتی که داده بودند در زیر مذبح دیدم. آنها با صدای بلند گریه کردند و گفتند: ای استاد مقدس و راستین، تا کی در قضاوت و انتقام خون ما از ساکنان روی زمین تأخیر داری؟ به هر کدام یک ردای سفید داده شد. و به آنها گفته شد که مدتی دیگر آرام بمانند.» تا تعداد هم خدمتکاران و برادرانشان که مانند آنها کشته شوند تکمیل شود.

5^م می تواند برای یک ذهن بد روشن گیج کننده و گمراه کننده باشد. بگذارید همه چیز روشن مردگان، Ecc.9: 5-6-10 شود، این تصویر اندیشه مخفی خدا را برای ما آشکار می کند، زیرا مطابق در مسیح در حالتی می خوابند که حافظه آنها فراموش می شود و دیگر در همه چیز شرکت نمی کنند. آنچه زیر آفتاب انجام می شود. کتاب مقدس به اولین مرگ معنای نابودی کل هستی می دهد. مرده انگار هرگز وجود نداشته است، با این تفاوت که با وجود، تمام وجودش در اندیشه خدا حک شده است. از این رو، خداوند برای بندگان زنده خود این پیام تسلی بخش را خطاب می کند تا آنها را تشویق کند. او به آنها یادآوری می کند که طبق وعده هایش، پس از خواب مرگ، زمانی برای بیداری آنها تعیین شده است که به وسیله او زنده می شوند. آنها سپس این فرصت را خواهند داشت که تحت نظر و قضاوت خدا در عیسی مسیح، شکنجه گران خود را که به همان اندازه زنده شده اند، اما در پایان هزار سال، قضاوت کنند. در پیام تیاتیرا، مرگ اعلام شده برای کسانی که با ایزابل کاتولیک زنا می کنند، تحقق مضاعف خواهد داشت. در روی زمین، کار انقلابیون مرحله اول است، اما بعد از آن، در زمان خود خواهد آمد و در مرحله دوم، مرگ دوم آخرین قضاوت، ساعتی که «همه مجالس» کافران مسیحی یا مؤمنان همه اعصار است. در دوران مسیحیت، داوری عادلانه خدا در برابر زناهای معنوی اعمال خواهد شد.

در تصویر نمادین خود،⁴ شیپور فصل 8 عمل "مصیبت بزرگ" را تأیید می کند که برای مجازات زناهای پاپری و سلطنت طلبان حامی آن برنامه ریزی شده است. خورشید، نور الهی، ماه، مذهب تاریک کاتولیک، و ستارگان، مردم مذهبی، در یک سوم یا تا حدی تحت تأثیر آزار و اذیت بی‌خدایی انقلابیون فرانسوی در سال‌های 1793 و 1794 قرار گرفته‌اند.

در پایان پیام خطاب به پروتستان‌های صلح‌جو، روح محکومیت استفاده از سلاح را تأیید می‌کند و یادآوری می‌کند که تنها برای آخرین قضاوتی است که در داوری آسمانی هزاره هفتم تهیه شده است که برگزیده انتقام خواهد گرفت. بنابراین، او مجاز نیست که خودش قبل از این داوری آسمانی انتقام بگیرد، جایی که او جفاگران خود را با عیسی مسیح قضاوت خواهد کرد و در حکم اعدام آنها شرکت خواهد کرد. «او با میله ای آهنین بر آنها حکومت خواهد کرد، چنانکه کسی ظرف های گلی را می شکند.» هدف از این حکم تعیین زمان رنج مجرمان محکوم به مرگ دوم آخرین قضاوت خواهد بود. در آیه 29 آمده است: ستاره صبح. "و من ستاره صبح را به او خواهم داد." این عبارت، خورشید، تصویر نور الهی را نشان می دهد. برنده تا ابد وارد نور الهی خواهد شد. اما قبل از این زمینه ابدی، این اصطلاح نامه پنجم را آماده می کند که می آید. ستاره صبح در دوم پطرس 1: 19-20-21 ذکر شده است: "و ما کلام نبوی را بیش از پیش قطعی می کنیم، که بهتر است به آن توجه کنید، مانند چراغی که در مکان تاریک می درخشد، تا زمانی که روز طلوع می کند و ستاره صبح در دل شما طلوع می کند. قبل از هر چیز خودتان می دانید که هیچ پیشگویی از کتاب مقدس نمی تواند موضوع تفسیر خصوصی باشد، زیرا به اراده انسان پیشگویی نشده است، بلکه توسط روح القدس که مردم از جانب خدا صحبت کرده اند حرکت می کند. این آیه بر اهمیت کلام نبوی تأکید می‌کند، زیرا زمینه‌ی عصر آینده از نظر معنوی مشروط به اعمال حکم خواهد بود. "تا ساعت 2300 بعد از ظهر و قدسیت احقاق می شود." Dan.8:14 الهی پیش‌بینی شده در اما در آن زمان این آیه فقط در ترجمه معلوم بود: «تا ساعت 2300 شام و صبح و حرم مطهر می شود.» حتی در این ترجمه، پیام خدا یکسان بود، اما کمتر دقیق بود، به این شکل می توان آن را به عنوان اعلام پایان جهان از طریق بازگشت در جلال خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح تفسیر کرد. خداوند از ویلیام میلر پروتستان آمریکایی استفاده کرد تا دو آزمایش اعتقادی ادونتیست ها را در بهار 1843 و پاییز 1844 انجام دهد. همانطور که دانیل 11: 12-12 به ما می آموزد، در بین این دو تاریخ، در سال 1843، حکم الهی از پروتستان های سقوط کرده خارج می شود. عدالت نجات دهنده ارائه شده توسط عیسی مسیح. زیرا آنها دیگر معیار قدوسیت جدید مورد نیاز خدا را ندارند. عدالت عیسی ابدی است، اما فقط به نفع برگزیدگان واقعی است که توسط خود عیسی انتخاب شده اند، و این در همه زمان ها و تا پایان جهان.

لازم الاجرا Dan.8:14 در اینجا، بین تیاتیرا و ساردیس، در اولین روز بهار 1843، فرمان می‌شود و ما پیام‌های آن را در پیام‌هایی که روح به مسیحیان آن تاریخ خطاب می‌کند، کشف خواهیم کرد.

- مکاشفه 3: مجمع از سال 1843

ایمان مسیحی رسولی احیا شد

عصر پنجم: ساردیس

حکمی که عیسی مسیح پس از محاکمه های ادونتیست ها در بهار 1843 و 22 اکتبر 1844

صادر کرد

آیه 1: « به فرشته جماعت ساردس بنویس: کسی که دارای هفت روح خدا و هفت ستاره است، چنین می گوید: من کارهای شما را می دانم. می دانم که فکر می کنند زنده ای و مرده ای

ساردیس»، مضمون نامه پنجم، دو رفتار مسیحی پروتستان را به نمایش می گذارد، که « متضادهای آن را نسبت می دهند: به افتادگان، که عیسی به آنها اعلام می کند: « شما را زنده می دانند و مرده اید». و به برگزیدگان، در آیه 4: " آنها با من در جامه های سفید راه خواهند رفت، زیرا شایسته هستند. " نام « ساردیس» نیز مانند مضمون دو پیام او معنایی دوگانه دارد که معانی آن کاملاً متضاد است. من ایده های اصلی این ریشه یونانی را حفظ می کنم: سنگ تشنجی و قیمتی، مرگ و زندگی. گریم طناب بالایی یک تور شکار sardonion، و تشنج خنده ی طعنه آمیز را تعریف می کند. در زبان یونانی است. ساردین یک ماهی است. و در مقابل، ساردو و ساردونیکس سنگهای قیمتی هستند. ساردونیکس نوعی کلسدونی قهوه ای است. در ابتدای این نامه، عیسی خود را به عنوان " کسی که دارای هفت روح خدا و هفت ستاره است " معرفی می کند، یعنی تقدیس روح و داوری بر بندگان خود در هفت دوره. او بر فراز رودخانه کشتار، آزمون ایمان ادونتیست، ایستاده و در اینجا حکم، Dan.12 همانطور که در خود را صادر می کند. بیابید به این آشنایی توجه کنیم که نشان می دهد مخاطب یک فرد به معنای جمعی است. کل هنجار پروتستان مربوط می شود. عیسی به استثنای پروتستانی که در پیام تیاتیرا اشاره شده است پایان می دهد. بار جدید (آنطور که مؤمنان سرکش آن را درک می کنند) اکنون تحمیل و مطالبه Dan.8:14 شده است. تمرین یکشنبه رومی باید کنار گذاشته شود و شنبه شنبه جایگزین شود. این فرمان وضعیتی را که از 7 مارس 321 توسط امپراتور کنستانتین اول برقرار شده بود، معکوس می کند. در سال 1833، 11 سال قبل از 1844، خداوند از طریق بارش مداوم ستارگان در حال تیراندازی که از نیمه شب تا ساعت 5 صبح ادامه داشت و در سراسر ایالات متحده قابل مشاهده بود، سقوط عظیم مسیحیان پروتستان را به تصویر کشیده و پیشگویی کرده بود. برای متقاعد کردن شما به این تعبیر، خداوند ستارگان آسمان را به ابراهیم نشان داد و به او گفت: نسل تو نیز چنین خواهد بود. بنابراین سقوط ستارگان در سال 1833 سقوط عظیم این نسل ابراهیم را پیشگویی کرد. این علامت آسمانی در مضمون مهر ششم در مکاشفه 6:13 ذکر شده است. عیسی گفت: گفته می شود زنده ای و مرده ای. بنابراین کسی که از او صحبت می کند شهرت دارد که نماینده خدا است و این جزئیات با پروتستانیسم مطابقت دارد که با اعتقاد به اصلاحات خود فکر می کند با خدا آشتی کرده است. حکم الهی سقوط میکند: « اعمال تو را مدانم»، « و تو مرده ای». این قضاوت از طرف خود خدا، قاضی بزرگ است. پروتستان می تواند این قضاوت را نادیده بگیرد، اما نمی تواند از عواقب آن بگریزد. در سال 1843، فرمان دانیال 8:14 به اجرا درآمد و انتظار نمی رود هیچ مسیحی از قانون خدای زنده بی اطلاع باشد. این ناگاهی به دلیل تحقیر کلام نبوی کتاب مقدس است که پطرس رسول ما را تشویق می کند که در دوم پطرس 1:19-20 به آن توجه کامل داشته باشیم: « و ما کلام نبوی را بیش از پیش قطعی می کنیم، که شما به خوبی به آن عمل می کنید. به چراغی که در تاریکی می درخشد توجه کنید تا روز طلوع کند و ستاره صبح در دل شما طلوع کند. قبل از هر چیز خودتان می دانید که هیچ پیشگویی از کتاب مقدس نمی تواند موضوع تفسیر خصوصی باشد. « این آیات که در میان متون کتاب مقدس عهد جدید بدون توجه می گذرند، به ویژه از سال 1843، تفاوت بین زندگی و مرگ را ایجاد می کنند.

آیه 2: « هوشیار باشید و بازماندگانی را که در شرف مرگ هستند تقویت کنید. زیرا من کارهای « تو را در حضور خدای خود کامل ندیدم

اگر استانداردهای جدید تقدس را برآورده نکنند، « بقیه» پروتستانیسم « مرده خواهند شد». زیرا خداوند او را به دو دلیل محکوم می کند. اولین مورد، عمل یکشنبه رومی است که با لازم الاجرا محکوم شد. دوم بی علاقی به کلام نبوی است، زیرا بدون در نظر گرفتن درسی Dan.8:14 شدن فرمان

که خداوند از طریق تجربه ادونتیست داده است، فرزندان پروتستان گناهی را که از پدران خود به ارث برده‌اند، به دوش می‌کشند. در هر دو مورد، عیسی گفت: "من اعمال شما را در حضور خدای خود کامل ندیدم." عیسی با گفتن «در حضور خدای من»، هنجار ده فرمانی را که توسط انگشت خدا نوشته شده است، به پروتستان ها یادآوری می‌کند، پدری که آنها به نفع پسری که قرار است آنها را نجات دهد، تحقیر می‌کنند. ایمان کاملاً مطیع او، که او به عنوان الگو ارائه کرد، هیچ شباهتی با ایمان پروتستان، وارث بسیاری از گناهان کاتولیک، از جمله، اول از همه، استراحت هفتگی در روز اول، ندارد. در رستگاری برای همیشه بر روی هنجار مذهبی جمعی پروتستان بسته می‌شود، «ستارگان» «مهر ششم» «سقوط می‌کنند».

آیه 3: «پس به یاد بیاور که چگونه پذیرفتی و شنیدی و مراقب باش و توبه کن. اگر مراقب

این فعل "به خاطر داشته باشید" دلالت بر مراقبه انتقادی در کارهای گذشته دارد. اما فقط برگزیدگان واقعی به اندازه کافی متواضع هستند که آثار خود را نقد کنند. علاوه بر این، این فرمان «به خاطر داشته باشید» در ابتدای فرمان چهارم که به استراحت مقدس روز هفتم دستور می‌دهد، «به یاد داشته باشید» را تداعی می‌کند. در اینجا دوباره، دو برابر، از پروتستان‌نویس رسمی دعوت می‌شود تا استقبالی را که از پیام‌های نبوی که توسط ویلیام میلر در بهار 1843 و پاییز 1844 آغاز شد، و همچنین از متن چهارم از 10 فرمان خداوند، تجدید نظر کند. که او از سال 1843 به گناه مرگبار متجاوز شده است. جدی‌ترین پیام جدایی او از عیسی مسیح این گونه است: «اگر مراقب نباشی، من مانند دزد خواهم آمد و تو نمی‌دانی در چه ساعتی بر تو خواهم آمد. .» «خواهیم دید که چگونه از سال 2018، این پیام به یک واقعیت زنده تبدیل شده است. بدون هوشیاری، بدون توبه و ثمره توبه، ایمان پروتستان به طور قطع مرده است.

آیه 4: «اما شما مردانی در سارد دارید که لباسهای خود را نجس نکرده‌اند. آنها با من در

تقدس جدیدی ظهور خواهد کرد. در این پیام، عیسی به شهادت به وجود «چند مرد» بسنده می‌کند، طبق جزئیاتی که به ال.جی. وایت که در میان آنها بود، تنها 50 مرد رضایت خدا را دریافت کردند. این «مردان معدود» مردان و زنانی را انتخاب می‌کنند که به‌طور جداگانه مورد تأیید و برکت قرار می‌گیرند تا بر اساس انتظارات خداوند شهادت دهند. عیسی گفت: «اما شما مردانی در ساردیس دارید که لباس‌های خود را نجس نکرده‌اند. و با من در [لباس‌های] سفید راه خواهند رفت، زیرا شایسته‌اند.» چه کسی می‌تواند کرامتی را که توسط خود عیسی مسیح به رسمیت شناخته شده است مناقشه کند؟ عیسی به فاتحان آزمایش‌های ایمان در سال‌های 1843 و 1844، نوید زندگی ابدی و شناخت کامل زمینی را می‌دهد که در پیام آینده از فیلادلفیا شکل رسمی خواهد گرفت. آلودگی «لباس» به رفتار آزادانه انسان نسبت داده می‌شود. این «لباس» عدالتی است که عیسی مسیح نسبت داده است، در این مورد «سفید»، ناپاک بودن آن نشان دهنده از دست دادن این عدالت برای اردوگاه سنتی پروتستان است. در اینجا، برعکس، فقدان آلودگی بیانگر ادامه انتساب «عدالت ابدی» عیسی مسیح بر اساس است. به زودی، دانش و عمل به روز سبت، قدوسیت واقعی، میوه و نشانه عدالت اعطایی Dan.9:24 عیسی مسیح را به آنها خواهد داد. این انتخاب عاقلانه و هوشمندانه به زودی آنها را در تقدیس و جلال آسمانی که توسط "لباس‌های سفید" آیه 5 که آمده است، جاودانه خواهد کرد. روح آنها را "بی عیب" اعلام خواهد کرد: "و در دهان آنها دروغی یافت نشد، زیرا آنها بی عیب هستند (مکاشفه 14:5)". به گفته پولس، در عبرانیان 12:14، آنها «صلح با همه و تقدیس را خواهند یافت که بدون آن هیچ جسمی خداوند را نخواهد دید». به طور مشخص، این «لباس‌های سفید» شکل حذف گناه را به خود می‌گیرد که عمل یکشنبه رومی را تشکیل می‌دهد. از آنجا که آنها با وفاداری دو بار در جای او به نشانه تأیید او منتظر او بودند، مهر خدا توسط سبت به آنها داده می‌شود که می‌آید تا برگزیدگان خداوند را که عدالت او را حفظ می‌کنند سفید کند. بدین ترتیب «پاکسازی قدس»، شکلی که دانیال 8:14 در آن زمان به آن ترجمه شد، انجام شد. در زیر این نگاه، عیسی از 23 اکتبر 1844 در رؤیایی آسمانی تصویر عبور خود را از مکان مقدس به مقدس‌ترین مکان مقدس زمینی به برندگان برگزیده داد. او بدین ترتیب در تصویر، لحظه مرگ بر روی صلیب را به یاد آورد که گناه برگزیدگانش کفاره شد و بدین ترتیب «روز کفاره»، «عبری» «یوم کیپور» به پایان رسید. این رویداد که قبلاً رخ داده بود، تجدید عمل در رؤیا فقط به این

منظور بود که اولین دستاورد عدالت ابدی را که با مرگ عیسی به دست آمد زیر سؤال برد. چیزی که به معنای واقعی کلمه برای مردم سقوط کرده ساردس که ایمان نشان داده شده برای خدای خالق رضایت بخش نیست، انجام شد. به دو دلیل، خدا می تواند آنها را به دلیل عدم عشق به حقیقت نبوی اعلام شده خود، و به دلیل تخطی از سبت که از سال 1843 با لازم الاجرا شدن فرمان دانیال 8:14 مقرر شده، رد کند.

آیه 5: « کسی که پیروز می شود جامه سفید خواهد پوشید. نام او را از کتاب حیات محو نخواهم کرد، بلکه نام او را در حضور پدرم و فرشتگانش اعتراف خواهم کرد »

برگزیده ای که توسط عیسی مسیح باز خرید شده است، موجودی مطیع است که می داند زندگی و ابدیت خود را مدیون خدای خالق، خوب، حکیم و عادل است. این راز پیروزی اوست. او نمی تواند با او بحث کند، زیرا هر چه می گوید و انجام می دهد تأیید می کند. همچنین او خود شادی نجات دهنده اش است که او را می شناسد و به نامش می خواند، از آغاز جهان که او را با علم پیشین خود دید. این آیه نشان می دهد که چگونه ادعاهای دروغین دینداران دروغین حتی برای کسانی که آن را مطرح می کنند، بیهوده و گمراه کننده است. آخرین کلمه متعلق به عیسی مسیح خواهد بود که به همه می گوید: " من کارهای شما را می دانم ". بر اساس این آثار، گله خود را تقسیم می کند و در سمت راست خود گوسفندان و در سمت چپ خود بزهای سرکش و گرگ های درنده را قرار می دهد که برای آتش مرگ دوم قیامت قرار دارند .

« آیه 6: « کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می گوید »

اگر همه بتوانند به معنای واقعی کلمه سخنان نبوی روح را بشنوند، برعکس، تنها برگزیدگان او که او آنها را الهام می کند و آنها را تربیت می کند، می توانند معنای آنها را درک کنند. روح به حقایق دقیق اشاره دارد که در زمان تاریخی انجام شده است، بنابراین فرد برگزیده باید به تاریخ دینی و سکولار و در کل کتاب مقدس متشکل از داستان هایی از شهادت ها، ستایش ها و پیشگویی ها علاقه مند باشد.

توجه: در آیه 3، عیسی مسیح به پروتستان سقوط کرده گفت: " پس به یاد بیاور که چگونه پذیرفتی و شنیدی و مراقب باش و توبه کن. اگر مراقب نباشی، مثل دزد می آیم و نمی دانی چه ساعتی بر تو خواهم آمد. « برعکس، برای وارثان فاتحان، از بهار 2018، این پیام به این شکل تبدیل شده است: "اگر تماشا کنید، من مانند دزد نمی آیم و می دانید چه ساعتی به سراغ شما خواهم آمد ". و خداوند به وعده های خود عمل کرده است، زیرا امروز در سال 2020، برگزیدگان او از تاریخ بازگشت واقعی او که برای بهار 2030 نازل شده است آگاه بودند. به منتخب خود زیرا برخلاف رفتار او با بندگان شریر، « خداوند هیچ کاری را بدون هشدار به بندگانش، پیامبران انجام نمی دهد » آمو. 3:7.

نوره ششم: فیلادلفیا

ادونتیسم وارد مأموریت جهانی می شود

بین سالهای 1843 و 1873، سبت الهی شنبه، روز هفتم واقعی که توسط خداوند تعیین شده بود، بازسازی شد و توسط پیشگامان ادونتیسم روز هفتم که به شکل یک نهاد مذهبی رسمی مسیحی آمریکایی به نام از سال 1863 بود، پذیرفته شد: "هفتم- کلیسای ادونتیست روز مطابق با تعالیم تهیه شده در پیام عیسی خطاب به برگزیدگانش است که در تعطیلات سبت، در تاریخ سال 1873، Dan.12:12، تقدیس شده اند. در عین حال، این برگزیدگان از نعمت دان بهره مند می شوند. 12: « خوشا به حال کسی که تا 1335 روز صبر کند

استانداردهای جدید ایجاد شده از سال 1843 در سال 1873 جهانی شد

آیه 7: « به فرشته جماعت فیلادلفیا بنویس: خدای قدوس این را می گوید، آن حق که کلید داوود را دارد، که باز می کند و هیچ کس نمی بندد، می بندد و کسی نمی بندد. باز کن

با نام " فیلادلفیا " برگزیده خود را نشان می دهد. او گفت: « از این طریق همه مردم خواهند دانست که شما شاگردان من هستید، اگر به یکدیگر محبت کنید. یوحنا 13:35 » و این مورد فیلادلفیا است که ریشه یونانی آن به معنای عشق برادرانه است. او برگزیدگانی را که آن را می سازند، با آزمایش ایمانشان انتخاب کرده است و برای این پیروزمندان، عشقش سرازیر می شود. او در این پیام خود را معرفی می کند و می گوید: « این همان چیزی است که قدوس حق می گوید. « مقدس، زیرا زمانی است که

تقدیس سبت و برگزیدگان طبق فرمان دان 8:14 لازم است که از بهار 1843 لازم الاجرا شده است. حقیقت، زیرا در این ساعت نبوی، قانون حقیقت احیا می شود. خداوند قداست چهارمین فرمان خود را که مسیحیان از 7 مارس 321 زیر پا گذاشته بودند، دوباره کشف می کند. او دوباره می گوید: " کسی که کلید داوود را دارد ". اینها کلیدهای سنت پیتر نیستند که به عنوان مالکیت رم ادعا شده است. « کلید داوود « شخصاً متعلق به « پسر داوود »، خود عیسی است. هیچ کس جز او نمی تواند نجات ابدی را عطا کند، زیرا او این کلید را با حمل آن بر روی شانه خود به شکل صلیب خود به دست آورد، مطابق عیسی 22:22: « کلید خانه را بر دوش او خواهم گذاشت. از داوود: وقتی باز می شود، هیچ کس نمی بندد. وقتی بسته می شود، هیچ کس باز نمی شود. « این کلید که صلیب عذاب او را مشخص می کند، در تحقق این آیه در اینجا می خوانیم: " هر که می گشاید و هیچ کس نمی بندد، هر که می بندد و هیچ کس نمی گشاید ". از بهار 1843 درب رستگاری به روی ادونتیسیم روز هفتم در حال ساخت باز و به روی پیروان مذهبی یکشنبه روم بسته شده است. زیرا آنها پذیرفته اند که به حقایق اعتقادی ارائه شده تسلیم شوند و با ایمان خود به کلام او به صورت نبوی احترام بگذارند. روح عیسی به مقدسین دوران فیلا دلفیا گفت: " من کارهای شما را می دانم. اینک، چون قدرت کمی داری، و به قول من نگاه داشته ای، و نام مرا انکار نکرده ای، دری باز پیش روی تو قرار داده ام که هیچ کس نمی تواند آن را ببندد. « این گروه مذهبی کوچک، رسماً از سال 1863 تنها آمریکایی بودند. اما در سال 1873، در طی یک کنفرانس عمومی که در بتل کریک برگزار شد، روح دریچه جهانی تبلیغی را به روی آنها گشود که قرار بود تا بازگشت واقعی عیسی مسیح ادامه یابد. هیچ کس جلوی آن را نخواهد گرفت و خداوند به آن رسیدگی خواهد کرد. ما باید به این واقعیت توجه داشته باشیم که هر چیز خوبی که عیسی در میان مقدسین واقعی می بیند، علل سقوط ایمان پروتستانی را نیز در سال 1843 مشخص می کند. آثار هدفمند خود معکوس هستند.

در حال رشد Rev.7 قبیله 12

آیه 8: من کارهای شما را می دانم. اینک، چون قدرت کمی داری، و به قول من نگاه داشته ای، « و نام مرا انکار نکرده ای، دری باز پیش روی تو قرار داده ام که هیچ کس نمی تواند آن را ببندد برگزیده زمان بر اساس کارهایش که عیسی به عنوان عدالت به او نسبت می دهد، مورد قضاوت مساعد قرار می گیرد. " قدرت اندک " او تولد این گروه را بر اساس " مردان اندک " آیه 4 تأیید می کند. در سال 1873، عیسی به ادونتیسیت ها پیشرفت آنها را به سوی بازگشت خود با نماد درب باز بهشتی که در بهار سال 2018 باز خواهد شد، اعلام کرد. 2030، یعنی در 157 سال. در پیامی که در پی می آید، پیام خطاب به لائودیسه، عیسی در مقابل این در خواهد ایستاد و بدین ترتیب نزدیکی بازگشت او را نشان می دهد: « اینک، من بر در ایستاده ام و می گویم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را بگشاید، « نزد او می آیم و با او شام می خورم و او با من. مکاشفه 3:20

دسترسی به ایمان مسیحی برای یهودیان مجاز است

آیه 9: « اینک من از کسانی که از کنیسه شیطان هستند به شما می دهم که می گویند یهودی هستند و نیستند، بلکه دروغ می گویند. اینک، آنها را وادار خواهم کرد که بیایند و پیش پای تو عبادت کنند و « بدانند که تو را دوست داشته ام

این آیه با استناد به ورود یهودیان واقعی بر حسب نژاد و گوشت به گروه ادونتیسیت، بازگرداندن استراحت سبت را تأیید می کند. یکشنبه دیگر مانعی برای تبدیل آنها نیست. زیرا از سال 321، ترک آن نیز پیامد ممانعت یهودیان مخلص از پذیرش ایمان مسیحی را داشته است. قضاوت او در مورد یهودیان نژاد، نظر شخصی پولس، شاهد وفادار نبود. این عیسی مسیح بود که آن را در این مکاشفه، قبلاً در مکاشفه 2: 9، در پیامی که خطاب به بندگانش که توسط یهودیان تهمت و آزار و شکنجه رومیان عصر اسمیرنا شده بودند، تأیید می کند. توجه داشته باشید که یهودیان نژاد باید نجات مسیحی را در استاندارد ادونتیسیت ها به رسمیت بشناسند تا از فیض خدا بهره مند شوند. ادونتیسیم جهانی به تنهایی حامل نور الهی است که از سال 1873 به سپرده رسمی انحصاری تبدیل شده است. اما مراقب باشید! این نور، آموزه و پیام های آن متعلق به عیسی مسیح است. هیچ مرد و هیچ نهادی نمی تواند بدون به خطر انداختن رستگاری خود، از تکامل آن سرباز بزند. در آخر در این آیه، عیسی بیان می کند که "من شما را دوست

داشتیم ". آیا این می تواند به این معنی باشد که پس از این زمان برکت، او ممکن است دیگر او را دوست نداشته باشد؟ بله، و این معنای پیام منسوب به « لائودیسه » خواهد بود.

احکام خدا و ایمان عیسی

آیه 10: « چون شما کلام صبر را در من نگاه داشتید، من نیز شما را در ساعت آزمایشی که بر روی زمین شناخته شده خواهد آمد، حفظ خواهم کرد تا ساکنان روی زمین را آزمایش کنم » . اصطلاح صبر، زمینه انتظار ادونتیست را که در دانیال 12:12 ذکر شده است، تأیید می کند: « خوشا به حال کسی که منتظر است و تا هزار و سیصد و سی و پنج روز می رسد! ". این آزمایش مربوط به ایمان « ساکنان زمین » است، کسانی که در « زمین شناخته شده » ساکن هستند، یعنی توسط عیسی مسیح، خدای خالق، شناخته شده است. این می آید تا اراده انسان را بیازماید و روح سرکش اردوگاه یونانی "سرزمین شناخته شده" این آیه تعیین می کند، از بین ببرد "oikomènè" "کلپایی" را که توسط این وعده فقط عیسی را به شرطی مقید می کند که مؤسسه کیفیت ایمان ابتدایی را حفظ کند. اگر قرار است پیام ادونتیست تا زمان آزمون جهانی نهایی ایمان که در این آیه پیشگویی شده است ادامه یابد، لزوماً به شکلی نهادی نخواهد بود. زیرا تهدید در این پیام در آیه 11 که در ادامه می آید، تا آن زمان کاملاً مثبت و مورد برکت خداوند است. وعده عیسی مربوط به نسل او خواهد بود که در سال 2030 زنده ماندند. در آن زمان، برگزیدگان واقعی 1873 طبق مکاشفه 14:13 " در خداوند " به خواب خواهند رفت: " و صدایی از آسمان شنیدیم که می گفت: بنویس. : خوشا به حال مردگانی که در خداوند می میرند! آری، روح می گوید، تا از تلاش خود آرام بگیرند، زیرا اعمالشان از آنها پیروی می کند. « بنابراین این دومین سعادت است که عیسی مسیح به این برگزیده نمونه اعطا می کند. اما آنچه عیسی برکت می دهد رفتاری است که با آثار نشان داده می شود. وارثان « فیلادلفیا » صادقانه در سال 2030، آثار آن، ایمانش، پذیرش حقایق را که خدای بهشت داده است، در آخرین اشکالی که به آنها داده است، باز تولید خواهند کرد. زیرا تا پایانی که درک تدبیر الهی کامل شود، دستخوش تغییرات بزرگی خواهند شد.

عیسی مسیح و هشدار آن Adventist وعده

« آیه 11: « به سرعت می آیم . آنچه را که داری چنگ بزن تا کسی تاجت را نگیرد است. بنابراین عیسی ترک هرگونه اعتراف Adventist پیام " من به سرعت می آیم " از نوع دینی دیگر را تأیید می کند. انتظار بازگشت او با شکوه تا پایان جهان، یکی از معیارهای اصلی که برگزیدگان واقعی او را مشخص می کند، باقی خواهد ماند. اما بقیه پیام تهدیدی سنگین به همراه دارد: « آنچه را داری نگه دار تا کسی تاج و تخت تو را نگیرد. و چه کسی جز دشمنانش می تواند تاج او را بگیرد؟ بنابراین، اولاد او باید ابتدا آنها را شناسایی کنند، و به این دلیل است که آنها این کار را نکرده اند که قربانیان روحیه انسان گرایانه خود، از سال 1966 با آنها اتحاد تشکیل دهند.

آیه 12: « هر که پیروز شود، او را ستونی در معبد خدای خود خواهم ساخت و هرگز بیرون نخواهد آمد. نام خدای خود و نام شهر خدای خود اورشلیم جدید را که از آسمان از جانب خدای من نازل می شود و نام جدید خود را بر او خواهم نوشت »

عیسی در آخرین کلمات برکت خود که به فاتحان تقدیم شده است، تمام تصاویر نجات به دست آمده را گرد هم می آورد. « ستون در معبد خدای من » یعنی : تکیه گاه محکمی برای حمل حقیقت من در مجلس من، برگزیدگان. « ... بیرون نخواهد آمد بیشتر : " نجات او ابدی خواهد بود. « ... نام خدای خود را بر او خواهم نوشت : تصویر شخصیت خدا گمشده در عدن را در او حک خواهم کرد. " ... و نام شهر خدای من : " او در جلال برگزیدگان که در مکاشفه 21 شرح داده شده است، شریک خواهد بود. « ... از اورشلیم جدید که از آسمان از جانب خدای من نازل می شود : " اورشلیم جدید « نام گردهمایی برگزیدگان جلالی است که مانند فرشتگان آسمانی خدا کاملاً آسمانی شده اند. مکاشفه 21 آن را در تصویری نمادین از سنگ های قیمتی و مروارید توصیف می کند که گواه قدرت عشقی است که خدا نسبت به نجات یافتگان خود از زمین احساس می کند. او به زمین تازه شده فرود می آید تا در حضور خدایی که تاج و تخت خود را در آنجا قرار می دهد، جاودانه زندگی کند. " ... و نام جدید من : " عیسی تغییر نام خود را با عبور خود از طبیعت زمینی به طبیعت آسمانی مرتبط می کند. برگزیده نجات یافته، زنده بماند یا

زنده شود، همان تجربه را خواهد داشت و جسمی آسمانی، جلال یافته، فاسد ناپذیر و ابدی دریافت خواهد کرد.

در این آیه، اصرار بر مقایسه با خدا از این جهت توجیه می شود که خود عیسی توسط برگزیدگان در جنبه الهی او یافت می شود.

« آیه 13: » کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می گوید

برگزیده درس را فهمید، اما او تنها کسی است که می تواند آن را درک کند. درست است که این پیام فقط برای او تهیه شده بود. این پیام مؤید این حقیقت است که تفسیر و درک اسرار نازل شده تنها به خداوند بستگی دارد که بندگان خود را آزمایش و انتخاب می کند.

ادونتیسم رسمی آخر الزمان درس عبرت نگرفته و توسط عیسی مورد قضاوت قرار گرفته است

من سریع می آیم. آنچه را که داری چنگ بزنی تا کسی تاج تو را نگیرد. « افسوس که برای " ادونتیسم رسمی آن زمان، پایان هنوز دور است، و با خستگی زمان، 150 سال بعد، دیگر ایمان مانند سابق نخواهد بود. هشدار عیسی موجه بود، اما نه توجه شد و نه فهمید. و در سال 1994، مؤسسه ادونتیست با رد آخرین «نور بزرگ» پیشگویی شده توسط الن جی وایت، پیام آور عیسی مسیح در کتاب «نخستین نوشته ها» در فصل «اولین رؤیا»، «تاج» خود را از دست خواهد داد. ، در صفحات 14 و 15: متن زیر عصاره ای از این صفحات است. من همچنین در مورد او تصریح می کنم که او سرنوشت کار ادونتیست ها را پیشگویی می کند و تمام آموزه های ارائه شده توسط سه مجمع کشیش 3: 1843-44. ساردیس، 1873 فیلادلفیا، 1994 لائودیسه را در خود خلاصه می کند.

سرنوشت ادونتیسم

در اولین رویای الن جی وایت آشکار شد

هنگامی که در عبادت خانوادگی دعا می کردم، روح القدس بر من آرام گرفت و به نظر می رسید که من بیشتر و بیشتر از این دنیای تاریکی بالا می رفتم. برگشتم تا برادران ادونتیسم را ببینم که در این دنیا مانده اند، اما نتوانستم آنها را پیدا کنم. سپس صدایی به من گفت: دوباره نگاه کن، اما کمی بالاتر. به بالا نگاه کردم و مسیری شیب دار و باریک را دیدم که بسیار بالاتر از این دنیا بود. اینجا جایی بود که ادونتیست ها به سمت شهر مقدس پیش رفتند. پشت سرشان در ابتدای راه نوری روشن بود که فرشته به من گفت همان گریه نیمه شب است. این نور تمام طول مسیر را روشن می کرد تا پاهایشان لغزش نکند. عیسی بر سر آنها راه می رفت تا آنها را راهنمایی کند. و تا زمانی که به او نگاه می کردند در امان بودند.

اما خیلی زود برخی از آنها خسته شدند و گفتند که شهر هنوز خیلی دور است و فکر کرده اند زودتر به آنجا برسند. سپس عیسی با بالا بردن بازوی راست با شکوه خود که از آن نوری بیرون می آمد که بر ادونتیست ها پخش می شد، آنها را تشویق کرد. فریاد زدند: «هللویا!» اما برخی از آنها با گستاخی این نور را رد کردند و گفتند که این خدا نبود که آنها را رهبری کرده است. نور پشت سرشان بالاخره خاموش شد و خود را در تاریکی عمیق دیدند. آنها تلو تلو خوردند و هدف و عیسی را از دست دادند، " سپس از مسیر افتادند و در دنیای شریر پایین فرو رفتند.

داستان اولین رؤیایی که خداوند به الن گولد هارمون جوان داده است، پیشگویی رمزگذاری شده ای را تشکیل می دهد که به اندازه پیشگویی های دانیال یا مکاشفه ارزشمند است. اما برای بهره مندی از آن باید آن را درست تفسیر کنیم. پس من توضیح خواهم داد.

تعبیر «گریه نیمه شب» بیانگر اعلام آمدن داماد در «مثل ده باکره» از متی 1: 25 تا 13 است. آزمون انتظار برای بازگشت مسیح در بهار 1843 و امتحان پاییز 1844 اولین و دومین دستاورد را تشکیل داد. این دو انتظار در کنار هم نشان دهنده «نور اول» داستان هستند که «پشت» گروه «ادونتیست های روز هفتم» قرار گرفته اند که در زمان پیشروی می کردند، در مسیر یا مسیری که عیسی مسیح برکت داده بود. برای پیشگامان ادونتیست، سال 1844 نشان دهنده تاریخ پایان جهان و آخرین

تاریخی است که کلام نبوی می تواند به برگزیدگان آن زمان پیشنهاد دهد. پس از گذراندن این تاریخ نهایی، آنها در انتظار بازگشت عیسی بودند و فکر می کردند که نزدیک است. اما زمان گذشت و عیسی هنوز برنگشت. آنچه را که این رؤیا با گفتن این جمله تداعی می کند: "آنها دریافتند که شهر بسیار دور است و فکر کرده اند زودتر به آنجا برسند". یعنی در سال 1844 یا اندکی پس از آن تاریخ. همچنین، تا حدود سال 1980 که من وارد صحنه شدم، دلسردی آنها را فرا گرفت و این نور جدید و باشکوه را دریافت کردم که سومین انتظار ادونتیسیت را می سازد. این بار بازگشت عیسی برای پاییز 1994 تنظیم شده است. یقیناً اعلام این پیام فقط مربوط به یک عالم کوچک از ادونتیسیم جهانی است که در فرانسه در والنس-سور-رون واقع شده است. انتخاب خدا برای این شهر کوچک در جنوب شرقی فرانسه توضیح خود را دارد. در آنجا بود که پاپ پیوس ششم در سال 1799 در بازداشت درگذشت، و واقعیتی را که در کشیش 13:3 پیشگویی شده بود محقق ساخت. علاوه بر این، والنسیا شهری بود که خداوند اولین کلیسای ادونتیسیت خود را در سرزمین فرانسه تأسیس کرد. بنابراین در آنجاست که آخرین نور پرشکوه الهی خود را به ارمغان آورد و در پایان سال 2020 تأیید می کنم که دائماً و صادقانه آخرین و گرانبهاترین مکاشفات او را که در این سند ارائه می کنم از او دریافت کرده ام. عالم صغیر والنسین ادونتیسیت به عنوان یک مرحله جهانی برای به انجام رساندن بخش مربوط به آخرین نور باشکوه در بینش خواهرمان الن عمل کرد. این رؤیا قضاوتی را که عیسی درباره تجربه زندگی در والنسیا انجام می دهد، برای ما آشکار می سازد، سومین تحقق مثل ده باکره. عیسی ادونتیسیت واقعی را با رفتارش نسبت به نور ارائه شده می شناسد. ادونتیسیت واقعی شادی خود را با "هللویا" ابراز می کند. «؛ به برکت روح، ظرف خود را پر از روغن کرد. برعکس، ادونتیسیت های دروغین «با وقاحت این نور را رد می کنند». این نپذیرفتن نور الهی برای آنها مهلک است، زیرا خداوند در پیام های الهام شده ای که برای آنها در نظر گرفته شده است، آنها را از این واکنش منفی برحذر داشته است. آنها به ظروف خالی تبدیل خواهند شد که از روغنی که "نور" چراغ را تولید می کند، محروم می شوند. پیامد اجتناب ناپذیر اعلام می شود: "نوری که پشت سر آنها بود به پایان می رسد." آنها بنیان اساسی ادونتیسیم را انکار می کنند. عیسی اصل خود را به کار می گیرد: «زیرا به هر که دارد، به او داده خواهد شد و فراوانی خواهد داشت، اما از آن که ندارد، حتی آنچه دارد، گرفته خواهد شد. متی 25:29. «...آنها هم هدف و هم عیسی را از دست دادند»، نسبت به پیام های ادونتیسیت که بازگشت مسیح را اعلام می کند یا هدف جنبش ادونتیسیت را که در همان نام «ادونتیسیت» ذکر شده انکار می کنند، بی حساس می شوند. در سال 1995 آنها رسماً خود را به اتحاد پروتستان و اکومنیم متعهد کردند. بنابراین آنها عیسی و ورود به بهشت را که هدف ایمان ادونتیسیت بود، از دست دادند. آنها مطابق دان. 11:29، «منافقان» و «مستخواران»، همانطور که عیسی در متی 24:50 اعلام کرد، پیوستند. چیزهایی که در ابتدای کار نشان داده شد امروز این سخنان نبوی محقق می شود. آنها بین سال 1844، تاریخ اولین نور "واقع در پشت آنها" و سال 1994، تاریخ نور بزرگ نبوی که توسط اولین کلیسای ادونتیسیت تأسیس شده در فرانسه، رد شد، انجام شد. برای تظاهرات خود استفاده کرد. امروز، ادونتیسیم، Valence-sur-Rhône شهر رسمی با دشمنان حقیقت، پروتستان ها و کاتولیک ها، در «تاریکی عمیق» جهان گرایی قرار دارد.

دوره هفتم : لائودیسه

پایان ادونتیسیم نهادی - رد سومین انتظار ادونتیسیت

آیه 14: «به فرشته جماعت لائودیسه بنویس: آمین، شاهد امین و راستین، آغاز آفرینش خدا،

: چنین می گوید

لائودیسه نام دوره هفتم و پایانی است. که از پایان برکت ادونتیسیم نهادی. این نام دارای دو ریشه است که به معنای "مردم قضاوت شده" است. پیش از من، ادونتیسیت ها ترجمه "laos, dikéia" یونانی کردند: «اهل داوری»، اما مؤسسه نمی دانست که این داوری با آن آغاز می شود، همانطور که اول پطرس 4: 17 تعلیم می دهد: «زیرا این لحظه ای است که داوری از خانه آغاز خواهد شد. خداوند. حال اگر از ما شروع شود عاقبت کسانی که انجیل خدا را اطاعت نمی کنند چه خواهد بود؟» عیسی خود را معرفی می کند و می گوید: «این چیزی است که آمین می گوید، شاهد وفادار و راستین، آغاز آفرینش خدا:» کلمه

آمین در زبان عبری به معنای در حقیقت است. طبق شهادت یوحنا رسول، عیسی آن را غالباً (25 بار) به کار برد و آن را دو بار در آغاز، قبل از بیانات خود تکرار کرد. اما در عمل مذهبی سنتی، اصطلاحی برای نقطه گذاری در پایان دعاها یا بیانیه ها شده است. سپس اغلب به معنای "پس باشد" تفسیر می شود که از کاتولیک به ارت رسیده است. و روح از این مفهوم "در حقیقت" استفاده می کند تا به کلمه آمین معنای دوگانه کاملاً موجه آن بدهد. لائودیسه ساعتی است که عیسی برای روشن کردن کامل پیشگویی های آماده شده برای آخرالزمان، نور بزرگی ارائه می دهد. اثری که می خوانید گواه این مطلب است. آنچه باعث گسست بین عیسی و نهاد رسمی ادونتیسیت می شود، امتناع از نور اوست. در یک انتخاب منطقی و موجه، خداوند بین سالهای 1980 و 1994، ادونتیسیت را در معرض آزمایش ایمان قرار داد که بر اساس مدلی که در نتیجه از دست دادن پروتستانها و برکت پیشگامان ادونتیسیت به همراه داشت. این آزمایش قبلاً مبتنی بر ایمان به بازگشت عیسی بود که برای بهار 1843 و سپس برای پاییز 1844 اعلام شد. به نوبه خود، از سال 1983، با استفاده از " پنج ماه " در پیام " پنجمین شیپور " در مکاشفه 9: 5-10 ذکر شده است. با نسبت دادن این مضمون به نفرین پروتستانتیسیم در سال 1844، دوره « پنج ماهه » ذکر شده، یعنی 150 سال واقعی، به سال 1994 منتهی شد. دیدن تنها بازگشت عیسی مسیح به نشانه پایان این دوره، و تا حدی توسط خدا نابینا شد. در جزئیات متن، از آنچه که حقیقت الهی بود دفاع کردم. پس از اخطارهای رسمی، موسسه در نوامبر 1991 اخراج من را اعلام کرد. این در حالی است که هنوز سه سال برای اثبات و تکذیب اعلامیه های من باقی مانده بود. تنها بعدها، حدود سال 1996 بود که معنای واقعی این تجربه برای من روشن شد. کلماتی که عیسی در نامه خود به « لائودیسه » بیان کرد، به تازگی برآورده شده بود و اکنون معنای دقیقی پیدا کرده است. تا سال 1991، ادونتیسیت های ولرم دیگر مانند سال 1873 حقیقت را دوست نداشتند. همانطور که در دوران " افسوس "، ادونتیسیت رسمی " عشق اول " خود را از دست داد. و عیسی « شمعدان و تاج او را برمی دارد » زیرا او نیز دیگر شایسته آن نیست. در پرتو این حقایق، پیام با وضوح روشن می شود. کلمه " آمین " مؤید مطالبه حقیقت کامل و پایان یک رابطه مبارک است. « شاهد _ وفادار و راستگو، منتخب بی وفا و دروغگو را طرد می کند. » اصل آفرینش خدا «، بنابراین خالق، به طور جمعی هوش افراد نالایق را می بندد و به طور فردی هوش برگزیدگان خود را به روی حقایق موجود و نهفته در داستان پیدایش می گشاید. در عین حال با برانگیختن « اصل خلقت خداوند » که او آن را با کلمه " آمین " مرتبط می کند، روح بازگشت نهایی بسیار نزدیک عیسی مسیح را تأیید می کند: " به سرعت ". با این حال، هنوز 36 سال از سال 1994 تا 2030، یعنی تاریخ پایان بشریت روی زمین، می گذرد.

ولرمی کشنده

« !آیه 15: من کارهای شما را می دانم. میدونم نه سردی نه گرم. انشالله سردت باشه یا گرم

آدرس غیر رسمی به موسسه ارسال شده است. این ثمره ادیانی است که از پدر به پسر و دختر به ارت رسیده است، جایی که ایمان سنتی، فرمالیستی، معمولی و ترس از هر چیز جدیدی می شود. حالتی که در آن عیسی دیگر نمی تواند او را برکت دهد، وقتی که نور بسیار جدیدی برای به اشتراک گذاشتن با او دارد.

« آیه 16: « پس چون ولرم هستی و نه سرد و نه گرم، تو را از دهانم استفراغ خواهم کرد

این مشاهده توسط عیسی در نوامبر 1991 ایجاد شد، زمانی که پیامبر حامل پیام او توسط نهاد رسمی حذف شد. همانطور که عیسی اعلام کرد در بهار 1994 استفراغ خواهد شد. او خودش در سال 1995 با وارد شدن به اتحاد جهانی سازماندهی شده توسط کلیسای کاتولیک، که در آنجا به پروتستان های شورشی پیوست، اثبات کرد، زیرا اکنون در نفرین آنها شریک است.

توهمات فریبنده مبتنی بر میراث معنوی

آیه 17: « چون می گویی: من ثروتمندم، توانمندم و به چیزی نیاز ندارم، و چون نمی دانی که « بدبخت، بدبخت، فقیر، کور و برهنه هستی

ثروتمند «، برگزیدگان ادونتیسیت در سال 1873 بود، و مکاشفه های متعددی که به الن جی ...» وایت داده شد، او را از نظر معنوی غنی تر کرد. اما در سطح نبوی، همان طور که جیمز وایت، شوهر رسول خداوند، به درستی فکر می کرد، تفاسیر آن زمان به سرعت منسوخ شد. عیسی مسیح، خدای زنده، پیشگویی های خود را برای تحقق نهایی کامل و بی عیب آنها طراحی کرد. به همین دلیل است که گذر

زمان که تغییرات عظیمی را در جهان به ارمغان می آورد، پرسش دائمی از تفاسیر دریافت شده و آموزش داده شده را توجیه می کند. برکت خداوند محفوظ است. عیسی گفت: به کسی که اعمال مرا تا آخر نگاه خواهد داشت. با این حال، در سال 1991، تاریخ رد او از نور، پایان هنوز دور بود. بنابراین، او باید به هر نور جدیدی که خداوند با وسیله ای که خودش انتخاب می کرد، توجه می کرد. چه تضادی بین توهمات این نهاد و وضعیتی که عیسی در آن می بیند و آن را قضاوت می کند! از بین تمام اصطلاحات ذکر شده، کلمه "برهنه" جدی ترین برای یک مؤسسه است، زیرا به این معنی است که عیسی عدالت ابدی خود را از آن پس گرفت، این در دهان او، حکم مرگ و مرگ دوم آخرین داوری است. مطابق آنچه در دوم قرن نین 5: 3 آمده است: «پس ما در این خیمه ناله می کنیم و می خواهیم خانه بهشتی خود را «پوشیم، اگر لباس پوشیده و برهنه نباشیم»

نصیحت شاهد مؤمن و راستین

آیه 18: «به شما توصیه می کنم از من طلای آزمایش شده در آتش بخرید تا ثروتمند شوید و جامه های سفیدی بخرید تا لباس بپوشید و شرم برهنگی شما ظاهر نشود و مرهمی برای مسح کردن خود. چشم، تا ببینی»

پس از یافته های سال 1991، مؤسسه هنوز سه سال فرصت داشت تا راه خود را اصلاح کند و ثمره ی توبه ای را به بار آورد. و برعکس، پیوندهای او با پروتستان های سقوط کرده تا حدی تقویت شده است که یک اتحاد رسمی در سال 1995 منتشر شد. عیسی خود را به عنوان تاجر انحصاری ایمان واقعی، "طلای آزمایش شده با آتش" آزمایش معرفی می کند. شواهدی از محکومیت کلیسا در غیاب «لباس سفید» که پیشگامان آن در مکاشفه 3:4 «لایق» بودند ظاهر می شود. با این مقایسه، عیسی این واقعیت را نشان می دهد که، قبل از سال 1994، او ادونتیست های «لائودیس» را به انتظارات ادونتیست ها تسلیم کرد که مشابه آن هایی بود که پیش از تاریخ های 1843 و 1844 بودند. به منظور آزمودن ایمان به سه تجربه، همانطور که در پیامی که در سال 1844 خطاب به ادونتیست های «ساردیس» آمده است. در یک نگرش سرکش بسته، مؤسسه نمی توانست بفهمد عیسی با چه چیزی آن را سرزنش می کند. او «کور» بود، مانند فریسیان خدمت زمینی عیسی. بنابراین او نمی توانست دعوت مسیح برای خرید "مروارید گران بها" را از تمثیل متی 13:45-46 درک کند که تصویر معیار زندگی ابدی مورد نیاز خدا را تعیین می کند.

ندای مهربان

آیه 19: «هر کس را دوست دارم، سرزنش و مجازات می کنم. پس غیرت داشته باشید و توبه کنید»

مجازات کسانی است که عیسی آنها را دوست دارد تا زمانی که آنها را استغراغ کند. دعوتی که به توبه انجام شد، مورد توجه قرار نگرفت. و عشق به ارث نمی رسد، از طریق کرامت به دست می آید. عیسی پس از سفت شدن نهاد، درخواستی فردی به نامزدهای مسلک آسمانی ارائه می کند:

فراخوان جهانی

آیه 20: «اینک من بر در می ایستم و می گویم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را بگشاید، نزد او می آیم و با او شام می خورم و او با من»

در مکاشفه، کلمه "دروازه" در مکاشفه 3:8، اینجا در مکاشفه 3:20، در مکاشفه 4:1 و در به ما یادآوری می کند که درها باز و بسته می شوند. بنابراین، Rev.3:8. مکاشفه 21:21 ظاهر می شود. آنها نماد آزمایش های ایمان می شوند که دسترسی به مسیح، عدالت و فیض او را باز یا بسته می کنند.

در این آیه 20، کلمه "در" سه معنای متفاوت اما مکمل به خود می گیرد. او به خود عیسی اشاره می کند: «من در هستم. یوحنا 10:9»؛ در بهشت در مکاشفه 4:1 باز شد: "دری در بهشت گشوده شد." و دری از قلب انسان که عیسی به آن می زند تا برگزیده را دعوت کند تا دلش را به روی او بگشاید تا دلیلی بر عشق خود بدهد.

همین بس که مخلوقش دلش را به روی حقیقت آشکارش بگشاید تا ارتباطی صمیمی بین او و خالق الهی اش میسر شود. شام در شب تقسیم می شود، زمانی که شب برای پایان دادن به کار روز فرا

می رسد. بشریت به زودی وارد این شب‌ها می‌شود که دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند کار کند. (یوحنا 4:9).»
پایان زمان فیض، آخرین انتخاب‌های دینی انسان‌ها، مردان و زنان را که به یک اندازه مسئول و کاملاً مکمل در سطح جسم هستند، برای همیشه مسدود خواهد کرد.
در مقایسه با پیام فیلاذلفیا، منتخب در دوران لائودیسه است، در نزدیکی بازگشت عیسی مسیح.
"در باز در بهشت" به عنوان ادامه این پیام در مکاشفه 4:1 باز خواهد شد.

آخرین توصیه روح

عیسی به برنده فردی اعلام می‌کند:

آیه 21: «هر که پیروز شود، به من اجازه خواهم داد که با من بر تخت من بنشیند، همانطور که
» غلبه کردم و با پدرم بر تخت او نشستم

بنابراین او فعالیت داور آسمانی را که به دنبال این پیام است و موضوع کتاب کشیش 4 خواهد بود، اعلام می‌کند. اما این وعده فقط او را به یک برنده واقعی منتخب متعهد می‌کند.

» / آیه 22: «کسی که گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید

موضوع "نامه‌ها" با این شکست نهادی جدید به پایان می‌رسد. آخرین، زیرا از این به بعد، نور توسط یک مرد الهام گرفته می‌شود، سپس توسط یک گروه کوچک. این به صورت فردی از فردی به فرد دیگر و از طریق اینترنت منتقل خواهد شد که خود عیسی با هدایت برگزیدگان خود به سمت منبع انتشار آخرین حقایق خود، به همان اندازه مقدس شخص الهی خود، هدایت خواهد کرد. به این ترتیب در
» «! هر کجای زمین که باشد:» کسی که گوش دارد بشنود که روح به مجالس چه می‌گوید

موضوع زیر به عنوان زمینه خود، هزاره آسمانی داور شریان است که توسط مقدسین انجام می‌شود. کل موضوع بر اساس آموزه‌های پراکنده در مکاشفه 4، 11 و 20 است. اما مکاشفه 4 به وضوح زمینه آسمانی این فعالیت را که از نظر زمانی از آخرین دوره برگزیدگان زمینی پیروی می‌کند، تأیید می‌کند.

مکاشفه 4: داور آسمانی

آیه 1: «بعد از این نگاه کردم، اینک دری در آسمان گشوده شد. اولین صدایی که شنیدم، مثل صدای شیپور که با من صحبت کرد، گفت: بیا اینجا بالا، به تو نشان خواهم داد که بعد از آن چه خواهد شد.

روح با گفتن «اولین صدایی که شنیدم، مانند صدای شیپور»، پیام این دوره «لائودیسه» را به عنوان چیزی که یوحنا را در مکاشفه 1:10 به آن رساند، تعریف می‌کند: «من در روح بودم. روز خداوند، و از پشت سرم صدای بلندی مانند صدای شیپور شنیدم.» بنابراین، لائودیسه دورانی است که پایان آن با «روز خداوند»، یعنی بازگشت بزرگ با شکوه او مشخص شده است.

به قول او، روح قویاً از ایده جانشینی این موضوع با پیام لائودیسه حمایت می‌کند. این توضیح مهم است، زیرا این نهاد هرگز نتوانسته آموزه‌های قضاوت آسمانی خود را به مخالفان خود ثابت کند. امروز، من اثباتی بر این موضوع ارائه می‌دهم که با تعریف صحیح تاریخ‌های پیوسته شده به پیام‌های مکاشفه 2 و 3 امکان‌پذیر شده است. «سلطه زمینی بر پادشاهی جهان» را از اهریمن و مردان سرکش گرفت. با «درو» مکاشفه 14، او برگزیدگان خود را به آسمان برد و وظیفه قضاوت با او در مورد زندگی زمینی گذشته مردگان شری را به آنها واگذار کرد. آنگاه است که "آنکه پیروز می‌شود با عصای آهنین بر قوم‌ها حکومت خواهد کرد" همانطور که در مکاشفه 2:27 اعلام شد. اگر جفاگران مانند من به سرنوشتی که برایشان محفوظ است یقین داشتند، شکی نیست که رفتارشان را اصلاح می‌کردند. اما دقیقاً میل شدید آنها به نادیده گرفتن هر هشدار است که آنها را به بدترین اعمال سوق می‌دهد و بدین ترتیب بدترین مجازات را برای خود آماده می‌کنند که در شرایط فعلی زمینی قابل بازتولید نیست. اجازه دهید به

متن این فصل 4 برگردیم. « اولین صدایی که مانند صدای شیپور شنیدیم و با من صحبت کرد، گفت: بیا اینجا بالا و به تو نشان خواهم داد که بعد از آن چه باید بیفتد. یوحنا به آیه 10 از مکاشفه 1 اشاره می کند: " در روز خداوند در روح بودم و از پشت سر خود صدای بلندی مانند صدای شیپور شنیدم. " این موضوع بازگشت مسیح در جلال قبلاً در آیه 7 ذکر شده است که در آن نوشته شده است: " اینک او با ابرها می آید. و هر چشمی آن را خواهد دید، حتی کسانی که آن را سوراخ کردند. و همه اقوام زمین برای او ماتم خواهند گرفت. آره. آمین! « ارتباط پیشنهادی این سه متن، زمینه با شکوه نهایی روز بازگشت خداوند عیسی را تأیید می کند، که توسط مبتکران برگزیده او و فرشتگان وفادارش، میکائیل نیز خوانده می شود. اگر صدای عیسی را با شیپور تشبیه می کنند، به این دلیل است که عیسی، مانند این ساز لشکر آواز، در راس لشکرهای فرشته آسمانی خود، لشکریان خود را به صدا در می آورد تا نبرد را آغاز کنند. بعلاوه، مانند شیپور، صدای او از هشدار دادن به برگزیدگانش برای هشدار دادن به آنها متوقف نشده است تا آنها را برای پیروزی آماده کند، همانطور که خود او بر گناه و مرگ غلبه کرد. عیسی با برانگیختن این کلمه « شیپور » اسرار آمیزترین و مهم ترین مضمون تمام مکاشفه خود را به ما نشان می دهد. و درست است که برای آخرین بندگان، این موضوع یک آزمون حذفی را پنهان می کرد. صحنه توصیف شده ناقص است، زیرا فقط برگزیدگان او را هدف قرار می دهد، Rev.4:1 در اینجا، در که او برای نجات از مرگ می آید. رفتار شریران در همین زمینه در مکاشفه 6:16 با این عبارات آشکار توضیح داده خواهد شد: « و آنها به کوهها و صخره ها گفتند: بر ما بیفتید و ما را از روی آن کسی که بر آن می نشیند پنهان کنید. تاج و تخت و در برابر خشم بره. زیرا روز بزرگ خشم او فرا رسیده است و چه کسی می تواند ایستادگی کند؟ » به این سؤال که ظاهراً بدون پاسخ به حالت تعلیق درآمده است، خداوند در فصل 7 ارائه خواهد کرد که به دنبال کسانی است که می توانند مقاومت کنند: برگزیدگان مهر و موم شده یا عدد 144000، تعداد زیادی 12 مربع یا 144. اما او فقط برگزیدگانی که زنده ماندند. در بازگشت مسیح در آنجا عمل کنید. اکنون، در این زمینه از مکاشفه 4، رستاخیز به بهشت نیز مربوط به برگزیدگانی است که از زمان هابیل مرده اند، که عیسی آنها را زنده می کند تا به آنها نیز پاداش و عده داده شده برای ایمانشان را بدهد: زندگی ابدی. همچنین وقتی عیسی به یوحنا گفت: « بیا اینجا بالا! » « روح فقط از طریق این تصویر، صعود به سوی ملکوت آسمانی خدا همه برگزیدگانی را که با خون عیسی مسیح نجات یافته اند، پیش بینی می کند. این صعود به بهشت نشان دهنده پایان طبیعت زمینی انسان است، برگزیدگان مانند فرشتگان وفادار خدا، بر اساس تعالیم عیسی متی 22:30، زنده می شوند. گوشت و نفرینش تمام شد، آنها را بدون حسرت رها می کنند. این لحظه در تاریخ بشر به قدری مطلوب است که عیسی از زمان دانیال پیوسته آن را در مکاشفه خود به یاد می آورد. برگزیدگان واقعی مانند زمین که به خاطر انسان ملعون شده اند آرزوی رهایی خود را دارند. به نظر می رسد آیه 2 از مکاشفه 1:10 کپی شده است. در واقع، روح به شدت ارتباط این دو را که به یک رویداد در تاریخ پروژه خدا اشاره دارد، تأیید می کند، بازگشت او در " روز بزرگ " خود که در مکاشفه 16:16 پیشگویی شده است.

« آیه 2: « بلافاصله در روح شدم. و اینک تختی در آسمان بود و بر آن تختی نشسته بود

همانطور که در تجربه یوحنا، ظهور برگزیدگان به " بهشت " روح آنها را شاد می کند و آنها را به بعد آسمانی فراقنی می کند که همیشه برای انسان غیر قابل دسترس است، زیرا خدا در آنجا سلطنت می کند و او قابل مشاهده است.

آیه 3: « کسی که نشسته بود مانند سنگ یاس و ساردونیکس بود. و تاج و تخت با رنگین کمانی «. مانند زمره احاطه شده بود

در آنجا خود را در برابر عرش خدا می بینند که خدای یگانه خالق با شکوه بر آن نشسته است. این شکوه غیر قابل توصیف آسمانی با وجود سنگهای قیمتی که انسانها به آنها حساس هستند بیان می شود. « سنگهای جاسپر » جنبه ها و رنگ های بسیار متفاوتی به خود می گیرند و بدین ترتیب کثرت طبیعت الهی را به تصویر می کشند. رنگ قرمز، " ساردونین " شبیه آن است. " رنگین کمان " یک پدیده طبیعی است که همیشه مردان را شگفت زده کرده است، اما هنوز باید منشأ آن را به خاطر بسپاریم. این نشانه عهدی بود که به موجب آن خدا به بشریت و عده داد که دیگر هرگز آن را با آبهای سیل نابود نکند، مطابق با پیدایش 9:9 تا 17. همچنین، هر بار که باران با خورشید روبرو می شود، تصویری نمادین از خدا، رنگین کمان، به نظر می رسد که موجودات زمینی او را آرام می کند. اما پطرس با برانگیختن سیل آب دقیقاً با توجه به این « سیل. (2Pet.3:7) به یاد می آورد که « سیل آتش و گوگرد » در برنامه الهی است

آتش « نابودکننده است که خدا در بهشت خود داوری شریران را سازمان می دهد که داوران آن برگزیدگان نجات یافته و عیسی، نجات دهنده آنها خواهند بود.

آیه 4: « در اطراف تخت، بیست و چهار تخت دیدم و بر آن تختها بیست و چهار پیر نشسته بودند که جامه های سفید پوشیده بودند و بر سرهایشان تاج های طلایی پوشیده بودند

پس در اینجا، که نماد 24 پیر مرد است، رستگاران دو دوره نبوی بر اساس اصل زیر آشکار شد: بین 94 و 1843، پایه و اساس 12 رسول. بین سال های 1843 و 2030، اسرائیل معنوی این Apo.7 «آدونتیست» از «12 قبیله» با «مهر خدا» مهر و موم شد، در روز هفتم سبت در پیکربندی، در مکاشفه 21، در توصیف «اورشلیم جدید که از آسمان نازل می شود» تا بر روی زمین تجدید شده مستقر شود، تأیید خواهد شد. «12 قبیله» با «12 در» به شکل 12 " مروراید " نشان داده شده است. موضوع داوری در مکاشفه 20:4 تعریف شده است، جایی که می خوانیم: « و من تاج و تخت را دیدم. و به کسانی که آنجا نشسته بودند قدرت قضاوت داده شد. و جان کسانی را دیدم که به خاطر شهادت عیسی و به خاطر کلام خدا سر بریده شده بودند، و کسانی را که نه جانور و نه تصویر او را پرستیده بودند، و نشانی بر پیشانی و روی خود نگرفته بودند. دست ها. آنها زنده شدند و هزار سال با مسیح سلطنت کردند. «سلطنت برگزیدگان سلطنت قضاوت است. اما چه کسی را قضاوت کنیم؟ مکاشفه 11:18 به ما پاسخ می دهد: «ملت ها خشمگین شدند. و غضب تو فرا رسیده است و زمان قضاوت مردگان و پادشاه بندگانت به پیامبران و اولیاء و آنانی که از نام تو می ترسند اعم از کوچک و بزرگ و نابود کردن آنانی که زمین را ویران می کنند فرا رسیده است. در این آیه، روح متوالی سه موضوع نازل شده برای زمان پایان را به یاد می آورد: "ششمین شیپور" برای "امت های خشمگین"، زمان "هفت بلای آخر" برای "غضب شما فرا رسیده است"، و قضاوت آسمانی «هزار سال» زیرا «زمان قضاوت مردگان فرا رسیده است». پایان آیه برنامه نهایی را بیان می کند که با قضاوت نهایی دریاچه آتش و گوگرد که شریران را نابود می کند، انجام می شود. همه آنها در دومی شرکت خواهند کرد رستاخیز را در پایان «هزار سال» پیشنهاد کرد، طبق مکاشفه 20:5: «بقیه مردگان زنده نشدند تا هزار سال تمام شود». روح تعریف خود را از شریر به ما می دهد: "کسانی که زمین را ویران می کنند ذکر شده است. گناهی که باعث Dan.8:13. پشت این عمل «گناه ویرانگر یا ویرانگر» است که در مرگ و ویرانی زمین می شود؛ که بین سالهای 538 و 1798 خداوند مسیحیت را به رژیم ظالم پاپ روم تحویل داد. که یک سوم انسان ها را پس از یا در سال 2021 به آتش هسته ای تحویل می دهد. هیچ کس تصور نمی کرد که از 7 مارس 321، تخطی از سبت مقدس در روز هفتم واقعی، این همه عواقب وحشتناک و غم انگیز به همراه داشته باشد. 24 پیر تنها در سطح فرمان دانیال 8:14 متمایز می شوند، زیرا وجه مشترک آنها این است که آنها توسط همان خون عیسی مسیح نجات می یابند. به همین دلیل است که، طبق مکاشفه 3:5، همه آنها «لباس سفید» و «تاج زندگی» را که در مکاشفه 2:10 به پیروزمندان در نبرد ایمان وعده داده شده بود، می پوشند. «طلا» تاجها نماد ایمانی است که طبق اول پطرس 1:7 با آزمایش پاک شده است.

در این فصل 4، عبارت "نشستن" 3 بار ظاهر می شود. عدد 3 که نماد کمال است، روح این مضمون داوری هزاره هفتم را تحت علامت استراحت کامل فاتحان قرار می دهد، همانطور که نوشته و Psalms 110:1 "شده است: "در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو قرار دهم او و کسانی که نشسته اند در آرامش هستند و روح با این تصویر، هزاره هفتم را به خوبی Matt.22:44 نشان می دهد، همانطور که سبت یا استراحت بزرگ، از زمان خلقت، با استراحت مقدس هفتمین روز هفته های ما، پیشگویی کرده است.

آیه 5: « از تاج و تخت صاعقه و صداها و رعد و برق بیرون می آید. در برابر تخت، هفت چراغ آتش که همان هفت روح خدا هستند، بسوزانند

تجلیاتی که «از عرش بیرون می آیند» مستقیماً به خود خدای خالق نسبت داده می شود. بر این پدیده ها قبلاً در وحشت مردم عبری حضور خدا را در کوه سینا نشان داده، Exo.19:16 اساس بودند. بنابراین این پیشنهاد نقشی را که ده فرمان خدا در این عمل داوری مردگان شریر ایفا می کند را یادآوری می کند. این یادآوری همچنین این واقعیت را تداعی می کند که خدایی که در گذشته در خطر مرگ اجتناب ناپذیر برای مخلوقات خود قرار دارد، بدون خطر توسط منتخبان رستگار شده و جلال یافته اش دیده می شود که ماهیت خود را تغییر نداده است. توجه! این جمله کوتاه که اکنون تفسیر شده است به

نقطه عطفی در ساختار کتاب مکاشفه تبدیل خواهد شد. هر بار که ظاهر می شود، خواننده باید درک کند که پیشگویی زمینه آغاز دآوری هزاره هفتم را تداعی می کند که با دخالت مستقیم و مشهود خدا در میکائیل، عیسی مسیح مشخص خواهد شد. به این ترتیب، ساختار کل کتاب مرورهای متوالی از دوران مسیحیت را تحت مضامین مختلفی که با این عبارت کلیدی از هم جدا شده اند به ما ارائه می دهد: " رعد خواهیم یافت که در آن " زلزله " به Rev.8:5 و برق، صداها و رعد و برق وجود داشت ". ما آن را در کلید اضافه شده است. این موضوع شفاعت همیشگی آسمانی عیسی مسیح را از موضوع شیپور جدا خواهد کرد. سپس، در مکاشفه 11:19، " تگرگ قوی " به کلید اضافه خواهد شد. توضیح در مکاشفه 16:21 ظاهر خواهد شد، جایی که این " تگرگ بزرگ " موضوع هفتمین از هفت بلای آخر خدا را می بندد. به همین ترتیب، « زلزله » در مکاشفه 16:18 به « زلزله بزرگ » تبدیل می شود. این کلید برای یادگیری مدیریت آموزه های کتاب مکاشفه و درک اصل ساختار آن اساسی است.

با بازگشت به آیه 5 خود، متذکر می شویم که این بار " در برابر تخت " قرار گرفته اند " هفت چراغ آتش سوزان ". آنها نماد " هفت روح خدا " هستند. عدد « هفت » در اینجا نماد تقدیس روح خدا است. خدا از طریق روح خود که شامل تمام زندگی است، همه مخلوقات خود را کنترل می کند. او در آنها است و آنها را « در برابر تخت خود » قرار می دهد، زیرا آنها را در مقابل خود آزاد آفرید. تصویر " هفت چراغ فروزان " نماد تقدیس نور الهی است. نور کامل و شدید آن همه احتمال تاریکی را از بین می برد. زیرا در زندگی ابدی رستگاران جایی برای تاریکی وجود ندارد.

آیه 6: « هنوز در جلوی تاج و تخت، دریایی از شیشه مانند کریستال وجود دارد. در وسط تخت و اطراف تخت، چهار موجود زنده از جلو و عقب بر از چشم هستند.

روح با زبان نمادین خود با ما صحبت می کند. چه چیزی " قبل از تاج و تخت « مخلوقات آسمانی او را مشخص می کند که کمک می کنند اما در قضاوت شرکت نمی کنند. در تعداد زیاد، اینها ظاهر دریایی را به خود می گیرند که خلوص شخصیت آن چنان خالص است که او آن را با کریستال مقایسه می کند. این ویژگی اصلی موجودات آسمانی و زمینی است که به خدای خالق وفادار مانده اند. سپس روح نماد دیگری را فرا می خواند که مربوط به خدا در میان عرش و موجودات آسمانی او از عوالم دیگر و ابعاد دیگر در اطراف عرش است. اطراف مخلوقاتی را مشخص می کند که زیر نظر خدایی که بر تخت نشسته اند پراکنده شده اند. عبارت " چهار موجود زنده " به استاندارد جهانی موجودات زنده اشاره دارد. انبوه چشم ها با کلمه انبوه توجیه می شود و موقعیت آنها " جلو و عقب " نماد چندین چیز است. اول، به این موجودات زنده ظاهری چند جهتی و چند بعدی می بخشد. اما از نظر معنوی، تعبیر « قبل و پشت » به قانون الهی اشاره دارد که با انگشت خداوند در کوه سینا، بر چهار وجه دو میز سنگی حک شده است. روح زندگی جهانی را با قانون جهانی مقایسه می کند. هر دو اثر خداست که بر سنگ، روی گوشت یا در ارواح، معیار زندگی کامل را برای سعادت مخلوقاتش که او را درک می کنند و دوستش دارند، حکاکی می کند. این انبوه چشم ها با شور و شفقت آنچه را که بر روی زمین می گذرد تماشا و دنبال می کنند. پولس در اول قرن نهم: 4: 9 اعلام می کند: « زیرا به نظر من، خدا ما رسولان را پست ترین انسان ها قرار داده است، زیرا ما منظره ای برای جهان بوده ایم. فرشتگان و به مردم. « کلمه " جهان " در این آیه یونانی " کیهان " است. این کیهان است که من به عنوان جهان های چند بعدی تعریف می کنم. بر روی زمین، برگزیدگان و نبردهای آنها توسط تماشاگران نامرئی دنبال می شوند که آنها را با همان عشق الهی که توسط عیسی مسیح آشکار شده است، دوست دارند. آنها از شادی خود خوشحال می شوند و با گریه کنندگان می گریند زیرا مبارزه بسیار سخت و ناراحت کننده است. اما این کیهان همچنین جهان بی ایمان را مانند مردم روم، تماشاگران کشتار مسیحیان مؤمن در عرصه های خود، نشان می دهد.

مکاشفه 5 این سه گروه از تماشاگران آسمانی را به ما ارائه می دهد: چهار موجود زنده، فرشتگان و بزرگان، که همگی پیروز هستند، آنها در زیر نگاه محبت آمیز خدای خالق بزرگ تا ابد متحد شده اند.

پیوندی که « چشم های کثیر » را با شریعت الهی پیوند می دهد، به نام « شهادت » است که خداوند به قانون ده فرمان خود می دهد. به یاد داریم که این قانون در «مقدس ترین مکان» که منحصراً برای خدا محفوظ بود و برای مردم حرام بود، مگر در عید «روز کفاره» نگهداری می شد. شریعت به عنوان یک « شهادت » نزد خدا باقی ماند و « دو میز » آن معنای دوم نمادین « دو شاهد » را که در

مکاشفه 3:11 ذکر شده است می‌دهد. « در این درس، « انبوه چشم‌ها » وجود انبوهی از شاهدان نامرئی را که شاهد رویدادهای زمینی بوده‌اند، آشکار می‌کند. در اندیشه الهی کلمه شاهد از کلمه وفا جدایی ناپذیر است. کلمه یونانی "مارتوس" که به "شهید" ترجمه شده است، آن را کاملاً تعریف می‌کند، زیرا وفاداری خواسته شده توسط خدا هیچ محدودیتی ندارد. و حداقل، یک «شاهد» عیسی باید قانون الهی ده فرمان او را که خدا او را با آن مقایسه می‌کند و او را قضاوت می‌کند، احترام بگذارد.

شریعت الهی پیشگویی می‌کند

در اینجا، من یک پرائنتز باز می‌کنم تا نور الهی دریافت شده در بهار 2018 را تداعی کنم. این مربوط به قانون ده فرمان خداوند است. روح مرا به درک اهمیت توضیح زیر هدایت کرد: « موسی بازگشت و با دو لوح شهادت در دست از کوه پائین آمد. جداول در دو طرف نوشته شده بود یک طرف و طرف دیگر نوشته شده بود. میزها کار خدا بود و نوشته نوشته خدا بود که بر روی میزها حک شده بود من در ابتدا تعجب کردم که هیچ کس هرگز به این توضیح توجه نکرده است که طبق (Exo.32:15-16) آن جداول اصلی قانون بر روی چهار چهره آنها نوشته شده است، یعنی "جلو و پشت" مانند "چشم‌های چهار موجود زنده" آیه قبل مورد مطالعه قرار گرفت. این توضیحی که با اصرار به آن اشاره شد دلیلی داشت که روح به من اجازه داد آن را کشف کنم. کل متن در ابتدا به طور مساوی و متعادل در چهار طرف دو میز سنگی توزیع شده بود. جلوی اولی فرمان اول و نیمی از فرمان دوم را نشان می‌داد. پشت آن قسمت دوم دوم و تمام قسمت سوم را سوراخ می‌کرد. روی میز دوم، جلو فرمان چهارم را به طور کامل نشان می‌دهد. سمت عقب آن شش فرمان آخر را داشت. در این پیکربندی، دو ضلع مرئی فرمان اول و دومی را در نیمه و چهارم را که مربوط به استراحت مقدس روز هفتم است به ما ارائه می‌دهند. نگاهی به این چیزها این سه فرمان را برجسته می‌کند که نشانه‌های قدوسیت در سال 1843 است، زمانی که سبت بازگردانده شد و مورد نیاز خداوند قرار گرفت. در این تاریخ، پروتستان‌ها قربانی و انتخاب پروتستان در پشت دو جدول Adventist یکشنبه موروثی روم شدند. بنابراین پیامدهای انتخاب نمایش داده می‌شود. به نظر می‌رسد که بدون احترام به سبت، از سال 1843، فرمان سوم نیز زیر پا گذاشته شده است: « نام خدا بیهوده، به معنای واقعی کلمه «به دروغ»، توسط کسانی که آن را بدون عدالت مسیح یا بعد از گم شده است. بنابراین، آنها خطای یهودیانی را که ادعای تعلق به خدا به عنوان دروغی توسط عیسی مسیح در مکاشفه 3:9 آشکار شده است، تجدید می‌کنند: " کسانی که از کنیسه شیطان هستند که خود را یهودی می‌نامند و چنین نیستند، اما دروغ می‌گویند. " در سال 1843، این مورد برای پروتستان‌ها، وارثان کاتولیک‌ها بود. اما قبل از فرمان سوم، قسمت دوم فرمان دوم این قضاوت را آشکار می‌کند که خداوند بر دو اردوگاه اصلی متضاد صادر می‌کند. خداوند خطاب به وارثان پروتستان کاتولیک رومی می‌گوید: " من خدای حسودی هستم که گناه پدران را بر فرزندان تا نسل سوم و چهارم کسانی که از من متنفرند مجازات می‌کنم. " متأسفانه برای او، ادونتیسم رسمی " استقراغ " در سال 1994 در سرنوشت آنها سهیم خواهد بود. اما او همچنین بر عکس، به مقدسینی که سبت مقدس و نور نبوی او را از سال 1843 تا 2030 نگاه خواهند داشت، می‌گوید: « و تا هزار نسل بر کسانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه می‌دارند، رحم می‌کنند. » عدد " هزار " ذکر شده به طرز ماهرانه ای " هزار سال " هزاره هفتم مکاشفه 20 را تداعی می‌کند که پاداش برندگان برگزیده ای خواهد بود که وارد ابدیت شده‌اند. درس دیگری پدیدار می‌شود. با محرومیت از کمک روح القدس عیسی مسیح، در نتیجه، پروتستان‌ها و ادونتیس‌ها به طور متوالی در سال‌های 1843 و 1994 خدا را رها کردند، نمی‌توانند به شش فرمان آخر نوشته شده در پشت جدول شماره 2، از جمله در قسمت جلو، احترام بگذارند. تقدیم به استراحت الهی روز هفتم. از سوی دیگر، ناظران این استراحت از عیسی مسیح برای اطاعت از این احکام که مربوط به وظایف انسان در قبال همسایه انسانی است کمک خواهند گرفت. کارهای خداوند تا زمانی که جداول شریعت را به موسی تحویل داد، در آخر الزمان، در سال 2018، معنا، نقش و کاربرد شگفت‌انگیز و غیرمنتظره پیدا می‌کند. و پیام بازیابی روز سبت بدین وسیله توسط خدای قادر متعال عیسی مسیح تقویت و تأیید می‌شود.

اکنون در اینجا شکلی است که ده فرمان در آن ظاهر می‌شود.

جدول 1 - جلو: نسخه ها

خدا خودش را معرفی می کند

من یهوه خدای تو هستم که تو را از سرزمین مصر و از خانه بندگی بیرون آوردم. « (همه) »
برگزیدگانی که از گناه نجات یافته و با خون کفاره ریخته شده توسط عیسی مسیح نجات یافته اند شامل می
شوند؛ خانه اسارت گناه است؛ میوه تقلید شیطان)

(اول: گناه کاتولیک از سال 538، پروتستان از سال 1843، و ادونتیست از سال 1994)

"جز من خدایان دیگری نداشته باشید"

دوم: بخش اول: گناه کاتولیک از سال 538

برای خود هیچ تمثالی نسازید، یا هیچ مظهر چیزهایی را که در بالا در آسمان است، و در «
زمین پایین، و در آبهای زیر زمین است. در برابر آنها سجده نکنید و آنها را خدمت نکنید

جدول 1 - برگشت: پیامدها

دوم: قسمت سوم

زیرا من، یهوه، خدای شما، خدای حسودی هستم که گناه پدران را بر فرزندان تا نسل سوم و ...
چهارم کسانی که از من متنفرند مجازات می کنم (کاتولیکها از 538؛ پروتستانها از 1843؛ ادونتیستها
از سال 1994) و به هزاران نسل به کسانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه می دارند رحمت می
کند. (ادونتیست های روز هفتم، از سال 1843؛ آخرین، از سال 1994)

سوم: کاتولیکها از سال 538، پروتستانها از سال 1843 و ادونتیستها از سال 1994
تخطی کردند

نام یهوه خدای خود را به دروغ نگیرید. زیرا خداوند او را بی مجازات نخواهد گذاشت که نام «
» . او را به دروغ ببرد

جدول 2 - جلو: نسخه

چهارم: تخطی از آن توسط مجمع مسیحیان از سال 321، آن را به "گناه ویرانگر" دان. 8:13
تبدیل می کند. او از سال 538 مورد تجاوز مذهب کاتولیک و از سال 1843 مذهب پروتستان قرار گرفته
است. اما او از سال های 1843 و 1873 توسط مذهب ادونتیست روز هفتم مورد احترام قرار گرفته
است.

روز سبت را به خاطر داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید. شش روز کار کن و تمام «
کارهایت را انجام بده. اما روز هفتم سبت یهوه خدایت است، نه تو، نه پست، نه دخترت، نه مردت، نه
کنیزت، نه چهارپایانت و نه غریبه ای که در خانه توست، کاری نکن. زیرا خداوند آسمانها و زمین و
دریا و هر آنچه را در آنهاست در شش روز آفرید و در روز هفتم آرام گرفت، پس خداوند روز سبت را
» . برکت داد و آن را تقدیس کرد

جدول 2: معکوس: پیامدها: این شش فرمان اخیر توسط ایمان مسیحی از سال 321 نقض شده
است. با مذهب کاتولیک از سال 538؛ با ایمان پروتستان، از سال 1843، و توسط ایمان ادونتیست "
استفراغ شده" در 1994. اما آنها در ایمان ادونتیست روز هفتم که توسط روح القدس عیسی مسیح برکت
داده شده است، از 1843 و 1873 مورد احترام هستند. "آخرین" از 1994 تا 2030

- فرمان پنجم

پدر و مادرت را گرامی بدار تا روزهایت در زمینی که یهوه خدایت به تو می دهد طولانی «
» باشد

- فرمان ششم

تو نباید بکشی. مرتکب قتل نشو. « (از نوع جنایت شرور قتل یا به نام دین دروغین) »

- فرمان هفتم

» زنا نکنید «

- فرمان هشتم

« بزدی نکن »

- نهمین فرمان

« . بر همسایه خود شهادت دروغ نده »

- فرمان دهم

به خانه همسایه خود طمع مکن. نه به زن همسایه‌ات، نه به غلامش، نه کنیزش، نه به گاو و نه « . الاغش و نه چیزی که مال همسایه‌ات است طمع مکن

من این پرانتز عالی و حیاتی را در اینجا می بندم.

آیه 7: " اولین موجود زنده مانند شیر است، موجود زنده دوم مانند گوساله است، موجود زنده سوم چهره انسان دارد و موجود زنده چهارم مانند عقابی است که پرواز می کند بیابید بلافاصله بگوئیم، اینها فقط نماد هستند. همین پیام در حزقی 1:6 با تغییراتی در توضیحات ارائه شده است. چهار حیوان یکسان وجود دارد که هر کدام چهار چهره متفاوت دارند. در اینجا، ما هنوز چهار حیوان داریم، اما هر کدام تنها یک چهره دارند که در چهار حیوان متفاوت است. بنابراین، این هیولاها واقعی نیستند، اما پیام نمادین آنها عالی است. هر یک از آنها معیاری از زندگی جهانی ابدی را ارائه می دهند که همانطور که دیدیم به خود خدا و مخلوقات جهانی چند بعدی او مربوط می شود. کسی که در کمال الهی خود، این چهار معیار زندگی جهانی، تجسم یافت، عیسی مسیح است که سلطنت و قدرت شیر بر اساس قضاوت 14:18 در او یافت می شود. روحیه فداکاری و خدمت گوساله؛ تصویر انسان از خدا؛ و تسلط بر فراز آسمانی عقاب پرنده. این چهار معیار در سرتاسر زندگی جهانی ابدی آسمانی یافت می شوند. آنها هنجاری را تشکیل می دهند که موفقیت پروژه الهی را که توسط ارواح سرکش مبارزه می شود توضیح می دهد. و عیسی الگوی کاملی را در طول خدمت زمینی خود به حواریون و شاگردان خود ارائه کرد. تا آنجا پیش رفت که قبل از تحویل بدنش به شکنجه صلیب، پاهای شاگردانش را بشوید تا به جای آنها، مانند گوساله، گناهان همه برگزیدگانش را کفاره دهد. همچنین، هرکسی خود را بررسی کند تا بداند آیا نفی این هنجار زندگی ابدی با فطرت، آرزوها و خواسته های او مطابقت دارد یا خیر. این معیار پیشنهاد نجات است که باید پذیرفته یا رد شود.

آیه 8: « چهار موجود زنده هر کدام شش بال دارند و اطراف و درونشان پر از چشم است. آنها هرگز در روز و شب نمی گویند: مقدس، مقدس، مقدس است خداوند خدای قادر مطلق، که بود، و هست، «! او خواهد آمد

در پس زمینه داوری آسمانی، این صحنه اصولی را نشان می دهد که همیشه در آسمان و زمین توسط موجوداتی که به خدا وفادار می مانند، اعمال می شوند.

اجرام آسمانی موجودات جهان های دیگر به دلیل اینکه تابع قوانین بعد زمینی نیستند، برای حرکت نیازی به بال ندارند. اما روح نمادهای زمینی را می پذیرد که انسان می تواند آنها را درک کند. او با نسبت دادن " شش بال " به آنها، ارزش نمادین عدد 6 را برای ما آشکار می کند که به عدد شخصیت آسمانی و فرشتگان تبدیل می شود. مربوط به عوالم بدون گناه و فرشتگانی است که شیطان، فرشته سرکش، اولین آفریده شده از آنهاست. پس از آنکه خداوند عدد «هفت» را به عنوان «مهر» سلطنتی شخصی خود به خود اختصاص داده است، می توان عدد 6 را «مهر» یا در مورد شیطان، «نشان» شخصیت او دانست، اما در این امر سهیم است. شماره 6 با جهانیان پاک و همه فرشتگان خلقت خدا، خوب و بد. زیر فرشته مردی می آید که شماره او 5 خواهد بود که با 5 حواس، 5 انگشت دست و 5 انگشت پایش توجیه می شود. در زیر عدد 4 از شخصیت جهانی است که توسط 4 نقطه اصلی شمال، جنوب، شرق و غرب مشخص شده است. در زیر عدد 3 کمال و سپس 2 نقص و 1 وحدت یا اتحاد کامل آمده است. چشمان چهار موجود زنده " در اطراف و درون " و علاوه بر آن " قبل و پشت " است. هیچ چیز نمی تواند از نگاه این حیات جهانی چند بعدی آسمانی که روح الاهی به طور کامل آن را بررسی می کند، فرار کند زیرا منشأ آن در اوست. این آموزه مفید است زیرا در زمین امروزی به دلیل گناه و شرارت گناهکاران، انسان با ننگ داشتن آنها در " در خود " می تواند افکار پنهانی و شرارت خود را از دیگران پنهان کند. در زندگی بهشتی چنین چیزهایی غیر ممکن است. زندگی بهشتی مانند بلور شفاف است زیرا شرارت به همراه شیطان و فرشتگان شیطانی او پس از پیروزی عیسی بر گناه و مردگان، به

زمین افکنده شد. اعلام قدوسیت خداوند در کمال خود (3 مرتبه: مقدس) توسط ساکنان این عوالم پاک انجام می شود. اما این اعلامیه با کلمات انجام نمی شود؛ این کمال قداست فردی و جمعی آنهاست که در آثار دائمی کمال قدوسیت خداوندی را که آنها را آفریده اعلام می کند. خداوند ماهیت و نام خود را به شکلی که در مکاشفه 1: 8 ذکر شده آشکار می کند: "من آلفا و امگا هستم، خداوند خداوند، که هست، و که بود، و که خواهد آمد، قادر مطلق می گوید. " تعبیر «چه کسی هست، چه کسی بود و چه کسی قرار است بیاید» کاملاً ماهیت ابدی خدای خالق را مشخص می کند. مردها با امتناع از صدا زدن او به نامی که خودش گذاشته بود، «یهوه»، او را «خداوند» می نامند. درست است که خداوند نیازی به نام نداشته است، از آنجایی که منحصر به فرد و بدون رقیب الهی است، نیازی به نام ندارد تا او را از دیگر خدایان موجود متمایز کند. با این حال، خدا پذیرفت که به درخواست موسی که او را دوست داشت و او را دوست را به خود داد که با فعل «بودن» ترجمه می شود، که در «YaHwéh» داشت، پاسخ دهد. بنابراین او نام سوم شخص مفرد عبری ناقص مفرد است. این زمان «ناقص» نشان دهنده دستاوردی است که در زمان گسترش می یابد، بنابراین، زمانی بزرگتر از آینده ما، شکل «که هست، که بود، و که خواهد بود» کاملاً معنای این نقص عبری را ترجمه می کند. فرمول «آن که هست، که بود، و کیست که خواهد آمد» است، زمانی که او باید آن را با زبان «YaHwéh» بنابراین روش خداوند برای ترجمه نام عبری خود های غربی یا هر زبان دیگری غیر از عبری تطبیق دهد. بخش «و که می آید» مرحله نهایی ادونتیست از سال 1843 تثبیت شده است. Dan.8:14 ایمان مسیحی را مشخص می کند، که در برنامه خدا با فرمان بنابراین در بدن ادونتیست های منتخب است که اعلام تقدس سه گانه است. خداوند انجام شده است. الوهیت عیسی مسیح اغلب مورد مناقشه قرار گرفته است، اما غیر قابل انکار است. کتاب مقدس در این مورد در عبرانیان 1:8 می گوید: «اما او به پسر گفت: ای خدا، تخت تو جاودانی است. عصای سلطنت تو عصای انصاف است. " و به فیلیپ که از عیسی می خواهد که پدر را به او نشان دهد، عیسی در پاسخ می گوید: «من مدت زیادی است که با تو هستم و تو مرا نمی شناسی، فیلیپس! هر که مرا دیده است، پدر را دیده است. چگونه می گویند: پدر را به ما نشان دهید؟ (یوحنا 14:9)»

آیات 9-10-11: «وقتی زندگان جلال و جلال و جلال و احترام و شکرگزاری را به او که بر تخت می نشیند، برای کسی که تا ابدالابد زنده است، می دهند، بیست و چهار پیر پیش روی تخت نشسته می افتند و عبادت می کنند - در حضور او که تا ابدالابد زنده است عبادت کن و تاج های خود را بر تخت می افکنند و می گویند: ای خداوند ما و خدای ما تو لایق جلال و عزت و قدرت هستی. زیرا تو همه «. چیز را آفریده ای و به اراده توست که وجود دارد و خلق شده است»

فصل چهارم با صحنه تسبیح خداوند خالق به پایان می رسد. این صحنه نشان می دهد که این نیاز الهی، «از خدا بترسید و او را جلال دهید...» که در پیام اولین فرشته مکاشفه 14:7 بیان شده بود، توسط آخرین مقامات منتخب که از سال 1843 انتخاب شده بودند شنیده شد و به خوبی درک شد. اما بالاتر از همه، توسط برگزیدگانی که در زمان بازگشت در جلال عیسی مسیح زنده ماندند. زیرا تنها برای آنهاست که مکاشفه آخر الزمان در زمانی که خدا انتخاب کرده بود، از بهار 2018، آماده و کاملاً روشن شد. بنابراین رستگاری ها در تمجید و ستایش، تمام قدردانی خود را نسبت به عیسی مسیح ابراز می کنند، به شکلی که در آن، خداوند متعال آنها را ملاقات کرد تا آنها را از گناه و مرگ نجات دهد، مزد خود. بشریت کافر مانند توماس رسول فقط آنچه را که می بیند باور می کند و چون خدا نامرئی است محکوم به نادیده گرفتن ضعف شدید اوست که فقط او را به بازیچه ای تبدیل می کند که طبق اراده الهی خود آن را دستکاری می کند. او حداقل بهانه ای دارد که او را توجیه نمی کند، ندانستن خدا، بهانه ای که شیطان ندارد، چون خدا را شناخت، تصمیم گرفت با او وارد مبارزه شود. به سختی قابل باور است، اما درست است، و همچنین مربوط به فرشتگان شیطانی است که از او پیروی کردند. به طرز متناقضی، ثمرات متعدد مختلف و حتی متضاد انتخاب آزاد گواهی بر آزادی اصیل و کاملی است که خداوند به مخلوقات آسمانی و زمینی خود داده است.

مکاشفه 5: پسر انسان

هنگامی که عیسی را به جمعیت عرضه کرد، پیلطس گفت: « اینک آن مرد ». خود خدا باید می آمد و شکل جسم می گرفت تا « انسان » بر حسب دل و خواسته هایش ظاهر شود. مرگ به خاطر گناه نافرمانی از خدا بر جفت اول انسان ها زده بود. به عنوان نشانه ای از حالت شرم آور جدید آنها، خداوند آنها را وادار کرده بود که برهنگی جسمانی خود را کشف کنند که فقط نشانه ظاهری برهنگی معنوی درونی آنها بود. از همان ابتدا، اولین اعلامیه رستگاری آنها با دادن لباس هایی از پوست حیوانات به آنها اعلام شد. به این ترتیب اولین حیوان در تاریخ بشر کشته شد، می توان تصور کرد که یک قوچ جوان یا یک بره به دلیل نمادگرایی بود. 4000 سال بعد، بره خدا که گناهان جهان را می برد، آمد تا زندگی کامل قانونی خود را برای باز خرید برگزیدگان در میان بشریت تقدیم کند. بنابراین، این رستگاری که در فیض خالص توسط خدا ارائه شده است، به طور کامل بر مرگ عیسی استوار است که به برگزیدگانش اجازه می دهد از عدالت کامل او بهره مند شوند. و در عین حال، مرگ او کفاره گناهان آنها را می دهد که او خود را داوطلبانه حامل آنها قرار داد. از آن زمان، عیسی مسیح تنها نامی است که می تواند یک گناهکار را در کل زمین ما نجات دهد، و نجات او از زمان آدم و حوا اعمال می شود.

به همه این دلایل، این فصل 5 که در زیر شکل « انسان » قرار گرفته است به او اختصاص یافته است. عیسی نه تنها برگزیدگان خود را از طریق مرگ کفاره خود نجات می دهد، بلکه با محافظت از آنها در طول سفر زندگی زمینی، آنها را نجات می دهد. و به همین منظور است که آنها را از خطرات روحی که شیطان در سر راهشان قرار داده است، گوشزد می کند. تکنیک او تغییر نکرده است: همانطور که در زمان رسولان، عیسی با آنها مثل ها صحبت می کند، به طوری که جهان می شنود اما نمی فهمد. که در مورد منتخبان او که مانند حواریون توضیحات او را مستقیماً از او دریافت می کنند، صادق نیست. مکاشفه او "آخر الزمان" تحت این نام یونانی ترجمه نشده باقی می ماند، این تمثیل عظیم که جهان نباید آن را بفهمد. اما برای برگزیدگان او، این نبوت در واقع « وحی » اوست.

آیه 1: « سپس در دست راست کسی که بر تخت نشسته بود دیدم کتابی از درون و بیرون نوشته شده بود که با هفت مهر مهر شده بود ».

بر عرش خدا ایستاده است و در دست راست اوست، پس به برکت او کتابی نوشته شده « درون و بیرون ». آنچه در " درون " نوشته شده است، پیام رمزگشایی شده ای است که برای برگزیدگان او در نظر گرفته شده است که توسط مردم جهان، دشمنان خدا، بسته و نادرست است. آنچه « خارج » نوشته شده است، متن رمزگذاری شده ای است که برای انبوه بشری قابل مشاهده اما غیر قابل درک است. کتاب مکاشفه با « هفت مهر » مهر شده است. در این توضیح، خداوند به ما می گوید که تنها باز شدن « مهر هفتم » اجازه باز شدن کامل آن را می دهد. تا زمانی که مهری برای مهر و موم باقی می ماند، کتاب باز نمی شود. بنابراین، کل افتتاحیه کتاب به زمانی بستگی دارد که خداوند برای موضوع « مهر هفتم » تعیین کرده است. تحت عنوان " مهر خدای زنده " در مکاشفه 7 ذکر خواهد شد، جایی که تعیین بقیه روز هفتم، سبت مقدس آن، بازسازی آن به تاریخ 1843 ضمیمه خواهد شد که بنابراین زمان آن نیز خواهد بود. باز شدن « مهر هفتم » که مضمون « هفت شیپور » را در آموزش کتاب آورده است، که برای ما، برگزیدگان آن بسیار مهم است.

آیه 2: « و فرشته ای توانا را دیدم که با صدای بلند فریاد می زد که چه کسی شایسته است کتاب « را بگشاید و مهرهای آن را بشکند؟ »

این صحنه یک پُرانتز در مونتاز نبوت است. کتاب مکاشفه در بهشت نیست، در زمینه فصل 4 قبلی. برگزیدگان قبل از بازگشت عیسی مسیح به آن نیاز دارند، در حالی که در معرض دام های شیطان هستند. قدرت در اردوگاه خداست، و فرشته قدرتمند، فرشته یهوه است، خدا به شکل فرشته ای خود

میکائیل. کتاب مهر و موم شده بسیار مهم و مقدس است زیرا شکستن مهر و گشودن آن به عزت بسیار بالایی نیاز دارد.

« آیه 3: » و هیچ کس در آسمان و زمین و زیر زمین نتوانست طومار را بگشاید و به آن بنگرد کتابی که توسط خود خدا نوشته شده، توسط هیچ یک از مخلوقات آسمانی و زمینی او قابل باز شدن نیست.

« آیه 4: » و من به شدت گریستم زیرا کسی لایق باز کردن کتاب یا نگاه کردن به آن یافت نشد جان نیز مانند ما موجودی زمینی است و اشک های او بیانگر ناامیدی بشریت در مواجهه با تله های شیطان است. به نظر می رسد که او به ما می گوید، "بدون مکاشفه، چه کسی می تواند نجات یابد؟" بدین ترتیب درجه غم انگیز ناآگاهی از محتوای آن و پیامد مهلک آن یعنی مرگ مضاعف را آشکار می کند.

آیه 5: « و یکی از پیرمردان به من گفت: گریه نکن. اینک، شیر قبیله یهودا، ریشه داوود، « پیروز شده تا طومار و هفت مهر آن را بگشاید

پیرمردان » که توسط عیسی از زمین باز خرید شده اند، در موقعیت مناسبی قرار دارند تا نام « عیسی مسیح را بر همه موجودات زنده ارتقا دهند. آنها در او سلطه ای را می شناسند که خود او اعلام کرد که از پدر و موجودات آسمانی در متی 28:18 دریافت کرده است. با هدف قرار دادن تجسم او در عیسی بود که خداوند به یعقوب الهام کرد که در مورد پسرانش نبوت کرد و در مورد یهودا گفت: « یهودا شیر جوانی است. تو از قتلگاه برگشتی پسر! زانوهایش را خم می کند، مثل شیر دراز می کشد، مثل شیر: چه کسی او را بلند می کند؟ عصا از یهودا دور نخواهد شد و عصای فرمانروایی از میان پاهای او تا زمانی که شیلو بیاید و قوماها از او اطاعت کنند. الاغ خود را به تاک می بندد و کلالة الاغ خود را به بهترین تاک. جامه خود را در شراب میشوید و خرقة خود را در خون انگور. چشمانش از شراب سرخ و دندان هایش از شیر سفید است (پیدایش 49: 8 تا 12). خون انگور مضمون « درو » اعلام شده در مکاشفه 14:17 تا 20 خواهد بود که در اشعیا 63 نیز پیشگویی شده است. « آنگاه شاخه ای از تنه یسی بیرون می آید و شاخه ای از ریشه او زاده می شود. روح خداوند بر او خواهد بود: روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح دانش و ترس از خداوند. او از ترس خداوند دم خواهد زد. او از روی ظاهر قضاوت نمی کند، او در مورد شنیده ها تصمیم نمی گیرد. اما او فقیران را به عدالت داوری خواهد کرد و فقیران زمین را به عدالت داوری خواهد کرد. زمین را با کلام خود مانند عصا خواهد زد و با نفس لبه اش شیران را خواهد کشت. انصاف کمر بند پهلوهایش خواهد بود و وفا کمر بند کمرش. « پیروزی عیسی بر گناه و مرگ، دستمزد او، این حق قانونی و مشروع را به او می دهد تا کتاب مکاشفه را بگشاید تا برگزیدگانش در برابر تله های مذهبی مرگباری که توسط شیطان می گذارد هشدار داده و محافظت شوند. برای فریفتن کافران بنابراین کتاب در زمانی که فرمان دانیال 8:14 نافذ می شود، یعنی اولین روز بهار سال 1843، به طور کامل باز خواهد شد. حتی اگر درک ناقص آن نیاز به بازنگری در طول زمان داشته باشد، تا سال 2018.

آیه 6: « و در میان تخت و چهار موجود زنده و در میان مشایخ، بره ای را دیدم که در آنجا بود که گویی ذبح شده بود. او هفت شاخ و هفت چشم داشت که همان هفت روح خداست که در سراسر زمین فرستاده شده اند » فرستاده شده اند

ما باید به حضور بره " در وسط تخت " توجه کنیم، زیرا او خداست در تقدیس چندشکل خود، به یکباره، خدای خالق یکتا، فرشته میکائیل، عیسی مسیح بره خدا و قدوس. روح یا " هفت روح خدا فرستاده شده به تمام زمین. " « هفت شاخ » او نماد تقدیس قدرت او و « هفت چشم » او، تقدیس نگاه اوست که افکار و اعمال مخلوقاتش را عمیقاً بررسی می کند.

« آیه 7: » او آمد و طومار را از دست راست کسی که بر تخت نشسته بود گرفت

این صحنه سخنان مکاشفه 1:1 را نشان می دهد: " مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد تا به غلامان خود نشان دهد که چه چیزی باید به سرعت اتفاق بیفتد، و او با فرستادن فرشته خود به غلام خود یوحنا، آن را اعلام کرد. " هدف این پیام این است که به ما بگوید که محتوای مکاشفه نامحدود خواهد بود زیرا توسط خود خدا، پدر، داده شده است. و این با گذاشتن بر او، تمام برکت خود را با « دست راست » او نشان داد.

آیه 8: « چون طومار را گرفت، چهار موجود زنده و بیست و چهار پیر در برابر بره افتادند که هر کدام دارای چنگ و ظرفهای طلایی عود بودند که دعای قدیسان است »

بیاپید از این آیه، این کلید نمادین را حفظ کنیم: « پیاله های طلایی پر از عطرها، که دعای اولیای الهی است ». همه مخلوقات آسمانی و زمینی که با وفاداری آنها انتخاب شده اند، در برابر "بره" عیسی مسیح سجده می کنند تا او را بپرستند. چنگ ها نماد هماهنگی جهانی ستایش و پرستش جمعی است.

آیه 9: « و آواز جدیدی سرودند و گفتند: «تو لایق هستی که طومار را بگیری و مهرهای آن را بگشایی. زیرا که کشته شدی و با خون خود مردانی را از هر قبیله و زبان و قوم و ملتی برای خدا نجات دادی »

این « آهنگ جدید » رهایی از گناه و موقتاً ناپدید شدن محرکهای شورش را جشن می گیرد. زیرا آنها فقط پس از آخرین قضاوت برای همیشه ناپدید می شوند. نجات یافتگان عیسی مسیح از همه ریشه ها، از همه رنگ ها و نژادهای انسانی، « از هر قبیله، زبان، قوم و ملتی » آمده اند. که ثابت می کند که پروژه نجات فقط به نام عیسی مسیح پیشنهاد شده است، مطابق با آنچه قانون 4: 11-12 اعلام می کند: « عیسی سنگی است که توسط شما که می سازید طرد شده و سنگ اصلی گوشه شده است. هیچ رستگاری در دیگری نیست. زیرا هیچ نام دیگری در زیر آسمان به مردم داده نشده است تا ما به وسیله آن نجات پیدا کنیم. " بنابراین، تمام ادیان دیگر فریبکاری های واهی نامشروع و شیطانی هستند. برخلاف ادیان دروغین، ایمان واقعی مسیحی توسط خدا به شیوه ای منطقی منسجم سازماندهی شده است. نوشته شده است که خداوند با کسی بیگانه نیست. خواسته های او برای همه مخلوقاتش یکسان است، و نجاتی که ارائه کرد بهایی داشت که خودش باید پرداخت کند. او که برای این رستگاری زجر کشیده است، تنها کسانی را که قضاوت می کند شایسته بهره مندی از شهادتش هستند، نجات خواهد داد

آیه 10: « آنها را پادشاهی و کاهنان خدای ما ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد پادشاهی آسمان که توسط عیسی موعظه شد شکل گرفته است. دریافت « حق قاضی، برگزیدگان طبق مکاشفه 4: 20 با پادشاهان مقایسه می شوند. در فعالیت های عهد قدیمی شان، « کاهنان » قربانی های نمادین حیوانات را برای گناه تقدیم می کردند. در طول « هزار سال » دوری آسمانی، برگزیدگان نیز با قضاوت خود، آخرین قربانیان یک قربانی بزرگ جهانی را آماده خواهند کرد، که در یک حرکت، همه موجودات آسمانی و زمینی سقوط کرده را نابود خواهد کرد. آتش "دریاچه آتش مرگ دوم" آنها را در روز قیامت از بین می برد. تنها پس از این نابودی است که توسط خدا بازسازی شده است، زمین تجدید شده برگزیدگان رستگاری را دریافت خواهد کرد. تنها در این صورت است که با عیسی مسیح، پادشاه پادشاهان و خداوند اربابان مکاشفه 16: 19، " آنها بر روی زمین سلطنت خواهند کرد ".

آیه 11: « نگاه کردم و صدای فرشتگان بسیاری را در اطراف تخت و موجودات زنده و بزرگان شنیدم و تعداد آنها هزاران هزار و هزاران هزار بود »

این آیه سه گروه از تماشاگرانی را که شاهد نبردهای معنوی زمینی هستند، متحد به ما نشان می دهد. روح این بار به وضوح از فرشتگان به عنوان یک گروه خاص یاد می کند که تعداد آنها بسیار زیاد است: " بیماران هزار و هزاران هزار ". فرشتگان خداوند در حال حاضر جنگجویان نزدیکی هستند که در خدمت نجات یافتگان او، برگزیدگان زمینی او هستند، که از آنها محافظت می کنند، محافظت می کنند و به نام او آموزش می دهند. در خط مقدم، این اولین شاهدان خدا، تاریخ فردی و جمعی زندگی روی زمین را ثبت می کنند.

آیه 12: « با صدای بلند گفتند: بره ذبح شده شایسته دریافت قدرت و ثروت و حکمت و نیرو و عزت و جلال و ستایش است »

فرشتگان بر روی زمین خدمت رهبر خود میکائیل را یاری کردند که تمام قدرت های الهی خود را از خود سلب کرد تا به انسان کاملی تبدیل شود که در پایان خدمت خود را به عنوان قربانی داوطلبانه به منظور کفار گناهان منتخب خود تقدیم کرد. مقامات در پایان پیشنهاد فیض خود، برگزیدگان زنده شدند و وارد ابدیت موعود شدند، فرشتگان تمام صفاتی را که در میکائیل داشت، به مسیح الهی خدا باز می گردانند: « قدرت، ثروت، حکمت، قدرت، افتخار، جلال. ، و ستایش

آیه 13: « و هر موجودی که در آسمان و روی زمین و زیر زمین و دریا و هر چه در آن است، شنیدم که می‌گفتند: هر که بر تخت می‌نشیند و بره باشد. ستایش، افتخار، جلال، و قدرت، برای همیشه و همیشه!»

مخلوقات خدا اتفاق نظر دارند. همه آنها نشان دادن محبت او را که با عطای شخص او در عیسی مسیح آشکار شد، دوست داشتند. پروژه طراحی شده توسط خداوند یک موفقیت باشکوه است. انتخاب او از موجودات دوست داشتنی انجام شده است. این آیه به شکل پیام فرشته اول از مکاشفه 14: 7 است: « او با صدای بلند گفت: از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. و در برابر کسی که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید تعظیم کن.» آخرین انتخاب انجام شده از سال 1843 بر اساس درک این آیه بوده است. و برگزیدگان شنیدند و با بازگرداندن تمرین روز هفتم استراحت که توسط حواریون و شاگردان عیسی انجام شد تا زمانی که از 7 مارس 321 رها شد، در ایمان مسیحی به آنها پاسخ دادند. خدای خالق با احترام به فرمان چهارم که عبارت است از نزدیک به قلبش نتیجه صحنه ای از جلال آسمانی است که در آن همه مخلوقات آن، به تبعیت از پیام فرشته اول مکاشفه 14: 7، می‌گویند: «به هر که بر تخت می‌نشیند و بر بره، ستایش و عزت باد. شکوه و قدرت، تا ابدالابد!» توجه داشته باشید که کلمات به طور معکوس، کلماتی را که فرشتگان در آیه 13 قبلی به آنها استناد کردند، تکرار می‌کنند. از زمان رستاخیز، عیسی زندگی آسمانی خود را باز یافته است: « قدرت، ثروت و حکمتش» الهی. بر روی زمین آخرین دشمنان او « ستایش، عزت، جلال و قدرت» را که از او به عنوان خدای خالق بود، رد کردند. او با فراخوان " قدرت خود"، در نهایت همه آنها را شکست داد و آنها را زیر پای خود له کرد. همچنین مخلوقات پاک و مطهرش که مملو از عشق و قدردانی هستند، به طور مشروع، رعایای جلال او را به او باز می‌گردانند.

« آیه 14: « و چهار موجود زنده گفتند: آمین! و پیرمردها جلو آمدند و تعظیم کردند»

اهل عالم پاک این استرداد را تأیید می‌کنند و می‌گویند: «به راستی! درسته!» و برگزیدگان زمینی که با عشق متعالی رستگار شده‌اند، در برابر خدای خالق قادر مطلق خود که برای تجسم در عیسی مسیح آمده است، سجد می‌کنند.

مکاشفه 6: بازیگران، مجازات های الهی و نشانه های دوران مسیحیت

را به یاد می آورم: کتاب تنها زمانی باز می شود که « مهر هفتم » Rev.5 من درس داده شده در برداشته شود. برای ایجاد این گشایش، منتخب مسیح باید به طور مطلق عمل سبت روز هفتم را تأیید کند. و این انتخاب معنوی او را واجد شرایط می کند که از خداوندی که او را تأیید می کند، حکمت و قدرت تشخیص روحانی و نبوی خود را دریافت کند. بنابراین، بدون اینکه خود متن آن را مشخص کند، شخص منتخب « مهر خدا » را که در مکاشفه 7: 2 ذکر شده است، با « مهر هفتم » که هنوز کتاب مکاشفه را می بندد، شناسایی می کند، و او با اینها همراه خواهد شد. دو « مهر »، روز هفتم که در آرامش توسط خدا تقدیس شد. ایمان باعث تفاوت بین نور و تاریکی می شود. بنابراین، برای هر کسی که سبت مقدس را تأیید نمی کند، نبوت یک کتاب بسته و هرمسی باقی خواهد ماند. او ممکن است برخی موضوعات آشکار را به خوبی تشخیص دهد، اما آیات حیاتی و قطعی را که بین مرگ و زندگی تفاوت می کند، درک نخواهد کرد. اهمیت « مهر هفتم » در مکاشفه 8: 1-2 ظاهر خواهد شد، جایی که روح به آن نقش باز کردن مضمون « هفت شیپور » را می دهد. اکنون دقیقاً در پیام های این « هفت شیپور » است که پروژه خدا روشن می شود. زیرا موضوع شیپورهای مکاشفه 8 و 9 به طور موازی برای تکمیل حقایق پیشگویی شده در مضامین « نامه های » مکاشفه 2 و 3 آمده است. و « مهرها » از مکاشفه 6 و 7. راهبرد الهی با آن چیزی است که او برای ساختن وحی نبوی خود به دانیال استفاده کرد. روح که با پذیرش انجام سبت مقدس و با انتخاب حاکمیت او واجد شرایط این مقام شده بود، با بازکردن « مهر هفتم »، کتاب مکاشفه های خود را به روی من گشود. بیایید اکنون هویت « مهر » آن را کشف کنیم.

آیه 1: « نگاه کردم که بره یکی از هفت مهر را باز کرد و یکی از چهار موجود زنده را شنیدم
» که با صدای رعد می گفت: بیا

طبق قضاوت 14:18، این اولین « موجود زنده » نشان دهنده قدرت و قدرت « شیر » مکاشفه 4: 7 است. این صدای رعد الهی است و از عرش خدا در مکاشفه 4:5 می آید. پس این خدای متعال است که سخن می گوید. باز شدن هر « مهر » دعوتی است از سوی خداوند برای دیدن و درک پیام رؤیا. عیسی قبلاً به فیلیپ گفته بود: « بیا و ببین » تا او را تشویق کند که از او پیروی کند.

آیه 2: « نگاه کردم، اینک اسبی سفید ظاهر شد. آن که سوار آن شد، کمان داشت؛ تاجی به او
» داده شد و پیروز و پیروز به راه افتاد

سفید نشان دهنده خلوص کامل آن است. اسب تصویر قوم برگزیده ای است که آنها را رهبری می کند و طبق یعقوب 3: 3 تعلیم می دهد: « اگر لقمه را در دهان اسب ها بگذاریم تا از ما اطاعت کنند، بر تمام بدن آنها نیز حکومت می کنیم. » « کمان » او نماد تیرهای کلام الهی او است. « تاج » او « تاج حیات » است که با شهادتت که داوطلبانه از سوی او پذیرفته شده است. پیروزی او از زمان ایجاد اولین در مقابل قطعی بود. بدون شک این توصیف مربوط به خدای قادر متعال عیسی مسیح است. پیروزی نهایی او قطعی است زیرا او قبلاً در گلگوتا شیطان، گناه و مرگ را شکست داده است. زکریا 3:10-4 این تصاویر را تأیید می کند و می گوید: « خشم من بر شبانان افروخته شد و بزها را مجازات خواهم کرد. زیرا بهوه صباپوت از گله خود یعنی خاندان یهودا بازدید می کند و آنها را اسب جلال خود در جنگ خواهد ساخت. از او زاویه، از او میخ، از او کمان جنگ. از او همه رهبران با هم خواهند آمد. » پیروزی مسیح الهی با « تقدیس روز هفتم » هفته های ما، از زمان خلقت جهان، اعلام شد. سبت، پیشگویی بقیه هزاره « هفتم »، که « هزار سال » در مکاشفه 20:4-6 نامیده می شود، که در آن، عیسی از طریق پیروزی خود، برگزیدگان خود را برای ابدیت خواهد آورد. برپایی روز سبت از زمان تأسیس جهان زمینی این عبارت را تأیید می کند: « به عنوان یک پیروز آغاز شد ». سبت، نشانه نبوی این پیروزی الهی و انسانی در برابر گناه و شیطان است و به همین ترتیب، خداوند بر آن است که تمام برنامه « تقدس » خود را، یا آنچه متعلق به اوست و شیطان را روبرو است، قرار می دهد.

آیه 3: « وقتی مهر دوم را گشود، از موجود زنده دوم شنیدم که می گفت بیا

موجود زنده دوم " به " گوساله " قربانی های مکاشفه 4:7 اشاره دارد. روح فداکاری عیسی " مسیح و شاگردان واقعی او را زنده کرد که به آنها اعلام کرد: " اگر کسی می خواهد از من پیروی کند، خود را انکار کند و صلیب خود را بردارد و صلیب خود را بردارد .

آیه 4: « و اسب دیگر سرخ رنگ بیرون آمد. کسی که بر او نشسته بود قدرت گرفت تا صلح را از زمین بگیرد تا مردم گلوی یکدیگر را بکشند. و شمشیر بزرگی به او داده شد

قرمز "، یا " قرمز آتشین "، نشان دهنده گناهی است که توسط رئیس ویرانگر که شیطان " تشویق شده است. « آتش » وسیله و نماد Rev.9:11 در " *Abaddon Apollyon* " است، در تصویر نابودی است. او همچنین اردوگاه شیطانی خود را که از فرشتگان بد سقوط کرده و قدرت های زمینی اغوا شده و دستکاری شده تشکیل شده است، رهبری می کند. او تنها مخلوقی است که از خداوند «قدرت برگرفتن صلح از زمین» را می گیرد تا مردم یکدیگر را بکشند. این عمل به روم، « بابل بزرگ فاحشه » در مکاشفه 18:24 نسبت داده خواهد شد: « و چون خون انبیا و مقدسین و همه کسانی که بر روی زمین کشته شدند در او یافت شد ». بنابراین « ویرانگر » مسیحیان وفادار و همچنین قربانیان او شناسایی می شوند. « شمشیری » که او دریافت می کند، اولین مورد از چهار مجازات وحشتناک الهی را که در حزقیا ذکر شده است، نشان می دهد. 22-14:21: « بله، خداوند، یهوه چنین می گوید: اگر چه من چهار مجازات وحشتناک خود را بر اورشلیم می فرستم، شمشیر، قحطی، حیوانات وحشی و طاعون، برای نابود کردن انسان ها و حیوانات، با این حال بازمانده ای خواهد بود که فرار خواهد کرد، که از آن بیرون ... خواهد آمد، پسران و دختران .

آیه 5: « وقتی مهر سوم را گشود، سومین موجود زنده را شنیدیم که می گفت بیا. نگاه کردم و دیدم اسبی سیاه ظاهر شد. آن که سوار آن شد، ترازو در دست داشت

سومین موجود زنده « انسان » است که به شکل خدای مکاشفه 4:7 ساخته شده است. این « شخصیت تخیلی است، اما طبق حزقی 14:20 او دومین مجازات الهی برای گناه را تشکیل می دهد. برخلاف رژیم غذایی مردان، این بار درباره قحطی است. در دوران ما، هم از نظر لغوی و هم معنوی تحمیل خواهد شد. در هر دو کاربرد، پیامدهای فانی را به همراه دارد، اما در معنای معنوی خود یعنی محرومیت از نور الهی، پیامد مستقیم آن، مرگ «مرگ دوم» است که در آخرین داوری برای سقوط کرده ها محفوظ است. پیام این سومین سوارکار چنین خلاصه می شود: چون انسان دیگر در صورت خدا نیست، بلکه در صورت حیوانات است، من او را از چیزی که به او حیات می بخشد، محروم می کنم: تغذیه جسمانی و روحی او. ترازو نماد عدالت است، در اینجا ترازو خداست که در مورد اعمال ایمان مسیحیان قضاوت می کند

آیه 6: « و صدایی را در میان چهار موجود زنده شنیدیم که می گفت: یک پیمانہ گندم به یک دینار .» و سه پیمانہ جو به یک دینار. اما به روغن و شراب آسیبی نرسانید

این صدای مسیح است که از بی وفایی ایمانداران دروغین تحقیر شده و ناامید شده است. با همین قیمت، مقدار کمتری گندم نسبت به جو می بینیم. در پس این عرضه سخاوتمندانه جو، پیامی از سطح معنوی بسیار بالایی پنهان است. در واقع، در شماره 5: 15، قانون برای حل مشکل حسادت شوهر نسبت به همسرش، پیشنهاد « جو » ارائه می کند. بنابراین اگر می خواهید بفهمید، این روش را که در آیات 12 تا 31 توضیح داده شده است، به طور کامل بخوانید. در پرتو آن، فهمیدم که خود خدا، داماد در عیسی مسیح مجمع، عروس او، شکایتی را به دلیل « ظن حسادت » در اینجا مطرح می کند. که با ذکر « آب های تلخ » که در « بوق سوم » در مکاشفه 8:11 ذکر شده است، تأیید می شود. در رویه شماره 5، زن باید آب غبار آلود بنوشد، بدون عواقب، اگر بیگناه باشد، اما اگر گناهکار باشد تلخ می شود، نفرین و مکاشفه 2:22 (از دواج متخلف: *Pergamum* نقاب به نام) می شود. زنای زن در مکاشفه 2:12 محکوم شد، و بنابراین با پیوندی که بین مهر سوم و سومین شیپور ایجاد شده است، مجدداً تأیید خواهد شد. -قبلاً، در دانیل، همین رویکرد باعث شد که دانیل 8 هویت رومی «شاخ کوچک» دان را «تأیید کند». این مشابهت دانیال 2، 7 و 8 تازگی بود که به من اجازه داد هویت رومی را ثابت کنم. این برای اولین در اینجا در مکاشفه، همه چیز به همین شکل است. من مروری بر Adventism بار از زمان وجود دوران موازی مسیحیت از سه موضوع اصلی، نامه ها، مهرها و شیپورها را نشان می دهم. و در مکاشفه، موضوع « شیپور » همان نقش دانیال 8 را برای کتاب دانیال ایفا می کند. این دو عنصر شواهدی را ارائه می دهند که بدون آن پیشگویی فقط « ظن » را ارائه می دهد که من در مطالعه دانیال

«فرضیه» نامیده‌ام. بنابراین، این کلمات، "ظن حسادت" که در شماره 5:14 نازل شد، برای خدا و مجمع از مکاشفه 1 تا مکاشفه 6 صدق می‌کند. سپس با باز شدن کتاب که با شناسایی «مهر هفتم» با سبت روز هفتم، مضمون مکاشفه 7 ممکن شد، «ظن زنا» مجمع در موضوع «شیپور» «تأیید خواهد شد» و فصل 10 تا 22 که در پی آن است. بنابراین روح در فصل 7 نقش یک پست گمرکی را می‌دهد که در آن باید مجوز ورود دریافت شود. در مورد مکاشفه، آن مقام عیسی مسیح، خدای قادر مطلق و روح القدس، خود اوست. به گفته آپو، باب دسترسی به روی او باز است که «صدای من را می‌شنود» که به درگاه او (در دل) به روی من باز می‌شود و با من شام می‌خورد و من با او. 0.3:20. "شراب و روغن" نمادهای مربوط به خون ریخته شده توسط عیسی مسیح و روح خدا هستند. علاوه بر این، هر دوی آنها برای بهبود زخم‌ها استفاده می‌شوند. فرمان «به آنها ضرر نرسانید» به این معناست که خداوند مجازات می‌کند، اما با آمیزه‌ای از رحمت خود این کار را انجام می‌دهد. طبق مکاشفه 16:1 و 14:10، این مورد برای «هفت آفت آخر» «خشم» او در آخرین روزهای زمینی نخواهد بود. آیه 7: «وقتی مهر چهارم را باز کرد، صدای چهارمین موجود زنده را شنیدم که می‌گفت: بیا»

»
چهارمین موجود زنده «عقاب» رفیع آسمانی است. او ظهور چهارمین عذاب خداوند را «اعلام می‌کند: فنا»

آیه 8: «نگاه کردم، اینک اسبی رنگ پریده ظاهر شد. کسی که سوار آن بود مرگ نام داشت و هادس او را همراهی کرد. بر یک چهارم زمین به آنها قدرت داده شد تا انسانها را با شمشیر، قحطی، مرگ و حیوانات وحشی زمین نابود کنند»

مرگ "است، اما به معنای مرگ و میر آن در مجازات‌های شرایطی است. مرگ از زمان گناه اولیه بر تمام بشریت تأثیر می‌گذارد، اما اینجا فقط «یک چهارم زمین» به آن ضربه می‌زند، شمشیر، قحطی، مرگ و میر «به دلیل بیماری‌های همه‌گیر، و «جانوران وحشی» هم حیوان و هم انسان. این "ربع زمین" اروپای مسیحی و کشورهای قدرتمندی را که در قرن شانزدهم از آن بیرون خواهند آمد، هدف قرار می‌دهد: دو قاره آمریکا و استرالیا»

آیه 9: «وقتی مهر پنجم را گشود، در زیر قربانگاه جان کسانی را دیدم که برای کلام خدا و شهادتی که داده بودند کشته شده بودند»

اینها قربانی اقدامات "حیوانی" هستند که به نام ایمان نادرست مسیحی انجام شده است. این توسط رژیم کاتولیک پاپ رومی، که قبلاً در مکاشفه 2:20 نماد شده است، توسط زنی به نام ایزابل که روح عمل آموزش بندگانش یا به معنای واقعی کلمه: "بردگانش" را به او نسبت می‌دهد، آموزش داده می‌شود. آنها در زیر قرار می‌گیرند قربانگاه"، بنابراین تحت حمایت صلیب مسیح که به آنها اجازه می‌دهد از "عدالت ابدی" او بهره‌مند شوند (دان. 9:24 را ببینید). همانطور که مکاشفه 13:10 نشان خواهد داد، برگزیدگان قربانیان شهید هستند و نه جلا و نه قاتل انسانها. برگزیدگان مورد بحث در این آیه، که عیسی آنها را می‌شناسد، حتی در هنگام مرگ به عنوان شهید از او تقلید کردند: «برای کلام خدا و برای شهادتی که داده بودند». زیرا ایمان واقعی فعال است، هرگز یک برچسب ساده اطمینان‌بخش دروغین نیست. «شاهد» آنها دقیقاً شامل تسلیم جان خود برای جلال خدا بود»

آیه 10: «با صدای بلند فریاد زدند، ای استاد قدوس و راستین، تا کی در قضاوت و انتقام خون ما از ساکنان روی زمین تأخیر داری؟»

بگذارید این تصویر شما را فریب ندهد، زیرا فقط خون آنها بر زمین ریخته شده است که در گوش خدا انتقام را فریاد می‌زند، همانطور که خون هابیل توسط برادرش قابیل طبق پیدایش 4:10 کشته شد: «و خدا گفت: چه کار کرده‌ای؟ صدای خون برادرت از زمین به سوی من فریاد می‌زند.». آشکار شده است. غیر از خون، موسی، الیاس، و مقدسینی 10-6-5:9 Ecc وضعیت واقعی مردگان در که در زمان مرگ عیسی مسیح زنده شدند، دیگران «دیگر در هر کاری که زیر خورشید انجام می‌شود شریک نیستند، زیرا تفکر و حافظه‌شان از بین رفته است.» «در جهنم نه عقل است و نه عقل و نه دانش. زیرا یاد آنها فراموش شده است.» «اینها معیارهایی است که خداوند در مورد مرگ الهام کرده است. ایمانداران کاذب قربانی آموزه‌های دروغین هستند که از بت پرستی فیلسوف یونانی افلاطون به ارث رسیده است که عقیده او در مورد مرگ در میان مسیحیان وفادار به خدای حقیقت جایی ندارد. بیایید آنچه

را که متعلق به اوست به افلاطون و آنچه متعلق به اوست به خدا برگردانیم: حقیقت درباره همه چیز، و منطقی باشیم، زیرا مرگ مخالف مطلق زندگی است، نه شکل جدیدی از هستی.

آیه 11: « به هر یک از آنها جامه سفیدی داده شد. و به آنها گفته شد که مدتی بیشتر در آرامش بمانند تا تعداد هم خدمتکاران و برادرانشان که مانند آنها کشته شوند تکمیل شود.

ردای سفید " نماد پاکی شهدا است که عیسی برای اولین بار در مکاشفه 1:13 پوشید. «لباس " سفید « تصویر عدالت منتسب او در زمان آزار و اذیت مذهبی است. زمان شهدا از زمان عیسی مسیح تا سال 1798 می‌گذرد. در پایان این دوره، طبق مکاشفه 7:11، " جانوری که از پرتگاه برمی‌خیزد " نماد انقلاب فرانسه و وحشت‌های آن ملحدان در سال 1793 و 1794، به آزار و شکنجه‌های سازماندهی شده Apo.13:1 توسط سلطنت و پاپری کاتولیک، که خود به عنوان " جانوری که از دریا برمی‌خیزد " در پایان می‌دهد. پس از کشتار انقلابی، صلح مذهبی در جهان مسیحیت برقرار خواهد شد. بار دیگر می‌خوانیم: « و به آنها گفته شد که مدتی دیگر بی حرکت بمانند تا تعداد هم خدمتکاران و برادرانشان که مانند آنها کشته شوند، تکمیل شود. » . بقیه مردگان در مسیح تا آخرین بازگشت شکوهمند او ادامه خواهند داشت. با فرض اینکه پیام این « مهر پنجم » خطاب به پروتستان‌هایی باشد که توسط تفتیش عقاید پاپ کاتولیک در دوران « نیاتیرا » مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، زمان کشتار منتخبان به دلیل اقدام انقلابی فرانسه که به زودی، بین سال‌های 1789 و 1798، از بین بردن قدرت تهاجمی ائتلاف پاپ و سلطنت فرانسه. بنابراین، « مهر ششم » که باز خواهد شد، مربوط به این رژیم انقلابی فرانسه است که کشیش 2:22 و 7:14 آن را « مصیبت بزرگ » می‌نامند. در نقض اعتقادی که مشخصه آن است، مذهب پروتستان نیز قربانی عدم تحمل رژیم انقلابی ملحد خواهد شد. با اقدام او است که به تعداد کسانی که قرار بود کشته شوند، می‌رسد.

آیه 12: « نگاه کردم که مهر ششم را باز کرد. و زلزله بزرگی رخ داد، خورشید مانند گونی سیاه شد، تمام ماه مانند خون شد.

زلزله " که به عنوان نشانه ای از زمان "مهر ششم" داده می‌شود، به "اجازه می‌دهد تا عمل " را در روز شنبه 1 نوامبر 1755 حدود ساعت 10 صبح انجام دهیم. مرکز جغرافیایی آن شهر بسیار کاتولیک لیسبون بود که در آن 120 کلیسای کاتولیک وجود داشت. بدین ترتیب خداوند به اهداف خشم خود اشاره کرد که این « زلزله » نیز به صورت روحانی پیشگویی کرد. عمل پیشگویی شده در سال 1789 با قیام مردم فرانسه علیه سلطنتشان انجام خواهد شد. خدا پس از محکوم کردن او و متحدش پاپری Rev.11:13 کاتولیک رومی، هر دو در 1793 و 1794 به قتل رسیدند. تاریخ "دو ترور انقلابی". در اقدام انقلابی فرانسه با " زلزله " مقایسه شده است. با توانایی تاریخ گذاری اقدامات ذکر شده، پیشگویی دقیق تر می‌شود. در 19 مه 1780، " ... خورشید مانند یک کیسه موی اسب سیاه شد " و این پدیده در آمریکای شمالی به نام "روز تاریک" نام گرفت. آن روز بدون هیچ نور خورشیدی بود که عملی را که الحاد انقلابی فرانسوی علیه نور کلام مکتوب خدا که در اینجا نماد «خورشید» است، پیش‌بینی می‌کرد. کتاب مقدس در اتو-دافه سوزانده شد. " تمام ماه مانند خون شد "، در پایان این روز تاریک، ابرهای غلیظ ماه را به رنگ قرمز برجسته نشان دادند. از طریق این تصویر، خداوند سرنوشتی را که برای اردوگاه تاریکی پاپ-سلطنتی بین سال‌های 1793 و 1794 در نظر گرفته شده بود، تأیید کرد. خون آنها به وفور توسط تیغه نیز گیوتین انقلابی ریخته خواهد شد.

نکته: در مکاشفه 8:12، با ضربه زدن به " یک سوم خورشید، یک سوم ماه و یک سوم ستارگان "، پیام " چهارمین شیپور " این حقیقت را تأیید خواهد کرد که قربانیان انقلابیون برگزیدگان واقعی و سقوط کرده ای خواهند بود که توسط خدا در عیسی مسیح طرد شده اند. این همچنین معنای پیام « مهر پنجم » را که ما به تازگی دیدیم تأیید می‌کند. از طریق عمل الحاد است که آخرین کشتار برگزیدگان مؤمن محقق خواهد شد.

آیه 13: « و ستارگان آسمان بر زمین افتادند، چنانکه درخت انجیری که در اثر باد شدید تکان بخورد، انجیر سبز خود را دور می‌اندازد

این سومین نشانه زمان، این بار آسمانی، به معنای واقعی کلمه در 13 نوامبر 1833 محقق شد و بین نیمه شب تا 5 صبح در سراسر ایالات متحده قابل مشاهده بود. اما مانند علامت قبلی، خبر از یک رویداد معنوی با عظمت غیرقابل تصور می‌داد. چه کسی می‌توانست تعداد این ستارگان را که از نیمه شب تا ساعت 5 صبح به شکل چتر در سراسر آسمان فرود آمده اند بشمارد؟ این تصویری است که

خداوند از سقوط ایمانداران پروتستان در سال 1843 به ما می دهد، زمانی که آنها قربانی فرمان «بودند که لازم الاجرا شد. بین سال‌های 1828 و 1873، عمل رودخانه «بیر Dan.8:14 تا 12 تأیید شده است. در این آیه تصاویر «درخت Dan.12:5 نام جانور انسان‌کش، در (Dan.10:4) انجیر» وجود دارد. وفاداری قوم خدا، با این تفاوت که با تصویر «انجیر سبز» که بر روی زمین پرتاب می‌شود، این وفاداری زیر سؤال می‌رود. به همین ترتیب، ایمان پروتستانی توسط خدا با ملاحظات و شرایط موقت پذیرفته شد، اما تحقیر پیام‌های نبوی و پیام‌میلر و رد بازگرداندن سبب باعث سقوط آن در سال 1843 شد. از طریق این امتناع بود که «انجیر» باقی ماند. «سبز»، با پذیرش نور خدا از رسیدن خودداری می‌کند، او تا زمان بازگشت شکوهمند خود در سال 2030 در این وضعیت باقی خواهد ماند. یک «انجیر سبز» که قرار است دو بار بمیرد

آیه 14: «آسمان مانند طومار پیچیده شده رفت. و همه کوه‌ها و جزایر از مکانهای خود جابجا شدند»

این زلزله این بار جهانی است. خداوند در ساعت ظهور با شکوه خود زمین و آنچه را که در آن در انسان و حیوان وجود دارد به لرزه در خواهد آورد. طبق مکاشفه 16:18، این عمل در زمان «هفتمین آفت از هفت آخرین بلای خشم خدا» رخ خواهد داد. این برای برگزیدگان واقعی، ساعت رستاخیز آنها، «اولین»، ساعت «مبارک» خواهد بود، طبق مکاشفه 20:6

آیه 15: «پادشاهان زمین، بزرگان، رهبران نظامی، ثروتمندان، قدرتمندان، همه بردگان و «آزادگان، خود را در غارها و در صخره‌های کوه پنهان کردند»

هنگامی که خدای خالق با تمام شکوه و قدرت ظاهر می‌شود، هیچ نیروی انسانی نمی‌تواند ایستادگی کند و هیچ پناهگاهی نمی‌تواند دشمنان او را از خشم صالح او محافظت کند. این آیه به آن اشاره می‌کند: عدل خداوند همه اقشار گناهکار بشریت را به وحشت می‌اندازد

آیه 16: «و به کوه‌ها و صخره‌ها گفتند: بر ما بیفتید و ما را از روی تخت نشسته و از خشم بره پنهان کنید»

این خود بره است که بر عرش الهی می‌نشیند، اما در این ساعت دیگر این بره کشته شده نیست که خود را به آنها عرضه می‌کند، بلکه «پادشاه پادشاهان و پروردگار ارباب» است که می‌آید دشمنان آخرالزمان او را در هم شکست

آیه 17: «زیرا روز بزرگ غضب او فرا رسیده است و چه کسی می‌تواند ایستادگی کند؟»

چالش در واقع «زندگی» است، یعنی زنده ماندن پس از مداخله قضایی خداوند

کسانی که می‌توانند در این ساعت وحشتناک «زنده بمانند» کسانی هستند که بر اساس طرح فرمان یگشنبه ذکر شده در مکاشفه 13:15، که بر اساس آن، ناظران سبب مقدس الهی نابود می‌شدند، قرار بود بمیرند. روی کره زمین. وحشت کسانی که می‌خواستند آنها را بکشند، که در آیه قبل نازل شد، توضیح داده شده است. و بنابراین کسانی که قادر خواهند بود در روز بازگشت در جلال عیسی مسیح زنده بمانند، موضوع کتاب مکاشفه 7 خواهند بود، که در آن خدا بخشی از پروژه خود را که مربوط به آنها است برای ما آشکار خواهد کرد.

مکاشفه 7: ادونتیسزم روز هفتم مهر شده با مهر خدا: سبت

آیه 1: « پس از آن چهار فرشته را دیدم که در چهار گوشه زمین ایستاده بودند. آنها چهار باد « زمین را مهار کردند تا نه بادی بر زمین و نه بر دریا و نه بر هیچ درختی نوزید این " چهار فرشته " فرشتگان آسمانی خداوند هستند که در یک عمل جهانی که نماد آن " چهار گوشه زمین " است، مشغول هستند. " چهار باد " نماد جنگ ها، درگیری های جهانی است. بنابراین آنها " محدود " می شوند، از آنها جلوگیری می شود، مسدود می شوند، که منجر به صلح جهانی مذهبی می شود. نماد " دریا " کاتولیک و نماد " زمین " مذهب اصلاح طلب با یکدیگر در صلح هستند. و این آرامش همچنین به " درخت " مربوط می شود، تصویر انسان به عنوان یک فرد. تاریخ به ما می آموزد که این صلح با تضعیف قدرت پاپی که توسط بی‌خدایی ملی فرانسه در هم شکسته شده بود بین سال‌های 1793 و 1799 تحمیل شد، تاریخی که پاپ پیوس ششم در زندان سیتادل در والنس-سور-رون، جایی که من متولد و در آنجا اقامت داشتم، درگذشت. این عمل به « جانوری که از اعماق بالا می رود » در مکاشفه 11:7 نسبت داده شده است. در مکاشفه 8: 12 به آن « شوم چهارم » نیز گفته می شود. پس از اقتدار خود را بر مذهب، Apo.8:13 او، در فرانسه، رژیم امپراتوری ناپلئون اول با نماد « عقاب » در کاتولیک که توسط کنکوردات بازسازی شده است، حفظ خواهد کرد.

آیه 2: « و فرشته دیگری را دیدم که به سوی خورشید طلوع می‌کرد و مهر خدای زنده را در دست داشت. با صدای بلند بر چهار فرشته ای که برای آسیب رساندن به زمین و دریا به آنها داده شده بود ندا کرد و گفت:

خورشید طلوع " به بازدید خدا از گله زمینی خود در عیسی مسیح در لوقا 1:78 اشاره داشت. " « مهر خدای زنده » در اردوگاه آسمانی عیسی مسیح ظاهر می‌شود. فرشته با « صدای بلند » که اقتدار او را تأیید می‌کند، به قوای فرشته شیطنی جهانی که از خدا مجوز « آسیب زدن » دریافت کرده اند، به « زمین » و « دریا » به پروتستان دستور می‌دهد. ایمان و به ایمان کاتولیک رومی. این تعبیر معنوی مانع از کاربرد تحت اللفظی که مربوط به « زمین، دریا و درختان » خلقت ما باشد، نیست. اجتناب از آن با استفاده از سلاح های هسته ای در زمان " ششمین شیپور " از مکاشفه 9:13 تا 21 دشوار خواهد بود.

آیه 3: « به زمین، نه به دریا و نه به درختان آسیبی مبر تا بر پیشانی بندگان خدای خود مهر « بزنیم »

این جزئیات به ما اجازه می‌دهد تا آغاز عمل مهر و موم برگزیدگان را از بهار 1843 تا پاییز 1844 قرار دهیم. پس از 22 اکتبر 1844 بود که اولین ادونتیست، کاپیتان جوزف بیئیس، با تصویب، مهر و موم شد. به صورت جداگانه، استراحت روز هفتم سبت. او به زودی به تدریج مورد تقلید همه برادران و خواهران ادونتیست آن زمان قرار گرفت. مهر و موم کردن پس از 22 اکتبر 1844 آغاز شد و تا " پنج ماه " که در مکاشفه 9:5-10 پیشگویی شده است ادامه خواهد یافت. " پنج ماه " یا 150 سال این 150 سال برای صلح مذهبی پیشگویی شد. صلح Ezé.4:5-6 واقعی مطابق با کد روز سال از برقرار شده به نفع اعلام و توسعه جهانی پیام «ادونتیست روز هفتم» بود که امروزه در تمام کشورهای

غربی و در هر کجا که ممکن است نمایندگی می شود. مأموریت ادونتیسیت جهانی است و به این ترتیب، منحصرأ به خدا بستگی دارد. بنابراین چیزی برای دریافت از سایر اعترافات مسیحی ندارد و برای برکت یافتن باید صرفاً به الهامی که عیسی مسیح، رئیس آسمانی آن، که خواندن «انجیل مقدس» را درک می کند، تکیه کند. کتاب مقدس، کلام مکتوب خدا که نمایانگر «دو شاهد» او در مکاشفه 11:3 است. در سال 1844 آغاز شد، زمان صلح تضمین شده توسط خداوند در پاییز 1994 به پایان می رسد همانطور نشان خواهد داد Rev.9 که مطالعه

نکته مهم در مورد «مهر خدا»: سبت به تنهایی برای توجیه نقش آن به عنوان «مهر خدا» کافی نیست. مهر نشان می دهد که با کارهایی که عیسی برای قدیسانش آماده کرده است، همراه است: عشق به حقیقت و حقیقت نبوی، و شهادت میوه ارائه شده در اول قرن 13. بسیاری از کسانی که سبت را بدون رعایت این معیارها نگه می دارند، زمانی که تهدید به مرگ برای اجرای آن ظاهر شود، آن را ترک خواهند کرد. سبت موروثی نیست، خداست که آن را به برگزیده می بخشد، به نشانه اینکه از آن اوست. بر اساس حز. 20:12-20: «من نیز به آنها سبتهای خود را به عنوان نشانه ای بین خود و آنها دادم تا بدانند که من خداوند هستم که آنها را تقدیس می کنم... بین من و شما علامت بزنید تا به وسیله آن معلوم شود که من یهوه خدای شما هستم.» بدون مخالفت با آنچه که گفته شد، بلکه برای تأیید آن، در «یوم تیم. به او؛ و هر که نام خداوند را بخواند، از گناه دور شود

آیه 4: «و من تعداد مهر و موم شدگان را شنیدم که صد و چهل و چهار هزار نفر از تمامی اقوام بنی اسرائیل بودند

پولس رسول در روم 11، از طریق یک تصویر، نشان داد که مشرکان مسلمان شده به ریشه پدرسالار ابراهیم پیوند زده می شوند که یهودیان ادعا می کنند او هستند. نجات یافته توسط ایمان، مانند او، این مشرکان مسلمان شده، گسترش معنوی 12 قبیله اسرائیل هستند. اسرائیل جسمانی که علامتش ختنه بود، به دلیل امتناع از مسیح عیسی، به دست شیطان تسلیم شد. ایمان مسیحی که از 7 مارس 321 به ارتداد افتاد، همچنین یک اسرائیل روحانی است که از آن تاریخ سقوط کرده است. در اینجا، خداوند یک اسرائیل روحانی اصیل را که از سال 1843 توسط او برکت داده شده است، به ما ارائه می دهد. اسرائیلی است که مأموریت جهانی ادونتیسیت روز هفتم را بر عهده دارد. و در حال حاضر، عدد " 144000 " ذکر شده، شایسته توضیح است. نمی توان آن را به معنای واقعی کلمه در نظر گرفت، زیرا با مقایسه نسل ابراهیم با «ستارگان بهشت»، این تعداد بسیار کم به نظر می رسد. برای خدای خالق، اعداد به اندازه حروف صحبت می کنند. آن وقت است که باید بفهمیم که عبارت «عدد» در این آیه را نباید به عنوان یک مقدار عددی تعبیر کرد، بلکه باید به عنوان یک رمز معنوی تعبیر کرد که رفتار دینی را مشخص می کند که خداوند برکت می دهد و آن را متمایز می کند (که آن را تقدیس می کند). بنابراین " و $12 = 7$ ، عدد خدا + 5، تعداد، 144000×12 " به شرح زیر توضیح داده می شود: $12 = 144$ انسان = اتحاد بین خدا و انسان. مکعب این عدد نماد کمال و مربع آن یعنی مربع سطح آن است. این نسبت ها مربوط به اورشلیم جدید خواهد بود که در مکاشفه 21:16 در یک رمز روحانی توضیح داده شده است. اصطلاح «هزار» که بعداً می آید نماد تعداد بی شماری است. در واقع «144000» به معنای انبوهی از مردان کامل رستگاری است که با خدا عهد بستند. این اشاره به قبایل اسرائیل نباید ما را غافلگیر کند زیرا خدا پروژه خود را علیرغم شکست های پی در پی اتحاد خود با مردان رها نکرد. الگوی یهودی ارائه شده از زمان خروج از مصر بدون دلیل به مسیح تسری پیدا نکرد. و خدا از طریق حقیقت مسیحی و احترام به همه احکامش، از جمله دستورات روز سبت، و احکام اخلاقی، بهداشتی و دیگر احکام بازیابی شده او، در ادونتیسیت مخالف وفادار روزهای آخر، الگوی اسرائیل را با آن مطابقت می یابد. ایده آل. بیایید اضافه کنیم که در متن فرمان چهارم، خداوند در مورد روز سبت به برگزیدگان خود می گوید: "شش روز فرصت دارید تا تمام کارهای خود را انجام دهید... اما روز هفتم، روز یهوه، خدای شما" است: به نظر می رسد که مجموع 6 روز 24 ساعته به 144 ساعت می رسد. بنابراین می توانیم استنباط کنیم که 144000 مهر ناظر وفادار این حکم الهی هستند. زندگی آنها با این احترام به مدت شش روز مجاز برای کارهای سکولار آنها مشخص می شود. اما در روز هفتم آنها به استراحت مقدس این فرمان احترام می گذارند. شخصیت معنوی این اسرائیل «ادونتیسیت» در آیات 5 تا 8 نشان داده خواهد شد. اسامی پدرسالاران عبری ذکر شده کسانی نیستند که اسرائیل جسمانی را ساخته اند. کسانی که خداوند آنها را برگزیده فقط برای این هستند که پیامی پنهان در توجیه منشأ خود داشته باشند. مانند نام «هفت

مجلس»، نام «دوازده قبیله» پیامی دوگانه دارد. ساده ترین آنها با ترجمه آنها آشکار می شود. اما ثروتمندترین و پیچیده ترین آنها بر اساس اظهاراتی است که هر مادر در هنگام توجیه نامگذاری برای فرزند خود بیان می کند.

آیه 5: «از قبیله یهودا، دوازده هزار مُهر. از قبیله روبین، دوازده هزار نفر. از سبط جاد، دوازده هزار»

برای هر نام، عدد «دوازده هزار مهر» به این معنی است: انبوهی از مردان متحد با خدا که در روز سبت مهر شده اند.

"یهودا: ستایش خداوند است. کلمات مادری پیدایش 29:35: "یهوه را ستایش خواهم کرد"

"روبین: پسری را ببین. کلمات مادرانه از پیدایش 29:32: "یهوه خواری من را دیده است"

"لگاد: خوشبختی کلمات مادرانه از پیدایش 30:11: «چه خوشبختی»

آیه 6: «از قبیله آشیر، دوازده هزار. از سبط نفتالی، دوازده هزار نفر. از سبط منسی دوازده هزار نفر»

برای هر نام، عدد «دوازده هزار مهر» به این معنی است: انبوهی از مردان متحد با خدا که در روز سبت مهر شده اند.

«!من چقدر خوشحالم» Gen.30:13: آشیر: مبارک: سخنان مادرانه از

"نفتالی: مبارزه: سخنان مادرانه از پیدایش 30:8: "من با خواهرم کشتی گرفتم و پیروز شدم"

منسی: فراموشی: سخنان پدرانه از پیدایش 41:51: «خداوند مرا فراموش کرد همه غم هایم را»

«فراموش کنم»

آیه 7: «از قبیله شمعون، دوازده هزار. از قبیله لای، دوازده هزار. از قبیله ایساکار دوازده هزار نفر.» برای هر نام، عدد «دوازده هزار مهر شده» به این معنی است: انبوهی از مردان متحد با خدا که در روز سبت مهر شده اند.

"شمعون: بشنو: سخنان مادرانه از پیدایش 29:33: "یهوه شنید که من را دوست نداشتند"

برای این زمان، شوهرم خود را به من Gen.29:34: لای: پیوست: کلمات مادرانه از

"خواهد چسباند"

"خدا حقوقم را به من داده است" Gen.30:18: ایساکار: حقوق: کلمات مادرانه از

آیه 8: «از قبیله زبولون، دوازده هزار. از قبیله یوسف، دوازده هزار؛ از قبیله بنیامین، دوازده هزار مُهر»

برای هر نام، عدد «دوازده هزار مهر» به این معنی است: انبوهی از مردان متحد با خدا که در روز سبت مهر شده اند.

"زبولون: مسکن: سخنان مادرانه پیدایش 30:20: "این بار شوهرم با من زندگی خواهد کرد"

یوسف: او حذف می کند (یا می افزاید): کلمات مادرانه از پیدایش 24-30:23: "خداوند"

"سرزنش من را برطرف کرد... / (... خداوند پسر دیگری به من اضافه کند)

بنیامین: پسر راست: کلمات مادری و پدری از پیدایش 35:18: «و چون میخواست روح را

تسلیم کند، چون در حال مرگ بود، نام بنونی (پسر غم من) را به او داد، اما پدر او را بنیامین (پسر حق) نامید.

این 12 نام، و کلمات مادری و پدری، بیانگر تجربه ای است که توسط آخرین مجمع ادونتیست های منتخب خداوند زندگی شده است. "عروس آماده" برای داماد خود مسیح در مکاشفه 19:7. تحت نام خانوادگی ارائه شده، نام «بنیامین»، خدا وضعیت نهایی برگزیده خود را پیشگویی می کند که توسط مردان شورشی به مرگ تهدید می شود. تغییر نام تحمیل شده توسط پدر، اسرائیل، مداخله خداوند را به نفع برگزیدگانش پیشگویی می کند. بازگشت باشکوه او وضعیت را معکوس می کند. کسانی که قرار بود بمیرند جلال می یابند و به آسمان برده می شوند، جایی که به عیسی مسیح، خدای خالق قادر قادر و باشکوه می پیوندند. تعبیر «پسران حق» معنای کامل نبوی خود را به خود می گیرد: حق برگزیدگان یا آخرین اسرائیل روحانی بود و فرزندانش، برگزیدگان رستگاری که آن را تشکیل می دهند. همچنین، اینها گوسفندانی هستند که در دست راست خداوند قرار گرفته اند (متی 25:33)

آیه 9: « بعد از این نگریم، و اینک، جماعت عظیمی بودند که هیچ کس نتوانست آنها را از هر قوم و قبیله و قوم و زبان شمارش کند. آنها با جامه های سفید و شاخه های خرما در دستان خود در « برابر تخت و در برابر بره ایستادند

این « جمعیت عظیمی که هیچ کس نمی توانست آن ها را بشمارد » ماهیت نمادین رمزگذاری شده معنوی « اعداد » « 144000 » و « 12000 » را که در آیات قبلی ذکر شد تأیید می کند. به علاوه، با این تعبیر به آیندگان ابراهیم اشاره می شود: « هیچ کس نمی تواند آنها را شماره کند ». و اما « ستارگان آسمان » که خداوند به او نشان داده بود و می گفت: نسل تو چنین خواهند بود. منشأ آنها چندگانه است، از هر قوم، هر قبیله، هر قوم و هر زبان و از هر عصری. با این حال، موضوع این فصل به ویژه آخرین پیام ادونتیست جهان شمول خدادادی را هدف قرار می دهد. آنها « لباس سفید » می پوشند، زیرا آماده بودند به عنوان شهید بمیرند و طبق فرمانی که توسط آخرین شورشیان بر اساس مکاشفه 13:15 صادر شده بود، محکوم به مرگ شدند. " کف " هایی که در دستان آنها گرفته شده نماد پیروزی آنها در برابر اردوگاه گناهکاران است.

آیه 10: « و با صدای بلند فریاد زدند که نجات از آن خدای ماست که بر تخت می نشیند و از آن بره

این کنش زمینه بازگشت در شکوه عیسی مسیح را به موازات توصیف و اکثس های اردوگاه شورشی که در مکاشفه 6: 15-16 شرح داده شده است، تداعی می کند. در اینجا، اظهارات منتخبان نجات یافته کاملاً مخالف سخنان شورشیان است. بازگشت مسیح به دور از ترس آنها، آنها را شاد می کند، به آنها اطمینان می دهد و آنها را نجات می دهد. سوال مطرح شده توسط شورشیان " چه کسی می تواند زنده بماند؟ " « پاسخ او را در اینجا دریافت می کند: ادونتیست هایی که در صورت لزوم به خطر جانیشان تا آخر دنیا به مأموریتی که خداوند به آنها سپرده بود وفادار ماندند. این وفاداری مبتنی بر دلبستگی آنها به احترام به سبب مقدس است که خداوند از آغاز جهان تقدیس کرده است و عشق آنها به کلام نبوی او آشکار شده است. این بیش از این بیشتر است زیرا آنها اکنون می دانند که سبب باقی مانده عظیم هزاره هفتم را پیشگویی می کند که با پیروزی پس از عیسی مسیح، می توانند با دریافت زندگی ابدی که به نام او وعده داده شده است، وارد شوند.

آیه 11: « و همه فرشتگان در اطراف تخت و بزرگان و چهار موجود زنده ایستادند. و در برابر عرش و در مقابل خدا به روی خود تعظیم کردند

صحنه ای که برای ما ارائه می شود، ورود به آرامش بزرگ بهشتی خدا را تداعی می کند. ما تصاویری از فصل های 4 و 5 پیدا می کنیم که به این موضوع می پردازند

آیه 12: « گفت: آمین! ستایش، جلال، حکمت، شکرگزاری، عزت، قدرت و قدرت از آن خدای « ما تا ابدالابد است. آمین

با خوشحالی از این پایان زیبا از تجربه رستگاری زمینی، فرشتگان شادی و قدردانی خود را نسبت به خدای نیکی که خالق ما، مال آنها، مال ما است، ابراز می کنند که در رستگاری گناهان برگزیدگان زمینی پیشقدم شد. ، می آید تا در ضعف جسم انسان تجسم یابد و به مرگی ظالمانه که عدالت او خواسته است متحمل شود. این انبوه چشمان نامرئی تمام مراحل این نقشه نجات را دنبال کردند و از تظاهرات عالی محبت خداوند شگفت زده شدند. اولین کلمه ای که می گویند " آمین " است! در حقیقت! ستایش « همچنین نام اول دوازده قبیله *the* " درسته! زیرا خدا خدای حقیقت و یگانه حق است. کلمه دوم جلال " او خدا به درستی نگران جلال خود است زیرا آن را در *the* " بود: « یهودا » = ستایش. کلمه سوم آیه 7:14 به یاد می آورد تا آن را به عنوان خدای خالق بی همتا از کسانی که از سال 1843 ادعای نجات او کرده اند مطالبه کند. کلمه چهارم " حکمت " است. . مطالعه این سند به دنبال کشف آن توسط همه مقامات منتخب آن است. این حکمت الهی فراتر از تصور ماست. ظرافت، بازی های فکری، همه چیز در قالب الهی وجود دارد. پنجم " شکرگزاری " است. شکر شرعی شکر است که در کلمات و آثار مقدس انجام می شود. در رتبه ششم " افتخار " قرار می گیرد. این همان چیزی است که شورشیان بیش از همه خدا را ناامید کردند. آنها با به چالش کشیدن اراده آشکار او با او با تحقیر رفتار کردند. برعکس، منتخبان در حد امکان به او افتخاری دادند که مشروع از اوست. در هفتم و هشتم " قدرت و نیرو " می آید. این دو امر الزام آور برای سرنگونی ظالمان زمین و درهم شکستن شورشیان مستکبر در حالی که هنوز بر

زمین حکومت می کردند لازم بود. بدون این قدرت و قدرت، آخرین برگزیدگان مانند بسیاری از شهدای دیگر در دوران مسیحیت می مردند.

آیه 13: « و یکی از بزرگان جواب داد و به من گفت: اینها که جامه سفید پوشیده‌اند، چه کسانی هستند و از کجا آمده‌اند؟ »

هدف سوال پرسیده شده این است که ویژگی نماد "لباس سفید" را در رابطه با لباس های "سفید" مکاشفه 3:4 و "کتانی ظریف" که در مکاشفه 19:8 نشان می دهد، برای ما آشکار کند. اعمال صالح قدیسان "عروس آماده" آخرالزمان باشد، ادونتیسیم وفادار آخرالزمان آماده رستاخیز خود به بهشت است.

آیه 14: « به او گفتم: مولای من، تو می دانی. و به من گفت: اینها کسانی هستند که از مصیبت بزرگ می آیند. جامه های خود را شسته اند و در خون بره سفید کرده اند »

لباس سفید « که توسط برخی از پیرمردها پوشیده شده است، ژان در واقع می تواند امیدوار به « پاسخ یکی از آنها باشد. و پاسخ مورد انتظار می آید: « آنها کسانی هستند که از مصیبت بزرگ می آیند »، یعنی برگزیدگان، قربانیان و شهدای جنگ های مذهبی و الحاد که توسط «مهر پنجم» بر ما آشکار شده است. در مکاشفه 6:9 تا 11: « به هر یک از آنها ردای سفیدی داده شد. و به آنها گفته شد که مدتی دیگر آرام بمانند تا تعداد هم خدمتکاران و برادرانشان که مانند آنها کشته شوند تکمیل شود. » در مکاشفه 2:22، « مصیبت بزرگ » قتل عام رژیم انقلابی ملحد فرانسه را که بین سال های 1793 و 1794 انجام شد، مشخص می کند. زلزله "؟ « هفت » برای مذهبی، و « هزار » برای کثرت. انقلاب فرانسه مانند زلزله ای است که بندگان خدا را نیز می کشد. اما این "مصیبت بزرگ" تنها اولین شکل از این موقیبت این Rev.11 انجام می شود، ظرافت ویرایش در Rev.9 " بود. شکل دوم آن توسط " ششمین شیپور واقیبت را آشکار می کند. تعداد زیادی از مسیحیان خیانتکار در طول جنگ جهانی سوم کشته خواهند شد که « ششمین شیپور » نماد و تأیید آن است. اما از سال 1843، خدا برگزیدگانی را که تقدیس می کند و آخرین کسانی را که جدا می کند، در نظر او ارزشمندتر از آن هستند که نابود شوند، انتخاب کرده است. او آنها را برای آخرین شهادت تاریخ نجات زمینی آماده می کند. گواهی وفاداری که آنها با وفادار ماندن به سبت روز هفتم او، حتی زمانی که توسط اردوگاه شورشی تهدید به مرگ شود، به او خواهند داد. این آزمایش نهایی نقشه خدا در پیامی که در مکاشفه 3:10 و در مکاشفه 13:15 (حکم مرگ) به " فیلاولیا " تحویل داده شد، آشکار شده است. نیت نزد خداوند، ارزش عمل دارد و به میزانی که در معرض آزمایش، خطر مرگ را بپذیرند، از جانب او به گروه شهدا هضم می شوند و به این ترتیب به شهدای واقعی «لباس سفید» نسبت داده می شوند. آنها تنها به دلیل مداخله نجات دهنده عیسی مسیح از مرگ می گریزند. در این آخرین محاکمه، پس از دومین " مصیبت بزرگ "، با شهادت وفاداری خود، آنها نیز به نوبه خود " لباس خود را خواهند شست، و در خون بره سفید می کنند " و تا آخر وفادار می مانند. آنها تهدید خواهند شد. در پایان این آخرین امتحان ایمان، تعداد کسانی که قرار بود به شهادت برسند کامل می شود و «آرامش» فانی اولیای شهید « مهر پنجم » با رستاخیز آنان پایان می یابد. از سال 1843 و به ویژه از سال 1994، کار تقدیس انجام شده توسط خداوند آن را بیهوده می کند، مرگ برگزیدگان واقعی که تا ساعت بازگشتش زنده و وفادار ماندند و پایان زمان فیض که قبل از آن است، آن را بیشتر می کند. بلا استفاده.

آیه 15: « به همین دلیل آنها در برابر تخت خدا هستند و شبانه روز در معبد او را خدمت می کنند. هر که بر تخت بنشیند، خیمه خود را بر سر آنها خواهد بست »

ما درک می کنیم که از نظر خدا، این نوع برگزیدگان نشان دهنده یک نخبگان بالا هستند. به او افتخارات ویژه ای خواهد داد. در این آیه، روح از دو زمان صرف، حال و آینده استفاده می کند. افعال صرف در زمان حال « آنها هستند » و « خدمت او » استمرار رفتار آنها را در بدن جسمانی آنها که معبد خدایی است که در آنها ساکن است آشکار می کند. و این عمل پس از ربوده شدن آنها توسط عیسی مسیح در بهشت ادامه خواهد یافت. در زمان آینده، خداوند پاسخ خود را به وفاداری آنها می دهد: « هر که بر عرش است، خیمه خود را تا ابد بر سر آنها خواهد زد ».

آیه 16: « دیگر گرسنه نخواهند بود و تشنه نخواهند شد، نه آفتاب به آنها خواهد زد و نه گرما این کلمات برای ادونتیسیم های منتخب آخر به این معنی است که آنها « گرسنه » بودند، زیرا از غذا محروم شده بودند و « تشنه » بودند، زیرا شکنجه گران و زندانبانانشان از آب محروم کردند. « آتش

خورشید» که «حرارت» آن در چهارمین آفت از هفت بلای آخر خداوند تشدید می‌شود، آنها را می‌سوزاند و باعث رنجشان می‌شود. اما با آتش سوزان نفتیش عقاید پایی، نوع دیگر «گرما» بود که شهدای «مهر پنجم» سوخته یا شکنجه شدند. واژه گرما نیز مربوط به آتش سلاح های متعارف و اتمی است که در متن ترومپت ششم استفاده می‌شود. بازماندگان این درگیری آخر از آتش عبور کرده اند. این چیزها هرگز در زندگی ابدی که فقط برگزیدگان وارد آن خواهند شد، تکرار نخواهند شد.

آیه 17: «زیرا بره ای که در میان تخت است، آنها را سیر می‌کند و به چشمه های آب حیات» خواهد برد و خدا هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد کرد

بره "در واقع همان شبان خوب است که گوسفندان محبوب خود را شبانی خواهد کرد. الوهیت" او در اینجا مجدداً با موقعیت او در "میان تاج و تخت" تأیید می‌شود. قدرت الهی او، برگزیدگان را «به چشمه های آب های حیات» هدایت می‌کند، تصویری نمادین از زندگی ابدی. و با هدف قرار دادن زمینه نهایی که در بازگشت، آخرین برگزیدگان اشک می‌ریزند، «هر اشکی را از چشمانشان پاک می‌کند». اما اشک همچنین بخشی از بدرقتاری و آزار و اذیت همه برگزیدگان او در طول تاریخ دوران مسیحیت بوده است، اغلب تا آخرین نفس.

توجه: علی‌رغم ظواهر گمراه کننده‌ای که در زمان ما در سال 2020 مشاهده شد، که به نظر می‌رسد ایمان واقعی در آن ناپدید شده است، خداوند تبدیل و نجات «تعداد زیادی» را که از همه ریشه‌های نژادی، قومی و زبانی زمین آمده‌اند، پیش‌گویی می‌کند. این یک امتیاز واقعی است که او به مقامات منتخب خود می‌دهد که بدانند، طبق مکاشفه 9: 5-10، زمان تفاهم و صلح جهانی دینی تنها برای "150" سال توسط او برنامه ریزی شده است. (یا پنج نبوی). ماه) بین سالهای 1844 و 1994. این معیار متمایز از برگزیدگان واقعی توسط روح در پیام خود از مکاشفه 8: 17 ذکر شده است: «جانوری که دیدید بود و دیگر نیست. او باید از پرتگاه بالا رود و به سوی هلاکت برود. و ساکنان روی زمین که نامشان از آغاز جهان در کتاب حیات نوشته نشده است، با دیدن وحش تعجب خواهند کرد، زیرا او بود و دیگر نیست، و دوباره ظاهر خواهد شد. برگزیدگان واقعی وقتی ببینند که چیزهایی که خدا از طریق کلام نبوی خود به آنها اعلام کرده است، به وقوع می‌پیوندند، شگفت زده خواهند شد

مکاشفه 8: چهار شیپور اول

چهار عذاب اول خداوند

« آیه 1: » وقتی مهر هفتم را گشود، حدود نیم ساعت در آسمان سکوت برقرار شد باز کردن « مهر هفتم » بسیار مهم است، زیرا اجازه می‌دهد کتاب مکاشفه « مهر شده با هفت مهر » مطابق مکاشفه ۱: ۵ باز شود. سکوتی که این گشایش را نشان می‌دهد، به کنش وقار استثنایی می‌بخشد. دو توجیه دارد. اولی ایده گسست رابطه بین آسمان و زمین است که ناشی از ترک سبت در 7 مارس 321 است. دومی به شرح زیر توضیح داده شده است: با ایمان، من این "مهر هفتم" را با "مهر" می‌شناسم. مهر خدای زنده « از فصل 7 که به نظر من، سبت مقدس را مشخص می‌کند که خدا از ابتدای جهان تقدیس کرده است. او اهمیت آن را با قرار دادن آن در چهارمین فرمان از ده فرمان خود یادآور شد. و در آنجا، شواهدی را کشف کردم که اهمیت فوق‌العاده آن را برای خدا، خالق متعالی ما، آشکار می‌سازد. اما قبلاً در حساب پیدایش، متوجه شدم که روز هفتم به طور جداگانه در فصل 2 ارائه شده است. شش روز اول در فصل 1 بررسی شده است. علاوه بر این، روز هفتم، مانند روزهای قبلی، با فرمول " وجود داشت " بسته نشده است. عصر و صبح ». این ویژگی با نقش پیامبرانه آن در هزاره هفتم پروژه نجات خداوند توجیه می‌شود. هزاره هفتم که تحت علامت ابدیت برگزیدگانی که با خون عیسی مسیح رستگار شده‌اند، خود مانند یک روز بدون پایان است. در تأیید این موارد، در ارائه خود در کتاب مقدس عبری، تورات، متن فرمان چهارم از سایرین جدا شده و قبل از آن علامتی وجود دارد که از زبان عبری است و بنابراین جدا شده که "Pé" زمان سکوت محترمانه را می‌طلبد. این علامت حرف را می‌گیرد. بنابراین، استراحت تعطیلات روز هفتم "pétuhot" نشان دهنده شکست در متن است، نام هر گونه توجیهی را برای مشخص شدن توسط خدا به شیوه ای خاص دارد. از بهار 1843، این امر باعث از بین رفتن ایمان سنتی پروتستان، وارث "یکشنبه" کاتولیک شده است. و از همان مصیبت، اما به او می‌دهد. ممکن است بدانند که من Ezé در پاییز 1844، بار دیگر به نشانه تعلق به خدا تبدیل شد که

یهوه هستم که آنها را تقدیس می‌کنم.../... شبت‌های من را تقدیس کنید، و آنها ممکن است نشانه‌ای بین من و شما باشند که به وسیله آن معلوم شود که من یهوه، خدای شما هستم. « تنها از طریق او است که فرد برگزیده می‌تواند پس از آن وارد راز خدا شود و برنامه دقیق پروژه مکشوف خود را کشف کند.

گفته شد، در فصل 8، خداوند توالی پیام‌های نفرین را برمی‌انگیزد. این امر مرا وادار می‌کند تا به حقیقت سبت از جنبه لعنت‌هایی بنگرم که ترک آن توسط مسیحیان از 7 مارس 321، در سراسر دوران مسیحیت در زنجیر به وجود آمده است. این همان چیزی است که آیه ای که می‌آید با پیوند دادن موضوع سبت به « هفت شیپور »، نمادهای «هفت عذاب الهی» که به کافر مسیحیان در 7 مارس 321 ضربه می‌زند، تأیید می‌کند.

« آیه 2: « و هفت فرشته را دیدم که در حضور خدا ایستاده بودند و هفت شیپور به آنها داده شد اولین امتیازی که با تقدیس سبت روز هفتم به دست می‌آید، که خود توسط خداوند تقدیس شده است، درک معنایی است که او به موضوع «هفت شیپور» می‌دهد. با شکل رویکردی که به آن داده شده است، این موضوع به طور کامل هوش فرد انتخاب شده را باز می‌کند. زیرا اثبات اتهام « گناه » ذکر علیه مجمع مسیحیان، توسط خداوند است. در واقع، اگر این گناه وجود نداشت، این Dan.8:12 شده در «هفت عذاب» از سوی خدا اعمال نمی‌شد. علاوه بر این، در پرتو لاویان 26، این مجازات‌ها با نفرت از احکام او توجیه می‌شوند. در عهد قدیم، خدا قبلاً همین اصل را اتخاذ کرده بود، تا گناه اسرائیل بدنی بی‌وفا و فاسد را مجازات کند. خدای خالق و قانونگذار که تغییر نمی‌کند، دلیل زیبایی بر این امر به ما می‌دهد. هر دو عهد تابع شرایط یکسانی یعنی اطاعت و وفاداری هستند.

دسترسی به موضوع " ترومیت " امکان نشان دادن محکومیت‌های پی در پی همه ادیان مسیحی را فراهم می‌کند: کاتولیک، ارتدوکس، پروتستان از سال 1843، اما همچنین ادونتیسست‌ها از سال 1994. همچنین مجازات جهانی "ششمین شیپور" را آشکار می‌کند. قبل از پایان دوره آزمایشی آنها را با هم جمع کنید. بنابراین می‌توانیم اهمیت آن را بسنجیم. « هفتمین شیپور » مرتبط با بازگشت مسیح، عمل مستقیم خدا، به طور جداگانه، مانند سبت، در فصل 11 مورد بررسی قرار خواهد گرفت، سپس به طور گسترده در فصل‌های 18 و 19 توسعه خواهد یافت.

در طول 17 قرن گذشته از 321، یا دقیق‌تر از 1709 سال، 1522 سال با نفرین‌های ناشی از برنامه ریزی شده بود، Dan.8:14 تخطی از سبت تا زمان بازسازی آن که برای سال 1843 در فرمان مشخص شده است. و از آن تاریخ بازسازی تا بازگشت عیسی مسیح در سال 2030، سبت فقط 187 سال برکت خود را ارائه کرد. بنابراین، سبت برای مدت طولانی‌تری برای مردان بی‌وفا ضرر داشته است تا منتخب وفادار. نفرین پیروز می‌شود و بنابراین این موضوع در این فصل 8 که نفرین‌های الهی را ارائه می‌دهد، جای خود را دارد.

آیه 3: « و فرشته دیگری آمد و بر مذبح ایستاده بود و سوزاننده طلایی داشت. و عود بسیار به او دادند تا با دعای همه مقدسین بر مذبح طلایی که در مقابل تخت است بگذراند

در دانیال 8:13، پس از استناد به « گناه ویرانگر»، قدیسین رؤیا « ابدی » را که مربوط به « کهنات غیرقابل ارتباط » «آسمانی» عیسی مسیح، مطابق عبرانیان 7:23 بود، تداعی کردند. بر روی از بین برده است. در سال 1843، آشتی با Dan.8:11 زمین، از سال 538، رژیم پاپ آن را بر اساس عیسی مسیح مستلزم جبران آن بود. این هدف موضوعی است که در این آیه 3 به آن می‌پردازیم که بهشت را می‌گشاید و عیسی مسیح را در نقش نمادین خود به عنوان شفیع کاهن اعظم آسمانی برای گناهان برگزیدگانش و تنها آنها نشان می‌دهد. به خاطر داشته باشید که بر روی زمین، بین سال‌های 538 تا 1843، این صحنه و این نقش توسط فعالیت پاپ‌های کاتولیک رومی که در طول زمان جانشین یکدیگر می‌شوند، تقلید شده و غصب می‌شوند و دائماً خدا را از حق برتر مشروع او ناامید می‌کنند.

از آنجا که در این فصل 8 ارائه شده است و به دلیل اینکه هم‌زمان با ترک روز سبت متوقف شد، این مضمون شفاعت عیسی مسیح نیز تحت عنوان نفرین توقف این شفاعت برای مسیحی به ما ارائه می‌شود. انبوهی از قربانیان ناخودآگاه «روز خورشید» رومی بت پرست. این، حتی و به ویژه، پس از تغییر نام فریبده و فریبده آن: «یکشنبه»: روز پروردگار. بله، اما از کدام ارباب؟ افسوس! اون زیر

« آیه 4: « دود بخور با دعای اولیای الهی از دست فرشته در حضور خدا بالا رفت

عطرهای « همراه با «دعاهای قدیسان» نماد بوی مطبوع قربانی عیسی مسیح است. این « نمایش عشق و وفاداری اوست که دعای برگزیدگانش را مورد قبول قضای الهی او قرار می‌دهد. در این

آیه باید به اهمیت ارتباط دود و دعای اولیای الهی توجه کنیم. این جزئیات در مکاشفه 9:2 برای تعیین دعاهاى مسیحیان پروتستان دروغین، از زمان ایجاد وضعیت جدید در سال 1843، استفاده خواهد شد.

آنچه خداوند در این آیه بیان می کند وضعیتى است که بین زمان رسولان و تاریخ ملعونه 7 مارس 321 حاکم بود. این یک تصویر آموزشی است که نشان می دهد رابطه عمودی بین خدا و برگزیدگانش حفظ می شود. تا زمانی که آنها به وفاداری به شخص او و تعلیم حقیقت او شهادت دهند، تا سال 321 چنین خواهد بود. در سال 1843، کشیشی عیسی تمام فعالیت های مبارک خود را به نفع قدیسان منتخب ادونتیست از سر خواهد گرفت. با این حال، بین سال های 321 تا 1843، اصلاح طلبان از عفو او بهره مند شدند، مانند اصلاح طلبان دوران تیاتیرا.

آیه 5: « و فرشته مشعل را گرفت و آن را از آتش مذبح پر کرد و بر زمین افکند. و صداها و رعد و برق و زلزله آمد

عمل توصیف شده به وضوح خشونت آمیز است. این عیسی مسیح در پایان خدمت شفاعت خود است که زمان پایان زمان فیض فرا می رسد. نقش "مذبح" به پایان می رسد و " آتش " تصویر مرگ کفار عیسی مسیح " روی زمین " انداخته می شود و از کسانی که آن را دست کم گرفته اند و برای برخی تحقیر شده اند، مجازات می خواهد. پایان جهان که با مداخله مستقیم خدا مشخص شده است در آشکار شده است، برانگیخته می شود. نمای کلی Exo.19:16 اینجا با فرمول کلیدی که در مکاشفه 4:5 و دوران مسیحیت با ظهور «آدونتیست» عیسی مسیح به پایان می رسد.

همانند روز سبت، موضوع شفاعت آسمانی عیسی مسیح تحت جنبه نفرین داوری او بین سال های 321 تا 1843 ارائه می شود. مقدسینی که روح را درباره او زیر سؤال می برند، در دلایل خوبی برای این موضوع داشتند. می خواهم بدانم چه زمانی کشیشی « ابدی » توسط Dan.8:13 عیسی مسیح تصاحب می شود.

نکته : بدون زیر سوال بردن تفسیر قبلی، توضیح دوم منطقی است. در این تفسیر دوم، پایان موضوع شفاعت عیسی مسیح را می توان به تاریخ 7 مارس 321 مرتبط کرد، لحظه ای که ترک روز سبت توسط مسیحیان باعث شد خداوند وارد خشم شود که توسط غربی ها جبران می شود. مسیحیت با استفاده از « هفت شیپور » که از آیه 6 آمده است. این توضیح مضاعف بیش از پیش موجه است زیرا ترک سبت عواقبی دارد تا پایان جهان، در سال 2030، سالی که با بازگشت مشهود باشکوه خود، عیسی مسیح برای همیشه از رژیم پاپی روم و آخرین آمریکایی آن حذف خواهد شد. حمایت پروتستان، ادعای دروغین آنها برای خدمت و نمایندگی از او. سپس عیسی عنوان خود را به عنوان " رئیس " کلیسای غصب شده توسط پاپ از سر خواهد گرفت. در واقع، برخلاف برگزیدگان وفادار، مسیحیان کافر سقوط کرده، فرمان دان.8:14 و پیامدهای آن را تا پایان جهان نادیده خواهند گرفت. که طبق تعالیم مکاشفه 6:15-16، وحشت آنها را هنگام بازگشت عیسی توجیه می کند. قبل از سال 2030، شش " شیپور " اول بین 321 تا 2029 انجام خواهد شد. با " ششمین شیپور "، آخرین مجازات هشدار دهنده قبل از نابودی نهایی، خداوند مسیحیان سرکش را به شدت مجازات می کند. پس از این ششمین مجازات، او شرایط آخرین آزمون جهانی ایمان را سامان می دهد و در این زمینه، نور آشکار شده برای همه بازماندگان اعلام و شناخته می شود. در مواجهه با حقیقتی آشکار است که برگزیدگان و سقوط کرده ها با انتخاب آزادانه خود، در مواجهه با خطر مرگ به سوی سرنوشت نهایی خود پیش می روند که عبارت است از: . زندگی ابدی برای برگزیدگان، مرگ قطعی و مطلق. برای افتادگان

« آیه 6: « و هفت فرشته که هفت شیپور را به صدا درآورده بودند

از این آیه، روح به ما نمای کلی جدیدی از دوران مسیحیت ارائه می کند و مضمون آن « هفت شیپور » یعنی «هفت مجازات متوالی» است که از 7 مارس 321، سالی که در آن « گناه » در سراسر دوران مسیحیت توزیع شده است. به صورت رسمی و مدنی تأسیس شد. به یاد می آورم که در مقدمه مکاشفه 1، «صدای» مسیح خود از قبل با صدای « شیپور » مقایسه می شود. این ابزاری که برای هشدار دادن به مردم در اسرائیل استفاده می شود، معنای کامل مکاشفه آخرالزمان را در خود دارد. هشدار در مورد تله هایی که توسط دشمن ایجاد شده است.

آیه 7: « اولین زنگ زد. و تگرگ و آتش آمیخته به خون آمد که بر زمین ریخته شد. و یک سوم زمین سوخت و یک سوم درختان سوخت و هر گیاه سبز سوخت

مجازات اول: بین سالهای 321 تا 538 با تهاجمات مختلف مردمان به اصطلاح "بربر" به امپراتوری روم انجام شد. من به‌ویژه مردم «هون‌ها» را به یاد می‌آورم که رهبرشان آتیلا می‌گفت که او به درستی «مصائب خدا» است. بلایی که بخشی از اروپا را به آتش کشید. شمال گال، شمال ایتالیا و پانونیا (کرواسی و غرب مجارستان). شعار او این بود که چه معروف! "از آنجا که اسب من می‌گذرد، علف‌ها دوباره رشد نمی‌کنند." اعمال او کاملاً در این آیه 7 خلاصه شده است: هیچ چیز کم نیست، همه چیز آنجاست. تگرگ نماد ویرانی محصولات کشاورزی و آتش نماد نابودی مواد مصرفی است. و البته «خون ریخته شده بر زمین» نماد کشته شدن خشونت‌آمیز جان انسانهاست. فعل "پرتاب" نشان دهنده خشم خالق، قانونگذار و نجات‌دهنده خداوند است که پس از "پرتاب آتش از قربانگاه" در آیه 5، عمل را الهام می‌کند و هدایت می‌کند.

در همان زمان، در لاویان 26:14 تا 17 می‌خوانیم: «اما اگر به من گوش ندهی و همه این احکام را انجام ندهی، اگر فرایض من را تحقیر کنی، و اگر روح از احکام من بیزار باشد، تو همه اوامر مرا انجام نده و عهد مرا نشکنی، آنگاه این را با تو خواهم کرد. من بر شما وحشت و مصرف و تب خواهم فرستاد که چشمان شما را خشک و روح شما را رنج می‌دهد. و بذر خود را بیپوده خواهی کاشت و دشمنانت آنها را خواهند خورد. روی خود را بر ضد تو خواهم نشانند و تو در برابر دشمنانت شکست خواهی خورد. کسانی که از شما متنفرند بر شما حکومت خواهند کرد و شما بدون تعقیب فرار خواهید کرد.»

آیه 8: «دوم زنگ زد. و چیزی شبیه کوه بزرگی که در آتش می‌سوزد به دریا انداخته شد. و یک سوم دریا به خون تبدیل شد»

مجازات دوم: کلید این تصاویر در ارم. 24:25-51 آمده است: «یَهُوه می‌گوید: «یهوه می‌گوید: «من بابل و تمامی ساکنان کده را به‌خاطر تمام بدی‌هایی که در برابر چشمان شما به صهیون کرده‌اند، جبران خواهم کرد. خداوند می‌گوید، ای کوه نابودی، من بر ضد تو هستم، ای که تمام زمین را ویران کردی! دستم را به سوی تو دراز می‌کنم، تو را از صخره‌ها به پایین می‌غلطانم و تو را کوهی از آتش می‌سازم.» در این آیه 8 است که روح رژیم پاپ روم را تحت نام نمادین خود «بابل» که به شکل «بابل عالی» در مکاشفه 14:8، 17:5 و 18:2. «آتش» به شخصیت او می‌چسبد و به همان اندازه آنچه را که در بازگشت مسیح و آخرین قضاوت او را می‌سوزاند، تداعی می‌کند، به همان اندازه که برای برافروختن نفرت کسانی که او را تأیید و حمایت می‌کنند: پادشاهان اروپایی و مردم کاتولیک آنها استفاده می‌کنند. . . در اینجا نیز مانند دانیال، «دریا» نمایانگر بشریتی است که با پوشش نبوی مرتبط است. انسانیت مردمان گمنامی که اساساً علیرغم تغییر دین مسیحی ظاهراً بت پرست باقی ماندند. اولین پیامد استقرار رژیم پاپی در سال 538 حمله به مردم به منظور تغییر مذهب توسط نیروی نظامی مسلح بود. کلمه "کوه" یک مشکل جغرافیایی قدرتمند را نشان می‌دهد. مناسب است رژیم پاپی را که دشمن خداست، با اراده الهی او برانگیخته است، تعریف کنیم. این امر به منظور سخت‌تر کردن زندگی مذهبی مسیحیان خیانتکار که منجر به آزار و اذیت، رنج و مرگ در بین آنها و افراد خارج از ادیان مختلف می‌شود. دین اجباری به دلیل تخطی از سبت مقدس خداوند امری بدیع است. ما قتل عام‌های بیپوده تغییر مذهب اجباری توسط شارلمانی و دستورات جنگ‌های صلیبی علیه مردم مسلمان را مدیون او هستیم که توسط پاپ اوربان دوم انجام شد. همه چیز در این «شیپور دوم» پیشگویی شد.

« . آیه 9: «و تلت جاندارانی که در دریا بودند مردند و تلت کشتی‌ها هلاک شدند»

عواقب آن جهانی است و تا پایان جهان ادامه خواهد داشت. واژه‌های «دریا» و «کشتی» در درگیری‌ها با مسلمانان دریای مدیترانه، و همچنین با مردم آفریقا و آمریکای جنوبی که مذهب فاتح کاتولیک تحمیل شده، باعث کشتارهای وحشتناک جمعیت‌های بومی خواهد شد، معنای خود را پیدا می‌کند.

در همان زمان در لاویان 26:18 تا 20 می‌خوانیم: «اگر با وجود این به من گوش ندهی، هفت برابر بیشتر تو را به خاطر گناهانت مجازات خواهم کرد. غرور قدرتت را خواهم شکست و آسمانت را آهن و زمینت را مفرغ خواهم ساخت. نیروی تو بیپوده تمام خواهد شد، زمین تو محصول خود را نخواهد داد و درختان زمین میوه خود را نخواهند داد.» در این آیه خداوند از سخت‌گیری مذهبی خبر می‌دهد که در عصر مسیحیت با عبور روم از بت پرستی به پاپی انجام می‌شود. اجازه دهید توجه داشته باشیم که به مناسبت این تغییر، سلطه روم "کاپیتول" را رها کرد تا پاپ را در کاخ لاتران که دقیقاً بر روی

یعنی آسمان قرار دارد، نصب کند. رژیم خشن پاپ سختگیری مذهبی پیشگویی شده را تأیید، "Caelius" می کند. ثمره ایمان مسیحی تغییر می کند. ملائمت مسیح با پرخاشگری و ظلم جایگزین می شود. و وفای به حق تبدیل به کفر و غیرت به باطل دینی می شود.

آیه 10: سومین زنگ زد. و ستاره بزرگی از آسمان افتاد که مانند مشعل می سوزد. و بر یک « سوم رودخانه ها و چشمه های آب افتاد

مجازات سوم: شر ایجاد شده تشدید می شود و در اواخر قرون وسطی به اوج خود می رسد. پیشرفت در چاپ مکانیکی به انتشار کتاب مقدس کمک کرد. با خواندن آن، مقامات منتخب حقایقی را که آن آموزش می دهد کشف می کنند. بنابراین او نقش « دو شاهد » را که خدا در مکاشفه 11:3 به او می دهد توجیه می کند: « من به دو شاهد خود، با لباس گونی، به مدت هزار و دویست و شصت روز، قدرت پیشگویی خواهم داد. » ایمان کاتولیک با حمایت از جزمات مذهبی خود، تنها به کتاب مقدس برای توجیه نام مقدسانی که رعایای خود را می پرستند، تکیه می کند. زیرا داشتن کتاب مقدس توسط آن محکوم است و دارنده آن را در معرض شکنجه و مرگ قرار می دهد. این کشف حقیقت کتاب مقدس است که تصویر ارائه شده در این آیه را توجیه می کند: " و ستاره بزرگی از آسمان فرو افتاد که مانند مشعل می سوزد. " آتش همچنان به تصویر رم می چسبد که این بار با یک " ستاره آتشین بزرگ " مانند " کوه بزرگ سوزان " نماد آن است. کلمه " ستاره " ادعای خود را مبنی بر " روشن کردن زمین " از نظر مذهبی مطابق با پیدایش 1:15 نشان می دهد. و این به نام عیسی مسیح، که او ادعا می کند که تصویر " با آن مقایسه شده است. او هنوز هم مثل زمانی Apo.21:23 مشعل " واقعی است، نور حاملی که او در که شروع کرد « بزرگ » است، اما آتش آزار و اذیت او تشدید شده است و از حالت « سوختن » به حالت « سوختن » رفته است. توضیح ساده است، توسط کتاب مقدس محکوم شده است، خشم او بیشتر است زیرا او مجبور است آشکارا با برگزیدگان خدا مخالفت کند. که طبق مکاشفه 12: 15-16 آن را وادار می کند از استراتژی "مار" حيله گر و فریبنده به استراتژی "اژدها" که آشکارا آزار دهنده است، حرکت کند. دشمنان آن نه تنها برگزیدگان صلح جو و مطیع خداوند هستند، بلکه در مقابل آن یک پروتستانتیسم کاذب نیز وجود دارد، بیشتر سیاسی تا مذهبی، زیرا دستورات عیسی مسیح را نادیده می گیرد و اسلحه به دست می گیرد، می کشد و می کشد و به اندازه اردوگاه کاتولیک ها قتل عام کرد. « سوم رودخانه ها »، یعنی بخشی از جمعیت اروپای مسیحی، و « چشمه های آب » مورد تجاوز کاتولیک ها قرار گرفتند. الگوی این چشمه های آب، خود خداوند است، مطابق یر.2: 13: « زیرا قوم من گناهی مضاعف مرتکب شده اند: مرا که چشمه ای از آب زنده هستم، رها کرده اند تا برای خود آب انبارها، آب انبارهای ترک خورده حفر کنند. که آب را در خود نگه نمی دارند. » در جمع، در این آیه، روح برگزیدگانی را که به صورت خدا شکل گرفته اند، با « چشمه های آب » تعیین می کند. یوحنا 7:38 تأیید می کند، و می گوید: " هر که به من ایمان آورد، همانطور که کتاب مقدس می گوید، نهرهای آب زنده از او جاری خواهد شد. " « این عبارت همچنین اشاره به انجام تعمیم کودکانی دارد که از بدو تولد بدون مشورت، برچسب مذهبی دریافت می کنند که آنها را تابع یک امر مذهبی ناگزیر می کند. وقتی بزرگ می شوند، روزی اسلحه به دست می گیرند و مخالفان را می کشند، زیرا آداب مذهبی آن ها را می طلبد. کتاب مقدس این اصل را محکوم می کند زیرا می گوید: " هر که ایمان بیاورد و تعمیم یابد نجات خواهد یافت، اما هر که ایمان نیاورد محکوم خواهد شد (مرقس 16:16)

آیه 11: « نام این ستاره افسنطین است. و یک سوم آنها به افسنطین تبدیل شد و بسیاری از مردم « در کنار آب مردند، زیرا آنها تلخ شده بودند

در تقابل با آب خالص و تشنگی که کتاب مقدس، کلام مکتوب خدا را مشخص می کند، آموزه های کاتولیک با « افسنطین »، نوشیدنی تلخ، سمی و حتی کشنده مقایسه می شود. این امر موجه است زیرا نتیجه نهایی این آموزه آتش " مرگ دوم آخرین داوری " خواهد بود. بخشی، « یک سوم » از مردان، با آموزه های کاتولیک یا پروتستان کاذب دریافت شده، دگرگون می شوند. " آب ها " هم انسان هستند و هم آموزه های کتاب مقدس. در قرن شانزدهم، گروه های مسلح پروتستان از کتاب مقدس و آموزه های آن سوء استفاده کردند و در تصویر این آیه، مردان توسط مردان و آموزه های دینی نادرست کشته شدند. دلیلش این است که مردان و آموزه های دینی تلخ شده اند. خدا با اعلام این که " آب ها تلخ شده اند " پاسخی به اتهام " ظن حسادت " می دهد که از زمان مکاشفه 6:6 در مهر 3 حل نشده باقی مانده است. او در

زمانی که کلام مکتوبش به این کار می رسد، اتهام زنای محصنه را که از 7 مارس 321 علیه مجلس مطرح می کند، تأیید می کند که قبل از زمان زناي رسمی به نام پرگاموم در آيو 2:12 برای 538 بود.

در همان زمان، در لاويان 21:26-22 می خوانيم: « اگر در مقابل من مقاومت کنی و به من گوش ندهی، بر حسب گناهانت هفت برابر بیشتر تو را خواهم زد. جانوران صحرا را بر ضد تو خواهم فرستاد که فرزندان را از تو می ربایند، دام هایت را نابود می کنند و شما را به تعداد اندک می اندازند. و سومین شیپور مکاشفه، قضاوتی را که Lev.26 و راه های تو متروک خواهد شد. « مطالعه موازی خداوند در آغاز زمان اصلاحات انجام می دهد، آشکار می کند. برگزیدگان واقعی آن صلح آمیز و مستعفی می مانند و مرگ یا اسارت را به عنوان شهادت واقعی می پذیرند. اما جدای از نمونه عالی آنها، او فقط "جانوران" بی رحمانه ای را می بیند که اغلب از روی غرور شخصی با یکدیگر روبرو می شوند و با سبعیت حیوانات وحشی گوشتخوار انسان ها را می کشند. این ایده در مکاشفه 13: 1 و 11 شکل خواهد گرفت. اوج زمانی است که در هنجار مصیبت، برگزیده "به بیابان" (= محاکمه) در مکاشفه 12: 6 هدایت می شود - 14 با کتاب مقدس "دو شاهد" خدا از مکاشفه 3: 11. سلطنت نابردبار پاپ که برای 1260 سال پیشگویی شده بود به پایان خواهد رسید.

آیه 12: چهارمین زنگ زد. و ثلث خورشید و ثلث ماه و ثلث ستارگان ضربه خورد، به طوری « که یک سوم تاریک شد و روز یک سوم نور خود را از دست داد و شب نیز همینطور

مجازات چهارم: روح در اینجا "مصیبت بزرگ" اعلام شده در مکاشفه 22:2 را به تصویر می کشد. در نمادها، تأثیرات خود را برای ما آشکار می کند: تا حدی «خورشید»، نماد نور خدا، زده می شود. همچنین تا حدی «ماه» نماد اردوگاه مذهبی تاریکی که در سال 1793 مربوط به کاتولیک های ریاکار و پروتستان ها بود نیز مورد اصابت قرار گرفت. در زیر نماد "ستارگان"، بخشی از مسیحیان که برای روشنگری زمین خوانده شده اند نیز به صورت جداگانه زده می شوند. در این صورت چه کسی می تواند به نور دینی مسیحی راستین و کاذب ضربه بزند؟ پاسخ: ایدئولوژی الحاد را نور بزرگ زمان می دانست. نور آن همه را تحت الشعاع قرار می دهد. نویسندگانی که در این زمینه کتاب می نویسند، بسیار مورد توجه قرار می گیرند و خود "روشنگران" نامیده می شوند، مانند ولتر و مونتسکیو. با این حال، این نور، اولاً زندگی انسان را در زنجیره ای از بین می برد و جریان های خون می ریزد. پس از سر پادشاه لویی شانزدهم و همسرش ماری-آنتوانت، تمرین کنندگان کاتولیک و پروتستان به نوبه خود تحت گیوتین انقلابیون قرار گرفتند. این عمل عدل الهی، الحاد را توجیه نمی کند؛ اما هدف وسیله را توجیه می کند و خداوند تنها با ستمگری برتر، قدرتمندتر و قوی تر، ظالمان را سرنگون می کند. «قدرت و قدرت» در مکاشفه 7:12 متعلق به خداوند است.

در عین حال در لاويان 23:26 تا 25 می خوانيم: « اگر این مجازات ها شما را اصلاح نکند و اگر در مقابل من مقاومت کنید، من نیز در مقابل شما مقاومت می کنم و هفت برابر بیشتر به خاطر گناهانتان می زنم. من شمشیری را بر تو خواهم آورد که انتقام عهد من را خواهد گرفت. هنگامی که در شهرهای خود جمع شوید، طاعون در میان شما خواهد فرستاد و به دست دشمن تسلیم خواهید شد. " شمشیری که انتقام اتحاد من را خواهد گرفت " در واقع نقشی است که خداوند به رژیم ملحد فرانسه با تحویل سران مجرم زناي معنوی مرتکب شده علیه رژیم به آن داد. این رژیم ملحد مانند طاعون آیه، اصل اعدام دسته جمعی را به راه انداخت که جلادان دیروز قربانیان فردا شدند. بر اساس این اصل، به نظر می رسد که این رژیم جهنمی تمام بشریت را در معرض مرگ فرو می برد. به همین دلیل است که خدا در مکاشفه 7: 11 به او نام «پرتگاه»، «جانوری که از ورطه برمی خیزد» خواهد داد، جایی که او این نام زمین بدون حیات، بدون شکل، آشفته و Gen.1:2 موضوع خود را توسعه می دهد. زیرا در آشفته را نشان می دهد که در درازمدت، تخریب سیستماتیکی که توسط رژیم ملحد انجام می شود، باز تولید می کند. به عنوان مثال، ما سرنوشت واندی کاتولیک و سلطنت طلب را می یابیم که توسط انقلابیونی که پروژه شان تبدیل آن به سرزمینی متروک و خالی از سکنه بود، به «انتقام» تغییر نام داد.

آیه 13: « و نگرستم و شنیدم که عقای در وسط آسمان پرواز می کند و با صدای بلند می گوید: «وای، وای، وای بر ساکنان زمین، از صدای دیگر شیپورهای سه فرشته. که زنگ خواهد زد

انقلاب فرانسه آثار مرگبار خود را به همراه داشت اما به هدف مورد نظر خداوند دست یافت. به استبداد دینی پایان داد و پس از آن تساهل حاکم شد. این زمانی است که، طبق مکاشفه 3: 13، «جانور دریا» کاتولیک به دلیل قدرت قدرتمند «عقاب» ناپلئونی که در این آیه ارائه شده است، «مرگ زخمی

شد اما شفا یافت» از طریق کنکوردات خود. " ... یک عقاب در وسط آسمان پرواز می کند " نماد اوج سلطه امپراتور ناپلئون اول است. او سلطه خود را بر تمام مردم اروپا گسترش داد و در برابر روسیه شکست خورد. این انتخاب دقت زیادی در تاریخ‌گذاری رویدادها به ما ارائه می‌دهد، بنابراین دوره 1800 تا 1814 پیشنهاد می‌شود. پیامدهای عظیم این سلطنت معیار محکمی را تشکیل می‌دهد که بدین ترتیب ورود به تاریخ مهم دانیال 8:14، 1843 را توجیه می‌کند. پس از او، ایمان جهانی مسیحی وارد زمانی می‌شود که توسط خدا توسط سه بزرگ مورد ضرب و شتم قرار خواهد گرفت " بدبختی ها ". سه بار تکرار شده، درباره کمال « بدبختی » است. به این دلیل که با ورود به سال 1843، همانطور که مکاشفه 3:2 تعلیم می‌دهد، خداوند از مسیحیان که مدعی نجات عیسی مسیح هستند، می‌خواهد که در نهایت اصلاحات آغاز شده از 1170 را تکمیل کنند، تاریخی که پیر والدو حقیقت کتاب مقدس را به طور کامل احیا کرد و آنها "کامل" را تولید کردند. آثار "؛ این کمال در مکاشفه 3: 2 و فرمان دانیال 8: 14 مورد نیاز است. پیامدهای ورود آن به کاربرد در اینجا به شکل سه " بدبختی " بزرگ ظاهر می‌شود که اکنون جداگانه بررسی خواهیم کرد. باز هم یادآوری می‌کنم که آنچه این دوره صلح مذهبی را به طور متناقض به یک « بدبختی » بزرگ تبدیل می‌کند، میراث بی‌خدایی ملی فرانسه است که در اذهان انسان‌های غربی نفوذ می‌کند و تا پایان جهان خواهد بود. این به آنها کمک نمی‌کند تا اصلاحات مورد نیاز خدا از سال 1843 را به انجام برسانند. اما قبلاً « مهر ششم » مکاشفه 6:13 اولین مورد از این « بدبختی ها » را با تصویر « ستارگان در حال سقوط » در مقایسه با انجیر سبز "، بنابراین بلوغ معنوی کامل مورد نیاز خداوند از سال 1843 را نپذیرفت. و علامت آسمانی هشدار خداوند در 13 نوامبر 1833 در کنار زمان پیشنهادی اعلام سه نفر بزرگ داده شد. مصیبت های آیه مورد مطالعه روح در مکاشفه خود، تعبیر « ساکنان زمین » را برای تعیین انسانهایی که توسط سه نفر بزرگ هدف قرار گرفته اند، تداعی می‌کند. " بدبختی " را پیشگویی کرد. روح که از خدا جدا شده و به دلیل بی‌ایمانی و گناه آنها جدا شده است، آنها را به " زمین " متصل می‌کند. در مقابل، عیسی برگزیدگان وفادار واقعی خود را با تعبیر « شهروندان ملکوت آسمان » معرفی می‌کند. وطن آنها " زمین " نیست بلکه " آسمان " است که عیسی " مکانی " را برای آنها مطابق یوحنا 14: 2-3 آماده کرد. بنابراین هر بار که این عبارت « ساکنان زمین » در آخرالزمان ذکر می‌شود، برای نشان دادن بشریت سرکش است که در عیسی مسیح از خدا جدا شده‌اند.

مکاشفه 9: شیپورهای پنجم و ششم " اولین " و " دوم بدبختی بزرگ "

" ترومیت پنجم : " اولین مصیبت بزرگ برای پروتستان ها (1843) و ادونتیست ها (1994)

نکته: در اولین خوانش، این مضمون « پنجمین شیپور » در تصاویر نمادین این داوری را ارائه می‌کند که خداوند در مورد مذاهب پروتستانی که از بهار 1843 به خواری افتاده‌اند، عمل می‌کند. خواهر ادونتیست روز هفتم ما، خادم‌الن گولد وایت، که عیسی او را به عنوان رسول خود انتخاب کرده بود. کار نبوی او به ویژه زمان آخرین آزمایش نهایی ایمان را روشن کرد. پیش بینی های وی در این پیام تأیید می‌شود. اما چیزی که خواهر ما نمی‌دانست این بود که سومین انتظار ادونتیست توسط خدا برای آزمایش خود کلیسای ادونتیست روز هفتم برنامه ریزی شده بود. مطمئناً این انتظار سوم توسعه عمومی دو مورد قبلی را به خود نگرفته است، اما بزرگی حقایق آشکار شده جدید که به آن پیوست شده است، این ضعف ظاهری را جبران می‌کند. به همین دلیل است که عیسی مسیح بین سال‌های 1983 و 1991 در والانس-سور-رون، فرانسه و در موریس، پس از رد آخرین انوار نبوی خود، توسط عیسی مسیح آزمایش شده بود، آموزش رسمی نهادی ادونتیسم توسط ناجی ارواح «استفراغ» شد. 1994، تاریخی که با استفاده از " پنج ماه " نبوی از آیات 5 و 10 این فصل 9 ساخته شده است. به همین دلیل است که در خوانش دوم، این قضاوت تصویری توسط خداوند علیه جنبه های مختلف ایمان پروتستان به کار می‌رود. ادونتیسم نهادی روز هفتم به نوبه خود از طریق امتناع از نور نبوی الهی به ارتداد سقوط کرد. این، علیرغم هشدارهایی که الن جی وایت در فصل «انکار نور» کتابش خطاب به معلمان ادونتیست «وزارت انجیلی» داده بود. در سال 1995، اتحاد رسمی ادونتیسم با پروتستانتیسم، قضاوت عادلانه پیشگویی شده توسط خدا را تأیید کرد. به این واقعیت توجه کنید که این دو سقوط علت یکسانی دارند: رد و تحقیر کلام نبوی ارائه شده توسط خداوند توسط بنده ای که او برای این کار انتخاب کرده است.

بدبختی « ساعت بدی است که محرک و الهام‌کننده آن شیطان، دشمن عیسی و اولیای برگزیده » اوست. روح به صورت تصاویر برای ما آشکار خواهد کرد که وقتی عیسی مسیح از سوی او طرد می‌شود تا به دست شیطان تسلیم شود، چه می‌شود. که پس از آن یک " بدبختی " واقعاً بزرگ است. آیه 1: « پنج زنگ زد. و ستاره ای را دیدم که از آسمان به زمین افتاده بود. کلید گودال پرتگاه ، به او داده شد

یک هشدار " پنجم " اما بزرگ خطاب به برگزیدگان مسیح است که از سال 1844 جدا شده اند. " ستاره ای که از بهشت افتاده بود " " ستاره " نیست. آیسینت "از فصل قبل که "نافتاد " ، " روی آنجا منابع از آب ها ». این مربوط به دوران " ساردیس " *THE* رودخانه ها و *THE* زمین "، اما " روی است که عیسی به یاد می‌آورد که " هفت ستاره را در دستان خود نگاه می‌دارد ". عیسی برای « آثار » خود که « ناقص » اعلام شد، «ستاره» رسول پروتستان را به زمین انداخت.

مصیبت ادونتیست ها در بهار 1843 با پایان اولین انتظار بازگشت عیسی مسیح مشخص شد. انتظار دوم برای این بازگشت در 22 اکتبر 1844 به پایان رسید. تنها در پایان این دومین آزمایش بود که خدا به پیروزمندان آگاهی و تمرین شنبه مقدس خود را داد. سپس این سبت نقش « مهر خدا » را به عهده گرفت که در آیه 4 از این فصل 9 ذکر شده است. بنابراین مهر و موم شدن بندگان آن پس از پایان دومین آزمایش، در پاییز 1844 آغاز شد. ایده این است که عبارت " که سقوط کرده بود " تاریخ بهار 1843، مدت فرمان دان 8:14 و پایان اولین محاکمه ادونتیست ها را هدف قرار می‌دهد، در تقابل با پاییز 1844 که نشان دهنده آغاز مهر و موم کردن است. برگزیدگان برگزیده و موضوع این « پنجمین شیپور »، که

هدف آن برای خدا آشکار ساختن سقوط ایمان پروتستان و ادونتیسیم است که پس از سال 1994، پایان «پنج ماه»، با او اتحاد خواهد کرد. در آیات 5 و 10. بنابراین، در حالی که «پنج ماه» این موضوع در پاییز 1844 آغاز می شود، زمینه آغاز مهر و موم، در موضوع اصلی، ایمان پروتستان قبل از این تاریخ، از تاریخ «سقوط» شده بود. بهار 1843. سپس می بینیم که چگونه وحی الهی دقیقاً به حقایق تاریخی انجام شده احترام می گذارد. دو تاریخ 1843 و 1844 هر کدام نقش خاصی به خود اختصاص داده اند.

ایمان پروتستان که توسط عیسی که آن را به شیطان تحویل داد، رها شد و به «چاه» کاتولیک یا «اعماق شیطان» افتاد که اصلاح طلبان خود در زمان اصلاحات در مکاشفه 2:24 آن را تفسیر کردند. روح با گفتن این که «روی زمین می افتد»، به طرز ماهرانه ای هویت ایمان پروتستانی را تأیید می کند که نماد آن کلمه «زمین» است که خروج آن را از آیین کاتولیک به نام «دریا» در مکاشفه 13 و 10:2 به یاد می آورد. در پیام «فیلاولیا»، عیسی «درهایی» را ارائه می کند که باز یا بسته هستند. در اینجا، یک کلید مسیر بسیار متفاوتی را برای آنها باز می کند زیرا به آنها امکان می دهد به نماد «پرتگاه» ناپدید شدن زندگی دسترسی پیدا کنند. این ساعتی است که برای آنها «نور تاریک می شود» و «ظلمت روشن می شود». آنها با پذیرش اصول تفکرات فلسفی جمهوری خواه به عنوان میراث خود، قدوسیت واقعی ایمان را که با خون عیسی مسیح خالص شده است از دست می دهند. بیایید دقت کنیم که «به او داده شد». کسی که بدین ترتیب به هر یک مطابق اعمالش می دهد، عیسی مسیح قاضی الهی است. زیرا او نگهبان کلیدها نیز هست. «کلید داوود» برای برگزیدگان مبارک در سال های 1873 و 1994، طبق مکاشفه 3:7، و «کلید گودال بی انتها» برای سقوطکنندگان در سال های 1843 و 1994 آیه 2: «و او گودال اعماق را باز کرد. و از چاه دودی مانند دود کوره بزرگ بیرون آمد. و «آفتاب و هوا از دود چاه تاریک شد»

ایمان پروتستانی ارباب و سرنوشت را تغییر می دهد و آثار آن نیز تغییر می کند. بنابراین، او به سرنوشت غبطه انگیز این دست می یابد که مجبور به تحمل نابودی آخرین قضاوت توسط «آتش» «مرگ دوم» است که در مکاشفه 19:20 و 20:10 ذکر خواهد شد. با گرفتن تصویر «دریاچه ای از آتش و گوگرد»، این «آتش» دآوری آخر، «کوره ای بزرگ» خواهد بود که متخلفان از احکام خدا را از تهدید می کند: «کوه سینا همه در دود بود، زیرا Exo.19:18 زمان اعلام آنها در کوه سینا مطابق با خداوند در میان آتش در آنجا فرود آمده بود. این دود مانند دود از کوره بلند شد و تمام کوه به شدت لرزید. از تکنیک سینمایی به نام «فلش بک» استفاده می کند، فلاش بک، که آثار خلق شده The Spirit «سپس را در حالی که هنوز زنده هستند، نشان می دهد که سقوط کرده در خدمت شیطان هستند. کلمه «دود» در اینجا معنایی دوگانه دارد: آتش «کوره بزرگ» که در مکاشفه 14:11 درباره آن می خوانیم: «و دود عذاب آنها تا ابدالابد بالا می رود. و هیچ استراحتی در روز و شب ندارند، کسانی که وحش و تصویر او را می پرستند، و هر که نشان نام او را می گیرد، و همچنین از «دعاهای مقدسین» مطابق با مکاشفه 5:8، در اینجا، آن ها مقدسین دروغین زیرا فعالیت مذهبی فراوانی که با دعا آشکار می شود، این سخنانی را که عیسی در سال 1843 در ساردیس خطاب به او کرد، توجیه می کند: «شما را زنده می دانند. و تو مرده ای.» مرگ، و دو بار مرده، زیرا مرگ پیشنهادی «مرگ دوم» «آخرین دآوری» است. این فعالیت دینی همه را فریب می دهد مگر خدا و برگزیدگانش را که آنها را روشن می کند. همانطور که دنیای مدرن می گوید، این فریب گسترده، «فریب» است. و در واقع این ایده مسمومیت است که روح از طریق تصویر «دود» که در «هوا» پخش می شود تا جایی که «خورشید» را پنهان می کند، پیشنهاد می کند. اگر دومی نماد نور واقعی الهی باشد، «هوا» به قلمرو محفوظ شیطان اشاره می کند که «شاهزاده قدرت هوا» در افس. از این جهان» در یوحنا 12:31 و 16:11. در دنیا، هدف از اطلاعات غلط پنهان کردن حقایقی است که باید مخفی بماند. در سطح مذهبی هم همین است: حقیقت فقط برای منتخب است. تکثیر گروه های پروتستان در واقع تأثیری بر پنهان کردن وجود ایمان ادونتیسیت روز هفتم داشته است. این تا سال 1995 که آنها او را به خاطر «بدبختی بزرگ» در صفوف خود پذیرفتند. در این موقعیت روحانی جدید، قربانیان مرگ دوم خواهند شد که سطح زمین را به کوره ای آتشین تبدیل می کند. پیام وحشتناک است و ما می توانیم بفهمیم که چرا خدا آن را به وضوح ارائه نکرده است. برای برگزیدگان محفوظ است تا بفهمند از چه سرنوشتی فرار کرده اند.

آیه 3: « ملخ با دود بیرون آمد و بر زمین پراکنده شد. و قدرتی مانند قدرت عقرب های زمین به آنها داده شد »

دعاهایی که نماد « دود » است از دهان و ذهن پروتستان های سقوط کرده سرچشمه می گیرد، بنابراین مردان و زنان به دلیل تعداد زیاد آنها نماد « ملخ » هستند. در واقع انبوهی از موجودات انسانی هستند که در سال 1843 سقوط کردند و من به شما یادآوری می کنم، در سال 1833، ده سال قبل، خداوند تصویری از این انبوه را با "سقوط ستارگان" در شب 13 نوامبر داده بود. ، 1833 بین نیمه شب تا 5 صبح، طبق شهادت شاهدان عینی تاریخی. بار دیگر، عبارت « روی زمین » معنای مضاعف گسترش زمینی و هویت پروتستانی را دارد. چه کسی " ملخ " ویرانگر و ویرانگر را دوست دارد؟ نه کشاورزان، و خدا دیگر مؤمنانی را دوست ندارد که به او خیانت می کنند و با دشمن برای از بین بردن محصول برگزیدگان او کار می کنند، بنابراین این نماد برای آنها اطلاق می شود. سپس، در حزقیال 2، این فصل کوتاه از 10 آیه، کلمه " عصیان " 6 بار ذکر شده است تا " سرکشان " یهودی را مشخص کند که خداوند با آنها به عنوان " خار، خار، خار و عقرب " رفتار می کند. در اینجا، این اصطلاح " عقرب " به شورشیان پروتستان مربوط می شود. در آیه 3، کنایه از قدرت او استفاده از مهمترین نماد ظریف را آماده می کند. قدرت " عقرب " در نیش زدن قربانیان خود با نیش " دم " آنهاست. و این کلمه " دم " در اندیشه الهی که در اشعیا 9:14 مکتشف شده است، معنایی اساسی می یابد: " پیامبری که دروغ می آموزد دم است ". حیوانات از " دم " خود برای بدرقه کردن و شلاق زدن مگس ها و سایر حشرات انگلی که آنها را آزار می دهند استفاده می کنند. در اینجا تصویر « ایزابل نبی » دروغین را می یابیم. که وقت خود را صرف نکوهش و آزار خدا و بندگان فریب خورده کافر او می کند. تمرین تازک زدن داوطلبانه برای کفاره گناه نیز بخشی از آموزه های ایمان کاتولیک است. در مکاشفه 11:1 روح این مقایسه را با استفاده از کلمه " نی " تأیید می کند که کلید اشعیا 9:14 همان معنای کلمه " دم " را به آن می دهد. این تصویر از کلیسای پاپ، از سال 1844، برای ایمانداران پروتستان سقوط کرده که پیامبران خدا شده اند که دروغ می آموزند، یا پیامبران دروغین نیز اعمال می شود. کلمه پیشنهادی " دم " به وضوح در آیه 10 ذکر خواهد شد.

ساخت سومین انتظار ادونتیست (این بار از روز هفتم)

آیه 4: « به آنها گفته شد که به علف زمین، نه به هیچ چیز سبز و نه هیچ درخت آسیبی نرسانند، بلکه فقط به کسانی که مهر خدا بر پیشانی خود ندارند، آسیب نرسانند »

این ملخ ها سیزه را نمی بلعند، اما برای مردانی که تحت حمایت « مهر خدا » نیستند، مضر هستند. این ذکر از " مهر خدا " زمینه زمان هایی را که قبلاً در مکاشفه 7 پوشش داده شده است تأیید می کند. بنابراین پیام ها موازی هستند، فصل 7 در مورد منتخبین مهر و موم شده و فصل 9، رها شده ها. به شما یادآوری می کنم که طبق متی 24:24، فریفتن یک منتخب معتبر غیرممکن است. بنابراین پیامبران دروغین یکدیگر را فریب می دهند.

دقت، « مهر خدا بر پیشانی » نشان دهنده آغاز مهر و موم بندگان منتخب ادونتیست خدا در 23 اکتبر 1844 است. جزئیات آن درست قبل از نقل قول از دوره «پنج ماهه» نبوی ذکر شده است. آیه زیر؛ مدت 150 سال واقعی که بر اساس این تاریخ خواهد بود.

آیه 5: « به آنها داده شد که آنها را بکشند، بلکه آنها را به مدت پنج ماه عذاب کنند. و عذابی که » کردند مانند عذابی بود که عقرب در هنگام نیش زدن به انسان می آورد

پیام خدا اعمالی را که در زمان های مختلف انجام شده است، به صورت تصویری گرد هم می آورد. که باعث سردرگمی و تفسیر تصویری می شود. اما با درک و دریافت این تکنیک، پیام بسیار واضح می شود. این آیه 5 اساس اعلام من در مورد بازگشت عیسی مسیح در سال 1994 بود. در آنجا ما " پنج ماه " نبوی گرانها را می یابیم که با شروع سال 1844، تعیین تاریخ 1994 را ممکن می سازد. با

این حال، برای انجام پروژه. خدایا، من کاملاً مجبور بودم بازگشت باشکوه عیسی مسیح را به این تاریخ مرتبط کنم. اینگونه بود که تا حدودی به دلیل دقت در متن که این امید را غیرممکن می‌کرد کور شده بودم، در جهتی که خالق می‌خواست استقامت کردم. در واقع، این متن تصریح می‌کند: "به آنها داده شد، نه برای کشتن آنها، بلکه برای عذاب آنها به مدت پنج ماه". توضیح "نه به کشتن آنها" اجازه نمی‌دهد شیپور "؛ زمان 150th که موضوع "ششم" ترومیت"، یک جنگ کشتار هیولا، در زمان تحت پوشش " 5 سال واقعی اما در زمان خود، ویلیام میلر تا حدی نابینا شده بود تا کاری را که خدا می‌خواست انجام دهد. کشف خطایی که به ما امکان می‌دهد امید بازگشت مسیح را برای پاییز 1844 زنده کنیم. یک خطای نادرست، زیرا محاسبات اولیه که بهار 1843 را ایجاد می‌کند، امروز در آخرین محاسبات ما تأیید شده است. اراده و قدرت خداوند حاکم است و خوشبختانه برای برگزیدگان او هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند مانع پروژه او شود. واقعیت این است که این اشتباه اعلامی باعث شد که ادونتیسیم رسمی در سال 1991 نگرشی تحقیرآمیز نسبت به امید بازگشت عیسی مسیح اعلام شده در سال 1994 نشان دهد. و بدترین چیز برای ادونتیسیت‌ها محرومیت از آخرین نور نبوی است. به طور کامل، 34 فصل از کتاب های دانیال و مکاشفه را روشن می‌کند، همانطور که همه می‌توانند با خواندن این سند امروز اثبات کنند. با این کار، آنها همچنین از چراغ های جدیدی که خداوند از بهار 2018 در مورد شریعت خود و بازگشت مسیح به من داده است، محروم می‌شوند، که اکنون می‌دانیم، در بهار 2030. و این بر پایه های جدید جدا از ساخت نبوی دانیال و مکاشفه. بین سالهای 1982 و 1991، برای من، این پنج ماه به فعالیت پیامبران دروغین مرتبط بود که قرار بود تا بازگشت عیسی مسیح ادامه یابد. با متقاعد شدن به این استدلال، علاوه بر این موجه، محدودیت زمانی اعمال شده توسط ممنوعیت «کشتن» را ندیدم. و در آن زمان تاریخ 1994 نشان دهنده سال 2000 تولد واقعی عیسی مسیح بود. اضافه می‌کنم که هیچ کس قبل از من علت خطای من را شناسایی نکرده است. که موفقیتی را مطابق با خواست خدا تأیید می‌کند. اکنون توجه خود را به این توضیح معطوف کنیم که «اما پنج ماه آنها را عذاب دهیم». این فرمول به شدت گمراه کننده است زیرا «عذاب» مورد بحث توسط قربانیان در طول «پنج ماه» پیشگویی شده متحمل نمی‌شود. «عذابی» که روح به آن اشاره می‌کند، در آخرین داورى بر سقوطکنندگان تحمیل می‌شود، جایی که ناشی از سوزاندن «دریاچه آتش»، مجازات «مرگ دوم» خواهد بود. این "عذاب" در پیام سومین فرشته مکاشفه 14: 10-11 اعلام شده است که آیه قبل با ذکر "دود" "عذاب آنها" برانگیخت. پیامی که ادونتیسیت‌ها به خوبی می‌دانند زیرا عنصری از مأموریت جهانی آنها را تشکیل می‌دهد. روح با آگاهی از پیشاپیش سقوط این ادونتیسیم رسمی، در این پیام به ظرافت می‌گوید: «او نیز از شراب خشم خدا که در جام غضب او ریخته شده است، می‌نوشد، و در آتش و گوگرد پیشاپیش عذاب می‌شود. فرشتگان مقدس و در برابر بره». این توضیح «او نیز» به طور متوالی ایمان پروتستان را هدف قرار می‌دهد، سپس ادونتیسیم رسمی کافر را که در سال 1994 توسط خود عیسی مسیح رد شد. از این تاریخ، در تأیید نفرین خود، این «شورش» جدید به اتحاد جهانی پیوست که کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را که قبلاً از خدا جدا شده بودند گرد هم می‌آورد. اما قبل از سقوط ادونتیسیم رسمی، فرمول «او نیز» در مورد پروتستان های سقوط کرده اعمال می‌شد، زیرا پس از سقوط در 1844، آنها اکنون در سرنوشت کاتولیک‌ها، ارتدکس‌ها و یهودیان دروغین سهیم بودند. در واقع، «او نیز» به تمام غیر کاتولیک‌هایی که کلیسای کاتولیک رم را گرامی می‌دارند، با وارد شدن به اتحاد جهانی آن، و با احترام به احکام کنستانتین اول: یکشنبه و تولد «روز خورشید» او (کریسمس در روز کریسمس) مربوط می‌شود. 25 دسامبر). روح با انتخاب صورت مفرد «او هم» به جای جمع آن «آنها هم» به ما یادآوری می‌کند که انتخاب دینی یک انتخاب فردی است که فرد را مسئول می‌کند، توجیه می‌کند یا در مقابل خدا، فرد احساس گناه می‌کند. و نه، جامعه؛ مانند «نوح، دانیال و ایوب که پسران یا دخترانشان را نجات ندادند» بر اساس حزقی. 14:18.

عذابهای مرگ دوم قیامت

آیه 6: «در آن روزها مردم به دنبال مرگ خواهند بود و آن را نخواهند یافت. آنها آرزوی مردن خواهند داشت و مرگ از آنها خواهد گریخت»

ایده‌ها بسیار منطقی جریان دارند. روح در این آیه 6، پس از برانگیختن "عذابهای مرگ دوم"، در مورد روزهای اجرای آن، که در پایان هزاره هفتم خواهد آمد، عبارت "در آن روزها"

پیشگویی می کند. او سپس ویژگی های این مجازات نهایی بسیار مهیب را برای ما آشکار می کند. « مردم به دنبال مرگ خواهند بود، اما آن را نخواهند یافت. آنها آرزوی مردن خواهند داشت و مرگ از آنها خواهد گریخت. » آنچه که انسانها نمی دانند این است که بدن رستائیز شریران دارای ویژگی هایی بسیار متفاوت از بدن های امروزی خواهد بود. برای مجازات نهایی آنها، خدای خالق زندگی آنها را با ایجاد توانایی ادامه دادن در حالت آگاهانه تا نابودی آخرین اتم آنها بازسازی می کند. علاوه بر این، بسته به حکمی که در مورد مجرمیت فردی او صادر می شود، مدت زمان رنج برای هر فرد به صورت جداگانه تنظیم می شود. مرقس 9: 47-48 در این کلمات تأیید می کند: «... به جهنم انداخته شوند، جایی که کرم آنها نمی میرد و آتش خاموش نمی شود. » همچنین لازم به ذکر است که مذهب پروتستان با کلیسای کاتولیک عقاید مذهبی دروغین بسیاری دارد، علاوه بر این در یکشنبه، اولین روزی که به استراحت اختصاص داده شده است، اعتقاد به جاودانگی روح وجود دارد که پروتستان ها را به اعتقاد به وجود جهنم که توسط کاتولیک ها آموزش داده شده است. بنابراین، تهدید کاتولیک ها به جهنم، جایی که لعنت شدگان برای همیشه در آتش شکنجه می شوند، تهدیدی که همه پادشاهان سرزمین های مسیحی را در معرض آن قرار می داد، اندکی حقیقت داشت، اما مهمتر از همه، دروغ زیادی داشت. زیرا اولاً، جهنم آماده شده توسط خدا تنها در پایان « هزار سال » دآوری آسمانی شریران توسط مقدسین شکل خواهد گرفت. و ثانیاً این رنج در مقایسه با شرایط فعلی زمینی، هرچند طولانی مدت، ابدی نخواهد بود. در میان کسانی که مرگ را فراری خواهند دید، پیروان و مدافعان سرسخت عقیده بت پرستان یونانی جاودانگی روح خواهند بود. بنابراین، خدا به آنها این تجربه را ارائه می دهد که تصور کنند اگر روحشان واقعاً جاودانه بود، سرنوشتشان چگونه می شد. اما بالاتر از همه، این پرستندگان «روز خورشید تسخیر نشده» هستند که با الوهیت خود ملاقات خواهند کرد. خود زمینی که آنها را حمل می کرد و با آمیختگی ماگمای آتش و گوگرد به «خورشید» تبدیل شد.

ظاهر فریبنده مرگبار

آیه 7: « این ملخ ها مانند اسب هایی بودند که برای جنگ آماده شده بودند. بر سرشان تاج هایی « مانند طلا بود و صورت هایشان مانند صورت انسان ها بود »

آیه 7 با نمادهای خود نقشه عمل اردوگاه پروتستان سقوط کرده را نشان می دهد. گروه های مذهبی (اسب ها) برای یک « نبرد » روحانی گرد هم می آیند که تنها در پایان زمان فیض انجام می شود، اما هدف نهایی آنجاست. این نبرد در مکاشفه 16:16 نام " آرماگدون " را دریافت می کند. سپس مناسب است به اصرار روح بر مقایسه آن با واقعیت اشیا توجه کنیم. که او با ضرب استفاده از عبارت " مانند " انجام می دهد. این روش او برای انکار ادعاهای نادرست دینداران مربوطه است. همه چیز فقط ظاهری فریبنده است: « تاج » وعده داده شده به فاتح ایمان، و خود ایمان (طلا) که فقط « شباهتی » به ایمان واقعی دارد. « چهره » این مؤمنان دروغین خود فریبنده است، زیرا تنها چیزی که از آنها باقی مانده ظاهری انسانی است. کسی که این قضاوت را بیان می کند، افسار و دلها را جستجو می کند. او افکار پنهانی انسان ها را می شناسد و دید خود را از واقعیت با برگزیدگانش در میان می گذارد.

« آیه 8: « آنها موهایی مانند موی زنان داشتند و دندان هایشان مانند دندان های شیر بود »

موهای زنان به عنوان یک حجاب عمل می کند. و نقش حجاب پنهان کردن، 15:11 Cor طبق 1 چهره، هویت موضوع محجبه است. این آیه 8 از طریق نمادهای خود ظاهر گمراه کننده گروه های مذهبی مسیحی را محکوم می کند. بنابراین آنها ظاهر بیرونی (مو) کلیساها را دارند (زنان، در افس. 23:5-32)، اما روح آنها توسط وحشی (دندان) " شیرها " جان می گیرد. ما بهتر درک می کنیم که چرا صورت آنها فقط ظاهری انسانی دارد. بی دلیل نیست که عیسی آنها را با شیر مقایسه می کند. بنابراین، وضعیت روحی مردم روم را به یاد می آورد که اولین مسیحیان را شیرها در عرصه های خود می بلعیدند. و این مقایسه موجه است زیرا در پایان جهان، آنها یک بار دیگر می خواهند آخرین برگزیده واقعی عیسی مسیح را بکشند.

آیه 9: « آنها سینه پوش هایی مانند سینه پوش های آهنی داشتند و صدای بال هایشان مانند صدای « اربابهایی بود که اسب های زیادی به جنگ می دویدند »

این آیه جعل ارتش واقعی عیسی مسیح را هدف قرار می دهد که « سنگ سینه » عدالت را بر تن دارد (افسیان 6:14)، اما در اینجا، این عدالت مانند « آهن » که قبلاً نماد امپراتوری روم بود، سخت

است. دانیال " ملخ ها " وقتی فعال هستند با " بال های خود " سروصدا می کنند. بنابراین مقایسه ای که پیش می آید مربوط به عمل است. توضیح زیر پیوند با رم را تأیید می کند که مسابقات ارا به سواری با " چند اسب " رومی ها را در مدارهای خود خوشحال کرد. در این تصویر، " اسب های بسیار " به این معنی است: چندین گروه مذهبی برای کشیدن " ارا به " رومی جمع شدند تا اقتدار روم را تجلیل کنند. رم که می دانست چگونه دیگر رهبران مذهبی را تحت کنترل درآورد تا از طریق اغواگری های خود آنها را تحت سلطه خود درآورد. روح اینگونه عمل اردوگاه شورشیان را خلاصه می کند. و این گردهمایی به نفع رم آنها را برای " نبرد آرماگدون " نهایی آماده می کند که علیه مخالفان یکشنبه، ناظران وفادار سبت مقدس توسط خدا، و ناخودآگاه، علیه مسیح، محافظ مدافع آنها، هدایت می شود.

آیه 10: « آنها دم هایی مانند عقرب و نیش داشتند و در دشمنان قدرتی بود که به مدت پنج ماه به « مردان آسیب برساند

این آیه حجاب آیه 3 را که در آن کلمه « دم » تحت عنوان « قدرت عقرب ها » مطرح شده بود، برمی دارد. به وضوح نقل شده است، اگرچه معنای آن برای کسی که آن را در اشعیا 9:14 جستجو نمی کند روشن نیست. این مورد من نیست، بنابراین این کلید مهم را به خاطر می آورم: « پیامبری که دروغ می آموزد دم است ». من پیام رمزگذاری شده را اینگونه توضیح می دهم: این گروه ها پیامبران دروغگو و سرکش (عقرب) و زبان های دروغگو (نیش) داشتند و در همین پیامبران دروغین (دم) بود که قدرت آسیب رساندن به انسان ها نیز وجود داشت. آنها را اغوا کنید و متقاعد کنید که یکشنبه روم را برای 150 سال (پنج ماه) صلح مذهبی تضمین شده توسط خدا گرامی بدارند. که آنها را به طور غیرقابل جبرانی در معرض " عذاب های مرگ دوم " آخرین داوری در پایان هزاره هفتم قرار می دهد. وقتی فکر می کنم که انبوه مردم اهمیت روز استراحت را نمی بینند! اگر آنها به این پیام آشکار شده رمزگشایی شده اعتقاد داشتند، نظر خود را تغییر می دادند.

و به *Abaddon* آیه 11: « آنها فرشته گودال بی انتها را به عنوان پادشاه داشتند که به عبری نام داشت *Apollyon* یونانی

دقیق تر و دقیق تر، اتهام الهی به اوج خود می رسد: این گروه های مذهبی به عنوان پادشاه، شیطان، " فرشته پرتگاه " را دارند. که طبق مکاشفه 20:3 برای « هزار سال » در زمین بایر محصور خواهند شد. کلمه " عمیق " در پیدایش 1:2 به زمین قبل از اینکه کوچکترین نشانه ای از حیات داشته باشد اشاره دارد. بنابراین، این اصطلاح زمینی را که ویران شده است، نشان می دهد، و همه اشکال زندگی با بازگشت باشکوه مسیح از بین می روند. او " هزار سال " در این حالت خواهد ماند و تنها ساکن آن فرشته شیطان است که در اسارت او است. کسی که خدا در مکاشفه 12 می خواند، " اژدها " و مار، شیطان و شیطان «، در اینجا نام ویرانگر را دریافت می کند که به معنای کلمات « عبری و یونانی، آبادون و آپولیون » است. روح به طور ماهرانه به ما می گوید که چگونه این فرشته کار خدا را که با آن مبارزه می کند نابود می کند. " عبری و یونانی " زبان های نوشته اصلی کتاب مقدس هستند. بنابراین، از زمانی که ایمان پروتستان سقوط کرد، در سال 1844، آغاز موضوع این « پنجم شیپور، " شیطان او را با علاقه شناخته شده خود به کتاب مقدس بازگرداند. اما بر خلاف آغاز باشکوه اصلاحات، اکنون از آن برای از بین بردن نقشه خدا استفاده می شود. شیطان با ایمان اصلاح شده سقوط کرده، این بار با موفقیت، آنچه را که بیهوده برای سقوط خود مسیح تلاش کرده بود، در ساعت امتحان مقاومت خود به کار می برد.

« آیه 12: وای اول گذشته است. بعد از این دو بدبختی دیگر می آید

ترومپت. « این لحظه نشان می دهد که ⁴در اینجا، در آیه 12، این موضوع بسیار خاص از " 5 بشریت وارد سال 1994 تقویم همیشگی خود شده است. تا آن زمان صلح دینی بین همه ادیان توحیدی برقرار بوده است. هیچ کس به انگیزه معنوی تعهد مذهبی کشته نشد. بنابراین، ممنوعیت قتل در آیه 5 مورد احترام قرار گرفت و همانطور که خدا اعلام کرده بود تحقق یافت.

باعث کشته شدن پنج مقام GIA اما در 3 اگوست 1994، اولین حمله مذهبی مسلمانان توسط فرانسوی در نزدیکی سفارت فرانسه در الجزیره شد و به دنبال آن در آستانه کریسمس مسیحی در 24 دسامبر 1994، با حمله به یک هواپیمای فرانسوی که منجر به کشته شدن سه نفر در الجزیره، از الجزایر حملات مرگباری را به GIA جمله یک فرانسوی. تابستان بعد، گروه های اسلام گرای مسلح پاریس، پایتخت فرانسه انجام دادند. و در سال 1996، 7 کشیش کاتولیک فرانسوی در تبهترین در RER الجزایر سر بریده شدند. بنابراین، این شهادت ها اثبات می کند که از « پنج ماه » پیشگویی شده تجاوز

کرده است. بنابراین، جنگ‌های مذهبی می‌توانند از سر گرفته شوند و تا پایان جهان که با بازگشت مسیح جلال مشخص می‌شود، ادامه یابد.

"شیپور ششم: دومین بزرگ" بدبختی ششمین مجازات تمام قداست مسیحی دروغین

جنگ جهانی سوم

، آیه 13: «ششم زنگ زد. و صدایی از چهار شاخ مذبح طلایی که در حضور خداست شنیدم این ششمین مجازات اخطار، «دومین» بزرگ «وای» را تشکیل می‌دهد که در مکاشفه 8:13 اعلام شد. این پیش از پایان زمان فیض جمعی و فردی است و بنابراین بین سالهای 2021 و 2029 انجام خواهد شد. با این آیه 13، ورود به موضوع "ششم" ترومپت "بازگشت جنگ و مجوز" کشتن "را تایید خواهد کرد. این موضوع جدید مربوط به همان گروه‌های مذهبی گروه پنجم است شیپور «قبلی. نمادهای استفاده شده یکسان هستند. همچنین چیزها را می‌توان اینگونه توضیح داد: مردمان «پنجم ترومپت در اروپا و برخی از ایالت‌های آمریکا به "کشتن نکردن" عادت کرده اند و تا آنجا پیش رفته اند که مجازات اعدام را ممنوع کرده اند. آنها راهی پیدا کردند تا تجارت بین المللی را به نحو مطلوب انجام دهند، که آنها را غنی کرد. بنابراین آنها دیگر حامی جنگ نیستند، بلکه مدافعان صلح به هر قیمتی هستند. بنابراین جنگ بین مردم مسیحی منتفی به نظر می‌رسد، اما متأسفانه دین سوم توحیدی بسیار کمتر صلح آمیز است، این اسلام است که روی دو پا راه می‌رود: تروریست‌هایی که عمل می‌کنند و دیگر پیروانی که اقدامات جنایتکارانه آنها را تحسین می‌کنند. بنابراین، این گفتگو، چشم‌انداز صلح پایدار را غیرممکن می‌سازد و برای خدای خالق کافی است که مجوز خود را برای وقوع برخورد تمدن‌ها و مذاهب با تأثیرات مرگبار قابل‌توجهی «صدا کند». در بقیه زمین، هر قوم دشمن سنتی خود را نیز خواهد داشت، تقسیماتی که توسط شیطان و شیاطین او در مورد کل سیاره آماده شده است.

با این حال، در اینجا، پیشگویی یک قلمرو خاص، غرب مسیحی بی وفا را هدف قرار می‌دهد آخرین مجازات، قبل از «هفت بلای آخر» که قبل از بازگشت مسیح است، به نام «ششم» است. ترومپت «قبلاً، قبل از پرداختن به جزئیات موضوع، می‌دانیم که این موضوع در واقع دومین موضوع اعلام شده است. Apo.8:13 از «بدبختی‌های بزرگ» است که توسط «عقاب» امپراتوری ناپلئونی در با این حال، در مونتازای که با این قصد اقتباس شده است، پیشگویی آپو. 11 این نام را «وای دوم» به انقلاب فرانسه به نام «جانوری که از پرتگاه برمی‌خیزد» نسبت می‌دهد. همچنین موضوع "چهارمین است. بنابراین روح به ما پیشنهاد می‌کند که یک رابطه نزدیک بین رویدادهای مربوط به Rev.8 "شیپور چهارم و ششم" وجود داشته باشد. ترومپت «خواهیم فهمید که این روابط چیست شیپور به صدا در می‌آید، صدای مسیح، شفاعت کننده در برابر محراب بخور،th هنگامی که " 6 دستور را بیان می‌کند. (بر اساس تصویر خیمه زمینی که نقش آسمانی آینده خود را به عنوان شفیع دعای برگزیدگان پیشگویی می‌کرد).

اروپای غربی هدف خشم عیسی مسیح است

آیه 14: «و به فرشته ششم که شیپور داشت گفت: چهار فرشته را که در نهر بزرگ فرات بسته شده اند باز کن

عیسی مسیح اعلام می‌کند: «چهار فرشته را باز کنید که به رود بزرگ فرات محصور شده‌اند: قدرت‌های شیطانی جهانی را آزاد می‌کند که مرکز آن اروپاست که نماد آن نام فرات است. اروپای غربی اینها چهار Rev.7:2 و الحاقات آمریکایی و استرالیایی آن، جایی که از سال 1844 حفظ شده‌اند، طبق فرشته ای هستند که به آنها داده شد تا به زمین و دریا آسیب برسانند. کلیدهای تفسیر ساده و منطقی

هستند. "فرات" رودخانه ای است که بابل باستانی دانیال را آبیاری می کرد. در مکاشفه 17، « فاحشه » که « بابل بزرگ » نامیده می شود ، « روی آب های فراوان » ، نماد « مردم، ملت ها و زبان ها » نشسته است. " بابل " که رم را مشخص می کند، مردم مورد نظر مردم اروپا هستند. مسیح خدا با قرار دادن اروپا به عنوان هدف اصلی خشم قاتل خود، قصد دارد کسانی را که به او خیانت می کنند مجازات کند و به رنجی که بر روی صلیب دردناک خود متحمل شده است، توجه چندان نمی کند، که آیه قبل با ذکر کلمه "مذبح" به یاد آورد. "، که آن را در مناسک نمادین عهد قدیم پیشگویی کرد

با هدف قرار دادن اروپا، روح انتقام خود را از دو کشوری که گناه خود را متوجه او می کنند، هدایت می کند. این در مورد مذهب کاتولیک، کلیسای مادر و دختر بزرگ است، همانطور که او فرانسه می نامد، که از زمان آغاز آن، توسط کلویس، اولین پادشاه فرانک ها، در طول قرن ها بسیار از آن حمایت کرده است.

ترومپت « ظاهر می شود، این فرانسه است، مردمی انقلابی که با انتشار th اولین پیوند با " 4 نوشته های فیلسوفان خود، آزاداندیشان ملحد، بذری ایمانی خود را در میان تمام ملل مسیحی زمین کاشت. اما این روم پاپ است که انقلاب فرانسه باید آن را ویران و ساکت کند. مطالعه تطبیقی شیپور ها با مجازات های هشدار دهنده ارائه شده به عبرانیان در لایوان 26 به چهارمین نقش یک " شمشیر " الهی می دهد که " انتقام عهدش " را می گیرد. این بار تا « ششم شیپور ، عیسی خودش انتقام اتحاد خود را با ضربه آنتیسم فرانسوی ، Apo.11 زدن به دو ملت گناهکار و متحدان اروپایی آنها خواهد گرفت. زیرا بر اساس " شاد " شده بود و مردم اطراف را در " شادی " فرو برده بود: " آنها برای یکدیگر هدایایی خواهند می خوانیم. به نوبه خود، مسیح الهی هدایای خود را برای آنها خواهد آورد: Apo.11:10 فرستاد " در بمب های معمولی و اتمی. قبل از همه آنها یک ویروس مسری کشنده وجود داشت که در پایان سال 2019 در اروپا ظاهر شد. از جمله هدایای قابل توجه، اهدای مجسمه آزادی توسط فرانسه به شهر نیویورک در ایالات متحده آمریکا است. این مدل آنقدر عالی بود که به دنبال فرانسه، سایر کشورهای اروپایی به جمهوری تبدیل شدند. در سال 1917، روسیه این مدل را با همان کشتار تکرار خواهد کرد.

جنگ هسته ای جهانی

آیه 15: « و چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال آماده بودند، گشاد شدند تا یک سوم مردم را بکشند

مطابق با مکاشفه 7:2 آماده " آسیب رساندن به زمین و دریا "، " چهار فرشته آزاد می شوند تا بتوانند یک سوم انسان ها را بکشند " و این عمل برنامه ریزی شده و مدت ها در انتظار است، همانطور که این جزئیات را نشان می دهد: برای ساعت و روز و ماه و سال آماده بودند. حالا از چه زمانی این مجازات لازم شد؟ از 7 مارس 321، تاریخی که پذیرش روز خورشید توسط کنستانتین اول انجام شد. بر که مضمون آن « داور فاحشه است بابل بزرگ "، عدد 17 نماد قضاوت الهی است. به Rev.17 اساس تعداد قرن ها از 7 مارس 321، این عدد 17 در 7 مارس 2021 نتیجه می شود. از این تاریخ، 9 سال آخر لعنت الهی امکان انجام " ششم " را فراهم می کند. شیپور " از مکاشفه 9:13

بیاید به ذکر « سوم انسانها » توجه کنیم که به ما یادآوری می کند که هر چقدر هم که وحشتناک است، این درگیری مخرب جهان سوم، یک ویژگی هشدار دهنده جزئی (سوم) را حفظ می کند. بنابراین در ایجاد تغییر دین و رهبری مقامات منتخب برای متعهد شدن کامل به کار ادونتیست که توسط عیسی مسیح هدایت می شود مفید است. این نابودی برای مجازات و دعوت به توبه، بشریتی است که از «150 سال واقعی» صلح دینی، که در «پنج ماه» « پنجمین شیپور » پیشگویی شده است، بهره برده است.

برای درک کامل معنای این مجازات، سومین جنگ جهانی از سال 1914، باید آن را به موازات آن مقایسه کنیم و آن را با سومین تبعید یهودیان به بابل مقایسه کنیم. در این آخرین مداخله جنگی، در - 586، پادشاه نبوکدنصر پادشاهی یهودا، آخرین بازمانده قوم اسرائیل را نابود کرد. اورشلیم و معبد مقدس آن به ویرانه تبدیل شده است. ویرانه های به جا مانده از جنگ جهانی سوم اثبات می کند که اتحاد مسیحی به اندازه اتحاد یهودیان قوم عبری مرتد شده است. بنابراین، پس از این تظاهرات، بازماندگان کافر یا مذهبی در معرض آخرین آزمون جهانی ایمان قرار خواهند گرفت که به مؤمنان همه ادیان توحیدی شانس نهایی رستگاری می دهد. اما خدای خالق تنها یک حقیقت را تعلیم می دهد که به عیسی مسیح و شنبه مقدس او مربوط می شود، تنها روز هفتم واقعی.

کشتار اعلام شده برای این جنگ جهانی، جنبه دیگری از « بدبختی دوم » را تشکیل می دهد که آن را با الحاد انقلابی فرانسوی « ترومیت چهارم » پیوند می دهد. فرانسه و به ویژه پایتخت آن پاریس در تیررس خداوند متعال قرار دارد. در مکاشفه 11: 8، او نام های « سودوم و مصر » را به او نسبت می دهد، نام های دشمنان باستانی که به عنوان مثال به شیوه ای فراموش نشدنی توسط خدا نابود شده اند، یکی با آتشی از آسمان، دیگری با قدرت کورکننده اش. این به ما امکان می دهد بفهمیم که او به همان شیوه وحشتناک و قطعی علیه او عمل خواهد کرد. ما باید به مسئولیت عظیم خود در از بین رفتن ایمان واقعی پی ببریم. رژیم جمهوری پس از منتفر شدن از دین، به دست ناپلئون اول افتاد که مذهب برای او فقط فایده ای مفید برای شکوه شخصی او بود. به دلیل غرور و فرصت طلبی او است که ایمان کاتولیک بقای خود را مدیون تأسیس کنکوردات است که ویرانگر اصل حقیقت الهی بود.

دقت جمعیتی: دویست میلیون جنگنده

« آیه 16: » تعداد سواران لشکر دو هزار هزار بود: تعداد آنها را شنیدم
آیه 16 توضیح مهمی در مورد تعداد رزمندگانی که در درگیری شرکت می کنند به ما می دهد: « دو هزار هزار نفر » یا دویست میلیون سرباز. تا سال 2021 که من این سند را می نویسم، هیچ جنگی در رویارویی هایش به این تعداد نرسیده است. با این حال، امروزه با جمعیت جهانی هفت و نیم میلیارد انسان، این پیشگویی می تواند محقق شود. دقت ارائه شده در این آیه تمامی تفاسیری را که این تعارض را به اعمال گذشته نسبت داده اند محکوم می کند.

یک جنگ ایدئولوژیک

آیه 17: « پس در رؤیا اسبان و کسانی را که بر آنها می نشستند دیدم که سینه هایی به رنگ آتش و سنبل و گوگرد داشتند. سر اسب ها مانند سر شیر بود. و از دهان ایشان آتش و دود و گوگرد بیرون آمد »

در این آیه 17، شماره قضاوت الهی، نمادهای « پنجمین شیور » را می یابیم: گروه ها (اسب ها) و کسانی که به آنها فرمان می دهند (سواران). تنها انصاف آنها آتش سوزی است و چه آتشی! آتش هسته ای قابل مقایسه با آتش ماگمای زیرزمینی زمینی است. روح ویژگی های سنبل را به آنها نسبت می دهد که با تکرار عبارت دود کردن در انتهای آیه مطابقت دارد. این قبلاً نماد دعاهای مقدسین در موضوع قبلی است، این ویژگی عطر آن است که ما باید به یاد داشته باشیم و در آنجا متوجه می شویم که ذکر آن به چه معناست. این گیاه سمی، تحریک کننده پوست است و بوی آن باعث سردرد می شود. این مجموعه معیارها نماز رزمندگان را مشخص می کند. هیچ یک از این دعاها مورد قبول خداوند خالق نیست. آنها او را حالت تهوع می دهند و انزجار عمیقی را به او القا می کنند. باید درک کرد که در این تضاد اساساً مذهبی و ایدئولوژیک فقط ادیان دخیل هستند که کاملاً از آن جدا شده اند، اما با این حال عمدتاً یکتاپرست هستند: یهودیت، کاتولیک، پروتستان، ارتدکس، اسلام. نماد کلیدی جدیدی از اشعیا 9: 14 در اینجا ذکر شده است: " رئیس قاضی یا بزرگ است. " بنابراین در رأس گروه هایی که در مقابل یکدیگر قرار می گیرند، قضات امروزی در جمهوری ها « رئیس جمهور » نامیده می شوند. و این روسای جمهور دارای قدرت " شیر "، پادشاه حیوانات و پادشاه جنگل هستند. معنای قدرت در قضاوت 14: 18 به آن داده شده است. روح در پیام خود یک تعهد جنگی را پیشگویی می کند که از راه دور توسط سران بسیار قدرتمند، مستبد و متعهد به دین انجام می شود، زیرا از " دهان " آنها است. دعاهای خود را که با کلمه " دود " نشان داده شده است، انجام دهند. از همان " دهان " آنها دستورات تخریب با " آتش "، دعا با " دود " و نابودی انبوه جمعیت، با دستور استفاده از بمب های هسته ای تصویر شده توسط " گوگرد " صادر می شود. بدیهی است که روح می خواهد اهمیت این نیروی هسته ای را که در اختیار یک انسان است برجسته کند. هرگز در تاریخ زمین چنین قدرت ویرانگری به تصمیم یک نفر وابسته نبوده است. این موضوع واقعاً قابل توجه و قابل تأکید است. اما، برای ما که در این نوع سازمان سیاسی زندگی می کنیم، این عظمت ها دیگر حتی ما را شوکه نمی کند. همه ما قربانی نوعی جنون جمعی هستیم.

آیه 18: « سوم مردم به این سه بلا کشته شدند، آتش، دود، و گوگرد که از دهانشان بیرون آمد. »

ایه 18 بر این حقیقت از آیه قبل تأکید می‌کند و تصریح می‌کند که « آتش ، دود و گوگرد » آفاتی هستند که خداوند اراده کرده است. که آیه با نسبت دادن به مسیح انتقام گیرنده دستور کشتن یک سوم انسان ها را تأیید کرد.

قدرت هسته ای سران کشورها

آیه 19: « زیرا قدرت اسبها در دهان و دم آنها بود. دم آنها مانند مارهایی بود که سر داشتند و با آنها بد می کردند »

19 ماهیت ایدئولوژیک مذهبی درگیری را تأیید می کند و می گوید: زیرا قدرت گروه های جنگنده (اسب ها) در کلام آنها (دهان آنها) و در پیامبران دروغین آنها (دم) بود که در ظاهر فریبکار (مار) تأثیرگذار بودند. بر سران دولتها، قاضیان (سران) که از طریق آنها (مبارزان) صدمه زدند. اصلی که بدین ترتیب تعریف شد، دقیقاً با سازماندهی مردم که امروز در زمان پایان حاکم است، مطابقت دارد.

این جنگ جهانی سوم کی داره میاد بستن مضمون « شیپور » یا مجازات های هشداردهنده آنقدر مهم است که خداوند آن را ابتدا به یهودیان عهد قدیم، متوالی در دان. 45-11:40 و حزقیال 38 و 39 و سپس به مسیحیان عهد جدید اعلام کرد. عهد، در این کتاب مکاشفه به عنوان « ششمین شیپور »، به عنوان آخرین هشدار الهی قبل از پایان زمان فیض است. پس بیایید این درس های مکمل غنی را در اینجا پیدا کنیم.

دانیال 45-11:40

تعبیر " زمان پایان " ما را به مطالعه این آخرین درگیری ملل که در نبوت دان 11:40 تا 45 آشکار و توسعه یافته است، هدایت می کند. ما در آنجا مراحل اصلی سازماندهی آن را کشف می کنیم. اسلام متجاوز به نام « پادشاه جنوب » که عمدتاً در قلمرو اروپای غربی مستقر بود، با مردم عمدتاً مورد Dan. 11:36 کاتولیک اروپا درگیر شد. مذهب کاتولیک پاپ رومی موضوعی است که نبوت از هدف قرار گرفته است. رهبر پاپ رومی که تاکنون به آن اشاره شده است تحت عنوان " او " معرفی شده است. در لقب « شاه » مورد هجوم « پادشاه جنوب » اسلام قرار می گیرد که با او برخورد خواهد کرد. انتخاب فعل « برخورد کردن » دقیق و سنجیده است، زیرا تنها کسانی که در یک قلمرو هستند با یکدیگر « درگیری » دارند. آن وقت است که با استفاده از موهبت ارائه شده، وضعیت اروپای غربی را در آشفتگی و وحشت کامل فرو برده است، « پادشاه شمال » (یا شمال) « مثل طوفان » بر فراز این طعمه در سختی می چرخد تا آن را تصاحب کند. و آن را اشغال کند. از « کشتی ها »، « تانک ها » و جنگنده های زیادی استفاده می کند که « سوار » بیش نیستند و در شمال و نه در شمال اروپای غربی، بلکه در شمال قاره اروپا-آسیا زندگی می کنند. و دقیقاً به شمال اسرائیل که آیه 41 آن را « زیباترین کشورها » می نامد. روسیه مورد نظر مردمی از " سواران " (قزاق ها)، پرورش دهندگان و تامین کنندگان اسب برای دشمنان تاریخی اسرائیل است. این بار، بر اساس همه این داده ها، شناسایی این " پادشاه شمال " با روسیه قدرتمند ارتدوکس، دشمن مذهبی شرقی رومیسم پاپی غربی از زمان انشقاق مذهبی رسمی مسیحی در سال 1054 آسان می شود.

ما به تازگی تعدادی از بازیگران جنگ طلب جنگ جهانی سوم را پیدا کرده ایم. اما اروپا متحدان قدرتمندی دارد که به دلیل رقابت اقتصادی که از زمان ورود ویروس کووید-19 فاجعه بار شده است، تا حدودی از آن غفلت کرده اند. اقتصادهای بدون خون برای بقای خود می جنگند، هر مردمی بیشتر و بیشتر به درون خود می چرخند. با این حال، هنگامی که درگیری در اروپا آغاز شود، متحد آمریکا زمان خود را برای اقدام صبر خواهد کرد.

در اروپا، نیروهای روسیه با مخالفت اندکی روبرو هستند. مردم اروپایی شمال یکی پس از دیگری اشغال شدند. فرانسه به تنهایی مقاومت نظامی ضعیفی از خود نشان داد و ارتش روسیه در بخش شمالی کشور عقب نشینی کرد. بخش جنوبی با اسلام در حال حاضر به طور گسترده در این منطقه مستقر شده است با مشکلات جدی مواجه است. نوعی توافق منافع مشترک بین مبارزان مسلمان و روس ها را به هم پیوند می دهد. هر دو حریص غارت هستند و فرانسه کشوری ثروتمند و حتی از نظر اقتصادی ویران شده است. اعراب با میراث سنتی غارتگر هستند.

در طرف اسرائیل وضعیت فاجعه بار است، کشور اشغال شده است. مردم عرب مسلمانی که آن را احاطه کرده اند نجات یافته اند: ادوم، مواب، فرزندان عمون: اردن امروزی

چیزی که قبل از سال 1979 که مصر از اردوگاه اعراب خارج شد و با اسرائیل ائتلاف کرد، امکان پذیر نبود. توسط روسها اشغال شده است. و با مشخص کردن " او فرار نخواهد کرد "، روح ماهیت فرصت طلبانه انتخابی را که در سال 1979 انجام شد را آشکار می کند. با جانبداری از قوی ترین های زمان، او معتقد بود که از بدبختی که او را گرفتار می کند. و بدبختی بزرگ است، او توسط روس های اشغالگر از ثروت خود خلع شده است. و گویی این کافی نیست، لیبیبایی ها و اتیوپیایی ها نیز پس از روس ها آن را غارت می کنند.

مرحله هسته ای درگیری جهانی

آیه 44 تغییر بزرگی را در وضعیت چیزها نشان می دهد. نیروهای روسی در حالی که اروپای غربی، اسرائیل و مصر را اشغال می کنند، از « خبرهایی » که مربوط به قلمرو روسیه خودشان است می ترسند. روح " شرق " را در اشاره به اشغال اروپای غربی و همچنین " شمال " را در اشاره به اشغال اسرائیل ذکر می کند. روسیه در " شرق " اولی و " در شمال " دومی قرار دارد. خبر آنقدر جدی است که جنون قاتل را به راه می اندازد. اینجاست که ایالات متحده وارد نبرد می شود و تصمیم می گیرد خاک روسیه را با آتش هسته ای نابود کند. سپس مرحله هسته ای درگیری آغاز شد. قارچ های کشنده در بسیاری از مکان ها به وجود می آیند تا از بین ببرند و " از بین ببرند ". انبوهی از زندگی انسان و حیوان. در این اقدام است که طبق اعلام « ششمین شیپور » « یک سوم مردان کشته می شوند ». سربازان روسی « پادشاه شمال » که به « کوه های » اسرائیل عقب رانده شدند، بدون دریافت « کوچکترین کمکی نابود شدند: « بدون اینکه کسی به کمک او بیاید

حزقیال 38 و 39

حزقیال 38 و 39 نیز این آخرین درگیری در تاریخ را به شیوه خود تداعی می کند. جزئیات جالبی مانند این دقت وجود دارد که نشان می دهد قصد خدا از « قرار دادن سگکی در آرواره » پادشاه روسیه برای جلب او و درگیر کردن او در درگیری. این تصویر فرصتی و سوسه انگیز برای ثروتمند شدن با مردمش را نشان می دهد که او نمی تواند در برابر آن مقاومت کند

در این پیشگویی طولانی، روح به ما نام هایی را به عنوان نقاط مرجع می دهد: یاجوگ، ماجوج، روش (روسی)، مشک (مسکو)، توبال (توبولسک). متن روزهای آخر با جزئیاتی در مورد مردم مورد حمله تأیید می شود: « می گویند: به سرزمینی باز خواهیم رفت، بر مردانی خواهیم آمد که ساکت و امن در خانه های خود هستند. همه در خانه های بدون دیوار، و بدون پیچ و مهره و درب (حزق. 11:38). شهرهای مدرن واقعاً کاملاً باز هستند. و نیروهای مخالف به طرز غم انگیزی نابرابر هستند. روح اینجا در دهان " پادشاه شمال " دانیال، این بار فعل " من می آیم " را می گذارد که حاکی از از Dan. 11:40، Dan. 11:40، سریع و هوایی مطابق با فعل و تصویر " مثل طوفان خواهد بود ". " از مکانی نسبتاً دور. در این پیشگویی حزقیال هیچ رمز و رازی در مورد کشورهای درگیر وجود ندارد. تا 45 بود که مربوط به پاپ Dan. 11:36 روسیه و اسرائیل به وضوح شناسایی شده اند. راز فقط در روم و قلمرو اروپایی آن بود. و با دادن نام " پادشاه شمال " به روسیه که به اروپای کاتولیک پاپ حمله می کند، خداوند به مکاشفه ای که به حزقیال داده شده اشاره می کند. زیرا یادآوری می کند که روسیه عمدتاً در رابطه با موقعیت جغرافیایی اسرائیل در « شمال » واقع شده است. در واقع، در « شرق » موقعیت پاپ کاتولیک رومی اروپای غربی است. بنابراین، برای تأیید موقعیت نیروهای روسی در این اروپای پایی که آنها را اشغال کرده و بر آن تسلط دارند، است که روح رسیدن اخبار بد را از " شرق " تعیین می کند. « بر او و لشکر یانش آتش و گوگرد خواهیم بارید (حزق. 22:38) ». در حز. 6:39 می خوانیم: « آتش را به ماجوج خواهیم فرستاد ». در اینجا دلیل خبر بدی است که « پادشاه شمال » دان را خشمگین می کند. 11:44. همانطور که در دانیال، متجاوز روس در گوشه و کنار کوههای اسرائیل نابود خواهد شد: " شما و تمام لشکر هایتان بر کوههای اسرائیل خواهید افتاد (حزق. 4:39) ". اما رمز و راز جزئیات بسیار جالبی پیدا می Eze. 39:9 هویت ایالات متحده در منشأ این اقدام را پوشش می دهد. من در کنم. این متن امکان ایجاد آتش را برای " هفت سال " با سوزاندن سلاح های مورد استفاده در این

درگیری وحشتناک جهانی را تداعی می‌کند. چوب دیگر ماده اولیه تسلیحات مدرن نیست، اما « هفت سال » ذکر شده نشان دهنده شدت این جنگ و مقدار سلاح است. از 7 مارس 2021، تنها 9 سال تا بازگشت مسیح باقی مانده است. 9 سال آخر لعنت خدا که طی آن آخرین درگیری بین المللی رخ خواهد داد. جنگی که به طرز وحشتناکی جان و مال را ویران می‌کند. طبق آیه 12، اجساد روسی به مدت « هفت ماه » دفن خواهند شد.

عدل الهی وحشتناک و غیر قابل تسلیم

اجساد زیادی وجود خواهد داشت و خداوند در حزقیال 9 ایده ای از وحشیگری قتل عام که او سازماندهی خواهد کرد به ما ارائه می‌دهد. زیرا جنگ جهانی سوم که برای دوره بین 2021 و 2029 انتظار می‌رود، ضد جنگ سوم^۴ رهبری نیوکدنصر علیه اسرائیل باستان در سال 586 است. در اینجا چیزی است که خالق بزرگ خدا دستور داد، که توسط قومش در حزقی نامید و تحقیر شد. 1 تا 11

حز. 1:9: آنگاه با صدای بلند در گوش من فریاد زد: نزدیک بیا، ای کسی که باید شهر را مجازات کنی، هر کدام با ابزار تخریب خود در دست خود

حز. 2:9: و اینک، شش مرد از راه دروازه بالا در سمت شمال آمدند، هر یک با ابزار نابودی خود در دست. در میان آنها مردی بود که کتانی پوشیده بود و جعبه ای در کمر بند خود حمل می‌کرد. آمدند و نزدیک مذبح برنج ایستادند.

حز. 3:9: جلال خدای اسرائیل از کربوبی که بر آن بود برخاست و به آستانه خانه رفت. و مردی را که کتانی پوشیده بود و کتیبه ای در کمر بند داشت، فرا خواند

حز. 4:9: خداوند به او گفت: «از وسط شهر، از وسط اورشلیم بگذر، و بر پیشانی مردانی که به خاطر تمام کارهای زشتی که در آنجا مرتکب می‌شوند، آه و ناله می‌کنند، علامتی بگذار

حزقی. 5:9 و در شنیدن من به بقیه گفت: پس از او به شهر بروید و بزنید. چشمت بی رحم باشد! و رحم نکن

حز. 6:9: پیرمردان، مردان جوان، باکره‌ها، کودکان و زنان را بکشید و هلاک کنید. ولی به کسی که اثری بر اوست نزدیک نشو. و از پناهگاه من شروع کن! از بزرگانی که جلوی در خانه بودند شروع کردند

حز. 7:9: و او به آنها گفت: «خانه را نجس کنید و صحن‌ها را از کشتگان پر کنید. بیا بیرون!... بیرون رفتند و در شهر زدند

حز. 8:9: همانطور که آنها زدند، و من هنوز باقی مانده بودم، به روی خود افتادم و فریاد زدم: آه! خداوندا، آیا با ریختن خشم خود بر اورشلیم، تمام بقایای اسرائیل را نابود می‌کنی؟

حز. 9:9: او به من گفت: «گناه‌خاندان اسرائیل و یهودا بزرگ و بسیار عظیم است. زمین پر از آدم‌کشی است، شهر پر از بی‌عدالتی است، زیرا می‌گویند: خداوند زمین را ترک کرده است، خداوند چیزی نمی‌بیند

حز. 10:9: من نیز ترحم نخواهم کرد و رحم نخواهم کرد. آثارشان را بر سرشان خواهم آورد

حز. 11:9: و اینک مردی که کتانی پوشیده بود و کتانی در کمر بند خود داشت، این پاسخ را داد: «همانطور که تو به من امر کردی، عمل کردم»

هر کسی که به دلایل مذهبی کشته شود، شهید دین نیست. در این دسته افراد متعصب زیادی وجود دارند که آماده اند جان خود را، احتمالاً برای دین خود، بلکه برای هر ایدئولوژی سیاسی یا دیگر بدهند. شهید واقعی ایمان، ابتدا و منحصرأ در عیسی مسیح است. آنگاه، لزوماً برگزیده‌ای است که جان قربانی او فقط برای خدای خالق خشنود است، در صورتی که قبل از مرگ او زندگی منطبق با الزامات وحی شده‌اش برای زمانش باشد.

ترومیت "تداعی بافت اخلاقی دوران پس از جنگ^۵ بیاباید اکنون در موضوع " 6

پشیمانی بازماندگان

برخلاف آنچه اکثر مردم فکر می‌کنند و از آن می‌ترسند، سلاح‌های هسته‌ای به همان اندازه که مخرب هستند، بشریت را نابود نمی‌کنند. زیرا " بازماندگان " پس از پایان درگیری باقی خواهند ماند. عیسی در مورد جنگ‌ها در متی 24:6 گفت: « از جنگ‌ها و شایعه‌های جنگ خواهید شنید، مراقب باشید

که مضطرب نشوید، زیرا این چیزها باید واقع شود. اما این هنوز پایان کار نخواهد بود. « نابودی بشریت به دلیل عمل خدای خالق پس از بازگشت باشکوه او در شخص عیسی مسیح خواهد بود. زیرا بازماندگان باید در معرض امتحان نهایی ایمان قرار گیرند. از سال 1945، تاریخ اولین استفاده از سلاح های اتمی، بیش از دو هزار انفجار برای آزمایش توسط قدرت های زمینی که آنها را در اختیار دارند انجام شده است. این درست است، متوالی، در طول 75 سال و زمین بسیار بزرگ است، اگرچه محدود است، اما ضربه هایی را که بشریت به آن وارد می کند تحمل می کند و پشتیبانی می کند. برعکس، در جنگ اتمی آینده، انفجارهای متعددی در مدت کوتاهی رخ خواهد داد و پراکندگی رادیواکتیویته ادامه حیات در زمین را غیرممکن خواهد کرد. مسیح الهی با بازگشت خود به رنج بشریت سرکش در حال مرگ پایان خواهد داد.

آیه 20: « بقیه مردانی که توسط این بلاها کشته نشدند، از اعمال دست خود توبه نکردند تا شیاطین و بت های طلا و نقره و برنز و سنگ و چوب را که نمی بینند و نمی بینند نپرستند. بشنو و راه «نرود»

در آیه 20، روح سخت شدن قوم های بازمانده را پیشگویی می کند. « دیگر مردانی که توسط این بلاها کشته نشدند، از کارهای دست خود توبه نکردند. « وای دوم » که در زمان امپراتوری اعلام شد، در واقع یک « طاعون » الهی را تشکیل می دهد، اما قبل از « هفت آخر » است که پس از پایان دوره فیض کشیش 15، بر گناهکاران گناهکار خواهد افتاد. همچنان لازم است در اینجا به ما یادآوری کنیم که این « آفت ها » همگی تجاوز روم به نظم زمان را که توسط خدای خالق قادر متعال آفریده شده بود، مجازات کردند.

از پرستش شیاطین و بت های طلا، نقره، برنز، سنگ و چوب دست برداشتنند که نه... «
» می بینند، نه می شنوند و نه راه می روند

در این شمارش، روح تصاویر مذهبی مذهب کاتولیک را هدف قرار می دهد که مورد ستایش پیروان این مذهب بت پرست است. این مجسمه ها، اولاً «مریم باکره» و در پشت سر او، در تعداد زیادی، قدیس های کم و بیش گمنام را نشان می دهند، زیرا آزادی زیادی برای انتخاب قدیسه مورد علاقه شان به همه می گذارد. بازار بزرگ به صورت 24 ساعته باز است ما پدهای زیربغل را در هر سبک و اندازه ارائه می دهیم. و این نوع تمرین به ویژه کسی را که بر روی صلیب گلگوتا رنج می برد، آزار می دهد. همچنین، انتقام او وحشتناک خواهد بود. و پیش از این، پس از آنکه در سال 2018 به مقامات منتخب خود بازگشت قدرتمند و باشکوه خود را برای سال 2030 اعلام کرد، از سال 2019، گناهکاران زمین را با یک ویروس مسری کشنده ضربه زد. این تنها نشانه بسیار کوچکی از خشم او در آینده است، اما او در حال حاضر اثربخشی را در کنار خود دارد، زیرا ما از قبل یک ویرانی اقتصادی بدون سابقه در تاریخ غرب اصلی را مدیون او هستیم. مسیحی. و چون تباه شوند، امت ها به نزاع می پردازند، سپس می جنگند و می جنگند.

سرزنش خدا بیش از هر چیز موجه تر است، زیرا در ظهور عیسی مسیح، خدای واقعی در جسم آمد، در میان انسان ها و در آنجا به عنوان یکی از آنها، برخلاف بت های کنده کاری شده یا قالبی، «دید، شنید و به بازار عرضه کرد». که نمی تواند این کار را انجام دهد.

« آیه 21: « و از قتل و جادو و زنا و دزدی خود توبه نکردند

با آیه 21، موضوع بسته می شود. با برانگیختن « قتل آنها »، روح قانون مرگبار یکشنبه را به تصویر می کشد که در نهایت مستلزم مرگ ناظران وفادار سبت مقدس است که توسط خدا تقدیس شده است. او با استناد به « افسون هایشان »، توده های کاتولیک مورد احترام کسانی را هدف قرار می دهد که «یکشنبه» او، این روز دروغین خداوند و «روز خورشید» بت پرستان واقعی را توجیه می کنند. روح با یادآوری « گستاخی آنها »، ایمان پروتستانی را به عنوان وارث « زنای » کاتولیک « ایزابل نبی » دروغین در مکاشفه 2:20 نشان می دهد. و با نسبت دادن " دزدی های آنها " به آنها، دزدی های روحانی را پیشنهاد می کند که اولاً علیه خود عیسی مسیح انجام شده است، که طبق دان. 8:11، پادشاه پاپ، کشیشی دائمی و عنوان مشروع آن را از او گرفت. توجیه شده از « رئیس مجمع »، از افس. 5:23؛ این تفاسیر بسیار معنوی کاربردهای Dan. 7:25 بلکه ترتیب آن از « زمان و قانون آن »، مطابق با تحت اللفظی معمولی را مستثنی نمی کند، اما در قضاوت خداوند و پیامدهای آن برای نویسندگان مجرم بسیار فراتر از آنها است.

مکاشفه 10: کتاب باز کوچک

بازگشت مسیح و مجازات شورشیان

کتاب باز کوچک و پیامدهای آن

بازگشت مسیح در پایان چهارمین انتظار ادونتیست

آیه 1: « فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان فرود آمد و در ابری پوشانده شد. بالای سرش رنگین کمان بود و صورتش مثل خورشید و پاهایش مثل ستون های آتش بود »

فصل 10 به سادگی وضعیت معنوی ایجاد شده تا کنون را تأیید می کند. مسیح در زیر جنبه خدای اتحاد مقدس الهی ظاهر می شود، در زیر تصویر "رنگین کمان" که پس از طوفان به نوح و فرزندانش داده شد. این نشانه ای از وعده خدا بود که دیگر هرگز زندگی روی زمین را با آب های سیل آسا نابود نخواهد کرد. خدا به وعده خود عمل خواهد کرد، اما از طریق زبان پطرس اعلام کرد که زمین اکنون " برای آتش محفوظ است ". سیل آتش این امر تنها برای آخرین داوری هزاره هفتم محقق خواهد شد. با این حال، آتش نابودی زندگی ها را به پایان نرسانده است، زیرا این سلاحی است که خدا قبلاً علیه شهرهای دره سدوم و گومورا استفاده کرده است. در این فصل جاری، روح به طور مختصر وقایع پس از « ششم را نشان می دهد ترومیت. » فصل با تصویر بازگشت باشکوه مسیح انتقام گیرنده آغاز می شود

نبوت کاملاً بدون مهر و موم

آیه 2: « او یک کتاب باز کوچک در دست داشت. پای راست خود را بر دریا و پای چپ خود را بر زمین گذاشت »

از ابتدای کتاب، طبق مکاشفه 1:16، عیسی می آید تا با پرستندگان « خورشید » خدایی شده مبارزه کند. نقش نمادها روشن تر می شود: « چهره اش مثل خورشید بود » و دشمنانش « خورشید پرستان » چه خواهند شد؟ جواب: قدم های او و وای بر آنها! زیرا « پاهای او مانند ستون های آتش است ». پس این آیه از کتاب مقدس برآورده خواهد شد: " در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو قرار دهم (مزمور 110:1؛ متی 22:44)". گناه آنها با این واقعیت افزایش یافت که عیسی قبل از بازگشت، « کتاب کوچک » مکاشفه را با بازکردن مهر، از سال 1844، « مهر هفتم » را که همچنان آن را در مکاشفه 1:5 تا 7 بسته نگه داشت، باز کرد. در سال مورد بحث در این فصل 10، درک و معنای سبت به نور کامل تبدیل شده است. همچنین مردان این عصر وقتی تصمیم می گیرند که او را گرامی ندارند، بی عذر هستند. سپس « کتاب کوچک » توسط روح القدس مسیح « گشوده شد » و خورشید پرستان هیچ کاری با آن نداشتند. در آیه 2 سرنوشت آنها به تصویر کشیده شده است. برای درک معنای نمادهای " دریا و خشکی " موجود در این آیه، ما باید مکاشفه 13 را مطالعه کنیم که در آن خداوند آنها را به دو " جانور " روحانی متصل می کند که در 2000 سال عصر مسیحیت ظاهر خواهند شد. اولین " جانوری که از دریا برمی خیزد " نماد رژیم غیرانسانی و بنابراین حیوانی ائتلاف قدرت های مدنی و مذهبی در اولین شکل تاریخی سلطنتی و پاپری کاتولیک رومی است. این پادشاهی ها با « ده شاخ » با « شاخ کوچک » و کشیش 12، 13 و 17 با « هفت سر » نشان Dan.7 مرتبط با نمادی که روم را در می دهد، نشان داده می شوند. این « جانور »، بر اساس قضاوت ارزش های الهی، نمادهای ذکر شده در دانیال 7 را نشان می دهد: امپراتوری های سلف امپراتوری روم، به ترتیب معکوس از امپراتوری پلنگ، خرس، شیر. بنابراین « جانور » خود هیولای رومی دان است. 7:7. اما در اینجا، در Dan.7: کشیش 13، نماد « شاخ کوچک » پاپ، که جانشین « ده شاخ » می شود، با نماد « هفت سر » هویت رومی جایگزین شده است. و روح به او « کفر » یعنی دروغ دینی را نسبت می دهد. وجود « تاج ها » روی « ده شاخ » نشان دهنده زمانی است که « ده شاخ » دان. 7:24 به سلطنت رسیدند. بنابراین، زمانی است که « شاخ کوچک » یا « شاه متفاوت » خود فعال است. " جانور " شناسایی شد، دنباله آینده خود را اعلام می کند. او " یک بار، بارها (2 بار) و نیم بار " آزادانه عمل خواهد کرد. این عبارت در به 3 سال و نیم نبوی یا 1260 سال واقعی اشاره می کند. ما آن را به شکل " Rev.12:14 و Dan.7:25 1260 روز " - سال می یابیم یا « 42 ماه » نبوی در مکاشفه 2:11-3، 6:12 و مکاشفه 5:13. اما در بند 3 از این فصل 13، روح اعلام می کند که او دقیقاً بین سال های 1789 و 1798 توسط الحاد فرانسوی مورد ضرب و شتم قرار خواهد گرفت " گویی زخمی شده است ". شفا یافت. « بنابراین، کسانی که حقیقت الهی را دوست ندارند، می توانند به دروغ هایی که روح و بدن را می کشد، احترام بگذارند.

در پایان روزها، تصویری از اولین " جانوری که از دریا بیرون آمد " ظاهر می شود. این جانور جدید با این واقعیت متمایز می شود که این بار " از زمین بلند خواهد شد ". روح با تکیه بر تصویر پیدایش، جایی که « زمین » از « دریا » بیرون می آید، به طرز ماهرانه ای به ما می گوید که این « جانور » دوم از اولی بیرون آمد، بنابراین به اصطلاح کلیسای کاتولیک را اصلاح کرد. تعریف دقیق ایمان اصلاح شده پروتستان در سال 2021، این کشور در حال حاضر بزرگترین قدرت نظامی روی سیاره زمین را نشان می دهد و از زمان پیروزی خود در برابر ژاپن و آلمان نازی در سال های 1944-1945، یک قدرت بوده است. البته این ایالات متحده آمریکا است که در اصل عمدتاً پروتستان است، اما امروزه عمدتاً کاتولیک است، به دلیل مهاجرت شدید اسپانیایی ها. روح با متهم کردن او به پرستش « اولین جانور در حضور او »، میراث او در یکشنبه روم را محکوم می کند. این نشان می دهد که برجسب های مذهبی گمراه کننده هستند. مذهب پروتستان مدرن چنان به این میراث رومی چسبیده است که تا آنجا پیش می رود که قانونی الزام آور را اعلام می کند و تعطیلات یکشنبه را تحت مجازات تحریم ها اجباری می کند: در ابتدا تحریم تجاری و در نهایت حکم اعدام. یکشنبه به عنوان " نشان " اقتدار " جانور " رومی است که روح آن را " عدد وحش " می نامد. حساب کنید، عدد موجود است " VICARIVS FILII DEI

VICIVILIID

$$5 + 1 + 100 + 1 + 5 = 112 + 1 + 50 + 1 + 1 = 53 + 500 + 1 = 501$$

$$112 + 53 + 501 = 666$$

یک توضیح مهم: علامت فقط تا حدی « روی دست » یا « روی پیشانی » دریافت می‌شود که « دست » نماد کار، عمل و « پیشانی » اراده شخصی هر موجودی را آزاد از آن نشان می‌دهد. همانطور « که عزی. 3:8 به ما می‌گوید: « پیشانی تو را سخت خواهم کرد تا با پیشانی آنها مخالفت کنی

پایگاه " آینده عیسی مسیح، قاضی عادل الهی، مشخص شده است. و روح با نشان دادن اولویت « پای راست » یا « پای چپ » به طور ماهرانه نشان می‌دهد که چه کسی را مقصودتر می‌داند. سوزان " پای راست " برای ایمان کاتولیک پاپ رومی است که بر اساس مکاشفه 18:24، خداوند ریختن خون " همه کسانی که بر روی زمین کشته شده اند " را به آن نسبت می‌دهد. بنابراین اولویت او برای خشم سزاوار است. سپس، به همان اندازه گناهکار، به دلیل تقلید از آن، با ایجاد "تصویر" اولین " جانور کاتولیک"، ایمان پروتستان، به نام " زمین"، آتش را از " پای چپ" عیسی دریافت می‌کند. بنابراین انتقام خون آخرین قدیسان منتخب را می‌گیرد که قرار بود بدون دخالت نجات دهنده او ریخته شود. آیه 3: « و با صدای بلند ندا کرد، چنانکه شیر غرش می‌کند. هنگامی که او فریاد زد، هفت تندر « صدای خود را بر زبان آوردند

راز پنهان یا مهر شده در آیات 4 تا 7 که توسط " صدای هفت رعد " اعلام شده است اکنون آشکار شده است. بنابراین « صدای » خداوند با صدای « رعد » مرتبط با عدد « هفت » که نماد تقدیس اوست، مقایسه می‌شود. این صدا پیامی را اعلام می‌کند که مدت ها توسط مردان پنهان و نادیده گرفته شده است. این سال بازگشت در شکوه خداوند متعال و متعالی ما عیسی مسیح است. این تاریخ برای مقامات منتخب آن در سال 2018 فاش شد. این بهار سال 2030 است که از زمان مرگ کفاره عیسی در 30 آوریل 30، سومین سوم از 2000 سال از 6000 سالی که خداوند برای انتخاب برگزیدگان برنامه ریزی کرده بود، پایان می‌یابد.

آیه 4: « و چون هفت رعد صداهای خود را بر زبان آوردند، رفتم تا بنویسم. و صدایی از آسمان شنیدم که می‌گفت: آنچه را که هفت رعد گفته اند مهر و موم کن و آن را ننویس

در این صحنه خدا دو هدف دارد. اول این که برگزیدگان او باید بدانند که خداوند واقعاً زمانی را برای پایان جهان معین کرده است. حقیقتاً پنهان نیست، زیرا این بستگی به ایمان ما به برنامه 6000 ساله دارد که در شش روز ناپسند هفته های ما پیشگویی شده است. هدف دوم، ممانعت از جستجوی این تاریخ تا زمانی است که خود راه را برای درک باز کند. این برای هر یک از سه آزمون ادونتیست مفید برای غربالگری و انتخاب برگزیدگانی که شایسته بهره مندی از عدالت ابدی ارائه شده توسط عیسی مسیح در سال های 1843، 1844 و 1994 بودند، انجام شد.

آیه 5: « و فرشته ای را که دیدم بر دریا و روی زمین ایستاده بود، دست راست خود را به سوی « آسمان بلند کرد

در این نگرش قاضی پیروز بزرگ که پاهایش را بر روی دشمنانش گذاشته است، عیسی مسیح سوگند بزرگی را تنظیم خواهد کرد که او را از نظر الهی مقید می‌کند.

آیه 6: « و به کسی که تا ابدالاباد زنده است سوگند یاد کرد که آسمان و آنچه در آن است و زمین _ ، و آنچه در آن است و دریا و آنچه در آن است را آفرید که زمان بیشتری خواهد داشت سوگند عیسی مسیح به نام خدای خالق است و خطاب به برگزیدگان اوست که به فرمان فرشته اول مکاشفه 14:7 احترام می‌گذارند. این، با نشان دادن " ترس " خود از خدا از طریق اطاعت خود، با رعایت فرمان چهارم او که به عمل خلاق او جلال می‌بخشد. بیانیه " که دیگر زمانی وجود نخواهد داشت " تأیید می‌کند که خداوند در برنامه خود سه انتظار بیهوده ادونتیست در سالهای 1843، 1844 و 1994 را طراحی کرده بود. همانطور که قبلاً بیان کردم، این انتظارات بیهوده در غربال کردن ایمانداران مسیحی مفید بود. زیرا عواقب آنها در عین بیهودگی برای کسانی که تجربه کردند، دراماتیک و از نظر روحی فانی بود یا برای برگزیدگان، موجب برکت و تقدیس آنها توسط خداوند شد.

اعلام سومین مصیبت بزرگ که در مکاشفه 8:13 پیشگویی شده است.

آیه 7: « اما در ایام صدای فرشته هفتم، هنگامی که او (شیپور) را به صدا در آورد، راز خدا به « انجام رسید، همانطور که به بندگان خود پیامبران اعلام کرد

زمان ساخت خرماى نبوى به پايان رسيده است. آنهايى كه با داده هاى پيشگويى تثبیت شده اند، نقش خود را انجام داده اند تا ايمان پروتستان ها را در سال هاى 1843-1844 و ايمان ادونتيست ها در سال 1994 را به طور متوالى آزمون كنند. بنا بر اين از اين پس ديگر تاريخ هاى نادرستى وجود نخواهد داشت، انتظارات نادرست ديگرى وجود نخواهد داشت. ؛ اخبارى كه از سال 2018 آغاز شده است، خوب خواهد بود و برگزیدگان براى نجات خود، صدای «هفتمین شیپور» را خواهند شنید كه نشان دهنده دخالت مسیح عدالت الهی است. زمانى كه طبق مكاشفه 11:15: " پادشاهى جهان به خداوند ما و مسیح او واگذار شد " و بنا بر اين از شيطان گرفته شد

پيامدها و زمان هاى خدمت نبوى

آيه 8: « و صدایى كه از آسمان شنيدم دوباره با من گفت، برو، كتاب كوچك را در دست فرشته «. اى كه بر دريا و روى زمين ايستاده است باز كن آيات 8 تا 11 تجربه مأموريت خادمى را كه مسئول ارائه پيشگويى رمزگذارى شده به زبان ساده است، نشان مى دهد.

آيه 9: « و من نزد فرشته رفتم و به او گفتم كتاب كوچك را به من بدهد. و به من گفت: آن را بگير و قورت بده. درونت تلخ است، اما در دهانت مثل عسل شيرين است.

در ابتدا، « دردهاى روده » به خوبى رنج و مصيبت ناشى از رد نور پيشنهادهى از سوى مسيحيان سرکش را به تصوير مى کشد. اين رنج ها براى آخرين آزمون ايمان، در زمان قانون يكشنبه، جايى كه زندگى برگزیدگان با تهديد مرگ مواجه خواهد شد، به اوج خود مى رسد. زيرا تا انتها، نور و ذخاير آن توسط اهريمن و شياطين آسمانى و زمينى او، متحدان آگاه يا ناآگاه اين "نابودگر"، "ابادون يا مبارزه خواهند كرد. « شيرينى از عسل » همچنين شادى درك اسرار خداوند Rev.9:11 آپولون " از را كه با برگزیدگان واقعى تشنه حقيقت خود در ميان مى گذارد، به خوبى به تصوير مى کشد. هيچ محصول ديگرى روى زمين مانند آن شيرينى طبيعى شيرين خود را متمرکز نمى كند. به طور معمول، انسان اين طعم شيرين را كه برايش خوشايند است، قدر مى داند و به دنبال آن است. همچنين، برگزیده مسيح، شيرينى يك رابطه محبت آميز و صلح آميز و نيز دستورات او را در خدا مى جويد.

روح خدا با دادن وحى خود «آخرالزمان» (= مكاشفه) « شيرينى عسل»، آن را با « مناى آسمانى » مقايسه مى كند كه « طعم عسل » داشت و عبرانيان را در بيابان تغذيه مى كرد. 40 سال قبل از ورود آنها به سرزمين موعود كه از كنعانيان گرفته شده بود. همانطور كه يك عبرى نمى توانست بدون مصرف اين « مانا » زنده بماند، از سال 1994، پايان « پنج ماه » كه در مكاشفه 9: 5-10 پيشگويى شده است، ايمان ادونتيست تنها با تغذيه از اين آخرين روحانى نبوى زنده مى ماند. غذا « (متى 24:45) « براى زمان مناسب آمدن باشكوه » عيسى مسيح آماده شده است. اين آموزه اى كه خداى حقيقت به من مى دهد تا فقط در اين صبح شنبه در ساعت چهارم¹⁶ ژانويه 2021 (اما براى خدا سال 2026) متوجه شوم، براى پاسخ به كسى كه روزى از من در مورد مطالعه نبوت ها سؤال كرد مفيد بود. چه سودى براى من دارد؟» « پاسخ عيسى كوتاه و ساده است: زندگى روحانى براى فرار از مرگ روحانى. اگر روح تصوير يك « كيك » را به خود نمى گيرد، بلكه فقط « شيرينى عسل » را به خود مى گيرد، به اين دليل است كه زندگى فيزيكى عبرى به اين غذاى « ماننا » مربوط مى شود. در مورد وحى، غذا فقط براى روح برگزیدگان است. اما در اين مقايسه، شرط لازم، ضرورى و خواسته خداى زنده براى حفظ حيات معنوى است. و اين نياز منطقى است، زيرا خداوند اين غذا را براى نادیده گرفتن و تحقير بندگان آخرالزمان خود آماده نكرده است. اين عنصر مقدس ترين عنصر از زمان قربانى شدن عيسى مسيح و آخرين شكل و انجام نهايى شام مقدس است. عيسى به برگزیدگان خود براى غذا، بدن و آموزش نبوى خود مى دهد.

آيه 10: « طومار كوچك را از دست فرشته گرفتم و آن را قورت دادم. در دهانم مثل عسل شيرين بود، اما وقتى آن را قورت دادم، درونم پر از تلخى شد

در تجربه زيسته، بنده در خلوت، نور خيره كننده اى را كه توسط عيسى پيشگويى شده بود، كشف كرد و در واقع ابتدا « شيرينى عسل » را يافت، لذتى دلپذير كه با شيرينى شيرين عسل قابل مقايسه است. اما سردى نشان داده شده توسط اعضاى ادونتيست و معلمان كه مى خواستم آن را به آنها ارائه دهم،

در بدن من دردهای شکمی واقعی به نام کولیت ایجاد کرد. بنابراین من به تحقق معنوی و تحت اللفظی این چیزها شهادت می‌دهم.

اما توضیح دیگر مربوط به عصر پایانی است که نور نبوی در آن روشن می‌شود. در زمان آن را به‌عنوان Dan.12:1 صلح آغاز می‌شود، اما در زمان جنگ و وحشت مرگبار به پایان می‌رسد « زمانی مصیبت‌آمیز، که از زمان آغاز قوم‌ها تا این زمان وجود نداشته است » پیش‌گویی کرد. این برای ایجاد " درد در روده " کافی است. به خصوص که در لام 1:20 می‌خوانیم: « بیهوش، به پریشانی من نگاه کن! درونم می‌جوشد، دلم در درونم پریشان است، چون سرکش بوده‌ام. بیرون شمشیر ویرانی خود را روده‌های من! باطن من: من در قلبم » Jer.4:19 در درون مرگ به بار آورده است. « همچنین در رنج می‌کشم، قلبم می‌تپد، نمی‌توانم سکوت کنم. زیرا ای جان من، صدای شیپور، فریاد جنگ را می‌شنوی. « تلخی » باطن « مقایسه ای را بین مأموریت آخر ادونتیست ها و آنچه به ارمیا نبی محول شده بود انجام می‌دهد. در هر دو تجربه، مقامات منتخب در خصومت محیطی حاکمان سرکش زمان خود کار می‌کنند. ارمیا و آخرین ادونتیست‌های واقعی گناهانی را که رهبران مدنی و مذهبی زمان خود مرتکب شده‌اند محکوم می‌کنند و با این کار، خشم مجرمان بر ضد آنها معطوف می‌شود، تا پایان جهان که با بازگشت جلال عیسی مسیح مشخص می‌شود. " پادشاه پادشاهان و پروردگار اربابان " از مکاشفه 19:16.

پایان بخش اول مکاشفه

در این بخش اول، مقدمه و سه موضوع موازی، نامه‌های خطاب به فرشتگان هفت کلیسا، هفت مهر یا نشانه‌های زمانه، و شش شیپور یا مجازات هشداردهنده را یافتیم که با خشم خدا برانگیخته شده‌اند.

آیه 11: " و آنها به من گفتند، باید دوباره در مورد بسیاری از اقوام و ملت‌ها و زبان‌ها و پادشاهان « نبوت کنی

آیه 11 پوشش کامل 2000 سال آخر از 6000 سال برنامه آماده شده خداوند را تأیید می‌کند. با رسیدن به زمان بازگشت با شکوه عیسی مسیح، فراخوانی نبوت مروری بر دوران مسیحیت در فصل 11 با مضمونی متفاوت از سر خواهد گرفت: « شما باید دوباره درباره بسیاری از مردمان، ملت‌ها، زبان‌ها و پادشاهان پیشگویی کنید »

افتتاحیه قسمت دوم مکاشفه

در این بخش دوم، به موازات مروری بر دوران مسیحیت، روح وقایع مهمی را که قبلاً در قسمت اول کتاب ذکر شد، هدف قرار خواهد داد، اما در اینجا، در بخش دوم، او قضاوت خود را به شکلی توسعه یافته‌تر برای ما آشکار خواهد کرد. هر یک از این مضامین در اینجا دوباره، هر فصل از نمادها و تصاویر متفاوت اما همیشه مکمل استفاده می‌کند. از طریق گروه بندی همه این آموزه‌ها است که نبوت موضوعات مورد نظر را شناسایی می‌کند. همانطور که می‌بینید، از زمان کتاب دانیال، این اصل موازی با فصل‌های نبوت توسط روح مکاشفه اعمال شده است.

مکاشفه 11، 12 و 13

این سه فصل به طور موازی زمان دوران مسیحیت را پوشش می‌دهند و رویدادهای مختلف را روشن می‌کنند، اما همیشه مکمل یکدیگر هستند. من خلاصه، سپس جزئیات، مضامین را بیان می‌کنم.

مکاشفه 11

سلطنت پاپ - الحاد ملی - هفتمین شیپور

آیات 1 تا 2: سلطنت 1260 ساله پیامبر دروغین پاپ کاتولیک: جفاگر
آیات 3 تا 6: در طول این سلطنت نابردبار و آزاردهنده، « دو شاهد » خدا، متون مقدس دو عهد، توسط « جانور »، ائتلاف مذهبی رومی که با سلطنت‌های اروپای غربی متحد شده بود، مورد آزار . و اذیت قرار خواهند گرفت .
آیات 7 تا 13 موضوع خود را " جانوری که از پرتگاه برمی‌خیزد " یا " انقلاب فرانسه " و الحاد ملی آن است که برای اولین بار در تاریخ بشریت ظاهر می‌شود . هفتمین شیپور " را دارد .

نقش سلطنت پاپ

آیه 1: « و نی مانند عصا به من دادند و گفتند برخیز و معبد خدا و مذبح و عبادت کنندگان آن را » . اندازه کن

زمان مورد نظر، زمان مجازات است که با کلمه « میله » آشکار می‌شود. مجازات " به دلیل گناه " توجیه مدنی است که از سال 321 و از نظر مذهبی از سال 538 بازسازی شده است. از این تاریخ دوم، گناه توسط رژیم پاپ تحمیل شده است که در اینجا نماد "نی" است که نشان دهنده " پیامبر دروغین

که دروغ می آموزد " در عیسی است. 13:9-14. این پیام پیام دان. 12:8 را به تصویر می کشد: « ارتش به خاطر گناه به جاودانه و اگذار شد»، که در آن، « ارتش » مجمع مسیحیان را تعیین می کند، « همیشگی»، کهانت عیسی را که توسط رژیم پاپی و « گناه»، ترک سبت از سال 321. این تنها تکرار پیامی است که بارها در جنبه ها و نمادهای مختلف تکرار شده است. این نقش تنبیهی را که خداوند برای استقرار رژیم پاپی روم قائل بود تأیید می کند. فعل « میزان » به معنای «قاضی» است. بنابراین مجازات نتیجه قضاوت خدا در مورد معبد است خدا»، مجمع جمعی مسیح، «مذبح» نماد صلیب قربانی او، و « کسانی که در آنجا عبادت می کنند» یعنی مسیحیان مدعی نجات او.

آیه 2: « اما صحن بیرونی معبد، آن را رها کن بیرون، و آن را اندازه نگیرید. زیرا به ملتها داده شده است و شهر مقدس را چهل و دو ماه زیر پا خواهند گذاشت

کلمه مهم در این آیه « بیرون » است. این به تنهایی نشان دهنده ایمان سطحی کاتولیک رومی است که در تصویری از سلطنت 1260 روز سال در اینجا به عنوان " 42 ماه " ارائه شده است. « شهر مقدس » تصویر برگزیدگان واقعی توسط ملت های متحد با رژیم مستبد پاپ یا پادشاهان پادشاهی اروپایی که با « ایزابل » کاتولیک در طول سلطنت طولانی مدت نابردبار او در سال 1260 زنا می کنند، پایمال خواهد شد. سالهای واقعی بین 538 و 1798. در این آیه، خداوند با تکیه بر نمادگرایی مقدس عبری، یعنی خیمه موسی و معبدی که سلیمان ساخته است، تفاوت بین ایمان واقعی و دروغین را مشخص می کند. در هر دو مورد، در « صحن، خارج از معبد»، آداب دینی جسمانی را می یابیم: محراب قربانی ها و حوض وضو. قدوسیت روحانی واقعی در داخل معبد یافت می شود: در مکان مقدسی که در آن وجود دارد: شمعدان با هفت چراغ، سفره 12 نان پیشوایی، و محراب عود که در مقابل پرده قرار گرفته است که مقدس ترین مکان را پنهان می کند، تصویری از بهشت که در آن وجود دارد. خداوند بر تخت سلطنتی خود می نشیند. صداقت نامزدهای نجات مسیحی فقط برای خدا شناخته شده است، و بشریت بر روی زمین فریب دین ظاهری " بیرونی " را می خورد که ایمان کاتولیک رومی برای اولین بار در تاریخ دین مسیحی عصر ما نشان می دهد.

کتاب مقدس، کلام خدا، جفا شد

آیه 3: « به دو شاهد خود هزار و دویست و شصت روز قوت نبوت می دهم، در حالی که گویی پوشیده اند »

در طول این سلطنت طولانی که در اینجا به شکل " 1260 روز " تأیید شده است، کتاب مقدس که نماد آن " دو شاهد " است تا زمان اصلاحات تا حدی نادیده گرفته خواهد شد، زمانی که حتی توسط اتحادیه های کاتولیک مورد آزار و اذیت پاپ هایی که با شمشیر از آنها حمایت می کنند، مورد آزار و اذیت قرار می گیرد. تصویر " لباس پوشیده " نشان دهنده وضعیتی از مصیبت است که کتاب مقدس تا سال 1798 تحمل خواهد کرد. زیرا در پایان این دوره، آنتیسم انقلابی فرانسه آن را در مکان های عمومی می سوزاند و همچنین تلاش می کند آن را از بین ببرد و به طور کامل ناپدید شود.

« آیه 4: « این دو درخت زیتون و دو شمعدان هستند که در حضور پروردگار زمین ایستاده اند

این « دو درخت زیتون و دو شمعدان » نمادهای دو اتحاد متوالی است که خداوند در برنامه نجات خود ترتیب داده است. دو دوره مذهبی متوالی حامل روح او که میراث آن کتاب مقدس و متون آن از دو اتحاد است. پروژه این دو اتحاد در ذک. 11:4 تا 14 توسط « دو درخت زیتون که در سمت راست و چپ شمعدان قرار گرفتند » پیشگویی شد. و قبلاً، قبل از « دو شاهد » آیه 3، خداوند در شهادت زکریا درباره آنها گفت: « این دو پسر نفت هستند که در حضور خداوند همه زمین ایستاده اند. » در این نماد، « روغن » نشان دهنده روح الهی است. « شمعدان » عیسی مسیح را نبوت می کند که در بدن انسان نور روح را در تقدیس خود می آورد (= 7) و دانش آن را در بین مردم گسترش می دهد، همانطور که " شمعدان نمادین با سوزاندن روغن موجود در آن نور را منتشر می کند. گلدان هفت

نکته: « شمعدان » با لامپ « هفت » در مرکز گلدان وسط قرار دارد. این، مانند وسط هفته که باعث می شود، چهارمین روز هفته عید پاک، روزی که عیسی مسیح با مرگ کفار خود، « قربانی و پیشگویی شده بود. Dan.9:27 قربانی » را متوقف کرد، مراسم مذهبی عبری مطابق با نقشه الهی که در بنابر این « شمعدان » هفت چراغ پیامی نبوی نیز داشت.

آیه 5: « اگر کسی بخواهد به آنها آسیب برساند، آتش از دهانشان بیرون می‌آید و دشمنانشان را می‌بلعد. و اگر کسی بخواهد به آنها آسیب برساند، باید به این ترتیب کشته شود »

در اینجا، مانند مکاشفه 13:10، خدا به برگزیدگان واقعی خود ممنوعیت خود را از مجازات خود به دلیل آسیبی که به کتاب مقدس و علت آن وارد شده است تأیید می‌کند. این عملی است که او منحصرأ برای خود محفوظ می‌دارد. بدی‌ها از دهان خدای خالق بیرون خواهد آمد. خدا خود را با کتاب مقدسی که ما آن را « کلام خدا » می‌نامیم یکی می‌شناسد، به طوری که هرکس به او آسیب برساند مستقیماً به او حمله می‌کند.

آیه 6: « آنها قدرت دارند که آسمان را ببندند تا در ایام نبوتشان باران نبارد. و آنها قدرت دارند که آنها را به خون تبدیل کنند و هر وقت بخواهند زمین را به هر نوع طاعون بزنند »

روح به حقایقی استناد می‌کند که در کتاب مقدس گزارش شده است. ایلیا نبی در زمان خود از خداوند دریافت که بارانی جز به قول او نمی‌بارد. موسی قبل از او از خدا این قدرت را دریافت کرد که آنها را به خون تبدیل کند و 10 بلا به زمین بزند. این شهادت‌های کتاب مقدس از همه مهمتر هستند زیرا طبق مکاشفه 16، تحقیر کلام مکتوب و الهام شده خدا در روزهای آخر با آفت‌هایی از همان نوع مجازات خواهد شد.

الحاد ملی انقلاب فرانسه

چراغ‌های تاریک

آیه 7: « وقتی شهادت خود را به پایان برسانند، وحشی که از اعماق بیرون می‌آید، با آنها جنگ می‌کند و بر آنها غلبه می‌کند و آنها را می‌کشد »

روح در اینجا به ما آشکار می‌کند، نکته مهمی که باید توجه داشت. تاریخ 1793 پایان شهادت کتاب مقدس است، اما برای چه کسی؟ برای دشمنان او در آن زمان که کتاب مقدس را مورد آزار و اذیت قرار داده بودند و اقتدار الهی آن را در زمینه حمایت از ایمان رد می‌کردند. یعنی پادشاهان، اشراف سلطنت طلب، رژیم پاپ کاتولیک رومی و همه روحانیون آن. در این تاریخ، خداوند مؤمنان دروغین پروتستان را که در عمل از قبل تعالیم او را در نظر نمی‌گیرند، محکوم می‌کند. در دن. 11:34، در داوری خود، خدا « نفاق » را به آنها نسبت می‌دهد: « در زمانی که سقوط کنند، اندکی به آنها کمک می‌شود، و بسیاری در نفاق به آنها خواهند پیوست. » این تنها بخش اول از شهادت کتاب مقدس است که تکمیل می‌شود، زیرا در سال 1843، با دعوت از برگزیدگان برای کشف پیشگویی‌های ادونتیست، نقش آن اهمیت حیاتی پیدا خواهد کرد. استقرار بی‌خدایی ملی در فرانسه کتاب مقدس را هدف قرار داده و سعی در ناپدید شدن آن خواهد داشت. استفاده خونین فراوان از "گیوتین او" آن را به "جانور" جدیدی تبدیل می‌کند که این بار قرار بود "از ورطه بلند شود". با این اصطلاح که از داستان خلقت در پیدایش 1: 2 وام گرفته شده است، روح به ما یادآوری می‌کند که اگر خدا، خالق آن، وجود نداشت، هیچ حیاتی روی زمین ایجاد نمی‌شد. « پرتگاه » نماد زمین محروم از ساکن است، وقتی « بی‌شکل و خالی » باشد. به این ترتیب، مطابق با پیدایش 1:2، « در آغاز » بود، و پس از بازگشت با شکوه عیسی مسیح، که مضمونی است برای « هزار سال »، در پایان جهان، دوباره چنین خواهد شد. این مقایسه با هرج و مرج اولیه برای رژیم جمهوری که در هرج و مرج سیاسی و بزرگترین بی‌نظمی متولد شده است، سزاوار است. زیرا مردان شورشی می‌دانند چگونه برای نابودی متحد شوند، اما در مورد اشکالی که باید به بازسازی داده شود، اختلاف نظر دارند. سپس این شهادت نشان می‌دهد که ثمره‌ای را که بشریت می‌تواند به بار آورد، زمانی که به طور کامل از خدا جدا شده باشد. از عمل سودمند خود محروم است.

اما روح خدای خالق با نامگذاری آن به « پرتگاه »، زمینه و وضعیت خلقت اولیه زمین ما را نیز مطرح می‌کند. بنابراین، او با هدف قرار دادن اولین روز این آفرینش، زمینی را به ما نشان می‌دهد که در « تاریکی » مطلق فرو رفته است، زیرا در آن لحظه، خداوند هنوز به زمین نور هیچ ستاره‌ای را نداده بود. و این ایده از نظر معنوی این « جانوری که از پرتگاه برمی‌خیزد » به « مهر چهارم » مکاشفه 6:12 که به عنوان « خورشید سیاه مانند گونی » توصیف شده است، مرتبط می‌کند. این ارتباط همچنین با "کرپور چهارم" مکاشفه 8:12 با "ضربه سوم، خورشید، سوم ماه، و سومین ستارگان" توصیف شده است. از طریق این تصاویر، روح به او یک شخصیت "تاریک" خاص نسبت می‌دهد. با این حال، از این جنبه و این حالت « تاریک » است که فرانسه با دادن عنوان « روشنگری » آزاداندیشان خود را

تجلیل خواهد کرد. سپس سخنان عیسی مسیح ذکر شده در متی 6:23 را به یاد می آوریم: « اما اگر چشمت بد باشد، تمام بدنت در تاریکی خواهد بود. پس اگر نوری که در توست تاریکی باشد، آن تاریکی چقدر بزرگ خواهد بود! بنابراین اندیشه آزاد تاریک به جنگ با روح دینی می رود و این روحیه آزادی خواهانه جدید در طول زمان گسترش می یابد و در سراسر جهان غرب ... مسیحی نامیده می شود و نفوذ شیطانی خود را تا پایان جهان حفظ می کند. با انقلاب فرانسه، «تاریکی» با گناه جاودانه شد. زیرا با آن کتابهای نوشته شده توسط فیلسوفان آزاداندیشی ظاهر می شود؛ که آن را به "گناه" که یونان را در پیشگویی های دانیال 2-7-8 مشخص می کند، مرتبط می کند. این کتابهای جدید با کتاب مقدس رقابت خواهند کرد و تا حد زیادی در خفه کردن آن موفق خواهند شد. بنابراین «جنگ» محکوم شده بیش از هر چیز ایدئولوژیک است. پس از انقلاب و پس از جنگ جهانی دوم، این تاریکی در تقابل و در نتیجه گسستن از عدم تحمل اولیه، جنبه اومانیزم عالی را به خود می گیرد، اما «جنگ» ایدئولوژیک ادامه دارد. انسان های غربی آماده خواهند بود تا همه چیز را برای این «آزادی» قربانی کنند. در واقع، آنها ملت های خود، امنیت خود را قربانی خواهند کرد و از مرگ برنامه ریزی شده خداوند در امان نخواهند ماند.

آیه 8: " و اجساد آنها در میدان شهر بزرگی که به معنای روحانی سدوم و مصر نامیده می شود، « حتی در جایی که پروردگارشان مصلوب شد، خواهد بود

اجساد ذکر شده مربوط به « دو شاهد » است که اولین مهاجمان آنها نیز در « میدان » همان شهر اعدام شدند. این « شهر » پاریس است، و « مکان » ذکر شده، متوالی، «مکان لویی چهاردهم»، «مکان لویی پانزدهم»، «مکان د لا انقلاب» نامیده می شود و «مکان کنونی کنکورد» را مشخص می کند. الحاد به هیچ شکل مذهبی هیچ لطفی نمی کند. قربانیان گیوتین شده دقیقاً به دلیل وابستگی مذهبی خود مورد ضرب و شتم قرار می گیرند. و همانطور که پیام " چهارمین شیپور " تعلیم می دهد، اهداف نور واقعی (خورشید)، جمع کاذب (ماه)، و هر پیام آور مذهبی فردی (ستاره) هستند. بعلاوه، برخی از اشکال مذهبی فاسد به شرطی پذیرفته می شوند که با هنجارهای الحاد غالب مطابقت داشته باشند. بنابراین، پاریس، پایتخت فرانسه The Spirit. برخی از کشیش ها با تمسخر، نام «دفروک شده» را دریافت می کنند را با « سودوم » و « مصر » مقایسه می کند. اولین ثمرات آزادی، افراط و تفریط جنسی بود که با فروپاشی قراردادهای سنتی اجتماعی و خانوادگی همراه بود. این مقایسه در طول زمان پیامدهای غم انگیزی خواهد داشت. روح به ما می گوید که این شهر به سرنوشت « سودوم » و « مصر » دچار خواهد شد که برای خدا نماد معیار گناه و شورش علیه او شده است. پیوند برقرار شده در بالا با « گناه » فلسفی «یونانی» که در دانیال 2-7-8 تبیح شده است، در اینجا تأیید می شود. برای درک کامل این انگ الهی به گناه یونانی، اجازه دهید این واقعیت را در نظر بگیریم که پولس رسول در تلاش برای استفاده از کلمات فلسفی برای ارائه انجیل به ساکنان آتن شکست خورد و از آنجا رانده شد. به همین دلیل است که اندیشه فلسفی همیشه دشمن خدای خالق خواهد ماند. این شهر به نام «پاریس» با گذشت زمان و تا پایان خود، صحت مقایسه خود را با این دو نام، نماد گناه جنسی و دینی حفظ کرده و با این اقدامات شهادت خواهد داد. در پشت نام آن "پاریس"، میراث "پاریسی" نهفته است، کلمه ای که ریشه سلتی آن به معنای "کسانی که در دیگ هستند" است، یک نام بسیار پیشگویانه. در زمان رومیان، این مکان دقیقاً دژ بت پرستان ایزیس، الهه مصری ها بود، بلکه صحنه و تصویر بدبینانه پاریس، پسر پادشاه تروا، پیام پیر بود. نویسنده زنا با هلنا زیبا، همسر پادشاه یونان منلائوس، مسئول جنگ با یونان خواهد بود. پس از یک محاصره ناموفق، یونانی ها عقب نشینی کردند و یک اسب چوبی عظیم را در ساحل باقی گذاشتند. ترواها با تصور اینکه این یک خدای یونانی است، اسب را وارد شهر کردند. و در نیمه های شب، هنگامی که شراب و ضیافت به پایان رسید، سربازان یونانی از اسب ها بیرون آمدند و دروازه ها را به روی سربازان یونانی که در سکوت بازگشته بودند، گشودند. و همه ساکنان شهر از پادشاه گرفته تا پایین ترین رعیت قتل عام شدند. این اقدام تروا باعث از دست دادن پاریس در روزهای آخر خواهد شد زیرا با نادیده گرفتن این درس اشتباهات خود را تکرار خواهد کرد و دشمنان خود را که مستعمره کرده بود در به معنای "باتلاق متعفن" "Lutèce" قلمرو خود مستقر خواهند کرد. قبل از نامگذاری پاریس، این شهر نامیده می شد. تمام برنامه سرنوشت غم انگیز او مقایسه با « مصر » موجه است زیرا با اتخاذ رژیم جمهوری، فرانسه رسماً به اولین رژیم گناهکار در جهان غرب تبدیل می شود. این تفسیر در مکاشفه 17: 3 با رنگ " قرمز " " جانور " تأیید می شود، تصویر ائتلاف های سلطنتی و جمهوری خواهی روزهای

آخر، که بر اساس مدل فرانسه ساخته شده است. روح با گفتن: « حتی در جایی که پروردگارشان مصلوب شد»، مقایسه ای را بین رد ایمان مسیحی الحاد فرانسوی و طرد ملی یهودیان از مسیح عیسی مسیح برقرار می کند. زیرا این دو حالت یکسان است و عواقب یکسان و ثمره بی تقوایی و ظلم را به همراه خواهد داشت. این مقایسه در آیات بعدی ادامه خواهد یافت.

با نامیدن پایتخت خود « مصر»، فرانسه را با فرعون مقایسه می کند، الگوی نمونه ای از مقاومت انسانی در مقابل اراده او. این موقعیت سرکش را تا نابودی حفظ خواهد کرد. هرگز توبه ای از جانب او نخواهد بود. او با نامیدن « شیطان خیر و نیکو بد»، بدترین گناهان را مرتکب می شود. این با «نور» نامیدن متفکران «تاریکی» که «حقوق انسانی او» را پایه گذاری کردند، مخالف حقوق خدا هستند. و بسیاری از مردم، الگوی آن را تقلید خواهند کرد، حتی در سال 1917، روسیه قدرتمند که آن را با انفجار اتمی در زمان " ششمین شیپور " نابود خواهد کرد، که همان چیزی است که نامش "پاریسی" در سلطنت پیشگویی کرده بود. زبان، به معنی «آنهايي که در ديگ هستند». بنابراین او تا پایان خود از دیدن خدا در آزمایش هایی که او را تا حد نابودی ویران می کند ناتوان خواهد ماند. چون او را هدف گرفته است و تا زمانی که دیگر نباشد او را رها نمی کند.

آیه 9: « سه روز و نیم مردانی از اقوام و قبایل و زبانها و امتهای اجساد آنها را خواهند دید و اجازه نخواهند داد که اجساد آنها را در قبر بگذارند »

در فرانسه، مردم در سال 1789 وارد انقلاب شدند و در سال 1793، پادشاه خود و سپس ملکه خود را اعدام کردند، هر دو در میدان بزرگ مرکزی شهر به طور متوالی سر بریده شدند. در حال حاضر، "مکان د لا کنکورده". با نسبت دادن " سه روز و نیم " به زمان اقدام ویرانگر، به نظر می رسد که روح شامل نبرد والمی است که در آن در سال 1792، انقلابیون با ارتش سلطنتی پادشاهی های اروپایی که به فرانسه جمهوری خواه از جمله اتریش، خانه حمله کردند، روبرو شدند و آنها را شکست دادند. از خانواده اصلی ملکه ماری آنتوانت. برای درک منشأ این نفرت، باید در نظر داشته باشیم که 1260 سال سوء استفاده از انواع و اقسام ائتلاف پاپ-سلطنت منجر به عصبانیت مردم فرانسه شد که مورد استثمار، بدرفتاری، آزار و اذیت و کاملاً ویران شده بودند. دو دوره آخر سلطنت لویی توجه! جمهوری برای فرانسه موهبتی نیست و نخواهد بود. او تا آخر، در شکل پنجم، لعنت خدا را تحمل می کند و خودش مرتکب خطاهایی می شود که باعث سقوط او می شود. این رژیم خونخوار از همان ابتدا به کشور «حقوق بشر» و انسان گرایی تبدیل خواهد شد که در نهایت به دفاع از مجرمان ختم می شود و با بی عدالتی خود قربانی را ناامید می کند. او حتی از دشمنان خود استقبال می کند و آنها را در قلمرو خود نصب می کند و به بدترین شکل از نمونه معروف شهر تروا که به دلیل معرفی اسب چوبی به جا مانده از یونانیان مشهور است، تقلید می کند.

آیه 10: « و به خاطر آنها ساکنان زمین شادی و مسرور خواهند شد و هدایایی برای یکدیگر خواهند فرستاد، زیرا این دو پیامبر ساکنان زمین را عذاب دادند »

در این آیه، روح زمانی را هدف قرار می دهد که شر فلسفی فرانسوی مانند قانقاریا یا سرطان، مانند طاعون در سایر ملل غربی گسترش یافته و گسترش یابد. "نشانه روزگار" را با " مهر ششم " مشخص می کند. جایی که " خورشید مانند گونی موی اسب سیاه می شود ": نور کتاب مقدس ناپدید می شود که توسط کتاب های فلسفی از اداندیشان خفه شده است.

در قرائت روحانی، برخلاف « شهروندان ملکوت آسمان » که برگزیدگان عیسی را تعریف می کند، « ساکنان زمین » پروتستان های آمریکایی و به طور کلی تر، انسان هایی را که نسبت به خدا و حقیقت او سرکش هستند، معرفی می کنند. مردم پادشاهی های اروپایی و حتی بیشتر آمریکایی به سمت فرانسه نگاه می کنند. در آنجا، مردمی سلطنت خود و مذهب مسیحی کاتولیک را در هم می کویند که مردمی را که کتاب مقدس را می خوانند، « دو شاهد » را با « عذاب » « جهنم » آن تهدید می کند. طبق مکاشفه 11-14:10، « عذاب های » واقعی که فقط برای آخرین قضاوت محفوظ است، برای از بین بردن افراد مذهبی دروغین که خود فریبکارانه از این نوع تهدید استفاده می کنند. خارجی ها نیز، قربانیان سوء استفاده های مشابه در خارج از فرانسه، امیدوارند از این طرح بهره مند شوند. این، بیش از این، زیرا با حمایت فرانسه توسط لویی شانزدهم، در جهان، چند سال قبل، ایالات جدید آمریکای شمالی استقلال خود را پیدا کردند و خود را از سلطه انگلستان رها کردند. آزادی در حرکت است و به زودی بر بسیاری از مردم پیروز خواهد شد. به نشانه این دوستی، آنها برای یکدیگر هدیه می فرستند. یکی از این هدایا، هدیه

فرانسوی‌ها به آمریکایی‌ها «مجسمه آزادی» بود که در سال 1886 در جزیره‌ای روبروی نیویورک نصب شد. آمریکایی‌ها این ژست را با ارائه یک ماکت به او که در سال 1889 ساخته شد، در جزیره ای در وسط رود سن در نزدیکی برج ایفل در پاریس واقع شده است. خدا این نوع هدیه را هدف قرار می دهد که اشتراک و مبادله را نشان می دهد که نفرین آزادی بیش از حد است که هدف آن نادیده گرفتن قوانین معنوی آن است.

آیه 11: « و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در آنها وارد شد و بر پاهای خود ایستادند. و ترس بزرگی بر کسانی که آنها را می دیدند وارد شد »

در 20 آوریل 1792، فرانسه توسط اتریش و پروس تهدید شد و پادشاه خود، لویی شانزدهم را در 10 اوت 1792 سرنگون کرد. انقلابیون در 20 سپتامبر 1792 در والی پیروز شدند. پادشاه لوئیس شانزدهم در 21 ژانویه 1793 گیوتین شد. روبسپیر دیکتاتور و دوستانش به نوبت در 28 ژوئیه 1794 گیوتین شدند. «کنوانسیون» در 25 اکتبر 1795 با «دایرکتوری» جایگزین شد. دو «ترور» 1793 و 1794 با هم تنها یک سال دوام آوردند. بین 20 آوریل 1792 و 25 اکتبر 1795، من دقیقاً این دوره "سه روز و نیم" را پیشگویی یا "سه سال و نیم" واقعی می بینم. اما من فکر می کنم که مدت زمان یک پیام معنوی نیز دارد. این دوره نشان دهنده نیم هفته است که ممکن است کنایه ای از خدمت زمینی عیسی مسیح را تداعی کند که دقیقاً «سه و نیم روز نبوی» به طول انجامید و با مرگ مسیح عیسی مسیح به پایان رسید. روح عمل خود را با کتاب مقدس مقایسه می کند، «دو شاهد» آن، که قبل از سوزاندن در میدان انقلاب پاریس نیز عمل کرده و تدریس می کردند. با این مقایسه، کتاب مقدس، این ایمان، با عیسی مسیح که در آن، دوباره مصلوب شده و «سوراخ شده» است، مشخص می شود، همانطور که در مکاشفه 1: 7 نشان داده شده است. سیل خونریزی در نهایت مردم فرانسه را به وحشت انداخت. همچنین، پس از اعدام رهبر خود در کنوانسیون تشنه به خون، ماکسیمیلیان روبسپیر، و دوستانش کوتون و سن ژوست، اعدام های خلاصه و سیستماتیک متوقف شد. روح خدا تشنگی معنوی انسان را بیدار کرد و عمل به دین یک بار دیگر قانونی و بالاتر از همه رایگان شد. «ترس از خدا» سودمند دوباره ظاهر شده و علاقه به کتاب مقدس دوباره آشکار شده است، اما تا پایان جهان با آن مبارزه و رقابت خواهد شد کتاب های فلسفی نوشته آزاداندیشان که الگوی یونانی آنها در خط مقدم است. اشکال مختلف آن

آیه 12: « و صدایی از آسمان شنیدند که به آنها می گفت: اینجا بالا بیاوید. و در ابر به آسمان بالا رفتند. و دشمنان آنها را دیدند »

دو شاهد " کتاب مقدس پس از 1798 صدق می کند

مقایسه با عیسی ادامه دارد، زیرا این او بود که برگزیدگان او (بعد از الیاس نبی) پیش از نگاهشان به آسمان عروج کردند. اما، به نوبه خود، برگزیدگان او در زمان نهایی به همین ترتیب عمل خواهند کرد. دشمنان آنها نیز صعود آنها را در ابر به آسمان خواهند دید، جایی که عیسی آنها را به سوی خود خواهد کشید. حمایتی که خدا از آرمان خود می کند، برای عیسی مسیح، برگزیده او، و در این زمینه از انقلاب فرانسه، کتاب مقدس پس از 1798 یکسان است. برای تأیید پایان مدت زمان پیشگویی شده « 1260 روز» - سال، در سال 1799، پاپ پیوس ششم در زندان والنس-سور-رون درگذشت، بنابراین، بین سال های 1843-1844 و 1994، یک دوره طولانی صلح 150 ساله که در قالب «پنج ماه» در آپو پیش بینی شده بود، امکان پذیر شد. 9 : 5-10. مرگ لویی شانزدهم، توقف سلطنت، و مرگ پاپ زندانی، ضربه مهلکی به عدم تحمل مذهبی "جانوری که از دریا برمی خیزد" در مکاشفه 1: 13-3 وارد می کند. کنکوردات دایرکتوری زخم او را التیام می بخشد، اما او دیگر از حمایت سلطنتی ویران شده بهره ای نمی برد، او دیگر آزار و اذیت نخواهد کرد تا زمان پایانی که عدم تحمل پروتستان تحت نام "جانوری که از زمین برمی خیزد" در آپو ظاهر شود. 11: 13.

آیه 13: « در آن ساعت زلزله بزرگی رخ داد و دهم شهر سقوط کرد. هفت هزار نفر در این زلزله کشته شدند و بقیه ترسیدند و خدای بهشت را جلال دادند »

در این دوره (این ساعت) به شکل روحانی، « زلزله » که قبلاً با انجام زمین لرزه لیسبون در سال 1755 پیشگویی شده بود، در موضوع « مهر ششم » آپو 6: 12 انجام شد. به گفته روح الله، شهر و Dan.7:24 پاریس « یک دهم » جمعیت خود را از دست داد. اما معنای دیگری ممکن است بر اساس مربوط باشد، بخش دهم " ده شاخ " یا پادشاهی های مسیحی غربی که تابع کاتولیک پاپی Rev.13:1 رومی هستند. فرانسه که رم آن را «دختر بزرگ» کلیسای کاتولیک روم می دانست، دچار بی خدایی شد،

آن را از حمایتش محروم کرد و تا آنجا پیش رفت که اقتدارش را از بین برد. سومین شیپور آن را آشکار کرد: " قسمت سوم خورشید کوبیده شد ". پیام « هفت هزار مرد در این زلزله کشته شدند » این مطلب را تأیید می کند که: انبوهی (هزار) از « مردان » مذهبی (هفت: تقدیس مذهبی زمان)، در این زلزله سیاسی اجتماعی کشته شدند.

" آیه 14: وای دوم گذشته است. ببین وای سوم به سرعت فرا می رسد

بنابراین، ریختن شدید خون، ترس از خدا را زنده کرد، و "ترور" متوقف شد و امپراتوری ناپلئون اول جایگزین شد، " عتاب " که آخرین سه " شیپور "، سه " بدبختی بزرگ" را برای ساکنان نوید می داد. از زمین با توجه به اینکه این اعلامیه پس از انقلاب فرانسه از 1789 تا 1798 صورت می گیرد، « بدبختی دوم » منسوب به آن در بند 14 نمی تواند مستقیماً به آن مربوط شود. اما برای روح، این راهی است که به ما می گوید شکل جدیدی از انقلاب فرانسه درست قبل از بازگشت در جلال عیسی مسیح ظاهر خواهد شد. با این حال، طبق مکاشفه 8:13، " وای دوم " به وضوح به موضوع ششم مربوط می شود. شیپور مکاشفه 9:13 که دقیقاً « یک سوم انسانها را می کشد » قبل از بازگشت عیسی مسیح برای انتقام محکومیت ناعادلانه بندگان وفادار مقدس خود با از بین بردن دشمنان فانی آنها، آخرین شورشیان. ما می توانیم بفهمیم که مانند کشتار انقلابیون فرانسه، خداوند کشتار جنگ جهانی سوم را سازماندهی می کند، این بار هسته ای، که به میزان قابل توجهی از تعداد ساکنان زمین کاسته می شود، قبل از نابودی کامل، که آن را به حالت اولیه باز می گرداند ظاهر اصلی " پرتگاه "، پس از مداخله ویرانگر نهایی عیسی مسیح.

معنای دوگانه « وای دوم » به دلیل معنوی، سومین شیپور را به شیپور ششم متصل می کند. ساختار مکاشفه زمان دوران مسیحیت را به دو بخش تقسیم می کند. در اولی، « بدبختی » مجرمانی را مجازات می کند که قبل از سال 1844 مجازات شده اند و در دومی، کسانی که پس از سال 1844، درست قبل از پایان جهان مجازات شده اند. اکنون، این دو عمل تنبیهی در معنایی مشترک هستند که خدا به مجازات چهارم خود در لایوان 26:25 می دهد: " شمشیری را خواهم فرستاد که انتقام عهد من را خواهد گرفت. " مجازات اول متوجه افرادی شد که پیام اصلاحات را دریافت نکردند، کاری که عیسی برای برگزیدگان خود آماده کرده بود، و مجازات دوم، بر کسانی که به درخواست خدا برای تکمیل این اصلاحات در سال 1843 پاسخ ندادند. نور آشکار شده توسط که خداوند این اصلاح دائمی را می سازد تا ساعتی که زمان فیض به پایان می رسد ارائه خواهد شد.

با در نظر گرفتن چیزها و اعمالی که خداوند به مردان انقلاب فرانسه از 1789 تا 1795 نسبت داده است، آنچه را که او می تواند به مردان غربی روزهای آخر نسبت دهد، می یابیم. ما همان تحقیر، همان بی تقوایی و نفرت را نسبت به احکام دینی و کسانی که آنها را آموزش می دهند، می یابیم. رفتاری که این بار ناشی از پیشرفت فوق العاده علم و فناوری است. در طول سالهای صلح، الحاد و دین دروغین جهان غرب را فرا گرفت. بنابراین، خدا دلیل خوبی دارد که برای این مضمون، یک خوانش دوگانه به ما ارائه دهد. رفتار « بازماندگان » تفاوت اصلی دوران انقلاب و زمان علمی آخرین روزهای بشریت را ایجاد می کند. برای روشن تر، طبق مکاشفه 11:11 تا 13، " بازماندگان " قرائت اول که مربوط به " سوپور چهارم " است، " توبه کردند "، در حالی که " بازماندگان " دومی که مربوط به " ششمین شیپور " است، توبه کردند. مطابق با مکاشفه 9:20-21.

سومین " وای بزرگ " (برای گناهکاران): بازگشت باشکوه مسیح قاضی

آیه 15: « فرشته هفتم به صدا در آمد. و صداهای بلند در آسمان شنیده می شد که می گفتند:

« پادشاهی های جهان به خداوند ما و مسیح او سپرده شده است. و او تا ابد سلطنت خواهد کرد آخرین مضمون فصل مربوط به « هفتمین شیپور » است که به شما یادآوری می کنم، لحظه ای را را تأیید می کنند. 1:7: « ببینید، او با Apo که خالق نامرئی خدا خود را به چشم دشمنانش نشان می دهد که او می آید. ابرها و هر چشمی آن را خواهد دید. حتی کسانی که آن را سوراخ کردند. » کسانی که او را سوراخ کردند، « که عیسی را سوراخ کردند، دشمنان او از تمام دوره های دوران مسیحیت از جمله دوره های آخر هستند. آنها او را سوراخ کردند و شاگردان وفادارش را مورد آزار و اذیت قرار دادند و او در مورد آنها گفت: " از آنجا که تو این کارها را با یکی از کوچکترین برادران من کردی، با من نیز کردی " (متی 25:40). از آسمان، صداهای بلند برای جشن گرفتن این رویداد بلند می شود. اینها کسانی

از ساکنان بهشت هستند که قبلاً ابراز داشته اند تا اخراج شیطان و شیاطین او از بهشت توسط مسیح پیروز به نام "مایکل" در مکاشفه 7:12 تا 12 را جشن بگیرند. آنها در شادی شرکت می کنند. انتخاب شد و به نوبه خود توسط عیسی مسیح آزاد و پیروز شد. تاریخ گناه زمینی به دلیل نبود گناهکارانی که توسط دهان مسیح الهی نابود شده اند، متوقف خواهد شد. شیطان، «شاهزاده این جهان» به گفته عیسی، مالکیت خود را از جهان گناه آلود نابود شده توسط خدا از دست می دهد. او هزار سال دیگر بر روی زمین متروک خواهد ماند بدون اینکه به کسی آسیبی برساند، در حالی که در انتظار حذف کامل خود در آخرین دآوری با همه گناهکاران دیگر است که خداوند برای این منظور زنده خواهد کرد.

سعادت بزرگ بهشتی برگزیدگانی که با خون عیسی مسیح نجات یافته اند
آیه 16: «و بیست و چهار پیری که در حضور خدا بر تختهای خود نشسته بودند، به روی خود
«افتادند و خدا را عبادت کردند»

برگزیدگان به ملکوت آسمانی خدا وارد شده اند و در حضور خدا بر تختها نشسته اند، بر طبق مکاشفه 4:20 بر شریبان سلطنت خواهند کرد یا دآوری خواهند کرد. این آیه زمینه آغاز آسمانی تداعی می کند. این آیه شکلی را ارائه می دهد که پرستش واقعی خدا باید داشته Rev.4 رستگاران را در باشد. سجده، زانو زدن، رو به پایین، صورت مشروعیت خداوند است.

آیه 17: «می گویم: خداوند، خدای قادر مطلق، که هستی و بودی، تو را سپاس می گویم که
«قدرت عظیم خود را تصرف کردی و پادشاهی خود را به تصرف خود در آوردی»

همانگونه که مکاشفه 4:1 اعلام کرد، رستگاریها شکر خود را تجدید می کنند و در برابر عیسی مسیح، «خدای قادر مطلق که هست و بود» و آمده است، سجده می کنند. «تو به قدرت عظیم خود دست یافته ای» که برای نجات برگزیدگان خود از آن دست برداشته بودی و با مرگ بهای گناهانشان را در خدمت «بره» خود جبران کردی. «بره خدا که گناهان جهان را می برد». شما " ملکوت خود را تصرف کرده اید"; زمینه پیشنهادی در واقع همان جایی است که روح جان را در مکاشفه 10:1 برد. تاریخ اجتماع مسیح بر روی زمین در گذشته است. در این مرحله «مجمع هفت گانه» پشت سر منتخبان قرار دارند. سلطنت عیسی، هدف امید ایمان برگزیدگان، به واقعیت تبدیل شده است.

آیه 18: «ملتها خشمگین شدند. و غضب تو فرا رسیده است و زمان قضاوت مردگان و پاداش بندگانت به پیامبران و اولیاء و انانی که از نام تو می ترسند اعم از کوچک و بزرگ و نابود کردن انانی که زمین را ویران می کنند فرا رسیده است»

ما در این آیه 18 اطلاعات بسیار مفیدی در مورد توالی وقایع پیشگویی شده می یابیم. 6 - شنبور کشته یک سوم مردان می گویند: «ملتها عصبانی شدند» و در مقابل چشمان ما، در سالهای 2020-2021، ما شاهد علل این عصبانیت هستیم: کووید-19 و ویرانی اقتصادی ناشی از آن، تهاجم اسلامی، و به سرعت، تهاجم روسیه. با متحدانش پس از این درگیری وحشتناک و ویرانگر، پس از اعلام قانون یکشنبه توسط "جانور زمین" یعنی ائتلاف پروتستان و کاتولیک از بازماندگان آمریکایی و در Rev.16 اروپایی، خداوند "هفت آفت آخر خشم خود" را بر سر آنها ریخت. شرح داده شده در زمان هفتم، عیسی برای نجات برگزیدگان خود و نابودی اقتادگان ظاهر شد. سپس برنامه تهیه شده برای "هزار سال" هزاره هفتم می آید. در بهشت، طبق مکاشفه 4:1، دآوری شریبان انجام خواهد شد: "و زمان دآوری مردگان فرا رسیده است." مقدسین پاداش خود را دریافت می کنند: زندگی جاودانی که عیسی مسیح به برگزیدگان خود وعده داده است. آنها سرانجام ستاره صبح و تاج را به دست می آورند که به برگزیدگانی که در نبرد ایمان پیروز شده اند وعده داده شده است: «به بندگانت پیامبران پاداش بدهی». خدا در اینجا اهمیت نبوت را برای همه اعصار (بر اساس 2 پطرس 1:19) و به ویژه در روزهای آخر یادآور می شود. «قدیسها و کسانی که از نام تو می ترسند» کسانی هستند که به پیامهای سه فرشته مکاشفه 7:14 تا 13 پاسخ مثبت دادند. که اولی حکمتی را یادآور می شود که عبارت است از ترسیدن از او، اطاعت از او و مخالفت نکردن با اوامر او، و می گوید: «از خدا بترسید و او را تسبیح دهید»، در مقام خدای خالق، «زیرا ساعت دآوری او فرا رسیده است. و او را بپرستید که آسمان و دریا و زمین و چشمه های آب را آفرید»

آیه 19: «و معبد خدا در آسمان گشوده شد و تابوت عهد او در معبد او ظاهر شد. و رعد و برق و صداها و رعد و برق و زلزله و تگرگ شدید بود»

تمام مضامین برانگیخته شده در این کتاب مکاشفه به سمت این لحظه تاریخی بازگشت باشکوه پروردگار الهی ما عیسی مسیح همگرا می شود. این آیه زمینه‌ای را هدف قرار می‌دهد که در آن مضامین زیر برآورده شده و نتیجه‌گیری می‌شود:

Rev.1: Adventism:

آیه 4: « یوحنا به هفت کلیسا که در آسیا هستند: فیض و سلامتی از جانب کسی که هست و بود و خواهد آمد و از هفت روح که در برابر تخت او هستند

آیه 7: « اینک او با ابرها می‌آید. و هر چشمی آن را خواهد دید، حتی کسانی که آن را سوراخ کردند. و همه اقوام زمین برای او ماتم خواهند گرفت. آره. آمین

آیه 8: « من آلفا و امگا هستم، خداوند یهوه می‌گویم، آن که هست، و که بود، و که خواهد آمد، قادر مطلق

آیه 10: « در روز خداوند در روح بودم و از پشت سر خود صدای بلندی مانند صدای شیپور شنیدم

مجلس هفتم: پایان دوره « لائودیسه » (= مردم قضاوت شده): Apo.3:

مکاشفه 6:17: روز بزرگ خشم خدا بر انسانهای سرکش « زیرا روز بزرگ غضب او فرا رسیده است، و چه کسی می‌تواند ایستادگی کند؟

جانوری که از زمین برمی‌خیزد " (ائتلاف پروتستان و کاتولیک) و " Apo.13: قانون یکشنبه آن. آیه 15: « و به او داده شد که شمایل وحش را زنده کند تا تصویر وحش سخن بگوید و هر کس که تمثال وحش را نپرسند، کشته شود

دو مضمون « برداشت » (پایان جهان و رستاخیز برگزیدگان) و « بر نعمت: Apo.14: « (قتل عام شبانان دروغین توسط پیروان اغوا شده و فریب خورده آنها)

" مکاشفه 16: آیه 16: " روز بزرگ نبرد آرمادون

در این آیه 19، فرمول کلیدی مداخله مستقیم و مشهود خدا را می‌یابیم، « و رعد و برق، صدا، رعد و برق، زلزله بود » که قبلاً در مکاشفه 4:5 و 8:5 ذکر شده است. اما در اینجا روح " و تگرگ سنگین " را اضافه می‌کند. « تگرگ » که موضوع هفتم از « هفت بلای آخر » در مکاشفه 16:21 به پایان می‌رسد.

بنابراین زمینه بازگشت عیسی مسیح با آخرین مضمون ادونتیست مشخص شده است که این بار در بهار 2030، نجات واقعی ارائه شده به برگزیدگان را به ارمغان می‌آورد که با خون ریخته شده توسط عیسی مسیح به دست آمده است. ساعت رویارویی او با شورشیان است که آماده کشتن برگزیدگان او هستند که یکشنبه رومی را رد می‌کنند و وفاداری خود را برای سبت مقدس مقدس خدا از هفته اول خلقت جهان حفظ می‌کنند. " مهر ششم " کشتی 6 نشان دهنده رفتار و ناامیدی این شورشیان است که توسط خداوند در اقدام عمدی نسل‌کشی برگزیدگان مبارک و محبوبش گرفتار شده‌اند. موضوع اختلاف در این آیه 19 مطرح شده است. این مربوط به قانون الهی است که در "تابوت شهادت" در مقدس‌ترین مکان خیمه و " معبد " عبری حفظ شده است. کشتی فقط به این دلیل مدیون اعتبار و قداست بسیار بالای خود است که در آن جداول شریعت حک شده با انگشت خود خدا، شخصاً در حضور موسی، بنده وفادارش، حک شده است. کتاب مقدس به ما اجازه می‌دهد تا بفهمیم چه چیزی باعث وحشت شورشیان در زمان بازگشت عیسی مسیح می‌شود. زیرا این چیزی است که آیات 1 تا 6 مزمور 50 بیان می‌کند:

مزمور آساف. خدا، خدا، یهوه، از طلوع خورشید تا غروب خورشید، سخن می‌گوید و زمین را فرا می‌خواند. از صهیون، زیبایی کامل، خدا می‌درخشد. او می‌آید، خدای ما، او در سکوت نمی‌ماند. پیش روی او آتشی است که می‌خورد و در اطراف او طوفانی سهمگین است. او برای دآوری قوم خود به آسمانها و زمین فریاد می‌زند: مؤمنان من را که با من عهد بسته‌اند، نزد من جمع کنید. - و آسمان عدالت او را اعلام خواهد کرد، زیرا این خداست که داور است

در شرایط وحشت، شورشیان متن چهارمین فرمان از ده فرمان خدا را در آسمان با حروف آتشین نمایش داده می‌شوند. و با این فعل الهی خواهند دانست که خداوند آنها را محکوم به مرگ اول و دوم می‌کند.

این آیه آخر از مضمون « هفتمین شیپور » اهمیتی را که خدا به شریعت خود که توسط مسیحیت دروغین سرکش به چالش کشیده شده است را آشکار و تأیید می‌کند. شریعت الهی به بهانه مخالفت ادعایی قانون و فیض تحقیر شده است. این اشتباه ناشی از اشتباه خواندن کلمات پولس رسول در نامه های خود است. بنابراین در اینجا با ارائه توضیحاتی روشن و ساده این شبهه را برطرف می‌کنم. در روم 6، پولس آنهایی را که « تحت شریعت هستند » با « زیر فیض » تنها به دلیل شرایط زمانی که عهد جدید آغاز می‌کند، مقایسه می‌کند. او با فرمول « تحت شریعت »، یهودیان عهد قدیم را مشخص می‌کند که عهد جدید را بر اساس عدالت کامل عیسی مسیح رد می‌کنند. و مقامات منتخب را که با فرمول « با قانون » وارد این اتحاد جدید می‌شوند را تعیین می‌کند. زیرا این فایده ای است که فیض به ارمان می‌آورد و به نام آن عیسی مسیح در روح القدس به برگزیده خود کمک می‌کند و به او می‌آموزد که شریعت مقدس الهی را دوست داشته باشد و از آن پیروی کند. با اطاعت از او، پس « با شریعت » و « محتمل فیض » بودن، « تحت شریعت » هم نیست. دوباره به یاد می‌آورم که پولس در مورد شریعت الهی می‌گوید که « مقدس است و فرمان عادلانه و نیکو است ». آنچه من در عیسی مسیح با او در میان می‌گذارم. در حالی که پولس گناه را سرزنش می‌کند و به دنبال متقاعد کردن خوانندگانش است که دیگر نباید در زمان مسیحیت گناه کنند، شورشیان مدرن از متون او برای مخالفت با او استفاده می‌کنند و عیسی مسیح را که اعلام کرد: Gal.2:17 ادعا می‌کنند او را "وزیر گناه" می‌دانند. 7 مارس 321. در حالی که پولس در " اما در حالی که ما در پی عادل شدن به وسیله مسیح هستیم، اگر خودمان نیز گناهکار شناخته می‌شدیم ، آیا مسیح وزیر گناه خواهد بود؟ دور از آن ! بیایید به اهمیت دقت توجه کنیم "، که مفهوم دینی ایمان شورشی مسیحی مدرن دروغین را محکوم می‌کند، و این از 7 مارس 321، تاریخی که " گناه " روم توسط اقتدار یک امپراتور بت پرست روم، کنستانتین اول، وارد ایمان مسیحی غربی و شرقی شد.

در این چارچوب « هفتمین شیپور »، شش هزار سال اولی که خدا برای انتخاب برگزیدگان زمینی در نظر گرفته بود، در پروژه کلی هفت هزار ساله او به پایان می‌رسد. هزاره هفتم، یا « هزار سال » از مکاشفه 20، آغاز می‌شود، که به داور آسمانی شورشیان توسط برگزیدگانی که توسط عیسی مسیح باز خرید شده‌اند، اختصاص داده می‌شود، موضوع کتاب مکشفه 4

مکاشفه 12: طرح مرکزی بزرگ

– زن – متجاوز رومی – زن در صحرا – پرائننز: نبرد در بهشت – زن در صحرا – اصلاحات – الحاد بقایای ادونتیست

زن پیروز، عروس مسیح، بره خدا
آیه 1: « نشانه بزرگی در بهشت ظاهر شد: زنی که خورشید را فراگرفته بود و ماه زیر پایش
« بود و تاجی از دوازده ستاره بر سر داشت
در اینجا دوباره چندین مضمون در چندین نقاشی یا صحنه از یکدیگر پیروی می کنند. جدول
اول مجمع برگزیده را نشان می دهد که از پیروزی عیسی مسیح، یگانه سر آن، بر طبق افس. 5:23 سود
Mal.4:2 خواهد برد. تحت نماد یک « زن »، «عروس» مسیح در « خورشید عدالت » که در
پیشگویی شده است، پوشانده شده است. در کاربرد دوگانه، " ماه " نماد تاریکی " زیر پای او " است. این
دشمنان از نظر تاریخی و به ترتیب زمانی، یهودیان عهد قدیم، و مسیحیان سقوط کرده، کاتولیک ها،
ارتدکس ها، پروتستان ها و ادونتیست های جدید هستند. روی سر او، " تاج دوازده ستاره " نماد پیروزی
او در اتحاد با خدا، 7، با انسان، 5، به معنای عدد 12 است.

زن تحت آزار و اذیت قبل از پیروزی نهایی
« آیه 2: او بچه دار بود و در حال زایمان و درد زایمان فریاد می زد
در آیه 2، " دردهای تولد " آزار و اذیت زمینی را که قبل از زمان جلال آسمانی بود، تداعی می
کند. این تصویر توسط عیسی در یوحنا 16:21-22 استفاده شد: « زنی هنگام زایمان غمگین می شود،
زیرا ساعت او فرا رسیده است. اما وقتی بچه را به دنیا آورد، دیگر رنج را به خاطر نمی آورد، زیرا از
این که مردی در دنیا به دنیا آمده است خوشحال است. بنابراین شما نیز اکنون در اندوه هستید. اما دوباره
« تو را خواهم دید و دلت شاد خواهد شد و هیچکس شادی تو را از تو نخواهد گرفت

آزار دهنده بت پرست زنان: روم، شهر بزرگ امپراتوری
آیه 3: « و نشانه دیگری در آسمان ظاهر شد. و اینک اژدهای قرمز بزرگی بود که هفت سر و
« ده شاخ داشت و بر سرهایش هفت بند
آیه 3 آزار دهنده او را مشخص می کند: البته شیطان، اما او از طریق قدرت های زمینی جسمانی
که برگزیدگان را آزار می دهند، مطابق میل او عمل می کند. او در عمل خود از دو راهبرد متوالی استفاده
می کند: اژدها و مار. _ اولین مورد، حمله " اژدها "، حمله آشکاری است که توسط روم امپراتوری بت
دیده شده بود، جایی Dan.7:7 پرست به کار گرفته شده است. بنابراین، نمادهایی را می یابیم که قبلاً در
که روم در ظاهر چهارمین حیوان هیولایی با « ده شاخ » ظاهر شد. بافت بت پرستان با حضور «
دیدم ها» که در اینجا بر روی « هفت سر » قرار گرفته اند، تأیید می شود، نماد شهر رومی طبق آپو. 17.
این دقت مستحق توجه کامل ما است، زیرا هر بار که این تصویر ارائه می شود، با مکان «تیارا»، بافت
تاریخی پیشگویی شده، به ما نشان می دهد.

آزار دهنده مذهبی زنان: رم کاتولیک پاپ
آیه 4: « دم او یک سوم ستارگان آسمان را کشید و به زمین انداخت. اژدها در برابر زنی که در
« شرف زایمان بود ایستاد تا هنگام زایمان فرزندش را ببلعد
این آیه، تحت نمادهای جدید، پیام مکاشفه 11: 1 تا 3 را در بر می گیرد که در آن روم پاپی از
" طرف خدا مجاز است، تحت عنوان " عصا "، " شهر مقدس را به مدت 42 ماه زیر پا بگذارد
در دانیال، « ده شاخ » امپراتوری روم قرار بود جانشین « شاخ کوچک » پاپ شود (از 538 تا
1798). این جانشینی در اینجا در مکاشفه 12، در آیه 4 تأیید شده است.

اصطلاح "دم" که دروغ را هدف قرار می دهد نبی خانم ایزابل « از مکاشفه 2:20، این در اینجا تجدید شده Dan.8:10 توالی روم مذهبی پایی مسیحی کاذب را نشان می دهد. اتهام ذکر شده در است. قربانیان نیرنگ و اغوای او که شایسته « مار » پیدایش هستند، زیر نماد « ستارگان آسمان » یا تحت عنوان « شهروندان ملکوت آسمان » که عیسی به شاگردان خود نسبت می دهد، زیر پا گذاشته می شوند. " شخص ثالث به سقوط خود کشیده می شود. " سومین به دلیل معنای تحت اللفظی آن ذکر نشده است، بلکه، مانند همه جا در نبوت، به عنوان بخش مهمی از تعداد کل مسیحیان آزمایش شده ذکر شده است. قربانیان حتی می توانند به معنای واقعی کلمه از این نسبت فراتر روند

آیه 5: « او پسری به دنیا آورد که با عصای آهنین بر همه امتهای حکومت کند. و فرزندش نزد خدا و عرش او گرفتار شد »

در یک کاربرد مضاعف، این نبوت به یاد می آورد که چگونه شیطان از زمان تولد مسیح تا زمان مرگ پیروزمندانه اش با هدف مسیح مبارزه کرد. اما این پیروزی از آن نخست زادهای است که پس از آن همه برگزیدگان او موفق می شوند تا به همان مبارزه ادامه دهند تا پیروزی نهایی حاصل شود. در آن لحظه با دریافت کالبد آسمانی، در داورای اشرا با آن شریک خواهند شد و در آنجاست که با هم « با عصای آهنین امتهای را شبانی خواهند کرد » که حکم « عذابهای مردم » را خواهد داد. مرگ دوم " آخرین قضاوت تجربه مسیح و تجربیات برگزیدگان او در یک تجربه مشترک واحد ادغام می شوند و تصویر « کودکی که نزد خدا و تاج و تخت او برده می شود »، بنابراین به آسمان، تصویر « رهایی » زمینی برگزیدگان است. در سال 2030 و در بازگشت مسیح انتقام گیرنده انجام خواهد شد. آنها از " دردهای " رهایی خواهند یافت زایمان. " کودک نماد یک تبدیل مسیحی اصیل موفق و پیروزمند است

آیه 6: « آن زن به بیابان گریخت، جایی که خدا مکانی برایش آماده کرده بود تا هزار و دویست » و شصت روز در آنجا تغذیه شود

مجمع مورد آزار و اذیت صلح آمیز و خلع سلاح است، تنها سلاح آن کتاب مقدس، کلام خدا، شمشیر روح است، تنها می تواند در برابر متجاوزان خود بگریزد. آیه 6 زمان آزار و اذیت پاپ را برای " 1260 روز " نبوی، یا 1260 سال واقعی مطابق با رمز حز. 5:4-6 به یاد می آورد. این زمان برای ایمان مسیحی، زمان آزمایش درناکی است که با ذکر کلمه " بیابان " پیشنهاد می شود، جایی که " به رهبری خدا " است. بنابراین او در مصیبت « دو شاهد » مکاشفه 11:3 شریک است. در دان 8: 12، این جمله الهی به این صورت صورت بندی شد: « لشکر به خاطر گناه تسلیم همیشگی شد ». گناهی که با ترک احترام به روز استراحت شنبه از 7 مارس 321 انجام شد

باز شدن پرانتز: دعوا در آسمان

آیه 7: « و در آسمان جنگ شد. مایکل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند. و اژدها و فرشتگانش جنگیدند

رستاخیز اعلام شده مقدسین سزاوار توضیحی است که روح در نوعی پرانتز به ما ارائه می دهد. این به دلیل پیروزی عیسی مسیح بر گناه و مرگ ممکن خواهد شد. این پیروزی پس از رستاخیز او تأیید شد، اما روح در اینجا عواقبی را که برای ساکنان بهشت که تا این لحظه با شیاطین و خود شیطان می مالیدند، برای ما آشکار می کند

بسیار مهم: این درگیری آسمانی که برای چشم انسان نامرئی باقی ماند، معنای کلمات مرموزی را که عیسی در زمانی که او روی زمین بود بیان کرد. در یوحنا 14: 1-3، عیسی گفت: « دلنجان مضطرب نشود. به خدا ایمان داشته باش و به من ایمان بیاور. عمارت های زیادی در خانه پدری من وجود دارد. آگه نبود حتما بهت میگفتم من برای شما جایی آماده می کنم. و هنگامی که من بروم و مکانی برای شما آماده کنم، دوباره می آیم و شما را نزد خود می برم تا جایی که من هستم، شما نیز باشید. » معنای « آماده سازی » این « مکان » در آیه زیر آمده است

آیه 8: « اما آنها قوی نبودند و جایشان دیگر در بهشت یافت نشد »

این جنگ آسمانی هیچ سنخیتی با جنگ های زمینی ما ندارد. بلافاصله باعث مرگ نمی شود و دو اردوگاه متضاد برابر نیستند. خدای خالق بزرگی که خود را در جنبه فروتنی و برادری فرشته میکائیل نشان می دهد، همان خدای متعال است که همه مخلوقاتش باید در برابر او سجده کنند و اطاعت کنند. شیطان و شیاطین او آن موجودات سرکش هستند که فقط به اجبار اطاعت می کنند و در نهایت نمی

توانند مقاومت کنند و مجبور به اطاعت می شوند که خدای بزرگ با قدرت مطلق خود آنها را از بهشت بیرون می کند. در طول خدمت زمینی خود، عیسی توسط فرشتگان شیطانی که از او اطاعت کردند و شهادت دادند که او واقعاً «پسر خدا» پروژه الهی است، می ترسید، بنابراین او را تعیین کردند.

در این آیه روح تصریح می کند: «دیگر جای آنها در بهشت یافت نشد». این «مکانی» که توسط شورشیان آسمانی در ملکوت خدا اشغال شده بود، باید آزاد می شد تا این ملکوت آسمانی بتواند «تطهیر» و «آماده» شود تا برگزیدگان مسیح را در روز آخرین نبرد او علیه شورشیان زمینی در زمان ظهورش پذیرایی کند. در شکوه پس از آن است که با همراهی برگزیدگانش، «آنها همیشه با او خواهند بود، هر کجا که باشد» یا در آسمان پاکیزه که بدین ترتیب «آماده» پذیرایی از آنها هستند. سپس قسمتی از زمین ویران خواهد شد که از زمان پیدایش 1:2 در کلمه "عمیق" پیشگویی شده است. در پرتو این مبارزه، پروژه نجات الهی روشن می شود و هر کلمه کلیدی نقشه او معنای خود را آشکار می کند. این مورد در مورد آیات ذکر شده در عبرانیان 9: 23 است: «بنابراین لازم بود، زیرا تصاویر چیزهایی که در آسمان است به این ترتیب پاک می شد، خواه خود چیزهای بهشتی با قربانی هایی برتر از این ها باشد. بنابراین، «فداکاری عالی تر» لازم، مرگ داوطلبانه مسیحی به نام عیسی بود که برای کفاره گناهان برگزیدگانش پیشنهاد شد، اما بالاتر از همه، برای به دست آوردن حق قانونی مشروع محکوم کردن برای مخلوقاتش و برای خود. به مرگ شورشیان آسمانی و زمینی. به این ترتیب است که "مقدس آسمانی خدا" تطهیر شد"، و سپس در بازگشت مسیح پیروز، نوبت به زمین خواهد رسید که او آن را به عنوان "پایه پای" خود تعیین می کند، اما نه به عنوان "پایه پای خود" پناهگاه «در اشعاع». چه خانه ای می توانید برای من بسازید و در چه مکانی به من می دهید تا در آن زندگی کنم؟ یهوه می گوید همه این چیزها را دست من ساخته و همه به وجود آمده است. این همان کسی است که به او نگاه خواهیم کرد: به کسی که رنج می کشد و روحش ضعیف است، به کسی که از حرف من می ترسد. «؛ یا بر اساس حزقی. 9:4، در مورد «کسانی که به خاطر کارهای زشت مرتکب آه و ناله می کنند».

آیه 9: «و ازدهای بزرگ، آن مار قدیم که اهریمن و شیطان نامیده می شود، که تمام زمین را «فریب می دهد، بیرون رانده شد: او به زمین رانده شد و فرشتگانش با او بیرون رانده شدند موجودات آسمانی اولین کسانی بودند که از پاکسازی روحانی که توسط مسیح پیروز انجام شد بهره بردند. او اهریمن و شیاطین فرشته اش را که به مدت دو هزار سال روی زمین «پرتاب شده اند» را از بهشت بیرون کرد. بنابراین شیطان «زمانی» را می داند که برای شخص او و شیاطینش باقی می ماند تا علیه مقدسین برگزیده و حقیقت الهی عمل کنند.

نکته: عیسی نه تنها شخصیت خدا را برای بشریت آشکار کرد، بلکه این شخصیت مهیب را نیز ارائه کرد که همان شیطانی است که عهد قدیمی درباره او کم گفته بود و تقریباً او را نادیده گرفت. از زمان پیروزی عیسی علیه السلام، مبارزه بین دو اردوگاه به دلیل محصور شدن شیاطینی که اکنون به صورت نامرئی در بین انسان های روی زمین و در سراسر بعد زمینی ما که شامل سیارات و ستارگان آسمان می شود، تشدید شده است. اینها تنها موجودات فرازمینی در بعد زمینی ما هستند.

در اینجا باید به شما یادآوری کنم که درک درست پروژه نجات کلی برنامه طراحی شده توسط خداوند یک امتیاز انحصاری است که برای برگزیدگان او محفوظ است. زیرا ایمان کاذب از این جهت تشخیص داده می شود که همیشه در تفسیرهای خود از پروژه خود اشتباه می کند. این امر از زمانی نشان داده شده است که یهودیانی که به مسیحا داده بودند در کتاب مقدس نقش نجات جسمانی را پیشگویی کردند، در حالی که خدا فقط یک رهایی روحانی را برنامه ریزی کرده بود. آن گناه به همین ترتیب، امروز ایمان نادرست مسیحی با بازگشت عیسی مسیح، استقرار پادشاهی و قدرت او بر روی زمین در انتظار است. چیزهایی که خداوند آنطور که وحی نبوی او به ما می آموزد در برنامه خود قرار نداده است. برعکس، آمدن باشکوه او پایان زندگی آنها را رقم می زند که همچنان حامل گناهان و تمام گناهانشان نسبت به او است.

برگزیده مسیح می داند که زندگی آزاد در بهشت آغاز شد و پس از آنکه پرنانتر زمینی برای نمایش کامل عشق و عدالت او ضروری شد، خدای خالق عمر مخلوقاتش را که در آسمان و زمین وفادار می مانند طولانی تر خواهد کرد. تا ابد در شکل آسمانی خود پس از آن شورشیان آسمانی و زمینی مورد قضاوت، نابودی و نابودی قرار خواهند گرفت.

ملکوت آسمان آزاد شد

آیه 10: « و صدای بلندی را در آسمان شنیدیم که می گفت: اکنون نجات و قدرت و پادشاهی خدای ما و اقتدار مسیح او آمده است. زیرا شاکی برادران ما را که روز و شب آنها را در حضور خدای ما متهم می کرد، سرنگون شده است »

این « اکنون » تاریخ 7 آوریل 30، اولین روز هفته بعد از چهارشنبه 3 آوریل را هدف قرار می دهد که در آن عیسی با پذیرش صلیب، شیطان، گناه و مرگ را شکست داد. در اولین روز هفته، او به مریم گفت: «به من دست نزن. من هنوز نزد پدرم عروج نکرده ام.» پیروزی او هنوز باید در بهشت رسمی می شد و از آن پس، با تمام قدرت الهی خود، تحت نام فرشته ای خود «مایکل» که دوباره کشف شد، شیطان و شیاطینش را از بهشت تعقیب کرد. باید به نقل قول «متهم برادران ما، کسی که آنها را در پیشگاه خدای ما شب و روز متهم کرد» توجه کنیم. این برادری جهانی عظیم اردوگاه خدا را برای ما آشکار می کند که در اردوگاه شورشیان با برگزیدگان زمین سهیم است. این "برادران" چه کسانی هستند؟ کسانی که در آسمان و زمین هستند، مانند ایوب که تا حدی به دست شیطان سپرده می شود تا به او ثابت کند که «اتهامات» او بی اساس است.

آیه 11: « به خاطر خون بره و به خاطر کلام شهادتشان بر او غلبه کردند و جان خود را آنقدر دوست نداشتند که از مرگ بترسند »

الگوی مورد بحث در این آیه در پیام عصر «اسمیرنا» یافت می شود و این پیام نشان دهنده معیار ایمان مورد نیاز عیسی مسیح برای تمام اعصار نبوت شده تا بازگشت با شکوه اوست.

پیروزی «مایکل»، نام آسمانی آسمانی نجات دهنده ما عیسی مسیح، بیانیه رسمی او در متی 28:18 تا 20 را توجیه می کند: «عیسی آمد و به آنها چنین گفت: تمام قدرت در آسمان به من داده شده است و روی زمین. پس بروید و همه امتها را شاگرد سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنها بیاموزید که همه آنچه را که به شما امر کرده ام رعایت کنند. و اینک، من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان جهان»

از این رو، خداوند در بنیان اولین عهد خود، تاریخ خاستگاه بعد زمینی ما را به موسی نازل کرد، اما فقط برای ما که در آخرین روزهای بشریت زندگی می کنیم است که درک پروژه نجات کلی آن را آشکار می کند. بستن پرانتز تجربه گناه زمینی که شش هزار سال طول کشیده است. بنابراین ما با خدا در انتظار دیدار ابدی همه برگزیدگان آسمانی و زمینی وفادار او شریک هستیم. بنابراین این یک امتیاز منتخب است که به نوبه خود توجه خود را بر آسمان و ساکنان آن متمرکز کنیم. به نوبه خود، آنها به سرنوشت برگزیدگان و تاریخ زمینی ما، از خلقت تا پایان جهان، علاقه نشان نداده اند، همانطور که در اول قرنیتان 4:9 نوشته شده است: "برای خدا، به نظر من ما رسولان را آخرین انسانها به گونه ای محکوم به مرگ کرده است، زیرا ما منظره ای برای جهانیان، فرشتگان و انسانها بوده ایم»

وضعیت زمین بدتر شده است

آیه 12: « پس ای آسمانها و ساکنان آسمانها شاد باشید. وای بر زمین و دریا! زیرا شیطان با «خشم شدید بر شما نازل شده است، زیرا می داند که فرصت کمی دارد»

ساکنان بهشت «اولین کسانی بودند که از پیروزی مسیح «شاد شدند». اما همتای این شادی، «تشدید بدبختی» برای «ساکنان زمین» است. زیرا شیطان می داند که به مرگ مشروط محکوم می شود و «زمان کمی» دارد تا برخلاف نقشه نجات خود عمل کند. اعمالی که به مدت 2000 سال توسط اردوگاه اهریمنی محصور بر روی زمین انجام شد، همه توسط عیسی مسیح در مکاشفه یا آخرالزمان او آشکار شد. موضوع این اثری است که برای شما می نویسم. و از سال 2018، برگزیدگان عیسی مسیح این دانش را در مورد آخرالزمانی که برای شیطان برای کار اغواگری او در نظر گرفته شده، به اشتراک گذاشته اند. در بهار 2030 با بازگشت باشکوه استاد الهی آنها به پایان می رسد. پرانتز این مضمون با آیه 12. بسته می شود.

بستن پرانتز دعوا در آسمان

از سرگیری موضوع رانندگی زن در صحرا

آیه 13: « چون اژدها دید که او را به زمین انداخته اند، زنی را که پسر به دنیا آورده بود تعقیب کرد »

این پرائنتز به روح اجازه می دهد که موضوع سلطنت پاپ را از آیه 6 در نظر بگیرد. اصطلاح " اژدها " در این آیه هنوز هم خود شیطان، شیطان را نشان می دهد. اما مبارزه او با « زن » از طریق کنش رومی، متوالی، امپراتوری و سپس پاپی صورت می گیرد.

آیه 14: « و دو بال عقاب بزرگ به زن داده شد تا به بیابان پرواز کند و به مکان خود برسد، جایی که برای مدتی و زمانها و نیمی از زمان تغذیه می شود، دور از صورت مار »

در این آیه 14، او پیام را با نشان دادن مدت زمان سلطنت پاپ به شکل «سه سال و نیم»، « یک استفاده شده است، از سر می گیرد. در این از سرگیری، Dan.7:25 زمان، زمان و نیم » که قبلاً در جزئیات جدید در یک توالی زمانی از رویدادها آشکار خواهد شد. به یک نکته باید توجه داشت: « اژدهای » آیه 4 با « مار » جایگزین می شود، همانطور که « اژدهای » آیه 3 با « دم » جایگزین می شود. اصطلاحات « مار و دم » تغییری در تاکتیک های فعالی را که خدا، « عقاب بزرگ » به شیطان و شیاطینش الهام می کند، به ما نشان می دهد. پس از تهاجم آشکار « اژدها »، نیرنگ و دروغ مذهبی « مار » دنبال می شود که با سلطنت پاپ در سال 1260 پیشگویی شده تحقق می یابد. ذکر " مار " به خدا اجازه می دهد تا مقایسه ای را با شرایط گناه اولیه به ما پیشنهاد دهد. همانطور که حوا توسط « ماری » که شیطان از طریق آن صحبت می کرد فریفته شد. " زن "، " عروس " مسیح، در معرض آزمایش کلمات دروغی قرار می گیرد که شیطان از طریق " دهان " مأموران خود در کاتولیک رومی پاپ به او ارائه می کند.

آیه 15: « و مار آب از دهان خود مانند نهر به دنبال زن فرستاد تا او را در کنار رودخانه ببرد »

»

آیه 15 آزار و شکنجه کاتولیک را نشان می دهد که ایمان بی وفا مسیحی در معرض آن قرار می گیرد. مثل « آب رودخانه » که هر چیزی را که در دسترسش است « با خود می برد ». " دهان " پاپ کاتولیک رومی، لیگ های متعصب و ظالمانه کاتولیک خود را علیه مخالفان مذهبی خود راه اندازی کرد. دستاورد عالی این اقدام، ایجاد سپاه "اژدها" توسط لویی چهاردهم به توصیه اسقف لو تیلر است. این هیئت نظامی که برای آزار و اذیت مقاومت مسالمت آمیز پروتستان ایجاد شده بود، با هدف « تربیت » همه برگزیدگان ضعیف و حلیم مسیح به عقاید جزمی او، از طریق وادار کردن آنها به انتخاب بین گرویدن به کاتولیک یا اسارت یا مرگ پس از آزار و شکنجه های وحشتناک، یکی را ایجاد کرد.

آیه 16: « زمین به زن کمک کرد و زمین دهان خود را گشود و نهری را که اژدها از دهان خود بیرون انداخته بود فرو برد »

روح برای این آیه واحد دو تفسیر روی هم به ما ارائه می دهد. توجه داشته باشید که « زن » و « زمین » در اینجا دو موجودیت مجزا هستند و « زمین » می تواند نماد ایمان پروتستانی یا زمین تحت اللفظی، خاک سیاره ما باشد. این به این آیه دو تفسیر می دهد که به ترتیب زمانی در مکاشفه الهی دنبال می شوند.

اول: پروتستانتیسم حیوانی دروغین: به ترتیب زمانی، اول، « زن » با توصیف تصویری پروتستان های صلحجوی اصلاح طلب مطابقت دارد که « دهان » رسمی آنها (دهان مارتین لوتر در 1517) کاتولیک ها گناهان را محکوم می کرد. که نام آنها را توجیه می کند: "پروتستان" کسانی هستند که به بی عدالتی مذهبی کاتولیک اعتراض می کنند که در برابر خدا گناه می کند و بندگان واقعی او را می کشد. یکی دیگر از مؤلفه های ریاکارانه پروتستانی که نماد آن کلمه « زمین » است نیز « دهان » خود را به تقبیح مذهب کاتولیک گشود، اما اسلحه به دست گرفت و ضربات شدید آن بخش قابل توجهی از مبارزان لیگ های کاتولیک را «بلع» کرد. کلمه " سرزمین " در اینجا نمادی از " هوگنوت ها" و نیروهای دژهای نظامی مانند لاروشل در طول "جنگ های Cévennes معروف، مبارزان پروتستان ادیان" است که در آن دو گروه از مردم نه به خدا خدمت می کردند و نه مورد احترام قرار می گرفتند. رزمندگان

بیم دوم: شمشیر انتقام گیر بی خدایی ملی فرانسه. در قرائت دوم، و به ترتیب زمانی، این آیه 16 نشان می دهد که چگونه انقلاب فرانسه تجاوزات پاپی پادشاهی های کاتولیک را کاملاً فرو خواهد برد. این پیام اصلی این آیه است. و این همان چیزی است که خداوند به نقش « چهارم » می دهد شیبور "مکاشفه

8:12، و " جانوری که از ورطه برمی خیزد " از مکاشفه 11:7، در قیاس با لئو 26:25، خداوند می گوید، مانند " شمشیر " می آید تا انتقام اتحاد من را بگیرد. " مورد خیانت گناهکاران کاتولیک سرکش. این تصویر بر اساس مجازات شورشی « قورح » در شماره 16:32 است: « زمین دهان خود را گشود و آنها و خانه هایشان را با تمام قوم قورح و همه دارایی هایشان بلعید. » در هماهنگی کامل با مکاشفه الهی و دستاورد تاریخی، این تصویر مقایسه ای رد قانون الهی توسط شورشیان در هر دو موقعیت را به یاد می آورد.

آخرین دشمن اژدها : باقیمانده زنان ادونتیس

آیه 17: « و اژدها بر زن خشمگین شد و رفت تا با باقیمانده نسل او که احکام خدا را نگاه می دارند و شهادت عیسی را دارند، جنگ کند »

با پشت سر گذاشتن 150 سال فعالیت پروتستان های لعنت الهی، مضمون « شپور پنجم »، آخرین نبرد زمینی اهریمن و دژخیمان آسمانی و زمینی او را تداعی می کند و اهداف را به ما نشان می دهد. نفرت مشترک آنها این آخرین اهداف، برگزیدگان، آخرین نوادگان و وارثان پیشگامان ادونتیس است. به آنها اعلام شد. پیشگامانی که Rev.3:10 سال 1873 خواهند بود که این آخرین آزمایش طبق مأموریتشان را با همان نعمت الهی خود به پایان خواهند رساند. آنها باید قاطعانه و صادقانه از کاری که عیسی به آنها سپرده است حمایت کنند: امتناع از احترام به " نشان وحش " در روز یکشنبه روم، با رعایت صادقانه، به هر قیمتی، تمرین استراحت روز شنبه، در روز شنبه، هفتمین روز واقعی هفته، زمانی که توسط خدای خالق بزرگ و توانا سازماندهی و تعیین شده است. این حقیقتی است که در این وصف « باقیمانده ذریه زن » در این آیه آمده است: « الذين يحفوا الأمر الله »، عشر، نه نه گانه؛ « و کسانی که شهادت عیسی را حفظ می کنند »، زیرا نمی گذارند کسی آن را از آنها بگیرد. نه « اژدهاها » و نه « مارها ». و این " شهادت عیسی " گرانباترین است، زیرا، طبق مکاشفه 19:10، " شهادت عیسی روح نبوت است ". همانطور که متی 24:24 تعلیم می دهد، همین شهادت نبوی است که « شیطان را غیرممکن می کند که برگزیدگان واقعی مسیح را فریب دهد، « خدای حقیقت، « زیرا مسیحیان کاذب و پیامبران دروغین ظهور خواهند کرد. آنها شگفتی ها و معجزات بزرگی انجام می دهند، تا آنجا که اگر ممکن باشد حتی برگزیدگان را اغوا می کنند " .

یک پیروزی تقریباً ... برای شیطان

" آیه 18: " و او بر شنهای دریا ایستاد

این آیه آخر شیطان پیروزمندی را به ما نشان می دهد که موفق شده است در سقوط و محکومیت فانی خود، همه نهادهای دینی مسیحی را که بر آنها تسلط دارد و تحت حاکمیت خود قرار داده است، با خود بیاورد. در عیسی 10:22، خدا اعلام می کند: « ای اسرائیل، اگر قوم تو مانند ریگ دریا باشند، تنها بقایایی باز خواهند گشت. نابودی حل می شود، باعث سرریز عدالت می شود. بنابراین، بر اساس این پیشگویی، در پایان جهان، تنها ادونتیس های دگراندیش که « بازمانده زن »، « برگزیده، عروس مسیح » و « اسرائیل » روحانی خدا را تشکیل می دهند، به این مکان می گریزند. سلطه شیطانی به یاد می آورم که تحت نام « ادونتیس »، روح معیار ایمان را برای نجات آخرین برگزیدگانی که از سال 1843 انتخاب شده اند، تعریف می کند. در سال 2020، این رفتار مذهبی است، اما دیگر نهادی نیست که خداوند در سال 1994 آن را قضاوت، محکوم و رد کرد (" استفراغ " کرد

مکاشفه 13: برادران دروغین دین مسیحیت

جانور دریا - جانور زمین

عدد 13 برای افراد بت پرست خرافه نشان دهنده یک طلسم خوش شانس یا یک طلسم بدشانسی است که بسته به عقاید و کشورهای مختلف هر فرد است. در اینجا، در مکاشفه باشکوه خود، خدا کد عددی خود را بر اساس اعداد 1 تا 7 و ترکیبهای مختلف آنها بر ما آشکار می کند. عدد 13 با جمع کردن عدد "6"، شماره فرشته شیطان، و عدد "7"، عدد خدا و در نتیجه دین مشروعی که به خدای خالق در عیسی مسیح داده شده است، به دست می آید. بنابراین ما در این فصل «برادران دروغین دین مسیحیت» را خواهیم یافت، اما دشمنان واقعی منتخبان واقعی. این «تارش» در وسط «دانه خوب» زیر ظواهر مذهبی گمراهکننده‌ای پنهان می‌شود که این فصل از آن نقاب می‌زند.

وحش اول : که از دریا برمی خیزد

اژدهای مار

آیه 1: « سپس وحشی را دیدم که از دریا بیرون می‌آمد، ده شاخ و هفت سر داشت و بر شاخ‌هایش ده برج و بر سرهایش بود . نام های کفر آمیز

همانطور که در مطالعه مکاشفه 10 دیدیم، در این فصل دو « جانور » مسیحی عصر خود را آمده است، مربوط به ایمان Dan.7:2 می‌یابیم. اولی، « که از دریا برمی خیزد »، همانطور که در کاتولیک و حکومت آزاردهنده آن یعنی « 42 ماه » یا 1260 سال واقعی است. با در نظر گرفتن نمادهای سلطنت « شاخ کوچک » را می‌یابیم که پس از اینکه « ده شاخ »، Dan.7، امپراتوری‌های پیش از آن در پادشاهی خود را دریافت کردند ظاهر می‌شد. تاج‌هایی که روی ده شاخ قرار گرفته اند Dan.7:24 طبق نشان می‌دهد که این بافت تاریخی است که هدف قرار گرفته است. در اینجا، روم پاپی با « هفت سر » نمادین شده است که به طور خاص آن را در معنایی دوگانه مشخص می‌کند. تحت اللفظی ترین آنها « هفت تپه » است که روم بر اساس مکاشفه 17:9 بر روی آنها ساخته شده است. دیگری، معنوی تر، اولویت دارد. تعبیر « هفت سر » نشان دهنده تقدیس مقام قضایی است: « هفت » تعداد تقدیس است، و « سرها » که حاکم یا بزرگتر را در عیسی 9:14 تعیین می‌کنند. این دادگستری برتر به رم پاپ نسبت داده می‌شود زیرا شکل یک کشور مستقل، هم مدنی و هم مذهبی را به خود می‌گیرد که رئیس آن پاپ است. روح تصریح می‌کند: " و بر سر او نامهای کفر ". کلمه کفر به صورت مفرد است و با توجه به معنای کلمه کفر باید اینطور ترجمه کنیم: « اسمای دروغ ». عیسی مسیح " دروغ " را به رژیم پاپی روم نسبت می‌دهد. بنابراین او لقب « پدر دروغ » را به او نسبت می‌دهد که با آن شیطان، خود شیطان را در یوحنا 8:44 تعیین کرد: « شما از پدر خود شیطان هستید و می‌خواهید خواسته‌های پدرتان را انجام دهید. او از ابتدا قاتل بود و در حقیقت نمی‌ایستد، زیرا حقیقتی در او نیست. وقتی دروغ می‌گویند، از دل خودش می‌گویند؛ زیرا او دروغگو است و پدر دروغ

آیه 2: « جانوری که دیدم مانند پلنگ بود . پاهای او مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر » بود . اژدها به او قدرت و تاج و تخت و اقتدار عظیم داد

که گفت: « وحشتناک، وحشتناک، و فوق‌العاده قوی » توصیف Dan.7:7 جانور چهارم « از » دقیق‌تری در اینجا دریافت می‌کند. در واقع این به تنهایی معیارهای سه امپراتوری را که از زمان

امپراتوری کلدانی پیش از آن بودند ارائه می‌کند. او دارای چابکی " پلنگ"، قدرت بی نظیر "خرس" و قدرت گوستخوار بی رحم " شیر" است. در مکاشفه 12:3، «اژدها» آیه 3، جایی که «پرهای» بر روی «هفت سر» قرار داشت، نشان دهنده روم در مرحله امپراتوری بت پرستی آن بود که مسیحیان اولیه را آزار می‌داد. بنابراین، درست همانطور که "شاخ کوچک" دان. 7:8-24 جانشین شاخ دان. 8:9 می‌شود، در اینجا پاپ قدرت خود را از امپراتوری روم دریافت می‌کند. که تاریخ با فرمان امپراتوری به دلیل ژوستینیانوس اول در سال 533 (نوشتن) و 538 (کاربرد) تأیید می‌کند. اما مراقب باشید! «اژدها» همچنین در مکاشفه 12:9 به «شیطان» اشاره دارد، به این معنی که پاپ قدرت، «قدرت، تاج و تخت و اقتدار بزرگ خود» را از خود شیطان دریافت می‌کند. ما می‌فهمیم که چرا خداوند در آیه قبل این دو موجود را «پدر دروغ» قرار داده است.

نکته: در سطح نظامی، روم پاپی قدرت و قدرت شکل امپراتوری خود را حفظ می‌کند، زیرا ارتش‌های سلطنتی اروپا به آن خدمت می‌کنند و تصمیمات آن را برآورده می‌کنند. همانطور که تا 25 تعلیم می‌دهد، قدرت آن بر "موفقیت نیرنگ هایش" استوار است که شامل ادعای Dan. 8:23 نمایندگی خدا بر روی زمین است، و به این ترتیب، قادر به باز یا بسته کردن دسترسی به زندگی ابدی پیشنهادی است. انجیل مسیح: «در پایان فرمانروایی آنها، هنگامی که گناهکاران هلاک شوند، پادشاهی گستاخ و باهوش برمی‌خیزد. قدرت او افزایش خواهد یافت، اما نه با نیروی خودش. او ویرانی باورنکردنی ایجاد خواهد کرد، او در تعهدات خود موفق خواهد شد، او قدرتمندان و مردم مقدسین را نابود خواهد کرد. به خاطر سعادت و موفقیت در نیرنگ هایش، غرور در دل خواهد داشت، بسیاری از مردانی را که در صلح و صفا زندگی می‌کردند، نابود می‌کند، و بر علیه رؤسای حاکمان قیام می‌کند. «اما بدون تلاش هیچ دستی شکسته خواهد شد»

در پایان دهه 1260، الحاد انقلاب فرانسه به قدرت استبدادی خود که از سال 538 تأسیس شده بود، پایان داد.

آیه 3: «و من یکی از سرهای او را دیدم که گویی مجروح شده بود. اما زخم مرگبارش التیام نیافت. و تمام زمین از پشت وحش در هیبت بود»

هرگز در تمام تاریخ خود پشیمان نشده است، از طریق محدودیت است که دادگاه پاپ باید از قدرت آزار و اذیت خود چشم‌پوشی کند. این از سال 1792 زمانی که سلطنت، حمایت مسلحانه آن، توسط الحاد فرانسوی سرنگون شده و سر بریده می‌شود، محقق خواهد شد. همانطور که در مکاشفه 2:22 اعلام شد، این "مصیبت بزرگ" ملحد می‌خواهد قدرت مذهبی رومی "زن ایزابل" را نابود کند و هدف آن "کسانی هستند که با او زنا می‌کنند". پادشاهان، سلطنت طلبان و کشیشان کاتولیک. این گونه است که او باید "مثلاً زخمی شده باشد". اما به دلایل فرصت طلبانه، امپراتور ناپلئون اول آن را در سال 1801 به نام کنکورسات خود توباره تأسیس کرد. او دیگر هرگز مستقیماً مورد آزار و اذیت قرار نخواهد گرفت. اما قدرت اغواگر آن برای انبوهی از مؤمنان کاتولیک که همگی به دروغ‌ها و ادعاهای آن تا بازگشت با شکوه عیسی مسیح ایمان خواهند داشت ادامه خواهد داشت: "و تمام زمین در پشت وحش در تحسین بود". «تمام زمین از وحش پیروی کرد» و این کلمه زمین، به معنایی دوگانه، مربوط به سیاره است، بلکه به ایمان پروتستانی اصلاح‌شده که از آن سرچشمه می‌گیرد. اتحاد جهانی (=زمینی، در یونانی) که از آن زمان به بعد این اعلامیه را تأیید می‌کند. اگر روح می‌خواست این پیام را به زبانی روشن بیان کند، می‌خوانیم: «کل دین پروتستان از آن پیروی کرد مذهب کاتولیک نابردبار. این گفته با مطالعه دومین»

جانور» که این بار «از زمین بالا می‌آید» در آیه 11 این فصل 13 تأیید می‌شود. آیه 4: «و اژدها را پرستش کردند، زیرا او به وحش قدرت داده بود. آنها وحش را پرستش کردند و گفتند: چه کسی مانند وحش است و چه کسی می‌تواند با او بجنگد؟»

طبق مکاشفه 12:9، با تعیین روم امپراتوری و همچنین شیطان، اژدها، بنابراین خود شیطان، توسط کسانی که به رژیم پاپ احترام می‌گذارند پرستش می‌شود. این در نتیجه و در جهل کامل است، Dan. 8:24 زیرا او بود که "قدرت خود را به وحش داد". بنابراین، «موفقیت کار» پاپی که در پیشگویی شده بود، توسط تاریخ تأیید شده است. او با قدرت مذهبی خود بر پادشاهان سلطنت می‌کند، به شیوه ای مطلق و مدت‌ها بی رقیب. او زمین‌ها را تخصیص می‌دهد و به کسانی که به او خدمت می‌کنند، عناوینی می‌بخشد تا به آنها پاداش دهد. و کسانی را که او را بشناسند پر از عزت خواهد کرد و آنها را بر

بسیاری فرمائروا خواهد ساخت و زمین هایی را به عنوان پاداش بین آنها تقسیم خواهد کرد. « زمانی که پاپ الکساندر ششم بورجیا (قاتل بدنم) در سال 1494 زمین را تقسیم کرد و به پرتغال، نقطه پیشرفته شرقی برزیل و هند، و بقیه مناطق تازه کشف شده را به اسپانیا اختصاص داد، به معنای واقعی کلمه به روشی شناخته شده انجام شد. زمین ها روح اصرار دارد. منتخب عیسی مسیح باید کاملاً متقاعد شود که ایمان کاتولیک شیطنانی است و تمام اقدامات تهاجمی یا انسان‌گرایانه آن توسط شیطان، دشمن خدا و پیشگویی می کند، " موفقیت Dan.8:25 برگزیدگان هدایت می‌شود. این تأکید موجه است زیرا او در کارهای او و موفقیت حيله های او " . اقتدار مذهبی آن که توسط پادشاهان، قدرتمندان و مردم مسیحی اروپا به رسمیت شناخته شده است، به آن اعتباری مبتنی بر اعتماد می بخشد، بنابراین در واقعیت بسیار شکننده است. اما هنگامی که خدا و شیطان برای اقدام تنبیهی به یکدیگر می پیوندند، جمعیت، توده های انسانی مردم، مطیعانه راه دروغین ترسیم شده و بالاتر از همه، تحمیل شده را دنبال می کنند. در روی زمین، قدرت خواستار قدرت است، زیرا مردم دوست دارند احساس قدرت کنند و در این حوزه، رژیم مضمون یک سوال Rev.6، پاپ که ادعای نمایندگی خدا را دارد، استاد این ژانر است. همانطور که در را مطرح می کند: " چه کسی مانند جانور است و چه کسی می تواند با او مبارزه کند؟ " . فصل 11 و 12 پاسخ را می دهد: خدا در مسیح که در سال 1793 به الحاد انقلابی فرانسه ظهور خواهد کرد که آن را نقشی که به مجازات چهارم در) « در حمام خون فرو خواهد برد. اما تا زمان ظهور این « شمشیر انتقام‌گیر پروتستان‌های مسلح قبلاً با آن می‌جنگیدند، بدون اینکه بتوانند آن را، (نسبت داده می‌شود Lev.26:25 شکست دهند. مردان، پروتستان‌ها، فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها و انگلیکن‌ها، همگی به سختی او، از قرن شانزدهم با او می‌جنگند و ضربت مهلک او را جبران می‌کنند، زیرا ایمان آنها بیش از هر چیز سیاسی است آیه 5: « و دهانی به او داده شد که سخنان متکبرانه و کفرآمیز می گوید. و چهل و دو ماه به او « قدرت داده شد

می‌خوانیم که مربوط به « شاخ کوچک » پاپ Dan.7:8 این کلمات مشابه آن‌هایی هستند که در رومی است که پس از « ده شاخ » پادشاهی‌های اروپایی بلند می‌شود. در اینجا « تکبر » او را می‌یابیم ، اما در اینجا روح « کفرگویی » یا ادعاهای دروغین و دروغ‌های مذهبی را اضافه می‌کند که « موفقیت او « بر اساس آن بنا شده است. خداوند سلطنت خود را در « سال 1260 » تأیید می‌کند که به شکل نبوی کتاب مقدس « چهل و دو ماه » ارائه شده است، طبق رمز « یک روز برای یک سال » از حز. 4:5-6 آیه 6: « و دهان خود را به کفر گفتن به خدا گشود تا به نام او و خیمه او و ساکنان آسمان کفر گفت »

در اینجا باید به معنای رایجی که بشریت از کلمه " کفر " یا توهین می دهد توجه کنیم. این تصور گمراه‌کننده است، زیرا نامیدن دروغ، « کفر » اصلاً جنبه توهین به خود نمی‌گیرد و در مورد آنهایی که خداوند به روم پایی نسبت می‌دهد، برعکس، ظاهر قدوسی دروغین و فریبنده دارند.

تأیید می‌کند، جایی که Dan.11:36 دهان پاپ " به خدا توهین می‌کند "؛ که هویت او را در می‌خوانیم: « پادشاه هر چه بخواهد انجام خواهد داد. او خود را تجلیل خواهد کرد، از همه خدایان شکوه خواهد کرد، و چیزهای باورنکردنی علیه خدای خدایان خواهد گفت. تا زمانی که غضب تمام شود رستگار می‌شود، زیرا آنچه مقدر شده است محقق می‌شود. « روح به رژیم پاپ دروغ‌ها یا « کفرگویی ها » را نسبت می‌دهد که همه آموزه های مذهبی آن را مشخص می‌کند. او نام خدا را بیهوده می‌برد، « در برابر خدا، برای کفرگویی به نام او»، شخصیت او را تحریف می‌کند و اعمال شیطنانی جنایتکارانه‌اش را به او نسبت می‌دهد. « خیمه او » یعنی حرم روحانی او که مجلس اوست، برگزیدگان او. « و اهل بهشت»، زیرا بهشت و ساکنانش را به شکل فریبنده‌اش معرفی می‌کند و در عقاید خود، جهنم‌های آسمانی، میراث یونانی‌ها را که آنها را در زیر زمین، بهشت و برزخ قرار داده‌اند، تداعی می‌کند. « ساکنان بهشت » پاک و مقدس، از این که الگوی شرارت و ظلم الهام گرفته شده از اردوگاه اهریمنی زمینی به انسان‌ها به ناحق به آنها نسبت داده می‌شود، رنج می‌برند و خشمگین هستند.

آیه 7: « و به او داده شد که با مقدسین جنگ کند و بر آنها چیره شود. و بر هر قبیله، قوم، زبان « و قوم به او قدرت داده شد

را تأیید می‌کند: « این شاخ را دیدم که با مقدسین جنگ می‌کند و بر آنها Dan.7:21 این آیه پیام چیره می‌شود. « مسیحیت اروپایی و جهانی در واقع هدف است، زیرا ایمان کاتولیک رومی بر تمام مردمان اروپایی که در واقع از « قبایل، مردم، زبان‌ها و ملت‌هایی » تشکیل شده‌اند که از لحاظ مدنی

مستقل بودند، تحمیل شد. «اقتدار او بر هر قبیله، قوم، زبان و قوم» تصویر او را به عنوان «بابل بزرگ فاحشه» از مکاشفه 17:1 که او را «نشسته بر آبهای بسیار» معرفی می‌کند، تأیید می‌کند. "آب" که نماد "مردم، انبوه، ملت‌ها و زبان‌ها" مطابق با مکاشفه 17:15 است. ما می‌توانیم با علاقه به غیبیت کلمه «قبیله» در این فصل 17 توجه کنیم. دلیل آن، زمینه‌نهایی دوران مورد نظر است که مربوط به اروپا و مسیحیت غربی است که در آن شکل قبیله‌ای با اشکال مختلف ملی جایگزین شد. از سوی دیگر، در چارچوب آغاز استقرار رژیم پاپی، جمعیت‌های اروپایی اساساً در قالب «قبایل» مانند گال رومی، متفرق و مشترک با «زبان‌ها» و گویش‌های مختلف سازماندهی شدند. از نظر زمانی، اروپا توسط «قبایل»، سپس توسط «مردم» تابع پادشاهان، و در نهایت، با قرن هجدهم، توسط «ملت‌های جمهوری‌خواه» مانند ایالات متحده آمریکای شمالی پر جمعیت شد که نتیجه مهم آن را تشکیل می‌دهند. قانون اساسی "مردم" به دلیل تسلیم شدن به رژیم پاپ روم است، زیرا او است که از زمان کلوویس اول پادشاه فرانک‌ها، اقتدار پادشاهان اروپای مسیحی را به رسمیت می‌شناسد و برقرار می‌کند. آیه 8: "و همه ساکنان روی زمین او را پرستش خواهند کرد که نامش از آغاز جهان در کتاب «زندگی بره ذبح شده نوشته نشده است»

در آخر الزمان، جایی که نماد "زمین" نشان دهنده ایمان پروتستانی است، این پیام معنای دقیقی به خود می‌گیرد: همه پروتستان‌ها ایمان کاتولیک را خواهند پرستید. همه، به جز برگزیدگانی که روح به ظرافت این تعریف را به آنها می‌دهد: «کسانی که نامشان از ابتدای جهان در کتاب زندگی بره ذبح شده نوشته نشده است.» و در اینجا به شما یادآوری می‌کنم که نمایندگان منتخب آن «شهروندان ملکوت آسمان» هستند در مقابل شورشیان که «ساکنان زمین» هستند. حقایق گواه صدق این اعلام نبوی است که توسط روح خدا تنظیم شده است. از آنجا که از آغاز اصلاحات، به جز مورد پیر والدو در سال 1170، پروتستان‌ها با احترام به "یکشنبه" آن که از امپراتور بت پرست کنستانتین 1 از 7 مارس 321 به ارث رسیده بود، مذهب کاتولیک را می‌پرستیدند. این اتهام موضوع دوم را آماده می‌کند. "جانور" ارائه شده در آیه 11.

«"آیه 9: "اگر کسی گوش دارد، بشنود»

کسی که «گوش» تشخیص توسط خدا باز شده باشد، پیام ارائه شده توسط روح را درک خواهد کرد.

اعلام مجازات اعدام با شمشیر انتقام‌آمیز بی‌خدایی ملی فرانسه

آیه 10: «اگر کسی اسیر شود، به اسارت خواهد رفت. اگر کسی با شمشیر بکشد، باید با شمشیر» کشته شود. این استقامت و ایمان اولیای الهی است

عیسی مسیح اطاعت مسالمت‌آمیز را که همیشه از برگزیدگان خود می‌خواهد به یاد می‌آورد. مقامات منتخب سلطنت ظالم پاپ، مانند شهدای اول، باید سرنوشتی را که خداوند برای آنها آماده کرده است، بپذیرند. اما او اعلام می‌کند که عدالت او چه خواهد بود که در زمان مقتضی مجازات خواهد شد، خواسته‌های مذهبی پادشاهان و پاپ‌ها و همچنین روحانیون آنها. مقامات منتخب را که به اسارت "هدایت" کردند، خود به زندان انقلابیون فرانسوی خواهند رفت. و با «کشته شدن با شمشیر» برگزیدگانی که عیسی دوستشان داشت، خود به دست «شمشیر» انتقام جویانه خدا کشته خواهند شد که نقش آن با گیوتین همان انقلابیون فرانسوی به انجام خواهد رسید. از طریق انقلاب فرانسه است که خداوند به میل انتقام جویی که با خون شهدا در مکاشفه 6:10 بیان شده است پاسخ خواهد داد: «آنها با صدای بلند گریه کردند و گفتند: تا کی، ای استاد مقدس و راستین، تأخیر دارید. قضاوت کنیم و انتقام خون خود را از ساکنان زمین بگیریم؟». و گیوتین انقلابی "کودکان کاتولیک" سلطنت و روحانیون رومی پاپی را همانطور که در مکاشفه 2:22 اعلام شد، "مرگ خواهد زد". اما در میان قربانیان آن، پروتستان‌های ریاکاری را نیز خواهیم یافت که ایمان را با عقاید سیاسی مدنی اشتباه می‌گرفتند و با "شمشیر" در دست، از نظرات شخصی و میراث مذهبی و مادی خود دفاع می‌کردند. این رفتار جان‌کالوین و همدستان شوم و خونین او در ژنو بود. این نبوت با برانگیختن اقدامات انجام شده در سال‌های 1793 و 1794، ما را وارد زمینه صلح مذهبی طولانی مدتی می‌کند که برای «150» سال پیش‌بینی شده توسط «پنج‌ماه» نبوی مکاشفه 9:5-10 برقرار شد. اما پس از سال 1994، پایان این دوره، از سال 1995، حق "کشتن" به دلایل مذهبی دوباره برقرار شد. پس از آن دشمن بالقوه به وضوح تبدیل به دین اسلام می‌

شود تا زمانی که گسترش جنگی آن به "جنگ جهانی سوم" بین سال های 2021 تا 2029 منجر شود. اندکی قبل از بازگشت مسیح که انتظار می رود در بهار 2030 باشد، دومین "جانور" ظاهر خواهد شد. در این فصل 13

وحش دوم: که از زمین برمی خیزد

آخرین جایگاه اژدها - بره

آیه 11: « آنگاه جانور دیگری را دیدم که از زمین بیرون آمد که دو شاخ مانند شاخ بره داشت و «مانند اژدها سخن می گفت»

کلید شناسایی کلمه " زمین " در پیدایش 1: 9-10 یافت می شود: " خدا گفت: بگذارید آبهایی که در زیر آسمان است در یک مکان جمع شوند و خشکی ظاهر شود. و همینطور هم شد. خداوند خشکی را « زمین و توده آب را دریا نامید. خدا میدونه چقدر خوب بود

بنابراین، همانطور که «زمین» خشک از « دریا » در روز دوم خلقت زمینی بیرون آمد ، این « جانور » دوم نیز از روز اول بیرون آمد. این " جانور " اولی که مذهب کاتولیک را مشخص می کند، دومی که از آن بیرون می آید، مربوط به مذهب پروتستان، یعنی کلیسای اصلاح شده است. اما این مکاشفه شگفت انگیز دیگر نباید ما را شگفت زده کند، زیرا بررسی های فصول پیشین به صورت مکمل، جایگاه معنوی ای را که خداوند در قضاوت الهی خود به این دین پروتستانی می دهد، که پس از دوره ای به نام «می داند، برای ما آشکار کرده است. تیاتیرا»، با تکمیل اصلاحات انجام شده موافقت نکرد. با این لازم بود، که او پیام خدا در مکاشفه 3:1 را مدیون آن است: « Dan.8:14 حال، این تکمیل توسط فرمان گفته می شود که شما زنده هستید. و تو مرده ای. « این مرگ روحانی او را به دست شیطان می اندازد که با الهام خود او را برای " نبرد آرمگدون " خود، مکاشفه 16:16، از آخرین ساعت گناه زمینی آماده می کند. در ساعت آخرین آزمایش ایمان، که در پیام خطاب به بندگان ادونتیست او در آن زمان در فیلادلفیا پیش بینی شده بود ، او دست به ابتکارات نابردباری خواهد زد که او را به « جانوری که از زمین برمی خیزد » تبدیل می کند. او " دو شاخ " دارد که آیه 12 زیر آنها را توجیه و شناسایی می کند. زیرا در اتحاد جهانی، ادیان پروتستان و کاتولیک در مبارزه با روز استراحتی که خدا در هفتمین روز واقعی هفته تقدیس کرده است، متحد می شوند. شنبه یا سبت یهودیان، بلکه آدم، نوح، موسی و عیسی مسیح که در طول خدمت و تعلیمش بر روی زمین آن را زیر سوال نبردند، زیرا اتهامات تخطی از سبت که توسط یهودیان سرکش علیه عیسی مطرح شد، بی اساس بود. و غیر موجه با انجام عمدی معجزات در روز سبت، انگیزه او بازتعریف مفهوم واقعی خدا از استراحت شنبه بود. این دو دین که مدعی نجاتی هستند که « بره ای که گناهان جهان را می برد »، به دلیل معیارهای توصیفی خود، سزاوار تصویر « بره ای است که مانند اژدها سخن می گوید ». از آنجا که حمایت از نابردباری نسبت به ناظران سبت که آنها تا آنجا پیش خواهند رفت که آنها را به مرگ محکوم می کنند، در واقع جنگ علنی است، استراتژی «اژدها» که دوباره ظاهر می شود

آیه 12: « او تمام اقتدار وحش اول را در حضور او به کار گرفت و زمین و ساکنانش را وادار کرد تا وحش اول را که زخم مرگبارش شفا یافته بود، پرستش کنند

ما شاهد نوعی رله هستیم، ایمان کاتولیک دیگر غالب نیست، بلکه اقتدار سابق آن به مذهب پروتستان داده شده است. زیرا این مذهب پروتستان رسماً قدرتمندترین کشور روی زمین است: ایالات متحده آمریکای شمالی یا ایالات متحده آمریکا. ادغام ادیان پروتستان اروپایی و آمریکایی قبلاً حاصل شده است، حتی از جمله نهاد ادونتیست روز هفتم. از سال 1995. " بابل " جدید زمین مجبور به اختلاط مذهبی هستند زیرا با استقبال از مهاجران اعترافات مذهبی مختلف ساخته شده اند. اگر انسانها این چیزها را به دلیل ذهن سطحی و بی علاقه مذهبی خود طبیعی بدانند، به نوبه خود، خدای خالق که تغییر نمی کند، نظر خود را نیز تغییر نمی دهد و این نافرمانی را مجازات می کند که آموزه های تاریخی او را که در کتاب مقدس گواهی می دهد نادیده می گیرد. با دفاع به نوبه خود، یکشنبه رومی روز اول، روز استراحتی که کنستانتین اول 'دومین « جانور » پروتستانی، نخستین جانور کاتولیک را به عبادت تبدیل کرد، که آن را به عنوان یک مقام مذهبی رسمی به رسمیت شناخت و نام آن را گذاشت. "یکشنبه" گمراه کننده. روح به ما یادآوری می کند که این اتحاد اخیر بین پروتستان ها و کاتولیک ها به این دلیل امکان پذیر شد که " زخم مرگبار " ناشی از " جانوری که از ورطه بالا می رود " درمان شد ". او او را

دوباره فرا می خواند زیرا جانور دوم این شانس را برای شفا خواهد داشت. با آمدن باشکوه عیسی مسیح نابود خواهد شد.

آیه 13: « او معجزات بزرگی انجام داد، حتی آتش را در نظر مردم از آسمان به زمین نازل کرد.»

از زمان پیروزی خود در برابر ژاپن در سال 1945، آمریکای پروتستان به اولین قدرت هسته ای روی زمین تبدیل شده است. فناوری بسیار بالای آن به طور مداوم تقلید می شود اما هرگز با آن برابری نمی کند. همیشه یک قدم جلوتر از رقبا یا حریفان خود است. این برتری در چارچوب «جنگ دشمن خود، روسیه، کشور «پادشاه شمال» Dan. 11:44 جهانی سوم» تأیید خواهد شد، جایی که طبق راه در این پیشگویی نابود خواهد کرد. آنگاه اعتبار او بسیار زیاد خواهد شد و بازماندگان درگیری، حیرت زده و تحسین شده، زندگی خود را به او می سپارند و اقتدار او را بر تمام زندگی بشری می شناسند. " آتش از بهشت " فقط متعلق به خدا بود، اما از سال 1945، آمریکا آن را در اختیار و کنترل کرد. او پیروزی و تمام اعتبار فعلی اش را مدیون اوست که با پیروزی او در جنگ هسته ای آینده بیشتر خواهد شد.

آیه 14: « و او ساکنان زمین را به نشانه هایی که به او داده شده بود در حضور وحش انجام دهد فریب داد، و به ساکنان زمین گفت که برای وحشی که زخم شمشیر دارد تصویری بسازند. و چه کسی زندگی کرد»

عجوبه های « فنی انجام شده بی شمار هستند. " ساکنان زمین " به تمام اختراعات آن وابسته شده اند که زندگی و افکار آنها را جذب می کند. تا زمانی که آمریکا از آنها نخواهد که مانند معتادان به مواد مخدر، خود را از این وسایلی که روح آنها را اشغال می کند محروم کنند، " مردم زمین " آماده اند تا نابداری مذهبی را نسبت به "گروه بسیار کوچک" یعنی " بازمانده زن" مشروعیت بخشند. از مکاشفه 12:17. «... ساختن تصویری از جانور» شامل کپی کردن اعمال مذهب کاتولیک و بازتولید آن ها تحت حاکمیت پروتستان است. این بازگشت به سختگیری ذهن مبتنی بر دو عمل خواهد بود. « بازماندگان » از اعمال وحشتناک جنگ جان سالم به در خواهند برد، و خداوند به طور مداوم و تدریجی آنها را با «هفت آفت آخر خشم خود» که در مکاشفه 16 شرح داده شده است، خواهد زد.

حکم مرگ یکشنبه

آیه 15: « و به او داده شد که شمایل وحش را زنده کند تا تصویر وحش صحبت کند و هر کس « که تمثال وحش را نپرسد کشته شود»

نقشه شیطان با الهام از خداوند شکل می گیرد و محقق می شود. روح شکل اقدامات شدیدی را که در ششمین «هفت آفت آخر» انجام خواهد شد، آشکار می کند. با فرمان رسمی پذیرفته شده توسط همه شورشیان بازمانده روی زمین، تصمیم گرفته می شود که در تاریخی بین اوایل بهار تا 3 آوریل 2030، آخرین ادونتیست های باقیمانده روز هفتم که روز هفتم را حفظ می کنند، کشته شوند. منطقاً، این تاریخ سال بازگشت در جلال عیسی مسیح است. بهار امسال 2030 لزوماً لحظه ای است که او مداخله می کند تا از انجام پروژه فاجعه بار شورشیان علیه برگزیدگانش جلوگیری کند که او برای نجات آنها با «کوتاه کردن روزهای» «پیشانی بزرگ» آنها می آید (متی 24 : 22)

آیه 16: « و او همه را، اعم از کوچک و بزرگ، غنی و فقیر، آزاد و برده، نشانی بر دست کرد. راست یا پیشانی خود قرار داد»

اقدام اتخاذ شده، بازماندگان دوران را به دو اردوگاه تقسیم می کند. نشانه شورشیان با « نشان » اقتدار انسانی مشخص می شود که «یکشنبه» کاتولیک را مشخص می کند، «روز خورشید تسخیر نشده» باستانی که توسط یکی از پرستندگان، امپراتور روم کنستانتین اول،³ ۷ مارس ۳۲۱ تحمیل شده است. « علامت » « روی دست » دریافت می شود، زیرا «کار» انسانی را تشکیل می دهد که عیسی آن را قضاوت و محکوم می کند. همچنین " روی پیشانی " دریافت می شود که نماد اراده شخصی هر موجود انسانی است که مسئولیت آن کاملاً تحت قضاوت عادلانه خدای خالق انجام می شود. برای تصدیق این تفسیر نمادین « دست » و « پیشانی » از کتاب مقدس، این آیه از تثنیه 6: 8 وجود دارد، جایی که خدا در مورد احکام خود می گوید: « آنها را به عنوان نشانه ای بر دستان خود ببندید. ، و آنها مانند پیشانی بین « دشمنان شما خواهند بود»

تلافی های قبلی

آیه 17: و اینکه هیچ کس نمی تواند بدون داشتن علامت، نام وحش یا شماره نام آن، خرید یا فروش کند

در پشت این کلمه " شخص " اردوگاه مقدسین ادونتیست قرار دارد که به سبت مقدس خدا وفادار مانده اند. زیرا با امتناع از احترام گذاشتن به « علامت »، در روز یکشنبه، بقیه روز اول بت پرستی، کنار گذاشته می شوند. در ابتدا، آنها قربانی یک «بایکوت» بودند که در اقدامات آمریکا علیه مخالفانی که در برابر آنها مقاومت می کردند، شناخته شده بود. برای داشتن حق تجارت، باید در روز یکشنبه به « نشان » که مربوط به پروتستان ها است، « نام جانور »، «نایب پسر خدا»، که مربوط به کاتولیک ها است، یا « تعداد افراد او» احترام گذاشت. نام، یا شماره 666

آیه 18: « این حکمت است. هر که عقل دارد، عدد وحش را محاسبه کند. زیرا عدد یک انسان « است و عدد او ششصد و شصت و شش است

خرد انسانی برای درک پیام روح خدا کافی نیست. باید از او به ارث برده شود، مانند مورد سلیمان که حکمت او از همه مردم پیشی گرفت و شهرت او را در سراسر جهان شناخته شد. پیش از پذیرش اعداد عربی، در میان عبرانیان، یونانی ها و رومی ها، حروف الفبای آنها نیز ارزش رمزی داشتند، به طوری که جمع مقادیر حروف تشکیل دهنده یک کلمه، تعداد آن را مشخص می کند. ما آن را با «حساب» به دست می آوریم، همانطور که آیه تصریح می کند. «... شماره نام او « ۶۶۶ » است، VICARIVS یعنی عددی که با اضافه کردن مقدار عددی حروف رومی موجود در نام لاتین وی به دست می آید. چیزی که در مطالعه فصل 10 نشان داده شد. این نام به خودی خود «FILII DEI» بزرگترین " کفرگویی " یا " دروغ " ادعاهای او را تشکیل می دهد، زیرا به هیچ وجه عیسی برای خود "جایگزین" به معنای کلمه "نایب" نگذاشت

مکاشفه 14: زمان ادونتیسم روز هفتم

پیام های سه فرشته - برداشت - محصول

این فصلی است که زمان بین 1843 و 2030 را هدف قرار می دهد.

باعث شد که "ادونتیست ها" منتظر Dan.8:14 در سال 1843، استفاده خاص از پیشگویی بازگشت عیسی مسیح باشند که برای بهار آن تاریخ تعیین شده بود. این آغاز آزمایش های متوالی ایمان است که در آن علاقه به روح نبوت، یعنی «شهادت عیسی» مطابق با مکاشفه 19:10، توسط مسیحیان که ادعا می کنند نجات عیسی هستند، به طور جداگانه نشان داده خواهد شد. مسیح تحت چندین برجسب مذهبی "آثار" نشان داده شده به تتهایی اجازه انتخاب را می دهد یا خیر. این آثار را می توان در دو انتخاب ممکن خلاصه کرد: پذیرش یا رد نور دریافتی و خواسته های الهی آن.

در سال 1844، پس از انتظار جدیدی که برای پاییز 1844 تعیین شده بود، عیسی منتخبان خود را به سمت مأموریت تکمیل کار اصلاحات رهبری خواهد کرد که با بازگرداندن اعمال سبت که از زمان خلقت جهان توسط خدا تقدیس شده است آغاز می شود. این مهمترین موضوع «قدوسیت» است که از که تا Dan.8:14 سال 1844، زمانی که این تخلف به اطلاع بندگان رسید، «توجیه» شد. این ترجمه خدمت من به این صورت ترجمه شده است: "دو هزار و سیصد صبح عصر و قدس پاک خواهد شد"، به طور واقعی مطابق با متن اصلی عبری است: "دو هزار و سیصد صبح عصر و قداست توجیه خواهد شد". همه می توانند کشف کنند که تخطی از سبت الهی از سال 321 با انصراف های متعدد دیگر از حقایق اعتقادی که توسط خدا در زمان رسولان ایجاد شده است، همراه است. پس از 1260 سال سلطنت دروغ، جانشینان ویرانگر ایمان، پاپری در آموزه های پروتستانی بسیاری از دروغ های غیر قابل تحمل را برای خدای حقیقت باقی گذاشت. به همین دلیل است که در این فصل 14، روح سه موضوع اصلی را ارائه می کند که به ترتیب عبارتند از: رسالت یا پیام ادونتیست «سه فرشته». "برداشت" پایان جهان، دسته بندی و جذب برگزیدگان. «برداشت انگور» انگورهای خشم، مجازات نهایی شبانان دروغین، معلمان دینی دروغین مسیحیت.

آخرین آزمایشی که از سال 1844 برای محافظت از برگزیدگان در برابر خشم الهی آموزش داده شده است، برای پایان شدید زمانی که به بشریت داده شده است تا خود را بین اراده الهی آشکار شده و تقاضای سرکش بشری که در کاملترین حالت ارتداد قرار گرفته است، اختصاص دهد. اما، انتخاب انجام شده عواقبی برای همه کسانی دارد که از سال 1844 در گذشته اند. فقط برگزیدگان روشن فکر و وفادار "در خداوند می میرند" طبق تعالیم آیه 13، جایی که آنها "برکت" اعلام می شوند، یعنی بهره مند از فیض مسیح با تمام برکتش قبلاً در پیام خطاب به فرشته «فیلاولیا» که مربوط به آنهاست تأیید شده است، زیرا تعمید «آدونتیست» کافی نیست تا از سوی خدا به عنوان یک برگزیده در نظر گرفته شود.

از سوی دیگر، اگر جزییات مهجوریت ها کشف شود، از سوی دیگر، نکات اساسی توسط روح در قالب «پیام های سه فرشته» از آیات 7 تا 11، زیر خط کشیده و خلاصه می شود. این پیام ها در پی یکدیگر می آیند. توالی پیامها

من آن را در اینجا به یاد می آورم، پس از یادداشت روی جلد در صفحه 2 این اثر، این سه پیام سه پیام را که قبلاً در تصاویر نمادین در کتاب دانیال در دان 7 و 8 آشکار شده است برجسته می کند. یادآوری آنها در این فصل 14 مکاشفه، بر اهمیت فوق العاده ای که خداوند به آنها می دهد تأکید و تأیید می کند.

ادونتیست های رستگار شده پیروز شدند

آیه 1: «نگاه کردم و اینک بره بر کوه صهیون ایستاده بود و با او صد و چهل و چهار هزار» [مرد] که نام او و نام پدرش بر پیشانی خود نوشته شده بود

کوه صهیون «به مکانی در اسرائیل اشاره دارد که اورشلیم در آنجا ساخته شده است. این نماد» امید به نجات و شکلی است که این نجات در پایان آزمایشات ایمان زمینی و آسمانی به خود می گیرد. این پروژه به طور کامل در تجدید همه چیز، در مورد زمین و آسمان مطابق با مکاشفه 21:1 انجام خواهد

شد. « 144000 [نفر] » نماد برگزیدگان مسیح است که بین سال‌های 1843 و 2030 انتخاب شده‌اند، یعنی مسیحیان ادونتیست که توسط عیسی مسیح از مایش، اثبات و تأیید شده‌اند و قضاوت آنها به صورت جمعی و فردی اعمال می‌شود. قضاوت جمعی نهاد را قضاوت می‌کند و قضاوت فردی به هر موجودی مربوط می‌شود. « 144000 [نفر] » نماینده برگزیدگانی هستند که عیسی مسیح از میان پیروان ایمان ادونتیست انتخاب کرده است. این عدد کاملاً نمادین است و تعداد واقعی برگزیدگان رازی است که خداوند آن را می‌شناسد و از آن محافظت می‌کند. دلیل انتخاب آنها را از تعریف تصویر پیشنهادی می‌توان فهمید. « روی پیشانی آنها »، نماد اراده و افکارشان، « نام بره »، عیسی، و « نام پدرش »، خدایی که در اتحاد قدیمی نازل شده، حک شده است. این بدان معناست که آنها تصویری از خدا را که خدای خالق قبل از گناه به انسان اول داده بود، هنگامی که او را شکل داد و به او حیات بخشید، یافتند و بازتولید کردند. و این تصویر مربوط به شخصیت اوست. آنها میوه ای را تشکیل می‌دهند که خدا می‌خواست با بازخرید گناهان تنها برگزیدگان وفادارش در عیسی مسیح به دست آورد. به نظر می‌رسد که بر پیشانی برگزیدگان، یا در روح آنها، اندیشه و اراده آنها، مهر خدای مکاشفه 7: 3 یا سبت چهارمین فرمان دکالوگ و شخصیت جدایی ناپذیر است. از بره عیسی مسیح و مکاشفه او در عهد قدیمی به عنوان پدر، خالق خدا. بنابراین، ایمان واقعی مسیحی با هنجارهای مذهبی متصل به پسر و پدر مخالف نیست، همانطور که پیروان یکشنبه روم ادعا می‌کنند، اگر نه در کلام، حداقل در عمل.

آیه 2: « و صدایی از آسمان شنیدم، مانند صدای آبهای بسیار، مانند صدای رعد عظیم. و صدایی که شنیدم مانند صدای نوازندگان چنگ بود که بر چنگ خود می‌نواختند شخصیت های متضاد ذکر شده در این آیه در حقیقت مکمل یکدیگرند. " آب های بزرگ " نماد انبوهی از موجودات زنده است که هنگام بیان خود، ظاهر یک " رعد بزرگ " به خود می‌گیرند. در مقابل، از طریق تصویر چنگ، خداوند هماهنگی کاملی را آشکار می‌کند که موجودات پیروز او را متحد می‌کند.

آیه 3: « و در حضور تاج و تخت و در حضور چهار موجود زنده و بزرگان سرود جدیدی سرودند. و هیچ کس نتوانست آواز را بیاموزد، مگر صد و چهل و چهار هزار نفر که از زمین نجات یافتند »

خداوند در اینجا بر تقدیس بسیار بالای ایمان «آدونتیست» که از سال‌های 1843-1844 تأسیس شده بود، تأکید می‌کند. نمایندگان منتخب آن از دیگر گروه های نمادین متمایز هستند. « تخت، چهار موجود زنده و بزرگان »؛ دومی همه رستگاران از تجربه زندگی بر روی زمین را تعیین می‌کند. اما مکاشفه الهی به نام مکاشفه فقط دو هزار سال ایمان مسیحی را هدف قرار می‌دهد که حکم دان 8:14 به دو مرحله متوالی تقسیم می‌کند. تا سال‌های 1843-1844، برگزیدگان توسط 12 « مسجد » از « 24 » ذکر شده در مکاشفه 4:4 نماد شده بودند. 12 « بزرگ » دیگر « 12 قبیله » ادونتیست مهر و موم شده در مکاشفه 7:3-8 از 1843-1844 هستند.

آیه 4: « اینها کسانی هستند که خود را به زنان آلوده نکرده اند، زیرا باکره هستند. هر جا بره » می‌رود دنبالش می‌روند. آنها از میان مردم بازخرید شدند، به عنوان اولین میوه برای خدا و برای بره کلمات این آیه فقط در معنای معنوی صدق می‌کند؛ کلمه « زنان » به کلیساهای مسیحی اشاره می‌کند که از زمان پیدایش خود دچار ارتداد شده‌اند، مانند ایمان کاتولیک رومی، یا از 1843-1844، برای ایمان پروتستان، و از سال 1994، برای ایمان نهادی ادونتیست. طبق رومیان 6:23، « نجس » ذکر شده، گناهی را هدف قرار می‌دهد که از تخطی از قانون الهی ناشی می‌شود و « مزد آن مرگ است ». جدا از « 144000 [نفر] » نمادین، عیسی مسیح برای نجات آنها از انجام گناه است. « باکرگی » آنها نیز روحانی است و آنها را به عنوان موجوداتی « پاک » معرفی می‌کند که عدالت آنها با خونی که عیسی مسیح از طرف آنها ریخته شده است سفید شده است. وارثان گناه و آلودگی آن، مانند همه فرزندان آدم و حوا، ایمانشان که توسط عیسی مسیح به رسمیت شناخته شده بود، آنها را کاملاً "تطهیر" کرد. اما برای اینکه این ایمان به طور مؤثر توسط عیسی مسیح به رسمیت شناخته شود، این تطهیر باید واقعی باشد و در « اعمال » آنها مشخص شود. بنابراین، این به معنای ترک گناهی است که از ادیان مسیحی دروغین یا یهودی یا به طور کلی تر، ادیان توحیدی به ارث رسیده اند. و خداوند در وحی نبوی خود، به ویژه عدم رعایت نظم زمانی را که از اولین هفته خلقت زمین و منظومه آسمانی آن برقرار کرد، هدف قرار داده است.

بشست تصویر " خواندن یک آهنگ جدید " تجربه خاصی است که فقط توسط " 144000 [نفر] " مهر و موم شده تجربه شده است. پس از « سرود موسی » که خروج باشکوه از مصر را جشن گرفت، نماد گناه، « سرود » برگزیدگان « 144000 » رهایی خود را از گناه جشن می‌گیرد، زیرا از فرمان دان اطاعت کردند. 8:14 و در آنها همکاری کردند. از سال 1843 تا 1844، خدا خواستار و حتی درخواست تقدیس شد. در این تاریخ، یک رؤیای آسمانی تطهیر گناهانی را که بر روی صلیب گلگوتا با مرگ عیسی مسیح انجام شد را یادآوری می‌کرد. این پیام هم سرزنش و هم آموزه ای بود که خداوند به نوعی از ایمانداران پروتستان که وارث یکشنبه روم و برخی دیگر از گناهان دروغین او بود، ارائه کرد. در گونه‌شناسی آیین‌های عبری، این « تطهیر گناهان » یک جشن مذهبی در پاییز بود که طی آن خون بز کشته شده را به مقدس‌ترین مکان بر روی صندل رحمتی که در این مکان صعب‌العبور قرار داده بود می‌بردند و برای بقیه مردم ممنوع بود. سال زمان سال خون این بز، تصویر نمادین گناه، خون عیسی مسیح را پیشگویی کرد که خود حامل گناهان برگزیدگان شده بود تا به جای آنها مجازاتی را که سزاوار آن هستند، ببخشد. خود عیسی گناهکار شد. در این مراسم، بز نماینده گناه است و نه مسیحی که آن را حمل می‌کند. این حرکت فیزیکی کاهن اعظم از مکان مقدس مجاز به مقدس‌ترین مکان برای بقیه سال است که این آیه به آن اشاره می‌کند که می‌گوید: « هر جا بره می‌رود دنبالش می‌روند ». با یادآوری این صحنه در رؤیای 23 اکتبر 1844، روح مسیح به وارثان ناخودآگاه منتخب خود دروغ‌های اعتقادی، ممنوعیت گناه را یادآوری کرد. بنابراین، از سال 1844، گناه منشأ اختیاری انجام شده، که مورد یکشنبه روم است، ارتباط با خدا را غیرممکن می‌سازد، و گناه رها شده امکان گسترش این رابطه را فراهم می‌کند که منتخب مربوطه را به کمال تقدیس خود از طریق دریافت، درک و عمل به حقیقت الهی وحی شده است.

آنها که « اولین میوه‌ها برای خدا و بره » در نظر گرفته می‌شوند، بهترین چیزی را تشکیل می‌دهند که خدا در انتخاب برگزیدگان زمینی خود یافته است. در آیین‌های عبری، « اولین میوه‌ها » را « مقدس » می‌دانستند. هدایای این اولین میوه‌های حیوانی یا گیاهی برای خداوند در نظر گرفته می‌شد تا او را گرمی بدارند و قدردانی انسان نسبت به خوبی و بزرگی او را نشان دهند. دلیل دیگر، در واقع برای اولین ثمرات مقدس، دریافت آنها از نور الهی است که به طور کامل بر آنها نازل شده است، زیرا آنها در زمان پایان زندگی می‌کنند که نور وحی به اوج خود یعنی اوج معنوی خود می‌رسد.

« آیه 5: « و هیچ دروغی در دهان آنها یافت نشد، زیرا آنها بی عیب هستند

برگزیده واقعی، کسی که با تولد جدید از حقیقت متولد شده است، تنها می‌تواند از « دروغی » متنفّر باشد که در آن هیچ لذتی نمی‌یابد. دروغ منفور است زیرا فقط عواقب زیاتباری به همراه دارد و افراد خوب را رنج می‌دهد. کسی که به " دروغ " ایمان دارد، درد ناامیدی، تلخی فریب خوردن را تجربه می‌کند. هیچ کس که توسط مسیح انتخاب شده است نمی‌تواند از فریب دادن و فریب هموعان خود لذت ببرد. از سوی دیگر، حقیقت اطمینان می‌دهد، رابطه‌ای مثبت با برادران واقعی ایجاد می‌کند، اما مهم‌تر از همه، با خدای خالق و نجات‌دهنده نجات ما که ادعا می‌کند و نام خود را به عنوان « خدای حقیقت » می‌فرستد. بنابراین، برگزیدگان با اطاعت از حقیقت مکشوف، دیگر با انجام گناه اعتقادی، توسط خود خدای حقیقت « غیر قابل سرزنش » قضاوت می‌شوند.

پیام فرشته اول

آیه 6: « فرشته دیگری را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کرد و دارای انجیل ابدی بود تا آن « را به ساکنان روی زمین، به هر قوم، به هر قبیله، به هر زبان و هر قوم موعظه کند

فرشته دیگر " یا رسول دیگری یک نور کامل الهی را اعلام می‌کند که نماد آن " وسط آسمان " یا اوج خورشید است. این نور مربوط به « انجیل » یا « مژده » نجاتی است که عیسی مسیح آورده است. آن را " ابدی " می‌نامند زیرا پیام آن معتبر است و در طول زمان تغییر نمی‌کند. به این ترتیب، خدا آن را مطابق با آنچه به رسولان عیسی مسیح تعلیم داده شده است تأیید می‌کند. این بازگشت به حقیقت از سال 1843 پس از تحریف‌های متعددی که از ایمان کاتولیک رومی به ارث رسیده بود، رخ داد. این اعلامیه در قیاس با پیام ارائه شده در دانیال 12:12 جهانی است که برکت الهی کار ادونتیست را آشکار می‌کند. « انجیل جاودانی » در اینجا تحت جنبه ثمره واقعی ایمان، به دنبال الزام الهی که توسط فرمان

دانیال 8:14 نازل شده است، ذکر شده است. علاقه به کلام نبوی ثمره مشروع هنجار است " انجیل ابدی "

آیه 7: « او با صدای بلند گفت: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. و او را بپرسنید که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید در آیه 7، فرشته اول تخطی از روز سبت را محکوم می کند که در دکالوگ الهی، جلال خدای خالق را تجلیل می کند. بنابراین او از اکتبر 1844 خواستار بازسازی آن شد، اما از بهار 1843 تخلف خود را به گردن پروتستان ها انداخت.

پیام فرشته دوم

آیه 8: « و فرشته دیگری به دنبال آمد و گفت: بابل بزرگ سقوط کرد، او همه امت ها را از شراب خشم زناکاری خود سیراب کرد در آیه 8، فرشته دوم گناه عظیم کلیسای کاتولیک پاپ روم را آشکار می کند که با تغییر نام بت پرستی "روز خورشید" کنستانتین اول به ترجمه "روز خداوند" از مونتاژ لاتینی که به زبان لاتین است، این جمله که دو بار تکرار *dies dominica*: مردان را فریفته و فریب داده است. منشأ "یکشنبه" آن است شد، « بابل کبیر سقوط کرد، سقوط کرد » تأیید می کند که برای او و کسانی که او را به ارت می برند، زمان صبر الهی به طور قطعی به پایان رسیده است. به صورت فردی، تبدیل ممکن است، اما فقط به قیمت تولید میوه، یا « آثار » توبه

یادآوری: « سقوط شد » یعنی: همانگونه که شهری به دست دشمنش می افتد، خدای حق را می گیرد و شکست می دهد. او پس از سال 1843، بین سال های 1844 و 1873، برای خادمان وفادار مشخص می کند، مطرح و روشن می کند. اغوای دروغ Rev.17:5 خود در روز هفتم، « راز » را که در های او کارایی خود را از دست می دهد.

در آیه 8، قضاوت انجام شده در پیام های قبلی با هشدار سخت تأیید می شود. انتخاب آگاهانه و داوطلبانه روز استراحت که توسط کنستانتین اول 321 سال تأسیس شد، از سال 1844، شورشیان را که آن را توجیه می کنند، از محکومیت الهی عذاب های مرگ دوم قیامت منفعل می کند. خداوند برای پنهان کردن اتهام خود علیه یکشنبه، آن را تحت نام « نشان » بدنامی که با « مهر » الهی خود مخالفت می کند، پنهان می کند. این نشانه اقتدار انسانی، که نظم زمانی آن را زیر سؤال می برد، خشم عظیمی است که شایسته مجازات اوست. و مجازات اعلام شده در واقع وحشتناک خواهد بود: " او با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد " که شورشیان را نابود خواهد کرد، اما فقط در لحظه آخرین قضاوت

پیام فرشته سوم

آیه 9: « و فرشته ثالثی دیگر به دنبال آنها رفت و به آواز بلند گفت: «اگر کسی جانور و تصویر ماهیت مکمل و متوالی این پیام سوم با دو پیام قبلی با فرمول « آنها دنبال کردند » مشخص می شود. « صدای بلند » مقام بسیار عالی الهی را که آن را اعلام می کند تأیید می کند این تهدید متوجه شورشیان انسانی است که از حکومت " جانوری که از زمین برمی خیزد " حمایت می کنند و آن را تأیید می کنند و با اطاعت از آنها در روز یکشنبه " نشان " اقتدار آن را که در مکاشفه 13 ذکر شده است، پذیرفته و گرامی می دارند. : 16 که در حال حاضر کل جمعیت مسیحی است.

مخالفت مستقیم این « علامت » با « مهر خدا » یعنی از یکشنبه روز اول تا سبت روز هفتم، با این واقعیت تأیید می شود که هر دو « در جلو »، صندلی مطابق با مکاشفه 7:3 و 13:16 خواهد بود. توجه داشته باشید که « مهر خدا » مکاشفه 7:3 در مکاشفه 14:1 می شود: « نام بره و نام پدرش ». دریافت " در دست " با این آیات از تثنیه 6: 4 تا 9 روشن می شود:

گوش کن، اسرائیل! یهوه، خدای ما، تنها یهوه است. یهوه خدای خود را با تمام دل و با تمام جان و با تمام قوت محبت کن. و این احکامی که امروز به شما می دهد در قلب شما خواهد بود. آنها را

به فرزندان خود تلقین کنید و در خانه خود، هنگام سفر، دراز کشیدن و برخاستن از آنها صحبت کنید. آنها را به عنوان نشانه ای بر دستان خود ببندید و مانند پیشانی بین چشمان شما باشند. آنها را روی تیرهای خانه و درهای خود بنویسید. « دست » معرف عمل، تمرین و « جلو » یعنی اراده اندیشه است. در این آیه روح می گوید: « یهوه خدای خود را با تمام دل و با تمام جان و با تمام قوت خود دوست بداری ». آنچه عیسی در متی 22:37 به آن اشاره می کند و به عنوان « اولین و بزرگترین فرمان » معرفی می کند. بنابراین، مقامات منتخب دارای « مهر خدا » باید این سه معیار را داشته باشند: « خدا را با تمام وجود دوست داشته باشند ». برای احترام گذاشتن با انجام آن در بقیه روز سبت هفتمین روز مقدس آن، و نام بره عیسی مسیح و نام پدرش یهوه را در ذهن خود داشت. با مشخص کردن « و نام پدرش »، روح نیاز به اطاعت از ده فرمان خدا و احکام و احکامی را که قدوسیت برگزیدگان را در عهد قدیم ترویج می کنند، تأیید می کند. حتی در زمان خود، یوحنا رسول این چیزها را با گفتن در اول یوحنا 5: 3-4 تأیید کرد:

زیرا این است محبت خدا، حفظ اوامر او. و احکام او سخت نیست، زیرا آنچه از خدا زاده شده «
 » است بر جهان غلبه می کند. و پیروزی که بر جهان پیروز می شود ایمان ماست

آیه 10: « او نیز از شراب خشم خدا که بدون مخلوط در پیاله غضب او ریخته شده خواهد نوشید
 » و در حضور فرشتگان مقدس و بره با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد

خشم خدا کاملاً موجه خواهد بود زیرا کسانی که « نشان وحش » را دریافت می کنند در حالی که ادعای عدالت عیسی مسیح را دارند به گناه انسان احترام می گذارند. در مکاشفه 6: 15-17، روح عواقب رویارویی نهایی آنها با خشم عادل و پیرانگر عیسی مسیح را به تصویر کشید.

نکته بسیار مهم: برای درک بهتر این خشم الهی، باید بدانیم که چرا بی اعتنائی به سبت مقدس خشم خداوند را بسیار برمی انگیزد. گناهان کفرآمیز وجود دارد، اما کتاب مقدس ما را از گناهی که علیه روح القدس مرتکب شده است هشدار می دهد و به ما می گوید که دیگر هیچ قربانی برای دریافت بخشش الهی وجود ندارد. در زمان رسولان، تنها مثالی که از این نوع گناه به ما داده شد، طرد مسیح توسط یک مسیحی تبدیل شده بود. اما این فقط یک مثال است، زیرا در واقع کفرگویی به روح القدس شامل انکار و رد شهادتی است که روح خدا داده است. روح برای متقاعد کردن و تعلیم انسانها، متون مقدس کتاب مقدس را الهام کرد. بنابراین هر کس شهادتی را که روح در کتاب مقدس داده است مخالفت کند، قبلاً به روح خدا کفر گفته است. آیا خدا می تواند بهتر از هدایت کسانی که به کتاب مقدس و نوشته های آن دعوت شده اند، اراده خود را اعلام کند؟ آیا او می تواند اراده، افکار و قضاوت حاکمیت خود را واضح تر بیان کند؟ در قرن شانزدهم، این تحقیر کتاب مقدس که علیه آن جنگ به راه انداخت، پایان قطعی صبر خداوند برای دین کاتولیک رومی بود. پایان صبر او برای دکترینی که هرگز شناخت. سپس، در سال 1843، تحقیر کلام نبوی پایان پذیرفتن ایمان پروتستانی در تمام اشکال مختلف آن، وارث یکشنبه رومی، یعنی «نشان وحش» بود. و سرانجام، ادونتیسیم به نوبه خود با رد وحی نبوی نهایی که عیسی از طریق بنده حقیر خود که من تجسمش کردم، به روح القدس کفر گفت. کفرگویی که با اتحاد آنها با ناظران یکشنبه از سال 1995 تأیید و تشدید شده است. حکم عادلانه محکومیت به مرگ اول و دوم که در این آیه 10 تأیید شده است.

آیه 11: « و دود عذاب ایشان تا ابدالابد بالا می رود. و آنها که وحش و تصویر او را می
 » پرستند و علامت نام او را می گیرند، روز و شب استراحت ندارند

دود « فقط در زمان آخرین دآوری خواهد بود، ساعتی که سقوط کنندگان سرکش « در آتش و
 گوگرد » « دریاچه آتش » مکاشفه 19:20 و 20:14 «عذاب خواهند شد». این، در پایان هزاره هفتم. اما قبل از این لحظه وحشتناک، ساعت بازگشت با شکوه عیسی مسیح سرنوشت نهایی آنها را تأیید خواهد کرد. پیام این آیه به موضوع « استراحت » می پردازد. برگزیدگان نیز به نوبه خود به وقت استراحتی که خداوند مقدس آن است، توجه دارند، اما از سوی دیگر، افتادگان چنین دغدغه ای را ندارند، زیرا به اعلام های الهی آن قدر اهمیت و جدیت را که شایسته است، نمی دهند. از این رو خداوند در پاسخ به خواری آنان در ساعت عذاب نهایی به آنان آرامشی نمی دهد تا رنج آنان را کم کند.

« آیه 12: « این استقامت مقدسین است که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می دارند

کلمات " استقامت یا صبر " مشخص کننده قدیسان واقعی مسیح الهی عیسی از 1843-1844 تا بازگشت او در شکوه است. در این آیه، « نام پدر » از آیه 1 به « احکام خدا » تبدیل می شود و « نام بره

« با « ایمان عیسی » جایگزین می‌شود. ترتیب اولویت‌ها نیز تغییر می‌کند. در این آیه روح اول به « احکام خدا » و دوم « ایمان عیسی » اشاره می‌کند. که از نظر تاریخی و در سطح ارزش، دستوری است که خداوند در پروژه نجات خود تأیید کرده است. آیه 1 اولویت را به « نام بره » برای اتصال « 144000 » منتخب به ایمان مسیحی

آیه 13: « و صدایی از آسمان شنیدم که می‌گفت بنویس: خوشا به حال مردگانی که در خداوند می‌میرند. آری، روح می‌گوید، تا از تلاش خود آرام بگیرند، زیرا اعمالشان از آنها پیروی می‌کند

عبارت " از این به بعد " به دلیل اهمیت بسیار شایسته توضیح مفصل است. زیرا تاریخ بهار 1843 و پاییز 1844 را هدف قرار می‌دهد که در آن به ترتیب فرمان دانیال 8:14 اجرایی می‌شود و دو محاکمه ادونتیسیت که توسط ویلیام میلر سازماندهی شده بود به پایان می‌رسد.

با گذشت زمان، ادونتیسیت نهادی رسمی مفاهیم این عبارت " اکنون " را از دست داده است. فقط بنیانگذاران پیشگام ایمان ادونتیسیت از سال 1843 عواقب الزام خداوند در مورد سبب را درک کردند. برای اتخاذ این رویه روز هفتم، آنها متوجه شدند که یکشنبه انجام شده تا آن زمان مورد نفرین خدا بود. پس از آنها، ادونتیسیت موروثی سنتی و رسمی شد و برای اکثریت قاطع طرفداران و معلمان، یکشنبه و سبب به طور ناعادلانه در سطح برابر قرار گرفتند. این از دست دادن حس مقدس و قدوسیت واقعی منجر به بی‌علاقگی به کلام نبوی و سومین پیام ادونتیسیت شد که بین سال‌های 1983 و 1994 ارائه کردم. طایفه جهانی در سال 1995، برای بزرگترین نفرین خود. تهدید به " عذاب " در آیه 10 به نوبه خود با پیشنهاد عبارت " او نیز خواهد نوشیدند " به او مربوط می‌شود. از سال 1994، ادونتیسیت نهادی، پس از مذهب پروتستان، از سال 1843 مورد قضاوت و محکومیت قرار گرفت.

همانطور که این آیه نشان می‌دهد، فرمان دانیال 8:14 باعث جدایی مسیحیان پروتستان در سال 1843 به دو اردوگاه از جمله گروه ادونتیسیت می‌شود، که ذینفعان این سعادت اعلام می‌کنند: «خوشا به حال مردگانی که در خداوند می‌میرند ! ». ناگفته نماند که عیسی در « لائودیسه » اعلام کرد که قرار است آن را « استقراغ » کند، مؤسسه ادونتیسیت، پیام آور رسمی مسیح در سال 1991، تاریخ رد رسمی نور، به نام « برهنه » دیگر نمی‌تواند سودی داشته باشد. از این سعادت

زمان برداشت

آیه 14: « نگاه کردم، اینک ابری سفید بود، و بر ابر یکی مانند پسر انسان نشسته بود و تاجی از « طلا بر سر داشت و در دستش داس تیز بود

این توصیف عیسی مسیح را در لحظه بازگشت با شکوه او تداعی می‌کند. « ابر سفید » شرایط خروج و صعودش به بهشت را که دو هزار سال پیش از آن تجربه کرده بود را به یاد می‌آورد. « ابر سفید » نشان دهنده خلوص او است، « تاج طلایی » او نماد ایمان پیروزمندانه او است، و « داس تیز » تصویر « کلام برنده » خدا از عبرانیان 4:12 است که توسط « دست او » اجرا شده است.

آیه 15: « فرشته دیگری از معبد بیرون آمد و با صدای بلند بر او که بر ابر نشسته بود ندا کرد: « داس خود را تاب بده و درو کن. زیرا ساعت درو فرا رسیده است، زیرا محصول زمین رسیده است

در جنبه « درو »، مانند تمثیل خود، یادآوری می‌کند که در این زمان، زمان جدا کردن قطعی « گندم از کاه » فرا خواهد رسید. او از طریق مکاشفه خود، ما را به کشف این موضوع وادار می‌کند که این دو اردوگاه را از هم جدا می‌کند: سبب برگزیدگان و یکشنبه درگذشتگان، زیرا در پس این نام مذهبی ستایش و اقتدار یک الوهیت خورشیدی بت پرست پنهان است. و علیرغم تحولات زمان بشر، خداوند همچنان به او نگاه می‌کند که واقعاً برای او چیست. عقاید مختلف انسانها بر قضاوت او تأثیری ندارد. به ترتیب زمانی خود، روز اول ناپسند است، به هیچ وجه نمی‌تواند قداست الهی را به خود بگیرد. این به طور انحصاری به روز هفتم تقدیس شده در ترتیب زمانی آن که از آغاز زمان دائمی زمینی حک شده است مرتبط است. این برای مدت 6000 سال شمسی

آیه 16: « و آن که بر ابر نشست، داس خود را بر زمین افکند. و زمین برداشت شد

روح تحقق آینده " برداشت زمین " را تأیید می‌کند. مسیح نجات‌دهنده و انتقام‌گیر بر آن نظارت خواهد کرد و آن را مطابق با اعلامی که در مثل به رسولانش در متی 13:30 تا 43 بیان کرد، انجام خواهد داد. وفادار به خداوند خالق

زمان برداشت (و انتقام)

« آیه 17: » و فرشته دیگری از معبد آسمانی بیرون آمد که داس تیز نیز داشت

اگر «فرشته» قبلی مأموریتی به نفع منتخبان داشت، برعکس، این «فرشته دیگر» مأموریت تنبیهی علیه شورشیان سقوط کرده دارد. این «داس» دوم نیز نماد «کلام تیز خدا» است که با اراده او عملی شده است، اما نه با دست او، زیرا برخلاف برداشت، برای برداشت انگور، عبارت «در دست او» وجود ندارد. بنابراین، عمل تنبیهی به مأمورینی که اراده الهی را اجرا می کنند، واگذار می شود. در واقع قربانیان اغواگری های او هستند.

آیه 18: «فرشته دیگری که بر آتش مسلط بود، از مذبح بیرون آمد و با آن که داس تیز داشت به آواز بلند گفت: داس تیز خود را بکوبید و انگورهای آن را بچینید. انگور زمین؛ زیرا انگورهای زمین رسیده است.»

سپس، پس از رستاخیز برگزیدگان به بهشت، لحظه «برداشتن انگور» فرا می رسد. در تا 6، روح عملی را که هدف این اصطلاح نمادین است، توسعه می دهد. در کتاب مقدس، آب Isa.63:1 انگور قرمز با خون انسان مقایسه شده است. استفاده از آن توسط عیسی در شام مقدس مؤید این ایده است. اما «پر نعمت» با «غضب خدا» مرتبط است و مربوط به کسانی است که در کسوت بندگان او نالایق کار کردند، زیرا خونی که به طور داوطلبانه توسط مسیح ریخته شد، سزاوار خیانت های متعدد آنها نبود. زیرا عیسی می تواند احساس کند که توسط کسانی که پروژه نجات او را تحریف می کنند تا حدی که گناهی را که برای آن جان خود را فدا کرده و رنج کشیده است، تحریف می کنند تا عمل آن متوقف شود. بنابراین، متخلفان عمدی از شریعت او باید پاسخگویی او باشند. آنها در جنون کور خود تا آنجا پیش خواهند رفت که می خواهند برگزیدگان واقعی خود را بکشند تا از روی زمین، عمل روز هفتم سبت را که از سال 1843 تا 1844 توسط خداوند مقدس و مورد نیاز است، از روی زمین ریشه کن کنند. برگزیدگان از اختیار خداوند برای توسل به زور علیه دشمنان مذهبی خود برخوردار نبودند. خداوند این عمل را منحصرأ برای خود محفوظ ساخته بود. او خطاب به منتخبان خود گفت: «انتقام از آن من است، قصاص از آن من است» و زمان اجرای این انتقام فرا رسیده است.

در این فصل 14، آیات 17 تا 20 این مضمون «درو» را تداعی می کند. انگورهای گناهکار رسیده اعلام می شوند زیرا با آثار خود ماهیت واقعی خود را کاملاً نشان داده اند. وقتی پای انگورچین ها پایشان می شود، خنشان مانند آب انگور در خمره جاری می شود.

آیه 19: «و فرشته داس خود را بر زمین افکند. و انگور زمین را جمع کرد و انگور را در «شراب خوری بزرگ خشم خدا انداخت»

این اقدام با این اعلامیه که توسط این صحنه فاش شده است تأیید می شود. خداوند مجازات استکیار کاتولیک و پروتستان را با قطعیت پیشگویی می کند. آنها از عواقب خشم خدا رنج خواهند برد، که در خمره ای که انگورهای برداشت شده در آن توسط پای خردکن ها له می شود، نشان داده شده است.

آیه 20: «و شراب از شهر زیر پا گذاشته شد. و خون از خمره بیرون آمد، حتی تا افسار اسبها،» به فاصله هزار و ششصد استادیوم

عیسی 3:63 تصریح می کند: «من تنها بودم که شراب را زیر پا بگذارم. هیچ مردی با من برآورده می کند. او جام را پر از غضب Rev.16:19 نبود...» و نتیج مجازات شهر بزرگ بابل را در الهی کرده است که اکنون باید آن را تا ته آب بنوشد. «شراب را در بیرون شهر پایمال کردند» یعنی بدون حضور برگزیدگانی که قبلاً به آسمان رفته بودند. در اورشلیم، اعدام محکومان به مرگ در خارج از دیوارهای شهر مقدس انجام شد تا آن را آلوده نکنند. این مورد برای مصلوب شدن عیسی مسیح بود که از طریق این پیام، بهای پرداختن به کسانی که مرگ او را دست کم گرفتند، یادآوری می کند. زمان آن فرا رسیده است که دشمنان او نیز به نوبه خود خون خود را برای کفاره گناهان بسیار خود بریزند. «و خون از خمره به لقمه های اسبها آمد.» هدف خشم آموزگاران دینی مسیحی هستند و خداوند از آنها با تصویر «ذره ای» یاد می کند که سواران «در دهان اسبها» می گذارند تا آنها را هدایت کند. این تصویر در یعقوب 3:3 پیشنهاد شده است که موضوع آن دقیقاً عبارت است از: معلمان دینی. یعقوب در ابتدای فصل 3 تصریح می کند: «برادران من، اجازه دهید بسیاری از شما شروع به تعلیم نکنند، زیرا می دانید که ما شدیدتر قضاوت خواهیم شد.» عمل "برداشت" این هشدار عاقلانه را توجیه می کند. با مشخص کردن «تا لقمه های اسبها»، روح نشان می دهد که خمره اولاً به روحانیون کاتولیک رومی «بابل

بزرگ « مربوط می‌شود، اما به معلمان پروتستان که از سال 1843 استفاده «ویرانگر» می‌کنند، تسری پیدا می‌کند. کتاب مقدس با توجه به اتهام وارد شده توسط روح در مکاشفه 9:11. در اینجا ما کاربرد هشدار داده شده در مکاشفه 14:10 را می‌یابیم: " او نیز از شراب خشم خدا که بدون مخلوط در جام ... خشم او ریخته شده است، خواهد نوشیدند

برای پیام « بیش از هزار و ششصد استادیوم»، در تداوم پیام قبلی، مجازات به ایمان اصلاح‌شده از قرن شانزدهم^{که} عدد 1600 اشاره دارد، گسترش می‌یابد. این زمانی است که مارتین لوتر اتهامات علیه مذهب کاتولیک را در سال 1517 رسمیت بخشید. اما همچنین در قرن شانزدهم بود که آموزه‌های پروتستانی " مسیح‌های دروغین " و مسیحیان دروغین شکل گرفت که خشونت و شمشیر ممنوع شده توسط عیسی مسیح را مشروعیت بخشید. . آخرالزمان کلیدهای خود را برای تفسیر ارائه می‌دهد و این قرن شانزدهم در مکاشفه 2: 18 تا 29 تحت نام نمادین عصر " تیاتیرا " تعیین شده است. کلمه " استادیوم " نشان دهنده فعالیت مذهبی آنها، شرکت آنها در مسابقه ای است که جایزه آن تاج پیروزی است که به برنده وعده داده شده است. این تعلیم پولس در اول قرن نهم 9:24 است: « آیا نمی‌دانید کسانی که در استادیوم می‌دوند، همه می‌دوند، اما یکی جایزه می‌گیرد؟ بدو تا برنده شوی .» بنابراین جایزه مسلک آسمانی به هیچ وجه برنده نمی‌شود. وفاداری و استقامت در اطاعت تنها راه پیروزی در نبرد ایمان است. او در فی . در زمان " درو " این سخنان عیسی تأیید خواهد شد: " زیرا بسیاری خوانده شده اند، اما اندکی برگزیده شده اند (Met.22:14)".

مکاشفه 15: پایان دوره آزمایشی

قبل از اینکه « برداشت و برداشت محصول » انجام شود، لحظه وحشتناک، پایان زمان فیض فرا می رسد. جایی که انتخاب های انسانی در سنگ زمان حک شده است، بدون امکان معکوس کردن این انتخاب ها. در آن نقطه، پیشنهاد نجات در مسیح به پایان می رسد. این موضوع این فصل بسیار کوتاه 15 از آخرالزمان عیسی مسیح است. پایان زمان فیض پس از شش « شیپور » اول باب 8 و 9 و قبل از « هفت بلای آخر خدا » در فصل 16 اتفاق می افتد. ناگفته نماند که آخرین انتخاب راهی را که خداوند انجام داده است، دنبال می کند. به انسان می دهد تا انجام دهد. تحت حمایت معتبر " جانوری که از زمین بالا می رود " در مکاشفه 13:11 تا 18، دو راه آخر، یکی به شنبه یا سبت مقدس خدا، و دیگری به یکشنبه، قدرت پاپ روم منتهی می شود. هرگز انتخاب بین زندگی و خیر، مرگ و شر تا این حد روشن نبوده است. انسان از چه کسی بیشتر می ترسد؟ خدا یا انسان؟ این وضعیت داده شده است. اما این را هم می توانم بگویم: انسان چه کسی را بیشتر دوست دارد؟ خدا یا انسان؟ برگزیدگان در هر دو مورد پاسخ خواهند داد: خداوند از طریق وحی نبوی خود از جزئیات پایان پروژه خود آگاه است. در این صورت زندگی ابدی بسیار نزدیک و در دسترس آنها خواهد بود.

آیه 1: « آنگاه نشانه دیگری را در آسمان دیدم، بزرگ و شگفت انگیز: هفت فرشته که هفت بلای

این آیه « هفت بلای آخر » را ارائه می کند که ایمانداران کاذب را به دلیل انتخاب روز یکشنبه روم به آنها خواهد زد. موضوع این فصل، پایان زمان آزمایش، زمان « هفت آفت آخر خشم خدا » را می گشاید.

آیه 2: « و دیدم که مانند دریای شیشه ای آمیخته با آتش، و آنانی را که بر وحش و تصویر او و « شماره نام او غلبه کرده بودند، بر دریای شیشه ای ایستاده بودند. چنگ خدا

خداوند برای تشویق بندگان خود، برگزیدگان خود، صحنه ای را ارائه می دهد که پیروزی قریب الوقوع آنها را از طریق تصاویر مختلف گرفته شده از قسمت های دیگر نبوت تداعی می کند. « بر دریای شیشه ای آمیخته با آتش ایستاده اند »، زیرا از آزمایش ایمان گذشتند که در آن مورد آزار و اذیت (آمیخته با آتش) قرار گرفتند و پیروز شدند. " دریای شیشه ای " به پاکی مردم برگزیده اشاره دارد، همانطور که در مکاشفه 4: 1 است.

آیه 3: « و سرود موسی بنده خدا و سرود بره را سرودند و گفتند: ای خداوند خدای قادر مطلق، « اعمال تو بزرگ و شگفت انگیز است. راههای تو درست و راست است، پادشاه ملل

سرود موسی " خروج باشکوه اسرائیل از مصر، سرزمین و نماد معمولی گناه را جشن گرفت. " ورود به کنعان زمینی که 40 سال بعد دنبال شد، مقدمه ورود آخرین برگزیدگان به کنعان بهشتی بود. به نوبه خود، عیسی، « بره »، پس از اینکه جان خود را برای کفاره گناهان برگزیدگان بخشید، در جلال و قدرت آسمانی خود به آسمان صعود کرد. آخرین شاهدان وفادار عیسی، همه ادونتیست ها با ایمان و کار، به نوبه خود عروج به آسمان را تجربه می کنند که عیسی برای نجات آنها برمی گردد. برگزیدگان با تمجید از « اعمال بزرگ و تحسین برانگیز » او، خدای خالق را که ارزش های خود را در عیسی مسیح تجسم بخشید، تجلیل می کنند: « عدالت » کامل و « حقیقت » او. تداعی کلمه « حقیقت » زمینه کنش را به پایان دوران « لائودیسه » پیوند می دهد که در آن او خود را « آمین و حقیقت » معرفی می کرد. سپس ساعت " رهایی " است که پایان زمان " زن به دنیا آوردن " مکاشفه 12:2 را نشان می دهد. " کودک " به شکل خلوص شخصیت آسمانی که در عیسی مسیح و از طریق آن آشکار شده است، به جهان آورده می شود. برگزیدگان می توانند خدا را به خاطر حالت « مقادیر » او ستایش کنند، زیرا نجات و رهایی خود را مدیون این قدرت الهی هستند. عیسی مسیح پس از جمع آوری و انتخاب باز خریدگان خود از میان تمامی ملل زمینی، در واقع « پادشاه ملل » است. کسانی که با او و منتخبانش مخالفت کردند دیگر نیستند. آیه 4: « ای خداوند چه کسی نمی ترسد و نام تو را جلال نمی دهد؟ زیرا تنها شما مقدس هستید. « و همه امت ها خواهند آمد و تو را پرستش خواهند کرد، زیرا داوری های تو آشکار شده است

به بیان ساده، این بدان معناست که: چه کسی از تو، خدای خالق، خودداری می‌کند و جرأت می‌کند با امتناع از احترام به سبت روز هفتم مقدس تو، از جلال حق تو خیانت کند؟ زیرا تنها تو مقدس هستی و تنها روز هفتم خود و کسانی را که آن را به آنها بخشیدی به نشانه تأیید و تعلق آنها به قدوسیت تقدیس کردی. در واقع، روح با برانگیختن « ترس او » به پیام نخستین « فرشته » مکاشفه 7:14 اشاره می‌کند: « از خدا بترسید و او را جلال دهید زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. و او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید. » در برنامه خدا، ملت های سرکش نابود شده برای هدفی دوگانه زنده خواهند شد: تواضع خود در برابر خدا و جلال دادن به او، و رنج کشیدن آخرین مجازات عادلانه او که آنها را به طور قطعی نابود خواهد کرد، در "دریاچه آتش". گوگرد « آخرین داوری که در پیام « فرشته سوم » مکاشفه 10:14 اعلام شد. قبل از انجام این امور، برگزیدگان باید دوره قضاوت الهی را بگذرانند که با عمل " هفت بلا " اعلام شده در آیه اول آشکار می شود.

» آیه 5: « پس از این نگرینم و معبد خیمه شهادت در آسمان گشوده شد

این باز شدن « معبد » آسمانی نشان دهنده توقف شفاعت عیسی مسیح است، زیرا زمان ندای نجات در حال پایان است. « شهادت » اشاره به ده فرمان خداوند است که در تابوت مقدس قرار داده شده است. بنابراین، از این لحظه به بعد، جدایی بین برگزیده و گمشده قطعی است. بر روی زمین، شورشیان به تازگی تصمیم گرفته اند، با یک فرمان قانونی، تعهد به احترام به استراحت هفتگی روز اول را که به طور متوالی و متوالی توسط امپراتوران روم، کنستانتین اول، و ژوستینیانوس اول به طور متوالی توسط امپراتوران روم، کنستانتین اول، و ژوستینیانوس یکم تأیید شده بود، رعایت کنند. اولین پاپ، رئیس موقت ایمان جهانی مسیحی، یعنی کاتولیک، در سال 538. آخرین حکم مرگ در مکاشفه 15:13 تا 17 پیشگویی شد و تحت عمل غالب مذهب پروتستان آمریکایی قرار گرفت که توسط ایمان کاتولیک اروپایی حمایت می شد.

آیه 6: « و هفت فرشته که هفت بلا را داشتند، در حالی که کتان خالص و درخشان پوشیده بودند
» و کمربندهای طلایی بر سینه‌های خود داشتند، از معبد بیرون آمدند

در نمادگرایی پیشگویی، « هفت فرشته » نشان دهنده عیسی مسیح به تنهایی یا « هفت فرشته » وفادار به اردوگاه او مشابه او هستند. « کتانی زیبا، خالص و درخشان » اعمال عادلانه قدیسان « را در مکاشفه 8:19 به تصویر می‌کشد. " کمر بند طلایی دور سینه "، بنابراین در اوج قلب، عشق به حقیقت را که قبلاً در تصویر مسیح ارائه شده در مکاشفه 13:1 ذکر شده است، تداعی می کند. خدای حقیقت برای مجازات اردوگاه دروغ آماده می شود. با این یادآوری، روح « مصیبت بزرگ » را پیشنهاد می‌کند که صورت آن در مقایسه با « خورشید که با قدرتش می‌درخشد » با چهره‌اش آشکار شد. ساعت رویارویی نهایی عیسی مسیح و شورشیان بت پرست خورشید فرا رسیده است.

آیه 7: « و یکی از چهار موجود زنده به هفت فرشته هفت کاسه طلای پر از خشم خدایی که تا
» ابدالابد زنده است داد

عیسی خود الگوی تصویر شده توسط " چهار موجود زنده " از کشیش 4 بود. او همچنین خدای که تا ابد زنده است « است که « خشمگین » شده است. بدین ترتیب، الوهیت او همه نقش ها را به او نسبت می دهد: خالق، نجات دهنده، شفیع، و دائماً قاضی، سپس با پایان دادن به شفاعت خود، او خدای عادل می شود که مخالفان سرکش خود را مورد ضرب و شتم قرار می دهد و مجازات می کند، زیرا آنها " حقوق " را برآورده کرده اند. جام " خشم " صالح او. اکنون « جام » پر است و این خشم به « هفت عذاب آخر » تبدیل می‌شود که دیگر رحمت الهی در آن جای نخواهد داشت.

آیه 8: « و معبد به سبب جلال خدا و قدرت او پر از دود شد. و هیچ کس نمی توانست وارد معبد
» بشود تا زمانی که هفت بلای هفت فرشته برآورده شود

برای نشان دادن این موضوع توقف فیض، روح در این آیه تصویری از " معبدی پر از دود به دلیل " حضور ارائه می دهد. « خداوند » و تصریح می‌کند: « و هیچ کس نمی‌توانست داخل معبد شود تا هفت بلای هفت فرشته برآورده شود. » بنابراین خداوند به برگزیدگان خود هشدار می دهد که در زمان « هفت بلای آخر » خشم او بر روی زمین خواهند ماند. آخرین برگزیدگان تجربه عبرانیان را در زمان « ده طاعون » که مصر سرکش را درنوردید، دوباره زنده خواهند کرد. بلاها برای آنها نیست، بلکه برای شورشیان، هدف خشم الهی است. اما قریب الوقوع بودن ورود آنها به " معبد " به این ترتیب تأیید می شود، این امکان داده خواهد شد، از پایان " هفت بلای آخر

مکاشفه 16: هفت بلای آخر

از خشم خدا

فصل 16 ریزش این « هفت بلای آخر » را ارائه می‌کند که از طریق آن « غضب خدا » ابراز می‌شود.

مطالعه کل فصل مؤید این مطلب خواهد بود، اما باید توجه داشت که اهداف « غضب خدا » مشابه کسانی خواهد بود که مجازات شش « شیپور » اول به آنها زده شد. از این رو روح آشکار می‌کند که مجازات « هفت آفت آخر » و مجازات « هفت شیپور » همان گناه را مجازات می‌کند: تخطی از استراحت تعطیلات روز هفتم. تقدیس شده « توسط خداوند از ابتدای جهان

من اینجا با تاخیر یک پرائتز باز می‌کنم. به تفاوتی که مشخصه « شیپور » و « آفت یا بلا » الهی است توجه کنید. « شیپور ها » همگی قتل‌هایی هستند که توسط انسان‌ها انجام می‌شوند اما به دستور خدا انجام می‌شوند، پنجمین موجودی که ماهیتی روحانی دارد. « آفت‌ها » اعمال ناخوشایندی هستند که مستقیماً توسط خداوند از طریق ابزار طبیعی خلقت زنده‌اش تحمیل می‌شوند. مکاشفه 16 « هفت بلای آخر » را به ما نشان می‌دهد که به طور نامحسوس به ما نشان می‌دهد که قبل از آنها « آفت‌های » دیگری که انسان‌ها قبل از پایان زمان فیض متحمل شده‌اند، وجود داشته است که از نظر روحی به دو بخش « در اولی، این غایت مربوط به زمان ملل و Dan.11:40 به نقل از " of the end. زمان » تقسیم می‌شود در دومی، مربوط به زمان حکومت جهانی جهانی است که تحت نظارت و ابتکار ایالات متحده آمریکا تشکیل شده است. در این به روز رسانی که در روز شنبه 18 دسامبر 2021 انجام شد، می‌توانم این توضیح را تأیید کنم، زیرا از ابتدای سال 2020، همه بشریت به دلیل یک ویروس مسری، کووید-کرونا، در معرض نابودی اقتصادی قرار گرفته است. 19، اولین بار ظاهر شد. در چین. در بستر مبادلات جهانی و دانش، با تقویت ذهنی تأثیرات واقعی آن، رهبران مردم در وحشت، توسعه و رشد مداوم کل اقتصاد اروپای غربی و آمریکا را متوقف کردند. غرب که فکر می‌کرد روزی بر مرگ غلبه خواهد کرد، ناعادلانه به عنوان یک بیماری همه گیر در نظر گرفته می‌شود، ناامید و پریشان است. بی خداها در وحشت، جسم و روح خود را به دین جدیدی که جایگزین آن می‌شود تسلیم کرده اند: علم پزشکی قدرتمند. و کشور کلاهبرداران، ثروتمندترین کشورهای روی زمین، از این فرصت استفاده کرد و مردان را اسیر و بردگان تشخیص‌ها، واکسن‌ها، درمان‌ها و تصمیمات شرکتی خود کرد. در همان زمان، دستورالعمل‌هایی را در فرانسه می‌شنویم که حداقل می‌گویم متناقض است، که خلاصه آن‌ها را این‌طور خلاصه می‌کنم: «توصیه می‌شود آپارتمان‌ها را تهویه کنید و ساعت‌ها از ماسک محافظ استفاده کنید، که در پشت آن فرد پوشنده خفه می‌شود». "عقل سلیم" رهبران جوان فرانسه و سایر کشورهای مقلد را برجسته کنید. ما با علاقه متذکر می‌شویم که کشوری که این رفتار مخرب را هدایت می‌کند ابتدا اسرائیل بود. اولین کشور مورد لعنت خدا در تاریخ دینی. پوشیدن ماسک که در ابتدا در دسترس نبود ممنوع شد، سپس برای محافظت در برابر بیماری‌هایی که بر سیستم تنفسی تأثیر می‌گذارد، اجباری شد. لعنت خدا ثمرات غیرمنتظره اما مخرب بسیار مؤثری دارد. من متقاعد شده‌ام که بین سال 2021 و شروع « ششمین شیپور »، جنگ جهانی سوم، « آفت‌های خدا » دیگری به بشریت گناهکار در نقاط مختلف زمین و به‌ویژه در غرب ضربه خواهد زد. "طاعون" مانند " قحطی " و سایر بیماری‌های همه گیر جهانی واقعی که قبلاً به عنوان طاعون و وبا شناخته می‌شوند. خداوند این نوع مجازات را در حزّا 14:21 ادعا می‌کند: «بله، خداوند، یهوه چنین می‌گوید: اگر چه چهار مجازات وحشتناک خود، شمشیر، قحطی، حیوانات وحشی و طاعون را بر اورشلیم می‌فرستم تا انسان‌ها را نابود کنم و جانوران. توجه داشته باشید که این لیست کامل نیست، زیرا در دوران مدرن، مجازات‌های الهی به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد: سرطان، ایدز، چیکونگونیا، آلزایمر... و غیره... من همچنین به ظاهر ترس ناشی از گرم شدن کره زمین اشاره می‌کنم. توده‌های بشریت از فکر ذوب شدن یخ‌ها و سیل‌هایی که می‌تواند منجر شود، ترسیده و وحشت زده می‌شوند. باز هم ثمره ای از نفرین الهی که بر ذهن انسان‌ها ضربه می‌زند و دیوارهای

جدایی و نفرت می سازد. من این پرانتز را می بندم تا مطالعه را در این زمینه پس از پایان فیض که مشخصه « هفت آفت آخر خشم خدا » است، از سر بگیرم.

دلیل دیگر انتخاب اهداف را توجیه می کند. " هفت بلای آخر " نابودی خلقت را در پایان جهان انجام می دهد. برای خداوند خالق، زمان نابودی کار او فرا رسیده است. بنابراین او روند خلقت را دنبال می کند، اما به جای ایجاد، تخریب می کند. با « هفتمین آفت آخر »، زندگی انسان بر روی زمین خاموش می شود و آن را پشت سر می گذارد، زمین بار دیگر در حالت آشفته به « پرتگاه » تبدیل می شود و تنها ساکن آن، شیطان، عامل گناه است. سرزمین متروک به مدت « هزار سال » زندان او خواهد بود تا آخرین داوری که در آنجا او و سایر شورشیان طبق مکاشفه 20 نابود خواهند شد.

آیه 1: « و صدای بلندی از معبد شنیدم که به هفت فرشته گفت: بروید و هفت کاسه خشم خدا را بر زمین بریزید »

این " صدای بلندی که از معبد می آید " صدای خدای خالق است که از مشروع ترین حق خود ناامید شده است. به عنوان خدای خالق، اقتدار او دارای شخصیتی عالی است و این نه عادلانه است و نه عادلانه است که میل او به پرستش و جلال را با مشاهده روز استراحتی که برای این منظور « تقدیس » کرده است، به چالش بکشیم. خداوند در حکمت عظیم و الهی خود تضمین کرده است که هرکس حق و اختیار او را به چالش بکشد، پیش از آنکه در « مرگ دوم » تاوان خشم خود را در برابر خداوند متعال جبران کند، مهمترین اسرار او را نادیده بگیرد.

آیه 2: « اولین رفت و کاسه خود را بر زمین ریخت. و زخمی بدخیم و دردناک به مردانی که نشان وحش را داشتند و تصویر او را می پرستیدند زد »

به عنوان قدرت مسلط و اقتدار رهبری آخرین شورش، هدف اولویت در این زمینه « زمین » نماد ایمان سقوط کرده پروتستان است.

اولین آفت « زخم بدخیم » است که باعث رنج جسمی بدن شورشیان می شود که اطاعت از روز استراحت تحمیل شده توسط مردان را انتخاب کرده اند. هدف، کاتولیک ها و پروتستان های بازماندگان « جنگ هسته ای هستند که با این انتخاب روز اول، بکشیه روم، » نشان جانور

آیه 3: « دوم کاسه خود را در دریا ریخت و خون مرده شد. و هر موجود زنده ای مرد، هر آنچه در دریا بود »

دوم « به « دریا » ضربه می زند که آن را به « خون » تبدیل می کند، همانطور که برای نیل « مصری در زمان موسی انجام داد. " دریا "، نماد کاتولیک رومی، که دریای مدیترانه را هدف قرار می دهد. در آن لحظه خداوند تمام جانوران را در « دریا » از بین می برد. روند خلقت را معکوس می کند، در نهایت، « زمین » بار دیگر « بی شکل و خالی » می شود. به حالت " پرتگاه " اولیه خود باز خواهد گشت.

« آیه 4: « سوم کاسه خود را در رودخانه ها و چشمه های آب ریخت. و خون شدند »

سوم « به « آب شیرین » « رودها و چشمه ها » می خورد که ناگهان به « خون » تبدیل می شود. آب بیشتر برای رفع تشنگی مجازات سخت و سزاوار است زیرا آنها برای ریختن "خون" برگزیدگان آماده می شدند. این مجازات اولین مجازاتی بود که خداوند از طریق عصای موسی بر مصریان، «خون خواران» عبرانیان که در بردگی سختی که در آن بسیاری از مردم جان باختند، مانند حیوانات رفتار می کردند، اعمال کرد.

آیه 5: « و شنیدم که فرشته آنها می گفت: عادل هستی، تو که هستی و که بودی. شما مقدس » هستند، زیرا این قضاوت را به کار گرفته اید »

قبلاً توجه کنید، در این آیه، اصطلاحات « عادل » و « مقدس » که ترجمه صحیح من از متن فرمان دان 8:14 را تأیید می کند: « ساعت 2300 صبح و قدوسیت توجیه خواهد شد ». " قدوسیت " شامل همه چیزهایی است که خدا مقدس می داند. در این زمینه نهایی، حمله به سبت « مقدس » او به درستی مستحق قضاوت خداوند است که « آب » را به « خون » تبدیل می کند. واژه آب به طور نمادین و هر Rev.8:11 مضاعف به توده های بشری و تعالیم دینی اشاره دارد. منحرف شده توسط پاپ روم، در دو به " افسنطین " تغییر یافتند. فرشته با گفتن « تو عادل هستی... زیرا این قضاوت را به کار بردی »، میزان مورد نیاز عدالت کامل واقعی را که فقط خدا می تواند انجام دهد، توجیه می کند. روح با ظرافت و

بسیار دقیق، شکل « و که می آید » را از نام خدا ناپدید می کند، زیرا او آمده است. و ظهور او هدیه ای همیشگی برای او و رستگارش می گشاید، بدون فراموشی، جهانیانی که پاک ماندند و فرشتگان مقدسی که به او وفادار ماندند.

آیه 6: « زیرا آنها خون اولیاء و انبیا را ریختند و تو به آنها خون دادی تا بنوشند، آنها شایسته هستند.»

شورشیان که آماده کشتن برگزیدگانی هستند که نجات خود را فقط مدیون دخالت عیسی هستند، خداوند جنایاتی را که قرار بود مرتکب شوند به آنها نسبت می دهد. به همین دلایل، با آنها مانند مصریان خروج رفتار می شود. این دومین بار است که خداوند می فرماید: « آنها شایسته هستند.» در این مرحله نهایی، ما به عنوان متجاوز برگزیدگان ادونتیست، پیام آور ساردیس را می یابیم که عیسی به او گفته بود: « تصور می کنند که زنده ای و مرده ای.» اما در عین حال در مورد مقامات منتخب 1843-1844 گفت: « آنها با من با لباس سفید قدم خواهند زد زیرا شایسته هستند.» بنابراین، هر فردی بر اساس اعمال ایمانش، کرامتی دارد: « لباس سفید » برای برگزیدگان مؤمن، « خون » برای نوشیدن برای شورشیان افتاده و بی وفا.

آیه 7: « و از مذبح فرشته دیگری شنیدم که می گفت: آری، خداوند، خدای قادر مطلق، احکام تو راست و عادل است.»

این صدایی که از "مذبح"، نماد صلیب می آید، صدای مسیح مصلوب شده است که دلیل خاصی برای تایید این داوری دارد. زیرا کسانی را که او در این لحظه مجازات می کند، جرأت یافتند که نجات خود را ادعا کنند، در حالی که گناهی فجیع را با ترجیح دادن به اطاعت از فرمان مرد توجیه کردند. این علیرغم هشدارهای کتاب مقدس: در عیسی ۱۳:۲۹ « خداوند گفت: وقتی این قوم به من نزدیک می شوند، مرا با دهان و لبهای خود گرمی می دارند. اما دل او از من دور است و ترسی که از من دارد فقط یک دستور سنت بشری است. متی 15:19: « بپهوده مرا گرمی می دارند و احکامی را که احکام مردم است.» تعلیم می دهند.

آیه 8: « چهارم شیشه خود را بر خورشید ریخت. و به او داده شد تا مردم را با آتش بسوزاند چهارم " روی خورشید " عمل می کند و آن را بیش از حد معمول گرم می کند. گوشت شورشیان با این گرمای شدید " سوخته " می شود. پس از مجازات تخطی از « قدوسیت»، اکنون خداوند بت پرستی «روز خورشید» را که از کنستانتین اول به ارت رسیده مجازات خواهد کرد. " خورشید " که بسیاری بدون اینکه بدانند به آن احترام می گذارند در حال حاضر شروع به " سوختن " پوست شورشیان می کند. است. لحظه Rev.1 خداوند بت را بر بت پرستان قرار می دهد. این اوج " فاجعه بزرگ " اعلام شده در ای که فرمان دهنده به خورشید از آن برای تنبیه نمازگزارانش استفاده می کند.

آیه 9: « مردم در گرمای شدید سوختند و به نام خدایی که بر این بلاها مسلط است کفر گفتند و توبه نکردند تا او را جلال دهند.»

طغیانگران در حد سختی که به آن رسیده اند، از تقصیر خود توبه نمی کنند و خود را در پیشگاه خداوند ذلیل نمی کنند، بلکه با « کفر کردن » به نام او به او اهانت می کنند. این قبلاً در طبیعت آنها یک رفتار عادی بود که در بین مؤمنان سطحی دیده می شود. آنها به دنبال شناخت حقیقت او نیستند و سکوت تحقیرآمیز او را به نفع خود تفسیر می کنند. و هنگامی که مشکلات پیش می آید، « نام » او را نفرین می کنند. ناتوانی در " توبه " زمینه " بازماندگان " ششمین شیپور " مکاشفه 20:9-21 را تایید می کند. کافران طغیانگر افرادی هستند، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، که به خدای خالق متعال ایمان ندارند. چشمانشان برایشان تله مرگ بود.

آیه 10: « پنجم شیشه خود را بر تخت وحش ریخت. و پادشاهی او را تاریکی پوشانده بود. و مردان از درد زبان خود را گاز می گیرند.»

پنجم « به عنوان هدف خاص خود، « تخت وحش » یعنی منطقه رم که واتیکان در آن قرار دارد، یک ایالت مذهبی کوچک از پاپری که کلیسای سنت پیتر در آن قرار دارد، به عنوان هدف خاص خود در نظر گرفته است. با این حال، همانطور که دیدیم، « تخت » واقعی پاپ در روم باستان، در کوه

کالیوس در کلیسای مادر همه کلیساهای جهان، کلیسای سنت جان لاتران، قرار دارد. خداوند او را در « تاریکی » جوهری فرو می‌برد که هر بینایی را در موقعیت یک مرد نابینا قرار می‌دهد. تأثیر وحشتناکی در دناک است، اما برای این نقطه شروع دروغ مذهبی ارائه شده تحت عنوان نور خدای یگانه و به نام عیسی مسیح، کاملاً سزاوار و موجه است. « توبه » دیگر ممکن نیست، اما خداوند بر سخت شدن ذهن اهداف زنده خود تأکید دارد.

آیه 11: « و به خاطر دردها و کورکهای خود به خدای آسمان کفر گفتند و از کارهای خود توبه نکردند »

این آیه به ما این امکان را می‌دهد که بفهمیم بلاها اضافه می‌شوند و متوقف نمی‌شوند. اما روح با اصرار بر عدم وجود « توبه » و تداوم « کفرها » به ما این درک را می‌دهد که خشم و شرارت شورشیان فقط افزایش می‌یابد. این هدفی است که خداوند به دنبال آن است که آنها را به حد نهایی می‌رساند، به طوری که حکم به مرگ برگزیدگان می‌دهد.

آیه 12: « ششم کاسه خود را بر رود بزرگ فرات ریخت. و آب آن خشک شد تا راه پادشاهانی که از مشرق می‌آیند آماده شود »

ششم « اروپا را هدف قرار می‌دهد که با نام نمادین « رود فرات » مشخص شده است، که « بدین ترتیب، در پرتو تصویر مکاشفه 1: 17-15، مردمانی را که « بابل بزرگ فاحشه »، پاپ کاتولیک را می‌پرستند، نشان می‌دهد. رم « خشک شدن آب آن » می‌تواند حاکی از نابودی جمعیت آن باشد، که در واقع قریب‌الوقوع است، اما هنوز برای این امر زود است. در واقع، این یک یادآوری تاریخی است، زیرا از طریق خشک شدن نسبی «رود فرات» بود که داریوش پادشاه مادها « بابل » کلدانی را تصرف کرد. بنابراین پیام روح، اعلام شکست کامل قریب‌الوقوع « بابل » کاتولیک رومی است که هنوز حامیان و مدافعان خود را حفظ کرده است، اما برای مدت کوتاهی. « بابل بزرگ » این بار واقعاً « سقوط خواهد کرد » که توسط خدای قادر متعال عیسی مسیح شکست خورده است.

مشورت سه روح نجس

آیه 13: « و دیدم که از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی دروغین سه روح ناپاک « مانند قورباغه بیرون می‌آیند »

آیات 13 تا 16 آماده سازی برای « نبرد آرماگدون » را نشان می‌دهد که نمادی از تصمیم برای کشتن نگهبانان سرکش سبت است که به طور سازش ناپذیر به خدای خالق وفادار هستند. در اصل، از طریق معنویت گرایبی، شیطان، شبیه سازی شخصیت عیسی مسیح، ظاهر شد تا شورشیان را متقاعد کند که انتخاب یکشنبه آنها موجه است. بنابراین او آنها را تشویق می‌کند تا جان مبارزان وفادار مقاومت را که روز سبت را گرامی می‌دارند، بگیرند. بنابراین، سه گانه شیطانی، شیطان، ایمان کاتولیک و ایمان پروتستان، یعنی « اژدها، جانور و پیامبر دروغین » را در یک مبارزه گرد هم می‌آورد. در اینجا " نبرد " ذکر شده در مکاشفه 9: 7-9 انجام می‌شود. ذکر « دهان » مبادلات شفاهی رایزنی‌ها را تأیید می‌کند که منجر به صدور حکم به قتل منتخبان واقعی می‌شود. چیزی را که نادیده می‌گیرند یا کاملاً به چالش می‌کشند. « قورباغه ها » بدون شک از نظر خدا حیواناتی هستند که به عنوان حیوانات نجس طبقه بندی می‌شوند، اما روح در این پیام به جهش های بزرگی اشاره می‌کند که این حیوان قادر به انجام آن است. بین "جانور" اروپایی و "پیامبر دروغین" آمریکایی، اقیانوس اطلس گسترده ای وجود دارد و ملاقات این دو شامل جهش های بزرگ است. در میان انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها، فرانسوی‌ها به عنوان «قورباغه‌ها» و «قورباغه‌خواران» کاریکاتور می‌شوند. نجس یک تخصص فرانسوی است که ارزش های اخلاقی آن به مرور زمان از بین رفته است، از زمان انقلاب آن در سال 1789، جایی که آزادی را بالاتر از هر چیز دیگری قرار داد. روح ناپاکی که این سه نفر را زنده می‌کند روح آزادی است که «نه خدا و نه استاد» را می‌خواهد. همگی در برابر اراده و اختیار خداوند مقاومت کرده اند و به همین دلیل در این موضوع متحد هستند. آنها دور هم جمع می‌شوند زیرا شبیه به هم هستند.

آیه 14: " زیرا آنها ارواح شیاطین هستند که معجزات می‌کنند و نزد پادشاهان تمام زمین می‌کنند. « آیند تا آنها را برای جنگ روز بزرگ خدای قادر مطلق جمع کنند »

ارواح شیاطین با موفقیت زیادی در انگلستان و ایالات متحده، Dan.8:14 از زمان نفرین فرمان آمریکا ظاهر شدند. معنویت گرایی در آن زمان مد بود و مردان به این نوع رابطه با ارواح نامرئی، اما فعال عادت کردند. در ایمان پروتستان، بسیاری از گروه‌های مذهبی با شیاطین رابطه دارند و معتقدند با عیسی و فرشتگان او رابطه دارند. شیاطین برای فریب مسیحیان طرد شده از سوی خدا بسیار آسان هستند، و همچنان می‌توانند به راحتی آنها را متقاعد کنند که برای کشتن مسیحیان و یهودیانی که روز سبت را برگزار می‌کنند، تا آخرین نفر، گرد هم جمع شوند. این اقدام افراطی که هر دو گروه را به مرگ تهدید می‌کند، آنها را در برکت عیسی مسیح متحد می‌کند. از نظر خداوند، این اجتماع برای گرد هم آوردن شورشیان «برای نبرد روز بزرگ خدای متعال» است. هدف از این گردهمایی این است که شورشیان قصد کشتن داشته باشند که آنها را لایق مرگ به دست کسانی کند که فریفته و فریب دروغ‌های مذهبی آنها شده‌اند. دلیل اصلی نبرد درگیر، دقیقاً انتخاب روز استراحت بود و روح به طور ظریفی اشاره می‌کند که روزهای پیشنهادی برابر نیستند. زیرا آنچه مربوط به سبت مقدس است، مطابق ماهیت آن چیزی کمتر از «روز بزرگ خدای متعال» نیست. روزها برابر نیستند و نیروهای مخالف هم نیستند. همانطور که او شیطان و شیاطین خود را از بهشت بیرون کرد، عیسی مسیح با قدرت "مایکل" پیروزی خود را بر دشمنان خود تحمیل خواهد کرد.

آیه 15: «اینک من به عنوان یک دزد آمده‌ام. خوشا به حال کسی که مراقب باشد و لباس خود را بپوشد تا برهنه راه نرود و شرمندگی او دیده نشود!»

اردوگاهی که با ناظران سبت الهی می‌جنگد، اردوگاه مسیحیان دروغین بی‌وفا است، از جمله مسیحیان پروتستانی که عیسی در مکاشفه 3:3 به آنها گفت: «پس به یاد بیاور که چگونه پذیرفتی و شنیدی، و مراقب باش و توبه کن. اگر مراقب نباشی، مثل دزد می‌آیم و نمی‌دانی چه ساعتی بر تو خواهم آمد.» در مقابل، روح به برگزیدگان ادونتیست که از نور کامل نبوی آن در عصر پایانی «لائودیه» بهره می‌برند، اعلام می‌کند: «خوشا به حال کسی که نگاه می‌کند و لباس‌های خود را نگاه می‌دارد» و با اشاره به نهاد ادونتیست که از سال 1994 استقراغ کرده است، همچنین می‌فرماید: «تا برهنه راه نرود و ننگ او را نبینیم!» او اعلام کرد و "برهنه" را شد، در بازگشت مسیح، طبق 2 قرن‌تایان 5: 2-3 در اردوگاه شرم و طرد خواهد بود: "پس ما در این خیمه ناله می‌کنیم و می‌خواهیم لباس آسمانی خود را بپوشیم. خانه، اگر حداقل ما را با لباس و نه برهنه پیدا کنند»

آیه 16: «آنها را در محلی که به عبری هارماگدون نامیده می‌شود جمع کردند»

تجمع» مورد بحث به موقعیت جغرافیایی مربوط نمی‌شود، زیرا یک «تجمع» معنوی است که در پروژه فانی خود اردوگاه دشمنان خدا را گرد هم می‌آورد. به علاوه کلمه حر به معنای کوه است و معلوم می‌شود که در اسرائیل واقعاً دره ای از مجدو وجود دارد اما کوهی به این نام وجود ندارد. نام "آرماگدون" به معنای "کوه گرانبها" است، نامی که برای عیسی مسیح، مجمع او، برگزیده او که همه برگزیدگان او را گرد هم می‌آورد، مشخص می‌کند. و آیه 14 تقریباً به روشنی به ما آشکار کرده است که نبرد «هرمجدون» در مورد چیست. برای شورشیان، هدف سبت الهی و ناظران آن است. اما هدف خداوند، دشمنان برگزیدگان با ایمان او هستند.

این «کوه گرانبها» در همان زمان «کوه سینا» را نشان می‌دهد که خدا از آنجا برای اولین بار پس از خروج از مصر شریعت خود را به اسرائیل اعلام کرد. زیرا هدف شورشیان هم سبت روز هفتم است که با فرمان چهارم آن مقدس شده است و هم ناظران وفادار آن. از نظر خداوند، شخصیت «گرانبها» این «کوه» قابل بحث نیست، زیرا در تمام تاریخ بشریت مشابهی ندارد. برای محافظت از آن در برابر بت پرستی انسانی، خداوند به انسان اجازه داد که مکان واقعی آن را نادیده بگیرند. گفته می‌شود که به دروغ در جنوب شبه جزیره مصر به‌طور سنتی در شمال شرقی «میدیان» قرار دارد، جایی که «یترو» پدر «صفوره» همسر موسی در آن زندگی می‌کرد. شمال عربستان سعودی امروزی ساکنان آن کوه واقعی سینا را "اللو" به معنای "قانون" می‌نامند. نام موجهی که به نفع روایت کتاب مقدس نوشته شده توسط موسی شهادت می‌دهد. اما در این «مکان» جغرافیایی نیست که شورشیان با مسیح برنده با شکوه و الهی روبرو خواهند شد. زیرا این کلمه "مکان" گمراه کننده است و در حقیقت جنبه جهانی به خود می‌گیرد، زیرا برگزیدگان در این زمان هنوز در سراسر زمین پراکنده هستند. برگزیدگان زنده و کسانی که رستخیز می‌شوند توسط فرشتگان خوب عیسی مسیح "جمع آوری" خواهند شد تا به عیسی بر روی ابرهای آسمان بپیوندند.

آیه 17: « هفتم شیشه خود را در هوا ریخت. و صدای بلندی از معبد بیرون آمد که می گفت: « /تمام شد

تحت علامت « هفتمین طاعون که به هوا ریخته شد»، قبل از اینکه شورشیان نقشه جنایتکارانه خود را اجرا کنند، عیسی مسیح واقعی، در شکوه آسمانی بی نظیر، با همراهی بی شمار فرشتگان، قدرتمند و باشکوه ظاهر می شود. ما لحظه " هفتمین شیپور " را می یابیم که طبق مکاشفه 11:15، عیسی مسیح، خدای قادر مطلق، پادشاهی جهان را از شیطان می گیرد. در افس. 2:2، پولس از شیطان به عنوان « شاهزاده قدرت هوا » یاد می کند. " هوا " عنصر مشترک تمام بشریت زمینی است که تا بازگشت در جلال عیسی مسیح بر آن مسلط است. لحظه ظهور شکوهمند او زمانی است که قدرت الهی او این سلطه و قدرت بر انسان را از دست شیطان می گیرد و به آن پایان می دهد.

صبر خدا را درک کن که 6000 سال منتظر لحظه ای بود که بگوید: « تمام شد! » و سپس ارزشی را که او برای «روز هفتم مقدس» قائل است را درک کنید که فرا رسیدن این لحظه را پیشگویی می کند که آزادی باقی مانده برای مخلوقات بی وفا و متوقف خواهد شد. موجودات سرکش دیگر او را ناامید نمی کنند، او را عصبانی می کنند، او را تحقیر می کنند و او را بی حرمتی می کنند زیرا نابود روح این آمدن باشکوه را که به « میکائیل »، نام فرشته آسمانی عیسی مسیح Dan.12:1 خواهند شد. در نسبت می دهد، پیشگویی کرد: « در آن زمان میکائیل، رهبر بزرگ، مدافع فرزندان قوم تو، قیام خواهد کرد. و روزگار سختی خواهد بود که از زمان وجود ملل تا آن زمان وجود نداشته است. در آن زمان، کسانی از قوم تو که در کتاب نوشته شده اند، نجات خواهند یافت. خدا درک پروژه نجات خود را تسهیل نمی کند زیرا کتاب مقدس نام «عیسی» را برای تعیین مسیح ذکر نمی کند و به او نام های نمادین می دهد بنابراین خداوند خود « : 14 : Isa.7 که الوهیت پنهان او را آشکار می کند: «امانوئل» (خدا با ما) علامتی به شما خواهد داد، اینک دختر بچه دار شده و پسری به دنیا خواهد آورد و نام او را امانوئل خواهد گذاشت. « پدر ابدی » در اشعاع. او شگفت انگیز، مشاور، خدای توانا، پدر جاودان، شاهزاده صلح نامیده خواهد شد.

آیه 18: « و رعد و برق و صداها و رعد و برق و زمین لرزه ای بزرگ بود که از زمانی که « انسان بر روی زمین بود هرگز چنین لرزشی وجود نداشت

تجدید شده است. Rev.8:5 را می یابیم که در Rev.4:5 در اینجا عبارت از آیه مرجع کلیدی خدا از نامرئی خود بیرون آمده است، مؤمنان و کافران بی وفا، اما همچنین، ادونتیست های وفادار منتخب، می توانند خدای خالق عیسی مسیح را در جلال بازگشتش ببینند. مکاشفه 6 و 7 رفتارهای متضاد دو اردوگاه را در این زمینه وحشتناک و باشکوه برای ما آشکار ساخت.

و با تجربه یک زلزله قوی، آنها با وحشت شاهد اولین رستاخیز که برای برگزیدگان مسیح در نظر گرفته شده است، مطابق با مکاشفه 20:5، و رستاخیز آنها به آسمان جایی که به عیسی می پیوندند، هستند. آنچه در اول تسالونیکی 4: 15-17 پیشگویی شده بود، اتفاق می افتد: « این چیزی است که طبق کلام خداوند به شما اعلام می کنیم: ما که زنده هستیم و برای آمدن خداوند می مانیم، نخواهیم رفت. جلوتر از کسانی که مرده اند زیرا خداوند خود با فرمان، با صدای فرشته و با شیپور خدا از آسمان فرود خواهد آمد، و مردگان در مسیح ابتدا برخیزند. سپس ما که زنده هستیم و باقی می مانیم با آنها در ابرها گرفته می شویم تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم، و بنابراین همیشه با خداوند خواهیم بود. « من از این آیه برای برجسته کردن مفهوم رسولی از وضعیت " مرده " استفاده می کنم: " ما زنده ها، برای آمدن خداوند باقی نمی مانیم، پیش نخواهیم رفت. کسانی که مردند. « پولس و معاصرانش مانند مسیحیان دروغین امروزی فکر نمی کردند که برگزیدگان « مرده » در حضور مسیح هستند، زیرا تأمل او نشان می دهد که برعکس، همه فکر می کردند که برگزیدگان « زنده » قبل از « مرده » وارد بهشت خواهند شد.

آیه 19: « و شهر بزرگ به سه قسمت تقسیم شد و شهرهای اقوام سقوط کرد و خدا بابل بزرگ « را به یاد آورد تا جام شراب خشم شدید خود را به او بدهد

سه قسمت « مربوط به « اژدها، وحش و پیامبر دروغین » است که در آیه 13 این فصل « است: « من سه کشیش را در یک ماه Zac.11:8 گردآوری شده است. تفسیر دوم بر اساس این متن از نابود خواهم کرد. روح من نسبت به آنها بی تاب بود و روح آنها نیز از من بیزار بود. « در این مورد، « سه کشیش » نماینده سه جزء قوم بنی اسرائیل است: پادشاه، روحانیت و پیامبران. با در نظر گرفتن زمینه نهایی، که در آن ایمان پروتستان و ایمان کاتولیک متحد و متحد شده اند، " سه بخش " با: " اژدها

" = شیطان مشخص می شود. « جانور » = مردمان کاتولیک و پروتستان اغوا شده. « پیامبر دروغین » = روحانیت کاتولیک و پروتستان

در اردوگاه شکست خورده، درک خوب متوقف می شود، " شهر بزرگ به سه قسمت تقسیم شد
" در میان قربانیان فریب خورده و اغوا شده، اردوگاه های وحش و پیامبر دروغین، نفرت و کینه الهام
بخش انتقام از اغواگران فریبده مسئول از دست دادن نجات آنها است. پس از آن است که موضوع « درو
» با تسویه حساب های خونین که هدف اصلی آن، در تمام منطق و عدالت، معلمان دین هستند، محقق می
شود. سپس این هشدار از یعقوب 3: 1 معنای کامل خود را به دست می آورد: « برادران من، بسیاری از
شما شروع به تعلیم نکنند، زیرا می دانید که سخت تر دآوری خواهیم شد. « در این روزگار « آفت ها »،
این عمل با این نقل تداعی می شود: « و خداوند بابل بزرگ را یاد کرد تا جام شراب خشم شدید خود را به
تماماً به برانگیختن این مجازات برای دینداران بی دین اختصاص خواهد داشت Apo.18. « او بدهد

» آیه 20: « و همه جزایر گریختند و کوهها یافت نشد

این آیه تغییرات زمین را خلاصه می کند که در معرض لرزش های عظیم، جنبه ای از هرج و
مرج جهانی به خود می گیرد، از قبل « بی شکل » و به زودی « تهی » یا « مرکب ». این نتیجه، پیامد
Dan.9:27 « گناه » است ویرانگر « که در دانیال 8:13 تقبیح شده است و مجازات نهایی او در
پیشگویی شده است

آیه 21: « و تگرگ عظیم که سنگهای تگرگ آن به اندازه یک استعداد وزن داشت، از آسمان
بر سر مردم فرود آمد. و مردم به خاطر تازیانه تگرگ به خدا کفر گفتند، زیرا تازیانه بسیار بزرگ بود
»

وظیفه شوم آنها به انجام رسید، ساکنان زمین نیز به نوبه خود توسط بلایی محو خواهند شد که
رهایی از آن غیرممکن خواهد بود: سنگهای «تگرگ» بر آنها فرود خواهد آمد. روح به آنها وزن « یک
استعداد » یعنی 44.8 کیلوگرم را نسبت می دهد. اما این کلمه « استعداد » بیشتر یک پاسخ معنوی مبتنی
بر «مثل استعدادها» است. به این ترتیب، او نقش کسانی را که « استعداد » یعنی موهبت هایی را که
خداوند در مثل به آنها داده است، به بار نمی آوردند. و این رفتار بد به قیمت جان آنها تمام می شود، اولی
و دومی که فقط برای منتخبان واقعی قابل دسترسی بود. آنها تا آخرین نفس زندگی خود به « کفرگویی »
(توهین) به « خدای بهشت » که آنها را مجازات می کند، ادامه می دهند

مثل استعدادها « به معنای واقعی کلمه برآورده خواهد شد. خداوند به هر شخص بر اساس»
شهادت اعمال ایمان او عطا خواهد کرد. به مسیحیان خیانتکار، او می میرد و خود را به همان اندازه خشن
و بی رحم نشان می دهد که آنها فکر می کردند و درباره او قضاوت می کردند. و به برگزیدگان وفادار،
مطابق ایمانی که در عشق کامل و وفاداری او که در عیسی مسیح برای آنها بزرگ شده بود، زندگی
جاودانی خواهد بخشید. همه اینها طبق اصل ذکر شده توسط عیسی در متی 8:13 است: " بر اساس ایمان
جاودانی خواهد بخشید. همه اینها طبق اصل ذکر شده توسط عیسی در متی 8:13 است: " شما برای شما باشد

پس از این بلای آخر، زمین ویران می شود و از هر گونه حیات انسانی محروم می شود.
را می یابد Gen.1:2 " بنابراین ویژگی " پرتگاه

فصل هفدهم: فاحشه نقاب بردار و شناسایی می شود

آیه 1: « آنگاه یکی از هفت فرشته که هفت کاسه را در دست داشتند، آمد و با من سخن گفت،
« بیبا، داوری فاحشه بزرگ را که بر آبهای بسیار نشسته است به تو نشان خواهم داد
از این آیه اول، روح هدف این فصل 17 را نشان می دهد: " قضاوت " فاحشه بزرگ ". که
« روی آبهای بسیار نشسته است » یا بر اساس آیه 15 بر « مردم، جمعیت، ملتها و زبانها » غالب است

که با نماد « فرات » قبلاً اروپا و گسترشهای سیاره ای دین مسیحیت را در «مسیحیت» نشان می دهد. ایالات متحده آمریکا، آمریکای جنوبی، آفریقا و استرالیا. کار داوری با: Rev.9:14 " ششمین ترومپت زمینه « هفت آفت آخر » یا « هفت ویال » که توسط « هفت فرشته » در فصل 16 قبل ریخته شد، مرتبط است.

قضاوت « مورد بحث همان قضاوت خداوند متعال است که هر موجودی در آسمان و زمین « در برابر او پاسخگو بوده و خواهد بود. این نشان می دهد که آیا این فصل مهم است یا خیر. ما در پیام سومین فرشته فصل 14 دیدیم که این شناسایی منجر به زندگی یا مرگ ابدی می شود. پس زمینه این « قضا » « مربوط به « جانوری است که از زمین برمی خیزد » در فصل 13

علیرغم هشدارهای تاریخی و نبوی، به نوبه خود، ایمان پروتستان در سال 1843، و ایمان رسمی ادونتیسیت در سال 1994، توسط خدا مورد قضاوت قرار گرفت که شایسته نجات ارائه شده توسط عیسی مسیح نیست. در تأیید این قضاوت، هر دوی آنها وارد اتحاد جهانی پیشنهاد شده توسط ایمان کاتولیک رومی شدند، در حالی که پیشگامان هر دو گروه ماهیت شیطانی آن را محکوم کرده بودند. برای جلوگیری از انجام این اشتباه، فرد برگزیده باید کاملاً به هویت دشمن اصلی عیسی مسیح متقاعد شود: روم، در تمام تاریخ بت پرستی و پاپی. گناه ادیان پروتستان و ادونتیسیت بسیار بیشتر است زیرا پیشگامان هر دو این ماهیت شیطانی کاتولیک رومی را محکوم کردند و به آنها آموزش دادند. این تغییر دل هر دو به منزله خیانت به عیسی مسیح، تنها نجات دهنده و قاضی بزرگ است. چگونه این امر ممکن شد؟ هر دو دین فقط به صلح زمینی و تفاهم خوب بین انسان ها اهمیت می دادند. همچنین هنگامی که مذهب کاتولیک دیگر مورد آزار و اذیت قرار نگذرد، برای آنها قابل تکرار و یا حتی بهتر از آن است که تا حدی می شود که یک پیمان ببندند و با آن متحد شوند. بنابراین، نظر نازل شده و قضاوت عادلانه خداوند مطرود و زیر پا گذاشته می شود. خطا این بود که باور کنیم خدا اساساً به دنبال صلح در بین مردم است، زیرا در حقیقت، او ظلمی را که در مورد شخص او انجام می شود، به شریعت او و اصول نیکوی او که در احکام او آشکار شده است محکوم می کند. این واقعیت بسیار جدی تر است زیرا عیسی با گفتن در متی 10:34 تا 36 خود را به وضوح در مورد این موضوع بیان کرد: «فکر نکنید که آمده ام تا صلح را بر روی زمین بیاورم. من نیامدم تا صلح بیاورم، بلکه شمشیر را بیاورم. زیرا آمده ام تا میان مرد و پدرش، بین دختر و مادرش، و میان عروس و مادرشوهرش، تقسیم کنم. و دشمنان انسان از اهل بیت او خواهند بود.» به نوبه خود، ادونتیسیت رسمی روح خدا را نشنید که با بازگرداندن سبت روز هفتم بین سالهای 1843 و 1873، یکشنبه رومی را به آن نشان داد که از زمان تأسیس در مارس آن را "نشان جانور" نامیده است. 7، 321. مأموریت ادونتیسیت نهادی شکست خورد، زیرا با گذشت زمان، قضاوت آن در یکشنبه رومی دوستانه و برادرانه شد، بر خلاف قضاوت خدا که همیشه یکسان می ماند، یکشنبه مسیحی که از بت پرستی خورشیدی به ارث رسیده است، علت اصلی خشم او است. تنها قضاوتی که اهمیت دارد قضاوت خداست و هدف وحی نبوی او این است که ما را با قضاوت او شریک کند. در نتیجه، صلح نباید خشم مشروع خدای زنده را بپوشاند. و ما باید همانطور که او قضاوت می کند قضاوت کنیم و رژیم های مدنی یا مذهبی را بر اساس نگاه الهی او شناسایی کنیم. در نتیجه این رویکرد، « جانور » و اعمال او را حتی در زمان آرامش فریبنده می بینیم.

« آیه 2: « پادشاهان زمین با او زنا کردند و ساکنان زمین از شراب زنا می نوشیدند

در این آیه، پیوندی با اعمال « زن ایزابل » که توسط عیسی مسیح متهم شده بود به نوشیدن شراب روحی « شراب زنا (یا فسق) » در مکاشفه 2:20 مشخص می شود. چیزهایی که در مکاشفه متصل Rev.8:10-11 18:3 تأیید شده است. این اعمال همچنین " فاحشه " را به "ستاره افسنطین" در می کند. افسنطین شراب سمی اوست که روح آموزه های مذهبی کاتولیک رومی او را با آن مقایسه می کند.

در این آیه، ملامتی که خداوند بر دین کاتولیک می کند، حتی در زمان صلح ما نیز موجه است، زیرا عیب مورد ملامت به مقام الهی او حمله می کند. نوشته های کتاب مقدس که « دو شاهد » آن را تشکیل می دهند، بر خلاف آموزه های دینی نادرست این دین رومی شهادت می دهند. اما این درست است که آموزه های نادرست او بدترین عواقب را برای قربانیان اغوا شده اش خواهد داشت: مرگ ابدی. که عمل انتقام جویانه آنها در " برداشت " مکاشفه 14:18 تا 20 را توجیه می کند.

آیه 3: « او مرا در روح به بیابان برد. و زنی را دیدم که بر وحشی قرمز مایل به قرمز نشسته بود، پر از نامهای کفرآمیز، هفت سر و ده شاخ داشت »

در یک بیابان، نمادی از آزمون ایمان، بلکه همچنین از آب و هوای معنوی ... " خشک" متن " آخر زمان ما (دان.11:40)"، این بار، آخرین آزمون ایمان زمینی تاریخ، روح وضعیت معنوی را که در این زمینه نهایی حاکم است، تصویر می کند. " زن بر یک جانور قرمز مایل به قرمز تسلط دارد. " در این تصویر، رم بر « جانوری که از زمین برمی خیزد » تسلط دارد که ایالات متحده پروتستان را در لحظه ای که کاتولیک ها را وادار می کنند با تحمیل روز استراحت خود که از امپراتور کنستانتین اول به ارث رسیده است، « نشان جانور را بپرستند » تسلط دارد. در این زمینه نهایی، نه بر روی « هفت سر » روم مذهبی و نه در نمادهای « ده شاخ »، در این مورد، از سلطه گران مدنی مردم مسیحی اروپا و جهان که او آنها را دستکاری می کند، دیگر خبری نیست. اما تمام این ارتباط به رنگ گناه است: " قرمز قرمز".

در مکاشفه 13: 3 می خوانیم: « و من یکی از سرهای او را دیدم که گویی زخمی شده بود به مرگ. اما زخم مرگبارش التیام یافت. و تمام زمین از پشت وحش در هیبت بود. » می دانیم که این شفا مدیون کنکوردات ناپلئون اول است. از این لحظه به بعد، پاپری کاتولیک رومی دیگر مورد آزار و اذیت قرار نمی گیرد، با این حال، به اهمیت آن توجه کنیم، خداوند همچنان آن را « جانور » می نامد: « و تمام زمین در پشت این جانور در تحسین بود ». این توضیحی که در بالا داده شد را تأیید می کند. دشمن خدا دشمن او می ماند زیرا گناهان او در برابر شریعت او در زمان صلح و زمان جنگ پایان نمی پذیرد. بنابراین دشمن خدا نیز دشمن برگزیدگان وفادار او در زمان صلح یا جنگ است.

آیه 4: « آن زن لباس ارغوانی و قرمز داشت و با طلا و سنگهای قیمتی و مروارید « آراسته شده بود. او جامی طلایی در دست داشت که مملو از زشتیها و ناخالصیهای فحشایش بود

در اینجا نیز، توضیحات ارائه شده، خطاهای اعتقادی معنوی را هدف قرار می دهد. خداوند مناسب دینی او را محکوم می کند. توده های او و عشای ربانی او و اول از همه، ذوق او برای تجمل و ثروت که او را به سازش های مورد نظر پادشاهان، اشراف و همه ثروتمندان زمین می رساند. " فاحشه " باید "مشتریان" یا معشوقه هایش را راضی کند

منشأ این رنگ " قرمزی " در خود " فاحشه " است: " بنفش و قرمز ". اصطلاح « زن » که یک « کلیسا »، یک مجلس مذهبی را بر اساس افس. خلاصه، ما می توانیم رنگ لباس های "کاردینال ها و اسقف های" واتیکان روم را تشخیص دهیم. خدا توده های کاتولیک را با استفاده از جام " طلایی " به تصویر می کشد که در آن شراب الکلی قرار است نمایانگر خون عیسی مسیح باشد. اما خداوند در مورد آن چه فکر می کند؟ او به ما می گوید: به جای خون فدیهاش، تنها « مکررات و ناپاکی های فحشایش طلا » به عنوان زینت کلیساهای او ذکر شد که روح آن را به « خدای »، Dan.11:38 را می بیند. در دژها « نسبت می دهد

آیه 5: « بر پیشانی او نامی راز نوشته شده بود: بابل بزرگ، مادر زناکاران و پلیدهای زمین

رازی که در این آیه به آن اشاره شده است فقط برای کسانی است که روح عیسی مسیح آنها را روشن نمی کند. آنها همچنین متأسفانه از همه بیشتر هستند. زیرا، « موفقیت و موفقیت مکرها » رژیم پاپی که از دان 8: 24-25 اعلام شده است، تا زمان داوری او، در پایان جهان، تأیید خواهد شد. از نظر خدا، این « راز گناه » است که در زمان رسولان توسط اهریمن اعلام و اجرا شد، مطابق با دوم تسالونیکیان 2: 7: « زیرا راز گناه از قبل کار می کند. فقط لازم است کسی که هنوز او را ننگه می دارد ناپدید شده باشد. » " راز " به خود نام " بابل " مرتبط است، که منطقی است، زیرا شهر باستانی به این نام دیگر وجود ندارد. اما پطرس قبلاً از نظر روحانی این نام را به روم داده است، در اول پطرس 5:13 و متأسفانه برای جمعیت فریب خورده، فقط برگزیدگان به این دقت ارائه شده توسط کتاب مقدس توجه دارند. مراقب معنای دوگانه کلمه " سرزمین " باشید که در اینجا به اطاعت پروتستان نیز اشاره می کند، زیرا به همان اندازه که ایمان کاتولیک یکپارچه است، ایمان پروتستان چندگانه است، به عنوان "فاحشه"، دختران کاتولیک آنها تعیین می شود. مادر " دختران در " مکررات " مادر " خود سهیم هستند. و اصلی ترین این « مکروهها » روز یکشنبه است که « نشان » مرجعیت دینی آن است.

معنای تحت اللفظی کلمه " سرزمین " نیز موجه است زیرا عدم تحمل مذهبی کاتولیک ها محرک تجاوزات مذهبی بزرگ بین المللی است. این دین مسیحیت را با برانگیختن پادشاهان برای تبدیل

مردمان زمین به اطاعت از آن، آلوده و منفور ساخته است. اما پس از از دست دادن قدرت، « مکررات » او با برکت دادن به کسانی که خداوند آنها را لعنت می کند و لعنت بر کسانی که برکت می دهد ادامه یافت. ماهیت بت پرستی او زمانی آشکار می شود که او مسلمانان را « برادر » می خواند که دینشان عیسی مسیح را به عنوان یکی از کوچکترین پیامبران معرفی می کند.

آیه 6: « و آن زن را دیدم که مست از خون مقدسین و از خون شاهدان عیسی است. و با دیدن او « در شگفتی شدیدی فرو رفته

می‌گیرد و در اینجا تصریح می‌کند که « قدیسانی » که او با آنها Dan.7:21 این آیه نقل قولی از می‌جنگد و بر آنها تسلط می‌یابد، در واقع « شاهدان عیسی » هستند. این امر راز « بابل بزرگ » را تا حد زیادی روشن می‌کند. دین رومی " خون " برگزیدگان را تا سرمست می‌نوشد. چه کسی به یک کلیسای مسیحی، مانند روم پاپ امروزی، مشکوک است که این « فاحشه » است که « مست خون ریخته شده توسط شاهدان عیسی » است؟ مقامات منتخب، اما فقط آنها. زیرا روح از طریق نبوت، نقشه های قاتل دشمنشان را به آنها معرفی کرد. این بازگشت به ذات شریر و ظالم او پیامد مشهود پایان زمان فیض خواهد بود. اما این شرارت بیش از همه، به شیوه‌ای شگفت‌انگیزتر، ماهیت ایمان مسلط پروتستان در این زمان از پایان جهان خواهد بود. روح به طور جداگانه از « قدیس ها » و « شاهدان عیسی » یاد می‌کند. اولین " مقدسین " از آزار و اذیت جمهوری خواهان و امپراتوری روم بت پرستان رنج بردند. « شاهدان عیسی » توسط روم بت پرست امپراتوری و پاپی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. زیرا فاحشه شهری است: روم. « شهر بزرگی که بر پادشاهان زمین سلطنت می‌کند » از زمان ورودش به اسرائیل، در یهودیه در سال ۶۳، مطابق دان. ۸:۹: « زیباترین کشورها ». تاریخ نجات با آزمایش ایمان به پایان می‌رسد که در آن « شاهدان عیسی » ظاهر می‌شوند و برای توجیه این بیان عمل می‌کنند. بنابراین آنها به خدا دلیل خوبی برای مداخله برای نجات آنها از مرگ برنامه ریزی شده می‌دهند. در زمان خود، جان دلایل خوبی داشت که از « راز » مربوط به شهر رم شگفت زده شود. او فقط او را در جنبه امپریالیستی بت پرست خشن و بی رحمش می‌شناخت که او را به بازداشتگاه جزیره پاتموس فرستاده بود. بنابراین، نمادهای مذهبی مانند " جام طلائی " که توسط " فاحشه " در دست گرفته می‌شود به درستی می‌تواند او را شگفت زده کند.

آیه 7: « و فرشته به من گفت: چرا در شگفتی؟ راز زن و وحشی که او را حمل می‌کند را که « هفت سر و ده شاخ دارد به شما خواهم گفت

راز " برای همیشه باقی بماند، و از آیه 7، روح جزئیاتی را ارائه می‌دهد که به جان و ما " اجازه می‌دهد تا " راز " را برطرف کنیم و شهر رم و نقش آن در تصویر را به وضوح شناسایی کنیم. آیه 3 که نمادهای آن، دوباره، ذکر شده است.

زن " ماهیت مذهبی رم پاپی را نشان می‌دهد، ادعای آن به " همسر بره "، عیسی مسیح. اما " خداوند این ادعا را رد می‌کند و او را " فاحشه " می‌خواند.

جانوری که آن را حمل می‌کند " نماینده رژیم ها و مردمی است که ادعاهای مذهبی آن را به " رسمیت می‌شناسند و مشروعیت می‌بخشند. آنها منشأ تاریخی خود را در " ده شاخ " پادشاهی هایی Dan.7:24 دارند که در اروپا پس از رهایی از تسلط روم امپراتوری بر اساس تصویر داده شده در شکل گرفتند. آنها جانشین رم امپراتوری " چهارمین حیوان " می‌شوند. و این قلمروهای مربوطه تا آخر به همین شکل باقی می‌مانند. مرزها حرکت می‌کنند، رژیم‌ها تغییر می‌کنند، از سلطنت به جمهوری می‌روند، اما هنجار مسیحیت کاذب پاپی رومی، آنها را به بدتر متحد می‌کند. در طول قرن بیستم، این اتحادیه تحت حمایت روم توسط اتحادیه اروپا که در «معاهدات رم» در 25 مارس 1957 و 2004 ایجاد شد، مشخص شد.

آیه 8: « جانوری که دیدی بود و دیگر نیست. او باید از پرتگاه بالا رود و به سوی هلاکت برود. و ساکنان روی زمین که نامشان از ابتدا در کتاب حیات نوشته نشده است، با دیدن وحش تعجب خواهند کرد، زیرا او بود و دیگر نیست، و دوباره ظاهر خواهد شد

جانوری که دیدی بود و نیست. « ترجمه: عدم تساهل مذهبی مسیحی از سال 538 بود، و از « به اشکال مختلف Dan.7:25 سال 1798 دیگر وجود ندارد. روح مدتی را پیشنهاد می‌کند که از زمان برای حکومت نابردبار پاپ پیشگویی شده است: "یک زمان، زمان، و نیم ضرب. 42 ماه؛ 1260 روز. اگر چه عدم تحمل آن با عمل " جانوری که از اعماق برمی‌خیزد " پایان یافت، که به انقلاب فرانسه و

الحاد ملی آن در مکاشفه 11: 7 اشاره دارد، در اینجا اصطلاح " عمیق " به عنوان فعالیتی در ارتباط با شیطان، « ویرانگر »، که زندگی‌ها را نابود می‌کند و سیاره زمین را غیرانسانی می‌کند، و او را « توضیح خواهد داد: « شیطان » برای « هزار سال » در زمینی Rev.20:1 فرشته پرتگاه » می‌خواند که از انسانیت خارج شده است به نام « پرتگاه » در بند خواهد بود . خداوند با نسبت دادن منشأ آن به آن در « پرتگاه » نشان می‌دهد که این شهر هرگز با او رابطه نداشته است. چه در دوران تسلط مشرکان او، که بسیار منطقی است، بلکه در طول فعالیت مذهبی پاپی او، برخلاف آنچه که انبوهی از انسانهای فریب خورده برای سقوط خود باور دارند، زیرا با آن شریک خواهند شد، " هلاکت " نهایی او در اینجا آشکار می‌شود. با تحقیر کلام نبوی، قربانیان اغوای روم متحیر خواهند شد، زیرا در این متن نهایی اعلام و آشکار شده، نابردباری مذهبی « دوباره ظاهر خواهد شد». بدین ترتیب خداوند به ما یادآوری می‌کند که نام برگزیدگان را از زمان « بنیاد جهان » می‌داند. " اسم " آنها در " کتاب زندگی بره " عیسی مسیح نوشته شده است . و برای نجات آنها، ذهن آنها را به اسرار پیشگویی های کتاب مقدس خود باز کرد

من در اینجا تحلیل دومی را از این آیه در رابطه با کلمه « پرتگاه » پیشنهاد می‌کنم. در این تأمل، من زمینه نهایی مورد هدف روح را با توجه به توصیف او از " جانور قرمز مایل به قرمز " در آیه 3 در نظر می‌گیرم. هفت سر « آن را در « زمان پایان » قرار می‌دهد. آن زمان ما مدت‌هاست که فکر می‌کنم مفهوم « احمق » فقط می‌تواند مربوط به یک اقدام نابردبار و استبداد باشد و در نتیجه فقط می‌توان آن را به رژیم نابردبار آخرین روزهایی که با آخرین آزمون ایمان جهانی مشخص شد نسبت داد. اما در واقع، در پایان زمستان 2020 به وقت الهی، ایده دیگری از من الهام گرفته شده است. « جانور » در واقع دائماً جان انسان‌ها را می‌کشد و قربانیان آموزه‌های اغراق‌آمیز و ظالمانه اومانیستی بسیار بیشتر از قربانیان عدم تحمل آن هستند. این رفتار اومانیستی اغواگر و فریبنده جدید از کجا می‌آید؟ این ثمره میراث آزاداندیشی است که از فیلسوفان انقلابی که خدا در مکاشفه 11: 7 تحت عنوان "جانوری که از ورطه برمی‌خیزد " هدف قرار می‌دهد. رنگ " قرمز " که به " جانور " زمان ما چسبیده است، از آیه 3 این فصل، گناه ناشی از آزادی بیش از حدی را که انسان به خود داده است محکوم می‌کند. او نماینده چه کسی است؟ سلطان غربی با منشاء مسیحی که پایه‌های مذهبی آنها از کاتولیک اروپایی به ارث رسیده است: ایالات متحده آمریکا و اروپا کاملاً فریفته مذهب کاتولیک شده‌اند. « جانوری » که خدا به ما نشان می‌دهد، نتیجه نهایی اعمالی است که در پیام « پنجمین شیپور » پیش‌بینی شده است. ایمان پروتستانی که توسط ایمان کاتولیک مسالمت‌آمیز فریفته شده است، پروتستانتیسم و کاتولیکسم لعنت شده توسط خدا را گرد هم می‌آورد که توسط ادونتیسم نهادی رسمی در سال 1994 برای "آمادگی برای نبرد" کشیش 9 : 7-9، " آرماگدون " به آن ملحق شد. مطابق مکاشفه 16: 16، که آنها با هم می‌روند، پس از « ششمین شیپور »، تا علیه آخرین بندگان وفادار خدا، که سبب او را نگه داشته و اجرا می‌کنند، رهبری کنند. استراحت روز هفتم به دستور چهارم از ده فرمان او. در زمان صلح، سخنان آنها عشق برادرانه و آزادی وجدان را تعالی می‌بخشد. اما این آزادی ظالمانه و کاذب که از ادیخواهانه ساخته شده است، انبوهی را که در جهان غرب پراکنده‌اند، به « مرگ دوم » می‌انجامد. که تا حدی با الحاد، بخشی با بی تفاوتی، و در بخش کوچکتر با بی ارزش شدن تعهدات مذهبی مشخص می‌شود، زیرا به دلیل آموزه های دینی نادرست آنها توسط خداوند محکوم شده‌اند. به این ترتیب، منشأ این « جانور » انسان‌گرا، همان‌طور که روح در این آیه نشان می‌دهد، در « پرتگاه » است، به این معنا که دین مسیحی تصویر و کاربرد اندیشه اومانیستی شده است. فیلسوفان، یونانی‌ها، فرانسوی‌ها یا انقلابیون خارجی. . مثل بوسه یهودا برای عیسی، عشق کاذب اومانیستی اغواکننده به زمان صلح بیشتر از شمشیر می‌گشاید. « جانور » دوران صلح ما نیز وارث خصلت « تاریکی » است که کلمه « عمیق » در پیدایش 1: 2 به آن می‌دهد: « زمین بی‌شکل و خالی بود، تاریکی بر روی اعماق بود، و روح خدا بر فراز آنها حرکت کرد. و این خصلت « تاریکی » جوامع با منشأ مسیحی به طور متناقضی از « روشنگری »، نامی که به آزاداندیشان انقلابی فرانسوی داده شده است، به ارث رسیده است.

با پیشنهاد این ترکیب، روح به هدف خود می‌رسد که عبارت است از آشکار ساختن قضاوت خود در مورد دنیای غرب و سرزنش‌هایی که به بندگان وفادار خود می‌کند. بنابراین او گناهان بسیار و خیانت‌های خود به عیسی مسیح را محکوم می‌کند، تنها نجات‌دهنده‌ای که اعمال آنها باعث بی‌احترامی می‌شود.

« آیه 9: « این است عقلی که حکمت دارد: هفت سر هفت کوه است که زن بر آن می‌نشیند

این آیه بیانی را تأیید می کند که مدت طولانی روم را به آن می گویند: « روم، شهر هفت تپه ». من این نام را در یک اطلس جغرافیایی مدرسه قدیمی از سال 1958 یافتیم. اما موضوع قابل بحث نیست. " هفت کوههایی که «تپه‌ها» نامیده می‌شوند هنوز با نام‌های کاپیتولین، پالاتین، کالیوس، آونتین، ویمینال، اسکویلین و کویرینال باقی مانده‌اند. در مرحله بت پرستی خود، این تپه‌ها «مکان‌های مرتفع» همه از معابدی حمایت می‌کردند که به بت‌های خدایی که توسط خدا محکوم شده‌اند اختصاص داده شده بودند. و برای احترام به " خدای دژها"، مذهب کاتولیک نیز به نوبه خود کلیسای خود را بر روی کالیوس برپا کرد که طبق روم "بهشت" را تعیین می‌کرد. بر روی کاپیتول، "سر"، کاخ تالار شهر، جنبه مدنی قوه قضاییه برمی‌خیزد. به این نکته اشاره کنیم که متحد روزهای آخر یعنی آمریکا نیز از یک «کاپیتول» واقع در واشنگتن تسلط دارد. در اینجا دوباره، نماد «سر» با این قدرت عالی که جایگزین روم می‌شود و به نوبه خود بر ساکنان زمین، « در حضور آن » بر طبق مکاشفه 13:12 تسلط پیدا می‌کند، توجیه می‌شود.

آیه 10: « همچنین هفت پادشاه هستند: پنج پادشاه سقوط کردند، یکی است، دیگری هنوز نیامده است، و چون بیاید مدت کوتاهی خواهد ماند ».

روح با تعبیر « هفت پادشاه » به روم « هفت » رژیم حکومتی نسبت می‌دهد که متوالی برای شش نفر اول عبارتند از: سلطنت از 753 تا 510. جمهوری، کنسولگری، دیکتاتوری، حکومت سه گانه، امپراتوری از زمان اکتاوین، سزار آگوستوس که عیسی تحت رهبری او به دنیا آمد، و تترارشی (4 امپراتور مرتبط) در جایگاه هفتم بین سال‌های 284 و 324، که این دقت را تأیید می‌کند که "او باید یک عمر دوام بیاورد. " زمان کوتاه "؛ در واقع 30 سال امپراتور جدید کنستانتین^{اول} به سرعت رم را ترک خواهد کرد و در شرق در بیزانس (قسطنطنیه توسط ترک‌ها به استانبول تغییر نام داد) ساکن خواهد شد. اما از سال 476، امپراتوری غربی رم از هم پاشید و " ده شاخ " دانیال و آخرالزمان با تشکیل پادشاهی‌های اروپای غربی استقلال خود را به دست آوردند. از سال 476، روم در تصرف بربرهای استروگوت باقی ماند، که در سال 538 توسط ژنرال بلیساریوس به همراه ارتش خود توسط امپراتور ژوستینیانوس که در شرق در قسطنطنیه اقامت داشت، فرستاده شد.

آیه 11: « و وحشی که بود و دیگر نیست، خود هشتمین پادشاه است و از آن هفت نفر است و به ».

در سال 538 با فرمان امپراتوری مساعد امپراتور ژوستینیانوس^{اول} تأسیس شد. بنابراین او به یکی از دوستان او مداخله کرد، Vigile در خواست همسرش تئودورا، یک "فاحشه" سابق، که از طرف پاسخ داد. همانطور که آیه 11 تصریح می‌کند، رژیم پاپ در زمان حکومت های «هفت» ذکر شده ظاهر می‌شود، در حالی که شکلی جدید و بی سابقه را تشکیل می‌دهد که دانیال به عنوان یک پادشاه « متفاوت » نشان می‌دهد. آنچه پیش از زمان «هفت» پادشاهان قبلی است، عنوان رهبر مذهبی روم است که قبلاً یک عبارت «Pontifex Maximus»: به امپراتوران آن و از زمان پیدایش آن نسبت داده شده است لاتین که به «پادشاه حاکم» ترجمه شده است، که از آن زمان تاکنون چنین بوده است. 538، عنوان رسمی پاپ کاتولیک رومی. رژیم رومی که در زمانی که جان این چشم انداز را دریافت کرد، وجود دارد، امپراتوری، ششمین حکومت رومی است. و در زمان او لقب «پاپ مقتدر» را خود امپراتور بر سر می‌گذاشت.

بازگشت رم به صحنه تاریخی به دلیل پادشاه فرانک، کلویس اول^{است} که در سال 496 به ایمان مسیحی دروغین آن زمان «تبدیل» شد. به عبارت دیگر، کاتولیک رومی که از کنستانتین اول اطاعت کرده بود² از 7 مارس 321 مورد لعنت خدا قرار گرفته بود. پس از تسلط امپراتوری، روم مورد تهاجم و تسلط مردمان خارجی قرار گرفت که به مهاجرت گسترده وارد شدند. درک نادرست زبان‌ها و فرهنگ های مختلف اساس ناآرامی‌ها و مبارزات داخلی است که اتحاد و قدرت روم را از بین برد. این عمل را خداوند امروز در اروپا برای تضعیف آن و رساندن آن به دست دشمنانش اعمال می‌کند. بنابراین، نفرین تجربه "برج بابل" در طول قرن‌ها و هزاره‌ها همه تأثیرات و تأثیر خود را در سوق دادن بشریت به بدبختی‌ها حفظ می‌کند. در مورد رم، در نهایت، تحت سلطه آریان استروگوت‌ها قرار گرفت که از نظر اعتقادی با مذهب کاتولیک رومی مورد حمایت امپراتوران بیزانس مخالف بودند. بنابراین باید از این سلطه‌رها می‌شد تا استقرار رژیم پاپی روم در سال 538 در خاک آن امکان پذیر شد. قبل از پاپری (شاخ کوچک) پایین آورده شدند. مربوط به مردمان دشمن کاتولیک رومی اسقف‌های رم، متوالی، در

476، هرولی، در 534، وندال‌ها، و در 10 ژوئیه 538، "توفان برف"، که از اشغال استروگوت‌ها توسط ژنرال آزاد شدند. بلیزاریوس فرستاده شده توسط ژوستینیان اول، رم می‌توانست وارد رژیم پاپی انحصاری، سلطه‌جویانه و غیرقابل تحمل خود شود که توسط این امپراتور، بنا به درخواست ویگیلیوس دسیسه‌گر، اولین پاپ صاحب عنوان، ایجاد شد. از این لحظه، روم تبدیل به «شهر بزرگی شد که بر پادشاهان زمین سلطنت می‌کند»، از آیه 18، که به «هیجان» می‌رود، همانطور که روح تصریح می‌کند، در اینجا، بار دوم، بعد از آیه 8

بنابراین پوپری همانطور که ادعا می‌کند به سنت پیتر باز نمی‌گردد، بلکه به فرمان ژوستینیانوس اول، امپراتور بیزانس که لقب و اقتدار مذهبی خود را به او داده بود، باز می‌گردد. بنابراین، یکشنبه توسط امپراتور روم کنستانتین اول 7 مارس 321 دستور داده شد و پاپری که آن را توجیه می‌کند توسط امپراتور بیزانس ژوستینیانوس اول 538 سال نصب شد. دو تاریخ با وحشتناک ترین عواقب برای تمام بشریت. همچنین در سال 538 بود که اسقف رم برای اولین بار عنوان پاپ را به خود اختصاص داد.

آیه 12: «ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز پادشاهی نگرفته‌اند، اما برای یک ساعت «یا وحش به عنوان پادشاهان قدرت می‌گیرند»

پیام زمان بسیار کوتاهی را هدف قرار می‌دهد که در انتهای «Dan.7:24 در اینجا، برخلاف زمان پایان» قرار دارد.

همانطور که در زمان دانیال، در زمان یوحنا، «ده شاخ» امپراتوری روم هنوز استقلال خود را به دست نیآورده بودند یا بازیافته بودند. اما، زمینه ای که در این فصل 17 مورد هدف قرار گرفته است، مربوط به پایان جهان است، این نقشی است که «ده شاخ» در این زمینه دقیق که توسط روح برانگیخته می‌شود، همانطور که آیات بعدی تأیید می‌کند، ایفا می‌کند. «ساعت» پیشگویی شده به زمان آزمایش نهایی ایمان که در مکاشفه 3:10 به پیشگامان وفادار ادونتیسیم روز هفتم در سال 1873 اعلام شد اشاره دارد. پیام برای ما، وارثان آنها، وفاداران ادونتیسیم بود. نوری که عیسی مسیح به منتخبان خود در سال 2020 داده است.

بر اساس کد نبوی که به حزقیال نبی داده شده است (حزقیال 4: 5-6)، یک «روز» نبوی یک «سال» واقعی ارزش دارد، و بنابراین، یک «ساعت» نبوی 15 روز واقعی ارزش دارد. اصرار زیاد پیام روح که سه بار عبارت "در یک ساعت" را در فصل 18 ذکر می‌کند، مرا به این نتیجه می‌رساند که این "ساعت" زمان بین آغاز ششم از "هفت بلای آخر" را هدف قرار می‌دهد. و بازگشت در جلال خداوند الهی ما عیسی که در جلال فرشته فرشته «مایکل» باز می‌گردد تا برگزیدگان خود را از مرگ برنامه ریزی شده نجات دهد. بنابراین این «ساعت» همان ساعتی است که «نبرد آرماگدون» در آن طول می‌کشد.

«آیه 13: «آنها یک هدف دارند و قدرت و اختیار خود را به وحش می‌دهند»

با هدف قرار دادن زمان این آزمایش نهایی، روح در مورد «ده شاخ» می‌گوید: «آنها یک هدف دارند و قدرت و اختیار خود را به جانور می‌دهند». این هدف مشترک آنها شامل اطمینان از احترام به استراحت یکشنبه توسط همه بازماندگان جنگ جهانی هسته ای سوم است. ویرانی قدرت نظامی کشورهای اروپایی باستان را بسیار کاهش داد. اما، پروتستان‌های آمریکایی پیروز این درگیری، از بازماندگان، دست از حاکمیت خود بردند. انگیزه اهریمنی است، اما افتادگان از آن بی‌خبرند، و ارواح آنها که به شیطان داده شده تنها می‌توانند اراده او را به انجام برسانند.

تنها از ائتلاف «ژدها»، «جانور» و «پیامبر دروغین» است که «ده شاخ» اقتدار خود را به «جانور» تسلیم می‌کنند. و این انصراف ناشی از شدت رنجی است که تازیانه‌های الهی بر آنها وارد می‌کند. بین اعلام حکم مرگ و اجرای آن، یک مهلت 15 روزه به ناظران سبت داده می‌شود تا «نشان جانور» را اتخاذ کنند، «یکشنبه» رومی آن که توسط پرستش خورشیدی بت پرستان آلوده شده است. بازگشت عیسی مسیح برای بهار قبل از 3 آوریل 2030 برنامه ریزی شده است، مگر اینکه در تفسیر اصطلاح "ساعت" اشتباهی وجود داشته باشد، حکم مرگ باید برای این تاریخ یا تاریخی که بین آن و روز قرار دارد اعلام شود. بهار 2030 از تقویم معمول فعلی ما.

برای درک کامل وضعیت زمانی نهایی، حقایق زیر را در نظر بگیرید. پایان زمان فیض تنها توسط مقامات منتخب قابل شناسایی است که آن را به انتشار قانون یکشنبه مرتبط می‌کنند. به طور دقیق

تر، بعد از او برای مجموعه ای از مردم کافر و سرکش که هنوز زنده هستند، انتشار قانون یکشنبه فقط به عنوان معیاری برای منافع عمومی بدون عواقب برای آنها ظاهر می شود. و تنها پس از متحمل شدن پنج آفت اول است که خشم انتقام جویانه آنها باعث می شود تا تصمیم "کشتن" کسانی را که به عنوان مسئول مجازات آسمانی به آنها معرفی می شوند کاملاً تأیید کنند.

آیه 14: « آنها با بره خواهند جنگید و بره بر آنها غلبه خواهد کرد، زیرا او سرور اربابان و پادشاه پادشاهان است و کسانی که با او خوانده شده و برگزیده و وفادار هستند نیز بر آنها غلبه خواهند کرد.»

آنها با بره خواهند جنگید و بره بر آنها غلبه خواهد کرد...، زیرا او خدای قادر مطلق است " که هیچ قدرتی نمی تواند در برابر او مقاومت کند. " پادشاه پادشاهان و پروردگار ارباب " نیروی الهی خود را بر قدرتمندترین پادشاهان و اربابان زمین تحمیل خواهد کرد. و برگزیدگانی که این را درک می کنند با او غلبه خواهند کرد. روح در اینجا سه معیار مورد نیاز خداوند را از کسانی که نجات می دهد و خود را متعهد به راه رستگاری کرده اند به یاد می آورد که برای آنها با مقام روحانی "دعوت شده" آغاز می شود و در صورت وجود تغییر شکل می یابد. مقام « برگزیده »، با « وفاداری » که نسبت به خدای خالق و تمام نور کتاب مقدس او آشکار می شود. نبردی که به آن اشاره شد، نبرد « آرمگدون » از مکاشفه 16:16 است. « ساعتی » که « وفاداری » « برگزیدگان » « نامیده شده » مورد آزمایش قرار می گیرد. در مکاشفه 9: 7-9، روح آمدگی ایمان پروتستان را برای این « جنگ » روحانی آشکار کرد. برگزیدگان که به دلیل وفاداری خود به سبب محکوم به مرگ هستند، گواهی می دهند که به وعده های خدا پیشگویی شده است و این شهادتی که به او داده می شود، « جلال » را که در پیام فرشته اول می خواهد به او می بخشد. از مکاشفه 14: 7. مدافعان و حامیان یکشنبه واجب، در این تجربه، مرگی را خواهند یافت که برای دادن به برگزیدگان عیسی مسیح آماده خواهند شد. در اینجا به کسانی که شک و تردید دارند یادآوری می کنم که خداوند به روزهای استراحت این همه اهمیت می دهد که انسانیت ما به دلیل اهمیتی که به « دو درخت » باغ زمینی داده بود، ابدیت خود را از دست داده است. « آرمگدون » به جای « دو درخت » بر همین اصل استوار است، امروز « روز معرفت خیر و شر »، یکشنبه و « روز حیات مقدس »، سبت یا شنبه داریم.

آیه 15: « و به من گفت، آبهایی که دیدی و فاحشه روی آن نشسته، قوما و جماعتها و قوما و زبانها هستند.»

آیه 15 کلیدی را به ما می دهد که به ما امکان می دهد به « آبهایی » که « فاحشه روی آن می نشیند »، هویت مردمان اروپایی که « مسیحی » نامیده می شوند، اما بالاتر از همه، به دروغ و فریبنده « مسیحی » نسبت دهیم. اروپا این ویژگی را دارد که مردمانی را که به « زبان های » متفاوت صحبت می کنند، گرد هم می آورد. که اتحادیه ها و اتحادهای ایجاد شده را تضعیف می کند. اما در زمان های اخیر، زبان انگلیسی به عنوان یک پل عمل می کند و مبادلات بین المللی را ترویج می کند. تعلیم و تربیت گسترده انسانها از کارایی سلاح لعنت الهی می کاهد و با طرح خالق آن مخالفت می کند. بنابراین پاسخ او وحشتناک تر خواهد بود: مرگ بر اثر جنگ و در پایان، با شکوه ظهور باشکوه او.

آیه 16: « ده شاخ که دیدی و وحش از فاحشه متنفر خواهد شد و او را برهنه خواهد کرد و » برهنه خواهد کرد و گوشتش را خواهد خورد و او را با آتش خواهد سوزاند.»

آیه 16 برنامه فصل 18 آینده را اعلام می کند. او معکوس شدن « ده شاخ » را تأیید می کند و هیولایی که پس از حمایت و تأیید او، در نهایت " فاحشه " را نابود می کنند. در اینجا به یاد می آورم که « جانور » رژیم انجمن قدرت های مدنی و مذهبی است و در این زمینه، قدرت مردم رسماً پروتستان آمریکا و مردم کاتولیک و پروتستان اروپایی را تعیین می کند، در حالی که « فاحشه » تعیین می کند. روحانیون، یعنی مقامات آموزشی قدرت مذهبی کاتولیک: راهبان، کشیشان، اسقف ها، کاردینال ها و پاپ. بنابراین، در واژگونی، مردم کاتولیک اروپایی و مردم پروتستان آمریکا، دو قربانی دروغ رومی، در برابر روحانیون کاتولیک کاتولیک پاپی رومی ایستاده اند. و زمانی که عیسی با مداخله باشکوه خود، نقاب فریبنده شیطانی خود را از بین خواهد برد، « او را با آتش خواهند سوخت ». « ده شاخ » او را « برهنه می کنند و برهنه می کنند »، زیرا در عیش و نوش زندگی می کرد، او را برهنه می کردند، و چون لباس قدوس به خود می پوشید، « برهنه » ظاهر می شود، در شرم روحی، بدون هیچ چیزی. انصاف بهشتی

برای پوشاندن آن. دقت « گوشت او را خواهند خورد » بیانگر وحشیگری خونین مجازات اوست. این آیه
!مضمون « وینتیج » مکاشفه 14:18 تا 20 را تأیید می کند: وای بر انگورهای خشم

آیه 17: « زیرا خدا در دل آنها قرار داده است که هدف خود را انجام دهند و یک هدف را انجام
» دهند و پادشاهی خود را به وحش بدهند تا سخنان خدا تحقق یابد

آیه 17، تحت شماره داوری، فکر مهمی از خدای آسمانی را برای ما آشکار می کند که انسان
اشتباه می کند که آن را تحقیر می کند یا با بی تفاوتی رفتار می کند. خدا در اینجا اصرار می کند تا
برگزیدگانش متقاعد شوند که او تنها استاد "بازی وحشتناک" است که در زمان مورد انتظار اجرا خواهد
شد. این برنامه توسط شیطان طراحی نشده است، بلکه توسط خود خدا طراحی شده است. هر آنچه او در
مکاشفه بزرگ و متعالی خود که مربوط به دانیال و مکاشفه است، یا قبلاً انجام شده است، یا باقی مانده
خداوند این، Ecc.7:8 است که انجام شود. و از آنجا که " پایان یک چیز بهتر از آغاز آن است " مطابق
آخرین آزمایش وفاداری را برای ما هدف قرار می دهد که ما را از مسیحیان دروغین جدا می کند و ما
را لایق ورود به ابدیت آسمانی او می کند. تخریب هسته ای جنگ جهانی سوم بنابراین ما فقط باید با
اطمینان منتظر بمانیم زیرا هر چیزی که بر روی زمین سازماندهی خواهد شد " طرحی " است که توسط
خود خدا طراحی شده است. و اگر خدا طرفدار ما باشد، چه کسی بر ضد ما خواهد بود، اگر نه کسانی که
« نقشه های » قاتلان شان بر ضد آنها خواهد بود؟

تا زمان تحقق کلام خدا « به چه معناست ؟ روح به سرنوشت نهایی در نظر گرفته شده برای »
پیشگویی شده بود، اشاره می کند: « سپس به دلیل Dan.7:11 شاخ کوچک » پاپ، همانطور که قبلاً در
سخنان متکبران ای که شاخ گفت، نگاه کردم. و در حالی که من نگاه می کردم، حیوان کشته شد و بدنش
آنگاه داوری خواهد آمد، و « Dan.7:26 از بین رفت و به آتش تحویل داده شد تا سوزانده شود. در
به دلیل « Dan.8:25 سلطنت او از او سلب خواهد شد، و برای همیشه ویران و نابود خواهد شد. » و
سعادت و موفقیت مکره های او در دل خود تکبر خواهد داشت و بسیاری را که در صلح زندگی
می کردند نابود خواهد کرد، و بر علیه رؤسای سران قیام خواهد کرد. اما بدون تلاش هیچ دستی شکسته
خواهد شد. « بقیه » کلمات خدا « در مورد پایان روم در مکاشفه 18، 19 و 20 ارائه خواهد شد

» آیه 18: « و زنی که دیدی، شهر بزرگی است که بر پادشاهان زمین تسلط دارد

آیه 18 قانع کننده ترین دلیل را به ما ارائه می دهد که « شهر بزرگ » واقعاً روم است. بیابید
متوجه شویم، فرشته شخصاً با جان صحبت می کند. همچنین، با گفتن به او: « و زنی که دیدی، شهر
بزرگی است که بر پادشاهان زمین سلطنت می کند، » یوحنا متوجه می شود که فرشته از روم، «شهر
هفت تپه» صحبت می کند. که در زمان خود به طور امپراتوری بر پادشاهی های مختلف کل امپراتوری
استعماری عظیم خود تسلط داشت. در جنبه امپراتوری خود، از قبل « سلطنت بر پادشاهان زمین » دارد
و آن را تحت سلطه پاپ خود حفظ خواهد کرد.

در این فصل 17، می توانید ببینید، خداوند آیات خود را متمرکز کرده است که به ما امکان
می دهد با قطعیت « فاحشه »، دشمن او «تراژدی قرن ها» مسیحی را شناسایی کنیم. بنابراین او به عدد
17 یک حس واقعی از قضاوت خود می دهد. این مشاهدات است که باعث شد من به سالگرد هفدهمین
سالگرد استقرار گناه که به منزله پذیرفتن روز خورشید 7 مارس 321 (تاریخ رسمی اما 320 برای خدا)
است که در این سال 2020 تجربه کردیم، ارزش قائل شوم. که اکنون گذشت. می توانیم ببینیم که خداوند
واقعاً آن را با یک نفرین بی سابقه در تاریخ دوران مسیحیت (کووید-19) مشخص کرده است که باعث
فروپاشی اقتصادی جهانی فاجعه بارتر از جنگ جهانی دوم شده است. لعن های دیگر قضای عادلانه الهی
در مرحله بعدی قرار می گیرند که ما آنها را روز به روز کشف خواهیم کرد.

مکاشفه 18: فاحشه مجازات خود را دریافت می کند

پس از افشای جزئیاتی که امکان شناسایی فاحشه را فراهم می کند، فصل 18 ما را به زمینه خاص پایان «نبرد آرماگدون» می برد. کلمات محتوای آن را آشکار می کنند: «ساعت مجازات بابل بزرگ، مادر فاحشه های زمین». زمان "درو" خونین.

آیه 1: «پس از این، فرشته دیگری را دیدم که از آسمان نازل می شد که دارای قدرت عظیم بود. «و زمین از جلال او روشن شد»

فرشته حامل اقتدار بزرگ از جانب خداست، در واقع خود خداست. میکائیل، رئیس فرشتگان، نام دیگری است که عیسی مسیح قبل از خدمت زمینی خود در آسمان بر سر داشت. تحت این نام و با قدرتی که فرشتگان مقدس برای او شناختند، پس از پیروزی بر صلیب، شیطان و شیاطینش را از بهشت بیرون کرد. بنابراین تحت این دو نام است که او در جلال پدر به زمین باز می گردد تا برگزیدگان گرانقدر خود را از آن خارج کند. گرانمایان زیرا آنها وفادار هستند و این وفاداری آزمایش شده نشان داده شده است. در این زمینه است که او با وفاداری خود به کسانی که عاقلانه اطاعت کرده اند با دادن «جلال» که او از سال 1844 طبق مکاشفه 7:14 خواسته است، احترام می گذارد. برگزیدگانش با حفظ سبت، او را به عنوان خدای خالق که از زمان خلقت زندگی های آسمانی و زمینی به طور مشروع در اختیار اوست، تجلیل کردند.

آیه 2: «او با صدای بلند فریاد زد، گفت: بابل بزرگ سقوط کرد، او سقوط کرد! محل سکونت شیاطین، لانه هر روح ناپاک، لانه هر پرنده ناپاک و نفرت انگیز شده است»

او _ سقوط کرد، سقوط کرد، بابل بزرگ! " ما نقل قول از مکاشفه 14: 8 را در این آیه 2 می یابیم، اما این بار به صورت نبوی بیان نشده است، به این دلیل است که شواهد سقوط او به انسان های بازمانده از این آخرین لحظه فعالیت فریبده فریبده او داده می شود. نقاب تقدس بابل پاپ رومی نیز می افتد. این در واقع «سکونتگاه شیاطین، لانه هر روح ناپاک، لانه هر پرنده ناپاک و نفرت انگیز است.» ذکر «پرنده» به ما یادآوری می کند که در پس اعمال زمینی الهامات آسمانی فرشتگان بد از اردوگاه شیطان، رهبر آنها و اولین شورش خلقت الهی نهفته است.

آیه 3: «زیرا جمیع امت ها شراب خشم زنا را نوشیده اند، و پادشاهان زمین با او زنا کرده اند، و بزرگان زمین از قدرت عیش و نوش آن ثروتمند شده اند»

چون همه ملت ها شراب خشم زناکاری او را نوشیده اند،... «تهاجم مذهبی به تحریک قدرت...» پاپ کاتولیک رومی که ادعا می کرد در خدمت عیسی مسیح است، نسبت به درس های رفتاری او کاملاً تحقیر شد. به شاگردان و حواریون خود روی زمین تعلیم داد. عیسی پر از ملامت، پاپ ها پر از خشم. عیسی، الگوی فروتنی، پاپ ها، الگوهای غرور و غرور، عیسی زندگی در فقر مادی، پاپ ها در تجمل و ثروت زندگی می کنند. عیسی جان ها را نجات داد، پاپ ها به ناحق و بی نیاز تعداد بی شماری از انسان ها را به قتل رساندند. بنابراین، این مسیحیت کاتولیک پاپ رومی هیچ شباهتی به ایمانی که عیسی به عنوان الگو ارائه کرده بود، نداشت. در دانیال، خدا «موفقیت مکرهای خود» را پیشگویی کرد، اما چرا این موفقیت حاصل شد؟ پاسخ ساده است: زیرا خداوند آن را به او داده است. زیرا باید به خاطر داشته باشیم که تحت عنوان مجازات «دومین شیپور» از مکاشفه 8:8 است که او این رژیم ظالم و خشن را برای مجازات تخلف روز سبت که از 7 مارس 321 رها شده بود، برانگیخت. با بلاهایی که اسرائیل را به دلیل بی وفایی آنها به احکام خدا می زند مطالعه کنید، در لاو. 26:19، خدا گفت: «غرور قدرت شما را خواهم شکست، بهشت شما را بازسازی خواهم کرد. مثل آهن و زمین تو مثل برنج.» در عهد جدید، رژیم پاپ برای تحقق همین نفرین ها برپا شد. در پروژه خود، خداوند در عین حال قربانی، قاضی و جلد است تا الزامات قانون عشق و عدالت کامل خود را برآورده کند. از سال 321، تخطی از سبت برای بشریت گران تمام شده است، که بهای خود را در جنگ ها و کشتارهای غیرضروری، و اپیدمی های مرگبار ویرانگر ایجاد شده توسط خدای خالق پرداخته است. در این آیه «فساد» معنوی است و رفتار ناشایست دینی را بیان می کند. «شراب» نماد آموزه های اوست که به نام مسیح «خشم» و نفرت شیاطینی را در میان همه افرادی که به خاطر او قربانی حمله یا متجاوز شده اند، ایجاد می کند.

گناه آموزه های کاتولیک نباید گناه کل بشریت را پنهان کند، زیرا تقریباً همه آنها ارزش های تعالی یافته توسط عیسی مسیح را ندارند. اگر پادشاهان زمین « شراب زنا » (فسق) « بابل » را می نوشیدند، به این دلیل است که به عنوان یک « فاحشه » تنها دغدغه او جلب رضایت مراجعین بوده است. این قانون است، مشتری باید راضی باشد در غیر این صورت دیگر بر نمی گردد. و مذهب کاتولیک طمع را تا حد جنایت و عشق به ثروت و زندگی مجلل به بالاترین حد رساند. همانطور که عیسی تعلیم داد، مانند گله با هم. مردان شریر و مغرور در هر صورت با او یا بدون او گم می شدند. یادآوری: شرارت از طریق قابیل قاتل برادرش هابیل از آغاز تاریخ زمینی وارد زندگی بشر شد. « تجار زمین از قدرت تجمل آن غنی شده اند. » این موفقیت رژیم پاپی کاتولیک رومی را توضیح می دهد. بازرگانان زمین فقط به پول اعتقاد دارند، آنها متعصب مذهبی نیستند، اما اگر دین آنها را غنی کند، شریکی قابل قبول و حتی قابل تقدیر می شود. زمینه نهایی موضوع مرا به شناسایی عمدتاً بازرگانان پروتستان آمریکایی سوق می دهد، زیرا این سرزمین از نظر معنوی مذهب پروتستان را مشخص می کند. از قرن شانزدهم، آمریکایی شمالی، که اساساً در اصل پروتستان بود، از کاتولیک های اسپانیایی استقبال کرد و از آن زمان، مذهب کاتولیک به اندازه مذهب پروتستان معرفی شد. برای این کشور، جایی که فقط «کسب و کار» اهمیت دارد، دیگر تفاوت های مذهبی مهم نیست. بازرگانان پروتستان که از لذت ثروتمند شدن که مصلح ژنو، جان کالوین، تشویق می کرد، به دست آوردند، در ایمان کاتولیک ابزاری برای ثروتمند شدن یافتند که هنجار اصلی پروتستان ارائه نمی کرد. معابد پروتستان با دیوارهای خالی خالی هستند، در حالی که کلیساهای کاتولیک مملو از آثار ساخته شده از مواد گرانبها، طلا، نقره، عاج، همه موادی هستند که این مضمون در آیه 12 فهرست می کند. بنابراین، ثروت عبادت کاتولیک برای خداوند خداوند است. تبیین تضعیف ایمان پروتستان آمریکایی دلار، مامون جدید، به جای خدا در قلب ها آمده است و موضوع آموزه ها همه علاقه خود را از دست داده است. اپوزیسیون وجود دارد اما فقط در شکل سیاسی

آیه 4: « و صدای دیگری از آسمان شنیدیم که می گفت: ای قوم من از میان او بیرون آیید تا در « گناهان او شریک نباشید و در بلاهای او شریک نباشید

آیه 4 لحظه جدایی نهایی را تداعی می کند: "ای قوم من از میان او بیرون بیایید". ساعتی است که برگزیدگان برای ملاقات عیسی به آسمان برده می شوند. آنچه این آیه نشان می دهد زمان "درو" است، موضوع مکاشفه 14:14 تا 16. آنها مورد توجه قرار می گیرند، زیرا همانطور که آیه تصریح می کند، آنها نباید در "درو" "سهمی" باشند. که به روم پاپ و روحانیون آن ضربه خواهد زد. اما متن تصریح می کند که برای قرار گرفتن در میان برگزیدگان باید « در گناهان خود شرکت نداشته باشد ». و از آنجایی که گناه اصلی، استراحت یکشنبه است، « نشان وحش » که توسط کاتولیک ها و پروتستان ها در آزمون نهایی ایمان مورد احترام قرار می گیرد، مؤمنان در این دو گروه اصلی مذهبی نمی توانند در رستاخیز برگزیدگان شرکت کنند. نیاز به "بیرون آمدن از بابل" دائمی است، اما در این آیه روح لحظه ای را هدف قرار می دهد که آخرین فرصت برای اطاعت از این فرمان خدا ایجاد می شود زیرا اعلام قانون یکشنبه پایان زمان فیض را نشان می دهد. این اعلامیه آگاهی را در میان تمام بازماندگان « ششمین شیپور » (جنگ جهانی سوم) ارتقا می دهد، که به انتخاب آنها زیر نظر خدای خالق قدرت می بخشد.

آیه 5: « زیرا گناهان او به آسمان انباشته شده است و خدا گناهان او را به یاد آورده است به قول او، روح تصویر "برج بابل" را پیشنهاد می کند که نام آن ریشه در "بابل" دارد. از سال های 321 و 538، روم، « شهر بزرگ » که « فاحشه » در آن « تخت » خود، صندلی «مقدس» پاپی او از سال 538، گناهان خود را در برابر خدا چند برابر کرده است. او به مدت 1709 سال (از سال 321) از بهشت شمارش کرد و گناهان انباشته شده خود را ثبت کرد. با بازگشت باشکوه خود، عیسی نقاب از رژیم پاپ را آشکار کرد و برای روم و قداست دروغین آن، زمان پرداختن به جنایات آنها فرا رسیده است.

آیه 6: « به او همان گونه که پرداخت کرده است، بازپرداخت کنید و دو برابر اعمالش را به او بدهید. در فنجانی که ریخت، دوتایش را بریزید

پس از برداشت محصول محصول قدیمی است. و این به Rev.14 به دنبال پیشرفت مضامین شریک ترین قربانیان کاتولیک و پروتستان از دروغهای کاتولیک است که خداوند سخنان او را خطاب می کند: "به او به اندازه ای که پرداخت کرده است بپردازید و مطابق کارهایش دو برابر به او بازگردانید". ما از تاریخ به یاد داریم که آثار او تیر و شکنجه دادگاه های تفتیش عقاید او بود. بنابراین اگر ممکن باشد،

این نوع سر نوشت است که معلمان دینی کاتولیک دو برابر بیشتر متحمل می شوند. همین پیام به این شکل تکرار می شود: « در فنجانی که ریخته، دوتایش را بریز ». تصویر جام نوشیدنی توسط عیسی برای نشان دادن شکنجه ای که بدن او قرار بود متحمل شود، تا آخرین عذاب بر روی صلیبی که قبلاً توسط روم در پای کوه گلگوتا نصب شده بود، استفاده شد. به این وسیله، عیسی به یاد می آورد که ایمان کاتولیک نسبت به رنج هایی که پذیرفت تحمل کند، تحقیر نفرت انگیزی از خود نشان داد، بنابراین نوبت اوست که آنها را تجربه کند. یک ضرب المثل قدیمی در این مرحله ارزش کامل خود را به خود می گیرد: هرگز کاری را که دوست نداری دیگران با شما انجام دهند با دیگران انجام نده. خداوند در این عمل قانون قصاص را بر آورده می کند: چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان؛ قانونی کاملاً عادلانه که او استفاده فردی از آن را محفوظ نگه داشته است. اما در سطح جمعی، اعمال آن بر انسانها مجاز بود، اما آنها آن را محکوم می کردند و فکر می کردند که می توانند عادل تر و خوبتر از خدا باشند. پیامد آن فاجعه آمیز است، شیطان و روح سرکش آن بر مردم غربی مسیحی منشاء بدتر و تسلط یافته است.

در مکاشفه 17:5، « بابل بزرگ»، « فاحشه»، « پیاله ای طلایی پر از زشتکاری های او در دست داشت ». این شفاف سازی فعالیت مذهبی او و استفاده خاص او از جام عشای ربانی را هدف قرار می دهد. بی احترامی او به این آیین مقدس که توسط عیسی مسیح تعلیم و تقدیس شده بود، مجازاتی به همان اندازه برای او به همراه داشت. خدای عشق جای خود را به خدای عدالت می دهد و فکر قضاوت او به وضوح برای مردم آشکار می شود.

آیه 7: « هر قدر که خود را تجلیل کرد و در عیش و نوش غوطه ور شد، او را عذاب و ماتم ده. «! چون در دل می گوید: ملکه نشسته ام، بیوه نیستم و ماتم نخواهم دید

در آیه 7، روح تقابل زندگی و مرگ را برجسته می کند. زندگی دست نخورده از بدبختی مرگ، شاد، بی دغدغه، بیهوده، در جستجوی لذت های جدید است. پاپ روم "بابل" به دنبال ثروتی بود که زندگی لوکس را می خرد. و برای به دست آوردن آن از قدرتمندان و پادشاهان، از نام عیسی مسیح استفاده کرده و هنوز هم استفاده می کند تا بخشش گناهان را به عنوان "افراط" بفروشد. این جزئیاتی است که در ترازوی قضاوت خدا سنگینی می کند و اکنون باید از نظر روانی و جسمی کفاره آن را بدهد. سرزنش این ثروت و تجمل بر این واقعیت است که عیسی و حواریونش بد زندگی می کردند و به آنچه لازم بود راضی بودند. بنابراین «عذاب» و «عزا» جایگزین «ثروت و تجملات» روحانیون کاتولیک پاپ رومی می شود.

بابل در حین فعالیت فریبنده خود در دل گفت: « من ملکه می نشینم ». که "سلطنت او بر پادشاهان زمین" را از مکاشفه 17:18 تأیید می کند. و طبق مکاشفه 2: 7 و 20، «تخت» او در روم است. "من بیوه نیستم"؛ شوهر او، مسیح، که او ادعا می، (پیشگویی = vaticinate) واتیکان کند همسرش است، زنده است. "و من ماتم نخواهم دید." او به همه مخالفان خود گفت که خارج از کلیسا نجاتی وجود ندارد. آنقدر آن را تکرار کرد که در نهایت آن را باور کرد. و او واقعاً متقاعد شده است که سلطنت او برای همیشه ادامه خواهد داشت. آیا از زمانی که او در آنجا اقامت داشته، نام "شهر ابدی" به رم داده نشده است؟ علاوه بر این، او که توسط قدرت های غربی زمین حمایت می شد، دلایل خوبی داشت که خود را از نظر انسانی دست نخورده و آسیب ناپذیر می دانست. از آنجایی که ادعا می کرد به او خدمت می کند و نماینده او در زمین است، از قدرت خدا نمی ترسید.

آیه 8: « به این دلیل، در یک روز بلاهای او خواهد آمد، مرگ، ماتم و قحطی، و او در آتش خواهد سوخت. زیرا خداوند خداوندی که او را داوری کرد توانا است

این آیه به تمام توهمات او پایان می دهد: « به خاطر این در یک روز ». جایی که عیسی با جلال باز می گردد، « آفت های او خواهد رسید » یا مجازات خدا فرا خواهد رسید. « مرگ و ماتم و قحطی » در واقع برعکس این است که کارها انجام می شود. ما در یک روز از گرسنگی نمی میریم، پس اولاً « گرسنگی » معنوی از دست دادن نان زندگی است که اساس ایمان دینی مسیحیت است. سپس "عزا" به نشانه مرگ افراد نزدیک به ما که احساسات خانوادگی را با آنها به اشتراک می گذاریم پوشیده می شود. و سرانجام، "مرگ" گناهکار را می زند، زیرا "مزد گناه مرگ است"، مطابق روم. 6:23. مطابق با اعلامیه های نبوی که در دانیال و مکاشفه تکرار شده است، "و آتش خواهد سوخت". خود او به ناحق آنقدر موجودات را بر آتش سوزانده بود که به عدل کامل الهی در آتش هلاک شود. « زیرا خداوندی که او را داوری کرد توانا است ». مذهب کاتولیک در طول فعالیت فریبنده خود، مریم، مادر

عیسی را که تنها به شکل کودک کوچکی که در آغوش گرفته بود، ظاهر شد. این جنبه برای ذهن انسان های مستعد احساسات گرایی جذاب بود. یک زن، بهتر است، یک مادر، چقدر دین اطمینان بخش شد! اما ساعت حقیقت است، و مسیحی که آن را قضاوت کرد، به تازگی در جلال خدای قادر مطلق ظاهر شده است. و این قدرت الهی عیسی مسیح که نقاب آن را برملا کرد، آن را از بین می برد و آن را به خشم انتقام جویانه قربانیان فریب خورده اش می رساند.

آیه 9: « و همه پادشاهان زمین که با او فحشا و عیش و نوش کرده اند، چون دود سوزان او را ببینند، برای او گریه و زاری خواهند کرد »

این آیه رفتار « پادشاهان زمین را که خود را به زنا و تجمل سپردند » آشکار می کند. شامل پادشاهان، رؤسای جمهور، دیکتاتورها، همه رهبران مللی می شود که موفقیت و فعالیت مذهب کاتولیک را ترویج داده اند و در آخرین آزمایش، تصمیم به کشتن نگهبانان سبت را تأیید کردند. وقتی دود سوختن او را ببینند، برای او گریه و زاری خواهند کرد. « بدیهی است که پادشاهان زمین وضعیت را از دست خود دور می کنند. آنها دیگر هیچ کس را رهبری نمی کنند و فقط آتش رم را که توسط قربانیان فریب خورده روشن شده است، ابزار اجرای انتقام الهی می دانند. اشکها و ناله های آنها با این واقعیت توجیه می شود که ارزش های جهان که آنها را به بالاترین قدرت رسانده است، ناگهان فرو می ریزد.

آیه 10: « ایستاده از ترس عذاب او می گویند: وای! بد شانسی! شهر بزرگ، بابل، شهر «! قدرتمند! در یک ساعت قضاوت شما فرا رسیده است »

شهر ابدی» می میرد، می سوزد و پادشاهان زمین از روم دور می شوند. آنها اکنون می ترسند» که سر نوشت او را به اشتراک بگذارند. اتفاقی که می افتد برای آنها یک بدبختی بزرگ است: « بدبختی! بد شانسی! شهر بزرگ، بابل، وای که دو بار تکرار می شود، " او سقوط کرد، او سقوط کرد، بابل بزرگ. " شهر قدرتمند! " « ; چنان قدرتمند که او از طریق نفوذش بر رهبران کشورهای مسیحی بر جهان حکومت کرد. دقیقاً به دلیل این پیوندی است که توسط خدا محکوم شده است، که پادشاه لوئیس شانزدهم و همسر اتریشی اش ماری آنتوانت و همچنین حامیان خود، قربانیان "مصیبت بزرگ"، همانطور که روح آن را اعلام کرده بود، بر داربست گیوتین سوار شدند. ، در مکاشفه 22:2-23. " در یک ساعت قضاوت شما آمد! " « ; بازگشت عیسی زمان پایان جهان را نشان می دهد. آخرین آزمایش یک «ساعت» نمادین را نشان می دهد که در مکاشفه 3:10 پیش گویی شده است، اما برای عیسی مسیح کافی است تا تمام وضعیت فعلی برعکس شود، و این بار « یک ساعت » به معنای واقعی کلمه خواهد بود. برای به دست آوردن این تغییر شگفت انگیز کافی است.

آیه 11: « و بازرگانان زمین برای او گریه و زاری می کنند، زیرا دیگر هیچ کس محموله آنها « را نمی خرد » .

روح این بار " تجار زمین " را هدف قرار می دهد، به ویژه روح تجاری آمریکایی را که توسط بازرگانان در سراسر زمین پذیرفته شده است، همانطور که در مطالعه فصل 17 قبلی ذکر شد. آنها نیز به خاطر او گریه و عزاداری می کنند، زیرا دیگر هیچ کس محموله آنها را نمی خرد. "... این آیه بر گناه محبت پروتستان ها به مذهب کاتولیک که او برای آن عزادار است، تأکید می کند، بنابراین گواهی بر وابستگی شخصی آنها به آن از روی منافع اقتصادی است. سپس، بر خلاف مطلق، کار اصلاحات توسط خدا برای تقبیح گناه کاتولیک پاپ رومی و احیای حقایق درک شده مطرح شد. آنچه اصلاح طلبان واقعی در زمان خود انجام دادند مانند پیر والدو، جان ویکلف و مارتین لوتر. بازرگانان همچنین با اندوه می بینند که ارزش هایی که دوست دارند در برابر چشمانشان فرو می ریزد، زیرا آنها فقط برای لذت بردن از ثروت خود از طریق فعالیت های تجاری خود زندگی می کنند. انجام تجارت خلاصه ای از لذت های وجود آنهاست.

آیه 12: محموله ای از طلا، نقره، سنگ های قیمتی، مروارید، کتان نازک، ارغوانی، ابریشم، قرمز مایل به قرمز، از هر نوع چوب شیرین، از هر گونه اشیاء عاج، انواع اشیاء ساخته شده از چوب، بسیار گرانبها، برنج، آهن و مرمر،

قبل از فهرست کردن مطالب مختلفی که اساس مذهب بت پرستی کاتولیک رومی هستند، این نکته خاص از ایمان واقعی را که توسط عیسی مسیح تعلیم داده شده است را در اینجا یادآوری می کنم. او به زن سامری گفته بود: عیسی به او گفت: «ای زن، باور کن ساعتی می آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش کنی. شما چیزی را می پرستید که نمی دانید؛ ما آنچه را که می دانیم می پرستیم،

زیرا نجات از یهودیان می آید. اما ساعتی فرا رسیده است که پرستندگان واقعی پدر را در روح و حقیقت پرستش خواهند کرد. زیرا اینها پرستندگانی هستند که پدر از آنها خواسته است. خدا روح است و کسانی که او را می پرستند باید او را در روح و حقیقت پرستند. (یوحنا 4: 21-23). پس ایمان واقعی نیازی به مادیات و مادیات ندارد، زیرا فقط بر اساس حالت روحی است. و در نتیجه، این ایمان واقعی چندان مورد توجه جهان طمع و دزد نیست، زیرا هیچ کس را به جز برگزیدگان از نظر روحی غنی نمی کند. برگزیدگان خدا را در روح، بنابراین در افکار خود، بلکه در حقیقت پرستش می کنند، به این معنی که افکار آنها باید بر اساس معیاری ساخته شود که خدا نشان داده است. هر چیزی خارج از این معیار نوعی بت پرستی بت پرستی است که در آن خدای واقعی به عنوان بت خدمت می شود. رم جمهوری خواه در طول فتوحات خود، ادیان کشورهای شکست خورده را پذیرفت. و بسیاری از عقاید مذهبی آن منشأ یونانی داشتند، اولین تمدن بزرگ دوران باستان. در عصر ما، به شکل پاپی، همه این میراث را می یابیم که به «قدیس های» جدید «مسیحی» پیوسته است، که از ۱۲ حواری خداوند شروع می شود. اما ایمان کاتولیک پس از آن که فرمان دوم خدا را که این عمل بت پرستانه را محکوم می کند سرکوب کرد، تحسین تصاویر حکاکی شده، نقاشی شده یا ظاهر شدن در رؤیاهای شیطانی را تداوم بخشید. بنابراین در آیین های فرقه های آن است که ما این بت های کنده کاری شده را می یابیم که برای شکل گرفتن به موادی نیاز دارند. موادی که خداوند خود فهرستی از آنها را ارائه می کند: «...؛ محموله ای از طلا، نقره، سنگ های قیمتی، مروارید، کتان ظریف، ارغوانی، ابریشم، قرمز مایل به قرمز، هر نوع چوب شیرین، هر نوع عاج، انواع اشیاء ساخته شده از چوب بسیار گرانبها، برنج، آهن و سنگ مرمر، ...» طلا، نقره، سنگ های قیمتی، و اشیاء گران قیمت «به خدای قلعه ها ادای احترام می کنند» پادشاه پاپ دان. 11:38. سپس، «بنفش و قرمز» لباس فاحشه بابل بزرگ را در مکاشفه 4:17 می پوشاند. «طلا، سنگ های قیمتی و مروارید» زینت های او هستند. طبق مکاشفه 8:19، «کتان نازک» بیانگر ادعای او برای تقدس است: «زیرا کتان نازک اعمال صالحان مقدس است.» سایر مواد ذکر شده آنهایی هستند که او بت های کنده کاری شده خود را از آنها ساخته است. این مواد مجلل بیانگر سطح بالای فداکاری عبادت کننده بت پرست کاتولیک است.

آیه 13: «دارچین، ادویه جات، عطر، مر، کندر، شراب، روغن، آرد مرغوب، گندم، گاو، گوسفند، اسب، ارابه، بدن و روح مردان

عطرها، از مر، کندر، شراب و روغن، اشاره شده است که مناسب مذهب آن را نشان می دهد. چیزهای دیگر مواد مغذی و کالاهایی هستند که به سلطنت سلیمان، پسر داوود، سازنده اولین معبدی که برای خدا ساخته شد، اشاره دارد، طبق اول پادشاهان 4:20 تا 28. به این ترتیب، روح تلاش خود را برای نامشروع محکوم می کند. ساختن «معبد خدا» را که «کفر گفتن» می کند، در مکاشفه 6:13، و باز تولید کنید. دقت نهایی آیه، در مورد «جسم و روح Dan.8:11 آن را «واژگون می کند»، در انسانها»، همکاری او با پادشاهانی را که به طور غیرقانونی در قدرت موقت با آنها شریک است، محکوم می کند. او به نام مسیح، اعمال زشتی مانند بردگی، شکنجه و کشتن مخلوقات خدا را از نظر مذهبی توجیه کرد. چیزی که خداوند در حوزه دینی برای خود نگه می دارد؛ این امر تا جایی است که او اعمال خود را این گونه خلاصه می کند: «خون همه کشته شدگان در زمین در او یافت شد»، در آیه 18 از این باب 18. خداوند به نقل از «ارواح مردم» به او نسبت می دهد. از دست دادن «ارواح» که با فعالیت و ادعاهای دینی دروغین او به شیطان تحویل داده شد.

یادآوری: در کتاب مقدس و اندیشه الهی، کلمه «نفس» بیانگر انسان از همه جهات، بدن جسمانی و اندیشه ذهنی یا روانی، عقل و احساسات اوست. نظریه ای که «روح» را به عنوان عنصری از زندگی معرفی می کند که در هنگام مرگ خود را از بدن جدا می کند و از آن زنده می ماند، صرفاً منشأ بت پرستی یونانی دارد. در عهد قدیم، خدا «روح با خون» موجودات انسانی یا حیوانی خود را یکی می داند: لاو. 14:17: «زیرا جان هر جسم، خون آن است که در آن است. از این رو به بنی اسرائیل گفتم خون هیچ گوشتی را نخورید. زیرا جان هر گوشت خون آن است، هر که آن را بخورد منقطع خواهد شد." بنابراین او دیدگاه مخالف نظریه های یونانی آینده را اتخاذ می کند و رژه کتاب مقدسی را علیه افکار فلسفی که در میان مردمان بت پرست متولد خواهد شد، آماده می کند. زندگی انسان و حیوان به عملکرد خون متکی است. خونی که در اثر خفگی ریخته یا آلوده می شود، دیگر اکسیژن را به عناصر بدن فیزیکی از جمله مغز، که پشتیبان فکر است، نمی رساند. و اگر دومی اکسیژن نگیرد، اصل فکر متوقف

می شود و پس از این مرحله آخر چیزی زنده نمی ماند. اگر نه خاطره ترکیب "روح" مرده در اندیشه ابدی خداوند با نگاه به "رستاخیز" آینده او، زمانی که او آن را "احیا" می کند یا زمانی که "دوباره آن را زنده می کند". در مورد، برای زندگی ابدی یا برای نابودی قطعی "مرگ دوم

آیه 14: « ثمراتی که روحت می خواست از تو دور شده است. و همه چیزهای ظریف و زیبا « برای تو گم شده اند و دیگر هرگز آنها را نخواهی یافت

در تأیید آنچه در آیه قبل توضیح داده شد، روح « آرزوهای » روم پاپی را به « روح » آن، یعنی شخصیت فریبنده و فریبنده آن نسبت می دهد. وارث فلسفه های یونانی، مذهب کاتولیک اولین کسی بود که سوال انتساب روح به حیوانات و انسان های کشف شده در سرزمین های جدید را مطرح کرد. در واقع پرسش پاسخ خود را دارد. بر اساس انتخاب فعل کمی درست است: انسان روح ندارد، زیرا او روح است.

ایجاد و آشکار کرد، خلاصه می کند. Ecc.9: 5-6-10 روح پیامدهای مرگ واقعی را که در این جزئیات در نوشته های اتحاد جدید تمدید خواهد شد. بنابراین ما اهمیت مطالعه کل کتاب مقدس را می بینیم. ویران شده، « بابل » برای همیشه « میوه هایی را که روحش می خواست » و « همه چیزهای ظریف و باشکوه » را که او قدردانی می کرد و به دنبال آن بود، « از دست خواهد داد ». اما روح همچنین تصریح می کند: " برای شما "; زیرا برگزیدگان، بر خلاف او، می توانند تا ابد قدردانی از شگفتی هایی را که خداوند با آنها در میان خواهد گذاشت، گسترش دهند.

آیه 15: « تاجران این چیزها که از آن ثروتمند می شوند، از ترس عذاب آن، خود را دور نگه می دارند. آنها گریه و سوگواری خواهند کرد

در آیات 15 تا 19، روح « تاجرانی را که از آن غنی شده بودند » هدف قرار می دهد. تکرارها تأکید بر عبارت « در یک ساعت » را که سه بار در این فصل تکرار شده است، و همچنین فریاد « وای! بد شانسی! ». عدد 3 نماد کمال است. از این رو، خداوند اصرار دارد که خصلت غیر قابل برگشت اعلام نبوی را تأیید کند. این عذاب با کمال الهی تحقق خواهد یافت. فریاد: « وای! بد شانسی! »، که توسط بازرگانان راه اندازی شد، فریاد هشداری را که توسط برگزیدگانش در مکاشفه 14:8 به راه انداختند، منعکس می کند: " او سقوط کرده است! او افتاد! بابل بزرگ. « این بازرگانان، « از ترس عذاب آن »، نابودی آن را از دور تماشا می کنند. و حق دارند که از این میوه خشم عادلانه خدای زنده بترسند، زیرا با پشیمانی از نابودی آن، خود را در اردوگاه او قرار می دهند و به نوبه خود با خشم انسانی قاتل قربانیان تسلیم ناپذیر فریب مذهبی نابود خواهند شد. این آیه ما را متوجه مسئولیت عظیم منافع تجاری برای موفقیت کلیسای کاتولیک روم می کند. « بازرگانان » از روسپی و بدترین تصمیمات ظالمانه و مستبدانه او، صرفاً از روی اشتیاق به غنی سازی مالی و مادی حمایت کردند. آنها چشم خود را بر تمام سوء استفاده های بسیار نفرت انگیز او بستند و سزاوار این هستند که در سرنوشت نهایی او سهیم شوند. یک مثال تاریخی مربوط به پارسی هایی است که از آغاز اصلاحات در زمان شاه فرانسیس اول پس از او، طرف مذهب کاتولیک را در مقابل مذهب اصلاح طلب گرفتند.

آیه 16: « و گوید: وای! بد شانسی! شهر بزرگی که لباس کتان نازک و ارغوانی و قرمز داشت «! و با طلا و سنگهای قیمتی و مروارید آراسته بود! در یک ساعت این همه ثروت از بین رفت

این آیه هدف را تأیید می کند: « بابل بزرگ، ملبس به کتان نازک، ارغوانی و قرمز »؛ رنگهای خرقه پادشاهان است، زیرا به همین دلیل است که سربازان رومی مسخره، شانه های عیسی را با خرقه ای به رنگ ارغوانی می پوشانند. آنها نمی توانستند معنایی را که خدا به عمل آنها داده است تصور کنند: عیسی به عنوان یک قربانی کفاره، حامل گناهان برگزیدگان خود شد که با این رنگ ها، زرشکی یا ارغوانی مشخص شده بودند. مطابق با عیسی 1:18. « یک ساعت » برای نابودی روم، پاپ و روحانیون آن کافی خواهد بود، پس از بازگشت با شکوه عیسی مسیح که برای جلوگیری از مرگ برگزیدگانش آمده است. در این آزمون نهایی، وفاداری آنها همه تفاوت را ایجاد خواهد کرد، بنابراین می توانیم بفهمیم که چرا خدا به ویژه بر تقویت ایمان آنها و اعتماد مطلق که باید به او عادت کنند، اصرار دارد. برای مدت طولانی، انسان فقط می توانست متقاعد شود که چنین ویرانی « در یک ساعت » یک معجزه و در نتیجه مداخله مستقیم خداوند است، مانند سدوم و گومورا. در زمان ما که انسان بر آتش هسته ای مسلط شده است، این کمتر تعجب آور است.

آیه 17: " و همه خلبانان، همه کسانی که به این مکان می روند، ملوانان، و همه کسانی که در دریا کار می کنند، دور ایستاده بودند "

این آیه به ویژه « کسانی که از دریا استثمار می کنند، خلبانان، ملوانانی که به این مکان سفر می کنند، همه دور نگه داشته شده اند » را هدف می گیرد. با بهره گیری از تمایل پادشاهان برای ثروتمند شدن خود بود که کلیسای پاپ خود غنی شد. او از فتح سرزمین های ناشناخته برای مردان تا زمان کشف آن ها حمایت کرد و آن ها را توجیه کرد، زمانی که بندگان کاتولیک او قتل عام های وحشتناکی را بر مردم به نام عیسی مسیح انجام دادند. این عمدتاً مورد آمریکای جنوبی و اکتشافات خونین به رهبری ژنرال کورتس بود. طلای استخراج شده از این سرزمین ها به اروپا بازگردانده شد تا پادشاهان کاتولیک و حکومت پاپ را غنی کند. علاوه بر این، اصرار بر جنبه دریایی به ما یادآوری می کند که به عنوان رژیم "جانوری که از دریا برمی خیزد" است که پیوند او با " ملوانان " برای غنی سازی مشترک آنها تقویت شد.

آیه 18: « و چون دود آتش آن را دیدند فریاد زدند که چه شهری شبیه شهر بزرگ است؟ کدام شهر مانند شهر بزرگ بود؟ ملوانان با دیدن « دود آتش سوزی آن » فریاد بزنند. پاسخ » سریع و ساده است: هیچ. زیرا هیچ شهری به اندازه یک شهر امپراتوری، مدنی و پس از آن از سال 538 قدرت متمرکزی نداشته است. مذهب کاتولیک به تمام سرزمین های کره زمین صادر شده است، به جز در روسیه که مذهب ارتدوکس شرقی آن را رد کرد. چین نیز پس از استقبال از او به جنگ و آزار او پرداخت. اما امروزه همچنان بر کل غرب و برجستگی های آن در آمریکا، آفریقا و استرالیا تسلط دارد. این اولین مکان گردشگری مذهبی در جهان است که بازدیدکنندگان را از سراسر جهان به خود جذب می کند. برخی برای دیدن "ویرانه های باستانی" می آیند، برخی دیگر برای دیدن محل اقامت پاپ و کاردینال هایش به آنجا می روند.

آیه 19: « و خاک بر سر خود ریختند و گریه کردند و ماتم گرفتند و فریاد زدند و گفتند: وای! بد شناسی! شهر بزرگی که همه کسانی که در دریا کشتی داشتند با عظمتش غنی شده بودند، در یک ساعت نابود شد »

این سومین تکرار است که در آن تمام عبارات قبلی و همچنین توضیح " در یک ساعت نابود شد " با هم جمع می شوند. شهر بزرگی که در آن همه کسانی که روی دریا کشتی دارند، با ثروتش ثروتمند شده اند. « این اتهام بسیار روشن می شود، از طریق ثروتمندی رژیم پاپی بود که کشتی داران دریایی با آوردن ثروت های جهان به روم ثروتمند شدند. رم غنی سازی خود را از تقسیم اموال مخالفانش به دست می آورد که توسط متحد همیشگی اش، قدرت سلطنتی مدنی، شاخه مسلح آن کشته شده اند. به عنوان یک نمونه تاریخی، ما مرگ "معبدها" را داریم که دارایی آنها بین تاج فیلیپ لو بل و روحانیون کاتولیک رومی تقسیم شد. بعداً این مورد برای "پروتستان ها" خواهد بود.

آیه 20: « بهشت، بر او شادی کن! و شما نیز ای مقدسین و رسولان و پیامبران شاد باشید! زیرا « خداوند در قضاوت او عدالت را با شما انجام داده است »

روح ساکنان آسمان و مقدسین راستین، رسولان و پیامبران زمین را دعوت می کند تا در نابودی بابل روم شادی کنند. بنابراین شادی متناسب با دردها و رنج هایی خواهد بود که او انجام داد یا می خواست بندگان خدای حقیقت را با توجه به آخرین برگزیدگان وفادار به سبب مقدس تحمل کند.

آیه 21: « آنگاه فرشته ای توانا، سنگی مانند سنگ آسیاب بزرگ را گرفت، آن را به دریا افکند. و گفت: شهر بزرگ بابل نیز به خشونت فرو ریخته خواهد شد و دیگر یافت نخواهد شد »

مقایسه رم با " سنگ " سه ایده را نشان می دهد. اولاً، پاپری با عیسی مسیح رقابت می کند که نشان داده شده است: « تو نگاه می کردی، وقتی سنگی بدون کمک Dan.2:34 خود با یک « سنگ » در دست باز شد و به پای های آهنی و گلی اصابت کرد. تصویر، و آنها را تکه تکه کرد. « آیات دیگر کتاب Psa.118:22 به او نسبت می دهند. " گوشه اصلی " در Zac.4:7 مقدس نیز این نماد « سنگ » را در عیسی سنگی است که شما می سازید، سنگی است که شما می سازید و " Act.4:11 مت.21:42; و رئیس گوشه شده است. " ایده دوم کنایه از ادعای پاپ برای جانشینی رسول « پطرس » است. عامل تقبیح شده Dan.8:25 اصلی " موفقیت کار های او و موفقیت نیرنگ هایش "، چیز هایی که توسط خدا در است. این بیشتر بیشتر است زیرا پیتر رسول هرگز رئیس کلیسای مسیحی نبود زیرا این عنوان به خود عیسی مسیح می رسد. بنابراین " حیل " پاپ نیز " دروغ " است. سومین پیشنهاد مربوط به نام دژ مذهبی

پاپ است، کلیسای معتبر آن به نام «سنت پیتر روم»، که ساخت و ساز بسیار گران قیمت آن منجر به فروش «معافیت‌ها» شد که نقاب آن را در چشم راهب اصلاح‌گر مارتین لوتر آشکار کرد. این توضیح همچنان با ایده دوم مرتبط است. سابت و اتیکان به عنوان یک قبرستان عمل می‌کرد، اما مقبره فرضی پطرس رسول خداوند در واقع متعلق به "سیمون پیتر جادوگر"، عبادت‌کننده و کشیش خدای مار به نام آسکولاپیوس بود.

با بازگشت به روزگار ما، روح بر علیه «بابل» روم پیشگویی می‌کند. وی تخریب آینده آن را با تصویر «سنگ آسیاب بزرگ» از «سنگ» مقایسه می‌کند که «فرشته‌ای به دریا می‌اندازد». با این مثال، او اتهامی را به روم می‌آورد که در متی 18: 6 ذکر شده است: «اما اگر کسی یکی از این بچه‌های کوچک را که به من ایمان دارند رسوا کند، برای او بهتر است که سنگ آسیاب به گردنش آویخته شود. و آن را به قعر دریا انداخت. و در مورد او فقط یکی از این کوچولوها را که به او ایمان دارند رسوا نکرد، بلکه بسیاری را رسوا کرد. یک چیز قطعی است و آن این است که زمانی که "ویران شود، دیگر هرگز پیدا نخواهد شد". او دیگر هرگز کسی را آزار نخواهد داد.

آیه 22: «و دیگر صدای چنگ، نوازنده، فلوت و شیپور در میان شما شنیده خواهد شد، هیچ صنعتگری در میان شما یافت نخواهد شد، دیگر صدای سنگ آسیاب را در خانه شما نخواهد شنید روح سپس صداهای موسیقی را برمی‌انگیزد که بیانگر بی‌خیالی و شادی ساکنان روم است. پس از نابودی، دیگر صدای آنها در آنجا شنیده نخواهد شد. از لحاظ معنوی اشاره ای به فرستادگان خدا دارد که سخنانشان با همان جلوه صدای موسیقی «نوازندگان فلوت یا شیپور» شنیده می‌شد. تصویری که در متی 17: 11 آمده است. او همچنین به «صداهای» تولید شده توسط صنعتگرانی که پیش از حد سفارش کار می‌کردند، اشاره می‌کند، زیرا از یک شهر باستانی فقط «صداهایی» از فعالیت‌های حرفه‌ای بیرون می‌آمد، از جمله «صدای سنگ آسیاب» که به آسیاب کردن دانه غلات یا تیز کردن تبدیل می‌شد. ابزار بریدن مانند داس و داس، چاقو و شمشیر. این قبلاً در بابل کلدانی باستان، مطابق با Jer.25:10.

آیه 23: «نور چراغ دیگر در میان شما نخواهد درخشید، و صدای داماد و زن دیگر در میان شما شنیده نخواهد شد، زیرا تاجران شما بزرگان زمین بودند، زیرا همه امت‌ها بودند. فریفته افسون‌های تو

نور چراغ دیگر در خانه شما نمی‌تابد.» به زبان روحانی، روح به روم هشدار می‌دهد که نور کتاب مقدس دیگر به او فرصت روشن شدن برای شناخت حقیقت مطابق خدا را نخواهد داد. تصاویر تکرار می‌شوند، اما «آوازهای داماد و عروس» در اینجا تبدیل می‌شود «صدای داماد و Jer.25:10 عروسی که دیگر در خانه شما شنیده نمی‌شود». از نظر روحی، آنها صداهای فراخوانی هستند که توسط مسیح و مجلس منتخب او به ارواح گمشده برای تبدیل شدن و نجات داده شده است. این امکان پس از نابودی برای همیشه از بین خواهد رفت. «زیرا بازرگانان تو بزرگان زمین بودند.» از طریق اغوای مردمان بزرگ زمین بود که روم توانست مذهب کاتولیک خود را به بسیاری از مردمان زمین گسترش دهد. او از آنها به عنوان نمایندگان تجارت مذهبی خود استفاده کرد. و نتیجه این است که "همه ملت‌ها فریب افسون‌های شما را خورده اند." در اینجا، خداوند توده‌های کاتولیک را به عنوان «افسون‌هایی» توصیف می‌کند که ویژگی فرقه‌های بت پرستان جادوگران و جادوگران شیطانی است. درست است که مذهب کاتولیک با استفاده از فرمول‌های تکراری فرمالیستی، تکرارهای بیهوده، فضای کمی برای خدای Dan.11:39 خالق برای بیان خود باقی می‌گذارد. او حتی سعی نمی‌کند این کار را انجام دهد، زیرا در یک «خدای بیگانه» به او نسبت می‌دهد و هرگز او را به عنوان یک خدمتکار نشناخت. «نایب پسر خدا»، عنوان پاپ، نایب او نیست. آیه زیر دلیل را بیان می‌کند.

«آیه 24: «و چون خون انبیا و اولیا و همه کشته شدگان روی زمین در او یافت شد

و چون خون انبیا، اولیا در آن یافت شد»: «خشن، انعطاف‌ناپذیر، بی‌احساس و بی‌رحمانه...» در طول تاریخ خود، روم راه خود را از طریق خون قربانیان خود باز کرده است. این در مورد روم بت پرست صدق می‌کرد، بلکه برای روم پاپی که پادشاهان را مجبور به کشتن مخالفان خود می‌کرد، بندگانی که توسط خدا روشن شده بودند و جرات می‌کردند ماهیت شیطانی آن را محکوم کنند، صادق بود. برخی از آنها مانند والدو، ویکلیف و لوتر توسط خدا محافظت می‌شدند، برخی دیگر محافظت نمی‌شدند و به عنوان شهدای ایمان، روی چوب، بلوک، ستون یا چوبه دار به زندگی خود پایان دادند. چشم

انداز نبوی توقف قطعی عمل آن تنها می تواند ساکنان آسمان و مقدسین واقعی زمین را شاد کند. «... و از همه کسانی که روی زمین کشته شده اند»: هر که این قضاوت را می کند می داند که در مورد چه چیزی صحبت می کند، زیرا او اعمال روم را از زمان تأسیس آن در سال 747 قبل از میلاد دنبال کرده است. وضعیت جهان آخرالزمان آخرین ثمره ای است که مغرب فاتح و سلطه گر بر دیگر مردمان زمین به بار آورده است. روم سلطنتی که در آن زمان جمهوری خواه بود، مردمان زمین را که تحت سلطه خود درآورده بود، بلعید. الگوی این جامعه همان 2000 سال مسیحیت راستین و کاذب باقی مانده است. پس از آن، روم بت پرست، روم پاپی تصویر صلح مسیح را از بین برد و الگوی را که می توانست برای مردم خوشبختی به ارمغان آورد از بشریت سلب کند. با توجه کشتار بره های واقعی شاگردان عیسی مسیح، راه را برای درگیری های مذهبی که بشریت را به سمت یک جنگ جهانی سوم نسل کشی وحشتناک سوق می دهد، باز کرده است. بی دلیل نیست که हजार بریدن گلو به صورت علنی توسط گروه های اسلامی مسلح به نمایش گذاشته می شود. این نفرت از اسلام پاسخی دیر هنگام به جنگ های جنگ های صلیبی است که اوربان دوم از کلرمون-فران در 27 نوامبر 1095 آغاز کرد.

مکاشفه 19: نبرد آرماگدون عیسی مسیح

آیه 1: « پس از این، صدای بلند گروهی عظیم را در آسمان شنیدم که می گفتند: «آلویا! نجات، جلال و قدرت از آن خدای ماست»

در ادامه فصل 18 قبلی، برگزیدگان رستگار شده و نجات یافته خود را در بهشت می بینند، حاملان « نام جدید » که ماهیت آسمانی جدید آنها را مشخص می کند. شادی و سرور سلطنت می کند و فرشتگان آسمانی وفادار خدای ناجی را تجلیل می کنند. این « جمعیت » تعدادی « با » جمعیتی که هیچ کس نمی توانست آن ها را بشمارد « که در مکاشفه 7:9 ذکر شده است، متفاوت است. این مجموعه ای از فرشتگان آسمانی مقدس خدا را نشان می دهد که " جلال " او را تعالی می بخشند، زیرا در آیه 4،

برگزیدگان زمینی که نماد " 24 پیر " هستند، پاسخ خواهند داد و پایبندی خود را به سخنان بیان شده با گفتن: " آمین! « یعنی: به راستی

ترتیب اصطلاحات « نجات، جلال، قدرت » منطق خود را دارد. " نجات " به برگزیدگان زمینی و فرشتگان مقدس داده شد که " جلال " را به خدای خالق بخشیدند که برای نجات آنها، " قدرت " الهی خود را برای نابودی دشمنان مشترک فراخواند.

آیه 2: « زیرا داوری های او راست و عادلانه است. زیرا او فاحشه بزرگی را که به وسیله زنا خود زمین را فاسد کرد، داوری کرده است و انتقام خون بندگان را با درخواست آن از دست خود بگرفته است »

منتخبانی که عطش حقیقت و عدالت واقعی را مشترک داشتند، اکنون کاملاً راضی و برآورده شده اند. بشریت بریده از خدا در جنون کور خود فکر می کرد که می تواند با نرم کردن معیار عدالت خود، خوشبختی آخرین مردم را به ارمغان بیاورد. تنها شر از این انتخاب استفاده کرد و مانند قانقاریا به تمام بدن بشریت هجوم آورد. خدای خوب و مهربان در داوری خود درباره « بابل بزرگ » نشان می دهد که کسی که می میرد باید از مرگ رنج ببرد. این یک عمل کینه توزانه نیست، بلکه یک عمل عدالتخواهانه است. بنابراین، وقتی دیگر نمی داند مجرم را چگونه مجازات کند، عدالت به بی عدالتی تبدیل می شود.

« آیه 3: « و بار دوم گفتند هلولیا! ... و دودش تا ابد بالا می رود

تصویر گمراه کننده است، زیرا " دود " آتشی که رم را ویران کرد پس از نابودی آن ناپدید می شود. « اعصار » اصل ابدیت را مشخص می کند که فقط به فاتحان آزمایش های جهانی آسمانی و زمینی مربوط می شود. در این تعبیر کلمه دود حکایت از نابودی دارد و تعبیر قرنها به آن اثر جاودانه یعنی نابودی قطعی می دهد. او دیگر هرگز بلند نخواهد شد در واقع، در بدترین حالت، ممکن است « دود » در ذهن زندگان به عنوان خاطره ای از یک عمل باشکوه الهی که توسط خداوند علیه روم، دشمن خونین انجام شده، بلند شود.

آیه 4: « و بیست و چهار پیر و چهار موجود زنده به زمین افتادند و خدا را بر تخت نشسته « عبادت کردند و گفتند: آمین! سپاس خداوند را

در حقیقت! ستایش خداوند! ... رستگاران زمین و جهانیانی که پاک مانده اند با هم بگویند. عبادت خدا با سجده مشخص می شود؛ یک فرم قانونی که منحصرأ برای آن محفوظ است.

آیه 5: « و صدایی از تاج و تخت بلند شد که می گفت: « ای همه بندگان او که از او می ترسی، « اعم از کوچک و بزرگ، خدای ما را ستایش کن

این صدا صدای « مایکل »، عیسی مسیح است، دو عبارت آسمانی و زمینی که تحت آن خداوند خود را به مخلوقاتش نشان می دهد. عیسی می گوید: « شما که از او می ترسیدید »، بنابراین « ترس » خدا را که در پیام فرشته اول مکاشفه 7:14 خواسته بود، به یاد می آورد. « ترس از خدا » تنها نگرش هوشمندانه موجودی را نسبت به خالق خود که بر او قدرت حیات و مرگ دارد خلاصه می کند. همانطور که کتاب مقدس در اول یوحنا 4: 17-18 تعلیم می دهد: " عشق کامل ترس را از بین می برد: " همانطور که او هست، ما نیز در این دنیا هستیم: در این است عشق در ما کامل است تا در روز اطمینان داشته باشیم. از قضاوت ترس در عشق نیست، اما عشق کامل ترس را از بین می برد. زیرا ترس مستلزم مجازات است و کسی که می ترسد در عشق کامل نیست. « بنابراین، برگزیده هر چه بیشتر خدا را دوست داشته باشد، بیشتر از او اطاعت می کند و دلیل کمتری برای ترسیدن از او دارد. برگزیدگان را خداوند از میان کوچکترها، مانند رسولان و شاگردان فروتن، بلکه از بزرگانی مانند پادشاه بزرگ نبوکدنصر انتخاب می کند. این پادشاه پادشاهان زمان خود نمونه کاملی است که هر چقدر هم که در بین مردم بزرگ باشد، پادشاه در برابر خدای خالق قادر، موجودی ضعیف است.

آیه 6: « و شنیدم مانند صدای جمعیت عظیم، مانند صدای آبهای بسیار، و مانند صدای رعد بلند، « که می گفت: « هلولیا! زیرا یهوه خدای ما قادر مطلق به پادشاهی خود وارد شده است

این آیه عباراتی را که قبلاً دیده شده است گرد می آورد. « جمعیت بسیار » در مقایسه با « صدای آبهای بسیار » توسط خالق آن در مکاشفه 15:1 نشان داده شده است. " صداهایی " که خود را بیان می کنند آنقدر " بیشتر " هستند که فقط می توان آنها را با غرش ها، " سر و صدای صداها " مقایسه کرد. رعد. " هلولیا! زیرا یهوه خدای ما قادر مطلق به پادشاهی خود وارد شده است. « این پیام، عمل

« هفتمین شیپور » را در مکاشفه 11:17 نشان می‌دهد: « ما از تو سپاسگزاریم، ای خداوند خدای قادر مطلق، که هستی و هستی، زیرا قدرت عظیم خود را درک کرده‌ای و پادشاهی خود را در اختیار گرفته‌ای. »

آیه 7: « شاد و شادی کنیم و او را جلال دهیم. زیرا ازدواج بره فرا رسیده است و عروس است ، خود را آماده کرده است ،

شادی " و " شادی " کاملاً موجه است، زیرا زمان " مبارزه " گذشته است. در « جلال » « آسمانی، « عروس »، مجمع برگزیدگان نجات یافته زمین به « داماد » خود، مسیح، خدای زنده « مایکل «، یهوه، پیوسته است. در حضور همه دوستان آسمانی خود، نجات یافتگان و عیسی مسیح جشن « عروسی » را که آنها را متحد می کند جشن خواهند گرفت. " عروس خود را آماده کرد " با بازگرداندن تمام حقایق الهی که ایمان کاتولیک در نسخه خود از ایمان مسیحی ناپدید کرد. " آماده سازی " طولانی بوده است و در طول 17 قرن تاریخ دینی ساخته شده است، اما به ویژه از سال 1843، تاریخ آغاز تقاضای الهی برای بازسازی های مختلف که ضروری شده است، یعنی تمام حقایقی که توسط اصلاح طلبان پروتستان تحت تعقیب احیا نشده است. تکمیل این آماده سازی توسط آخرین ادونتیست های روز هفتم ناراضی انجام شد که تا انتها در تأیید خدا و نوری که عیسی به او داد باقی ماندند و قبلاً تا آغاز سال 2021 که من این نسخه از چراغ های آن را می نویسم

آیه 8: « و به او داده شد تا لباسی از کتان نازک، درخشان و پاک بپوشد. زیرا کتان نازک اعمال « صالحان مقدس است

کتان نفیس « نشان دهنده « اعمال عادلانه قدیسان «آخرین واقعی» است. « این " آثار " که « خداوند آنها را " عادل " می نامد، ثمره آیات الهی است که از سال 1843 و 1994 به طور متوالی ارائه شده است. این اثر آخرین میوه ای است که الهامات الهی را که از سال 2018 به کسانی که دوستشان دارد نشان می دهد و برکت می دهد و برای " آماده می کند " عروسی « که در این آیه ذکر شده است. اگر خداوند به « اعمال عادلانه « اولیای راستین خود برکت دهد، برعکس، لعنت کرد و جنگید تا آن را نابود کرد، لشکر اولیای دروغین را که « اعمال « آنها « ظالم» بود

آیه 9: « و فرشته به من گفت، بنویس: خوشا به حال کسانی که به شام عروسی بره دعوت شده اند! و به من گفت: این سخنان سخنان راستین خداوند است

این سعادت به قدیسان باز خرید شده با خون عیسی مسیح تعلق می گیرد که پیشگامان آن مربوط ورود به بهشت برای ابد در واقع دلیلی برای Apo.7 از X 12 X 1000 به خون دان بودند . 12 خوشبختی بزرگ است که کسانی را که این شانس را دارند از نظر الهی " خوشحال " می کند. شانس تنها عامل بهره مندی از این امتیاز نیست، بلکه پیشنهاد نجات توسط خداوند به عنوان "فرصت دوم" پس از وراثت و محکومیت گناه اولیه به ما ارائه می شود. وعده رستگاری و شادی های بهشتی آینده به عنوان تعهد شفاهی خداوند شایسته ایمان ما است زیرا او به طور دائم به تعهدات خود عمل می کند. آزمایشات روزهای آخر مستلزم یقیناتی است که شک و تردید دیگر جایی در آنها نخواهد داشت. برگزیدگان باید بر ایمانی که بر اساس وعده های وحی شده خداوند بنا شده است تکیه کنند، زیرا آنچه نوشته شده قبلاً گفته شده است. به همین دلیل است که کتاب مقدس، کتاب مقدس ، کلمه خدا نامیده می شود

آیه 10: « و به پای او افتادم تا او را بپرستم. اما او به من گفت: مواظب باش این کار را نکن! من هم خدمت شما و برادران شما هستم که شهادت عیسی را دارند. خدا را بپرستید. زیرا شهادت عیسی « روح نبوت است

خدا از خطای جان سوء استفاده می کند تا محکومیت خود را از ایمان کاتولیک که به اعضای خود این نوع ستایش مخلوق را می آموزد، برای ما آشکار کند. اما مذهب پروتستان را نیز مورد هدف قرار می دهد که با احترام به "روز خورشید" بت پرستان که از روم به ارث رسیده است، مرتکب این خطا می شود. فرشته ای که با او صحبت می کند بدون شک "جبرئیل" رهبر رسالت الهی نزدیک به خدا است که قبلاً به دانیال و مریم، مادر "جانشین" عیسی ظاهر شد. «جبرئیل» همانقدر که او بلند مرتبه است، همان فروتنی عیسی را نشان می دهد. او فقط تا آخرین منتخب ادونتیست های مخالف در آخرالزمان مدعی عنوان « همراه در خدمت » جان است. از سال 1843، برگزیدگان « شهادت عیسی » را با خود دارند که طبق این آیه «روح نبوت» را نشان می دهد. ادونتیست ها، به زیان خود، این « روح نبوت » را به کاری که الن جی وایت، فرستاده خداوند بین سال های 1843 و 1915 انجام داد، محدود کرده اند.

بنابراین، آنها خودشان محدودیتی برای نور داده شده توسط عیسی تعیین کرده اند. با این حال، «روح نبوت» موهبتی دائمی است که از یک رابطه معتبر بین عیسی و شاگردانش ناشی می‌شود و بیش از هر چیز مبتنی بر تصمیم او برای سپردن مأموریت به خدمتکاری است که او با تمام اقتدار الوهیت خود انتخاب می‌کند. این اثر گواه بر این است: "روح نبوت" هنوز بسیار فعال است و می‌تواند تا پایان جهان ادامه یابد.

آیه 11: «سپس آسمان را دیدم که باز شد و اینک اسبی سفید ظاهر شد. کسی که بر او سوار شد، امین و راستگو نامیده می‌شود و به عدالت داوری می‌کند و می‌جنگد»

در این صحنه، روح ما را قبل از پیروزی نهایی و نابودی «بابل کبیر» به زمین می‌برد. روح لحظه ای را به تصویر می‌کشد که در بازگشت، مسیح با شکوه با شورشیان زمینی مقابله می‌کند. در عیسی مسیح جلال یافته، خدا از نامرئی خود بیرون می‌آید: «بهشت باز است». او در تصویر «نخستین مهر» در مکاشفه 6: 2 ظاهر می‌شود، به عنوان یک سوار، رهبر، که «به عنوان یک پیروز و برای تسخیر» تصویر اردوگاه خود را که با خلوص و قداست مشخص شده است، حرکت می‌کند. نام «وفادار و راستین» که او در این صحنه به خود می‌دهد، عمل را در امتداد آخرین باری قرار می‌دهد که با نام «لئودیسه» در مکاشفه 3: 14 پیش‌گویی شده است. این نام به معنای «مردم قضاوت شده» است که در اینجا با دقت تأیید می‌شود: «قضاوت می‌کند». روح با بیان اینکه «با عدالت می‌جنگد»، لحظه «نبرد آرمگدون» در مکاشفه 16: 16 را تداعی می‌کند که در آن با اردوگاه بی‌عدالتی که توسط شیطان رهبری می‌شود می‌جنگد و با افتخاری که به آن داده می‌شود متحد می‌شود. "روز خورشید" که از کنستانتین اول، پاپ‌های کاتولیک رومی به ارث رسیده است.

آیه 12: «چشمان او مانند شعله آتش بود. روی سرش چند دیام بود. او نام مکتوب داشت که کسی جز خودش آن را نمی‌داند»

با دانستن متن صحنه، می‌توانیم درک کنیم که «چشم‌های او» در مقایسه با «شعله آتش» به اهداف خشم او نگاه می‌کند، شورشیان متحد «آماده نبرد» از مکاشفه 9: 7-9 بودند، یعنی از آنجا که 1843. معنای "چندین بند" که بر سر او پوشیده شده است در آیه 16 این فصل آورده خواهد شد: او "پادشاه پادشاهان و رب الارباب" است. «نام مکتوب او که هیچ کس جز خودش آن را نمی‌داند» نشان دهنده ماهیت ابدی الهی اوست.

«آیه 13: «و جامه‌ای که به خون رنگ شده بود پوشیده بود. نام او کلام خداست»

این "لباس آغشته به خون" دو چیز را مشخص می‌کند. اولی عدالت اوست که با ریختن «خون» خود برای رستگاری برگزیدگانش به دست آورد. اما این فداکاری داوطلبانه توسط او برای نجات برگزیدگانش مستلزم مرگ متجاوزان و جفاگران آنهاست. طبق اشعیا 63 و مکاشفه 14: 17 تا 20، «لباس» او دوباره با «خون» پوشیده خواهد شد، اما این بار لباس دشمنانش خواهد بود که «در شراب انگورهای خشم خدا پایمال شده اند». این نام «کلام خدا» اهمیت حیاتی خدمت زمینی عیسی و مکاشفه‌های او را که پس از رستاخیز او به طور متوالی بر روی زمین و از آسمان داده شده، آشکار می‌کند. نجات دهنده ما خود خدا بود که در ظاهری زمینی پنهان شده بود. تدریس دائمی او که توسط مقامات منتخب او دریافت می‌شود، تفاوت بین اردوگاه نجات یافته و اردوگاه از دست رفته را ایجاد خواهد کرد.

آیه 14: «لشکریان در آسمان سوار بر اسب‌های سفید، ملبس به کتان نازک، سفید و خالص، به «دنبال او رفتند»

تصویر با شکوه است، "سفید" خلوص، تقدس اردوگاه خدا و انبوه فرشتگان آن را که وفادار مانده اند، مشخص می‌کند. «کتان نازک» اعمال «عادلان» و پاک آنها را آشکار می‌کند.

آیه 15: «از دهان او شمشیری تیز بیرون آمد تا امتها را بزند. او آنها را با عصای آهنین شبانی». خواهد کرد. و شراب خشم شدید خدای متعال را زیر پا خواهد گذاشت

کلام خدا «کتاب مقدس را تعیین کرد»، «کلام» مقدس آن که آموزه‌هایش را که برگزیده را «در حقیقت الهی آن راهنمایی می‌کرد، گرد هم آورد. در روز بازگشت، «کلام خدا» مانند «شمشیری تیز» می‌آید تا دشمنان سرکش، معترض و متعصب او را بکشد، آماده ریختن خون آخرین برگزیدگانش. نابودی دشمنان او عبارت "او با میله ای آهنین بر آنها حکومت خواهد کرد" را روشن می‌کند که همچنین نشان دهنده کار داوری است که توسط برگزیدگانی که بر طبق مکاشفه 2: 27 پیروز خواهند شد، انجام می‌شود. طرح انتقام الهی که در مکاشفه 17: 14 تا 20 نامیده می‌شود، دوباره در اینجا تأیید

توسعه یافته است که در آن روح مشخص می کند که خدا به تنهایی Isa.63 می شود. این موضوع در بدون هیچ انسانی با او عمل می کند. دلیل آن این است که مقامات منتخب که قبلاً به بهشت برده شده اند، شاهد درامی نیستند که شورشیان را درگیر می کند.

« آیه 16: » بر جامه و روی ران خود نامی نوشته شده بود: پادشاه پادشاهان و رب الارباب

لباس " نشان دهنده آثار یک موجود زنده است و " ران او " قدرت و قدرت او را نشان می دهد، زیرا یکی از جزئیات مهم، او به عنوان یک سوار ظاهر می شود و برای ایستادن بر اسب، ماهیچه های " ران " ، بیشتر انسانها در معرض آزمایش قرار می گیرند و عمل را ممکن می سازند یا نه. تصویر او به عنوان یک سوارکار در گذشته قابل توجه بود زیرا این ظاهری بود که جنگجویان جنگجو داشتند. امروز ما با نماد این تصویر باقی مانده ایم که به ما می گوید سوار معلمی است که بر گروهی از انسان ها که نماد آن « اسب » سوار شده است، تسلط دارد. چیزی که عیسی عروج می کند مربوط به برگزیدگان او است که در حال حاضر در سراسر زمین پراکنده هستند. نام او « پادشاه پادشاهان و رب الارباب » موضوع تسلی واقعی برای برگزیدگان محبوبش است که تحت فرمان ناعادلانه پادشاهان و اربابان زمین هستند. این موضوع شایسته توضیح است. الگوی سلطنت زمینی بر اساس اصول مورد تایید خداوند طراحی نشده بود. در واقع، خداوند بر اساس درخواست خود ، به اسرائیل عطا کرد که بر روی زمین توسط یک پادشاه اداره شود، به نقل از من، «مثل سایر ملل بت پرست» که در آن زمان وجود داشتند. خداوند فقط به درخواست دل های پلید آنها پاسخ داد. زیرا در روی زمین، بهترین پادشاهان، تنها موجودی «مفروض» است که « درو می کند، جایی که نکاشته است » و کسی که خدا را می شناسد، منتظر نیست که توسط قومش سرنگون شود تا خود را اصلاح کند. الگوی ارائه شده توسط عیسی الگوی انتقال یافته بر روی زمین از نسلی به نسل دیگر توسط افراد احمق، نادان و شریر را محکوم می کند. رهبر در عالم آسمانی خداوند، خدمتگزار قوم خود است و تمام شکوه خود را از آنان می گیرد. کلید خوشبختی کامل وجود دارد، زیرا هیچ موجود زنده ای به خاطر همنوعش رنج نمی برد. عیسی در بازگشت باشکوه خود می آید تا پادشاهان و اربابان شرور و شرارت آنها را که با ادعای اینکه سلطنت آنها حق الهی است به او نسبت می دهند، نابود کند. عیسی به آنها خواهد آموخت که اینطور نیست. به آنها، بلکه به توده های انسانی که بی عدالتی خود را توجیه می کنند. این توضیح «مثل استعدادها» است که بعداً تحقق می یابد و اعمال می شود.

بعد از رویارویی

آیه 17: « و فرشته ای را دیدم که در آفتاب ایستاده بود. و با صدای بلند گریه کرد و به همه پرندگانی که در وسط آسمان پرواز می کردند گفت: بیایید و برای عشای بزرگ خدا جمع شوید

عیسی مسیح " میکائیل " در تصویر خورشید نماد نور الهی می آید تا با مسیحیان دروغین پرستندگان خدای خورشید که تغییر روز استراحت توسط امپراتور کنستانتین اول را توجیه می کند ، مبارزه کند . در رویارویی با مسیح خدا، آنها متوجه می شوند که خدای زنده از خدای خورشید آنها مهیب تر است. عیسی مسیح با صدای بلند جمعی از پرندگان درنده را فرا می خواند

نکته : در اینجا باید مجدداً تصریح کنم که شورشیان نمی خواهند خدای شمسی را آگاهانه و داوطلبانه پرستش کنند، بلکه این واقعیت را دست کم می گیرند که برای خدا اولین روزی که به خاطر استراحت هفتگی شان گرامی می دارند، آلودگی مشرکان او را حفظ می کند. استفاده از زمان گذشته به همین ترتیب، انتخاب آنها نشان دهنده تحقیر بزرگی نسبت به نظم زمانی است که او از ابتدای خلقت خود بر زمین برقرار کرد. خداوند روزهایی را می شمارد که با چرخش زمین حول محورش مشخص شده اند. او در طول مداخلات خود برای مردمش اسرائیل، دستور هفته را با نامگذاری هفتمین روز به نام "سبت" به یاد آورد. بسیاری بر این باورند که می توانند توسط خدا به دلیل صداقتشان توجیه شوند. برای کسانی که حقیقتی را که به وضوح توسط خدا بیان شده است به چالش می کشند، نه صداقت و نه ایمان ارزشی ندارد. حقیقت آن تنها معیاری است که امکان آشتی را از طریق ایمان به قربانی داوطلبانه عیسی مسیح فراهم می کند. نظرات شخصی توسط خدای خالق شنیده یا به رسمیت شناخته نمی شود، کتاب مقدس این اصل را با این آیه از اشعیا 8:20 تأیید می کند: " به شریعت و به شهادت! اگر اینطور حرف «. نزنیم، سحری برای مردم نخواهد بود

دو «عید» توسط خداوند تدارک دیده شده است: «شام عروسی بره» که مهمانان آن خود منتخبین هستند، زیرا در مجموع آنها نماینده «عروس» هستند. دومین جشن از نوع ماکابری است و ذینفعان آن فقط پرندگان شکاری، کرکس، کندور، بادبادک و دیگر گونه های این ژانر هستند.

آیه 18: «برای خوردن گوشت پادشاهان، گوشت فرماندهان نظامی، گوشت مردان نیرومند، گوشت اسب ها و سواران، گوشت همه، آزاد و غلام، کوچک و بزرگ»

پس از نابودی تمام بشریت، کسی باقی نخواهد ماند که اجساد را زیر زمین بگذارد و طبق یرم. 16:4، " آنها مانند سرگین بر زمین پخش خواهند شد. " بیایید تمام آیه ای را پیدا کنیم که به ما می آموزد سرنوشتی را که خداوند برای کسانی که لعنت می کند در نظر گرفته است: « آنها در اثر بیماری خواهند مرد. به آنها اشک داده نمی شود و به خاک سپرده نمی شوند. آنها مانند سرگین روی زمین خواهند بود. آنها با شمشیر و قحطی هلاک خواهند شد. و لاشه های آنها غذای پرندگان آسمان و جانوران زمین خواهد بود. » با توجه به شمارش ارائه شده توسط روح در این آیه 18، هیچ انسانی از مرگ فرار نمی کند. به یاد می آورم که «اسبها» نماد مردمی هستند که توسط رهبران مدنی و مذهبی شان مطابق یعقوب 3: 3 هدایت می شوند: «اگر لقمه را در دهان اسبها بگذاریم تا از ما اطاعت کنند، تمام بدن آنها را نیز هدایت می کنیم»

آیه 19: «و دیدم که وحش و پادشاهان زمین و لشکریانشان گرد آمده بودند تا با کسی که بر اسب می نشیند و با لشکر او جنگ کنند»

ما دیدیم که «نبرد آرماگدون» روحانی بود و جنبه آن بر روی زمین حکم مرگ آخرین بردگان واقعی عیسی مسیح بود. این تصمیم قبل از بازگشت عیسی مسیح گرفته شد و شورشیان از انتخاب خود مطمئن بودند. اما در زمان ورود به آن، آسمان باز شد و مسیح انتقام گیر الهی و سپاهیان فرشته اش را آشکار کرد. بنابراین دیگر هیچ مبارزه ای امکان پذیر نیست. هیچ کس نمی تواند با ظهور خدا بجنگد و نتیجه آن چیزی است که مکاشفه 6: 15-17 به ما وحی کرد: «پادشاهان زمین، بزرگان، فرماندهان نظامی، ثروتمندان، قدرتمندان، همه بردگان و آزادگان در غارها و صخره های کوه پنهان شدند. و به کوه ها و صخره ها گفتند: بر ما بیفتید و ما را از روی تخت نشسته و از خشم بره پنهان کنید. زیرا روز بزرگ خشم او فرا رسیده است و چه کسی می تواند ایستادگی کند؟» به آخرین سوال، پاسخ این است: منتخبانی که قرار بود توسط شورشیان کشته شوند. برگزیدگان با وفاداری خود به سبت مقدس که پیروزی عیسی را بر همه دشمنان او و نجات یافتگان او پیشگویی می کرد، مقدس شدند.

آیه 20: «و وحش و نبی دروغین با او گرفته شد، که قبل از او نشانه هایی انجام داده بود که به وسیله آن کسانی را که نشان وحش را گرفته و شمایل او را پرستش می کردند، فریب داده بود. هر دو را زنده به دریاچه ای پرتاب کردند که با آتش و گوگرد می سوخت»

توجه! روح سرنوشت نهایی آخرین داوری را برای ما آشکار می کند، زیرا خداوند آن را برای "جانور و پیامبر دروغین" آماده می کند، یعنی ایمان کاتولیک و ایمان پروتستان که توسط ادونتیست های دروغین از سال 1994 به آن ملحق شدند. گوگرد تنها در پایان هزاره هفتم زمین را می پوشاند تا گناهکاران را به طور قطعی پس از آخرین داوری نابود و نابود کند. این آیه حس شگفت انگیز عدالت کامل خدای خالق ما را برای ما آشکار می کند. این تفاوت بین عاملان واقعی و قربانیانی که فریب خورده اند، اما گناهکار هستند، مشخص می کند، زیرا آنها مسئول انتخاب خود هستند. حاکمان مذهبی «زنده به دریاچه آتش انداخته می شوند» زیرا طبق مکاشفه 9: 14، آنها مردان و زنان زمین را تحریک می کردند تا «نشان وحش» را که مجازاتش اعلام شده بود، گرامی بدارند.

آیه 21: «و بقیه به شمشیری که از دهان او که بر اسب می نشست، کشته شدند. و همه پرندگان از گوشت خود راضی بودند»

این «دیگران» مربوط به انسان های غیرمسیحی یا غیر مؤمنی است که از جنبش بین المللی پیروی می کنند و از دستور عمومی بدون دخالت شخصی در اقدامی که توسط شورشیان مذهبی مسیحی انجام می شود، اطاعت می کنند. آنها که با عدالت خون ریخته شده توسط عیسی مسیح پوشانده نشده اند، از بازگشت مسیح جان سالم به در نمی برند، اما با این وجود با کلام او که نماد آن "شمشیری که از دهان او بیرون می آید" کشته می شوند. این موجودات سقوط کرده که شاهدان عینی ظهور خدای واقعی هستند، به آخرین داوری خواهند رسید، اما رنج مرگ طولانی «دریاچه آتش» را که مخصوص مجرمان بزرگ

مذهبی فعال در شورش است، متحمل نخواهند شد. پس از مواجهه با جلال خالق بزرگ خدا، قاضی بزرگ، ناگهان نابود می شود.

مکاشفه 20 هزار سال هزاره هفتم و آخرین قضاوت

مجازات شیطان

آیه 1: « آنگاه فرشته‌ای را دیدم که از آسمان نازل می‌شد، در حالی که کلید حفزه تهی و زنجیر « بزرگی در دست داشت

فرشته « یا رسول خدا « از آسمان « به زمین فرود می‌آید که از همه گونه‌های حیات زمینی، « انسانی و حیوانی محروم است، نام خود را « پرتگاه « می‌گیرد که در پیدایش 1: 2 به آن اشاره می‌کند. " کلید " دسترسی به این سرزمین متروک را باز یا بسته می‌کند. و « زنجیره بزرگ « که در « دست او « است به ما اجازه می‌دهد تا بفهمیم که موجود زنده‌ای بر روی زمین متروک که زندان او خواهد شد، به زنجیر کشیده خواهد شد.

« آیه 2: « او اژدها، مار باستانی را که شیطان و شیطان است گرفت و او را هزار سال بست عباراتی که « شیطان «، فرشته سرکش، در مکاشفه 9: 12 را نشان می‌دهند، دوباره در اینجا ذکر شده‌اند. آنها مسئولیت بسیار بالای او را در قبال رنج های ناشی از شخصیت سرکش او به ما یادآوری می‌کنند. رنج ها و دردهای جسمی و اخلاقی که توسط سلطه گران به انسان تحمیل می‌شود، تحت تأثیر الهامات و تأثیرات او قرار می‌گیرد، زیرا آنها به اندازه او بد بودند. او به عنوان یک " اژدها " رم امپراتوری بت پرست را رهبری کرد، و به عنوان " مار "، روم مسیحی پاپی، اما در زمان اصلاحات، نقاب نداشت، او دوباره مانند یک " اژدها " رفتار کرد که توسط اتحادیه های مسلح کاتولیک و پروتستان و " اژدهاها " خدمت می‌کردند. " از لویی چهاردهم. از اردوگاه فرشتگان اهریمنی، « شیطان « تنها بازمانده است، در حالی که در انتظار مرگ کفار خود در آخرین قضاوت است، او تا « هزار سال « دیگر در انزوا، بدون هیچ گونه تماسی با هیچ موجودی، بر روی زمین زنده خواهد ماند. تبدیل شدن به یک زندان بی شکل و بیابانی، خالی، تنها با تجزیه اجساد و استخوان های انسان و حیوانات

Rev.9:11 فرشته پرتگاه بر روی زمین متروک: ویرانگر

آیه 3: « و او را به اعماق افکند و در ورودی بالای سرش را بست تا دیگر امتها را فریب ندهد « تا هزار سال تمام شود. بعد از آن باید مدتی بند باز شود

تصویر داده شده دقیق است، شیطان بر روی زمین متروک زیر پوششی قرار گرفته است که مانع از دسترسی او به بهشت می‌شود. به طوری که او خود را مشمول محدودیت های هنجار انسانی می‌بیند که او باعث از دست دادن یا تشویق آن شده است. موجودات زنده دیگر، فرشتگان آسمانی و مردانی که به نوبه خود فرشته شده اند، بالاتر از او هستند، در بهشتی که از زمان پیروزی عیسی مسیح بر گناه و مرگ، دیگر به آن دسترسی ندارد. اما وضعیت او بدتر شده است زیرا او دیگر هیچ شرکته، فرشته و مردی ندارد. در بهشت « امتها « هستند که این آیه بدون ذکر «ارض» به آنها اشاره می‌کند. این به این دلیل است که نجات یافتگان این قوم ها همه در ملکوت خدا در بهشت هستند. بنابراین نقش « زنجیره « آشکار می‌شود. او را مجبور می‌کند که روی زمین تنها و منزوی بماند. در برنامه الهی، شیطان تا « هزار سال « اسیر می‌ماند که در پایان آن آزاد می‌شود، با دسترسی و ارتباط با مردگان شرور که در رستاخیز دوم زنده می‌شوند، برای «مرگ دوم « آخرین. قضاوت در زمینی که پس از آن لحظه ای دوباره آباد می‌شود. او یک بار دیگر ملت های سرکش محکوم شده را در تلاش های بیهوده برای مبارزه با فرشتگان مقدس نجات یافته و عیسی مسیح قاضی بزرگ تحت سلطه خود در خواهد آورد.

رهایی یافته، شریر را داوری می‌کند

آیه 4: « و من تاج و تخت را دیدم. و به کسانی که آنجا نشسته بودند قدرت قضاوت داده شد. و جان کسانی را دیدم که به خاطر شهادت عیسی و به خاطر کلام خدا سر بریده شده بودند، و کسانی را که نه جانور و نه تصویر او را پرستیده بودند، و نشانی بر پیشانی و روی خود نگرفته بودند. دست ها آنها زنده شدند و هزار سال با مسیح سلطنت کردند.»

کسانی که بر تخت می نشینند " دارای " قدرت " سلطنتی برای قضاوت هستند. این یک کلید " مهم برای درک معنایی است که خداوند به کلمه " شاه " می دهد. اکنون، در پادشاهی خود، در عیسی مسیح « مایکل»، خدا در داوری خود با تمام موجودات انسانی خود که از روی زمین نجات یافته اند، شریک می شود. قضاوت شریکان زمینی و آسمانی جمعی و مشترک با خدا خواهد بود. این تنها جنبه سلطنت برگزیدگان رستگاری شده است. سلطه مختص دسته ای از برگزیدگان نیست، بلکه برای همه است، و روح به ما یادآوری می کند که در زمان سپری شده بر روی زمین، ابتدا آزار و شکنجه های مرگبار وحشتناکی رخ داد که او نقل می کند: « ارواح کسانی که سر بریده شده بودند، زیرا از شهادت عیسی و به خاطر کلام خدا. پل یکی از آنها بود. بنابراین روح قربانیان مسیحی بت پرستی رومی و ایمان پاپی رومی را که بین سال های 30 تا 1843 فعال بود را برمی انگیزد. سپس آخرین برگزیدگانی را هدف قرار می دهد که توسط "جانوری که از زمین برمی خیزد" آیه 13:11 تهدید به مرگ می کنند. -15، در آخرین ساعت زمان زمین؛ در طول سال 2029 تا اولین روز بهار قبل از عید فصح در سال 2030

مطابق با اعلام « هفتمین شیپور » در مکاشفه 11:18، « زمان قضاوت مردگان فرا رسیده است » و این سوومندی زمان « هزار سال » است که در این آیه 4 ذکر شده است. شغل رستگاری هایی باشد که به ابدیت آسمانی خداوند وارد شده اند. آنها باید مردان شریک و فرشتگان آسمانی سقوط کرده را « قضاوت » کنند. پولس در اول قرن 6:3 می گوید: « آیا نمی دانید که ما فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟ » و چقدر بیشتر نباید در مورد چیزهای این زندگی قضاوت کنیم؟

رستاخیز دوم برای شورشیان سقوط کرده

« آیه 5: « بقیه مردگان زنده نشدند تا هزار سال تمام شود. این اولین معاد است مراقب تله باشید! عبارت « دیگر مردگان زنده نشدند تا هزار سال تمام شد » یک پراوتز است و عبارتی که پس از آن آمده است « این اولین رستاخیز است » مربوط به اولین مردگان در مسیح زنده شده است. هزار سال « ذکر شده است. این پراوتز، بدون نام بردن از آن، اعلان یک « رستاخیز » دوم را برای مردگان شرور تداعی می کند که در پایان « هزار سال » برای آخرین داوری و مجازات مرگبار «دریاچه آتش و گوگرد» زنده خواهند شد. که " مرگ دوم " را انجام می دهد.

آیه 6: « خوشا به حال کسانی که در رستاخیز اول شریک هستند! مرگ دوم بر آنها قدرتی « ندارد. اما آنها کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد

این آیه بسیار ساده قضاوت عادلانه نازل شده خدا را خلاصه می کند. سعادت خطاب به برگزیدگان واقعی است که در آغاز « هزار سال » در « رستاخیز مردگان در مسیح » شرکت کردند. آنها به داوری نخواهند آمد، بلکه خود داوران داوری خواهند بود که توسط خدا، در بهشت، برای « هزار سال » سازماندهی شده است. « حکومت » اعلام شده « هزار سال » تنها « حکومت » فعالیت قاضی است و محدود به این « هزار سال » است. پس از ورود به ابدیت، برگزیدگان مجبور نیستند از « مرگ دوم » بترسند یا متحمل رنج شوند، زیرا برعکس، این آنها هستند که مردگان شریک را که مورد قضاوت قرار می گیرند، دچار آن می کنند. و ما می دانیم که اینها بزرگترین و شرورترین، ظالم ترین و قاتل ترین مجرمان مذهبی هستند. قضات منتخب باید مدت زمان رنجی را که هر یک از موجودات مورد قضاوت باید به طور جداگانه در روند نابودی "مرگ دوم" تجربه کنند، تعیین کنند، که هیچ شباهتی با اولین مرگ زمینی فعلی ندارد. زیرا این خداوند خالق است که به آتش شکل عمل ویرانگر آن را می دهد. آتش هیچ تأثیری بر اجرام آسمانی و اجرام زمینی محافظت شده توسط خداوند ندارد، همانطور که تجربه سه همراه دانیال در دانیال 3 ثابت می کند. برای آخرین قضاوت، بدن رستاخیز متفاوت از بدن زمینی فعلی و اکنش نشان می دهد. در مرقس 9:48، عیسی ویژگی خود را برای ما آشکار می کند و می گوید: « جایی که کرم آنها نمی میرد و آتش خاموش نمی شود ». همانطور که حلقه های بدن یک کرم خاکی به صورت جداگانه متحرک می مانند، بدن نفرین شده تا آخرین اتم خود دارای حیات خواهد بود. بنابراین سرعت مصرف آنها به مدت زمان رنجی که قضات مقدس و عیسی مسیح تعیین کرده اند بستگی دارد.

تقابل نهایی

« آیه 7: » هنگامی که هزار سال تمام شود، شیطان از زندان خود آزاد خواهد شد

در پایان «هزار سال»، برای مدت کوتاهی، او دوباره شرکت خواهد کرد. این لحظه دومین « رستاخیز » است که مختص شورشیان زمینی است

آیه 8: « و او بیرون خواهد آمد تا قومهایی را که در چهار گوشه زمین هستند، یعنی یاجوج و ماجوج را فریب دهد تا آنها را برای جنگ جمع کند. تعداد آنها مانند ماسه دریا است

این شرکت متعلق به « ملت‌هایی » است که در سرتاسر زمین زنده شده‌اند، همانطور که فرمول « چهار گوشه » نشان می‌دهد. از زمین « یا چهار نقطه اصلی که به عمل یک شخصیت جهانی می‌بخشد. چنین گردهمایی چیزی برای مقایسه ندارد، مگر در سطح استراتژی جنگ، شباهتی به درگیری « ششمین شیپور » از کشیش 9:13 در جنگ جهانی سوم. این مقایسه است که باعث می‌شود خداوند به کسانی که در داوری نهایی گرد آمدند، نام‌های «یاجوج و ماجوج» را که در اصل در حزقی ۲:۳۸ ذکر شد، و قبل از آن در پیدایش ۲:۱۰ که «یاجوج» دومین پسر یافت است، بدهد. ; اما جزییات کوچک تنها جنبه مقایسه ای این تداعی را آشکار می‌کند، زیرا در حزقیال، ماجوج کشور یاجوج است و روسیه را مشخص می‌کند که در طول جنگ جهانی سوم، بیشترین تعداد سربازان را در تمام دوران ها وارد عمل خواهد کرد. تاریخ جنگ؛ که گسترش عظیم و تسخیر سریع سرزمین های قاره اروپای غربی را توجیه می‌کند

روح آنها را با " شن های دریا " مقایسه می‌کند، بنابراین بر اهمیت تعداد قربانیان آخرین داوری تأکید می‌کند. همچنین کنایه از تسلیم شدن آنها در برابر شیطان و عوامل انسانی او است که در مکاشفه 12:18 یا 13:1 (بسته به نسخه کتاب مقدس) نازل شده است: در صحبت از " اژدها " می‌گوید: « خوانیم: " و او بر روی شن ایستاد. از دریا

شیطان یک شورشی اصلاح ناپذیر، دوباره امیدوار می‌شود که بتواند ارتش خدا را شکست دهد. و با متقاعد کردن آنها به مبارزه با خدا و برگزیدگانش، سایر محکومان را اغوا می‌کند

آیه 9: « و بر روی زمین رفتند و اردوگاه مقدسین و شهر محبوب را محاصره کردند. اما آتشی از آسمان فرود آمد و آنها را بلعید. » اما فتح زمین دیگر معنایی ندارد وقتی که ما نتوانیم دشمن را تصرف کنیم زیرا او دست نخورده شده است. مانند یاران دانیال، نه آتش و نه هیچ چیز دیگری نمی‌تواند به آنها آسیب برساند. و برعکس، « آتش از بهشت » حتی در « اردوگاه اولیای خدا » که هیچ تأثیری بر آن ندارد، می‌زند. اما این آتش، دشمنان خدا و برگزیدگان او را « می‌بلعد ». در زکریا 14، روح دو جنگ را پیشگویی می‌کند که « هزار سال » از هم جدا شده اند. آنچه قبل از «ششمین شیپور» انجام می‌شود، در آیات 1 تا 3 ارائه می‌شود، بقیه مربوط به جنگ دومی است که در ساعت قیامت انجام می‌شود، و پس از آن، نظم جهانی برقرار شده در زمین جدید. در آیه 4، نبوت هیبوط مسیح و برگزیدگان او به زمین را با این عبارات تداعی می‌کند: « پاهای او در آن روز بر کوه زیتون، که در مقابل اورشلیم، در سمت مشرق است، خواهد ایستاد. کوه زیتون از وسط، شرق و غرب شکافته می‌شود و دره بسیار بزرگی تشکیل می‌شود: نیمی از کوه به سمت شمال و نیمی به سمت جنوب فرو خواهد رفت. » اردوگاه اولیای قیامت بدین ترتیب شناسایی و قرار می‌گیرد. بیابید توجه کنیم که تنها در پایان « هزار سال » آسمانی است که « پاهای » عیسی بر روی زمین، « روی کوه زیتون که در مقابل اورشلیم، در سمت شرق است » قرار می‌گیرد. با تفسیر نادرست، این آیه باعث باور نادرست سلطنت زمینی عیسی مسیح در طول « هزاره » شد

آیه 10: « و ابلیس که آنها را فریب داد، به دریاچه آتش و گوگرد، جایی که وحش و پیامبر « دروغین هستند، انداخته شد. و روز و شب تا ابد عذاب خواهند بود

زمان اجرای داوری شورشیان مذهبی که در مکاشفه 19:20 آشکار شده است فرا رسیده است. طبق اعلام این آیه « شیطان و حیوان و پیامبر دروغین » با هم « زنده در دریاچه آتش و گوگرد » انداخته می‌شوند که ناشی از عمل « آتش بهشت » است که به آن افزوده شده است. این ماگمای مذاب زیرزمینی است که توسط شکستگی در پوسته پوسته زمین در کل سطح سیاره آزاد می‌شود. سپس زمین ظاهر «خورشید» را به خود می‌گیرد که «آتش» آن گوشت شورشیان را می‌بلعد، و خودشان پرستنده (ناخودآگاه اما مقصر) خورشید هستند که خدا آفریده است. در این عمل است که مجرمان زمینی و آسمانی " عذاب " مرگ دوم " را که از زمان مکاشفه 9: 5-6 پیشگویی شده است، متحمل می‌شوند. حمایت

ناعادلانه ای که از روز کاذب استراحت انجام شد باعث این پایان وحشتناک شد. زیرا خوشبختانه برای محکومان، هر چقدر هم که طولانی باشد، «مرگ دوم» نیز پایانی دارد. و تعبیر «ابد الابد» در مورد خود «عذابها» نیست، بلکه در مورد عواقب مخرب «آتش» است که موجب آن می‌شود، زیرا این عواقب قطعی و ابدی خواهد بود.

اصول قضاوت آخر

آیه 11: «سپس تخت بزرگ سفید و کسی که بر آن نشسته بود دیدم. زمین و آسمان از روی او گریخت و جایی برای آنها یافت نشد.»

سفید "خلوص کامل"، تخت بزرگ "آن تصویر شخصیت کاملاً پاک و مقدس خدای خالق" همه زندگی‌ها و چیزها است. کمالش نمی‌تواند حضور «زمین» را در جنبه ویران و نابود شده اش که قضاوت آخر به آن داده است، تحمل کند. علاوه بر این، تبهکاران از همه ریشه‌ها نابود شده‌اند، زمان نمادها به پایان رسیده است و جهان آسمانی و میلیاردها ستاره آن دیگر دلیلی برای وجود ندارند. بنابراین، «آسمان» بعد زمینی ما و هر چیزی که در آن وجود دارد، از بین رفته، در نیستی ناپدید می‌شود. زمان زندگی ابدی در یک روز ابدی است.

آیه 12: «و دیدم مردگان بزرگ و کوچک در برابر تخت ایستاده بودند. کتاب‌ها باز شد. و کتاب دیگری گشوده شد که کتاب زندگی است. و مردگان بر حسب اعمالشان، بر اساس آنچه در این کتابها نوشته شده بود، داوری شدند.»

این «مردگان» که مجرم شناخته شدند، برای قضاوت نهایی زنده شدند. خداوند هیچ استثنایی را برای هیچکس قائل نیست، قضاوت عادلانه او بر «بزرگ» و «کوچک»، ثروتمند و فقیر تأثیر می‌گذارد و برای اولین بار در زندگی‌شان همان سرنوشت یعنی مرگ را بر آنها تحمیل می‌کند.

این آیات که در ادامه می‌آید جزئیاتی در مورد عمل قضاوت آخر ارائه می‌دهد. قبلاً در پیشگویی شده است، «کتاب‌های» شهادت‌های فرشتگان «باز» هستند و این شاهدان Dan.7:10 نامرئی به خطاها و جنایاتی که محکومان مرتکب شده‌اند و پس از قضاوت هر مورد توسط برگزیدگان و عیسی مسیح، توجه کردند، رای قطعی غیر قابل فسخ نهایی به اتفاق آرا اتخاذ شد. در زمان صدور حکم قطعی، حکم صادره اجرا خواهد شد.

آیه 13: «دریا مردگانی را که در آن بودند تسلیم کرد و مرگ و جهنم مردگانی را که در آن بودند تسلیم کردند. و هر کدام بر حسب آثارش مورد قضاوت قرار گرفت.»

اصل تعریف شده در این آیه در مورد هر دو قیامت صدق می‌کند. "مردگان" در "دریا" یا *had* "در" زمین ناپدید می‌شوند. این دو احتمال است که در این آیه ذکر شده است. اجازه دهید به شکل توجه کنیم که با آن موجودیت "زمین" برانگیخته می‌شود. زیرا در واقع، این نام موجه است، زیرا خدا "به انسان گناهکار اعلام کرده است: "تو خاک هستی و به خاک باز خواهی گشت" در پیدایش 3:19. بنابراین «داشت» «غبار» «زمین» است. مرگ گناه انسان‌هایی را در آتش می‌سوزاند که بنابر آئین تدفین عادی «به خاک باز نمی‌گردند». به همین دلیل است که روح، بدون استثناء این مورد، تصریح می‌کند که «مرگ»، خود، کسانی را که به هر شکلی که زده است، برمی‌گرداند. با درک فروپاشی ناشی از آتش هسته‌ای که هیچ اثری از بدن کاملاً متلاشی شده انسان باقی نمی‌گذارد.

«آیه 14: «و مرگ و جهنم در دریاچه آتش افکنده شد. این دومین مرگ است، دریاچه آتش»

مرگ «اصلي بود که مطلقاً با اصل حیات مخالف بود و هدف آن از بین بردن موجوداتی بود» که تجربه زندگی آنها مورد قضاوت و محکومیت خداوند قرار می‌گرفت. تنها هدف زندگی این است که برای انتخاب دوستان ابدی خود به خدا یک نامزد جدید ارائه دهد. پس از این انتخاب، و شریر نابود شدند، «مرگ» و «زمین» «مرده داشت» دیگر دلیلی برای وجود ندارند. اصول مخرب این دو امر خود توسط خداوند از بین می‌رود. پس از «دریاچه آتش» اتاقی برای زندگی و نور الهی که موجودات آن را روشن می‌کند ساخته می‌شود.

«آیه 15: «کسی که در کتاب حیات نوشته نشده یافت، در دریاچه آتش افکنده شد»

این آیه آن را تأیید می‌کند، خداوند واقعاً در برابر انسان تنها دو راه، دو انتخاب، دو سرنوشت، دو سرنوشت قرار داده است (تثنیه 30:19). نام برگزیدگان توسط خداوند از ابتدا و یا حتی بیشتر از آن، از برنامه‌ریزی پروژه او با هدف ارائه موجودات آزاد و مستقل برای شرکت شناخته شده است. این

انتخاب برای او به قیمت زیان دهشتناکی در جسم گوشتی تمام می شد، اما میل او به عشق بیشتر از ترسش بود، او پروژه خود را راه اندازی کرد و از قبل از تحقق دقیق داستان زندگی آسمانی و زندگی زمینی ما آگاه بود. او می دانست که اولین موجودش روزی دشمن فانی او خواهد شد. اما او علیرغم این آگاهی به او هر فرصتی داد تا پروژه خود را رها کند. او می دانست که غیرممکن است، اما اجازه داد این اتفاق بیفتد. بدین ترتیب نام برگزیدگان، اعمالشان، شهادت تمام زندگیشان را می دانست و هر یک را در زمان و عصر خود به سوی خود هدایت می کرد. فقط یک چیز برای خدا غیر ممکن است: تعجب

او همچنین نام انبوهی از موجودات انسانی بی تفاوت، سرکش و بت پرست را که فرآیند تولید مثل انسان ایجاد کرده است، می دانست. تفاوت در داوری خدا که در مکاشفه 19: 19-20 آشکار شد، در مورد همه مخلوقات او صدق می کند. برخی از آنها که گناه کمتری دارند، بدون تجربه «عذابهای آتش مرگ دوم» که منحصرأ برای مجرمان مذهبی مسیحی و یهودی در نظر گرفته شده است، توسط «کلام خدا» کشته خواهند شد. اما «رستخیز» دوم مربوط به تمام موجودات انسانی او است که بر روی زمین متولد شده اند و فرشتگان او در آسمان آفریده شده اند، زیرا خداوند در رومیان 14: 11 اعلام کرده است: «زیرا نوشته شده است، همانطور که من زنده هستم، خداوند می گوید، هر زانو در برابر من خم خواهد شد. و هر زبانی خدا را جلال خواهد داد»

مکاشفه 21: اورشلیم جدید جلال یافته نماذ

آیه 1: «سپس آسمان و زمین جدید دیدم. زیرا آسمان اول و زمین اول گذشته بود و دریا دیگر» وجود نداشت

روح الهام گرفته از استقرار نظم چند بعدی جدید پس از پایان هزاره هفتم را با ما به اشتراک می گذارد. از این لحظه دیگر زمان شمرده نمی شود، هر چیزی که زندگی می کند وارد ابدیت بی پایان می شود. همه چیز جدید یا به طور دقیق تر تجدید شده است. «آسمان و زمین» دوران گناه ناپدید شده و نماد «مرگ»، «دریا» دیگر نیست. به عنوان خالق، خداوند ظاهر سیاره زمین را تغییر داد و هر چیزی را که نشان دهنده خطر یا خطر بود برای ساکنان آن ناپدید کرد. بنابراین نه اقیانوس، نه کوهی با قله های سنگی شیب دار. این باغ به باغ بزرگی مانند "عدن" اول تبدیل شده است که همه چیز در آن شکوه و تابید خواهد شد Rev.22 آرامش است. که در

آیه 2: «و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از طرف خدا از آسمان نازل می شد و مانند» عروسی که برای شوهرش آراسته شده بود

این تفریح جدید از اجتماع منتخبین مقدسین بازخرید شده از سرزمینی که در این آیه "شهر مقدس" نامگذاری شده است، استقبال خواهد کرد، مانند مکاشفه 11: 2، "اورشلیم جدید"، "عروس" عیسی مسیح "شوهر" او. او «از آسمان نازل می شود»، از ملکوت خدا، جایی که در بازگشت در جلال نجات دهنده اش وارد شد. سپس او برای اولین بار در پایان «هزار سال» داوری آسمانی برای آخرین داوری به زمین فرود آمد. پس از آن، با بازگشت به بهشت، منتظر ماند تا «آسمان جدید و زمین جدید» برای پذیرایی از او آماده شوند. توجه داشته باشید که کلمه "بهشت" به صورت مفرد است، زیرا

در تقابل با جمع " آسمان "، که در پیدایش 1: 1، تقسیم موجودات آسمانی به دو اردوگاه متضاد را پیشنهاد می کند، وحدت کامل را تداعی می کند.

آیه 3: « و صدای بلندی از تخت شنیدم که می گفت: اینک خیمه خدا با مردم! او با آنها ساکن خواهد شد و آنها قوم او خواهند بود و خود خدا نیز با آنها خواهد بود »

زمین جدید « پذیرای میهمان برجسته ای است، زیرا « خدا خودش » با رها کردن تخت آسمانی باستانی خود، می آید تا تخت جدید خود را در زمینی که شیطان، گناه و مرگ را شکست داده است، نصب کند. « خیمه خدا » به بدن آسمانی خدا عیسی مسیح « مایکل » (= که شبیه خدا است) اشاره می کند. اما همچنین نماد مجمع برگزیدگانی است که روح عیسی مسیح بر آن سلطنت می کند. « خیمه، معبد، کنیسه، کلیسا »، همه این اصطلاحات نمادهای مردم قدیسان رستگار شده قبل از ساختن بناهایی توسط انسان هستند. هر یک از آنها مرحله ای از پیشرفت پروژه الهی را نشان می دهد. و نخست، « خیمه » خروج عبرانیان از مصر را مشخص می کند که توسط خدا هدایت شده و به صحرا منتهی می شود که به طور آشکار توسط ابری که مانند ستونی بر روی خیمه مقدس فرود آمده است، نمایان شده است. او در آن زمان " با مردان " بود. که استفاده از این اصطلاح را در این آیه توجیه می کند. سپس « معبد » بنای محکم « خیمه » را نشان می دهد. کاری که در زمان پادشاه سلیمان دستور داده شد و انجام شد. در زبان عبری منحصرأ کلمه کنیسه به معنای اجتماع است. در مکاشفه 2: 9 و 3: 9، روح مسیح از ملت سرکش یهودی به عنوان " کنیسه شیطان " یاد می کند. آخرین کلمه " کلیسا " در یونانی (کلیسا) مجمع را مشخص می کند. زبان انتشار تعالیم مسیحی کتاب مقدس. عیسی « خودش را مقایسه کرد بدن «در» معبد « اورشلیم »، و طبق افس. 5: 23، مجمع، « کلیسای او، « جسم او » است: « شوهر سر زن است، همانطور که مسیح است. سر کلیسا، که بدن اوست، و او ناجی آن است. ما غم و اندوهی را که حواریون عیسی تجربه کردند، زمانی که او آنها را برای صعود به آسمان ترک کرد، به یاد می آوریم. این بار، « شوهرم با من زندگی خواهد کرد » می تواند در نصب خود در « زمین جدید » بگوید برگزیده. در این زمینه است که پیام های دوازده نام « دوازده قبیله » کشیش 7 می تواند شادی و شادی بی نظیر پیروزی آنها را بیان کند.

آیه 4: « هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد و مرگ دیگر نخواهد بود و ماتم و گریه «و درد نخواهد بود، زیرا چیزهای قبلی از بین رفته است »

پیوند با مکاشفه 7: 17 با یافتن این وعده الهی که در اینجا به پایان می رسد، تأیید می شود: " او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد ". علاج گریه شادی و سرور است. ما از ساعتی صحبت می کنیم که وعده های خدا عملی و محقق خواهد شد. به این آینده شگفت انگیز با دقت بنگرید، زیرا زمانی پیش روی ماست برای « مرگ، ماتم، گریه، درد » که دیگر تنها تجدید همه چیز توسط خداوند متعال و خالق شگفت انگیز ما نخواهد بود. من تصریح می کنم که این چیزهای وحشتناک تنها پس از آخرین قضاوتی که در پایان « هزار سال » انجام خواهد شد، ناپدید خواهند شد. برای برگزیدگان، اما فقط آنها، تأثیرات شر با بازگشت در جلال خداوند خداوند قادر مطلق متوقف خواهد شد.

آیه 5: « و آن که بر تخت نشسته گفت: اینک من همه چیز را نو میسازم. و فرمود: بنویس؛ زیرا « این سخنان مسلم و درست است »

خداوند خالق شخصاً خود را با وعده متعهد می کند و به این کلام نبوی شهادت می دهد: « اینک من همه چیز را نو می سازم ». هیچ فایده ای ندارد که در اخبار زمینی خود به دنبال تصویری بگردیم تا بتوانیم ایده ای از آنچه خدا آماده می کند به دست آوریم، زیرا آنچه جدید است قابل توصیف نیست. و تا آن زمان، خداوند فقط با گفتن این که آنها دیگر در « زمین جدید و آسمان جدید » نیستند، چیزهای دردناک زمان ما را به ما یادآوری کرده است، زیرا همه رازها و شگفتی های خود را حفظ می کنند. فرشته به این جمله می افزاید: « زیرا این سخنان یقینی و درست است ». دعوت فیض خدا در عیسی مسیح مستلزم ایمان تزلزل ناپذیر برای به دست آوردن پاداش و وعده های خدا است. این مسیر دشواری است که برخلاف هنجارهای دنیا پیش می رود. این نیاز به روحیه ای بزرگ از فداکاری، انکار خود، در فروتنی یک برده تسلیم شده در برابر ارباب خود دارد. بنابراین، تلاش های خدا برای تقویت اعتماد به نفس ما به خوبی موجه است: " یقین به حقیقت آشکار و بیان شده " معیار ایمان واقعی است.

آیه 6: « و به من گفت: تمام شد! من آلفا و امگا، آغاز و پایان هستم. به تشنه ای از چشمه ای آب « حیات، مجانی می دهم »

خداى خالق عيسى مسيح " هر چيزى جديد " را مى آفريند. " تمام شد!" ; مزمور 33:9: «
 زيرا او گفت و آن چيز واقع شد. او دستور مى دهد و وجود دارد. « کلام خلاق او به محض بيرون آمدن
 کلمات از دهانش محقق مى شود. از سال 30، پس از ما، برنامه دوران مسيحيت که در دانيال و مکاشفه
 مکاشفه شده است تا کوچکترين جزئيات انجام شده است. خدا ما را دعوت مى کند که دوباره به آینده اى
 که براى برگزیدگان خود آماده کرده است بنگريم. موارد اعلام شده به همين ترتيب و با اطمینان کامل
 انجام خواهد شد. عيسى همانطور که در مکاشفه 1: 8 به ما مى گوید: " من آلفا و امگا، آغاز و پايان
 هستم. " ایده « آغاز و پايان » تنها در تجربه ما از گناه زمينى معنا دارد که به طور کامل در « پايان »
 هزاره هفتم پس از نابودى گناهکاران و مرگ به پايان خواهد رسيد. عيسى به پسران خدا که در سرزمين
 تجارى پراکنده شده اند، « به رايجان » « از چشمه آب حيات » تقديم مى کند. او خود « منبع » اين « آب
 حيات » است که نماد زندگى ابدى است. موهبت خداوند رايجان است، اين توضيح، فروش « هذاهای »
 کاتوليك رومى را محکوم مى کند که عفو به قيمتى از طرف پاپ به دست مى آيد.
 آيه 7: « هر که پيروز شود، وارث اين چيزها خواهد بود. من خداى او خواهم بود و او پسر من
 ». خواهد بود

برگزیدگان خدا وارثان مشترک عيسى مسيح هستند. اول، عيسى از طريق « پيروزى » خود،
 جلال سلطنتى را که همه مخلوقات آسمانى او به رسميت شناخته بودند، « وارث » کرد. پس از او،
 برگزیدگان او نيز « پيروزمندان »، اما از طريق « پيروزى » او، « اين چيزهاى جديد را به ارث
 خواهند برد » که مخصوصاً خداوند براى آنها آفریده است. عيسى الوهيت خود را به فيليپ رسول در
 يوحنا 14:9 تأييد کرد: « عيسى به او گفت: من مدت زيادى است که با تو هستم و تو مرا نشناختى،
 فيليپس! هر که مرا ديده است، پدر را ديده است. چگونه مى گوييد: پدر را به ما نشان دهيد؟ « مسيح مرد
 خود را به عنوان « پدر ابدى » معرفى کرد، بنا بر اين اعلاميه پيشگويى شده در عيسى 6:9 (يا 5) که
 مربوط به او بود را تأييد کرد. بنا بر اين عيسى مسيح براى برگزیدگان خود، هم برادر و هم پدرشان است.
 و خود برادران و پسران او هستند. اما اين تماس فردى است، بنا بر اين روح مى گويد، همانطور که در
 پايان 7 دوره موضوع "نامه ها" مى گويد: " به کسى که غلبه کند "، " او پسر من خواهد بود ". براى
 بهره مندى از مقام « پسر » خداى زنده، پيروزى بر گناه لازم است

آيه 8: « اما ترسوها، کافران، منکران، قاتلان، فاسقان، جادوگران، بت پرستان و همه
 ». دروغگويان، سهمشان در درياچه اى خواهد بود که در آتش و گوگرد مى سوزد، که مرگ دوم است
 اين معيارهاى شخصيت هاى انسانى در سراسر بشريت بت پرست يافت مى شود، با اين حال،
 روح در اينجا ثمرات دين مسيحى دروغين را هدف قرار مى دهد. محکوميت دين يهود به وضوح توسط
 عيسى در مکاشفه 2:9 و 3:9 بيان و آشکار شده است.

طبق مکاشفه 19:20، "... درياچه اى که با آتش و گوگرد مى سوزد"، در آخرين داورى،
 بخشى خواهد بود که براى "جانور و پيامبر دروغين" در نظر گرفته شده است: ايمان کاتوليك و ايمان
 پروتستان. دين جعلى مسيحى با دين جعلى يهود تفاوتى ندارد. ارزش هاى اولويت دار او برخلاف ارزش
 هاى خداست. بنا بر اين، در حالى که فريسيان يهودى شاگردان عيسى را به خاطر نشويدن دست هاى خود
 عيسى هرگز اين سرزنش را به آنها نکرده بود و سپس در (Met.15:2) قبل از غذا سرزنش مى کردند
 متى 15:17 تا 20 گفت: «اين کار را انجام دهيد. نمى داني که هر چه در دهان مى رود به شکم مى رود و
 سپس به مکان هاى مخفى مى اندازد؟ اما آنچه از دهان بيرون مى آيد از دل مى آيد و اين همان چيزى است
 که انسان را نجس مى کند. زيرا از دل افکار بد، قتل، زنا، زنا، دزدى، شهادت دروغ، تهمت بيرون مى
 آيد. اينها چيزهاى است که انسان را نجس مى کند؛ اما خوردن بدون شستن دست انسان را نجس نمى
 کند ". به همين ترتيب، دين مسيحى دروغين، گناهان خود را در برابر روح، عمدتاً با تنبيه گناهان جسم،
 مى پوشاند. عيسى نظر خود را با گفتن به يهوديان در متى 21:3 بيان کرد: " باجگيران و فاحشه ها پيش
 از شما به ملکوت آسمان خواهند رفت ". بديهى است به شرطى که همه توبه کنند و به خدا و پاکی او
 روى آورند. اين دين نادرستى است که عيسى با « راهنماهاى نابينا » رفتار مى کند که در مت 23:24
 آنها را سرزنش مى کند، به خاطر اينکه « پهره را صاف کردند و شتر را بلعيدند »، يا به خاطر « ديدن
 کاه در چشم همسايه بدون ديدن تيرى که در مال اوست، مطابق لوقا 6:42 و متى 7:3 تا 5

برای کسی که با همه این معیارهای شخصیتی که عیسی فهرست می‌کند، همدات پنداری کند، امید چندانی نیست. اگر فقط یکی با طبیعت شما مطابقت داشته باشد، باید با آن مبارزه کنید و بر عیب خود غلبه کنید. اولین نبرد ایمان با خود است؛ و سخت ترین مصیبت غلبه بر آن است.

در این شمارش، عیسی مسیح، قاضی بزرگ الهی، با حمایت از معنای معنوی آنها، ایراداتی را که متهم به ایمان غلط مسیحی از نوع کاتولیک رومی پایی است، ذکر می‌کند. او با هدف قرار دادن «بزدل‌ها»، کسانی را که از پیروزی در نبرد ایمانی خود امتناع می‌ورزند، معین می‌کند، زیرا همه وعده‌های او به «کسی که پیروز می‌شود» محفوظ است. با این حال، برای کسانی که از جنگیدن سرباز می‌زنند، هیچ پیروزی ممکن وجود ندارد. «شاهد وفادار» باید شجاع باشد. از ترسو خارج شو «بدون ایمان، خشنود ساختن خدا غیرممکن است» (عبرانیان 11:6). خروج، "کافر". و ایمانی که با ایمان عیسی که به عنوان الگوی تقلید داده شده مطابقت ندارد، فقط بی ایمانی است. «مکروهات» نزد خداوند منفور است و ثمره مشرکان است. خروج، "منفور". این نشئت منسوب به «بابل بزرگ، مادر فاحشه‌ها و زشتکاری‌های زمین» مطابق با مکاشفه 17:4-5 است. «قاتلان» از فرمان ششم تخلف می‌کنند. این قتل به ایمان کاتولیک و مذهب پروتستان "مناقضین" Dan. 11:34. خروج، "قاتل". طبق نسبت داده می‌شود. "بی حیا" می‌تواند رفتار خود را تغییر دهد و بر شر خود غلبه کند، در غیر این صورت. از "بی شرم" خارج شوید. اما «بی حیایی» معنوی متناسب به ایمان کاتولیک در مقایسه با یک «فاحشه» در بیهوشی را کاملاً بر روی آن می‌بندد. علاوه بر این، خداوند در "بی عفتی" او که منجر به "زنا" معنوی می‌شود، محکوم می‌کند: تجارت با شیطان. "جادوگران" کشیشان کاتولیک و پیروان پروتستان معنویت گرایی شیطانی هستند. خروج، "جادوگر"؛ این عمل در مکاشفه 18:23 به "بابل بزرگ" نسبت داده شده است. «بت پرستان» همچنین ایمان کاتولیک را مشخص می‌کند و بت‌های حکاکی شده آن را به عنوان عبادت و نیایش معرفی می‌کند. خروج، «بت پرست». و در آخر، عیسی به «دروغگویان» اشاره می‌کند که به عنوان پدر روحانی خود «شیطان، دروغگو و قاتل از ابتدا و پدر دروغ» را دارند، مطابق یوحنا 8:44. از "دروغگو" خارج شوید.

آیه 9: «آنگاه یکی از هفت فرشته که هفت شیشه هفت بلای آخر را در دست داشتند، آمد و با «من صحبت کرد و گفت: بیا، عروس، زن بره را به تو نشان خواهم داد»

در این آیه، روح پیام دلگرمی را به برگزیدگانی می‌فرستد که پیروزمندانه از زمان غم انگیز و وحشتناک «هفت آفت آخر» الهی عبور خواهند کرد. پادشاه آنها دیدن ("من به شما نشان خواهم داد") جلال اختصاص یافته برای برگزیدگان پیروز خواهد بود که در این آخرین مرحله تاریخی سرزمین گناه "عروس، همسر بره"، عیسی مسیح را تشکیل می‌دهند و نمایندگی می‌کنند.

هفت فرشته که هفت ویال پر از هفت بلای آخر را در دست داشتند، انسان‌هایی را هدف قرار دادند که معیارهای دین دروغین مسیحی را که در آیه قبل ذکر شد، داشتند. این «هفت بلای آخر» سهمی بود که خدا به زودی به اردوگاه سقوط کرده داد. او اکنون در تصاویر نمادین بخشی را به ما نشان خواهد داد که به برگزیدگان رستگاری پیروز می‌رسد. در نمادی که احساسات خدا نسبت به آنها را آشکار می‌کند، فرشته به برگزیدگانی که مجلس آنها در مجموع «عروس بره» را تشکیل می‌دهد نشان می‌دهد. با مشخص کردن "همسر بره"، روح آموزه داده شده در افسسیان 5:22 تا 32 را تأیید می‌کند. پولس رسول یک رابطه زن و شوهر ایده آل را توصیف می‌کند که متأسفانه تنها در رابطه برگزیدگان با مسیح تحقق می‌یابد. و ما باید بیاموزیم که داستان پیدایش را بازخوانی کنیم، در پرتو این درسی که روح خدای زنده، خالق همه زندگی، و مخترع درخشان ارزش‌های کامل آن داده شده است. کلمه "زن" "عروس"، "برگزیده" مسیح را به تصویر "زن" ارائه شده در مکاشفه 12 متصل می‌کند.

شرح کلی برگزیده جلالی

آیه 10: «و مرا با روح به کوهی بزرگ و بلند برد. و شهر مقدس اورشلیم را به من نشان داد» که از آسمان از جانب خدا نازل شد و جلال خدا را داشت

در روح، یحیی به لحظه ای منتقل می‌شود که عیسی مسیح و برگزیدگانش پس از داوری آسمانی «هزار سال» هزاره هفتم از آسمان نزول می‌کنند. در مکاشفه 14:1، «144000» ادونتیست «مهر شده» از «دوازده قبیله» روحانی مسیحی در «کوه صهیون» نشان داده شد. پس از «هزار سال»، آنچه پیشگویی شده بود، در واقعیت «زمین جدید» تحقق می‌یابد. از زمان بازگشت عیسی مسیح، برگزیدگان یک بدن آسمانی جلال یافته را از خدا دریافت کرده اند که جاودانه شده است. بنابراین

آنها " جلال خدا " را منعکس می کنند. این دگرگونی توسط پولس رسول در اول قرن نهم تا 15:40 تا 44 اعلام شده است: « جسم آسمانی و بدن های زمینی نیز وجود دارد. اما روشنائی اجرام آسمانی متفاوت است، درخشندگی اجرام زمینی متفاوت است. یکی درخشندگی خورشید و دیگری درخشندگی ماه و دیگری روشنائی ستارگان؛ حتی یک ستاره در روشنائی با ستاره دیگر متفاوت است. رستاخیز مردگان نیز چنین است. بدن فسادپذیر کاشته می شود. او فاسد ناپذیر برمی خیزد؛ حقیر کاشته می شود، با شکوه برمی خیزد. او ناتوان کاشته می شود، او با قدرت برمی خیزد. او به عنوان بدن حیوانی کاشته می شود، او به عنوان بدن روحانی زنده می شود. اگر بدن حیوانی وجود دارد، جسم روحانی نیز وجود دارد

» آیه 11: « درخشندگی آن مانند سنگ بسیار گرانبها بود، سنگ جاسپر شفاف مانند کریستال

نقل شده در آیه قبل، « جلال خدا » که آن را مشخص می کند، تأیید شده است، زیرا « سنگ

یاس » نیز جنبه « کسی که بر تخت می نشیند » را در مکاشفه 4: 3 نشان می دهد. ما بین این دو آیه تفاوتی را متذکر می شویم، زیرا در کتاب مکاشفه 4، برای زمینه قضاوت، این « سنگ یاس » که نماد خداست نیز ظاهری شبیه « ساردونیکس » دارد. در اینجا که مشکل گناه حل شده است، برگزیده خود را در جنبه ای از خلوص کامل « شفاف چون بلور » معرفی می کند

آیه 12: « دیواری بزرگ و بلند داشت. دوازده در داشت و بر درها دوازده فرشته و نامهای : دوازده قبیله بنی اسرائیل نوشته شده بود

تصویر ارائه شده توسط روح عیسی مسیح بر اساس نمادگرایی "معبد" است مقدس « روحانی که در افس. 2:20 تا 22 ذکر شده است: « شما بر اساس رسولان و انبیا بنا شده اید و خود عیسی مسیح سنگ بنای آن است. در او، کل ساختمان، به خوبی هماهنگ شده است، تا یک معبد مقدس در خداوند باشد. در او نیز به منزلگاه خدا در روح ساخته می شوید. ". اما این تعریف فقط مربوط به برگزیدگان دوران رسولی بود. " دیوار بلند " سیر تحول ایمان مسیحی را از سال 30 تا سال 1843 به تصویر می کشد. بیایید توجه داشته باشیم که تا این تاریخ، معیار حقیقت درک و تعلیم رسولان بدون تغییر باقی مانده است. به همین دلیل است که تغییر در روز استراحت که در سال 321 برقرار شد، عهد مقدسی را که با خون عیسی مسیح با خدا بسته شد، شکست. در مورد گیرندگان واقعی مکاشفه این پیشگویی، نمادهایی که ایمان ادونتیست را به تصویر می کشند، که از سال 1843 توسط خدا متمایز شده است، با "دوازده در" در مقابل مقامات منتخب " فیلادلفیا " "باز" تصویر شده اند (مکاشفه 3: 7) و " بسته " قبل از سقوط " مرده زنده " " ساردیس " (مکاشفه 3: 1). آنها " نام 12 قبیله مَهر شده با مهر خدا " را در مکاشفه 7 دارند.

آیه 13: « در مشرق سه دروازه، از شمال سه دروازه، به سمت جنوب سه دروازه، و به سمت « مغرب سه دروازه

این جهت گیری « درها » به چهار نقطه اصلی، ویژگی جهانی آن را نشان می دهد. که دینی را که مدعی جهانی گرای است که با ریشه یونانی «کاتولیکوس» یا «کاتولیک» ترجمه شده است، محکوم و نامشروع می کند. بنابراین، از سال 1843، برای خدا، ادونتیسم تنها دین مسیحی است که او « انجیل ابدی » خود (مکاشفه 14:6) را برای یک مأموریت جهانی آموزش به مردم زمین به آن سپرده است. جدا از حقیقتی که او تا پایان جهان بر منتخب روحانی خود آشکار می کند، هیچ نجاتی وجود ندارد. ادونتیسم در قالب یک جنبش احیای مذهبی متولد شد که انگیزه آن اعلام بازگشت عیسی مسیح بود که برای اولین بار در بهار 1843 انتظار می رفت. و باید این شخصیت را تا زمان بازگشت نهایی واقعی عیسی مسیح که برای بهار 2030 برنامه ریزی شده است حفظ کند. زیرا "حرکت" فعالیتی است در حال تکامل دائمی، در غیر این صورت دیگر یک "حرکت" نیست، بلکه یک نهاد "مسدود" و مرده است. که طرفدار سنت و فرمالیسم مذهبی است. یا هر چیزی که خدا نفرت دارد و آن را محکوم می کند. و قبلاً در میان یهودیان سرکش، اولین کافران را محکوم کرده است.

شرح تفصیلی به ترتیب زمانی

مبانی ایمان مسیحی

» آیه 14: « دیوار شهر دوازده پایه داشت و بر آنها دوازده نام دوازده رسول بره بود

این آیه تصویری از ایمان مسیحی حواری است که همانطور که دیدیم دوره زمانی بین 30 و 1843 را پوشش می دهد و آموزش آن توسط روم در سال های 321 و 538 تحریف شد. "دیوار بلند" به او « Pie.2:4-5: توسط مجمع چند صد ساله تشکیل شده است. از « سنگ های زنده » مطابق با 1 نزدیک شوید، سنگی زنده، طرد شده توسط مردم، اما برگزیده و گرانها در پیشگاه خدا. و شما خود به عنوان سنگهای زنده، خود را بسازید تا یک خانه روحانی، یک کاهنیت مقدس، برای تقدیم قربانیان روحانی، مقبول خدا از طریق عیسی مسیح، بسازید.

آیه 15: « کسی که با من سخن می گفت، نی طلایی برای اندازه گیری شهر و دروازه ها و دیوار داشت. »

در اینجا، مانند مکاشفه 11: 1، بحث « اندازه گیری » یا قضاوت در مورد ارزش برگزیدگان جلال یافته، در مورد دوران ادونتیست (12 دروازه)، و در مورد ایمان رسولی (بنیاد و دیوار) است. اگر « نی » مکاشفه 11:1 « مثل عصا »، ابزار مجازات بود، برعکس مطلق، آن آیه « نی طلایی » است. " طلا " که نماد " ایمان پاک شده با آزمایش " است، طبق اول پت. 1: 7: " تا آزمایش ایمان شما، گرانبها از طلای فاسد شدنی (که با آتش آزمایش می شود)، منجر به ستایش شود، جلال و افتخار، هنگامی که عیسی مسیح ظاهر می شود. بنابراین، ایمان معیار قضاوت خداوند است.

آیه 16: « شهر به شکل مربع بود و طولش به اندازه عرضش بود. شهر را با نی اندازه گرفت و دووازه هزار استادیوم یافت. طول، عرض و ارتفاع برابر بود. »

مربع " در سطح، شکل ایده آلی دارد. در اصل در قسمت «مقدس مقدس» یا «مقدس ترین مکان» خیمه ساخته شده در زمان موسی یافت می شود. شکل " مربع " دلیلی بر درگیری هوشمندانه است، طبیعت " مربع " کاملی را ارائه نمی دهد. هوش خداوند در ابعاد عبادتگاه عبری ظاهر می شود که با تراز سه " مربع " شکل گرفته است. دو مورد برای « مکان مقدس » و سوم برای « مقام قدسی » یا « مقدس ترین مکان » استفاده می شد که منحصرأ برای حضور خداوند اختصاص داشت و بنابراین با « حجاب » تصویر گناه از هم جدا می شد. عیسی در ساعت خود کفاره خواهد داد. این نسبت های سه سوم تصویری از 6000 یا سه برابر 2000 سال بود که به انتخاب برگزیدگان در پروژه نجات طراحی شده توسط خداوند اختصاص داشت. بنابراین، در پایان این انتخاب، برگزیدگان با « مربع » « مقدس ترین مکان » تصویر می شوند که نتیجه پروژه نجات را پیشگویی می کرد. این مکان روحانی به دلیل آشتی که توسط عهد در مسیح به وجود آمده است قابل دسترسی است. و « مربع » روحانی معبد که به این ترتیب توصیف شد، در 30 آوریل، زمانی که رستگاری با مرگ کفاره داوطلبانه نجات دهنده ما عیسی مسیح آغاز شد، پایه گذاری شد. تصویر " مربع " برای کامل کردن این تعریف از کمال واقعی، که عدد نمادین آن "سه" است، کافی نیست. همچنین، آن یک "مکعب" است که به ما ارائه می شود. با اندازه گیری یکسان، در « طول، عرض و ارتفاع »، این بار، نماد «سه» کمال «مکعبی» کامل، مجمع برگزیدگانی که توسط عیسی مسیح باز خرید شده اند را داریم. در سال 2030، ساخت " شهر مربع (و حتی مکعب: " ارتفاع آن "، فونداسیون و دوازده دروازه آن به پایان خواهد رسید. روح با دادن شکل مکعبی به آن، تعبیر تحت اللفظی «شهر» را که بسیاری به آن می دهند، ممنوع می کند.

عدد اندازه گیری شده، « 12000 استادیوم »، همان معنای « 12000 مهر » را دارد. برای در تعداد (1000). کلمه " استادیوم ها " نشان x یعنی انسان (5) + خدا (7)، 1000 x یادآوری: 5 + 7 دهنده شرکت آنها در مسابقه ای است که هدف آن "برنده شدن جایزه دعوت آسمانی" است، طبق تعالیم پولس، در فی. دعوت آسمانی خدا در عیسی مسیح. « و در اول قرنیتیان 9:24: « آیا نمی دانید کسانی که در استادیوم می دوند، همه می دوند، اما یکی جایزه می گیرد؟ بدوید تا برنده شوید » برگزیده پیروز دوید و جایزه ای را که خدا در عیسی مسیح اعطا کرده بود، برد.

آیه 17: « و دیوار را اندازه گرفت و صد و چهل و چهار ذراع یافت، به اندازه یک انسان که » اندازه فرشته بود.

در پشت « ذراع »، اندازه گیری های گمراه کننده، خداوند قضاوت خود را بر ما آشکار می سازد و به ما می گوید که تنها مردانی که با عدد «5» نماد آن هاست در ترکیب برگزیده گنجانده شده اند که با خدا هم پیمان شده اند که عدد آن برابر است. "7". مجموع این دو عدد "12" را به دست می دهد که با "مربع" عدد "144" را می دهد. دقت " اندازه گیری انسان " قضاوت " مردان " منتخب را تأیید می کند که توسط خون ریخته شده توسط عیسی مسیح نجات یافته اند. بنابراین عدد "12" در تمام مراحل پروژه اتحاد

مقدس منعقد شده با خدا وجود دارد: 12 پدرسالار عبری، 12 حواری عیسی مسیح و 12 قبیله برای تصویر کردن ایمان ادونتیسیت که از 1843-1844 تأسیس شده است.

« آیه 18: « دیوار از پشم ساخته شد و شهر از طلای خالص مانند شیشه خالص بود

از طریق این نمادها، خداوند قدردانی خود را از ایمانی که برگزیدگان منتخبش تا سال 1843 نشان دادند، آشکار می کند. آنها اغلب نور کمی داشتند، اما شهادت آنها به خدا او را جبران کرد و او را سرشار از عشق کرد. « طلای ناب و شیشه پاک » این آیه بیانگر پاکی روح آنهاست. آنها اغلب جان خود را به خاطر اعتماد به وعده های خدا که از طریق عیسی مسیح نازل شده است، رها کرده اند. اعتمادی که به او می شود ناامید نخواهد شد، او خود آنها را به " رستاخیز اول "، " مرده در مسیح " واقعی در بهار 2030 استقبال خواهد کرد.

بنیاد رسولی

آیه 19: « پایه های دیوار شهر با سنگ های قیمتی از هر نوع تزئین شده بود: پایه اول از یاسپر، دوم از یاقوت کبود، سوم از کلسدونی، چهارم از زمرد

بیت 20: « پنجم ساردونیکس، ششم ساردونیکس، هفتم کریزولیت، هشتم بریل، نهم توپاز، دهم « از کریزوپراس، یازدهم از سنبل، دوازدهم از آمیتیسیت

خداوند از افکار انسان ها و آنچه در هنگام تراش یا صیقل دادن سنگ های قیمتی دیدن می کند، می داند. عده ای برای به دست آوردن این چیزها ثروتی را خرج می کنند که خود را تباه کنند، چنین محبتی به آنها دارند. در همین روند، خداوند از این احساس انسانی برای ابراز احساساتی که نسبت به برگزیدگان محبوب و مبارک خود دارد استفاده خواهد کرد.

این « سنگ های قیمتی » متفاوت به ما می آموزند که افراد برگزیده، کلون های یکسانی نیستند، زیرا هر فردی شخصیت خاص خود را دارد، مشخصاً در سطح فیزیکی، اما به ویژه در سطح معنوی، در سطح شخصیت خود. مثالی که « دوازده حواری » عیسی آورده اند، این تفکر را تأیید می کند. بین ژان و پیر، چه تفاوتی! با این حال، عیسی آنها را هم با و هم به خاطر اختلافشان دوست داشت. غنای واقعی زندگی آفریده شده توسط خداوند در این تنوع شخصیت ها نهفته است که همگی توانسته اند جایگاه اول را در قلب و روح خود به او بدهند.

ادونتیسیم

آیه 21: « دوازده دروازه دوازده مروارید بود. هر در از یک مروارید بود. میدان شهر طلای خالص بود، مثل شیشه شفاف

از سال 1843، برگزیدگان منتخب ایمانی بیشتر از ایمان کسانی که پیش از آنها در قضاوت قاضی ناجی بودند، نشان نداده اند. نماد " یک مروارید " به دلیل دسترسی مبارک ادونتیسیم به درک کامل برنامه نجات خداست. برای خدا، از سال 1843، برگزیدگان ادونتیسیت برگزیده خود را شایسته دریافت تمام نور او نشان داده اند. اما این که در رشد مداوم ارائه می شود، تنها آخرین ادونتیسیت های مخالف آخرین شکل کامل توضیحات نبوی را دریافت می کنند. منظور من این است که آخرین ادونتیسیت انتخاب شده ارزش بیشتری نسبت به دیگری که از زمان رسولان باز خرید شده اند، نخواهد داشت. " مروارید " نشان دهنده اوج پروژه نجات است که توسط خدا به حرکت در آمده است. این یک تجربه خاص را نشان می دهد که شامل بازگرداندن تمام حقایق اعتقادی است که توسط ایمان کاتولیک پاپ رومی و ایمان پروتستانی که به ارتداد تحریف شده و مورد حمله قرار گرفته بودند. و سرانجام، اهمیت فوق العاده ای را که خداوند به اعمال فرمان دانیال 8:14 در بهار 1843 می دهد، برای ما آشکار می سازد: «تا دو هزار و سیصد در شب و تقدس عادل می شود». " مروارید " تصویر این " قدوسیت موجه " است که بر خلاف سایر سنگ های قیمتی، نباید تراشیده شود تا زیبایی آن آشکار شود. در این زمینه نهایی، مجمع برگزیدگان تقدیس شده، مطابق با مکاشفه 5: 14، هماهنگ، " غیر قابل سرزنش " به نظر می رسد و به خدا تمام جلالی را که سزاوارش است می بخشد. سبت نبوی و هزاره هفتم که توسط آن پیشگویی شده است، گرد هم می آیند و در کمال پروژه نجاتی که توسط خدای خالق بزرگ تصور شده است، به انجام می رسند. " مروارید گرانبها " او در متی 13:45-46 بیانگر تمام شکوهی است که او می خواست به آن بدهد.

تغییرات بزرگ اورشلیم جدید

روح تصریح می کند: « میدان شهر از طلای خالص مانند شیشه شفاف ساخته شده بود. او با استناد به این « محل طلای ناب » یا ایمان خالص، مقایسه ای را با پاریس پیشنهاد می کند که تصویر گناه را با دریافت نام « سودوم و مصر » در مکاشفه 11:8 نشان می دهد

آیه 22: « هیچ معبدی در شهر ندیدم. زیرا یهوه خدای قادر مطلق معبد اوست، چنانکه بره نیز « چنین است

زمان نمادها گذشته است، برگزیدگان وارد انجام واقعی پروژه نجات الهی شده اند. همانطور که امروز روی زمین می دانیم، « معبد » تجمع دیگر هیچ کاربردی نخواهد داشت. ورود به ابدیت و واقعیت، « سایه هایی » را که طبق کول.2: 16-17 پیش گویی کرده بود، بی فایده می سازد: « پس هیچ کس درباره خوردن یا آشامیدن، یا در مورد عید، ماه نو یا سبت قضاوت نکند. سایه چیزهای آینده بود، اما بدن در مسیح است. توجه! در این آیه، صیغه « سبت ها » مربوط به « سبت هایی » است که به واسطه اعیاد دینی برگزار می شود، نه « سبت هفتگی » که در هفتمین روز از زمان خلقت جهان توسط خداوند برقرار و تقدیس شده است. درست همانطور که اولین آمدن مسیح مراسم جشنی را که در عهد قدیم پیشگویی شده بود بهبود کرد، ورود به ابدیت نمادهای زمینی را منسوخ خواهد کرد و به برگزیدگان این امکان را می دهد که ببینند، بشنوند و پیروی کنند « بره باش، عیسی مسیح، " معبد " مقدس الهی واقعی که تا ابد، مظهر مشهود روح خلاق خواهد بود

آیه 23: « شهر برای روشن کردن آن نه به خورشید نیاز دارد و نه ماه. زیرا جلال خدا او را روشن می کند و بره مشعل اوست

در ابدیت الهی، برگزیدگان در نوری دائمی و بدون منبع نوری مانند خورشید فعلی ما زندگی می کنند که وجودش تنها با تناوب « روز و شب » توجیه می شود. « شب یا تاریکی » به دلیل گناه موجه است. با رفع گناه و از بین رفتن آن، تنها جایی برای « نور » باقی می ماند که خدا در پیدایش 1:4 « خوب » اعلام کرده بود

روح خدا نامرئی می ماند و عیسی مسیح جنبه ای است که مخلوقاتش می توانند او را ببینند. به همین دلیل است که او به عنوان « مشعل » خدای نامرئی معرفی می شود

اما تفسیر معنوی تغییر بزرگی را آشکار می کند. با ورود به بهشت، برگزیدگان مستقیماً توسط عیسی تعلیم داده می شوند، آنها دیگر نیازی به « خورشید »، نماد اتحاد جدید، و نه « ماه »، نماد اتحاد قدیمی یهودیان ندارند. هر دو، طبق مکاشفه 11: 3، در کتاب مقدس، « دو شاهد » کتاب مقدسی خدا هستند که در روشنگری انسانها در کشف و درک پروژه نجات او مفید هستند. به طور خلاصه، برگزیدگان دیگر نیازی به کتاب مقدس نخواهند داشت

آیه 24: « امتهای در نور آن راه خواهند رفت و پادشاهان زمین جلال خود را در آن خواهند آورد

« ملت ها » مربوط، « ملت هایی » هستند که آسمانی هستند یا آسمانی شده اند. « زمین جدید » که به پادشاهی جدید خدا نیز تبدیل شده است، در آنجاست که هر موجود زنده ای می تواند خدای خالق را بباید. « پادشاهان زمین » که برگزیدگان را تشکیل می دهند، در این زندگی ابدی که بر روی « زمین جدید » نصب شده است، « جلال » پاکي روح خود را به ارمغان خواهند آورد. این عبارت « پادشاهان زمین » که اغلب مقامات سرکش زمینی را به شکلی تحقیر آمیز هدف قرار می دهد، در مکاشفه 4:4 و 20:4 برگزیدگان را به شیوه ای ظریف معرفی می کند، جایی که آنها را «نشسته» بر «تخت ها» معرفی می کند. به همین ترتیب، در مکاشفه 5: 10 می خوانیم: " شما آنها را برای خدای ما پادشاهی و کاهنان قرار دادید و آنها بر روی زمین سلطنت خواهند کرد

« درهای او در روز بسته خواهد شد، زیرا در آنجا شب خواهد بود این پیام ناپدید شدن ناامنی فعلی را برجسته می کند. صلح و امنیت در پرتو یک روز ابدی بدون پایان کامل خواهد شد. در تاریخ زندگی، تصویر تاریکی تنها بر روی زمین به دلیل نبرد بین « نور » الهی و « ظلمت » اردوگاه شیطان ایجاد شد

« آیه 26: « جلال و افتخار امتهای به آنجا آورده خواهد شد

به مدت 6000 سال انسان ها خود را به قبایل، مردم و ملت ها سازماندهی کرده اند. در دوران مسیحیت، در غرب، مردم پادشاهی های خود را به ملت ها تغییر دادند و برگزیدگان مسیحی به دلیل «جلال و افتخار» که در عیسی مسیح به خدا دادند، از میان آنها انتخاب شدند.

آیه 27: «هیچ چیز ناپاک در او وارد نشود و کسی که کار زشت یا دروغ انجام دهد. فقط کسانی که در کتاب زندگی بره نوشته شده اند وارد خواهند شد».

خداوند آن را تأیید می کند، رستگاری موضوع تقاضای بزرگی از جانب او است. فقط ارواح کاملاً پاک که عشق به حقیقت الهی را نشان می دهند، می توانند برای زندگی ابدی انتخاب شوند. یک بار دیگر، روح رد خود را از "نجس شده" که نشان دهنده ایمان پروتستان سقوط کرده در پیام "سارد" در مکاشفه 3: 4 است، و ایمان کاتولیک که پیروان آن "خود را به زشتی ها و دروغ های مذهبی و مدنی تسلیم می کند" تجدید می کند. زیرا کسانی که به خدا تعلق ندارند به خود اجازه می دهند که توسط شیطان و شیاطین او دستکاری شوند.

بار دیگر، روح به ما یادآوری می کند که شگفتی ها برای انسان ها محفوظ است، زیرا خداوند از زمان تأسیس جهان، نام برگزیدگان خود را می دانست، زیرا آنها «در کتاب زندگی او نوشته شده اند». و خداوند با ذکر «در کتاب زندگی بره»، هر دین غیر مسیحی را از برنامه نجات خود حذف می کند. پس از آشکار ساختن حذف ادیان مسیحی دروغین در مکاشفه، راه نجات به عنوان «باریک و باریک» ظاهر می شود، همانطور که عیسی در متی 7: 13-14 اعلام کرد: «از دروازه باریک وارد شوید. زیرا که دروازه وسیع و راهی است که به هلاکت می انجامد و بسیاری از آن وارد می شوند. اما باریک است دروازه و باریک راهی است که به زندگی منتهی می شود و اندکی هستند که آن را می یابند.»

مکاشفه 22: روز بی پایان ابدیت

به پایان رسید. عدد 22 به طور متناقضی 3 x 7: 21 Apo کمال زمان زمینی انتخاب الهی با آغاز تاریخ را نشان می دهد، اگرچه در این کتاب، پایان آن را تشکیل می دهد. این تجدید که به نظر خدا مربوط به « همه چیز » است، به « زمین جدید و آسمان جدید » مرتبط است که هر دو جاودانه هستند آیه 1: « و نهری از آب حیات را به من نشان داد، زلالی چون بلور، که از تخت خدا و بره

» بیرون می آمد

در این تصویر عالی و نشاط آور طراوت، روح به ما یادآوری می کند که مجمع برگزیدگان که ابدی شده اند، که توسط «رود آب حیات» تصویر شده است، آفریده ای است، اثری از خدا که به طور روحانی در مسیح بازسازی شده و حضورش قابل مشاهده است. توسط " تاج " او پیشنهاد شده است. و این به واسطه قربانی «بره»، عیسی مسیح. ابدیت ثمره تولد تازه ای است که این قربانی در برگزیدگان ایجاد کرد.

رودخانه « جریانی با حجم بالا از آب شیرین است. او زندگی را به تصویر می کشد که مانند » او در حال فعالیت مداوم است. آب شیرین 75 درصد از بدن زمینی انسان را تشکیل می دهد. این بدان معناست که آب شیرین برای او ضروری است، و به همین دلیل است که خداوند کلام خود را، به همان اندازه که برای به دست آوردن حیات ابدی ضروری است، با « منبع آب های حیات » به گفته مقایسه می کند. " منبع آب زنده " مطابق با ارم. 2:13. در مکاشفه او، ما در مکاشفه Apo.7:17 17:15 دیدیم که " آب " نماد " مردم " است. در اینجا، « رود » نمادی از ابدی شدن برگزیدگان رستگار شده است.

آیه 2: « در وسط میدان شهر و در دو ساحل نهر درخت حیاتی بود که دوازده بار میوه می داد و » هر ماه میوه خود را می داد و برگ هایش برای شفای امت ها بود

در این تصویر دوم، عیسی مسیح، «درخت حیات» در «وسط» مجمع برگزیدگانش دیده می شود که در « میدان » اجتماع دور او جمع شده اند. او " در وسط " آنها، بلکه در طرفین آنها است که توسط " دو ساحل رودخانه " نشان داده شده است. زیرا روح الاهی عیسی مسیح در همه جا حاضر است. در همه جا و در همه جا حاضر است. میوه این « درخت » « زندگی » است که دائماً تجدید می شود، زیرا « ثمره آن » در هر « 12 ماه » سال زمینی ما به دست می آید. این تصویر زیبایی دیگری از زندگی ابدی و یادآوری است که به خواست خدا جاودانه نگه داشته شده است.

عیسی اغلب انسان را با « درختان میوه » مقایسه می کند که « ما از روی میوه هایشان قضاوت می کنیم ». او از ابتدا در پیدایش ۲:۹، تصویر نمادین « درخت زندگی » را به خود نسبت داد. اما درختان به عنوان " لباس " زینت " برگ " خود را دارند. برای عیسی، " لباس " او نماد اعمال صالح او و بنابراین رستگاری او از گناهان برگزیدگانش است که نجات خود را مدیون او هستند. بنابراین همانطور که " برگ " درختان بیماری ها را درمان می کند، اعمال صالح انجام شده توسط عیسی مسیح نیز بیماری مرگبار گناه اولیه را که از زمان آدم و حوا که از " برگ های " درختان برای پوشاندن بدن خود استفاده کرده بودند به ارث رسیده توسط برگزیدگان " درمان " می کند. و برهنگی معنوی که با تجربه گناه کشف شد.

آیه 3: « دیگر لعنتی وجود نخواهد داشت. تخت خدا و بره در شهر خواهد بود. بندگان او را » خدمت خواهند کرد و چهره او را خواهند دید

از این آیه، روح خود را در زمان آینده بیان می کند و پیام خود را به معنای تشویق برای برگزیدگانی می دهد که تا بازگشت مسیح و حذف آنها از زمین گناه هنوز باید با شر و عواقب آن مبارزه کنند.

این « آنا تمنا »، نفرین گناهی است که حوا و آدم مرتکب شدند و خدا را برای چشم انسان نامرئی کرده بود. ایجاد اسرائیل عهد قدیم چیزی را تغییر نداد، زیرا گناه همچنان خدا را نامرئی می کرد. او هنوز باید زیر ظاهر ابری پنهان می شد که در شب پر زرق و برق می شد. مقدس ترین مکان حرم منحصرأ برای او در نظر گرفته شده بود و مجازات یک متخلف اعدام بود. اما این شرایط زمینی دیگر نیست. در زمین جدید، خدا برای همه بندگان قابل مشاهده است، خدمت آنها هنوز یک راز باقی مانده است، اما آنها با او ارتباط خواهند داشت، همانطور که رسولان با عیسی مسیح شانه می مالند و با او گفتگو می کنند. رو در رو

» آیه 4: « و نام او بر پیشانی ایشان خواهد بود

نام خدا " مهر خدای زنده " واقعی را تشکیل می دهد. استراحت سبت تنها «نشانه» بیرونی این است. زیرا « نام » خداوند شخصیت او را نشان می دهد که نماد آن با صورت « چهار حیوان » است: « شیر، گوساله، انسان و عقاب » که کاملاً تضادهای هماهنگ شخصیت خدا را نشان می دهد. : شاهانه و قوی، اما آماده فداکاری، ظاهر انسانی، اما طبیعت بهشتی. سخنان عیسی محقق شده است. کسانی که شبیه هم هستند دور هم جمع می شوند. همچنین کسانی که در ارزش های الهی مشترکند، از سوی خداوند برای حیات جاودانی انتخاب شده و نزد او محشور شده اند. " پیشانی " مغز مرد، مرکز حرکتی اندیشه و شخصیت او را در خود جای داده است. و این مغز متحرک معیار حقیقتی را که خداوند برای نجات آن به او ارائه می کند، مطالعه، منعکس و تایید یا رد می کند. مغز برگزیدگان عاشق نمایش عشقی بود که توسط خدا در عیسی مسیح سازماندهی شده بود و طبق قوانین تعیین شده برای غلبه بر شر با کمک او مبارزه کردند تا حق زندگی با او را به دست آورند.

در نهایت، همه کسانی که در شخصیت خدا که توسط عیسی مسیح مکتشف شده است شریک هستند، خود را با او می یابند تا برای ابد به او خدمت کنند. وجود « نام » خدا که بر پیشانی آنها نوشته شده است، پیروزی آنها را توضیح می دهد. و این، به ویژه، در آخرین آزمون ایمان ادونتیست که در آن، مردان حق داشتند روی « پیشانی خود»، « نام خدا » یا « جانور » سرکش بنویسند.

آیه 5: « دیگر شبی نخواهد بود. و آنها به چراغ و نور نیاز خواهند داشت، زیرا خداوند خداوند کرد. » به آنها نور خواهد داد. و آنها برای همیشه و همیشه سلطنت خواهند کرد.

در پشت کلمه " شب " کلمه " تاریکی " قرار دارد که نماد گناه و شر، Gen. 1:5 بر اساس است. « چراغ » نشان دهنده کتاب مقدس است، کلام مکتوب مقدس خدا که معیار « نور او »، یعنی خیر و نیکی را آشکار می کند. دیگر مفید نخواهد بود، برگزیدگان مستقیماً به الهام الهی آن دسترسی خواهند داشت، اما در حال حاضر نقش اساسی « روشنگر » خود را که به تنهایی به زندگی ابدی می انجامد، بر روی زمین گناه حفظ می کند.

آیه 6: « و او به من گفت: این سخنان مطمئن و درست است. و خداوند، خدای ارواح انبیا، " فرشته خود را فرستاده تا به بندگان خود آنچه را که باید به سرعت رخ دهد، نشان دهد.

برای بار دوم این تصدیق الهی را می یابیم: « این سخنان یقینی و درست است ». خدا تلاش می کند تا خواننده را به نبوت متقاعد کند، زیرا زندگی ابدی او در انتخاب هایش در خطر است. انسان در مواجهه با تصدیقات الهی خود مشروط به حواس پنجگانه ای است که خالقش به او داده است. وسوسه ها متعدد و در دور کردن او از معنویت مؤثر است. بنابراین اصرار خداوند کاملاً موجه است. خطر برای روح واقعی و همیشه وجود دارد.

مناسب است که خوانش خود را از این آیه که خصوصیت تحت اللفظی نادری را در این پیشگویی ارائه می دهد، به روز کنیم. در این آیه هیچ نمادی وجود ندارد، بلکه تأیید می کند که خداوند الهامبخش پیامبرانی است که کتاب های انجیل را نوشته اند و به عنوان آخرین مکاشفه، « جبرئیل » را نزد یحیی فرستاد تا به صورت تصاویر برای او آنچه را آشکار می سازد. ، در سال 2020، " به سرعت " اتفاق می افتد، یا قبلاً تا حد زیادی انجام شده است. اما بین سال های 2020 و 2030، باید از وحشتناکترین دوران عبور کرد. زمان های وحشتناکی که با مرگ، تخریب هسته ای، و « هفت بلا ی آخر خشم خدا » مشخص شده است. انسان و طبیعت تا زمانی که ناپدید شوند به شدت رنج خواهند برد.

آیه 7: « و اینک، من به سرعت می آیم. خوشا به حال کسی که سخنان پیشگویی این کتاب را « حفظ کند

بازگشت عیسی برای بهار سال 2030 اعلام شده است. سعادت برای ماست، تا جایی که « کلمات پیشگویی این کتاب » مکاشفه را تا پایان « نگهداری » داریم.

قید " به سرعت " ظهور ناگهانی مسیح را در ساعت بازگشتش تعریف می کند، زیرا زمان به طور منظم بدون شتاب یا کاهش سرعت می گذرد. از دانیال 8:19، خدا به ما یادآوری می کند: « زمانی برای پایان تعیین شده است: » « سپس به من گفت: آنچه را که در پایان خشم اتفاق خواهد افتاد به تو خواهم آموخت، زیرا زمانی برای پایان مشخص شده است. " تنها می تواند در پایان 6000 سالی که خداوند برای انتخاب منتخبین برنامه ریزی کرده است، یعنی در اولین روز بهار که قبل از 3 آوریل 2030 است، مداخله کند.

آیه 8: « من یوحنا هستم که این چیزها را شنیده و دیده ام. و چون شنیدم و دیدم به پای فرشته ای
افتادم که آنها را به من نشان داد تا لولاییپرستم و بر او سجده کنم »

برای بار دوم، روح می آید تا هشدار خود را به ما بفرستد. در متون اصلی یونانی فعل
"Vulgate" به "سجده کردن قبل" ترجمه می شود. فعل "پرستیدن" میراث نسخه لاتین "proskuneo"
در مرقس 11:25، «istemi» است. ظاهراً این ترجمه بد، به دلیل ترجمه نادرست دیگری از فعل یونانی
راه را برای کنار گذاشتن سجده بدنی در اعمال مذهبی مسیحیت مرتد تا سرحد نماز «ایستاده» هموار
Oltremare به معنای «استوار ماندن یا استقامت» است، اما ترجمه «stékété» کرد. در متن، شکل آن
به معنای «ایستادن» در معنای لغوی «stasis» استفاده شده است، آن را به L.Segond که در نسخه
ترجمه کرده است. بنابراین، ترجمه نادرست کتاب مقدس، به طرز فریبنده ای، نگرش ناشایست، متکبرانانه
و ظالمانه را نسبت به خالق بزرگ خدا، قادر مطلق، از سوی افرادی که احساس مقدس بودن واقعی را از
دست می دهند، مشروعیت می بخشد. و این تنها مورد نیست... به همین دلیل است که نگرش ما نسبت به
ترجمه های کتاب مقدس باید مشکوک و محتاطانه باشد، به خصوص که در مکاشفه 9:11، خداوند
از کتاب مقدس نوشته شده را آشکار می کند. " به (Abaddon- Apollyon) «کاربرد» ویرانگر
عبری و یونانی ". حقیقت فقط در متون اصلی یافت می شود که به زبان عبری حفظ شده اند اما ناپدید شده
اند و با نوشته های یونانی عهد جدید جایگزین شده اند. و در آنجا، باید تشخیص داد، دعای "ایستاده" در
میان مؤمنان پروتستان ظاهر شد که هدف کلمات الهی " ترومیت پنجم. « زیرا، به طور متناقض، دعای
زانو زده در میان کاتولیک ها مدت طولانی تری ادامه داشته است، اما ما نباید تعجب کنیم، زیرا در این
مذهب کاتولیک است که شیطان پیروان و قربانیان خود را به سجده در برابر تصاویر حکاکی شده ای
سوق می دهد که در دومین فرمان از ده فرمان خدا ممنوع شده است. فرمانی که کاتولیک ها نادیده می
گیرند، زیرا در نسخه رومی، حذف و جایگزین شده است.

آیه 9: « اما او به من گفت: مواظب باش که این کار را نکن! من هم خدمت شما و برادران
پیامبران و نگهبانان سخنان این کتاب هستم. عبادت کن خدا را سجده کن

تقصیری که یوحنا مرتکب شد، توسط خداوند به عنوان هشداری خطاب به برگزیدگانش مطرح
شده است: "مراقب باشید که به بت پرستی نیفتید!" که تقصیر اصلی ادیان مسیحی رد شده توسط خدا در
عیسی مسیح است. او این صحنه را به همان ترتیبی ترتیب می دهد که آخرین درس خود را با دستور به
حواریون خود برای برداشتن اسلحه برای ساعت دستگیری خود ترتیب داد. وقتی وقتش رسید، استفاده از
آن را منع کرد. درس داده شد و گفت: مواظب باش این کار را نکن. در این آیه، یوحنا این توضیح را
دریافت می کند: « من همکار تو هستم. « فرشتگان » از جمله « جبرئیل »، مانند انسان، مخلوقات
خداوند خالق هستند که در دومین فرمان از ده فرمان خود، سجده بر مخلوقاتش، در برابر تمثال های
تراشیده یا منقوش، نهی کرده است. تمام اشکالی که بت می تواند داشته باشد. بنابراین ما می توانیم با
توجه به رفتارهای متضاد فرشتگان از این آیه درس بگیریم. در اینجا جبرئیل، شایسته ترین مخلوق
آسمانی پس از میکائیل، از سجده بر او نهی می کند. از سوی دیگر، شیطان در ظواهر فریبنده اش، در
کسوت «باکره» می خواهد که بناها و عبادت هایی برای عبادت و خدمت او برپا شود... نقاب نورانی
تاریکی فرو می افتد.

فرشته همچنین تصریح می کند: « و برادران شما، پیامبران و نگهبانان کلمات این کتاب ». ما
بین این جمله و کلام مکاشفه 1:3 تفاوت را به دلیل زمان سیری شده بین آغاز زمان رمزگشایی، 1980،
و نسخه فعلی 2020 مشاهده می کنیم. بین این دو تاریخ، "کسی که می خواند" دیگر فرزندان خدا را در
نور رمزگشایی شریک ساختند و آنها نیز به نوبه خود وارد کار «انبیاء» شدند. این ضرب به تعداد
بیشتری از افراد فراخوانده شده اجازه می دهد تا با شنیدن حقیقت آشکار شده و با عملی ساختن آن به
انتخابات دسترسی داشته باشند.

« آیه 10: « و او به من گفت: سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن. چون زمان نزدیک است

این پیام گمراه کننده است، زیرا خطاب به یوحنا است، که بر اساس مکاشفه 1:10، خداوند او را
از ابتدای کتاب به عصر آخر ما منتقل کرده است. همچنین باید درک کنیم که دستور به مهر نکردن
کلمات کتاب مستقیماً خطاب به من در زمانی است که کتاب کاملاً از مهر خارج شده است. سپس تبدیل به
" کتاب باز کوچک " مکاشفه 10:5 می شود. و وقتی به یاری و اذن خداوند « گشوده شد » دیگر خبری

از بستن آن با «مهر» نیست. و این، " زیرا زمان نزدیک است "؛ در بهار 2021، 9 سال تا بازگشت باشکوه خداوند خداوند عیسی مسیح باقی مانده است.

یعنی پس از 1843 و Dan.8:14 با این حال، اولین افتتاحیه « کتاب کوچک » پس از فرمان 1844 آغاز شد. زیرا درک مهم موضوع آخرین آزمایش ایمان ادونتیست ها به دلیل مکاشفه هایی است که مستقیماً توسط خود عیسی مسیح یا فرشته او به خواهر ما ال.ن.جی وایت در طول خدمت او داده شده است.

آیه 11: « کسی که ظالم است دوباره ظلم کند، هر که ناپاک است دوباره نجس شود. و عادلان همچنان عدالت را پیشه کنند و آن که مقدس است همچنان خود را تقدیس کند »

در قرائت اول، این آیه ورود به اجرای حکم دان.8:14 را تأیید می کند. جدایی ادونتیست هایی که از سوی خداوند بین سال های 1843 و 1844 انتخاب شده بود، پیام « ساردیس » را تأیید می کند که در آن پروتستان ها را « زنده » اما « مرده » و از نظر روحی « پلید » می یابیم، و پیشگامان ادونتیست ها « شایسته سفیدی » را در این آیه می خوانند. عدالت و تقدیس « اما گشایش » کتاب کوچک « پیشرو است مانند « راه صالحان که مانند روشنایی روز، از طلوع فجر تا اوج خود رشد می کند ». و ادونتیست های پیشگام غافل بودند که آزمایش ایمان آنها را بین سال های 1991 و 1994 غربال می کرد، همانطور که مطالعه « پنجمین شیپور » برای ما آشکار شد. در نتیجه قرائت های دیگر این آیه ممکن می شود

زمان مهر و موم کردن نزدیک است به پایان برسد همانطور که در مکاشفه 7:3 می خوانیم: « به زمین، نه به دریا و نه به درختان آسیبی میر، تا زمانی که بر پیشانی بندگان خدای خود مهر نزنیم. « مجوز آسیب رساندن به زمین، دریا و درختان را کجا باید قرار دهیم؟ دو احتمال وجود دارد. قبل از « ششمین شیپور » یا قبل از « هفت آفت آخر »؟ " ششمین شیپور " ششمین مجازات هشدار دهنده ای است که خداوند به گناهکاران زمینی داده است، به نظر من در این مورد منطقی است که احتمال دوم را حفظ کنم. زیرا « هفت آفت آخر خشم خدا » هدف خود « زمین » پروتستان و « دریای کاتولیک » است. بیایید در نظر بگیریم که ویرانی های انجام شده توسط « ششمین شیپور » از تبدیل شدن برگزیدگان فراخوانده شده توسط خون عیسی مسیح باز خرید شده، جلوگیری نمی کند، بلکه باعث ترویج آن می شود.

بنابراین، پس از « ششمین شیپور » و درست قبل از « هفت آفت آخر » و در زمان توقف مهر و موم که پایان زمان فیض جمعی و فردی را نشان می دهد، هنوز می توانیم کلمات را از این آیه: « کسی که ظلم می کند دوباره ظلم می کند، هر که ناپاک است دوباره آلوده شود. و عادلان همچنان عدالت را پیشه کنند و آن که مقدس است همچنان خود را تقدیس کند. همه می توانند در اینجا ببینند که چگونه روح در این آیه ترجمه خوبی را که من برای آیه اساسی « ادونتیست » ارائه کردم که دانیال 8:14 است، تأیید می کند: «... قدوسیت عادل شمرده خواهد شد ». کلمات « عدالت و قدوس » به شدت مورد حمایت و تأیید خداوند قرار دارند. بنابراین این پیام زمان پایان مهلت را پیش بینی می کند، اما توضیح دیگر به شرح زیر است. با رسیدن به پایان کتاب، روح زمانی را هدف قرار می دهد که کتاب کاملاً رمزگشایی شده به « کتاب کوچک باز » تبدیل شود و از این لحظه پذیرش یا رد آن بین « کسی که عادل است و کسی که خود را نجس می کند » تفاوت ایجاد می کند. " و پروردگار ما " قدیس را به تقدیس بیشتر " دعوت می کند. دوباره به یاد می آورم که در پیام « ساردس »، « نجس » به پروتستانیسم نسبت داده شد. روح با کلمات خود این پروتستانیسم و ادونتیسم نهادی را مورد هدف قرار می دهد که از سال 1994، زمانی که با ورود به اتحاد جهانی به آن ملحق شد، نفرین خود را به اشتراک گذاشته است. بنابراین، پذیرش پیام رمزگشایی شده این کتاب، " یک بار دیگر، اما آخرین، تفاوت بین کسی که خدا را بندگی می کند و کسی خواهد کرد Mal.3:18 که او را خدمت نمی کند " بر اساس

بنابراین من دروس این آیه را خلاصه می کنم. اولاً، جدایی ادونتیست ها از پروتستانیسم بین سال های 1843 و 1844 را تأیید می کند. در خوانش دوم، علیه ادونتیسم رسمی که پس از سال 1994 به اتحاد پروتستان و جهان اسلام بازگشته است، اعمال می شود. و من قرائت سوم را پیشنهاد می کنم که در پایان زمان اعمال خواهد شد. فیض در سال 2029 قبل از بازگشت عیسی مسیح برای آغاز بهار تعیین شده است که قبل از 3 آوریل فصیح 2030 می آید.

پس از این توضیحات باقی مانده است که بفهمیم علت سقوط ادونتیسم نهادی، که منجر به « استقرار » آن توسط عیسی مسیح در پیامش خطاب به لائودیسه شد، کمتر خودداری از باور به بازگشت او برای سال 1994 است، که امتناع از در نظر گرفتن سهم نوری که برای روشن کردن ترجمه واقعی

دانیال 8:14 آمده است. نوری که خود متن اصلی کتاب مقدس عبری به شیوه ای غیر قابل انکار نشان داد شده است. این گناه را فقط خدای عدالت می تواند محکوم کند که مجرم را بی گناه نمی داند

آیه 12: « اینک من به سرعت می آیم و پاداش من با من است تا به هر کس بر حسب کارش ادای بدهم »

سال دیگر عیسی با شکوه وصف ناپذیر الهی باز خواهد گشت. در مکاشفه 16 تا 20، خداوند 9 ماهیت بخشی از مجازات خود را که برای گناهکاران سرکش کاتولیک، پروتستان و ادونتیسست ظالم و نابردبار محفوظ است، به ما آشکار کرد. او همچنین در مکاشفه 7، 14، 21 و 22 قسمتی را که برای ادونتیسست های منتخبش که وفادار ماندند و به کلام نبوی او و سبت مقدس روز هفتم او احترام می گذاشتند، به ما تقدیم کرد. "کار او چیست"، که جای کمی برای مجرمان باقی می گذارد تا خود را در نظر مسیح توجیه کنند. کلمات خودتوجیه کننده بی فایده می شوند زیرا برای تغییر اشتباهات انتخاب های گذشته خیلی دیر خواهد بود

« آیه 13: « من آلفا و امگا، اولین و آخرین، آغاز و پایان هستم

آنچه آغاز دارد، پایانی نیز دارد. این اصل در مورد مدت زمان زمینی که خداوند برای انتخاب برگزیدگان خود فراهم کرده است، صدق می کند. بین آلفا و امگا 6000 سال می گذرد. در سال 30 در 3 آوریل، مرگ کفاره داوطلبانه عیسی مسیح نیز زمان آلفای 2000 سال اتحاد مسیحیان را رقم خواهد زد. بهار 2030 زمان امگا خود را با قدرت کامل مشخص خواهد کرد

اما آلفا نیز 1844 است با امگا 1994. و در نهایت، آلفا برای من و آخرین منتخبان، 1995 با امگا خود، 2030 است

آیه 14: « خوشا به حال کسانی که احکام او را نگاه می دارند (و نه بدای خود را بشویند) تا «! حق درخت زندگی را داشته باشند و از دروازه ها وارد شهر شوند

شکل دوم « مصیبت بزرگ » با پیامدهای آن از مرگ های فراوان در برابر ما قرار دارد. بنابراین، گرفتن حمایت و کمک از خدا از طریق عیسی مسیح ضروری است. همانطور که تصویر نشان می دهد، گناهکار باید " احکام خود را حفظ کند «؛ کسانی که از خدا و کسانی که از عیسی، " بره خدا "، به این معنی که او باید تمام اشکالی که گناه می تواند داشته باشد چشم پوشی کند. ترجمه پنهان این آیه که در انجیل های کنونی ما محفوظ است به دلیل کاتولیک رومی است که از واتیکان رهبری می شود. نسخه های خطی دیگر، قدیمی ترین و در نتیجه وفادارتر، چنین پیشنهاد می کنند: « خوشا به حال کسانی که احکام او را نگاه می دارند ». و چون گناه تخطی از شریعت است، پیام تحریف شده و اطاعت ضروری و حیاتی را با ادعای ساده تعلق مسیحی جایگزین می کند. چه کسی از جنایت سود می برد؟ به کسانی که در روز سبت تا بازگشت باشکوه عیسی مسیح مبارزه خواهند کرد. پیام واقعی چنین خلاصه می شود: « خوشا به حال کسی که از خالق خود اطاعت کند ». این پیام فقط همان چیزی را که در مکاشفه 12:17 و 14:12 ذکر شده است، تکرار می کند، یعنی: " کسانی که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می دارند ". اینها گیرندگان آخرین پیامی هستند که عیسی فرستاد. قضاوت کننده نتیجه بدست آمده خود عیسی مسیح است و نیاز او برابر است با رنجی که در شهادتش متحمل شد. پاداش کسانی که انتخاب شده اند بسیار عالی خواهد بود. آنها جاودانگی را به دست خواهند آورد و از طریق مسیر ادونتیسست که نماد آن " دوازده دروازه " نمادین " اورشلیم جدید " است، وارد زندگی ابدی خواهند شد

آیه 15: « با سگ ها، جادوگران، فاحشه ها، قاتلان، بت پرست ها و هر کسی که دروغ می گوید و «! دوست می دارد، بیرون بروید

چه کسانی هستند که عیسی از آنها نام می برد؟ این اتهام پنهان مربوط به کل ایمان مسیحی است که مرتد شده است. ایمان کاتولیک، ایمان چندشکل پروتستان از جمله ایمان ادونتیسست که از سال 1994 وارد اتحاد آن شده است. ایمان ادونتیسست که در آغاز وجودش بسیار برکت یافته بود، و حتی بیشتر از آن با توجه به آخرین نمایندگان که مجبور به مخالفت شدند. " سگ ها " مشرکان هستند، بلکه و بالاتر از همه، کسانی هستند که ادعا می کنند برادر او هستند و به او خیانت می کنند. این اصطلاح « سگ » برای انسان های غربی معاصر به طور متناقضی است که حیوان به عنوان نماد وفاداری در نظر گرفته می شود، اما برای شرقی ها تصویر تنفر است. و در اینجا عیسی حتی ماهیت انسانی آنها را به چالش می کشد و آنها را حیواناتی غیر قابل اعتماد می داند. اصطلاحات دیگر این قضاوت را تأیید می کنند. عیسی کلماتی را که در مکاشفه 21:8 بیان شده است تأیید می کند و در اینجا افزودن عبارت « سگ » بیانگر

قضایوت شخصی اوست. پس از نمایش عالی عشقی که او به مردان داد، هیچ چیز وحشتناک تر از خیانت کسانی نیست که ادعا می کنند متعلق به او و فداکاری او هستند.

سپس، عیسی آنها را " جادوگر " می نامد، زیرا تجارت آنها با فرشتگان بد، معنویت گرایی، که ابتدا ایمان کاتولیک را با ظهور "مریم باکره" فریفت، چیزی که از نظر کتاب مقدس غیر ممکن است. اما معجزاتی که شیاطین انجام می دهند، شبیه همان چیزی است که « جادوگران » فرعون قبل از موسی و هارون انجام دادند.

با نامیدن آنها « بی عفت »، رهایی اخلاقیات، به ویژه اتحادهای مذهبی غیرطبیعی را که توسط کلیساهای پروتستان با ایمان کاتولیک که توسط پیامبران خدا به عنوان بنده شیطان محکوم شده است، محکوم می کند. آنها «به عنوان دختر»، «زنا» « مادر فاحشه بابل بزرگ » را که در مکاشفه 17:5 تقبیح شده است، باز تولید می کنند.

مرتدین همچنین « قاتلانی » هستند که اگر عیسی برگزیدگان عیسی را برای جلوگیری از ظهور شکوهمند خود مداخله نکند، آماده کشتن خواهند شد.

آنها « بت پرست » هستند، زیرا او بیشتر به زندگی مادی توجه می کند تا زندگی معنوی. هنگامی که خداوند نور خود را به آنها عرضه می کند، بی تفاوت می مانند که با اهریمن ساختن پیامبران واقعی اش، گستاخانه آن را رد می کنند.

و در پایان این آیه تصریح می کند: « و هر که دوست دارد و عمل کند دروغ می گوید! » با این کار، او کسانی را که ذاتشان به دروغ وابسته است، نکوهش می کند، تا جایی که نسبت به حقیقت کاملاً بی احساس هستند. در مورد سلايق و رنگها گفته اند که نمی توان از آنها بحث کرد؛ عشق به حقیقت یا دروغ هم همینطور است. اما خدا برای ابدیت خود، منحصرأ از میان مخلوقات خود که تولید مثل انسان به وجود می آورد، کسانی را انتخاب می کند که این عشق به حقیقت را دارند.

نتیجه نهایی برنامه نجات خدا وحشتناک است. گناهکاران پشیمان سرسخت پیش از غبار، اتحاد یهودیان بی ایمان باستانی، ایمان منفور کاتولیک پاپ رومی، ایمان ارتدکس بت پرست، ایمان پروتستان کالوینیست، و سرانجام، ایمان نهادی ادونتیست، آخرین قربانی روح سنتی که همه قبلی ها به یک اندازه از آن حمایت کرده اند.

پیام «آدونتیست» پیامدهای مهلکی داشت، اول، برای یهودیان، که به دلیل امتناع خود از ایمان آوردن به اولین آمدن مسیح اعلام شده در دان. ۹:۲۴ تا ۲۷ سقوط کردند. احساس گناه نشان دادن عدم علاقه به آخرین پیام «آدونتیست» که دومین آمدن او را اعلام می کند. عدم عشق آنها به حقیقت آن برای آنها کشنده است. در سال 2020، این ادیان رسمی اصلی، همگی این پیام وحشتناکی را که عیسی در سال 1843 خطاب به پروتستانتیسم عصر " ساردیس " در مکاشفه 3: 1 خطاب کرد، شریک هستند: " گفته " می شود شما زنده هستید و مرده اید.

آیه 16: « من، عیسی، فرشته خود را فرستادم تا این چیزها را در کلیساهای برای شما شهادت دهد. من ریشه و بذر داوود، ستاره درخشان صبح هستم »

عیسی فرشته خود جبرئیل را نزد یوحنا فرستاد، و از طریق یوحنا برای ما، بندگان وفادار خود در روزهای آخر. زیرا تنها امروز است که این پیام کاملاً رمزگشایی شده به ما امکان می دهد پیام هایی را که او خطاب به بندگان و شاگردان خود در هفت دوره یا هفت مجلس می فرستد، درک کنیم. عیسی شک در مورد استناد نمادین خود از آپو را برطرف می کند. او می افزاید: " ستاره صبح روشن ". این ستاره خورشید است اما او فقط به عنوان یک نماد با آن همذات پنداری می کند. زیرا، ناخودآگاه، موجودات مخلص که عیسی مسیح را به خاطر فداکاری اش دوست دارند، خورشید ما را گرمی می دارند، این ستاره که توسط مشرکان خدایی شده است. اگر بسیاری از آن آگاه نباشند، انبوهی از مردم، حتی روشنفکران، آماده نیستند و قادر به درک جدیت این عمل بت پرستانه بت پرستان نیستند. انسان باید خود را فراموش کند تا خود را به جای خدا بگذارد که به دلیل این واقعیت که ذهن او تقریباً 6000 سال است که اعمال انسان ها را دنبال می کند، چیزها را کاملاً متفاوت احساس می کند. هر عمل را برای آنچه واقعاً نشان می دهد شناسایی می کند. این امر در مورد مردانی که عمر کوتاهشان در درجه اول به ارضای امیال و خواسته هایشان مربوط می شود صدق نمی کند، بلکه در مورد کسانی که روحانی و بسیار مذهبی هستند و به دلیل احترام به سنت های پدران مسدود شده اند نیز صادق است.

در پایان پیام تیاتیرا، روح به " آنکه پیروز می شود " گفت: " و من ستاره صبح را به او خواهم داد. " در اینجا عیسی خود را به عنوان "ستاره صبح" معرفی می کند. بنابراین برنده عیسی و با او تمام نور زندگی را که منشأ آن در اوست به دست خواهد آورد. یادآوری این اصطلاح حاکی از توجه کامل آخرین «ادونئیست‌های» واقعی به این آیات اول پت. به چرایی توجه کنید که در تاریکی می درخشد تا روز طلوع کند و ستاره صبح در دل شما طلوع کند. قبل از هر چیز خودتان می دانید که هیچ پیشگویی از کتاب مقدس نمی تواند موضوع تفسیر خصوصی باشد، زیرا به اراده انسان نبود که پیشگویی آورده شده است، بلکه توسط روح القدس حرکت می کند که مردم از جانب خدا صحبت کرده اند. « بهتر از این نمی توانستیم بگوییم. فرد برگزیده پس از شنیدن این کلمات، آنها را به آثاری تبدیل می کند که عیسی مسیح به آنها توجه کرده است.

آیه 17: « روح و عروس گفتند: بیا. و هر که می شنود بگوید: بیا. و هر که تشنه است بیاید. هر که بخواد، آب حیات را مجانی بگیرد

عیسی از آغاز خدمت زمینی خود این ندا را بر زبان آورده است: « بیا ». اما با گرفتن تصویر « تشنگی » می‌داند که کسی که « تشنه » نیست برای نوشیدن نمی‌آید. ندای او را فقط کسانی خواهند شنید که « تشنه » این زندگی ابدی هستند که عدالت کامل او تنها با فیض او به عنوان فرصتی دوباره به ما ارائه می دهد. عیسی تنها بهای آن را پرداخت. بنابراین او آن را " به صورت رایگان " ارائه می دهد. هیچ «افراط» کاتولیک یا الهی اجازه نمی دهد که آن را برای پول به دست آورید. این فراخوان جهانی گردهمایی از مقامات منتخب از همه ملت ها و همه اصالت ها را آماده می کند. ندای " بیا " کلید این گروه برگزیدگانی می شود که آزمون ایمان روزهای آخر ایجاد خواهد کرد. اما، آنها آزمایش پراننده بر روی زمین را تجربه خواهند کرد و تنها زمانی که عیسی مسیح در جلال خود بازگردد تا آنها را از سرزمین گناه دور کند، دوباره متحد خواهند شد.

آیه 18: « به هر که سخنان نبوت این کتاب را می‌شنود اعلام می‌کنم: اگر کسی چیزی به آن بیافزاید، خدا او را با بلاهایی که در این کتاب شرح داده شده است، خواهد زد

مکاشفه یک کتاب مقدس معمولی نیست. این یک اثر ادبی است که به طور الهی به زبان کتاب مقدس کدگذاری شده است که توسط کسانی که کل کتاب مقدس را از ابتدا تا انتها جستجو می کنند قابل تشخیص است. عبارات با خواندن مکرر آشنا می شوند. و "همخوانی های کتاب مقدس" امکان یافتن عبارات مشابه را فراهم می کند. اما دقیقاً به دلیل اینکه رمز آن بسیار دقیق است، به مترجمان و رونویسان هشدار داده می‌شود: « اگر کسی چیزی به آن بیافزاید، خداوند او را با بلاهایی که در این کتاب شرح داده شده است، خواهد گرفت

آیه 19: « و اگر کسی چیزی را از کلام این نبوت بردارد، خدا قسمت او را از درخت حیات و شهر مقدس که در این کتاب شرح داده شده است، خواهد برد

به همین دلایل، خداوند هر کسی را که « از کلمات کتاب این نبوت چیزی برمی دارد » تهدید می کند. به هر کس که این خطر را بپذیرد هشدار داده می شود: « خداوند بخشش را از درخت حیات و شهر مقدس که در این کتاب شرح داده شده است، قطع خواهد کرد. » بنابراین تغییرات ذکر شده عواقب وحشتناکی برای کسانی که آنها را مرتکب شده اند خواهد داشت.

توجه شما را به این درس جلب می کنم. اگر اصلاح این کتاب رمزگذاری شده نامفهوم توسط عیسی مسیح به این دو روش سختگیرانه مجازات شود، برای کسانی که پیام رمزگشایی کاملاً قابل درک آن را رد می کنند چه خواهد بود؟

خداوند دلایل موجهی برای ارائه این هشدار به وضوح دارد، زیرا این مکاشفه، که کلمات آن توسط او انتخاب شده است، ارزشی برابر با متن «ده فرمان» او «حک شده با انگشت خود بر لوح های او پیشگویی کرد که " قانون " سلطنتی او و همچنین " زمان " ، Dan.7:25 سنگی» دارد. اکنون، در تغییر " خواهد شد. این عمل، همانطور که دیدیم، توسط مقامات رومی، متوالی امپراتوری در سال 321، سپس پاپ، در سال 538 انجام شد. نسبت به نبوت، این نوع تقصیر که او قاطعانه آن را محکوم می کند

کار خدا صرف نظر از زمانی که در آن انجام می شود، کار او باقی می ماند. رمزگشایی از نبوت او بدون راهنمایی او غیر ممکن است. این بدان معنی است که کار رمزگشایی شده همان ارزشی است که رمزگذاری شده است. بنابراین درک کنید که این کار که در آن فکر خدا به وضوح آشکار می شود از « قدوسیت » بسیار بالایی برخوردار است. این « شهادت عیسی » نهایی را تشکیل می‌دهد که

خدا به آخرین بندگان مخالف خود در روز هفتم ادونتیست خطاب می‌کند. و در عین حال، با تمرین روز شنبه واقعی، در سال 2021، آخرین « قدوسیت موجه » برنامه ریزی شده از زمان لازم الاجرا شدن در سال 1843 است Dan.8:14 فرمان

آیه 20: « کسی که این چیزها را شهادت می‌دهد، می‌گوید: آری، به سرعت می‌آیم. آمین! بیا، » / خداوند عیسی

از آنجا که حاوی آخرین کلماتی است که عیسی مسیح به شاگردان خود خطاب کرده است، این کتاب مکاشفه از قداست بسیار بالایی برخوردار است. در او معادل جداول شریعت را می‌یابیم که با انگشت خدا حک شده و به موسی داده شده است. عیسی شهادت می‌دهد؛ چه کسی جرات دارد با این گواهی الهی مخالفت کند؟ همه چیز گفته می‌شود، همه چیز آشکار می‌شود، او چیزی برای گفتن ندارد جز: " بله، من سریع می‌آیم. " یک « بله » ساده که همه شخص الهی او را شامل می‌شود، به این « a. » معناست که نزدیک شدن او قطعی است، زیرا او وعده خود را تجدید می‌کند: « به سرعت می‌آیم به سرعت » تاریخ که معنای کامل خود را به خود می‌گیرد: در بهار 2030. و او با گفتن « آمین » « اظهارات خود را تأیید می‌کند. به معنی: "در حقیقت

پس چه کسی می‌گوید: " بیا، خداوند عیسی ؟! طبق آیه 17 این فصل، آنها « روح و عروس » هستند.

« !آیه 21: فیض خداوند عیسی با جمیع مقدسین باد

فیض خداوند عیسی » کتاب را می‌بندد. این موضوعی است که اغلب در آغاز مجمع مسیحیان با قانون مخالفت می‌کرد. در آن زمان، فیض در برابر شریعت توسط کسانی که پیشنهاد مسیح را رد کردند، قابل اجرا بود. میراث یهودیان از شریعت به این معنی بود که آنها عدالت الهی را فقط از طریق آن می‌دیدند. عیسی نمی‌خواست آنها را از اطاعت از شریعت دور کند، اما آمد تا آنچه را که قربانی‌های حیوانی برای او پیشگویی کرده بودند، « اجرا کند ». به همین دلیل است که او در متی 5:17 گفت: « فکر نکنید که آمده‌ام تا شریعت یا انبیا را نابود کنم. من آمده‌ام نه برای لغو، بلکه برای تحقق

شگفت‌انگیزترین چیز این است که مخالفت مسیحیان با شریعت و فیض را بشنویم. زیرا، همانطور که پولس رسول توضیح می‌دهد، فیض به انسان کمک می‌کند تا شریعت را اجرا کند تا جایی که عیسی در یوحنا 5:15 اعلام می‌کند: «من تاک هستم، شما شاخه‌ها. کسی که در من می‌ماند و من در او می‌مانم، ثمره زیادی به بار می‌آورد، زیرا بدون من هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید. » او در مورد چه چیزهایی که باید " کرد " صحبت می‌کند و چه " میوه " است؟ احترام به قانونی که فیض او به لطف کمک او در روح القدس ممکن می‌سازد.

فیض خداوند عیسی بود « و می‌توانست « در همه » عمل کند، مطلوب و مفید بود. اما این آیه تحریف شده تنها آرزوی غیرقابل تحقق را بیان می‌کند. بگذارید همه ما امیدوار باشیم که تعداد آنها بسیار زیاد باشد. تا آنجا که می‌شود؛ خدای تحسین برانگیز، خالق و نجات دهنده ما سزاوار آن است. او بسیار شایسته آن است. با مشخص کردن « با همه مقدسین »، متن اصلی هرگونه ابهام را برطرف می‌کند. فیض خداوند که می‌تواند منحصراً از آنها بهره‌مند شود، کسانی که « آنها را به حقیقت خود تقدیس می‌کند » (یوحنا 17:17). و برای کسانی که با در نظر گرفتن راهی که عیسی مسیح ادعا می‌کند به زندگی ابدی برسند، به شما یادآوری می‌کنم که طبق یوحنا 14: 6، بین « مسیر » و « زندگی »، « حقیقت » اساسی وجود دارد. برای شورشیانی که ادعای برکت این آیه را دارند، توهین نیست، از سال 1843، فیض خداوند فقط به نفع کسانی است که او با بازگرداندن استراحت سبت مقدس خود در روز شنبه، آنها را تقدیس می‌کند. این عمل است که همراه با شهادت عشق به « حقیقت » آن، برگزیدگان مقدسین را شایسته فیض مورد نظر می‌سازد. بنابراین فیض را نمی‌توان به «همه» اختصاص داد. بنابراین مراقب ترجمه‌های بد و گمراه‌کننده کتاب مقدس باشید، که منجر به ناامیدی وحشتناک نهایی برای کسانی می‌شود که برای بدبختی خود به آنها اعتماد می‌کنند!

مکاشفه الهی ارائه شده در این اثر، درس‌های پیشگویی شده در داستان پیدایش را تأیید کرده است، که ما توانستیم به اهمیت حیاتی آن توجه کنیم. در پایان این کار یادآوری این درس‌های اصلی مفید به نظر می‌رسد. این امر موجه است و من همچنین می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که در دنیای معاصر ما، ایمان مسیحی به دلیل میراث مذهبی کاتولیک رومی به طور گسترده به شکل تحریف شده ارائه می‌شود. حقیقت مورد نیاز خدا در حالت ساده و منطقی که توسط اولین حواریون عیسی مسیح درک می‌شد

باقی ماند، اما این سادگی که اغلب نادیده گرفته می‌شد، به دلیل ویژگی اقلیت آن، برای افراد ناآشنا پیچیده می‌شود. در واقع، برای شناسایی قدیسان بعدی عیسی مسیح و ساختار روحانی مکاشفه، حکم دانیال 8:14 ضروری است. اما برای شناسایی این حکم، مطالعه کل کتاب دانیال و رمزگشایی پیشگویی های آن نیز ضروری است. این چیزها را فهمید، آخرالزمان اسرار خود را برای ما آشکار می‌کند. این مطالعات ضروری، مشکلی را که در تلاش برای متقاعد کردن مرد کافر عصر خود در غرب، و به ویژه در فرانسه، با آن مواجه می‌شویم، توضیح می‌دهد.

عیسی گفت که هیچ کس نمی‌تواند نزد او بیاید مگر پدری که او را رهبری می‌کند و همچنین در مورد برگزیدگان خود گفت که آنها باید از آب و روح متولد شوند. این دو آموزه به طور مکمل به این معناست که خداوند ماهیت روحانی برگزیدگان خود را در میان همه مخلوقات خود می‌داند. در نتیجه، هر یک از آنها مطابق با ماهیت خود واکنش نشان خواهند داد. همچنین کسانی که تعصبات مطلوبی در مورد روز سبت دارند که قبلاً توسط یهودیان انجام شده است، آیات نبوی را که نشان می‌دهد از سال 1843 مورد نیاز خداوند است، بدون مشکل می‌پذیرند. در مقابل، کسانی که تعصبات نامطلوبی در مورد آن دارند، تمام استدلال های ارائه شده در کتاب مقدس را رد خواهند کرد. او دلایل خوبی برای توجیه امتناع خود پیدا خواهد کرد. درک این اصل ما را از سر خوردگی از کسانی که حقیقت مسیح را به آنها ارائه می‌کنیم محافظت می‌کند. نبوت با آشکار ساختن حقیقت اندیشه الهی، تمام قدرت خود را به «انجیل» ابدی می‌دهد که شاگردان عیسی باید «تا پایان جهان به ملت‌ها تعلیم دهند».

جانوران " آخرالزمان "

دشمنان خدا و برگزیدگان او به صورت زمانی و متوالی به شکل «جانوران» ظاهر شدند. اولی روم امپراتوری را نشان می‌دهد که توسط «اژدهایی با ده شاخ و هفت سر پوشیده شده» در مکاشفه 12:3 تصویر شده است. «نیکولاییان» در مکاشفه 2:6؛ «شیطان» در مکاشفه 2:10

دومی مربوط به روم کاتولیک پاپی است که با تصویر «جانوری که از دریا برمی‌خیزد، با ده شاخ که برجستگی دارد و هفت سر دارد» از مکاشفه 13:1 است. «تخت شیطان» در مکاشفه 2:13؛ «زن ایزابل» در مکاشفه 2:20؛ «ماه رنگ شده با خون» در مکاشفه 6:12؛ «سوم مهتابی» از «چهارمین شیپور» در مکاشفه 8:12؛ «دریا» در مکاشفه 10:2؛ «نی مانند میله» در مکاشفه 11:1؛ «دم» «اژدها» در مکاشفه 12:4؛ «مار» در مکاشفه 12:14؛ و «اژدها» از آیات 13، 16 و 17؛ «بابل بزرگ» در مکاشفه 14:8 و 17:5

سومین بی‌خدایی انقلابی فرانسه را هدف قرار می‌دهد که توسط «جانوری که از پرتگاه تصویر شده است.» مصیبت بزرگ» در مکاشفه 2:22؛ «چهارمین شیپور Rev.11:7 برمی‌خیزد» در مکاشفه 8:12؛ «دهانی که رودخانه را می‌بلعد» که نماد مردم کاتولیک است، در مکاشفه 12:16. این مربوط به شکل اول «وای دوم» است که در مکاشفه 11:14 ذکر شده است. شکل دوم آن توسط «تحت عنوان» وای دوم» بین 7 مارس 2021 و 2029، Apo.8:13 طبق، Apo.9:13 «ششمین شیپور تحت جنبه واقعی یک جهان انجام خواهد شد. جنگ سوم که به جنگ هسته ای ختم شد. نسل کشی انسانی که زمین را خالی از سکنه می‌کند (پرتگاه) پیوندی است که بین «چهارمین و ششمین شیپور» برقرار تا 45 آشکار شده است Dan.11:40 شده است. جزئیات پیشرفت این جنگ در

چهارمین «جانور» ایمان پروتستان و ایمان کاتولیک، متحد آن را در آخرین آزمون ایمان در تاریخ زمینی نشان می‌دهد. او «از زمین بالا می‌آید» در مکاشفه 13:11. به این معنی که او خودش است که از ایمان کاتولیک که نماد آن «دریا» است، بیرون آمده است. دوران اصلاحات دینی پروتستانی را پایه گذاری کرد، با جنبه های متعدد، که با ارتداد مشخص شده بود و در آثار جان کالوین به شخصیتی آن را در سطح جهانی Dan.8:14 جنگجو، خشن، ظالم و جفاگر شهادت می‌داد. لازم الاجرا شدن فرمان از بهار 1843 محکوم کرد.

ایمان نهادی ادونتیست که از آزمون ایمان پروتستانی 1843-1844 زنده ظاهر شد، از پاییز 1994 به بعد به وضعیت ایمان پروتستان و نفرین الهی آن بازگشته است. این به دلیل رد رسمی نور نبوی الهی که در این اثر از سال 1991 نازل شد.

تحقق نهایی پیشگویی ها پیش روی ماست و ایمان همه آزمایش خواهد شد. خداوند عیسی مسیح، در میان همه انسانها، کسانی را که به او تعلق دارند، کسانی که از مکاشفات حیاتی او، میوه عشق الهی، با شادی و وفاداری سپاسگزار استقبال می‌کنند، خواهد شناخت.

در ساعت آخرین انتخاب، برگزیدگان با این واقعیت متمایز خواهند شد که می‌دانند چرا سقوط کرده‌اند، مکاشفه الهی بدین ترتیب تفاوت بین نجات‌یافته و گمشده را که از دوران رسولی "افسوس" در آپو به آن رسیده است، ایجاد خواهد کرد. 2:5، خدا گفت: «پس به یاد بیاور که از کجا افتاده ای.» و در سال 1843، در عصر "ساردیس"، او همچنین در مکاشفه 3:3 به پروتستان‌ها گفت: "به یاد داشته باشید که چگونه دریافت و شنیدید. و نگه دار و توبه کن"; این به ادونتیست‌های سقوط کرده از سال 1994 ادامه می‌یابد، که اگرچه ناظران سبت هستند، اما این پیام مکاشفه 3:19 را از عیسی دریافت می‌کنند: «همه کسانی را که دوستشان دارم سرزنش و مجازات می‌کنم. پس غیرت داشته باشید و توبه کنید.»

در تهیه این مکاشفه نبوی، خدای خالق که در شخص عیسی مسیح با آن مواجه شد، هدف خود را قرار داد تا به برگزیدگانش اجازه دهد تا دشمنان خود را به وضوح شناسایی کنند. کار انجام شد و هدف خدا محقق شد. بنابراین از نظر روحی غنی شده، برگزیده او تبدیل به "عروس آماده شده برای شام عروسی بره" می‌شود. او در مکاشفه 19:7، او را با کتان سفید نازک، که اعمال صالح مقدسین است، پوشاند. شما که مطالب این اثر را خوانده اید، اگر شانس و برکت در میان آنها را دارید، «خود را برای ملاقات با خدای خود آماده کنید» (عاموس 4:12)، در حقیقت او

در حالی که رمزگشایی از پیشگویی‌های اسرارآمیز دانیال و مکاشفه به طور کامل تکمیل شده است و زمان بازگشت واقعی مسیح اکنون برای ما شناخته شده است، این سؤال از عیسی مسیح که در لوقا 18:8 نقل شده است، تردیدی تا حدودی ناراحت کننده بر جای می‌گذارد: «به شما می‌گویم، او به سرعت برای آنها عدالت برقرار خواهد کرد. اما وقتی پسر انسان بیاید، آیا بر روی زمین ایمان خواهد یافت؟». زیرا کثرت معرفت عقلی حقیقت نمی‌تواند ضعف کیفیت این ایمان را جبران کند. بشریتی که با بازگشت عیسی مسیح مواجه خواهد شد در فضایی مساعد برای همه اشکال خودخواهی شدیداً تشویق شده توسعه یافته است. موفقیت فردی به هدفی تبدیل شده است که می‌توان به هر قیمتی به دست آورد، حتی با درهم شکستن همسایه، و این در یک دوره طولانی صلح جهانی بیش از 70 سال است. وقتی می‌دانیم که ارزش‌های بهشت پیشنهاد شده توسط عیسی مسیح در تضاد مطلق با این هنجار زمان ما است، سؤال او به طرز غم‌انگیزی موجه به نظر می‌رسد، زیرا می‌تواند مربوط به افرادی باشد که خود را "انتخاب" می‌دانستند، اما فقط برای بدبختی آنها باقی می‌ماند. از "نامیده شده"؛ زیرا عیسی در آنها کیفیت ایمان لازم برای شایستگی فیض او را نخواهد یافت.

نامه می‌کشد اما روح زندگی می‌بخشد

این فصل آخر رمزگشایی مکاشفه آخر الزمان را کامل می‌کند. در واقع، من به تازگی کدهای کتاب مقدس را ارائه کرده‌ام که تشخیص نمادهایی را که خداوند در پیشگویی‌های خود به کار می‌برد،

ارائه کرده ام، اما در حالی که هدف آنها آشکار ساختن الزام او برای بازگشت سبت از سال 1843-1844 است، کلمه سبت ظاهر نمی شود. فقط یک بار در این متون نبوی دانیال یا مکاشفه. همیشه پیشنهاد می شود اما به وضوح ذکر نمی شود. دلیل عدم نامگذاری صریح آن این است که عمل به سبت یک امر عادی اساسی در ایمان مسیحی رسولی است، زیرا همه می توانند ببینند که موضوع سبت هرگز موضوع مناقشه بین یهودیان و اولین رسولان، شاگردان عیسی مسیح با این حال، شیطان از حمله به او دست برنمی دارد، ابتدا یهودیان را به «نفس کردن» او و سپس مسیحیان را تحریک می کند و او را کاملاً «نادیده می سازد». او برای رسیدن به این نتیجه، ترجمه های نادرستی از متون اصلی را که از او نام برده بود، الهام کرد. همچنین، این ارائه حقیقت الهی بدون نکوهش این اعمال ناپسند، که قربانیان آن ابتدا خدا در عیسی مسیح، سپس کسانی هستند که مرگ کفار او می توانست زندگی ابدی را به آنها تقدیم کند، کامل نخواهد بود.

در پیشگاه خداوند تأیید می کنم که در نوشته های عهدهای قدیم و جدید، یعنی در کل کتاب مقدس، هیچ آیه ای وجود ندارد که تغییر وضعیت سبت را از چهارمین فرمان دهگانه آن آموزش دهد. علاوه بر این، از آغاز خلقت جهان زمینی ما توسط خدا تقدیس شده است.

از زمان ارتداد پروتستان به دلیل لازم الاجرا شدن فرمان دانیال 8:14، در بهار 1843 تا به امروز، خواندن کتاب مقدس می کشد. مایلم اشاره کنم که این کتاب مقدس نیست که عمداً می کشد، بلکه استفاده از آن بر اساس اشتباهات ترجمه است که در نسخه های ترجمه شده متون اصلی « عبری و یونانی » آمده است. اما مهمتر از همه، به دلیل تفسیرهای بد نیز یک مشکل است. خود خدا این موضوع و *Abaddon* را به صورت تصاویر در مکاشفه 9:11 تأیید می کند: آنها فرشته پرتگاه را که به عبری نامیده می شد، به عنوان پادشاه داشتند. " من در اینجا پیام پنهان در این آیه را به *Apollyon* به یونانی خاطر می آورم: " عبادون و آپولیون " به معنای " در عبری و یونانی " است: ویرانگر. " فرشته پرتگاه " ایمان را با استفاده از " دو شاهد " کتاب مقدس در مکاشفه 11:3 از بین می برد.

همچنین، از سال 1843، مؤمنان دروغین در قرائت شهادت تاریخی کتاب مقدس، دو اشتباه مرتکب شده اند. اولی اهمیت دادن به تولد عیسی مسیح بیش از مرگ او و دومی این اشتباه را تقویت می کند، با اهمیت دادن بیشتر به رستاخیز او تا مرگ او. این خطای مضاعف بر علیه آنها گواهی می دهد، زیرا نشان دادن عشق خدا به مخلوقاتش اساساً بر تصمیم داوطلبانه او برای دادن جان خود در مسیح برای رستگاری برگزیدگانش استوار است. اولویت دادن به رستاخیز عیسی شامل تحریف پروژه نجات خداوند است، و این پیامد قطع رابطه خود از او و شکستن اتحاد مقدس، عادلانه و نیک او را برای مجرمان به همراه دارد. پیروزی مسیح بر پذیرش مرگ استوار است، رستاخیز او تنها پیامد مبارک و عادلانه کمال الهی اوست.

کولسیان 2: 16-17: « پس هیچ کس شما را در مورد خوردن یا آشامیدن، یا در مورد عید، یا ماه « نو یا سبت ها قضاوت نکند: اینها سایه چیزهای آینده بودند، اما بدن در مسیح است

این آیه اغلب برای توجیه توقف تمرین هفتگی « سبت » استفاده می شود. دو دلیل این انتخاب را محکوم می کند. اولین مورد این است که تعبیر « سبت ها » به « سبت ها » اشاره می کند که به وسیله « اعیاد » مذهبی سالانه تعیین شده توسط خداوند در لایوان 23 تعیین شده است. " آنها با این جمله برانگیخته می شوند که " در آن روز هیچ کار خادمی انجام نخواهد داد ". آنها هیچ ارتباطی با هفته نامه "سبت" ندارند جز نام آنها " سبت " که به معنای "توقف، استراحت" است و برای اولین بار در پیدایش 2:2 آمده است: " خدا آرام گرفت ". همچنین باید توجه داشت که کلمه " سبت " ذکر شده در متن عبری که آن را تنها با نام " روز استراحت " یا " روز هفتم " مشخص *L.Segond* فرمان چهارم در ترجمه می کند، وجود ندارد. با این حال، ریشه خود را از فعل ذکر شده در پیدایش 2:2 می گیرد: « استراحت » کتاب مقدس نامگذاری شده است *JNDarby* یا « سبت » که به وضوح در نسخه

دلیل دوم این است: پولس در مورد « اعیاد و سبت ها » گفت که آنها « سایه های چیزهای آینده » هستند، یعنی چیزهایی که واقعی را پیشگویی می کنند که بوده یا خواهد بود. با فرض اینکه در این آیه به « سبت روز هفتم » مربوط می شود، تا فرا رسیدن هزاره هفتم که آن را پیشگویی می کند، « سایه آینده » باقی می ماند. مرگ عیسی مسیح معنای « روز هفتم سبت » را آشکار کرد که به دلیل پیروزی

او بر گناه و مرگ، « هزار سال » آسمانی را پیشگویی می‌کند که در طی آن برگزیدگان او مردگان زمینی و آسمانی سقوط کرده داوری خواهند کرد.

در این آیه، « اعیاد، ماه‌های نو » و « سبت‌های » آن‌ها به وجود شکل ملی اسرائیل عهد قدیم مرتبط بود. عیسی مسیح با برقراری عهد جدید، از طریق مرگ خود، این چیزهای نبوی را بیهوده ساخت. آنها باید متوقف می‌شدند و مانند " سایه ای " ناپدید می‌شدند که در برابر واقعیت خدمت زمینی او محو می‌شود. در حالی که هفته نامه "سبت" در انتظار فرا رسیدن هزاره هفتم است تا با واقعیت پیشگویی شده خود روبرو شود و سودمندی خود را از دست بدهد.

پولس همچنین به « خوردن و آشامیدن » اشاره می‌کند. به عنوان یک خدمتکار وفادار، او می‌داند که خداوند در لاویان 11 و تثنیه 14 در مورد این چیزها صحبت کرده است، جایی که او غذاهای خالص مجاز و غذاهای ناپاک را ممنوع کرده است. منظور از اظهارات پولس برای به چالش کشیدن این احکام الهی نیست، بلکه فقط نظرات انسانی (که هیچ کس ...) در این مورد بیان نکرده است که او در رومیان 14 و 1 قرن 8 در جایی که افکارش واضح تر ظاهر می‌شود، بیان خواهد کرد. موضوع مربوط به غذاهایی است که برای بت‌ها و خدایان دروغین قربانی می‌شوند. او به برگزیدگانی که اسرائیل روحانی خدا را تشکیل می‌دهند، وظایفشان را در قبال او یادآوری می‌کند، و در اول قرنتیان ۱۰:۳۱ می‌گوید: « چه بخورید، چه بنوشید یا هر کار دیگری انجام دهید، هر کاری را برای جلال خدا انجام دهید ». آیا خداوند توسط کسانی که احکام نازل شده او را در این امور نادیده می‌گیرند و تحقیر می‌کنند جلال می‌یابد؟

در اعمال رسولان 15: 19-20-21 از طرف رسولان در مورد ختنه صحبت می‌کند: " بنابراین من بر این عقیده هستم که ما نباید نگران امت‌هایی باشیم که به ختنه می‌روند. خدایا، اما به آنها بنویسم که از پلیدی بت‌ها و زنا و از خفه و خون پرهیز کنند. زیرا موسی از نسل‌های باستانی در هر شهر «. موعظه‌کنندگانی دارد که هر سبت در کنیسه‌ها خوانده می‌شوند

این آیات که اغلب برای توجیه آزادی نوکیشان بت پرست نسبت به روز سبت استفاده می‌شود، برعکس بهترین دلیل بر عمل آن است که توسط رسولان تشویق و تعلیم داده شده است. در واقع، ژاک معتقد است که تحمیل ختنه بر آنها مفید نیست و اصول اساسی را به اختصار بیان می‌کند، زیرا هنگامی که «هر شنبه» به کنیسه‌های یهودی در محلات خود می‌روند، آموزه‌های عمیق دینی به آنها ارائه می‌شود.

بهانه دیگری که برای توجیه توقف طبقه بندی خالص و ناخالص غذاها استفاده می‌شود: رویایی که در اعمال 10 به پطرس داده شد. توضیح او در اعمال 11 ارائه شده است که در آن او " حیوانات ناپاک " این رؤیا را با "مردان" بت پرست می‌شناسد. آمد تا نزد او دعا کند تا نزد صدیقان رومی «کورنلیوس» برود. در این رؤیا، خداوند طبیعت ناپاک مشرکانی را به تصویر می‌کشد که به او خدمت نمی‌کنند و به خدایان دروغین خدمت می‌کنند. با این حال، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح تغییر بزرگی را برای آنها به ارمغان می‌آورد، زیرا درهای فیض از طریق ایمان به قربانی کفار عیسی مسیح به روی آنها باز می‌شود. از طریق این رؤیا است که خدا این چیز جدید را به پیتر می‌آموزد. در نتیجه، طبقه بندی پاک و ناپاک که توسط خداوند در لاویان 11 ایجاد شده است، باقی مانده و تا پایان جهان ادامه رژیم غذایی انسان‌ها هنجار « تقدیس »، Dan.8:14 دارد. با این تفاوت که، از سال 1843، با فرمان اولیه را که در پیدایش 1:29 مقرر و دستور داده شده بود، به خود گرفت: « و خدا گفت: ببینید، من هر گیاه دانه‌آوری را که بر روی تمام زمین است، و هر درختی را که میوه درختی در آن باشد، داده‌ام که «. دانه‌آور باشد. این غذا برای شما خواهد بود

عیسی برای نجات برگزیدگانش جان خود را در شکنجه‌های جسمی و روحی فدا کرد. در سطح بسیار بالایی از تقدسی که این مرگ پرشور در ازای کسی که نجات می‌دهد، شک نکنید. در حقیقت

زمان زمینی عیسی مسیح

مروارید سبت 20 مارس 2021

از آغاز خدمت متقاعد شدم و آن را خواندم که «عیسی در بهار متولد شد». در این شنبه 20 مارس 2021، اعتدال بهاری در ساعت 10:37 صبح در آغاز یک جلسه معنوی بود. سپس روح مرا هدایت کرد تا شواهدی را جستجو کنم که تا آن زمان فقط یک اعتقاد ساده به ایمان بود. یک تقویم یهودی به ما این امکان را می داد که زمان اعتدال بهاری سال را در نظر بگیریم - 6 قبل از تاریخ رسمی مسیحی ما از تولد منجی ما، در "سبت" 21 مارس

چرا سال - 6؟

زیرا تاریخ رسمی ما برای تولد عیسی مسیح بر اساس دو اشتباه ساخته شده است. تنها در قرن ششم پس از میلاد بود که راهب کاتولیک دیونسیوس کوچولو تصمیم گرفت تقویمی را ایجاد کند. در غیاب جزئیات کتاب مقدس یا تاریخی، او این تولد را در تاریخ مرگ پادشاه هیرودیوس قرار داد که آن را در سال 753 از تأسیس روم قرار داد. از آن زمان، مورخان خطای 4 ساله را در محاسبات وی تأیید کردند. که مرگ هیرودیوس را در سال 749 از زمان تأسیس روم می داند. اما، عیسی قبل از مرگ هیرودیوس متولد شد و متی 2:16 به ما دقت می کند که سن عیسی را در زمان «قتل عام بی گناهان» که توسط هیرودیوس پادشاه خشمگین دستور داده شده بود، «دو سال» می داند. رنج کشید و احساس کرد که مرگی در راه است که او را از لذت های قدرت دور می کند. جزئیات مهم است، زیرا متن تصریح می کند: «دو سال، مطابق تاریخی که او به دقت از حکما سؤال کرده بود». اضافه شده به چهار سال خطای قبلی، سال - 6 یا 747 تأسیس روم، از نظر کتاب مقدس ثابت شده است.

اعتدال بهاری سال - 6

در یک سبت، در این سال - 6، کتاب مقدس به ما می گوید که فرشته ای خود را به "چوپانانی که مراقب گله های خود بودند" معرفی کرد. سبت تجارت را ممنوع می کند، اما نگهداری و مراقبت از حیوانات را ممنوع می کند. عیسی این مطلب را با گفتن این جمله تأیید کرد: «کدام یک از شما گوسفندی دارد که در گودالی بیفتد و حتی در روز سبت هم آن را تحویل ندهد؟». بدین ترتیب توسط فرشته ای تولد «شوپان خوب»، نجات دهنده و راهنمای گوسفندان انسان، ابتدا به شبانان انسان، نگهبانان و محافظان گوسفندان حیوانی اعلام شد. فرشته توضیح داد: «...زیرا امروز در شهر داوود نجات دهنده ای برای شما متولد شد که مسیح خداوند است.» بنابراین این «امروز» روز سبت بود و اعلام آن در شب اعلام می شد، تولد عیسی بین ساعت 6 بعد از ظهر، آغاز سبت، و ساعت شبانه بشارت دادن توسط فرشته به شبانان رخ داد. اکنون باید زمان دقیقی را تعیین کنیم که در زمان شمار اسرائیل، اعتدال بهاری سال - 6 به پایان رسید. اما این امر هنوز امکان پذیر نیست زیرا ما هیچ اطلاعاتی از این دوره نداریم.

تولد عیسی در روز سبت، نقشه نجات خدا را روشن و کاملاً منطقی می کند. عیسی خود را «پسر انسان»، «استاد روز سبت» اعلام کرد. زیرا سبت موقتی است و سودمندی آن تا روز قیامت ادامه دارد، این بار قدرتمند و باشکوه. عیسی به سبت معنای کامل آن را می دهد، زیرا او بقیه هزاره هفتم را پیشگویی می کند که تنها با پیروزی بر گناه و مرگ، برای برگزیدگانش به دست آمد.

عیسی به منظور نشان دادن ورود خود به بزرگسالی، در «دوازده سالگی»، از نظر روحانی با افراد مذهبی که در مورد مسیحی که در کتاب مقدس اعلام شده است سؤال می کند، مداخله می کند. جدا از پدر و مادرش که سه روز در جستجوی او بودند، به استقلال الهی خود و آگاهی از رسالت خود به نفع انسان های زمینی شهادت داد.

سپس زمان خدمت فعال و رسمی زمینی او فرا می رسد. تعالیم دانیال 9:27 آن را در قالب « عهد » « الف هفته » که نماد هفت سال بین پاییز 26 و پاییز 33 است. بین این دو پاییز، در موقعیت مرکزی، بهار و عید فصح سال 30 است که در ساعت 3 بعد از ظهر، "در میانه هفته عید پاک، چهارشنبه. 30 آوریل 30 عیسی مسیح با تقدیم جان خود برای کفاره گناهان تنها برگزیدگان خود، باعث شد «قربانی و قربانی» حیوانی آیین عبری متوقف شود. عیسی در روز مرگش 35 سال و 13 روز داشت. عیسی که بر گناه و مرگ پیروز شد، می توانست روح خود را به خدا بسپارد و گفت: « تمام شد. » پیروزی او بر مرگ بعداً با رستاخیز او تأیید شد. او بدین ترتیب رسولان و شاگردان خود را همراهی کرد و به آنها تعلیم داد تا زمانی که آنها نگاه می کردند، طبق شهادتی که در اعمال رسولان 1: 1 تا 11 داده شده است، پیش از عید پنطیکاست به آسمان عروج کرد. اما فرشتگان در این مناسبت اعلامیه او را آماده کردند. بازگشت باشکوه و گفت: « ای مردان جلیلی، چرا اینجا ایستاده اید و به آسمان نگاه می کنید؟ این عیسی که از میان شما به آسمان برده شد، همانگونه که او را دیدید که به آسمان رفت، خواهد آمد. " در پنطیکاست، او خدمت آسمانی "روح القدس" خود را آغاز کرد که به او اجازه می دهد تا پایان جهان، در همان زمان، در روح هر یک از برگزیدگانش که بر روی زمین پراکنده شده اند، عمل کند. پس از آن است که نام او در اشعیا 7: 14، 8: 8 و متی 1: 23، " امانوئل " که به معنای "خدا با ما" است، پیشگویی شد، حتی بیشتر، معنای واقعی خود را به خود می گیرد.

جزئیات ارائه شده در این سند شامل پاداش هایی است که عیسی به برگزیدگان خود به عنوان نشانه قدرانی از نشان دادن ایمان آنها می دهد. این گونه است که تاریخ مرگ او به ما امکان می دهد تا آخرین بازگشت باشکوه او را که برای اولین روز بهار سال 2030 برنامه ریزی کرده بود بدانیم و با او در میان بگذاریم. یعنی 2000 سال پس از بهار مصلوب شدن او در 3 آوریل 30

تقدس و تقدیس

تقدس و تقدیس جدایی ناپذیرند و شرایط رستگاری ارائه شده توسط خدا در عیسی مسیح. پولس این را در عبرانیان 12:14 به یاد می آورد: « به دنبال صلح و قدوس باشید که بدون آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید ».

این مفهوم الهی « تقدیس » را باید کاملاً درک کرد، زیرا به «هر آنچه متعلق به خداست» مربوط می شود و مانند همه صاحبان، نمی توان آن را بدون عواقب برای کسانی که جرأت می کنند خلع ید کرد. حال نیازی به شناسایی و تنظیم فهرستی از چیزهایی که متعلق به اوست نیست. خالق زندگی و هر آنچه در آن است، همه چیز از آن اوست. بنابراین او بر تمام موجودات زنده خود حق حیات و مرگ دارد.

با این حال، با واگذاری حق زندگی با او یا مردن بدون او، برگزیدگانش با انتخابی آزادانه و داوطلبانه به او می‌پیوندند تا برای همیشه به او تعلق داشته باشند. این آشتی با او، برگزیدگانش را دارایی او می‌کند. کسانی که او از آنها استقبال می‌کند و آنها را می‌شناسد وارد مفهوم تقدیس او می‌شوند که قبلاً مربوط به تمام قوانینی است که زندگی بر روی زمین تابع آنهاست. بنابراین تقدیس شامل موافقت با تسلیم شدن در برابر قوانین فیزیکی و اخلاقی است که توسط خداوند ایجاد شده و در نتیجه تأیید شده است. به همین دلیل مضاعف است که سبت و ده فرمان به طور مشخص بیانگر این تقدیس الهی هستند که تخطی از آن مستلزم مرگ مسیح عیسی است.

این مفهوم از تقدیس آنقدر اساسی است که خداوند مناسب دید که آن را در ابتدای کتاب مقدس در پیدایش 2: 3 با تقدیس روز هفتم تعریف کند. بنابراین جای تعجب نیست که این عدد هفت به «مهر سلطنتی» آن در سراسر کتاب مقدس و به ویژه در مکاشفه 7:2 تبدیل شود: «و فرشته دیگری را دیدم که به سمت طلوع خورشید بالا می‌رفت و مهر را در دست داشت. از خدای زنده؛ با صدای بلند بر چهار فرشته ای که برای آسیب رساندن به زمین و دریا به آنها داده شده بود ندا کرد و گفت: کسانی که گوش هایی برای شنیدن پیشنهاد روح لطیف خدا دارند، متوجه خواهند شد که این "مهر خدای زنده" در این فصل "7" از مکاشفه ذکر شده است.

در این روز عید فصح و روز سبت 3 آوریل 2021، سالگرد مرگ نجات دهنده ما عیسی مسیح، روح خدا افکار من را به معبد عبری موسی و معبد ساخته شده توسط سلیمان پادشاه در اورشلیم هدایت کرد. من در آنجا به جزئیاتی اشاره کردم که تفسیری را که من از این حرم کردم به شدت تأیید می‌کند. یعنی نقشی نبوی از پروژه نجات بزرگ که برای برگزیدگانی که توسط خدا نجات یافته اند، آماده شده است.

از سال 1948، یهودیان به دلیل امتناع از به رسمیت شناختن عیسی مسیح به عنوان "مسیح" فرستاده شده توسط خدا، همچنان لعنت الهی را حمل می‌کنند، یهودیان سرزمین ملی خود را دوباره به دست آورده اند. از آن زمان، یک ایده، یک فکر واحد آنها را به خود مشغول کرده است: بازسازی معبد در اورشلیم. افسوس که این اتفاق هرگز نخواهد افتاد، زیرا خداوند دلیل موجهی برای جلوگیری از آن دارد. نقش او با مرگ و رستاخیز عیسی مسیح به پایان رسید. قدوسیت معبد تمام تحقق خود را در روح «مسیح»، در جسم و روح او، کامل و بدون هیچ لکه‌ای یافت. عیسی این درس را هنگامی آشکار کرد که در یوحنا 2:14 در مورد بدن خود گفت: "این معبد را ویران کنید و در سه روز آن را برپا خواهم کرد."

پایان سودمندی معبد از چند جهت توسط خداوند تأیید شد. اول، او آن را در سال 70 بعد از میلاد توسط سربازان رومی تیتوس، همانطور که در دانیال 9:26 پیشگویی شده بود، ویران کرد. سپس با اخراج یهودیان، محل معبد را به دین مبین اسلام سپرد که در آنجا دو مسجد ساخته شد. قدیمی ترین «الاقصی» و قبه الصخره. بنابراین اسرائیل از جانب خدا نه امکان و نه مجوز بازسازی معبد خود را دارد. زیرا این بازسازی پروژه نجات پیشگویی او را مخدوش می‌کند.

زمان اعتبار معبد اورشلیم در قالب ساخت آن حک شده بود. اما برای مشاهده واضح تر، باید از قبل جزئیات آشکار شده این بنای مذهبی حامل تقدس را بررسی کنیم. بیایید توجه داشته باشیم که معبد قرار بود توسط داوود پادشاه ساخته شود که ابراز تمایل کرد و اورشلیم را برای استقبال از آن انتخاب کرده بود. خدا موافقت کرد. او برای این کار این شهر باستانی به نام «جبوس» را از زمان ابراهیم زینت و استحکام بخشیده بود. بنابراین، بین داوود و «پسر داوود»، «مسیح»، «هزار سال» گذشت. اما خداوند به او اجازه نداد و علت را به او اعلام کرد؛ او با کشته شدن خدمتکار وفادار خود «اوریا هیتی» برای گرفتن همسرش «بثشبا» که بعداً مادر سلیمان پادشاه شد، مردی خونین شده بود. بدین ترتیب داوود بهای تقصیر خود را بر دوش گرفت و با مرگ اولین پسرش که از بثشبا به دنیا آمد مجازات شد، سپس با شمارش قوم خود بدون دستور خداوند مجازات شد و خداوند به او پیشنهاد داد که مجازات خود را بین سه او مرگ و میر طاعون همه گیر را انتخاب کرد که در سه روز، Sam.24:15 گزینه انتخاب کند. طبق 2 70000 قربانی را کشت.

در اول پادشاهان 6 شرح معبدی را می یابیم که سلیمان ساخته است. او نام آن را «خانه یهوه» می گذارد. این اصطلاح "خانه" محل تجمع خانواده را نشان می دهد. خانه ساخته شده، خانواده خدای خالق نجات دهنده را پیشگویی می کند. از دو عنصر به هم پیوسته تشکیل شده است: حرم و معبد بر روی زمین، مناسک مذهبی انجام می شود که در منطقه مجاز برای انسان انجام می شود. سلیمان آن را معبد می نامد. به عنوان امتداد مقدس ترین مکان که او آن را حرم می نامد و تنها با حجایی از آن جدا می شود، اتاق معبد چهل ذراع یا دو برابر حرم بزرگ است. بنابراین معبد 2/3 کل خانه را پوشش می دهد.

اگرچه بعداً در زمان موسی ساخته شد، اما عهد یهودی کاملاً زیر چتر عهدی است که بین خدا و ابراهیم در آغاز هزاره سوم پس از حضرت آدم بسته شد. «مسیح در آغاز هزاره پنجم، 2000 سال بعد، خود را به قوم یهود معرفی خواهد کرد. اما زمانی که خداوند به زمین برای انتخاب برگزیدگان آن اختصاص داده 6000 سال است. بنابراین برای زمان، نسبت $2/3 + 1/3$ خانه خداوند را پیدا می کنیم. و در این مقایسه، 2/3 عهد ابراهیم مطابق با 2/3 خانه خداوند است که به حجاب جداکننده ختم می شود. این حجاب نقش اصلی را ایفا می کند زیرا نشان دهنده گذار از زمین به آسمان است. دانستن اینکه این تغییر نشان دهنده تکمیل نقش نبوی معبد زمینی است. این تصورات به حجاب جداکننده معنای گناه می دهد که خدای کامل آسمانی را از انسان زمینی ناقص و گناهکار از زمان آدم و حوا جدا می کند. حجاب جداکننده دارای ویژگی دوگانه است، زیرا باید با کمال آسمانی و نقص زمینی دو قطعه متصل باشد. پس از آن است که نقش مسیح ظاهر می شود زیرا او کاملاً این ویژگی را تجسم می بخشد. عیسی مسیح در کمال الهی خود با بردن افراد برگزیده خود به جای آنها گناه شد تا برای آنها کفاره دهد و بهای فانی را بپردازد. این تجزیه و تحلیل ما را به دیدن تصویر یک توالی نبوی از مراحل معنوی بزرگ که هر 2000 سال یکبار مشخص می شود، در محراب هدایت می کند: اولین ^{قربانی} ارائه شده توسط آدم - قربانی ارائه شده توسط ابراهیم در کوه موریاء، گلگوتای آینده - قربانی مسیح در پای. کوه گلگوتای - قربانی آخرین برگزیده که با بازگشت باشکوه منجی عیسی مسیح در میکائیل مانع شد.

برای خدایی که طبق دوم پطرس 3: 8، "یک روز مانند هزار سال است و هزار سال مانند یک روز" (همچنین به مزمور 90:4 مراجعه کنید)، برنامه زمینی بر اساس تصویر خدا ساخته شده است. هفته به صورت متوالی: 2 روز + 2 روز + 2 روز. و در پشت این جانشینی "روز هفتم" ابدی بازی می شود.

محتویات دو اتاق بیت مطهر به شدت آشکار کننده است.

حرم یا مقدس ترین مکان

دو کروی با بالهای دراز

عبادتگاهی که مقدس ترین مکان نامیده می شود به طول 20 ذراع و عرض 20 ذراع است. این (= یک مربع کامل است. و ارتفاع آن نیز 20 ذراع است. که آن را مکعب می کند. تصویر سه گانه کمال این به عنوان توصیف "اورشلیم جدید که از آسمان از جانب خدا نازل می شود" در $(L = I = H : 3)$ مکاشفه 20 است. این مکان مقدس توسط خداوند برای انسان با مجازات اعدام ممنوع شده است. دلیل آن ساده و منطقی است. این مکان فقط می تواند از خدا استقبال کند زیرا نماد بهشت است و شخصیت آسمانی خدا را به تصویر می کشد. در اندیشه او نقشه نجات اوست که تمام عناصر نمادینی که در این حرم نصب شده است نقش خود را ایفا می کنند. واقعیت در بعد آسمانی در خداوند است و او در زمین این واقعیت را از طریق نمادها به تصویر می کشد. بنابراین من به موضوع این کشف خاص در این فصیح 2021 می رسم. در اول پادشاهان 6:23 تا 27 می خوانیم: «او دو کروی را در عبادتگاه از چوب زیتون وحشی ساخت، به ارتفاع ده ذراع. هر یک از دو بال یکی از کرویهای پنج ذراع داشت که از نوک یکی از بالهای آن تا نوک بال دیگر ده ذراع بود. کروی دوم نیز ده ذراع داشت. اندازه و شکل هر دو کروی یکسان بود. ارتفاع هر یک از دو کرویهای ده ذراع بود. سلیمان کرویهای را در وسط خانه، داخل خانه گذاشت. بالهایشان باز شده بود: بال اولی به یکی از دیوارها و بال دومی به دیوار دیگر برخورد کرد. و «... بالهای دیگرشان در انتها در وسط خانه به هم رسیدند»

این کروبیان در خیمه موسی وجود نداشتند، اما خداوند با قرار دادن آنها در معبد سلیمان، معنای این مکان مقدس را روشن می‌کند. این قطعه در جهت عرض خود توسط دو جفت بال دو کروبی عبور می‌کند و به این ترتیب استاندارد آسمانی به آن می‌دهد که عملاً برای انسانی که فقط روی زمین زندگی می‌کند غیرقابل دسترس است. من در اینجا از این فرصت استفاده می‌کنم تا حقیقتی را درباره این کروبی‌ها تقبیح و احیا کنم که در یک هذیان عرفانی بت پرستانه، نقاشان معروف به «میکل آنژ» ظاهر نوزادان بالدار در حال نواختن سازها یا تیراندازی با دستان خود را نشان داده‌اند. هیچ نوزادی در بهشت وجود ندارد. و برای خدا، مطابق مزامع 51:5 یا 7: «اینک، من در گناه متولد شدم و مادرم مرا در گناه آبلتن کرد» و روم. 3:23 «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال محرومند. خداوند، نوزاد معصوم و پاک وجود ندارد، زیرا از زمان حضرت آدم، انسان گناهکار به ارث به دنیا آمده است. فرشتگان آسمانی همگی در جوانی آفریده شدند، همانطور که آدم روی زمین بود. آنها پیر نمی‌شوند و همیشه یکسان می‌مانند. پیری یک ویژگی منحصر به فرد زمینی است که نتیجه گناه و مرگ و دستمزد نهایی آن است، مطابق روم. 6:23.

تابوت اتحاد مقدس

اول پادشاهان 8: 9: «در تابوت فقط دو تخته سنگی بود که موسی در حوریب در آنجا قرار داد، وقتی که خداوند با بنی اسرائیل عهد بست، چون از زمین مصر بیرون آمدند بنابراین در محراب یا مکان مقدس، دو کروبی عظیم با بال‌های دراز، نمادهای شخصیت فعال آسمانی، و همچنین و بالاتر از همه، صندوق عهد وجود دارد که در مرکز اتاق بین دو کروبی بزرگ قرار دارد. زیرا برای پناه دادن به آن است که خانه ساخته می‌شود. به ترتیبی که خداوند کارهای دینی را که موسی باید انجام دهد به او عرضه می‌کند، ابتدا صندوق عهد بافت می‌شود. اما این ظرف از محتویاتش کم ارزش تر است: دو میز سنگی که خداوند با انگشت خود قانون فوق مقدس ده فرمان خود را بر آن حک کرده است. این انعکاس تفکر، هنجار او، شخصیت تغییرناپذیر اوست. در یک مطالعه من قبلاً ویژگی نبوی آن را برای دوران مسیحیت (2030-2018 Adventist)، انتظار نهایی) جداگانه نشان داده‌ام. در حرم افکار پنهانی خدا را می‌خوانیم. در آنجا عناصری را می‌یابیم که به او علاقه دارند و ارتباط با او را ممکن می‌سازند. کافی است بگوییم گناهکاری که عمداً از ده فرمان او تجاوز می‌کند، اگر باور داشته باشد که می‌تواند ادعای نجات خود کند، خود را فریب می‌دهد. این رابطه صرفاً مبتنی بر ایمانی است که بر واقعیات نمادین موجود در این مکان مقدس استوار است. خداوند در ده فرمان، استانداردهای زندگی خود را که برای انسان‌ها مقرر شده است، خلاصه می‌کند. یعنی خدا خودش به احکامش احترام می‌گذارد و اجرا می‌کند. حیاتی که به انسان داده شده بر اساس احترام به این احکام است. و تجاوز آنها منجر به گناهی می‌شود که مجازات آن مرگ شخص مجرم است. و از زمان آدم و حوا، نافرمانی همه بشریت را تحت این شرایط فانی قرار داده است. از این رو مرگ مانند بیماری بی‌علاج بر سر انسان افتاد.

صندلی رحمت

در محراب، بالای صحن رحمت، تصویر نمادین محراب که باید بره خدا را بر آن بسوزانند، دو فرشته کوچکتر دیگر به محراب نگاه می‌کنند و بال‌هایشان در وسط به هم می‌رسند. در این تصویر، خدا علاقه‌ای را که فرشتگان وفادار به طرح نجاتی که بر مرگ کفار عیسی مسیح استوار است نشان می‌دهد. زیرا عیسی از آسمان فرود آمد تا ظاهری شبیه نوزاد انسان به خود بگیرد. کسی که جان خود را بر روی صلیب گل‌گوتا داد، ابتدا دوست آسمانی آنها «میکائیل»، رئیس فرشتگان و مظهر آسمانی مرئی روح خدا خالق بود و فرشتگان به درستی خود را «همکار» برگزیدگان او می‌دانند.

در مقدس‌ترین مکان، تابوت پوشیده از کرسی رحمت، زیر بال‌های دو کروبی بزرگ و را می‌یابیم: «اما برای شما که از Mal.4:2 کوچک قرار می‌گیرد. در این تصویر، تصویر این آیه از نام من می‌ترسید، خورشید عدالت طلوع خواهد کرد و شفا در زیر بال‌های او خواهد بود. بیرون می‌روی و مثل گوساله‌ها در اصطبل می‌پری.» صندلی رحمت، نمادی که صلیب را بر روی آن مصلوب کردند، در واقع شفای بیماری مرگبار گناه را به از مرغان خواهد آورد. عیسی برای رهایی از گناه مرد و دوباره برخاست تا برگزیدگان خود را از دستان شریر گناهکاران پشیمان و سرکش نجات دهد. تخطی از

قوانین موجود در کشتی باعث مرگ همه موجودات انسانی روی زمین شد. و برای برگزیدگانی که توسط خدا در مسیح انتخاب شده اند، فقط برای آنها، صندلی رحمتی که بالای تابوت حاوی شریعت تخطی شده قرار داده شده است، پیروزی حیات جاودانی را به ارمغان آورده است که در ساعت رستاخیز اول وارد آن خواهند شد. از قدیسانی که با خونی که عیسی مسیح بر روی این صندلی رحمت ریخته بود، نجات کروبیان شمایل خدای روح آسمانی، Mal.4:2 یافتند. سپس شفای آنها از مرگ کامل خواهد شد. مطابق هستند که کشیش 4 او را با نماد " چهار موجود زنده " معرفی می کند. زیرا شفای متصل به کرسی رحمت به خوبی زیر دو بال مرکزی دو کروی بزرگ قرار گرفته است.

همانطور که در مراسم سالانه عبری «روز کفاره»، خون حیوان بز در جلو و روی صندلی رحمت به سمت شرق پاشیده شد، لازم بود که خون عیسی مسیح نیز در واقع جاری شود. روی همین صندلی رحمت برای این منظور، خداوند خدمت یک کشیش انسانی را دعوت نکرد. او همه چیز را از قبل برنامه ریزی و سازماندهی کرده بود، به طوری که کشتی و مقدسات را از مقدس ترین مکان و مکان مقدس در زمان ارمیا نبی به غاری که در زیرزمین در دامنه کوه گلگوتا، در زیر صخره ها قرار داشت، منتقل کردند. زمین، شش متر عمق، درست زیر حفره مکعبی 50 سانتی متری، بر روی سطح در صخره حفر شده بود، که در آن سربازان رومی صلیبی را که عیسی بر روی آن مصلوب شد، برافراشتند. از طریق یک گسل طولانی و عمیق ایجاد شده توسط زلزله ذکر شده در کتاب مقدس، خون او به معنای واقعی کلمه در سمت چپ صندلی رحمت، یعنی در سمت راست مسیح مصلوب جاری شد. بنابراین، بی دلیل نیست که متی 27:51 به این چیزها گواهی می دهد: " و اینک پرده معبد دو نیم شد، از بالا به پایین، زمین لرزید، صخره ها از هم پاشیدند ، ... ". در سال 1982، یک بررسی علمی نشان داد که خون خشک Y و یک کروموزوم X شده جمع آوری شده توسط ران و ایات به طور غیر عادی از 23 کروموزوم تشکیل شده است. خالق الهی می خواست دلیلی بر ذات الهی خود باقی بگذارد که به کفن مقدس او اضافه شد. که تصویر صورت و بدنش به صورت نگاتیو به نظر می رسد. بنابراین، شریعت تخطی شده موجود در کشتی با دریافت خون واقعاً پاک از تمام گناهان نجات دهنده ما عیسی مسیح در قربانگاه آن، جبران کامل خود را به دست آورد. زیرا با آشکار ساختن این چیزها به ران و ایات، خدا به دنبال ارضای کنجکاوی انسان نبود، بلکه می خواست آموزه تقدیس الوهیت خود را در عیسی مسیح تقویت کند. زیرا با داشتن خونی متفاوت از سایر انسانها، دلیلی برای ایمان به ذات کامل و پاک خود و عاری از هر گونه گناه می دهد. بنابراین، او تأیید می کند که برای تجسم آدم جدید یا «آخرین» آمده است، همانطور که پولس در اول قرنتیان 15:45 می گوید، زیرا اگرچه او در بدنی از گوشت شبیه بدن ما دیده، شنیده و کشته شد، اما هیچ پیوند ژنتیکی نداشت. با نوع انسان چنین توجهی به جزئیات در انجام پروژه نجات او اهمیتی را که خداوند به نمادهای تعلیمش می دهد آشکار می کند. و ما بهتر درک می کنیم که چرا موسی به دلیل تحریف این پروژه نجات الهی با دو بار اصابت به صخره حورب مجازات شد. بار دوم طبق دستور خدا فقط باید با او صحبت می کرد تا آب را بیاورد.

عصای موسی، متناً، طومار موسی

شماره 17:10: « خداوند به موسی گفت: عصای هارون را قبل از شهادت باز گردان تا نشانه ای برای فرزندان طغیان باشد تا به زمزمه آنها در حضور من پایان دهی و آنها دوره نمرود خروج 34:16-33: « و موسی به هارون گفت: ظرفی بردار و در آن عمیر پر از من بگذار و آن را به حضور خداوند بگذار تا برای نسل تو محفوظ بماند. طبق فرمانی که خداوند به موسی داد، هارون آن را در برابر شهادت قرار داد تا حفظ شود.»

تثنیه 31:26: « این کتاب شریعت را بگیرد و کنار تابوت عهد یهوه خدای خود قرار دهید و در آنجا برای شما شاهد خواهد بود.»

بر اساس این آیات، اجازه دهید خطای پولس رسول را ببخشیم که باعث شد او این عناصر را در کشتی قرار دهد و نه در کنار یا جلوی آن، در عبرانیان 9: 3-4: «پشت پرده دوم قسمتی بود. از خیمه که قدس الاقدس نامیده می شود حاوی مذبح طلایی برای بخوردادن و صندوق عهد که تماماً با طلا پوشانده شده بود. جلوی تابوت ظرفی طلایی حاوی مانا، عصای هارون که جوانمزده بود و میزهای عهد بود. به همین ترتیب، محراب بخور در محراب نبود، بلکه در سمت معبد در مقابل پرده بود. اما عناصری که

در کنار کشتی قرار داده شده بودند، برای شهادت به معجزاتی که خدا برای قوم عبری خود که به اسرائیل تبدیل شده بودند، شهادت می دادند، ملتی آزاد و مسئول.

در کنار کشتی، عصای موسی و هارون، توکل به پیامبران راستین خدا را می طلبد. طبق تثبیه 8:3، ماننا به برگزیدگان در حضور عیسی یادآوری می کند که «انسان تنها با نان و آب زندگی نمی کند، صورت طومار نوشته شده توسط حضرت موسی به فرمان خداوند نمایش داده شده است. بالای تابوت، محراب صندلی رحمت می آموزد که بدون ایمان به قربانی جانانه عیسی مسیح، ارتباط با خدا غیرممکن است. این مجموعه چیزها اساس الهیات عهد جدید را تشکیل می دهد که بر روی خون انسانی ریخته شده توسط عیسی مسیح برقرار شد. و بسیار منطقی، روزی که در او، پروژه خداوند محقق و محقق شد، نقش نمادها و جشنواره «یوم کیپور» یا «روز کفار» که آن را پیشگویی می کرد، منسوخ و بیهوده شد. در مواجهه با واقعیت، سایه ها محو می شوند. به همین دلیل است که معبدی که در آن مناسک نبوی انجام می شد، ناپدید می شد و دیگر ظاهر نمی شد. همانطور که عیسی تعلیم داد، پرستنده خدا باید او را «در روح و حقیقت» پرستش کند، و از طریق وساطت عیسی مسیح «دسترسی آزاد» به روح آسمانی او داشته باشد. و این ستایش نه در سامره و نه در اورشلیم و حتی کمتر در روم، سانتیاگو د کامپوستلا، لوردس یا مکه به هیچ مکان زمینی متصل نیست.

گرچه ایمان به مکانی زمینی وابسته نیست، اما با کارهایی که خدا از قبل برای برگزیدگانش در زمانی که بر روی زمین زندگی می کنند، آماده کرده است، نشان داده می شود. نمادهای حرم در آغاز هزاره پنجم پس از 4000 سال گناه متوقف شد. و اگر پروژه خدا بیش از 4000 سال ساخته شده بود، برگزیدگان به بقیه خدا که در سبت هفتگی نبوت شده بود وارد می شدند. اما اینطور نبود، زیرا از زمان زکریا، خداوند دو اتحاد را پیشگویی کرده است. او در مورد دوم توضیح می دهد و در ذک 2:11 می گوید: «در آن روز امت های بسیاری به خداوند ملحق خواهند شد و قوم من خواهند شد. من در میان شما ساکن خواهم شد و خواهید دانست که خداوند صباوت مرا نزد شما فرستاده است.» این دو اتحاد با «درخت زیتون» در ذک 4:11 تا 14 نشان داده شده است: «من پاسخ دادم و به او گفتم: این دو درخت زیتون در سمت راست شمعدان و در سمت چپ یعنی چه؟ برای بار دوم صحبت کردم و به او گفتم: دو شاخه زیتون که نزدیک دو مجرای طلایی است که از آن طلا می ریزد یعنی چه؟ جواب داد: نمی دانی منظورشان چیست؟ من می گویم: نه سرورم. و او گفت: این دو مسح شده هستند که در حضور خداوند تمام زمین ایستاده اند. خواندن این آیات باعث می شود که ظرافتی عالی از خدای خالق، روح القدس که کلام کتاب مقدس را الهام می کند، کشف کنم. زکریا مجبور می شود دو بار بپرسد که «درخت زیتون چه معنایی دارد تا خدا به او پاسخ دهد. به این دلیل که پروژه اتحاد الهی دو مرحله متوالی را تجربه خواهد کرد، اما مرحله دوم با درس های مرحله اول آموزش داده می شود. دو مورد از آنها وجود دارد، اما در واقع آنها تنها یکی هستند، زیرا دومی تنها نقطه اوج اولی است. به راستی، عهد قدیمی بدون مرگ کفار مسیح عیسی چه ارزشی دارد؟ هیچ چیز، حتی دم گلابی، همانطور که راهب مارتین لوتر می گفت. و این عامل فاجعه ای است که امروزه هنوز بر یهودیان ملی تأثیر می گذارد. در این آیات، خداوند نیز با پاسخی که زکریا به این سؤال می دهد: «آیا نمی دانی منظورشان چیست؟» نبوت می کند. من می گویم: نه سرورم. زیرا در واقع، یهودیان ملی تا لحظه آخرین آزمایش قبل از بازگشت عیسی مسیح، جایی که به بهای وجود خود تبدیل می شوند یا امتناع خود را تأیید می کنند، این معنا را نادیده می گیرند.

بدیهی است که تغییر مسیحیت مردمان بت پرست ثابت کرده است که نقشه الهی واقعاً در شخص عیسی مسیح انجام شده است و این تنها نشانه ای است که خدا هنوز به یهودیان ملی پیشنهاد می کند تا در اتحاد مقدس خود باقی بمانند. بنابراین تأیید شد، این عهد دوم یا جدید باید در یک سوم آخر از 6000 سال زمان گناه زمینی گسترش یابد. و تنها با بازگشت شکوهمند نهایی خود است که عیسی مسیح زمان تکمیل عهد دوم را مشخص خواهد کرد. زیرا تا این بازگشت، آموزش پیشگویی شده توسط نمادها برای درک پروژه کلی آماده شده توسط خداوند مفید باقی می ماند، زیرا ما آگاهی از زمان بازگشت باشکوه او را مدیون او هستیم: آغاز بهار 2030. بنابراین، در سال 1844، با دادن سبت برای برگزیدگان برگزیده اش، خدا از درس هایی استفاده می کند که در نمادگرایی معبد عبری و معبد سلیمان حک شده است. او گناه یکشنبه کاتولیک را که از 7 مارس 321 از امپراتور کنستانتین به ارث برده بود، محکوم می کند و نیاز به "تصفیه مقدس" جدید را پیشنهاد می کند که واقعاً یک بار برای همیشه در عیسی مسیح مصلوب و

زنده شد. خدا در واقع تا سال 1844 منتظر ماند تا به وضوح محکومیت خود "یکشنبه رومی" را محکوم کند. زیرا پذیرش آن، ایمان اولیه خالص مسیحی را تحت نفرین گناه قرار می دهد که رابطه با خدا را می شکند Dan.8:12 مطابق با اعلامیه داده شده در

بنابراین، تقدیس لزوماً متضمن احترام به سبب مقدس است، که خود از پایان هفته اول خلقت منظومه زمین توسط خدا تقدیس شده است. مخصوصاً که ورود برگزیدگان را پیشگویی می کند که با پیروزی عیسی به دست آمده اند و در چهارمین فرمان از ده فرمان خداوند موجود در تابوت شهادت در مقدس ترین مکان، مقدس، نمادی از خدا وجود دارد. روح خدای آسمانی سه بار مقدس، مقدس در کمال سه نقش متوالی خود یعنی پدر، پسر و روح القدس. همه چیزهایی که در آنجا یافت می شود، برای قلب خدا عزیز است و باید به همان اندازه در افکار و قلب برگزیدگان او، فرزندانش، و اهل خانه او عزیز باشد. انتخاب قدوسیت اصیل برگزیدگان بدین ترتیب تثبیت و شناسایی می شود.

برخلاف شریعت موسی که برای پیشبرد پروژه خداوند تطبیق داده می شود، آنچه بر روی سنگ ها حک می شود تا پایان جهان ارزش دائمی پیدا می کند. و این در مورد ده فرمان آن است، که هیچ یک از آنها قابل تغییر و حتی کمتر حذف هستند، همانطور که روم پاپ جرات کرد برای دومین از این ده فرمان انجام دهد. قصد شیطانی برای فریب دادن نامزدهای ابدیت در افزودن یک فرمان برای حفظ عدد ده ظاهر می شود. اما منع الهی از تعظیم در برابر مخلوقات، تصاویر حکاکی شده یا مظاهر واقعاً حذف شده است. ما می توانیم از این نوع چیزها پشیمان شویم، اما با این وجود به ما امکان می دهد نقاب ایمان کاذب را بپوشانیم. کسی که به دنبال درک نیست و منطقاً سطحی نگر است، عواقب رفتار خود را متحمل می شود. شروط داوری خود را نادیده می گیرد تا زمانی که خداوند او را محکوم کند.

معبد یا مکان مقدس

بباید جنبه آسمانی دینی را که از آسمان دیده می شود، رها کنیم تا زیر آن چیزی که تقدس دینی در زمین به آن می دهد، نگاه کنیم. ما آن را در عناصر قرار داده شده در بخش "معبد" "خانه خداوند" کشف می کنیم. در خیمه زمان موسی، این اتاق خیمه ملاقات بود. سه مورد از این عناصر وجود دارد و مربوط به سفره نان، شمعدان با هفت لوله و هفت چراغ و محراب عود است که در مقابل نقاب در وسط اتاق قرار گرفته است. از بیرون آمده، سفره نان در سمت چپ، به سمت شمال و شمعدان در سمت راست، به سمت جنوب است. این نمادها نمادهای واقعی هستند که در زندگی برگزیدگانی که با خون ریخته شده توسط عیسی مسیح نجات یافته اند، شکل می گیرد. آنها کاملاً مکمل و جدایی ناپذیر هستند.

شمعدان طلایی با هفت لامپ

میز را بیرون برده و شمعدان را در مقابل میز در ضلع جنوبی خیمه قرار « Exo.26:35: «. دهید. و میز را در سمت شمال بچینی

در معبد، در سمت چپ، در سمت جنوب قرار گرفته است. نمادها در طول زمان، از جنوب به شمال خوانده می شوند. شمعدان روح و نور خدا را از آغاز عهد قدیم به تصویر می کشد. اتحاد مقدس در حال حاضر بر اساس قربانی "بره خدا" عید قربان است که نماد و قبل از آن بره ها یا قوچ های جوانی است که از زمان آدم به عنوان قربانی تقدیم می شوند. در مکاشفه 5: 6 نمادهای شمعدان به آن متصل شده است: "هفت چشم که هفت روح خدا هستند که در سراسر زمین فرستاده شده اند" و "هفت شاخ" که تقدیس قدرت را به آن نسبت می دهند.

شمعدان آنجاست تا نیاز به نور برگزیدگان را برآورده کند. آنها آن را به نام عیسی مسیح که تقدیس (= 7) نور الهی در اوست به دست می آورند. این تقدیس با عدد «هفت» که در مکاشفه کتاب مقدس از زمان ایجاد هفته هفت روزه از ابتدا وجود دارد، نمادین است. در زکریا، روح «هفت چشم» را به سنگ اصلی نسبت می دهد که زروبابل معبد سلیمان را که توسط بابلی ها ویران شده بود، بازسازی خواهد کرد. و درباره این «هفت چشم» می گوید: «این هفت چشم خداوند هستند که در تمام زمین می چرخند.» در مکاشفه 5:6، این پیام به عیسی مسیح، «بره خدا» نسبت داده شده است: «و در میان تخت و چهار موجود زنده و در میان بزرگان، بره ای دیدم. که در آنجا مثل آتش سوزی بود. او هفت شاخ و هفت چشم داشت که همان هفت روح خداست که در تمام زمین فرستاده شده اند.» این آیه به شدت تقدیس الوهیت مسیح عیسی را تأیید می کند. خالق بزرگ خدا خود را به زمین فرستاد تا قربانی کفاره

داوطلبانه خود را در عیسی انجام دهد. توضیحات ارائه شده در آثارم را مدیون عمل این روح الهی هستم. نور پیشرو است و دانش با گذشت زمان رشد می کند. ما تمام درک خود را از سخنان نبوی او مدیون او هستیم.

محراب عطرها

عیسی مسیح با تقدیم بدن فیزیکی خود به مرگ، در هنجار کامل روح و تمام روح خود، بوی مطبوعی را که آیین عبری با عطرها نماد آن است، در حضور خدا می آورد. مسیح در این عطرها و همچنین در نقش مأموری که آنها را عرضه می کند، نشان داده شده است.

درست در مقابل پرده، و روبه روی صندوق شهادت و جایگاه رحمت آن، مذبح بخور وجود دارد که به مقام شامخ، کاهن اعظم، نقش او را به عنوان شفیع برای خطاهایی که تنها برگزیدگان مرتکب شده اند، اعطا می کند. زیرا عیسی گناهان تمام جهان را بر عهده نگرفت، بلکه فقط برگزیدگان خود را که نشانه‌های سپاسگزاری از آنها نشان داد. بر روی زمین، کاهن اعظم فقط ارزش نبوی نمادین دارد، زیرا حق شفاعت فقط به مسیح منجی تعلق دارد. شفاعت حق انحصاری او است و طبق دستور توضیح داده شده است: «*Dan.8:11-12* ملک‌صدق دارای ویژگی «همیشگی» است، همانطور که در او به رهبر لشکر قیام کرد و قربانی دائمی را از او گرفت. او را، و مکان مقدس او را واژگون کرد. ارتش به خاطر گناه با قربانی دائمی تسلیم شد. شاخ حقیقت را به زمین افکند و در تعهدات خود موفق شد. و در عبرانیان 7:23. کلمات "قربانی" خط خورده در متن اصلی عبری ذکر نشده است. در این آیه خداوند عواقب حکومت پاپ روم را تقبیح می کند. رابطه مستقیم مسیحی با عیسی به نفع رهبر پاپ منحرف می شود. خداوند بندگانش را از دست می دهد که جانیشان را از دست می دهند. در کمال الهی خود، فقط خدا در مسیح می تواند شفاعت او را مشروع جلوه دهد، زیرا او به عنوان فدیة برای کسانی که برای آنها شفاعت می کند، قربانی دلسوزانه داوطلبانه خود را ارائه می دهد که بوی خوشی برای خدا قاضی عشق و عدالت که او در عین حال نماینده اوست. زمان. شفاعت او خود به خود نیست، بسته به اینکه دعا کننده سزاوار آن باشد یا نه، اعمال می کند یا نه. شفاعت عیسی مسیح به دلیل شفقت او نسبت به ضعف های طبیعی جسمانی برگزیدگانش است، اما هیچ کس نمی تواند او را فریب دهد، او قضاوت می کند و با عدالت و عدالت مبارزه می کند و پرستندگان و بردگان واقعی خود را می شناسد. شاگردان واقعی او چه هستند در این آیین، عطرها نماد بوی مطبوع عیسی است که می تواند دعای مقدسین وفادار خود را با عطر شخصی خود که خوشایند خداست، بخواند. اصل کار شبیه چاشنی کردن ظرفی است که باید خورده شود. تصویر نبوی مسیح پیروز، کاهن اعظم زمینی منسوخ می شود و باید همراه با معبدی که در آن مراسم مذهبی خود را انجام می دهد ناپدید شود. اصل شفاعت پس از این نیز باقی می ماند، زیرا دعاهایی که قدیسان به خدا خطاب می کنند به نام و شایستگی شفیع آسمانی عیسی مسیح و خداوند به طور همزمان ارائه می شود.

سفره نان شوی

در معبد، در سمت راست، در سمت شمال قرار گرفته است. نان پیشوایی نشان دهنده تغذیه روحانی است که زندگی عیسی مسیح را تشکیل می دهد، مانای واقعی بهشتی که به برگزیدگان داده شده است. دوازده نان وجود دارد، همانطور که دوازده قبیله در اتحاد الهی و انسانی وجود دارد که در عیسی مسیح کاملاً خدا (= 7) و کاملاً انسان (= 5) انجام شده است. عدد دوازده که عدد این اتحاد بین خدا و انسان است، عیسی مسیح کاربرد و الگوی کامل است. بر روی او است که خدا اتحادهای خود را بر 12 مهر و موم شده اند، می سازد. در قرائت جهت Rev.7 پدرسالار، 12 حواری عیسی، 12 قبیله ای که در گیری آن به سمت شمال معبد، این میز در سمت عهد جدید و در سمت کروی بزرگ قرار گرفته در سمت چپ در محراب قرار دارد.

مربع

قربانگاه قربانی ها

در مکاشفه 11:2، روح سرنوشته خاصی را به «صحن» قدس نسبت می دهد: «اما صحن بیرونی معبد، آن را در بیرون، و آن را اندازه نگیرید. زیرا به ملتها داده شده است و شهر مقدس را چهل

و دو ماه زیر پا خواهند گذاشت.» « بارگاه " حیاط بیرونی را که قبل از ورودی مکان مقدس یا معبد سرپوشیده قرار دارد، مشخص می‌کند. در آنجا عناصری از مناسک دینی را می‌یابیم که به جنبه فیزیکی موجودات مربوط می‌شود. ابتدا محراب قربانی است که حیوانات قربانی شده در آن سوزانده می‌شوند. از زمان آمدن عیسی مسیح که برای انجام قربانی کامل آمده بود، این مراسم منسوخ شد و مطابق پیشگویی دان پایان یافت. او قربانی و قربانی را متوقف خواهد کرد. ویرانگر زشت‌ترین کارها را انجام می‌دهد تا زمانی که خرابی و آنچه حل شده بر ویرانگر بیفتد.» در عبرانیان 10: 6 تا 9، این مورد تأیید شده است: «قربانی‌های سوختنی یا قربانی‌های گناه را نپذیرفته‌اید. سپس گفتیم: اینک من می‌آیم (در طومار کتاب از من سخن می‌گوید) تا اراده تو را انجام دهم، خدایا. پس از آن که ابتدا گفت: قربانی‌ها و قربانی‌هایی که نخواستی و نپذیرفتی، نه قربانی‌های سوختنی و نه قربانی‌های گناه (که طبق شریعت تقدیم می‌شود)، سپس گفت: اینک من می‌آیم تا اراده تو را انجام دهم. بنابراین او اولین چیز را لغو می‌کند تا دومی را ایجاد کند. به موجب این اراده است که ما از طریق تقدیم بدن عیسی مسیح، یک بار برای همیشه تقدیس می‌شویم.» به نظر می‌رسد که پولس، نویسنده فرضی این رساله خطاب به «عبرانیان»، آن را به دیکته عیسی مسیح نوشته است. که نور عظیم و دقت بی‌نظیر آن را توجیه می‌کند. در واقع، فقط عیسی مسیح شخصاً می‌توانست به او بگوید: «(در طومار کتاب درباره من است)». اما آیه 8 از متن مزمور 40 می‌گوید: "با طومار کتاب برای من نوشته شده است." بنابراین، این تغییر را می‌توان با این اقدام شخصی مسیح با پولس، که به مدت سه سال در عربستان منزوی شد و مستقیماً توسط روح آماده و آموزش داده شد، توجیه کرد. و یادآوری می‌کنم که قبلاً در مورد طومار نوشته شده توسط موسی که آن را به فرمان خدا نوشته بود، چنین بود.

دریا، مخزن وضو

دومین عنصر میدان، مخزن وضو است که پیش‌نمایش آیین غسل تعمید است. خداوند برای نامش کلمه «دریا» را به آن داده است. در تجربه بشری، دریا مترادف با "مرگ" است. او با سیل خود پیش از غبار را بلعید و تمام سواره نظام فرعون را که در تعقیب موسی و قوم عبری او بودند غرق کرد. در غسل تعمید، لزوماً در غوطه ور شدن کامل، قرار است پیرمرد گناهکار بمیرد تا به عنوان موجودی جدید که توسط عیسی مسیح نجات یافته و احیا شده از آب بیرون بیاید و عدالت کامل خود را به او نسبت دهد. اما این تنها یک اصل نظری است که کاربرد آن به ماهیت نامزدی که خود را معرفی می‌کند بستگی دارد. آیا او مانند عیسی هنگام غسل تعمید می‌آید تا اراده خدا را انجام دهد؟ پاسخ فردی است و عیسی برحسب مورد عدالت خود را نسبت می‌دهد یا نمی‌دهد. آنچه مسلم است این است که هر کس بخواهد به اراده خود عمل کند شریعت مقدس الهی را که تخطی از آن گناه است با شادی و شکر احترام می‌کند. اگر او باید در آب غسل تعمید بمیرد، بحثی در مورد تولد دوباره او در خدمت مسیح وجود ندارد، مگر تصادفاً به دلیل ضعف جسمانی انسان.

بنابراین، برگزیدگان مسیحی، با پاک شدن از گناهان خود و پوشیدن عدالت منتسب عیسی مسیح، مانند کاهن عهد قدیم، می‌توانند برای خدمت به خدا در عیسی مسیح وارد مکان مقدس یا معبد شوند. بدین ترتیب مسیر دین حقیقی الهی با این ساخت تصویری آشکار می‌شود، زیرا اینها فقط نمادها هستند، واقعیت در آثاری که برگزیدگان موجه در برابر انسان‌ها، فرشتگان و خدای خالق خواهند آورد ظاهر می‌شود.

نقشه خدا در تصاویر پیشگویی شده است

در نقشه خود، خدا گناه برگزیدگان را از طریق خون عیسی مسیح که به جایگاه رحمت مقدس یا مکان مقدس آورده شد، برطرف کرد. ران وایت، باستان‌شناس پرستار ادونتیست که تا سال 1982 مجوز حفاری‌های استثنایی در محل کوه گلگوتا در اورشلیم صادر کرد، فاش کرد که خون عیسی در واقع در سمت چپ صندلی رحمت واقع در یک غار زیرزمینی در شش متری زیر صلیب جاری شده است. مصلوب شدن مسیح؛ اتفاقی که در دامنه کوه گلگوتا رخ داد. در آیین کاهنایی، کشیشی که در مکان مقدس قرار می‌گیرد، رو به صندل رحمت است و اشیاء آسمانی در مقدس‌ترین مکان، یعنی حرم نصب می‌شوند. پس آنچه در سمت چپ انسان است در سمت راست خداست. به همین ترتیب، نوشتن عبری از راست به چپ انسان انجام می‌شود و جهت شمال-جنوب را می‌گیرد، بنابراین، از چپ به راست خدا. بنابراین،

طرح دو عهد در قرائت این مکان مقدس از سمت راست انسان به سمت چپ او نوشته شده است. یا برعکس برای خدا. یهودیان عهد قدیم تحت تصویر نمادین کروبی که در عبادتگاه سمت راست آنها قرار دارد به خدا خدمت می کردند. در جریان اتحاد آنها، خون بزی که در «روز کفار» کشته شده بود، بر جبهه و صحن رحمت پاشیده شد. پاشیدن هفت بار با انگشت توسط کاهن اعظم به سمت شرق انجام شد. درست است که اتحاد قدیمی مرحله شرقی پروژه نجات او بود. گناهکارانی که باید بخشیده شوند، خودشان در شرق، در اورشلیم بودند. روزی که عیسی خون خود را ریخت، خون بر روی همین تخت رحمت افتاد و عهد جدید بر خون او برقرار شد و عدالت او تحت علامت کروبی دوم واقع در سمت چپ، جنوب آغاز شد. بنابراین، از دید خدا، این پیشروی از سمت چپ او به سمت «راست» او، سمت برکت او رخ داد، همانطور که در مزامیر 110:1 نوشته شده است: «از داوود. مزمور کلام خداوند به خداوند من: در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو قرار دهم. و در تأیید عبرانیان 7: 17، آیات 4 تا 7 تصریح می کند: «خداوند سوگند یاد کرده است، و توبه نمی کند: به روش ملکصدوق، تا ابد کاهن هستی. خداوند در دست راست تو در روز غضب خود پادشاهان را می شکند. او عدالت را در میان ملت ها اعمال می کند: همه چیز پر از جنازه است. او در سراسر کشور سر می شکند. در حالی که راه می رود از نهر آب می نوشد، به همین دلیل سرش را بلند می کند.» بنابراین، عیسی مسیح فروتن اما عادل، مسخرکنندگان و شورشیان را بهای تحقیر شهادت عالی عشق دلسوزانه اش به برگزیدگان نجات یافته اش را وادار می کند.

به طوری که عبرانیان هنگام ورود به صحن یا معبد پشت خود را به «خورشید طلوع» که در طول زمان توسط مشرکان در مکان های مختلف روی زمین مورد ستایش قرار می گرفتند، خدا می خواست این مکان مقدس در طول آن در شرق ساخته شود. محور غرب. در عرض آن، دیوار سمت راست مقدس ترین مکان در سمت «شمال» و دیوار سمت چپ در سمت «جنوبی» قرار داشت.

در متی 23:37، عیسی به خود تصویری از «مرغی داد که از جوجه هایش زیر بال هایش محافظت می کند»: «اورشلیم، اورشلیم، که پیامبران را می کشد و کسانی را که نزد شما فرستاده شده اند سنگسار می کند، چند بار خواستم بچه هایت را جمع کن، همانطور که مرغ جوجه هایش را زیر بال هایش جمع می کند و تو نخواستی!». این همان چیزی است که بالهای دراز شده دو کروبی برای هر یک از دو خداوند خود را با «عقاب» تشبیه می کند: «تو، Exo.19:4 اتحاد متوالی آموزش می دهند. بر اساس دیدی که من با مصر چه کردم و چگونه تو را بر بال های عقاب بردم و نزد خود آوردم». در مکاشفه 12:14، او «عقاب بزرگ» را مشخص می کند: «و دو بال عقاب بزرگ به زن داده شد تا به بیابان پرواز کند، به مکان خود، جایی که برای مدتی، زمانی در آنجا تغذیه می شود. و نیمی دور از چهره مار». این تصاویر همان واقعیت را نشان می دهند: خدا از کسانی که دوستشان دارد محافظت می کند، زیرا آنها او را دوست دارند، در دو اتحاد متوالی، قیل و بعد از عیسی مسیح.

در نهایت، به طور نمادین، معبد عبری نشان دهنده بدن مسیح، بدن برگزیدگان و در مجموع، عروس مسیح، برگزیدگان او، مجمع برگزیدگان بود. به همه این دلایل، خداوند قوانین رژیم غذایی آیا نمی «Cor.6:19 بهداشتی را وضع کرده است تا این اشکال مختلف معبد مقدس و محترم باشند. 1 دانید که بدن شما معبد روح القدسی است که در شماست و او را از جانب خدا دارید و از آن خود نیستید؟»

طلا، چیزی جز طلا

همچنین باید به اهمیت این معیار توجه کنیم: تمام اثاثیه و ظروف، کروبیان و خود دیوارهای داخلی از طلا ساخته شده اند یا با طلای کوبیده پوشیده شده اند. خصوصیت طلا ویژگی تغییر ناپذیر آن است. این تنها ارزشی است که خداوند به آن می دهد. جای تعجب نیست که او طلا را نماد ایمان کامل ساخت که الگوی بی نظیر و کامل آن عیسی مسیح بود. نمای داخلی معبد و محراب، جنبه درونی روح عیسی مسیح را به تصویر می کشد که در آن تقدس، پاکي روح القدس خدا ساکن است. شخصیت او تغییر ناپذیر بود و این عامل پیروزی او بر گناه و مرگ بود. مثالی که عیسی ارائه کرد، توسط خدا به عنوان الگوی تقلید برای همه برگزیدگان او ارائه شده است. این شرط آن است، تنها شرط سازگاری فردی و جمعی با زندگی جاویدان آسمانی، مزد و پاداش فاتحان. ارزش هایی که او بودند باید از آن ما شوند، ما باید مانند شبیه ها به او شباهت داشته باشیم، همانطور که در اول یوحنا 2: 6 نوشته شده است: «کسی که می گوید در او می ماند، باید همان طور که راه می رفت، رفتار کند.» معنای طلا در اول پطرس 1: 7 به

ما داده شده است: " تا امتحان ایمان شما، که گرانبهارتر از طلای فانی شده است (که با آتش آزمایش می شود)، موجب ستایش، جلال و افتخار شود. ، هنگامی که عیسی مسیح ظاهر می شود. خداوند ایمان برگزیدگان خود را می آزماید. اگرچه طلا غیرقابل تغییر است، اما می تواند حاوی آثاری از مواد ناخالص باشد و برای از بین بردن آن باید حرارت داده و ذوب شود. سپس سرباره یا ناخالصی ها به سطح خود می آیند و می توانند حذف شوند. این تصویر تجربه زندگی زمینی شاگردان نجات یافته است که در طی آن مسیح شرارت را ریشه کن می کند و آنها را پاک می کند و آنها را در معرض آزمایش های مختلف قرار می دهد. و تنها به شرط پیروزی آنها در مصیبت است که در پایان زندگی آنها سرنوشت ابدی آنها توسط قاضی بزرگ عیسی مسیح تعیین می شود. این پیروزی تنها با حمایت و کمک او به دست می آید، همانطور که او در یوحنا 15: 5-6 و 10 تا 14 اعلام کرد: " من تاک هستم، شما شاخه ها. کسی که در من می ماند و من در او می مانم ثمره بسیار می آورد، زیرا بدون من کاری نمی توانید انجام دهید. اگر کسی در من باقی نماند، مانند شاخه بیرون انداخته می شود و پژمرده می شود. سپس شاخه ها را جمع می کنیم و در آتش می اندازیم و می سوزند. اطاعت از احکام الهی لازم است: « اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند، همانطور که من احکام پدرم را نگاه داشتم و در محبت او ماندگار شدم. " مردن برای دوستان به اوج کامل هنجار عشق متعالی فرد تبدیل می شود: " این فرمان من است: همدیگر را دوست بدارید همانطور که من شما را دوست داشتم. " هیچ عشقی بزرگتر از این نیست که جان خود را برای دوستان خود فدا کنیم. « اما این تشخیص توسط عیسی مشروط است: " شما دوستان من هستید، اگر آنچه را که من به شما امر می کنم انجام دهید

به نوبه خود، شمعدان با هفت چراغ از طلای جامد ساخته شده بود. پس از آن او فقط می تواند نماد کمال عیسی مسیح باشد. طلایی که متعاقباً در کلیساهای کاتولیک رومی یافت شد، ادعای ایمان نادرست آن را منعکس می کند. به همین دلیل است که در مقابل، معابد پروتستان از تمام زیور آلات، فروتنی و ریاضت برداشته شدند. در نمادگرایی محراب و معبد، وجود طلا ثابت می کند که حرم تنها می تواند نمایانگر عیسی مسیح الهی باشد. اما با بسط، نوشته شده است که او سر، سر کلیسا است که بدن او در افس. 5: 23-24 است: " زیرا شوهر سر زن است، همانطور که مسیح سر کلیسا است. که بدن اوست و او نجات دهنده آن است. اکنون، همانطور که کلیسا مطیع مسیح است، زنان نیز باید در همه چیز تابع شوهران خود باشند. « اما سپس روح تصریح می کند: « ای شوهران، زنان خود را دوست بدارید، همانطور که مسیح کلیسا را دوست داشت و خود را برای او سپرد تا او را پس از تطهیر با تمهید آب، به وسیله کلام تقدیس کند تا این کلیسا را بسازد. در پیشگاه او باشکوه ظاهر شوید، بدون لکه و چروک و مانند اینها، اما مقدس و بی عیب. " در اینجا، به وضوح بیان شده است، آنچه که دین مسیحی واقعی از آن تشکیل شده است. استاندارد آن نه تنها تئوری است، زیرا یک عمل است که در تمام واقعیت خود اجرا می شود. توافق با معیار « کلمه » نازل شده و لازم است. که شامل حفظ احکام و احکام خدا و دانستن اسرار آشکار شده در پیشگویی های کتاب مقدس او است. این معیار، " غیر قابل سرزنش یا سرزنش " برگزیدگان، در مکاشفه 14: 5 یادآوری و تایید شده است، جایی که به قدیسان "آدونتیست" بازگشت نهایی مشخص Rev.7 واقعی مسیح نسبت داده شده است. آنها با نماد " 144000 " مهر شده با " مهر خدا " در شده اند. تجربه آنها در کل است تقدیس. این مطالعه نشان می دهد که خیمه، معبد، معبد و همه نمادهای آنها پروژه بزرگ نجات خدا را پیشگویی می کردند. آنها هدف و تحقق خود را در تجلی خدمت زمینی عیسی مسیح که بر انسان ها آشکار شد، یافتند. بنابراین، رابطه ای که برگزیده با او برقرار می کند، ماهیت و منش نبوی دارد؛ انسان نادان خود را به خدای خالق می سپارد که همه چیز را می داند. که آینده اش را می سازد و برایش فاش می کند.

مطالعه معبدی که پادشاه سلیمان ساخته بود به ما نشان داد که ما نباید قسمت «معبد» را که برای مردان قابل دسترسی است با «مقدس» که منحصراً برای خدای آسمانی در نظر گرفته شده اشتباه بگیریم. این بار مشروعیت خود را از دست می 14:8 Dan در نتیجه، کلمه "مقدس" به جای کلمه "قدوسیت" در دهد، زیرا مربوط به مکانی بهشتی است که در سال 1843 نیازی به تطهیر نیست. و برعکس، کلمه "قدوسیت" مربوط به مقدسینی است که باید از عمل گناه در زمین جدا شوند تا از سوی خداوند تقدیس یا انتخاب شوند.

با مرگ عیسی مسیح، پرده ای که «معبد» را از «مقدس» جدا می کرد، توسط خدا پاره شد، اما فقط دعای قدیسان می توانست به عبادتگاه آسمانی دسترسی روحانی پیدا کند، جایی که عیسی برای آنها

شفاعت می‌کرد. قسمت معبد قرار بود به نقش خود به عنوان خانه تجمع برگزیدگان روی زمین ادامه دهد. در سال 1843 هم همینطور بود، اصل تجدید شد. "معبد" قدیسان بر روی زمین باقی می‌ماند و در "مقدس"، فقط آسمانی، شفاعت مسیح رسماً به نفع فقط برگزیدگان ادونتیست منتخب از سر گرفته می‌شود. بنابراین، در اتحاد جدید دیگر "مقدس" روی زمین وجود ندارد که نماد آن ناپدید شود. تنها چیزی که باقی می‌ماند «معبد» روحانی برگزیدگان رستگاری شده است.

تنها پلیدی که نیاز به پاکسازی داشت، گناهان انسانهای روی زمین بود، زیرا هیچ یک از گناهان آنها بهشت را نجس نکرد. فقط حضور اهریمن و شیاطین سرکش او می‌توانست این کار را انجام دهد، به همین دلیل است که عیسی مسیح در میکائیل پیروز شد و آنها را از بهشت بیرون کرد و به زمین گناه انداخت که باید تا زمان مرگ در آنجا بمانند.

پس از بحث در مورد نمادگرایی تقدس یک چیز دیگر وجود دارد که باید فهمید. همانطور که این نمادها مقدس هستند، فقط چیزهای مادی هستند. فدوسیت واقعی در زندگان است، به همین دلیل است که عیسی مسیح بیش از معبدی بود که خود صرفاً برای پناه دادن به شریعت خدا وجود داشت، تصویر شخصیت او و عدالت او که توسط گناهکار زمینی آزرده شد. این فقط به عنوان پشتوانه ای برای تعلیم برگزیدگانش است که خدا این چیزها را توسط موسی و کارگزارش انجام داده است. برای پرهیز از رفتار بت پرستانه است که خداوند در سال 1982 به مردی، خدمتکارش، ران ویات، اجازه داد تا کشتی شهادت خود را بیابد و لمس کند. زیرا «شهادت عیسی» که «روح نبوت است» بسیار برتر است. برای او مفیدتر است زیرا او شخصاً آمد تا معنای پروژه نجات را که برای برگزیدگانش بر روی زمین آماده شده بود، آشکار کند. ران ویات اجازه داشت از ده فرمانی که فرشتگان از کشتی بیرون آورده بودند فیلمبرداری کند، اما او از نگه داشتن فیلم خودداری کرد. این حقایق ثابت می‌کند که خدا از قبل از امتناع خود آگاه بوده است، اما این انتخاب ما را از بت پرستی که چنین ضبطی می‌توانست در برخی از برگزیدگان آسیب پذیرتر او ایجاد کند، محافظت می‌کند. این واقعیت برای ما آشکار شده است، تا ما آن را به عنوان یک امتیاز شیرین که خدای عشق ما داده است، در افکار قلب خود نگه داریم.

جدایی های پیدایش

در حالی که مطالعه این اثر اسرار نهفته در پیشگویی های دانیال و مکاشفه را برای ما آشکار کرده است، اکنون باید به شما کمک کنم پیشگویی هایی را که در کتاب پیدایش نازل شده است، کلمه ای به معنای "آغاز" کشف کنید.

توجه!! شهادتی که در این مطالعه از کتاب پیدایش خواهیم دید، مستقیماً از زبان خداوندی است که آن را به بنده خود موسی دیکته کرد. باور نکردن به این داستان بزرگترین ظلم و ستمی است که می توان مستقیماً به خدا کرد، خشمی که به طور قطع در های بهشت را می بندد زیرا فقدان کامل "ایمانی را که بدون آن نمی توان برای خدا خوشایند بود" آشکار می کند. عبرانیان 11:6

عیسی در مقدمه آخرالزمان خود به شدت بر این عبارت پافشاری کرد: «من آلفا و امگا، آغاز و پایان هستم» که او دوباره در پایان مکاشفه خود در مکاشفه 22:13 نقل می کند. ما قبلاً به خصوصیات نبوی کتاب پیدایش اشاره کرده ایم، به ویژه در مورد هفته هفت روزه که هفت هزار سال را پیشگویی می کند. در اینجا، من به این کتاب پیدایش از جنبه موضوع «جدایی» می پردازم که به طور خاص آن را همانطور که خواهیم دید مشخص می کند.

پیدایش 1

روز 1

"پیدایش 1:1: " در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید

همان طور که از کلمه «آغاز» نشان می دهد، «زمین» در واقع توسط خداوند به عنوان مرکز و اساس بعد جدیدی به موازات شکل های حیات آسمانی پیش از آن آفریده شده است. استفاده از تصویر یک نقاش، برای او ایجاد و اجرای خلق یک نقاشی جدید است. اما اجازه دهید قبلاً توجه کنیم که از مبدأ آنها "آسمان و زمین" جدا شده است. "آسمان ها" کیهان بین ستاره ای خالی، تاریک و بی نهایت را مشخص می کنند. و سپس "زمین" به شکل یک توپ پوشیده از آب ظاهر می شود. «زمین» هیچ پیش وجودی برای هفته خلقت نداشت، زیرا در آغاز یا «آغاز» خلقت این بعد زمینی خاص ایجاد شده است. از نیستی بیرون می آید و به فرمان خدا شکل می گیرد تا نقشی را ایفا کند که به دلیل آزادی که منشأ گناهی است که در بهشت توسط اولین مخلوقش مرتکب شده است، ضروری شده است. کسی که اشعیا 14:12 او را با نام های «ستاره صبح» و «پسر سپیددم» معرفی می کند، از زمان به چالش کشیدن قدرت خدا، شیطان شده است. او از آن زمان رهبر اردوگاه شورشیان آسمانی و اردوگاه زمینی آینده بوده است.

پیدایش 1: 2: "زمین بی شکل و خالی بود، تاریکی بر روی اعماق بود و روح خدا بر آنها حرکت می کرد."

هنگامی که یک نقاش با اعمال لایه پس زمینه روی بوم شروع می کند، خداوند وضعیت را ارائه می کند که در زندگی بهشتی که قبلاً ایجاد شده و زندگی زمینی که او ایجاد خواهد کرد، حاکم است. بنابراین او با کلمه «ظلمت» هر چیزی را که مورد تأیید او نیست و در تقابل مطلق از «نور» نام می برد نام می برد. به پیوندی که این آیه بین کلمه «ظلمت» که همیشه به صورت جمع وجوه متعدد است و کلمه «پرتگاه» که زمین را فاقد شکل حیات می داند، برقرار می کند. خدا از این نماد برای تعیین دشمنان خود استفاده کرد: انقلابیون «بی خدا» و متفکران آزاد در مکاشفه 11: 7 و شورشیان کاتولیک پاپی در مکاشفه 17: 8. اما پروتستان های سرکش در سال 1843 به آنها پیوستند و به نوبه خود تحت که در سال 1995 توسط ادونتیسیم بی وفا به آنها پیوست؛ Rev.9:11 "سلطه شیطان،" فرشته پرتگاه

در تصویر ارائه شده در این آیه، می بینیم که «تاریکی» «روح خدا» را از «آبها» جدا می کند که به طور نمادین در دانیال و مکاشفه، توده های «مردم، ملت ها و زبان ها» را در زیر نمادها پیشگویی می کند. «دریا» در دان. 2:7-3 و مکاشفه 1:13، و در زیر «رودها» در مکاشفه 8:10، 9:14، 16:12، 17:1-15. این جدایی به زودی به "گناه" اصلی که حوا و آدم مرتکب خواهند شد نسبت

داده می شود. همانطور که در تصویر داده شده، خدا با دنیای تاریکی که به فرشتگان سرکشی که شیطان را در انتخاب او برای به چالش کشیدن قدرت خدا دنبال می کنند، می ماند.

پیدایش 1:3: « خدا گفت: بگذار نور باشد! و نور بود

خدا معیار « خوب » خود را بر اساس قضاوت خود و حاکمیتی خود تعیین می کند. این گزینه « خیر » به دلیل جنبه باشکوه آن که برای همه و همه قابل رویت است، به کلمه « نور » پیوند خورده است، زیرا خیر باعث ایجاد « شرم » نمی شود که انسان را برای انجام شرارت خود به پنهان شدن سوق دهد. این " شرم " را آدم پس از گناه بر اساس پیدایش 3 در مقایسه با پیدایش 2:25 احساس خواهد کرد.

« پیدایش 1:4: « خدا دید که نور خوب است. و خداوند نور را از تاریکی جدا کرد

این اولین حکمی است که خداوند بیان کرده است. او انتخاب خود را از خیر برانگیخته شده توسط کلمه " نور " و محکومیت خود را از شر تعیین شده توسط کلمه " تاریکی " آشکار می کند.

خداوند هدف آفرینش زمینی خود و نتیجه نهایی را که پروژه او به دست خواهد آورد به ما آشکار می کند: جدایی قطعی کسانی که « نور » او را دوست دارند از کسانی که « تاریکی » را ترجیح می دهند. « نور و تاریکی » دو انتخابی است که با اصل آزادی که خداوند می خواست به همه موجودات آسمانی و زمینی خود بدهد، امکان پذیر شد. این دو اردوگاه متضاد در نهایت دو رهبر دارند. عیسی مسیح برای « نور » و شیطان برای « ظلمت ». و این دو اردوگاه متضاد نیز مانند دو قطب زمین دو غایت مطلق متفاوت خواهند داشت: برگزیدگان تا ابد در پرتو خدا زندگی خواهند کرد طبق مکاشفه 21:23. و با بازگشت مسیح نابود می شوند، شورشیان به عنوان " غبار " روی زمین متروک که بار دیگر به " پرتگاه " پیدایش 1:2 تبدیل می شود، خاتمه خواهند یافت. بر اساس مکاشفه 20:15 که برای قضاوت زنده شده اند، در « دریاچه آتش » « مرگ دوم » به طور قطعی نابود خواهند شد.

پیدایش 1:5: « خدا نور را روز و تاریکی را شب نامید. پس عصر شد و صبح شد: آن روز « اول بود

این « روز اول » خلقت به جدایی قطعی دو اردوگاهی اختصاص دارد که توسط انتخاب های « نور و ظلمت » تشکیل شده اند که تا پیروزی نهایی عیسی مسیح و تجدید آفرینش زمینی با یکدیگر روبرو خواهند شد. بنابراین « روز اول » با مجوزی که خدا به شورشیان می دهد تا در طول « هفت هزار » سالی که در تمام هفته پیشگویی شده بود، « مشخص می شود ». بنابراین برای تبدیل شدن به نشانه یا " نشان " پرستش نادرست الهی که در طول شش هزار سال در میان مردمان بت پرست یا یهودی بی وفا، اما به ویژه در عصر مسیحیت، از زمان پذیرش " روز تسخیر نشدگان "، بسیار مناسب است. خورشید " به عنوان یک روز استراحت هفتگی که توسط قدرت امپراتوری کنستانتین اول تحمیل شد 7 مارس 321. اینگونه است که از این تاریخ، یکشنبه " مسیحی " کنونی به " نشان جانور " تبدیل شده است و به حمایت های مذهبی ادامه می دهد. بدیهی است که « آلفا » پیدایش چیزهای زیادی برای ارائه به بندگان وفادار عیسی مسیح در زمان « امگا » داشت. و تمام نشده است.

روز دوم

" پیدایش 1:6: « خدا گفت: بگذار بین آنها فضایی باشد و آنها را از آب جدا کند

در اینجا دوباره بحث جدایی است: « آب از آب ». این عمل جدایی مخلوقات خدا را که نماد آن " آب " است، پیشگویی می کند. این آب جدایی طبیعی زندگی بهستی از زندگی زمینی و در هر دو، جدایی « فرزندان خدا » از « فرزندان شیطان » را تأیید می کند، با این وجود دعوت شده است تا زمانی که داوری با مرگ عیسی مسیح مشخص شود، با هم زندگی کنند. فرشتگان شیطانی سرکش، و تا بازگشت در جلال عیسی مسیح برای زمینیان. این جدایی این واقعیت را توجیه می کند که انسان کمی پستتر از فرشتگان آسمانی آفریده می شود زیرا بعد آسمانی برای او غیر قابل دسترس خواهد بود. تاریخ زمین تا پایان آن تاریخ مرتب سازی طولانی خواهد بود. گناه بی نظمی را ایجاد کرد و خداوند این بی نظمی را از طریق مرتب سازی انتخابی سامان می دهد.

پیدایش 1:7: « و خدا وسعت را آفرید و آبهای زیر وسعت را از آبهای بالای وسعت جدا کرد .

« و همینطور هم شد

تصویر داده شده، زندگی زمینی پیشگویی شده توسط « آب های زیر » را از زندگی آسمانی که « بالای وسعت » است جدا می کند.

« پیدایش 1: 8: « خدا وسعت را بهشت نامید. پس شام شد و صبح شد: این روز دوم بود این آسمان لایه جوی را مشخص می کند که از دو گاز (هیدروژن و اکسیژن) که آب را تشکیل می دهند تشکیل شده و تمام سطح زمین را احاطه کرده است و به طور طبیعی برای انسان قابل دسترسی نیست. خداوند آن را به حضور یک زندگی آسمانی نامرئی مرتبط می کند، که این طور است زیرا خود شیطان نام « شاهزاده قدرت هوا » را در افس. راه این جهان، به گفته شاهزاده قدرت هوا، روحی که اکنون در پسران شورش عمل می کند. نگرشی که قبلاً در عالم آسمان داشت.

روز³

پیدایش 1: 9: « خدا گفت، آبهای زیر آسمان در یک مکان جمع شوند و خشکی نمایان شود. و « همینطور هم شد

تا این زمان، " آب ها " تمام زمین را پوشانده بودند، اما هنوز هیچ شکلی از جانوران دریایی را که در روز پنجم ایجاد می شود، در خود نداشتند. این دقت تمام اعتبار خود را به عمل سیل پیدایش 6 می دهد که می تواند شکل حیات دریایی حیوانات را بر روی زمین غوطه ور پخش کند. که پس از آن یافتن فسیل ها و پوسته های دریایی در آنجا را توجیه می کند.

« پیدایش 1: 10: « خدا خشکی را زمین و انبوه آبها را دریا نامید. خدا دید که خوب بود این جدایی جدید توسط خداوند " خوب " ارزیابی می شود زیرا فراتر از اقیانوس ها و قاره ها، او به این دو اصطلاح " دریا و خشکی " نقش دو نماد را می دهد که به ترتیب کلیسای مسیحی کاتولیک و کلیسای کاتولیک را مشخص می کنند. پروتستان مسیحی اولین را ترک کرد. تحت نام کلیسای اصلاح شده. جدایی آنها که بین سالهای 1170 و 1843 انجام شد، بنابراین توسط خدا " خوب " ارزیابی می شود. و تشویق او برای بندگان وفادارش در زمان اصلاحات در مکاشفه 2: 18 تا 29 آشکار شد. به همه افراد دیگر در تیاتیرا، که این آموزه را نمی پذیرند، و به اعماق شیطان، آنطور که آنها می گویند، نمی دانند، به شما می گویم: من بار دیگری بر دوش شما نمی گذارم. فقط آنچه را که داری نگه دار تا من بیایم. « بار دیگر، از طریق این گروه بندی مجدد، خداوند به بی نظمی ایجاد شده توسط ارواح سرکش فرشته ای و انسانی نظم می بخشد. بیایید به این آموزه دیگر توجه کنیم، " زمین " نام خود را به کل سیاره خواهد داد زیرا " خشک " آماده شده است تا محیط طبیعی زندگی انسانی باشد که این آفرینش توسط خدا برای او ساخته شده است. سطح دریا چهار برابر بزرگتر از سطح زمین خشک است، این سیاره می توانست نام " دریا " را که شایسته تر است، اما در پروژه الهی توجیه نمی کند، به خود بگیرد. کلمات این «قول»: «پرندگان با هم جمع می شوند و پرندگان پر با هم» در این گروه بندی ها دیده می شود. بنابراین، بین سالهای 1170 و 1843، پروتستان های مومن و صلح جو توسط عدالت مسیح نجات یافتند که به طور استثنایی بدون اطاعت از استراحت روز هفتم واقعی یعنی شنبه به آنها نسبت داده شد. و این نیاز به این زمین " را به نماد ایمان مسیحی دروغین از سال 1843 تبدیل می "، Dan.8:14 استراحت است که طبق کند. دلیل این داوری الهی در مکاشفه 10: 5 ظاهر می شود زیرا عیسی « پاهای خود را » بر روی « دریا و زمین » می گذارد تا آنها را با خشم خود در هم بشکند.

پیدایش 1: 11: « سپس خدا گفت: «زمین سبزه، علف دانه آور و درختان میوه ای که بر حسب نوع خود میوه می دهند و دانه های خود را در آنها بر روی زمین دارند، بیرون بیاورد. و همینطور هم شد. »

اولوبیتی که خداوند به خشکی داده است تأیید می شود: اولاً، قدرت « تولید » سبزی، علفزای دانه، درختان میوه ای که مطابق با نوع خود میوه می دهند را دریافت می کند. همه چیز ابتدا برای نیازهای انسان و در درجه دوم برای حیوانات زمینی و آسمانی که او را احاطه کرده اند تولید شده است. این تولیدات زمین توسط خداوند به عنوان تصاویر نمادین برای آشکار کردن درس های خود برای بندگان استفاده خواهد شد. انسان مانند «درخت» میوه می دهد، خوب یا بد.

پیدایش 1: 12: « زمین سبزه ای بیرون آورد، علف های دانه آور بر حسب نوع خود، و درختانی که میوه می دهند و دانه های خود را بر حسب نوع خود در خود دارند. خدا میدونه چقدر خوب بود

در این روز سوم، هیچ عیب و نقصی به کار آفریده خدا لطمه نمی زند، طبیعت کامل است، " خوب " تلقی می شود. در خلوص کامل جو و زمین، زمین تولیدات خود را چند برابر می کند. میوه ها برای موجوداتی در نظر گرفته شده است که روی زمین زندگی خواهند کرد: انسان ها و حیواناتی که به نوبه خود با توجه به شخصیت خود میوه می دهند.

« پیدایش 1:13: « پس شام شد و صبح شد: روز سوم بود

روز چهارم

پیدایش 1:14: « خدا گفت: بگذار نورهایی در فلک آسمان باشد تا روز را از شب جدا کند . «. بگذارید نشانه هایی برای نشان دادن زمان ها، روزها و سال ها باشند

جدایی جدید ظاهر می شود: " روز از شب " تا روز چهارم، نور روز توسط یک جرم آسمانی به دست نمی آمد. جدایی روز و شب قبلاً به شکل مجازی ایجاد شده توسط خداوند وجود داشته است. خداوند برای اینکه خلقت خود را مستقل از حضور او کند، در روز چهارم ستارگان آسمانی ایجاد می کند که به انسان اجازه می دهد تقویم هایی را بر اساس موقعیت این ستارگان در کیهان بین ستاره ای ایجاد کند. بنابراین علائم زودیاک ظاهر می شود، طالع بینی قبل از زمان خود، اما بدون فال فعلی که به آن متصل است، یعنی نجوم

پیدایش 1:15: « و آنها نورهایی در وسعت آسمان باشند تا بر زمین روشنایی دهند. و همینطور «. هم شد

زمین " باید با " روز " و همچنین " شب " روشن شود، اما " نور " " روز " باید از " شب " فراتر رود زیرا این تصویر نمادین خدای حقیقت، خالق همه چیز است. که زندگی می کند و جانشینی در ترتیب « روز شب » پیروزی نهایی او را در برابر همه دشمنانش که از برگزیدگان محبوب و مبارک او نیز هستند، پیشگویی می کند. این نقش که شامل " روشن کردن زمین " است، به این ستارگان معنای نمادین عمل مذهبی آموزش حقایق یا دروغ هایی که به نام خدای خالق ارائه می شود، می دهد

پیدایش 1:16: « خدا دو چراغ بزرگ را آفرید، نور بزرگ را برای حکومت بر روز، و نور «. کوچک را برای حکومت بر شب. او همچنین ستاره ها را ساخت

به این جزئیات دقت کنید: خداوند با یادآوری « خورشید » و « ماه »، « دو نور بزرگ »، خورشید را با تعبیر « بزرگترین » تعیین می کند، در حالی که کسوفها آن را ثابت می کنند، دو قرص خورشید و ماه بر ما ظاهر می شوند. زیر همان اندازه، یکی دیگر را به طور متقابل می پوشاند. اما خداوندی که آن را آفریده است پیش از انسان می داند که ظاهر کوچک آن به دلیل فاصله آن از زمین است، خورشید 400 برابر بزرگتر اما 400 برابر ماه دورتر است. او با این دقت، عنوان عالی خود یعنی خدای خالق را تأیید و تأیید می کند. علاوه بر این، در سطح معنوی، " عظمت " بی نظیر خود را در مقایسه با کوچکی ماه، نماد شب و تاریکی، آشکار می کند. کاربرد این نقش های نمادین مربوط به عیسی مسیح به نام « نور » در یوحنا 1: 9 خواهد بود: « این نور، نور حقیقی بود که با آمدن به جهان، هر انسانی را روشن می کند ». بیایید توجه داشته باشیم که اتحاد باستانی قوم یهود جسمانی که بر اساس تقویم قمری ساخته شده بود، تحت علامت یک دوره "تاریک" قرار گرفت. این تا آمدن اول و دوم مسیح. درست همانطور که جشن "عیدهای ماه نو"، زمانی که ماه ناپدید می شود نامرئی می شود، آمدن عصر خورشیدی مسیح را پیشگویی کرد، که مال. 4:2 آن را با "خورشید عدالت" مقایسه می کند: " اما برای شما که از نام من می ترسید، خورشید عدالت طلوع خواهد کرد و شفا در زیر بال های او خواهد بود. بیرون می روی و مثل گوساله از اصطبل می پری ...». پس از اتحاد قدیمی یهودیان، « ماه » به عنوان نماد ایمان مسیحی دروغین، از سال 321 و 538 متوالی کاتولیک، سپس از سال 1843 به پروتستان، و از سال 1994 به ادونتیست نهادی تبدیل شد

در این آیه به « ستارگان » نیز اشاره شده است. نور آنها ضعیف است اما آنقدر زیاد هستند که با این وجود آسمان شب های زمینی را روشن می کنند. بنابراین، " ستاره " به نماد پیام رسانان مذهبی تبدیل می شود که ایستاده می مانند یا مانند علامت "مهر ششم" مکاشفه 6:13 می افتند که در آن سقوط

ستارگان در 13 نوامبر 1833 برای برگزیدگان پیشگویی شد. سقوط گسترده پروتستانتیسم در سال 1843. این سقوط همچنین مربوط به پیام اوران مسیح بود، دریافت کنندگان پیام " ساردیس " که عیسی به آنها اعلام کرد: " شما را زنده می دانند و مرده اید ". این سقوط در مکاشفه 9:1 یادآوری می شود: « فرشته پنجم شیپور خود را نواخت. و ستاره ای را دیدیم که از آسمان به زمین افتاده بود. کلید گودال پرتگاه به او داده شد. « قبل از سقوط پروتستان ها، مکاشفه 8:10 و 11 آیین کاتولیک را که به طور قطعی توسط خدا محکوم شده بود، یادآوری می کند: « فرشته سوم شیپور را به صدا در آورد. و ستاره بزرگی از آسمان افتاد که مانند مشعل می سوزد. و بر یک سوم رودخانه ها و چشمه های آب افتاد. « آیه 11 نام آن را « افسنطین » گذاشته است: « نام این ستاره افسنطین است. و یک سوم آب به افسنطین تبدیل شد و بسیاری از مردم در کنار آب مردند، زیرا تلخ شده بودند. « این موضوع در مکاشفه 12:4 تأیید شده است: « دم او یک سوم ستارگان آسمان را کشید و به زمین پرتاب کرد. اژدها در برابر زنی که در شرف زایمان بود ایستاد تا فرزندش را پس از زایمان ببلعد. پیام رسان های مذهبی قربانی اعدام های انقلابیون فرانسوی در مکاشفه 8:12 خواهند شد: « فرشته چهارم شیپور را به صدا در آورد. و ثلث خورشید و ثلث ماه و ثلث ستارگان ضربه خورد، به طوری که یک سوم تاریک شد و روز یک سوم نور خود را از دست داد و شب نیز همینطور. هدف انقلابیون از اداندیشی که با تمام اشکال دین دشمنی دارند، همیشه جزئی (سوم)، « خورشید » و « ماه » هستند.

در پیدایش 15:5، « ستارگان » نماد « ذراتی » است که به ابراهیم وعده داده شده بود: « و چون او را بیرون آورد، گفت: به آسمان نگاه کن و ستارگان را بشمار، اگر بتوانی آنها را بشماری. و او به او گفت: این نسل تو خواهد بود. توجه! این پیام تعداد زیادی را نشان می دهد، اما چیزی در مورد کیفیت ایمان این انبوه نمی گوید که در آن خدا طبق متی 22:14، « بسیاری را فرا خوانده می شود، اما هستند: « Dan. 12:3 تعداد کمی را برگزیده » خواهد یافت. « ستاره ها » دوباره نماد برگزیدگان در کسانی که عاقل هستند مانند شکوه آسمان خواهند درخشید، و کسانی که عدالت را به بسیاری تعلیم می دهند مانند ستارگان تا ابدالابد خواهند درخشید.

" پیدایش 1:17: " خدا آنها را در وسعت آسمان قرار داد تا به زمین نور دهند

ما در اینجا به دلیل معنوی اصرار خداوند بر این نقش ستارگان را می بینیم: « روشن کردن زمین

پیدایش 1:18: « برای حکومت بر روز و شب، و جدا کردن نور از تاریکی. خدا دید که خوب بود. »

در اینجا خداوند نقش نمادین معنوی این ستارگان را با پیوند « روز و روشنایی » از یک سو و « شب و تاریکی » از سوی دیگر تأیید می کند.

« پیدایش 1:19: « پس شام شد و صبح شد: روز چهارم بود

زمین اکنون می تواند از نور و گرمای خورشیدی برای اطمینان از باروری و تولید غذاهای گیاهی بهره مند شود. اما نقش خورشید تنها پس از گناهی که حوا و آدم مرتکب خواهند شد مهم می شود. زندگی تا این لحظه غم انگیز بر نیروی معجزه آسای قدرت خلاق خداوند استوار است. زندگی زمینی توسط خداوند برای این زمان سازماندهی شده است که گناه با تمام لعنتش زمین را خواهد زد

روز پنجم

پیدایش 1:20: " خدا گفت: بگذار آنها موجودات زنده را به وفور بیرون آورند و پرندگان بر روی زمین تا وسعت آسمان پرواز کنند

در این روز پنجم، خداوند به « آبها » این قدرت را می دهد که « حیوانات زنده به وفور تولید کنند « آنقدر زیاد و متنوع که علم مدرن در فهرست کردن همه آنها مشکل دارد. در ته پرتگاه در تاریکی مطلق، شکل زندگی ناشناخته ای از حیوانات فلورسنت کوچک را کشف می کنیم که چشمک می زنند، چشمک می زنند و شدت نور و حتی رنگ را تغییر می دهند. به همین ترتیب، وسعت آسمان انیمیشن پرواز « پرندگان » را دریافت خواهد کرد. در اینجا نماد " بال " ظاهر می شود که به حیوانات جسمانی بالدار اجازه می دهد در هوا حرکت کنند. این نماد به ارواح آسمانی متصل خواهد شد که به آن نیازی ندارند زیرا مشمول قوانین فیزیکی زمینی و آسمانی نیستند. و در گونه های بالدار زمین، خداوند تصویر

«عقاب» را به خود نسبت می‌دهد که بالاترین ارتفاع را در میان همه گونه‌های پرنده‌ها و حیوانات پرنده و ناپلئون اول^۳ Dan.7:4 دارد. «عقاب» همچنین نماد امپراتوری می‌شود، پادشاه نبوکدنصر در مکاشفه 8:13: «نگاه کردم، شنیدم که عقابی از آسمان در وسط پرواز می‌کرد و می‌گفت. با صدای بلند: وای، وای، وای بر ساکنان زمین، به دلیل صدای دیگر شیپورهای سه فرشته که در شرف شنیدن هستند!» ظهور این رژیم شاهنشاهی سه «بدبختی» بزرگ را پیش‌بینی می‌کرد که در نماد سه «شیپور Dan.8:14» آخر آیه بر سر ساکنان کشورهای غربی خواهد آمد. 9 و 11، از 1843، زمانی که فرمان اجرایی شد.

به غیر از «عقاب»، «پرنده‌ها آسمان» دیگر نماد فرشتگان آسمانی، خوب و بد خواهند بود. پیدایش 1:21: «خدا ماهی‌های بزرگ و هر موجود زنده‌ای را آفرید که آب‌ها برحسب نوع خود». به وفور تولید کردند. او همچنین هر پرنده بالدار را بر حسب نوع خود آفرید. خدا دید که خوب بود

خداوند زندگی دریایی را برای شرایط گناه آماده می‌کند، زمانی که «بزرگترین ماهی» کوچکترین را غذای خود می‌کند، این سرنوشت برنامه ریزی شده و سودمندی فراوانی آنها در هر گونه است. «پرنده‌ها بالدار» از این اصل فرار نخواهند کرد زیرا آنها نیز یکدیگر را برای غذا خواهند کشت. اما قبل از گناه، هیچ حیوان دریایی یا پرنده‌ای به دیگری آسیب نمی‌رساند، زندگی به همه آنها جان می‌بخشد و با هم در هماهنگی کامل زندگی می‌کنند. به همین دلیل است که خداوند وضعیت را «خوب» قضاوت می‌کند. «حیوانات» و «پرنده‌ها» دریایی پس از گناه نقش نمادینی خواهند داشت. سپس نبردهای فانی بین گونه‌ها به دریا معنای «مرگ» را می‌دهد که خداوند در مراسم وضو گرفتن کشیشان عبری به آن می‌دهد. خمره‌ای که برای این منظور استفاده می‌شود، به یاد عبور از «دریای سرخ»، «دریا» نامیده می‌شود، که هر دو پیشگویی از تعمید مسیحی است. بنابراین، با دادن نام «جانوری که از دریا برمی‌خیزد» در مکاشفه 13:1، خدا دین کاتولیک رومی و سلطنتی را که از آن حمایت می‌کند با جمعی از «مردگان» که همسایگان خود را مانند ماهی می‌کشند و می‌بلعند شناسایی می‌کند. از «دریا» به همین ترتیب، عقاب‌ها، شاهین‌ها و شاهین‌ها، کبوترها و کبوترها را به خاطر گناه حوا و آدم و بسیاری دیگر از نسل انسان هایشان تا بازگشت در جلال مسیح خواهند بلعید.

پیدایش 1:22: «خدا آنها را برکت داد و گفت: بارور شوید و زیاد شوید و آب دریاها را پر کنید. و پرنده‌ها در زمین زیاد شوند

برکت خداوند با تکثیر حیوانات و پرنده‌ها دریایی و همچنین به زودی انسان‌ها تحقق می‌یابد. کلیسای مسیح نیز فراخوانده شده است تا تعداد پیروان خود را چند برابر کند، اما در آنجا، برکت خدا کافی نیست، زیرا خدا می‌خواند، اما او کسی را مجبور نمی‌کند که به پیشنهاد نجات او پاسخ دهد.

«پیدایش 1:23: «پس شام شد و صبح شد: روز پنجم بود».

توجه داشته باشید که حیات دریایی در روز پنجم ایجاد می‌شود، بنابراین از خلقت حیات زمینی جدا می‌شود، زیرا نماد معنوی آن است که مربوط به اولین شکل مسیحیت نفرین شده و مرتد است. آنچه که مذهب کاتولیک رم از 7 مارس 321، تاریخ پذیرش روز استراحت بت پرستی دروغین، اولین روز و «روز خورشید»، که متعاقباً به یکشنبه، روز خداوند تغییر نام داد، نشان خواهد داد. این توضیح با ظهور کاتولیک رومی در طول هزاره پنجم و پروتستانتیسم که در هزاره ششم ظهور کرد تأیید می‌شود.

روز ششم

پیدایش 1:24: «خدا گفت، بگذار زمین حیوانات زنده برحسب جنسشان، چهارپایان، خزندگان، و حیوانات زمین بر حسب جنسشان تولید کند. و همینطور هم شد».

روز ششم با ایجاد حیات زمینی مشخص می‌شود که به نوبه خود پس از دریا، حیوانات زنده تولید می‌کند. بر حسب نوعشان، گاوها، خزندگان، و حیوانات خشکی، بر حسب نوعشان. «خداوند روند تولید مثل همه این موجودات زنده را به حرکت در می‌آورد. آنها در سطح زمین پخش خواهند شد».

پیدایش 1:25: «خدا جانوران زمین را برحسب جنسشان، چهارپایان را برحسب جنسشان، و هر خزنده روی زمین را برحسب جنسشان آفرید. خدا دید که خوب بود».

این آیه عملی را که در آیه قبل سفارش شده است تأیید می‌کند. اجازه دهید این بار توجه داشته باشیم که خدا خالق و مدیر این حیات حیوانی زمینی است که روی زمین تولید شده است. مانند حیوانات

دریایی، حیوانات خشکی تا زمان گناه انسان در هماهنگی زندگی خواهند کرد. خداوند این آفرینش حیوانی را «خبر» می‌یابد که در آن نقش‌های نمادین خلق می‌شود و پس از اقامه گناه از آن در پیام‌های نبوی خود استفاده می‌کند. در میان خزندگان، "مار" نقش اصلی را به عنوان یک وسیله تحریک کننده گناه توسط شیطان بازی می‌کند. پس از گناه، حیوانات زمین، گونه‌های دیگری را در برابر گونه‌ها نابود می‌کنند. و این پرخاشگری، در مکاشفه 13:11، نام "جانوری که از زمین برمی‌خیزد" را توجیه می‌کند که دین پروتستان را در آخرین وضعیت خود مورد لعن خدا قرار می‌دهد در زمینه آزمون نهایی ایمان ادونتیست که با بازگشت واقعی توجیه می‌شود. عیسی مسیح برای بهار 2030 برنامه ریزی شده است. با این حال، توجه داشته باشید که پروتستانتیسم حامل این نفرین است که از سال 1843 توسط بسیاری از مردم نادیده گرفته شده است.

پیدایش 1:26: «سپس خدا گفت: «انسان را به صورت خود و به شباهت خود بسازیم و بر ماهیان دریا، و پرندگان آسمان، و بر چهارپایان و بر گاوها تسلط داشته باشد. تمام زمین و همه خزنده‌هایی که روی زمین می‌خزند».

با گفتن «بگذاریم انجام دهیم»، جهان فرشتگان وفادار را که شاهد عمل اوست، با کار خلاق خود شریک می‌سازد و او را با شور و شوق احاطه می‌کند. تحت موضوع جدایی، در اینجا توجه کنید، گروه بندی شده در روز ششم، آفرینش حیوانات زمینی و انسان که در این آیه 26 ذکر شده است، شماره نام $Wav = 6 +$ ، $Hé = 5 +$ ، خدا، عددی که با جمع چهار حرف عبری «یود» به دست می‌آید. $10 = Hé = 5 = 26$ ؛ حروفی که نام او را تشکیل می‌دهند به صورت «YaHWéH»؛ انتخاب بیش از هر چیز موجه تر است، زیرا آدم، «به صورت خدا ساخته شده»، «انسان» او را به صورت نمادین در خلقت زمینی به عنوان تصویری از مسیح نشان می‌دهد. خداوند به او جنبه جسمی و روحی می‌دهد، یعنی توانایی قضاوت بین خیر و شر که او را مسئول می‌کند. «انسان» که در همان روزی که حیوانات خلق می‌شوند، «مثل» خود را انتخاب خواهند کرد: خدا یا حیوان، «جانور». با این حال، حوا و آدم با اجازه دادن به اغوا شدن توسط "حیوان"، "مار" است که ارتباط خود را با خدا قطع می‌کنند و "شبیبه" خود را از دست می‌دهند. خداوند با تسلط انسان بر «خزندگانی که روی زمین می‌خزند»، انسان را به تسلط بر «مار» دعوت می‌کند و بنابراین اجازه نمی‌دهد که تحت تعلیم مار قرار گیرد. متأسفانه برای بشریت، حوا هنگامی که اغوا شود و به گناه نافرمانی متهم شود، منزوی و از آدم جدا خواهد شد.

خداوند تمام آفریده های زمینی خود را با زندگی هایی که در دریاها، زمین و آسمان در آن وجود دارد و ایجاد می‌کند به انسان می‌سپارد.

پیدایش 1:27: "خدا انسان را به صورت خود آفرید، به صورت خدا او را آفرید، نر و ماده را." آفرید.

روز ششم نیز مانند روزهای دیگر، 24 ساعت طول می‌کشد و به نظر می‌رسد که آفرینش های این آفرینش انسان را با Gen.2، زن و مرد در اینجا با هدف آموزشی جمع بندی شده است. در واقع آشکار ساختن بسیاری از اعمال که احتمالاً در طی چند روز انجام شده اند، آغاز می‌کند. بنابراین داستان این فصل 1 شخصیتی هنجاری به خود می‌گیرد که ارزش های نمادینی را که خدا می‌خواست به شش روز اول هفته بدهد، آشکار می‌کند.

این هفته ارزش نمادین بیشتری دارد زیرا پروژه نجات خدا را به تصویر می‌کشد. «مرد» نماد و نبوت مسیح و «زن»، «کلیسای برگزیده» است که از او برخاسته خواهد شد. علاوه بر این، قبل از گناه، زمان واقعی اهمیتی ندارد، زیرا در حالت کمال، زمان شمارش نمی‌شود و شمارش معکوس "6000 سال" در اولین بهار آغاز می‌شود که با اولین گناه انسان مشخص شده است. با نظم کامل، شب های 12 ساعته و روزهای 12 ساعته به طور مداوم یکی را دنبال می‌کنند. خداوند در این آیه بر تشبیهِ انسان آفریده شده مطابق تصویر خود تأکید می‌کند. آدم ضعیف نیست، او پر قدرت است و قادر به مقاومت در برابر وسوسه های شیطان است.

پیدایش 1:28: «و خدا آنها را برکت داد و خدا به آنها گفت: «بارور شوید و زیاد شوید و زمین را پر کنید و آن را مسلط کنید. و بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر موجود زنده‌ای که بر روی زمین حرکت می‌کند تسلط داشته باشید».

پیام خداوند خطاب به تمام بشریت است که آدم و حوا الگوهای اصلی آن هستند. مانند حیوانات، آنها نیز به نوبه خود مورد برکت قرار می گیرند و تشویق به تولید مثل می شوند تا انسان ها را تکثیر کنند. انسان بر موجودات حیوانی از خداوند تسلط پیدا می کند، یعنی از روی احساسات و ضعف عاطفی نباید اجازه دهد که تحت سلطه آنها باشد. او نباید به آنها آسیب برساند بلکه باید در هماهنگی با آنها زندگی کند. این، در زمینه ای که مقدم بر نفرین گناه است.

پیدایش 1:29: « و خدا گفت: «اینک، من هر گیاهی را که بذر می آورد، که بر روی تمام زمین است، و هر درختی را که در آن میوه دارد و دانه می دهد، به شما می دهم. این غذای شما خواهد بود

خداوند در آفرینش نباتی خود، با ضرب تعداد دانه های هر گونه گیاه، درختان میوه، غلات، سبزی ها و سبزی ها، همه خوبی ها و سخاوت خود را آشکار می کند. خداوند الگوی تغذیه کامل را به انسان ارائه می دهد که باعث سلامت جسمی و روانی مطلوب برای کل ارگانیسم و روح انسان می شود، حتی امروز مانند زمان آدم. این موضوع از سال 1843 توسط خداوند به عنوان یک نیاز برگزیدگانش مطرح شده است و در آخرین روزهای ما که غذا قربانی مواد شیمیایی، کودها، آفتکش ها و سایر مواردی می شود که زندگی را به جای ترویج آن نابود می کند، اهمیت بیشتری پیدا می کند.

پیدایش 1:30: « به هر جانور زمین، و هر پرندۀ آسمان، و به هر چیزی که روی زمین حرکت می کند و در آن نفس حیات دارد، هر گیاه سبز را برای غذا می دهم. و همینطور هم شد

این آیه کلیدی را ارائه می کند که امکان این زندگی هماهنگ را توجیه می کند. همه موجودات زنده گیاهخوار هستند، بنابراین دلیلی برای آسیب رساندن به خود ندارند. پس از گناه، حیوانات اغلب برای غذا به یکدیگر حمله می کنند، سپس مرگ به هر طریقی به همه آنها ضربه می زند.

پیدایش 1:31: « خدا همه آنچه ساخته بود دید و اینک بسیار خوب بود. پس عصر شد و صبح شد: روز ششم بود

در پایان روز ششم، خداوند از خلقت خود راضی است که با حضور انسان در زمین، این بار « خلی خوب » قضاوت می شود، در حالی که در پایان روز پنجم « خوب » بوده است.

قصد خدا برای جدا کردن 6 روز اول هفته از هفتم با گروه بندی آنها در این فصل 1 پیدایش نشان داده شده است. به این ترتیب او ساختار چهارمین فرمان شریعت الهی خود را آماده می کند که در زمان آنها به عبرانیان رهایی یافته از بردگی مصر ارائه خواهد کرد. از زمان حضرت آدم، بشر هر هفته 6 روز در هفته فرصت داشته تا به کارهای زمینی خود بپردازد. برای آدم، همه چیز به خوبی آغاز شد، اما پس از آفریده شدن از او، زن، « یار » خدادادی او، گناه را در آفرینش زمینی به عنوان نسل 3 آشکار خواهد کرد. آدم به خاطر عشق به همسرش به نوبه خود میوه ممنوعه را می خورد و تمام زوج خود را تحت تأثیر نفرین گناه قرار می دهند. در این عمل، آدم مسیح را پیشگویی می کند که می آید تا تقصیر کلیسای منتخب محبوب خود را به جای او شریک کند و بپردازد. مرگ او بر روی صلیب، در پای کوه گلگوتا، کفاره گناه مرتکب و غلبه بر گناه و مرگ خواهد بود، عیسی مسیح این حق را به دست خواهد آورد که برگزیدگان خود را از عدالت کامل خود بهره مند سازد. بنابراین او می تواند زندگی ابدی از دست رفته از زمان آدم و حوا را به آنها تقدیم کند. برگزیدگان در آغاز هزاره هفتم با هم وارد این زندگی ابدی خواهند شد. در آن زمان است که نقش نبوی سبت برآورده خواهد شد. بنابراین می توانید بفهمید که چرا این موضوع استراحت در روز هفتم در فصل 2 پیدایش ارائه شده است، جدا از 6 روز اول که در فصل 1 با هم گروه بندی شده اند.

پیدایش 2

روز هفتم

« پیدایش 2:1: « آسمان ها و زمین و تمامی لشکرشان این گونه به پایان رسید

شش روز اول از « هفتم » جدا می شود، زیرا کار خلاق خدا در زمین و آسمان به پایان می رسد. این درست بود، برای پی ریزی پایه های زندگی آفریده شده در هفته اول، اما حتی بیشتر از آن، برای 7000 سالی که آن نیز پیشگویی کرده بود. شش روز اول اعلام می کند که خداوند 6000 سال در مصیبت با اردوگاه شیطان و اقدامات ویرانگر او کار خواهد کرد. کار او این است که برگزیدگانش را به

سوی خود جذب کند تا آنها را از میان همه انسان ها انتخاب کند. او دلایل مختلفی از عشق خود به آنها خواهد داد و کسانی را که او را در همه جنبه ها و زمینه ها دوست دارند و تأیید می کنند حفظ خواهد کرد. زیرا کسانی که این کار را انجام ندهند به اردوی نفرین شده شیطان خواهند پیوست. « ارتش » ذکر شده، نیروهای زنده دو اردوگاه را مشخص می کند که در « زمین » و « آسمان » که « ستارگان آسمان » نماد آنها هستند، با یکدیگر مخالفت کرده و با یکدیگر می جنگند. و این مبارزه برای انتخاب 6000 سال طول خواهد کشید.

پیدایش 2:2: « خداوند در روز هفتم کار خود را که انجام داده بود به پایان رساند و در روز هفتم از تمام کارهایی که انجام داده بود استراحت کرد

در پایان اولین هفته تاریخ زمینی، استراحت خدا اولین درس را می آموزد: آدم و حوا هنوز گناه نکرده اند. که امکان تجربه آرامش واقعی را برای خدا توضیح می دهد. بنابراین استراحت خدا مشروط به عدم وجود گناه در مخلوقات اوست.

درس دوم ظریف تر است و در جنبه نبوی این « روز هفتم » نهفته است که تصویری از هزاره « هفتم » پروژه بزرگ نجات است که توسط خداوند برنامه ریزی شده است.

ورود به هزاره « هفتم » که « هزار سال » در مکاشفه 4:20-6-7 نامیده می شود، نشان دهنده تکمیل انتخاب برگزیدگان خواهد بود. و برای خدا و برگزیدگانش که زنده یا زنده شدند، اما همه جلال یافتند، بقیه به دست آمده نتیجه پیروزی خدا در عیسی مسیح بر همه دشمنان او خواهد بود. در متن عبری، فعل " استراحت " " اشوات " از همان ریشه کلمه " سبت " است.

پیدایش 2:3: « خدا روز هفتم را برکت داد و آن را تقدیس کرد، زیرا در آن روز از تمام کارهایی که در انجام آن آفریده بود آرام گرفت

کلمه سبت ذکر نشده است، اما تصویر آن قبلاً در تقدیس « روز هفتم » یافت شده است. پس علت این تقدیس را به خوبی درک کنید. او لحظه ای را پیشگویی می کند که قربانی او در عیسی مسیح پاداش نهایی خود را دریافت می کند: شادی از محاصره شدن توسط همه برگزیدگانش که در زمان خود به وفاداری خود در شهادت، رنج، محرومیت، اغلب تا "تا مرگ" شهادت دادند. و در آغاز هزاره « هفتم »، همه آنها زنده خواهند بود و دیگر لازم نیست از مرگ بترسند. برای خدا و اردوگاه وفادارش، آیا می توان علت « استراحت » بزرگتر از این را تصور کرد؟ خدا دیگر نمی بیند که کسانی که او را دوست دارند رنج بکشند، او دیگر مجبور نیست در رنج آنها شریک شود، این " استراحت " است که او هر روز هفتم سبت " هفته های همیشگی ما را جشن می گیرد. این ثمره پیروزی نهایی او با پیروزی عیسی مسیح بر گناه و مرگ حاصل خواهد شد. او در خود، بر روی زمین و در میان دیگر انسانها، کاری را انجام داد که به سختی قابل باور بود: او مرگ را بر عهده گرفت تا قوم برگزیده خود را بیافریند و سبت از آدم به بشریت اعلام کرد که بر گناه غلبه خواهد کرد تا عدالت و زندگی جاودانی خود را به آنها تقدیم کند. که او را دوست دارند و صادقانه به او خدمت می کنند. چیزی که مکاشفه 6:2 اعلام می کند و تأیید می کند: « نگاه کردم و اینک اسبی سفید ظاهر شد. آن که سوار آن شد، کمان داشت؛ تاجی به او داده شد و پیروز و پیروز به راه افتاد

ورود به هزاره هفتم نشانه ورود برگزیدگان به ابدیت خداوند است، به همین دلیل است که در این داستان الهی، روز هفتم با تعبیر «عصر بود، صبح بود، صبح بود، روز هفتم» بسته نمی شود. ... روز " مسیح در آخر الزمان خود که به یوحنا داده شد، این هزاره هفتم را تداعی خواهد کرد و آشکار خواهد کرد که طبق مکاشفه 2:20-4، مانند شش سال اول که قبل از آن بود، از « هزار سال » نیز تشکیل خواهد شد. این زمان داوری آسمانی خواهد بود که طی آن برگزیدگان باید مردگان اردوگاه نفرین شده را قضاوت کنند. بنابراین خاطره گناه در این « هزار سال » آخر سبت بزرگ که هر آخر هفته پیشگویی می شود، حفظ خواهد شد. تنها آخرین داوری زمانی که در پایان هزاره هفتم، تمام افتادگان در «دریاچه آتش مرگ دوم» نابود شوند، به فکر گناه پایان خواهد داد.

خداوند در مورد خلقت زمینی خود توضیحاتی می دهد

هشدار: افراد گمراه با ارائه این قسمت از پیدایش 2 به عنوان شهادت دوم که با داستان پیدایش 1 در تضاد است، شک می کنند. این افراد روش روایی مورد استفاده خداوند را درک نکرده اند. او در

پیدایش 1، تمام شش روز اول خلقت خود را ارائه می دهد. سپس، از پیدایش 2:4، برای ارائه جزئیات بیشتر در مورد موضوعات خاصی که در پیدایش 1 توضیح داده نشده است، باز می گردد.

" پیدایش 2: 4: " اینها مبدأ آسمانها و زمین است، هنگام خلقت

این توضیحات اضافی کاملاً ضروری هستند زیرا موضوع گناه باید توضیحات خاص خود را دریافت کند. و همانطور که دیدیم، این مضمون گناه به اشکالی که خداوند به دستاوردهای زمینی و آسمانی خود داده است، همه جا وجود دارد. ساخت هفته هفت روزه خود دارای اسرار بسیاری است که تنها زمان برای برگزیدگان مسیح آشکار خواهد کرد.

پیدایش 2:5: « وقتی یهوه خدا زمین و آسمانها را آفرید، هنوز نه درختچه ای از صحرا روی زمین بود و نه علف صحرا هنوز جوانه زده بود، زیرا که یهوه خدا بر زمین باران نفرستاده بود، و مردی نبود که زمین را زراعت کند .

توجه کنید که بر اساس خروج 3: 14-15، خداوند به درخواست « YHWEH » به ظاهر نام موسی نام خود را با آن نامگذاری کرد. موسی این مکاشفه را به فرمان خدا می نویسد که او را « یهوه » می نامد. وحی الهی در اینجا مرجع تاریخی خود را از خروج از مصر و ایجاد قوم اسرائیل می گیرد.

در پس این جزئیات ظاهراً بسیار منطقی، ایده های پیشگویی شده نهفته است. خداوند رشد حیات گیاهی را برانگیخته می کند، « بوته ها و سبزی های مزارع » که به آن « باران » و حضور « مردی » می افزاید که « خاک را زراعت خواهد کرد ». در سال 1656، پس از گناه آدم، در پیدایش 7:11، " باران " " سیل " زندگی گیاهی، " بوته ها و گیاهان مزرعه " و همچنین " انسان " و " محصولات " او را به دلیل تشدید گناه

پیدایش ۲:۶: « اما بخاری از زمین برخاست و تمام سطح زمین را سیراب کرد

خداوند قبل از اینکه هر چیزی را نابود کند، قبل از گناه، « زمین را در تمام سطح آن از بخار سیراب می کند ». عمل ملایم و مؤثر و مناسب زندگی بی گناه و باشکوه و کاملاً پاک است. بهشت پس از گناه، طوفان های ویرانگر و باران های سیل آسا را به نشانه نفرین خود می فرستد.

شکل گیری انسان

پیدایش 2:7: « یهوه خدا انسان را از خاک زمین آفرید و در بینی او نفس حیات دمید و انسان « موجودی زنده شد

آفرینش انسان بر اساس جدایی جدید است : جدایی از " غبار زمین " که بخشی از آن گرفته شده تا زندگی ای را شکل دهد که در تصویر خدا ساخته شده است. در این عمل، خداوند نقشه خود را برای به دست آوردن و در نهایت انتخاب افراد منتخب زمینی که آنها را جاودانه خواهد کرد، آشکار می کند.

وقتی خداوند او را می آفریند، انسان مورد توجه خاص خالقش قرار می گیرد. توجه داشته باشید که او او را از « غبار زمین » تشکیل می دهد و این مبدأ مجرد گناه، مرگ و بازگشت او به حالت « غبار » را پیشگویی می کند. این عمل الهی قابل مقایسه با « سفالگر » است که « ظروف گلی » را شکل می دهد. تصویری که خدا در ارم. 18:6 و روم. 9:21 ادعا خواهد کرد. به علاوه حیات « انسان » به « نفس » او بستگی دارد که خداوند در « نفخ » او می دمدم. بنابراین این در واقع " نفس " ریوی است و نه نفس روحی که بسیاری به آن فکر می کنند. همه این جزئیات آشکار می شوند تا به ما یادآوری کنند که زندگی انسان چقدر شکننده است و طولانی شدن آن به خدا وابسته است. این ثمره یک معجزه دائمی است زیرا زندگی فقط در خدا و تنها در او یافت می شود. به اراده الهی او بود که « انسان شد یک موجود زنده ». اگر عمر انسان خوب یا بد طولانی شود، تنها به این دلیل است که خداوند اجازه می دهد. و وقتی مرگ او را فرا می گیرد، باز هم این تصمیم اوست که زیر سوال می رود.

قبل از گناه، آدم کامل و بی گناه آفریده شد، دارای حیاتی قدرتمند بود، و وارد زندگی ابدی شد، در احاطه اشیاء ابدی. فقط شکل خلقت او سرنوشت وحشتناک او را پیشگویی می کند.

پیدایش 2: 8: « سپس یهوه خدا باغی را در عدن در سمت شرق کاشت و مردی را که خود « ساخته بود در آنجا قرار داد

باغ تصویر مکانی ایده آل برای انسان است که تمام عناصر غذایی و بصری دلربای خود را در آنجا جمع کرده است. گل‌های باشکوهی که پژمرده نمی شوند و هرگز عطرهای خوش خود را از دست نمی دهند تا بی نهایت زیاد می شوند. این غذایی که در باغ عرضه می شود، زندگی انسان را که قبل از گناه وابسته به غذا نباشد، نمی سازد. بنابراین غذا توسط انسان صرفاً برای لذت خود مصرف می شود.

دقت " خداوند باغی کاشت " نشان دهنده عشق او به مخلوقش است. او باغبان می شود تا به انسان این مکان شگفت انگیز را برای زندگی ارائه دهد.

کلمه عدن به معنای "باغ لذت" است و با در نظر گرفتن اسرائیل به عنوان نقطه مرکزی مرجع، خداوند این عدن را در شرق اسرائیل قرار می دهد. انسان برای «لذت هایش» توسط خداوند خالقش در این باغ لذت قرار می گیرد.

پیدایش 2:9: « یهوه خداوند درختان را از هر نوع که از زمین می رویند، دلبذیر و برای غذا «خوب، و درخت حیات در میان باغ و درخت معرفت نیک و بد آفرید

ویژگی یک باغ وجود درختان میوه ای است که "آماده خوردن" را ارائه می دهند که میوه های آنها را با طعم های نرم و شیرین متعدد تشکیل می دهد. همه آنها فقط برای لذت آدم آنجا هستند، هنوز تنها

در باغ نیز دو درخت با شخصیت های کاملاً متضاد وجود دارد: " درخت زندگی " که مکان مرکزی را اشغال می کند، " در وسط باغ ". به این ترتیب باغ و پیشکش مجل آن به طور کامل به آن متصل می شود. در نزدیکی او "درخت علم خیر و شر" است. در حال حاضر، در نامگذاری خود، کلمه " شر " دسترسی به گناه را پیشگویی می کند. آنگاه می توانیم بفهمیم که این دو درخت، تصاویر دو اردوگاهی هستند که روی زمین گناه با یکدیگر روبرو خواهند شد: اردوگاه عیسی مسیح که توسط « درخت زندگی » تصویر شده است در برابر اردوگاه شیطان که مانند نامش. از «درخت » از زمان خلقتش تا روزی که « شر » آن را به طغیان بر خالقش واداشت، نشان می دهد، یا پی در پی « خیر » را شناخته یا تجربه کرده است. چیزی که خداوند آن را "گناه به او" می نامد. به شما یادآوری می کنم که این اصول «خیر و شر» دو انتخاب یا دو ثمره شدید متضاد احتمالی هستند که آزادی کامل یک « موجود زنده » ایجاد می کند. اگر فرشته اول این کار را نمی کرد، فرشتگان دیگر همچنان به طغیان می رفتند، همانطور که تجربه زمینی رفتار انسان اکنون قبلاً ثابت کرده است.

در تمام هدایای سخاوتمندانه باغی که خداوند برای آدم آماده کرده، این درخت « علم خیر و شر » است که برای آزمایش وفاداری انسان در آنجاست. این اصطلاح « علم » را باید به خوبی درک کرد، زیرا برای خداوند فعل « دانستن » معنایی افراطی از تجربه « خیر یا شر » به خود می گیرد که مبتنی بر اعمال اطاعت یا نافرمانی خواهد بود. درخت در باغ تنها تکیه گاه مادی امتحان طاعت است و میوه اش فقط بدی را منتقل می کند زیرا خداوند با حرام جلوه دادن آن این نقش را به او داده است. گناه در میوه نیست بلکه در خوردن آن است که بدانیم خداوند آن را حرام کرده است.

پیدایش 2:10: « رودی از عدن بیرون آمد تا باغ را آبیاری کند و از آنجا به چهار شاخه تقسیم شد. »

پیام جدیدی از جدایی ارائه می شود، درست همانطور که رودخانه ای که از عدن بیرون می آید به " چهار بازو " تقسیم می شود، این تصویر تولد بشریت را پیشگویی می کند که نسل آن به طور جهانی یا به چهار نقطه اصلی یا چهار باد از آسمان در سراسر جهان گسترش می یابد. زمین. رودخانه نماد یک قوم است، آب نماد زندگی انسان است. با این تقسیم « به چهار بازو »، رودی که از عدن بیرون می آید، آب حیات خود را بر سرتاسر زمین پخش می کند و این ایده تمایل خدا را برای گسترش دانش خود در تمام سطح آن پیش بینی می کند. پروژه او بر اساس ژنرال 10 با جدایی نوح و سه پسرش پس از پایان طوفان آب انجام خواهد شد. این شاهدان سیل خاطره عذاب وحشتناک الهی را نسل به نسل منتقل خواهند کرد.

ما ظاهر بصری زمین را قبل از طوفان نمی دانیم، اما قبل از جدایی مردمان، زمین مسکونی باید به صورت یک قاره ظاهر می شد که فقط از این منبع آبی که از باغ عدن فوران می کرد سیراب می شد. دریاها داخلی فعلی وجود نداشتند و نتیجه سیل است که یک سال تمام زمین را فرا گرفت. تا قبل از وقوع سیل، تمام قاره توسط این چهار رودخانه آبیاری می شد و شاخه های آن آب شیرین را در تمام سطح زمین خشک پخش می کردند. در طول سیل، تنگه جبل الطارق و دریای سرخ فروریخت و شکل گیری دریای مدیترانه و دریای سرخ را آماده کرد که توسط آب شور اقیانوس ها تهاجم کرد. بدانید که در زمین جدید که در آن خدا پادشاهی خود را برقرار خواهد کرد، طبق مکاشفه 21:1 دریایی وجود نخواهد داشت، همانطور که دیگر مرگی وجود نخواهد داشت. تفرقه پیامد گناه است و شدیدترین شکل آن را آبهای ویرانگر سیل عذاب می دهد. با خواندن این پیام، تنها در جنبه نبوی آن، « چهار بازوی » رودخانه، چهار قوم را مشخص می کند که مشخصه بشریت هستند.

پیدایش 2:11: « نام اول پیشون است. آن چیزی است که سراسر کشور حویله را احاطه کرده است، جایی که طلا در آن یافت می شود ».

نام اولین رودخانه به نام پیشون یا فیسون به معنی: فراوانی آب است. منطقه ای که عدن کاشته شده توسط خدا در آن قرار داشت باید جایی بوده باشد که دجله و فرات کنونی از آنجا سرچشمه می گیرند. از فرات تا کوه آرارات و از دجله تا توروس. در شرق و در وسط ترکیه هنوز دریاچه عظیم وان وجود دارد که ذخیره عظیمی از آب شیرین را تشکیل می دهد. آب فراوان به برکت الهی خود باعث حاصلخیزی بی نهایت باغ خدا شد. کشور هاویلا که به طلالی خود معروف است، به گفته برخی در شمال شرقی ترکیه امروزی قرار داشت. تا سواحل گرجستان کنونی گسترش یافت. اما این تفسیر مشکلی ایجاد خود " پسر کوش " است. « پسر حام » و اتیوپی را در " Havila " Gen.10:7 می کند زیرا طبق جنوب مصر نشان می دهد. این باعث می شود که این کشور "هاویلا" را در اتیوپی یا در یمن پیدا کنیم، جایی که معادن طلائی وجود داشت که ملکه سبا به پادشاه سلیمان ارائه کرد.

پیدایش 2:12: « طلالی این سرزمین خالص است. سنگ بدلیوم و اونیکس نیز در آنجا یافت می شود ».

طلا " نماد ایمان است و خدا برای اتیوپی، ایمان خالص، پیشگویی می کند. این تنها کشوری " در جهان خواهد بود که میراث مذهبی ملکه سبا را پس از اقامت وی با پادشاه سلیمان حفظ کرده است. اجازه دهید به نفع آن نیز اضافه کنیم که اتیوپیایی ها در استقلال خود که در طول قرن ها تاریکی مذهبی که مشخصه مردم اروپای غربی «مسیحی بود» حفظ شد، ایمان مسیحی را حفظ کردند و آنها سبب واقعی را که با برخورد سلیمان دریافت شد، انجام دادند. فیلیپ رسول اولین مسیحی اتیوپیایی را همانطور که در اعمال رسولان 8:27-39 مکشوف شده است غسل تعمید داد. او خادم خواجه ملکه کنداس بود و تمام مردم تعلیم دینی او را دریافت کردند. جزئیات دیگر گواه بر نعمت این قوم است، خداوند آنها را در برابر دشمنانشان با اقدام جنگی که به طور داوطلبانه توسط دریانورد معروف واسکو دوگاما انجام و تصمیم گرفت، حفظ کرد.

با تایید رنگ سیاه پوست اتیوپی، سنگ اونیکس به رنگ سیاه است و از دی اکسید سیلیکون تشکیل شده است. ثروت اضافی برای این کشور؛ زیرا استفاده از آن برای ساخت ترانزیستور ها امروزه مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است.

پیدایش 2:13: « نام رودخانه دوم جیحون است. آن چیزی است که سراسر سرزمین کوش را احاطه کرده است ».

بیابید «رودخانه ها» را فراموش کنیم و مردمانی که نماد آنها هستند را به جای آنها بگذاریم. این قوم دوم « سرزمین کوش » یعنی اتیوپی را احاطه کرده است. فرزندان سام در سرزمین عربستان و تا ایران رشد خواهند کرد. این در واقع قلمرو اتیوپی را احاطه کرده است، بنابراین می توان آن را نماد و با نام " رود " " گیاهون " نامید. در روزهای آخر ما، این اطرافیان مذهب «مسلمان» عربستان و فارس هستند. بنابراین پیکربندی آغاز خلقت در پایان زمان بازتولید می شود.

پیدایش 2:14: « نام سومی هیدکل است. آن چیزی است که به شرق آشور می ریزد. چهارمین «. رود فرات است

هیدکل « نام «رود بئر» را نشان می دهد، و مردم تعیین شده هند هستند که نماد «ببر بنگال» است. آسیا و تمدن شرقی آن که به دروغ «نژاد زرد» نامیده شده است، پیشگویی و نگران است و در خداوند از نماد این «رودخانه» انسان خوار «ببر» Dan.12 واقع «در شرق آشور» قرار دارد. در برای نشان دادن مصیبت ادونتیست هایی که بین سال های 1828 و 1873 تجربه کرده اند، به دلیل انبوهی از مرگ های معنوی که باعث شد، استفاده کرد.

نام « فرات » به معنای گلدار، پر بار است. در پیشگویی مکاشفه، « فرات » نماد اروپای غربی و برآمدگی های آن، قاره آمریکا و استرالیا است که خداوند آن ها را تحت سلطه رژیم مذهبی پاپی روم معرفی می کند که او با نام شهر آن، « بابل بزرگ » نام می برد. این نواده نوح از یافت خواهد بود که از غرب به یونان و اروپا و از شمال به سوی روسیه امتداد دارد. اروپا خاکی بود که ایمان مسیحی پس از سقوط ملی اسرائیل همه تحولات خوب و بد خود را در آن تجربه کرد. صفت های «گلدار، پر بار» موجه است و طبق فال، پسران لیا، زن بی عشق، از راحیل، همسری که یعقوب دوستش داشت، بیشتر خواهند بود.

خوب است در این پیام این یادآوری را ببایم که این چهار نوع تمدن زمینی علیرغم تمام تقسیمات مذهبی نهایی خود، خدای خالق پدر را داشتند تا وجودشان را توجیه کند.

پیدایش 2:15: « یَهُوه خدا آن مرد را گرفت و در باغ عدن گذاشت تا آن را زراعت کند و نگه دارد.»

خداوند شغلی را به آدم پیشنهاد می کند که شامل « کشت و مراقبت » باغ است. شکل این تزکیه برای ما ناشناخته است، اما قبل از گناه بدون هیچ خستگی انجام شده است. به همین ترتیب، بدون هیچ گونه تجاوز در همه آفرینش، نگرهبانی او تا حد زیادی ساده شد. با این حال، این نقش نگرهبان حاکی از وجود خطری بود که به زودی جنبه واقعی و دقیقی به خود خواهد گرفت: اغوای شیطانی اندیشه بشر در همین باغ.

پیدایش 2:16: « یَهُوه خدا به انسان دستور داد: از همه درختان باغ بخور انبوهی از درختان میوه به طور رایگان در اختیار آدم قرار می گیرد. خداوند او را فراتر از نیازهایش که شامل ارضای میل غذایی با طعم ها و عطرها مختلف است، برآورده می کند. پیشنهاد خدا خوب است، اما تنها بخش اول « فرمانی » است که به آدم می دهد. قسمت دوم این « سفارش » در ادامه می آید.

پیدایش 2:17: « اما از درخت معرفت خیر و شر نخوری، زیرا در روزی که از آن بخوری.» خواهی مرد

فرمان « خداوند » این قسمت بسیار جدی است، زیرا تهدید ارائه شده به محض اتمام و تحقق نافرمانی، ثمره گناه، به طور غیر قابل اغماض اعمال خواهد شد. و فراموش نکنید، برای انجام پروژه حل و فصل جهانی گناه، آدم باید سقوط کند. برای درک بهتر آنچه قرار است اتفاق بیفتد، به یاد داشته باشیم که آدم هنوز تنهاست، وقتی خداوند با ارائه « دستور » به او هشدار می دهد که از « درخت معرفت خیر و شر » نخورد یا از او تغذیه نکند. عقاید شیطان علاوه بر این، در زمینه زندگی ابدی، خدا باید به او توضیح می داد که « مرگ » به چه معناست. از آنجا که تهدید وجود دارد، در این " تو خواهی مرد " به طور خلاصه، خداوند به آدم یک جنگل می دهد اما یک درخت را به او حرام می کند. و برای برخی از مردم این ممنوعیت به تنهایی غیر قابل تحمل است، آن وقت است که درخت جنگل را پنهان می کند، همانطور که ضرب المثل می آموزد. خوردن از « درخت معرفت خیر و شر » یعنی: تغذیه از تعالیم شیطان که قبلاً توسط روح طغیان علیه خدا و عدالت او جان گرفته است. زیرا "درخت" ممنوعه ای که در باغ قرار می گیرد، تصویری از شخص اوست، همانطور که "درخت زندگی" تصویری از شخصیت عیسی مسیح است.

پیدایش 2:18: « یهوه خدا گفت: خوب نیست که انسان تنها باشد. من هم مثل او به او کمک.» خواهم کرد

خداوند زمین و انسان را آفرید تا نیکی خود و شرارت شیطان را آشکار کند. پروژه نجات او در موارد بعدی برای ما آشکار می شود. برای فهمیدن، بدانید که انسان نقش خدا را شخصاً ایفا می کند که او را به تفکر، عمل و گفتار وامی دارد که خودش فکر می کند، عمل می کند و خودش می گوید. این آدم اول تصویری نبوی از مسیح است که پولس او را به عنوان آدم جدید معرفی خواهد کرد.

برای آشکار شدن شرارت شیطان و نیکی خداوند، لازم است که آدم گناه کند تا شیطان بر زمین تسلط یابد و اعمال شیطانی او آشکار شود. تصور زوج فقط بر روی زمین وجود دارد که برای گناه ایجاد شده است، زیرا دوتایی که به این ترتیب شکل گرفته است به دلیلی روحانی است که رابطه مسیح الهی را با همسرش که برگزیدگان او را تعیین می کند، پیشگویی می کند. برگزیده باید بداند که او هم قربانی و هم ذینفع برنامه نجاتی است که خداوند برنامه ریزی کرده است. او قربانی گناهی است که برای خدا لازم شده است تا بتواند در نهایت شیطان را محکوم کند و از فیض نجات بخش او بهره مند است زیرا با آگاهی از مسئولیت خود در قبال وجود گناه، خود بهای گناه را خواهد پرداخت. گناه در عیسی مسیح پس خداوند در ابتدا تنهایی را خوب نمی دید و نیازش به عشق آنقدر زیاد بود که حاضر شد برای به دست آوردن آن بهای گزافی بپردازد. این شرکت، این چهره به چهره، که امکان اشتراک گذاری را فراهم می کند، خداوند « کمک » می نامد و مرد در هنگام فراخوانی همای زن خود از این اصطلاح استفاده می کند. از نظر کمک، او را به زمین می اندازد و از روی عشق او را به گناه می کشاند. اما این عشق آدم به حوا در تصویر عشق مسیح به برگزیدگانش گناهکار است که شایسته مرگ ابدی هستند.

پیدایش 2:19: « یَهُوه خدا همه جانوران صحرا و همه پرندگان آسمان را از زمین آفرید و نزد انسان آورد تا ببیند که آنها را چه خواهد خواند و هر موجود زنده ای نامی را که مرد آن را می داد

این برتر است که نامی بر آنچه از او پستتر است می گذارد. خداوند نام خود را بر خود نهاد و با دادن این حق به آدم، سلطه انسان را بر هر آنچه روی زمین زندگی می کند تأیید می کند. در این اولین شکل از آفرینش زمینی، گونه های حیوانات صحرايي و پرندگان آسمان کاهش می یابد و خداوند آنها را نزد آدم می آورد، همانطور که آنها را قبل از طوفان جفت به سوی نوح هدایت کرد.

پیدایش 2:20: « و آن مرد جمیع چهارپایان و پرندگان آسمان و همه حیوانات صحرا را نام نهاد. اما برای انسان کمکی مانند او نیافت. » هیولاهای به اصطلاح ماقبل تاریخ پس از گناه خلق شدند تا عواقب نفرین الهی را تشدید کنند که تمام زمین از جمله دریا را در بر خواهد گرفت. از آسمان « و » حیوانات مزارع « مستقل تر. اما در این ارائه، او همتای انسانی پیدا نکرده است، زیرا هنوز وجود ندارد.

پیدایش 2:21: « سپس یهوه خدا خوابی عمیق بر مرد فرو برد و او به خواب رفت. یکی از دنده «. هایش را گرفت و گوشت را در جایش بست

فرم داده شده به این عمل جراحی، پروژه صرفه جویی را بیشتر نشان می دهد. در میکائیل، خدا خود را از بهشت حذف می کند، او را ترک می کند و از فرشتگان خوب خود جدا می شود که این هنجار « خواب عمیق » است که آدم در آن غوطه ور است. در عیسی مسیح زاده شده در جسم، دنده الهی گرفته می شود و پس از مرگ و رستاخیز او، بر دوازده حواری خود، « کمک » خود را می آفریند که از آن جنبه نفسانی و گناهان خود را می گیرد و «مقدس» خود را به او می بخشد. روح". اهمیت معنوی این کلمه " کمک " بسیار زیاد است، زیرا به کلیسای او، برگزیدگان او، نقش " کمک " را در تحقق برنامه نجات و حل و فصل جهانی گناه و سرنوشت گناهکاران می بخشد.

پیدایش 2:22: « یَهُوه خدا از دنده ای که از مرد گرفته بود، زنی را ساخت و او را نزد آن مرد آورد «. »

بنابراین، شکل گیری زن پیشگویی از برگزیدگان مسیح است. زیرا با آمدن در جسم است که خدا کلیسای وفادار خود را، قربانی طبیعت جسمانی خود می سازد. برای نجات برگزیدگان از بدن، خدا باید در جسم شکل می گرفت. و همچنین با داشتن حیات جاودانی، آمد تا آن را با برگزیدگان خود شریک سازد.

پیدایش 2:23: « و آن مرد گفت: این بار او که استخوانی از استخوانهای من است و گوشتی از «. گوشت من است! او را زن می نامند، زیرا از مرد گرفته شده است

خداوند برای پذیرفتن هنجارهای زمینی به زمین آمد تا بتواند در مورد برگزیده خود همان چیزی را بگوید که آدم در مورد همتای مونث خود که نام « زن » را به او می دهد، می گوید. این موضوع در زبان عبری آشکارتر است زیرا کلمه مذکر مرد این است که «ایش» برای کلمه مؤنث زن «ایش» می شود. او در این اقدام تسلط خود را بر او تأیید می کند. اما این « زن » پس از ربوده شدن از او، برای او ضروری می شود، گویی « دنده » که از بدنش گرفته شده، می خواهد به سوی او بازگردد و جای آن را بگیرد. در این تجربه منحصر به فرد، آدم برای همسرش احساساتی را که مادر نسبت به فرزندی که او به دنیا می آورد پس از حمل او در شکم خود احساس می کند. و این تجربه را خداوند نیز زندگی می کند زیرا موجودات زنده ای که او در اطراف خود می آفریند فرزندان هستند که از او بیرون می آیند؛ که او را به اندازه پدر مادر می کند.

پیدایش 2:24: « بنابراین مرد پدر و مادر خود را ترک خواهد کرد و به زن خود خواهد چسبید «. و آنها یک تن خواهند شد

در این آیه خداوند برنامه خود را برای برگزیدگان خود بیان می کند که اغلب مجبورند روابط جسمانی خانوادگی را برای پیوند با برگزیدگان مورد برکت خداوند قطع کنند. و فراموش نکنید، اول، در عیسی مسیح، میکائیل مقام خود را به عنوان پدر آسمانی ترک کرد تا بیاید و محبت شاگردان برگزیده خود را بر روی زمین جلب کند. تا آنجا که از استفاده از قدرت الهی خود برای مبارزه با گناه و شیطان صرف نظر کرد. در اینجا می فهمیم که مضامین جدایی و اشتراک جدایی ناپذیرند. بر روی زمین، برگزیدگان باید از نظر جسمانی از کسانی که دوست دارند جدا شوند تا وارد ارتباط روحانی شوند و با مسیح و همه برگزیدگان او و فرشتگان خوب وفادار او «یک» شوند.

میل " دنده " برای بازگشت به جای اولیه خود معنای خود را در پیوند جنسی انسانها می یابد، عملی از جسم و روح که در آن زن و مرد به طور فیزیکی یک بدن را تشکیل می دهند.

« پیدایش 2:25: « مرد و زن هر دو برهنه بودند و خجالت نمی کشیدند

برهنگی فیزیکی همه را آزار نمی دهد. طرفداران طبیعت گرایی وجود دارد. و در آغاز تاریخ بشر، برهنگی فیزیکی باعث " شرم " نمی شد. ظهور « حیا » نتیجه گناه خواهد بود، گویی خوردن از «درخت علم خیر و شر» می تواند ذهن انسان را به آثار ناشناخته و نادیده گرفته شود. در واقع میوه درخت ممنوعه، عامل این تغییر خواهد بود، بلکه وسیله خواهد بود، زیرا تغییر دهنده ارزش اشیا و وجدان، خداست و تنها او. اوست که احساس « شرم » را برمی انگیزد که زن و شوهر گناهکار از برهنگی جسمانی خود در ذهن خود احساس می کنند که پاسخگو خواهد بود. زیرا تقصیر اخلاقی خواهد بود و فقط مربوط به نافرمانی انجام شده توسط خداوند خواهد بود.

در خلاصه کردن آموزه پیدایش 2، خدا ابتدا تقدیس استراحت یا سبت روز هفتم را به ما ارائه کرد که پیشگویی استراحت بزرگی است که در هزاره هفتم هم به خدا و هم به برگزیدگان وفادار او داده خواهد شد. اما این استراحت باید با نبرد زمینی که خدا علیه گناه و شیطان به راه می اندازد، با تجسم در عیسی مسیح به دست می آید. تجربه زمینی آدم، این طرح نجات را که توسط خدا طراحی شده بود، نشان داد. در مسیح، او جسم شد تا منتخب خود را از جسم بیافریند که در نهایت جسمی آسمانی مشابه بدن فرشتگان دریافت خواهد کرد.

پیدایش 3

جدایی از گناه

پیدایش 3:1: « مار حيله گرتريں موجود در صحرا بود که يهوه خدا آفریده بود. و به زن گفت: « آیا واقعاً خدا گفته است که از هر درخت باغ نخورید؟

مار « بیچاره این بدبختی را داشت که توسط « حيله گرتريں » فرشتگان آفریده خدا به عنوان واسطه مورد استفاده قرار گیرد. حیواناتی که خزندگانی مانند " مار " در مورد آنها صحبت نمی کردند. زبان ویژگی خاصی از تصویر خدا بود که به انسان داده شد. به خوبی اشاره کن، شیطان او را در زمانی که زن از شوهرش جدا می شود، مجبور می کند با او صحبت کند. این انزوا برای او مهلك خواهد بود، زیرا در حضور آدم، شیطان برای هدایت انسانها به نافرمانی از دستور خداوند، مشکل بیشتری داشت.

عیسی مسیح وجود اهریمنی را که در یوحنا 8:44 تعیین می کند، آشکار ساخت که او « پدر دروغ و قاتل از ابتدا » است. هدف کلام او متزلزل ساختن یقینات بشری است و به « آری یا نه » مورد درخواست خداوند، « اما » یا « شاید » را اضافه می کند که قطعیت هایی را که به حقیقت قوت می بخشد، حذف می کند. فرمان خدا را آدم دریافت کرد و سپس آن را به همسرش ابلاغ کرد، اما او صدای فرمان خدا را نشنید. همچنین شک او بر شوهرش است، مانند: « آیا او فهمید که خدا به او چه گفت؟

" پیدایش 3: 2: " زن به مار پاسخ داد: ما از میوه درختان باغ می خوریم

به نظر می رسد شواهد سخنان شیطان را تأیید می کند. استدلال می کند و هوشمندانه صحبت می کند. " زن " اولین اشتباه خود را با پاسخ دادن به " مار " صحبت می کند. که طبیعی نیست اولاً، صلاح خدا را توجیه می کند که به آنها امکان خوردن از همه درختان را داد، مگر درختی که حرام است

پیدایش 3:3: " اما در مورد میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفته است که از آن نخورید " و به آن دست نزنید، مبادا بمیرید

انتقال پیام فرمان الهی توسط آدم در عبارت « مبادا شما بمیرید » آمده است. اینها دقیقاً سخنان خداوند نیست زیرا به آدم فرمود: روزی که از آن بخوری میمیری. تضعیف کلام الهی باعث تشویق به مصرف گناه می شود. « زن » با توجیه اطاعت خود از خدا به دلیل « ترس »، امکان تأیید این « ترس » را به شیطان می دهد که به گفته او موجه نیست.

« . پیدایش 3:4: « سپس مار به زن گفت، تو خواهی مرد
« و دروغگو در این جمله نازل می شود که با کلام خدا در تضاد است: « نمی میرید
پیدایش 3: 5: " اما خدا می داند که در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز خواهد شد و
" مانند خدایان خواهید بود که نیک و بد را می شناسید

او اکنون باید دستوری را که خداوند داده است و به آن یک فکر شیطانی و خودخواهانه نسبت
می دهد، توجیه کند: خدا می خواهد شما را در پستی و پستی نگه دارد. او خودخواهانه می خواهد شما را
از شبیه شدن به او جلوگیری کند. او شناخت خیر و شر را به عنوان امتیازی معرفی می کند که خداوند
می خواهد آن را تنها برای خود نگه دارد. اما اگر در شناخت خیر مزیت وجود دارد، مزیت شناخت بد
کجاست؟ خیر و شر، متضاد مطلق شب و روز، روشنایی و تاریکی هستند و از نظر خداوند علم عبارت
است از تجربه کردن یا عمل کردن. در حقیقت، خداوند قبلاً با اجازه دادن به درختان باغ و نهی از نماینده
«خیر و منکر»، علم عقلی به خوبی و بدی را به انسان داده بود. زیرا او تصویری نمادین از شیطانی
است که با شورش علیه خالق خود به طور متوالی « خوب » و سپس « شر » را تجربه کرد

پیدایش 3: 6: « زن دید که درخت برای غذا خوب است و برای بینایی خوشایند است، و برای
باز کردن ذهن ارزشمند است. او از میوه آن برداشت و خورد. او نیز مقداری به شوهرش که با او بود
داد و او از آن خورد

کلماتی که از مار می آید تأثیر خود را دارد، شک از بین می رود و زن بیشتر و بیشتر متقاعد
می شود که مار حقیقت را به او گفته است. میوه برای او خوب و از نظر بصری خوشایند به نظر می
رسد، اما مهمتر از همه، او آن را " با ارزش برای باز کردن هوش " می داند. شیطان به نتیجه مطلوب
می رسد، او تازه پیرو نگرش سرکش خود را به خدمت گرفته است. و با خوردن میوه حرام، خود درخت
علم منکر می شود. آدام پر از عشق به همسرش که حاضر نیست جدایی از او را ببیند، ترجیح می دهد
در سرنوشت فاجعه بار خود شریک شود زیرا می داند که خدا حکم فانی او را اعمال خواهد کرد. و با
خوردن میوه حرام به نوبه خود، این همه زوج هستند که از سلطه ظالمانه شیطان رنج می برند. با این
وجود، به طرز متناقضی، این عشق پرشور در تصویری است که مسیح برای برگزیده خود تجربه خواهد
کرد، او همچنین پذیرفت که برای او بمیرد. همچنین خداوند می تواند آدم را درک کند

پیدایش 3: 7: « چشمان هر دو باز شد و دانستند که برهنه هستند و با دوختن برگهای انجیر
» برای خود کمربندهایی درست کردند

در این لحظه که گناه توسط زوج انسان تمام شد، شمارش معکوس 6000 سال برنامه ریزی شده
توسط خداوند آغاز شد. اول، آگاهی آنها توسط خدا دگرگون می شود. چشمانی که مسئول میل به میوه "
مطلوب بینایی " بودند قربانی قضاوت جدیدی در مورد چیزها هستند. و مزیت مورد انتظار و جستجو
شده به ضرر تبدیل می شود، زیرا آنها از برهنگی خود که تا آن زمان هیچ مشکلی ایجاد نمی کرد، نه
برای آنها و نه برای خدا، احساس شرم می کنند. برهنگی فیزیکی کشف شده تنها جنبه جسمانی برهنگی
معنوی بود که زوج نافرمان در آن قرار گرفتند. این برهنگی معنوی آنها را از عدل الهی محروم کرد و
حکم مرگ در آنها وارد شد، به طوری که کشف برهنگی آنها اولین اثر مرگ خداوند بود. بنابراین، مرگ
پیامد دانش تجربه شده از شر بود؛ آنچه پولس با گفتن در روم 6:23 تعلیم می دهد: " زیرا مزد گناه مرگ
است ". همسران سرکش برای پوشاندن برهنگی خود به ابتکار انسانی متوسل شدند که شامل «دوختن
برگ انجیر» برای ساختن « کمر بند » بود. این عمل از نظر معنوی تلاش انسان برای توجیه خود را به
تصویر می کشد. « کمر بند » به نماد « حقیقت » در افس. 6:14 تبدیل خواهد شد. بنابراین " کمر بند "
ساخته شده از " برگ انجیر " توسط آدم در تقابل است، نمادی از دروغی که گناهکار در پشت آن پناه
می گیرد تا به خود اطمینان دهد

پیدایش 3: 8: « آنگاه صدای یهوه خدا را شنیدند که به سوی غروب از باغ می گذشت، و مرد و
» زنش خود را از حضور یهوه خدا در میان درختان باغ پنهان کردند

کسی که کلیه ها و قلب ها را جستجو می کند می داند چه اتفاقی افتاده است و با پروژه نجات او
سازگار است. این تنها اولین قدمی است که به شیطان منطقه ای برای آشکار کردن افکار و طبیعت
شیطانی خود می دهد. اما او باید مرد را ملاقات کند زیرا چیزهای زیادی برای گفتن دارد. اکنون انسان
عجله ای برای ملاقات با خدا، پدرش، خالقش که اکنون تنها به دنبال فرار از اوست، ندارد، از شنیدن
سرزنش های او بسیار می ترسد. و کجا در این باغ از نگاه خدا پنهان شویم؟ باز هم اعتقاد به اینکه "

درختان باغ " می توانند او را از چهره اش پنهان کنند، گواه بر وضعیت روحی است که آدم از زمانی که گناهکار شد در آن افتاد

« پیدایش 3:9: « اما بیهوه خدا آن مرد را صدا زد و به او گفت: کجایی؟

خداوند به خوبی می داند که آدم در کجا پنهان شده است، اما از او این سوال را می پرسد که کجایی؟ « دست یاری دراز کند و او را به سمت اعتراف به تقصیر بکشاند

پیدایش 3:10: « و گفت: صدای تو را در باغ شنیدم و ترسیدم، زیرا برهنه بودم و خود را «. پنهان کردم

پاسخ آدم به خودی خود اعتراف به نافرمانی اوست و خداوند از سخنان او برای به دست آوردن شیوه ارائه تجربه گناه بهره برداری می کند

پیدایش 3:11: « و بیهوه خدا گفت: چه کسی به تو گفته که برهنه هستی؟ آیا از درختی که من « شما را از خوردن آن نهی کردم، خوردید؟

خداوند می خواهد از آدم اعتراف به تقصیر خود بگیرد. از کسر به کسر او در نهایت به وضوح " از او این سوال را می پرسد: " آیا از درختی خوردی که من تو را از خوردن آن منع کرده بودم؟

« پیدایش 3:12: « مرد گفت: زنی که نزد من گذاشتی از درخت به من داد و من خوردم

پاسخ آدم اگرچه درست است، اما با شکوه نیست. او در درون خود نشان شیطان را دارد و دیگر نمی داند چگونه جواب بله یا خیر بدهد، اما مانند شیطان به شکلی دور و بر اطراف پاسخ می دهد تا به سادگی به گناه خود و عظیم خود اعتراف نکند. او تا آنجا پیش می رود که نقش خود را در این تجربه به خدا یادآوری می کند، زیرا او همسرش را به او داده است، اولین مقصر، او قبل از خودش فکر می کند. بهترین قسمت داستان این است که همه چیز حقیقت دارد و خدا از آن غافل نیست زیرا گناه در پروژه او ضروری بود. اما آنجا که او اشتباه می کند این است که با الگو گرفتن از زن ترجیح خود را به زیان خدا نشان داد و این بزرگترین تقصیر او بود. زیرا از ابتدا مقتضای خداوند این بود که بیش از هر چیز و هرکس دوست داشته باشیم

پیدایش 3:13: « و بیهوه خدا به زن گفت، چرا این کار را کردی؟ زن پاسخ داد: مار مرا فریب داد و من آن را خوردم

سپس قاضی بزرگ به زن متهم شده توسط مرد رو می کند و در آنجا باز هم پاسخ زن با واقعیت ها مطابقت دارد: « مار مرا اغوا کرد و من آن را خوردم ». بنابراین او به خود اجازه داد که اغوا شود و این تقصیر فانی اوست

پیدایش 3:14: « و بیهوه خدا به مار گفت: «چون این کار را کردی، از همه چهارپایان و بر همه « حیوانات صحرا ملعون خواهی بود، روزهای عمرت

مار « نمی پرسد که چرا این کار را کرد، زیرا خدا می داند که شیطان، شیطان از او به عنوان واسطه استفاده می کند. سرنوشتی که خداوند به « مار » می دهد در واقع به خود شیطان مربوط می شود. برای " مار " این درخواست فوری بود، اما برای شیطان این فقط یک پیشگویی بود که پس از پیروزی عیسی مسیح بر گناه و مرگ محقق می شد. با توجه به مکاشفه 12:9، اولین شکل این درخواست، اخراج او از ملکوت بهشت و همچنین فرشتگان شیطانی از اردوگاهش بود. آنها به زمینی پرتاب شدند که تا زمان مرگشان هرگز آن را ترک نخواهند کرد و برای هزار سال منزوی در زمین متروک، شیطان در خاکی خواهد خزید که پذیرای کسانی است که به خاطر او مرده اند و آزادی که او از آن سوء استفاده کرده است. در زمینی که خدا نفرین کرده است، آنها مانند مارها رفتار خواهند کرد، هم ترسناک و هم محتاط، زیرا از عیسی مسیح شکست خورده و از مردی که دشمن آنها شده فرار می کنند. آنها با قرار دادن آنها در برابر یکدیگر به مردانی که در نامرئی اجسام آسمانی خود پنهان شده اند آسیب خواهند رساند

پیدایش 3:15: « میان تو و زن، و بین ذریت و ذریت او دشمنی خواهم کرد، او سر تو را « می کوبد و تو پاشنه او را می کوبی

این جمله که در مورد "مار" اعمال می شود، واقعیت تجربه شده و مشاهده شده را تأیید می کند. کاربرد آن برای شیطان ظریف تر است. دشمنی بین طرف او و بشریت تأیید و تصدیق می شود. " ذرات زنی که سر او را خرد می کند " از مسیح و برگزیدگان وفادار او خواهد بود. او در نهایت او را نابود خواهد کرد، اما قبل از آن، شیاطین این امکان را داشتند که دائماً " پشن پاشنه " زن " را زخمی کنند،

که خود منتخب مسیح، ابتدا با این "پاشنه" تصویر شده است. زیرا «پاشنه» تکیه گاه بدن انسان است، همانطور که «سنگ بنا» سنگی است که معبد روحانی خدا بر روی آن ساخته شده است.

پیدایش 3:16: «به زن گفت: درد فرزندآوری تو را بیشتر می‌کنم، تو با درد بچه‌دار می‌شوی و «میل تو به شوهرت خواهد بود، اما او بر تو مسلط خواهد شد»

قبل از اینکه زن با مرگ خود به دنیا بیاید، باید "در دوران بارداری خود رنج بکشد". او "با درد زایمان خواهد کرد"، همه چیز به معنای واقعی کلمه انجام شده و ذکر شده است. اما در اینجا نیز باید به معنای نبوی تصویر توجه داشت. در یوحنا 16:21 و مکاشفه 12:2 "زن در دردهای زایمان" نماد کلیسای مسیح در دوره امپراتوری روم و سپس آزار و اذیت پاپ در دوران مسیحیت است.

پیدایش 3:17: «و به آن مرد گفت، چون صدای همسرت را اطاعت کردی و از درختی که به تو دستور دادم خوردی، از آن نخور. زمین به خاطر تو نفرین خواهد شد. با زحمت است که تمام روزهای زندگی خود را از آن تغذیه خواهید کرد»

پس از بازگشت به انسان، خداوند توصیف واقعی وضعیت خود را به او ارائه می‌دهد که با شرمندگی سعی در پنهان کردن آن داشت. گناه او کامل است و آدم همچنین متوجه می‌شود که قبل از تحویل او، قبل از مرگ او مجموعه ای از نفرین‌ها وجود دارد که باعث می‌شود برخی مرگ را به زندگی ترجیح دهند. نفرین زمین چیز وحشتناکی است و آدم آن را به سختی یاد خواهد گرفت.

پیدایش 3:18: «خار و خار برای شما خواهد آورد و شما علف صحرا خواهید خورد»
زراعت آسان باغ عدن از بین رفته است، مبارزه بی‌وقفه با علف‌های مرعی، «خار، خار» و علف‌های هرز که در خاک زمین تکثیر می‌شوند، جایگزین آن می‌شود. چه این که این نفرین خاک، مرگ بشریت را تسریع خواهد کرد، زیرا انسان با «پیشرفت علمی» در آخرالزمان با گذاشتن سم شیمیایی در خاک محصولاتش خود را مسموم می‌کند تا علف‌های هرز و آفات حشرات را از بین ببرد. غذای فراوان و به راحتی در دسترس خارج از باغی که او و همسر مورد علاقه خدا از آنجا رانده خواهد شد، دیگر در دسترس نخواهد بود.

پیدایش 3:19: «در عرق صورت خود نان خواهی خورد تا به زمینی که از آن گرفته شده‌ای «بازگردی. زیرا تو خاکی و به خاک باز خواهی گشت»

این سرنوستی که به دست انسان می‌رسد، شکلی را که خداوند خلقت و شکل‌گیری خود را دقیقاً از «غبار زمین» آشکار کرده است، توجیه می‌کند. آدم با هزینه خود و ما می‌آموزد که مرگ برانگیخته خدا شامل چه چیزی است. توجه داشته باشیم که مرده چیزی جز «غبار» نیست و بیرون از این «غبار» و استنادهای دیگر این وضعیت Ecc1.9. «روح زنده‌ای که از این بدن مرده بیرون می‌آید، باقی نمی‌ماند فانی را تأیید می‌کنند»

پیدایش 3:20: «آدم همسر خود را حوا نامید، زیرا او مادر همه زندگان بود»
در اینجا نیز آدم تسلط خود را بر «زن» با گذاشتن نام او «حوا» یا «زندگی» نشان می‌دهد. نامی که به عنوان یک واقعیت اساسی تاریخ بشر قابل توجیه است. همه ما فرزندان دوری هستیم که از حوا، همسر اغوا شده آدم، که نفرین مرگ از طریق او منتقل شد، به دنیا آمدیم و تا بازگشت با شکوه عیسی مسیح در اوایل بهار 2030 خواهیم بود.

پیدایش 3:21: «یهوه خداوند برای آدم و همسرش لباسهایی از پوست آفرید و آنها را به آنها پوشاند»

خدا فراموش نمی‌کند که گناه همسران زمینی بخشی از پروژه نجات او بود که اکنون شکلی نشان داده خواهد شد. پس از گناه، آمرزش الهی به نام مسیح در دسترس می‌شود که توسط سربازان رومی قربانی و مصلوب خواهد شد. در این عمل، موجودی بی‌گناه، فارغ از هرگونه گناه، حاضر می‌شود بمیرد تا به جای آن‌ها، گناهان تنها برگزیدگان وفادار خود را کفاره دهد. از همان ابتدا حیوانات بی‌گناه توسط خداوند کشته می‌شدند تا "پوست" آنها برهنگی آدم و حوا را بپوشاند. او در این عمل، «عدالت» تصور شده توسط انسان را با آنچه برنامه نجات او از طریق ایمان به او نسبت می‌دهد، جایگزین می‌کند. «عدالت» تصور شده توسط انسان تنها یک دروغ فریبنده بود و خداوند به جای آن «لباسی» نمادی از «عدالت اصیل او»، «کمر بند حقیقت او» را به آنها نسبت می‌دهد که بر اساس قربانی داوطلبانه مسیح و مسیح است. تقدیم جان خود برای رستگاری کسانی که صادقانه او را دوست دارند.

پیدایش 3:22: «یهوه خداوند فرمود: اینک انسان برای شناخت خیر و شر، مانند یکی از ما شده است. اکنون او را از این که دست خود را دراز کند و از درخت حیات بگیرد و بخورد و تا ابد زنده بماند.» بازداریم

در مایکل، خدا فرشتگان خوب خود را که شاهد نمایشی هستند که به تازگی روی زمین رخ داده است، خطاب می‌کند. او به آنها گفت: «اینک، انسان برای شناخت نیک و بد مانند یکی از ما شده است.» یک روز قبل از مرگش، عیسی مسیح در مورد یهودا، خانی که قرار بود او را به یهودیان مذهبی تحویل دهد تا به صلیب کشیده شود، به رومیان می‌رساند، این عبارت را در یوحنا 6:70 به کار می‌برد: «عیسی به آنها پاسخ داد: آیا من نیستم که شما دوازده نفر را انتخاب کردم؟ و یکی از شما شیطان است!» «ما» در این آیه به دلیل زمینه متفاوت به «شما» تبدیل می‌شود، اما رویکرد خداوند یکی است. عبارت «یکی از ما» اشاره به شیطان دارد که هنوز در ملکوت آسمانی خدا در میان تمامی فرشتگانی که در آغاز خلقت زمینی آفریده شده اند، آزادانه دسترسی و حرکت دارد.

نیاز به جلوگیری از خوردن انسان از «درخت زندگی»، الزام حقیقتی بود که عیسی در سخنان خود خطاب به فرماندار رومی، پونتیوس پیلطس، به آن شهادت داد. «درخت زندگی» تصویر مسیح نجات دهنده بود و خوردن آن به معنای تغذیه با تعلیم او و با تمام شخصیت معنوی او بود و او را به عنوان جانشین و نجات دهنده شخصی در نظر گرفت. این تنها شرطی بود که می‌توانست مصرف این «درخت زندگی» را توجیه کند. قدرت زندگی در درخت نبود، بلکه در درختی بود که نماد آن بود: مسیح. علاوه بر این، این درخت زندگی ابدی را مشروط کرد و پس از گناه اولیه، این زندگی ابدی تا زمان بازگشت نهایی خدا در مسیح و میکائیل برای همیشه از بین رفت. بنابراین «درخت حیات» و درختان دیگر می‌توانند مانند باغ خدا ناپدید شوند.

پیدایش 3:23: «و یهوه خدا او را از باغ عدن بیرون کرد تا زمینی را که از آن گرفته شده بود.» زراعت کند

تنها چیزی که برای آفریدگار باقی می‌ماند این است که زوج انسانی را از باغ شگفت‌انگیز بیرون کند که از آدم اول پدید آمدند (کلمه‌ای که نوع انسان را مشخص می‌کند: سرخ = سانگوئن)، با نافرمانی‌شان خود را نالایق نشان داده‌اند. و بیرون از باغ، زندگی دردناک، در بدنی ضعیف جسمی و روحی، برای او آغاز خواهد شد. بازگشت به سرزمینی که سخت و سرکش شده است، خاستگاه «غبار» انسان را به یاد می‌آورد.

پیدایش 3:24: «به این ترتیب او آدم را بیرون کرد. و کروبیانی را در شرق باغ عدن قرار داد.» که شمشیر آتشین را تکان می‌دهند تا از راه درخت حیات محافظت کنند

این دیگر آدم نیست که نگهبان باغ است، بلکه فرشتگان هستند که او را از ورود به آن باز می‌دارند. این باغ در نهایت کمی قبل از سیل که در سال 1656 از زمان گناه حوا و آدم رخ داد ناپدید می‌شود.

در این آیه توضیح مفیدی برای مکان یابی بهشت عدن داریم. فرشتگان نگهبان «در شرق باغ» قرار می‌گیرند که خود در غرب مکانی است که آدم و حوا در آنجا بازنشسته می‌شوند. منطقه مفروض ارائه شده در ابتدای این فصل با این توضیح مطابقت دارد: آدم و حوا به سرزمین جنوب کوه آرات عقب نشینی می‌کنند و باغ ممنوعه در منطقه «آب‌های فراوان» ترکیه در نزدیکی دریاچه وان واقع شده است. در غرب موقعیت خود

پیدایش 4

جدایی با مرگ

این فصل 4 به ما این امکان را می‌دهد که بهتر درک کنیم که چرا لازم بود خدا به شیطان و شیاطین سرکشش آزمایشگاهی ارائه دهد که میزان شرارت آنها را آشکار کند.

در بهشت، شرارت حدی داشت، زیرا موجودات آسمانی قدرت کشتن یکدیگر را نداشتند. زیرا همه آنها لحظه ای جاودانه بودند. بنابراین، این وضعیت به خداوند اجازه نمی داد که درجه بالایی از شرارت و ظلم را که دشمنانش قادر به انجام آن بودند، آشکار کند. بنابراین، زمین با هدف اجازه دادن به مرگ در ظالمانه ترین اشکالی که ذهن موجودی مانند شیطان می تواند تصور کند، ایجاد شد.

این فصل 4 که تحت معنای نمادین این عدد 4 است که جهان شمول است قرار داده شده است، بنابراین شرایط اولین مرگ انسانیت زمینی را تداعی می کند. مرگ، ویژگی خاص و منحصر به فرد جهانی آن در میان تمام مخلوقات خداوند است. پس از گناه آدم و حوا، زندگی زمینی "منظره ای برای جهان و فرشتگان" بود، همانطور که در اول قرنیتان 4: 9، شاهد الهام گرفته و وفادار پولس، شاتول سابق تاروسوسی، اولین آزار و شکنجه ی مأموریت شده ی مردم، گفت: کلیسای حضرت مسیح

پیدایش 4:1: « آدم همسر خود حوا را می شناخت. او حامله شد و قابیل را به دنیا آورد و گفت: من به یاری خداوند مردی را تشکیل دادم.

در این آیه، خداوند معنایی را که به فعل « دانستن » می دهد برای ما آشکار می کند و این نکته در اصل عادل شمردگی از طریق ایمان حیاتی است، همانطور که در یوحنا 3:17 نوشته شده است: « اکنون حیات جاودانی آن است که شما را یثناسند. یگانه خدای حقیقی و او که فرستاده اید، عیسی مسیح. شناخت خدا به معنای برقراری رابطه محبت آمیز با او است که در این مورد معنوی است، اما در مورد آدم و حوا جسمانی. باز هم با پیروی از این الگوی زوج اول، از این عشق جسمانی «فرزندی» متولد شد. خوب یک "کودک" نیز باید در رابطه محبت آمیز معنوی ما با خدا دوباره متولد شود. این تولد جدید به دلیل « معرفت » واقعی خدا در مکاشفه 12: 2-5 آشکار شده است: « او باردار بود و در زایمان و در درد زایمان فریاد زد. ... او پسری به دنیا آورد که با عصای آهنین بر همه ملل حکومت خواهد کرد. و فرزندش نزد خدا و عرش او گرفتار شد. « فرزند متولد شده از خدا باید شخصیت پدرش را بازتولید کند، اما این مورد در مورد اولین پسر متولد شده از انسان صادق نبود.

نام قابیل به معنای کسب است. این نام سرنوشتی جسمانی و زمینی را برای او پیش بینی می کند، برخلاف انسان روحانی که برادر کوچکترش هابیل خواهد بود.

توجه داشته باشیم که در این آغاز تاریخ بشریت، مادری که به دنیا می آید، خدا را با این تولد شریک می کند، زیرا می داند که ایجاد این زندگی جدید نتیجه معجزه ای است که خالق بزرگ خداوند پهوه انجام داده است. در روزهای آخر ما این دیگر یا به ندرت چنین نیست.

« پیدایش 4:2: « او دوباره برادرش هابیل را به دنیا آورد. هابیل چوپان بود و قابیل شخم زن هابیل به معنای نفس است. بیشتر از قابیل، هابیل کودک به عنوان نسخه ای از آدم معرفی می شود، اولین کسی که نفس ریه ها را از خدا دریافت کرد. در واقع، با مرگ خود، که توسط برادرش به قتل رسید، او تصویر عیسی مسیح، پسر واقعی خدا، نجات دهنده برگزیدگانی را که با خون خود بازخرید خواهد کرد، نشان می دهد.

حرفه این دو برادر ماهیت متضاد آنها را تایید می کند. مانند مسیح، " هابیل یک شبان بود " و مانند یک کافر ماتریالیست زمینی، " قابیل یک شخم زن بود ". این اولین فرزندان تاریخ بشر، سرنوشتی را که خداوند پیشگویی کرده است، اعلام می کنند. و آنها می آیند تا جزئیات پروژه نجات او را ارائه دهند.

« پیدایش 4:3: « بعد از مدتی، قابیل از میوه های زمین برای خداوند قربانی کرد قابیل می داند که خدا وجود دارد و برای اینکه به او نشان دهد که می خواهد او را گرامی بدارد، او را « هدیه ای از میوه های زمین » می کند، یعنی چیزهایی را که فعالیت او به وجود آورده است. در این نقش، او تصویر انبوهی از مذهبی های یهودی، مسیحی یا مسلمان را به تصویر می کشد که کارهای خوب خود را برجسته می کنند بدون اینکه نگران تلاش برای دانستن و درک آنچه خداوند از آنها دوست دارد و چه انتظاری دارد. هدایا تنها زمانی معنادار هستند که توسط شخص دریافت کننده قدرانی شوند.

« پیدایش. یهوه به هابیل و هدایای او خیرخواهی کرد هابیل از برادرش تقلید می کند و به دلیل شغل شبانی، « از اولزادگان گله خود و فربه آنها » به خدا هدیه می دهد. این برای خدا خشنود است زیرا او در قربانی این « نخست زاده ها » تصویر پیش بینی شده و پیش بینی شده قربانی خود در عیسی مسیح را می بیند. در مکاشفه 1: 5 می خوانیم: " ... و

از عیسی مسیح، شاهد وفادار، نخست زاده مردگان، و شاهزاده پادشاهان زمین! " به کسی که ما را دوست دارد، که با خون خود ما را از گناهانمان رهایی بخشید...». خدا پروژه نجات خود را در پیشنهاد هابیل می بیند و فقط می تواند آن را خشنود بداند.

« پیدایش . قابیل بسیار عصبانی شد و صورتش افتاد

در مقایسه با پیشنهاد هابیل، منطقی است که خدا به پیشنهاد قابیل که به همان اندازه منطقی فقط می تواند ناامید و اندوهگین شود، علاقه چندانی ندارد. « صورتش فرورفته است»، اما توجه داشته باشیم که این دلخوری او را به سمت « خیلی عصبانی» سوق می دهد و این طبیعی نیست زیرا این واکنش ثمره غرور نامیدکننده است. عصبانیت و غرور به زودی ثمره جدی تری به بار خواهد آورد: قتل برادرش هابیل، موضوع حسادت او

« . پیدایش

فقط خدا دلیل ترجیح او را برای پیشنهاد هابیل می داند. قابیل فقط می تواند واکنش خدا را ناعادلانه بداند، اما به جای عصبانی شدن، باید از خدا بخواهد که به او اجازه دهد دلیل این انتخاب ظاهر را ناعادلانه را بفهمد. خداوند از ماهیت قابیل آگاهی کامل دارد که ناخودآگاه نقش خادم شرور متی را برای او بازی می کند. 48:24-49: « اما اگر بنده بدی باشی، در درون خود می گوید: ارباب من آمدن را به تأخیر می اندازد، اگر شروع به کتک زدن یارانش می کند، اگر با مستان بخورد و بیاشامد...». خداوند از او سؤالی می پرسد که پاسخ آن را کاملاً می داند، اما باز هم با این کار به قابیل فرصت می دهد تا علت رنجش را با او در میان بگذارد. این سؤالات توسط قابیل بی پاسخ خواهند ماند، بنابراین خدا او را از شری که او را فرا خواهد گرفت برحذر می دارد.

پیدایش 4: 7: « به یقین، اگر نیکی کنی، صورت خود را بلند خواهی کرد، و اگر بدی کنی، گناه « . بر در می نشیند و آرزوهایش برای توست، اما تو بر آن مسلط خواهی بود

شناخت نیک و بد « مقام شیطان را به خود گرفتند، دوباره ظاهر می شود تا قابیل را به کشتن برادرش هابیل فشار دهد. دو انتخاب، « خیر و شر» پیش روی اوست. « خیر» او را به کناره گیری و پذیرش انتخاب خدا سوق می دهد، حتی اگر آن را نفهمد. اما انتخاب «شیطان» باعث می شود که او در برابر خدا گناه کند و از فرمان ششم خود سرپیچی کند: « قتل مرتکب نشو». و نه، همانطور که مترجمان آن را ارائه کردند، « نباید بکشی». فرمان خدا جنایت را محکوم می کند، نه کشتن جنایتکاران گناهکار را که او با دستور دادن به آن قانونی کرد و در این مورد، آمدن عیسی مسیح چیزی را در این داور عادلانه خدا تغییر نداد.

به شکلی که خداوند « گناه» را برمی انگیزد، به گونه ای که گویی در مورد زنی صحبت می کند، توجه کنید، طبق آن در پیدایش 3:16 به حوا گفته بود: « آرزوهای تو نسبت به شوهرت خواهد بود، اما او بر تو مسلط خواهد شد. " برای خدا، وسوسه « گناه» مانند وسوسه زنی است که می خواهد شوهرش را اغوا کند و او نباید اجازه دهد که تحت سلطه او یا او قرار گیرد. به این ترتیب خداوند به مرد دستور داد که اجازه ندهد توسط « گناه» به نمایندگی از زن فریفته شود.

پیدایش 4: 8: « اما قابیل با برادر خود هابیل صحبت کرد. اما چون در صحرا بودند، قابیل بر « برادرش هابیل افتاد و او را کشت

با وجود این هشدار الهی، طبیعت قابیل میوه خود را خواهد داد. پس از رد و بدل شدن کلمات با هابیل، قابیل، قاتل در روح خود از ابتدا مانند پدر روحانی خود، شیطان، " خود را بر برادرش هابیل افکند و او را کشت. " این تجربه سرنویشت بشریت را پیش بینی می کند که در آن برادر تا پایان جهان، اغلب از روی حسادت سکولار یا مذهبی، برادر را خواهد کشت

پیدایش 4:9: « یهوه به قابیل گفت: برادرت هابیل کجاست؟ پاسخ داد: نمی دانم؛ آیا من نگهبان « برادرم هستم؟

همانطور که به آدم که از او پنهان بود گفته بود: کجایی؟ خداوند به قابیل گفت: برادرت هابیل کجاست؟ « همیشه به او فرصت اعتراف به تقصیر خود را بدهد. اما احمقانه چون نمی تواند نادیده بگیرد که خدا می داند او را کشته است، با گستاخی پاسخ می دهد « نمی دانم» و با گستاخی باورنکردنی از خدا « سؤال می کند: آیا من ولی برادرم هستم؟

پیدایش 4:10: « و خدا گفت، چه کردی؟ صدای خون برادرت از زمین به سوی من فریاد می زند .

خداوند پاسخ او را می دهد که به این معناست: تو حافظ او نیستی زیرا قاتل او هستی. خدا می داند چه کرده است و در تصویری به او تقدیم می کند: « صدای خون برادرت از زمین به سوی من فریاد می زند ». این فرمول تصویری که به خون ریخته شده صدایی می دهد که به سوی خدا فریاد می زند، در برای برانگیختن «مهر پنجم» استفاده می شود، فریاد شهادتی که توسط آزار و اذیت پاپ رومی Apo.6 وقتی مهر پنجم را گشود، جان کسانی را که به خاطر « Apo. 6:9-10: مذهب کاتولیک به قتل رسیدند کلام خدا و شهادتی که داده بودند، زیر مذبح دیدم. آنها با صدای بلند گریه کردند و گفتند: ای استاد مقدس و راستین، تا کی در قضاوت و انتقام خون ما از ساکنان روی زمین تأخیر داری؟ ". بنابراین، خون ریخته شده به ناحق، انتقام از مجرم را می طلبد. این انتقام مشروع خواهد آمد، اما این چیزی است که خداوند منحصرأ برای خود محفوظ است. او در دس 32:35 اعلام می کند: « انتقام و انتقام از آن من است، وقتی پای آنها لغزش کند! زیرا روز قیامت آنها نزدیک است و آنچه در انتظارشان است به تأخیر نمی افتد. » در عیسی ۶۱:۲، همراه با « سال فیض »، « روز انتقام » در برنامه عیسی مسیح آمده است: «... او مرا فرستاد... تا سال فیض را اعلام کنم. یهوه و روز انتقام از خدای ما. تسلی دادن به همه گرفتاران; ... ". هیچ کس نمی توانست بفهمد که " انتشار " این " سال فیض " باید تا 2000 سال از " روز انتقام " جدا شود.

بنابراین، مردگان فقط می توانند به یاد خدایی که یاد او نامحدود است فریاد بزنند.

جنایتی که قابیل مرتکب شد مستحق مجازات است.

« _ . پیدایش

قابیل از روی زمین نفرین خواهد شد و کشته خواهد شد. برای توجیه این نرماش الهی باید بپذیریم که این جنایت اول سابقه نداشت. قابیل نمی دانست کشتن به چه معناست، و این خشم بود که تمام استدلال ها را کور کرد و او را به سمت وحشیگری کشنده سوق داد. اکنون که برادرش مرده است، وضع شده است، Exo.21:12 بشریت دیگر نمی تواند بگوید که مرگ چیست. قانونی که توسط خدا در " سپس به اجرا در خواهد آمد: " کسی که مردی را به مرگ بکشد مجازات مرگ خواهد داشت.

این آیه نیز چنین بیان می کند: « زمینی که دهان گشود تا خون برادرت را از دست تو بگیرد ». خداوند زمین را با دادن دهانی که خون ریخته شده روی آن را جذب می کند، شخصیت می بخشد. سپس این دهان با او صحبت می کند و عمل فانی را که او را آلوده کرد به او یادآوری می کند. این تصویر در تثنیه 26:10 آورده خواهد شد: « زمین دهان خود را گشود و با قورح آنها را بلعید، چون کسانی که جمع شده بودند مردند و آتش دویست و پنجاه مرد را گرفت. آنها به مردم هشدار دهنده خدمت کردند ". سپس در مکاشفه 12:16 خواهد بود: « زمین به زن کمک کرد و زمین دهان خود را گشود و نهری را که از دهان خود بیرون انداخته بود، بلعید. » « رودخانه » نماد اتحادیه های سلطنتی کاتولیک فرانسه است که لشکر نظامی ویژه ایجاد شده از «اژدها»، پروتستان های مومن را مورد آزار و اذیت قرار داده و آنها را به سمت کوه های کشور تعقیب می کنند. این آیه معنایی دوگانه دارد: مقاومت مسلحانه پروتستان، سپس انقلاب خونین فرانسه. در هر دو مورد، تعبیر " زمین دهان خود را باز کرد " آن را به عنوان استقبال از خون انبوه مردم به تصویر می کشد.

« پیدایش . تو سرگردان و سرگردان روی زمین خواهی بود

عذاب قابیل محدود به زمینی است که او اولین کسی بود که با ریختن خون انسان بر آن نجس کرد. انسان که در اصل به صورت خدا آفریده شده است. از آنجا که گناه، ویژگی های خود را از خدا حفظ می کند، اما دیگر پاکی کامل خود را ندارد. فعالیت انسان عمدتاً شامل تولید غذا از طریق کارکردن زمین بود. بنابراین قابیل باید راه های دیگری برای تغذیه بیابد.

« پیدایش 4:13: « قابیل به یهوه گفت: مجازات من برای تحمل آن بزرگتر از آن است

. یعنی: در این شرایط بهتر است خودکشی کنم.

پیدایش 4:14: « اینک، امروز مرا از این زمین بیرون می کنی. من از چهره تو پنهان می شوم، سرگردان و سرگردان در زمین خواهم بود و هر که مرا بیابد مرا خواهد کشت.

در اینجا او اکنون بسیار پرحرف است و وضعیت خود را به عنوان حکم اعدام خلاصه می کند.

پیدایش 4:15: « خداوند به او گفت: اگر کسی قابیل را بکشد، قابیل هفت بار انتقام خواهد گرفت.

». و خداوند علامتی بر قابیل گذاشت تا هر که او را یافت او را نکشد.

خدا که مصمم بود به دلایلی که قبلاً دیده شد جان قابیل را ببخشد، به او گفت که تاوان مرگ او، «انتقام»، «هفت برابر»، سپس «نشانه‌ای» را ذکر می‌کند که او را حفظ می‌کند. تا این حد، خداوند ارزش نمادین عدد «هفت» را پیشگویی می‌کند که نشان‌دهنده سبت و تقدیس استراحت است که در پایان هفته‌ها پیش‌بینی شده بود، در هزاره هفتم پروژه نجات او تحقق کامل خواهد یافت. سبت نشانه تعلق به خدای خالق در حزقی 14:20-20 خواهد بود. و در حزقی 9 «نشانه‌ای» بر کسانی که متعلق به خدا هستند گذاشته شده است تا در ساعت عذاب الهی کشته نشوند. در نهایت، برای تأیید این اصل جدایی محافظت شده، در مکاشفه 7، «نشان»، «مهر خدای زنده» به «مهر زدن بر پیشانی» بندگان خدا می‌آید، و این «مهر و علامت» است. سبت روز هفتم او

پیدایش 4:16: «آنگاه قابیل از روی خداوند خارج شد و در سرزمین نود در شرق عدن ساکن شد.»

قبلاً در شرق عدن بود که آدم و حوا پس از رانده شدن از باغ خدا عقب نشینی کرده بودند. این سرزمین در اینجا نام نود را دریافت می‌کند که به معنای رنج است. بنابراین زندگی قابیل با رنج روحی و جسمی همراه خواهد بود زیرا طرد شدن از چهره خدا حتی در قلب سخت قابیل که در آیه 13 با ترس صورت

پیدایش 4:17: «قابیل همسر خود را می‌شناخت. او حامله شد و خنوخ را به دنیا آورد. سپس شهری ساخت و آن شهر را به نام پسرش خنوخ نامید»

قابیل پدرسالار جمعیت شهری خواهد شد که نام اولین پسرش را به آن می‌دهد: خنوخ که به معنای آغاز کردن، دستور دادن، تمرین کردن و شروع به استفاده از چیزی است. این نام همه چیزهایی را که این افعال نشان می‌دهند خلاصه می‌کند و مناسب است زیرا قابیل و فرزندانش نوعی جامعه بدون خدا را آغاز می‌کنند که تا پایان جهان ادامه خواهد داشت.

« _ . پیدایش

این شجره نامه کوتاه عمداً روی شخصیتی به نام لمک متوقف می‌شود که معنای دقیق آن ناشناخته باقی مانده است، اما کلمه ای که از این ریشه به دست می‌آید مربوط به دستورالعمل‌هایی مانند و همچنین مفهوم قدرت است Enoch نام

« . پیدایش 4:19: «لمک دو زن گرفت: نام یکی آدا و نام دیگری زله»

ما در این لمک اولین نشانه گسست با خدا را می‌یابیم که بر اساس آن "مردی پدر و مادر خود را ترک می‌کند تا به همسر خود بچسبد و هر دو یک تن خواهند شد" (به پیدایش 2:24 مراجعه کنید). اما در لمک، مرد خود را به دو زن می‌بندد و هر سه یک تن خواهند شد. بدیهی است که جدایی از خدا کامل است.

« . پیدایش 4:20: «عده جبال را به دنیا آورد، او پدر ساکنان خیمه‌ها و در کنار گله‌ها بود»

جبل پدرسالار چوپانان عشایری است، همانطور که برخی از مردم عرب هنوز هم هستند

« . پیدایش 4:21: «نام برادرش یوبال بود»

یوبال پدرسالار همه موسیقی دانانی بود که در تمدن‌های بدون خدا جایگاه مهمی دارند، حتی امروز که فرهنگ، دانش و هنرمند پایه‌های جوامع مدرن ما هستند

« . پیدایش . خواهر یوبال قابیل نعمه بود»

این آیه با آموزه‌های رسمی مورخانی که عصر برنز را قبل از عصر آهن فرض می‌کنند، در تضاد است. در حقیقت، به گفته خداوند، انسان‌های اولیه چگونگی آهن‌گری آهن را می‌دانستند، و شاید از زمان خود آدم، چون در متن درباره یوبال قابیل نگفته است که او پدر جعل‌کنندگان آهن بوده است. اما این جزئیات آشکار شده به ما داده می‌شود تا بفهمیم که تمدن از زمان اولین انسان‌ها وجود داشته است. فرهنگ بی‌خدای آنها کمتر از فرهنگ امروزی ما تصفیه شده بود

پیدایش . زنان لمک، سخن مرا بشنوید! مردی را بخاطر زخم کشتم و جوانی را بخاطر کبودی

« . ام

لمک به دو همسر خود مباحثات می‌کند که مردی را کشته است که در قضاوت خدا او را آزار می‌دهد. اما با تکبر و تمسخر می‌افزاید که جوانی را نیز کشته است که در قضاوت خدا وضعیت او را بدتر می‌کند و او را به یک «قاتل» واقعی و متخلف تبدیل می‌کند

« . پیدایش 4:24: «قابیل هفت بار و لمک هفتاد و هفت بار انتقام خواهند گرفت»

سپس نرمنشی را که خداوند نسبت به قابیل نشان داد، مسخره می‌کند. از آنجا که پس از کشتن یک مرد، مرگ قابیل قرار بود «هفت بار» انتقام بگیرد، پس از کشتن یک مرد و یک مرد جوان، لامک «هفتاد و هفت بار» از سوی خدا انتقام خواهد گرفت. ما نمی‌توانیم چنین اظهارات شنیع را تصور کنیم. و خدا می‌خواست برای بشریت آشکار کند که اولین نمایندگان از نسل دوم، یعنی نسل قابیل تا هفتم، یعنی لامک، به بالاترین درجه بی‌تقوا رسیده‌اند. و این نشان او از پیامد جدا شدن از اوست. پیدایش 4:25: «آدم هنوز همسرش را می‌شناخت. و او پسری به دنیا آورد و او را شیث نامید، زیرا گفت: خدا به جای هابیل که قابیل او را کشت، به من نسل دیگری داده است.»

تلفظ می‌شود، پایه و اساس بدن انسان را نشان می‌دهد. «cheth» نام ست که در زبان عبری برخی آن را به عنوان «معادل یا استرداد» ترجمه می‌کنند، اما من نتوانستم توجیهی برای این گزاره در عبری پیدا کنم. بنابراین من "پایه بدن" را حفظ می‌کنم زیرا شیث به ریشه یا پایه اصلی دودمان وفادار تبدیل خواهد شد که ژنرال 6 با عبارت "پسران خدا" تعیین خواهد کرد و فرزندان سرکش از دودمان را به "زنان" واگذار خواهد کرد. قابیل که آنها را فریب می‌دهد، در مقابل، نام "دختران انسان" را فریب می‌دهد.

بزرگ "جدیدی می‌کارد و می‌آورد که در آن هفتمین نسل، خنوخ دیگر، به عنوان نمونه در پیدایش 5:21 تا 24 آورده شده است. او این امتیاز را داشت که پس از مرگ، زنده وارد بهشت شود، بدون اینکه از طریق مرگ سپری شود. 365 سال زندگی زمینی با وفاداری به خدای خالق زندگی کرد. این خنوخ نام خود را به خوبی یدک می‌کشید زیرا «آموزش» او بر خلاف همانماش، پسر لامک، پسر قابیل، برای جلال خدا بود. و هر دو، لامک یاغی و خنوخ عادل «هفتمین» از نسل خود بودند. پیدایش 4:26: «شیث نیز پسری داشت و او را انوش نامید. پس از آن بود که مردم شروع به «صد زدن نام یهوه کردند».

انوش یعنی: مرد، فانی، شریر. این نام به لحظه ای مربوط می‌شود که مردم شروع به صد زدن نام یهوه کردند. آنچه خداوند می‌خواهد با پیوند این دو مطلب به ما بگوید این است که مرد از تبار وفادار به شرارت طبیعت خود که علاوه بر آن فانی است، آگاه شده است. و این آگاهی او را بر آن داشت تا خالق خود را بجوید تا او را گرمی بدارد و عبادتی را که برایش پسندیده است، صادقانه انجام دهد.

پیدایش 5

جدایی از طریق تقدیس

در این فصل 5، خدا دودمانی را گرد هم آورد که به او وفادار ماندند. من مطالعه دقیق فقط آیات اول را به شما ارائه می‌کنم که به ما امکان می‌دهد دلیل این شمارش را که زمان بین آدم و نوح معروف را در بر می‌گیرد درک کنیم.

پیدایش 5:1: «این کتاب نسل آدم است. هنگامی که خداوند انسان را آفرید، او را شبیه خدا ساخت.»

این آیه معیاری را برای فهرست اسامی مردان ذکر شده تعیین می‌کند. همه چیز بر این تذکر استوار است: «هنگامی که خداوند انسان را آفرید، او را شبیه خدا ساخت.» بنابراین باید درک کنیم که برای ورود به این فهرست، انسان باید «مثل خدا» خود را حفظ کرده باشد. بنابراین می‌توانیم بفهمیم که چرا نام‌هایی به مهمی قابیل وارد این فهرست نمی‌شوند. زیرا بحث شباهت ظاهری نیست، بلکه شباهت شخصیت است و فصل 4 به تازگی شباهت قابیل و فرزندان او را به ما نشان داده است. پیدایش 5:2: "او مرد و زن را آفرید و آنها را برکت داد و هنگام خلقت آنها را به نام مرد نامید."

در اینجا نیز یادآوری نعمت خداوند بر زن و مرد به این معناست که نام‌هایی که ذکر می‌شود مورد برکت خداوند بوده است. اصرار خداوند بر خلقت آنها اهمیتی را که او برای شناخته شدن به عنوان

خالق خدایی که بندگان خود را با علامت سبت تقدیس می کند و بقیه آنها را در روز هفتم از تمام هفته هایشان در روز هفتم مشاهده می کنند، برجسته می کند. حفظ برکت خداوند با حرمت روز سبت و تشبیه شخصیت او، شرايطی است که خداوند برای اینکه انسان شایسته لقب «انسان» بماند، لازم است. جدای از این میوه ها، انسان در قضاوت خود به «حیوانی» توسعه یافته و تحصیل کرده تر از سایر گونه ها تبدیل می شود.

پیدایش 5:3: «آدم که صد و سی ساله بود، پسری به شباهت او به دنیا آورد و او را شیث نامید

».

به وضوح بین آدم و شیث، دو نام گم شده است: نام قابیل (که از دودمان وفادار نیست) و هابیل (که بدون نسل مرد). بنابراین معیار انتخاب مبارک نشان داده می شود. همین امر در مورد سایر نام های ذکر شده نیز صدق می کند.

» پیدایش 5:4: «ایام آدم پس از تولد شیث هشتصد سال بود. و پسران و دخترانی آورد

آنچه باید بدانیم این است که آدم قبل از تولد «شیث» و بعد از آن «پسران و دخترانی» به دنیا آورد، اما اینها نه ایمان پدر و نه «شیث» را آشکار ساختند. آنها به «مردان حیوانی» که نسبت به خدای زنده بی وفا و بی احترامی می کردند، پیوستند. بنابراین، پس از مرگ هابیل، در میان تمام کسانی که برای او متولد شدند، «شیث» اولین کسی بود که با ایمان و وفاداری خود به خدای یهوه که پدر زمینی او را آفرید و شکل داد، متمایز شد. ممکن است دیگران پس از او، ناشناس باقی بمانند، از الگوی او پیروی کرده باشند، اما ناشناس می مانند، زیرا فهرست انتخاب شده توسط خدا بر اساس جانشینی اولین مردان وفادار از هر یک از فرزندان ارائه شده ساخته شده است. این توضیح سن بالا، "130 سال" را برای آدم در هنگام تولد پسرش "ست" قابل درک می کند. و این اصل در مورد هر یک از برگزیدگان ذکر شده در فهرست بلندی که به نوح می پردازد، صدق می کند، زیرا سه پسر او: سام، حام و یافث برگزیده نخواهند شد، زیرا به شباهت روحانی او نیستند.

» پیدایش 5:5: «تمام روزهایی که آدم زندگی کرد نهمصد و سی سال بود. سپس مرد

من مستقیماً به هفتمین برگزیده می روم که نامش خنوخ است. خنوخ که شخصیتش مخالف مطلق خنوخ پسر قابیل است.

» پیدایش 5:21: «خنوخ شصت و پنج ساله بود که پدر متوشالچ شد

پیدایش 5:22: «خنوخ پس از تولد متوشالچ، سیصد سال با خدا راه رفت. و پسران و دخترانی

آورد.

» پیدایش 5:23: «تمام ایام خنوخ سیصد و شصت و پنج سال بود

" پیدایش 5:24: «خنوخ با خدا راه می رفت. پس او دیگر نبود، زیرا خدا او را گرفت

با این عبارت خاص از مورد خنوخ است که خداوند آن را به ما آشکار می کند: پیش از غرقان نیز «الیاس» خود را بدون گذر از مرگ به بهشت برده بودند. در واقع، فرمول این آیه با تمام آیه های دیگر که در مورد زندگی آدم به پایان می رسد، با عبارت «سپس مرد» متفاوت است.

بعد متوشله می آید، مردی که طولانی ترین عمر را بر روی زمین، 969 سال، داشت. سپس لمک دیگری از این سلسله برکت خدا

" پیدایش 5:28: "لمک که صد و هشتاد و دو ساله بود، پسری به دنیا آورد

پیدایش 5:29: «او نام خود را نوح نامید و گفت: «این یکی ما را به خاطر خستگی ما و

» سختی کار ما که از این سرزمینی که خداوند لعنت کرده است، تسلی خواهد داد

برای درک معنای این آیه باید بدانید که نام نوح به معنای استراحت است. لمک مطمئناً تصور نمی کرد که گفته هایش تا چه حد محقق شود، زیرا او فقط از زاویه «خستگی ما و کار دردناک دستان ما» «زمین نفرین شده» را می دید. اما در زمان نوح، خدا آن را به دلیل شرارت مردانی که با خود حمل می کند، نابود خواهد کرد، همانطور که پیدایش 6 به ما اجازه می دهد بفهمیم. با این حال، لمک، پدر نوح، فردی برگزیده بود که مانند معدود برگزیدگان زمان خود، باید از مشاهده شرارت مردان اطراف خود متأسف بود.

پیدایش 5:30: «لمک پس از تولد نوح پانصد و نود و پنج سال زندگی کرد. و پسران و

» دخترانی به دنیا آورد

« پیدایش 5:31: « تمام ایام لمک هفتصد و هفتاد و هفت سال بود. سپس مرد می‌کند، زیرا دلایل خوبی برای رد آنها نیز دارد. اغوای آدم توسط همسرش حوا در سراسر بشریت باز تولید می‌شود و از نظر جسمی طبیعی است: دختران مردان را اغوا می‌کنند و آنچه را که می‌خواهند از آنها به دست می‌آورند.

پیدایش 6

جدایی با شکست مواجه می‌شود

« پیدایش 6: 1: « وقتی مردان روی زمین زیاد شدند و دخترانی از آنها به دنیا آمدند طبق درس‌هایی که قبلاً آموخته‌ایم، این کثرت انسانی هنجار حیوانی است که خدا را تحقیر می‌کند، زیرا دلایل خوبی برای رد آنها نیز دارد. اغوای آدم توسط همسرش حوا در سراسر بشریت باز تولید می‌شود و از نظر جسمی طبیعی است: دختران مردان را اغوا می‌کنند و آنچه را که می‌خواهند از آنها به دست می‌آورند.

پیدایش 6:2: « پسران خدا دیدند که دختران انسان زیبا هستند، و از میان همه کسانی که انتخاب کردند، به همسری گرفتند

اینجاست که همه چیز پیچیده می‌شود. جدایی بین کافران مقدس و بی‌دین در نهایت از بین می‌رود. مقدس‌هایی که در اینجا به‌طور منطقی «پسرهای خدا» نامیده می‌شوند، تحت اغوای «دختران انسان» یا گروه انسانی «حیوان» قرار می‌گیرند. بنابراین، اتحاد از طریق ازدواج باعث فروپاشی جدایی مورد نظر و مورد نظر خداوند می‌شود. این تجربه فراموش نشدنی بود که بعداً باعث شد که پسران اسرائیل از همسر گرفتن زنان خارجی منع شوند. سیلی که به وجود می‌آید نشان می‌دهد که تا چه اندازه باید این ممنوعیت را رعایت کرد. برای هر قانون، استثناهایی وجود دارد، زیرا برخی از زنان خدای واقعی را با شوهر یهودی مانند روت گرفتند. خطر این نیست که زن خارجی باشد، بلکه خطر این نیست که او یک «پسر خدا» را به ارتداد بت پرستی سوق دهد و او را به مذهب سنتی بت پرستی منشأ خود بپذیرد. علاوه بر این، برعکس آن نیز ممنوع است، زیرا زن «دختر خدا» با ازدواج با «پسر مردان» «حیوان» و دین باطل که برای او خطرناکتر است، خود را در خطر مرگ قرار می‌دهد. زیرا هر «زن» یا «دختر» تنها در طول زندگی خود بر روی زمین «زن» است و برگزیدگان میان آنها مانند مردان، بدن آسمانی غیرجنسی مشابه فرشتگان خدا دریافت خواهند کرد. ابدیت تک جنسیتی و تصویری از شخصیت عیسی مسیح، الگوی کامل الهی است.

مشکل ازدواج همچنان پابرجاست. زیرا کسی که با کسی که از دین او نیست ازدواج کند، بر خلاف ایمان خود شهادت می‌دهد، خواه درست باشد یا باطل. علاوه بر این، این عمل نشان دهنده بی‌تفاوتی نسبت به دین و در نتیجه نسبت به خود خداوند است. برگزیدگان باید بیش از هر چیز خدا را دوست داشته باشند تا شایسته انتخاب باشند. اما اتحاد با بیگانه برای او ناخوشایند است، منتخبی که آن را منعقد می‌کند شایسته انتخاب نمی‌شود و ایمانش متکبران می‌شود، توهمی که به سرخوردگی وحشتناک ختم می‌شود. باقی مانده است که کسر نهایی را انجام دهیم. اگر ازدواج همچنان این مشکل را ایجاد می‌کند، به این دلیل است که جامعه بشری امروزی خود را در همان وضعیت بد اخلاقی دوران نوح می‌بیند. بنابراین، این پیام برای آخرین زمان ما است که در آن دروغ بر ذهن‌های انسانی که کاملاً به «حقیقت الهی» بسته می‌شوند، تسلط دارد.

به دلیل اهمیت آن برای «آخرین زمان» ما، خدا مرا هدایت کرد تا در نهایت این پیام نازل شده در این شرح پیدایش را توسعه دهم. زیرا تجربه برگزیدگان قبل از غبار با یک «آغاز» شاد و یک «پایان» غم‌انگیز در ارتداد و نفرت خلاصه می‌شود. با این حال، این تجربه همچنین خلاصه‌ای از آخرین کلیسای آن در شکل نهادی آن «آدونتیست روز هفتم» است، که به‌طور رسمی و تاریخی در سال 1863 مورد برکت قرار گرفت، اما از نظر معنوی در سال 1873، در «فیلادفیا»، در مکاشفه 3: 7، برای «آغاز» آن. و توسط عیسی مسیح در مکاشفه 3:14، در «لائودیسه» در سال 1994، در «پایان» او، به دلیل ولرم فرمالیستی او و به دلیل اتحاد او با اردوگاه دشمن جهانی در سال 1995، «استفراغ» کرد. بنابراین تأیید خدا برای این نهاد مذهبی مسیحی با «یک آغاز و یک پایان» مشخص می‌شود. اما همانطور که عهد یهود توسط دوازده حواری که توسط عیسی انتخاب شده بود ادامه یافت، کار آدونتیست

نیز توسط من و همه کسانی که این شهادت نبوی را دریافت می‌کنند و کارهای ایمانی را باز تولید می‌کنند ادامه می‌یابد که در ابتدا خداوند در پیشگامان ادونتیسیم در سال 1843 برکت داده است. 1844. تصریح می‌کنم که خداوند انگیزه‌های ایمان آنها را برکت داده است و نه معیار تفسیرهای نبوی آنها را که بعداً زیر سؤال رفت. تمرین روز سبت که احتمالاً رسمی و سنتی می‌شود، غربال داوری خدا دیگر چیزی جز عشق به حقیقت که در برگزیدگان او ذکر شده است، «از ابتدا تا انتها» یا تا زمان بازگشت با شکوه واقعی مسیح، برکت نمی‌دهد. آخرین بار در بهار 2030

با معرفی خود در مکاشفه 1: 8 به عنوان «آلفا و امگا»، کلیدی برای درک ساختار و جنبه‌ای که در سراسر کتاب مقدس به ما آشکار می‌کند، به ما آشکار می‌کند، «قضاوت» او، همیشه بر اساس مشاهده وضعیت «آغاز» و آنچه در «پایان» یک زندگی، یک اتحاد یا یک کلیسا ظاهر می‌شود. این آمده است که در آن کلماتی که خدا بر روی دیوار نوشته است، «شمرده، شماره گذاری Dan.5 اصل در شده» و به دنبال آن «وزن و تقسیم شده» نشان دهنده «شروع» زندگی پادشاه بلشصر و زمان «پایان» آن است. به این ترتیب خداوند تأیید می‌کند که قضاوت او مبتنی بر کنترل دائمی موضوع مورد قضاوت است. او از «آغاز» یا «آلفا» تا «پایان»، «امگا» تحت نظر او بود.

در کتاب مکاشفه و در مضمون نامه‌های خطاب به «هفت کلیسا»، همین اصل «آغاز و پایان» همه «کلیساهای» مربوطه را مشخص می‌کند. اول، کلیسای حواری را می‌یابیم که «آغاز» باشکوه آن در پیامی که به «افسس» تحویل داده شده است، یادآوری می‌شود و در آن «پایان» آن را در معرض خطر عقب نشینی روح خدا به دلیل عدم غیرتش قرار می‌دهد. خوشبختانه، پیامی که در «اسمیرنا» قبل از 303 ارائه شد، گواهی می‌دهد که دعوت مسیح به توبه برای جلال خدا شنیده خواهد شد. سپس، کلیسای کاتولیک پاپ رومی در «پرگاموم» در سال 538 آغاز می‌شود و در «تیاتیرا» در زمان اصلاحات پروتستانی، به ویژه به طور رسمی مرگ پاپ پیوس 6 در زندان والنسیا، در شهر من، به پایان می‌رسد. در فرانسه، در سال 1799. سپس مورد ایمان پروتستان است که تأیید آن توسط خدا نیز محدود به زمان است. «آغاز» آن در «تیاتیرا» ذکر شده است و «پایان» آن در «ساردس» در سال 1843 به دلیل اجرای آن در روز یکشنبه که از دین روم به ارث رسیده است، آشکار شده است. عیسی نمی‌تواند واضح تر باشد، پیام او «تو مرده ای» به سردرگمی منجر نمی‌شود. و سوم، تحت «فیلاذلفیا و لائودیسه»، مورد ادونتیسیم نهادی که قبلاً دیدیم، موضوع پیام‌های خطاب به «هفت کلیسا» و زمان دوران‌هایی را که نماد آنها هستند، می‌بندد.

خدا امروز با آشکار ساختن نحوه قضاوت او درباره چیزهایی که قبلاً انجام شده بود، و از «آغاز» مانند پیدایش، کلیدهایی را به ما می‌دهد تا بفهمیم او چگونه حقایق و کلیساهای را در زمان ما قضاوت می‌کند. بنابراین، «قضایی» که از مطالعه ما بیرون می‌آید، «مهر» روح الوهیت آن را دارد.

« _ . پیدایش

کمتر از 10 سال قبل از بازگشت مسیح، این پیام امروز موضوعیت شگفت‌انگیزی به خود می‌گیرد. روح زندگی که خدا داده است «تا ابد در انسان باقی نخواهد ماند، زیرا انسان جسم است و روزهای او صد و بیست و نه سال خواهد بود.» در واقع این معنایی نبود که خداوند به سخنانش داده بود. مرا درک کن و او را درک کن: خداوند از پروژه شش هزار ساله خود در دعوت و انتخاب برگزیدگان چشم پوشی نمی‌کند. مشکل او در طول عمر بسیار زیادی است که از زمان آدم که در 930 سالگی درگذشت به ضد غرقان داد؛ پس از او، متوشلا دیگری تا 969 سال عمر خواهد کرد. اگر 930 سال وفا باشد، قابل تحمل و حتی مورد رضایت خداوند است، اما اگر لمک متکبر و منفور باشد، خداوند تخمین می‌زند که به طور متوسط 120 سال تحمل او را بس است. این تفسیر توسط تاریخ تأیید شده است، زیرا از زمان پایان سیل، طول عمر انسان در زمان ما به طور متوسط به 80 سال کاهش یافته است.

پیدایش 4:6: «در آن روزها غولها بر روی زمین بودند و همچنین پس از اینکه پسران خدا نزد دختران انسان آمدند و برای آنها فرزندان به دنیا آوردند: اینها قهرمانانی هستند که در دوران باستان مشهور بودند.

من مجبور شدم دقت و همچنین "را از متن عبری اضافه کنم، زیرا معنای پیام تغییر یافته است. خدا به ما آشکار می‌کند که اولین آفرینش او در دوران قبل از غبار یک استاندارد غول پیکر بود، خود آدم باید تقریباً 4 یا 5 متر قد داشته باشد. مدیریت سطح زمین تغییر کرده و کاهش می‌یابد. یک قدم

از این " غول ها " ارزش پنج قدم ما را داشت و او باید پنج برابر بیشتر از یک انسان امروزی از زمین غذا می گرفت. بنابراین، زمین اصلی به سرعت در سراسر سطح آن آباد و سکنه شد. دقت « و همچنین « به ما می آموزد که این معیار « غول ها » توسط اتحاد تقدیس شدگان و طردشدگان، « پسران خدا » و دختران انسان ها « اصلاح نشده است. بنابراین، نوح خودش غول 4 تا 5 متری بود و همچنین فرزندان و همسرانشان. در زمان موسی، این معیارهای پیش از غبار هنوز در سرزمین کنعان یافت می شد، و این غول ها، «آناکیم ها» بودند که جاسوسان عبری فرستاده شده به این سرزمین را به وحشت انداختند

پیدایش 6:5: « خداوند دید که شرارت مردم در زمین زیاد است، و همه فکرهای دلشان هر روز فقط به سوی شر است

چنین مشاهده ای تصمیم او را قابل درک می کند. یادآوری می کنم که او زمین و انسان را آفرید تا این شرارت نهفته در افکار موجودات آسمانی و زمینی خود را آشکار کند. بنابراین تظاهرات مطلوب حاصل شد زیرا " تمام افکار قلب آنها هر روز فقط به سوی شر معطوف بود

پیدایش 6:6: « یهوه از اینکه انسان را بر روی زمین آفریده توبه کرد و در دل خود غمگین شد

». دانستن از قبل آنچه قرار است اتفاق بیفتد یک چیز است، اما تجربه آن در تحقق آن چیز دیگری است. و در مواجهه با واقعیت تسلط بر شر، اندیشه توبه یا به عبارت دقیقتر پشیمانی می تواند لحظه ای در ذهن خدا پدید آید که رنج او در برابر این بلای اخلاقی عظیم است

پیدایش 6:7: « خداوند گفت: «مردی را که آفریده ام از روی زمین از انسان گرفته تا گاو و خزندگان و پرندگان آسمان نابود خواهم کرد. زیرا من از انجام آنها توبه می کنم

درست قبل از طوفان، خداوند به پیروزی شیطان و شیاطینش بر روی زمین و ساکنان آن اشاره می کند. برای او این مصیبت وحشتناک بود، اما او به تظاهراتی دست یافت که می خواست به دست آورد. تنها چیزی که باقی می ماند این است که این اولین شکل از زندگی را که در آن مردان بیش از حد طولانی زندگی می کنند و در اندازه های غول پیکر بسیار قدرتمند هستند، نابود کنیم. حیوانات زمینی نزدیک به انسان مانند دام، خزندگان و پرندگان هوا باید برای همیشه با آنها ناپدید شوند

». پیدایش 6:8: « اما نوح فیض یافت در چشم یهوه او تنها کسی بود که در حضور خدا فیض یافت، فرزندان و همسرانشان Eze.14 و طبق گفته شایسته نجات نیستند

پیدایش 6:9: « اینها نسل نوح هستند. نوح در زمان خود مردی عادل و درستکار بود. نوح با خدا راه رفت

مانند ایوب، نوح توسط خداوند « عادل و درستکار » قضاوت می شود. و مانند خنوخ عادل پیش از او، خداوند به او « راه رفتن » با او را نسبت می دهد

" . پیدایش 6:10: " نوح سه پسر آورد: سام، حام و یافت

مطابق با پیدایش 5:22، 500 سال سن داشت، " نوح سه پسر آورد: سام، حام و یافت ". این پسران بزرگ خواهند شد، مرد خواهند شد و زن خواهند گرفت. بنابراین وقتی نوح باید کشتی را بسازد، پسرانش به او کمک خواهند کرد. از زمان تولد آنها تا طوفان 100 سال می گذرد. این ثابت می کند که « 120 سال» آیه 3 مربوط به زمانی نیست که به او داده شده تا ساخت و ساز خود را تکمیل کند

" . پیدایش 6:11: " زمین در برابر خدا فاسد بود، زمین پر از خشونت بود

فساد لزوماً خشونت آمیز نیست، اما وقتی خشونت آن را مشخص و مشخص می کند، رنج خدای مهربان شدید و غیر قابل تحمل می شود. این خشونت که به او ج خود رسید، از آن نوع است که لامک در «. پیدایش 4:23 به آن مباحثات کرد: « مردی را به خاطر زخم و جوانی را به خاطر کبودی ام کشته ام

پیدایش 6:12: « و خدا به زمین نگاه کرد و اینک فاسد بود. زیرا تمام انسانها راه خود را بر روی زمین فاسد کرده بودند

در کمتر از 10 سال، خداوند دوباره به زمین نگاه خواهد کرد و آن را در همان حالتی که در زمان سیل یافت می شود، خواهد یافت، " همه گوشت ها راه خود را فاسد کرده اند ". اما شما باید بفهمید که خداوند وقتی از فساد صحبت می کند، چه معنایی دارد. زیرا اگر مرجع این کلمه انسان باشد، پاسخ ها به اندازه نظرات در مورد موضوع است. با خدای خالق پاسخ ساده و دقیق است. او همه انحرافات را که زن و مرد به نظم و قواعدی که خود وضع کرده است، فساد می نامد: در فساد، دیگر نه مرد نقش مرد و

نه زن نقش زن را بر عهده می‌گیرد. مورد لمک، بیگمیست، از نوادگان قابیل، نمونه است، زیرا هنجار الهی به او می‌گوید: «مرد پدر و مادرش را رها می‌کند تا به همسرش بچسبند». ظاهر ساختار بدن آنها نقش زن و مرد را آشکار می‌کند. اما برای درک بهتر نقش چیزی که به عنوان «کمک» به آدم داده می‌شود، تصویر نمادین آن از کلیسای مسیح به ما پاسخ می‌دهد. کلیسا چه کمکی می‌تواند به مسیح بکند؟ نقش او شامل افزایش تعداد نجات یافتگان برگزیده و موافقت برای رنج بردن برای او است. برای زنی که به آدم داده شده نیز همینطور است. بدون قدرت عضلانی آدم، نقش او به دنیا آوردن و بزرگ کردن فرزندان او است تا زمانی که آنها به نوبه خود خانواده‌ای پیدا کنند و بدین ترتیب زمین آباد خواهد شد، طبق دستور خداوند در پیدایش 1:28: «و خدا آنها را برکت داد و خدا به آنها گفت: بارور شوید و زیاد شوید و زمین را پر کنید و آن را مسلط کنید. و بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر موجود زنده‌ای که بر روی زمین حرکت می‌کند تسلط داشته باشید.» زندگی مدرن در انحراف خود به این هنجار پشت کرده است. زندگی متمرکز شهری و اشتغال صنعتی در کنار هم نیاز روزافزون به پول را ایجاد کردند. این امر باعث شده است که زنان نقش مادری خود را کنار بگذارند و در کارخانه‌ها یا مغازه‌ها کار کنند. بچه‌ها با تربیت ضعیف، دمدمی مزاج و خواستار شده‌اند و میوه‌ای از خشونت را در سال 2021 تولید می‌کنند و کاملاً با توصیفی که پولس به تیموتائوس در 2 تیموتائوس 3: 1 تا 9 داده است مطابقت دارند. من از شما می‌خواهم که برای مطالعه وقت بگذارید با تمام توجهی که سزاوار آن هاست، دو رساله‌ای که او خطاب به تیموتائوس می‌کند، تا در این نامه‌ها معیارهای تعیین شده توسط خدا را از ابتدا بیابید، زیرا می‌داند که او تغییر نمی‌کند و تا بازگشت آن تغییر نخواهد کرد. برای شکوه در بهار 2030

پیدایش. زیرا آنها زمین را پر از خشونت کرده‌اند. اینک من آنها را با زمین هلاک خواهم کرد

».

با استقرار شر به طور غیرقابل برگشت، نابودی ساکنان زمین تنها کاری است که خدا می‌تواند انجام دهد. خدا پروژه وحشتناک خود را به تنها دوست زمینی خود می‌شناسد زیرا تصمیم او گرفته شده و قطعی شده است. ما باید به سرنوشت خاصی که خدا به خون می‌دهد، تنها کسی که بدون گذر از مرگ وارد ابدیت می‌شود، و نوح، تنها انسانی که شایسته زنده ماندن از سیل نابودگر است، می‌پردازیم. زیرا در کلام او خداوند می‌فرماید: «آنها دارند...» و «من آنها را نابود خواهم کرد.» چون نوح وفادار ماند، تصمیم خدا تحت تأثیر قرار نگرفت.

پیدایش 6:14: «برای خود صندوقی از چوب نرم بساز. این کشتی را به صورت سلول‌ها

» می‌چینی و آن را با قیر از داخل و خارج می‌پوشانی

نوح باید زنده بماند و نه او به تنهایی زیرا خدا می‌خواهد که زندگی مخلوق او تا پایان 6000 سال انتخاب پروژه او ادامه یابد. برای حفظ حیات منتخب در هنگام طغیان آب، باید یک کشتی شناور ساخته شود. خداوند دستورات خود را به نوح می‌دهد. از چوب نرم مقاوم در برابر آب استفاده می‌شود و قوس با پوششی از زمین، رزین گرفته شده از کاج یا صنوبر، ضد آب می‌شود. او سلول‌هایی خواهد ساخت تا هر گونه به طور جداگانه زندگی کند تا از رویارویی استرس‌زا برای حیوانات در کشتی جلوگیری کند. اقامت در کشتی یک سال تمام طول می‌کشد، اما کار توسط خدا هدایت می‌شود که هیچ جلوگیری از او غیر ممکن نیست.

پیدایش 6:15: «آن را اینگونه خواهی ساخت: تابوت سبب ذراع طول، پنجاه ذراع عرض، و

» سی ذراع ارتفاع خواهد داشت

اگر «ذراع» یک گول بود، می‌توانست پنج برابر عبرانیان باشد که تقریباً 55 سانتی متر بود.

خداوند این ابعاد را در معیاری که عبرانیان و موسی که این گزارش را از خدا دریافت کرده بودند، نشان داد. بنابراین طاق ساخته شده 165 متر طول و 27.5 متر عرض و 16.5 متر ارتفاع داشت. طاق مستطیل شکل از این رو اندازه چشمگیر بود اما توسط مردانی ساخته شده بود که اندازه آنها به آن مربوط می‌شد. زیرا ما به نسبت ارتفاع آن، سه طبقه تقریباً پنج متری برای مردانی که خود بین 4 تا 5 متر قد داشتند، پیدا کردیم.

پیدایش. _ _ _ در کنار کشتی دری برپا کن. و شما یک طبقه پایین تر، یک دوم و یک سوم

» . خواهی ساخت

بر اساس این توصیف، تنها « در » کشتی در سطح طبقه اول « کنار کشتی » قرار داشت. طبق تابوت کاملاً بسته بود و در زیر سقف طبقه سوم، یک پنجره واحد به ارتفاع و عرض 55، 6، Gen.8:8 سانتی متر تا پایان سیل بسته می شد. ساکنان کشتی در تمام طول سیل در تاریکی و نور مصنوعی چراغ های نفتی زندگی می کردند.

« پیدایش . همه چیز روی زمین از بین خواهد رفت

خدا می خواهد با این ویرانی پیام هشدار را برای مردانی بگذارد که پس از سیل و تا زمان بازگشت با شکوه عیسی مسیح در پایان 6000 سال پروژه الهی، زمین را دوباره جمع آوری خواهند کرد. تمام زندگی با هنجار ضد عرفایی خود ناپدید خواهد شد. زیرا پس از سیل، خداوند به تدریج اندازه موجودات زنده اعم از انسان و حیوان را به اندازه پیگمی آفریقا کاهش خواهد داد.

پیدایش 6:18: « اما من عهد خود را با شما می بندم. تو و پسرانت، همسرت و زنان پسرانت با » . تو وارد کشتی خواهی شد

هشت نفر از طوفان آینده هستند، اما هفت نفر از آنها از نعمت خاص و فردی نوح بهره می برند. این دلیل در حزقی 14: 19-20 ظاهر می شود، جایی که خداوند می فرماید: « یا اگر طاعونی به این سرزمین بفرستم و خشم خود را به وسیله فنا بر آن بریزم تا انسان و حیوان را از آن هلاک کنم، و نوح در میان او بود . دانیال و ایوب، من زندگی می کنم! خداوند یهوه می گوید، پسران یا دختران را نجات خواهند داد، بلکه با عدالت خود جان خود را نجات خواهند داد .» آنها برای سکونت مجدد زمین مفید خواهند بود، اما از آنجایی که در سطح روحانی نوح نیستند، نقص خود را وارد دنیای جدید می کنند که طولی نمی کشد تا ثمرات بد خود را به بار آورد.

پیدایش 6:19: « از هر جاندار، از هر جسم، دو نفر از هر نوع را به تابوت بیاور تا آنها را نزد » . خود زنده نگهدار، یک نر و یک ماده باشد

یک زوج در هر گونه " از هر چیزی که زندگی می کند " فقط هنجار لازم برای تولید مثل است، اینها تنها بازماندگان در میان جنس حیوانات زمینی خواهند بود.

پیدایش 6:20: « از پرندگان برحسب جنسشان و از چهارپایان برحسب جنسشان و از هر خزنده » . زمین برحسب نوعشان، دو تا از هر نوع نزد تو خواهند آمد تا حفظ کنی. زندگی آنها

در این آیه خداوند در شمارش خود از حیوانات وحشی نامی نمی برد، اما در پیدایش 7:14 از آنها به عنوان سوار بر کشتی یاد می شود.

پیدایش 6:21: « و شما از تمام غذایی که خورده می شوید، آن را نزد خود ذخیره کنید تا برای » . شما و آنها غذا باشد

غذای مورد نیاز برای غذا دادن به هشت نفر و تمام حیواناتی که به مدت یک سال سوار کشتی می شدند، باید جای بزرگی در کشتی اشغال می کردند.

« پیدایش 6:22: « نوح چنین کرد: هر چه خدا به او دستور داده بود به انجام رساند

نوح و پسرانش با وفاداری و حمایت خداوند وظیفه ای را که خداوند به او داده بود انجام دادند. و در اینجا، باید به یاد داشته باشیم که زمین یک قاره است که فقط توسط رودخانه ها و رودخانه ها آبیاری می شود. در منطقه کوه آرارات که نوح و پسرانش در آن زندگی می کنند، فقط یک دشت وجود دارد و هیچ دریایی وجود ندارد، بنابراین معاصران او نوح را می بینند که یک ساختمان شناور در وسط قاره ای بدون دریا می سازد. سپس می توانیم تمسخر، کنایه را تصور کنیم. و توهین هایی که مجبور بودند گروه کوچکی را که خداوند برکت داده بود، باران کنند. اما مسخره گران به زودی از تمسخر برگزیده دست بر می دارند و در آب های سیلابی غرق می شوند که نمی خواستند آن را باور کنند.

پیدایش 7

جدایی نهایی سیل

پیدایش 7:1: « خداوند به نوح گفت: تو و تمام خاندانت به کشتی بیا. زیرا تو را در میان این « . نسل پیش از خود دیده ام

لحظه حقیقت فرا می رسد و جدایی نهایی خلقت انجام می شود. با « ورود به کشتی » جان نوح و خانواده اش نجات خواهد یافت. بین کلمه « کشتی » و « عدالت » که خداوند به نوح نسبت داده است، ارتباطی وجود دارد. این پیوند از « کشتی شهادت » آینده می گذرد که صندوق مقدس حاوی « عدالت » خداوند خواهد بود که به صورت دو جدول بیان می شود که انگشت او « ده فرمان » او را بر روی آن حک می کند. در این مقایسه، نوح و یارانش به اندازه ای برابر نشان داده می شوند که همه آنها با ورود به کشتی از نجات سود می برند، حتی اگر نوح تنها کسی باشد که شایسته است با این قانون الهی شناخته شود، همانطور که دقت الهی نشان می دهد: « من دیدم . حق یا شماست . » بنابراین نوح با شریعت الهی که قبلاً در اصول آن به بندگان قبل از غبار تعلیم داده شده بود، کاملاً مطابقت داشت

پیدایش 7:2: « هفت جفت از همه حیوانات پاک، نر و ماده او را نزد خود ببرید. جفت حیوانی « . که پاک نیست، نر و ماده او

ما در یک زمینه ضد غرق هستیم و خدا تمایز بین حیوان طبقه بندی شده " پاک یا ناپاک " را برمی انگیزد. بنابراین، این معیار به قدمت خلقت زمین است و در لایوان 11، خدا فقط این معیارهایی را که از ابتدا تعیین کرده بود، یادآوری کرده است. بنابراین، خدا، مانند « سبت »، دلایل خوبی دارد تا از برگزیدگان خود در روزگار ما، احترام به چیزهایی را بخواهد که نظم مستقر او را برای انسان جلال می بخشد. خداوند با انتخاب « هفت زوج پاک » برای « نجس » مجرد، ترجیح خود را به پاکی نشان می دهد که با « مهر » خود، عدد « 7 » تقدیس زمان پروژه دنیوی خود را نشان می دهد

پیدایش 7:3: « هفت جفت از پرندگان آسمان، نر و ماده، تا نژاد خود را بر روی تمام زمین « . زنده نگه دارند

به دلیل تصویری که از زندگی بهشتی فرشته دارند، " هفت جفت " از " پرندگان آسمان " نیز نجات می یابند

پیدایش 7:4: « هفت روز دیگر، چهل روز و چهل شب بر زمین باران خواهم فرستاد و هر « . موجودی را که ساخته ام از روی زمین نابود خواهم کرد

عدد « هفت » (7) همچنان ذکر شده است که « هفت روز » را مشخص می کند که لحظه ورود حیوانات و انسان ها به کشتی را از اولین ریزش آب جدا می کند . خداوند « 40 روز و 40 شب » باران بی وقفه می بارد . این عدد "40" مربوط به آزمون است. این مربوط به « 40 روز » فرستادن جاسوسان عبری به سرزمین کنعان و « 40 سال » زندگی و مرگ در بیابان در نتیجه امتناع آنها از ورود به سرزمین پر جمعیت غولها خواهد بود. و عیسی پس از ورود به خدمت زمینی خود، پس از " 40 روز و 40 شب " روزه به وسوسه شیطان تسلیم خواهد شد . همچنین بین رستاخیز مسیح و ریزش روح القدس در پنطیکاست " 40 روز " وجود خواهد داشت .

از نظر خدا هدف از این باران سیل آسا نابود کردن موجوداتی است که او ساخته است . بنابراین او به یاد می آورد که به عنوان خدای خالق، زندگی همه مخلوقاتش به او تعلق دارد تا آنها را نجات دهد یا نابود کند. او می خواهد به نسل های آینده درس تلخی بدهد که نباید فراموش کنند

« . پیدایش 7:5: « نوح هر آنچه را که خداوند به او دستور داده بود، انجام داد

. نوح مؤمن و مطیع خدا را ناامید نکرد و هر چه را که به او امر کرد به انجام رساند

« . پیدایش 7:6: « نوح ششصد ساله بود که طوفان آب بر زمین آمد

جزئیات دیگر در مورد زمان داده خواهد شد، اما در حال حاضر این آیه طوفان را در 600 سال

زندگی نوح قرار می دهد. از تولد اولین پسرش در 500 سالگی، 100 سال می گذرد

پیدایش 7:7: « و نوح با پسران و همسرش و زنان پسرانش وارد کشتی شد تا از آب طوفان « . بگریزند

. تنها هشت نفر از سیل نجات خواهند یافت

پیدایش 7:8: « میان جانوران پاک و جانورانی که پاک نیستند، پرندگان و هر آنچه بر روی « ، زمین حرکت می کند

خداوند مثبت است. وارد کشتی شوید، دو تا از « هر چیزی که روی زمین حرکت می کند » تا نجات پیدا کنید. اما کدام « زمین »، قبل از غرق شدن یا پس ابرجام؟ زمان حال فعل « حرکت می کند »

حکایت از زمین پسابرجام زمان موسی دارد که خداوند در داستان خود به آن می‌پردازد. این ظرافت می‌تواند رها شدن و نابودی کامل برخی از گونه‌های هیولا، ناخواسته در زمینی که مجدداً مسکونی شده‌اند را توجیه کند، اگر آنها قبل از سیل وجود داشته‌اند.

پیدایش 7: 9: " او با نوح، دو به دو، یک نر و یک ماده، همانطور که خدا به نوح دستور داده بود، وارد کشتی شد "

این اصل به حیوانات مربوط می‌شود، بلکه به سه زوج انسانی که توسط سه پسر او و همسرانشان و همسر خود او و همسرش مربوط می‌شود، تشکیل شده است. انتخاب خدا برای انتخاب تنها زوج ها، نقشی را که خداوند به آنها خواهد داد، برای ما آشکار می‌کند: تولید مثل و تکثیر.

« پیدایش 7:10: » هفت روز بعد آبهای سیل روی زمین آمد

با توجه به این توضیح، ورود به کشتی در دهمین روز از ماه دوم از ششصدمین سال زندگی نوح، یعنی 7 روز قبل از هفدهم که در آیه 11 آمده است، صورت گرفت. در این دهمین روز بود که خداوند خود « در کشتی را بر روی تمام سرنشینان آن، طبق دقت ذکر شده در آیه 16 این فصل 7 بست

پیدایش 7:11: » در ششصدمین سال زندگی نوح، در ماه دوم، در روز هفدهم ماه، در آن روز « همه چشمه‌های اعماق بزرگ فوران کرد و درهای آسمان ریخته شد. باز شد

خداوند " روز هفدهم ماه دوم " سال 600 نوح را برای " گشودن پنجره های بهشت " انتخاب کرد. عدد 17 نماد قضاوت در کد عددی کتاب مقدس و پیشگویی های آن است

محاسباتی که توسط توالی منتخب ژنرال 6 ایجاد شد، سیل را در سال 1656، از زمان گناه حوا و آدم، یعنی 4345 سال قبل از بهار سال 6001 پایان جهان، قرار می‌دهد که در سال 1396 انجام خواهد شد. تقویم معمول ما در بهار 2030 و 2345 سال قبل از مرگ کفاره عیسی مسیح که در 30 آوریل 30 تقویم انسانی دروغین و گمراه کننده ما رخ داد

تجدید خواهد شد. خداوند با برانگیختن نقش مکمل « سرچشمه های Gen.8:2 توضیح زیر در اعماق » در این آیه، به ما وحی می‌کند که سیل تنها ناشی از بارش باران از آسمان نبوده است. با علم به اینکه « پرتگاه » زمین را از روز اول خلقت کاملاً تحت پوشش آب قرار داده است، « منابع » آن حکایت از افزایش سطح آب ناشی از خود دریا دارد. این پدیده با تغییر سطح کف اقیانوس به دست می‌آید که با بالا رفتن سطح آب را بالا می‌برد تا به سطحی برسد که در روز اول کل زمین را پوشانده بود. از طریق غرق شدن پرتگاه‌های اقیانوس‌ها بود که در روز سوم خشکی از آب بیرون آمد و با یک عمل معکوس بود که خشکی توسط آب‌های سیلاب پوشانده شد. بارانی که « سیلاب های بهشت » نامیده می‌شود، تنها به این معنا بود که عذاب از آسمان، از سوی خدای بهشتی آمده است. بعداً این تصویر « قفل بهشت » نقش متضاد برکاتی را خواهد گرفت که از همان خدای آسمانی می‌آید

" پیدایش 7:12: " باران چهل روز و چهل شب بر زمین بارید

این پدیده باید گناهکاران بی ایمان را شگفت زده کرده باشد. به خصوص که قبل از این سیل باران وجود نداشت. زمین قبل از غرق شدن از نهرها و رودخانه های آن آبیاری و سیراب می‌شد. بنابراین باران لازم نبود، شبم صبح جایگزین آن شد. و این توضیح می‌دهد که چرا کافران از زمانی که او کشتی را بر روی زمین خشک ساخته است، در باور به طوفان آب که توسط نوح اعلام شده بود، چه در گفتار و چه در عمل، مشکل داشتند

زمان " 40 روز و 40 شب " زمان آزمایش را هدف قرار می‌دهد. به نوبه خود، اسرائیل جسمانی که از مصر خارج شده بود، در زمان غیبت موسی که در این دوره توسط خدا نزد او بود، آزمایش خواهد شد. نتیجه «گوساله طلایی» خواهد بود که با توافق هارون، برادر جسمانی موسی، نوب شده است. سپس « 40 روز و 40 شب » کاوش در سرزمین کنعان خواهد بود و در نتیجه، مردم از ورود به آن به دلیل غول‌هایی که در آن ساکن هستند، خودداری می‌کنند. عیسی نیز به نوبه خود « چهل روز و چهل شب » مورد آزمایش قرار می‌گیرد، اما این بار، اگرچه از این روزه طولانی ضعیف شده است، در برابر شیطنانی که او را وسوسه می‌کند، مقاومت می‌کند و در نهایت او را بدون کسب پیروزی ترک می‌کند. برای عیسی، این چیزی بود که خدمت زمینی او را ممکن و مشروع کرد

پیدایش 7:13: « در همان روز نوح، سام، حام، و یافث، پسران نوح، و همسر نوح، و سه زن پسرانش با آنها، به کشتی آمدند

این آیه انتخاب هر دو جنس موجودات زمینی انسان را برجسته می‌کند. هر انسان نر با " یاور خود "، ماده او به نام " همسر " همراه است. به این ترتیب، هر یک از زوجین خود را در تصویر مسیح و کلیسای او، "کمک او"، برگزیده او که او را نجات خواهد داد، نشان می‌دهد. زیرا پناه «کشتی» اولین تصویر نجاتی است که برای انسان آشکار خواهد کرد.

پیدایش 7:14: « آنها و هر جانور بر حسب نوع خود، همه گاوها بر حسب نوع خود، هر خزنده ای که بر روی زمین می‌خزند بر حسب نوع خود، هر پرنده بر حسب جنس خود، هر پرنده کوچک، هر بال و بال .

با تأکید بر کلمه « نوع » قوانین طبیعت خود را یادآور می‌شود که بشریت در زمان آخر ما از رقابت، تجاوز و زیر سوال بردن حیوانات و حتی انسان لذت می‌برد. هیچ مدافعی بزرگتر از پاکی گونه نمی‌تواند وجود داشته باشد. و از برگزیدگانش می‌خواهد که نظر الهی او را در این مورد شریک کنند، زیرا کمال خلقت اولیه او در همین خلوص و این جدایی مطلق گونه‌ها بود.

خدا با تأکید شدید بر گونه‌های بالدار، زمین و هوای گناه را به عنوان پادشاهی تابع شیطان پیشنهاد می‌کند که خود در افس « شاهزاده قدرت هوا » نامیده می‌شود. 2:2

پیدایش 7:15: « آنها دو به دو از هر جسمی که نفس حیات داشتند، نزد نوح وارد کشتی شدند .»

هر زوجی که خدا برگزیده از هموعان خود جدا می‌شود تا پس از طوفان به زندگی اش ادامه دهد. در این جدایی قطعی، خداوند اصل دو راهی را که در برابر انتخاب آزادانه انسان قرار می‌دهد، عملی می‌کند: راه خیر به زندگی و راه شر به مرگ می‌انجامد.

پیدایش 7:16: « و نر و ماده از هر جسم وارد شد، چنانکه خدا به نوح دستور داده بود. سپس . خداوند در را به روی او بست

هدف از تولید مثل " گونه " در اینجا با ذکر " نر و ماده " تأیید می‌شود.

در اینجا عملی است که به این تجربه تمام اهمیت و خصلت نبوی آن در پایان زمان فیض الهی می‌بخشد: « سپس خداوند در را بر او بست ». لحظه ای است که سرنوشت زندگی و مرگ بدون تغییر ممکن از هم جدا می‌شود. در سال 2029 نیز همینطور خواهد بود، زمانی که بازماندگان آن زمان انتخاب خواهند کرد که بر اساس اولتیماتوم ارائه شده، خدا و سبت روز هفتم او، یعنی شنبه را گرمی بدارند یا رم و یکشنبه اول آن را گرمی بدارند. در قالب فرمانی از سوی بشریت سرکش. در اینجا دوباره « در فیض » توسط خدا بسته خواهد شد، « آن که باز می‌کند و آن که می‌بندد » طبق مکاشفه 3:7

پیدایش 7:17: « سیل چهل روز بر روی زمین بود. آبها زیاد شد و کشتی را برافراشت و از .» روی زمین بلند شد

طاق بلند شده است.

پیدایش 7:18: « آبها بر زمین بسیار زیاد شد و کشتی بر سطح آب شناور شد

کشتی شناور است.

پیدایش 7:19: « آبها بیشتر و بیشتر شد و تمام کوههای بلند زیر تمام آسمان پوشیده شد

خاک خشک به طور جهانی غوطه ور در آب از بین می‌رود.

پیدایش 7:20: « آبها پانزده ذراع از کوهها بالا آمد و آنها را پوشاند

بلندترین کوه آن زمان تقریباً با 8 متر آب پوشیده شده است.

پیدایش 7:21: « هر چه روی زمین حرکت می‌کرد، پرندهگان و گاوها و حیوانات، هرچه روی زمین می‌خزید و همه انسانها هلاک شدند

تمام حیواناتی که هوا تنفس می‌کنند غرق می‌شوند. دقت در مورد پرندهگان بسیار جالب تر است زیرا سیل تصویری نبوی از قیامت است که در آن موجودات آسمانی مانند شیطان همراه با موجودات زمینی نابود خواهند شد.

پیدایش 7:22: « هر چیزی که نفس داشت، نفس حیات در سوراخ های بینی اش بود، و بر زمین خشک بود، مرد

همه موجودات زنده ای که مانند انسان آفریده شده اند که زندگیشان به نفس او وابسته است غرق می‌شوند. این تنها سایه بر مجازات سیل است، زیرا گناه به شدت بر دوش انسان است و در جایی مرگ حیوانات بی گناه ظلم است. اما برای غرق کردن کامل بشریت سرکش، خداوند مجبور است با آنها

حیواناتی را که مانند آنها هوای جو زمین را تنفس می کنند، نابود کند. در نهایت، برای درک این تصمیم، توجه داشته باشید که خداوند زمین را برای انسان آفریده که به صورت او ساخته شده است، نه برای حیوانی که او را احاطه کرده، همراهی کند و در مورد دام، به او خدمت کند.

پیدایش 7:23: « هر موجودی که بر روی زمین بود، از انسان و گاو و خزنده و پرنده آسمان منقطع شد و از زمین منقطع شد. فقط نوح و کسانی که با او در کشتی بودند باقی ماندند. این آیه تفاوتی را که خداوند بین نوح و اصحاب بشری که خود را در گروه حیوانات می بینند و « همه برانگیخته و نگران « آنچه با او بود» می بیند را تأیید می کند. در کشتی پیدایش 7:24: « آنها برای صد و پنجاه روز روی زمین زیاد بود. صد و پنجاه روز « پس از 40 روز و 40 شب باران بی وقفه که سیل را ایجاد کرد آغاز شد. « با رسیدن به حداکثر ارتفاع « 15 ذراع « یا تقریباً 8 متر بالاتر از « بلندترین کوه‌های « آن زمان، سطح آب به مدت « 150 روز « ثابت ماند. سپس به تدریج کاهش می یابد تا خشک شدن مورد نظر خداوند.

توجه: خداوند زندگی را در استانداردی عظیم آفرید که مربوط به مردان و حیوانات قبل از غبار بود. اما پس از سیل، پروژه او با هدف کاهش اندازه همه مخلوقات خود به طور متناسب، در نتیجه، زندگی در هنجار پسابرجام متولد خواهد شد. جاسوسان عبری پس از ورود به کنعان شهادت می دهند که با چشمان خود خوشه های انگور را دیدند که آنقدر بزرگ بود که حمل آن دو مرد به اندازه آنها لازم بود. بنابراین کاهش اندازه لزوماً به درختان، میوه ها و سبزیجات نیز مربوط می شود. بنابراین، خالق هرگز از آفرینش دست نمی کشد، زیرا با گذشت زمان، آفرینش زمینی خود را با شرایط جدید زندگی که به وجود می آید تعدیل می کند و تطبیق می دهد. او رنگدانه‌های سیاه پوست انسان‌هایی را ایجاد کرد که در معرض تابش شدید خورشید در مناطق استوایی و استوایی زمین زندگی می‌کنند، جایی که پرتوهای خورشیدی در 90 درجه به زمین برخورد می‌کنند. رنگ های دیگر پوست بسته به میزان نور خورشید کم و بیش سفید یا کم رنگ و کم و بیش مسی هستند. اما قرمز اساسی آدم (قرمز) به دلیل خون در همه انسان ها یافت می شود.

کتاب مقدس اسامی دقیق گونه های جانوری زنده قبل از غبار را مشخص نمی کند. خداوند این موضوع را اسرارآمیز می‌گذارد، بدون هیچ مکاشفه‌ای خاصی، همه در تصور خود آزاد هستند. با این حال، من این فرضیه را مطرح کردم که چون می‌خواست به این شکل اولیه زندگی زمینی شخصیت کاملی بدهد، در آن زمان، هیولاهای ماقبل تاریخ را نیافریده بود که امروزه استخوان‌هایشان توسط محققان علمی در خاک جهان یافت می‌شود. زمین. همچنین این احتمال را مطرح کردم که خداوند آنها را بعد از طوفان آفریده است تا نفرین زمین را برای انسانها تشدید کند که به سرعت دوباره از او روی گردانند. با قطع رابطه از او، هوش و علم بزرگی را که خداوند از آدم به نوح داده بود، از دست می دهند. این تا جایی که انسان در نقاط خاصی از زمین خود را در وضعیت انحطاط یافته «انسان غارنشین» مورد حمله و تهدید حیوانات وحشی قرار می دهد که با این وجود می تواند به کمک گرانبهای طبیعی آنها را به صورت گروهی از بین ببرد. هوای بد و حسن نیت مهربان خداوند.

پیدایش 8

جدایی لحظه ای سرنشینان کشتی

« پیدایش . و خداوند باد را بر زمین گذراند و آنها ساکن شدند مطمئن باشید که او هرگز آن را فراموش نکرد، اما درست است که این جمع بی نظیر زندگی محصور در کشتی شناور به بشریت و گونه های حیوانی چنان جلوه ای کوچک می بخشد که به نظر می رسد خدا آنها را رها کرده است. در واقع، این زندگی ها کاملاً ایمن هستند، زیرا خداوند به عنوان یک گنج از آنها مراقبت می کند. آنها گرانبهاترین میوه ها هستند: اولین میوه هایی که زمین را دوباره آباد کردند و روی سطح آن پخش شدند.

« پیدایش 2:8: « چشمه‌های اعماق و دریاچه‌های آسمان بسته شد و دیگر از آسمان باران نبارید خداوند آبهای سیل را بر اساس نیاز خود می‌آفریند. آنها از کجا می‌آیند؟ از بهشت، اما بالاتر از همه از قدرت خلاق خدا. او با گرفتن تصویر نگهبان قفل، دریاچه‌های نمادین بهشتی را باز کرده و زمانی می‌رسد که دوباره آنها را می‌بندد.

با برانگیختن نقش مکمل « سرچشمه‌های اعماق » در این آیه، به ما وحی می‌کند که سیل تنها ناشی از بارش باران از آسمان نبوده است. با علم به اینکه « پرتگاه » زمین را از روز اول خلقت کاملاً تحت پوشش آب قرار داده است، « منابع » آن حکایت از افزایش سطح آب ناشی از خود دریا دارد. این پدیده با تغییر سطح کف اقیانوس به دست می‌آید که با بالا رفتن سطح آب را بالا می‌برد تا به سطحی برسد که در روز اول کل زمین را پوشانده بود. از طریق غرق شدن پرتگاه‌های اقیانوس‌ها بود که در روز سوم خشکی از آب بیرون آمد و با یک عمل معکوس بود که خشکی توسط آب‌های سیلاب پوشانده شد. بارانی که « سیلاب‌های بهشت » نامیده می‌شود، تنها به این معنا بود که عذاب از آسمان، از سوی خدای بهشتی آمده است. بعداً این تصویر « قفل بهشت » نقش متضاد برکاتی را خواهد گرفت که از همان خدای آسمانی می‌آید.

خداوند از آنجایی که خالق بود، می‌توانست به میل خود سیل را در یک چشم به هم زدن ایجاد کند. با این حال، او ترجیح داد به تدریج بر روی خلقت خود که از قبل ایجاد شده عمل کند. بنابراین او به بشریت نشان می‌دهد که طبیعت در دستان او سلاحي قدرتمند است، وسیله‌ای قدرتمند که او با دستکاری آن برکت یا نفرین خود را بسته به اینکه در خیر یا شر راه برود، دستکاری می‌کند.

پیدایش 8:3: « آنها از روی زمین رفتند و رفتند و در پایان صد و پنجاه روز آنها کاهش یافت

».

پس از 40 روز و 40 شب باران بی وقفه و به دنبال آن 150 روز ثبات در بالاترین سطح آب، رکود آغاز می‌شود. به آرامی سطح پرتگاه دریایی پایین می‌آید اما به عمق قبل از سیل پایین نمی‌آید.

« پیدایش 4:8: « در ماه هفتم، در روز هفدهم ماه، کشتی بر روی کوه‌های آرارات قرار گرفت

در پایان پنج ماه، تا روز « هفدهم ماه هفتم »، کشتی شناور نمی‌شود. بر بلندترین کوه آرارات قرار دارد. این عدد "هفده" پایان عمل قضاوت الهی را تأیید می‌کند. از این توضیح به نظر می‌رسد که در هنگام طوفان، کشتی از منطقه‌ای که توسط نوح و پسرانش ساخته شده بود، دور نشد. و خدا خواست که این سند سیل تا پایان جهان، در همین قله کوه آرارات که دسترسی به آن توسط مقامات روسیه و ترکیه ممنوع بود و همچنان ممنوع بود، قابل مشاهده باشد. اما در زمانی که او انتخاب کرد، خداوند از گرفتن عکس‌های هوایی که وجود قطعه‌ای از کشتی گرفتار شده در یخ و برف را تأیید می‌کرد، ترجیح داد. امروزه رصد ماهواره‌ای می‌تواند به شدت این حضور را تأیید کند. اما مقامات زمینی دقیقاً به دنبال تجلیل از خدای خالق نیستند. آنها با او دشمنی می‌کنند و خداوند به عدالت آنها را با حمله‌های همه‌گیر و تروریستی جبران می‌کند.

پیدایش 5:8: « آنها تا ماه دهم کم شد. در دهمین ماه، در روز اول ماه، قله‌های کوه ظاهر شد

کاهش آب محدود است زیرا پس از سیل سطح آب بالاتر از سطح زمین قبل از غبار خواهد بود. دره‌های باستانی زیر آب می‌مانند و شکل دریا‌های داخلی فعلی مانند دریای مدیترانه، خزر، دریای سرخ، دریای سیاه و غیره را به خود می‌گیرند.

" پیدایش 8:6: " در پایان چهل روز، نوح پنجره‌ای را که برای کشتی ساخته بود باز کرد

پس از 150 روز ثبات و 40 روز انتظار، نوح برای اولین بار پنجره کوچکی را باز می‌کند. اندازه کوچک آن، یک ذراع یا 55 سانتی متر، توجیه پذیر بود، زیرا تنها کاربرد آن رها کردن پرندگانی بود که می‌توانستند از کشتی زندگی فرار کنند.

" پیدایش 8:7: " او زاع را رها کرد و بیرون رفت و برگشت تا آبها روی زمین خشک شد

کشف زمین خشک بر اساس ترتیب « تاریکی و روشنایی » یا « شب و روز » در آغاز خلقت برانگیخته می‌شود. همچنین اولین کاشف فرستاده شده، « زاع » نجس است، با پره‌های « سیاه » مانند « شب ». او نسبت به نوح، برگزیده خدا، آزادانه مستقل عمل می‌کند. بنابراین نماد ادیان تاریکی است که بدون هیچ رابطه‌ای با خدا فعال می‌شوند.

به روشی دقیق‌تر، نماد اسرائیل جسمانی عهد قدیم است که خداوند پیامبران خود را در موارد متعدد، مانند آمدن و رفتن کلاغ، برای نجات قوم خود از اعمال گناه به سوی آن فرستاد. این اسرائیلی که سرانجام توسط خدا طرد شده بود، مانند «زاغ»، تاریخ خود را جدا از او ادامه داد.

پیدایش 8:8: "او کبوتر را نیز رها کرد تا ببیند آیا آب از روی زمین کم شده است."

به همین ترتیب، «کبوتر» خالص، با پرهای «سفید» مانند برف، برای شناسایی فرستاده می‌شود. زیر علامت روز و روشنایی قرار می‌گیرد. به این ترتیب، او عهد جدید را بر اساس خون ریخته شده توسط عیسی مسیح پیشگویی می‌کند.

پیدایش 8:9: «اما کبوتر جایی پیدا نکرد که کف پای خود را بگذارد، و نزد او به تابوت بازگشت، زیرا روی تمام زمین آب بود. دستش را دراز کرد و گرفت و با خود به داخل کشتی آورد.»

زاغ سیاه مستقل، «کبوتر» سفید در رابطه نزدیک با نوح است که دستش را به او می‌دهد تا او را بگیرد و به کشتی بیاورد. با خود. این تصویری از پیوندی است که برگزیده را به خدای بهشت متصل می‌کند. «کبوتر» روزی بر روی عیسی مسیح فرود خواهد آمد، هنگامی که او در حضور یحیی بابتیست ظاهر می‌شود تا توسط او تعمید یابد.

پیشنهاد می‌کنم این دو نقل قول از کتاب مقدس را با هم مقایسه کنید. که از این آیه: "اما کبوتر عیسی به او پاسخ داد: روباه‌ها" Mat.8:20 جایی برای استراحت کف پای خود نیافت" با این آیه از لانه دارند و پرندگان آسمان لانه دارند. اما پسر انسان جایی ندارد که سر خود را بگذارد. و این آیات از یوحنا 1:5 و 11، جایی که در مورد مسیح، تجسم "نور" الهی زندگی صحبت می‌کند، می‌گوید: "نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را دریافت نکرده است. / ... او آمد. به قوم خود، و مردم خود او را نپذیرفتند." درست همانطور که "کبوتر" با اجازه دادن به خود توسط نوح بازگشت، در "دست او" رستخیز کرد، نجات دهنده عیسی مسیح به عنوان یک پدر آسمانی به آسمان‌ها صعود کرد و پیام را پشت سر خود بر روی زمین گذاشت. از رستگاری برگزیدگانش، مژده او در مکاشفه 14:6 «انجیل ابدی» نام داشت. و در مکاشفه 1:20: او آنها را در «هفت دوره» پیشگویی شده توسط «هفت کلیسا» «در دست» خواهد گرفت، جایی که آنها را در تقدیس الهی شریک می‌سازد «نور» خود که توسط «هفت شمعدان» تصویر شده است.

پیدایش 8:10: «و هفت روز دیگر صبر کرد و دوباره کبوتر را از کشتی آزاد کرد.»

این یادآوری مضاعف «هفت روز» به ما می‌آموزد که برای نوح، مانند ما امروز، زندگی توسط خداوند در وحدت هفته «هفت روز» و همچنین وحدت نمادین «هفت هزار» سال برقرار و دستور داده شده است. پروژه صرفه جویی بزرگ او اصرار بر ذکر این عدد «هفت» به ما این امکان را می‌دهد که اهمیتی که خداوند به آن می‌دهد را درک کنیم. که او را توجیه می‌کند که به ویژه توسط شیطان مورد حمله قرار گیرد تا زمانی که با جلال مسیح بازگردد و به سلطه زمینی او پایان دهد.

پیدایش 8:11: «کبوتر در شام نزد او بازگشت. و اینک برگ زیتونی پاره در منقارش بود. پس نوح دانست که آبها از زمین کم شده است.»

پس از مدت‌ها «تاریکی» که با کلمه «شب» اعلام می‌شود، امید نجات و شادی رهایی از گناه در زیر تصویر «درخت زیتون»، متوالی اتحاد قدیم و سپس جدید خواهد آمد. همانطور که نوح از طریق "برگ زیتون" می‌دانست که زمین مورد انتظار و مورد انتظار برای استقبال از او آماده خواهد شد، "پسران خدا" خواهند آموخت و خواهند فهمید که پادشاهی آسمان توسط فرستاده خدا به روی آنها گشوده شده است. بهشت عیسی مسیح

این "برگ زیتون" به نوح شهادت داد که جوانه زدن و رشد درختان دوباره امکان پذیر است.

پیدایش 8:12: «و هفت روز دیگر منتظر ماند. و کبوتر را رها کرد. اما او هرگز نزد او بازنگشت.»

این علامت تعیین کننده بود، زیرا ثابت کرد که "کبوتر" مانند در طبیعت را انتخاب کرده است که بار دیگر به او غذا می‌دهد.

همانطور که «کبوتر» پس از رساندن پیام امید خود ناپدید می‌شود، پس از اینکه جان خود را بر روی زمین فدا کرد تا برگزیدگان خود را نجات دهد، عیسی مسیح، «امیر صلح» زمین و شاگردانش را ترک خواهد کرد و آنها را آزاد و مستقل خواهد گذاشت. زندگی آنها را تا آخرین بازگشت شکوهمند خود هدایت کند.

پیدایش 8:13: « در سال ششصد و یکم، در ماه اول، در روز اول ماه، آبها بر روی زمین خشک شد. نوح پوشش را از کشتی برداشت و نگریست و دید که سطح زمین خشک شده است.

خشک شدن زمین هنوز جزئی است اما امیدوار کننده است، بنابراین نوح شروع به باز کردن سقف کشتی می کند تا به بیرون کشتی نگاه کند و با علم به اینکه در قله کوه آرات به گل نشسته است، دید او بسیار دور و دراز شد. به طور گسترده در افق در تجربه سیل، کشتی تصویر یک تخم در حال جوجه ریزی را به خود می گیرد. وقتی جوجه بیرون می آید، خود جوجه پوسته ای را که در آن محصور شده بود می شکند. نوح نیز همین کار را می کند. او "پوشش کشتی را برمی دارد" که دیگر برای محافظت از آن در برابر باران سیل آسا مفید نخواهد بود. توجه داشته باشید که خدا نمی آید تا در کشتی را که خودش بسته بود باز کند. این بدان معنی است که او معیار قضاوت خود را نسبت به شورشیان زمینی که در های نجات و بهشت همیشه بر روی آنها بسته است، زیر سوال نمی برد یا تغییر نمی دهد.

« پیدایش 8:14: در ماه دوم، در روز بیست و هفتم ماه، زمین خشک شد

زمین پس از محبوس شدن کامل در کشتی به مدت 377 روز از روز سوار شدن به کشتی و بسته شدن در توسط خداوند، دوباره قابل سکونت می شود.

: پیدایش 8:15: « سپس خدا با نوح صحبت کرد و گفت

« پیدایش 8:16: « تو و زنت، پسرانت و زنان پسرانت با تو از کشتی بیرون آی

باز هم این خداست که علامت خروج «کشتی» را می دهد، او که تنها « در » را قبل از سیل به روی ساکنان آن بسته بود.

پیدایش

صحنه شبیه به روز پنجم از هفته خلقت است، اما بحث آفرینش جدید نیست، زیرا پس از سیل، جمعیت مجدد زمین مرحله ای از پروژه ای است که برای 6000 سال اول تاریخ زمین پیش بینی شده است. خدا می خواست این مرحله وحشتناک و بازدارنده باشد. او شواهدی مهلک از آثار قضاوت الهی خود به بشر داد. دلیلی که در دوم پطرس 3: 5 تا 8 یادآوری می شود: « در واقع می خواهند نادیده بگیرند که آسمان ها زمانی به وسیله کلام خدا وجود داشته است، درست مانند زمینی که از آب گرفته شده و از آب تشکیل شده است، و با این چیزها جهان آن زمان نابود شد و در آب غوطه ور شد، در حالی که به همین کلمه آسمانها و زمین کنونی برای آتش، برای روز داوری و تباهی انسانهای بی خدا نگهداری می شود. اما عزیزان یک چیز وجود دارد که نباید از آن غافل باشید و آن اینکه نزد خداوند یک روز مانند هزار سال است و هزار سال مانند یک روز. « سیل آتش پیش بینی شده در پایان هزاره هفتم به مناسبت آخرین داوری، با باز شدن چشمه های شعله ور ماگمای زیرزمینی که تمام سطح زمین را می پوشاند، محقق خواهد شد. این «دریاچه آتش» که در مکاشفه 20: 14-15 ذکر شده است، سطح زمین را با ساکنان سرکش خیانتکار آن و همچنین کارهایشان را که می خواستند با تحقیر عشق نشان داده شده به خدا امتیاز دهند، می بلعد. و این هزاره هفتم در روز هفتم هفته پیشگویی شده است، این طبق تعریف « یک روز مانند هزار سال و هزار سال مانند یک روز است.

« پیدایش 8: 18: « و نوح با پسران و همسرش و زنان پسرانش بیرون رفت

پس از رها شدن حیوانات، نمایندگان بشریت جدید به نوبه خود از کشتی بیرون می آیند. آنها نور خورشید و فضای وسیع و تقریباً نامحدودی را که طبیعت در اختیارشان قرار می دهد، پس از 377 شبانه روز حبس در فضایی تنگ و تاریک می یابند.

پیدایش 8:19: « هر حیوان، هر خزنده، هر پرنده، هر آنچه بر روی زمین حرکت می کند، برحسب نوع خود، از کشتی بیرون آمد

خروج از کشتی، ورود برگزیدگان به ملکوت آسمان را پیشگویی می کند، اما فقط کسانی وارد خواهند شد که از سوی خدا پاک قضاوت می شوند. در زمان نوح هنوز اینطور نیست، زیرا پاک و ناپاک با هم در یک زمین زندگی می کنند و تا آخر دنیا با یکدیگر می جنگند.

پیدایش 8:20: « نوح قربانگاهی برای خداوند ساخت. او از تمام حیوانات پاک و از همه

« پرنده های پاک گرفت و قربانی های سوختنی را بر مذبح تقدیم کرد قربانی سوختنی عملی است که نوح برگزیده به وسیله آن شکرگزاری خود را از خداوند نشان می دهد. مرگ یک قربانی بی گناه، در این مورد حیوان، وسیله ای را به خدای خالق یادآوری می کند که

در عیسی مسیح، او برای رستگاری ارواح برگزیدگان خود خواهد آمد. حیوانات پاک شایسته این هستند که قربانی مسیح را به تصویر بکشند که خلوص کامل را در تمام روح، بدن و روح او مجسم می کنند.

«پیدایش . و دیگر بر همه موجودات زنده نخواهم زد، همانطور که کردم»

قربانی سوختنی که نوح تقدیم کرد یک عمل واقعی ایمان و ایمان اطاعتی است. زیرا اگر برای خدا قربانی می کند، در پاسخ به مراسم قربانی است که مدتها قبل از تعلیم آن به عبریانی که از مصر بیرون آمده اند، به او دستور داده است. تعبیر «بوی مطبوع» مربوط به حس بویایی الهی نیست، بلکه به روح الهی آن مربوط می شود که هم از اطاعت برگزیدگان وفادار خود و هم از رویایی نبوی که این آیین به قربانی رحمت آتی خود در عیسی مسیح می دهد، قدرانی می کند.

تا آخرین قضاوت، دیگر سیل ویرانگر نخواهد بود. تجربه نشان داده است که انسان به طور طبیعی و ارثی در جسم "شریر" است، همانطور که عیسی در مورد رسولان خود در متی 7:11 گفت: "پس اگر مانند شما شریر هستید، می دانید چگونه به فرزندان خود هدایای خوب بدهید. چقدر بیشتر پدر شما که در آسمان است به کسانی که از او بخواهند عطیای نیک خواهد داد." بنابراین خدا باید این «حیوان شرور» را رام کند، عقیده ای که پولس در اول قرنتیان 2:14 به اشتراک گذاشته است، و با نشان دادن قدرت محبت خود به آنها در عیسی مسیح، برخی از کسانی که «شریر» خوانده می شوند تبدیل خواهند شد. برگزیدگان انسانهای مومن و مطیع

پیدایش 8:22: «تا زمانی که زمین پایدار باشد، کاشت و برداشت، سرما و گرما، تابستان و زمستان، روز و شب متوقف نخواهد شد»

این فصل هشتم با یادآوری تناوب اضداد مطلق حاکم بر شرایط زندگی زمینی از روز اول خلقت به پایان می رسد که در آن، خداوند با تشکیل «شب و روز»، نبرد زمینی بین «ظلمت» و «تاریکی» را آشکار کرد. نور «که در نهایت از طریق عیسی مسیح غلبه خواهد کرد. در این آیه او این تناوبات افراطی را فهرست می کند که ناشی از خود گناه است که نتیجه انتخاب آزادانه ای است که به این موجودات آسمانی و زمینی داده شده است و بنابراین آزادند که او را دوست داشته باشند و به او خدمت کنند یا او را تا سر حد نفرت از او طرد کنند. اما پیامد این آزادی، زندگی برای طرفداران خیر و مرگ و نابودی برای طرفداران شر خواهد بود، همانطور که سیل اخیراً نشان داد.

موضوعات ذکر شده همگی حامل یک پیام معنوی هستند:

کاشت و درو: «آغاز بشارت و پایان جهان را پیشنهاد می کند. تصاویری که عیسی مسیح در «مَثَل های خود، به ویژه در متی 13:37 تا 39 گرفته است: «او پاسخ داد: کسی که بذر نیک می کارد پسر انسان است. میدان، جهان است؛ بذر نیکو پسران پادشاهی هستند. گزها پسران شیطان هستند. دشمنی «که آن را کاشت شیطان است. برداشت پایان جهان است؛ دروگرها فرشتگان هستند»

سرما و گرما: "گرما" در مکاشفه 7:16 ذکر شده است: "دیگر نه گرسنه خواهند بود و" نه تشنه خواهند شد، نه خورشید آنها را خواهد زد و نه گرما". اما برعکس مطلق، «سرما» نیز پیامد نفرین گناه است.

تابستان و زمستان: این دو فصل افراط و تفریط است که هر دو به اندازه دیگری ناخوشایند هستند.

روز و شب: «خداوند آنها را به ترتیبی که انسان به او می دهد استناد می کند، زیرا در پرورژه» او، در مسیح زمان روز فرا می رسد، زمان دعوت برای ورود به فیض او، اما پس از این زمان فرا می رسد: شبی که هیچ کس نمی تواند کار کند «مطابق یوحنا 9: 4، یعنی تغییر سرنوشت خود، زیرا به طور قطع برای زندگی یا مرگ از پایان زمان فیض تعیین شده است.

پیدایش 9

جدایی از هنجارهای زندگی

پیدایش 9:1: « و خدا نوح و پسرانش را برکت داد و به آنها گفت: بارور شوید و زیاد شوید و زمین را پر کنید »

این اولین نقشی خواهد بود که خداوند به موجودات زنده ای که توسط کشتی ساخته شده توسط انسان ها انتخاب و نجات داده می شود: نوح و سه پسرش

پیدایش 9:2: « برای همه جانوران زمین و همه پرندگان آسمان و همه موجوداتی که بر روی زمین حرکت می کنند و برای همه ماهیان دریا ترس و وحشت خواهی بود. در دستان تو

حیات حیوانی بقای خود را مدیون انسان است و به همین دلیل است که انسان حتی پیش از سیل می تواند بر حیوانات مسلط شود. مگر در مواردی که حیوان در اثر ترس یا عصبانیت کنترل خود را از دست می دهد، به عنوان یک قاعده کلی، همه حیوانات از انسان می ترسند و در هنگام مواجهه با او سعی می کنند از او فرار کنند

پیدایش 9:3: « هر چیزی که حرکت می کند و حیات دارد، برای شما غذا خواهد بود ، همه اینها را مانند علف سبز به شما خواهم داد

این تغییر در رژیم غذایی چندین توجیه دارد. بدون اهمیت دادن بیش از حد به ترتیب ارائه شده، ابتدا به عدم وجود فوری غذای گیاهی در طی سیل اشاره می کنم و زمین پوشیده از آب نمک تا حدی استریل می شود تنها به تدریج باروری و باروری کامل و کامل خود را به دست می آورد. بعلاوه، برپایی آداب قربانی عبوری در زمان خود مستلزم مصرف گوشت قربانی قربانی شده در رویایی نبوی از شام مقدس است که در آن نان به عنوان نماد بدن عیسی مسیح خورده خواهد شد، و آب انگور نوشیده شده به عنوان نمادی از خون او. دلیل سوم که کمتر قابل قبول است، اما نه کمتر، این است که خداوند می خواهد عمر انسان را کوتاه کند. و مصرف گوشتی که خود را فاسد می کند و عناصر مخرب حیات را در بدن انسان وارد می کند، اساس موفقیت خواست و تصمیم انسان خواهد بود. تنها تجربه با رژیم گیاهخواری یا گیاهخواری تأیید شخصی را ارائه می دهد. برای تقویت این تفکر توجه داشته باشید که خداوند انسان را از خوردن حیوانات نجس منع نمی کند ، هر چند برای سلامتی او مضر باشند

». پیدایش 9:4: « تنها گوشت را با جان و خونس نخورد

این ممنوعیت در عهد قدیم مطابق با لاو 17:10-11 معتبر خواهد بود: « اگر مردی از خاندان اسرائیل یا از غریبه‌هایی که در میان آنها ساکن هستند، خونی از هر نوع بخورد ، روی خود را به سوی کسی که می خورد برمی گردانم. خون، و او را از میان قومش قطع خواهم کرد . و در اخبار طبق اعمال رسولان 15: 19 تا 21: « بنابراین من معتقدم که ما برای غیریهودانی که به خدا روی می آورند مشکل ایجاد نمی کنیم، بلکه برای آنها می نویسیم که از پلیدی بت ها خودداری کنند. از زنا، از چیزهای خفه شده، و از خون . زیرا در طول نسل‌های متمادی، موسی در هر شهر افرادی داشته است که او را ». موعظه می کنند، زیرا هر روز سبت در کنیسه‌ها خوانده می شود

تمام مخلوق را که از جسمی از بدن و روحی کاملاً وابسته به جسم تشکیل شده است، « روح » می نامد. در این گوشت، اندام حرکتی مغز است که از خود خون تامین می شود که با هر نفس توسط اکسیژن مکیده شده توسط ریه ها تصفیه می شود. در حالت زنده، مغز سیگنال‌های الکتریکی ایجاد می کند که فکر و حافظه را تولید می کنند و عملکرد تمام اعضای بدنی دیگر را که بدن فیزیکی را تشکیل می دهند مدیریت می کند. نقش «خون» که از نظر ژنوم برای هر روح زنده ای منحصر به فرد است، نباید به دلایل بهداشتی مصرف شود، زیرا مواد زائد و ناخالصی های ایجاد شده را در سراسر بدن و به دلیل معنوی حمل می کند. خدا اصل نوشیدن خون مسیح را به شیوه ای انحصاری مطلق، برای آموزه های دینی خود، در نظر گرفته است، اما فقط به شکل نمادین آب انگور. اگر زندگی در خون است، کسی که خون مسیح را می نوشد، در ذات مقدس و کامل او بازسازی می شود، طبق این اصل واقعی که می گوید بدن از آنچه تغذیه می کند ساخته شده است

پیدایش 9:5: « این را نیز بدانید، من خون جان شما را طلب خواهم کرد، آن را از هر حیوانی خواهم خواست. و من روح انسان را از انسان، از انسانی که برادر اوست، خواهم خواست

زندگی مهمترین چیز برای خدای خالق است که آن را آفریده است. ما باید به او گوش دهیم تا متوجه خشم این جنایت نسبت به او، صاحب واقعی زندگی گرفته شده، شویم. به این ترتیب، او تنها کسی است که می تواند حکم به قتل عام را مشروعیت بخشد. در آیه قبل خداوند به انسان اجازه داده است که از جانوران حیوانی بگیرد تا غذای خود را بسازد، اما در اینجا بحث جنایت است، قتل که به زندگی انسان

پایان می دهد. اگر تا آن زمان با معیار نجات او مطابقت نداشته باشد، این زندگی حذف شده دیگر فرصتی برای نزدیک شدن به خدا و یا شاهد تغییر رفتار نخواهد داشت. در اینجا خدا پایه های قانون تلافی را می گذارد، «چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان، و زندگی در برابر زندگی». حیوان توان قتل یک انسان را با مرگ خود می پردازد و مردی که به سبک قابیل است، اگر «برادر» خون خود از نوع هابیل را بکشد، کشته خواهد شد.

پیدایش 9:6: «اگر کسی خون انسان را بریزد، خون او به دست انسان ریخته خواهد شد. زیرا خداوند انسان را به صورت خود آفرید».

خداوند به دنبال افزایش تعداد مرگ و میر نیست، زیرا برعکس، با اجازه دادن به قتل یک قاتل، روی یک اثر بازدارنده حساب می کند و به دلیل خطری که وجود دارد، بیشترین تعداد انسان ها یاد می گیرند که رفتارهای پر خاشگری خود را کنترل کنید تا به نوبه خود به یک قاتل تبدیل نشوید که شایسته مرگ باشد.

تنها کسی که با ایمان واقعی و اصیل جاندار باشد می تواند بفهمد که «خدا انسان را به صورت خود آفرید» یعنی چه. به ویژه هنگامی که بشریت مانند امروز در جهان غرب و در همه جای زمین که فریفته دانش علمی شده اند، هیولا و منفور می شود.

پیدایش 9:7: «و شما بارور شوید و زیاد شوید، روی زمین بگسترید و در آن زیاد شوید خدا واقعاً این ضرب را می خواهد و به دلیل موجه، تعداد برگزیدگان آنقدر کم است، حتی نسبت به فراخوانده هایی که در راه می افتند، که هر چه تعداد مخلوقات او بیشتر باشد، در بین آنها بیشتر می شود. نسبت یک میلیون، Dan.7:9 برای یافتن و انتخاب برگزیدگان خود؛ زیرا با توجه به دقت ذکر شده در برای ده میلیارد فراخوانی یا 1 برای 10000 انتخاب شده است.

پیدایش 9:8: «خدا دوباره با نوح و پسرانش که با او بودند صحبت کرد و گفت: خداوند چهار مرد را مورد خطاب قرار می دهد، زیرا با تسلط به نماینده مرد نوع بشر، آنها مسئول کارهایی هستند که اجازه داده اند توسط زنان و کودکانی که تحت اختیار آنها قرار می گیرند انجام دهند. تسلط نشانه اطمینانی است که خداوند به انسان ها عرضه می کند، اما آنها را در مقابل وجه و قضاوت او کاملاً مسئول می سازد.

«اینک، من عهد خود را با تو و نسل تو پس از تو می بندم» Gen.9:9
امروز برای ما مهم است که بدانیم ما همان "ذراتی" هستیم که خدا "عهد" خود را با آنها بسته است. زندگی مدرن و اختراعات جذاب آن چیزی را در مورد منشاء انسانی ما تغییر نمی دهد. وارثان آغاز جدیدی هستیم که خداوند پس از سیل وحشتناک به بشریت داد. عهد و پیمانی که با نوح و سه پسرش بسته شد، مشخص است. خدا را متعهد می کند که دیگر تمام بشریت را با آب سیل نابود نکند. پس از آن، اتحادی که خدا با ابراهیم برقرار خواهد کرد، خواهد آمد، که در دو جنبه متوالی آن، به معنای واقعی کلمه از نظر زمانی و معنوی، بر خدمت رستگاری عیسی مسیح متمرکز خواهد شد. این اتحاد اساساً فردی خواهد بود مانند مقام رستگاری که مورد سؤال است. در طول 16 قرن که قبل از اولین آمدن او خواهد بود، خدا نقشه نجات خود را از طریق مناسک مذهبی که به مردم عبری دستور داده شده بود آشکار خواهد کرد. سپس، پس از تحقق این نقشه در عیسی مسیح با تمام نور آشکار شد، تقریباً 16 قرن دیگر کفر جانشین وفاداری خواهد شد و برای 1260 سال، تاریک ترین تاریکی تحت حمایت پاپ رومن سلطنت خواهد کرد. از سال 1170، زمانی که پیتر والدو توانست دوباره ایمان خالص و وفادار مسیحی را با رعایت سبب واقعی اجرا کند، پس از او، مقامات منتخب کمتر روشن فکری در کار اصلاحات درگیر شدند اما تکمیل نشدند. همچنین، تنها از سال 1843 بود که از طریق آزمایش مضاعف ایمان، خداوند توانست در میان پیشگامان ادونتیسیم، برگزیدگان وفادار پیدا کند. اما هنوز برای آنها خیلی زود بود که اسرار آشکار شده در پیشگویی های او را به طور کامل درک کنند. نشانه اتحاد با خدا در همه حال آوردن و دریافت نور اوست، به همین دلیل است که اثری که به نام او می نویسم تا برگزیدگان او را روشن کنم، به عنوان "شهادت عیسی"، آخرین شکل او، است. نشانه این است که اتحاد او بسیار واقعی و تایید شده است.

پیدایش 9:10: «با همه موجودات زنده ای که با شما هستند، اعم از پرندگان و چهارپایان و همه حیوانات زمین، خواه با همه آنهایی که از کشتی بیرون آمده اند، یا با همه حیوانات زمین».

اتحاد ارائه شده توسط خدا همچنین به حیوانات مربوط می شود، هر چیزی که روی زمین زندگی می کند و تکثیر خواهد شد.

پیدایش 9:11: « من عهد خود را با شما می بندم: دیگر هیچ جسمی از آب طوفان هلاک نخواهد شد و دیگر سیلابی نخواهد بود که زمین را ویران کند.»

درسی که سیل داده است باید منحصر به فرد باقی بماند. خدا اکنون وارد نبرد نزدیک خواهد شد. زیرا هدف او تسخیر قلب برگزیدگانش است.

پیدایش 9:12: « و خدا گفت: «این است علامت عهدی که بین من و شما و هر موجود زنده ای که با شما است، برای همه نسلها برقرار می کنم.»

این نشانه ای که خدا می دهد مربوط به هر چیزی است که زنده است، پاک و ناپاک. هنوز نشانه تعلق به شخص او نیست که سبب روز هفتم خواهد بود. این علامت به موجودات زنده یاد تعهدی می اندازد که دیگر هرگز آنها را با آب سیل نابود نکند. که حد آن است.

پیدایش 9:13: « کمان خود را در ابرها قرار دادم، و این نشانه عهد بین من و زمین خواهد بود.»

علم علت فیزیکی وجود رنگین کمان را توضیح خواهد داد. این تجزیه طیف نوری نور خورشید است که بر روی لایه های نازک آب یا رطوبت زیاد می افتد. همه متوجه شده اند که رنگین کمان هنگام باران ظاهر می شود و خورشید پرتوهای نور خود را می تاباند. واقعیت این است که باران یادآور سیل است و نور خورشید تصویری از نور ستودنی، سودمند و آرامش بخش خداوند است.

پیدایش 9:14: « وقتی ابرها را بر فراز زمین جمع کنم، کمان در ابرها ظاهر خواهد شد بنابراین ابرها توسط خدا اختراع شدند تا باران را فقط پس از سیل و همزمان با اصل رنگین کمان ایجاد کنند. اما در روزگار شنیع ما، مردان و زنان بی دین، این موضوع رنگین کمان را با به دست گرفتن این نماد اتحاد الهی تحریف و آلوده کرده اند تا آن را مخفف و نشان گردهمایی منحرفان جنسی کنند. خداوند باید در این امر دلیل موجهی برای ضربه زدن به این بشریت نفرت انگیز و بی احترامی نسبت به او و نوع بشر بیابد. آخرین نشانه های خشم او به زودی ظاهر می شود، مانند آتش سوزان و مانند مرگ ویرانگر.»

پیدایش 9:15: « و من عهد خود را که بین خود و شما و هر موجود زنده از هر جسمی بسته ام، به یاد خواهم آورد و آبها دیگر سیلابی برای نابودی همه انسانها نخواهد بود.»

در خواندن این سخنان محبت آمیز که از زبان خدا می آید، من تناقض را با اندیشیدن به کلماتی که او امروز می تواند بگوید به دلیل انحراف انسانی که به سطح پیش از غرق شدن رسیده است، می سنجم.

خداوند به قول خود عمل خواهد کرد، دیگر سیل آبی نخواهد بود، اما برای همه شورشیان، سیل آتش برای روز قیامت در نظر گرفته شده است. که پطرس رسول در دوم پطرس 3:7 به ما یادآوری کرد. اما قبل از این آخرین قضاوت، و قبل از بازگشت مسیح، آتش هسته ای جنگ جهانی سوم یا "ششمین شیبور" از مکاشفه 9: 13 تا 21، به شکل "قارچ های" مرگبار متعدد و شوم خواهد آمد، پناهگاه های بی عدالتی را که شهرهای بزرگ، پایتخت یا نه، سیاره زمین تبدیل شده اند، از بین ببرید.

پیدایش 9:16: « کمان در ابر خواهد بود. و به آن نگاه خواهم کرد تا عهد جاودانی را بین خدا و هر موجود زنده، حتی از هر جسمی که روی زمین است، به یاد بیاورم.»

آن زمان از ما دور است و می تواند نمایندگان جدید بشریت را با امید زیادی به اجتناب از خطاهای ضد غرقان رها کند. اما امروز امید دیگر جایز نیست زیرا میوه ضد غرقان در همه جای ما ظاهر می شود.

پیدایش 9: 17: « و خدا به نوح گفت: این نشانه عهدی است که من بین خود و تمام موجودات.»

خداوند بر شخصیت این عهد تأکید می کند که با «تمام جسم» برقرار شده است. این اتحادی است که همیشه به معنای جمعی مربوط به بشریت خواهد بود.

پیدایش 9:18: « پسران نوح که از کشتی بیرون آمدند سام، حام و یافت بودند. هام پدر کنعان بود.»

توضیحی به ما داده می‌شود: «حام پدر کنعان بود». به یاد داشته باشید، نوح و پسرانش همگی غول‌هایی هستند که به اندازه پیش از غبار باقی مانده‌اند. بنابراین، غول‌ها به تکثیر ادامه می‌دهند، به‌ویژه در سرزمین کنعان، که در آن عبران‌هایی که مصر را ترک می‌کنند، آنها را با بدبختی خود کشف می‌کنند، زیرا ترس ناشی از اندازه آنها آنها را محکوم به سرگردانی 40 ساله در بیابان خواهد کرد. و در آنجا بمیرند

«پیدایش 9:19»: «اینها سه پسر نوح هستند و نسل آنها در تمام زمین ساکن شدند

توجه داشته باشید که در اصل، پیش از غرق شدن، همه یک مرد واحد داشتند: آدم. زندگی جدید پس از دیلووین بر روی سه نفر بنا شده است، شیم، چم و یافت. اقوام فرزندان آنها از هم جدا و تقسیم خواهند شد. هر تولد جدید به پدرسالار خود، سام، حام یا یافت مرتبط خواهد شد. روح تفرقه بر این ریشه‌های مختلف تکیه می‌کند تا مردان وابسته به سنت‌های اجدادی خود را در برابر یکدیگر قرار دهد.

«پیدایش 9:20»: «نوح شروع به زراعت زمین کرد و تاک کاشت

این فعالیت، در مجموع، در شرایط عادی، با این حال پیامدهای جدی خواهد داشت. از آنجا که نوح در پایان کشت خود انگور را درو می‌کند و شیره فشرده که اکسید شده بود، الکل نوشید

«پیدایش 9:21»: «او شراب نوشید و مست شد و خود را در وسط خیمه خود آشکار کرد

نونه با از دست دادن کنترل اعمالش، خود را تنها می‌داند، خود را آشکار می‌کند و کاملاً خود را برهنه می‌کند.

«پیدایش 9:22»: «حام، پدر کنعان، برهنگی پدر خود را دید و او را در بیرون به دو برادر خود

گزارش داد

در آن زمان، ذهن انسان هنوز به این برهنگی کشف شده توسط آدم گناهکار بسیار حساس بود. و چم، سرگرم شده و مطمئناً کمی مسخره‌کننده، ایده بدی دارد که تجربه بصری خود را به دو برادرش گزارش کند.

«پیدایش 9:23»: «سپس سام و یافت جبهه را گرفته، بر شانه‌های خود پوشانده، به عقب رفتند و

«برهنگی پدر خود را پوشانیدند. چون صورتشان برگردانده شد، برهنگی پدر خود را ندیدند

این دو برادر با تمام احتیاط‌های لازم بدن برهنه پدر را پوشاندند

«پیدایش 9:24»: «وقتی نوح از شراب بیدار شد، شنید که پسر کوچکترش با او چه کرده است

بنابراین دو برادر مجبور شدند به او آموزش دهند. و این نکوهش نوح را که احساس می‌کند افتخار خود را به عنوان یک پدر مورد تجاوز قرار داده است، هیجان زده خواهد کرد. او داوطلبانه الکل ننوشیده بود و قربانی یک واکنش طبیعی از آب انگور شده بود که به مرور زمان اکسید می‌شود و قند آن به الکل تبدیل می‌شود.

«پیدایش 9:25»: «و گفت: «لعنت بر کنعان! غلام بردگان برادرانش باشد

در واقع، این تجربه تنها بهانه‌ای برای خدای خالق است تا در مورد فرزندان پسران نوح پیشگویی کند. زیرا کنعان خود هیچ ربطی به اقدام پدرش حام نداشت. بنابراین او از تقصیر خود بی‌گناه بود. و نوح او را که کاری نکرده بود نفرین کرد. وضع موجود شروع می‌کند به ما یک اصل از داوری خوانده می‌شود، ظاهر Exo.20:5 خدا را آشکار می‌کند که در دومین فرمان از ده فرمان او که در می‌شود: «به آنها تعظیم نکن و به آنها خدمت نکن. زیرا من، یهوه خدای شما، خدای حسودی هستم که گناه پدران را بر فرزندان تا نسل سوم و چهارم کسانی که از من نفرت دارند، می‌بینم.» تمام حکمت خدا در این بی‌عدالتی ظاهری نهفته است. زیرا فکرش را بکنید که پیوند بین پسر و پدر طبیعی است و پسر همیشه وقتی به او حمله می‌شود طرف پدرش را می‌گیرد. با استثناهای نادر اگر خدا پدر را بزند، پسر از او متنفر می‌شود و از پدرش دفاع می‌کند. نوح با نفرین کردن پسر کنعان، حام را مجازات می‌کند، پدری که نگران موفقیت فرزندان خود بود. و کنعان به نوبه خود عواقب پسر حام بودن را با او خواهد داشت. از این رو او کینه‌ای پایدار از نوح و دو پسری که او برکت می‌دهد: سام و یافت را تجربه خواهد کرد. ما قبلاً می‌دانیم که فرزندان کنعان توسط خدا نابود خواهند شد تا به اسرائیل، قومش که از بردگی مصر آزاد شده‌اند (پسر دیگر حام: مزاریم)، سرزمین ملی آنها را ارائه دهد.

«پیدایش 9:26»: «و دوباره گفت: مبارک باد خداوند، خدای سام، و کنعان غلام ایشان باشد

نوح بر پسرانش نقشه‌ای را که خداوند برای هر یک از آنها در نظر گرفته است، نبوت می‌کند. پس فرزندان کنعان بردگان فرزندان سام خواهند بود. چم به سمت جنوب گسترش خواهد یافت و قاره

آفریقا را تا سرزمین کنونی اسرائیل پر جمعیت خواهد کرد. سم به سمت شرق و جنوب شرقی گسترش می یابد و کشورهای مسلمان عرب کنونی را پر می کند. از کلد، عراق کنونی، ابراهیم یک سامی، خالص ظاهر خواهد شد. تاریخ آن را تأیید می کند، آفریقای کنعان در واقع برده اعراب از تبار سام بود پیدایش 9:27: « خداوند اموال یافت را گسترش دهد و او در خیمه های سام ساکن شود و کنعان غلام آنها باشد ».

یافت به سمت شمال، شرق و غرب گسترش خواهد یافت. برای مدت طولانی شمال بر جنوب تسلط خواهد داشت. کشورهای مسیحی شده شمال توسعه فنی و علمی را تجربه خواهند کرد که به آنها امکان می دهد از کشورهای عربی جنوب بهره برداری کنند و مردم آفریقا را که نوادگان کنعان هستند به بردگی بگیرند.

" . پیدایش 9:28: " نوح پس از طوفان سیصد و پنجاه سال زندگی کرد نوح به مدت 350 سال توانست به معاصران خود شهادت طوفان بدهد و آنها را از اشتباهات ضد غرقان برحذر دارد.

» . پیدایش 9:29: « تمام ایام نوح نهد و پنجاه سال بود. سپس مرد در سال 1656، سال طوفان آدم، نوح 600 ساله بود، بنابراین در سال 2006 از زمان گناه آدم در سال 1757، در تولد " پلگ "، " زمین تقسیم شد، Gen.10:25 در 950 سالگی درگذشت. بر اساس "، به دلیل تجربه شورش سرکش نمرود پادشاه و برج بابل او، توسط خدا. تقسیم، یا جدایی، پیامد زبان های مختلفی بود که خداوند به مردم داد تا از هم جدا شوند و دیگر در برابر چهره و خواست او بلوک واحدی تشکیل ندهند. پس نوح این واقعه را تجربه کرد و در آن زمان 757 سال داشت.

هنگامی که نوح درگذشت، ابرام قبلاً متولد شده بود (در سال 1948، 2052 سال قبل از مرگ عیسی مسیح واقع در سال 30 تقویم غلط رایج ما)، اما او در اور، در کلد، دور از نوح بود که به سمت شمال زندگی می کرد. کوه آرارات

ابرام متولد 1948، زمانی که پدرش تراک 70 ساله بود، هاران را ترک کرد تا به فرمان خدا پاسخ دهد، در سن 75 سالگی در سال 2023، یعنی 17 سال پس از مرگ نوح در سال 2006. رله معنوی این اتحاد است. بنابراین مطمئن و انجام شده است.

در 100 سالگی، در سال 2048، ابرام پدر اسحاق می شود. او در سال 2123 در سن 175 سالگی درگذشت.

اسحاق در 60 سالگی، در سال 2108، پدر دوقلوهای عیسو و یعقوب شد، طبق پیدایش 25:26.

پیدایش 10

جدایی مردم

این فصل ما را با نوادگان سه پسر نوح آشنا می کند. این مکاشفه مفید خواهد بود زیرا در پیشگویی های خود، خداوند همیشه به نام های اصلی سرزمین های مربوطه اشاره می کند. برخی از این نام ها به راحتی به عنوان نام های فعلی قابل شناسایی هستند، زیرا ریشه های اصلی را حفظ کرده اند، برای مسکو « Meshech »، Tobolsk برای « Tubal »، برای ماد « Madai »: مثال هایی

پیدایش 10:1: « اینها فرزندان پسران نوح، سام، حام و یافت هستند. پس از سیل پسرانی برای » . آنها به دنیا آمد

پسران یافت

پیدایش 10:2: « پسران یافت عبارت بودند از: گومر، ماجوج، مادای، جوان، توبال، مشک و » . تیراس

مدایی « رسانه است. " جوان "، یونان؛ " توبال "، توبولسک، " مشچ "، مسکو »

» . پسران گومر: اشکناز، ریفات و توگارمه « Gen.10:3

« پیدایش 10:4: « پسران جوان: الیشع، ترشیش، قیتیم و دودانیم قبرس، " Kittim " ترشیش به معنای طرسوس است.
پیدایش 10:5: « جزایر اقوام بر حسب سرزمین‌هایشان، بر حسب زبان، بر حسب
خانواده‌هایشان، بر حسب قوم‌هایشان به وسیله آنها آباد شد
تعبیر « جزایر ملل » به کشورهای غربی اروپای کنونی و گسترش‌های بزرگ آنها مانند قاره
آمریکا و استرالیا اشاره دارد.
دقت « مطابق با زبان هر فرد » توضیح خود را در تجربه برج بابل که در ژنرال 11 آشکار
شد، خواهد یافت.

پسران هام
« پیدایش 10:6: « پسران حام عبارتند از: کوش، مصرعیم، پوت و کنعان
کوش اتیوپی را تعیین می‌کند. « میتزیم »، مصر؛ « پوت »، لیبی؛ و « کنعان »، اسرائیل
کنونی یا فلسطین باستان.
« پیدایش 10:7: « پسران کوش: سبا، حویله، سبتا، رعما و سبطکا. پسران رانما: سبا و ددان
پیدایش 10:8: « کوش نمرود را نیز آورد. این او بود که شروع به قدرتمند شدن روی زمین
کرد
این پادشاه « نمرود » سازنده « برج بابل » خواهد بود، که باعث جدایی زبان‌ها توسط خدا
می‌شود که بر اساس پیدایش 11، انسان‌ها را به مردم و ملت‌ها جدا و منزوی می‌کند
پیدایش 10:9: « او شکارچی دلیر پیش از خداوند بود. پس گفته می‌شود: مانند نمرود،
« شکارچی دلیر در برابر خداوند
« پیدایش 10:10: « او ابتدا بر بابل، اریک، اکاد و کلنه در سرزمین شنار سلطنت کرد
بابل " نشان دهنده بابل باستان است. « اکاد »، اکد باستان و شهر کنونی بغداد. « شاینر »، "
عراق.

. پیدایش 10:11: « از آن سرزمین آشور بیرون آمد. او نینوا، رهبوت هیر، کالاخ را ساخت
آسور « به آشور اشاره دارد. « نینوا » به موصل کنونی تبدیل شد «
« پیدایش 10:12: « و رسن بین نینوا و کاله. این شهر بزرگ است
این سه شهر در عراق کنونی در شمال و در کنار رودخانه برب قرار داشتند
« پیدایش 10:13: « میتسرایم لودیم، آنامیم، لهابیم، نفتوحیم را آورد
« پیدایش 10:14: « پتروسیم‌ها، کاسلو هیم‌ها، که فلسطینیان و کافتوریم‌ها از آنها آمدند
فلسطینی‌ها « فلسطینی‌های کنونی را که همچنان در ائتلاف قدیمی با اسرائیل در جنگ «
هستند، معرفی می‌کنند. آنها فرزندان مصر هستند، یکی دیگر از دشمنان تاریخی اسرائیل تا سال 1979
که مصر با اسرائیل ائتلاف کرد.

« پیدایش 10:15: « کنعان نخست‌زاده‌اش صیدون و هیث را آورد
« پیدایش 10:16: « و بیوسیان، و اموریان، و گیرغاشیان
جبوس « اورشلیم را مشخص می‌کند. « عموریان « اولین ساکنان سرزمینی بودند که خدا به «
اسرائیل داده بود. اگرچه آنها در هنجار غول پیکر باقی ماندند، اما خداوند آنها را به قتل رساند و آنها را
با هورنت‌های سمی در مقابل مردم خود از بین برد تا مکان را آزاد کند
« پیدایش 10:17: « هویان، ارکیان، سینی‌ها
گناه " به چین اشاره دارد "
« پیدایش 10:18: « اروادیان، زماریان، حماطیان. سپس خانواده‌های کنعانیان پراکنده شدند
پیدایش 10:19: « حدود کنعانیان از صیدون، از طرف جرار، تا غزه، و از طرف سدوم،
« عموره، ادمه و زبویم تا لشا بود

این نام‌های باستانی سرزمین اسرائیل را در سمت غرب از شمال که صیدا در جنوب آنجاست
که غزه کنونی در آن قرار دارد و در سمت شرق از جنوب، بر اساس استقرار سدوم و عموره در این
واقع شده است Zeboim مکان مشخص می‌کند. از "دریای مرده"، در شمال جایی که

پیدایش 10:20: « اینها پسران حام هستند برحسب قبایلشان، برحسب زبان، برحسب کشورشان، برحسب قومهایشان »

پسران سام

پیدایش 10:21: « برای سام، پدر همه پسران هبر و برادر یافت بزرگ، پسرانی نیز به دنیا آمد »

»

» پیدایش 10:22: « پسران سام عبارتند از: عیلام، عصور، آریاشاد، لود و آرام

عیلام » به مردم ایران باستان ایران امروزی و نیز آریایی‌های شمال هند اشاره می‌کند. « آسور »، آشور باستانی عراق کنونی. « لود »، شاید لود در اسرائیل. « آرام »، آرامیان سوریه

» پیدایش 10:23: « پسران آرام: اوز، حول، جتر و ماش

» پیدایش 10:24: « آرفاخشاد شلاک را آورد. و شلاک حبر را آورد

پیدایش 10:25: « حبر دو پسر به دنیا آورد: یکی از آنها فلیگ نام داشت، زیرا در روزگار او زمین تقسیم شد و نام برادرش یوختان بود

در این آیه دقت می‌کنیم: « زیرا در زمان او زمین تقسیم شد ». ما این امکان را مدیون او هستیم که در سال 1757 گناه آدم، جداسازی زبان‌ها ناشی از تلاش برای اتحاد شورشی با برافراشتن برج بابل باشد. بنابراین زمان سلطنت نمرود پادشاه است

» پیدایش 10:26: « یوکتان آلوداد، شلف، هزار ماو، پراح را آورد

Gen.10:27: " Hadoram, Uzal, Diklah, "

» پیدایش 10:28: « اوبال، ابی‌مائل، سبا

» پیدایش 10:29: « افیر، حویله و یویاب. همه اینها پسران جوکتان بودند

» پیدایش 10:30: « از مشا در کنار سفار تا کوه مشرق ساکن شدند

پیدایش 10:31: « اینها پسران سام هستند برحسب قبایلشان، برحسب زبان، برحسب کشورشان، برحسب قومهایشان »

پیدایش 10:32: « اینها قبایل پسران نوح، بر حسب نسلهای ایشان، بر حسب امتهای ایشان

» هستند. و از آنها امتهایی آمدند که پس از طوفان بر روی زمین پراکنده شدند

پیدایش 11

جداسازی بر اساس زبان

» . پیدایش 11:1: « تمام زمین یک زبان و کلمات یکسان داشت

خداوند در اینجا نتیجه منطقی این واقعیت را یادآور می‌شود که همه بشریت از یک زوج منفرد سرچشمه می‌گیرد: آدم و حوا. بنابراین زبان گفتاری به همه فرزندان منتقل شد

پیدایش 11:2: « هنگامی که از شرق می‌رفتند، دشتی را در زمین شنار یافتند و در آنجا ساکن شدند »

در «شرق» کشور «شینیهار» در عراق کنونی، ایران امروزی قرار داشت. پس از ترک (عبری) «مناطق مرتفع، مردان در دشتی جمع می‌شوند که به خوبی از دو رود بزرگ، «فرات و دجله و حاصلخیز سیراب می‌شود. در زمان او، لوط، برادرزاده ابراهیم نیز هنگام (Hiddekel و Phrat جدایی از عمویش، این مکان را برای اقامت در آنجا انتخاب کرد. دشت بزرگ به دنبال ساخت شهری بزرگ به نام " بابل " خواهد بود که تا پایان جهان مشهور خواهد ماند

پیدایش 11:3: « به یکدیگر گفتند، بیایید! بیایید آجر بسازیم و در آتش بپزیم. و آجر آنها را به عنوان سنگ، و قیر آنها را به عنوان سیمان

مردانی که جمع شده بودند دیگر در چادر زندگی نمی‌کنند، آنها ساخت آجرهای پخته شده را کشف می‌کنند که ساختن ساختمان‌های مسکونی دائمی را ممکن می‌کند. این کشف در مبدأ همه شهرها

است. در دوران بردگی آنها در مصر، ساختن این آجرها برای ساختن رامسس برای فرعون، عامل رنج عبرانیان خواهد بود. با این تفاوت که آجرهایشان در آتش پخته نمی شود، بلکه از خاک و گاه ساخته می شود، در آفتاب سوزان مصر خشک می شود.

پیدایش 11:4: « و دوباره گفتند: اجازه دهید برویم! برای خود شهر و برجی بسازیم که نوک آن » . تا بهشت می رسد و نامی برای خود بسازیم تا بر روی زمین پراکنده نشویم

پسران نوح و فرزندان او به صورت کوچ نشین در سرتاسر زمین پراکنده بودند و همیشه در چادرهای متناسب با سفرهایشان زندگی می کردند. خداوند در این مکاشفه، لحظه ای را هدف قرار می دهد که برای اولین بار در تاریخ بشر، انسان ها تصمیم می گیرند در مکانی و خانه های دائمی ساکن شوند و بدین ترتیب اولین مردم ساکن را تشکیل می دهند. و این اولین گردهمایی آنها را به اتحاد می کشاند تا سعی کنند از جدایی که منجر به بحث، دعوا و مرگ می شود فرار کنند. آنها از نوح شرارت و خشونت پیش از غبار را آموختند. تا جایی که خدا مجبور شد آنها را نابود کند. و برای کنترل بهتر خطر تکرار اشتباهات مشابه، فکر می کنند با جمع شدن از نزدیک در یک مکان، موفق می شوند از این خشونت جلوگیری کنند. ضرب المثل می گوید: قدرت در اعداد وجود دارد. از زمان بابل، همه فرمانروایان بزرگ و سلطه های بزرگ، قدرت خود را بر اتحاد و اجتماع بنا نهاده اند. فصل قبل از پادشاه نمرود نام برد که ظاهراً اولین رهبر متحد بشریت در زمان خود بود، دقیقاً با ساختن بابل و برج آن

در متن آمده است: " برجی که بالای آن آسمان را لمس می کند ". این ایده « دست زدن به بهشت » بیانگر قصد پیوستن به خدا در بهشت است تا به او نشان دهد که مردان بدون او می توانند کار کنند و ایده هایی برای اجتناب و حل مشکلات خود دارند. این چیزی بیشتر و کمتر از یک چالش با خدای خالق نیست.

پیدایش 11:5: « بَهْوَه نازل شد تا شهر و برجی را که بنی آدم می ساختند ببیند

این تنها تصویری است که به ما نشان می دهد که خدا پروژه انسانیت را می داند که دوباره توسط افکار سرکش جان گرفته است.

پیدایش 11:6: « و بهوه گفت: اینک آنها یک قوم هستند و همگی یک زبان دارند و این کاری است که انجام داده اند. اکنون هیچ چیز آنها را از انجام هر کاری که برنامه ریزی کرده اند باز نمی دارد »

وضعیت در زمان بابل مورد غیبه جهانی گرایان معاصر است که رویای این آرمان را در سر می پروراند: تشکیل یک مردم واحد و تکلم به یک زبان. و جهان گرایان ما، مانند کسانی که نمرود جمع کرده بودند، اهمیتی نمی دهند که خدا در این مورد چه فکری می کند. با این حال، در سال 1747 از زمان گناه آدم، خداوند صحبت کرده و نظر خود را بیان کرده است. همانطور که از سخنان او نشان می دهد، ایده پروژه انسانی او را خوشایند نمی کند و او را آزار می دهد. با این حال، بحثی در مورد نابودی دوباره آنها وجود ندارد. اما توجه داشته باشیم که خداوند در کار آمدی رویکرد بشریت سرکش مناقشه ای ندارد. او فقط یک اشکال دارد و آن هم برای او: هر چه بیشتر دور هم جمع شوند، بیشتر او را طرد می کنند، دیگر به او خدمت نمی کنند، یا بدتر از آن، به خدایان دروغین در مقابل او خدمت می کنند.

بیا! بگذار پایین برویم و آنجا زبانشان را به هم بزنییم تا دیگر زبان همدیگر را « Gen.11:7: « نشنوند » .

خدا راه حل خود را دارد: « زبان آنها را به هم بزنییم تا دیگر زبان یکدیگر را نشنوند. » این اقدام با هدف ایجاد یک معجزه الهی است. مردها در یک لحظه خود را به زبان های مختلف بیان می کنند و دیگر همدیگر را نمی فهمند، مجبور می شوند از یکدیگر دور شوند. واحد مورد نظر خراب است. جدایی مردان، موضوع این مطالعه، هنوز وجود دارد و به خوبی انجام شده است.

پیدایش 11:8: « و خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده کرد. و ساختن شهر را متوقف کردند » .

کسانی که به یک زبان صحبت می کنند با هم گروه می شوند و از دیگران دور می شوند. بنابراین پس از این تجربه « زبان ها » است که مردم در مکان های مختلفی ساکن می شوند و شهرهایی از سنگ و آجر پیدا می کنند. ملتها تشکیل خواهند شد و برای مجازات خطاهای آنها، خداوند قادر خواهد بود آنها را در برابر یکدیگر قرار دهد. تلاش « بابل » برای برقراری صلح جهانی با شکست مواجه شد.

پیدایش 11: 9: « بنابراین نام آنها بابل خوانده شد، زیرا خداوند در آنجا زبان تمام زمین را در « . هم ریخت و از آنجا خداوند آنها را بر روی تمام زمین پراکنده کرد نام «بابل» که به معنای «آشفته‌گی» است، شایستگی شناخته شدن را دارد، زیرا به مردم شهادت می‌دهد که چگونه خدا به تلاش آنها برای اتحاد جهانی واکنش نشان داد: « آشفته‌گی زبان‌ها ». هدف این درس هشدار دادن به بشریت بود، تا پایان جهان، زیرا خدا می‌خواست این تجربه را در شهادت خود آشکار کند، به موسی دیکته کرد که بدین ترتیب اولین کتاب‌های کتاب مقدس خود را نوشت که ما امروز هنوز می‌خوانیم. بنابراین، خدا مجبور به استفاده از خشونت علیه شورشیان آن زمان نبود. اما در پایان جهان که با بازتولید این گردهمایی جهانی محکوم شده توسط خدا، آخرین شورشیان بازمانده پس از جنگ جهانی سوم با بازگشت باشکوه عیسی مسیح نابود خواهند شد، یکسان نخواهد بود. آنها سپس باید با «خشم او» کنار بیایند و علاوه بر این، تصمیم به کشتن آخرین برگزیدگان او بگیرند، زیرا آنها از زمان خلقت جهان به سبب مقدس او وفادار خواهند ماند. درسی که خداوند داده بود هرگز توسط بشر رعایت نشد و دائماً در سراسر زمین شهرهای بزرگ تشکیل می‌شد تا اینکه خداوند آنها را به دست سایر مردمان یا با اپیدمی‌های مرگبار در مقیاس بزرگ نابود کرد.

اولاد سام

نسبت به ابراهیم پدر مؤمنان و ادیان توحیدی جاری

پیدایش 11:10: « اینها نسل سام هستند. سام که صد ساله بود، دو سال پس از طوفان، پدر . آریپاکاد شد

. پسر شم، آریپاشاد در سال 1658 (1656 + 2) به دنیا آمد

». پیدایش 11:11: « سام بعد از تولد آریپاکاد پانصد سال زندگی کرد. و پسران و دخترانی آورد

. شم در سال 2158 در سن 600 سالگی (100 + 500) درگذشت

». پیدایش 11:12: « آرفاکاد سی و پنج ساله، پدر شلاک شد

. پسر آریپاچاد، شلاک در سال 1693 (1658 + 35) به دنیا آمد

پیدایش 11:13: « آرفاکاد پس از تولد شلاک چهارصد و سه سال زندگی کرد. و پسران و

». دخترانی به دنیا آورد

. آریپاچاد در سال 2096 در سن 438 سالگی (35 + 403) درگذشت

». پیدایش 11:14: « شلاخ سی ساله، پدر هیر شد

. هیر در سال 1723 (1693 + 30) به دنیا آمد

پیدایش 11:15: « شلاخ پس از تولد هیر، چهارصد و سه سال زندگی کرد. و پسران و دخترانی

». به دنیا آورد

. در 2126 (1723 + 403) در سن 433 (403 + 30) درگذشت Schélach

». پیدایش 11:16: « هیر، سی و چهار ساله، پلگ را به دنیا آورد

پلگ در سال 1757 (1723 + 34) به دنیا آمد. در زمان تولد او، طبق پیدایش 10:25، « زمین

تقسیم شد « توسط زبان‌های گفتاری که خدا برای تقسیم و جدا کردن مردانی که در بابل جمع شده بودند، ایجاد کرد

پیدایش 11:17: « پس از تولد فِلیگ، حبر چهارصد و سی سال زندگی کرد. و پسران و دخترانی

». به دنیا آورد

. هیر در 2187 (1757 + 430) در سن 464 (430 + 34) درگذشت

». پیدایش 11:18: « پلگ سی ساله، پدر رحو شد

. در سال 1787 (1757 + 30) به دنیا آمد Rehu

پیدایش 11:19: « فِلیق پس از تولد رحو دویست و نه سال زندگی کرد. و پسران و دخترانی به

». دنیا آورد

پلگ در سال 1996 (1787 + 209) در سن 239 (209 + 30) درگذشت. به کوتاه شدن

وحشیانه عمر احتمالاً به دلیل شورش برج بابل که در زمان او انجام شد اشاره می‌کند

». پیدایش 11:20: « رحو، سی و دو ساله، سروغ را به دنیا آورد

سرورگ در سال 1819 (1787 + 32) به دنیا آمد.
 پیدایش 11:21: « رحو پس از تولد سرورگ دویست و هفت سال زندگی کرد. و پسران و دخترانی به دنیا آورد » .

در سال 2096 (1819 + 207) در سن 239 (207 + 32) درگذشت Rehu
 « . پیدایش 11:22: « سرورگ، سی ساله، پدر ناهور بود ناچور در سال 1849 متولد شد (1819 + 30) پیدایش 11:23: « سرورگ پس از تولد ناهور دویست سال زندگی کرد. و پسران و دخترانی به دنیا آورد » .

سرورگ در سال 2049 (1849 + 200) در سن 230 (200 + 30) درگذشت
 « . پیدایش 11:24: « ناحور، بیست و نه ساله، تارا را آورد تراک در سال 1878 (1849 + 29) به دنیا آمد پیدایش 11:25: « پس از تولد تارا، ناهور صد و نوزده سال زندگی کرد. و پسران و دخترانی به دنیا آورد » .

ناچور در سال 1968 (1849 + 119) در سن 148 (119 + 29) درگذشت
 « . پیدایش 11:26: « تراخ، هفتاد ساله، ابرام، ناهور و هاران را آورد ابرام در سال 1948 (1878 + 70) به دنیا آمد بر اساس پیدایش 21:5، ابرام اولین پسر مشروع خود، اسحاق را به دنیا خواهد آورد: « . » ابراهیم صد ساله بود که پسرش اسحاق به دنیا آمد بر اساس پیدایش 25:7، ابرام در سال 2123 در سن 175 سالگی خواهد مرد: این روزهای « سالهای زندگی ابراهیم است: او یکصد و هفتاد و پنج سال زندگی کرد پیدایش 11:27: « اینها فرزندان تارا هستند. تارا پدر ابرام، ناحور و هاران شد. هاران لوط را به دنیا آورد . توجه داشته باشید که ابرام بزرگترین پسر از سه پسر تارا است. بنابراین او است که در 70 سالگی پدرش ترح متولد شد، همانطور که در آیه 26 در بالا مشخص شد پیدایش 11:28: « و هاران در حضور پدرش تارا، در زمین زادگاهش، در اور کلدیس، درگذشت » . این مرگ توضیح می دهد که چرا لوط بعداً ابرام را در سفرهایش همراهی می کند. ابرام او را تحت حمایت خود گرفت در اور در کلدیه بود که ابرام متولد شد و در بابل در کلدیه بود که اسرائیل سرکش در زمان ارمیا نبی و دانیال نبی به اسارت کشیده شد پیدایش 11:29: « ابرام و ناحور زن گرفتند: نام همسر ابرام سارای و نام همسر ناهور میلیکه، دختر هاران، پدر میلیکا و پدر جیسکا بود اتحادهای این زمان بسیار فامیلی است: ناچور با میلیکا دختر برادرش هاران ازدواج کرد. این هنجار و اطاعت از وظیفه ای بود که هدف آن حفظ پاکی نژاد اولاد بود. اسحاق نیز خدمتکار خود را می فرستد تا برای پسرش اسحاق در خانواده نزدیک لابان آرامی زنی بیابد » . پیدایش 11:30: « سارای نازا بود و فرزندی نداشت این عقیمی به خدای خالق این امکان را می دهد که قدرت خلاقیت خود را آشکار کند. این به این دلیل است که او می تواند فرزندی به دنیا بیاورد در حالی که او مانند شوهرش ابرام تقریباً صد ساله شود. این عقیمی در سطح نبوی ضروری بود، زیرا اسحاق به عنوان نوع آدم جدیدی معرفی می شود که عیسی مسیح در زمان خود تجسم خواهد کرد. هر دو نفر در زمان خود « فرزندان وعده الهی» بودند. بنابراین، همیشه به دلیل نقش نبوی او به عنوان «پسر خدا» است که او خودش همسرش را انتخاب نخواهد کرد، زیرا در جسم عیسی، این خداست که رسولان و شاگردانش را انتخاب می کند، یعنی روح پدر که در اوست. و چه کسی به او روحیه می دهد پیدایش 11:31: « تارا پسر خود ابرام و لوط پسر هاران پسر خود و سارای عروس خود زن پسرش ابرام را گرفت. آنها با هم از اور کلدانی به سرزمین کنعان رفتند. به هاران آمدند و در آنجا ساکن شدند .

تمام خانواده، از جمله ابرام، در شمال کشور، در چاران ساکن شدند. این اولین حرکت آنها را به نزدیک شدن به محل تولد بشریت سوق می دهد. آنها خود را از شهرهای بزرگ که قبلاً بسیار پرجمعیت و در حال حاضر بسیار سرکش بودند، از دشت حاصلخیز و آباد جدا می کنند.

پیدایش 11:32: «ایام تارا دویست و پنج سال بود. و تارا در هاران درگذشت. تراک در سال 1878 به دنیا آمد و در سال 2083 در سن 205 سالگی درگذشت».

در پایان مطالعه این فصل توجه داشته باشیم که پروژه کاهش امید به زندگی به 120 سال به خوبی در مسیر موفقیت قرار دارد. بین «600 سال» سام و «148 سال» ناهور یا «175 سال» ابراهیم، کوتاه شدن عمر آشکار است. حدود 4 قرن بعد موسی دقیقاً 120 سال زنده خواهد ماند. عدد ذکر شده توسط خداوند به عنوان یک مدل تکمیل شده بدست خواهد آمد.

در تجربه‌ای که ابراهیم زندگی کرد، خدا نشان می‌دهد که خودش آماده انجام چه کاری است تا زندگی برگزیدگانش را که از میان تمام مخلوقات انسانی خود برمی‌گزیند، مطابق با حفظ تصویر او از او، انجام دهد. در این صحنه تاریخی، ابراهیم خدا در پدر، اسحاق، خدا در پسر است و تحقق آن در عیسی مسیح انجام خواهد شد و با قربانی داوطلبانه او عهد جدید متولد خواهد شد.

پیدایش 12

جدایی از خانواده زمینی

پیدایش 12:1: «یَهُوَه به ابرام گفت: از سرزمین خود، از سرزمین پدری خود، و از خانه پدرت، به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد برو».

به دستور خدا، ابرام خانواده زمینی خود، خانه پدرش را ترک خواهد کرد، و ما باید به این ترتیب معنای معنوی را که خداوند در پیدایش 2:24 به سخنان خود داده است، ببینیم: «بنابراین انسان باید پدر و مادر خود را رها کند و به زن خود بچسبد و آنها یک تن خواهند شد. ابرام باید «پدر و مادرش را ترک کند» تا وارد نقش روحانی نبوی مسیح شود که فقط «عروس» مجمع برگزیدگان او، برای او مهم است. پیوندهای جسمانی موانعی در راه پیشرفت معنوی هستند که برگزیدگان باید از آنها اجتناب کنند تا بتوانند در تصویری نمادین با عیسی مسیح، خدای خالق یهوه، «یک جسم» بسازند.

پیدایش 12:2: «از شما قومی بزرگ خواهم ساخت و شما را برکت خواهم داد. نام تو را بزرگ خواهم کرد و تو مایه برکت خواهی بود».

ابرام اولین نفر از پدرسالاران کتاب مقدس خواهد بود که توسط موحدان به عنوان "پدر مؤمنان" شناخته می‌شود. او همچنین در کتاب مقدس، اولین بنده خدا است که جزئیات زندگی او به طور طولانی دنبال و آشکار خواهد شد.

پیدایش 12:3: «برکت دهندگان تو را برکت خواهم داد و کسانی را که تو را نفرین می‌کنند، نفرین خواهم کرد. و همه خانواده های زمین در تو برکت خواهند داشت».

سفرها و برخوردهای ابرام گواه این امر است و در حال حاضر در مصر زمانی که فرعون می‌خواست با سارای بخوابد، با این باور که بر اساس آنچه ابرام برای محافظت از جان خود گفت، او خواهر اوست. خداوند در رؤیایی به او خبر داد که ساره همسر پیامبری است و نزدیک بود بمیرد.

قسمت دوم این آیه، «تمام خانواده‌های زمین در شما برکت خواهند یافت»، در عیسی مسیح، پسر داود از قبیله یهودا، پسر اسرائیل، پسر اسحاق، پسر ابرام، تحقق خواهد یافت. بر ابرام است که خداوند دو اتحاد متوالی خود را خواهد ساخت که معیارهای نجات او را ارائه می‌دهد. زیرا این استانداردها باید تکامل می‌یافتند تا از نوع نمادین به نوع واقعی حرکت کنند. با توجه به اینکه انسان گناهکار قبل از مسیح زندگی می‌کند یا بعد از او.

پیدایش 12:4: «ابرام همانطور که خداوند به او گفته بود رفت و لوط با او رفت. ابرام هفتاد و پنج ساله بود که از هاران بیرون آمد».

ابرام در 75 سالگی تجربه طولانی زندگی دارد. ما باید این تجربه را به دست آوریم تا به خدا گوش دهیم و به دنبال آن باشیم. که پس از کشف نفرین های بشریت جدا شده از او انجام می شود. اگر خدا او را صدا زد، دلیل است که ابرام در جستجوی او بود، پس چون خداوند بر او آشکار شد، به اطاعت او می شتابد. و این اطاعت مفید در این آیه که در پیدایش ۲۶:۵ آمده است، به پسرش اسحاق تأیید و یادآوری خواهد شد: « زیرا ابراهیم صدای من را اطاعت کرد و اوامر، احکام، فرایض و شریعت من را نگاه داشت ». ابرام فقط در صورتی می توانست این چیزها را حفظ کند که خدا آنها را به او عرضه می کرد. این شهادت خدا به ما نشان می دهد که بسیاری از چیزهایی که در کتاب مقدس ذکر نشده است، انجام شده است. کتاب مقدس فقط خلاصه ای از وجود طولانی زندگی بشر را به ما ارائه می دهد. و زندگی 175 ساله یک مرد، فقط خدا می تواند بگوید که او دقیقه به دقیقه، ثانیه به ثانیه چه زندگی کرده است، اما برای ما خلاصه ای از ضروریات کافی است.

بنابراین، برکت خداوندی که به ابرام داده شده بر اطاعت او است، و اگر ما اهمیت این اطاعت را درک نکنیم، تمام مطالعه ما در مورد کتاب مقدس و پیشگویی های آن بیهوده خواهد بود، زیرا عیسی مسیح گفتار خود را در یوحنا به عنوان مثال به ما داد. 8:29: « کسی که مرا فرستاد با من است. او مرا تنها نگذاشته است، زیرا من همیشه کاری را انجام می دهم که او را خوشحال می کند. » با هر کسی هم همینطور است. هر رابطه خوبی با انجام دادن " آنچه خوشایند " برای کسی که می خواهید راضی کنید به دست می آید. بنابراین، ایمان، چه دین واقعی، چیز پیچیده ای نیست، بلکه نوع ساده ای از رابطه است که مورد رضایت خدا و خود اوست.

در آخرالزمان، نشانه ای که در حال ظهور است، نافرمانی فرزندان از والدین و مقامات ملی است. خداوند این چیزها را سازمانده می کند تا بزرگسالانی را که نسبت به او سرکش، ناسیاس یا بی تفاوت هستند کشف کنند که خود او به دلیل شرارت آنها چه تجربه می کند. بنابراین، اعمالی که خداوند خلق می کند، بسیار بلندتر از فریادها و سخنرانی ها، برای بیان خشم و سرزنش های عادلانه او فریاد می زند.

پیدایش 12:5: « ابرام، زن خود سارای و پسر برادرش لوط را با تمام اموال و غلامانی که در « هاران به دست آورده بودند، گرفت. آنها رفتند تا به سرزمین کنعان بروند و به سرزمین کنعان آمدند چارن در شمال شرقی کنعان واقع شده است. پس ابرام از حران به غرب و سپس به جنوب می رود و وارد کنعان می شود.

پیدایش 12:6: « ابرام از طریق زمین به محلی به نام شکیم، به بلوط موره رفت. در آن زمان « کنعانیان در آن سرزمین بودند

آیا باید آن را به خاطر بسپاریم؟ " کنعانیان " غول هستند، اما پس خود ابرام چطور؟ زیرا سیل هنوز خیلی نزدیک بود و ابرام می توانست به اندازه یک غول باشد. او با ورود به کنعان از حضور این غول ها خبر نمی دهد که اگر خودش همچنان در این هنجار باشد منطقی است. ابرام با نزول به جنوب، از جلیل امروزی عبور می کند و به سامره امروزی، به شکیم می رسد. این سرزمین سامره مکانی برای بشارت مورد علاقه عیسی مسیح خواهد بود. در آنجا، او به «زن سامری» و خانواده اش ایمان پیدا می کند، که برای اولین بار، در کمال تعجب، یک یهودی اجازه ورود به آن ها را پیدا کرد.

پیدایش 12:7: « خداوند بر ابرام ظاهر شد و گفت: «این زمین را به نسل تو خواهم داد. و ابرام «. در آنجا قربانگاهی برای خداوند که بر او ظاهر شده بود بنا کرد

خدا ابتدا سامره امروزی را انتخاب کرد تا خود را به ابرام نشان دهد که این جلسه را با ساختن یک قربانگاه در آنجا تقدیس خواهد کرد، نمادی نبوی از صلیب شکنجه مسیح. این انتخاب پیوندی را به بشارت آینده کشور توسط عیسی مسیح و حواریونش نشان می دهد. از همین جاست که خداوند به او اعلام می کند که این کشور را به نسل او خواهد داد. اما کدام یک، یهودی یا مسیحی؟ علیرغم حقایق تاریخی به نفع یهودیان، به نظر می رسد این وعده مربوط به برگزیدگان مسیح برای تحقق در زمین جدید است. زیرا برگزیدگان مسیح نیز طبق اصل عادل شمرده شدن از راه ایمان، نسلی هستند که به ابرام وعده داده شده است.

پیدایش 12:8: « او از آنجا به سمت کوه شرقی بیتئیل حرکت کرد و خیمه های خود را برپا کرد و بیتئیل در غرب و عای در شرق داشت. او همچنین در آنجا قربانگاهی برای خداوند ساخت و نام «. یهوه را خواند

ابرام که به سمت جنوب پایین آمد، در کوه‌های بین بیت‌ئیل و عای اردو زد. خداوند جهت دو شهر را مشخص می‌کند. بیت ئیل به معنای «خانه خدا» است و ابرام آن را در سمت غرب، در جهتی که به خیمه و معبد اورشلیم داده می‌شود، قرار می‌دهد، به طوری که هنگام ورود به سوی قدس خدا، خانه او، متصدیان به او پشت می‌کنند. طلوع خورشید که از مشرق طلوع می‌کند، مشرق. در مشرق شهر آئی قرار دارد که ریشه آن به معنی انبوه سنگ، خرابه یا تپه و بنای تاریخی است. خداوند قضاوت خود را بر ما آشکار می‌کند: در مقابل ورودی برگزیدگان به خانه خدا در شرق تنها ویرانه‌ها و انبوه سنگ است. در این تصویر، ابرام دو راه آزادی را پیش روی خود داشت: به سمت غرب، بیت ئیل و زندگی یا، در شرق، آی و مرگ. خوشبختانه او قبلاً زندگی با یهوه را انتخاب کرده بود.

« پیدایش 12:9: » ابرام به سفر خود ادامه داد و به سمت جنوب پیش رفت

توجه داشته باشید که در اولین گذر از کنعان، ابرام به «بیس»، نام شهر آینده داوود: اورشلیم نمی‌رود، که بنابراین کاملاً توسط او نادیده گرفته می‌شود.

پیدایش 12:10: « در زمین قحطی بود. و ابرام به مصر فرود آمد تا در آنجا ساکن شود، زیرا قحطی در آن سرزمین زیاد بود

همانطور که چنین خواهد بود، در زمانی که یوسف بن یعقوب، اسرائیل، اولین وزیر مصر شد، قحطی بود که ابرام را به مصر آورد. تجربیاتی که او در آنجا داشت در بقیه آیات این باب بازگو شده است.

ابرام مردی آرام و حتی ترسو است. او از ترس کشته شدن برای بردن همسرش سارای که بسیار زیبا بود، تصمیم گرفت او را به عنوان خواهر خود معرفی کند، یک حقیقت نیمه واقعی است. فرعون با این مکر او را خشنود کرد و او را با کالاهایی پوشاند که به او ثروت و قدرت می‌بخشد. این امر به دست آمد، خداوند فرعون را با بلاها می‌زند و او متوجه می‌شود که سارای همسر اوست. سپس او ابرام را تعقیب می‌کند که مصر را ثروتمند و قدرتمند ترک می‌کند. این تجربه مانع عبرانیان را پیشگویی می‌کند که پس از بردگان مصر، مصر را رها می‌کنند تا طلا و ثروتش را بگیرند. و این قدرت به زودی برای او بسیار مفید خواهد بود.

پیدایش 13

جدایی ابرام از لوط

پس از بازگشت از مصر، ابرام، خانواده‌اش و لوط، برادرزاده‌اش، به بیت‌ئیل بازگشتند، به مکانی که در آنجا قربانگاهی برای دعای خدا برپا کرده بود. در حالی که همه آنها در این مکان بین بیت ئیل و آی به، بین "خانه خدا" و "ویرانه" هستند. به دنبال نزاع بین بندگان آنها، ابرام از لوط جدا می‌شود و او انتخاب مسیر مورد نظر خود را به لوط می‌دهد. و لوط از فرصت استفاده کرد و دشت را انتخاب کرد و حاصلخیزی آن نوید آبادانی بود. آیه 10 می‌گوید: « لوط چشمان خود را بلند کرد و تمام دشت اردن را دید که کاملاً سیراب شده بود. قبل از اینکه خداوند سدوم و عموره را نابود کند، تا صوعار باغ خداوند بود، مانند سرزمین مصر. با انجام این کار، او «ویرانه» را انتخاب می‌کند و زمانی که خداوند شهرهای این دره را که امروزه بخشی از آن تحت پوشش «دریای مرده» است، با آتش و گوگرد بزند، آن را کشف خواهد کرد. عذابی که او با دو دخترش به لطف رحمت خدا از آن فرار خواهد کرد که دو فرشته به او هشدار می‌دهند و او را وادار می‌کنند که سدوم را که در آنجا زندگی می‌کند ترک کند. در آیه 13 " می‌خوانیم: " مردم سدوم شریر و گناهکاران بزرگ در برابر خداوند بودند

بنابراین ابرام در نزدیکی بیت‌ئیل، «خانه خدا» در کوه باقی می‌ماند.

پیدایش 13:14 تا 18: « پس از اینکه لوط از او جدا شد، خداوند به ابرام گفت: چشمانت را بلند کن و از جایی که هستی، به شمال و جنوب، به طرف شرق و غرب بنگر. زیرا تمام سرزمینی را که می‌بینی به تو و نسلت تا ابد خواهم داد. من دانه تو را مانند خاک زمین خواهم ساخت تا اگر کسی بتواند خاک زمین را بشمارد، دانه تو نیز شمرده شود. برخیز، در طول و عرض زمین سفر کن. زیرا من آن را به

شما خواهیم داد. ابرام خیمه های خود را برپا کرد و در میان بلوط های ممره که در نزدیکی حبرون است ساکن شد. و در آنجا قربانگاهی برای خداوند بنا کرد

ابرام پس از واگذاری انتخاب به لوط، سهمی را که خدا می خواهد به او بدهد، دریافت می کند و در آنجا دوباره برکات و وعده های خود را تجدید می کند. مقایسه «ذرت» او با «غبار زمین»، مبدأ و پایان جسم و روح انسان، مطابق با پیدایش ۲: ۷، با مقایسه «ستارگان آسمان» در پیدایش تأیید 15:5 خواهد شد.

پیدایش 14

جدایی از طریق قدرت

چهار پادشاه از مشرق می آیند تا با پنج پادشاه دره ای که لوط در آن زندگی می کند در سدوم واقع شده است. پنج پادشاه و همچنین لوط مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و اسیر می شوند. ابرام با اخطار به کمک او می آید و همه گروگان های اسیر را آزاد می کند. به مصلحت آیه ای که در ادامه می آید توجه کنیم.

پیدایش 14:16: «او همه ثروت را بازگرداند. همچنین لوط، برادرش را با اموالش و نیز زنان» و مردم را بازگرداند

در واقع، فقط برای لوط بود که ابرام مداخله کرد. اما خداوند با بازگو کردن حقایق، این واقعیت را پنهان می کند تا سرزنش خود را نسبت به لوط که انتخاب بدی برای زندگی در شهر بدکاران کرد، برانگیزد.

پیدایش 14:17: «پس از آنکه ابرام پیروز از کدرلعمر و پادشاهانی که با او بودند بازگشت، پادشاه سدوم به استقبال او در وادی شاوله که دره پادشاه است، رفت

باید از برنده تشکر کرد. کلمه شاوله به معنی: دشت است. دقیقاً آنچه لوط را اغوا کرد و بر انتخاب او تأثیر گذاشت.

پیدایش 14:18: «ملکیصدق، پادشاه سالم، نان و شراب آورد، او کاهن خدای متعال بود این پادشاه سالم «کاهن خدای متعال» بود. معنی نام او: "پادشاه من عدالت است". حضور او و مداخله او دلیلی بر تداوم پرستش خدای واقعی بر روی زمین از زمان پایان سیل است که هنوز در افکار انسان های زمان ابرام وجود دارد. اما این پرستندگان خدای واقعی از پروژه نجاتی که خدا از طریق تجر بیات نبوی زندگی ابرام و فرزندانش آشکار خواهد کرد، چیزی نمی دانند.

پیدایش 14:19: «و ابرام را برکت داد و گفت: بر خدای متعال، پروردگار آسمان و زمین، ابرام مبارک باد»

برکت این نماینده رسمی خداوند موید بیشتر نعمتی است که خداوند مستقیماً شخصاً به ابرام داده است.

پیدایش 14:20: «متبارک باد خدای متعال که دشمنانت را به دست تو تسلیم کرد! و ابرام دهک» از همه چیز را به او داد

ملکیصدق به ابرام برکت می دهد، اما مراقب است که پیروزی او را به او نسبت ندهد. آن را به خداوند متعالی که دشمنانش را به دست او سپرد. و ما یک مثال عینی از اطاعت ابرام از قوانین خدا داریم، زیرا او "دهک هر چیزی" را به ملکیصدق داد که نامش به معنی "پادشاه من عدالت است". بنابراین، این قانون دهم از زمان پایان سیل روی زمین و احتمالاً حتی قبل از «سیل» وجود داشته است.

پیدایش 14:21: «پادشاه سدوم به ابرام گفت: مردمی به من بده و ثروت را برای خود بگیر پادشاه سدوم مدیون ابرام است که قوم خود را نجات داد. بنابراین او می خواهد هزینه خدمات خود را به صورت سلطنتی بپردازد.

پیدایش 14:22: «ابرام به پادشاه سدوم پاسخ داد: دست خود را به سوی یهوه، خدای متعال، خداوند آسمان و زمین بلند می کنم

ابرام از این موقعیت استفاده می‌کند تا وجود « یهوه خدای متعال »، « استاد آسمان و زمین » را به پادشاه منحرف یادآوری کند. که او را تنها مالک تمام ثروتی می‌کند که پادشاه از طریق شرارت خود به دست می‌آورد.

پیدایش 14:23: « من چیزی را که مال توست، نخواهم گرفت، نه نخی، و نه بند کفشی، تا ابرام را ثروتمند کردم. برای من هیچی

در این نگرش، ابرام به پادشاه سدوم شهادت می‌دهد که او فقط برای نجات برادرزاده خود لوط به این جنگ آمده است. ابرام مانند خدا این پادشاه را محکوم می‌کند که در شرارت، انحراف و خشونت زندگی می‌کند. و این را با امتناع از ثروتهای به دست آمده بی ارزش برای او روشن می‌کند.

پیدایش 14:24: « فقط آنچه جوانان خوردند، و سهم مردانی که با من راه می‌رفتند، عنبر، اشکول و ممره، سهم خود را خواهند گرفت

اما این انتخاب ابرام فقط مربوط به اوست، یعنی بنده خدا و بندگانش می‌توانند سهم خود را از ثروت ارائه شده بردارند.

پیدایش 15

جدایی با میثاق

پیدایش 15:1: پس از این وقایع، کلام خداوند در رؤیا به ابرام رسید و او گفت: ابرام، نترس. « من سپر شما هستم و پاداش شما بسیار زیاد خواهد بود

ابرام مردی صلح‌جو است که در دنیایی بی‌رحمانه زندگی می‌کند، همچنین در رویایی خدا، "دوستش یهوه، به او اطمینان می‌دهد: "من سپر تو هستم و پاداش تو بسیار زیاد خواهد بود

پیدایش 15:2: « ابرام پاسخ داد: خداوند یهوه، چه چیزی به من خواهی داد؟ من بدون بچه می‌روم. و وارث خانه من الیزار دمشقی است

ابرام مدت‌هاست که به دلیل عقیم بودن سارای، همسر قانونی‌اش، نتوانسته پدر شود، رنج می‌برد. و می‌داند که وقتی بمیرد، یکی از اقوام نزدیکش به ارث می‌رسد: « الیزار دمشقی ». گذراً توجه کنیم که این شهر « دمشق » در سوریه چند قدمت دارد

پیدایش 15:3: « و ابرام گفت: اینک تو به من بذری ندادی و هر که در خانه من متولد شود « و وارث من خواهد بود

ابرام وعده‌هایی را که برای آیندگانش داده شده است، درک نمی‌کند، زیرا او هیچ‌یک از این وعده‌ها را ندارد، زیرا فرزندی ندارد

پیدایش 15:4: « آنگاه کلام خداوند به او نازل شد: او وارث تو نخواهد بود، بلکه هر که از بدن تو می‌آید وارث تو خواهد بود

خداوند به او می‌گوید که او واقعاً پدر یک فرزند خواهد شد

پیدایش 15:5: « و چون او را بیرون آورد، گفت: «به آسمان بنگر و ستارگان را بشمار تا بتوانی آنها را بشماری. و او به او گفت: این نسل تو خواهد بود

به مناسبت این رویایی که به ابرام داده شد، خداوند کلید نمادین معنایی را که از نظر روحانی به کلمه "ستاره" می‌دهد، به ما آشکار می‌کند. که در اصل در پیدایش 1:15 ذکر شد، "ستاره" نقش روشن کردن زمین را دارد و این نقش قبلاً نقش ابرام است که خدا او را فرا خوانده و برای این منظور جدا کرده است، اما نقش همه ایماندارانی نیز خواهد بود که ایمان و خدمت خود را برای خدا ادعا خواهد موقعیت «ستارگان» به برگزیدگان پس از ورودشان به Dan. 12:3 کرد. توجه داشته باشید که طبق ابدیت داده می‌شود: « کسانی که باهوش هستند مانند شکوه بهشت خواهند درخشید، و کسانی که عدالت را تعلیم می‌دهند، به بسیاری از مردم. مانند ستارگان، برای همیشه و همیشه خواهد درخشید. « تصویر "ستاره" به دلیل انتخاب آنها توسط خدا به سادگی به آنها نسبت داده می‌شود

« پیدایش 15:6: ابرام بر خداوند توکل کرد که آن را برای او عدالت شمرد

این سیر آیه عنصر رسمی تعریف ایمان و اصل توجیه ایمان را تشکیل می دهد. زیرا ایمان چیزی جز امانت روشن و موجه و با عزت نیست. توکل بر خدا تنها در شناخت روشن اراده او و هر آنچه که مورد پسند اوست مشروع است و بدون آن نامشروع می شود. اعتماد به خدا این است که باور داشته باشید که او تنها کسانی را برکت می دهد که از او اطاعت می کنند، از نمونه ابرام و نمونه کامل عیسی مسیح پیروی می کنند.

این داوری خدا در مورد ابرام، پیشگویی می کند که او برای همه کسانی که مانند او عمل خواهند کرد، در همان اطاعت از حقیقت الهی که در زمان آنها پیشنهاد و خواسته شده است، خواهد آورد.

پیدایش 15:7: « خداوند دوباره به او گفت: « من یهوه هستم که تو را از اور کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین را به تو بدهم تا در اختیار تو بگذارم.»

به عنوان مقدمه ای برای ارائه عهد خود با ابرام، خداوند به ابرام یادآوری می کند که او را از ذکر شده Exo.20:2 اور کلدیان بیرون آورد. این فرمول بر اساس ارائه اولین "ده فرمان" خدا که در است، الگوبرداری شده است: " من یهوه هستم، خدای شما، که شما را از سرزمین مصر، از خانه بندگی " بیرون آورد.

پیدایش 15:8: « ابرام پاسخ داد: خداوند یهوه، از چه چیزی بدانم که آن را تصاحب خواهم کرد؟

»

ابرام از یهوه نشانه ای می خواهد.

پیدایش 15:9: « خداوند به او گفت: یک تلیسه سه ساله، یک بز سه ساله، یک قوچ سه ساله، « یک لاک پشت و یک کبوتر جوان بردارید.»

پیدایش 15:10: « ابرام همه این حیوانات را گرفت، از وسط برید، و هر تکه را مقابل هم گذاشت. اما او پرندگان را تقسیم نکرد.

پاسخ خدا و عمل ابرام نیاز به توضیح دارد. این مراسم قربانی بر اساس ایده اشتراک گذاری است که مربوط به دو طرف است که در یک اتحاد شرکت می کنند، یعنی: بیایید با هم شریک شویم. حیواناتی که در وسط بریده شده اند نمادی از بدن مسیح هستند که از نظر روحی بین خدا و برگزیدگانش تقسیم خواهد شد. گوسفندان تصویر انسان و مسیح هستند، اما پرندگان این تصویر از مردی را ندارند که مسیح فرستاده شده توسط خدا باشد. به همین دلیل است که آنها به عنوان نمادی آسمانی در عهد ظاهر می شوند اما قطع نمی شوند. کفار گناه عیسی فقط برای برگزیدگان زمینی مفید خواهد بود، نه برای فرشتگان آسمانی.

پیدایش 15:11: « پرندگان شکاری بر لاشه ها افتادند. و ابرام آنها را بیرون کرد.

در پروژه پیشگویی شده توسط خدا، تنها اجساد شروران و شورشیان به عنوان غذا به پرندگان شکاری در بازگشت در جلال مسیح نجات دهنده تحویل داده می شود. در آخرالزمان، این سرنوشت به کسانی که در مسیح و قوانین او با خدا عهد می بندند مربوط نمی شود. زیرا اجساد حیواناتی که به این ترتیب در معرض دید قرار می گیرند، برای خدا و برای ابرام قداست بسیار زیادی دارند. ژست ابرام موجه است زیرا حقایق نباید با پیشگویی مربوط به آینده و سرنوشت نهایی قدوسیت مسیح در تضاد باشد.

پیدایش 15:12: « در غروب آفتاب خواب عمیقی بر ابرام فرود آمد. و اینک ترس و تاریکی عظیم بر او فرود آمد.»

این خواب طبیعی نیست. « خواب عمیق » است، مانند همان خوابی که خداوند آدم را در آن فرو برد تا از یکی از دنده هایش، زنی را شکل دهد، « کمک » او. به عنوان بخشی از اتحادی که با ابرام می بندد، خدا معنای نبوی داده شده به این « کمک » را که هدف محبت خدا در مسیح خواهد بود، بر او آشکار خواهد کرد. در واقع، خداوند فقط در ظاهر، او را می میراند تا وارد حضور ابدی خود شود، بنابراین ورود او به زندگی ابدی، یعنی به زندگی حقیقی را پیش بینی می کند، بر اساس این اصل که هیچ انسانی نمی تواند خدا را ببیند و زندگی کند.

تاریکی بزرگ « به این معناست که خداوند او را نسبت به زندگی زمینی کور می کند تا در ذهنش تصاویر مجازی از ماهیت نبوی، از جمله ظهور و حضور خود خدا، بسازد. به این ترتیب ابرام در تاریکی غوطه ور می شود و یک « ترس » مشروع احساس می کند. علاوه بر این، بر شخصیت مهیب خدای خالق که با او صحبت می کند، تأکید می کند.

پیدایش 13:15: « و خداوند به ابرام گفت: «بدان که نسل تو در سرزمینی که مال آنها نخواهد بود، غریب خواهند بود. در آنجا اسیر خواهند شد و چهارصد سال بر آنها ستم خواهد شد. خداوند آینده را به ابرام اعلام می کند، سرنوشتی که برای فرزندان او محفوظ است.

فرزندان تو در سرزمینی که مال آنها نخواهد بود غریب خواهند بود. « این مصر است...» آنها در آنجا به بردگی خواهند رفت: « با تغییر فرعون جدیدی که یوسف را شناخت،...» عبری که وزیر اعظم سلف خود شد. این بندگی در زمان موسی محقق خواهد شد و چهارصد سال بر آنها ستم خواهد شد: « این فقط مربوط به ظلم مصر نیست، بلکه به...» طور گسترده‌تر درباره ظلمی است که بر فرزندان ابرام تا زمانی که در کنعان، سرزمین ملی خود که خدا وعده داده است، متحمل شود.

پیدایش 14:15: « اما من قومی را که به آن خدمت می‌کنند داوری خواهم کرد و آنگاه با ثروت آمد فراوان بیرون خواهند آمد.

ملت مورد هدف این بار فقط مصر است که آنها را ترک خواهند کرد و عملاً تمام ثروت خود را با خود خواهند برد. توجه داشته باشید که خداوند در این آیه «ظلمی» را که در آیه قبل ذکر شد به مصر نسبت نمی دهد. این امر مؤید این واقعیت است که « چهارصد سال » ذکر شده تنها در مورد مصر صدق نمی کند.

پیدایش 15:15: « شما با سلامتی نزد پدران خود خواهید رفت، پس از پیری خوش دفن خواهید شد.

همه چیز همانطور که خدا به او گفته است اتفاق می افتد. او در حبرون در غار ماکفله در زمینی که ابرام در زمان حیاتش از یک هیتی خریداری کرده بود، دفن خواهد شد.

پیدایش 16:15: « در نسل چهارم به اینجا باز خواهند گشت. زیرا گناه اموریان هنوز به اوج خود نرسیده است.

در میان این آموری ها، هیتی ها با ابرام که او را نماینده خدای بزرگ می دانند، روابط خوبی دارند. پس موافقت کردند که زمین مقبره اش را به او بفروشند. اما در « چهار نسل » یا « چهارصد سال » وضعیت فرق می‌کند و قوم کنعانی به آستانه طغیان می‌رسند که مورد حمایت خداوند نیستند و همگی نابود می‌شوند تا سرزمین خود را به عبرانیان بسپارند که آن را خواهند ساخت. خاک ملی آنها

برای درک بهتر این پروژة فاجعه بار برای کنعانیان، باید به یاد داشته باشیم که نوح کنعان را که اولین پسر پسرش حام بود، نفرین کرده بود. بنابراین، سرزمین موعود توسط این نسل حام که توسط نوح و خداوند نفرین شده بود، پر شد. نابودی آنها فقط یک موضوع زمانی بود که خدا برای تحقق اهدافش بر روی زمین تعیین کرده بود.

پیدایش 17:15: « وقتی خورشید غروب کرد، تاریکی عمیق بود. و اینک کوره‌ای بود که دود می‌کرد و شعله‌های آتش در میان حیوانات تقسیم می‌شد.

در این مراسم آتش افروخته توسط انسان ممنوع است. دو پسر هارون به دلیل جسارت به تخطی از این اصل، روزی توسط خدا هلاک خواهند شد. ابرام از خدا نشانه ای خواسته بود که به صورت آتش آسمانی در میان حیوانات دو نیم شده عبور کرد. این گونه است که خداوند برای بندگان خود مانند الیاس نبی در برابر پیامبران بعث که توسط ملکه خارجی و همسر شاه آخاب به نام ایزابل حمایت می شود شهادت می دهد. محراب آن غرق در آب، آتش فرستاده شده از جانب خداوند، مذبح و آبی را که الیاس آماده کرده بود، می بلعد، اما محراب پیامبران دروغین با آتش آن نادیده گرفته می شود.

پیدایش 18:15: « در آن روز خداوند با ابرام عهد بست و گفت: «این سرزمین را به نسل تو می‌دهم، از نهر مصر تا نهر بزرگ، نهر فرات

این آیه در پایان این باب 15 تأیید می کند که موضوع اصلی آن در واقع اتحاد است که برگزیدگان را از سایر مردان جدا می کند تا در این اتحاد با خدا شریک شوند و به او خدمت کنند.

فراتر از مرزهایی است که ملت پس از مرزهای سرزمینی که به عبرانیان وعده داده شده بود فتح کنعان اشغال خواهند کرد. اما خداوند در پیشنهاد خود صحراهای عظیم سوریه و عربستان را که به سمت شرق به «فرات» می پیوندد و همچنین صحرای شور را که « مصر » را از اسرائیل جدا می کند، شامل می شود. در میان این بیابان ها، سرزمین موعود، جلوه باغ خدا به خود می گیرد.

در قرائت روحانی نبوی، « روده‌ها » نماد مردمان هستند، بنابراین خدا می‌تواند در مورد آیندگان ابرام باشد، در مورد مسیح که پرستندگان و برگزیدگان خود را فراتر از اسرائیل و مصر، در « غرب در «اروپا» که در مکاشفه 9 نماد آن است، نبوت کند: 14 به نام « رود بزرگ فرات

»، پیدایش 15:19: « سرزمین کنیه‌ها، کنیزی‌ها، کادمونیان

»، پیدایش 15:20: « از هیتی‌ها، از فرزندی‌ها، از رفایم‌ها

». پیدایش 15:21: « از اموریان و کنعانیان و جرجاشیان و یبوسیان

در زمان ابرام، این نام‌ها خانواده‌هایی را نشان می‌دهد که در شهرهایی که سرزمین کنعان را تشکیل می‌دهند و جمعیت آن‌ها را تشکیل می‌دهند. در میان آن‌ها، رفایم‌ها هستند که بیش از دیگران استاندارد گول‌پیکر پیش از غرق شدن را حفظ کرده‌اند، زمانی که یوشع قلمرو « چهار نسل » یا « چهارصد سال » را پس گرفت.

ابرام پدرسالار دو عهد برنامه خداست. هبوط او از طریق جسم، اعقاب متعددی را پدید خواهد آورد که در میان مردمی که خدا انتخاب کرده، اما منتخب او نیست، متولد خواهند شد. در نتیجه، این اولین اتحاد مبتنی بر جسم، پروژه نجات او را مخدوش می‌کند و درک او را سردرگم می‌کند، زیرا رستگاری تنها بر ایمان به این دو اتحاد متکی خواهد بود. ختنه‌ی بدن مرد عبری را نجات نداد، حتی اگر خدا آن را لازم دانست. آنچه او را قادر ساخت تا نجات یابد اعمال مطیع او بود که ایمان و اعتماد او را به خدا آشکار و تأیید کرد. و این همان چیزی است که نجات را در عهد جدید شرط می‌کند، که در آن ایمان به مسیح با اعمال اطاعت از احکام، احکام و اصول الهی نازل شده توسط خدا در سراسر کتاب مقدس زنده می‌شود. در یک رابطه کامل با خدا، آموزش حرف با هوش روح روشن می‌شود. به همین دلیل « است که عیسی می‌گوید: « حرف می‌کشد، اما روح زندگی می‌بخشد

پیدایش 16

جدایی از طریق مشروعیت

پیدایش 16:1: « سارای، همسر ابرام، از او فرزندی نداشت. او یک خدمتکار مصری به نام هاجر داشت .

پیدایش 16:2: « سارای به ابرام گفت: «اینک خداوند مرا عقیم کرده است. من از تو می‌خواهم «. به سوی بنده من بیا. شاید از طریق او بچه دار شوم. ابرام به صدای سارای گوش داد

پیدایش 16:3: « پس سارای، زن ابرام، هاجر مصری، کنیز خود را گرفت و پس از ده سال «. اقامت ابرام در زمین کنعان، او را به شوهرش ابرام داد

انتقاد از این انتخاب ناگوار به دلیل ابتکار سارایی برای ما آسان است، اما به وضعیتی که برای این زوج خوشبخت ارائه شد نگاه کنید.

او فرزندی به دنیا خواهد آمد . اما درباره همسرش سارای که نازا بود به او چیزی نگفت. علاوه بر این، ابرام از خالق خود برای جزئیات در مورد اعلامیه‌های خود سؤال نکرد. او منتظر بود تا خداوند مطابق میل خود با او صحبت کند. و در آنجا، ما باید درک کنیم که این عدم توضیح دقیقاً برای برانگیختن این ابتکار انسانی بوده است که بوسیله آن خداوند یک همتای نامشروع از نظر وعده برکت، اما مفید، برای قرار دادن در مقابل اسرائیل آینده ساخته شده بر اساس اسحاق ایجاد می‌کند. یک رقابت جنگی و معترض، دشمن و حتی دشمن. خدا فهمید که علاوه بر دو راه، خیر و شر که در برابر انتخاب انسان قرار گرفته است، «هویج و چوب» هم مانند یکدیگر لازم هستند تا «خر» را به جلو ببرند.» سرکش. تولد اسماعیل، او نیز پسر ابرام، تشکیل هیئت عرب را تا آخرین شکل آن در تاریخ، دینی، اسلامی (تسلیم؛ اوج این قوم سرکش طبیعی و موروثی) ترویج خواهد کرد.

پیدایش 16:4: « او نزد هاجر رفت و او حامله شد. وقتی خود را حامله دید، با تحقیر به معشوقه اش نگاه کرد .

این نگرش تحقیرآمیز هاجر، مصری نسبت به معشوقه اش، هنوز هم ویژگی مردم مسلمان عرب است. و در انجام این کار، آنها کاملاً اشتباه نمی‌کنند زیرا جهان غرب از امتیاز عظیم بشارت شدن

به نام مسیح عیسی الهی چشم پوشی کرده است. به طوری که این مذهب دروغین عربی همچنان اعلام می کند که خدا بزرگ است، زمانی که غرب او را از فهرست افکار خود پاک کرده است.

تصویر ارائه شده در این آیه وضعیت دقیق آخرالزمان ما را به تصویر می کشد، زیرا مسیحیت غربی، حتی تحریف شده، مانند سارای دیگر پسری به دنیا نمی آورد و در عقیمی معنوی تاریکی فرو می رود. و ضرب المثل می گوید: در سرزمین نابینایان، یک چشم پادشاه است.

پیدایش 16:5: « سرای به ابرام گفت: اهانتی که به من شده بر توست. بنده خود را در آغوش تو قرار دادم. و چون دید حمله است با تحقیر به من نگاه کرد. بگذار خداوند بین من و تو داوری کند

پیدایش 16:6: « ابرام به سارای گفت: «اینک، کنیز تو در اختیار توست، هر طور که صلاح ». می دانی با او رفتار کن. سپس سارای با او بدرفتاری کرد. و هاجر از او گریخت

ابرام مسئولیت خود را بر عهده می گیرد و سارای را به خاطر الهام گرفتن این تولد نامشروع سرزنش نمی کند. بنابراین مشروعیت از ابتدا قانون خود را بر عدم مشروعیت تحمیل می کند و با پیروی از این درس، از این پس ازدواج تنها افراد یک خانواده نزدیک را متحد می کند تا اینکه اسرائیل آینده و شکل ملی آن پس از خروج از اسرائیل به دست می آید. برده داری مصر.

پیدایش 16:7: « فرشته خداوند او را در کنار چشمه ای آبی در بیابان، کنار چشمه ای که در راه ». شور است، یافت

این مبادله مستقیم بین خدا و هاجر تنها به واسطه مقام مبارک ابرام ممکن می شود. خداوند آن را در صحرائی شور پیدا می کند که تبدیل به خانه عرب های عشایری می شود که در چادرها زندگی می کنند تا دائماً برای گوسفندان و شترهای خود غذا پیدا کنند. منبع آب وسیله بقای هاجر بود و با «چشمه آب حیات» روبرو می شود که او را تشویق می کند تا مقام خادمی و سرنوشت پربارش را بپذیرد.

پیدایش 16:8: « او گفت ای هاجر کنیز سارای، از کجا آمده ای و کجا می روی؟ جواب داد: از سرای معشوقه ام فرار می کنم.

هاجر به دو سوال پاسخ می دهد: کجا می روی؟ پاسخ: فرار می کنم. اهل کجایی؟ پاسخ: از سرای معشوقه من.

پیدایش 16:9: « فرشته خداوند به او گفت: نزد معشوقه خود برگرد و زیر دست او فروتن کن

».

قاضی بزرگ چاره ای برای او باقی نمی گذارد، دستور بازگشت و فروتنی می دهد، زیرا مشکل اصلی در واقع ناشی از تحقیر معشوقه اش بود که جدای از عقیم بودن، معشوقه مشروع او باقی می ماند و باید به او خدمت کرد و به او احترام گذاشت.

پیدایش 16:10: « فرشته خداوند به او گفت: نسل تو را زیاد خواهم کرد و آنقدر زیاد خواهند شد

» که قابل شمارش نیستند

یهوه با دادن یک «هویج» او را تشویق می کند. او به او وعده نسلی می دهد « آنقدر زیاد که نمی توانیم آنها را بشماریم ». اشتباه نکنید، این کثرت نفسانی خواهد بود نه معنوی. زیرا اوادی های خدا تا زمان برقراری عهد جدید، فقط توسط فرزندان عبری انجام خواهد شد. اما البته، هر عرب مخلصی می تواند با پذیرش معیارهای او که توسط عبرانیان در کتاب مقدس نوشته شده است، به عهد خدا وارد شود. و قرآن مسلمان از زمان ظهور خود این معیار را رعایت نکرده است. او حقایق کتاب مقدس را که توسط عیسی مسیح تأیید شده است، متهم، انتقاد و تحریف می کند.

با استفاده از تعبیری که قبلاً برای اسماعیل برای ابرام به کار رفته بود، « آنقدر زیاد که قابل شمارش نیست »، متوجه می شویم که بحث فقط تکثیر انسان است و نه برگزیدگانی که برای زندگی ابدی انتخاب شده اند. مقایسه هایی که خداوند پیشنهاد می کند همیشه مشروط به شرایطی است که باید رعایت شود. مثال: « ستارگان آسمان » مربوط به هر فعالیت مذهبی است که شامل « روشن کردن زمین » باشد. اما چه نوری؟ فقط نور حقیقی که توسط خدا مشروعیت داده شده است، « ستاره » را شایسته « درخشش برای همیشه » در آسمان ها، مطابق دان. 12:3، می سازد، زیرا آنها واقعاً « باهوش » بوده اند و واقعاً « عدالت را تعلیم داده اند ». خداوند

پیدایش 16:11: « فرشته خداوند به او گفت: اینک تو باردار هستی و پسری به دنیا خواهی آورد

». و اسم او را اسماعیل خواهی گذاشت. زیرا خداوند تو را در مصیبت شنید

پیدایش 16:12: « او مانند الاغ وحشی خواهد بود. دست او بر همه خواهد بود و دست همه بر او خواهد بود. و در مقابل تمامی برادران خود ساکن خواهد شد.»

خداوند اسماعیل و فرزندان عرب او را با «الاعی وحشی» مقایسه می‌کند، حیوانی که به خاطر شخصیت سرکش و سرسختش مشهور است. و علاوه بر این، وحشیانه از آن زمان به نام "وحشی". بنابراین او به خود اجازه نمی‌دهد که اهلی، اهلی یا فریبده شود. خلاصه دوست ندارد و نمی‌گذارد خود را دوست داشته باشند و در ژن هایش وراثتی تهاجمی نسبت به برادران و غریبه های خود دارد. این حکمی که توسط خدا برقرار و نازل شده است، در این زمان آخر، برای درک نقش مجازات دین اسلام که مسیحیت کاذب در زمان هایی که «نور» مسیحی تنها «نور» مسیحی با آن مبارزه می‌کرد، برای خدا اهمیت زیادی دارد. اسرائیل از زمان بازگشتش به خاک اجدادش، یک بار دیگر به هدف آن تبدیل شده است، همانطور که غرب مسیحی توسط قدرت آمریکایی محافظت می‌شود، که آنها بدون اینکه اشتباه کنند آن را «شیطان بزرگ» می‌نامند. درست است که یک «شیطان» کوچک می‌تواند «بزرگ» را تشخیص دهد.

خداوند با به دنیا آوردن اسماعیل، نامی که به معنای «خدا شنیده» است، فرزند اختلاف، جدایی مضاعفی در خانواده ابرام ایجاد می‌کند. این به نفرین زبان های ایجاد شده در تجربه بابل می‌افزاید. اما اگر وسیله تنبیه را مهیا می‌کند به این دلیل است که از رفتار سرکش انسان ها در دو اتحاد متوالی خود تا آخر دنیا آگاه است.

پیدایش 16:13: « او عطا الروی را به نام خداوندی که با او صحبت کرده بود، نامید. زیرا او گفت: آیا پس از دیدن من در اینجا چیزی دیده ام؟»

نام عطا الروی به معنای: تو خدای بینا هستی. اما در حال حاضر، این ابتکار برای نام گذاری خداوند، اهانتی علیه برتری اوست. بقیه این آیه که به طرق مختلف ترجمه شده است به این فکر خلاصه می‌شود. هاجر نمی‌تواند آن را باور کند. آن بنده کوچک مورد توجه خداوند بزرگ خالق بود که تقدیر را می‌بیند و آن را آشکار می‌کند. بعد از این تجربه، او از چه چیزی می‌تواند بترسد؟

پیدایش 16:14: « بنابراین این چاه، چاه لاخای پادشاه نامیده شد. بین کادس و بارد است مکان های زمینی که خداوند خود را در آنجا تجلی کرده است معتبر هستند، اما افتخاراتی که مردم به آنها می‌دهند اغلب ناشی از روح بت پرستی آنهاست که آنها را با او آشتی نمی‌دهد.

پیدایش 16:15: « هاجر پسری برای ابرام به دنیا آورد. و ابرام پسری را که هاجر به دنیا آورد.» اسماعیل نامید

اسماعیل در واقع پسر اصیل ابرام و به ویژه اولین فرزند اوست که طبیعتاً به او دل بسته خواهد شد. اما او پسر موعودی نیست که قبلاً توسط خدا اعلام شده بود. با این حال، نام «اسماعیل» که به او داده شده یا «خدا شنیده» برگزیده خداست، بیش از هر چیز بر اساس مصیبت هاجر است، قربانی تصمیمات معشوقه و اربابش. اما در معنای دوم، این نیز مبتنی بر خطای ابرام و سارای است که لحظه‌ای باور کرده‌اند که این پسری که هاجر مصری حامله کرده، تأیید، «جواب» و انجام اعلام خداوند است. این خطا تا پایان جهان عواقب خونینی خواهد داشت.

خداوند وارد بازی اندیشه انسان شده و برای او امر ضروری محقق می‌شود: فرزند جدایی و جدایی متعارض زنده است.

پیدایش 16:16: « ابرام هشتاد و شش ساله بود که هاجر ابرام اسماعیل را به دنیا آورد

بنابر این "اسماعیل" در سال 2034 (86 + 1948) زمانی که ابرام 86 ساله بود به دنیا آمد

پیدایش 17

جدا شدن با ختنه: نشانه ای در گوشت

پیدایش 17:1: « وقتی ابرام نود و نه ساله بود، خداوند بر ابرام ظاهر شد و به او گفت: من خدای قادر مطلق هستم. پیش روی من قدم بردارید و بی عیب باشید»

در سال 2047، در سن 99 سالگی و اسماعیل 13 ساله، خداوند با روح از ابرام دیدار می کند و برای اولین بار خود را به عنوان " خدای قادر متعال " به او معرفی می کند. خداوند در حال تدارک عملی است که این شخصیت «قادر» را آشکار خواهد کرد. ظهور خداوند عمدتاً از نظم شفاهی و شنوایی است، زیرا جلال او نامرئی می ماند، اما تصویری شبیه شخص او بدون مرگ دیده می شود.

پیدایش 17:2: " پیمان خود را بین خود و شما برقرار خواهم کرد و شما را بی نهایت زیاد خواهم کرد."

خداوند وعده تکثیر آن را تجدید می کند و این بار « تا بی نهایت » را مشخص می کند، چه « غبار زمین » و چه « ستارگان آسمان » که « کسی نمی تواند بشمارد

: پیدایش 17:3: « ابرام به روی خود افتاد. و خداوند با او سخن گفت و گفت

ابرام با درک این که کسی که با او صحبت می کند «خدای متعال» است، به روی خود می افتد. تا به خدا نگاه نکند، اما به سخنان او گوش می دهد که تمام روح او را شاد می کند

: پیدایش 17:4: « این عهدی است که با شما می بندم. شما پدر بسیاری از ملل خواهید شد

در آن روز عهدی که بین خدا و ابرام بسته شد، مستحکم شد: « تو پدر امت های بسیار خواهی بود.»

پیدایش 17:5: « دیگر ابرام خوانده نخواهی شد. اما نام تو ابراهیم خواهد بود، زیرا من تو را « پدر امت های بسیاری قرار دادم

تغییر نام از ابرام به ابراهیم تعیین کننده است و در زمان او عیسی نیز با تغییر نام رسولان خود همین کار را خواهد کرد

پیدایش 17:6: « شما را بسیار بارور خواهم کرد، از شما امت ها خواهم ساخت. و پادشاهان از تو « بیرون خواهند آمد

ابرام اولین پدر امت های عرب در اسماعیل است، در اسحاق، او پدر عبرانیان، بنی اسرائیل خواهد بود. و او در مدیان پدر فرزندان مدیان خواهد بود. جایی که موسی همسرش صیغور، دختر پیترو را خواهد یافت.

پیدایش 17:7: « من عهد خود را بین خود و تو و نسل تو پس از تو در تمام نسل هایشان برقرار خواهم کرد، این عهد جاودانی خواهد بود که برای تو و نسل تو پس از تو خدا خواهد بود

خداوند کلمات عهد خود را که «ابدی» است، اما ابدی نیست، انتخاب می کند. این بدان معنی است که اتحاد منعقد شده با فرزندان جسمانی او مدت محدودی خواهد داشت. و این حد زمانی حاصل خواهد شد که مسیح الهی در اولین آمدن و تجسم انسانی خود، بر مرگ کفار اختیار خود، اساس اتحاد جدید که پیامدهای ابدی خواهد داشت، قرار دهد.

در این مرحله باید متوجه شد که همه انسان های اولی که از ابتدا مورد هدف و نامگذاری شده اند، مشروعیت خود را از دست می دهند. این قضیه قایل، اولزاده آدم، اسماعیل، پسر اول ولی نامشروع ابرام بود و بعد از او، عیسی اولین زاده اسحاق خواهد بود. این اصل شکست نخست زادگان، شکست اتحاد جسمانی یهودیان را پیش بینی می کند. عهد دوم روحانی خواهد بود و علیرغم ظواهر فریبنده ناشی از تظاهر های نادرست انسانی، تنها به نفع مشرکان مسلمان شده واقعی خواهد بود.

پیدایش 17:8: « من زمینی را که در آن غریبانه زندگی می کنید، به شما و فرزندان بعد از تو، تمام سرزمین کنعان را به ملکی دائمی خواهم داد و خدای آنها خواهم بود

تا زمانی که خدا به عهد خود متعهد باشد، زمین کنعان « در مالکیت دائمی » داده خواهد شد. و پذیرفتن مسیح عیسی آن را باطل خواهد کرد، همچنین 40 سال پس از این خشم، ملت و پایتخت آن اورشلیم توسط سربازان رومی ویران خواهد شد و یهودیان بازمانده در کشورهای مختلف جهان پراکنده خواهند شد. زیرا خداوند شرطی از عهد را مشخص می کند: « من خدای آنها خواهم بود ». همچنین، هنگامی که عیسی به عنوان فرستاده خدا رسماً توسط ملت طرد شود، خداوند قادر خواهد بود اتحاد خود را با مشروعیت کامل بشکند

پیدایش 17:9: " خدا به ابراهیم گفت: تو و فرزندان بعد از تو در تمام نسل هایشان به عهد من نگاه خواهی کرد

این آیه گردن همه این ادعاهای دینی را می پیچد که خدا را خدای ادیان توحیدی گردآورده شده در اتحاد جهانی علیرغم تعالیم ناسازگار و مخالف آنها می سازد. خدا فقط به سخنان خود مقید است که

اساس عهد او را مشخص می کند، نوعی قرارداد با کسانی که منحصرأ از او اطاعت می کنند. اگر مرد به عهد خود وفا کند، آن را معتبر و تمدید می کند. اما انسان باید در پروژه خود که بر دو مرحله متوالی بنا شده است، از خدا پیروی کند. اولی جسمانی، دومی معنوی. و این گذر از اول به دوم ایمان فردی انسانها و اول از همه ایمان یهودیان را آزمایش می کند. قوم یهود با نفی مسیح، عهد خود را با خدایی که درها را به روی مشرکان می گشاید، می شکند و در میان آنها کسانی که به مسیح روی می آورند توسط او به فرزندخواندگی و به عنوان فرزندان روحانی به ابراهیم نسبت داده می شوند. بنابراین، تمام کسانی که به عهد او وفا می کنند، از نظر جسمی یا روحی پسران یا دختران ابراهیم هستند.

در این آیه می بینیم که اسرائیل، ملت آینده به این نام، منبع آن حضرت ابراهیم است. خدا تصمیم می گیرد که نسل خود را مردمی «متمایز» برای تظاهرات زمینی بسازد. بحث یک قوم نجات یافته نیست، بلکه بحث تشکیل یک گردهمایی انسانی است که نماینده نامزدهای زمینی برای انتخاب برگزیدگان نجات یافته توسط فیض آینده خداوند است که توسط عیسی مسیح به دست خواهد آمد.

پیدایش 17:10: « این است عهد من که بین من و خود و فرزندان بعد از خود نگه داری: همه » . ذکور شما ختنه خواهند شد

ختنه نشانه عهد و پیمانی است که بین خدا، ابراهیم و اولاد او، یعنی اولاد جسمانی او بسته شده است. نقطه ضعف آن شکل جمعی آن است که در مورد همه فرزندان صدق می کند، اعم از ایمان یا غیر مطیع یا غیر مطیع. از سوی دیگر، در اتحاد جدید، انتخاب از طریق ایمان که مورد آزمایش قرار می گیرد، به صورت فردی توسط برگزیدگان تجربه می شود که پس از آن زندگی ابدی در خطر این اتحاد را به دست خواهند آورد. ما باید به ختنه، یک پیامد ناگوار اضافه کنیم: مسلمانان نیز از زمان پدسالار خود اسماعیل ختنه شده اند و به این ختنه ارزش معنوی می دهند که آنها را به ادعای حق ابدیت سوق می دهد. با این حال، ختنه تنها اثرات جسمانی جاودانی دارد، نه ابدی.

پیدایش 17:11: « خودتان را ختنه کنید. و نشانه اتحاد من و تو خواهد بود

در واقع نشانه اتحاد با خداست، اما اثربخشی آن فقط نفسانی است و آیات 7 و 8 و آیه 13 زیر تنها کاربرد «همیشگی» آن را تأیید می کند

پیدایش 17:12: « وقتی هر پسر هشت روزه شود، طبق نسل شما، هر نر از شما ختنه می شود، » . « خواه در خانه به دنیا بیاید، یا از پسر خارجی خریداری شود. بدون تعلق به نژاد تو

چیزی که هنوز بسیار شگفت انگیز است، اما با وجود ماهیت همیشگی آن، با این وجود، پیشگویی است که پروژه خدا را برای هزاره هشتم آشکار می کند. دلیل انتخاب «هشت روز» به همین دلیل است، زیرا هفت روز اول نماد زمان زمینی انتخاب برگزیدگان شش هزار ساله و داوری هزاره هفتم است. با سازماندهی، روی زمین، یک اتحاد نزدیک با ملت یهود و جنین اولیه آن، ابرام، تصویر ابدیت آینده برگزیدگان رهایی از ضعف جنسی جسمانی متمرکز بر پوست ختنه گاه بریده از مردان را آشکار می کند. سپس، همانطور که برگزیدگان از همه ریشه های مردم زمین خواهند آمد، اما فقط در مسیح، در عهد قدیم، ختنه باید حتی برای خارجی ها نیز اعمال شود، زمانی که آنها می خواهند با طرفی که خدا انتخاب کرده است زندگی کنند.

ایده اصلی ختنه آموزش این است که در ملکوت ابدی خدا مردان دیگر تولید مثل نخواهند کرد و امیال نفسانی دیگر ممکن نخواهد بود. علاوه بر این، پولس رسول ختنه بدن در عهد قدیم را با ختنه قلب برگزیدگان در عهد جدید مقایسه می کند. در این منظر، پاکی جسم و دلی را که خود را به مسیح می بخشد، نشان می دهد.

ختنه کردن به معنای بریدن است و این ایده نشان می دهد که خداوند می خواهد با مخلوق خود رابطه ای منحصر به فرد برقرار کند. او در خدای «حساد»، انحصار و اولویت محبت برگزیدگان خود را می خواهد که در صورت لزوم باید روابط انسانی را که برای نجات آنها مضر است، قطع کرده و با چیزها و افرادی که به رابطه آنها آسیب می زند، قطع رابطه کنند. به او. این اصل به عنوان یک تصویر نبوی تربیتی، ابتدا به اسرائیل جسمانی او و اسرائیل روحانی او در تمام دوران که در عیسی مسیح در کمال او آشکار شده است، مربوط می شود.

پیدایش 17:13: « هر که در خانه متولد شود و هر که با پول خریده شود، باید ختنه شود. و عهد » . « من در جسم شما عهد جاودانی خواهد بود

خداوند بر این عقیده پافشاری می‌کند: فرزند مشروع و نامشروع را می‌توان به او متصل کرد، زیرا او به این ترتیب دو اتحاد پروژه نجات خود را پیشگویی می‌کند... سپس، اصرار مشخص شده با بازگشت عبارت «تحصیلی پول گرفت»، عیسی را نبوت می‌کند. مسیحی که یهودیان مذهبی سرکش 30 دیناری تخمین زده اند. و بدین ترتیب، خداوند در ازای 30 دیناری، جان انسانی خود را در رستگاری برگزیدگان یهودی و بت پرست به نام اتحاد مقدس خود تقدیم خواهد کرد. اما ماهیت «همیشگی» علامت ختنه یادآوری می‌شود و دقت «در گوشت شما» ویژگی لحظه ای آن را تأیید می‌کند. زیرا این عهدی که از اینجا شروع می‌شود، با ظهور مسیح «برای پایان دادن به گناه» به پایان می‌رسد، طبق Dan.7:24.

پیدایش 17:14: «مرد ختنه نشده که در بدن ختنه نشده باشد، از میان قوم خود منقطع خواهد شد.» و عهد من را نقض خواهد کرد

احترام به قوانین تعیین شده توسط خداوند بسیار سخت گیرانه است و هیچ استثنایی را نمی‌پذیرد زیرا تخلفات آنها پروژه نبوی او را مخدوش می‌کند و او با جلوگیری از ورود موسی به کنعان نشان می‌دهد که این عیب بسیار بزرگ است. زندگی ختنه نشده در جسم در قوم یهود زمینی مشروع تر از ختنه نشده در قلب در ملکوت ابدی آسمانی خدا نیست.

پیدایش 17:15: «خدا به ابراهیم گفت: دیگر سارای را سارای، همسرت، نخواهی خواند. اما.» نام او سارا خواهد بود

ابرام به معنای پدر یک قوم است اما ابراهیم به معنای پدر بسیاری است. به همین ترتیب، سارای به معنای نجیب است اما سارا به معنای شاهزاده خانم

ابرام قبلاً پدر اسماعیل است، اما تغییر نام او ابراهیم به دلیل تکثیر نسل او در اسحاق پسری است که خداوند به او اعلام می‌کند، نه اسماعیل. به همین دلیل، سارای بی ثمر از طریق اسحاق زایش می‌کند و انبوهی را به دنیا می‌آورد و نام او سارا می‌شود.

پیدایش 17:16: «او را برکت خواهم داد و از او پسری به تو خواهم داد. من آن را برکت خواهم داد و ملتها خواهند شد. پادشاهان قوم‌ها از او خواهند آمد»

ابرام با خدا قدم می‌زند، اما زندگی روزمره او زمینی و مبتنی بر شرایط طبیعی زمینی است نه معجزات الهی. همچنین در اندیشه خود به کلام خدا احساس برکت می‌دهد که از طریق آن سارای از طریق کنیز خود هاجر پسری به دست آورد

پیدایش 17:17: «ابراهیم به روی خود افتاد. خندید و در دل گفت: آیا از یک مرد صد ساله پسری به دنیا بیاید؟ و آیا سارا نود ساله به دنیا می‌آید؟»

او که فهمید ممکن است منظور خدا این باشد که سارای با وجود اینکه نازا است و 99 سال دارد می‌تواند بچه دار شود، در دل خندید. وضعیت آنقدر در سطح انسان زمینی غیرقابل تصور است که این بازتاب اندیشه او طبیعی به نظر می‌رسد. و به افکار خود معنا می‌بخشد.

پیدایش 17:18: «و ابراهیم به خدا گفت: اوه! زنده باد اسماعیل پیش روی تو واضح است که ابراهیم به صورت نفسانی استدلال می‌کند و تنها از طریق اسماعیل، پسری که قبلاً متولد شده و 13 ساله است، تکثیر خود را درک می‌کند»

پیدایش 17:19: «خدا گفت، همسرت سارا حتماً برایت پسری خواهد آورد. و نام او را اسحاق خواهی خواند. عهد خود را با او می‌بندم تا عهد جاودانی برای فرزندانش پس از او باشد»

خداوند با آگاهی از افکار ابراهیم، او را سرزنش می‌کند و بدون اینکه کوچکترین فرصتی برای اشتباه در تفسیر باقی بگذارد، اعلامیه را تجدید می‌کند

تردید می‌کند که ابراهیم در مورد تولد معجزه آسای اسحاق بیان کرد، این شک و بی‌ایمانی را پیشگویی می‌کند که بشریت نسبت به عیسی مسیح ظاهر خواهد شد. و این شک به شکل رد رسمی از طرف فرزندان جسمانی ابراهیم خواهد بود

پیدایش 17:20: در مورد اسماعیل، من تو را شنیده‌ام. اینک من او را برکت خواهم داد و بارور خواهم کرد و او را بسیار زیاد خواهم کرد. او دوازده شاهزاده خواهد آورد و من او را قومی بزرگ خواهم ساخت.»

اسماعیل یعنی خداوند شنیده است، همچنین در این مداخله، خداوند هنوز نامی را که بر او گذاشته توجیه می‌کند. خداوند آن را متمر ثمر خواهد کرد، تکثیر خواهد شد و ملت بزرگ عرب متشکل

از «دوازده شاهزاده» را تشکیل خواهد داد. این عدد 12 شبیه به 12 پسر یعقوب از اتحاد مقدس او است که توسط 12 حواری عیسی مسیح جانشین خواهند شد، اما مشابه به معنای یکسان نیست زیرا کمک الهی را تأیید می کند، اما اتحاد نجات دهنده را در مورد پروژه زندگی ابدی او تأیید نمی کند. علاوه بر این، اسماعیل و فرزندانش با همه کسانی که به اتحاد مقدس خدا وارد می شوند، متوالی یهودیان سپس مسیحیان، دشمنی خواهند داشت. این نقش مضر، تولد نامشروع را با فرایندهای به همان اندازه نامشروع که توسط مادر عقیم و پدر بیش از حد از خود راضی تصور می شود، تأیید می کند. به همین دلیل است که فرزندان جسمانی ابراهیم نیز همین لعنت را متحمل خواهند شد و در نهایت دچار همان طرد شدن از سوی خداوند خواهند شد.

فرزندان اسماعیل با شناختن خدا و ارزش های او، می توانند تا زمان ورود به اتحاد یهود زندگی بر اساس قوانین او را انتخاب کنند، اما این انتخاب مانند نجات ابدی که به برگزیدگان تقدیم خواهد شد، فردی باقی خواهد ماند. به همین ترتیب، مانند سایر مردان از هر ریشه، نجات در مسیح به آنها تقدیم خواهد شد و راه ابدیت به روی آنها گشوده خواهد شد، اما تنها بر اساس معیار مطیع مسیح نجات دهنده، مصلوب، مرده و رستاخیز

پیدایش 17:21: « من عهد خود را با اسحاق که سارا در این موقع سال آینده با تو خواهد بست، برقرار خواهم کرد » .

بنا بر آیه 27، اسماعیل در زمان این رؤیا 13 سال داشت، بنابراین هنگام تولد اسحاق، 14 ساله خواهد بود. اما خداوند بر این نکته اصرار می ورزد: عهد او با اسحاق بسته می شود نه اسماعیل. و او توسط سارا متولد خواهد شد.

پیدایش 17:22: « وقتی سخنش با او تمام شد، خدا خود را بر ابراهیم برتری داد. ظواهر خداوند نادر و استثنایی است و این توضیح می دهد که چرا انسان ها به معجزات الهی عادت نمی کنند و چرا مانند ابراهیم، استدلال او مشروط به قوانین طبیعی زندگی زمینی است. پیام او تحویل داده شد، خدا کناره گیری می کند.

پیدایش 17:23: « ابراهیم پسرش اسماعیل و همه زاده های خانه اش و همه کسانی را که با پول خریده بود، همه مردان اهل بیت ابراهیم را گرفت. و در همان روز طبق فرمانی که خدا به او داده بود آنها را ختنه کرد ».

دستور خدا بلافاصله اجرا می شود. اطاعت او عهدش را با خدا توجیه می کند. این ارباب مقتدر دوران باستان، خدمتکاری می خرید و مقام برده وجود داشت و مورد مناقشه قرار نمی گرفت. در واقع آنچه موضوع را زیر سوال می برد استفاده از خشونت و بدرفتاری با خدمتگزاران است. مقام برده نیز مانند همه نجات یافتگان عیسی مسیح است، حتی امروز.

پیدایش 17:24: « ابراهیم نود و نه ساله بود که ختنه شد این توضیح به ما یادآوری می کند که اطاعت خداوند از انسان ها، در هر سنی که باشد، لازم است. از کوچک ترین تا بزرگ ترین

پیدایش 17:25: « پسرش اسماعیل سیزده ساله بود که ختنه شد بنابراین او 14 سال از برادرش اسحاق بزرگتر خواهد بود، که این توانایی او را برای آسیب رساندن واقعی به برادر کوچکترش، پسر همسر قانونی، تضمین می کند.

پیدایش 17:26: « در همان روز ابراهیم و پسرش اسماعیل ختنه شدند. خداوند حقانیت اسماعیل را نسبت به ابراهیم که پدرش است به یاد می آورد. ختنه مشترک آنها به اندازه ادعاهای فرزندانشان که ادعا می کنند از همان خدا هستند گمراه کننده است. زیرا برای ادعای خدا، داشتن یک پدر جسمانی اجدادی کافی نیست. و هنگامی که یهودیان کافر به خاطر پدرشان ابراهیم ادعای ارتباط با خدا را داشته باشند، عیسی این استدلال را رد می کند و شیطان، شیطان، پدر دروغ و قاتل را از ابتدا به آنها نسبت می دهد. آنچه عیسی به یهودیان سرکش زمان خود گفت به همان اندازه در مورد ادعاهای عرب و مسلمان ما صدق می کند.

پیدایش 17:27: « و جمیع مردان خاندان او، خواه در خانه او به دنیا آمده باشند، خواه با پولی از غریبه به دست آمده باشند، با او ختنه شدند ».

پس از این الگوی اطاعت، خواهیم دید که بدبختی‌های عبرانیان که مصر را ترک می‌کنند، همیشه ناشی از دست کم گرفتن این اطاعتی است که خداوند مطلقاً در همه زمان‌ها و تا پایان جهان آن را می‌طلبد.

پیدایش 18

جدایی برادران دشمن

پیدایش 18:1 : «یَهُوَه در میان بلوط‌های ممره بر او ظاهر شد، در حالی که در گرمای روز در ورودی خیمه‌اش نشسته بود.»

پیدایش 18:2 : «و چشمان خود را بلند کرده، نگر نیست و اینک سه مرد در کنار او ایستاده بودند. چون آنها را دید، از در ورودی چادرش به استقبال آنها دوید و تا زمین تعظیم کرد ابراهیم یک پیرمرد صد ساله است، او می‌داند که اکنون پیر شده است، اما از آنجایی که برای ملاقات با بازدیدکنندگان «می‌دود»، از فرم بدنی خوبی برخوردار است. آیا او آنها را به عنوان فرستادگان آسمانی می‌شناخت؟ ما می‌توانیم چنین فرض کنیم که او در برابر آنها «بر زمین سجده می‌کند». اما آنچه او می‌بیند «سه مرد» است و ما می‌توانیم در واکنش او احساس مهمان نوازی خودجوش را ببینیم که ثمره شخصیت دوست داشتنی طبیعی اوست.»

پیدایش 18:3 : «و او گفت: «خداوندا، اگر در نظر تو فیض یافتم، از بنده خود دور نشو خداوند» نامیدن یک بازدیدکننده نتیجه فروتنی زیاد ابراهیم بود و باز هم هیچ مدرکی دال بر» اینکه او فکر می‌کرد خدا را مخاطب قرار می‌دهد وجود ندارد. زیرا این دیدار خداوند در ظاهر انسان استثنایی است، زیرا حتی موسی نیز بر اساس خروج 33:20 تا 23 مجاز به دیدن «جلال» چهره خدا نخواهد بود : «بِهوه می‌گوید: شما قادر نخواهید بود. برای دیدن چهره ام، زیرا انسان نمی‌تواند مرا ببیند و زندگی کند. خداوند گفت: اینجا مکانی نزدیک من است. روی صخره خواهی ایستاد چون جلال من بگذرد تو را در گودال صخره خواهم گذاشت و با دست خود تو را می‌پوشانم تا از آنجا بگذرم. و چون دستم را برگردانم مرا پشت سر خواهی دید ولی صورتم دیده نمی‌شود.» اگر رؤیت «جلال» خدا ممنوع باشد، خود را از ظاهر انسان برای نزدیک شدن به مخلوقاتش منع نمی‌کند. خدا این کار را برای دیدار ابراهیم، دوستش انجام می‌دهد، و او این کار را دوباره در قالب عیسی مسیح از زمان جنینی او و تا زمان مرگ کفاره اش انجام خواهد داد.

پیدایش 18:4 : «یکی کمی آب بیاورد تا پاهای شما را بشوید. و زیر این درخت استراحت کن.»

آیه 1 روشن می‌کند که گرم است و عرق پاها از خاک خاکی پوشیده شده است. شستن پای بازدیدکنندگان را توجیه می‌کند. این یک پیشنهاد خوشایند به آنها است. و این توجه به اعتبار ابراهیم است.

پیدایش 18:5 : «من می‌روم و تکه‌ای نان می‌گیرم تا قلب تو را تقویت کنم. پس از آن، شما به سفر خود ادامه خواهید داد. برای همین است که از کنار بنده خود می‌گذری. پاسخ دادند: به قول خود عمل کن.»

در اینجا می‌بینیم که ابراهیم این بازدیدکنندگان را موجودات بهشتی معرفی نکرده است. بنابراین توجهی که او به آنها نشان می‌دهد گواهی بر خصوصیات طبیعی انسانی اوست. او متواضع، دوست داشتنی، مهربان، سخاوتمند، کمک کننده و مهمان نواز است. چیزهایی که او را نزد خدا محبوب می‌کند. در این بعد انسانی، خداوند همه پیشنهادات او را تأیید و می‌پذیرد.

پیدایش 18:6 : «ابراهیم به سرعت به خیمه خود نزد ساره رفت و گفت: «به سرعت سه پیمانه.» آرد خوب، آن را خمیر کرده و کیک درست کن.»

غذا برای بدن مفید است و ابراهیم با دیدن سه بدن گوشتی در مقابل خود، برای تجدید قوای بدنی بازدیدکنندگان غذا آماده کرد.

پیدایش 18:7: « و ابراهیم به سوی گله خود دوید و گوساله ای لطیف و مرغوب گرفت و به «. غلام داد و او برای تهیه آن عجله کرد

انتخاب یک گوساله لطیف بیشتر نشان دهنده سخاوت و خیرخواهی طبیعی آن است. لذت او از راضی کردن همسایه برای رسیدن به این نتیجه بهترین ها را به بازدیدکنندگان خود ارائه می دهد

پیدایش 18:8: « و با گوساله ای که آماده شده بود، مقداری خامه و شیر دیگر گرفت و پیش «. ایشان گذاشت. خودش کنارشان، زیر درخت ایستاد. و خوردند

این غذاهای اشتها آور به غریبه های عبوری ارائه می شود، افرادی که او نمی شناسد اما با آنها به عنوان اعضای خانواده خود رفتار می کند. تجسم بازدیدکنندگان بسیار واقعی است زیرا آنها غذای ساخته شده برای انسان می خورند

پیدایش 18:9: « آنگاه به او گفتند: «زن تو سارا کجاست؟ پاسخ داد: او آنجاست، در چادر . با موفقیت میزبان، با نام بردن از همسرش، «سارا» که خداوند در رؤیای قبلی خود به او عطا کرده بود، با مصیبت های میزبان، ماهیت واقعی خود را آشکار می کند

پیدایش 18:10: « یکی از آنها گفت، در همین زمان نزد شما بازخواهم گشت. و اینک، همسرت . سارا صاحب یک پسر خواهد شد. سارا در ورودی چادر که پشت سرش بود گوش می داد توجه داشته باشیم که در ظاهر این سه بازدیدکننده، چیزی برای شناسایی خداوند از دو فرشته ای که او را همراهی می کنند وجود ندارد. زندگی بهشتی در اینجا متجلی می شود و معنای برابری طلبانه حاکم بر آنجا را آشکار می کند

در حالی که یکی از سه بازدیدکننده از تولد قریب الوقوع سارا خبر می دهد، او از ورودی چادر به آنچه گفته می شود گوش می دهد و متن مشخص می کند که چه کسی " پشت سر او " بوده است. یعنی او را ندیده و از نظر انسانی نمی تواند از حضور او آگاه باشد. اما آنها مرد نبودند

پیدایش 18:11: « ابراهیم و سارا پیر و پیر بودند و سارا دیگر نمی توانست امیدی به داشتن «. فرزند داشته باشد

آیه شرایط عادی انسانی را که برای همه بشریت مشترک است تعریف می کند

پیدایش 18:12: « او در درون خود خندید و گفت: اکنون که پیر شده ام، آیا هنوز آرزو دارم؟ آقا «. من هم پیر است دوباره به دقت توجه کنید: " او در خودش خندید ". به طوری که هیچ کس خنده او را نشنیده

مگر خدای زنده ای که در اندیشه ها و دل ها جستجو می کند

پیدایش 18:13: « یهوه به ابراهیم گفت: پس چرا سارا خندید و گفت: آیا من واقعاً با وجود « پیری، فرزندی داشته باشم؟

خداوند از این فرصت استفاده می کند تا هویت الهی خود را آشکار کند، که ذکر یهوه را توجیه می کند، زیرا اوست که در این ظاهر انسانی با ابراهیم صحبت می کند. فقط خدا می تواند افکار پنهان سارا را بشناسد و اکنون ابراهیم می داند که خدا با او صحبت می کند

پیدایش 18:14: « آیا چیز شگفت انگیزی از جانب خداوند وجود دارد؟ در وقت مقرر، در همان «. زمان نزد شما بازخواهم گشت. و سارا صاحب یک پسر خواهد شد

خدا مستبد می شود و پیش بینی خود را به وضوح به نام یهوه الوهیت خود تجدید می کند

پیدایش 18:15: « سارا دروغ گفت و گفت من نخندیدم. چون می ترسید اما او گفت: برعکس، تو خندیدی .

متن می گوید: « سارا دروغ گفت » زیرا خدا فکر پنهانی او را شنید، اما هیچ خنده ای از دهانش بیرون نیامد. بنابراین این فقط یک دروغ کوچک به خدا بود اما نه برای انسان. و اگر خداوند او را سرزنش می کند به این دلیل است که نمی پذیرد که خداوند بر افکارش تسلط دارد. او مدرک می دهد و تا آنجا پیش می رود که به او دروغ می گوید. به همین دلیل اصرار می ورزد و می گوید: « بلکه (کاذب است)، تو خندیدی ». فراموش نکنیم که انسان مورد رحمت خداوند ابراهیم است و نه ساره همسر قانونی او که فقط از نعمت شوهرش بهره می برد. عقاید او قبلاً منجر به نفرین تولد اسماعیل، دشمن موروثی و رقیب اسرائیل در آینده شده است. انجام یک پروژه الهی درست است

پیدایش 18:16: « و این مردان برای رفتن برخاستند و به سوی سدوم نگاه کردند. ابراهیم با آنها رفت تا آنها را همراهی کند.

بازدیدکنندگان بهشتی که در آینده به ابراهیم و سارا تولد پسر مشروع اسحاق خنثی شده، تغذیه شده اند، به ابراهیم می گویند که دیدار آنها از زمین نیز مأموریت دیگری در ذهن دارند: آن مربوط به سدوم است.

...پیدایش 18:17: « سپس یهوه گفت: آیا کاری را که می‌خواهم انجام دهم از ابراهیم پنهان کنم؟

»

در اینجا کاربرد دقیق این آیه از عاموس 3: 7 را داریم: " زیرا خداوند، یهوه، هیچ کاری نمی کند مگر اینکه راز خود را برای بندگان، پیامبران آشکار کند."

پیدایش 18:18: « ابراهیم قطعاً قومی بزرگ و نیرومند خواهد شد و تمامی امت‌های زمین در ... او برکت خواهند یافت

به دلیل از بین رفتن معنای معمولی که بر قید « قطعاً » اطلاق می شود، یادآوری می‌کنم که به معنای: به طور معین و مطلق است. خداوند قبل از آشکار ساختن پروژه ویرانگر خود، به ابراهیم می‌شتابد تا در برابر چهره‌اش به مقام خود اطمینان دهد و نعمت‌هایی را که به او خواهد داد، تجدید می‌کند. خداوند شروع به صحبت از ابراهیم به صورت سوم شخص می‌کند تا او را به مقام شخصیت بزرگ تاریخی بشریت برساند. او با این کار به فرزندان نفسانی و روحی خود الگویی را نشان می‌دهد که برکت می‌دهد و در آیه‌ای که می‌آید به یاد می‌آورد و تعریف می‌کند.

پیدایش 18:19: « زیرا من او را برگزیدم تا پسران و خاندان خود را پس از خود امر کند که ... راه خداوند را در عدالت و عدالت نگاه دارند، و به ابراهیم وعده‌هایی که به او داده بود، لطف دارند

آنچه خداوند در این آیه توصیف می‌کند با سدوم که او را نابود خواهد کرد تفاوت ایجاد می‌کند. تا پایان جهان، برگزیدگان آن مانند این توصیف خواهند بود: حفظ راه خداوند شامل عمل به عدالت و عدالت است. عدالت واقعی و عدالت واقعی که خدا بر متون شریعت بنا خواهد کرد تا به قوم خود اسرائیل بیاورد. احترام به این چیزها شرط احترام خداوند به وعده‌های نعمت خود خواهد بود.

... پیدایش 18:20: « و خداوند گفت: فریاد بر سدوم و عموره زیاد شد و گناه آنها بزرگ است

خداوند این حکم را بر سدوم و عموره، شهرهای پادشاهانی که ابراهیم به هنگام حمله به آنها کمک کرد، می‌آورد. اما همچنین در سدوم بود که برادرزاده‌اش لوط با خانواده و خادمانش ساکن شد. خداوند با دانستن پیوندی که ابراهیم به برادرزاده‌اش دارد، توجه به پیرمرد را چند برابر می‌کند تا نیت او را به او اعلام کند. و برای این کار خود را در حد انسان پایین می‌آورد تا هر چه بیشتر خود را انسانی کند تا خود را در حد عقل انسانی بنده‌اش ابراهیم قرار دهد.

پیدایش 18:21: « بنابراین من پایین خواهم آمد و خواهم دید که آیا آنها کاملاً مطابق گزارشی که ... به من رسیده عمل کرده‌اند. و اگر نباشد، می‌دانم

این سخنان در تضاد با شناخت افکار سارا است، زیرا خداوند نمی‌تواند از میزان فسق و فجور در این دو شهر دشت و رونق فراوان آنها چشم‌پوشی کند. این واکنش نشان می‌دهد که او چه مراقبتی می‌کند تا بنده وفادارش حکم عادلانه قضاوتش را بپذیرد.

پیدایش 18:22: « آنها رفتند و به سدوم رفتند. اما ابراهیم همچنان در حضور خداوند ایستاده بود ...»

در اینجا، جدایی بازدیدکنندگان به ابراهیم اجازه می‌دهد تا در میان آنها خدای زنده، یهوه، را که با او در یک ظاهر ساده انسانی حضور دارد که تبادل کلمات را تشویق می‌کند، شناسایی کند. ابراهیم جسور خواهد شد تا آنجا که با خدا درگیر نوعی معامله برای به دست آوردن نجات دو شهر است که در یکی از آنها برادرزاده عزیزش لوط ساکن است.

... پیدایش 18:23: « ابراهیم نزدیک شد و گفت: «آیا عادل را نیز با شیران هلاک می‌کنی؟

سوآلی که ابراهیم می‌پرسد، موجه است، زیرا بشریت در اقدامات جمعی عدالت‌خواهانه خود باعث مرگ قربانیان بی‌گناهی می‌شود که خسارت جانی نامیده می‌شود. اما اگر بشریت نتواند تفاوت را تشخیص دهد، خدا می‌تواند. و او برای ابراهیم و ما که شهادت کتاب مقدس او را می‌خوانیم، دلیلی بر این مطلب ارائه خواهد کرد.

پیدایش 18:24: « شاید پنجاه عادل در وسط شهر باشند، آیا آنها را نیز هلاک می‌کنی و شهر را
« به خاطر پنجاه عادل که در میان آن هستند خواهی بخشیدی؟

ابراهیم در روح لطیف و دوست داشتنی خود پر از توهم است و تصور می‌کند که در این دو شهر حداقل 50 نفر عادل یافت می‌شود و این 50 نفر عادل ممکن را برای کسب فیض آن دو شهر از جانب خداوند فرا می‌خواند. همان نام عدالت کامل او که نمی‌تواند بی‌گناه را با مجرم ضربه بزند.

پیدایش 18:25: « مرد عادل را با شریر به قتل برسانید، تا با عادلان مانند شریر باشد، دور از
« شما باد! دور از شما! آیا کسی که تمام زمین را داوری می‌کند عدالت نخواهد کرد؟

بنابر این ابراهیم می‌اندیشد که مشکل را با یادآوری آنچه که او نمی‌تواند بدون انکار شخصیت خود که بسیار به احساس عدالت کامل وابسته است، حل کند.

پیدایش 18:26: « و خداوند گفت: اگر در سدوم پنجاه عادل در وسط شهر بیابم، تمام شهر را به
« خاطر آنها خواهم بخشید

یَهُوَه با صبر و مهربانی به ابراهیم اجازه داد تا صحبت کند و در پاسخ او حق را به او ثابت می‌کند: برای 50 نفر عادل شهرها ویران نمی‌شوند.

پیدایش 18:27: « ابراهیم پاسخ داد و گفت: «اینک من که خاک و خاکستر هستم، جرأت کردم
« با خداوند صحبت کنم

آیا فکر « خاک و خاکستر » این است که پس از ویرانی دو شهر در دره، مردان بی‌خدا باقی خواهند ماند؟ با این حال، ابراهیم اعتراف می‌کند که خودش چیزی جز « خاک و خاکستر » نیست.

پیدایش 18:28: « شاید از پنجاه عادل، پنج نفر کم شوند، زیرا پنج نفر تمام شهر را ویران
. خواهید کرد؟ و خداوند گفت: اگر در آنجا چهل و پنج نفر عادل بیابم، آن را نابود نخواهم کرد

جسارت ابراهیم او را وادار خواهد کرد که با هر بار کاهش تعداد برگزیدگان احتمالی، به معامله خود ادامه دهد و در آیه 32 روی تعداد ده نفر عادل متوقف شود. و هر بار خداوند فیض خود را به دلیل تعداد پیشنهادی ابراهیم عطا می‌کند.

پیدایش 18:29: « ابراهیم به صحبت با او ادامه داد و گفت: شاید چهل نفر عادل در آنجا باشند.
. و خداوند گفت: من به خاطر این چهل نفر کاری نمی‌کنم

پیدایش 18:30: « ابراهیم گفت: «خداوند خشمگین مباش و من سخن خواهم گفت. شاید در آنجا
. سی نفر عادل باشند. و خداوند گفت: اگر سی نفر عادل را در آنجا بیابم کاری نمی‌کنم

پیدایش 18:31: « ابراهیم گفت: «اینک من جرأت کردم با خداوند صحبت کنم. شاید بیست نفر
. عادل در آنجا باشند. و خداوند گفت: من آن را به خاطر این بیست نفر از بین نخواهم برد

پیدایش 18:32: « ابراهیم گفت: «خداوند خشمگین نشود و من بیش از این بار سخن نخواهم
. گفت. شاید ده نفر عادل در آنجا باشند. و خداوند گفت: من آن را به خاطر این ده نفر نخواهم کرد

در اینجا معامله ابراهیم به پایان می‌رسد که می‌فهمد محدودیتی وجود دارد که فراتر از آن
اصرار او غیرمنطقی است. او به تعداد ده نفر از صالحان توقف می‌کند. او خوش بینانه معتقد است که
اگر لوط و بستگانش را حساب کنیم، باید این تعداد انسان صالح را در این دو شهر فاسد یافت

پیدایش 18:33: « خداوند پس از پایان صحبت با ابراهیم رفت. و ابراهیم به خانه خود بازگشت
«.

دیدار زمینی دو دوست یکی آسمانی و خدای متعال و دیگری انسان خاک زمین به پایان می‌رسد
و هر کدام به شغل خود باز می‌گردند. ابراهیم به سوی مسکن خود و خداوند به سوی سدوم و عموره که
قضایوت ویرانگر بر آن خواهد افتاد.

ابراهیم در مبادله خود با خدا، شخصیت خود را که در تصویر خداست، آشکار ساخت، و نگران
اجرای عدالت واقعی و در عین حال ارزش گرانبهای قوی آن به زندگی است. به همین دلیل است که چانه
زنی بنده اش فقط باعث خوشحالی و شادی قلب خداوندی شد که کاملاً در احساسات او شریک است.

پیدایش 19

جدایی در شرایط اضطراری

پیدایش 19:1: « دو فرشته در شام به سدوم آمدند. و لوط بر دروازه سدوم نشست. وقتی لوط
« آنها را دید، به استقبال آنها برخاست و با صورت بر زمین افتاد

ما در این رفتار به تأثیر خوب ابراهیم بر برادرزاده‌اش لوط پی می‌بریم، زیرا او همین تفکر را
نسبت به بازدیدکنندگان رهگذر نشان می‌دهد. و او این کار را با توجه بیشتر انجام می‌دهد، زیرا از
اخلاق بد ساکنان شهر سدوم که در آن ساکن شده است آگاه است.

پیدایش 19:2: « سپس گفت: «اینک ای سروران من، از شما می‌خواهم، به خانه خادم خود وارد
شوید و شب را در آنجا بگذرانید. پاهای خود را بشوید؛ صبح زود بیدار میشی و به سفرت ادامه میدی.
» جواب دادند نه، شب را در خیابان می‌گذرانیم

لوط وظیفه خود می‌داند که از مردمی که از خانه او عبور می‌کنند استقبال کند تا آنها را از
اقدامات شرم آور و بدخواهانه ساکنان فاسد محافظت کند. ما همان کلمات خوشامدگویی را می‌یابیم که
آبرام نسبت به سه بازدیدکننده خود گفته بود. لوط به راستی مردی عادل است که با همزیستی خود با
موجودات منحرف این شهر اجازه فساد را به خود نداده است. دو فرشته آمده اند تا شهر را ویران کنند،
اما قبل از ویران کردن آن، می‌خواهند شرارت ساکنان را با گرفتن آنها در عمل، در نمایش فعال
شرارت خود، گنج کنند. و برای به دست آوردن این نتیجه کافی است که شب را در خیابان بگذرانند تا
مورد حمله سودومی‌ها قرار گیرند.

پیدایش 19:3: « اما لوط آنها را چنان اصرار کرد که نزد او آمدند و به خانه او وارد شدند. به
« آنها ضیافت داد و نان فطیر پخت. و خوردند

بنابراین لوط موفق می‌شود آنها را متقاعد کند و آنها میهمان نوازی او را می‌پذیرند. که هنوز
به او این فرصت را می‌دهد تا سخاوت خود را همانطور که ابراهیم قبل از او انجام داده بود نشان دهد.
این تجربه به آنها می‌آموزد که روح زیبای لوط را کشف کنند، مردی صالح در میان ظالمان

پیدایش 19:4: « آنها هنوز به رختخواب نرفتند که مردم شهر، مردم سدوم، از بچه‌ها گرفته تا
« پیرمردها، خانه را احاطه کردند. تمام جمعیت دویدند

نمایش شرارت ساکنان فراتر از انتظارات دو فرشته است، زیرا آنها حتی در خانه ای که لوط
از آنها استقبال کرده است به جستجوی آنها می‌آیند. به میزان سرایت این شرارت توجه کنید: « از
کودکان تا سالمندان ». بنابراین قضاوت یهوه کاملاً موجه است.

پیدایش 19:5: « و لوط را صدا زدند و به او گفتند: مردانی که در این شب نزد تو آمدند کجا
« هستند؟ آنها را نزد ما بیاور تا آنها را بشناسیم

افراد ساده لوح را می‌توان فریب نیات سودومی‌ها را خورد، زیرا این درخواست آشنایی
نیست، بلکه برای دانش به معنای کتاب مقدس مثال «آدم همسرش را شناخت و او پسری به دنیا آورد»
است. بنابراین فسق این افراد کامل و بدون چاره است.

پیدایش 19:6: « لوط از در خانه نزد آنها رفت و در را پشت سر خود بست
لوط شجاعی که به دیدار موجودات منفور می‌شتابد و در خانه خود را پشت سر خود می‌بندد تا
از بازدیدکنندگان محافظت کند.

پیدایش 19:7: « و گفت: برادران من، از شما می‌خواهم که بد نکنید
انسان خوب به بدکاران توصیه می‌کند که بدی نکنند. آنها را «برادر» می‌نامد، زیرا آنها
مردانی مانند او هستند و امید نجات برخی از آنها را از مرگی که رفتارشان آنها را به سوی آن سوق می‌دهد،
در خود حفظ کرده است.

پیدایش 19:8: « اینک، من دو دختر دارم که هرگز مردی را شناختند. من آنها را برای شما
بیرون می‌آورم، و شما می‌توانید آنچه را که می‌خواهید با آنها انجام دهید. فقط با این مردان کاری نکنید
« که زیر سایه بام من آمده اند

برای لوط، رفتار سودومی‌ها به اوج‌هایی رسید که قبلاً در این تجربه به آن دست نیافته بود. و
برای محافظت از دو بازدیدکننده خود، می‌آید تا دو دختر باکره خود را به جای آنها تقدیم کند.

آنها گفتند: برو! دوباره گفتند: این یکی غریبه آمده، می‌خواهد قضاوت کند! خب! « Gen.19:9
« ما بدتر از اونا بهت میدیم و به شدت بر لوط فشار آوردند، جلو آمدند تا در را بشکنند

سخنان لوط این دسته جمع شده را آرام نمی کند و این موجودات هیولا، به گفته آنها، آماده می شوند تا بدتر از آنها با او رفتار کنند. سپس سعی می کنند در را بشکنند.

پیدایش 19:10: « آنها دستهای خود را دراز کردند و لوط را نزد خود به خانه آوردند و در را بستند.»

در حالی که خود لوط شجاع در خطر است، فرشتگان مداخله کرده و لوط را به داخل خانه می آورند.

پیدایش 19:11: « و کسانی را که در خانه بودند از کوچک تا بزرگ کور کردند، به طوری که برای یافتن در بیهوده زحمت کشیدند.»

در خارج، نزدیکترین افراد هیجان زده کور می شوند. بنابراین ساکنان خانه محافظت می شوند. پیدایش 19:12: « مردم به لوط گفتند، چه کسی را هنوز اینجا داری؟ دامادها و پسران و دختران و هر آنچه در شهر متعلق به شماست، آنها را از این مکان بیرون بیاورید.»

لوط در نظر فرشتگان و خداوندی که آنها را فرستاده بود، منت یافت. برای نجات جان، او باید « بیرون برود » از شهر و دره دشت زیرا فرشتگان ساکنان این دره را نابود خواهند کرد که منطقه ای از خرابه ها مانند شهر آبی خواهد شد. هدایای فرشتگان به همه چیزهایی که در موجودات زنده بشری متعلق به اوست تسری می یابد.

در این مضمون جدایی فرمان الهی به « بیرون آمدن » دائمی است. زیرا او مخلوقات خود را ترغیب می کند که خود را از شر در همه اشکال آن مانند کلیساهای مسیحی دروغین جدا کنند. در مکاشفه 18:4 او به برگزیدگان خود دستور می دهد که « بیرون بروند از « بابل کبیر » که اولاً مربوط به مذهب کاتولیک و ثانیاً مذهب چندشکل پروتستان است که تا این لحظه تحت تأثیر آن باقی مانده اند. و مانند لوط، جان آنها تنها با اطاعت فوری فرمان خدا نجات خواهد یافت. زیرا به محض ابلاغ قانونی که استراحت روز یکشنبه را در روز اول واجب می کند، آخر وقت فیض به پایان می رسد. و آنگاه برای تغییر نظر و موضع خود نسبت به این مشکل بسیار دیر خواهد بود.

در اینجا توجه شما را به خطری که با به تعویق انداختن تصمیم گیری های لازم به بعد است، جلب می کنم. زندگی ما شکننده است، می توانیم در اثر یک بیماری، تصادف یا حمله بمیریم، اتفاقاتی که اگر خدا قدرتان کنده ما در واکنش نباشد، ممکن است اتفاق بیفتد و در این صورت، پایان زمان فیض جمعی اهمیت خود را از دست می دهد. زیرا کسی که پیش از او بمیرد، در ظلم و محکومیت او از سوی خداوند می میرد. پولس با آگاهی از این مشکل در عبرانیان 3: 7-8 می گوید: " امروز، اگر صدای او را می شنوید، مانند طغیان، دل های خود را سخت مکن... " بنابراین همیشه فوریت برای پاسخگویی به پیشنهاد خدا وجود دارد، و پولس بر اساس عبرانیان 4: 1 بر این عقیده است: « بنابراین بیایید تا زمانی که وعده ورود به استراحت او باقی است، هر یک از شما بترسیم. به نظر نمی رسد خیلی دیر آمده باشد.»

پیدایش 19:13: « زیرا این مکان را ویران خواهیم کرد، زیرا فریاد بر ساکنان آن نزد خداوند بزرگ است. خداوند ما را فرستاده تا آن را نابود کنیم.»

این بار زمان رو به اتمام است، فرشتگان دلیل حضور خود را در خانه لوط اعلام کردند. شهر باید به سرعت با تصمیم یهوه ویران شود.

پیدایش 19:14: « لوط بیرون رفت و به دامادهای خود که دخترانش را گرفته بودند گفت: برخیزید، گفت از این مکان بیرون بروید. زیرا خداوند شهر را ویران خواهد کرد. اما از نظر دامادهاش به نظر می رسید که شوخی می کند.»

دامادهای لوط مطمئناً در سطح شرارت سایر سودومی ها نبودند، اما برای نجات فقط ایمان مهم است. و واضح است که آنها آن را نداشتند. اعتقادات پدرشوهرش برایشان جالب نبود و این تصور ناگهانی که خدای یهوه آماده است شهر را ویران کند برایشان باورنکردنی بود.

پیدایش 19:15: « از سپیده دم، فرشتگان لوط را اصرار کردند و گفتند: برخیز، زن و دو دخترت را که اینجا هستند بگیر، مبادا در خرابه شهر هلاک شوی.»

نابودی سدوم منجر به جدایی های دلخراشی می شود که ایمان و فقدان ایمان را آشکار می کند. دختران لوط باید بین پیروی از پدر یا پیروی از شوهر یکی را انتخاب کنند.

پیدایش 19:16: « و چون او تأخیر می‌کرد، مردان، او، همسرش و دو دخترش، دست او را گرفتند، زیرا خداوند او را بخشید. او را بردند و بیرون شهر گذاشتند

در این عمل، خداوند به ما نشان می‌دهد که از آتش گرفته شده است. بار دیگر برای لوط عادل است که خداوند با او دو دختر و همسرش را نجات می‌دهد. بنابراین، آنها از شهر جدا شده و خود را بیرون، آزاد و زنده می‌بینند.

پیدایش 19:17: « وقتی آنها را بیرون آورد، یکی از آنها گفت: «جان خود را حفظ کنید. پشت سر را نگاه نکن و در تمام دشت توقف نکن. به کوه فرار کن، مبادا هلاک شوی

رستگاری در کوه خواهد بود، انتخاب به ابراهیم واگذار می‌شود. بنابراین لوط می‌تواند اشتباه خود را در انتخاب دشت و آبادانی آن درک کند و پشیمان شود. جان او در خطر است و اگر خواهد که آتش خدا به دره برسد، باید عجله کند. به او دستور داده شده که به عقب نگاه نکند. دستور باید به معنای واقعی کلمه و مجازی در نظر گرفته شود. آینده و زندگی پیش روی بازماندگان سدوم است، زیرا به زودی در پشت آنها چیزی جز ویرانه های رشته ای وجود نخواهد داشت که توسط سنگ های گوگردی پرتاب شده از آسمان مشتعل می‌شوند.

« پیدایش 19:18: « لوط به آنها گفت: او! نه، پروردگار

دستوری که فرشته داده لوط را به وحشت می‌اندازد.

اینک، من در نظر تو فیض یافته‌ام، و تو عظمت رحمت خود را نسبت به من در « Gen.19:19 حفظ جانم نشان دادی. اما من نمی‌توانم قبل از اینکه مصیبت به من برسد به کوه فرار کنم و هلاک خواهم شد. »

لوط این منطقه را می‌شناسد که در آن زندگی می‌کند و می‌داند که رسیدن به کوه زمان زیادی از او می‌خواهد. به همین دلیل است که از فرشته التماس می‌کند و راه حل دیگری به او پیشنهاد می‌کند.

پیدایش 19:20: « اینک این شهر آنقدر نزدیک است که بتوانم به آن پناه ببرم، و کوچک است. «! او که بتو اونها فرار کنم... کوچک نیست؟... و روح زنده باشه

در انتهای دره تسوار قرار دارد که به معنای کوچک است. او از تراژدی دره جان سالم به در برد تا به عنوان پناهگاهی برای لوط و خانواده اش باشد.

پیدایش 19:21: « و او به او گفت، اینک، من نیز این فیض را به تو می‌دهم و شهری را که تو «. از آن سخن می‌گویی، ویران نمی‌کنم

حضور این شهر همچنان شاهد این اتفاق دراماتیک است که شهرهای دره دشتی را که دو شهر سدوم و گومورا در آن قرار داشتند تحت تاثیر قرار داد.

پیدایش 19:22: « عجله کن و به آنجا پناه ببر، زیرا تا زمانی که تو به آنجا نرسی، کاری از دستم بر نمی‌آید. به همین دلیل نام زوار بر این شهر نهاده شد

فرشته اکنون به توافق خود وابسته است و منتظر خواهد ماند تا لوط وارد زوار شود تا به دره ضربه بزند.

« پیدایش 19:23: « وقتی لوط وارد صوعار شد، خورشید بر زمین طلوع می‌کرد

برای سدومی ها به نظر می‌رسید که یک روز جدید در زیر یک طلوع زیبا اعلام می‌شود. ...روزی مثل روزهای دیگر

پیدایش 19:24: « سپس خداوند از آسمان بر سدوم و بر عموره از سوی خداوند گوگرد و آتش بارید «.

این عمل معجزه آسای الهی از طریق اکتشافات باستان شناس ادونتیست، ران و ایات، گواهی قدرتمندی دریافت کرد. وی محل شهر گموره را شناسایی کرد که خانه های آن در دامنه غربی کوهی که هم مرز با این دره است به یکدیگر تکیه داده بودند. زمین این مکان از سنگ های گوگردی تشکیل شده است که با قرار گرفتن در معرض آتش، امروزه نیز مشتعل می‌شوند. بنابراین معجزه الهی کاملاً تأیید شده و شایسته ایمان برگزیدگان است.

برخلاف آنچه اغلب تصور می‌شد و گفته می‌شد، خداوند از انرژی هسته ای برای تخریب این دره دعوت نکرده است، بلکه از سنگ های گوگرد و گوگرد خالص با خلوص 90 درصد برآورد شده است که به گفته متخصصان استثنایی است. آسمان ابرهای گوگردی را حمل نمی‌کند، پس می‌توانم بگویم

که این نابودی کار خدای خالق است. او می تواند هر ماده ای را بر حسب نیاز خود بیافریند، زیرا زمین و آسمان و هر چیزی را که در آنها وجود دارد را آفریده است.

پیدایش 19:25: « او آن شهرها و تمام دشت و همه ساکنان شهرها و گیاهان زمین را ویران کرد.»

چه چیزی می تواند در مکانی که در معرض باران سنگ های شعله ور گوگرد است زنده بماند؟ هیچ چیز، به جز سنگ ها و سنگ های گوگردی هنوز وجود دارد.

پیدایش 19:26: « زن لوط به عقب نگاه کرد، و او تبدیل به ستونی از نمک شد این نگاه همسر لوط حاکی از پشیمانی و علاقه ماندگار به این مکان نفرین شده است. این حالت روحی خدا را خشنود نمی کند و او با تبدیل بدن خود به ستون نمک، تصویر عقیمی مطلق روحانی، آن را آشکار می کند.

پیدایش 19:27: « ابراهیم صبح زود برخاست تا به مکانی که در حضور خداوند ایستاده بود برود.»

ابراهیم غافل از ماجرای که روی داده است، به بلوط ممره می آید و در آنجا از سه بازدیدکننده خود استقبال می کند.

پیدایش 19:28: « و به سوی سدوم و عموره و تمام قلمرو دشت نگاه کرد. و اینک دودی را دید که از زمین برمی خیزد، مثل دود کوره»

این کوه یک رصدخانه عالی است. ابراهیم از ارتفاع خود بر منطقه مسلط است و می داند که دره سدوم و عموره در کجا واقع شده است. اگر زمین محل هنوز یک منقل رشته ای باشد، دود تند ناشی از گوگرد و مصرف تمام مواد جمع آوری شده در یک شهر توسط انسان از بالا بلند می شود. این مکان تا پایان جهان محکوم به عقیمی است. در آنجا فقط سنگ ها، سنگ ها، سنگ های گوگردی و نمک را می یابیم، نمک زیادی که باعث عقیمی خاک می شود.

پیدایش 19:29: « وقتی خدا شهرهای دشت را ویران کرد، ابراهیم را به یاد آورد. و لوط را از میان مصیبت نجات داد و شهرهایی را که لوط در آنجا اقامت گزیده بود و از گون کرد»

این توضیح مهم است زیرا به ما نشان می دهد که خداوند لوط را فقط برای خشنود ساختن ابراهیم، بنده وفادارش، نجات داد. بنابراین از سرزنش او برای انتخاب دره آباد و شهرهای فاسد آن دست برداشت. و این تأیید می کند که او واقعاً از سرنوشتی که توسط سدوم به عنوان "مارکی ربوده شده از آتش" یا بسیار دقیق شناخته می شود نجات یافته است.

پیدایش 19:30: « لوط زوعار را به سوی بلندی ها ترک کرد و با دو دختر خود در کوه ساکن شد، زیرا می ترسید در صوعار بماند. او و دو دخترش در غار زندگی می کردند.

نیاز به جدایی برای لوط روشن می شود. و این اوست که تصمیم می گیرد در زوار باقی نماند، جایی که اگرچه «کوچک» پر از مردمی بود که در برابر خدا فاسد و گناهکار بودند. او نیز به نوبه خود به کوه می رود و به دور از هر گونه آسایشی، با دو دخترش در غاری زندگی می کند، پناهگاه طبیعی امنی که خلق خدا در اختیارش قرار داده است.

پیدایش 19:31: « بزرگ به کوچکتر گفت: پدر ما پیر است. و هیچ مردی در کشور نیست که به رسم همه کشورها نزد ما بیاید»

در ابتکارات دو دختر لوط هیچ چیز رسوائی وجود ندارد. انگیزه آنها موجه و مورد تأیید خداوند است زیرا آنها با هدف دادن نسل به پدرشان عمل می کنند. بدون این انگیزه، ابتکار عمل محارم خواهد بود.

پیدایش 19:32: « بیایید تا پدر خود را شراب بنوشیم و با او دراز بکشیم تا نسل پدر خود را حفظ کنیم»

پیدایش 19:33: « پس پدر خود را در آن شب شراب نوشاندند. و بزرگتر نزد پدرش خوابید: «نه وقتی او دراز می کشید و نه وقتی که بلند می شد متوجه شد»

پیدایش 19:34: « روز بعد، بزرگتر به کوچکتر گفت: «اینک، دیشب با پدرم خوابیدم. بیایید او را در این شب دوباره شراب بنوشیم و برویم و با او بخوابیم تا نسل پدرمان را حفظ کنیم»

پیدایش 19:35: « آن شب پدرشان را دوباره شراب نوشاندند. و کوچکترین به خواب رفت: نه وقتی او دراز کشید و نه وقتی که بلند شد متوجه شد»

ناخودآگاه کامل لوط در این عمل تصویری از لقاح مصنوعی را می دهد که در زمان نهایی ما به حیوانات و انسان ها اعمال می شود. کوچکترین جستجویی برای لذت وجود ندارد و چیزی تکان دهنده تر از جفت شدن خواهر و برادر در آغاز بشریت نیست.

« پیدایش 19:36: « دو دختر لوط از پدر خود حامله شدند

ما در این دو دختر لوط ویژگی های استثنایی ایثار و فداکاری در راه آبروی پدرشان را متذکر می شویم. آنها به عنوان مادران مجرد، فرزند خود را به تنهایی و به طور رسمی بدون پدر بزرگ می کنند و به این ترتیب از گرفتن شوهر، همسر، همراهی صرف نظر می کنند.

« پیدایش 19:37: « اولزاده پسری زایید و او را موآب نامید و او پدر موآبیان است تا امروز

پیدایش 19:38: « کوچکترین پسر نیز زایید و او را بن عمی نامید: او پدر عمونیان تا امروز است . »

ما در نبوت دانیال 11:41 به ذکر فرزندان دو پسر می پردازیم: « او به زیباترین سرزمین وارد خواهد شد و بسیاری سقوط خواهند کرد. اما ادوم و موآب و رؤسای بنی عمون از دست او رهایی خواهند یافت .» بنابراین یک پیوند جسمانی و معنوی این فرزندان را با اسرائیل که بر پایه ابراهیم، ریشه پس از هبر قوم عبری، بنا شده است، متحد خواهد کرد. اما این ریشه های مشترک نزاع ها را برانگیخته و این فرزندان را علیه ملت اسرائیل قرار می دهد. در صفونیا 2: 8 و 9، خداوند در مورد مصیبت موآب و بنی عمون نبوت می کند: « زمانی که قوم مرا دشنام می دادند و بر سرحداتش متکبر می شدند، دشنام موآب و دشنام های بنی عمون را شنیدم. برای همین زنده ام! پُهُوه صباپوت، خدای اسرائیل، می گوید، موآب مانند سدوم خواهد بود و بنی عمون مانند غموره، مکانی پوشیده از خار، معدن نمک، بیابانی برای همیشه. بقیه « قوم من آنها را غارت خواهند کرد و بقیه قوم من آنها را تصاحب خواهند کرد

این ثابت می کند که برکت خداوند فقط بر ابراهیم بوده است و برادران او که از یک پدر متولد شده اند، ترح، نصیبش نشده است. اگر لوط توانست از الگوی ابراهیم بهره مند شود، این امر در مورد فرزندان او که از دو دختر او به دنیا آمده اند صدق نمی کند.

پیدایش 20

جدایی با مقام نبوت خدا

ابراهیم با تجدید تجربه با فرعون که در پیدایش 12 گزارش شده است، همسرش سارا را به عنوان خواهر خود به ابیملک، پادشاه جرار (فلسطین کنونی نزدیک غزه) تقدیم می کند. بار دیگر، واکنش خداوند که او را مجازات می کند، باعث می شود که بفهمد شوهر سارا پیامبر اوست. بدین ترتیب قدرت و ترس ابراهیم در سراسر منطقه گسترش یافت.

پیدایش 21

جدایی مشروع و نامشروع

جدایی از طریق قربانی کردن آنچه دوست داریم

پیدایش 21:1: « و خداوند سارا را همانطور که گفته بود ملاقات کرد و خداوند همانطور که « بگفته بود با سارا رفتار کرد

در این دیدار، خداوند به عقیمی طولانی سارا پایان می دهد.

پیدایش 21:2: « سارا آبستن شد و در پیروی ابراهیم پسری به دنیا آورد و در وقت معینی که خدا « با او گفت

عیسی 55:11 این را تأیید می‌کند: « کلام من از دهان من خارج می‌شود. وعده ای که به ابراهیم داده شده است وفا می‌کند، بنابراین آیه موجه است. این پسر پس از اعلام تولد او به دنیا می‌آید. کتاب مقدس او را به عنوان «پسر موعود» معرفی می‌کند، که اسحاق را به نوع نبوی «پسر خدا» مسیحایی تبدیل می‌کند: عیسی

« پیدایش 21:3: » و ابراهیم پسری را که سارا او را به دنیا آورده بود، اسحاق نامید اسم اسحاق به معنی: می‌خندد. ابراهیم و سارا هر دو وقتی شنیدند خدا پسر آینده خود را اعلام کرد، خندیدند. اگر خنده شادی مثبت باشد، در مورد خنده تمسخر آمیز اینطور نیست. در واقع، هر دو همسر به عنوان قربانی تعصب انسانی واکنش مشابهی داشتند. چون از فکر واکنش های انسانی اطرافیان می‌خندیدند. از زمان وقوع سیل، طول عمر بسیار کاهش یافته است و برای انسان، 100 سالگی نشانگر پیری است. جایی که انتظار کمی از زندگی داریم اما سن در زمینه رابطه با خدای خالق که حد و مرز همه چیز را تعیین می‌کند، معنایی ندارد. و ابراهیم در تجربه خود به این امر پی می‌برد و از طریق خدا مال، شرف و پدری را این بار مشروع دریافت می‌کند

پیدایش 21:4: « و ابراهیم پسرش اسحاق را در هشت روزگی ختنه کرد، چنانکه خدا به او دستور داده بود

به نوبه خود، پسر مشروع ختنه می‌شود. فرمان خدا اطاعت می‌شود

« پیدایش 21:5: » و ابراهیم صد ساله بود که پسرش اسحاق برای او به دنیا آمد

چیز قابل توجهی است، اما نه با استانداردهای ضد غرق

پیدایش 21:6: « و سارا گفت: «خدا به من خنده داده است. هر کس آن را بشنود با من خواهد

« خندید

سارا موقعیت را خنده‌آور می‌بیند، زیرا او انسان است و قربانی تعصبات انسانی است. اما این میل به خندیدن نیز نشان دهنده یک شادی غیرمنتظره است. او نیز مانند شوهرش ابراهیم، امکان زایمان را در سنی به دست می‌آورد که دیگر از نظر طبیعی بودن انسان قابل تصور نیست

پیدایش 21:7: « و گفت: چه کسی به ابراهیم می‌گفت: سارا پسرانی خواهد داد؟ زیرا در پیری « برای او پسری زاییده ام

چیز واقعا استثنایی و کاملاً معجزه آسا است. با نگاهی به این سخنان سارا در سطح نبوی، می‌توانیم در اسحاق پسری را ببینیم که عهد جدید را در مسیح نبوت می‌کند، در حالی که اسماعیل پسر عهد اول را پیشگویی می‌کند. با امتناع او از مسیح عیسی، این پسر طبیعی که بر اساس جسم و با علامت ختنه به دنیا آمد، توسط خدا به نفع پسر مسیحی انتخاب شده از طریق ایمان طرد خواهد شد. مانند اسحاق، مسیح بنیانگذار عهد جدید به طور معجزه آسایی متولد خواهد شد تا خدا را در ظاهر انسان نمایان سازد. در مقابل، اسماعیل صرفاً بر اساس مبانی نفسانی و درک کاملاً انسانی تصور می‌شود

پیدایش 21:8: « بچه بزرگ شد و از شیر گرفته شد. و ابراهیم در روزی که اسحاق از شیر « گرفته شد عید بزرگی برپا کرد

نوزادی که از شیر مادر تغذیه می‌شود، نوجوان می‌شود و برای پدر ابراهیم، آینده‌ای سرشار از وعده و شادی می‌گشاید که با شادی جشن می‌گیرد

پیدایش 21:9: « سارا پسر هاجر مصری را که برای ابراهیم زاییده بود دید که می‌خندد. و به ابراهیم گفت:

واضح است که خنده در زندگی این زوج خوشبخت جایگاه بزرگی دارد. دشمنی و حسادت اسماعیل نسبت به اسحاق، پسر مشروع، او را به خنده و تمسخر می‌کشاند. برای سارا به حد تحمل رسیده است: پس از تمسخر مادر، پسر می‌آید. این خیلی زیاده

پیدایش 21:10: « این کنیز و پسرش را بیرون کنید. زیرا پسر این کنیز با پسر من با اسحاق « ارث نخواهد برد

ما می‌توانیم عصبانیت سارا را درک کنیم، اما با من در بالا نگاه کنید. سارا بر اساس ایمان به عدالت مسیح عیسی، بی‌لیاقتی اولین اتحاد را پیشگویی می‌کند که با برگزیدگان جدید به ارث نمی‌رسد

« پیدایش 21:11: » و این در نظر ابراهیم به خاطر پسرش بسیار بد بود

ابراهیم مانند سارا واکنش نشان نمی‌دهد زیرا احساسات او بین دو پسرش مشترک است. تولد اسحاق 14 سال محبتی را که او را به اسماعیل پیوند می‌دهد از بین نمی‌برد

پیدایش 21:12: « و خدا به ابراهیم گفت: به خاطر فرزند و کنیزت در نظر تو بد نباشد. در تمام آنچه سارا به شما گفت، به صدای او گوش دهید، زیرا در اسحاق شما را ذریت می نامند خداوند در این پیام، ابراهیم را آماده می کند تا بیگانگی اسماعیل، پسر بزرگش را ببذیرد. این جدایی در پروژه نبوی خداوند است؛ از آنجایی که او شکست عهد قدیمی موزاییک را پیشگویی می کند. به عنوان تسلی، در اسحاق، او نسل خود را زیاد خواهد کرد. و تحقق این کلام الهی از طریق برقراری عهد جدید خواهد بود که در آن « برگزیدگان » با پیام انجیل ابدی خدا در عیسی مسیح « دعوت خواهند شد ».

بنابراین، به طور متناقض، اسحاق پدرسالار عهد قدیم خواهد بود و بیش از هر چیز در یعقوب، پسرش است که بر اساس جسم و نشانه ختنه، اسرائیل خدا بر پایه های آن استوار خواهد شد. اما تناقض این است که همین اسحاق فقط درس هایی را در مورد عهد جدید در مسیح پیشگویی می کند.

پیدایش 21:13: « و پسر کنیز را نیز قومی خواهم ساخت، زیرا او نسل شماست اسماعیل پدرسالار بسیاری از مردم خاورمیانه است. تا زمانی که مسیح برای خدمت نجات زمینی خود ظاهر شد، مشروعیت معنوی تنها به فرزندان این دو پسر ابراهیم تعلق داشت. جهان غرب در اشکال متعدد بت پرستی زندگی می کرد و وجود خدای خالق بزرگ را نادیده می گرفت.

پیدایش 21:14: « و ابراهیم صبح زود برخاست، نان و پوست آب گرفت و به هاجر داد و آنها را بر دوش او گذاشت و او کودک را به او داد و او را روانه کرد. و او رفت و در بیابان بئرشیع « بسرگردان شد »

مداخله خداوند ابراهیم را آرام کرد. او می داند که خداوند خود مراقب هاجر و اسماعیل خواهد بود و حاضر است از آنها جدا شود، زیرا به خدا اعتماد دارد که آنها را حفظ و هدایت کند. زیرا او تا کنون توسط او محافظت و هدایت شده است.

پیدایش 21:15: « و چون آب پوست شراب تمام شد، کودک را زیر یکی از بوته ها انداخت آب برده شده به سرعت مصرف می شود و بدون آب، هاجر فقط Beersheba در صحرای مرگ را نتیجه نهایی وضعیت ناگوار خود می بیند.

پیدایش 21:16: « رفت و روبروی آن نشست، در دسترس کمان. زیرا گفت: نبینم کودک بمیرد. » و روبهرو نشست و صدایش را بلند کرد و گریست.

در این شرایط سخت، هاجر برای دومین بار در برابر خداوند اشک می ریزد.

پیدایش 21:17: « و خدا صدای کودک را شنید و فرشته خدا هاجر را از آسمان فرا خواند و به او گفت: «ای هاجر، تو را چه شده است؟ نترس، زیرا خداوند صدای کودک را در جایی که اوست شنیده است. »

و برای بار دوم خداوند مداخله می کند و با او صحبت می کند تا به او اطمینان دهد.

پیدایش 21:18: « برخیز، کودک را بردار و در دست بگیر. زیرا من آن را ملتی بزرگ خواهم ساخت. »

یادآوری می کنم که اسماعیل، نوجوانی 15 تا 17 ساله است، اما به هر حال کودکی تابع مادرش هاجر است و آن دو دیگر آبی برای خوردن ندارند. خدا از او می خواهد که از پسرش حمایت کند زیرا سرنوشت قدرتمندی برای او در انتظار است.

پیدایش 21:19: « خدا چشمان او را گشود و چاهی آب دید. و او رفت و پوست را از آب پر کرد. »

نتیجه معجزه یا نه، این چاه آب در لحظه لازم ظاهر می شود تا طعم زندگی را به هاجر و پسرش بدهد. و زندگی خود را مدیون خالق قدرتمندی هستند که بینش و شعور چیزها را می گشاید یا می بندد.

پیدایش 21:20: « و خدا با کودک بود و او بزرگ شد و در بیابان ساکن شد و تیرانداز شد از این رو، صحرا خالی نبود، زیرا اسماعیل حیواناتی را شکار می کرد که آنها را با کمان خود می کشت تا بخورد.

پیدایش 21:21: « و در بیابان فاران ساکن شد. و مادرش از سرزمین مصر برای او زنی گرفت. »

بنابر این پیوند بین اسماعیلیان و مصری ها تقویت می شود و به مرور زمان رقابت اسماعیل با اسحاق به حدی افزایش می یابد که آنها را به دشمنان طبیعی دائمی تبدیل می کند.

پیدایش 21:22: « در آن زمان ابراهیم و پیکول، فرمانده لشکر او، با ابراهیم صحبت کردند و گفتند. خداوند در هر کاری با شماست تجربیات ناشی از معرفی سارا به عنوان خواهرش، چیزهایی که در ژن 20 ثبت شد، به ابیملک آموخت که ابراهیم پیامبر خدا بود. او اکنون می ترسد و می ترسد پیدایش 21:23: « و اکنون در اینجا به خدا به من سوگند یاد کن که با من، با فرزندانم، و نوه هایم، بر اساس محبتی که به تو کرده ام، دروغ نخواهی کرد، با من رفتار خواهی کرد و به سمت کشوری ابراهیم دیگر نمی خواهی قربانی حیل‌های ابراهیم شود و می خواهی از او تعهدات محکم و قاطعانه‌ای برای یک اتحاد مسالمت‌آمیز بگیری.»

پیدایش 21:24: « و ابراهیم گفت: سوگند می خورم ابراهیم قصد بدی نسبت به ابراهیم ندارد و بنابراین می‌تواند با این پیمان موافقت کند پیدایش 21:25: « و ابراهیم ابراهیم را به خاطر چاه آبی که بندگان ابراهیم به زور گرفته بودند سرزنش کرد پیدایش 21:26: « و ابراهیم گفت: «نمی‌دانم چه کسی این کار را کرده است، و تو مرا از آن آگاه نکرده‌ای، و من فقط امروز از آن شنیدم پیدایش 21:27: « و ابراهیم گله‌ها و گله‌ها را گرفت و به ابراهیم داد و آن دو عهد بستند پیدایش 21:28: « و ابراهیم هفت گوسفند جوان را از گله جدا کرد انتخاب «هفت گوسفند» توسط ابراهیم، گواهی بر پیوند او با خدای خالق است که می‌خواهد او را با کار خود همراه کند. ابراهیم در کشوری بیگانه سکنی گزیده است اما می‌خواهد ثمره کارش ملکش بماند.»

پیدایش 21:29: « ابراهیم به ابراهیم گفت: «این هفت گوسفند جوانی که جدا کردی چیست؟ پیدایش 21:30: « و گفت: «این هفت گوسفند جوان را از دست من خواهی گرفت تا برای من شهادت بدهی که این چاه را حفر کرده‌ام پیدایش 21:31: « پس آن مکان را بئرشبع نامیدند، زیرا هر دو در آنجا قسم خوردند نام چاه مورد بحث از کلمه «شبا» که ریشه عدد «هفت» در زبان عبری است، گرفته شده است، و آن را در کلمه «شَبَت» می‌یابیم که نشان‌دهنده روز هفتم است، شنبه ما که در استراحت هفتگی توسط خدا مقدس شده است. از آغاز خلقت زمینی او. برای حفظ خاطره این اتحاد، چاه به این ترتیب "چاه هفت" نامیده شد.

پیدایش 21:32: « و در بئرشبع عهد بستند. و ابیملک و پیکول فرمانده لشکر خود برخاستند و به سرزمین فلسطینیان بازگشتند پیدایش 21:33: « و ابراهیم درختی گز در بئرشبع کاشت. و در آنجا نام یهوه خدای ابدی را خواند پیدایش 21:34: « و ابراهیم برای مدتی طولانی در زمین فلسطینیان اقامت گزید. خداوند شرایط صلح و آرامش را برای بنده اش سامان داده بود.»

پیدایش 22

جدایی پدر و تنها پسر قربانی شد

این فصل 22 موضوع نبوی مسیح را ارائه می کند که به عنوان قربانی توسط خدا به عنوان پدر ارائه شده است. این اصل رستگاری را به تصویر می کشد که از ابتدای تصمیم او برای ایجاد همتایان

آزاد، هوشمند و مستقل در مقابل خود، توسط خدا در خفا تهیه شده است. این فداکاری بهایی خواهد بود برای به دست آوردن بازگشت عشق از مخلوقاتش. برگزیدگان کسانی خواهند بود که با آزادی انتخاب کامل به انتظارات خداوند پاسخ داده اند.

پیدایش 22:1: « پس از این امور، خدا ابراهیم را آزمایش کرد و به او گفت: «ابراهیم! و او « پاسخ داد: اینجا هستم

ابراهیم بسیار مطیع خداست، اما این اطاعت تا کجا می تواند پیش برود؟ خدا از قبل پاسخ را می داند، اما ابراهیم باید به عنوان گواهی برای همه برگزیدگان، دلیل مشخصی بر اطاعت مثال زنی خود بگذارد که او را چنان شایسته محبت خدایش می کند که او را به پدرسالاری تبدیل می کند که آیندگانش توسط خدا تعالی خواهند یافت. تولد مسیح عیسی

پیدایش 22:2: « خدا گفت: پسرت، تنها پسرت را بگیر، کسی که دوستش داری، اسحاق. به سرزمین موریابرو و او را در آنجا به عنوان قربانی سوختنی در یکی از کوههایی که به تو خواهم گفت « تقدیم کن

خداوند عمداً بر آنچه که آزاردهنده است فشار می آورد، تا حدی که برای این پیرمرد بیش از صد ساله قابل تحمل است. خداوند به طور معجزه آسایی به او شادی تولد پسری از او و سارا، همسر قانونی اش را عطا کرد. همچنین درخواست باورنکردنی خداوند را از اطرافیان پنهان می کند: « یگانه پسرت را به عنوان قربانی تقدیم کن ». و پاسخ مثبت ابراهیم عواقب ابدی برای تمام بشریت خواهد داشت. زیرا پس از رضایت ابراهیم برای تقدیم پسرش، خود خدا دیگر نمی تواند از پروژه نجات خود چشم پوشی کند. اگر می توانست به فکر رها کردن آن باشد

اجازه دهید به علاقه دقت توجه کنیم: " روی یکی از کوه هایی که به شما خواهم گفت ". این مکان دقیق برای دریافت خون مسیح برنامه ریزی شده است.

پیدایش 22:3: « ابراهیم صبح زود برخاست، الاغ خود را زین کرد و دو خدمتکار و پسرش « اسحاق را با خود برد. او هیزم را برای قربانی سوختنی شکافت و به آنجا رفت که خدا به او گفته بود ابراهیم مصمم به اطاعت از این زیاده روی شد و با مرگ در جان، تدارک مراسم خونینی را که خداوند دستور داده بود، ترتیب داد.

« پیدایش 22:4: « در روز سوم ابراهیم چشمان خود را بلند کرد و آن مکان را از دور دید

کشور موریجا تا محل اقامت او سه روز پیاده راه است.

پیدایش 22:5: « و ابراهیم به خادمان خود گفت: «اینجا با الاغ بمانید. من و آن جوان برای « عبادت تا آنجا پیش خواهیم رفت و به سوی شما باز خواهیم گشت

اقدام وحشتناکی که او در شرف انجام است نیازی به شاهد ندارد. او بنا بر این از دو خدمتکار خود جدا می شود که باید منتظر بازگشت او باشند.

پیدایش 22:6: « ابراهیم هیزم قربانی سوختنی را گرفت و بر پسرش اسحاق بار کرد و آتش و « کارد را در دست گرفت. و هر دو با هم راه رفتند

در این صحنه نبوی، درست همانطور که مسیح باید "پاتیبولوم" سنگینی را که مچ هایش به آن میخکوب می شود، حمل کند، اسحاق نیز با چوبی که مشتعل شده، بدن قربانی او را می بلعد، بار می کند

پیدایش 22:7: « سپس اسحاق به پدرش ابراهیم گفت: پدرم! و جواب داد: پسر من اینجام! « اسحاق پاسخ داد: اینجا آتش و هیزم است. اما بره قربانی سوختنی کجاست؟

اسحاق شاهد قربانی های مذهبی زیادی بوده است و حق دارد از غیبت حیوانی که قرار است قربانی شود شگفت زده شود.

پیدایش 22:8: « ابراهیم گفت، پسر من، خدا بره قربانی سوختنی را برای خود فراهم خواهد کرد. « و هر دو با هم راه رفتند

این پاسخ از سوی ابراهیم مستقیماً از جانب خدا الهام شد زیرا به طرز باشکوهی قربانی عظیمی را که خداوند با تقدیم خود به مصلوب شدن در بدن انسان انجام خواهد داد، پیشگویی می کند و بدین ترتیب نیاز گناهکاران برگزیده را به یک منجی مؤثر و عادل در کمال الهی تأمین می کند. اما ابراهیم این آینده نجات بخش را نمی بیند، این نقش مسیح نجات دهنده را که حیوانی که برای یهوه، خدای خالق قادر

مطلق، قربانی شده بود، نبوت کرده بود. برای او، این پاسخ به سادگی به او اجازه می دهد تا زمان به دست آورد، زیرا او با وحشت به جنایتی که باید مرتکب شود نگاه می کند.

پیدایش 22:9: « وقتی به مکانی که خدا با او گفته بود رسیدند، ابراهیم در آنجا قربانگاهی ساخت و هیزمها را مرتب کرد. او پسرش اسحاق را بست و او را در قربانگاه بالای چوب گذاشت متأسفانه برای ابراهیم در مقابل قربانگاه، دیگر راهی برای پنهان کردن اسحاق وجود ندارد که این اوست که گوسفند قربانی خواهد بود. اگر پدر ابراهیم در این پذیرش خارق العاده خود را والا نشان می داد، رفتار مطیع اسحاق بازتابی است از آنچه عیسی مسیح در زمان خود می بود: در اطاعت و ایثار عالی.

« پیدایش 22:10: سپس ابراهیم دست خود را دراز کرد و کارد را گرفت تا پسرش را بکشد توجه داشته باشید که برای واکنش، خداوند تا آخرین پایان امتحان صبر می کند تا به برگزیدگان خود گواهی ارزش و اصالت واقعی بدهد. " چاقوی در دست "؛ تنها چیزی که باقی می ماند این است که اسحاق را مانند گوسفندهای زیادی که قبلاً قربانی شده اند، ذبح کنیم.

پیدایش 22:11: « سپس فرشته خداوند از آسمان او را صدا زد و گفت: ابراهیم! ابراهیم! و او پاسخ داد: اینجا هستم

نمایش ایمان مطیع ابراهیم ساخته و به طور کامل انجام می شود. خداوند به مصیبت پیر مرد و پسرش که شایسته او و محبت اوست پایان می دهد.

توجه داشته باشید که هر گاه خداوند یا پسرش او را صدا می زند، ابراهیم همیشه پاسخ می دهد: « اینجا هستم. » این پاسخ خود به خودی که از او سرچشمه می گیرد، گواه سرشت سخاوتمند و گشاده او نسبت به همسایه اش است. علاوه بر این، با رفتار آدمی که در موقعیت گناه گرفتار شده و از خدا پنهان شده بود، در تضاد است، تا جایی که خداوند موظف شد به او بگوید: کجایی؟

پیدایش 22:12: « فرشته گفت: « دستت را بر کودک دراز مکن و به او کاری مکن. اکنون می دانم که از خدا می ترسی و تنها پسرت را از من دریغ نکرده ای

ابراهیم با نشان دادن ایمان وفادار و مطیع خود می تواند در نظر همگان باشد و تا پایان جهان به عنوان الگوی ایمان واقعی از سوی خداوند تا آمدن مسیح که او را تجسم خواهد کرد، نشان داده شود. به کمال الهی تبدیل شود. در این مدل از اطاعت بی عیب و نقص است که ابراهیم به پدر معنوی ایمانداران واقعی تبدیل می شود که با خون ریخته شده عیسی مسیح نجات یافته اند. در این تجربه، ابراهیم به تازگی نقش خدای پدر را بازی کرده است که تنها پسرش به نام عیسی ناصری را به عنوان قربانی واقعی و فانی تقدیم می کند.

پیدایش 22:13: « ابراهیم چشمان خود را بلند کرد و در پشت سر خود قوچی را دید که در بوته ای با شاخ گرفته شده بود. و ابراهیم رفت و قوچ را گرفت و به جای پسرش قربانی سوختنی کرد

در این مرحله، ابراهیم می تواند متوجه شود که پاسخ او به اسحاق، « پسرم، خدا بره قربانی سوختنی را برای خود فراهم می کند، » از جانب خدا الهام شده است، زیرا « بره »، در واقع « قوچ جوان » است. ، در واقع از سوی خداوند « روزی » و از سوی او عرضه شده است. توجه داشته باشید که حیواناتی که برای یهوه قربانی می شوند به دلیل مسئولیت و سلطه ای که به انسان، آدم نر داده شده، همیشه نر هستند. مسیح نجات دهنده نیز مرد خواهد بود.

پیدایش 22:14: « ابراهیم این مکان را یهوه جیره نامید. به همین دلیل است که امروز می گویند: در کوه یهوه دیده می شود

نام « یهوه جیره » یعنی: یهوه دیده خواهد شد. اتخاذ این نام یک پیشگویی واقعی است که اعلام می کند در سرزمین موریاء، خدای بزرگ نامرئی که ترس و هیبت را القا می کند، در ظاهر انسانی نه چندان مهیب دیده خواهد شد تا نجات برگزیدگان را به ارمغان آورد و به دست آورد. و منشأ این انتصاب، تقدیم اسحاق به عنوان قربانی، موبد خدمت زمینی " بره خدا که گناهان جهان را می برد. " با دانستن علاقه خداوند به احترام او به انواع و مدل های باز تولید شده و تکرار شده، محتمل و تقریباً قطعی است که ابراهیم قربانی خود را در همان مکانی که 19 قرن بعد قرار بود عیسی به صلیب کشیده شود، در پای کوه گلگوتا تقدیم کرد. در خارج از اورشلیم، شهر، فقط برای مدتی مقدس.

« پیدایش 22:15: « فرشته یهوه برای بار دوم ابراهیم را از آسمان خواند

این مصیبت وحشتناک آخرین باری خواهد بود که ابراهیم باید متحمل شود. خداوند در او الگوی شایسته ایمان مطیع یافت و آن را به او اعلام کرد

و گفت: به خودم قسم می‌دهم، کلام خداوند! زیرا تو این کار را کردی و از « Gen.22:16: پسر، تنها پسر، دروغ نکردی »

خدا بر این کلمات « یگانه پسر تو » تأکید می‌کند، زیرا آنها قربانی آینده او را در عیسی مسیح مطابق یوحنا 3:16 پیشگویی می‌کنند: « خدا آنچنان جهان را محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر « که به او ایمان بیاورد. هلاک شوید، اما حیات جاودانی داشته باشید

پیدایش 22:17: « تو را برکت خواهم داد و نسل تو را مثل ستارگان آسمان و مانند شنهای ساحل دریا زیاد خواهم کرد. و فرزندان تو دروازه دشمنان خود را تصاحب خواهند کرد

توجه! نعمت ابراهیم ارثی نیست، فقط برای اوست و هر مرد یا زنی از اولاد او باید به نوبه خود مستحق نعمت خداوند باشد. زیرا خداوند به او نسل زیادی را وعده می‌دهد، اما از میان این نسل، تنها برگزیدگانی که با همان امانت و اطاعت عمل کنند، مورد رحمت خداوند قرار می‌گیرند. سپس می‌توانید تمام جهل معنوی یهودیانی را که با افتخار ادعا می‌کردند فرزندان ابراهیم هستند و در نتیجه فرزندان که سزاوار میراث نعمت‌های او هستند را بسنجید. عیسی با نشان دادن سنگ به آنها و گفتن اینکه از این سنگها خداوند می‌تواند فرزندان ابراهیم را بدهد آنها را تکذیب کرد. و آنها را پدرشان نه ابراهیم، بلکه شیطان دانست.

یوشع در فتح سرزمین کنعان، دروازه دشمنان خود را تصاحب خواهد کرد که اولین آنها شهر اریحا بود که سقوط کرد. در آخر، با خدا، قدیسان برگزیده صاحب دری به سوی آخرین دشمن خواهند شد: " بابل بزرگ " طبق آموزه های مختلفی که در آخرالزمان عیسی مسیح نازل شده است

پیدایش 22:18: « همه امتهای زمین در نسل تو برکت خواهند یافت ، زیرا صدای من را اطاعت کردی »

همه اقوام زمین « است ، زیرا پیشنهاد نجات در مسیح به همه انسان‌ها، از هر خاستگاه و همه مردم ارائه می‌شود. اما این ملت‌ها همچنین این حقیقت را مدیون ابراهیم هستند که می‌توانند اودی‌های الهی را که به قوم عبری که از سرزمین مصر بیرون می‌آمدند، کشف کنند. رستگاری در مسیح با برکت مضاعف ابراهیم و نسل او که توسط قوم عبری و عیسی ناصری، عیسی مسیح نمایندگی می‌شود، حاصل می‌شود.

مطلوب است که در این آیه به روشنی به نعمت و علت آن توجه شود: اطاعت مورد تایید خداوند.

پیدایش 22:19: « وقتی ابراهیم نزد خادمان خود بازگشت، آنها برخاستند و با هم به بئرشبع رفتند. زیرا ابراهیم در بئرشبع ساکن بود

پیدایش 22:20: « بعد از این چیزها به ابراهیم خبر داده شد که اینک میلکه نیز برای برادرت . ناهور پسرانی زایید

آیاتی که در ادامه می‌آیند، آماده‌سازی پیوند با « ربکا » است که همسری ایده‌آل خواهد بود که خداوند برای اسحاق وفادار و مطیع انتخاب کرده است. او از خاندان نزدیک ابراهیم از فرزندان برادرش ناهور گرفته خواهد شد.

" پیدایش 22:21: " اوز اولزاده او، بوز، برادرش کموئیل، پدر ارام

Gen.22:22: « کسد، هازو، پیلدش، جدلاف و بتوئل »

پیدایش 22:23: « بتوئیل ربکا را آورد . اینها هشت پسر هستند که میلکه برای ناهور، برادر » . ابراهیم به دنیا آورد

پیدایش 22:24: « کنیز او که رئوما نام داشت، تباک، گهام، تاهاش و ماکاه را نیز به دنیا آورد

"

وفای به وعده‌هایی که به ابراهیم داده شد

پیدایش 23 به مرگ و دفن همسرش سارا در الخلیل، در غار ماکفلا اشاره می‌کند. ابراهیم در حالی که حدود 400 سال بعد منتظر بود تا خداوند کل زمین را به فرزندانش بدهد، محل دفن را در خاک کنعان در اختیار گرفت.

ابراهیم همچنان نقش خدا را حفظ کرده است. او برای جدا ماندن از Gen.24 سپس، در مردمان بت پرست محلی، خدمتکار خود را به مکانی دور، نزد خانواده نزدیک خود می‌فرستد تا برای پسرش اسحاق همسری بیابد و آنها اجازه خواهند داد که خداوند برای آنها انتخاب کند. به همین ترتیب، خدا برگزیدگانی را انتخاب خواهد کرد که عروس مسیح، پسر خدا را تشکیل دهند. در این انتخاب انسان کاری به آن ندارد زیرا ابتکار و قضاوت از آن خداست. انتخاب خداوند کامل، بی‌سرزنش و تأثیرگذار است، مانند ربکا همسر برگزیده، دوست داشتنی، باهوش و زیبا در ظاهر و بالاتر از همه روحانی و مؤمن. مرواریدی که همه مردان روحانی که می‌خواهند زن بگیرند باید به دنبال آن باشند.

یعقوب و عیسو

بعدها، طبق ژن 25، ربکا در اصل مانند سارای همسر ابرام قبل از او عقیم بود. این عقیمی مشترک به این دلیل است که این دو زن نسل مبارک را به مسیح خواهند برد که خود توسط خدا در رحم دختری باکره جوان به نام مریم شکل خواهد گرفت. به این ترتیب، تبار پرورده نجات خدا با عمل معجزه آسای او مشخص می‌شود. ربکا که از این نازائی طبیعی رنج می‌برد، به یهوه متوسل می‌شود و از او دو دوقلو می‌گیرد که در شکم او با هم می‌جنگند. او با نگرانی از خدا در مورد این موضوع سؤال می‌کند: «و خداوند به او گفت: دو قوم در شکم تو هستند و دو قوم از شکم تو جدا خواهند شد. یکی از این افراد قویتر از دیگری خواهد بود و بزرگتر تابع کوچکتر خواهد شد.» او دوقلو به دنیا می‌آورد. به دلیل پرمویی شدیدش و کاملاً «قرمز» بود، از این رو نام «ادوم» را به نسل او دادند، بزرگتر «عیسو» نام داشت که به معنای «مودار» است. کوچکترین آنها «یعقوب» نام دارد که به معنای حق تولد خود «Velu». «فریبنده» است. در حال حاضر این دو نام سرنوشت خود را پیشگویی می‌کنند یا عدس قرمز به کوچکترین آنها می‌فروشد. او این حق اولاد را «roux» را برای یک غذای آبدار از می‌فروشد زیرا ارزش منصفانه آن را دست کم می‌گیرد. در مقابل، «فریبنده» روحانی به این عنوان که نه تنها افتخاری است، طمع می‌ورزد، زیرا برکت خداوند به آن تعلق دارد. «فریبنده» از آن دسته افراد خشنی است که به هر قیمتی می‌خواهند ملکوت آسمان را به تصرف خود درآورند و عیسی با در نظر داشتن او در این مورد صحبت کرد. و با دیدن این غیرت جوشان، دل خدا بشدت شاد می‌شود. همچنین، برای «مودار» بدتر و برای «فریبکار» بسیار بهتر، زیرا او است که به تصمیم خدا «اسرائیل» خواهد شد.

اشتباه نکنید، یعقوب یک فریبکار معمولی نیست و او مردی قابل توجه است، زیرا هیچ نمونه کتاب مقدس دیگری از عزم او برای کسب برکت خدا وجود ندارد و تنها برای رسیدن به این هدف است که فریب می دهد. پس همه ما می توانیم از او تقلید کنیم و بهشت امین خوشحال خواهد شد. عیسو نیز به نوبه خود، قوم « ادم » را خواهد داشت، نامی که به معنای « قرمز » است، با همان ریشه و معنای آدم، این قوم همانطور که نبوت الهی اعلام شده دشمن اسرائیل خواهد بود.

من تصریح می کنم که رنگ «قرمز» در تصاویر نبوی پروژه نجات نازل شده توسط خداوند تنها معرف گناه است و این معیار فقط برای بازیگران تولیدات او مانند «عیسو» صدق می کند. در دوران تاریک قرون وسطی، کودکان مو قرمزی که شرور به حساب می آمدند کشته می شدند. به همین دلیل است که، اشاره می کنم، رنگ قرمز انسان معمولی را گناهکارتر از سبزه یا بلوند نمی کند، زیرا گناهکار با اعمال بد ایمانش شناخته می شود. بنابراین، تنها از نظر ارزش نمادین است که «قرمز»، رنگ خون انسان، نماد گناه است، مطابق اشعایی 1:18: «بپایید و اجازه دهید دعا کنیم! یهوه میگوید اگر گناهان شما مانند قرمز باشد، مانند برف سفید می شود. اگر قرمز مانند ارغوانی باشند مانند پشم می شوند. به همین ترتیب، عیسی در آخرالزمان خود، مکاشفه خود، رنگ قرمز را به ابزارهای انسانی مرتبط می کند که ناخودآگاه در خدمت شیطان، شیطان اولین گناهکار زندگی است که خدا خلق کرده است. مثالها: «اسب سرخ» از مکاشفه 6:4، «اژدهای سرخ یا آتشین قرمز» از مکاشفه 12:3، و «جانور قرمز مایل به قرمز» از مکاشفه 17:3.

اکنون که او از این حق ولادت برخوردار است، یعقوب نیز به نوبه خود، به عنوان جانشین ابراهیم، تجربیاتی را تجربه خواهد کرد که برنامه های خدا را پیشگویی می کند.

او خانواده خود را از ترس خشم برادرش عیسو ترک کرد، با دلیل موجه، طبق پیدایش 27:24، زیرا تصمیم گرفته بود او را بکشد، پس از انحراف نعمت پدر در حال مرگش، که توسط یک "فریب خورده" شده بود. حيله از ذهن ربکا همسرش. در این آدم ربایی، نام دو دوقلو اهمیت آنها را آشکار می کند. زیرا «تمپور» از پوست مودار برای فریب آیزاک که نابینا شده بود استفاده کرد و به این ترتیب خود را به عنوان برادر بزرگتر طبیعی «مودار» خود معرفی کرد. افراد روحانی از یکدیگر حمایت می کنند و ربکا بیشتر شبیه یعقوب بود تا عیسو. در این عمل، خداوند با انتخاب انسانی و جسمانی اسحاق که عیسو شکارچی را که برای او شکاری آورده بود که مورد قدرانی قرار می گرفت، تناقض دارد. و خداوند حق اولیّت را به کسی که شایسته آن است می دهد: یعقوب فریبکار.

یعقوب با رسیدن به لابان، عموی آرامی خود، برادر ربکا، برای کار برای او، عاشق راحیل، کوچکترین اما زیباترین دختر لابان می شود. چیزی که او نمی داند این است که در زندگی واقعی خود، خداوند او را به ایفای نقشی نبوی تبدیل می کند که باید پروژه نجات او را پیشگویی کند. همچنین لابان پس از «هفت سال» تلاش برای به دست آوردن راحیل، دختر بزرگ خود «لیا» را به او تحمیل می کند و او را به عنوان همسر به او می دهد. برای به دست آوردن و ازدواج با راشل، او باید «هفت سال دیگر» برای عمویش کار کند. در این تجربه، "یعقوب" پیشگویی می کند که خدا در پروژه نجات خود چه چیزی را باید متحمل شود. زیرا او نیز اولین ائتلافی خواهد کرد که مطابق میل قلبی او نیست، زیرا تجربه یک اسرائیل نفسانی و ملی با موفقیت و شکوهی که شایسته آن است مشخص نخواهد شد. جانشینی "قضات" و "پادشاهان" علیرغم چند استثنا نادر، همیشه بد پایان می یابد. و همسر مورد نظر که شایسته محبت او باشد، تنها پس از نشان دادن عشق خود و آشکار ساختن نقشه نجات خود در خدمت عیسی مسیح، به عنوان اتحاد دوم دست خواهد یافت. تعلیم و مرگ او و رستخیز او. توجه داشته باشید که ترجیحات انسانی و الهی کاملاً معکوس است. معشوق یعقوب راحیل نازاست، اما از آن خدا لیه پربر است. خداوند با دادن همسرش به یعقوب، ابتدا لیه، پیامبرش را دچار ناامیدی می کند که هر دو در اولین اتحاد خود تجربه خواهند کرد. در این تجربه، خداوند اعلام می کند که اولین اتحاد او یک شکست وحشتناک خواهد بود. و طرد مسیح عیسی توسط فرزندان این پیام نبوی را تأیید کرد. لیا که محبوب انتخاب داماد نبود، تصویری است که برگزیدگان اتحاد جدید را پیشگویی می کند که منشأ بت پرستی برای مدت طولانی در غفلت از وجود خدای خالق بی همتا زندگی می کردند. با این حال، طبیعت پربر لیا عهدهی را پیشگویی کرد که ثمره زیادی برای جلال خدا به بار خواهد آورد. و اشعیا 54:1 تأیید می کند و می گوید: «ای نازا، شاد باش، ای نازا! بگذار شادی و شادی تو بپرد، ای که دیگر دردی نداری! خداوند می گوید: «زیرا

پسران رها شده از پسران زن شوهردار بیشتر خواهند بود.» در اینجا رها شده، از طریق لیا، عهد جدید، و متاهل، از طریق راحیل، عهد عبری قدیم، نبوت می کند.

یعقوب اسرائیل می شود

پس از ترک لابان ثروتمند و مرفه، یعقوب و کسانی که به او تعلق دارند، نزد برادرش عیسو باز می گردند که از خشم عادلانه و انتقام جویانه او می ترسد. شبی خداوند بر او ظاهر می شود و تا سحر با هم می جنگند. سرانجام خداوند از ناحیه لگن او را زخمی می کند و به او می گوید که از این پس او را "اسرائیل" می نامند، زیرا او پیروز با خدا و مردم مبارزه کرد. در این تجربه خداوند می خواست تصویر روح مبارز یعقوب را در نبرد ایمانی خود به تصویر بکشد. او که از سوی خدا اسرائیل نامیده شده است، به آنچه که نامیدانه می خواست و به دنبالش بود، به دست می آورد: برکتش از جانب خدا. برکت ابراهیم در اسحاق از طریق قانون اساسی اسرائیل جسمانی شکل گرفت که بر اساس یعقوب که اسرائیل شد، پس از خروج از بردگی مصر، به زودی به ملتی ترسناک تبدیل شد. فیض خداوند که عیسو را آماده کرده است، دو برادر خود را در آرامش و شادی می یابند.

یعقوب با دو همسر و دو خدمتکارشان خود را پدر 12 پسر و تنها یک دختر یافت. راحیل در ابتدا عقیم مانند سارای و ربکا، اما بت پرست، از خدا دو فرزند به دست آورد، یوسف بزرگ و بنیامین کوچکترین. او با به دنیا آوردن فرزند دومش درگذشت. بنابراین او پایان عهد قدیم را پیشگویی می کند که با برقراری عهد جدید بر اساس خون کفاره عیسی مسیح پایان خواهد یافت. اما در کاربرد دوم، این شرایط فانی سرنوشت نهایی منتخبان او را پیشگویی می کند که با مداخله خوشحال کننده او در هنگام بازگشت در جنبه الهی با شکوه خود در میکائیل عیسی مسیح نجات خواهند یافت. این واژگونی وضعیت آخرین برگزیدگان با تغییر نام کودکی که "بن اونی" یا "پسر غم من" را مادر در حال مرگ نامیده بود، توسط یعقوب، پدر، تغییر نام داده شده است. بنیامین «یا «پسر راست» (سمت راست) یا پسر مبارک. در تأیید، در متی 25:33، عیسی مسیح "گوسفندان خود را در سمت راست خود و بزها را در سمت چپ خود قرار خواهد داد." این نام «بنیامین» را خدا صرفاً برای پروژه نبوی خود انتخاب کرد، بنابراین برای ما، زیرا برای یعقوب معنای کمی داشت. و برای خدا راحیل بت پرست مستحق "حق" نبود. این چیزها در مورد پایان جهان در توضیحات مکاشفه 7:8 توسعه یافته است.

یوسف قابل تحسین

در تاریخ اسرائیل، نقشی که خداوند به یوسف می دهد، او را به تسلط بر برادرانش سوق می دهد که از تسلط روحی او خشمگین شده و او را به بازرگانان عرب می فروشند. در مصر، صداقت و وفاداری او باعث قدردانی او شد، اما زن اربابش می خواست از او سوء استفاده کند، یوسف با مقاومت در برابر او خود را در زندان دید. در آنجا با توضیح رویاها، رویدادها او را به بالاترین رتبه زیر فرعون می رساند: وزیر اول. این تعالی بر اساس عطای نبوی او و همچنین دانیال پس از او است. این هدیه او را مورد قدردانی فرعون قرار داد که مصر را به او سپرد. در زمان قحطی، برادران یعقوب به مصر خواهند رفت و در آنجا یوسف با برادران شریر خود آشتی خواهد کرد. یعقوب و بنیامین به آنها ملحق خواهند شد و اینگونه است که عبرانیان در مصر در منطقه گشن ساکن می شوند.

خروج و موسی وفادار

عبرانیان در موسی که به بردگی گرفته شده اند، کودک عبری را خواهند یافت که نامش به معنای «نجات یافته از آب های نیل» است، که توسط دختر فرعون، رهایی بخش خدا، بزرگ شده و پذیرفته شده است.

در حالی که شرایط بردگی آنها سخت تر و افزایش می یابد، موسی برای دفاع از یک عبری، یک مصری را می کشد و او از مصر فرار می کند. سفر او او را به مدیان، در عربستان سعودی می برد، جایی که نوادگان ابراهیم زندگی می کنند و کتوره، همسر دومش، پس از مرگ سارا ازدواج کرد.

40 سال بعد، موسی با زیپوره، دختر بزرگ پدرنش پترو، در حالی که گله های خود را به سمت کوه حورب شبانی می کرد، خدا را ملاقات کرد. خالق به صورت بوته ای رشته ای برای او ظاهر می شود که می سوزد اما مصرف نمی شود. او نقشه خود را برای اسرائیل برای او فاش می کند و او را به مصر می فرستد تا راه خروج مردمش را راهنمایی کند.

ده آفت لازم است تا فرعون را وادار کند تا بردگان گرانقدر خود را آزادانه رها کند. اما دهمین است که اهمیت نبوی عمده ای خواهد یافت. زیرا خدا همه نخستزادگان مصر را از انسان و حیوان کشت. و در همان روز، عبرانیان اولین عید فصح را در تاریخ خود جشن گرفتند. عید فصح مرگ مسیح عیسی، «نخست زاده» و «بره خدا» پاک و بی لک را پیشگویی کرد که مانند «بره» کشته شده در روز خروج از مصر به عنوان قربانی تقدیم شد. پس از قربانی شدن اسحاق که خداوند از ابراهیم درخواست کرد، عید فصح خروج از مصر دومین اعلام نبوی مرگ مسیح (مسح شده) عیسی یا به تعبیر یونانی عیسی مسیح است. خروج از مصر در چهاردهمین روز از ماه اول سال، در حدود قرن پانزدهم قبل از میلاد، حدود 2500 سال پس از گناه حوا و آدم انجام شد. این ارقام زمان «400 سال» از «چهار نسل» را تأیید می کند که خدا به اموریان، ساکنان سرزمین کنعان، داده است.

غرور و روح سرکش فرعون با ارتشش در آب های «دریای سرخ» ناپدید می شود که به این ترتیب معنای خود را می یابد، زیرا پس از باز شدن روی آن ها بسته می شود تا به عبریان اجازه ورود به سرزمین عربستان سعودی را بدهد. انتهای جنوبی شبه جزیره مصر خدا با دوری از مدیان، قوم خود را از طریق بیابان به سمت کوه سینا هدایت می کند و در آنجا قانون "ده فرمان" خود را به آنها ارائه می دهد. در برابر خدای یگانه، اسرائیل اکنون ملتی دانشمند است که باید مورد آزمایش قرار گیرد. به همین منظور موسی را در کوه سینا نزد او می خوانند و خداوند او را 40 شبانه روز در آنجا نگاه می دارد. دو جدول شریعت را که با انگشت الهی او حک شده به او می دهد. در اردوگاه قوم عبری، غیبت طولانی موسی به نفع ارواح سرکشی است که بر هارون فشار می آورند و در نهایت او را وادار می کنند که ریخته گری و قالب گیری «گوساله طلایی» را بپذیرد. این تجربه به تنهایی رفتار افراد سرکش در همه زمان ها را با خدا خلاصه می کند. امتناع آنها از تسلیم شدن در برابر اقتدار آن، آنها را به تردید در وجود آن سوق می دهد. و مجازات های متعدد خداوند چیزی را تغییر نمی دهد. پس از این 40 شبانه روز آزمایش، ترس از غول های کنعان مردم را محکوم به سرگردانی در بیابان به مدت 40 سال خواهد کرد و تنها از این نسل آزمایش شده، یوشع و کالیب می توانند وارد سرزمین موعود ارائه شده توسط خداوند شوند. حدود 2540 از زمان گناه آدم.

شخصیت های اصلی داستان پیدایش، بازیگران تولیدی هستند که توسط خدای خالق سازماندهی شده است. هر یک از آنها، برای یک هدف نبوی یا نه، درسی را منتقل می کنند، و این تصور از نمایش توسط پولس رسول تأیید شد که در اول قرن نهم: 4: 9 گفت: "زیرا به نظر من خدا ما را ساخته است. رسولان، آخرین انسانها، به نوعی محکوم به مرگ شدند، زیرا ما منظره ای برای جهان، فرشتگان و انسان ها بوده ایم." «از آن زمان، رسول خداوند، الن جی وایت، کتاب معروف خود را با عنوان «تراژدی اعصار» نوشت. بنابراین ایده «منظره» تأیید می شود، اما پس از «ستارگان، ستارگان» کتاب آسمانی، نوبت هر یک از ما است که نقش خود را ایفا کنیم، با علم به اینکه به دستور تجربیات آنها، ما هستیم. موظف به تقلید از کارهای نیک آنها بدون بازتولید خطاهای آنها هستند. برای ما، همانطور که برای دانیال (قاضی من خداست)، خدا "قاضی ما" است، مطمئناً دلسوز، اما "قاضی" که برای هیچکس استثنا قائل نیست.

تجربه اسرائیل ملی یهودی فاجعه بار است، اما چیزی بیش از تجربه ایمان مسیحی عصر ما نیست که به ارتداد گسترده ختم می شود. ما نباید از این شباهت تعجب کنیم، زیرا اسرائیل عهد قدیم تنها یک عالم صغیر، نمونه ای از انسان هایی بود که سراسر زمین را سکنی گزیده اند. به همین دلیل است که ایمان واقعی در آنجا به اندازه عهد جدیدی که بر روی ناجی و «شاهد وفادار» عیسی مسیح بنا شده بود، نادر بود.

از کتاب مقدس به طور کلی

کل کتاب مقدس، دیکته شده و سپس توسط خدا به بندگان انسانی خود الهام شده است، حاوی درس های نبوی است. از پیدایش تا مکاشفه بازیگرانی که خدا انتخاب کرده است به ما آنگونه که واقعاً در طبیعت واقعی خود هستند معرفی می شوند. اما برای ساختن پیام های نبوی در این منظره همیشگی، خدای خالق سازمان دهنده وقایع می شود. پس از خروج از مصر، خداوند به اسرائیل جنبه رایگان شریعت آسمانی خود را به مدت 300 سال، یعنی زمان «قضات» که در حدود سال 2840 به پایان می رسد، می دهد. و در این آزادی، بازگشت به گناه، خداوند را ملزم می کند که قوم خود را «هفت» مجازات کند. او را در نهایت به فلسطینیان، دشمنان ارثی آنها تحویل می دهد. و «هفت بار» «آزادکنندگان» را برمی انگیزد. کتاب مقدس می گوید که در آن روزها، « هر کس آنچه می خواست انجام می داد. » و این زمان آزادی کامل بود تا میوه ای که هر فرد به بار آورده بود آشکار شود. در " آخرین زمان " ما هم همینطور است. این سیصد سال آزادی که با بازگشت مداوم عبرانیان به گناه مشخص شده است، خداوند ما را دعوت می کند تا آنها را با سیصد سال زندگی خنوخ عادل که او را به عنوان الگوی نمونه از برگزیدگان خود به ما معرفی می کند، مقایسه کنیم: « خنوخ سیصد سال با خدا راه رفت، پس دیگر نبود زیرا خدا او را گرفت ». با او، با وارد ساختن او ابتدا به ابدیت خود مانند، پس از او، موسی و الیاس، و مقدسینی که در مرگ عیسی زنده شدند، پیش از همه برگزیدگان دیگر، از جمله حواریون عیسی مسیح. همه آنها در روز آخرت دگرگون یا زنده خواهند شد.

پس از «قضات»، زمان پادشاهان فرا رسید و دوباره در آنجا خداوند به دو بازیگر اول خود نقشی نبوی می دهد که پیام پیشرفت شر به سوی خیر نهایی، یعنی از شب یا تاریکی را تأیید می کند. به سمت نور این گونه بود که این دو مرد، شائول و داوود، پروژه کلی برنامه نجات را که برای برگزیدگان زمینی آماده شده بود، یعنی دو مرحله یا دو اتحاد مقدس متوالی، پیشگویی کردند. آن را با من ببرید، داوود فقط با مرگ شاه شائول پادشاه می شود، همانطور که مرگ عهد دائمی قدیمی به مسیح اجازه می دهد تا عهد جدید، سلطنت و سلطه ابدی خود را برقرار کند.

من قبلاً به این موضوع اشاره کردم، اما می خواهم به شما یادآوری کنم که سلطنت های زمینی مشروعیات الهی ندارند، زیرا عبرانیان از خدا می خواستند که « مثل سایر ملل زمینی» پادشاهی داشته باشند، آنها «بت پرست». یعنی الگوی این پادشاهان از نوع ارزش های شیطانی است نه الهی. همان قدر که از نظر خدا، پادشاه نرم و فروتن و پر از خود انکار و شفقت است و خود را بنده همگان می کند، تا آنجا که شیطان خشن، مغرور، خودخواه و حقیر است و می طلبد. مورد خدمت همه قرار گیرد خداوند که به ناحق از طرد شدن او توسط قومش آزاده خاطر شد، درخواست او را اجابت کرد و برای بدبختی او پادشاهی مطابق معیارهای شیطان و همه ظلم هایش به او داد. از آن پس، برای قومش اسرائیل، و تنها او، سلطنت مشروعیات الهی خود را به دست آورد.

گفتار شفاهی یا نوشتاری وسیله مبادله بین دو نفر است. کتاب مقدس کلام خداست به این معنا که خداوند برای انتقال آموزه های آن به مخلوقات زمینی خود، شهادت هایی را که به بندگان خود دیکته یا الهام شده جمع آوری کرده است. شهادت ها در طول زمان توسط او مرتب، انتخاب و گروه بندی شدند. وقتی متوجه ناقص بودن عدالت بر روی زمین می شویم، نباید تعجب کنیم، زیرا بریده از خدا، انسان ها فقط بر اساس قانون می توانند عدالت خود را برقرار کنند. اکنون، خدا از طریق عیسی به ما می گوید که " حرف می کشد اما روح زندگی می بخشد "، این نامه. بنابراین، متون مقدس کتاب مقدس فقط می توانند « شاهد » باشند که در مکاشفه 11: 3 اشاره شده است، اما در هیچ موردی «قاضی» نیستند. خداوند با تشخیص اینکه حرف قانون قادر به قضاوت عادلانه نیست، حقیقتی را آشکار می کند که صرفاً بر ذات الهی شخص او استوار است. او به تنهایی می تواند قضاوت عادلانه ای داشته باشد، زیرا توانایی او در تجزیه و تحلیل افکار مخفیانه ذهن مخلوقاتش به او اجازه می دهد تا انگیزه های کسانی را که قضاوت می کند، چیزهایی که توسط سایر موجودات پنهان و نادیده گرفته شده اند، بداند. بنابراین، کتاب مقدس تنها مبنایی را برای شهادت هایی که برای قضاوت استفاده می شود، فراهم می کند. در طول « هزار سال » دآوری آسمانی، مقدسین برگزیده به انگیزه های ارواح مورد قضاوت دسترسی خواهند داشت. بنابراین، با عیسی مسیح، آنها می توانند قضاوت کاملی را که ضروری است، انجام دهند، زیرا حکم نهایی مدت زمان رنج متحمل شده در مرگ دوم را مشخص می کند. این آگاهی از انگیزه واقعی مجرم به ما این امکان را می دهد که رحمت خداوند نسبت به قابیل، اولین قاتل زمینی را بهتر درک کنیم. بر اساس تنها شهادتی که در کتاب مقدس به صورت مکتوب ارائه شده است، قابیل با انتخاب خدا برای برکت دادن به

هابیل و تحقیر هدیه هابیل به سمت حسادت سوق داده شد، بدون اینکه قایل دلیل این تفاوت را که روحانی بود، بداند و همچنان نادیده گرفته شد. اوضاع اینگونه است، زندگی از پارامترها و شرایط بی شماری تشکیل شده است که فقط خدا می تواند با آگاهی کامل از واقعات آنها را شناسایی و قضاوت کند. گفتنی است، کتاب مقدس برای انسان ها باقی می ماند، تنها کتابی که به صورت حروفی مبانی شریعت را ارائه می دهد که اعمال آنها را قضاوت می کند، در حالی که منتظرند افکار پنهانی آنها برای مقدسین برگزیده در بهشت آشکار شود. با این حال، نقش نامه محکوم کردن یا قضاوت عمل است. به همین دلیل است که عیسی در مکاشفه خود اهمیت «اعمال» را به مردم یادآوری می کند و به ندرت از ایمان آنها صحبت می کند. در یعقوب 2: 17، یعقوب رسول یادآور شد که "ایمان بدون اعمال مرده است"، همچنین با تأیید این عقیده، عیسی فقط از "اعمال" خوب یا بد ناشی از ایمان صحبت می کند. و برای ایجاد ایمان، این آثار منحصرأً آنهایی هستند که کتاب مقدس تحت قوانین الهی تعلیم می دهد. اعمال نیکی که توسط کلیسای کاتولیک ارزش قائل می شود مورد توجه قرار نمی گیرند، زیرا آنها آثاری با شخصیت و الهامات اومانستی هستند.

در آخرالزمان، کتاب مقدس کاملاً تحقیر شده است و جامعه بشری یک جنبه رمزآلود و دروغگوی جهانی را ارائه می دهد. پس از آن است که کلمه «حقیقت» که مشخصه کتاب مقدس، کلام خدای زنده، و به طور گسترده تر، پروژه جهانی جهانی آن است، اهمیت کامل خود را می یابد. زیرا تحقیر این «حقیقت» منحصر به فرد بشریت را به ساختن خود بر دروغ در همه زمینه های رابطه ای، سکولار، مذهبی، سیاسی یا اقتصادی سوق می دهد.

این مقاله که در روز شنبه 14 آگوست 2021 نوشته می شود، فردا، 15 اوت، در اجتماعات بزرگ، قربانیان فریب دین دروغین، به موفق ترین رمز و راز شیطانی زندگی حرفه ای او ادای احترام می کنند، زیرا او از "مار" به عنوان استفاده می کند. یک رسانه در "عدن": ظاهر او در زیر تصویر "مریم باکره". واقعی دیگر باکره نبود، زیرا پس از عیسی، پسران و دخترانی به دنیا آورد. برادران و خواهران عیسی اما دروغ سخت می میرد و حتی در برابر بهترین استدلال های کتاب مقدس مقاومت می کند. مهم نیست، بعد از این 15 اوت، تنها برای این خشم، حداکثر، هشت جشن باقی خواهد ماند تا خدا را آزرده کند و خشم عادلانه او را برانگیزد که بر سر گناهکاران بیفتد. توجه داشته باشید که در این ظاهر، کودکان برای احراز هویت "باکره" انتخاب شدند. آیا آنقدر که مردم می گویند و تظاهر می کنند بی گناه هستند؟ گناهکاران متولد شده، بی گناهی به اشتباه به آنها نسبت داده می شود، اما ما نمی توانیم آنها را به همدستی متهم کنیم. رؤیایی که این کودکان دریافت کردند بسیار واقعی بود، اما شیطان نیز یک روح سرکش بسیار واقعی است و عیسی مسیح بسیاری از سخنان خود را به او تقدیم کرد تا به بندگانش درباره او هشدار دهد. تاریخ شاهد قدرت فریبده فریبده آن است که قربانیان فریب خورده و فریب خورده خود را به «مرگ دوم» می کشاند. پرستش شیطان در سراسر کلیسای پاپ و کاتولیک رومی توسط خدا در این آیه از مکاشفه 4: 13 تقبیح شده است: «و آنها اژدها را پرستش کردند، زیرا او به وحش قدرت داده بود. آنها وحش را پرستش کردند و گفتند: چه کسی مانند وحش است و چه کسی می تواند با او بجنگد؟». در واقع، تنها پس از پایان این «پرستش» «جانور» محدودکننده و آزاردهنده قدیسان منتخب واقعی عیسی مسیح است که در زمان بردباری که شرایط بر آن تحمیل کرده است، این پرستش آغاز می شود. با ابزار اغوا کننده ظهور «باکره» شیطانی؛ پس از اغوای «مار»، «زنی» که شوهرش را اغوا کرده بود، جایگزین «مار» شد. اصل یکسان است و هنوز هم به همان اندازه مؤثر است.

زمان آخرین انتخاب

این مطالعه آیات الهی با تجزیه و تحلیل کتاب پیدایش به پایان می رسد که به ما آشکار می کند که خدا در تمام جنبه های شخصیتی او کیست. ما به تازگی دیدیم که چگونه او در درخواست خود برای اطاعت از مخلوقات خود با قرار دادن ابرام در یک آزمایش فوق العاده ایمان در زمانی که تقریباً صد ساله بود، مصمم است. بنابراین این نیاز الهی دیگر نیازی به اثبات ندارد.

در زمان آخرین انتخاب پیشنهاد شده توسط خدا از بهار 1843، و به طور دقیق تر از 22 اکتبر 1844، رعایت روز سبت توسط خدا به عنوان دلیلی بر محبتی که قدیسان منتخب واقعی به او ارائه کرده

اند، لازم است. بدین ترتیب وضعیت معنوی جهانی در قالب یک پرسش واحد ارائه می شود که به طور انحصاری خطاب به همه اعضای سازمان های مذهبی و مسیحی است.

سوالی که شما را می کشد یا باعث می شود برای همیشه زنده بمانید

آیا یک امپراتور، یک پادشاه یا یک پاپ اختیار و اختیار دارد که کلمات گفته شده و نوشته شده توسط خدا را تغییر دهد یا تحت دیکته او مانند موسی؟

عیسی با پیش بینی همه چیز، حتی این سؤال، پاسخ خود را از قبل داد و در متی 5: 17-18 گفت: «مبادا گمان نکنید که آمده ام تا شریعت یا انبیا را لغو کنم. آمدم نه برای لغو، بلکه برای تحقق. زیرا به راستی به شما می گویم تا آسمان و زمین از بین بروند، یک ذره یا یک ذره از شریعت نمی گذرد تا همه چیز به انجام برسد. « همان عیسی همچنین اعلام کرد که سخنان او در یوحنا 12:47 تا 49 ما را دآوری خواهد کرد: « اگر کسی سخنان مرا بشنود و آنها را نگاه ندارد، این من نیستم که او را دآوری می کنم. زیرا من نیادم تا جهان را قضاوت کنم، بلکه برای نجات جهان آمده ام. کسی که مرا رد کند و سخنان مرا نپذیرد، قاضی خود را دارد. کلامی که من گفتم او را در روز آخر دآوری خواهد کرد. زیرا من از خودم صحبت نکرده ام. اما پدری که مرا فرستاد، آنچه را که باید بگویم و اعلام کنم، خود به من دستور داده است.»

نشان داد که قصد "تغییر" این بود که در Dan.7:25 این برداشت خدا از شریعتش است. اما دوران مسیحیت ظاهر شود، و در مورد پاپری کاتولیک رومی گفت: " او سخنانی علیه اعلی اعلی خواهد گفت، او به مقدسین حق تعالی ظلم خواهد کرد." -بالا، و او امیدوار است که زمان و قانون را تغییر دهد. و قدیسان برای مدتی و زمانها و نیمی از زمان به دست او تسلیم خواهند شد. « خشمی که پایان می یابد و می داند که چگونه آن را عادلانه مجازات کند طبق آیه 26 که در ادامه می آید: « آنگاه دآوری خواهد آمد و فرمانروایی او از او سلب می شود و برای همیشه نابود و نابود می شود. این « زمانها » یا سالهای نبوی حکایت از سلطنت آزار و اذیت او دارد که به مدت 1260 سال، از 538 تا 1798 به پایان رسیده است.

این " قضاوت " در چند مرحله انجام می شود.

مرحله اول مقدماتی است. این کار جداسازی و تقدیس ایمان «آدونتیست» است که توسط خدا از بهار 1843 تأسیس شده است. ادونتیسم از ادیان کاتولیک و پروتستان جدا شده است. در مکاشفه، این مرحله مربوط به دوران « ساردیس، فیلادفیا و لائودیسه » در مکاشفه 3: 1-7-14 است.

مرحله دوم قابل اجرا است: « ما سلطه او را خواهیم گرفت ». این بازگشت باشکوه عیسی مسیح است که در بهار 2030 انتظار می رود. ادونتیست های منتخب جدا از شورشیان نالایق کاتولیک، پروتستان و ادونتیست که روی زمین در حال مرگ هستند، وارد ابدیت می شوند. این عمل در پایان انجام می شود Rev.3:14 دوران " لائودیسه " در

مرحله سوم دآوری مردگان سقوط کرده است که توسط برگزیدگانی که به ملکوت آسمانی خدا وارد شده اند به عمل می آید. قربانیان به قاضی تبدیل شده اند و به طور جداگانه زندگی هر یک از شورشیان مورد قضاوت قرار می گیرد و به تناسب جرم آنها حکم قطعی صادر می شود. این جملات تعیین کننده مدت زمان « عذاب » است که عمل « مرگ دوم » آنها به دنبال خواهد داشت. در مکاشفه، Dan.7:9-10 است. 11:18 و 20:4; این از Rev.4 این موضوع موضوع

چهارم، در پایان هزاره هفتم، سبت بزرگ برای خدا و برگزیدگان او در مسیح، مرحله اجرایی جملاتی است که مسیح و برگزیدگان او بیان کردند. در سرزمین گناه که در آن زنده می شوند، شورشیان محکوم « برای همیشه » توسط « آتش » نابود می شوند. مرگ دوم. در مکاشفه، این دآوری اجرایی یا «آخرین دآوری» مضمون مکاشفه 20: 11-15 است.

در زمان آخرین انتخاب، دو مفهوم دینی آشتی ناپذیر به طور قطعی از هم جدا می شوند، زیرا به شدت با یکدیگر مخالف هستند. برگزیدگان مسیح صدای او را می شنوند و در زمانی که با آنها صحبت می کند و آنها را فرا می خواند، با خواسته های او سازگار می شوند. در مقام دیگر، مسیحیانی هستند که از سنت های مذهبی چند صد ساله پیروی می کنند که گویی حقیقت امری زمان است و نه هوش، استدلال و شهادت. این مردم نفهمیدند که « عهد جدید » ارمیا نبی چه چیزی را در ارمیا نبی نشان می دهد. 31:31

تا 34: «یهوه می‌گوید: «یهوه می‌گوید، اینک روزهایی می‌آیند که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا خواهم کرد. عهد جدید، نه مانند عهدی که با پدرانشان بستم، روزی که دست آنها را گرفتم تا آنها را از سرزمین مصر بیرون بیاورم. اما این عهدی است که پس از آن روزها با خاندان اسرائیل خواهم بست، خداوند می‌گوید: شریعت خود را در آنها خواهم گذاشت و آن را بر دل‌های ایشان خواهم نوشت. و من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود. این یکی دیگر نه به همسایه‌اش یاد می‌دهد و نه به برادرش، می‌گوید: یهوه را بشناس! خداوند می‌گوید: «از کوچک تا بزرگ همه مرا خواهند شناخت. زیرا گناه آنها را خواهم بخشید و گناه آنها را دیگر به خاطر نمی‌آورم.» چگونه خداوند موفق به نوشتن در دل می‌شود «عشق به شریعت مقدس انسان، چیزی که هنجار عهد قدیم موفق به کسب آن نشده بود؟ پاسخ به این سوال و تنها تفاوت بین این دو اتحاد، در جنبه نمایش عشق الهی است که با مرگ کفار عیسی مسیح جانشینی که در او تجسم و مکشوف شد، حاصل شد. با این حال، مرگ عیسی برای پایان دادن به اطاعت نبود، بلکه برعکس، به برگزیدگان دلایلی داد که حتی بیشتر از خدایی که قادر به عشق ورزیدن است، اطاعت کنند. و هنگامی که دل انسان را به دست آورد، هدف مورد نظر خداوند محقق می‌شود؛ او انتخابی شایسته و شایسته برای سهم شدن در ابدیت خود به دست می‌آورد.

آخرین پیامی که خداوند در این اثر به شما ارائه کرد موضوع جدایی است. این نکته حیاتی است که همه تفاوت بین انتخاب شده و فراخوان را ایجاد می‌کند. انسان در طبیعت عادی خود دوست ندارد در عادات و تصوراتش از چیزها مزاحم شود. اما این آشفتگی از آنجایی ضروری است که انسان با عادت به دروغ ثابت، برای تبدیل شدن به منتخب آن، باید ریشه کن شود و منحرف شود تا با حقیقتی که خداوند به او نشان می‌دهد، سازگار شود. در این صورت است که جدایی از کسانی که خدا آنها را نمی‌پسندد ضروری می‌شود. فرد برگزیده باید توانایی خود را در به چالش کشیدن عقاید، عادات و پیوندهای جسمانی خود با موجوداتی که سرنوشت آنها هرگز زندگی ابدی نخواهد بود، نشان دهد. برای مقامات منتخب، اولویت مذهبی عمودی است. هدف ایجاد پیوند محکم با خدای خالق است، حتی اگر به ضرر روابط انسانی باشد. برای افتادگان، دین افقی است. آنها به ارتباط برقرار شده با انسان‌های دیگر اولویت می‌دهند، حتی اگر به ضرر خدا باشد.

ادونتیسیم روز هفتم: یک جدایی، یک نام، یک تاریخ

آخرین برگزیدگان ایمان مسیحی از نظر روحانی دور هم جمع می‌شوند تا اسرائیل از "12 قبیله" مکاشفه 7 را تشکیل دهند. انتخاب آنها از طریق یک سری آزمایش‌های ایمان بر اساس علاقه تاریخ 1843 را اعلام می‌کند. این به نشانه از Dan.8:14 نشان داده شده به کلام نبوی انجام شد که در سرگیری مجدد توسط خدای مسیحیت بود، تا زمانی که ایمان کاتولیک در آنجا نمایندگی کرد. از سال به عنوان اعلام Dan.8:14 538 و با ایمان پروتستانی ناشی از زمان اصلاحات از سال 1170. آیه "adventus" بازگشت با شکوه مسیح تفسیر شد، ظهور او که باعث "انتظار" او شد، بنابراین به لاتین نام ادونتیسیت که بین سالهای 1843 و 1844 به تجربه و پیروان آن داده شد. ظاهراً این پیام از سبت صحبت نمی‌کرد، بلکه فقط در ظاهر صحبت می‌کرد، زیرا بازگشت مسیح نشانگر ورود به هزاره هفتم، سبت بزرگ است. هر هفته در سبت روز هفتم نبوت کرد: شنبه یهودیان. غافل از این ارتباط، ادونتیسیت‌های اولیه‌ای که خداوند به سبت می‌دهد را تا پس از این زمان آزمایش کشف نکردند. و هنگامی که آنها این را فهمیدند، پیشگامان با قاطعیت حقیقت سبت را که به نام کلیسای تشکیل شده «روز هفتم» به یاد آورده بود، آموزش دادند. اما با گذشت زمان، وارثان این اثر دیگر اهمیتی را که خدا به آن می‌دهد به سبت نمی‌دادند، به جای اینکه آن را به تاریخ 1843 که توسط پیش‌گویی دانیال نشان داده شده بود، به زمان بازگشت عیسی مسیح متصل کنند. به تعویق انداختن چنین نیاز اساسی الهی، عیب و ایرادی بود که پیامد آن، در سال 1994، طرد سازمان و اعضای آن توسط خداوند بود که او به اردوگاه شورش تحویل داد که قبلاً توسط او از سال 1843 محکوم شده بود. این تجربه غم‌انگیز و این شکست آخرین مقام رسمی نهاد ایمان مسیحی بر این ناتوانی مسیحیت دروغین در پذیرش جدایی پیوندهای انسانی گواهی می‌دهد. فقدان عشق به حقیقت الهی و در نتیجه به خود خدا مطرح است، و این آخرین درسی در تاریخ ایمان مسیحی است که می‌توانم به شما توضیح دهم تا به شما یاد دهم و به شما هشدار دهم، به نام خدای متعال. ، یهوه-مایکل-عیسی مسیح.

قبلاً با گفتن این جمله آشکار کرده بود: « Dan.8:12 یکشنبه محکوم شده را انجام دهند. خداوند. که لشکر با قربانی‌دائمی به دلیل گناه تسلیم شد. شاخ حقیقت را به زمین افکند و در تعهداتش موفق شد. » این « گناه » قبلاً بود، عمل یکشنبه به طور مدنی از کنستانتین اول ^{از سال} 321 به ارث رسیده بود و از ذکر شده Apo.13:15 نظر مذهبی توسط روم پاپ از سال 538 توجیه شده بود، « نشان وحش » که در است. 16:2; 11-14:9. در سال 1995، پس از رد نور نبوی که من بین سالهای 1982 و 1991 پیشنهاد کردم، ادونتیسیم رسمی مرتکب خطای جدی شد که با دشمنان اعلام شده و آشکار شده خدا متحد شد. مثال سرزنش‌های متعددی که خداوند به اسرائیل باستان به خاطر اتحادش با مصر، که تصویری نمادین از گناه معمولی است، خطاب می‌کند، در این عمل کاملاً نادیده گرفته می‌شود. که گناه ادونتیسیت را بزرگتر می‌کند.

در واقع، قوم ادونتیسیت پس از آگاهی از نقش سبت و اهمیتی که به عنوان خدای خالق می‌دهد، باید دشمنان دینی خود را به وضوح شناسایی می‌کردند و از هرگونه اتحاد برادرانه با آنها اجتناب می‌کردند. زیرا، شنبه که « مهر خدای زنده » مکاشفه 7:2 است، علامت سلطنتی خدای خالق، دشمن آن، . یکشنبه، تنها می‌تواند « نشان وحش » از مکاشفه 13:15 باشد .

در اینجا به یاد می‌آورم که علل سقوط ادونتیسیم نهادی رسمی چندگانه است، اما اصلی‌ترین و جدی‌ترین نگرانی‌ها به امتناع نوری است که بر ترجمه واقعی دانیال 8:14 ریخته شده و تحقیر نسبت به توضیح کاملاً جدید دانیال 12. که درس آن برجسته کردن حقانیت الهی ادونتیسیم ^{روز هفتم است}. سپس تقصیر عدم امید خود به بازگشت عیسی مسیح اعلام شده برای سال 1994 است. همانطور که پیشگامان این کار در سالهای 1843 و 1844 انجام داده بودند.

احکام اصلی خداوند

آفرینش او زمین و آسمان‌ها به پایان رسید، در روز ششم خداوند انسان را بر زمین نصب می‌کند. و به دلیل رفتار نافرمان بشریت و در نتیجه گناه است که خداوند آن را در طول تاریخ هفت هزار ساله خود پی در پی در معرض قضاوت‌های متعدد خود قرار خواهد داد. با هر یک از این قضاوت‌ها، تغییراتی به صورت ملموس و قابل مشاهده ایجاد و درک می‌شود. افراط و تفریط‌هایی که بشریت دنبال می‌کند مستلزم این مداخلات الهی است که هدف آن بازگرداندن او در مسیر حقیقت است که توسط داوری حاکمیتش تایید شده است.

احکام عهد عتیق

اول : خداوند گناهان حوا و آدم را که نفرین شده و از « باغ عدن » بیرون رانده شده اند، قضاوت می‌کند.

دوم : خداوند بشریت سرکش را توسط آب‌های « سیل » جهانی نابود می‌کند .

سوم : خداوند انسان‌ها را پس از بلند شدن از برج بابل به زبان‌های مختلف جدا می‌کند .

داوری چهارم : خداوند با ابرام که پس از آن ابراهیم می‌شود، متحد می‌شود. در این زمان، خداوند سدوم و گومورا را نابود می‌کند، شهرهایی که در آن گناه شدید انجام می‌شود. " دانش " نفرت انگیز و نفرت انگیز .

پنجم : خداوند اسرائیل را از بردگی مصر رهایی می‌بخشد، اسرائیل به ملتی آزاد و مستقل

تبدیل می‌شود که خداوند قوانین خود را به آن ارائه می‌کند .

ششم : خداوند به مدت 300 سال تحت هدایت او و با اقدام 7 قاضی ^{آزادی بخش}، اسرائیل را که به

دلیل گناه مورد تهاجم دشمنانش قرار گرفته بود، رهایی بخشید .

هفتم : به درخواست مردم و برای نفرین آنها، پادشاهان زمینی و سلسله‌های طولانی آنها

(پادشاهان یهودا و پادشاهان اسرائیل) جایگزین خدا می‌شوند .

داوری هشتم : اسرائیل به بابل تبعید شد .

داوری نهم : اسرائیل " مسیح " الهی عیسی را رد می‌کند - پایان عهد قدیمی. عهد جدید بر پایه‌های

اعتقادی کامل آغاز می‌شود .

دوم : دولت ملی اسرائیل توسط رومیان در سال 70 نابود شد

احکام عهد جدید

آنها در مکاشفه با « هفت شیپور » ذکر شده اند

قضایات اول : تهاجمات بربرها پس از 321 بین سالهای 395 و 538

دوم : استقرار حکومت مذهبی حاکم پاپ در سال 538

سوم : جنگ‌های مذاهب: آنها کاتولیک‌ها را با اصلاح‌طلبان پروتستان مخالف خدا مخالفت
Dan.11:34 می‌کنند: « منافقین » از

چهارم : الحاد انقلابی فرانسه سلطنت را سرنگون می‌کند و به استبداد کاتولیک رومی پایان می‌دهد

داوری پنجم : 1843-1844 و 1994

به اجرا در می‌آید - این حکم مستلزم تکمیل کاری است که توسط Dan.8:14 آغاز : فرمان -
اصلاحات از زمان پیتر والدو، نمونه کامل، از سال 1170 آغاز شده است. ایمان پروتستان سقوط می‌کند
و ادونتیسیم پیروزمندان متولد می‌شود. از سال 1843، عمل یکشنبه رومی محکوم است و روز شنبه از
سال 1843 توسط خدا در عیسی مسیح عادلانه و مورد نیاز است. بنابراین کار اصلاح تکمیل و تکمیل
شد.

پایان: " استفرآغ " توسط عیسی، او در سال 1994 طبق پیام خطاب به " لائودیسه " -
درگذشت. قضاوت خدا با آزمایش مرگبار ایمان نبوی در خانه او آغاز شد. این مقام منتخب سابق که
مورد تایید قرار نگرفت، به اردوگاه شورشیان کاتولیک و پروتستان پیوست.

Dan.11:40 ششم : « ششمین شیپور » در قالب جنگ جهانی سوم، این بار هسته ای، که در
تا 45 شرح داده شده است، انجام می‌شود. فرمان در نتیجه استراحت در روز هفتم شنبه ممنوع شد، ابتدا
با مجازات‌های اجتماعی ممنوع شد، سپس در نهایت با حکمی جدید مجازات اعدام شد.

هفتم : قبل از زمان هفت بلای آخر شرح داده شده در مکاشفه 16، در بهار 2030، بازگشت
باشکوه مسیح به حضور تمدن زمینی بشر پایان می‌دهد. بشریت نابود شده است. تنها شیطان برای «
هزار سال » بر روی زمین متروک، « پرتگاه » کشیش 20 زندانی خواهد ماند.

هشتم : برگزیدگان او توسط عیسی مسیح به آسمان برده شدند تا مردگان شریر را داوری کنند.
این حکمی است که در مکاشفه 11:18 ذکر شده است.

قضایات نهم : آخرین قضاوت؛ مردگان شریر زنده می‌شوند تا به دلیل « دریاچه آتش » که زمین را
می‌پوشاند و هر اثری از کارهای ناشی از گناه را با آنها می‌بلعد، معیار « مرگ دوم » را تحمل کنند.

داوری دهم : زمین و آسمان‌های آلوده تجدید و جلال می‌شوند. به برگزیدگان به پادشاهی جدید و
ابدی خدا خوش آمدید!

از الف تا تاو، از آلفا تا امگا، Z تا A الهی از

انجیل به جز ظاهر بصری سطحی آن هیچ وجه اشتراکی با دیگر کتاب‌های نوشته شده توسط
انسان‌ها ندارد. زیرا در واقعیت، ما فقط سطح آن را می‌بینیم که طبق قراردادها و نوشتاری مخصوص
زبان‌های عبری و یونانی می‌خوانیم که در آن متون اصلی به ما منتقل شده است. اما موسی در نوشتن
کتاب مقدس خود از عبری باستانی استفاده کرد که حروف الفبا با حروف فعلی متفاوت بود، آنها در
دوران تبعید به بابل بدون ایجاد مشکل، حرف به حرف جایگزین شدند. اما حروف بدون فاصله بین
کلمات به هم چسبیده بودند که خواندن آنها را آسان نمی‌کرد. اما در پشت این نقطه ضعف، مزیت تشکیل
کلمات مختلف بسته به انتخاب حرف انتخاب شده برای علامت گذاری آغاز آن نهفته است. این ممکن
است و نشان داده شده است، که ثابت می‌کند که کتاب مقدس واقعاً بسیار فراتر از امکانات تخیل و
دستاورد بشر است. تنها اندیشه و خاطره خالق نامحدود خداوند می‌تواند چنین اثری را متصور شود.
زیرا این مشاهده قرائت‌های متعدد از کتاب مقدس نشان می‌دهد که هر کلمه‌ای که در آنجا ظاهر می‌شود
توسط خدا برگزیده و به نویسندگان مختلف کتاب‌هایش در طول زمان تا آخرین مورد، یعنی مکاشفه یا
آخرالزمان او، الهام شده است.

در حدود سال 1890، ریاضیدان روسی، ایوان پائین، وجود ارقام عددی را در جنبه های مختلف ساخت متون کتاب مقدس نشان داد. زیرا عبری و یونانی در این واقعیت مشترک هستند که حروف الفبای آنها به عنوان اعداد و ارقام نیز استفاده می شود. تظاهرات انجام شده توسط ایوان پائین به طور قابل ملاحظه ای گناه مردانی را تشدید کرده است که کتاب مقدس خدا را جدی نمی گیرند. زیرا اگر این اکتشافات تأثیری در توانمند ساختن انسانها به عشق ورزیدن به خدا نداشته باشد، با این حال، هیچ گونه مشروعی را از باور نداشتن به وجود او سلب می کند. ایوان پائین نشان داد که چگونه عدد "هفت" در سراسر ساختن کتاب مقدس، به ویژه در اولین آیه آن، در پیدایش 1:1، همه جا حضور داشت. با اثبات اینکه روز هفتم سبب «مهر خدای زنده» مکاشفه 2:7 است، این کار تنها شواهد کشف شده توسط این ریاضیدان درخشان را تأیید می کند که به دانشمندان خواستار زمان خود و ما، اثبات علمی غیرقابل انکار . ارائه کرد .

از زمان ایوان پائین، محاسبات مدرن 304805 علامت حروف را تجزیه و تحلیل کرده است که کتاب مقدس تنها اتحاد باستانی را تشکیل می دهند و نرم افزار خوانش های مختلف بی شماری را با قرار دادن هر حرف بر روی صفحه شطرنجی عظیمی که احتمال هم ترازوی آن با یک خط افقی آغاز می شود، ارائه می کند. 304805 حرف تا در نهایت یک خط عمودی از این 304805 حرف. و بین این دو هم ترازوی افراطی، تمام ترکیبات میانی بیشماری وجود دارد. ما پیام هایی را در مورد جهان زمینی، رویدادهای بین المللی آن و نام افراد باستانی و مدرن کشف می کنیم و احتمالات بسیار زیاد است زیرا حفظ شود. (... از n تا 1) تنها لازمه این است که بین هر حرف از کلمات تشکیل شده یک فضای یکسان علاوه بر ترازهای افقی و عمودی، انبوهی از ترازهای مورب از بالا به پایین و پایین به بالا، راست به چپ و چپ به راست وجود دارد.

بنابراین، با گرفتن تصویر از اقیانوس، تأیید می کنم که دانش ما از کتاب مقدس در سطح سطح آن است. آنچه پنهان است در ابدی که برگزیدگان در آن وارد می شوند، آشکار می شود. و خداوند همچنان عزیزان خود را با قدرت بی حد و حصر خود شگفت زده خواهد کرد.

متأسفانه این تظاهرات خیره کننده نمی توانند قلب انسان ها را تغییر دهند تا آنها «با تمام قلب، با تمام جان، با تمام قدرت و با تمام ذهن خود» به خدا عشق بورزند (تثنیه 6:5؛ مت. 22:37)؛ طبق درخواست عادلانه او تجربه زمینی آن را ثابت کرده است، سرزنش ها، سرزنش ها و مجازات ها انسان ها را تغییر نمی دهند، به همین دلیل است که پروژه نجات خدا از آغاز زندگی آزاد بر این آیه استوار شده است: "عشق کامل ترس را از بین می برد" (اول یوحنا 4: 18). انتخاب برگزیدگان بر اساس نشان دادن عشق کامل آنها به خدا، پدر آسمانی شان است. در این «عشق کامل» دیگر نیازی به شریعت و احکام نیست و اولین کسی که این را درک کرد خنوخ پیر بود که با «راه رفتن» با او عشق خود را به خدا نشان داد و مراقب بود کاری انجام ندهد تا او را ناراضی کند. زیرا اطاعت، عشق ورزیدن است و عشق ورزی عبارت است از اطاعت با هدف ایجاد لذت و شادی به معشوق. عیسی در کمال الهی خود به نوبه خود این درس عشق «واقعی» را پس از اولین الگوهای بشری، ابراهیم، موسی، الیاس، دانیال، ایوب و بسیاری دیگر که فقط خدا نامشان را می داند، تأیید کرد.

تغییر شکل های ناشی از زمان

هیچ زبانی بر روی زمین وجود ندارد که دچار تحولات و دگرگونی های ناشی از روحیه منحرف بشریت نشده باشد. و در این موضوع، عبری از این انحراف انسانی در امان نمانده است، به طوری که متن عبری که ما آن را اصلی می دانیم، در حال حاضر چیزی جز اصل نوشته های موسی در حالت نیمه تحریف شده نیست. من این کشف را مدیون کار ایوان پائین و این واقعیت هستم که در نسخه ای از متن او کلمه خدا را با اصطلاح عبری "الوهیم"، Gen.1:1 عبری که در سال 1890 استفاده کرد، در دیجیتالی کرد. در زبان عبری «الوهیم» جمع «الوها» است که در مفرد به معنای خداست. شکل سومی برای اتصال کلمه خدا به نام ها استفاده می شود: دانیال؛ ساموئل؛ بتل؛ و غیره... این "ÉI": وجود دارد عباراتی که خدای حقیقی را نشان می دهند، در ترجمه های ما با حروف بزرگ دریافت می شوند تا تفاوت بین خدای واقعی و خدایان بت پرست انسان ها را مشخص کنند.

کتاب مقدس به درستی و با اصرار بر این واقعیت تأکید می‌کند که خدا «یک» است که او را «الوها»، تنها «الوها» واقعی می‌سازد. به همین دلیل است که خدا با نسبت دادن کلمه جمع «الوهیم» به خود در پیدایش 1 و جاهای دیگر، پیامی را به ما می‌فرستد که از طریق آن به درستی ادعا می‌کند که پدر بسیاری از زندگی‌هایی است که از قبل در خلقت سیستم زمینی ما وجود داشته‌اند. یا بعد، و از تمام زندگی‌هایی که روی زمین ظاهر خواهند شد. این زندگی‌های بهشتی که قبلاً ایجاد شده بود، قبلاً توسط گناهی که در اولین مخلوق آزاد او ظاهر شد تقسیم شده بود. خدای خالق با نامگذاری خود با کلمه «الوهیم»، بر همه موجودات زنده و زاده شده از او، اختیار خود را نشان می‌دهد. در این ظرفیت است که او بعداً در عیسی مسیح خواهد توانست گناهان انبوه برگزیدگان خود را تحمل کند و تنها از طریق مرگ کفار خود، بسیاری از جان انسانها را نجات دهد. کلمه "الوهیم" جمع، بنابراین خدا را در قدرت خلاق خود از همه چیزهایی که زندگی می‌کنند، نشان می‌دهد. این اصطلاح همچنین نقش‌های متعددی را که او در پروژه نجات خود ایفا خواهد کرد که در آن به طور عمده و متوالی "پدر، پسر و روح القدس" است که پس از غسل تعمید برای تظهير و تقدیس زندگی برگزیدگان خود عمل خواهد کرد. این جمع نیز به نامهای مختلفی که خداوند بر آن خواهد گذاشت مربوط می‌شود: میکائیل برای فرشتگانش. عیسی مسیح برای انسان‌های برگزیده اش که با خون او خریداری شده‌اند.

به عنوان مثالی از تحریف‌های ناشی از انحراف انسانی، فعل «برکت» را می‌آورم که در عبری با ریشه «برق» بیان می‌شود و انتخاب حروف صدادار استفاده شده در نهایت به «برکت» یا «لعنت» ترجمه می‌شود. این تحریف انحرافی معنای پیام را در مورد ایوب تحریف می‌کند، کسی که همسرش در واقع به او می‌گوید «درباره خدا و بمیر» و نه «لعنت خدا و بمیر» را که مترجمان پیشنهاد می‌کنند. نمونه دیگری از تغییر انحرافی مودیان، در زبان فرانسوی، عبارت «به طور قطع» که در اصل به معنای قطعی و مطلق است، در اندیشه بشری معنای «شاید» را کاملاً متضاد به خود گرفته است. و این مثال آخر شایسته ذکر است زیرا اهمیت پیدا می‌کند و عواقب جدی در پی خواهد داشت. در فرهنگ لغت "پتی لاروس" متوجه تغییری در تعریف کلمه "یکشنبه" شدم. در نسخه 1980 به عنوان اولین روز هفته معرفی شد، در نسخه سال بعد به روز هفتم تبدیل شد. بنابراین فرزندان خدای حقیقت باید مراقب قراردادهای تکاملی باشند که توسط انسان‌ها برقرار شده است زیرا به نوبه خود، بر خلاف آنها، خالق بزرگ خدا تغییر نمی‌کند و ارزش‌های او تغییر نمی‌کند، درست مانند نظم چیزها و چیزها. زمانی که او از زمان پیدایش جهان ایجاد کرد.

آثار انحرافی بشریت حتی متن عبری کتاب مقدس را نیز مشخص کرده است، جایی که حروف صدادار به ناحق بدون عواقب برای نجات اختصاص داده شده است، اما برای محافظت از نسخه رسمی آن، خداوند با روش عددی، ابزار تشخیص متن واقعی از جعلی را آماده کرده است. این به ما امکان می‌دهد وجود ارقام عددی متعددی را تأیید و توجه کنیم که نسخه معتبر کتاب مقدس را به‌طور منحصربه‌فردی مشخص می‌کنند، در عبری و یونانی، که نشانه‌های آن از قرن دوم قبل از میلاد تغییر نکرده است.

روح حقیقت را در مورد عادل شمرده شدن با ایمان (با ایمان خود) باز می‌گرداند

من همین الان به تحریفات متن کتاب مقدس اشاره کردم. به دلیل وجود مترجمان متعدد نوشته‌های اصلی. برای روشنگری مردم آخرالزمان خود، روح حقیقت حقیقت آنها را بازیابی می‌کند و ذهن برگزیدگان خود را به سمت متونی هدایت می‌کند که در آن تحریفات قابل توجهی هنوز باقی مانده است. این چیزی است که به تازگی در این شنبه 4 سپتامبر 2021 انجام شده است، تا جایی که من نام آن را "سابات بلورین" گذاشتم. انتخاب موضوع مطالعه را به یک خواهر رواندایی واگذار کردم که پیشرفت روز شنبه ایمان را به صورت آنلاین با او به اشتراک می‌گذاریم. او «توجه از راه ایمان» را پیشنهاد کرد. این مطالعه اکتشافات مهم واقعی را برای ما به ارمغان آورد که درک ما را از این موضوع بسیار روشن می‌کند.

در کتاب مقدس، در اول پطرس 1:7، روح ایمان را با طلای خالص نمادین می‌کند: «این که آزمایش ایمان شما، که گرانبهاتر از طلایی است که از بین می‌رود، هر چند با آتش آزمایش شود، موجب ستایش، جلال و افتخار می‌شود. عیسی مسیح ظاهر می‌شود.» ما قبلاً از این مقایسه می‌فهمیم که ایمان،

ایمان واقعی، چیز بسیار کمیاب است؛ ما همه جا سنگ‌ریزه‌ها و سنگ‌ها را می‌یابیم، که در مورد طلا صادق نیست.

سپس، از آیه ای به آیه دیگر، ابتدا این نکته را حفظ کردیم که: « بدون ایمان، رضای خدا محال است»، مطابق عبرانیان 11: 6: « و بدون ایمان، رضایت او محال است. زیرا کسی که نزد خدا می‌آید باید ایمان بیاورد که خدا وجود دارد و او پاداش کسانی است که او را می‌جویند. » دو آموزه با ایمان پیوند خورده است: ایمان به وجود آن، بلکه یقین به اینکه « جویندگان آن » را خالصانه برکت می‌دهد، جزئیات مهمی که نمی‌توان آن را فریب داد. و از آنجایی که هدف ایمان رضایت اوست، برگزیده محبت خداوند را با اطاعت از همه احکام و احکام او که به نام محبت خود به مخلوقاتش ارائه می‌کند، پاسخ می‌دهد. ثمره این پیوند عشقی، که مانند آهنربایی کسانی را که یکدیگر را دوست دارند و خدا را در مسیح دوست دارند، متحد می‌کند، در تعلیم معروف ذکر شده در اول قرن 13 که عشق واقعی را مورد رضایت خدا توصیف می‌کند، به ما ارائه می‌شود. پس از این خواندن، به پیام نه چندان معروفی که در هاباکوک 2:4 داده شده است، فکر کردم: «... عادل به ایمان خود زندگی خواهد کرد». اما، در این آیه، ترجمه پیشنهادی توسط لوئیس سگوند به ما می‌گوید: « ببینید، روح او پف کرده است، در او راست نیست. اما عادل به ایمان خود زندگی خواهد کرد. » مدتها بود که این آیه مشکلی را برای من ایجاد کرد که برای حل آن تلاشی نکرده بودم. چگونه می‌توان مردی که از غرور پف کرده است، توسط خداوند « عادل » یعقوب 6:4 و اول پطرس 5:5، "در برابر مغرور مقاومت می‌کند، Pro.3:34 قضاوت شود؟ او که مطابق کند، اما به فروتنان فیض می‌بخشد"؟ راه حل با یافتن کلمه " بی ایمان " در متن عبری به جای کلمه " ظاهر شد و با تعجب در نسخه "کاتولیک" و یگوروکس، ترجمه خوب و بسیار Segond متورم " در منطقی را یافتیم که کاملاً واضح است. پیام روح زیرا در واقع، روح در حقوق پیامی را به سبکی که قبلاً در سلیمان پادشاه الهام شده بود، در قالب ضرب المثل های او الهام می‌بخشد که در آن او پارامترهای متضاد مطلق را در مقابل هم قرار می‌دهد. اینجا در حقوق، " کفر " و " ایمان ". و بر اساس ترجمه او، این آیه می‌گوید: « ببینید، کسی که کافر است، روح Vulgate و یگوروکس و مبنای لاتین درستی در او نیست. اما عادل به ایمان خود زندگی خواهد کرد. » با نسبت دادن هر دو بخش آیه به یک موضوع، لوئیس سگوند پیام روح را تحریف می‌کند و خوانندگان او از درک پیام واقعی خدا جلوگیری می‌کنند. چیزی که تعمیر شده است، اکنون متوجه خواهیم شد که چگونه حقوق دقیقاً محاکمه های "ادونتیست" 1843-1844، 1994، و تاریخ نهایی مربوط به بازگشت نهایی واقعی مسیح، بهار 2030 را توصیف می‌کند. در واقع، این نور جدید اخیر که بازگشت مسیح را برای سال 2030 تثبیت می‌کند به ما این امکان را می‌دهد که تجربیات پی در پی ادونتیست را که قبلاً در مکاشفه 10: 6-7 تأیید شده است، با این بیان بهتر درک و تأیید کنیم: " دیگر تأخیر وجود نخواهد داشت ... اما راز خدا خواهد بود. انجام شد. » برای این نمایش، متن حقوق 2 را از ابتدای آن می‌گیرم و نظرات توضیحی را در هم می‌ریزم.

اصلاح شده توسط من L.Segond نسخه

آیه 1: « من در جایگاه خود خواهم بود و بر برج خواهم ایستاد. من تماشا خواهم کرد تا ببینم » خداوند به من چه خواهد گفت و من در استدلال خود چه پاسخی خواهم داد

به نگرش "انتظار" پیامبر که مشخصه محاکمه ادونتیست ها است توجه کنید، روح در پیام دان. 12:12 به ما می‌گوید: " خوشا به حال کسی که تا 1335 روز صبر می‌کند. " برای درک واضح، معنای این « برهان » در فصل قبل به ما داده شده است، جایی که مشکل حقوق طولانی شدن سعادت شریران در زمین است: «آیا تور خود را برای این کار خالی می‌کند و ذبح می‌کند؟ آیا او همیشه ملت ها را بدون دریغ می‌کند؟» (حاج 1:17). در این تأمل و این پرسش، حقوق رفتار همه مردانی را که تا پایان جهان مشاهدات مشابهی انجام می‌دهند، به تصویر می‌کشد. همچنین خداوند پاسخ خود را با طرح نبوی موضوع بازگشت عیسی مسیح ارائه خواهد کرد که به طور قطعی به سلطه شریر، تحقیر، بی ایمان، بی وفا و سرکش پایان خواهد داد.

آیه 2: « خداوند با من سخن گفت و گفت: نبوت را بنویس و آن را بر الواح حک کن تا عموماً » خواننده شود

بین سال‌های 1831 و 1844، ویلیام میلر جداولی را ارائه داد که خلاصه‌ای از اعلامیه‌های خود را ارائه کرد که بازگشت عیسی مسیح را ابتدا در بهار 1843 و سپس در پاییز 1844 پیش‌گویی می‌کرد. در چهار جدول، خلاصه انوار نبوی جدید با الهام از پروردگار حق برای " آخر زمان " ما. اگر

عواقب واقعی این مصیبت سال 1994 فقط پس از زمان مشخص شده درک شود، همانطور که در سال 1844 اتفاق افتاد، تاریخ و محاسبه آن تا به امروز توسط روح خدای زنده تأیید شده است.

« آیه 3: » زیرا این پیشگویی است که زمان آن از قبل تعیین شده است

این زمان تعیین شده توسط خداوند از سال 2018 نازل شده است. با هدف قرار دادن تاریخ بازگشت عیسی مسیح، این زمان تعیین شده بهار 2030 است.

« او به سوی انتهای خود می رود و دروغ نمی گوید

بازگشت مسیح پیروز در زمان مقرر انجام خواهد شد و پیشگویی که آن را اعلام می کند »
دروغ نخواهد بود. عیسی مسیح قطعاً در بهار 2030 باز خواهد گشت

« اگر تأخیر کرد، منتظر آن باشید، زیرا این اتفاق خواهد افتاد، قطعاً اتفاق خواهد افتاد »

اگر تاریخ توسط خدا تعیین شده باشد، برای او، بازگشت واقعی مسیح در این زمان ثابت که فقط او تا سال 2018 می دانست، انجام می شود. بنابراین تأخیر پیشنهادی، « اگر به تأخیر بيفتد »، فقط می تواند مربوط به انسان باشد، زیرا خدا این زمان را محفوظ می دارد. حق استفاده از اعلامیه های نادرست بازگشت عیسی مسیح که به او اجازه می دهد تا در سال های 1843، 1844، 1994 و تا آخرین زمان ما ایمان مسیحیان را که ادعای نجات او هستند، به طور متوالی آزمایش کند، که به او اجازه می دهد تا برگزیدگان خود را انتخاب کند. این اعلامیه های پیش بینی شده دروغین بازگشت عیسی مسیح توسط خداوند استفاده می شود تا « گندم از کاه، گوسفند از بز »، مؤمنان از کافران، مؤمنان از کافران تا پایان جهان جدا شود. « برگزیده ی افتادگان

انتظار » ادونتیست را تأیید می کند که عنصری توصیفی از آخرین قدیسان است که از پاییز 1844، پایان دومین آزمایش ادونتیست، با تمرین سبت روز هفتم جدا شده و مهر و موم شده اند. در این آیه، روح بر مفهوم یقین تأکید می کند که این بازگشت مسیح پیروز، رهایی بخش و انتقام گیرنده را مشخص می کند.

نسخه ویگوروکس

آیه 4: « ببینید، کسی که کافر است، روح درستی در او ندارد. اما عادل به ایمان خود زندگی خواهد کرد »

این پیام این قضاوت را نشان می دهد که خداوند بر انسان هایی که در معرض چهار آزمایش ادونتیست های مرتبط با تاریخ های 1843، 1844، 1994 و 2030 قرار دارند، انجام می دهد. حکم خدا در هر یک از دوران ها تند و تیز است. خداوند از طریق اعلام نبوی، نقاب مسیحیان « منافق » را که ماهیت « کافر » خود را آشکار می سازند، با تحقیر اعلامیه های نبوی رسولان برگزیده خود یا پیامبران آشکار می سازد. در تضاد آشکار، برگزیدگان با دریافت پیام های نبوی او و اطاعت از دستور العمل های جدیدی که آنها آشکار می کنند، خدا را جلال می بخشند. این اطاعت، که خدا آن را « خوشایند » ارزیابی می کند، در عین حال شایسته حفظ عدالتی است که به نام عیسی مسیح نسبت داده شده است.

فقط این ایمان مطیع «از روی عشق» به خدا است که شایسته ورود به ابدیت آینده است. تنها کسی که خون مسیح او را از گناهانش پاک می کند، « با ایمانش نجات می یابد ». از آنجا که پاسخ ایمان شخصی است، به همین دلیل است که عیسی پیام های خود را به صورت فردی به برگزیدگان خود خطاب می کند، به عنوان مثال: متی 24:13: « اما هر که تا آخر استقامت کند، خواهد بود. نجات داد. » ایمان در صورتی می تواند جمعی شود که یک معیار واحد را رعایت کند. اما مراقب باشید! ادعاهای بشر گمراه کننده است، زیرا عیسی به تنهایی تصمیم می گیرد که چه کسی نجات یابد یا گم شود، بر اساس قضاوت او در مورد ایمان که توسط نامزدهایی که مایل به ورود به بهشت هستند نشان داده شده است.

به طور خلاصه، روح در این آیات حقوق پیوند تنگاتنگ و ناگسستگی « ایمان » و « آثاری » را که ایجاد می کند آشکار و تأیید می کند. چیزی که قبلاً توسط یعقوب رسول برانگیخته شده است (یعقوب 2:17): " ایمان نیز چنین است: اگر اعمال نداشته باشد، فی نفسه مرده است. " که حاکی از این واقعیت است که از آغاز بشارت، موضوع ایمان دچار سوء تفاهم و سوء تعبیر شده است. برخی مانند امروز فقط جنبه اعتقادی را به آن می چسبانند و به گواهی آثاری که به آن ارزش و حیات می بخشند بی اعتنا بودند. رفتار انسان هایی که خدا اعلامیه های بازگشت عیسی مسیح را به آنها می شناسد، ماهیت واقعی ایمان آنها را آشکار می سازد. و در زمانی که خداوند نور عظیم خود را بر آخرین بندگان خود می تاباند، دیگر هیچ بهانه ای برای کسی نیست که الزامات جدیدی را که از سال 1843 توسط خدا ایجاد شده است درک نکند.

نجات فیض ادامه دارد، اما از این تاریخ، فقط برگزیدگانی که توسط عیسی مسیح انتخاب شده‌اند، از طریق شهادت عشقی که به او نشان می‌دهند، سود می‌برد. در ابتدا سبت نشانه این نعمت الهی بود، اما از سال 1844 هرگز چنین نشده است. به خودی خود کافی است، زیرا عشق به حقیقت نبوی او، که بین سالهای 1843 و تا 2030 نازل شد، نیز همیشه مورد نیاز خداوند بوده است. در واقع، چراغ‌های جدید دریافت شده از سال 2018 ارتباط نزدیکی با روز هفتم سبت دارند که به تصویر پیشگویانه هزاره هفتم تبدیل شده است که با بازگشت عیسی مسیح در بهار 2030 آغاز می‌شود. از سال 2018، «توجیه توسط ایمان» به ثمر نشسته و برای دعوت شدگانی که برگزیدگان می‌شوند با آشکار ساختن محبت خود به خدا و تمام چراغ‌های قدیمی و جدید او که به نام عیسی مسیح نازل شده است، به ثمر نشسته است. بنابراین، هر کاتبی که از ملکوت آسمان آگاه می‌شود، مانند صاحب خانه‌ای است که چیزهای جدید و کهنه را از گنجینه خود بیرون می‌آورد. هر کسی که خدا را دوست دارد فقط می‌تواند عاشق کشف پروژه‌ها و اسرار او باشد که مدت‌ها توسط انسان‌ها پنهان مانده و نادیده گرفته شده‌اند.

حقوق و اولین آمدن مسیحا

این نبوت همچنین برای اسرائیل ملی یهودی تحقق یافت و اولین آمدن مسیح را به آن اعلام کرد. تعیین و اعلام شد. و کلید محاسبه آن در کتاب عزرا در فصل 7 یافت شده Dan.9:25 زمان این آمدن در است. معلوم می‌شود که یهودیان کتاب دانیال را در میان کتب تاریخی قرار داده‌اند و بر کتاب عزرا مقدم بوده است. اما به این ترتیب نقش پیامبری او کاهش یافت و کمتر در معرض دید خواننده قرار گرفت. عیسی اولین پیامبری بود که توجه رسولان و شاگردان خود را به پیشگویی‌های دانیال جلب کرد تأخیر اعلام شده، «اگر تأخیر کرد، منتظر آن باشید» نیز تحقق یافت، زیرا یهودیان با تکیه بر اشعیا 61 در آنجا که روح در مورد مسیح در آیه 1 می‌گوید، منتظر مسیحایی بودند که انتقام گیرنده و رهایی بخش رومیان بود. «روح خداوند، یهوه، بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا به فقرا بشارت دهم. او مرا فرستاد تا دل شکستگان را شفا دهم، اسیران را آزادی و اسیران را رهایی اعلام کنم.» در آیه 2، روح تصریح می‌کند: «برای اعلام یک سال لطف خداوند و روز انتقام از خدای خود. برای تسلی دادن همه گرفتاران؛». یهودیان نمی‌دانستند که بین «سال فیض» و «روز انتقام»، هنوز باید 2000 سال بگذرد تا مردم را به بازگشت مسیح پیروز، رهایی بخش و انتقام گیرنده هدایت کنند، طبق اشعیا 2:61. این درس به وضوح در شهادت ذکر شده در لوقا 4: 16-21 دیده می‌شود: «او به ناصره، جایی که در آنجا بزرگ شده بود، رفت و طبق عادت خود، در روز سبت به کنیسه وارد شد. او برخاست تا بخواند و کتاب اشعیا نبی را به او دادند. پس از باز کردن آن، جایی را یافت که در آن نوشته شده بود: روح خداوند بر من است، زیرا او مرا مسح کرده است تا به فقرا بشارت دهم. او مرا فرستاد تا دل شکستگان را شفا دهم و اسیران را نجات دهم و نابینایان را بازیابی بینایی کنم و مظلومان را آزاد کنم و سال لطف خداوند را اعلام کنم. سپس کتاب را پیچید و به خادم داد و نشست.» با توقف خواندن خود در اینجا، او تأیید کرد که اولین آمدنش فقط مربوط به این «سال فیض» است که توسط اشعیا نبی اعلام شده بود. آیه 21 ادامه می‌دهد و می‌گوید: «همه کسانی که در کنیسه بودند به او نگاه کردند. سپس شروع به گفتن به آنها کرد: امروز آن کتاب آسمانی که شنیدید محقق شد.» روز نادیده گرفته شده و خواننده نشده انتقام را خداوند برای بهار 2030 برای دومین آمدنش، این بار با تمام قدرت الهی خود تعیین کرد. اما پیش از این بازگشت، پیشگویی حقوق باید با «تأخیر» از طریق محاکمه‌های «آدونتیست‌ها» در سال‌های 1843-1844 و 1994 محقق می‌شد، همانطور که اخیراً دیدیم.

تقدیم نهایی

با واقعیت رو به رو شدن

در بهار 2021، آغاز سال الهی، بشریت غربی ثروتمند اما مسیحی کاذب به تازگی تمایل خود را برای حفظ جان سالمندان نشان داده است، حتی اگر به قیمت نابودی اقتصاد ملی باشد. به همین دلیل است که خداوند آن را به جنگ جهانی سوم تحویل خواهد داد که بسیاری از زندگی افراد در هر سنی را از بین خواهد برد، زیرا می‌داند که هیچ درمان یا واکنشی برای این عذاب دوم الهی وجود ندارد. پیش روی ما تا 8 سال دیگر، سال 6000 خلقت زمینی خواهد بود که پایان آن با بازگشت عیسی مسیح رقم خواهد خورد. او پیروز و پیروز، رستگاران، برگزیدگان زنده خود و کسانی را که زنده خواهد کرد، به ملکوت بهشت خود هدایت خواهد کرد و تمام زندگی بشر را بر روی زمین که در آن تنها، منزوی در تاریکی، فرشته سرکش را از ابتدا رها خواهد کرد، نابود خواهد کرد. شیطان، شیطان

ایمان به اصل 6000 ساله برای پذیرش این برنامه ضروری است. محاسبات دقیق از ارقام ارائه شده در کتاب مقدس به دلیل «ابهام» در مورد تاریخ تولد ابراهیم غیرممکن شد (تاریخ واحد برای سه پسر تارا: پیدایش 11:26). اما، توالی توالی نسل‌های بشری از آدم تا بازگشت مسیح، نزدیک شدن به این عدد 6000 را تأیید می‌کند. با ایمان آوردن به این عدد دور و دقیق، این انتخاب را به موجودی «هوشمند» نسبت می‌دهیم، یعنی به خدای خالق، منبع همه هوش و زندگی. بر اساس اصل «سبت» که در فرمان چهارم خود ذکر شده است، خداوند به انسان «شش روز» و شش هزار سال داد تا همه کارهایش را انجام دهد، اما روز هفتم و هزاره هفتم اوقات استراحت «مقدس» است. جدا برای خدا و برگزیدگانش.

رفتار «هوشمندانه یا خردمندانه» برگزیدگان او ساخته می‌شود که از هر آنچه خدا می‌گوید، نبوت می‌کند یا می‌اندیشد سود می‌برند (دانیال 12: 3 را ببینید: «و خردمندان مانند شکوه خواهند درخشید. از وسعت، و کسانی که عدالت را مانند ستارگان به بسیاری تعلیم دادند، تا ابدالابد.» بدین ترتیب، آنها انتخاب خدا را توجیه می‌کنند که آنها را از عدالت رستگاران‌اش که در عیسی مسیح آشکار شده است، بهره‌مند سازد.

برای پایان دادن به این اثر، درست قبل از نمایشنامه آینده، من به نوبه خود می‌خواهم به همه فرزندان واقعی خدا که آن را می‌خوانند و با ایمان و شادی از آن استقبال می‌کنند، این آیه از یوحنا 16:33 را تقدیم کنم. توسط دو منبع مختلف به مناسبت غسل تعمید من در 14 ژوئن 1980 تقدیم شد. یکی در گواهی غسل تعمید من از مؤسسه، دیگری در مقدمه کتاب «عیسی مسیح» که به همین مناسبت توسط همکارم در آن زمان به من تقدیم شد، تقریباً در سنی که عیسی جان خود را به عنوان قربانی تقدیم کرد: «این چیزها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید. شما در جهان مصیبت خواهید داشت. اما شجاعت داشته باش، من دنیا را فتح کردم».

!"سموئیل، خدمتکار مبارک عیسی مسیح،" به راستی

آخرین تماس

همانطور که من این پیام را می نویسم، در پایان سال 2021، جهان همچنان از صلح جهانی دینی قابل تقدیر و قدردانی برخوردار است. با این حال، بر اساس شناختی که از آیات نبوی رمزگشایی شده تهیه شده توسط خداوند دارم، بدون کوچکترین تردیدی تأیید می‌کنم که یک جنگ جهانی وحشتناک در حال آماده‌سازی است و در مسیری است که طی 3 تا 5 سال آینده انجام می‌شود. روح با ارائه آن تحت نام نمادین " ششمین شیپور " در کشیش 9 به ما یادآوری می‌کند که در حال حاضر پنج مجازات وحشتناک برای مجازات ترک وفاداری به سبت مقدس آن و سایر احکام آن که از 7 مارس 321 مورد بی احترامی قرار گرفته اند، آمده است. مجازات های خدای جاودانه 1600 سال از تاریخ بشریت را در بر گرفت که بر اساس یک برنامه مذهبی الهی سازماندهی شد. ششمین مجازات او برای آخرین بار هشدار می‌دهد که مسیحیت نسبت به او خیانت کرده است. غیر از خدا و پروژه نجات او، زندگی انسان معنایی ندارد. به همین دلیل است که « شیپورها » که شخصیتی تدریجی دارند که با قیاس در لاویان 26 آشکار شده است، شدت قاتل « ششم » به اوج وحشتی می‌رسد که بشریت مدت ها از آن می‌ترسید و از آن می‌ترسید. " ششمین شیپور " مربوط به جنگ جهانی نهایی است که تعداد زیادی از انسان ها را از بین خواهد برد، " یک سوم از انسان ها " طبق مکاشفه 9:15. و این نسبت را می‌توان به معنای واقعی کلمه در جنگی به دست آورد که در آن 200,000,000 جنگجوی حرفه ای مسلح، آموزش دیده و مجهز با یکدیگر مقابله خواهند کرد، طبق دقتی که در مکاشفه 9:16 آمده است: «تعداد سوارکاران در ارتش دو هزار بی شمار بود : من تعداد آنها را شنیدم . یعنی $2 \times 10000 \times 10000$. قبل از این آخرین درگیری، در طول قرن بیستم ، دو جنگ جهانی 1914-1918 و 1939-1945 منادی مجازات بزرگی بود که به پایان زمان ملت های آزاد و مستقل می‌رسد. خداوند برای برگزیدگان خود شهرهای پناهگاهی قرار نداده است، اما نشانه های کافی برای ما به جا گذاشته است تا بتوانیم از مناطقی که به عنوان اولویت مورد هدف خشم الهی او قرار گرفته اند، فرار کنیم. او ضرباتی را که باید توسط انسان هایی که برای این وظیفه خوانده می‌شوند وارد شود، هدایت خواهد کرد. اما هیچ یک از آنها یکی از برگزیدگان او نخواهد بود. شورشیان یا کافران کافر که در سراسر زمین پراکنده شده اند، ابزار و قربانی خشم الهی او خواهند بود. جنگ جهانی دوم بین مردم غربی که مذاهب مسیحی و رقیب بودند درگرفت. اما در ثالث آینده، انگیزه درگیری ها اساساً مذهبی خواهد بود و مذاهب رقیب را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد که هرگز از نظر اعتقادی با یکدیگر سازگار نبوده اند. فقط صلح و تجارت اجازه داده است که این توهم رشد کند. اما در زمان انتخاب شده توسط خدا، طبق مکاشفه 7: 2-3، جهان شمولی شیطانی که فرشتگان خدا در اختیار دارند آزاد می‌شود تا " به زمین و دریا آسیب برساند " یا نمادهایی که رمزگشایی می‌شوند ، " پروتستان ها و کاتولیک ها " که به عیسی مسیح بی وفا هستند . بسیار منطقی است که ایمان بی وفا مسیحی هدف اصلی خشم قاضی عادل عیسی مسیح است. همانطور که در عهد قدیم، اسرائیل به دلیل کفرهای مداوم خود تا نابودی ملی خود در سال 70 مجازات شد. به موازات این "

ششمین شیپور"، پیشگویی دان. 11:40 تا 45، با یادآوری "سه پادشاه" تأیید می‌کند. دلالت سه دین توحید: کاتولیک اروپایی، اسلام عرب و شمال آفریقا و ارتدکس روسی. درگیری با معکوس شدن اوضاع به دلیل مداخله پروتستانیسیم آمریکایی، که به عنوان پادشاه نامیده نشد، اما به عنوان یک دشمن بالقوه سنتی روسیه مطرح شد، پایان یافت. حذف قدرت های رقیب، دسترسی به آخرین سلطه خود را تحت عنوان «ت» باز می‌کند حیوانی که از زمین بالا می‌آید، «در مکاشفه 13:11 توضیح داده شده است. اجازه دهید مشخص کنیم که در این زمینه نهایی، مذهب پروتستان آمریکایی به یک اقلیت تبدیل شده است و مذهب کاتولیک رومی به دلیل مهاجرت های پی در پی اسپانیایی ها اکثریت را تشکیل می‌دهد. در سال 2022، رئیس جمهور ایرلندی الاصل خود مانند جان کندی، رئیس جمهور ترور شده، کاتولیک است.

در مکاشفه 18:4، در خدای قادر متعال، عیسی مسیح به همه کسانی که به او ایمان دارند و به برگزیدگانش امید دارند، فرمان می‌دهد که «از بابل بزرگ بیرون آیند.» «بابل» که با شواهدی در این اثر برای کلیسای کاتولیک رومی پاپ شناسایی شده است، به دلیل «گناهانش» مورد قضاوت و محکومیت قرار می‌گیرد. با وراثت تاریخی «گناهانش»، گناه کاتولیک به پروتستان ها و ارتدوکس ها نیز سرایت می‌کند که از طریق اعمال مذهبی خود، تعطیلات یکشنبه را که از روم به ارث رسیده‌اند، توجیه می‌کنند. خروج از بابل مستلزم ترک «گناهان» است که مهم ترین آنها، زیرا خداوند آن را «نشان» شناسایی قرار داده است: روز استراحت هفتگی، اولین روز هفته فرمان الهی، یکشنبه روم.

در این پیام، با توجه به اضطراب زمان، از پسران و دختران خدا می‌خواهم که منطقه شمالی فرانسه به مرکزیت پایتخت آن، پاریس را ترک کنند. زیرا به زودی مورد غضب خدا قرار خواهد گرفت و دچار «آتش از آسمان» خواهد شد، این بار هسته ای، مانند شهر «سدوم» که او آن را در مکاشفه خود در مکاشفه 11:8 با آن مقایسه می‌کند. او همچنین آن را با نام «مصر»، که تصویری نمادین از «گناه» است، به دلیل نگرش سرکشانه تعهد غیر مذهبی آن که با خدا مخالفت می‌کند، مانند فرعون در گزارش تاریخی خروج قوم عبری، نامیده است. در شرایط جنگی، با قطع و ممنوع بودن جاده ها، خروج از منطقه مورد نظر و فرار از فاجعه مرگبار غیرممکن خواهد بود.

ساموئل، خدمتگزار خدای زنده، عیسی مسیح

کسانی که می‌خواهند ابتدا آنچه در پایان این اثر ارائه شده است را کشف کنند، در درک اینکه چرا من تا این حد به ماهیت غیرقابل بازگشت ویرانی قریب الوقوع فرانسه و اروپا متقاعد شده ام، مشکل خواهند داشت. اما کسانی که آن را از آغاز تا پایان آن خوانده اند، در طول خواندن، شواهدی را که پیوسته روی هم انباشته می‌شوند، جمع آوری کرده اند، تا جایی که به آنها اجازه می‌دهند در نهایت در این اعتقاد تزلزل ناپذیر به اشتراک بگذارند که «روح خدا» در من و همه کسانی که متعلق به او هستند ساخته است. در حقیقت. تمام جلال از آن اوست.

غافلگیری های بد تنها از جانب کسانی خواهد آمد که سرسختانه از تشخیص قدرت بی نظیر او، بی شمارترین، و توانایی او برای رهبری همه چیز طبق برنامه اش تا رسیدن به موفقیت کامل سرباز می زنند.

من این اثر را در اینجا می بندم، اما الهامی که عیسی همچنان به من می دهد، همیشه در قالب پیام هایی که در اثر « مانای آسمانی آخرین راهپیمایان ادونتیست » ارائه می شود، یادداشت و ضبط می شود.